



بر نام خداوند جان و خرد





# شصت سال صبوری و شکوری

خاطرات دکتر ابراهیم یزدی

جلد ششم

آذر ۱۳۵۸ - آبان ۱۳۵۹

نماینده‌گی امام در حل اختلافات شهرستان‌ها

و

مدیریت مؤسسه کیهان



## فهرست

پیشگفتار .....	۱۹
فصل اول: در سیستان و بلوچستان .....	۲۳
گفتار یکم: صدور حکم امام خمینی و آمادگی برای انجام مأموریت .....	۲۵
حکم امام خمینی برای رسیدگی به بحران‌های شهرستان‌ها .....	۲۵
انتخاب اعضای هیئت .....	۲۷
خطوط اصلی مأموریت دکتر یزدی روشن شد .....	۲۸
در مأموریت تازه دکتر یزدی، شورای انقلاب با دکتر یزدی همکاری می‌کند .....	۳۰
دکتر یزدی خطوط مأموریت جدید خود را تشریح کرد .....	۳۳
گفتار دوم: گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان .....	۳۷
الف - گزارش‌های عمومی از وضعیت جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی استان سیستان و بلوچستان .....	۳۸
گزارش یکم: گزارش از منطقه .....	۳۸
خصوصیات جغرافیایی .....	۴۰
خصوصیات فرهنگی و اقتصادی .....	۴۱
خصوصیات شهرهای منطقه بلوچستان .....	۴۷
گزارش دوم: گزارش گمشادزهی از دانشگاه بلوچستان .....	۴۹
گزارش سوم: گزارش جواد مهدی خمک .....	۵۴
گزارش چهارم: نکاتی چند در باره اوضاع سیستان و بلوچستان قبل و ... ..	۶۰
۱- تضادهای موجود در منطقه .....	۶۰
۲- مسئله تولید و فرم کار در هر بخش .....	۶۱
۳- سطح هزینه و نقش پول در رابطه با زندگی مردم .....	۶۲

۶۳	۴- وجود خان‌ها و سردارها و تأثیر آنها در منطقه .....
۶۴	۵- روحانیت و مسئله شیعه و سنی .....
۶۵	۶- سطح فرهنگ و طرز فکر مردم .....
۶۶	۷- دانشگاه و مسائل وابسته به آن .....
۶۸	۸- کارها و اقدامات رژیم سابق و تأثیر آنها در طرز فکر و زندگی مردم .....
۷۰	۹- تسهیلات و مسائل رفاهی در سطح استان .....
۷۲	۱۰- ایمنی و امنیت منطقه .....
۷۳	اقدامات لازم و اصلاحی جهت تثبیت آرامش و امنیت منطقه .....
۷۳	الف- در کوتاه‌مدت .....
۷۷	ب- اقدامات بلندمدت .....
۷۸	گزارش پنجم: گزارش یک بلوچ علیه عیسی مبارکی .....
۷۹	گزارش ششم: نیروهای فعال در استان سیستان و بلوچستان .....
۸۳	گزارش هفتم: تشکیل پژوهشگاه تخصصی انقلاب و اعزام به ... ..
۸۴	گزارش مسافرت تحقیقی پژوهشگاه تخصصی انقلاب به منطقه سیستان (زابل) .....
۹۲	نامه پژوهشگاه تخصصی انقلاب به امام خمینی .....
۹۹	نامه پژوهشگاه تخصصی انقلاب به نماینده امام خمینی در سیستان و بلوچستان .....
	خلاصه گزارش و جمع‌بندی تحقیقات دوازده روزه گروهی از دانشجویان بومی و
۱۰۰	غیربومی از منطقه سیستان و بلوچستان .....
۱۰۶	علل ناامنی .....
	تشکیل جامعه فارغ التحصیلان سیستانی و بلوچ با هدف گرفتن پست‌های حساس در
۱۰۷	استان .....
۱۱۱	مقاله «گرایش به خشونت در بلوچستان» .....
۱۱۱	الف - نقش اجتماعی گروه‌های قومی .....
۱۱۲	ب - آشنایی اجمالی با قوم بلوچ .....
۱۱۶	ج - تحرکات سیاسی .....
۱۱۸	حادثه عیدگاه زاهدان .....

- د - نتیجه‌گیری ..... ۱۲۳
- ب - گزارش‌های نهادهای انتظامی و امنیتی از وضعیت استان و منطقه ..... ۱۲۴
- گزارش اول: گزارشی امنیتی؛ تاریخچه تحركات تجزیه‌طلبانه در بلوچستان و مداخلات جهانی ..... ۱۲۴
- گزارش دوم: گزارش ستاد كل ارتش از وضعیت استان سيستان و بلوچستان به نخست‌وزیری ..... ۱۳۳
- ۱- اوضاع جغرافی - سیاسی منطقه ..... ۱۳۳
- ۲- رقابت ابرقدرت‌ها در منطقه ..... ۱۳۳
- ۳- رویدادهای اخیر بلوچستان ایران ..... ۱۳۴
- ۴- اوضاع فعلی بلوچستان ..... ۱۳۵
- ۵- استراتژی فعلی شوروی در بلوچستان ..... ۱۳۶
- پیشنهادها ..... ۱۳۶
- گزارش سوم: گزارش وزارت دفاع ملی از منطقه سيستان و بلوچستان به نخست - وزیري ..... ۱۳۷
- بررسی وقایع اخیر منطقه سيستان و بلوچستان ..... ۱۳۷
- گزارش چهارم: نامی‌ها در کنارک و چابهار ..... ۱۳۹
- نامه‌ای از نخست‌وزیری به دکتر یزدی در باره نامی در کنارک ..... ۱۴۰
- نامه وزارت کشور به فرمانده ژاندارمری کشور درباره نامی‌های چابهار و کنارک ..... ۱۴۰
- نامه فرمانده ژاندارمری کشور به وزارت کشور در باره پیگیری یک قتل مسلحانه در کنارک ..... ۱۴۱
- گزارش پنجم: پیش‌نویس نامه دفتر نخست‌وزیری به مهندس چمران در باره امنیت شهر چابهار ..... ۱۴۱
- گزارش ششم: ناحیه ژاندارمری سيستان و بلوچستان در باره فعالیت حزب تحریک استقلال پاکستان ..... ۱۴۲
- گزارش هفتم: محرمانه ژاندارمری از فعالیت اعضای حزب نیشنال دموکرات پاکستان ..... ۱۴۲
- گزارش هشتم: ژاندارمری از اوضاع داخلی سيستان و بلوچستان ..... ۱۴۲
- گزارش نهم: گزارش اسلحه قاچاق در منطقه سيستان و بلوچستان به فروش می‌رسد ..... ۱۴۴

گزارش دهم: منطقه سیستان و بلوچستان ناآرام است	۱۴۴
گزارش یازدهم: منطقه سیستان و بلوچستان ناآرام است	۱۴۵
گزارش دوازدهم: بررسی وقایع اخیر منطقه سیستان و بلوچستان توسط معاونت	
عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش	۱۴۶
گزارش سیزدهم: گزارش ستاد نیروی زمینی - معاونت عملیات و اطلاعات	۱۴۸
گزارش چهاردهم: نامه رئیس شهربانی کل کشور به نخست‌وزیر در باره واکنش اهل	
سنت در توهین به معاویه	۱۵۲
گزارش پانزدهم: گزارش ژاندارمری کل کشور از اخبار برون‌مرزی به وزارت امور	
خارج	۱۵۲
گزارش شانزدهم: حمله به سپاه پاسداران نیچ‌شهر	۱۵۴
اطلاعیه سپاه پاسداران نامنی در سیستان و ترور سه پاسدار	۱۵۴
گزارش هفدهم: گزارش ژاندارمری کل کشور در باره شعارنویسی در شهرستان	
سراوان	۱۵۵
گزارش هجدهم: گزارش هنگ ژاندارمری زاهدان درباره خرید و فروش اسلحه	۱۵۶
گزارش نوزدهم: گزارش سرگرد مهرآیین در ستاد ارتش	۱۵۷
<b>پ - اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های گروه‌های فرهنگی - سیاسی</b>	۱۵۸
۱- اطلاعیه سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان برای دعوت مردم بلوچستان در	
پشتیبانی از مردم کردستان	۱۵۸
۲- اطلاعیه بامی استار (فداییان سیستان و بلوچستان) در باره خودمختاری، نقد	
همبستگی حکومت و خان‌ها و سرمایه‌داران	۱۵۹
۳- اطلاعیه انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ	۱۶۵
۴- نامه سرگشاده سازمان دموکراتیک بلوچستان به مهندس بازرگان-۱۳۵۸/۱/۲۲ ....	۱۶۵
۵- نامه جامعه آزادی‌خواه بلوچ به معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب، در باره نقش	
گروه‌های وابسته به شاه	۱۷۰
۶- نامه دانشجویان سیستان و بلوچستان در دانشگاه مشهد به امام خمینی و پیشنهاداتی	
در باره حل مشکلات آن استان و دستگیری ساواکی‌ها	۱۷۲



۷- اعلامیه‌های اتحاد المسلمین در مورد رفتارندوم .....	۱۷۴
تحریم رفتارندوم .....	۱۷۵
اعلامیه حزب اتحاد المسلمین در اعتراض به قانون اساسی و برخی از اصول سیاسی آن.....	۱۷۷
۸- گزارش‌های تحلیلی رادیو - تلویزیون ملی ایران از استان سیستان و بلوچستان.....	۱۷۸
۸- ۱- گزارش رادیو - تلویزیون ملی ایران از استان سیستان و بلوچستان .....	۱۷۸
۸- ۲- گزارش رادیو - تلویزیون ملی ایران از استان سیستان و بلوچستان .....	۱۸۴
مختصر آشنایی با بلوچستان .....	۱۸۴
راه‌ها و روابط .....	۱۸۷
بلوچستان پاکستان .....	۱۸۷
باز هم راجع به بلوچستان ایران .....	۱۸۹
۸- ۳- گزارش رادیو - تلویزیون ملی در باره سیستان و بلوچستان .....	۱۹۳
آشنایی با بلوچستان .....	۱۹۳
سیستان .....	۱۹۴
۹- گزارش‌های حزب جمهوری اسلامی از سیستان و بلوچستان .....	۱۹۵
۹- ۱- نامه نمایندگی حزب جمهوری اسلامی در زاهدان به امام خمینی در باره اوضاع سیستان و بلوچستان .....	۱۹۵
۹- ۲- گزارش تکان‌دهنده حزب جمهوری اسلامی دفتر زاهدان در باره قاچاق کالاهای ضروری .....	۱۹۷
۹- ۳- نامه حزب جمهوری دفتر زاهدان به دکتر یزدی در باره استان سیستان و بلوچستان .....	۲۰۰
۱۰- گزارش خانم پوران شریعتی از سیستان و بلوچستان.....	۲۱۰
۱۱- گزارش یک روحانی شیعه از وضعیت شیعیان در سراوان .....	۲۱۱
۱۲- گزارش مردمی در باره افراد و گروه‌های مشکوک در استان سیستان و بلوچستان.....	۲۱۵
۱۳- تلگرام گروهی از مردم زاهدان به امام خمینی در وفاداری به انقلاب اسلامی .....	۲۱۸
۱۴- نامه دانش‌آموزان سیستانی مقیم گرگان به رهبر انقلاب امام خمینی .....	۲۱۹
۱۵- یک گزارش مردمی از وضعیت کلی بلوچستان و نیازهای مبرم این منطقه .....	۲۲۰

گفتار سوم: بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان .....	۲۲۳
۱- گزارش به دفتر نخست‌وزیر در باره زاهدان .....	۲۲۳
۲- گردهمایی گروهی از کپرنشینان ایرانشهر، پس از اجتماع در فرمانداری .....	۲۲۴
۳- دستگیری خداداد ریگی .....	۲۲۵
۴- خواسته‌های مردم شهر دامن .....	۲۲۶
۵- ۱- فراخوان گردهمایی سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان از مردم ایرانشهر برای جلوگیری از انتقال لوازم لجستیکی پایگاه‌های نظامی چابهار و کنارک .....	۲۲۷
۵- ۲- اطلاعیه سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان .....	۲۲۸
۶- اعتراض به انتصاب و نفوذ افراد وابسته به حکومت و احزاب پیشین در پست‌های دولتی و اداری .....	۲۲۹
۷- راهپیمایی اعتراض‌آمیز در زاهدان .....	۲۳۰
۷- ۱- استاندار سیستان و بلوچستان به اظهارات مولوی عبدالعزیز پاسخ داد .....	۲۳۱
۷- ۲- استاندار سیستان و بلوچستان: حادثه آفرینان زاهدان از جاهای دیگر آمده بودند .....	۲۳۳
۸- حمله گروهی مهاجم به دو شعبه اخذ رأی در زاهدان .....	۲۳۳
۹- اعتراض به رفتار دوم و اشغال فرمانداری ایرانشهر .....	۲۳۵
۱۰- نامه استاندار سیستان و بلوچستان به وزارت دربار شاهنشاهی برای جبران خسارت‌های طایفه گرگیج .....	۲۳۶
نامه رئیس طایفه گورگیج به دکتر یزدی در باره پیگیری مطالبات این طایفه .....	۲۳۷
صورت‌جلسه سازمان‌های دولتی زاهدان در باره بازگشت زمین‌ها و خسارت‌های طایفه گرگیج .....	۲۳۹
تلگراف بزرگان بلوچ به نخست‌وزیر از هاری برای درخواست مطالبات طایفه گرگیج .....	۲۴۴
۱۱- خلاصه‌ای از مسائل و رویدادهای استان سیستان و بلوچستان از آرشیو روزنامه کیهان .....	۲۴۶
پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل یکم .....	۲۵۰

۴۶۹	فصل دوم: مأموریت در سیستان و بلوچستان
۴۷۲	بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بلوچستان
۴۸۹	وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سیستان
۴۹۱	عوامل تحریک در بحران
۴۹۳	محورهای اصلی بحران در بلوچستان
۴۹۵	دکتر یزدی امروز به سیستان و بلوچستان می‌رود
۴۹۵	دکتر یزدی همکاران خود را به امام معرفی کرد
۴۹۶	حرکت به زاهدان
۴۹۷	در مدرسه آیت‌الله طالقانی
۱۹۹	تیراندازی در عیدگاه
۵۰۰	در منزل مولوی عبدالعزیز
۵۰۵	بازتاب رویدادهای زاهدان از نگاه یک روزنامه‌چپ‌گرا
۵۰۶	زمینه‌های خارجی بحران
۵۰۷	مشکلات ناشی از عملکرد دادگاه انقلاب
۵۰۸	گردهمایی و گفتگوی معتمدین استان و انتشار اولین قطعنامه
۵۱۸	گفتگو در باره مطالبات
۵۲۲	گفتگوی خصوصی با مولوی عبدالعزیز و مصلح‌الدین
۵۲۳	گزارش سپاه پاسداران از سخنرانی دکتر یزدی و آشوب چپ‌ها
۵۲۴	نامه مصطفی میرسلیم، سرپرست وقت وزارت کشور به دکتر یزدی در باره تصمیمات استانی
۵۲۵	تیراندازی در عیدگاه: گزارش آقای مقدس‌زاده
۵۲۹	اقدامات شهید قلنبر در مقابل اشرار
۵۳۱	در خاش
۵۳۱	دکتر یزدی به خاش رفت
۵۴۰	در زابل
۵۴۴	پیشنهاد مولوی عبدالعزیز به عزالدین حسینی
۵۴۵	دکتر یزدی هنگام بازگشت به تهران اعلام کرد

۵۴۵	..... بازگشت به تهران و گزارش مأموریت
۵۴۸	..... سیستانی‌ها در آینده نزدیک کاندیداهای خود را معرفی خواهند کرد
۵۴۹	..... گزارش دکتر یزدی تسلیم امام شد
۵۵۰	..... گزارش به ملت
۵۵۱	..... جمع‌بندی کلی مسائل سیستان و بلوچستان
۵۵۱	..... زمینه‌ها و عوامل چالش و بحران در استان سیستان و بلوچستان
۵۵۱	..... ۱- ضعف فرهنگی
۵۵۱	..... ۲- فقر اقتصادی
۵۵۲	..... ۳- وضع جغرافیایی
۵۵۲	..... ۴- وضع سیاسی منطقه
۵۵۳	..... رئوس مسائل مربوط به سیستان و بلوچستان
۵۵۴	..... ادامه ارتباط با مولوی‌ها
۵۵۵	..... دیدار مولوی عبدالعزیز با امام خمینی
۵۵۶	..... اصل دوازدهم قانون اساسی ترمیم می‌شود
۵۵۶	..... گزارش به شورای انقلاب
۵۵۷	..... موافقت با ترمیم اصل ۱۲ قانون اساسی
۵۵۷	..... استقبال از ترمیم اصل دوازدهم قانون اساسی
۵۵۷	..... گامی در جهت وحدت و تفاهم
۵۵۸	..... دیدار با گروهی از علمای اهل تسنن در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹
۵۵۹	..... مصاحبه علمای اهل سنت با روزنامه کیهان
۵۶۲	..... شرکت در کمیسیون مشورتی در باره بلوچستان
۵۶۳	..... الف - اقدامات داخلی
۵۶۴	..... ب- اقدامات خارجی
۵۶۵	..... مقاله‌ای دردمندانه در پشتیبانی از پیشگامان راستین انقلاب
۵۷۰	..... پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل دوم
۵۸۹	..... زندگی‌نامه مولوی عبدالعزیز

فصل سوم: کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در دیگر شهرها .....	۶۰۱
الف- مأموریت در استان هرمزگان - بندر لنگه .....	۶۰۱
درگیری و زد و خورد در بندر لنگه - دی‌ماه ۱۳۵۸ .....	۶۰۲
تظاهرات مردمی در شهرهای بندری .....	۶۰۲
گزارش ژاندارمری کشور در باره درگیری‌ها در بندر لنگه .....	۶۰۳
سفر به بندرعباس و بندر لنگه .....	۶۰۵
گردهمایی شیعیان و سنیان و روسای شهر و گفتگو و توافق .....	۶۰۶
اجرای قطعنامه .....	۶۰۷
سخنرانی گردهمایی مردم بندر لنگه در ورزشگاه شهر .....	۶۰۷
نظم در بندر لنگه برقرار شد .....	۶۰۸
راهپیمایی اهالی قشم .....	۶۰۹
ادامه تعطیلی .....	۶۰۹
بندر لنگه آرام است .....	۶۱۰
نتایج مذاکرات و قطعنامه .....	۶۱۰
عامل اصلی حوادث خونین بندر لنگه شناخته شد .....	۶۱۲
۳۱ نفر به اتهام شرکت در حوادث بندر لنگه بازداشت شدند .....	۶۱۵
مردم بندر لنگه برای چیزهایی که ندارند دعوا می‌کنند .....	۶۱۸
دکتر یزدی: سپاه پاسداران و ژاندارمری حفظ نظم بندر لنگه را بر عهده می‌گیرند ....	۶۲۰
پایان مأموریت و بازگشت به تهران .....	۶۲۱
گزارش دکتر یزدی پس از مأموریت بندر لنگه، در یک مصاحبه مطبوعاتی .....	۶۲۲
گزارش روزنامه بامداد از برقراری آرامش و نظم در بندر لنگه .....	۶۲۳
نامه‌های گروه‌های مختلف اهل سنت بندر لنگه به امام خمینی و مسئولان کشور ....	۶۲۴
۱- نامه جماعت اهل سنت بندر لنگه .....	۶۲۴
۲- نامه جماعت سنت روستای گوریر .....	۶۲۶
۳- نامه جماعت اهل سنت روستای مهرکان و جباورد .....	۶۲۷
ب - رسیدگی به شکایات مردم قزوین - بهمن ۱۳۵۸ .....	۶۲۸
پیوست‌های گزارش قزوین .....	۶۳۰

۶۳۱	پ - ترکمن صحرا.....
۶۳۳	نظرخواهی در باره حوادث گنبد .....
۶۳۵	ت - بوشهر و بندر دیلم.....
۶۳۶	بندر دیلم و اعتصاب در بوشهر .....
۶۳۶	ث - مأموریت در تبریز .....
۶۳۹	ج - شکایات و مطالبات اعراب خوزستان.....
۶۴۱	سفر مهندس بازرگان به اهواز .....
۶۴۱	راهپیمایی در اهواز .....
۶۴۳	نامه مهندس بازرگان به آیت الله شبیر خاقانی .....
	برای بررسی خواست‌ها و تدوین قانون اساسی، دولت نمایندگان عرب زبانان را به
۶۴۴	تهران فراخواند .....
۶۴۵	شکایت اهالی گویم فارس .....
۶۴۷	پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل سوم .....
۶۸۳	<b>فصل چهارم: مدیریت مؤسسه کیهان</b> .....
۶۸۳	مقدمه .....
۶۸۴	<b>الف- پذیرش مسئولیت و آغاز کار در مؤسسه کیهان</b> .....
۶۸۴	۱- حکم رهبر انقلاب به دکتر یزدی برای مدیریت مؤسسه کیهان .....
۶۸۵	۲- روایت آقای حسین مهدیان از وضعیت کیهان در روزهای انقلاب .....
۶۸۷	۳- حضور در مؤسسه کیهان .....
۶۸۷	۴- تبریک شورای اتحاد روشندگان جراید .....
۶۸۷	۵- مؤسسه کیهان در خدمت فرهنگ اسلامی .....
۶۸۸	۶- مدیریت هیئت تحریریه .....
۶۸۹	۷- ملاقات مدیران سه مؤسسه مطبوعاتی در اطلاعات .....
۶۹۰	<b>ب- مدیریت جدید و اصلاحات اداری در کیهان</b> .....
۶۹۱	۱- سفارش مستقیم کاغذ روزنامه .....

۶۹۱	۲- استفاده بهینه از آواریه .....
۶۹۲	۳- خرید ژنراتور برق .....
۶۹۲	۴- بازنشسته کردن کامندان با بیست سال سابقه کار .....
۶۹۲	۵- طرح تهیه میکرو فیلم از آرشیو کیهان .....
۶۹۲	۶- ارتباط با جبهه‌های جنگ .....
۶۹۴	۷- انتشار کیهان انگلیسی و عربی .....
۶۹۴	۸- گزارش مالی کیهان .....
۶۹۶	۹- گزارش به رهبر انقلاب از وضعیت کیهان و درخواست انتقال اموال کیهان .....
۶۹۸	۱۰- درخواست موافقت با انتقال آقای شاکری به کیهان .....
۶۹۹	۱۱- نامه آقای محمد نجاتی دانش، بازرس ویژه مؤسسه کیهان .....
۷۰۱	۱۲- نامه تعدادی از اعضای شورای کارکنان اداری مؤسسه کیهان .....
۷۰۴	۱۳- نامه‌های آقای منصور تاراجی: اعلام آمادگی برای همکاری .....
۷۱۰	پ- دیدارهای دیپلماتیک در مؤسسه کیهان .....
۷۱۰	۱- ملاقات سفیر سودان با دکتر یزدی .....
۷۱۰	۲- ملاقات هیئت نمایندگی شیعیان لبنان با دکتر یزدی .....
۷۱۱	۳- ملاقات سفیر کویت با دکتر یزدی .....
۷۱۱	۴- ملاقات سفیر شوروی با دکتر یزدی .....
۷۱۱	۵- ملاقات رهبر بوداییان جهان با دکتر یزدی .....
۷۱۱	۶- دعوت جماعت اسلامی جامو و کشمیر از دکتر یزدی .....
۷۱۲	۷- برخی از دیدارها و سفرهای داخلی .....
۷۱۳	ت- نامه‌های اعتراضی به روزنامه کیهان .....
۷۱۳	قسمت اعتراض‌های شخصی .....
۷۱۳	۱- نامه آقای جمال شمیرانی .....
۷۱۵	۲- نامه آقای مصطفی رحیم‌زاده خویی .....
۷۱۶	قسمت اعتراض‌های سیاسی .....
۷۱۶	۱- اعتراض آقای سید حسین موسوی تبریزی .....
۷۱۸	۲- نامه‌ای در اعتراض به یکی از مطالب کیهان .....
۷۲۴	۳- نامه آقای سید علی اکبر صادقی .....

۷۲۴	۴- نامه بدون نام .....
۷۲۶	۵- پرونده‌سازی حزب توده علیه کیهان .....
۷۲۷	۶- اختلاف با حزب جمهوری اسلامی، بهانه حمله به کیهان .....
۷۲۷	۷- موضع‌گیری انجمن اسلامی کارکنان مؤسسه کیهان و نامه سرگشاده این انجمن به دکتر یزدی .....
۷۳۰	۸- نامه بی امضا .....
۷۳۱	۹- حمله هاشمی رفسنجانی به روزنامه کیهان .....
۷۳۱	۱۰- پاسخ به حمله آقای معصومی، نماینده شاهرود .....
۷۳۲	ث- حمایت برخی از شخصیت‌ها، نشریات و رسانه‌ها از کیهان .....
۷۳۲	۱- حمایت مدیر نشریه نهضت شمال از دکتر یزدی و روزنامه کیهان .....
۷۳۳	۲- نامه تشکر و حمایت سرتیپ فلاحی، جانشین ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران .....
۷۳۳	۳- نامه دکتر احمد نجات‌اللهی .....
۷۳۴	۴- نامه‌های شخصی برخی از همکاران .....
۷۳۵	ج- یادداشت‌های سردبیری .....
۷۳۶	۱- مقاله «مسئول کیست؟» .....
۷۴۳	۲- ماجرای سرمقاله «گزارش به موکلین: چرا به آیت‌رأی کبود دادم» .....
۷۴۳	مهر تأیید هزاران خواننده کیهان بر سرمقاله دیروز: «گزارش به موکلین» .....
۷۴۴	برخی از تأییدیه‌ها و نقدهای سرمقاله دکتر یزدی در باره دکتر آیت .....
۷۴۴	قسمت اول: تماس‌های تلفنی .....
۷۵۹	قسمت دوم: نامه‌ها .....
۷۹۰	جواب دکتر آیت به سرمقاله دکتر یزدی و شکایت او به دادستانی .....
۸۰۱	آیت علیه یزدی اعلام جرم کرد .....
۸۰۵	واکنش مردم نسبت به سخنان موهن آیت .....
۸۰۸	۳- جامعه‌شناسی یک رفع توقیف .....
۸۱۲	۴- چراغ سبز ایران به دول غرب .....



۸۱۵	..... چ- پایان کار در کیهان
۸۱۵	..... ۱- سه مقاله از ابراهیم یزدی که منجر به عزل ناگهانی وی از کیهان شد
۸۱۶	..... ۱- یادداشت روز: پاسداری قانون اساسی (۱)
۸۲۲	..... یادداشت روز: پاسداری قانون اساسی (۲)
۸۲۵	..... یادداشت روز: پاسداری قانون اساسی (۳)
۸۳۰	..... ۴- در ادامه بحث پاسداری از قانون اساسی: جامعه باز تنها راه رشد
۸۳۵	..... ۵- تغییر غیرعادی و شتابزده سرپرستی مؤسسه کیهان
۸۳۶	..... ۶- تغییر سرپرستی کیهان به روایت آقای خاتمی؛ سی و دو سال بعد
۸۴۸	..... ۷- نامه به آقای دکتر سیدمحمد خاتمی درباره تغییر ناگهانی مدیریت مؤسسه کیهان
۸۶۱	..... پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل چهارم
۸۷۷	..... نمایه



## پیشگفتار

۱- با پیروزی انقلاب در ایران، فضای آزاد سیاسی - اجتماعی بی‌سابقه‌ای به وجود آمد. هر دسته و گروه سیاسی یا مذهبی و دینی، فرصت این را یافت که افکار و اندیشه‌های خود را ابراز و تبلیغ نماید، اما این آزادی‌ها همزمان مشکلاتی را هم به وجود آورد که مهم‌ترین آنها، عدم تسامح و تساهل میان گروه‌های سیاسی، دینی و مذهبی بود. استبداد به‌عنوان یک «سامانه» یا نظام، تنها در مناسبات سیاسی محدود تعریف نمی‌شود، بلکه نظیر هر نظامی دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متناسب با بعد سیاسی نیز هست. انقلاب، استبداد را در بعد سیاسی آن سرنگون کرد، اما تغییر در ابعاد دیگر - بخصوص در ابعاد اقتصادی و فرهنگی - کار چندان آسان و ساده‌ای نیست.

۲- حاصل قرن‌ها سلطه استبداد در کشور ما، شکل‌گیری فرهنگ ویژه‌ای است که آن را در مجموع می‌توان، فرهنگ استبدادی نامید. یکی از عناصر فرهنگ استبدادی، یا استبداد فرهنگی، مطلق‌گرایی، مطلق‌بینی و مطلق‌خواهی است. در فرهنگ استبدادی، همه چیز و همه کس یا سفید سفید و یا سیاه سیاه هستند. اصل حاکم بر روابط سیاسی استبدادی، «یا با منی یا بر منی» است. همه یا دوست هستند یا دشمن؛ حد فاصلی وجود ندارد. این مطلق‌بینی و مطلق‌خواهی در روابط اجتماعی جامعه استبدادزده رایج است. اگرچه انقلاب در بعد سیاسی پیروز شده بود، اما نگرش مطلق‌خواهی بر روابط میان گروه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و دینی آنچنان حاکم بود که در مواردی کار به خشونت می‌گرایید.

۳- با پیروزی انقلاب و از بین رفتن یا کاهش قدرت دولت مرکزی، در نواحی مختلف ایران، آشوب‌ها و درگیری‌های کم و بیش گسترده‌ای پدید آمد. برخی از این ناآرامی‌ها نظیر کردستان، مطالبات قومی بودند. مطالبات خوزستان، اگرچه شکل قومی به‌خود گرفته بود، اما ریشه در تحریکات خارجی داشت. در برخی مناطق دیگر، نظیر

## ۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

بلوچستان و سیستان، اگرچه مطالبات قومی، با تحریک خارجی نیز همراه بود، اما محور یا بهانه اصلی، درگیری مذهبی - قومی میان بلوچ‌های سنی و سیستانی‌های شیعه بود. در بندر لنگه، علت اصلی، کم و بیش محلی و درگیری مذهبی شیعه - سنی بود. دلیل بسیاری از ناآرامی‌ها و شکایات مردمی، رقابت میان گروه‌های مختلف، روشنفکر و روحانی، روحانی سنت‌گرا با روحانی به اصطلاح مدرن و یا کمیته‌های مختلف انقلاب و غیره بود. دولت در هر مورد برای حل بحران کوشش می‌کرد، اما ابعاد درگیری‌ها آنچنان وسیع بود که دولت به تنهایی نمی‌توانست آنها را حل کند.

۴- بروز این مشکلات، نظام نوپای جمهوری اسلامی را با بحران‌هایی روبه‌رو کرده بود. دولت - چه دولت موقت و چه دولت شورای انقلاب - در وضعیتی نبود که بتواند کانون‌های بحران را به سرعت مهار و مشکل را حل کند. در این شرایط، سناریوهای ایجاد بی‌ثباتی در نظام نوپای جمهوری اسلامی، توسط قدرت‌های شکست‌خورده از انقلاب به اجرا گذاشته شد (شرح کامل این سناریوها در «شصت سال صبوری و شکوری، جلد چهارم خاطرات دکتر یزدی، تأسیس نظام جدید، شورای انقلاب و دولت موقت» آمده است).

برخی از این مشکلات، ریشه‌دار و پرسابقه بود و ارتباطی با استقرار جمهوری اسلامی در ایران نداشت، بلکه محصولی از انقلاب و در هم ریختن نهادهای سنتی بود. برخی از مشکلات به وجود آمده، نتیجه هر دو عامل یادشده بود. این مشکلات به‌صورت مشکلات بومی منطقه‌ای یا مشکلات ملی و درگیری‌های مذهبی شیعی - سنی بروز می‌کردند.

تحلیل اولیه ما از این مشکلات این بود که بعضی از آنها با کدخدانمشی در سطح محلی قابل حل هستند. یکی از مشکلات فرهنگی ما این است که همفکری، همگرایی و گفتگو میان خودمان را بلد نیستیم. سلطه سالیان دراز استبداد و ناامنی ناشی از آن، عملاً ما را درون‌گرا کرده است. با سقوط استبداد، ناگهان همه می‌خواهند سخن بگویند، اما همه متکلم وحده شده‌اند و به سخنان یکدیگر گوش نمی‌دهند. ما عموماً خود را حق مطلق می‌دانیم. فرهنگ استبدادی ما را مطلق‌بین و مطلق‌خواه کرده است. رفتار ما با دیگران، براساس «یا با منی یا بر منی» تنظیم می‌شود.

## پیشگفتار □ ۲۱

درگیری‌ها و مشکلات ناشی از این رفتارها را می‌توان با کمی صبر و حوصله حل کرد، ولی برای بعضی از مشکلات، نظیر برخوردهای مذهبی - که ریشه‌های عمیق تاریخی دارند - و یا مطالبات قومی انباشته‌شده در طول سالیان دراز سرکوب و محرومیت، راه حل کوتاه‌مدت سریع وجود ندارد. حل آنها نیاز به زمان و امکانات دارد. در این موارد تنها کاری که می‌توان کرد این است که از طریق گفتگوهای چندجانبه و درک طبیعت این نوع مشکلات و همدلی و همگامی، مانع از آن شویم که این مشکلات آنچنان عمیق و گسترده شوند که به بحران ملی تبدیل شوند.

۵- در تاریخ ۶ اسفند ۱۳۵۷ جمعی از روحانیان سیستان و بلوچستان به تهران آمدند و با آقای خمینی در مدرسه علوی دیدار کردند و در باره مسائل منطقه صحبت کردند، اما این جمع صرفاً روحانیان شیعه بودند که آقای کفعمی آنان را همراهی می‌کرد و از روحانیان اهل سنت کسی در میان آنان نبود. آقای کفعمی بعداً نماینده امام در سیستان و بلوچستان شد.

پس از این دیدار و با توجه به اخبار ناگواری که از آشوب‌ها و تشنجات بلوچستان منتشر می‌شد، آقای خمینی در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۹ طی حکمی به آقای خامنه‌ای مأموریت داده بودند که به استان سیستان و بلوچستان بروند و به خواست‌های اهالی رسیدگی نمایند و انتظارات مردم را برای ایشان و اولیای امور گزارش دهند (صحیفه امام جلد ششم، ص ۴۳۹) اما از اقدامات ایشان و نتایج آن چیزی منعکس نشده است.

۶- در چنین شرایطی، در یکی از دیدارهایم با آقای خمینی در این باره صحبت کردیم. با توجه به اینکه همکاری با دولت شورای انقلاب را نپذیرفته بودم، ایشان از من خواستند به‌عنوان نماینده ویژه ایشان به شهرهای آشوب‌زده بروم و سعی کنم با رسیدگی به شکایات مردم، آنها را آرام سازم، اما این کار ساده‌ای نبود. بعد از چند روز فکر کردن و مشورت، بالاخره پذیرفتم و ایشان در تاریخ ۲۰ آذرماه ۱۳۵۸ برابر با ۲۱ محرم ۱۴۱۰ یعنی حدود کمی بیشتر از یک ماه بعد از استعفای دولت موقت، طی حکمی این مأموریت را به من واگذار کرد.

۷- اعلام این مأموریت با استقبال مردمی روبه‌رو شد. از شهرستان‌های مختلف با من تماس می‌گرفتند و دعوت می‌کردند برای حل مشکلاتشان به شهر و استان آنها

## ۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

سفر کنم. اولین سفر من در راستای این مأموریت به استان سیستان و بلوچستان بود که با موفقیت چشمگیری انجام شد. دومین مأموریت به بندر لنگه، سپس قزوین و پس از آن در تبریز بود. در این دفتر، شرح هر یک از آن سفرها را جداگانه خواهم آورد.

فصل اول  
در سیستان و بلوچستان





گفتار یکم

## صدور حکم امام خمینی و آمادگی برای انجام مأموریت

حکم امام خمینی برای رسیدگی به بحران‌های شهرستان‌ها - روزنامه‌ی اطلاعات،

۱۳۵۸/۹/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی

شکایات بسیاری از استان‌های مختلف کشور رسیده است. جناب‌عالی که مورد اعتماد این‌جانب می‌باشید، مأمور می‌باشید با هیئتی که به این‌جانب معرفی خواهید نمود به استان‌های کشور سرکشی نموده، پس از رسیدگی به شکایات مردم از موارد اختلاف و اشخاص مختلف، گزارش تهیه نمایید تا در باره آنان تصمیم مقتضی گرفته شود تا در محاکم صالحه رسیدگی و متخلفین مجازات شوند. لازم است در هر نقطه با علماء اعلام و معتمدین محل تماس گرفته و با همکاری آنان مأموریت را انجام دهید. بدیهی است تمام قشرهای مختلف کشور در این امر مهم از هیئت ویژه پشتیبانی می‌نمایند و موضوعات مورد اختلاف را با این هیئت مطرح می‌نمایند.

تاریخ: ۲۰ آذر ۱۳۵۸ - ۲۱ محرم الحرام ۱۴۰۰

روح الله الموسوی خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب سرکار ابراهیم یزدی

شاید بسیار از اینها متخلف گشته باشید است جناب که مورد  
اعمال اینجانب میباشد ما مورین شید با اینی که با اینجانب معرفی  
خواهد نمود بابت نهادن گواهی نمودن در این مورد که بابت مردم  
در موارد مختلف و در اینها مختلف گزارش نمائید تا در این  
تعمیم تقصیر گرفته شود تا در محاکم صالحه رسیدگی و تعیین مجازات  
نموده است در هر نقطه با علم و حکم و تعیین هر تا سر گرفته و با علم  
آنانی ما موریت را انجام دهید بر این است تا در اینها مختلف  
در این امر هم از جهت ویژه استیجاب نماید در موضوعات مورد  
اختلاف را با این جهت مطرح نمائید تا در این ۲۰ اردیبه ۵۸

۴۱ ص ۱۰۰ (۱۰۰)  
۲۸ اردیبه ۱۳۳۷

[برای توضیحات بیشتر به پیوست ۱ مراجعه شود.]

### انتخاب اعضای هیئت

پس از دریافت حکم این مأموریت، بر طبق نظر آقای خمینی، هیئتی مرکب از آقایان مهندس امیر میرخانی، حاج فتوت، توکلی بینا و یارجانی را به ایشان معرفی کردم. آقای فتوت را از سال‌ها قبل، در دوران فعالیت در نهضت مقاومت ملی می‌شناختم. ایشان در خیابان خیام روبه‌روی پاچنار مغازه‌خیزی داشت و با نهضت همکاری می‌کرد. در مغازه‌اش زیر زمینی داشت که وسایل چاپ نشریات را در آنجا راه انداخته بودیم. یکی از دوستان ایشان هم که کارمند اداره مرکزی پست بود و خانه‌اش در کوچه پشت مغازه آقای فتوت بود، با ما همکاری می‌کرد. پس از انقلاب، در اولین دیدارها، دوستی و خاطرات قدیم زنده شد. آقای فتوت، انسانی وارسته و از همه مهم‌تر، دارای آرامش، تسلط بر هیجانات و فرد خونسردی بود. این ویژگی‌ها برای این نوع مأموریت‌ها بسیار ضروری است. با آقای توکلی بینا در جریان فعالیت‌های پس از انقلاب آشنا شده بودم. ایشان با هیئت‌های مؤتلفه نزدیک بود و حضورش در هیئت از نظر تعادل سیاسی مفید بود. آقایان میرخانی و یارجانی از اعضای فعال انجمن‌های اسلامی و از اعضای گروه سیاسی در ستاد انقلاب در نوفل‌لوشاتو بودند. در این سفر همچنین پسر یوسف و نیز آقای مهدی وفاجو، پاسدار و محافظم ما را همراهی می‌کردند.

یکی از اولین اقدامات، جمع‌آوری اطلاعات و اخبار ناآرامی‌ها و تشنجات در شهرهای مختلف ایران و اعلامیه‌ها و اقدامات گروه‌های سیاسی ایجادکننده این تشنجات بود. آرشیو بسیار خوبی جمع‌آوری شد. امیدوارم فرصتی فراهم شود تا با استفاده از این آرشیو بتوان تصویری از اوضاع ایران، حد اقل در سال اول انقلاب و ذهنیت دور از واقع‌بینی گروه‌های سیاسی را، ارائه داد. در مشورت‌های اولیه با رهبر انقلاب و اعضای هیئت به این تفاهم رسیدیم که اگرچه بخشی از ناآرامی‌ها نتیجه تحریکات خارجی است، اما راه حل این ناآرامی‌ها استفاده از زور و اسلحه نیست. هدف تحریک‌کنندگان این ناآرامی‌ها در مرحله اول ایجاد درگیری و سپس ادامه و گسترش آن است. در شرایط متلاطم پس از پیروزی انقلاب و متلاشی شدن یا فلج شدن نهادهای نظامی و امنیتی، درگیری‌های مسلحانه به ضرر جمهوری اسلامی است.

## ۲۸ □ شخصت سال صبوری و شکوری

بهترین گزینه در این موارد، نشست و گفتگو کردن با ناراضیان و جلوگیری از هر گونه درگیری است. دلیل بسیاری از درگیری‌ها، ناراضی‌ها و اعتراضات اولیه، موضوعات بسیار ساده‌ای هستند که با گفتگو می‌توان آنها را به راحتی حل کرد، اما وقتی درگیری پیش می‌آید - بخصوص اگر تلفاتی هم پیدا کند - موضوع اولیه و اصلی فراموش می‌شود و مسائل ثانوی، موضوع جنگ و جدال می‌شود. توافق کردیم در گفتگوهایمان، در هر جا که می‌رویم با صراحت و صداقت برای مردم روشن کنیم که هرگز وعده نمی‌دهیم که همه مشکلات آنها را بتوانیم حل کنیم. نه دم عیسی را داریم و نه با عصای موسی و ید بیضا آمده‌ایم که هر آنچه را می‌خواهند فوراً حل کنیم، اما قول می‌دهیم و آماده‌ایم با صبر و حوصله به شکایات آنان گوش بدهیم و با تمام توان برای حل آنها کوشش کنیم. با چنین ذهنیت و مقدمه‌ای کارمان را شروع کردیم.

### خطوط اصلی مأموریت دکتر یزدی روشن شد

دکتر ابراهیم یزدی که طبق دستورنامه امام خمینی مأمور رسیدگی به شکایات و مشکلات مردم در استان‌ها و شهرستان‌های کشور شده است، در گفتگویی، در مورد نقطه شروع مأموریت خود گفت: البته می‌دانید که مسئله آذربایجان، مازندران، سیستان و بلوچستان هست و من فعلاً مشغول مطالعه هستم که ببینم وضع کدام یک از استان‌ها ایجاب می‌کند که در دستور کار فوری قرار بگیرد. در جریان مسائل آذربایجان هم قرار دارم و امیدوارم این هیئتی که رفته است با موفقیت کار خود را تمام کند، ولی در مورد بعضی از استان‌های دیگر من مشغول مطالعه و بررسی پرونده‌های مربوط به آن استان‌ها هستم، تا بعد تصمیم بگیریم که کدام یک از آنها ضروری‌تر است که اول از آنجا شروع کنم.

دکتر یزدی در مورد ترکیب اعضای هیئت خود گفت: انتخاب آنها هنوز قطعی نشده و از امروز صبح، مطالعاتی را شروع کرده‌ام. در این رابطه با افرادی که به اعتقاد خودم شایسته هستند و می‌توانند در یک چنین هیئتی با هم همکاری داشته باشیم، مذاکره کرده‌ام و شاید ظرف ۲۴ ساعت آینده اعضای هیئت را به امام معرفی کنم.

## ۲۹ □ صدور حکم امام خمینی و آمادگی برای انجام مأموریت

دکتر یزدی در مورد چگونگی بررسی مشکلات مردم و نحوه تماس با آنها گفت: برای بررسی مشکلات، یک رابطه دوجانبه و دوطرفه به وجود می‌آوریم و آنچه که می‌توانم پیش‌بینی کنم این است که دفتری در تهران داشته باشیم تا مردم مشکلات خود را به آنجا بدهند و یک دفتر هم در قم داشته باشیم. دیگر اینکه برای شنیدن شکایات و مشکلات مردم ما به سراغ آنها می‌رویم و به هر استان که برویم، در یک زمان و مکان معینی که مثلاً در مسجد یا در استانداری تعیین می‌کنیم، مردم در مدت تعیین شده، مراجعه می‌کنند و شکایات خود را مطرح می‌کنند.

### چگونگی کار

دکتر یزدی در مورد چگونگی کار این هیئت، برای جلوگیری از دوباره کاری و تداخل وظایف هیئت با دیگر ارگان‌ها و سازمان‌های مسئول گفت: چگونگی کار به آن صورت نیست که تداخل ایجاد شود. ما دخالتی نمی‌کنیم؛ راهنمایی می‌کنیم که شکایاتی که مربوط به دادگستری است باید به دادگستری مراجعه شود. دکتر یزدی در ادامه این گفتگو که در دومین روز مأموریت جدیدش انجام می‌گرفت، گفت: این هیئت، هم به شکایات مردم از دستگاه‌های دولتی و اجرایی و هم مسائل و اختلاف‌های محلی و منطقه‌ای و استانی رسیدگی خواهد کرد و شکایات مردمی را که پس از مراجعه به دستگاه‌های دولتی و اجرایی نتیجه‌ای به دست نیاورده‌اند، یا از طرز کار آنها شکایتی دارند، رسیدگی خواهد کرد و هم اینکه در مورد مسائل و اختلاف‌هایی که در سطح محلی و استانی مثل آذربایجان و نظایر آنها پیش می‌آید رسیدگی خواهد کرد و قبل از اینکه مسئله به صورت حاد و بحرانی درآید، آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد تا مسئله قبل از آنکه قضایا بحرانی شود، حل شود. دکتر یزدی در باره اینکه گزارش کار خود را به چه مرجعی خواهد داد، گفت: همان‌طوری که امام در دستورشان روشن کردند، ما این گزارش را تهیه می‌کنیم و با امام مطرح می‌کنیم، ولی برای انجام موفقیت‌آمیز این‌گونه مسائل، همکاری لازم باید با شورای انقلاب و وزارتخانه‌های مربوطه باشد. مسائل را با آنها هماهنگ خواهیم کرد.

## ۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

### اولویت‌ها

وی در مورد اولویت مسائل گفت: مسائل دو گونه هستند: مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی. مشکلاتی که مثلاً در حال حاضر در آذربایجان یا سیستان و بلوچستان هست، ماهیتاً سیاسی است. بعضی از مسائل اجتماعی است، مثل گرفتن زمین‌ها و اشغال منازل و شکایاتی که مردم در این زمینه دارند.

دکتر یزدی گفت: امروز صبح (دیروز) اولین نامه از بختیاری‌ها به دست من رسید. این نامه مربوط به خسارات زلزله، نبودن آب و برق و خانه بود. این چنین نیازهایی را ما بررسی می‌کنیم.

ماهیت این مأموریت این است که ما بتوانیم در خارج از محدوده و روابط اداری، برخی از مشکلات مردم را حل کنیم و برای آنها راه‌یابی کنیم و جلوی بعضی از تعدیات را بگیریم؛ یا برخی از نیازهای مردم را ریشه‌یابی کنیم و با پیشنهاد و نظریات خودمان به مسئولین امور بدهیم تا آنها بتوانند عمل کنند (روزنامه اطلاعات).

### در مأموریت تازه دکتر یزدی، شورای انقلاب با دکتر یزدی همکاری می‌کند

دکتر محمد بهشتی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و سیدعلی خامنه‌ای که شب گذشته به‌منظور مذاکره در باره پاره‌ای از مسائل جاری مملکتی، به حضور امام خمینی در قم رسیدند، در پایان دیدارشان در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس در قم، در زمینه ملاقاتشان مطالبی اظهار داشتند.

دکتر بهشتی گفت: دیدار و ملاقاتمان با امام امت، مثل همیشه پر بار و پر ثمر بود. مگر می‌شود ما به خدمت امام برسیم و ملاقات داشته باشیم و پر ثمر نباشد؟

وی گفت: مسائل کلی مملکت، به‌ویژه مسئله آذربایجان را به اطلاع امام خمینی رساندیم. وی سپس اعزام هیئتی از سوی شورای انقلاب به‌منظور بررسی مسئله آذربایجان اشاره کرد و گفت: مذاکرات این هیئت، در تبریز خوب بوده و جو شهر را به نسبت خوب کرده‌اند. ما به حل مسئله امیدوار هستیم و در عین حال خداوند است که از غیب خبر دارد و آینده را می‌داند.

### ۳۱ □ صدور حکم امام خمینی و آمادگی برای انجام مأموریت

دکتر بهشتی، آنگاه در پاسخ به این سؤال که آیا شورای انقلاب، با مقامات صاحب‌نظر حقوق بین‌الملل، پیرامون بحران روابط ایران و آمریکا تماس گرفته و یا مذاکره‌ای انجام داده است یا خیر؟ گفت: برای رسیدگی به اسناد و مدارکی که در زمینه دخالت‌های ناروای آمریکا در امور داخلی ایران و نیز ستم‌هایی که به ما وارد شده است، وجود دارد. یک هیئت‌منصفه جهانی بایستی به آن رسیدگی کند و بنابراین، مسئله خیلی مهم است و ما نیز در صدد تهیه مقدمات این کار هستیم. وی در مورد اینکه آیا تصمیمات جدیدی در مورد گروگان‌ها از سوی شورای انقلاب اتخاذ شده است یا خیر، گفت: مگر از تصمیمات مطلع نیستید؟ تصمیمی که اعلام نشده باشد، خیر. هر تصمیمی که تاکنون گرفته شده، اعلام گردیده است.

### جهاد سازندگی

خبرنگار خبرگزاری پارس سؤال کرد: اخیراً اعتباری به مبلغ یک میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون تومان در اختیار جهاد سازندگی قرار گرفته است. آیا برنامه خاصی برای این اعتبار البته به جز کارهایی که جهاد سازندگی تاکنون انجام داده است، در نظر گرفته شده است؟ دکتر بهشتی گفت: به من گفته بودند جهاد سازندگی طرح‌های تهیه شده فراوانی در نقاط مختلف کشور در دست اجرا و بررسی دارد که به دلیل کمبود اعتبار مالی، اجرا نشده است؛ به همین جهت تأمین اعتبار مالی کافی برای آنها در نظر گرفته شد و امروز (چهارشنبه) پانصد میلیون تومان آن به جهاد سازندگی حواله شد تا بتوانند به استان‌ها بدهند و همه جا را از کارهای سازنده فعال کنند؛ حتی این اعتبار تا اوایل هفته آینده به شهر قم هم خواهد رسید.

### در کردستان

دکتر بهشتی در پایان، در پاسخ به این سؤال که آیا از اقدامات جدید هیئت ویژه کردستان، خبر جدیدی دارد یا خیر؟ گفت: کار آنها در آغاز است و من نمی‌توانم در باره نتیجه کارشان الآن چیزی بگویم.

## ۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

سپس آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی به پرسش‌های خبرنگار خبرگزاری پارس، در قم پاسخ گفت. وی در پاسخ به این سؤال که از نتیجه مذاکرات هیئت اعزامی به کردستان با سران کُرد، چه مطالبی برای گفتن دارید، اظهار داشت: اطلاع خاصی نداریم و مطالب همان مقدار است که در رسانه‌های گروهی انتشار یافته است و اصولاً حضور این هیئت در منطقه و رسیدگی به خواسته‌های مردم و اطلاع از وضع آنان، خود نتایجی دارد که بسیار مفید است. نظر این هیئت این است که بیشتر با مردم در تماس باشد تا ببیند ضعف‌ها و نارسایی‌ها چیست؟ تا آن چیزی که مردم را ناراحت کرده برطرف شود و یک مقدار مردم را آگاه و روشن کند تا هر چیزی در وقت خودش انشاءالله انجام شود و در کارها سرعت بیشتری پدید آید، تا موجبات رضایت مردم فراهم گردد. البته مسئله کردستان دارای ابعاد مختلف است و آنچه برای ما مهم است، آرامش منطقه و رسیدگی به خواسته‌ها و نیازهای اهالی است که البته با انجام این کارها، دیگر مسائل به خودی خود حل می‌گردد.

### بنیاد مستضعفان

خبرنگار از آیت‌الله موسوی اردبیلی سؤال کرد: شما که در رأس بنیاد مستضعفان قرار دارید تاکنون چه کارهایی برای مردم مستضعف انجام داده‌اید؟  
وی گفت: بنیاد مستضعفان برای رفاه مستضعفین به وجود آمده تا اگر امکاناتی به دست آورد، به نفع مستضعفین اسلامی از آن استفاده بشود. مثلاً زمین‌ها و خانه‌های مسکونی که در اختیار این بنیاد است، در اختیار بنیاد مسکن [و] وزارت مسکن قرار گیرد تا از این کانال‌ها، در اختیار مستضعفان امت قرار گیرد؛ یا اگر امکانات مالی در اختیار دارد، از طریق کانال «کمیته امداد»<sup>۱</sup> و نظایر آن، به کمک مستضعفین بشتابد و یا احیاناً زلزله‌ای روی داد به کمک مردم برود. به‌عنوان مثال در بندر جاسک، مردم آب آشامیدنی ندارند؛ لذا مهندسین بنیاد به این بندر اعزام شدند تا پس از مطالعات کافی، آب آشامیدنی مردم این بندر تأمین شود. وی گفت: در منطقه زلزله‌زده خراسان نیز،

۱. نام درست آن «کمیته امداد امام خمینی» است. (ویراستار)



### ۳۳ □ صدور حکم امام خمینی و آمادگی برای انجام مأموریت

اقدام به تأسیس دو روستا با ۴۰۰ تا ۴۵۰ واحد مسکونی شده است و همچنین بنیاد مستضعفین، تعمیر و مرمت در حدود ۳۰ کیلومتر راه را در این منطقه انجام داده است. سرپرست بنیاد مستضعفان، در پایان در پاسخ این سؤال که آیا از مأموریت جدید دکتر ابراهیم یزدی اطلاع دارید و آیا شورای انقلاب با وی چه همکاری‌هایی خواهد داشت، گفت: دکتر ابراهیم یزدی مستقیماً از سوی امام مأموریت پیدا کرده است و شورای انقلاب با وی طبعاً همکاری لازم را خواهد داشت؛ چون تمام ارگان‌های مملکتی بایستی با یکدیگر همکاری نزدیک داشته باشند (روزنامه اطلاعات) [به پیوست ۲ مراجعه شود].

#### دکتر یزدی خطوط مأموریت جدید خود را تشریح کرد

دکتر ابراهیم یزدی که روز گذشته به فرمان امام خمینی مأمور رسیدگی به شکایات و مشکلات مردم در استان‌ها و شهرستان‌های کشور شده است، در پاسخ پرسش خبرنگار خبرگزاری پارس در مورد نقطه شروع مأموریت خود گفت: البته می‌دانید که مسئله آذربایجان، مازندران، سیستان و بلوچستان هست و من فعلاً مشغول مطالعه هستم که بینم وضع کدام یک از استان‌ها ایجاب می‌کند که در دستور کار فوری قرار بگیرد. در جریان مسائل آذربایجان هم قرار دارم و امیدوارم این هیئت که رفته است با موفقیت کار خود را تمام کند، ولی در مورد بعضی از استان‌های دیگر من مشغول مطالعه و بررسی پرونده‌های مربوط به آن استان‌ها هستم تا بعد تصمیم بگیرم که کدام یک از آنها ضروری‌تر است که اول از آنجا شروع کنم.

دکتر یزدی در مورد ترکیب اعضای هیئت خود گفت انتخاب آنها هنوز قطعی نشده و از امروز صبح مطالعاتی را شروع کرده‌ام و در این رابطه با افرادی که به اعتقاد خودم شایسته هستند و می‌توانند در یک چنین هیئتی با هم همکاری داشته باشیم، مذاکره کرده‌ام و به مذاکرات خود نیز ادامه می‌دهم و شاید ظرف ۲۴ ساعت آینده اعضای هیئت را به امام معرفی کنم.

دکتر یزدی در مورد چگونگی بررسی مشکلات [گفت:] یک رابطه دوجانبه و دوطرفه به وجود می‌آوریم و آنچه که می‌توانم پیش‌بینی کنم این است که دفتری در

## ۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

تهران داشته باشیم تا مردم مشکلات خود را به آنجا بدهند و یک دفتر هم در قم داشته باشیم و دیگر اینکه برای شنیدن شکایات و مشکلات مردم ما به سراغ آنها می‌رویم و به هر استان که برویم در یک زمان و مکان معینی که مثلاً در مسجد یا در استانداری تعیین می‌کنیم مردم در مدت تعیین شده مراجعه می‌کنند و شکایات خود را مطرح می‌کنند.

وی در مورد زمینه انتخاب خود برای این مأموریت - با توجه به دور بودنش از کشور - گفت: درست است که من سال‌ها دور از ایران به سر برده‌ام، ولی هرگز از ایران دور نبوده‌ام و این‌طور نبوده که از مسائل ایران دور باشم. [آگاه] بودن من از متن مسائل ایران شاید کمتر از کسانی که در داخل ایران بوده‌اند، نباشد و اطلاعاتی که من از داخل ایران داشتم بعضاً کامل‌تر از اطلاعات برخی از دوستان بود که در داخل ایران بوده‌اند. اخبار از جهات و جنبه‌ها و مراکز مختلف به ما می‌رسیده و ما می‌توانستیم مجموعه‌ای از اطلاعات را در اختیار داشته باشیم؛ کما اینکه گزارشاتی که از مسائل مختلف ایران من جمله وقایع ۱۷ شهریور یا غیره انتشار دادیم از جمله کامل‌ترین اطلاعات بود. وی افزود: ما در متن جریان‌ات ایران بوده‌ایم، اما برای اینکه بشود یک چنین مأموریتی را افرادی انجام دهند سوابق افراد، اعتقاد به دیانت‌شان، مورد اعتماد بودن آنها، مدیریت و کارایی‌شان مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد. بخصوص قابلیت برای سخن گفتن با مردم و حرف زدن با مردم و ارتباط فکری با مردم برقرار کردن به طوری که بتواند درد دل مردم را درک کند و بفهمد، اینها مسائلی است که برای رفتن به چنین مأموریت‌هایی لازم است و امام با توجه به این مسائل، این مأموریت را به من محول کرده‌اند. البته موضوع این مأموریت از دو سه هفته پیش مطرح بود تا اینکه دیروز که در قم بودم، امام صحبت کردند و تصمیم نهایی خودشان را ابلاغ کردند و من امیدوارم در این مأموریت بتوانم باری از دوش مردم بردارم و در راه انقلاب اسلامی خدمتی بکنم و موجب رضای خدا و خلق خدا و امام امت را فراهم کنم.

دکتر یزدی در مورد انتظارات خود از مردم گفت: انتظاری که من از مردم در انجام این مأموریت دارم اولاً همکاری مردم است، ثانیاً صبر و حوصله در این همکاری برای

### ۳۵ □ صدور حکم امام خمینی و آمادگی برای انجام مأموریت

رفع مشکلات. سوم اینکه در هر نوع ایراد و اشکال و شکایت و انتظاری حق را بالاتر از هر چیز بدانند [پیوست ۳].  
اولین مأموریت به درخواست و دعوت مردم به سیستان و بلوچستان و در ادامه به بندر لنگه، قزوین و سپس به تبریز رفتیم. گزارش هر یک از این سفرها در بخش‌های زیر آمده است.



## گفتار دوم

### گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان

#### از بهمن ۱۳۵۷ تا آذر ۱۳۵۸

پیش از آغاز خاطرات و اقدامات سفر مأموریتی استان سیستان و بلوچستان، باید یادآوری کنم که این استان از همان ماه‌های آغاز پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ به دلیل ویژگی‌های فرهنگی، موقعیت جغرافیایی، خاستگاه قومیتی، گرایش‌های مذهبی و توسعه‌نیافتگی شدید اقتصادی - فرهنگی برجامانده از حکومت پیشین، از جمله استان‌هایی بود که دچار تنش‌ها و کشمکش‌های فراوانی بود: مانند آنکه گروه‌های سیاسی چپ فعالیت گسترده‌ای را در آنجا آغاز کرده بودند؛ تجزیه‌طلبان قومی، فرصت‌طلبان یافتن بودند؛ اختلافات مذهبی و اعتراض به تبعیض‌های مذهبی تشدید شده بود؛ قاچاق انواع کالا از مرزهای خشکی و دریایی افزایش یافته و شرایط پیچیده‌ای در این استان حاکم شده بود؛ از این رو، مورد توجه دولت و نهادهای دولتی و برخی گروه‌های اجتماعی قرار گرفت. در همین راستا چنان‌که گزارش‌ها و اخبار رسیده به دولت طی ماه بهمن ۱۳۵۷ تا آذر ۱۳۵۸ نشان می‌دهد، هر یک از گروه‌ها و نهادهای مذکور در پی چاره‌اندیشی برای حل مشکلات این استان برمی‌آمدند. بیشتر گزارش‌های رسیده به دولت، افزون بر چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی به ریشه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و قومی در این ناحیه نیز می‌پرداختند و هر یک به فراخور نگرش خود راهکارهایی را نیز پیشنهاد می‌دادند. این گزارش‌ها - چه زمانی که من در معاونت امور انقلاب در نخست‌وزیری بودم و چه پس از آن - همچنان به دولت می‌رسید و زمانی که من از سوی امام خمینی مأمور حل مسائل و اختلافات استانها شدم به من ارجاع داده می‌شد. اینک شماری از آن گزارش‌ها را که

## ۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

بایگانی کرده و نگه داشته‌ام در اینجا می‌آورم. این گزارش‌ها از سویی فرازی از تاریخ این استان به شمار می‌روند و از سوی دیگر، نشانگر موقعیت و شرایط حساسی است که من در آن مقطع زمانی در آن قرار گرفته بودم.

در مجموع از بهمن ۱۳۵۷ تا اول آذر ۱۳۵۸ چهار گونه گزارش و فعالیت دربارهٔ استان سیستان و بلوچستان در دست داریم: اولین دسته، گزارش‌های عمومی با نگرش علمی - فرهنگی و شناخت‌شناسی موقعیت‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی بود. این دسته از گزارش‌ها اعم از اینکه به صورت شخصی و از سوی اشخاص حقیقی تهیه شده بودند، یا از سوی نهادها و گروه‌ها، بیشتر جنبهٔ تهیه شده شناختی و نشان دادن راهکار و راهبرد داشتند و بدون در نظر گرفتن اختلافات و منافع سیاسی و مانند آن فراهم شده بودند. دستهٔ دوم، گزارش‌های مربوط به اقدامات گروه‌های سیاسی - فرهنگی و مذهبی بود که هر یک به گونه‌ای به بحران و چالش دامن می‌زد؛ دستهٔ سوم، گزارش‌های نهادهای سیاسی و امنیتی بود و دستهٔ چهارم، بیانه‌های سیاسی گروه‌های فرهنگی - سیاسی که طی این مدت صادر شده بودند.

### الف- گزارش‌های عمومی از وضعیت جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

#### استان سیستان و بلوچستان

#### گزارش یکم: گزارش از منطقه<sup>۱</sup>

##### مقدمه

استان سیستان و بلوچستان یکی از محروم‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین استان‌های کشور است. مردم منطقه در گذشته، علاوه بر محروم بودن از طبیعی‌ترین و ابتدایی‌ترین نیازهای انسانی، همیشه مورد ظلم و ستم و کشت و کشتار حکومت‌های مرکزی قرار گرفته‌اند. نسل کنونی بلوچ آنچه از گذشتگان خود شنیده است چیزی جز اشغال‌های نظامی و به توپ بستن شهرها و دهات و قلاع توسط نظامیان حکومت مرکزی نبوده (آخرین کشتار وحشیانهٔ مردم بلوچستان توسط سپهد جهانبخش قبل از شهریور ۲۰

۱. این گزارش، فاقد مشخصات نویسنده و تاریخ نگارش است. (ویراستار)

### گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۳۹

صورت گرفته). این استان، پهناورترین استان کشور است: از دو منطقه سیستان و بلوچستان - که خصوصیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی دارند - تشکیل شده است. منطقه سیستان دارای دشت‌های حاصلخیزی است که استعداد کشاورزی بالقوه و بالفعل را دارد. دشت سیستان که ادامه دشت نیمروز است با مختصر توجهی می‌تواند به صورت یکی از مناطق عمده گندم‌خیز کشور درآید. منطقه بلوچستان که اکثراً کوهستانی و بی‌آب و علف است، در حال حاضر فاقد هر نوع فعالیت تولیدی به مقیاس سایر مناطق کشور است. افواه و شایعات و استنباطات حاکی است که منطقه بلوچستان از نظر ذخایر زیرزمینی (معادن) فوق‌العاده غنی است، ولی تا قبل از انقلاب، مطالعات وسیع و دقیق زمین‌شناسی و معدن‌شناسی در این منطقه صورت نگرفته بود. هرچند بعضی از نقاط منطقه بلوچستان مانند بمپور، بزمان، گوهرکوه و ایرندگان دارای امکانات کشاورزی بالقوه مناسب و بالفعل ناچیزی هستند، ولی عدم توجه حکومت‌های گذشته، ناآگاهی شدید مردم منطقه و فقدان امکانات ارتباطی، دست به دست هم داده و ساکنین منطقه را دچار آنچنان فقر و گرسنگی کرده که محیط آسیب‌پذیر بوده و منطقه به شدت آمادگی تحریک شدن را دارد. بلوچ‌های ساکن بلوچستان ایران همه بلوچ‌های ایرانی نیستند. متأسفانه سیاست خارجی در قرن ۱۹ اکثریت بلوچ‌ها و قسمت آباد و حاصلخیز بلوچستان را از ایران جدا کرد. بلوچ‌ها دارای صداقتی توأم با ناآگاهی، صفای باطن، حق‌شناسی، مظلومیت و فرهنگی غنی هستند که سیاست خارجی و حکومت‌های خودکامه، آنها را در چشم مردم سایر مناطق کشور، مردمی وحشی و راهزن معرفی کرده است. منطقه بلوچستان (قسمت جنوبی استان سیستان و بلوچستان) گرچه دارای کمترین تمرکز جمعیت در کشور بوده و فاقد شهر به مقیاس سایر مناطق کشور است، ولی فقر و بیچارگی و تحریک‌پذیری مردم، آن را تبدیل به منطقه‌ای ساخته که از نظر سیاسی فوق‌العاده حساس بوده و آمادگی رشد هر نوع عوامل ضد انقلاب را دارد. به همین دلیل توجه عاجل به این منطقه از ضروریات دولت جمهوری اسلامی ایران است.

## ۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

### خصوصیات جغرافیایی

استان سیستان و بلوچستان دارای ۱۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت (تقریباً ۱۰ درصد مساحت کشور) و ۶۰۰۰۰۰ نفر جمعیت (۱/۶۰ جمعیت کشور) است. استان از شمال به جنوب خراسان از غرب به استان کرمان و استان هرمزگان، از شرق به افغانستان و پاکستان و از جنوب به دریای عمان محدود است. استان از دو منطقه سیستان (در شمال غربی استان) و بلوچستان (مکران سابق) و شهری به نام زاهدان (در مرکز استان) که خصوصیتی با هیچ‌کدام از این دو منطقه ندارد) تشکیل شده است. جمعیت سیستان حدود ۱۸۰۰۰۰ نفر در شعاع ۵۰ کیلومتری شهر زابل پراکنده است. منطقه بلوچستان دارای جمعیتی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر است که به علت مهاجرت و برگشت مردم به پاکستان و شیخ‌نشین‌ها بین این دو حد متغیر است. شهر زاهدان (مرکز استان) ۹۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

منطقه سیستان به علت وجود رودخانه هیرمند به طور بالقوه پرآب است، ولی در سال‌های اخیر که دولت افغانستان بر روی این رودخانه در خاک خود سد بسته است، منطقه سیستان در تابستان و پاییز کم آب و در بهار و زمستان با خطر سیل و طغیان هیرمند روبه‌رو است. رودخانه هیرمند نقش حیاتی و سرنوشت‌ساز برای مردم سیستان دارد. اگر جریان آب این رودخانه از ۱۵ مترمکعب در ثانیه کمتر شود، کشاورزی منطقه از بین می‌رود و وقتی جریان آب از ۶ تا ۸ مترمکعب پایین بیاید مردم سیستان به دشت گرگان و گنبد مهاجرت می‌کنند. در تابستان سال ۱۳۵۰ به علت کم شدن آب هیرمند، منطقه سیستان آنچنان دچار کم‌آبی شد که تمام دام‌ها مردند. جمعیت منطقه به ۳۰۰۰۰ نفر تقلیل پیدا کرد و برای آب آشامیدنی این عده با تانکر آب به زابل حمل می‌شد؛ حتی طیور اطراف دریاچه هامون و جانوران غیر اهلی از بین رفتند. منطقه بلوچستان اساساً از کم‌آب‌ترین مناطق کشور است. چند رودخانه فصلی در این قسمت از استان جاری است که معروف‌ترین آن رودخانه بمپور است که دارای سد انحرافی کوچکی است و با وجودی که میلیون‌ها تومان در راه ایجاد شبکه آبیاری زیر سد بمپور سرمایه‌گذاری شد، ولی بعد از گذشت شش تا هفت سال قبل از انقلاب، این شبکه تکمیل و مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود.



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۴۱

از نظر آب زیرزمینی شهر ایرانشهر و اطراف آن قابل مقایسه با سایر نقاط کشور می‌باشد. سایر مناطق و شهرستان‌های ناحیه بلوچستان دچار مضیقه آب برای فعالیت‌های کشاورزی هستند. شهر زاهدان که مرکز استان است، تقریباً فاقد فعالیت تولیدی است. این شهر که از نظر رشد جمعیت در ده سال گذشته در بین تمام شهرهای کشور بالاترین رشد را داشته، تقریباً مرکز فعالیت‌های دولتی، نظامی و انتظامی استان است و همه ساکنین آن را کارمندان دولت و کسبه و بازاریان سرویس دهنده آنها تشکیل می‌دهد. اگر روزی زاهدان مرکز استان نباشد شهر فعلی بصورت کمپ متروکه‌ای در خواهد آمد.

### ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی

فرهنگ مردم ساکن استان سیستان و بلوچستان را می‌توان به سه فرهنگ متمایز تقسیم کرد:

۱- **فرهنگ سیستانی:** این فرهنگ اختصاص به ساکنین منطقه سیستان به مرکزیت شهر زابل دارد. زندگی و آداب و فرهنگ مردم، شبیه جنوب خراسان (بیرجند، قائن و گناباد) است؛ در عین اینکه هنوز آثاری از فرهنگ عشیره‌ای و خان‌خانی به‌وضوح در آن دیده می‌شود. غرب‌زدگی کاذب، استفاده از مزایای شهرنشینی و فرهنگ مصرف نیز به‌طور محسوسی در سال‌های اخیر در این منطقه به وجود آمده و مانند سایر شهرهای دور افتاده کشور، مردم آن بخصوص جمعیت شهرنشین و روستاهای اطراف زابل دچار آفت غرب‌زدگی و بازار مصرف کالاهای غربی نیز شده‌اند.

داشتن سینمای منحصر به فرد، سالن شیر و خورسید، بلوار ورودی، شعب بانک‌های مختلف در ایرانشهر و چهارراه‌ها و ستون یادبود تا قبل از انقلاب به شهر زابل، چهره کاذبی همانند شهرهای جنوب خراسان می‌داد. مردم سیستان، عموماً شیعه هستند. در سیستان سیاست کلی منطقه به‌دست سرکردگان عشایر تنظیم می‌شود. هرچند عموماً تحت‌الشعاع خانواده علم بودند، ولی در باطن رقابت‌های بین ایل‌ها و تیره‌های مختلف وجود داشت.

## ۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

تا قبل از انقلاب، ساواک و ژاندارمری (در استان سیستان و بلوچستان ژاندارمری حکم یک واحد بزرگ ارتش را داشت) با تباری، سازش، ایجاد اختلاف بین سران عشایر، موفق به ایجاد محیط خفقان و آرامش کاذب این منطقه شده بود. تضاد منافع سران عشایر گاهی به صورت راهزنی و حتی دزدیدن افراد خانواده عشایر متجلی می‌شد. سران عشایر منطقه سیستان با عشایر خود در افغانستان که اکثراً به‌طور سببی و یا نسبی به هم مربوط می‌شدند نیز ارتباطی گاهی با اطلاع و گاهی بی‌اطلاع ژاندارمری و ساواک داشته‌اند.

سران عشایر که برخلاف سران عشایر سایر مناطق از رفاه فوق‌العاده و داشتن ثروت زیاد بی‌بهره بودند، در محل، معروف به سردار هستند و اکثراً خود یا پدرانشان با سیاست انگلیس مربوط بوده‌اند. این سرداران که از نظر روانی [؟] حاکم بر تصورات افراد ایل بودند، در گذشته عامل و آلت دولت مرکزی بوده و همیشه مترصد بوده‌اند که از خوان نعمت‌های دولت که تحت عنوان کمک برای مردم از اعتبارات عمرانی دولت از خزانه خارج می‌شد، بهره‌مند شوند.

استفاده از کمک‌های وزارت کشاورزی (کود، بذر، وام کشاورزی و ماشین آلات) و ایجاد دو سد انحرافی معروف کهک و زهک - که باعث کم شدن سرعت جریان آب هیرمند به خاک ایران - و دیگری تأمین‌کننده آب برای کشاورزی منطقه سیستان است، نمونه‌های بارز آن هستند. خُزیمه علم، عامل اصلی عدم حل مشکل هیرمند و ایجادکننده سد کهک - به‌منظور آبیاری زمین‌های خود به ضرر مردم منطقه سد ایجاد شده بود - در منطقه شناخته شده و حتی در زمان طاغوت هم بین مردم زابل منفور بود.

از نظر آموزش و پرورش، زابل بعد از زاهدان دومین منطقه فرهنگی استان است. اقتصاد مردم منطقه سیستان کاملاً وابسته به میزان آب هیرمند است. بافتن قالیچه معروف بلوچی در زابل، جزئی از اشتغال مردم است که عموماً به کشت غلات (گندم و جو) و گاوداری مشغولند. درصد جمعیت باسواد منطقه سیستان بسیار بیشتر از بلوچستان است؛ چون تقریباً این درصد در بلوچستان حدود صفر است. تک و توک

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۴۳

سیستانی دانشگاه‌دیده - در مقیاس خیلی کمتر از سایر مناطق کشور - وجود دارد. تقاضاها و انتظارات مردم زابل در گذشته عبارت بوده از:

- ۱- حل مسئله هیرمند (پروژه پرخرج آبیاری دشت سیستان به نام چاه نیمه که حدود ۳ میلیارد ریال اعتبار داشت، هنوز به اتمام نرسیده است) در جهت تأمین آب برای احیا کشاورزی منطقه. ۲- ایجاد ایستگاه‌های ثابت و سیار تعمیر ماشین آلات کشاورزی. ۳- افزایش سهمیه و ام کشاورزان. ۴- ایجاد دانشکده کشاورزی سیستان. ۵- ایجاد راه آسفالت زاهدان - زابل - بیرجند که قرار بود در پایان سال ۱۳۵۸ به پایان برسد.

توضیح آنکه منطقه سیستان فاقد جاده آسفالت است و بین راه زاهدان - زابل رودخانه خشکی است که در زمستان‌ها و بهار معمولاً سیلاب، عبور از آن را مشکل کرده و منطقه سیستان ارتباطش با زاهدان قطع می‌شود و در حالت اضطرار، مواد غذایی با هلی‌کوپتر حمل می‌شود.

۲- فرهنگ بلوچی: اصولاً بلوچ‌ها که جمعیت‌شان به حدود ۳ تا ۶ میلیون نفر برآورد شده، در ایران، پاکستان، [کشورهای] شیخ‌نشین [خلیج فارس] و هندوستان پراکنده‌اند. جمعیت بلوچ‌های پاکستانی - اعم از آنها که در استان بلوچستان پاکستان، شیخ‌نشین‌ها و یا هندوستان هستند - بین ۲/۵ تا ۵/۵ میلیون و بلوچ‌های بلوچستان ایران، ساکن در منطقه بلوچستان، شهر زاهدان و منطقه سیستان، آنهایی که دائماً در حال کوچ هستند و کسانی که از خانواده‌های بلوچ ایرانی به شیخ‌نشین‌ها رفته‌اند بین ۳۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر برآورد شده‌اند. علت اختلاف در جمعیت بلوچ‌های ایران و پاکستان، فقدان سرشماری دقیق، عدم امکان دسترسی و یا وجود اطلاع از بلوچ‌های مهاجر، بی‌شناسنامه بودن حدود ۷۰٪ از بلوچ‌های ساکن دهات و قصبات، نبودن مرز مشخص و معین - از نظر تردد و مهاجرت - بین بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان است.

بلوچ‌های ایران عموماً سنی مذهب و پیرو مذهب حنفی هستند. بلوچ دارای فرهنگی غنی است و این فرهنگ به‌صورت شعر در بلوچستان متجلی است. در بلوچستان شاعران باسواد و بی‌سوادانی که شعرهای زیادی را از حفظ دارند، فراوان است. بلوچ‌ها در رعایت اصول و مقررات مذهبی، فوق‌العاده جدی و متعصب هستند.

#### ۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

همیشه نماز خود را اول وقت می‌خوانند: هنگام اذان، مانند عربستان. سرقت از منازل اصلاً نمی‌کنند و تاکنون بلوچ‌ها که متهم به سرقت از خانه کسی شده باشد، وجود ندارد، ولی بلوچ‌هایی که راهزنی می‌کنند فراوان دیده شده‌اند. سنت‌های قبیله‌ای و عشایری به شدت در بلوچستان رایج و مورد احترام است. منطقه بلوچستان که عموماً کوهستانی است در حال حاضر دارای چهار شهرستان به شرح زیر است:

۱- ایرانشهر (مرکز طبیعی و مواصلات منطقه): جمعیت شهری حدود ۱۲۰۰۰ نفر، جمعیت روستایی ۱۰۰۰۰.

۲- شهرستان چابهار: دارای دو بخش عمده چابهار (شهر) و کنارک است که جمعیت [شهری آن] حدود ۷۰۰۰ نفر و جمعیت روستایی آن حدود ۷۵۰۰۰ نفر برآورد شده.

۳- شهرستان سراوان: جمعیت شهر حدود ۱۰۰۰۰ و جمعیت روستاها حدود ۶۰۰۰۰ نفر.

۴- شهرستان خاش (اخیراً شهرستان شده): با جمعیت شهرنشین حدود ۷۰۰۰ و جمعیت روستایی حدود ۵۰۰۰۰ نفر.

جمعیت کل منطقه بلوچستان حدود ۳۰۰۰۰۰ هزار نفر.

فاصله این مراکز جمعیت یا شهرها از هم حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۵۰۰ کیلومتر است. جاده سراسری بلوچستان که در سال ۱۳۵۴ بعد از ده سال به پایان رسید، از زاهدان و پس از گذشتن از خاش و ایرانشهر به چابهار می‌رسد. طول این مسیر حدود ۷۰۰ کیلومتر است. این جاده، آسفالته است و جزء جاده‌های درجه ۲ ایران به حساب می‌آید. جاده آسفالته دیگری، به طول ۵۰۰ کیلومتر، استان کرمان (شهر بم) را به ایرانشهر وصل می‌کند.

تا قبل از شروع انقلاب، وسایل نقلیه عبوری از جاده بلوچستان عبارت بودند از اتومبیل‌های دولتی، اتومبیل‌های مقاطعه‌کاران، کامیون‌ها و تریلرهای حامل مصالح برای پایگاه‌های نظامی چابهار و اتومبیل‌های قاچاقچیان که در حال حاضر به نظر می‌رسد کامیون‌های مصالح و اتومبیل‌های مقاطعه‌کاران دیگر در رفت و آمد نباشند.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۴۵

عموم شهرهای بلوچستان به استثنای ایرانشهر - که دارای شبکه لوله‌کشی ناقصی است و می‌توان آن را درصد پایین‌تری از شهرهای درجه ۴ ایران از نظر آب مشروب دانست - و همچنین ۸۰٪ بخش‌ها و قصبات فاقد آب آشامیدنی هستند و این مسئله در تابستان آنچنان حاد می‌شود که زندگی عادی را برای مردم غیرممکن می‌سازد. نظر به اینکه مسئله تأمین آب آشامیدنی شهرها و بخش‌های بلوچستان حادث‌ترین مسئله است، گزارش اجمالی آن بعداً ذکر می‌شود.

با وجودی که از وعده‌های تمدن بزرگ، اتصال شهرهای بلوچستان به شبکه سرتاسری مخابرات کشور بود، بعد از سال‌ها تأخیر هنوز این پروژه به‌طور کامل عملی نشده است. تمام شهرهای منطقه بلوچستان دارای کارخانه نان ماشینی و بعضی دارای سردخانه هستند، ولی باعث تعجب است که تا دو سال بعد از اتمام آنها بهره‌بردار شروع نشده بود؛ چه مثلاً در چابهار آب کارخانه تأمین نبود (اطلاعات مربوط به مهرماه ۱۳۵۷ است). یا در سراوان برق کافی وجود نداشت (منظور منطقه بلوچستان است، نه استان).

از نظر آموزش و پرورش، منطقه بلوچستان دچار فقر عجیبی است. شاید جمعاً ۲۰ نفر بلوچ ایرانی دانشگاه‌دیده وجود نداشته باشد. بی‌سوادی در بعضی مناطق به ۹۰٪ می‌رسد. کل فارغ‌التحصیلان ششم متوسطه چهار شهرستان فوق‌الذکر در سال تحصیلی ۱۳۵۷-۱۳۵۶ به ۳۰ نفر و کل دانش‌آموزان کلاس‌های ششم به ۵۰ نفر نمی‌رسد. سطح دانش و معلومات این فارغ‌التحصیلان فوق‌العاده پایین و قابل مقایسه با زاهدان و زابل نیست. شاید درآمد سرانه بلوچ غیر شهرنشین به ۴۰۰۰۰ ریال در سال نرسد.

در فاصله طولانی بین چهار شهرستان فوق‌الذکر چندین بخش، قصبه و تعداد زیادی واحه وجود دارند. از بخش‌های مهم که هر کدام مرکز یک یا چند نفر از سران قبایل و عشایر بلوچ است، می‌توان بخش‌های دشتیاری به مرکزیت نگور (Negor) از شهرستان چابهار و اسپکه (Espake) از شهرستان ایرانشهر [را نام برد]. مردم این دو بخش از بدبخت‌ترین مردم دنیا از نظر فقر، فقدان بهداشت و تغذیه هستند. شاید بتوان وضع نگور را شبیه بیافرا دانست. در بلوچستان هر جا سرپناهی چند نخل و گودالی پر آب وجود داشته، چند سیاه‌چادر با تعدادی بلوچ و چند بز که به‌صورت جمعی زندگی

## ۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌کنند، دیده می‌شود. در اصطلاح وزارت کشور اینها را آبادی می‌گویند، ولی بیشتر شبیه واحه‌های عربستان هستند.

از بخش‌های آباد منطقه می‌توان بخش بمپور - که دارای امکانات بالقوه کشاورزی است و در ۲۰ کیلومتری شهر ایرانشهر است - را نام برد. بلوک دیگری در ۳۰ کیلومتری ایرانشهر به نام دامن (Damen) وجود دارد که دارای امکانات بالقوه کشاورزی است. مهم‌ترین بخش در بلوچستان که استعداد به وجود آوردن یک قطب کشاورزی در آن وجود دارد، بخش بزمان (Bazman) از توابع ایرانشهر است. که دارای منابع آب زیرزمینی بوده و فوق‌العاده برای کشاورزی مناسب است.

بلوچ‌ها از نظر سنتی، زندگی قبیله‌ای و فرهنگ عشایری دارند و به شدت تحت نفوذ رؤسای عشایر و تیره‌های خود و مطیع مولوی‌ها (فقهای سنی) هستند. هر مسجد در هر شهر توسط یک مولوی سرپرستی می‌شود. در بخش گشت از شهرستان سراوان، مدرسه علوم دینی (تربیت مولوی) وجود دارد. گشت، قصبه‌ای است که مرکز نشر فقه حنفی بوده و اکثر مردم آن با سواد هستند. فرهنگ بلوچ، بیشتر متأثر از فرهنگ هندی است. معماری مساجد، سبک پاکستانی است. در کوئته پاکستان انستیتویی به نام «BALUCHI INSTITUTE» (بلوچی انستیتو) وجود دارد که کتاب‌هایی در باره فرهنگ و ادبیات بلوچی، به زبان اردو و انگلیسی منتشر کرده. اکثر کتب فقهی بلوچ‌ها چاپ پاکستان است.

راهزنی و تیراندازی در جاده‌های بلوچستان، امری عادی است. هر وقت کمک دولت در گذشته قطع یا کم می‌شده، یا سیاست‌های خارجی یا داخلی می‌خواسته‌اند، راهزنان یا راساً خود به قصد دزدی توسط رئیس قبیله به وجود می‌آمدند. در گذشته می‌گفتند که عراقی‌ها به راهزنان یک تفنگ و ماهی ۳۰۰۰ ریال می‌دادند. این قبیل افراد در حال حاضر، خوراک خوبی برای ضد انقلاب هستند.

قاچاق، در مقیاس کوچک به قصد ارتزاق [انجام می‌گیرد]. در زمان طاغوت برنج پاکستانی کیلویی ۴۰ ریال توسط شرکت‌های تعاونی روستایی به بلوچ‌ها عرضه می‌شد؛ حال آنکه بلوچ نزدیک مرز، همان برنج را به اندازه‌ای که بتواند با پشت حمل کند از زارع پاکستانی کیلویی ۱۰ [ریال] می‌خرید. و [اما قاچاق] در سطح وسیع توسط

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۴۷

قاچاقچیان حرفه‌ای به عملگی بلوچ‌های مزدبگیر شایع است. اکثراً بلوچ‌های مزدبگیر که جنبه شتران یا حمال را دارند، هدف تیر ژاندارم قرار می‌گرفتند. قاچاق بیشتر برای چای، تریاک، مصنوعات خارجی و سیگار صورت می‌گیرد. اکثر فرماندهان ژاندارم با قاچاقچیان شریک بوده‌اند.

### خصوصیات شهرهای منطقه بلوچستان

#### ۱- ایرانشهر

وضع اقتصادی و اشتغال مردم: بهتر از سه شهر دیگر. کشاورزی، دامداری، قاچاق، کارگری مقاطعه‌کاران.

مشکلات عمده: بدی بهداشت، تکمیل نبودن شبکه آب، بدی وضع آموزش و پرورش. تقاضای همیشگی مردم: اتمام کارخانه بافت بلوچ، شروع ساختمان دانشگاه، کمک‌های دولت برای بهبود وضع کشاورزی، مسکن (بخصوص کارمندان دولت).

#### ۲- خاش

وضع اقتصادی و اشتغال مردم: بد. دامداری و لبنیات و فروش قاچاق. مشکلات عمده: بدی وضع آب آشامیدنی (فاقد آب مشروب)، بدی وضع بهداشت، نبودن برق کافی، اسفناک بودن وضع آموزش و پرورش. تقاضای همیشگی مردم: رفع مشکلات آب و برق و بهداشت، کمک دولت برای بهبود کشاورزی، بهبود آموزش، مسکن (بخصوص کارمندان دولت).

#### ۳- سراوان

وضع اقتصادی و اشتغال: بد. کشاورزی، فروش قاچاق. مشکلات عمده: نداشتن آب و برق، وحشتناکی بهداشت، وحشتناکی آموزش و پرورش.

تقاضای همیشگی مردم: مانند شهرستان خاش.

#### ۴- چابهار

وضع اقتصادی و اشتغال مردم: فوق العاده بد. قاچاق، ماهی‌گیری.

## ۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

مشکلات عمده: فقدان آب آشامیدنی، کمبود برق، اسفناک بودن بهداشت، اسفناک بودن آموزش.

تقاضای همیشگی مردم: راه‌اندازی دانشکده دریانوردی، راه افتادن نیروگاه، تأمین بهداشت، ایجاد سردخانه شیلات، ایجاد فرودگاه، عدم تخریب ده کنارک. تقاضای همه مردم منطقه، ایجاد استان بلوچستان به مرکزیت ایرانشهر است. در ایرانشهر، کارخانه نساجی تأسیس شده که باید پنبه آن را از [شهرستان] گنبد [کاووس] به ایرانشهر برد. این کارخانه با وجود اینکه سال‌هاست ماشین‌آلات آن در محل است و هزینه زیادی برای آن شده، هنوز تکمیل نشده. فعالیت دانشکده در چابهار از بعد از انقلاب متوقف شده است.

پایگاه معروف و پر سروصدای ۶ میلیارد دلاری (هوایی، زمینی، دریایی) در کنارک در ۶۰ کیلومتری چابهار است. در زمان طاغوت، هدف این بود که ده کنارک تخریب و اهالی آن به جای دیگری کوچ داده شوند. چه وجود ده در کنار پایگاه را خطرناک تشخیص داده بودند.

### ۵- شهر زاهدان

این، مرکز استان است. در ده سال گذشته هر پنج سال جمعیت آن دو برابر شده. اگر کارمندان دولت نباشند و از آنجا بروند، تبدیل به ده بی‌تولیدی می‌شود. فعلاً مرکز دانشگاه بلوچستان و یک دانشکده‌اش در آنجا است. شعبه دانشگاه تربیت معلم در آنجا است. از نظر آموزش و پرورش قابل مقایسه با شهر درجه ۲ سایر نقاط مثل فارس و خوزستان است.

شهر را بی‌آبی تهدید می‌کند. مصرف آب آشامیدنی بیشتر از قدرت منابع زیرزمینی آب است. دستگاه تصفیه از نظر حجم، جوابگوی مقدار آب مصرفی نیست. تعداد زیادی کارمند دولت و یک تیپ و ناحیه ژاندارمری دارد. کارمندان دولت فاقد مسکن هستند. فوق‌العاده [حقوق مربوط به] بدی آب و هوا و دوری از مرکز کارمندان دولت، با توجه به خصوصیات منطقه کم است. شهر دارای دو رهبر مذهبی به شرح زیر است:



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۴۹

آیت‌الله کفعمی خراسانی: مردی متقی و پرهیزگار و مبارز در گذشته. در مبارزات، شرکت فعال داشته و با روحانیت مبارز حتماً در تماس است والامقام‌ترین روحانی شیعه در منطقه است.

مولوی عبدالعزیز: رهبر فعلی اهل سنت. در گذشته با حکومت در جهت خط منافع اهل سنت در تلاش، تماس، مبارزه و آشتی بوده. روحانی متنفذ سیاسی است. از نظر فقاہت، مولوی‌های دیگر با برتری فقهی وجود دارند، ولی ایشان علاوه بر رهبر مذهبی، رهبر سیاسی منطقه نیز هستند.

گروه‌های مختلف شهر زاهدان صاحب نفوذ و قدرتمند به شرح زیر:  
گروه بیرجندی‌ها: بیشتر کسبه و اهل بازار و یا آموزگار و کارمند دولت هستند. سرجنابان آنها بیشتر اهل بازارند.

گروه یزدی‌ها: مانند بیرجندی‌ها با تعداد کمتر.  
منافع دو گروه فوق، اکثراً هم‌جهت و مشترک است.  
گروه سیستانی‌ها: ته‌مانده سرداران سیستانی اکثراً به‌ظاهر بی‌کار، ولی دست اندرکار قاچاق.

گروه بلوچ‌ها: ته‌مانده سرداران بلوچ، بی‌پول، پرادعا، به‌ظاهر بی‌کار، ولی دست اندرکار قاچاق.

دو گروه فوق، محرومیت‌های مردم بدبخت منطقه را بهانه می‌کنند تا خود به نوایی برسند. معمولاً کمک‌های نقدی و جنسی دولتی برای محرومین بلوچستان که از مرکز می‌رفته، توسط این دو گروه به نحوی حیف و میل می‌شده.

## گزارش دوم: گزارش گمشادزهی از دانشگاه بلوچستان

به‌نام خدا

جناب آقای دکتر یزدی، فرستاده مخصوص امام  
پس از مذاکراتی که با جناب‌عالی داشتم، ضروری تشخیص داده شد که گزارشی از وضع دانشکده مهندسی دانشگاه سیستان و بلوچستان که به نام مهندس نیکبخت، شهید راه حق نام‌گذاری شده است، خدمت داده شود.

## ۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

مدیریت موقت فعلی، بعد از انقلاب و به توصیه مردم و کسانی که از تمام خصوصیات زندگی این‌جانب آگاه بوده‌اند تعیین شده است. این‌جانب به شکر خدا هیچ‌گونه وابستگی به رژیم فاسد گذشته نداشته و در سال‌های ۳۷ الی ۴۰ در دانشکده کشاورزی در فعالیت‌های ضددولتی سهیم بوده‌ام. در زمان خدمت در وزارت کشاورزی و دانشگاه جندی‌شاپور و موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک، حتی از پذیرش عضویت تحمیلی حزب کدایی رستاخیز سر باز زده‌ام.

این‌جانب دو بار با استفاده از بورس تحصیلی سازمان FAO به آمریکا و یک بار با استفاده از بورس تحصیلی دانشگاه به انگلستان مسافرت نموده‌ام. در دو مسافرت بعد همسر و تمام فرزندانم (پنج فرزند) همراه بوده‌اند. گرچه مذهبی شدید به مفهوم عوام نبوده‌ام، اما همواره معتقد به دین اسلام و منتفر از کمونیست و بی‌بندوباری‌های غرب بوده‌ام و تا آنجا که توانسته‌ام واجبات دینی خود را انجام داده‌ام. در دانشگاه سیستان و بلوچستان به گواهی گزارش زیر، برعکس آنچه که عده‌ای دانسته یا ندانسته تهمت زده‌اند، کمونیست‌پرور نبوده‌ام.

در ابتدای شروع کار، سرپرست دانشکده مهندسی را که توسط شورای هیئت علمی و رئیس قبلی دانشگاه (دکتر صدر فراری) انتخاب شده بود، به دلیل سوء مدیریت و اقدامات ضد خواست اکثریت مردم، برکنار نمودم. این عمل با عکس العمل افراطی چپ‌روهای دانشکده همراه بوده و هنوز هم می‌باشد (مراجعه شود به مقاله [روزنامه] «آیندگان»، ضمیمه شده). ضمناً به پیروی از این عقیده که افراد بومی می‌توانند در اقدامات اصلاحی دانشگاه مؤثر شوند دو نفر معاون به نام آقایان دکتر بهجتی، از دانشگاه ملی و دکتر ریگی از دانشگاه سیستان و بلوچستان انتخاب شدند؛ اما در عمل چون هماهنگی لازم موجود نبود، آقای دکتر بهجتی عملاً کنار گذاشته شد و همکاری آقای دکتر ریگی به حد وجود حکم تقلیل داده شد. در همین رابطه سه نفر از اعضای هیئت علمی به نام‌های آقایان سلوکی (از وابستگان و اقوام نزدیک متین دفتری)، مهندس سالاری (رهبر چپ‌روها) و مهندس خراشادی، چپ‌رو افراطی به‌عنوان اعتراض به همین اقدامات و مسائل دیگر، دانشگاه را ترک نموده‌اند (مرخصی بدون حقوق) و احتمالاً به دلیل عدم احتیاج به وجود آنها از تجدید احکام استخدامی‌شان

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۵۱

ممانعت به عمل خواهد آمد. قسمتی از اقدامات گروه چپی بر علیه مدیریت، شامل تحصن در وزارت علوم و نوشتن مقالات توهین‌آمیز بوده است. پس از برکناری سرپرست قبلی، به درخواست اکثریت جامعه دانشگاهی در جهت اداره شورایی دانشکده، اقدام شده است. ترکیب شورا و چگونگی انجام انتخابات از طریق مشورت‌های دسته‌جمعی و توسط نمایندگان تمام گروه‌ها به شرح زیر تعیین شده است.

ترکیب شورا: ۷ نفر کارمند، ۱۰ نفر دانشجو، ۱۳ نفر عضو هیئت علمی. در هریک از گروه‌های سه‌گانه تقسیم نمایندگان بین دسته‌های مختلف بر حسب تعداد طرفداران به عمل آمده است. جدول زیر در این مورد به دست آمده است:

نام گیرنده	نام دسته	تعداد طرفداران
دانشجویان	جامعه اسلامی شاخه دانشجویان	۱۲۳
	انجمن دانشجویان مسلمان	۸۵
	دانشجویان مسلمان سیستانی	۷۷
	انجمن دانشجویان بلوچ	۸۶
	گروه پیشگام	۶۹
	انجمن دانشجویان سیستانی	۵۱
اعضای هیئت علمی	جامعه اسلامی شاخه استادان	۱۶
	مؤلفین سایر گروه‌ها	۴۱
کارمندان	انجمن اسلامی کارکنان بلوچ و سیستانی	۶۲
	جامعه اسلامی کارکنان	۱۵۰

در این مورد توضیحات زیر لازم است:

الف- در گروه استادان، تعداد زیادی افراد مؤمن به انقلاب به دلایلی از جمله اختلاف عقیده با استادان جامعه اسلامی، جزء دسته مؤلفین دیگر ثبت نام نموده‌اند.

## ۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

ب- به جز گروه استادان در سایر گروه‌ها و بخصوص در گروه کارمندان، اکثریت قاطع با مسلمان می‌باشد و این حقیقت این ادعا را که مدیریت فعلی، افراد کمونیست و چپ‌رو استخدام نموده، نقض می‌نماید.

در مورد استخدام‌ها توضیحات زیر لازم است:

در ضمن انتقال دفتر مرکزی دانشگاه تهران به زاهدان، کارمندان این دفتر از آمدن به زاهدان امتناع ورزیدند و از طرفی چون دانشکده کشاورزی جدیداً تاسیس گشت، دانشگاه مجبور به انجام تعدادی استخدام کارمند اداری شد. این تعداد شامل ۱۶ نفر کارگر و نگهبان، ۴ نفر راننده، ۱۲ نفر کارمند اداری بوده است. استخدام نیز پس از انجام آگهی در رادیو و تلویزیون استان و توسط گروهی شامل معاون اداری، سرپرست کارگزینی و نماینده دانشکده مهندسی و بر اساس امتیاز بومی بودن، تخصص در رشته، دقت، هوش و استعداد، شرایط عمومی، وضع تأهل و شاغل بودن و یا نبودن در سایر ادارات دولتی و غیردولتی به عمل آمده و به شهادت جدول بالا در میان آنها حتی یک نفر کمونیست و غیره وجود نداشته است.

در مورد استخدام هیئت علمی، یادآور می‌شود که اولاً یکی از اعتراضات شدید دانشجویان تمام گروه‌ها نداشتن استادان با سواد می‌باشد و بسیار تأکید شده که در هنگام استخدام، ملاک اصلی سواد باشد. روش استخدام نیز به شرح زیر بوده:

ابتدا در روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی به عمل آمده، سپس هر متقاضی یک فرم مخصوص پر کرده و این فرم‌ها به بخش‌های مربوط ارسال شده است. بخش‌ها پس از بررسی‌های لازم افرادی را انتخاب نموده‌اند. باید اذعان کنم که در بعضی بخش‌ها در انتخابات، مسائل ایدئولوژیکی مطرح بوده است، اما مسئله این است که مدیریت واقعاً نمی‌تواند از ماهیت ایدئولوژیکی افراد اطلاعی داشته باشد. در اثبات این ادعا کافی است گفته شود که تعدادی از استخدام‌شوندگان که کمونیست دو آتش از آب درآمده‌اند، توسط بخشی که هم رئیس و هم اکثریت اعضای آن از انجمن اسلامی دانشگاهیان هستند، انتخاب شده‌اند. به هر حال جدول زیر در باره اعضای هیئت علمی قابل توجه می‌باشد. از ۶۱ نفر عضو هیئت علمی ۱۸ نفر جدید الاستخدام می‌باشند و تعداد زیادی از آنها مسلمان معتقد هستند و بنابراین، اکثریت چپ‌روها از قبل در

### گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۵۳

دانشگاه موجود بوده‌اند. در مورد انجام تسویه و تزکیه یادآور می‌شود که به دلیل پرهیز از اشتباهاتی که در سایر دانشگاه‌ها به عمل آمد و جلوگیری از تصفیه حساب‌های شخصی و به دستور کتبی وزیر فرهنگ و آموزش عالی قبلی، مقدمات تشکیل کمیته مربوط پس از تصویب آیین‌نامه قانونی شروع شده است و دانشگاه به توصیه جناب دکتر حبیبی شش نفر را به وزارت علوم معرفی نموده است تا از میان آنها سه نفر برگزیده شوند. این کمیته عن‌قریب کار خود را شروع خواهد کرد و امید این است که گام‌های لازم و مناسب را بردارد.

در خاتمه تذکر نکات زیر را لازم می‌داند:

۱- هستند افرادی فرصت طلب و منفعت جو که خود را حامیان واقعی اسلام دانسته و متأسفانه در تشکیلات حزب جمهوری اسلامی و سایر گروه‌های مذهبی رخنه کرده‌اند. این افراد هر وقت مدیری را در تضاد با تمنیات نابجای شخصی خود ببینند، از راه‌های ناجوانمردانه، از جمله دادن اطلاعات گمراه‌کننده و خلاف واقع به مقامات مسئول در مقام انتقام‌جویی برمی‌آیند و از این راه تاکنون لطمات جدی به حکومت اسلامی وارد آورده‌اند. جا دارد که هیئت مأمور امام در سنجش گزارشات دریافتی حداکثر ممارست و آگاهی را به خرج دهد.

۲- اگر دولت توسط مأموران و مسئولان صادق و کاردان در جهت رفع عقب‌ماندگی‌های فرهنگی و اقتصادی این سامان اقدام مؤثر و عاجل به عمل نیاورد و اگر در جهت آشنا نمودن قشر جوان و تحصیل‌کرده منطقه با چهره اسلام راستین و مترقی، اقدامات مؤثر به عمل نیاید، گروه‌های چپ‌رو که از تشکیلات منظم و فعال برخوردار هستند، می‌توانند آفریننده خطرات جدی باشند. دولت باید روحانیون اهل تسنن را حمایت و تشویق به مترقی شدن بنماید.

باید نسبت به پاک‌سازی کادر رهبری دفتر استان حزب جمهوری اسلامی و تقویت آن با افراد باسواد و مطلع و مردمی، اقدام فوری به عمل آید. در مورد دانشگاه، لازم است استقلال مالی و تفویض اختیارات رهبری آن، به شورای استان هرچه زودتر عملی شود.

## ۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

در موقعیت کنونی، دست زدن به ترکیب خوانین بیشتر از آنچه منفعت داشته باشد، مضر خواهد بود: اولاً تعداد خوانین فاسد به معنی واقعی و خطرناک ناچیز است. ثانیاً اگر به همین دسته محدود تفهیم شود که در صورت عدم مشاهده توطئه، کسی متعرض شان نخواهد شد و برعکس در صورت مشاهده توطئه، شدیداً مجازات خواهند شد، احتمال خاتمه یافتن دسایس آنها فوق العاده زیاد خواهد بود. ضمناً مسئولان استان ضمن در نظر گرفتن این امر از سازشکاری‌های نوع گذشته با خوانین و سایر افراد متنفذ محلی باید پرهیز نمایند و عملی کردن این روش را نباید توأم با گنده‌گویی و مبارزه‌طلبی بنمایند.

با احترام - گمشاد زهی ۱۳۵۸ / ۱۰ / ۶

### گزارش سوم: گزارش جواد محمدی خمک

دستیار تهیه‌کننده مرکز گرگان و مسئول سابق تولید رادیو و تلویزیون مرکزی زاهدان به نام خدا

در جنوب شرقی ایران، دو قوم سیستانی و بلوچ زیست می‌کنند. در شمال منطقه، سیستانی‌ها با زبان سیستانی (دری و سگری)، مذهب شیعه، ناسیونالیزم به شیعه ایرانی و در جنوب منطقه، بلوچ‌ها با زبان بلوچی، یکی از زبان‌های ایرانی، مذهب سنی حنفی و ناسیونالیزم جوان و دو آتش بلوچی [زندگی می‌کنند]. هر یک از این دو قوم، تاریخ ویژه خود را پشت سر دارد که عجالتاً وارد بحث آن نمی‌شوم و همین قدر کفایت می‌کنم که تقریباً در طول تاریخ، نوعی تضاد بین این دو قوم وجود داشته است که در بسیاری از موارد به مراحل حاد می‌رسیده است. کاری به عوامل این تضاد تاریخی هم ندارم که از حوصله این مقال بیرون است. این تضاد هم‌اینک وجود دارد؛ هرچند حکومت مرکزی ایران می‌خواهد در جهت وحدت ملی، آن را ملایم کند، اما از آن رو که بلوچ‌ها هم خواستار از بین رفتن این تضاد در جهت وحدت بلوچی و تفوق قومی بلوچی بر سیستانی‌اند، سیستانی‌ها سعی می‌کنند تضاد را دامن بزنند که اگر جز این باشد ماهیت قومی‌شان در خطر تحلیل در بلوچیزم است.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۵۵

برای اثبات این نکته که بلوچ‌ها چه نقشه‌های پنهان و آشکاری برای بلعیدن سیستان دارند و حل کردن قوم سیستانی در فرهنگ بلوچی هم، دلایل فراوان است که فرض را بر این می‌گیریم که خواننده متوجه آن هست و وارد بحث نمی‌شوم. می‌بینیم که با همین اندک، یک مسئله روشن می‌شود و آن تضاد درون منطقه بین سیستانی‌ها و بلوچ است. این تضاد از سوی سیستانی‌ها در بعد دفاعی‌اش مطرح است که سیستانی بلوچ نشود و از سوی بلوچ در بعد تعرضی‌اش که هرچه زدوتر سعی کند سیستانی را بلوچ کرده یا از منطقه کوچ دهد و ترکیب قومی منطقه را یکدست و فرهنگش را یکپارچه بلوچ کند.

حال برای اینکه دولت مرکزی بخواهد در این بین دخالت کند، بسته به اینکه در کدام جهت اقدام کند، راه‌های مختلفی است که عجزاً اگر فرض کنیم دولت بخواهد به داد سیستانی‌ها که زیر آوارهای تیز ناسیونالیزم دو آتشفشان، جوان و عظمت‌گرای بلوچیزم له می‌شوند - برسد، اقدامات زیر را در کوتاه‌مدت و بلندمدت باید برای جامعه سیستانی انجام دهد:

۱- روشن کردن وضع آب هیرمند برای سیستان، هم با بستن قرارداد مطمئن با افغانستان و هم با ایجاد شبکه‌های دقیق آبیاری در منطقه و در نتیجه، عمران سیستان که اقتصاد عامل بقای این قوم در منطقه است.

۲- چون اکثریت ۹۵٪ جامعه سیستانی، کشاورز و دامدارند و اکثرشان از سیستان مهاجرت می‌کنند. تا سر و سامان یافتن کشاورزی و عمران سیستان، دولت طرحی پیاده کند که کلیه سیستانی‌های کارمند، ارتشی و فرهنگی را برای حفظ تعادل قوا به سیستان و بلوچستان منتقل کند.

۳- در بخش خصوصی و مشاغل آزاد زاهدان - با آنکه مثلاً ۶۴٪ جامعه زاهدان، سیستانی است - دولت‌های رژیم گذشته، کلیه بازارهای ساخته‌شده از سوی شهرداری را ۱۰۰٪ در اختیار بلوچ‌ها گذاشته و با این کار، هم بلوچ‌ها را به شمال استان پیش راندند و هم برایشان قدرت اقتصادی فراهم آوردند که سرانجام قدرت سیاسی و نظامی هم شد. این وضع [باید] عوض شود.

## ۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- قدرت اقتصادی و سیاسی بلوچ باعث شد کارمندان و مسئولان خودفروخته رژیم گذشته، برای اثبات و بقای پست‌های خود، امکانات بوروکراسی خود را در اختیار بلوچ‌ها قرار دهند و به این ترتیب بوروکراسی استان هم شد بوروکراسی در اختیار بلوچ. به‌عنوان مثال، سال ۵۵ که سیستان را آب برد، برای کمک به سیل‌زدگان سیستان پنج میلیون تومان پول آمد، اما آقای منیعی استاندار وقت بدون دلیل چهار میلیون تومان آن را به بلوچ‌های بلوچستان داد و چون با اعتراض سیل‌زدگان سیستان روبه‌رو شد، آن یک میلیون تومان را هم به بلوچ‌ها داد. این وضع در حکومت‌های انقلابی اصلاح شود.

۵- در مناطق سیستانی‌نشین و در سیستان، روحانیت بلوچ سخت تلاش می‌کند نفوذ کند و این در حالی است که روحانیت شیعه در آن مناطق هیچ برنامه دفاعی و حتی هیچ آگاهی دفاعی ندارد. این وضع بسیار خطرناک و قابل توجه است.

۶- رژیم گذشته علناً به بلوچ‌ها به جای کمک دادن و زندگی‌سازی، باج به بدترین معنی کلمه می‌داد؛ به قشر چماق‌دار بلوچ. حمل قاچاق را باج می‌داد و به روشنفکران و کلاس‌دیده بلوچ‌ها باج بوروکراسی و پست‌های دولتی و به بی‌سوادترین بلوچ‌ها حساس‌ترین پست‌ها را می‌داد و برایشان رابطه مستقیم با دربار به وجود می‌آورد و حال آنکه سیستانی‌ها با چندین برابر جمعیت خود در کارهای معمولی اداری خدمت می‌کردند و از آنجا که در حس رقابت خود با بلوچ‌ها این وضع را نمی‌توانستند تحمل کنند، ناچار از منطقه مهاجرت می‌کردند و در نتیجه در جامعه سیستانی فرار مغزها سریع‌تر از فرار بازوها شد. حکومت انقلاب سعی کند پس از این، مسئولیت‌ها را به لیاقت‌ها بدهد و نه به قبیله‌ها. با این حساب جامعه روشنفکر سیستانی حتماً به سهم عادلانه خود می‌رسد.

۷- سعی شود در بلندمدت سیستان با شهرهای زابل، زاهدان، نهبندان - که در سال ۱۳۱۴ از زابل مجزا شد و جزء بیرجند شد - و احیاناً خاش، استان مستقل سیستان شود و بلوچستان با شهرهای ایرانشهر، سراوان، بمپور و چابهار، استان مستقل بلوچستان.

۸- برنامه بلوچی رادیو زاهدان تفوق قومی و فرهنگی بلوچ را بر سیستانی مسجل‌تر کرده است. اولاً این برنامه در آینده از این رادیو حذف و از چابهار و یا



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۵۷

فرستنده‌ای قوی‌تر، از ایرانشهر پخش شود و ثانیاً از زاهدان یا زابل برنامه ویژه سیستانی پخش شود.

۹- فتودالیزم سیستان که بر اثر تکامل علمی جامعه سیستانی به سوی سرمایه‌داری (و یا به عقیده من به سوی فوج‌گرایی و به هم ریختن نظام قبیله‌ای و هیچ چیز جایگزین آن نشدن) برای حفظ قدرت خود، نیرویی در دورن خود حس نمی‌کند، به فتودالیزم بلوچ وابسته شده است، و این نوعی خفقان قومی و تسلط پنهان بلوچیزم را بر شتون جامعه سیستانی به وجود آورده است و باید با حمایت از روشنفکران سیستانی که آگاه به این امر هستند، آنها را به مرور جانشین فتودال‌های وابسته و خائن کنیم و سعی کنیم اینها الگوهای آینده سیستان باشند.

۱۰- روشنفکران سیستان و یا بهتر بگویم کلاس دیده‌هایشان شدیداً دچار اپورتونیزم به بدترین معنی و گسترده‌ترین معنی کلمه‌اند و به همین جهت چنان در کار ملت‌سازی جامعه سیستانی موفق نیستند. باید در نجاتشان از این وضع کمک کرد. برای این کار عقده‌هایشان را در تجربه نکردن پست‌های دولتی از آنها زدود، روابطشان را با روشنفکران و دولتمردان مرکز زیاد و نزدیک کرد و از انزوای فکری درشان آورد.

۱۱- این وضع برای روحانیت سیستان هم وجود دارد؛ به اضافه اینکه رقابت‌های آخوندآبانه هم در اینجا روند قهقرایی بدی را تشدید می‌کند. با یک برآورد معنوی از روحانیت، هسته‌های اصیل این قشر همانند و الگوسازی شوند.

۱۲- از هر حیث سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی به خیل عظیم سیستانی در استان سیستان افغانستان توجه شود. رژیم گذشته سعی داشت اسمی از سیستان افغان برده نشود؛ یعنی از آنجایی که ناسیونالیزم ایرانی به شدت به نفع حکومت مرکزی ایران وجود دارد، بوق و کرناها در باره بلوچستان پاکستان راه می‌اندازند؛ یعنی در باره جایی که شدیداً ضد ایرانی‌اند و اغواگر.

۱۳- تنها پایگاه قومی و ملی سیستانی‌ها ملت ایران است؛ درحالی‌که ایرانی‌ها نه سیستانی را درست می‌شناسند و نه از آن حمایت می‌کنند. مسئله سیستان و اینکه سیستان واقعا سنگر تشیع و فارسیت و ایرانیت است در زمینه فکری ملت ایران قرار گیرد.

**تضاد منطقه با حکومت مرکزی**

۱- منطقه، علاوه بر تضاد درونی خود، یک تضاد برون‌ی هم با حکومت مرکزی دارد. این تضاد از سوی جامعهٔ سیستانی مطرح نیست و جامعهٔ سیستانی برعکس، عامل تخفیف و یا احتمالاً نفی این تضاد است. عامل اصلی و منحصر به فرد این تضاد، بلوچ‌ها هستند و برای اینکه این تضاد روز به روز از حدت و شدت بیفتد و یا با تمام حدت و شدت مسئله‌ساز نباشد، باید توجه کرد که از آنجایی که از اصول پیروزی در تضادهای اجتماعی برای گروه‌های متضاد، امکانات مانور است، باید بینیم بلوچ‌ها مانوری دارند که باید نداشته باشند؟ بلوچ‌ها اولاً مرز بلند بالای بلوچستان را با پاکستان دارند، بدون محافظین راستین مرزبانی. ثانیاً ممر قاچاق را دارند و از این ممر، علاوه بر جنس قاچاق و غیر ایرانی، فکر قاچاق و آموزش قاچاق هم به منطقه می‌آورند و ثالثاً از مرز دریایی به جای فعالیت اصیل اقتصادی و تولیدی، فعالیت قاچاق (جنسی، فکری، سیاسی و نظامی) می‌کنند و باید کاری کرد که این وضع جلویش گرفته شود. برای این کار در چابهار صید ماهی و ... دریایی مورد توجه قرار گیرد.

۲- در برابر راه آهن زاهدان - کوئته که بلوچ‌ها را در بست از نظر بازار وابسته به پاکستان کرده است، راه آهن زاهدان - کرمان و راه زاهدان - خراسان و احتمالاً راه آهن و یا راه چابهار - مشهد هرچه سریع‌تر ساخته شود.

۳- مرزهای بلوچستان شدیداً کنترل شود؛ اگر نه مثلاً هرچه در بلوچستان ایجاد کنیم، باز بلوچ‌های آن سوی مرز به ایران می‌آیند و دیری نمی‌گذرد که به جای سیصد هزار بلوچ بلوچستان ایران، یک میلیون بلوچ خواهیم داشت. این تنها یک مورد خطر است.

۴- طرحی تهیه شود که بر اثر آن از حیث فرهنگی - جمعیتی و سیاسی، بلوچ‌ها به قلب بلوچستان بلوکه شوند و نه به روال گذشته روز به روز چون سیل ملخ به اطراف پراکنده شوند و هر روز ادعای ارض روی منطقه‌ای از سیستان و یا خراسان بکنند. برای این کار، مرکزیت سیاسی ایرانشهر برای بلوچستان مستقل آینده ضروری است.

متأسفانه هم روحانیون و هم فئودال‌ها و هم تحصیل‌کرده‌های بلوچ، شدیداً ناسیونالیست بلوچند و به‌ویژه تحصیل‌کرده‌هایشان با واگذاری مسئولیت‌های چشمگیر به تحصیل‌کرده‌های بلوچ در مناطقی چون آذربایجان و لرستان کاری کنیم که این گروه

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۵۹

آزیتاریست که در جهت ایجاد بلوچستان بزرگ، با طیب خاطر خودشان از منطقه دور کرده، بر جایشان مسئولین ملی بگماریم.

پس از مستحکم کردن مرز و ایجاد تعادل قوی قومی در منطقه، معادن بلوچستان شناسایی شده، دست به اکتشاف و استخراج آن بزنیم و بدین وسیله ایجاد کار و رفاه برای جامعه بلوچ بکنیم تا روابطش با خارج کمتر و حتی قطع شود.

همه می‌دانیم تاکتیک همیشه توفیقش در گرو تجهیزات است و از این حیث بلوچ‌ها تجهیزاتشان ماشاءالله به وسیله رژیم گذشته تکمیل شده است. برای لغو تجهیزاتشان اولاً به هر نحو ممکن است یک خلع سلاح عمومی در بلوچستان صورت بگیرد. ثانیاً امکانات مانور از آنها در دو سوی مرز گرفته شود.

۸- مثلث سیاسی نظامی بلوچ - ترکمن - گُرد هم‌اکنون در کشور در حال تکوین است و رادیو و تلویزیون هم چه به موقع و خوب این سه کلمه را پشت سر هم ردیف می‌کند و وزرا و دولتمردان ما هم نیز، و این حق به آن بلوچ بی‌سواد کوه‌نشین که از دسترس مروجین و مبلغین ناسیونالیست بلوچ هم دور است، آموزش می‌دهند که تو از قماش ترکمن و کردی و با قیام او قیام کن. به این وضع لطفاً خاتمه دهید.

۹- قاچاق برای اقتصاد جامعه بلوچ هیچ کاری نکرد. اکثریت‌شان کپرنشینان بی‌چیزند؛ فقط فئودال‌ها ممر تازه‌ای برای زندگی یافتند و سرگردنه‌بگیرها از این راه خیلی هم پول‌دار و متکثر شدند و بر اثر قدرت اقتصادی، به قدرت سیاسی هم رسیدند. هر آن جلوی قاچاق را بگیریم، جلوی رشد فئودالیزم و باند قاچاق را گرفته‌ایم و نه جلوی اقتصاد نود و پنج درصد جامعه بلوچ را. قاچاق حتی بُرداری را برانداخت [و] باغ و باغچه‌داری محقر بلوچستان را هم از رونق انداخت. این اقتصاد وابسته - منحصر به باند و نه قومی - منحط و مسئله‌آفرین را ریشه‌کن کنید.

۱۰- پروژه‌های سدسازی بلوچستان و کارخانه‌های سیمان و ... به فوریت دنبال شود. تکرار می‌کنم مرزها و سرشماری هم کنترل شود.

---

۱. شماره‌گذاری در متن اصلی نیز پس از شماره ۴ از ۸ ادامه داده است که نویسنده یا مطالب شماره‌های ۵، ۶ و ۷ را ضروری ندانسته و حذف کرده و یا در هنگام حروف‌چینی اشتباهی پیش آمده است. برای حفظ امانت، همان ترکیب نسخه مادر را حفظ کرده‌ایم (ویراستار).

## ۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱۱- ایجاد کانون‌های کارآموزی که کارگر ماهر و فنی در منطقه پرورش دهد، حتی از وجود دانشگاه در منطقه ضروری‌تر است، تا بتواند جهت فعالیت، مردم را از قاچاق به کارگری بکشانند. به این امر مخصوصاً در جنوب بلوچستان توجه شود.

۱۲- حتی‌المقدور سعی شود از بلوچ‌های انگشت‌شمار خراسان و گرگان نامی به میان نیاید که این مسئله بلوچ‌ها را در این دو ناحیه هم مطرح می‌کند و این همان چیزی است که مبتکران و نقشه‌کشان بلوچستان بزرگ به آن راغبند [پیوست ۴].

### گزارش چهارم: نکاتی چند در بارهٔ اوضاع سیستان و بلوچستان قبل و بعد از انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

قصدم دارم نه به‌عنوان یک فرد سیستانی، بلکه در غالب یک ایرانی مسلمان که احساس مسئولیت می‌کند از آنچه که طی سال‌های گذشته و همین‌طور قبل و بعد از انقلاب دیده و برداشت کرده‌ام، این سازمان را مطلع کرده، شاید که این اطلاعات ناچیز، تصویر اجمالی از اوضاع و احوال منطقه مجسم سازد و باعث شود راه‌های مناسب و منطقی برای بهبود شرایط این استان و جلوگیری از هرگونه جنجال و درگیری احتمالی، مورد بررسی قرار گیرد و در اسرع وقت در مورد آن اقدام شود.

به‌طور کلی در شرایط عادی، وقتی شخصی به این خطه سفر می‌کند و با یک دید تجزیه و تحلیل‌کننده به مسائل موجود در منطقه نگاه می‌کند، مواردی که بیشتر توجهش را جلب می‌کند و می‌توان آنها را به‌عنوان شاخص‌هایی در رابطه با بررسی این مسایل در نظر گرفت، نکات زیر می‌باشد:

#### ۱- تضادهای موجود در منطقه

اصولاً این منطقه به دو بخش سیستان و بلوچستان تقسیم می‌شود. شهر زابل و بخش‌های آباد اطراف آن که دهات زیادی را در بر می‌گیرد، بر روی هم بخش سیستان را تشکیل می‌دهد. زاهدان، خاش، سراوان، ایرانشهر و چابهار و آبادی‌هایی که در اطراف این شهرها وجود دارد، بخش بلوچستان را به وجود می‌آورد. ضمناً نسبت این افراد (بلوچ و سیستانی) در مناطق مذکور، گویای تطابق نام‌ها با مناطق مزبور می‌باشد.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۶۱

چه بسا در سیستان بیشتر مردم سیستانی و اهالی دهات اطراف - که با لباس‌های مخصوص و آداب خاص خودشان مشخص می‌شوند - وجود دارند و افراد بلوچ کمتر دیده می‌شوند؛ درحالی‌که در بخش بلوچستان بیشتر افراد بلوچ به چشم می‌خورند؛ بخصوص در شهرهای خاش و سراوان و ایرانشهر و چابهار شاید نزدیک ۸۵ تا ۹۰٪ مردم بلوچ هستند. این نحوه توزیع مردم، حد و مرزی به ظاهر مشخص به وجود آورده که این خود باعث عمیق‌تر بودن تضادها و احساس مالکیت کردن‌ها [می‌شود] که طبعاً در مناطقی اینچنینی وجود دارد. در بخش‌های اصلی هر منطقه (زابل در سیستان و شهرهای بلوچستان) تضاد و اختلافات کمتر به چشم می‌خورند؛ چون یک قشر حدود ۹۰٪ را تشکیل می‌دهد؛ درحالی‌که این مسائل را بعینه می‌توان در مرکز استان (زاهدان) مشاهده کرد. تفاوت زبان (بلوچی - فارسی) و اختلاف مذهب (شیعه و سنی) این تضاد را شدیدتر می‌کند و در مواردی که تفاهم به وجود نیاید همین مسائل باعث روشن شدن شعله نفاق و درگیری می‌شوند. البته مسائل ضمنی وجود دارد که مانع از تفکیک و جدایی این دو منطقه از هم می‌گردد. مثلاً در بخش سیستان بیشتر جنبه تولیدی دارد و بلوچستان شدیداً به این تولید احتیاج دارد و سیستان نیز به انواع اجناس قاچاقی که در بلوچستان به حد وفور یافت می‌شود، محتاج است و اصولاً یک رابطه تجاری و بازرگانی با سود خیلی زیاد برای مردم این دو بخش ایجاد کرده است.

### ۲- مسئله تولید و فرم کار در هر بخش

بخش سیستان، یک بخش تولیدی به حساب می‌آید؛ مخصوصاً که تا چند سال پیش از مراکز غله ایران به حساب می‌آمد و به راستی که با کم‌لطفی طبیعت در این منطقه، مردم فعالیت زیادی می‌کردند و با همه کم‌آبی، تولید خوبی داشتند. کشاورزی این منطقه، بیشتر زراعت گندم و جو و علوفه مختلف و به عمل آوردن میوه‌های مختلف می‌باشد.

کارهای تولیدی دیگر، نظیر قالی‌بافی، پشم‌ریسی، نخ‌ریسی، کوزه‌گری و دامداری از کارهای معمول مردم می‌باشد. قاچاق موادی نظیر چای و تریاک و بعضی اجناس

## ۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

دیگر - که از افغانستان وارد می‌شود - نیز در این بخش به چشم می‌خورد؛ البته نمی‌تواند با درصد قاچاق در بلوچستان قابل مقایسه باشد. بخش بلوچستان بیشتر موقعیت نظامی دارد؛ البته در قسمت ایرانشهر و چابهار، تولیدات کشاورزی - بخصوص میوه‌جات گرمسیری - دیده می‌شود. تا حدی کارهای تولیدی فردی، مثل قالی‌بافی و کارهای دستی دیگر [هم رواج دارد.] و از همه مهم‌تر قاچاق مواد و وسایل مختلف خارجی که به علت همجواری با دو کشور افغانستان و پاکستان و داشتن مرز مشترک زیاد که کمتر کنترل می‌شود و در بعضی جاها غیرقابل کنترل است و به آسانی انجام می‌شود.

در این منطقه مردم کار بدنی کمتری می‌کنند و بیشتر تابع کارهای پرمفعت که انرژی کمتری احتیاج دارند، هستند. سطح کارهای شهر بیشتر به خرید و فروش اجناس، بخصوص اجناس وارداتی محدود می‌شود. البته شرایط حاکم بر منطقه نیز کمک به توسعه بیشتر این قبیل کارها می‌کند؛ چون کارهای تولیدی کمتر است و بیشتر کارهای ساختمانی و راهسازی دیده می‌شود که قشر بخصوصی را جلب می‌کند و همه به این‌طور کارها تمایل ندارند.

### ۳- سطح هزینه و نقش پول در رابطه با زندگی مردم

سطح هزینه زندگی حتی از چندین سال قبل در این منطقه بخصوص در مرکز استان، بالا بوده است و این بیشتر به خاطر کمبود مواد اولیه مورد احتیاج است، که نزدیک به ۸۵٪ آن باید از جاهای دیگر وارد شود. روی این اصل، مردم با سطح هزینه‌های بالا برای هر مورد از مایحتاج غذایی گرفته تا وسایل رفاهی زندگی، سازش پیدا کرده و این مطالب یک امر عادی تلقی می‌شود. ضمناً تجارت‌های موجود در منطقه، قاچاق مواد مخدر، اسلحه، اجناس و وسایل خانگی، پوشاک، مواد خوراکی و میوه‌جات، بخصوص تجارت موز و نارنگی، درآمدهای کلان و غیرقابل تصویری دارد. خیلی از افراد که مغزشان در این مسیر کار می‌کرد ظرف مدت کمی جزء ثروتمندان شهر قرار گرفتند. به یک سند توجه کنید. فرمانده ژاندارمری ناحیه (سرلشکر اسپهرم که بازداشت می‌باشد) هر شب - در موقع کار تجارت نارنگی - شصت هزار تومان از کامیون‌های

### گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۶۳

حامل نارنگی برای ورود از مرز پاکستان به میرجاوه دریافت می‌کرده است. حساب کنید این نارنگی‌ها چه منفعتی داشته که شصت هزار تومان باج، ضرری پیش نیورده است! و حالا تصور کنید که در همان سال‌ها (دو سال قبل) نارنگی که از پاکستان کیلویی شاید حدود ۷ تا ۱۰ ریال خریداری می‌شود در تهران قیمتش به کیلویی ۷۰ تومان<sup>۱</sup> رسیده بود. این مسائل که گفته شد، باعث شده پول به‌طور غیرمنطقی و حساب‌نشده در دست مردم قرار بگیرد و مردم این منطقه آن ارزشی را که سایر جاها برای پول قائلند، قائل نمی‌باشند و با پول زیاد عادت کرده‌اند. من افراد زیادی را دیده‌ام که بعد از حمام رفتن، اسکناس پنجاه تومانی روی پیشخوان حمامی گذاشته‌اند و رفته‌اند.<sup>۲</sup> این مطلب در یک شهر کوچک در یک استان پر از آدم‌های فقیر و گرسنه، یک امر غیرعادی است. روی اصل عادت و عجین شدن پول زیاد با مردم منطقه، من هیچ‌وقت سعی و کوششی از این مردم در رفع تورم و پایین آوردن سطح هزینه در منطقه ندیده‌ام. البته وقتی می‌گویم مردم، منظورم همه نیستند و به‌طور نسبی حساب می‌کنم. چه بسا خانواده‌ها و طبقاتی هستند که نمی‌توانند از پس این هزینه زندگی برآیند و این تضاد به‌طور وضوح دیده می‌شود و حتی در این استان در مرکزش که شهر بزرگی هم نیست، اختلاف طبقاتی را خیلی بهتر از تهران می‌توان دید و این مسئله، قابل گذشت نیست؛ چون راه‌های ایجاد لاقل یک منطقه با تضاد و تبعیض کمتر وجود دارد.

#### ۴- وجود خان‌ها و سردارها و تأثیر آنها در منطقه

این‌گونه افراد در هر دو بخش وجود دارند و از لحاظ تأثیر بر روی هر منطقه و اهالی آن منطقه نیز قابل توجه می‌باشند. در بخش سیستان، بیشتر خان‌هایی که وجود دارند، هر کدام چند پارچه آبادی دارند و رعیتی نیز دارند که بر روی این زمین‌ها کشت و کار می‌کنند و اصولاً در آنجا زندگی می‌کنند (وابسته به زمین). من کمتر در دهات

---

۱. گویا گزارش دهنده اشتباه کرده و مبلغ درست، ۷۰ ریال است؛ وگرنه بعید است قیمت نارنگی در دهه ۱۳۵۰ در تهران به ۷۰ تومان رسیده باشد (ویراستار).

۲. این در حالی بود که نرخ حمام در آن سال‌ها بین سه تا ده تومن بود (ویراستار).

## ۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

بوده‌ام، ولی از آنچه که دورادور مشاهده می‌کردم، برداشتم این است که خان‌ها در منطقه سیستان، کمتر خودسری و شورشگری دارند و تقریباً می‌توان گفت سعی می‌کنند کارهایشان برطبق قانون باشد و ضمناً تأثیر این تا حدی در کارهای آنها دیده می‌شود و می‌توان آنها را به کارهای مثبت و سازنده وا داشت و از افکار برهم‌زننده آرامش عمومی در این بخش می‌توان جلوگیری کرد. اما در بلوچستان، سردارها خیلی بیشتر قدرت دارند و آدم‌های زیر دست آنها بیشتر در کار قاچاق هستند. افراد مسلح در این بخش زیادند و همان‌طور که گفتم قدرت زیاد، پول زیاد و فرمان‌بری مأموران حکومتی سابق از این طبقه و کمک‌های مالی زیادی که از طرف ساواک و شاه مستقیماً می‌شد و در واقع در حکم حق السکوت برای اینها بود، همه و همه باعث شده که هر یک از اینها این‌طور فکر کنند که حاکم ایالتی هستند و حالا خود را در تعیین و تغییر سرنوشت آن منطقه مختار می‌دانند. ضمناً نقش دین و مذهب هم کمتر تأثیری می‌گذارد و شاید فقط رهبران مذهبی با حالت واسطه می‌توانند کاری انجام دهند. آن هم رهبران اهل سنت، نه علمای شیعه.

## ۵- روحانیت و مسئله شیعه و سنی

همیشه وضع بدین ترتیب بوده که تفاهم مردم - بخصوص این دو گروه کاملاً متمایز - بر اساس دعوت به آرامش و مداخله نکردن در کار یکدیگر قرار داشته است. شاید رژیم سابق نیز در ایجاد آرامش و تفاهم کاذب و سطحی سعی وافر داشت. در گروه شیعه مذهب که بیشتر سیستانی‌ها را شامل می‌شود، می‌توان گفت حدود ۷۰٪ مردم از رهبر و عالم شیعه (آیت‌الله کفعمی) پیروی می‌کنند و بقیه یا این رهبری را قبول ندارند و یا اینکه نسبت به این مسائل بی‌تفاوت هستند و مخصوصاً در جریان نهضت این جهت‌گیری‌ها به خوبی قابل تشخیص بود. در گروه سنی مذهب، رهبر برای گروه کثیری در حکم حاکم و همه‌کاره است. در گذشته به حرف شاه (اعتنا) نمی‌کردند، ولی اگر رهبرشان دستوری می‌داد با جان و دل می‌پذیرفتند. به‌طور کلی، رهبری بلوچ‌های منطقه را مولوی عبدالعزیز به‌عهده دارد که در زاهدان مستقر می‌باشد. این رهبری بیشتر شامل بلوچ‌های شهرنشین و اطراف شهرها می‌باشد و هستند گروه‌هایی که در



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۶۵

بیابان‌ها و کوه‌ها زندگی می‌کنند و خیلی از مرکز دور می‌باشند؛ آنها پیرو این رهبری نیستند. به‌طور کلی روحانیت، نقش احیاکننده و انقلابی ندارد و بیشتر حالت‌های محتاطانه به خود می‌گیرد و کمتر اقدامات سریع و ضرب‌الأجل انجام می‌دهد؛ به‌علاوه اگر عملی انجام می‌دهد با قاطعیت و بدون نگرانی نیست. این حالت در حین انقلاب در اهل شیعه خیلی کمتر بود و در اهل سنت به مرز ۹۰٪ می‌رسید. کما اینکه طی ماه‌های آبان و آذر اگر اهل شیعه، تکانی نمی‌خوردند و در دی‌ماه نهضت واقعی به‌پا نمی‌کردند، می‌توانستیم بگوییم اصلاً در این استان انقلابی انجام نمی‌شد؛ چون قشر اکثریت بلوچ (۹۰٪) تا روز پیروزی انقلاب که فکر می‌کنم ۲۲ بهمن بود، نه تنها در طول نهضت همراهی نمی‌کردند، بلکه در چندین مورد مستقیماً - که توام با قتل و غارت و تخریب بود - و در سایر موارد به‌طور غیرمستقیم در جبهه مخالف قرار داشتند و افراد ناآگاه را تحریک می‌کردند. ولی با این همه، حالت گذشت و دعوت به یکپارچگی و وحدت که در شیعی‌مذهب‌ها بود، از نفاق و دو دستگی بیشتر جلوگیری می‌کرد. البته در باره روحانیت این را هم باید گفت که اصولاً موقعیت منطقه ایجاب نمی‌کرد و اجازه نمی‌داد از این بیشتر شدت عمل نشان داد؛ چه بسا اگر تصمیمی در این جهت گرفته می‌شد جنگ بین شیعه و سنی حتمی بود و ضمناً رژیم به نفع خود از این مسائل بهره می‌برد و اینکه می‌گوییم [روحانیت] نقش انقلابی ندارد، منظورم در شرایط فعلی است که آزادی برقرار و حکومت اسلامی سر کار است.

### ۶- سطح فرهنگ و طرز فکر مردم

اصولاً وقتی از مرکز استان به طرفین می‌رویم موج بی‌سوادی و بی‌فرهنگی شدیدتر می‌شود. بیشترین فعالیت‌های فرهنگی در مرکز استان دیده می‌شود که با این همه، وقتی آمار بی‌سوادی را بررسی می‌کنیم، در همان مرکز استان شاید حدود ۵۰٪ بی‌سوادی دیده می‌شود؛ البته چند سالی است که کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی برای بزرگسالان و کوچکسالان به طریق شبانه گذاشته شده است که تا حد زیادی باعث کم شدن درصد بی‌سوادی می‌شود و مردم تا حد زیادی به این امر گرایش نشان می‌دهند. قبل از انقلاب، مردم کمتر به کتاب و نشریات توجه داشتند و تنها تلویزیون

## ۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

بود که همه را جلب می‌کرد، ولی حالا مردم بیشتر روزنامه و کتاب می‌خوانند و نسبت به مسائل موجود در سطح کشور بیشتر حساسیت نشان می‌دهند. از نظر طرز فکر، مردم یک حالت دهن‌بینی دارند و عقلشان توی چشمشان هست و کمتر قوه عقل و منطق را در افکارشان وارد می‌کنند؛ به طوری که وقتی یک یا چند نفر می‌گویند فلانی بد است، در سطح شهر بیشتر مردم می‌گویند فلانی بد است؛ درحالی‌که بعداً بر اثر تحقیق معلوم می‌شود که فرد مورد نظر، فردی مؤمن و صدیق است و فقط به خاطر اینکه سازشکار نیست و آنچه را که فکر می‌کند درست است، انجام می‌دهد. من غیرمستقیم افرادی را دیده‌ام که اسمشان را بد قلمداد کرده‌اند.

### ۷- دانشگاه و مسائل وابسته به آن

در مورد ایجاد این دانشگاه، جنبه احتیاج این منطقه به یک مؤسسه آموزشی، مورد نظر نبوده، و فقط جنبه ساکت کردن مردم را داشته و اینکه مقدار بیشتری جوان‌ها را به خودشان مشغول داشته باشند؛ چون در گوشه و کنار استان صدها کمبود واجب‌تر دیده می‌شود و خیلی‌ها از گرسنگی و فقر مریض می‌شدند و حتی می‌مردند و آن وقت رژیم در مرکز استان در چهار سال پیش برای تعدادی حدود ۲۰۰ نفر دانشگاهی با آن تأسیسات پرخرج و سنگینی ایجاد کرد. از طرف دیگر، این استان یک منطقه بدون کشاورزی خوب و تولید حداقل خودکفا برای چند شهر می‌باشد و مسائل کشاورزی و دامداری و شناخت زمینی و منابع طبیعی آبی و معادن موجود از مسائل مهم و لازم برای این منطقه است؛ درحالی‌که رشته‌های موجود در این دانشگاه از بدو تأسیس تاکنون مهندسی راه و ساختمان، مهندسی شیمی، مکانیک و یک رشته فنی دیگر احتمالاً می‌باشد.

گرفتن دانشجوی به نسبت ۴۰٪ بومی و ۶۰٪ غیربومی می‌باشد. از سالی که دانشگاه تأسیس شده (سال ۱۳۵۴) تا به حال، این غیربومی‌ها تأثیر سازنده‌ای بر روی شهر و مردمش گذاشته باشند، فکر می‌کنم فقط محیط در آنها تأثیر گذاشته و تأثیر متقابلی از طریق آنها صورت نگرفته است

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۶۷

مسائل رفاهی در سطح دانشگاه خیلی زیاد است و در قبال آن کیفیت آموزش خیلی کم است. آن‌طور که دانشجویان دانشگاه می‌گفتند هزینه یک دانشجوی برای دانشگاه طی یک روز ۲۵۰ تومان برآورد شده است. خوابگاه با کلیه امکانات مجانی (برای دختر و پسر) و ضمناً دانشجویان کمک‌هزینه نیز دریافت می‌دارند. مثلاً از نظر وضع غذا و سلف سرویس به این ملاک توجه کنید. یک روز که برای ناهار رفته بودم سلف سرویس دانشگاه، ناهار عبارت بود از چلو خورشت تقریباً با کیفیت خوب، سالاد فصل، نوشابه و میوه؛ و شب‌ها به جای میوه، کمپوت سرو می‌شد. قیمت ناهار و شام ۲۰ ریال بود. ضمناً صبحانه نیز داشتند. توجه داشته باشید که یک دانشجوی با کلیه وسایل رفاهی آماده، چه فرد سازنده با حداقل زندگی و دارای شناخت با وضع زندگی طبقات مختلف مردم از دانشگاه بیرون می‌آید؟

همان‌طور که گفتم از هر جهت که نگاه بکنی امکانات چشمگیر زیاد است، ولی حیف که فقط چشمگیری امکانات و تجهیزات مد نظر بوده و کاربرد صحیح و لازم آنها در نظر گرفته نشده است. استاد متخصص ندارند و خیلی از دستگاه‌ها و ماشین‌ها بدون استفاده واقعی باقی مانده‌اند. نبودن فعالیت‌های آموزشی مانند سایر دانشگاه‌ها باعث شده در همین دو ماه قبل که باید فعالیت بیشتر می‌بود، سطح آموزشی بیشتر از ۲۰٪ نبود و خیلی از دانشجویان سال پایین (۱ و ۲) ترم‌های خود را حذف کردند و حتی بعضی از دانشجویان انصراف داده و از این دانشگاه رفتند و عملاً در اواخر اردیبهشت تا خرداد حدود ۳۰۰ نفر از ۶۰۰ نفر دانشجوی باقی مانده بودند. درد بیشتر بچه‌ها که صحبت می‌کردند نداشتن استاد خوب و کیفیت آموزشی مناسب بود. قریب به اتفاق بچه‌ها با بودن این همه امکانات زیاد، مخالف بودند. من دانشجویان سال چهارم (سال آخر مهندسی) را دیدم که حتی ۵۰ واحد نگذرانده بودند.

موضوع دیگر فعالیت‌های سیاسی در سطح دانشگاه است که برعکس جاهای دیگر - که پا به پای فعالیت‌های آموزشی پیش می‌رود - در اینجا فعالیت‌های آموزشی را تحت الشعاع قرار داده است. از اینها که بگذریم شعبه شعبه بودن این فعالیت‌هاست. چندین گروه مختلف موجود هستند (از جمله دانشجویان پیشگام، دانشجویان خلق بلوچ، دانشجویان مسلمان بلوچ و دانشجویان مسلمان دانشگاه).

## ۶۸ □ شخصت سال صبوری و شکوری

در بررسی‌ها به این نتیجه رسیدیم که دانشجویان وابسته به گروه‌های چپ با وجودی که در اقلیت هستند، فعالیت زیادی دارند؛ مخصوصاً که تعدادی از بلوچ‌ها نیز چپی هستند و این مطلب به گسترش فعالیت آنها کمک می‌کند. این فعالیت‌ها البته بیشتر در سطح آموزشگاه‌ها می‌باشد. این فعالیت‌ها بیشتر از طریق نصب و پخش اعلامیه‌های متعدد، دعوت سخنران - به تازگی دو نفر سخنران داشته‌اند که یکی از آنها سیاوش کسرایی بود - نمایش فیلم و اسلاید، ایجاد کتابخانه و انجمن کتاب می‌باشد. البته گروه‌های مذهبی تعدادشان زیاد است و فعالیت زیادی هم دارند، ولی چون وحدت و تشکل فکری و سازمانی ندارند، با داشتن ایدئولوژی واحد، فعالیت‌ها شعبه شعبه می‌شود و از راندمان عمل در جمع خیلی کم می‌شود. البته راه‌های ممکن برای ایجاد این تشکل و وحدت وجود دارد.

موضوع دیگر، ایجاد دانشکده کشاورزی است که از چندی قبل حرفش بود. در این بین از طرق مختلف و توسط افراد مختلفی اعمال عقیده و نظر می‌شد که در این دانشکده در بمپور - که ناحیه‌ای است در بلوچستان - قرار داشته باشد، ولی از ابتدا هم تصمیم بر این بود که محل دانشکده در سیستان باشد؛ چون سیستان از نظر کشاورزی و موقعیت محل، قدمت بیشتری دارد، بالاخره همان‌طور که از طرف دولت دستور صادر شد، قرار شد این دانشکده در منطقه سیستان تأسیس شود.

### ۸- کارها و اقدامات رژیم سابق و تأثیر آنها در طرز فکر و زندگی مردم

رژیم گذشته در رابطه با مناطق مرزی کشور به‌طور عموم و با این منطقه بخصوص، روشی اعمال می‌کرد که اقدامات ظاهری به حداکثر صورت می‌گرفت و حالت مُسکِن آنی را داشت و در واقع درد را علاج نمی‌کرد. از سوی دیگر این اقدامات در چشم و دل مردم، بهترین عکس‌العمل ممکن را برای رژیم می‌گذاشت.

خوب به تضادهای موجود در این استان توجه کنید. استانی که در مرکز آن مردم آب شیرین ندارند و آب پر از گچ و نمک را می‌خورند، بیشتر خیابان‌های شهری آسفالت ندارند، جاده‌های بین شهری اکثراً خالی است - تحولات جاده سازی ظرف همین سه - چهار سال اخیر شروع شده - و از لحاظ درمانی و پزشکی خیلی افتضاح

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۶۹

بوده و هست، رژیم آمد و در هر یک از شهرها و حتی بخش‌ها آنتن تلویزیون کار گذاشت که هم به‌عنوان یک مرکز ارتعاشات تبلیغ و تثبیت رژیم شاهنشاهی عمل می‌کرد و هم جوابی در مقابل اعتراضات بعضی از افراد بود که چرا این‌قدر نمک‌نشناسید! خیلی‌ها رادیو ندارند؛ در حالی که شما هم رادیو و هم تلویزیون دارید. و به این طریق دهان مردم بسته می‌شد.

از کارهای دیگر رژیم، کمک‌های مالی و نقدی در سطح استان بود. بدین ترتیب که به بچه‌های دبستان دو نوبت در سال هر دفعه ۱۰۰ تومان، به دوره راهنمایی حدود ۳۰۰ تومان و به دوره نظری ۶۰۰ تومان می‌پرداخت. از لحاظ لباس، دو دفعه هر بار کفش و لباس (یک بار زمستانی و یک بار تابستانی) و از لحاظ مواد غذایی، روغن، آرد و از این قبیل کمک‌ها انجام می‌شد. خوب وقتی نهضت شروع شده بود، مردم عادی و عامی که این کمک‌ها برای آنها دیگر وجود نداشت و قطع شده بود، دانشان درآمده بود که شاه خیلی خوب هست و همه جور کمک و توجه به ما می‌کند و حتی تا بعد از پیروزی انقلاب در جاهایی مثل ایرانشهر و چابهار، مردم عکس شاه را به در و دیوار زده بودند. البته این تقصیر از مردم نیست و باید به حساب زیرکی رژیم گذاشت. ماه‌ها طول کشید تا این طرز فکر از مغز این مردم رفت؛ اگرچه هنوز کسانی معتقدند رژیم شاه بدون چون و چرا خوب بود و هنوز منتظرند و فکر می‌کنند که ایشان تشریف می‌آورند.

از کارهای دیگر، آزاد گذاشتن قاچاق اسلحه، اجناس خارجی، مواد مخدر و خیلی چیزهای دیگر بود. این آزادی‌ها در حکم یک امتیاز لازم برای این مردم محسوب می‌شد و حالا که می‌خواهند این امتیازات را لغو کنند، خوب برایشان غیرقابل قبول است. با این کارها رژیم مردم را به یک حالت خمودگی و رکود فکری می‌برد؛ چه این همه آزادی قاچاق مواد مخدر و مشروبات الکلی، محل فروش می‌خواست و در نتیجه، عده زیادی بخصوص جوان، معتاد به انواع گوناگون مواد مخدر و مشروبات الکلی می‌شدند. می‌توان گفت ۷۰٪ مردم مواد مخدر را استعمال می‌کنند. که این درصد شامل بچه کوچک، جوان، پیر، زن و مرد می‌شود. حدود ۳۰٪ به‌عنوان تفریح و خوش گذرانی

## ۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

این کار را می‌کردند؛ چون محیط، تفریحات سالم را نداشت و ۴۰٪ بقیه بلااستثنا معتاد هستند.

در نظر بگیرید چه کسانی می‌خواستند به فکر شهر و دیارشان باشند. رژیم فاسد گذشته، چه بدبختی‌ها که بر سر این مردم نیاورده! و حالا در نظر بگیرید که چه کارهای اساسی و اقدامات عمیقی باید انجام شود تا روح سازنده و انقلابی در این مردم احیا گردد. ضمناً با آزاد گذاشتن قاچاق به‌طور کلی مردم را به طرف این‌گونه تجارت‌های ساده و از لحاظ سود سرسام آور، سوق می‌داد و در نتیجه، فکر تولید و مخصوصاً ایجاد یک منطقه کشاورزی اصلاً به مغز مردم هم خطور نمی‌کرد و همیشه به سایر جاها وابسته بودند و تولیدی نداشتند.

ضربه دیگر رژیم، در منطقه سیستان بود. تا چند سال قبل (سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۴۹) سیستان، مرکز غله ایران بود. با بی‌توجهی عمده رژیم به مسئله آب و موقعیت مهم رود هیرمند در این منطقه و کارشکنی‌هایی که بر سر بستن پیمان آبی با افغانستان انجام شد، آب رودخانه خشک شد و در سال‌های فکر می‌کنم ۱۳۵۰ یا ۱۳۵۱ آن قحطی و بی‌آبی پیش آمد که به‌خاطر نبودن آب و علف، گوسفند دانه‌ای پنج تومان فروخته می‌شد و خیلی از دام‌ها در صحراها و بیابان‌ها از بین رفتند و تعداد زیادی از مردم بیچاره شدند. وضع کشاورزی و دامپروری به سطح صفر رسید و باعث شد که خیلی از مردم کشاورز و دامدار همیشگی این منطقه، به جاهایی مثل دشت گرگان و ترکمن صحرا کوچ کنند و این خود لطمه بزرگی به این منطقه و به‌طور کلی به ایران بود.

در منطقه بلوچستان [نیز] به همین ترتیب [عمل شد]. بلوچستان، غیر از موقعیت نظامی که دارد، منابع و معادن سرشاری دارد. با بررسی‌هایی که شده تأیید کرده‌اند که در این منطقه نه تنها مس و اورانیوم، حتی نفت نیز وجود دارد. منطقه انتهایی بلوچستان حدود ایرانشهر تا چابهار، یک منطقه حاصل‌خیز و مستعد برای کشاورزی و کشت هرگونه میوه و محصولی است. من غیرمستقیم رژیم مانع از هرگونه اقدام یا ترویج کشاورزی می‌شد. مرتباً به سرکردگان دسته‌ها و گروه‌ها برای ساکت بودن و ساکت نگه‌داشتن بقیه، پول و رشوه می‌داد.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۷۱

### ۹- تسهیلات و مسائل رفاهی در سطح استان

اصولاً از هر نظر که توجه شود این استان از حداقل ضروریات برخوردار است و در بعضی موارد همان حداقل را هم ندارد. همان‌طور که متذکر شدم از نظر آب لوله کشی زاهدان، که مرکز استان است آب شیرین ندارد و شاید همین مسئله، باعث بروز خیلی از بیماری‌های کلیوی و امثالهم می‌باشد. چندی قبل این‌طور شایع بود که وقتی در باره شیرین کردن آب صحبت شده بود، مقامات مسئول آن زمان گفته بودند اگر آب این منطقه شیرین شود، حتی برای حیوانات هم قابل خوردن نخواهد بود. صحت این مطلب به گردن خودشان. مردم که نمی‌توانستند دلیل منطقی برای این مطلب پیدا کنند. در سایر شهرها آب شیرین وجود دارد، ولی در خیلی از موارد به اسم وجود دارد و همان بهتر که وجود نمی‌داشت. به‌عنوان مثال در ماه‌های بهمن و دی که زابل رفته بودم از شیرهای آب، آب گل‌آلود شبیه آب رود کارون می‌آمد و علتی که ذکر می‌کردند بسته شدن دریچه‌های سد بر اثر گرفتگی گل و لای زیاد بود.

برق شهرها و اصولاً برق تمام استان از برق سراسری جداست و توسط موتور برق تأمین می‌شود که در خیلی از موارد بخصوص بعد از عید نوروز و در تمام تابستان هر شب حداقل نیمی از شهر در خاموشی به‌سر می‌برد.

از نظر مواد غذایی، کمبود زیاد هست و قیمت‌ها بالاترین رقم را دارد. تعداد زیادی از خانواده‌ها از قصابی‌ها گوشت نمی‌گیرند و در این بین اشخاص فرصت‌طلبی هستند که کشتار غیرمجاز می‌کنند و گوشت گوسفند را با قیمت ۳۵ تومان و بعد از انقلاب تا حدود ۴۰ تومان می‌فروشند. بیماری ممکنه گوشت به جای خود، ولی قیمت‌ها خیلی بالاست؛ حتی در قصابی هم از ۳۰ تومان پایین‌تر نمی‌آید.

از لحاظ مراکز درمانی، داروخانه و پزشک، حداقل امکانات وجود دارد. شاید در خیلی از موارد افراد فقط به‌خاطر نبودن دارو، تجهیزات اولیه سالم و پزشک خوب تلف شده‌اند. در مرکز استان امکانات درمانی چنان کمبود دارد که بالاترین درجه اعتبار را در سطح سایر شهرها دارد، انسان را به وحشت می‌اندازد. قبل از انقلاب دکترهای زیادی که بیشتر پاکستانی و هندی بودند، در سطح استان وجود داشتند که البته تعداد معدودی از آنها واقعاً مثمر ثمر واقع می‌شدند و آنها هم بعد از انقلاب رفتند و الآن

## ۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

تعداد کمی باقی مانده‌اند. در سایر شهرهای بلوچستان که اوضاع از این هم بدتر است. در خیلی از موارد داروی مورد نظر دکتر و حتی مشابه آن وجود ندارد. از نظر بهداشت و پاکیزگی، نه کنترلی از طریق اداره بهداشت و بهزیستی و شهرداری می‌شود و نه مردم رعایت می‌کنند و یک محیط کاملاً ایده‌آل و مناسب برای رشد و شیوع هرگونه بیماری وجود دارد. در سطح استان بیماری‌های همه‌گیر و خطرناک زیاد وجود دارد، که چون با این بیماری‌ها بخصوص مالاریا - که مرکز اصلی آن ایرانشهر و چابهار است - به‌طور اساسی و پیگیر مبارزه نشده، مرتباً در شهرهای استان شیوع پیدا می‌کنند. مثلاً در همین سه سال قبل، مالاریا حتی در مرکز استان با آن همه کنترل، به حساب دقیق اپیدمی شد و باعث هلاکت عده زیادی گردید.

در سطح استان بخصوص شهرهای بلوچستان (خاش و سراوان) کمبود مواد غذایی و اصولاً گرسنگی و فقر ویتامین بیداد می‌کند و بیشتر به همین خاطر است که پذیرش هر گونه میکروب و بیماری را دارند و درصد بیماری و ... [ناخوانا] از هر جای دیگر کشور بیشتر است. شاید درآمد یک دکترای عمومی - نه متخصص - از ویزیت مطب و منزل از یک متخصص در تهران هم بیشتر باشد و این فقط به دلیل کثرت بیماری است. در خیلی از موارد افراد مریض، استطاعت پول دکتر و دارو را ندارند و خیلی‌ها به همین خاطر با وجودی که مریض هستند، دکتر نمی‌روند، و این مطلب از مسائلی است که باید به آن توجه شود.

### ۱۰- امنیت منطقه

حتی قبل از انقلاب هم که اوضاع شهرها به دست شهربانی بود، مردم از امنیت واقعی برخوردار نبودند. وجود اسلحه زیاد بین مردم بخصوص بلوچ‌ها قدرت‌های فردی را افزایش داده؛ به‌طوری که در خیلی از موارد جنجال و درگیری، از اسلحه استفاده می‌کنند. شاید بتوان گفت ۷۰ تا ۷۵٪ مردم مسلح هستند، و بیشتر اینها که قبلاً از نگه داشتن اسلحه در منزل می‌ترسیدند، بعد از انقلاب اسلحه خریدند.

مسئله دیگر روحیه خشن و جنگ‌طلبی بعضی از این افراد است که بیشتر به دلیل دور بودن از جوامع متمدن‌تر و قرار داشتن در شرایط آب و هوایی خاص می‌باشد.



### گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۷۳

ربودن اطفال و حتی آدم‌های بزرگ و هزارها کار ناشایست، دستبرد به خانه‌ها و آدم‌کشی‌ها از مسائلی است که در سطح استان صورت می‌گیرد و باز درصد آن در شهرهای دورتر از مرکز استان بیشتر دیده می‌شود. البته با اعمال سیاست‌های ممکن و مناسب می‌توان امنیت خیلی بیشتری را تأمین کرد. شاید این مسئله و نبودن تسهیلات اولیه باعث شده نقل و انتقالات در سطح استان خیلی زیاد صورت گیرد. به‌عنوان مثال تعداد متقاضیان انتقال به سایر شهرهای کشور در آموزش و پرورش زاهدان، فقط در سال جاری حدود ۱۷۰۰ نفر بوده است. البته بیشتر این عیوب و کمبودها را رژیم فاسد گذشته باعث و بانی بوده است. چون این منطقه می‌تواند یک منطقه تولیدی از نظر کشاورزی، منابع و معادن و دامپروری باشد و مردم منطقه هم می‌توانند از خلق و خوی عالی برخوردار باشند و افراد فعال و خلاق باشند.

#### اقدامات لازم و اصلاحی جهت تثبیت آرامش و امنیت منطقه

##### الف - در کوتاه‌مدت

##### ۱- راه افتادن پایگاه نیروی هوایی چابهار

این پایگاه به‌طور کلی در بالا بردن امنیت منطقه، تسهیلات رفاهی و ارتباطات اجتماعی می‌تواند مؤثر واقع شود؛ ضمناً می‌تواند عاملی بازدارنده از جنجال‌ها و شورش‌های اجتماعی بلوچ‌های منطقه خاش و ایرانشهر و چابهار باشد؛ چون در این مناطق سردارها و گروه‌های وابسته البته بیشتر وجود دارند.

##### ۲- تقویت نظامی منطقه

تقویت شهربانی‌ها در شهرها و پاسگاه‌های ژاندارمری در ایستگاه‌های بین راه و همین‌طور تقویت بیشتر پادگان‌های شهرهای بلوچستان، کمک خیلی زیادی به تثبیت آرامش در منطقه و کنترل بیشتر اوضاع می‌کند. چه بسا با همه خشونت و خودسری‌هایی که این مردم دارند، باز از یک نیروی نظامی جدی حساب می‌برند.

##### ۳- جمع‌آوری اسلحه و جلوگیری از قاچاق آن

البته جمع‌آوری اسلحه شاید مشکل‌تر از جاهای دیگر باشد، ولی لااقل می‌توان اسلحه را از افراد ناباب و غیرمجاز گرفت و در دست کسانی هم باقی می‌ماند تابع اصول و

## ۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

قوانینی باشد و در صورت رعایت نکردن، مجازات مناسبی در کار باشد. در غیر این صورت، باید انتظار این را داشت که بچه‌ها توی دبیرستان با اسلحه بیایند؛ کما اینکه یک محصل دبیرستانی با اسلحه، یکی از دوستانش را تهدید کرده بود و اگر مانع کارش نمی‌شدند فاجعه‌ای پیش می‌آمد. در مورد قاچاق اسلحه، با کنترل بیشتر و دقیق‌تر مرزها و گماردن افراد صالح و مورد اطمینان به‌عنوان ریاست پاسگاه‌های مرزی، می‌توان از قاچاق اسلحه جلوگیری کرد.

### ۴- شروع کار شیلات

این موضوع با راه افتادن پایگاه نیروی هوایی عملی می‌گردد و به نسبت زیادی می‌تواند بی‌کاری را در سطح منطقه از بین ببرد؛ ظناً از صید بی‌رویه ماهی هم جلوگیری می‌کند و از نظر ماده غذایی هم کمک زیادی می‌باشد.

### ۵- ایجاد شماره حساب در شعب یکی از بانک‌های استان

این کار باید از طریق روحانیت و به‌صورت یک طرح کلی باشد، و روحانیت شیعه و سنی با هم در این مورد اتفاق نظر داشته باشند و اقدام مشترک بکنند و این شماره حساب را تحت عنوان خرید مواد غذایی برای کمک به بعضی از مردم بلوچستان (بخصوص خاش و سراوان) که از لحاظ مواد غذایی واقعاً در سطح نزدیک به صفر به‌سر می‌برند، ایجاد کنند. افراد متمول و سرمایه‌دار در سطح استان خیلی زیادند و با عنوان این مطالب از طریق روحانیت (بخصوص اهل سنت) مطمئناً کمک‌های زیادی خواهد شد و لزومی ندارد که صرفاً به‌صورت پول تنها باشد، بلکه خوار و بار و مواد غذایی هم خواسته شود.

### ۶- اقدامات لازم و فوری در رابطه با وضع کشاورزی و دامپروری در منطقه

از نظر وضع آب، بلوچستان تقریباً دارای آب می‌باشد. این آب از دو - سه محل تأمین می‌شود (رودخانه سرباز، سد بمپور و ...). زمین‌های بلوچستان برای کشاورزی مستعد است و می‌توان با توجه لازم از آنها به نحو خوبی بهره‌برداری کرد. در سیستان هم زمین‌های مستعد برای کشاورزی زیاد می‌باشد که اگر آب لازم وجود داشته باشد، مشکلی در کار نخواهد بود. چند محل تغذیه آب برای کشاورزی وجود دارد: از جمله کودوک، بند زشک، نیزار، سد یانگگی - که لب مرز افغانستان است - و رود هیرمند

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۷۵

(نهراب). اگر این مناطق آب داشته باشند می‌توان گفت کمبود زیادی نخواهد بود. البته بعد از آن خشکی و بی‌آبی، وضع آب استان به سطح پایین‌تری رسیده است. اخیراً - در همین ۳۰ - ۴۰ روز گذشته - اقداماتی از قبیل حفر چاه عمیق در سطح سیستان انجام گرفته و ضمناً خاک‌برداری یک کانال آبی که تعداد ۸۰ پارچه آبادی را تغذیه می‌کرده و بر اثر بی‌توجهی پر شده است، توسط چند بیل مکانیکی شروع شده است و به زودی این اقدامات به نتیجه خواهد رسید.

### ۷- پاک‌سازی کمیته‌ها و ادارات دولتی و غیردولتی

چندین مورد دیده شده که مانند سایر جاها افراد غیرمتعهد و نابجا در کمیته‌ها فعالیت دارند؛ از جمله چندین مورد اشکال به کمیته زابل وارد شده است. در ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی نیز افرادی هستند که قبل از انقلاب فکر برکنار شدن آنها بعد از پیروزی خیلی قوت گرفته بود و افراد شایسته‌ای نبودند و اکنون همان افراد مصدر کار هستند. چندین مورد نیز دیده شده که افرادی سرسپرده با سوابق افتضاح، عده‌ای از کارمندان را تحریک کرده که تحصن اختیار کنند یا اعتصاب راه بیندازند که مثلاً ما X را به‌عنوان رئیس انتخاب می‌کنیم و Y را نمی‌خواهیم. از جمله در همین چهل روز قبل، عده‌ای از فرهنگیان آموزش و پرورش زاهدان آمده بودند و یک تحصن یک هفته‌ای را در اداره آموزش و پرورش کل صورت دادند. این تحصن کاملاً به تحریک فرد بخصوص و طرفداران آن فرد بخصوص بود که قبلاً رئیس آموزش و پرورش زابل بود و بعد از پیروزی انقلاب به علت ارتباط با دربار و کارهای خلاف دیگر از کار برکنار شده بود و حالا این تحریک را انجام داده بود که مجدداً به ریاست انتخاب شود. ضمناً با بررسی پرونده‌های متحصنین معلوم شد که عده‌ای از آنها ساواکی و یا در ارتباط با ساواک بوده‌اند و پرونده‌های سیاهی دارند.

### ۸- تأسیس نشریه محلی

این نشریه می‌تواند به‌صورت روزنامه یا هفته‌نامه باشد و نقش آن آگاهی دادن به مردم نسبت به مسائلی [باشد] که در سطح مملکت اتفاق می‌افتد یا به‌طور کلی و نسبت به مسائلی که در خود استان صورت می‌گیرد. در این استان با وجود کوچک بودن شهرها و راه‌های بین شهری کوتاه، اگر خبری شود تا وقتی به گوش شنونده می‌رسد یک

## ۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

کلاغ چهل کلاغ شده و غیرواقعی به دست می‌رسد و متقابلاً عکس‌العمل‌های غیرواقعی و نامناسب در برابر آن انجام می‌شود، ولی یک نشریه متعهد و مسئول می‌تواند هم تیراژ خوبی داشته باشد و هم اینکه مردم را آگاه و مسئول بار آورد. البته قبل از انقلاب روزنامه‌ای تحت عنوان [...] برای زاهدان و یکی دیگر فکر می‌کنم با نام «حاک و خون» کار می‌کردند، ولی کاملاً وابستگی به رژیم داشتند و آگاهی که به مردم میدادند همانی بود که رژیم می‌خواست.

### ۹- ایجاد یک انجمن اسلامی

در سطح استان - بخصوص در زاهدان و زابل - گروه‌های متعددی فعالیت دارند که البته ممکن است هدف کلی آنها یکی باشد، ولی به علت نداشتن مشی مشخص و سازماندهی لازم، اثر مطلوب را نمی‌بخشد. یک انجمن اسلامی هماهنگ‌کننده می‌تواند به این فعالیت‌ها جهت داده و در خیلی از موارد راه‌ها و الگوهای برای پژوهش‌ها پیشنهاد کند. افراد فعال زیادی موجود هستند که فقط احتیاج به یک محرک مناسب دارند.

### اقدامات دیگر

این اقدامات می‌تواند نظیر فرستادن سخنران لاقبل ماهی یک بار، رفتن گروه‌های تحقیق و تجسس، نمایش فیلم و اسلاید، برپا کردن نمایشگاه و انجمن کتاب و اجرای نمایشنامه‌های انقلابی موجود [و مانند آن باشد]. البته [هم اکنون هم] هر یک از اینها تا حدودی انجام می‌شود و مردم هم خیلی خوب استقبال می‌کنند؛ مخصوصاً از فیلم و سخنرانی و نمایشنامه.

در سطح استان در زاهدان و زابل فعالیت‌ها بیشتر است و در سایر شهرها کمتر فعالیت مؤثری به چشم می‌خورد. ضمناً اگر می‌شود در این‌گونه فعالیت‌ها از بلوچ‌ها کمک گرفته شود و من غیرمستقیم یا مستقیم، بلوچ در این فعالیت‌ها آورده شود که از این راه بتوان نکات مشترک را تثبیت کرد. اثر این فعالیت‌ها نتیجه مطلوب ... [در اینجا یک صفحه از متن اصلی اسکن شده، باز نمی‌شود و مطلب افتادگی دارد].

---

۱. عنوان روزنامه در متن اصلی نیامده (ویراستار).

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۷۷

... همیشگی که با زندگی فرد بستگی پیدا می‌کند مثل کشت و کار و زمین و آب، می‌توان به نتایج مطلوبی رسید. به‌عنوان مثال یکی از روحانیون فعال زاهدان در ناحیه دلگان (از بخش‌های بلوچستان) توانسته چندین هزار نفر بلوچ را شیعه کند و اینها به صورت مرید وی درآمده‌اند. این شخص در آن منطقه، زمین‌هایی داشته یا اینکه می‌خریده است و همین‌طور چاه آب نیز داشته است. این زمین‌ها را در اختیار مردمی که در آن منطقه زندگی می‌کردند، گذاشته و در آنجا فعالیت‌های مثبت می‌کرده است. این قبیل مسائل می‌تواند پایگاه‌های مطمئن و محکمی برای فارس‌ها در بین بلوچ‌ها ایجاد کند.

### ب - اقدامات بلندمدت

#### ۱- نقل و انتقالات و جایگزینی

این مطلب که در همه جای استان - به‌جز سیستان - اکثریت با بلوچ‌هاست، گاهی افکاری مثل تجزیه‌طلبی یا بیرون کردن شیعه‌ها از مناطق بلوچستان را به‌صورت [یک نظر و پیشنهاد] شکل می‌دهد. این کثرت و یکپارچگی که در خیلی از موارد خطرناک است، باید به‌طور ضمنی و غیرمستقیم تغییر کند؛ یعنی در بین بلوچ‌ها مردم فارسی‌زبان رسوخ کنند. افرادی که مثل آنها متعصب هستند (مثلاً مردم آذربایجان). این مطلب بدین صورت عملی نیست که وقتی کارمند بلوچ تقاضای انتقال می‌کند در هر اداره‌ای که هست تا حد امکان با تقاضای او موافقت شود و به جای این‌گونه افراد، کسانی را با خصوصیات لازم برای این منطقه به پست‌های خالی بگمارند؛ یا اینکه تسهیلات و امکاناتی فراهم شود که مردم جاهای دیگر به این منطقه کشیده شوند و برای همیشه ساکن شوند، نه اینکه تا سرمایه‌ای فراهم کردند، منطقه را ترک کنند.

#### ۲- ممانعت از ورود قاچاق و ریشه‌کن کردن این حرفه

این شغل و حرفه از مسائلی است که در ذات مردم رخنه کرده و باید خیلی آهسته و با طرح‌های عمیق و اساسی از میان برداشته شود. یک مقدار با کنترل مرزها و مجازات افراد خاطی و به موازات آن ایجاد حرفه و شغل‌های مناسب؛ مثلاً توسعه و ترویج کشاورزی بیشتر عملی می‌گردد. ضمناً با قاچاق مواد مخدر شدیداً مبارزه شود و همچنین با اعتیاد به‌عنوان یک بیماری خطرناک مبارزه شود تا بلکه در سال‌های آینده

## ۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

درصد کمتری - فقط آنهایی که که پیر هستند و ترک اعتیاد باعث اشکالاتی در زندگی‌شان می‌شود - معتاد باشند و لاقط جوان‌ها پاک و سالم باشند تا بتوانند سازندگی ایجاد کنند و حداقل برای منطقه خودشان مفید واقع بشوند. ضمناً سرمایه‌های زیادی از این طریق به هدر می‌رود و با این کار از هدر رفتن این‌گونه سرمایه‌های کلان نیز جلوگیری می‌شود و در عوض در کارهای مثبت و سازنده از آن استفاده بشود.

### ۳- بهبود وضع آموزش و پرورش

منظور این است که نه تنها بازده درسی در سطح مدارس افزایش یابد، بلکه در سطح مدارس کتابخانه، آزمایشگاه و کارگاه ایجاد گردد تا بچه‌ها قوه تخیل و فکر خود را به مرحله عمل برسانند و ضمناً معلومات سیاسی یک محصل به موازات معلومات درسی‌اش رشد کرده و جهت پیدا کند. در این مورد از معلم‌های روشنفکر و مسئول می‌توان کمک گرفت و ضمناً طرح‌هایی لازم الاجرا به مدیران مؤسسات آموزشی از طرف اداره آموزش و پرورش داده شود.

### ۴- طرح‌های طویل‌المدت کشاورزی

همان‌طور که گفته شد هم در منطقه سیستان و هم در منطقه بلوچستان زمین‌های مستعد کشاورزی و همین‌طور محل تغذیه آبی وجود دارد و اگر توجه لازم مبذول شود و طرح‌های اساسی پیاده شود با مقداری مکانیزه کردن کشاورزی در این منطقه و گذاشتن ماشین‌آلات سبک در اختیار کشاورزان و استفاده از همت و پشتکار خود مردم، می‌توان این منطقه را به سطح خودکفا از نظر تولیدات کشاورزی و دام‌پروری رساند. احیای زمین، تقویت خاک، طرح‌های آبرسانی در سطح وسیع، برآورد قدرت باروری زمین و میزان بازده آن در رابطه با محصولات گوناگون و سپس انتخاب غله و بذر مناسب از کارهای سازنده دیگری در رابطه با این خودکفا ساختن منطقه می‌باشد.

### گزارش پنجم: گزارش یک بلوچ علیه عیسی مبارکی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت کمیته جمهوری اسلامی تهران

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۷۹

و شما معلوم باشید که در بلوچستان آقای عیسی مبارکی به بلوچان گفته شده که شما تظاهرات بکنید و بگویید که ما حکومت اسلامی نمی‌خواهیم و ما شاه می‌خواهیم و بلوچان گفتند که ما حکومت اسلام می‌خواهیم، که ما مسلمان هستیم و ما برای شاه نمی‌خواهیم و شاه برای ما ظلم کرده و شاه ظالم است و مگر ما مسلمان نیستیم که اسلام را ول بکنیم و برویم با همراه یهودان و بلوچان برای عیسی مبارکی؟

[مردم به مبارکی] گفتند که شاه یهودی است و مسلمان نیست و اگر شما شاه می‌خواهید که بلوچستان همراه شما باشد؟

و به زودی جلوگیری این منافق عیسی مبارکی بکنید و این، اسلام را خراب می‌کند و این ضد اسلام است.

و [مبارکی] گفته که هر کسانی که تظاهرات نکند و برایش چوب می‌زنی و برایش می‌کشم و آخر بلوچان از ترس این کار را می‌کنند. و گفته: در بلوچستان تمام جاهای دولتی را آتش بزنی و بسوزانید و هی پول هم برای شما می‌دهم و تا حالا بلوچان قبول نکردند و [لی] آخر مجبور می‌شوند و این کار را می‌کنند.

و [مبارکی] چند سال هم وکیل بلوچستان شده و برای بلوچان ظلم کرده و چندان نفر بلوچ هم کشته و پا هم بریده و دست هم بریده. شاه برایش آفرین گفته و نگفته برایش این جور ظلم نکن و این کارها را کرده و شاه ظالم برایش آفرین گفته و این جوری الآن برای شاه می‌خواهد.

خواهش می‌کنم و به زودی جلوگیری این منافق عیسی مبارکی بکنید. و در زمان شاه در تهران بوده و الآن آمده در بلوچستان داره این کارها را می‌کند.

شاقی واحدبخش - بلوچ از قطر

## گزارش ششم: نیروهای فعال در استان سیستان و بلوچستان (نیروهای سیاسی و نظامی)

تاریخ: ۱۳۵۸/۴/۱۷

مرکز اصلی تمام این فعالیت‌ها در شهر زاهدان می‌باشد. این نیروها عبارتند از:

۱- گروه و جامعه اسلامی دانشگاهیان: [متشکل] از دانشجویان دانشگاه بلوچستان به ویژه دانشکده مهندسی، استادان دانشگاه، کارگران و کارمندان. در این انجمن عده‌ای

## ۸۰ □ شخصت سال صبوری و شکوری

معدود از اعضا فعالیت چشمگیر دارند. تشکل در این انجمن به هیچ وجه وجود ندارد. چگونگی ارتباط اعضا و افراد انجمن نامعلوم است و احتمال زیاد در جهت بی‌نظمی در ارتباط گروهی است. عملاً این انجمن دارای هماهنگی نمی‌باشد. نیروهای آن متمرکز نیست و دیگر آنکه بی‌توجه نسبت به اوضاع می‌باشند. به فرض در مورد دانشکده مهندسی دانشگاه بلوچستان با توجه به اینکه تمام پست‌های حساس آن را چپی‌ها دارا هستند و با توجه به زیاد بودن نیروهای اسلامی ... به این جهت سیاسی، بی‌توجه می‌باشند؛ مثلاً رئیس دانشکده، معاون دانشگاه، رئیس امور دانشجویی و رئیس امور مالی و حسابداری و تمام کارمندان کتابخانه چپی می‌باشند.

جامعه اسلامی دانشجویان تحت نام «دانشجویان مسلمان دانشگاه بلوچستان و سیستان» بیش از ۷۰٪ دانشجویان دانشکده را تشکیل می‌دهند. فعالیت کم است. دارای اعضای فعال کم می‌باشند: در حدود ۳۰ تا ۵۰ نفر. عیب اصلی این گروه همان‌طور که گفته شده عدم تشکل است. باید در تشکل این افراد کوشید. اگر این گروه بتواند کاملاً منظم متشکل شود کاملاً منطقه سیستان و بلوچستان را می‌تواند در پوشش خود بگیرد.

**۲- گروه پیشگام:** با روشی کاملاً متشکل و سازمان‌یافته با تشکیلات اولیه در تمام نقاط کشور پراکنده‌اند. وجود نیروهای ضدانقلاب (ساواکی) در این سازمان. فعالیت گروه پیشگام بیشتر در سراوان و چابهار می‌باشد. پایگاه فرماندهی در زاهدان می‌باشد (دانشکده مهندسی). چگونگی ارتباط این گروه به وسیله اشخاص فعال و خیلی سریع صورت می‌گیرد. این گروه منتظر جرقه‌ای است تا بلوایی در این استان به وجود بیاورد. اعضای فعال این گروه کاملاً شناخته شده‌اند.

اعضای این گروه با انتشار شایعات در نقاط دور بدین صورت که در مورد رئیس دانشگاه که شخصی است مخالف چپی‌ها، شایعه انتشار می‌دهند که آدمی ضدخلفی است و برای بلوچ‌ها خوب نمی‌باشد و ما خودمان دارای دکترهای بهتری هستیم و با این کار بدون اینکه ریاست دانشگاه و افراد دیگر که این نوع شایعات در موردشان پراکنده می‌شود، از این موضوع مطلع باشند؛ زیرا نقاطی که این شایعات انتشار داده می‌شود از زاهدان فاصله دارد و آنقدر ارتباط به‌طور کامل صورت نمی‌گیرد و از این شایعات و براندازی شخصیت‌ها خوب استفاده می‌شود.



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۸۱

سراوان از جهت تبلیغات کاملاً تحت اختیار گروه پیشگام است و حتی این گروه یک کتابخانه و کتاب‌فروشی بزرگ در آن شهر دارند. عملاً این گروه پایگاهی در میان مردم روستایی ندارند. گروه پیشگام تمام امور دانشگاه مهندسی را در اختیار دارد. سرپرستی دانشکده، امور دانشجویی، کتابخانه و حسابداری در اختیار گروه چپ دانشگاه است. از دانشکده به‌عنوان پایگاه فعالیتی استفاده می‌کنند. اطلاعات دقیق از تمام نقاط سیستان و بلوچستان هر روز در اختیارشان قرار می‌گیرد. تنها راه جلوگیری از توطئه‌ها و تخریب این گروه، متشکل کردن سازمان‌های اسلامی و دیگر [متشکل کردن مردم است]؛ چون مردم شدیداً مذهبی و معتقد به اسلام هستند که با ارتباط بیشتر و همکاری‌های اجرایی، می‌توان از توطئه‌های این گروه جلوگیری کرد.

۳- گروه دانشجویان مسلمان بلوچ (اهل تسنن): گروهی جدیدالتأسیس است. فعلاً زیاد فعال نمی‌باشد و دارای رهبری سازمانی فعال نمی‌باشد. دارای رهبری سازمانی به‌طور خودکار و منطقی نیستند. با کار کردن بیشتر با این گروه، می‌توان تمام نقاط سیستان و بلوچستان را در اختیار انقلاب اسلامی از لحاظ اطلاعات اقتصادی و غیره قرار داد. و اگر فعالیت این گروه بیشتر گردد، خیلی در منطقه می‌تواند مؤثر باشد؛ البته این گروه می‌تواند در کارهایی با دانشجویان مسلمان مؤتلف گردد و همکاری مستقیم نماید.

۴- دانشجویان مسلمان سیستانی (شیعه): گروهی جدیدالتأسیس، تعدادش چشمگیر است و فعلاً زیاد فعال نیست. افرادی در این گروه وجود دارند که می‌توانند این گروه را هدایت کنند. این گروه همکاری مستقیم با دانشجویان مسلمان دارند و با هم مؤتلف هستند.

۵- سازمان دانشجویان بلوچ: ایدئولوژی این گروه در واقع مارکسیستی است، اما خودشان را حامی خلق بلوچ می‌دانند. تعدادش از لحاظ فعالیت کم است، اما تحت سلطه و اختیار گروه پیشگام است و اصلاً به وسیله گروه پیشگام به وجود آمده‌اند. گروهی افراطی هستند؛ دارای افکار ناسیونالیستی شدیدی هستند؛ در منطقه دست به توطئه و تخریب می‌زنند؛ دارای رهبری سیاسی مستقیم از گروه خود نیستند و به‌وسیله گروه پیشگام دانشگاه هدایت می‌شوند.

## ۸۲ □ شخصت سال صبوری و شکوری

۶- سازمان دانشجویان سیستانی: سازمانی جدیدالتأسیس است. در مقابل دانشجویان مسلمان سیستانی به وجود آمده‌اند. تحت رهبری مستقیم گروه پیشگام دانشگاه هدایت می‌شوند. تعدادش کم است؛ عملاً فعالیت ندارند و فقط به‌عنوان یک سازمان و گروهی شروع به فعالیت کرده‌اند.

۷- حزب اتحاد المسلمین: این حزب از طرف مولوی‌ها (اهل تسنن) و عده‌ای از روشنفکران به وجود آمده است. ریاست و رهبری این حزب را مولوی عبدالعزیز به‌عهده دارد. دارای تشکل سازمانی نیست و می‌توان با تشکل سازمانی در جهت صحیح از این حزب استفاده کرد. این حزب پس از چندی، امکان زیاد دارد در تمام منطقه سیستان و بلوچستان فعالیتش را شروع کند و کنترل منطقه را در دست گیرد. افراد ساخته شده در این حزب از ایدئولوژی و سیاسی وجود ندارند.<sup>۱</sup>

### فشرده‌ای از موقعیت منطقه‌ای سیستان و بلوچستان

این منطقه به علت افکار ناسیونالیستی شدیدی که بر آن حکمفرماست به‌وسیله گروه چپ امکان دارد منفجر شود و گروه چپ با برنامه‌هایی که در سر دارند از آن جمله احداث دانشکده کشاورزی در بمپور، از آن دانشکده می‌توانند به‌عنوان مرکزیت استفاده کنند و چون آن منطقه تقریباً منطقه‌ای مرزی است، سیستان و بلوچستان را از ایران جدا کنند و کاملاً کنترل را در اختیار گیرند. هر دقیقه هر ثانیه توطئه‌ای که از طرف چپی‌ها منطقه را تهدید می‌کند انتشار شایعات و غیره ...

### راه‌حل‌های پیشنهادی

- ۱- از لحاظ انتظامی [باید] منطقه را کاملاً در اختیار گرفت.
- ۲- تشکیل گروه تحقیق و بررسی در منطقه.
- ۳- ازدیاد فعالیت‌های اجرایی (فرهنگی و اقتصادی) به وسیله افراد کاردان گروه‌های اسلامی.
- ۴- تصفیه دانشکده مهندسی سیستان و بلوچستان به وسیله افراد کاردان.
- ۵- دقت در اجرای طرح‌ها و چگونگی پیاده شدن طرح در منطقه.

۱. منظور این است که این گروه، رهبران صاحب‌نظر و تحلیلگر چندانی ندارد (ویراستار).

### گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۸۳

۶- تشکیل انجمن‌های روستایی که این انجمن‌ها از آدم‌های خوب و صالح به وجود آیند.

۷- گروهی از دانشجویان مسلمان هر هفته به‌عنوان ناظر و تحقیق به روستاهای منطقه بروند و نارسایی‌ها را بررسی و طرح‌هایی را پیشنهاد کنند.

رونوشت جهت ...

دفتر .... فعالیت‌های اسلامی

**گزارش هفتم: تشکیل پژوهشگاه تخصصی انقلاب و اعزام به سیستان و بلوچستان**  
چنان که می‌دانیم یکی از شعارها و آرمان‌های انقلاب، برپایی عدالت و رفع تبعیضات اجتماعی بود؛ از این رو، جوانان و دانشجویان انقلابی، در ماه‌های آغازین پیروزی انقلاب، به‌طور خودجوش در زمینه رفع محرومیت و خدمت‌رسانی به مناطق محروم، دست به کارهایی می‌زدند. یکی از این کارها تشکیل «پژوهشگاه تخصصی انقلاب» بود. این پژوهشگاه که از سوی شماری از دانشجویان و پزشکان و مهندسان جوان تشکیل شده بود، نخستین مأموریت خود را در استان سیستان و بلوچستان به اجرا گذاشت. این گروه - که در ادامه بیشتر با آنها آشنا می‌شویم - برای انجام کارهایشان از سویی با دولت موقت هماهنگ می‌شدند و از سوی دیگر از نهادهای دولتی کمک می‌گرفتند. زمانی که من معاون نخست وزیر در امور انقلاب بودم، نامه‌ای از دفتر نخست‌وزیری به من رسید که با این گروه همکاری کنم و از آنان پشتیبانی کنم. متن آن نامه به شرح زیر بود:

«جناب آقای دکتر یزدی، معاون امور انقلاب

گروهی از دانشگاهیان و علاقه‌مندان به پیشرفت امور در جهت سازندگی انقلاب، سازمانی به نام «پژوهشگاه تخصصی انقلاب» تشکیل داده‌اند و اولین گروه خود را برای ارائه خدمات بهداشتی، همچنین تحقیق در باره مسائل مناطق و روستاهای سیستان و بلوچستان و ایراد سخنرانی‌های لازم در جهت هدایت نیروها برای حل مسائل خود، سازمان داده‌اند. کمبودهایی نیز دارند که از دولت استمداد کرده‌اند. این نیازها عبارتند از: ۱- دو دستگاه وسیله نقلیه از نوع لندرور یا آهوی بیابان. ۲- وسیله

## ۸۴ □ شخصت سال صبوری و شکوری

بی سیم یا داکمی تاکسی، دو دستگاه. ۳- یک اتاق با شماره تلفن در تهران. ۴- معرفی نامه از طریق وزارت بهداشتی برای بهداشتی محل سیستان و بلوچستان. ۵- معرفی نامه از طرف دولت برای کمیته‌ها پیرو مذاکره تلفنی. خواهشمندم دستور مقتضی را صادر فرمایند.

ممنونم بنی اسدی (۱۳۵۸/۲/۱).

این گروه به شرحی که در گزارش خود آورده‌اند به استان سیستان و بلوچستان رفتند و پس از ارائه خدماتی، هنگام بازگشت، گزارشی از مأموریت و کارهای انجام شده خود ارائه دادند و نیز در باره اوضاع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استان، نامه‌ای خدمت امام خمینی نوشتند که در پی می‌آید.

**گزارش مسافرت تحقیقی پژوهشگاه تخصصی انقلاب به منطقه سیستان (زابل)**  
پیرو لزوم تشکیل پژوهشگاه تخصصی انقلاب و به سبب وجود پاره‌ای مسائل که موجب حرکت اجتماعی گروه پژوهشگاه در رابطه با انقلاب که قبلاً اعلام شده بود و مبتنی بر:

- ۱- جمع‌آوری و دسته‌بندی مسائل ایران و راه‌حل‌های پیشنهادی از هر نوع و هر منطقه؛
- ۲- تجزیه و تحلیل علمی مسائل و مشکلات به وسیله متخصصین فن؛
- ۳- پژوهش و شناخت کامل و حل این مسائل و تهیه طرح‌های بنیادی و پیشنهادهای اساسی و مفید و ارائه آنها به دستگاه‌های اجرایی مملکت.

پس از دریافت نامه‌های متعدد از هم‌وطنان، لزوم بازدید و بررسی دقیق مسائل و پیدا کردن راه‌حل‌های منطقه و شناخت همه‌جانبه مشکلات و لمس آنها از نزدیک برای پژوهشگاه تخصصی انقلاب محرز گردید. به همین سبب بنیان‌گذاران پژوهشگاه در نشست‌های متعدد تصمیم گرفتند که به منظور بررسی اوضاع و احوال و شناخت نیازها و روشنگری و ارائه خدمات اولیه و برنامه‌ریزی برای ایجاد دگرگونی و اصلاح بنیادی به نفع مستضعفین، از محروم‌ترین منطقه و استان مملکت و در عین حال دورترین نقطه نسبت به مرکز بازدید و مسائل را یافته و دسته‌بندی کنند و پس از تجزیه و تحلیل، طرح‌های بنیادی تهیه و ارائه نمایند.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۸۵

پس از آماده شدن وسایل لازم، برای معرفی با آقای بنی‌اسدی - که در آن هنگام معاونت طرح‌های انقلاب را به عهده داشتند - تماس گرفته شد. ایشان با اهداف گروه، ضمن تأیید و تشویق، همکاری خود را اعلام داشته و دو دستگاه اتومبیل و نامه‌هایی دایر بر معرفی گروه به سازمان‌های مختلف دولتی و کمیته‌های انقلاب در اختیار شاخه پژوهشگاه تخصصی انقلاب قرار دادند و در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۵ افراد ذیل همراه با وسایل زیر برای انجام مأموریت ملی و مذهبی خود حرکت کردند.

### ۱- افراد اعزامی

#### الف- تیم پزشکی

آقای دکتر فتحعلی نویدی، متخصص داخلی از بیمارستان فیروزآبادی که از طریق مسجد الجواد با پژوهشگاه تماس گرفته بودند.

آقای دکتر حسین زینت‌بخش، متخصص اطفال که از طریق آقای بنی‌اسدی و مسجد الجواد با ما در تماس بودند.

آقای دکتر مسعود یزدی، پزشک عمومی که از طریق مسجد الجواد با پژوهشگاه تماس گرفتند.

آقای قاسم احمدی، متخصص امور آزمایشگاهی پزشکی که در زابل به‌عنوان کمک پزشک و راهنمای محلی با توجه به خواست سایر پزشکان و با موافقت بهداری زابل همکاری کردند.

#### ب- تیم تحقیق در امور اقتصادی - کشاورزی

آقای حسین محدث‌زاده، متخصص امور اقتصادی از بنیانگذاران پژوهشگاه.

آقای حسین فلاح، متخصص امور اقتصاد کشاورزی از همکاران جنبی پژوهشگاه.

#### ج- تیم عمران

آقای محمدجواد لواسانی، متخصص امور راه‌سازی و ساختمان از بنیانگذاران پژوهشگاه.

آقای حسین پنبه‌چی، مهندس شیمی و متخصص در اسکان‌شن‌های روان به وسیله مالچ با سابقه فعالیت بیش از یک سال در منطقه زابل از همکاران جنبی پژوهشگاه.

#### د- تیم راهنما

## ۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای محمد قائمی، دیپلمه از اهالی شهر زابل.  
آقای شهرکی، متخصص امور دامپزشکی و کارمند اداره مربوطه.  
دانشجویان انجمن اسلامی انستیتو زابل.

### ۲- وسایل و مواد همراه

دو وسیله نقلیه از طریق نخست‌وزیری با کوپن بنزین.  
یک وسیله نقلیه از طریق دانشگاه تهران، به رانندگی آقای میرزاخانلو که پایه‌پای  
اعضای گروه فعالیت می‌کرد.

دارو، حدود ۴۰۰۰۰۰ ریال که مقادیری از آن هدیه اداره کل دارویی وزارت  
بهداری بود و مقادیری از آن [به] وسیله گروه خریداری گردید و قسمت عمده آن  
توسط آقای علوی، داروخانه‌دار خیر و نیکوکار زابل، به‌طور رایگان و قسمت دیگر آن  
از طریق بهداری زابل - مطابق لیست پیوست - تحویل گروه گردید.  
مواد خوراکی و غذایی، شامل حبوبات، برنج، شیر مایع، غذای پروتئینی کودک  
حدود ۱/۵ تن که قسمتی عمده از آن در تهران و بقیه در زاهدان تهیه و به‌عنوان هدیه  
امام خمینی در اختیار روستاییان نیازمند قرار گرفت.

لوازم‌التحریر برای شاگردان مدارس شامل دفترچه، مداد، پاک‌کن، مدادتراش، کتاب  
- از کتاب‌های نویسندگان معروف از جمله آقایان مهندس بازرگان، دکتر یزدی،  
حکیمی و پاره‌ای از انتشارات دارالتبلیغ اسلامی و سرگذشت تعدادی از شهیدان دوران  
اختناق از انتشارات سازمان مجاهدین خلق، خریداری و تهیه شده بود - پوستر، که  
بیشتر از حزب جمهوری در رابطه با مسائل کارگری و کشاورزی و قسمتی از کانون  
فرهنگی نهضت اسلامی [گرفته شد].

### ۳- روستاهای مورد بازدید

میلک، دهجانی، شفالک، تبکا، پدئی، ده‌مَرده، قرقری، اسلام‌آباد، چلنکه ملاعلی،  
حشمی، زیرکوه خواجه (ارک کوه خواجه)، پشت‌کوه خواجه و حاجی اربابی.  
تعداد نفرات ساکن در روستاهای مذکور حدوداً برابر ۷۵۰۰ نفر و تعداد بیمار مورد  
بازدید حدود ۳۰۰۰ نفر بود.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۸۷

لازم به تذکر است که روستاهای اطراف شهر زابل حدود ۸۰۰ ده است که ۱۴۰ آبادی به علت ریگ‌های روان، نبودن آب آشامیدنی و کشت و زرع، خالی از سکنه شده است که اواخر فروردین‌ماه به دلیل بی‌آبی تخلیه گردیده است.

تیم‌های اعزامی و شاخه پژوهشگاه تخصصی انقلاب در مدت ۱۳ روز مأموریت با مسائل زیر برخورد داشته که شرح آن ذیلاً به اطلاع می‌رسد:

قبل از اینکه وارد جزئیات و شاخه‌های مشکلات مردم منطقه شویم، لازم به تذکر است که کلیه مسائل در ارتباط با یکدیگر بوده و طبیعی است که دارای ریشه اصلی باشد. اگر ما به عدم جاده‌های ارتباطی، عدم دسترسی به پزشک و بهداشتی، نبودن آب آشامیدنی سالم و حتی فقدان آب در پاره‌ای از مناطق، کمبود خوراک غذایی و فرهنگی اشاره می‌کنیم، نباید فراموش کنیم که تمامی گرفتاری‌های مردم آن سامان منبث از مناسبات و روابط و ضوابطی است که بین مالک و دهقان وجود داشته و کماکان به قوت خود باقی است و این سیطره از گذشته به ارث برده و دست نخورده خوانین است که نه تنها مادر تمام فسادهای موجود بوده، بلکه امکان هر گونه اقدام اصلاحی را در منطقه از بین برده، یا بالمآل به نفع آنان خاتمه خواهد بخشید. اگر فی‌المثل بتوانیم تمامی موتورهای آب موجود را تعمیر کنیم یا تراکتوری را اصلاح نماییم، یا کود و سم مجانی در اختیار آنان بگذاریم، خدمتی بس شایان به اربابان در جهت دوشیدن بیشتر زارعین محروم کرده‌ایم.

در منطقه‌ای که ۷۵٪ تا ۸۵٪ از محصول زارعین و حاصل کار کشاورزان اعم از زمین‌دار و بی‌زمین به مالک و خان تعلق می‌گیرد، ایجاد و امکان هر نوع خدمتی در غیر مسیر به رانداختن این مناسبات در جهت قوی‌تر کردن حکومت خان‌ها و بیشتر ضعیف کردن مستضعفین است.

آنچه که موضوع را در این برهه از زمان حادث‌تر جلوه می‌دهد، روابط فی‌مابین خان‌ها و کمیته انقلاب زابل می‌باشد. دخالت خوانین و عوامل نفوذ آنها در کمیته و شاخه‌های نظامی و اقتصادی آن، قدرت بیشتری به آنان بخشیده تا امکان هر چه بیشتر و بهره‌کشی مستمر خود را فراهم کنند. در این رابطه تا آنجا نفوذ کرده‌اند که یکی از روستاییان می‌گفت (هنگام گفتگو در ده قرقری): این کمیته‌ها درست همان مالکان

## ۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

سابق می‌باشند که امروز تحت لوای قرآن و نام امام می‌خواهند مال و زحمت و دسترنج ما را ببرند. برداشت این روستایی از آنجا مایه گرفته بود که اهالی و ساکنین ده حشمی سال‌هاست که منتظر آب می‌باشند. امسال که بر حسب اتفاق آب قابل توجهی در هامون صابری جمع شده، بارها از کمیته تقاضا کرده‌اند که برای احداث پل و تأمین راه برای زمین‌های عباس‌خان نارویی تصمیمی گرفته شود - که از این طریق امکان باز کردن سدهای دستی و هدایت آب به سمت زمین‌های ده حشمی و اطراف آن که حدود ۲۴ پارچه کپرنشین دارد - پس از شکایت و طرح درخواست روستاییان، خان مذکور شبانه به وسیله افراد و عوامل خود گذارها و آب‌بندها را به سمت خانه‌های مجاور محل قرقری باز کرده که موجبی برای شکایت ساختگی بر علیه روستاییان منطقه حشمی به اسم اهالی و ساکنین منطقه خسارت‌دیده بدهد.

[...] از اینجا مطلب کمی افتادگی دارد و سپس ادامه می‌دهد] نام‌برده به وسیله ژاندارمری، روستاییان ده حشمی را مورد ارباب قرار داده و تهدید می‌کند که چنانچه با او راجع به جبران خسارات، وارد مذاکره نشوند از طریق کمیته انقلاب آنان را به اشد مجازات خواهد رسانید. روستاییان که از روابط او با کمیته مطلع بودند، برای پیشگیری از پیامدهای سوء این تهدید، اقدام به پرداخت ۲۴۰۰۰۰ ریال باج درخواستی عباس‌خان در تاریخ ۵۸/۲/۱۴ کردند. جالب اینکه روستاییان از ترس کمیته - که مبادا بر اثر برملا شدن این موضوع دچار زحمت شوند - از افشای جریان استتکاف می‌کردند، لکن پس از اقامت گروه و اقدام به درمان بیماران [...] از اینجا نیم صفحه گزارش بریده شده و سپس اده می‌دهد] در پرداخت باج شود تمامی گوسفندان او را در آب غرق کند یا زراعت خان مجاور را به وسیله ایادی خود خراب و تقصیر را به گردن روستایی بیچاره بیندازد.

و یا بگوئیم محمدحسین خان نارویی، نماینده مجلس متحله شورا و دارای پرونده گویا حداقل پنج فقره قتل، موجب تخلیه روستاها از ساکنینش از جمله ده قلعه‌نو شده و به جای زارعین مخالف، با خان و خان‌بازی، افغان‌های مسلح را برای ادامه سلطه خود و اعمال نفوذ و ایجاد هراس در دل مردم به کار گرفته است. شکایت اهالی از این شخص جانی به کمیته به جایی نرسیده، تا بدان‌جا که گروهی از آنان را مصمم کرده



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۸۹

است که خود برای تظلم به خدمت امام و آیت‌الله طالقانی برسند. کمیته برای انتصاب یک نفر خان که دارای سوءسابقه است به سمت عضو انجمن شهر، اعمال نفوذ و نظر کرده و این شخص آن‌قدر رسوا است که تمامی علاقه‌مندان به رئیس کمیته، دچار شک شده‌اند و حتی رئیس بهداری که نماینده جامعه پزشکان در انجمن شهر بوده است به خاطر اعتراض به چنین عملی از سمت خود در انجمن استعفا کرده است.

گذشته از این، مشکل بزرگ و اصلی، به‌طور کلی مشکلات این منطقه، رابطه نزدیک به هم داشته و جدا از هم نیست و چنانچه راه‌حلی نیز یافت شود، بایستی در جهت حل و اصلاح کلیه مشکلات در کنار هم باشد. بدیهی است که تأمین بهداشت بدون آموزش، و تأمین درمان و رفع بیماری‌ها بدون راه و تأمین خوراک روستاییان بدون بهبود بخشیدن به وضع کشاورزی، اقدامی اساسی و انقلابی به حساب نخواهد آمد.

توجه به این نکته نیز الزامی است که دلیل راه پیدا کردن به اعماق قلب روستاییان و اطلاع دقیق یافتن بر خواست‌های آنان، همانا مردمی بودن جهت و روش تحقیق و برخورد پژوهشگاه با روستاییان بوده است؛ به‌طوری که گروه اعزامی برای ایجاد این رابطه با مردم روستا، محل استقرار خود را در مدرسه یا مسجد قرار می‌داد و سعی بر این بود که کوچک‌ترین تماس خاص و مشکوکی با کدخدا و نمایندگان خان گرفته نشود. این عمل مواجهه با حسن استقبال توده روستائین گردید؛ بدان‌گونه که در یکی از دهات به یک روستایی گفتیم می‌دانی که چه کسی ما را فرستاده است؟ گفت: بله. [و درحالی که ما] انتظار داشتیم بگویند دولت یا امام [ما را فرستاده، گفت:] خدا شما را فرستاده است. وقتی تعجب ما را دید، گفت: این اولین بار است که پزشک به این ده قدم گذاشته. اولین بار است که کسی احوال ما را می‌پرسد. اولین بار است که کسانی پیدا شده‌اند و ما را داخل آدم حساب می‌کنند و با ما روی زمین می‌نشینند و به درد دل ما گوش می‌دهند و اولین بار است که به خودیاری روستاییان به وسیله شما توجه می‌شود؛ وگرنه اینجا گروه زیاد آمده است و می‌آید، لیکن همه به منزل کدخدا رفته و بعد از بستی و چرتی می‌رفتند و کدخدا و خان قوی‌تر می‌شدند.

#### ۴- مسائل و مشکلات

##### الف- مشکلات اقتصادی

الف-۱- فقر: با توجه به سوابق منطقه سیستان - که معروف به انبار غله ایران بوده - و [با] وجود زمین‌های قابل کشت و بسیار حاصلخیز، مسئله فقر در این ناحیه، جنبه اقتصادی - سیاسی پیدا می‌کند. به علت همجواری با افغانستان و پاکستان و نفوذ عوامل دولت‌های استعماری، بعد از جنگ، از طریق کشورهای مذکور برای ادامه سلطه استعمار، فقر در این ناحیه، جانشین غنا گردید و از این رهگذر، حکومت مرکزی در جهت سرکوب مردم مبارز مرزنشین، از مسئله فقر استفاده می‌کرد، و برای تحقق این مسئله کافی بود که دولت مرکزی دست خان‌های منطقه را در انواع جنایات در حق مستضعفین باز بگذارد و اضافه بر آن، باجی که به خوانین داده می‌شد، آزادی کامل برای قاچاقچی‌گری بود. آثار شوم این فقر به حدی است که در اکثر دهات، برنج حتی سالی یک بار هم پخت نمی‌شود. غذای اکثر آنان - اگر بتوانند بیابند - نان خالی است. نان خشک به آب انداخته شده. بسیاری از آنان طرز تهیه پخت عدس را نمی‌دانستند. روستایی می‌گفت که بیش از شش ماه است مزه گوشت نچشیده. مادر پنج یتیم می‌پرسید که من با این پنج بچه کوچک که هر آن از من چیزی می‌خواهند و من حتی قادر به تأمین نان خالی آنان نیستم چه کنم؟ کفش در پای اکثر قریب به اتفاق آنان نیست. اتاق آنان بی نور و بی فرش است. اگر جزء اغنیاء باشند زیلویی، حصیری و یا نمدی تهیه کرده‌اند. رطوبت، سراسر اتاق آنان را گرفته و اکثر کف اتاق‌ها خیس است (گل تازه). شخصی می‌گفت اجاق منزلش صد روز است که چیزی برای پخت ندیده. مادر فرزند بیماری که برای معالجه بچه‌اش به تیم پزشکی مراجعه کرده بود، در پاسخ دکتر که گفت به بچه شیر نده، بلکه لعاب برنج بده؛ جز خیره خیره نگاه کردن جوابی نگفت و همگی از شرمندگی سرها را پایین انداختیم. در یک کلام آنان چیزی ندارند که بتوانیم بگوییم که چه چیز کمبود دارند.

الف-۲- زمین: اکثر روستاییان ساکن منطقه، زمین شخصی برای کشت و زرع ندارند و به معنی دیگر کارگر و مزدور خان‌ها و مالکان می‌باشند. آثار وجود بزرگ مالکان در تمامی منطقه احساس می‌شود. خزیمه علم‌ها، سارانی‌ها، سرابندی‌ها،

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۹۱

پردلی‌ها و نارویی‌ها و بقیه به چپاول خود ادامه داده و این خطه از ایران عزیز را به بخش‌های نفوذ بزرگ‌مالکی تقسیم کرده‌اند و آثار این تقسیم در سطح منطقه و در منازل تمام روستاییان و از چهره ساکنین محروم منطقه خوانده می‌شود و در تقسیم به اصطلاح «اصلاحات ارضی» و هنگام تجدید حدود، آنچنان که یکی از چادرنشینان حوالی دهستان دِه‌مَرده می‌گفت یک سهم او را به‌طور حقیقی تحدید کرده، لکن یک سهم محمدرضاخان سرابندی تبدیل به ۵۰۰ برابر گردیده؛ و در حال حاضر اگر زارعی بر روی زمین این‌چنین و متعلق به بزرگ‌مالکان کشاورزی کند، بایستی یک سهم برداشته و بقیه را که چهار سهم است تحویل خان و مالک دهد. نزدیک به تمامی اراضی این منطقه قابل کشت است.

الف-۳- آب: زمین‌های منطقه از نظر آبیاری به سه بخش قابل تقسیم است: یک قسمت از زمین‌های پست که از طریق کانال و نهر آبیاری شده و یک قسمت به علت بلندی فقط با پمپ و وسایل مکانیکی مشروب می‌شود و قسمت سوم زمین‌هایی است که به هیچ‌عنوان آب به آن نمی‌رسد و به‌صورت لم‌بزرع باقی مانده است. قسمتی که از طریق کانال و نهر آبیاری می‌شوند، بیشتر زمین‌های خزیمه علم و پردلی است که از طریق سد زهک آبیاری می‌شود و قسمت کمی از مردم از این کانال‌ها بهره‌برداری می‌کنند و حق آب به مالکان بزرگ پرداخت نمی‌کنند.

در قسمت دوم، کلیه کشاورزان و زارعین بابت بهره‌گیری از آب که به وسیله پمپ‌ها تأمین می‌شود بایستی دو سهم از پنج سهم زراعت را تحویل متصدیان پمپ - که همان مالکان بزرگ و یا کدخدا و یا شرکای مالکان هستند - تقدیم کنند، و تمام این پمپ‌ها بسیار کم و کلیه آنها در اختیار خان‌ها می‌باشد.

لایروبی کانال‌ها و نهرها کمک مؤثری برای آبیاری خواهد بود، لکن قبل از حل مسئله بزرگ‌مالکی و تصفیه منطقه از وجود این گونه مالکان، هر گونه ساختمان کانال و لایروبی کانال‌ها و نهرها به‌صورت پروژه‌های قابل قبول در جهت قوی‌تر کردن و ثروتمند کردن خان‌ها و فقیرتر کردن مستضعفین است.

آب آشامیدنی منطقه عموماً از طریق چاه‌های غیربهداشتی می‌باشد. گروهی از روستاییان که نزدیک هامون و یا در کنار نهرها قرار دارند از آب هامون صابری و یا از

## ۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

نهرهایی که از نظر بهداشتی دست کمی از آب چاه ندارد، استفاده می‌کنند. در کنار چنین کمبودی وجود چندین چاه آب - که اوان حکومت هویدا توسط شرکت‌های خارجی که احتمالاً پارس کنسولت و الکساندر گیپ و یا دیگران زده شده و در همان زمان به آب شیرین رسیده و پلمپ گشته است - شدیداً جلب نظر می‌کند. گروه، قبل از عزیمت به منطقه از طریق بومیان اطلاع پیدا کرده بود که حدود ۹۰ حلقه از این چاه‌ها در اطراف زابل زده شده است. یکی از این چاه‌ها در ده تبکا [قرار دارد] که مورد بازدید کلیه اعضای گروه واقع گشت و از هیئت خارجی آن فیلمبرداری شد. پاره‌ای از اهالی ده که موفق شده بودند در آن زمان از آب چاه بنوشند بر شیرین و گوارایی آن شهادت می‌دادند؛ البته چندین چاه دیگر از این نوع در خود شهر زابل وجود دارد که مورد بازدید عده‌ای از اعضا قرار گرفت.

الف-۴- دامداری: در حال حاضر تعداد پانصد هزار رأس گوسفند و پنجاه تا شصت هزار رأس گاو در منطقه می‌باشد که افزایش تعداد و اصلاح نژاد و بهره‌گیری کامل از دامداری در رابطه با زمین و آب می‌باشد که چنانکه مشکلات ناشی از دو مورد فوق حل شود از نظر اوضاع محلی، امکان دامداری وسیع می‌باشد و هم‌اکنون روزانه بیش از دو کامیون گوساله برای ذبح از منطقه خارج می‌شود، اما با توجه به اوضاع و احوال منطقه و باج‌های گزافی که مالکان و خان‌ها از راه رفتن دام بر روی زمین و یا نوشیدن آب از هامون و شهرهای مربوطه می‌گیرند، دهقان و روستایی را تشویق برای ادامه دامداری نمی‌کند.

[ب- راه و مسکن]

ب-۱- راه: عدم دسترسی به شهر - که نمودار نبودن جاده و راه است - جزو مشکلات اساسی منطقه است. اکثر قریب به اتفاق روستاها از نداشتن جاده و راه قابل اطمینان به شبکه راه‌های منطقه در ناراحتی و عذاب به سر می‌برند؛ به نحوی که اگر کوره‌راهی باشد برای رفتن به شهر و بازگشت به محل، حداقل صد ریال برای نزدیک‌ترین و حدود سیصد ریال برای دیگر روستاها بایستی پرداخت شود که با فقر گریبانگیر مردم چه بسا برای امور ضروری و لازم از جمله معالجه بیماران، قدرت مالی اجازه نمی‌دهد و منجر به مرگ بیمار می‌گردد.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۹۳

ب-۲- مسکن: مسکن فعلی روستاییان، خانه‌های گلی و مرطوب و غیربهداشتی و موجب بسیاری از امراض بوده و اغلب به علت بی‌توجهی و عدم آموزش در مسیر ریگ‌های روان ساخته شده است و عده دیگری از محروم‌ترین مردم محروم سیستان در چادر و یا منازل نپي زندگی می‌کنند که در مقابل بادهای موسمی و یا بالا آمدن آب و سایر عوامل جوی، مقاومت نداشته و اطمینان‌بخش برای زندگی نخواهد بود. متأسفانه تعداد این قبیل منازل و ساکنینش زیاد است.

با این اوضاع و احوال، گروهی از روستاییان از داشتن سرپناه گلی و یا حتی نپي محرومند و با پرداخت اجاره به مالکین از چنان خانه‌هایی استفاده می‌کنند. از جمله در ده میلک، کشاورزی تعریف می‌کرد که با داشتن هفت نفر عایله در یک اتاق گلی به مبلغ چهارصد ریال ماهانه سر می‌کند. درآمد این کارگر، کشاورزی در صورت وجود کار حداکثر روزانه ۱۱۰ ریال می‌باشد.

### پ - بیماری، بهداشت، درمان

بیماری شایع در منطقه، ناشی از عوامل جوی و کمبود آب و رعایت نکردن اصول بهداشت و فقر غذایی و سوء تغذیه می‌باشد که عدم آموزش و عدم اطلاع نیز بایستی به این نکات اضافه شود. دسترسی نداشتن به شهر در اثر نبودن راه، موجب باقی ماندن و اشاعه آن به سایر روستاها و باقی ماندن میکروب در منطقه می‌گردد. نبودن پزشک و عدم معالجه به صورت قطعی و انجام نشدن واکسیناسیون از عوامل دیگر اشاعه امراض و ناراحتی‌ها می‌باشد. انواع بیماری خاص ایران و خاورمیانه در این استان به چشم دیده می‌شود. با توجه به گزارش پزشکان و بررسی‌هایی که از نزدیک به عمل آمده بیشتر امراض شایع عبارتند از:

سل، بروسلوز، تراخم، ترشح چرکی از گوش‌ها (اتوره)، بیماری‌های انگلی، بیماری‌های روماتیسمال، بیماری‌های پوستی، اثرات بیماری‌های آمیزشی باقی‌مانده از زمان جنگ جهانی دوم.

عدم رعایت اصول بهداشت بخصوص در مورد آب آشامیدنی که از چاه‌های غیربهداشتی با دست و وسایل معمولی برداشته می‌شود، موجب بروز امراض بخصوص برای افراد کم سن و سال و کودکان می‌گردد؛ از جمله اسهال که اکثر قریب

## ۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

به اتفاق افراد گرفتار این نوع مرض بودند. نبودن صابون و شستشو نکردن و نبودن حمام از عوامل شیوع امراض جلدی می‌باشد. نبودن پزشک و کمبود داروهای مورد لزوم و عدم وجود درمانگاه‌های مجهز موجب دیگری برای باقی ماندن امراض است.

در منطقه زابل، هفت درمانگاه ساخته شده که دو تای آن در شهر زابل و پنج تای دیگر در روستاها قرار دارد و درمانگاه داخل شهر به علت بی‌پزشکی تعطیل شده و از پنج تای روستاها فقط یکی در زهک نیمچه پزشکی [دارند]؛ بقیه نه دارو دارند و نه پزشک. حتی در شهر زابل و حومه که بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر سکنه دارد، یک پزشک متخصص زنان و یا یک جراح وجود ندارد. تنها پزشک جراح شهر که خارجی هم هست در تنها بیمارستان شهر مشغول به کار بوده و در فاصله بازدید گروه به مرخصی رفته بود و معلوم نبود که تکلیف مردم در این فاصله چه بود.

### ۵ - کمیته انقلاب اسلامی زابل

نقش کمیته در رابطه با خوانین و مالکین و در جهت از بین بردن و لوٹ کردن حقوق مستضعفین نقش سازنده‌ای است! چون اگر قرار بود عده‌ای مأمور حفاظت این تیپ افراد گردند به این خوبی از عهده برنمی‌آمدند. همچنان که در ابتدا نیز گذشت، روش کمیته بخصوص عواملی که در آن نفوذ کرده‌اند مخرب و به صلاح مردم و مستضعفین نیست. تنی چند از سوداگران به‌عنوان تهیه خواربار، روغن و سایر مایحتاج را از سازمان‌های مستقر در تهران، ارزان تهیه و به‌عنوان کمک به مردم با قیمت گران در اختیار دیگران قرار داده‌اند. اینها حتی کامیون‌هایی از روغن نباتی و آرد [ی که] به منطقه فرستاده شده را از مرز خارج کرده و به افغان‌ها فروخته‌اند. یک عدد از این کامیون‌ها توسط مرزبانان دیده شده و توقیف گردیده بود.

مسئول تفنگچی‌های کمیته در رابطه با مالکین و دفاع از آنها جان‌فشانی می‌کند؛ به‌طوری که مالک ده [یا] اربابی که خود را از مجاهدین و فداییان دین قلمداد می‌کند، در این مدت چند سال اخیر به نحوی عمل کرده که ده قریب یکصد خانوار تبدیل به پانزده خانوار شده است و مدرسه این ده پنج کلاسه است، لکن سه اتاق بیشتر ندارد و بچه‌ها روی زمین خاکی می‌نشینند، ولی پول آقای ارباب مسلمان از پارو بالا می‌رود و

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۹۵

مسئول نظامی کمیته، او را بهترین انسان می‌خواند. پرونده و سوابق چنین افرادی بایستی بررسی شود و پرونده‌ای است جالب. پس از کشف این قبیل مسائل و مراجعه گروه به دهات و پیدا شدن اسنادی در این زمینه مبنی بر صحت این گونه روابط و تأکید مسئول کمیته در اینکه بایستی یک نفر به‌عنوان راهنما با گروه باشد و راهنمای مذکور نیز بنا به قول خودش بیش از هفت سال از منطقه دور بوده است و مشاهده روابط این فرد با کدخداها به نحوی که فقط مالکین و کدخدا ایشان را می‌شناختند و افراد معمولی و روستاییان نام‌برده را به جا نمی‌آوردند.

از این پس تحریک کمیته بر علیه پژوهشگاه شروع می‌شود و برای خارج کردن ما از منطقه، متوسل به زدن برچسب کمونیستی به یک گروه فعال و مبارز و مسلمان و مؤمن می‌شود و با توجه به تعصب مردم مرزنشین و تنفر آنان از کمونیست‌های افغان، محلی برای ماندن گروه باقی نمی‌ماند. با اینکه گروه‌هایی از مردم روشنفکر و آگاه و مسلمان شهر تقاضای تمدید اقامت ما را داشتند، لکن برای جلوگیری از هرگونه بهانه‌جویی و جهت ممانعت از هر گونه دستاویزی برای راه انداختن آشوب و بلوا و سوءاستفاده از آن به نفع ضد انقلاب، تصمیم گرفته شد که منطقه را ترک گوئیم.

جای بسی تأسف است که در ابتدای ورود، تمام نقطه‌نظرهای پژوهشگاه و اهداف آن و نامه‌های نخست‌وزیری به حضرات کمیته ارائه شده بود و سپس این برچسب ناروا و ناجوانمردانه که معلوم بود ساخته دست خوانین و مالکان است، به گروه زدند. این برچسب تازگی نداشته و من جمله در مورد افراد مسلمان دیگری که اقداماتی در جهت مستضعفین انجام داده بودند چنین کرده بودند.

جالب است که وقتی گروه محیط را ترک می‌کند و به سوی بیرجند می‌رود، حضرات با اطلاع از این امر به کمیته بیرجند نیز هشدار می‌دهند که گروهی کمونیست با چنین مشخصات ظاهری به منطقه خواهند رسید.

### ۶- پاسگاه‌ها و دلاوران

پاسگاه‌های ژاندارمری در کناره مرز اکثراً بی‌ترتیب و رها شده بودند و کارشان بیشتر در جهت رها کردن مرزها و ورود قاچاق آزاد و بلامانع بود و هیچ‌گونه کنترلی در این جهت به عمل نمی‌آمد. کمیته هم با شرحی که رفت در جهتی نبود که بدین مسائل

## ۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

توجه کند و چه بسا این بی‌توجهی تعمدی باشد. گروهی از مردم شهر، آمادگی خود را برای پاسداری مرزها اعلام کرده، ولی کمیته یا مخالفت کرده و یا ممانعتی به وجود آورده است و مردم برای جلوگیری از هرگونه تصادم به این مسئله تن داده بودند. در چند سال قبل، ژاندارمری گروهی متجاوز از ۱۵۰۰ نفر از جوانان خدمت‌کرده را به‌عنوان دلاور استخدام نموده و برای مزدداری و کشت به کار گماشته بود و در حال حاضر وضع این گروه به سبب حقوق کم و نگرفتن مزایا نامشخص بوده و همکاری لازم را به‌عمل نمی‌آورند. بارها تقاضا و شکایت و درخواست رسیدگی نموده، ولی توجهی نشده است و حقوق فعلی آنان ۱۰۶۰۰ ریال است که از این مبلغ مقداری بیمه و حدود ۲۷۰۰ ریال به‌عنوان مخارج خوراک کسر می‌گردد.

### ۷- آموزش و پرورش

آموزش و پرورش، همانند سایر مسائل دچار نابسامانی است. اکثر دهات مدرسه نداشته و بچه‌ها برای رفتن به مدرسه پنج تا ده کیلومتر راه بایستی طی کنند. آنها هم که مدرسه دارند تا سه کلاس و یا پنج کلاس را در سه اتاق برگزار می‌کنند. مدرسه‌ای در ده اربابی قرار گرفته که پنج کلاس را در سه اتاق جای داده، آن هم بدون میز و نیمکت و فقط با دو آموزگار که خود آنها هم از همه چیز محروم بودند؛ حتی از دانستن خیلی از مطالب. محیط مدرسه بسیار نامناسب بود: به جای بهترین ساختمان‌ها بدترینش نصیب تحصیل مردم مستضعف شده بود و به نظر می‌رسد که هنوز زمان جانشینی مستضعفین به جای مستکبرین نرسیده است. بچه‌های مدرسه‌ها اکثراً از هوش و آگاهی خوبی برخوردار بودند. البته تعداد مدارس بود که از معلمین دلسوز و فعال و آگاهی برخوردار بود که حتماً بایستی مورد تقدیر قرار گیرند. شاگردان این قبیل معلمان علاوه بر هوش خدادادی کشف شده‌شان، از آگاهی وسیعی منتفع بودند. این امر ثابت می‌کند که اگر امکانات لازم و کافی در این زمینه مهیا شود چه بسیار نوابغی از این خطه برخیزند.

مخارج: به اطلاع می‌رساند که کلیه مخارج این سفر تحقیقاتی بدون در نظر گرفتن قیمت داروها و ارزش مواد خوراکی و مخارج بنزین دو دستگاه اتومبیل نخست‌وزیری،



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۹۷

شامل مخارج رفت و بازگشت افراد و مخارج اقامت و مخارج خوراک حدود ۱۵۰۰۰۰ ریال شده است.

پژوهشگاه تخصصی انقلاب - ۱۳۵۸/۲/۳۰

### نامهٔ پژوهشگاه تخصصی انقلاب به امام خمینی و گزارش فقر اهالی و ظلم خان‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْلِيَّامَةً مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ، وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشُّبُعِ...»<sup>۱</sup>

#### محضر آیت‌الله العظمی امام خمینی

ای رهبر بزرگ! شما با اعلام این نکته که «ما عمل می‌کنیم حرف نمی‌زنیم»، وظیفهٔ بس سنگین بر دوش تمامی پیروان خود قرار دادید. پیرو چنین احساس مسئولیتی بود که «پژوهشگاه تخصصی انقلاب» متشکل از پاره‌ای اساتید مسلمان و متعهد دانشگاه و برخی از متخصصین فنون مختلف برای مشکلات مردم و پیدا کردن راه حل آنها و ارائهٔ طرق اجرای آن به دولت اقدام کرد. در این راه نه تنها به مکاتبه بسنده نکرد، بلکه شاخه‌ای از خود را برای سرکشی به محروم‌ترین منطقهٔ ایران (سیستان و بلوچستان) برای ارائهٔ خدمات اولیه و مبارزهٔ تبلیغاتی با عناصر چپ‌گرا و همچنین تهیهٔ طرح‌های عملی بهبود وضع بنیادی آن سامان گسیل داشت. در این رابطه نخست‌وزیری از طریق آقای بنی‌اسدی، معاون آقای نخست‌وزیر، در جریان قرار گرفت و همکاری لازم را با اعزام دو دستگاه اتومبیل و معرفی گروه به سازمان‌های دولتی و کمیته‌های محلی در جهت کمک و ایجاد تسهیلات نمود. این گروه با توجه به نابسامانی در امر پزشکی و تغذیه، همراه خود سه پزشک مسلمان و مقادیری داروی مجانی از وزارت بهداشتی و مقداری حبوبات داشت، مورد استقبال پرمهر اهالی واقع شد و همکاری همه‌جانبه از طرف آنان به عمل آمد. توجه و استقبال دهات اعم از شیعه و سنی و صف‌ناپذیر است. حرکت ما دعای خیر همگان را برای امام داشت. شخص کوری که چون اکثر اهالی هیچ - به معنی واقعی - نداشت از ما خواست تنها خواهش او را که سلام به امام رساندن بود، بپذیریم.

۱. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، نامهٔ ۴۵، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۱۸.

## ۹۸ □ شخصت سال صبوری و شکوری

امام بزرگ، فقر اهالی بهت آور است: [در] اکثر قریب به اتفاق آنان از زمین زراعی، آب آشامیدنی، راه، جاده، مدرسه، بهداری و بهداشت و قوت لایموت خبری نیست؛ همه پابرهنه‌اند؛ اغنیای آنان دارای یک زیلو یا حصیرند و بقیه بر روی زمین، زمین مرطوب زندگی می‌کنند؛ غذای اکثر آنان - اگر بتوانند بیابند - نان خالی است، نان خشک به آب انداخته.

چه بسیار کسانی که قدرت پرداخت یک تومان برای آرد کردن یک من گندم را ندارند. شخصی می‌گفت شش ماه است گوشت نچشیده؛ شخص دیگر می‌گفت صد روز است اجاق خانه او چیزی برای طبخ ندیده؛ زن بی نان‌آوری گدایی می‌کرد و تمام زندگی او سه جوجه بود و دیگری که پنج بچه یتیم خرد داشت، می‌گفت: من با این بچه‌ها که دائماً از من چیزی می‌خواهند و من از تهیه نان خالی هم برای آنان عاجزم چه کنم؟ در این میان نقش کمیته امام در زابل جالب است!!

آنان را در وهله اول از اهداف خود مطلع ساختیم و نامه نخست‌وزیری را خطاب به کمیته ارائه نمودیم. در اول مورد استقبال آنان قرار گرفتیم، ولی در پایان با اتهام داشتن عقاید و اشاعه افکار کمونیستی از طرف کمیته مجبور به ترک منطقه شدیم. ما در ضمن کار متوجه شدیم که مالکان بزرگ از قبیل پردلی، نارویی، سارانی، سرابندی و امثالهم کماکان خون مردم را به شیشه می‌کنند و روابط و ضوابط قدیم را حفظ کرده‌اند و در این رابطه، کمیته انقلاب در جهت حفظ این روابط کوشا بوده است! استدلال خودشان این است که به این ترتیب کاری کرده‌ایم که خون از دماغ کسی نریخته است. ای امام مستضعفین، این حمایت تا بدان حد است که روز جمعه ۱۳۵۸/۲/۱۴ اهالی ده حشمی که حتی خانه گلی هم ندارند و در خانه حصیری زندگی می‌کنند، از ترس کمیته امام، ۲۴۰۰۰ تومان باج به یک خان داده‌اند تا کمیته آنان را زندانی نکند؛ چون روابط این خان را با کمیته و با فرماندار خوب شناخته‌اند. اسمع یا سمیع، مردم ده حشمی حتی می‌ترسند که برای ما از این ظلم بزرگ که بر آنان رفته بود، پرده بردارند. در روز ۱۳۵۸/۲/۱۴ می‌ترسیدند؛ یعنی تقریباً سه ماه بعد از پیروزی انقلاب.

بر این اساس، جای تعجب نیست اگر خان از هر رأس گوسفندی که از روی زمین ادعایی‌اش بگذرد پنج تومان مطالبه کند و اگر تعلل در پرداخت آن شود گوسفندان آن

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۹۹

بیچاره را غرق نماید. طبیعی است اگر کمیته به شکایت اهالی ده قلعه‌نو بر علیه خان جابرش که مرتکب چندین فقره قتل است و نمایندهٔ اسبق مجلس بوده و کما فی السابق بر اریکهٔ قدرت تکیه زده است و اهالی را تار و مار کرده، گوش فرا ندهد و هرکسی را که حرفی بزند و ارائهٔ طریق بکند و حتی از اسلام و فلسفهٔ دین و انقلاب و ریشه‌های آن صحبتی به عمل آورد، با برچسب‌های ناروا از قبیل کمونیستی [بودن] خشم مردم متعصب منطقه را که بر اثر همجواری با افغانستان و انزجارشان را از ماهیت کمونیسم که بسیار شدید است، بر علیه او فروزان کند و از این ضربه برای خارج کردن خیرخواهان از منطقه و به حال خود واگذاشتن مردم مستضعف آنجا در تحت تسلط خان استفاده نماید. عده‌ای از این مالکین و خوانین دارای پست‌های حساس در کمیته هستند و با بخشیدن صوری قسمتی از مال خود، توانسته‌اند نه تنها اعتماد رئیس کمیته را جلب کنند، بلکه تمامی وجوهی را که بعد از انقلاب از تمامی ایران توسط کمیته به منطقه رسیده است، جذب نمایند. آنان همچنین عوامل خود را به صورت پاسدار در کمیته مستقر ساخته و نبض کامل کمیته در دست آنان است و به علت احاطه شدن رئیس کمیته [به] وسیلهٔ این گونه افراد و به توجهی و به اطلاعی<sup>۱</sup> خود نام‌برده، خان، کمال استفاده را برای دوشیدن مردم روستاها تا سرحد امکان به عمل می‌آورند.

چون تمامی گزارش در این مختصر نمی‌گنجد، گزارشگران گروه: آقایان محمدجواد لواسانی، فرزند مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد لواسانی و اخوی زاده آیت‌الله حاج سید محمدصادق لواسانی و حسین محدث‌زاده، فرزند مرحوم حاج میرزاعلی محدث‌زاده و نوهٔ مرحوم محدث قمی که معرف حضورتان هستند، آمادگی دارند که هر موقع تعیین بفرمایید، مشروح جریان را به عرض برسانند.

«أَفْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَأَشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ اللَّذْهِرِ...»<sup>۲</sup>

پژوهشگاه تخصصی انقلاب

توضیح: این نامه تاریخ ندارد، ولی از مطالب آن دانسته می‌شود، سفر حمایتی این گروه در اردیبهشت ۱۳۵۸ صورت گرفته است [پیوست ۶].

۱. عین متن نامه همین طور است (ویراستار).

۲. آیا تنها به این بسنده کنم که به من امیرالمؤمنین بگویند و در رفتاری‌ها با آنان شریک نباشم؟ (نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، نامهٔ ۴۵، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۱۸).

## ۱۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نامه پژوهشگاه تخصصی انقلاب به نماینده امام خمینی در سیستان و بلوچستان

جناب آقای سیدمحمدتقی حسینی<sup>۱</sup>  
تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۱۸  
همان‌طور که در جلسات مکرر شما را از اهداف «پژوهشگاه تخصصی انقلاب» آگاه کردیم، برنامه ما بررسی اوضاع و احوال و شناخت نیازها و روشنگری و ارائه خدمات اولیه و برنامه‌ریزی برای ایجاد دگرگونی و اصلاح به نفع مستضعفین، در مناطق سیستان و بلوچستان بوده است.

در جهت پیشبرد چنین اهدافی، کاروان ما که متشکل از آقایان دکتر نویدی، دکتر زینت‌بخش، دکتر [مسعود] یزدی، مهندس جواد لواسانی، حسین ملّاح، حسین محدث‌زاده و حسین پنبه‌چی بود در تاریخ شنبه ۱۳۵۸/۲/۸ وارد شهر زابل گردید و بلافاصله کار خود را شروع نمود. در رابطه با هدف‌های فوق و طبق امریه نخست‌وزیری شماره ۳۲۴۴ مورخه ۵۸/۲/۴ با جناب‌عالی، و سپس در قسمت پزشکی طبق امریه شماره ۳۲۴۰ مورخه ۱۳۵۸/۲/۴ با آقای دکتر موسوی تماس حاصل شد و از ایشان خواسته شد امکانات درمانی و یک نفر از افراد قسمت آزمایشگاه به نام آقای احمدی که مورد احتیاج آقایان پزشکان گروه تشخیص داده شده بود، در اختیار کاروان قرار گیرد. علی‌رغم عرضه خدمات صادقانه و کوشش شبانه‌روزی گروه، از طرف کمیته شهر آماج اتهامات ناروا قرار گرفت و با اینکه معاونت محترم نخست‌وزیر در نامه شماره ۳۰۴۰ مورخه ۱۳۵۸/۲/۳ این گروه را متشکل از افراد مؤمن و مبارز معرفی کرده است، مبلغین کمونیزم خوانده شدند.

اگر به راستی این کلام مکرر امام را باور داشته باشیم که انقلاب ایران، انقلاب مستضعفین علیه مستکبرین است و مستضعفین باید هرچه زودتر حاکم بر سرنوشت خود گردند، و ریشه‌های پوسیده رژیم قبلی سریعاً قطع و نابود شوند، طبیعی بود که

---

۱. سیدمحمدتقی حسینی طباطبایی (۱۳۰۷-۱۳۶۰)، اولین نماینده رهبر انقلاب در استان سیستان و بلوچستان بود که در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مردم زابل برگزیده شد. او پیش از انتخاب به سمت نمایندگی، رئیس کمیته انقلاب اسلامی منطقه سیستان، ریاست حزب جمهوری و دادگاه انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان را نیز برعهده داشت. حسینی طباطبایی در حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیرماه ۱۳۶۰ کشته شد (<https://fa.wikipedia.org/wiki/>).

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۰۱

انتظار داشته باشیم که نماینده امام، متصف به صفات او بوده و در جهت تحقق اهداف وی گام بردارد و چقدر دردآور که منطقه را از تجلی اهداف والای امام خالی یافتیم.

پژوهشگاه تخصصی انقلاب

رونوشت: جهت استحضار امام خمینی و جهت استحضار نخست‌وزیری [پیوست ۷]

### خلاصه گزارش و جمع‌بندی تحقیقات دوازده روزه گروهی از دانشجویان بومی و غیربومی از منطقه سیستان و بلوچستان

**موقعیت جغرافیایی:** استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران واقع شده؛ هم‌مرز با افغانستان و پاکستان می‌باشد و از طرف جنوب به دریای عمان محدود است. منطقه سیستان، جلگه‌ای و بلوچستان کویری و کوهستانی می‌باشد. با وجود آنکه دارای زمین‌های حاصلخیز و منابع آب زیرزمینی فراوان است، عملاً از نظر کشاورزی، تولید قابل توجهی ندارد و دامپروری آن رو به نابودی است و از نظر صنعت تقریباً صفر است.

**وضعیت فرهنگی - اجتماعی:** مردمی کاملاً بی‌سواد و بی‌اطلاع از مسائل اجتماعی سیاسی و در رابطه با انقلاب (در بلوچستان) نه تنها در کنار انقلاب نبودند، بلکه در مقابل آن موضع داشته و هنوز هم نسبت به ارزش‌های باطل نظام گذشته سمپاتی‌هایی به چشم می‌خورد که مسلماً علتش را در فقر فرهنگی و مادی باید جستجو کرد.

از نظر آداب و رسوم تا حدودی سیستم طبقاتی همراه با آداب فئودالی به چشم می‌خورد. حالت خود کم‌بینی، نسبت به خان، روحیه تسلیم‌طلبی را در رعیت‌ها که جمعیت انبوه هستند، تقویت نموده، اما آنها از وضعیت موجود راضی نیستند. تعصبات قومی همراه با انتقام‌جویی وجود دارد. رابطه مردم با خان از جایی که به خان نیازمند هستند یک رابطه ارباب - رعیتی [است]، ولی در عین حال از نظر معنوی در منطقه سیستان، خان‌ها کوچک‌ترین پایگاهی در میان مردم ندارند و در بلوچستان بسیار کم و ناچیز است و همین‌طور به‌خاطر همان فقر شدید مادی است که از خان‌ها و سردارها وحشت دارند.

در منطقه ایرانشهر این نوع وحشت و ترس از خان وجود نداشت؛ چون که آنجا موقعیت خان و رعیت زیاد با هم تفاوت نداشت. چاه و قنات همه خشکیده بود.

## ۱۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

مردمی بسیار رئوف، گرم، سربه‌زیر و کم‌حرف و به ظاهر خمود؛ اما همچون آتش زیر خاکستر. محرومیت و فشار دوران استبداد و استعمار و قهر طبیعت (گرمای سوزان) به آنها این خصوصیت‌ها را داده است.

نسبت به بازدیدها و وعده‌ها بدبینی عمیق و شدیدی در منطقه وجود دارد، ولی در مقابل کسانی که برای آنها کاری انجام دهند حداکثر فداکاری و از خودگذشتگی نشان می‌دهند. به‌عنوان نمونه یک اکیپ از برادرانی که در منطقه سیستان مشغول تحقیق بودند، در حین کار توانستند با تلاش اندک دو روز بعد از بازدید، اشکال جزئی آب لوله‌کشی ده را برطرف کنند. به دنبال این کارشان یک حالت ناباوری<sup>۱</sup> توام با شور و شوق و استقبال از آن برادران در مردم آن ده به وجود آمده بود. از نظر مذهب، اکثریت مردم منطقه بلوچستان سنی و در سیستان شیعه هستند و اختلاف بین شیعه و سنی به هیچ وجه در منطقه وجود ندارد؛ حتی در منطقه خاش دیده شد که سنی‌ها پشت سر شیعه‌ها نماز می‌خوانند و به‌طور کلی در تمام منطقه از مساجد همدیگر استفاده می‌نمایند. خصوصیت سنتی مذهب حفظ شده. از مذهب فقط اسم آن را (شیعه یا سنی) می‌دانند و از محتوای آن کمتر چیزی می‌دانند؛ حتی جوانان به ندرت نماز خواندن بلدند.

ترس شدید از کمونیست‌ها در آنها وجود دارد؛ ترسی بی‌دلیل که ظاهراً رژیم سابق در آنها به وجود آورده است؛ چون از کمونیسم هیچ نمی‌دانند و آن را می‌کوبند. فقط تنها حرفی که در این مورد همه جا می‌زنند این است که اگر مملکت کمونیستی شود، دیگر ناموس برایمان نمی‌ماند. بعضاً امام را طرفدار شوروی می‌دانند و این نتیجه تبلیغات رژیم گذشته و سمپاشی‌های فعلی خان‌هاست و حتی قبل از پیروزی انقلاب تظاهرات علیه انقلاب را با این محتوا برپا می‌کردند.

کمونیست‌ها کوچک‌ترین سابقه تاریخی و تشکیلات حزبی و ... [در اینجا] ندارند، ولی اخیراً فعالیت‌هایی تحت عنوان «حزب دمکرات خلق بلوچستان» و ایجاد «خانه بلوچ» و ... شروع کرده‌اند که استعدادهای بالقوه منطقه جای مناسبی برای تحریکات آنها است.

---

۱. در سند اصلی گزارش چنین آمده، ولی شایسته بود گفته شود، «حالت اعتماد پدید آمده است.» (ویراستار)

### گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۰۳

**کشاورزی و دامپروری:** ممر اصلی زندگی‌شان از قدیم‌الایام به اقتضای موقعیت طبیعی منطقه، کشاورزی و دامپروری بوده، ولی به مرور، خصوصاً سال‌های اخیر، به‌علت سیاست‌های غلط و ضد مردمی دولت‌های قبل، وضع کشاورزی منطقه رو به وخامت و دامپروری رو به نابودی است. حقیقت امر این است که استعدادهای طبیعی از نظر زمین و آب زیرزمینی (در بلوچستان) خوب است؛ به‌طوری که قبلاً منطقه سیستان و بلوچستان یکی از انبارهای غله ایران به شمار می‌رفت، ولی متأسفانه حالا خود کشاورزان هم برای نانشان مجبورند از جاهای دیگر آرد تهیه کنند.

از کشاورزی مدرن به استثنای طرح مجتمع کشاورزی - که به علت عدم دلسوزی و مدیریت صحیح به شکست منجر شده - خبری نیست؛ حتی بعضاً وسایل ابتدایی کشاورزی را هم ندارند. اکثر قنات‌ها به دلیل بی‌توجهی و نداشتن امکانات مادی برای لایروبی، خشک و یا کم آب شده است. بعضی از چاه‌ها موتورشان خراب و الآن بدون استفاده باقی مانده است. اکثر قنات‌ها و چاه‌ها متعلق به خان‌ها و سرداران است. فقط تعداد معدودی متعلق به مردم است که به‌طور اشتراکی از آن بهره‌برداری می‌کنند.

در منطقه سیستان، سیستم آبیاری از طریق رود هیرمند که مصب آن کوه‌های داخل خاک افغانستان می‌باشند، صورت می‌گیرد و به همین خاطر وضعیت آب آنجا کاملاً بی‌ثبات و ناامن است و به روابط سیاسی ایران و افغانستان ارتباط مستقیم دارد.

[...] ناخوانا. نیم سطر از سر صفحه بریده شده] شن و ماسه را از بیرون دشت و زمین‌های حاصلخیز به داخل آن می‌آورد و آن را در سرتاسر دشت اعم از زمین‌های زیر کشت و بایر و کانال‌های آبیاری پخش نموده و به اصطلاح زمین‌ها را می‌خورد و نابود می‌کند و کانال‌ها را پر می‌نماید. مشکل دیگر سیلاب‌هاست که بیشتر در منطقه بلوچستان است و همه ساله بسیاری از محصولات کشاورزی را نابود می‌کند و گاهی بندها را هم از بین می‌برد.

**رفاه:** بسیاری از وسایل اولیه زندگی را ندارند. کپرها از چند شاخه درخت خرما و چند تکه حصیر کهنه و نو ساخته می‌شود. خان‌ها اکثراً در خانه‌های گلی و خشتی زندگی می‌کنند. پوشش کف کپرها [را] معمولاً با چند تا حصیر و گلیم و پارچه می‌پوشانند. فرش‌ها انگشت‌شمار هستند و معمولاً در منزل خان‌ها پیدا می‌شود. غذای

#### ۱۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

آنها نان خشک، پیاز، دوغ، کشک، رب گوجه - که معمولاً آن را در آب حل می‌کنند و با نان می‌خورند - و به ندرت گوشت. برایشان نوبت غذا مطرح نیست. در روز دو دفعه و بعضی جاها یک دفعه غذا می‌خورند. با گرسنگی خو کرده‌اند.

اجناس و لوازم اولیه‌ی زندگی که توسط شرکت تعاونی و دکان - که اگر در ده وجود داشته باشند - فروخته می‌شود که قیمت آن نسبت به نرخ در شهر بسیار گران است و گاهی دو - سه برابر آن می‌فروشند. شرکت تعاونی معمولاً دست‌خاهاست و عملاً کار مفیدی صورت نمی‌دهد و حتی گاهی اوقات اجناسی را از دکان‌دارها گران‌تر می‌فروشند.

وضعیت راه در سرتاسر منطقه، اعم از راه‌های اتصالی شهرها و راه‌های روستایی، به استثنای راه زاهدان - چابهار که رژیم سابق جهت سیاست‌های نظامی - سیاسی خودش آسفالت کرده بود، نابسامان و خاکی است که خود منشأ مشکلات فراوانی است؛ از جمله امکانات تغذیه‌ای و آموزشی و بهداشتی به‌شکال و حتی در حد صفر در خدمت روستاها قرار می‌گیرد.

وضعیت بهداشت و درمان صفر [است]: از مستراح، حمام، آب و برق در اغلب روستاها خبری نیست و در جایی که هست اسماً می‌باشد و عملاً به علت اشکالات فنی مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. از نظر آموزشی نابسامان، اغلب در حد دبستان هم امکانات بسیار محدود است، چه رسد به راهنمایی و دبیرستان. مدرسه‌ی راهنمایی در فواصل خیلی زیاد در مراکز دهستان‌ها وجود دارد که به‌علت فقر مادی و گستردگی منطقه و فاصله‌ی زیاد روستاها از همدیگر و نبودن وسیله‌ی ایاب و ذهاب از ادامه‌ی تحصیل بالاتر از دبستان اغلب محرومند.

آب خوردن آنها از نظر بهداشتی بسیار نامناسب و آلوده است. لباس بچه‌ها پاره پاره و کتیف [و] اکثر بچه‌ها پابرنه‌اند. در بعضی از مناطق بلوچستان انواع بیماری‌های مسری بین آنان رواج دارد. بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه و گرسنگی در اغلب روستاها به چشم می‌خورد. در بسیاری از مناطق محل سکونت دام - اگر داشته باشند - و مرغ و خودشان در یک اتاق یا کپر می‌باشد.



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۰۵

[... یک سطر از سر صفحه بریده شده] و در رژیم گذشته، یک گرسنگی نسبی در حد حداقل زندگی وجود داشت، ولی حالا این گرسنگی خیلی حادث‌تر شده است. رژیم قبلی برای گرفتن انگیزه‌شان همراه با نابودی ممر اصلی‌شان یعنی کشاورزی، برایشان کار مصنوعی با طرح‌های سیاسی - نظامی، که در جهت سیاست امپریالیسم جهانی و منافع اربابانش بود، در پایگاه‌های نظامی چابهار و کنارک و جاده بلوچستان که کاملاً به قصد سیاسی نظامی درست شده - چرا که مناطق کاملاً آباد کشاورزی (منطقه نیک‌شهر، شهرقند و ...) که می‌باید جاده عبور می‌کرد نکرد - ایجاد کرده بود و حالا آن افرادی که در شرکت‌ها کار می‌کردند بی‌کار و گرسنه‌تر از همه وقت و دعاگوی رژیم گذشته [هستند]؛ چرا که برایشان کار درست کرده بود و امنیت‌شان برقرار بود، ولی حالا کوچک‌ترین اقدامی برایشان نشده است.

عده‌ای که امکانات مالی بیشتری دارند جهت تأمین زندگی‌شان به وارد کردن اجناس قاچاق پرداختند؛ خصوصاً باز بودن مرزها و عدم کنترل آن توسط دولت این کار را توسعه بیشتری داده است و مسلماً این مشکل بزرگی در آینده برای مملکت خواهد بود.

تبصره ۱: امکانات رفاهی که در گذشته در روستاها می‌بردند، ابتدا در خدمت خان‌ها و کدخداها و با نفوذها قرار می‌گرفت و هنوز هم در روستاها چنین فکری وجود دارد. با نفوذها توقع آن را دارند و مردم عادی هم نسبت به کارهای رفاهی ناباور هستند. ضرورت یک اقدام انقلابی در این زمینه جهت جلب اعتماد مردم وجود دارد.

تبصره ۲: اتمام خدمت وظیفه سپاهی و سربازان، ضربه محکمی به این منطقه زده است. مدارس خالی، درمانگاه‌ها بدون پزشک، پاسگاه‌ها با کمبود پرسنل مواجه شده‌اند.

امنیت: مسئله امنیت را در دو منطقه سیستان و بلوچستان به‌طور جداگانه بررسی می‌کنیم.

در سیستان به شکلی که در بلوچستان می‌باشد، اصلاً [امنیت] مطرح نیست. فقط باز بودن مرزها و آزاد بودن عناصر ضد انقلاب و همچنین خوانین خطر منطقه است.

## ۱۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

به‌طور کلی در سطح استان خوانین بعد از انقلاب در لاک خود رفته بودند، ولی حالا وقتی دیدند که کسی به آنها کاری ندارد در جهت اعاده قدرت خود برآمدند تا جایی که توقع دارند در شوراهای انتخابی مردم مثل سابق نقشی داشته باشند.

در منطقه بلوچستان: مهم‌ترین مسئله‌ای که در این منطقه حتی از مسئله گرسنگی مهم‌تر برای مردم مطرح بود، مسئله امنیت است که همه مردم بالاتفاق از این مسئله ناراحت بودند. منطقه‌ای که مرزهای وسیع بدون مرزبان خصوصاً با کشورهایی که از عدم ثبات سیاسی برخوردار هستند و از همه مهم‌تر وجود نه میلیون بلوچ پاکستانی در همسایگی بلوچستان ایران، مسئله را با اهمیت‌تر می‌کند. باید توجه کنیم که بلوچ‌های پاکستانی با بلوچ‌های ایرانی نسبت‌های خانوادگی هم دارند و الآن رفت و آمد بین آنها بسیار راحت و آزاد انجام می‌گیرد.

### علل ناامنی

۱- فقر فرهنگی و مادی: (... ناخوانا) و اعظم نام دو تن از زندانیان فراری کرمان است که پس از جریان انقلاب از زندان گریخته‌اند، انتقام‌جویی قبیلگی دارد. این دو نفر که در ده سورکوم مستقر هستند هسته‌ای را تشکیل داده و حدود ده نفر را به دور خود جمع کردند و با فرستادن پیغام، سبب رعب و وحشت مردم می‌شوند و به این ترتیب جوی به وجود آورده‌اند که سبب شده است آنهايي که قادر بودند، اسلحه خریداری کرده و به انواع و اقسام اسلحه‌ها از مسلسل کلاشینکف گرفته تا کلت مسلح شده‌اند و این هم در آینده مشکل بزرگی برای مملکت ایجاد خواهد کرد. در این جو آشفته، عده‌ای دیگر نیز دست به دزدی و انتقام‌های قبیلگی شدند. علاوه بر این گروه داماد دادشاه (یکی از اشرار معروف) نیز در اطراف بنت دست به دزدی‌ها و ایجاد رعب و وحشت نموده است که البته به گستردگی گروه بالا نیست. گروه بالا گفته بودند که می‌خواهند قسمت‌های خوب از ممان - نام دهی بین کنارک و چابهار - به پایین را در ایران جدا کنند که مسلماً این روح تجزیه‌طلبی در آنها القا شده است.

در تحقیقات از افراد محلی، اشخاص عادی اعتقاد داشتند که خوانین از آنها (دسته دزدان) حمایت نمی‌کنند، اما اشخاص مطلع‌تر معتقد بودند که حداقل چند خان (علم‌خان مبارکی و امان مبارکی و سعیدی) از آنها حمایت کرده و مهمات برایشان

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۰۷

می‌فرستند. امان مبارکی هم با فرار شاه، به عراق گریخته و از آنجا برای اینها مهمات می‌فرستد. من جمله مهمات موجود در اختیار آنها انواع اسلحه، نارنجک و بی‌سیم می‌باشد.

ژاندارمری هم در برابر اعمال فوق‌هیچ‌گونه واکنش نشان نمی‌دهد که نکات زیر را برای توجیه آن می‌توان یادآوری نمود:

الف- کم شدن افراد ژاندارمری، پس از تمام شدن خدمت بعضی از سربازان.

ب- روحیه افراد ژاندارمری خیلی خراب است و حالت پدرمرده را دارند (با رفتن شاه).

ج- عایدی آنها از رشوه گرفتن قاچاقچی‌ها قطع شده است.

د- واکنش انجام نمی‌دهند به این علت که می‌گویند اگر اتفاقی افتاد ما را به‌عنوان مفسد فی الارض محاکمه می‌کنند. چون مردم می‌بینند که ژاندارمری از آنها حمایت نمی‌کند، مجبورند به دامن هر کس که امنیت آنها را تأمین می‌کند پناه ببرند؛ مخصوصاً اینکه خودشان رأساً نمی‌توانند وارد عمل شده و آنها را دستگیر کنند؛ چون بر اساس روابط قبیلگی از برخوردهای آینده می‌ترسند که در اثر انتقام‌جویی کشته شوند.

کلیه جریانات فوق‌اثر سوء نسبت به انقلاب در مردم گذاشته و چنین برایشان تداعی می‌شود که وضع بدتر شده. می‌گویند لااقل قبلاً امنیت که داشتیم؛ الآن امنیت را هم نداریم و با این روحیه (بی‌اعتمادی نسبت به دولت) در آینده با یک جرقه به سوی ضد انقلاب کشیده می‌شوند.

۲- تا حدودی پشتیبانی ضمنی خان‌ها از دزدان یا اشرار جهت استیلای مجدد خودشان و گرفتن مستمری که در رژیم گذشته می‌گرفتند (قابل تذکر است که تا مدتی اینها وحشت‌زده از آینده‌شان بودند و به علت اینکه در این مدت هیچ‌کس کاری به آنها نداشته است، دو مرتبه فرصت را غنیمت شمرده ظاهر شدند) باید یادآور شد که امنیت این منطقه قبلاً بیشتر به کمک یاری خوانین صورت می‌گرفت و خصلت انتقام‌جویانه بلوچ که باز بودن محیط، فرصت اعاده خصومت گذشته را به او داده است، در مقابل جریانات فوق‌ظاهراً مسئولین استان (استاندار، فرماندار و ...) واکنش نشان ندادند و اساساً آدم‌های بی‌حال و مشکوکی هستند.

## ۱۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

لازم است به جریاناتی که در منطقه اتفاق افتاده است اشاره‌ای بشود:

### تشکیل جامعه فارغ‌التحصیلان سیستانی و بلوچ با هدف گرفتن پست‌های حساس در استان

اعضای این جامعه عبارتند از:

۱- دانش ناریوی، استاندار فعلی: [او] رئیس گروه ریاضی دانشسرای عالی [است] که در طول استادی خود با شهادت دانشجویانش فردی ضد دانشجو بوده و بعداً به ریاست دانشسرای عالی زاهدان ترفیع مقام نموده بود. او دکترای ریاضی جدید می‌باشد و از وضع استان و استانداری هیچ‌گونه اطلاعی ندارد و دارای ماهیت فرصت‌طلبانه و ضد انقلابی می‌باشد که نه تنها هیچ‌گونه تغییری در استانداری نداده است، بلکه محلی برای رشد افراد ضد انقلاب شده است و شروع به باندبازی و استخدام افراد نالایق از قبیل بنی‌طبا، مهندس مالکی، مبارکی، اکرمی، ... [کرده است] که سوابق همه اینها برای همه روشن و فعالیت‌هایشان در رژیم گذشته بر هیچ کس پوشیده نیست.

۲- محمود صانعی، فرماندار فعلی زابل: [او نیز] رئیس شاخه آموزش حزب رستاخیز زاهدان [بود]: شخصی است غیرمذهبی و با سابقه‌ای تیره و تار. الآن هم در جهت تثبیت موقعیت فئودال‌ها کار می‌کند. در شورای موقت شهر از آقای علی‌اکبر اکبری که از آشنایان و فامیل ایشان می‌باشد و دارای زمین‌های زیادی است، به‌عنوان نماینده کشاورزان دعوت نموده و او را پذیرفته است. و همچنین از محمدرضاخان پردلی به‌عنوان یکی از اعضای شورا پشتیبانی کرده است. نارضایتی‌ها و شکایات مردم دهات اطراف ده ایشان از محمدرضاخان دلیل بر ماهیت ضد مردمی او می‌باشد.

۳- دکتر خسرو ریگی: فردی است مارکسیست، معاون دانشگاه بلوچستان.

۴- دکتر ملک: عضو مؤثر رستاخیز، متهم به ساواکی بودن.

باید توجه داشته باشیم که ممکن است افرادی در جامعه باشند که در آرامش منطقه نقش بارزی ایفا نمایند، ولی سوابق خوبی نداشته باشند؛ از جمله مولوی عبدالعزیز که روابط گذشته او با حزب رستاخیز و رژیم گذشته و کارشکنی آن در جریان انقلاب [قطعی است] که مدرک آن در ساواک وجود دارد. به نظریات این‌گونه افراد در مورد مسائل و جریانات نباید اکتفا نمود. از جمله انتصاب‌های استاندار که توسط ایشان به

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۰۹

دولت معرفی شده است از این‌گونه مسائل است. اعمال دوران استانداری آقای نارویی دلیل بر عدم اصلاحیه او در این مقام می‌باشد. مثلاً در تحصن عده‌ای لات و بی سر و سامان که خود را کارگر می‌نامیدند، استاندار را تحویل آنها داده و خود به خانه‌اش پناهنده می‌شود و عملاً یک هفته کارهای اداری منطقه تعطیل می‌شود.

**امنیت و رفاه:** با توجه به ویژگی‌های منطقه که گفتیم، به هیچ عنوان نباید پای افراد بومی در برگرداندن امنیت منطقه در میان باشد؛ چرا که خصومت‌های قبیله‌ای بلوچ مسئله خطرناکی است. فقط با یک شرط که افراد بومی به استخدام دولت تحت عنوان پاسدار یا ژاندارم و غیره درآیند و سرکوبی اشرار به اسم دولت تمام شود. در این صورت است که مسئله قومی مطرح نخواهد شد. اگر چنانچه علاقه‌مند به ثبات این منطقه هستیم باید در اسرع وقت عملیات زیر صورت گیرد.

الف- فرستادن اکثیری از پاسداران انقلاب با راهنمایی افراد بومی، به‌طور سری و پنهانی برای سرکوبی اشرار در منطقه سورکوم.

ب- تقویت ژاندارمری و استخدام افراد بومی؛ چرا که آنها آشنایی با محیط دارند و الآن هم اکثر ژاندارم‌های منطقه بومی هستند و با نام دلاور انجام وظیفه می‌کنند و هیچ اشکالی ندارد. باید توجه داشت که بسیاری از پاسگاه‌های ژاندارمری در سطح منطقه تخلیه شده‌اند، به دلیل کمبود پرسنل. و این موضوع، افراد محل را شدیداً نگران کرده است.

ج- استقرار یک واحد نظامی (ارتش) در منطقه.

د- دستگیری چند نفر اشرار و نماینده دوره آخر مجلس و خوانینی که پرونده سیاه در ساواک دارند. باید توجه داشت که این‌گونه افراد هیچ‌گونه نفوذ و پایگاهی در منطقه ندارند و دستگیری آنها مردم را خوشحال می‌کند. برعکس اگر این عده دستگیر نشوند، به مرور با خان‌های رده پایین همدست می‌شوند و همین‌طور با زور حمایت مردم را به دست می‌آورند و آن موقع دستگیری آنها دردسر به وجود می‌آورد.

ه- باید بعد از تقویت نیروهای نظامی از حمل اسلحه به‌طور علنی جلوگیری نمود و با انجام این عمل است که مردم مجبور می‌شوند اسلحه‌ها را از دسترسی دور کرده و مثلاً در زیر خاک پنهان کنند و این خود از تشنج منطقه می‌کاهد.

## ۱۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

و- تعویض فوری مهره‌های اداره‌کننده استان و انتصاب افراد انقلابی بومی که با اعمالشان اعتماد مردم را نسبت به دولت جلب نمایند و از باندبازی و ظهور مجدد خان‌ها در صحنه که الآن توسط استاندار صورت می‌گیرد، جلوگیری نمایند.

ز- همزمان با اینها باید یک سری کارهای رفاهی فوری از قبیل لایروبی قنات، تسطیح زمین‌های کشاورزی، تشکیل شرکت تعاونی فروش با مدیریت افراد صالح و مورد اعتماد مردم، تشکیل شرکت تعاونی خرید به منظور خرید محصول کشاورزی از دهقانان به قیمت مناسب جهت حمایت از آنها، شروع به ساختن جاده‌ها، حتی [جاده] شنی، سدها، سیل‌بندها، تعمیر بندهای موجود در منطقه، ایجاد حمام، مستراح، به کار انداختن برق و آب و ... در میان اینها، کشیدن جاده، لایروبی قنات، حفر چاه و موتور و به کار انداختن شرکت‌های تعاونی مهم‌تر از بقیه است.

لازم است کارهای رفاهی را با توجه به اولویت‌ها و ویژگی‌های خودش شروع کرد.

بدین ترتیب:

۱- لایروبی قنات‌ها و تعمیر چاه: باید در این مورد توجه و دقت فراوان کرد که از قنات‌ها و چاه‌هایی که متعلق به مردم است شروع شود؛ چرا که حمایت و تقویت مردم مد نظر می‌باشد. با تقویت مردم بالطبع خان‌ها مضمحل خواهند شد. در جهت تعمیر موتور پمپ چاه‌ها لازم است اقدامات عاجل صورت گیرد. همچنین با تعمیر موتور پمپ‌های آب و موتورهای برق روستاها، حداقل در روستاهایی که این دو نوع امکان رفاهی موجود است، می‌توان یک کار مثبت برایشان انجام داد.

۲- برای تسطیح زمین‌های کشاورزی و ساختن سیل‌بندها لازم است از بولدوزرهایی که در منطقه موجود است فوراً استفاده شود و بالطبع باید خدمت توده مردم قرار گیرد.

۳- تشکیل شرکت‌های تعاونی مصرف به‌خاطر رساندن آذوقه به قیمت مناسب به دست توده مردم. ضرورت تشکیل شرکت‌های تعاونی مصرف با مدیریت افراد سالم و مطمئن شدیداً حس می‌شود.

۴- تشکیل شرکت تعاونی خرید، به‌خاطر حمایت از کشاورزی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها و تقویت بنیه مادی کشاورزان. این شرکت می‌تواند با دادن وام طویل‌مدت

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۱۱

و با بهره‌کم و یا بدون بهره و با نظارت بر مصرف آن در امور کشاورزی به شکل صحیح، کشاورزان را بیش از پیش به کارشان تشویق کند.

۵ - جاده‌ها: ایجاد جاده‌ها حتی جاده‌های شنی اقدام بسیار مناسبی در جهت حل مشکلات دیگر این منطقه است؛ چون که منشأ بسیاری از مشکلات به خاطر نبودن جاده است. با شروع به جاده‌سازی همچنین کارهای زیادی برای بی‌کاران در منطقه فراهم می‌شود.

۶ - اقدام در جهت ایجاد برق منطقه‌ای و اتمام سدهای نیمه‌کاره و تکمیل آب لوله‌کشی روستایی [پیوست ۸].

### مقاله «گرایش به خشونت در بلوچستان»<sup>۱</sup>

کریم کشکولی

#### مقدمه

مهم‌ترین اثر اجتماعی نابرابری ثروت که بیشتر نظریه‌های اجتماعی نیز بدان توجه دارند، وقوع خشونت و شورش می‌باشد؛ زیرا این نوع نابرابری بیشترین تأثیر را در ایجاد تضاد و تعارضات اجتماعی برجای می‌گذارد. اما صرف‌نظر از اینکه تضاد در زمانی که شکل‌ساختاری به‌خود می‌گیرد، از چه منابعی برخوردار است [که] شکاف‌های اجتماعی را تولید می‌کند؟ این نوع شکاف‌ها در شرایط خاصی منجر به تشکیل گروه‌بندی‌های اجتماعی و حتی سیاسی می‌گردند که این گروه‌بندی‌ها نیز اگر به گونه‌ی ساختاری شکل گیرند، در درون خود شبکه‌ای از روابط میان اعضا را به وجود می‌آورند که علاوه بر پیوند دادن افراد به یکدیگر، تراکم اجتماعی بسیار نیرومندی را نیز ایجاد می‌کند.

پس اینکه نظریه‌های اجتماعی، نابرابری را علت‌محوری شورش و خشونت قلمداد می‌کنند، نشان می‌دهد متغیرهای بینابینی، در این رابطه علی‌ایفاگر نقش مهمی هستند؛ بنابراین، تضادهای ساختاری، بروز شکاف‌های اجتماعی و تشکیل گروه‌بندی‌ها، از جمله این نوع متغیرها می‌باشند.

### الف- نقش اجتماعی گروه‌های قومی

شکاف‌هایی که در موضوع مورد بررسی ما بر روی آن تأکید می‌شود از شکاف‌های مرکز و پیرامون می‌باشد که گروه‌های قومی را که از جمله گروه‌بندی‌های ساختاری است به وجود می‌آورد.

گروه قومی هر چه منافع و حقوق شهروندی خود را در تعارض با حقوق ملی ببیند و اعضای گروه تمایزات نژادی، زبانی و مذهبی خود را با اعضای غیرگروه خودی به روشنی دریابد، شکاف عمیق‌تری را میان خود و دیگران احساس خواهند کرد. در این حالت، شکاف ایجادشده از نوع شکاف فعال است که در نتیجه آن، پتانسیل کشمکش و خشونت فزونی می‌گیرد. اما در شرایطی که همین شکاف به شکل متراکم درآید (یعنی چندین شکاف بر روی هم قرار گیرد) قطعاً بروز خشونت و شورش بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر، وقتی گفته می‌شود یک‌گروه قومی، خود را در زبان، ویژگی‌های فرهنگی، نژاد و مذهب با گروه مسلط در تعارض می‌بیند، شکاف ایجاد شده، متراکم‌تر از قبل یعنی زمانی که وجه تمایز کم بود، خواهد شد.

با این فرض کلی ما معتقدیم که شکاف‌های قومی در ایران در سال‌های اخیر نسبت به سال‌های قبل، فعال‌تر و متراکم‌تر شده است و این شکاف بر حیات سیاسی جامعه ملی تأثیرگذار بوده و منجر به افزایش احتمال خشونت و کشمکش در این زمینه شده است.

با توجه به موضوع بحث حاضر و مطالعه موردی در این زمینه، ما بر این باوریم که: شکاف قومی بلوچ با گروه اکثریت، با نوعی شکاف مذهبی آمیخته شده و به‌صورت یک شکاف متراکم و عمیق خود را نشان می‌دهد؛ از این رو، احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به سال‌های قبل، بیشتر است که باید برای آن راه‌حلی یافت.

### ب- آشنایی اجمالی با قوم بلوچ

۱- جغرافیای سیاسی: بلوچستان شامل سرزمین وسیعی است که نواحی جنوب شرق ایران، غرب پاکستان و جنوب غربی افغانستان را دربر می‌گیرد. این منطقه، محل سکونت قوم بلوچ است که در مورد ریشه آنها اجماع نظر وجود ندارد. عمده بحث در



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۱۳

این زمینه، بر محور دو نظریه می‌باشد: یکی ریشه ایرانی (آریایی) و دیگری ریشه عربی. نظریه دوم معتقد است که بلوچ‌ها به اعراب و اعقاب حمزه عموی پیامبر اسلام (ص) منتسب می‌باشند. نظریه اول، برای قوم بلوچ ریشه ایرانی قائل است و نظریه دوم را فاقد مستندات تاریخی می‌داند.

به هر حال روایت شده که این قوم از حدود چهارصد سال پیش، از نواحی مرکزی ایران مانند فارس، لرستان و نواحی غربی مانند کردستان به این سرزمین کوچ کرده‌اند. بلوچ‌ها دارای گویش و زبان ویژه‌ای هستند که لهجه هر طایفه با طایفه دیگر متفاوت است. بیش از یکصد طایفه بزرگ در بین این قوم وجود دارد که هر طایفه آن از تعداد قابل ملاحظه‌ای تیره تشکیل یافته است که یکی از تیره‌ها تیره سرداری (خانی) می‌باشد که به صورت موروثی و نسل به نسل، سرداری طایفه را برعهده دارد.

در رأس هر یک از تیره‌ها چند نفر ریش سفید و یک نفر کدخدا قرار دارد که مجموع ریش سفیدان تیره‌ها و سردار طایفه، بزرگان طایفه را تشکیل می‌دهند. این نظام قشربندی، امروزه نیز با کمی تغییرات وجود دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای را در روابط اجتماعی این قوم برعهده دارد.

۲- مذهب: اینکه مذهب قوم بلوچ، از ابتدا اهل سنت و حنفی بوده است، چندان روشن نمی‌باشد؛ با این حال حکومت محلی «بارک‌زهی»ها (۱۲۹۹ تا ۱۳۰۷ ه. ق) را در بلوچستان، باید نقطه آغازی بر روتق مذهب اهل سنت در این منطقه دانست. در دوران حکومت دوست محمدخان بارکزی، وی تعدادی ملا و مولوی را که عموماً افغان و حنفی مسلک بودند، برای امر قضاوت که تحت عنوان شریعت از آن یاد می‌شود، وارد دستگاه حکومتی خود کرد. این اقدام موجب شد قشر روحانی نیز به مرور در نظام طایفه‌گی قوم بلوچ از منزلت خاصی برخوردار شود و در سلسله مراتب اجتماعی پس از سردار (خان) و کدخدا قرار گیرد. کم‌کم به تشویق همین مولوی‌ها، عده‌ای نوجوان به هندوستان فرستاده شده و در دارالعلوم دیوبند مشغول به تحصیل می‌شوند و پس از فراغت از تحصیل با بازگشت به موطن خود، به ترویج مرام دیوبندی مشغول می‌گردند؛ به طوری که امروز بیش از ۹۹٪ از مردم قوم بلوچ، اهل سنت و پیرو مسلک حنفی دیوبند هستند.

## ۱۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

مسلك حنفی كه امام ابوحنيفه (۸۰ - ۱۵۰ هـ . ق) سرسلسله آن می‌باشد، در طول ۱۳۰۰ سال دستخوش دگرگونی‌هایی شده است؛ به طوری كه امروزه از سه جناح یا گرایش عمده دیوبندی، بریلوی و مودودی می‌توان نام برد؛ كه دو گرایش اول، نسبت به گرایش سوم - كه از حدود سال ۱۹۳۲ میلادی به بعد رایج شد - از قدمت بیشتری برخوردارند. به واسطه اهمیت این گرایش‌ها در بحث، مختصراً هر کدام به‌طور جداگانه بررسی می‌گردند.

۲-۱- **دیوبندی:** دیوبند در يك قرن پیش، دهكده‌ای از توابع نهانپور هند به شمار می‌رفت كه اکنون به شهر بزرگی تبدیل شده است.

در آن دهكده، فردی به نام مولانا عبدالقاسم ناتاتوهی (ناتاتوی) با تشكيل يك مدرسه علوم دینی (۱۲۸۳ هـ . ق) به تدریس فقه حنفی پرداخت كه این خود، به مرور پایه‌ریز جنبش مذهبی جدیدی گشت. شاگردان او بعد از مرگش، به ترویج عقاید وی پرداختند كه از آن پس به طرفداران این عقاید، «دیوبند» اطلاق می‌شود.

امروزه تعداد زیادی از مردم پاکستان بخصوص استان‌های بلوچستان و سرحد شمال غربی را پیروان دیوبند تشكيل می‌دهند. علاوه بر این، دیوبندها در پاکستان دارای مدارس بزرگ و مهمی می‌باشند و بعضی از احزاب مذهبی از جمله **جمعیت علمای اسلام و جماعت اسلامی** در اختیار آنهاست. مركز دیوبند، دارالعلوم دیوبند هندوستان است و فتاوی این مركز، مورد پذیرش علمای دیوبندی می‌باشد. علمای دیوبند، نسبت به تشیع دیدگاه‌هایی تند و افراطی دارند و در این باره فتاوی متعددی را صادر کرده‌اند و بر همین اساس، شكاف عمیقی از جهت اعتقادات با تفكر شیعه رخ نموده است. علاوه بر پاکستان، مرام دیوبندی در کشورهای افغانستان، هندوستان، شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس و حتی مصر دارای پیروانی است.

۲-۲- **بریلوی:** مولانا احمد رضاخان بریلوی، متولد ۱۸۵۶ میلادی در شهر بریلوی هند با اداره يك مدرسه علوم دینی، عقاید خود را در مخالفت با عقاید ناتاتوی مطرح می‌کرد. بعدها طرفداران عقاید او را بریلوی نامیدند. بریلوی‌ها در شهرهای مولتان، لاهور، حیدرآباد و كراچی پاکستان طرفداران زیادی دارند و از جهت اعتقادی نسبت به دیوبندی‌ها با تشیع نزدیک‌تر هستند.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۱۵

۲-۳- مودودی: مودودی‌گرایی، جریانی فکری است که از اوایل دهه سوم قرن بیستم به وسیله فردی به نام ابوالاعلی مودودی پی ریخته شد. این جریان فکری که نوعی روشنفکری ملهم از اندیشه‌های سیاسی اسلام را در خود دارد، از پایگاه نسبتاً نیرومندی در بین تحصیل‌کردگان و دانشگاهیان پاکستان برخوردار است، اما همانند بریلوی، در بلوچستان نفوذی ندارد.

۲-۴- اهل حدیث: علاوه بر این سه گرایش، جریان چهارمی نیز در بین اهل سنت پاکستان از حضور رو به گسترشی برخوردار است که به اهل حدیث مشهورند و با تفکرات وهابیت، قرابت زیادی دارند. در عین حال، این جریان با اعتقادات دیوبندی مشترکات فراوانی دارد؛ به طوری که پیروان آنها بیشتر در احزاب مذهبی و فرهنگی وابسته به دیوبندها متمرکز می‌باشند.

با توجه به رواج مذهب حنفی، شاخه دیوبند در میان قوم بلوچ در دوران حکومت بارک‌زهی، جایگاهی ویژه یافت؛ به طوری که در همین دوره، مردم سرکوب حکومت محلی بارک‌زهی به دست رضاخان را نوعی حمله شیعه بر ضد سنی تلقی کردند و شکاف عمیقی را میان خود و حکومت مرکزی در زمینه مذهب قائل شدند، اما در دوران پهلوی، با توجه به اصل ایجاد محدودیت برای ترویج مذهبی، رژیم در برخورد با مولوی‌ها، این قشر را جزء عناصر رده دوم قرار داده و از مطرح شدن آنها جلوگیری می‌کرد و در این میان، تکیه‌گاه اصلی خود را بر خوانین و رؤسای طوایف، که عناصری اصلی و تعیین‌کننده به شمار می‌آمدند، متمرکز ساخته بود. هرچند در اواخر حکومت پهلوی تا حدودی دست مولوی‌ها برای تأسیس مدارس دینی جدید باز گذاشته شده بود، اما این اقدامات همسو با سیاست‌های خاص رژیم نسبت به قوم بلوچ طرح‌ریزی شده بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ساختار ایجاد رژیم قبل، به سرعت متحول شد؛ در این میان مذهب از یک امر حاشیه‌ای خارج شد و وارد متن زندگی مردم گردید. مولوی‌ها که تا آن زمان در سلسله‌مراتب قشریندی در رده سوم و یا حتی چهارم قرار داشتند، به رده نخست ارتقا یافته و بدل به مرجع و پناهگاهی برای عموم مردم گردیدند. همین امر رشد مذهب و شاخص‌های مذهبی را در پی آورد. مساجد که تا آن

## ۱۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

زمان اختصاص به جمعیت انگشت‌شماری از سالخوردگان یا میان‌سالان داشت مملو از جمعیت جوان گردید و روز به روز بر تعداد آنها افزوده شد. مدارس دینی رونق ویژه‌ای یافت و پیوسته مدارس جدیدی تأسیس می‌شد که در نتیجه آن آمار طلاب دینی نیز رشد بسیار چشمگیری یافت.

در ادامه بحث، چگونگی تحولات مذهب و تأثیرات آن بخصوص بر افزایش خشونت، بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت، اما پیش از آن، اشاره مختصری به تحركات سیاسی در قبل از انقلاب در بلوچستان بایسته می‌نماید؛ زیرا ویژگی این تحركات مؤید آن است که به واسطه محدودیت در ترویج مذهب، خواسته‌ها، شکل قومی و سیاسی دارند.

### ج - تحركات سیاسی

۱- دوره قبل از انقلاب اسلامی: اسدالله علم که مدت‌ها سمت استانداری استان سیستان و بلوچستان را برعهده داشت، توانست با نزدیک شدن به خوانین، روابط دولت را با آنها مستحکم کند. وی در مقام وزیر دربار نیز تلاش بسیار مؤثری در نزدیک ساختن خوانین به دربار انجام داد. اعطای تأمین و تغییر نام بعضی از طوایف به شهبخش و شهنوازی حاصل این تلاش بود، اما از سوی دیگر، تحركات سیاسی نیز که اساساً تحت نفوذ حوزه سیاسی بلوچ‌ها در پاکستان بود، به منصفه ظهور رسید.

تشکیل گروهی به نام **جبهه آزادی‌بخش بلوچستان** در سال ۱۳۴۳ به دست جمعه‌خان، حاصل این تحركات بود. این جبهه که بعدها مورد حمایت طایفه سردارزایی و برخی کشورهای عرب قرار گرفت، حملات مسلحانه پراکنده‌ای را تدارک دید و توانست تا اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی به فعالیت خود ادامه دهد، اما توفیق چندانی به دست نیاورد.

گروه دیگری به نام **حزب دمکراتیک بلوچستان** در دهه ۱۳۴۰ در بغداد تشکیل شد که شاخه بلوچی **جبهه ملی خلق ایران** - ائتلافی از اعضای حزب توده - بود. این گروه، خواستار یک دولت دمکراتیک ملی در بلوچستان بود. استفاده از زبان بلوچی در امور آموزشی، از دیگر خواسته‌های این گروه به شمار می‌رفت؛ این گروه نیز پس از چندی متلاشی شد.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۱۷

این تلاش‌ها نه مورد حمایت جدی خوانین قرار داشت و نه اینکه سران مذهبی آنها را تأیید می‌کردند. از سوی دیگر، تحصیل‌کردگان بلوچ که تعداد آنها تا اواخر دوران محمدرضا شاه به حدود یکصد نفر می‌رسید، اغلب دارای اندیشه‌های مارکسیستی بودند و عمدتاً حزب رستاخیز و دفتر فرح هدایت آنها را در دست داشتند. در مجموع، تلاش‌های سیاسی در این منطقه، عمدتاً ماهیتی غیرمذهبی داشت و بیشتر، خواسته‌های قومی را دنبال می‌کرد و در این بین از حمایت‌ها و رهنمودهای کشورهای خارجی بخصوص عراق نیز سود می‌جسته است. از سوی دیگر، رژیم نیز با درک چنین موقعیتی توانست سه مؤلفه تأثیرگذار را در این‌گونه تلاش‌ها شناسایی و بر روی آنها اعمال کنترل نماید؛ این سه مؤلفه عبارت بودند از: خان‌ها یا سردارها، ترانزیت مواد مخدر و عامل سوم روشنفکران که عموماً اندیشه‌های مارکسیستی داشتند. بدین ترتیب در سال‌های قبل از انقلاب، هر چند میان قوم بلوچ و حاکمیت، شکاف‌های اساسی وجود داشت، ولی به واسطه سیاست‌گذاری‌های رژیم و همچنین شرایط داخلی، این شکاف‌ها حرکت‌هایی جدی را بر ضد حاکمیت به همراه نداشت.

**۲- بعد از انقلاب اسلامی:** پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های سیاسی و مذهبی به سرعت در بلوچستان آغاز شد و قوم بلوچ را در آستانه تحولات جدیدی قرار داد.

از یک طرف، دولت موقت تا حدودی بلوچ‌ها را در امور سیاسی منطقه فعال نمود و به یکباره میزان مشارکت آنها را در اداره امور منطقه افزایش داد؛ به طوری که دکتر دانش نارویی استاد دانشگاه به استانداری سیستان و بلوچستان رسید و فردی به نام گمشادزهی مدیرکلی بهداری را عهده‌دار شد و بسیاری از روشنفکران بلوچ نیز به سمت‌ها و مشاغل مهم دیگری گمارده شدند.

از سوی دیگر، ماهیت خان ستیزی انقلاب، با به خطر انداختن قدرت و اقتدار خوانین، موجب فراری شدن آنها از منطقه به بلوچستان پاکستان شد. این تغییرات به سرعت باعث گشت که روحانیون سنی مذهب کم‌کم خود را به رهبران نهضتی مذهبی مبدل ساخته و خواسته‌هایی از قبیل حقوق مساوی و برابر در حاکمیت را مطرح نمایند. پس به‌طور خلاصه، این تحولات جدید عبارت بودند از: افزایش حضور

## ۱۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

روشنفکران در حاکمیت، به خطر افتادن نفوذ سردارها و افزایش میزان اقتدار روحانیون سنی مذهب در هرم اجتماعی.

با این مقدمه، به نظر می‌رسد تحرکات سیاسی سازماندهی شده در بعد از انقلاب را بتوان در چهار مرحله نسبتاً مجزا از همدیگر شناسایی کرد و ویژگی‌هایی را برای هرکدام برشمرد؛ این مرحله‌بندی، کمک فراوانی برای رسیدن به هدف بحث که در قالب فرضیه بیان شد (یعنی شکاف متراکم که منجر به افزایش خشونت می‌گردد)، خواهد کرد.

**مرحله اول:** نخستین گام‌های مؤثر - که نشان‌دهنده شکاف میان حاکمیت و قوم بلوچ بود - را مولوی‌ها برداشتند.

همزمان با رونق فعالیت گروه‌ها و احزاب در کشور، گروهی از مولوی‌های منطقه، اقدام به تأسیس حزبی تحت عنوان **حزب اتحاد المسلمین** در زاهدان نمودند. رهبر این حزب **مولوی عبدالعزیز ملازهی (ملازاده)** بود. وی پیشوای وقت اهل سنت منطقه به شمار می‌رفت و تا حدی از نفوذ در بین مردم و مولوی‌ها برخوردار بود. اهداف و مواضع این حزب هرچند خواسته‌های محلی و قومیتی از قبیل واگذاری پست‌ها به افراد بومی و دادن خودمختاری به مردم بلوچ را شامل می‌شد، ولی مهم‌ترین هدف آن عبارت بود از: «جلوگیری از [تصویب و اجرای] هر گونه مقررات و قوانین مغایر با اصول و عقاید اهل سنت در مناطق سنی‌نشین». به دنبال تأسیس حزب، رهبران اهل سنت منطقه، مخالفت خود را با اصل دوازدهم پیش‌نویس قانون اساسی یعنی به رسمیت شناختن مذهب شیعه در کشور و همچنین شرط شیعه بودن رئیس جمهور را آشکارا ابراز کردند. همین مسئله زمینه مساعدی را برای حضور بلوچ‌ها در انتخابات خیرگان قانون اساسی فراهم آورد.

نمایندگان اهل سنت مجلس خیرگان، مخالفت خود را در خصوص بعضی از اصول قانون اساسی محدود به جلسات مجلس نساخته و برای تحقق خواسته‌هایشان موضوع را بیش از پیش در معرض افکار عمومی قرار داده و از آنان می‌خواهند نسبت به آن اعلام موضع بنمایند.

### حادثه عیدگاه زاهدان

چند روز قبل از حادثه عیدگاه زاهدان در سال ۱۳۵۸، اتفاقاتی رخ می‌دهد که زمینه‌ساز درگیری‌هایی چند می‌شود. عده‌ای در شهرستان چابهار، استاندار و تعدادی از مسئولان را به گروگان می‌گیرند. همچنین فرماندار شهرستان ایرانشهر نیز در محل فرمانداری به گروگان گرفته می‌شود. از سوی دیگر، درگیری‌هایی نیز در چند منطقه از جمله شهرستان خاش روی می‌دهد که چندین تن کشته می‌شوند. در نتیجه این اتفاقات، دولت موقت، هیئتی را به زاهدان گسیل می‌دارد تا با بررسی مسائل مورد اشاره، مردم - اعم از شیعه و سنی - را به وحدت با یکدیگر دعوت نماید. قرار بر این می‌شود که ابراهیم یزدی یکی از وزرای کابینه دولت موقت که مسئولیت هیئت را عهده‌دار بود، در مراسمی که به همین منظور در عیدگاه برپا شده بود، سخنرانی کند.<sup>۱</sup>

به محض ورود هیئت، افراد ناشناسی به محل تجمع مردم، مسلحانه حمله می‌کنند و متعاقب آن درگیری‌هایی شدید میان اهل سنت و شیعیان که عموماً از ساکنان شهرستان زابل بودند، به مدت چند روز روی می‌دهد که بر طبق آمارهای غیررسمی، تعدادی نیز کشته می‌شوند. این حادثه در آن زمان نشان داد که طرفین دعوا و مناقشه نه تنها از حیث قومی، بلکه از جهت مذهبی و عقیدتی نیز خود را جدا از همدیگر احساس کرده و توسل به خشونت را تنها راه‌حل مناقشه قلمداد می‌کنند. واقعه عیدگاه را می‌توان یکی از مصادیق عینی تأیید فرضیه مطروحه آغاز بحث قرار داد.

اما این روند در سال‌های بعد استمرار نمی‌یابد؛ زیرا اولاً مولوی‌های اهل سنت هنوز به صورت ساختاری نتوانسته بودند جایگاه خود را در سلسله‌مراتب قدرت حفظ نمایند و هنوز سردارها از قدرت چشمگیری برخوردار بودند؛ در ثانی علقه‌ها و تمایلات مذهبی نیز در میان لایه‌های مختلف اجتماعی بخصوص گروه سنی جوانان، گستردگی و نفوذ بالایی نداشت.

---

۱. اطلاعات نویسنده در این قسمت، کمی ناقص است؛ زیرا هیئت یادشده، اولاً بعد از استعفای دولت موقت به زاهدان رفت، و ثانیاً آقای خمینی برای رسیدگی به مشکلات شهرستان‌ها به دکتر ابراهیم یزدی حکم داده بود و دکتر یزدی نه به‌عنوان عضوی از دولت، بلکه به‌عنوان نماینده امام خمینی به منطقه اعزام شده بود. (ویراستار)

## ۱۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نتیجه این شد که این نوع تحرکات با چنان ویژگی که گفته شد، به مرور جای خود را به تحرکاتی با ماهیت نسبتاً متفاوت از قبل می‌دهد.

**مرحله دوم:** پس از حادثه عیدگاه، تحرکات و فعالیت‌های سیاسی در میان قوم بلوچ به شکل دیگری خود را نشان می‌دهد. سردارها که از نفوذ بالایی در ساختار اجتماعی و سیاسی برخوردار بودند، کشور را ترک می‌کنند و در این میان برخی از آنها فعالیت‌های سیاسی خود را به صورت سازماندهی شده با کمک بعضی از کشورها پایه‌ریزی می‌کنند.

عراق به واسطه نفوذ تاریخی‌اش در منطقه (راه‌اندازی جبهه آزادی‌بخش بلوچستان) تشکیلات جدیدی را تحت عنوان جبهه وحدت بلوچ به وسیله جمع‌ه‌خان بلوچ که از مؤسسان جبهه آزادی‌بخش بود و میرمولاداد مرادزهی یکی از سردارهای با نفوذ منطقه تشکیل می‌دهد. این دو تن با همکاری خوانین فعالیت خود را به اسم به دست آوردن حقوق از دست رفته قوم بلوچ، تأمین حیثیت و شرف قومی - ملی بلوچستان و وادارسازی جمهوری اسلامی به دادن خودمختاری در چارچوب یک حکومت فدرال، سازماندهی نموده و در ابتدای سال ۱۳۶۰ موجودیت جبهه وحدت بلوچ را اعلام می‌کند.

اختلافات شدید به وجود آمده در زمینه چگونگی توزیع پول‌های اهدایی از عراق و نهضت مقاومت ملی، باعث می‌شود در فروردین ماه سال ۱۳۶۴ میرمولاداد سردارزهی از ریاست جبهه و مسئولیت خود خلع و جبهه به صورت شورایی اداره گردد، اما وضعیت جدید نیز دوام چندان نمی‌یابد و با دخالت مستقیم عراق، از درون این جبهه، **جنبش مجاهدین بلوچستان ایران (جمبا)** فعالیتش را آغاز می‌کند.

با انتخاب محمدخان میرلاشاری به رهبری این جنبش، عملاً فعالیت نظامی جنبش از نیمه دوم سال ۱۳۶۴ آغاز می‌شود. جنبش، هدف خود را خودمختاری بلوچستان با خط‌مشی حرکت مسلحانه اعلام می‌کند.

پذیرش زبان بلوچی به مثابه زبان رسمی و مبارزه با فساد، از جمله برنامه‌های مهم دولت خودمختار اعلام می‌گردد. در بین سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ که اوج فعالیت جنبش می‌باشد، اعضای جنبش توانستند خسارات و آسیب‌هایی به امکانات و



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۲۱

تأسیسات دولتی بزنند. همزمان با جنگ خلیج فارس و عدم سرویس‌دهی افسران عراقی به جنبش، انحلال آن اعلام می‌شود.

در این مرحله از تحرکات سیاسی، به واسطه حضور خوانین در رأس دو سازمان مزبور، خواسته‌های مطرح شده عمدتاً قومی و فرهنگی بودند و بر این شکاف‌ها بیشتر تأکید می‌شد. از سوی دیگر، این تحرکات نتوانسته بود همراهی توده‌های قوم بلوچ را با خود داشته باشد؛ زیرا از یک طرف وابستگی به قدرت‌های خارجی در فعالیت آنها کاملاً مشهود بود و از سوی دیگر خوانین و سردارها، جایگاه اجتماعی خود را تا حدودی از دست داده بودند و یا اینکه حداقل در کنار خود رقاباتی را احساس می‌کردند، که این امر مانع از کامیابی آنها شده بود. اما این رقیبان کسانی نبودند جز مولوی‌ها که همچنان در این دوره، سیر صعودی و ارتقای اجتماعی خود را طی می‌کردند، بدون آنکه در هیچ سازمان یا تشکیلات خاصی فعالیت‌های خود را سازماندهی کنند.

**مرحله سوم:** به مرور، جناح‌های رادیکال علما شروع به تشکیل احزاب و سازمان‌های سیاسی می‌نمایند. از مهم‌ترین این احزاب می‌توان به **سازمان مجاهدین اهل سنت**، **مجلس اعلای اهل سنت**، **جمعیت دفاع از حقوق اهل سنت ایران** و **حزب الفرقان ایران** نام برد که یکی پس از دیگری اعلام موجودیت می‌کند.

در این میان **سازمان مجاهدین اهل سنت** دارای قدمت زیادتری است. این سازمان اهداف خود را تلاش برای احیای مجدد اسلام و جامعه اسلامی، و دفاع عادلانه از حقوق اهل سنت ایران و جهان اعلام می‌دارد. این سازمان با **حزب اتحاد اسلامی افغانستان** به رهبری **عبدالرسول سیاف** ارتباط نزدیکی را برقرار می‌کند و ضمن تقویت بخش نظامی سازمان، از کمک‌ها و امکانات آنان نیز استفاده می‌نماید. همچنین سازمان سعی می‌کند با مولوی‌های سرشناس داخل کشور تماس برقرار نموده و نظرات و ایده‌های خود را به آنها بقبولاند که ظاهراً توفیق چندانی در این امر نمی‌یابد. حدود یک سال پس از شکل‌گیری سازمان با هدف یکی کردن فعالیت گروه‌های مختلف بلوچی مستقر در پاکستان، جبهه‌ای تحت عنوان **مجلس اعلای اهل سنت ایران** اعلام

## ۱۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

موجودیت می‌کند. سازمان‌هایی از قبیل مجاهدین اهل سنت، مجاهدین بلوچستان ایران، جنبش پایداری بلوچستان ایران و ... تلاش می‌کنند که با متمرکز ساختن امکانات و توانمندی‌های خود، مبارزه در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران را تشدید کنند.

**مجلس اعلای اهل سنت** در سال ۱۳۶۹ با انتخاب **علی اکبر ملازاده** به سخنگویی خود، به صورت رسمی در لندن اعلام موجودیت می‌کند.

مجلس اعلا نخستین تلاش برای اتحاد میان خوانین و مولوی‌های ناراضی بود که ظاهراً بتواند حمایت مردم بلوچ را با خود همراه سازد؛ به عبارت دیگر، خوانین و سردارهای فراری بدین نتیجه رسیده بودند که برای پیشبرد اهداف خود ناگزیر هستند که فعالیت‌های خود را رنگ مذهبی ببخشند و در حقیقت بتوانند از شکاف مذهبی موجود میان مردم بلوچ و حاکمیت نیز به نفع خود بهره‌برداری کنند.

در پایان این مرحله، می‌توان گفت که تشکیل **سازمان مجاهدین اهل سنت** از یک سو عملاً مولوی‌های اهل سنت را به شکل کاملاً سازمان‌دهی شده و تشکیلاتی وارد عرصه مبارزات سیاسی کرد و از سوی دیگر تشکیل مجلس اعلا، زمینه نزدیکی میان دو جبهه قومی و مذهبی را در بلوچستان پی‌ریزی کرد.

در عین حالی که این تلاش‌ها عمدتاً در خارج پایه‌ریزی می‌شد، در داخل کشور نیز مولوی‌ها به شیوه‌ای دیگر در جهت طرح خواسته‌ها و مطالبات سیاسی و مذهبی خود تلاش می‌کردند. اوج این نوع تحرکات را می‌توان در واقعه موسوم به مسجد مکی زاهدان مشاهده کرد.

پس از تخریب کاروانسرای فیض مشهد، روحانیت اهل سنت زاهدان، تخریب کاروانسرای فیض را محکوم می‌کند و انگیزه مناسبی برای اعتراض فراهم می‌گردد. در روز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۷۲، تعدادی از مردم شهر بخصوص طلاب جوان بلوچ، ضمن اجتماع در مسجد مکی نسبت به تخریب کاروانسرا به دست دولت اعتراض می‌کنند و با تعطیل شدن مغازه‌ها این اعتراض، شکل گسترده‌ای به خود می‌گیرد؛ به طوری که پس از گذشت چند ساعت از تجمع در مسجد، معترضین اقدام به تخریب بعضی اماکن و اموال دولتی کرده و با مأمورین انتظامی درگیر می‌شوند. می‌توان گفت این

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۲۳

دومین حرکت اعتراض‌آمیز مردم بلوچ با انگیزه مذهبی در بلوچستان بود که رنگ خشونت نیز به خود گرفت.

**مرحله چهارم:** با ظهور طالبان در عرصه سیاسی افغانستان، فصل جدیدی از تعاملات میان گروه‌های سیاسی - مذهبی اهل سنت بلوچ با گروه‌های افغان آغاز می‌شود که ماهیتاً با تعاملات قبلی متفاوت می‌باشد.

ظهور طالبان در سال ۱۳۷۳ در استان نیمروز افغانستان و حمایت همه‌جانبه احزاب مذهبی پاکستان به‌ویژه **جمعیت علمای اسلام** از این گروه و در برابر آن، حمایت دولت ایران از مخالفان طالبان، به مرور مقبولیت و محبوبیت معنوی این گروه را نزد اهل سنت بلوچ ایجاد می‌کند؛ به‌طوری که بخشی از مولوی‌های ناراضی از حکومت ایران، به شدت به طالبان گرایش می‌یابند. علاوه بر این، طالبان با اعلام آزادی خرید و فروش مواد مخدر در مناطق تحت اشغال خود، گروه‌های قاچاق مواد مخدر را که عمدتاً از ایرانیان بلوچ می‌باشند و رهبری آنها را خوانین و سردارهای بلوچ به‌عهده دارند، در زیر چتر حمایتی خود قرار می‌دهد. نتیجه آنکه ائتلاف بین جنبش قومی و مذهبی در این مرحله با حمایت مستقیم گروه طالبان شکل جدیدتری به خود می‌گیرد و زمینه را برای بروز فعالیت‌های خشونت‌آمیز به‌نحو مطلوب فراهم می‌کند.

تشکیل پایگاه‌های آموزش نظامی در استان نیمروز و در نهایت تشکیل گروهی تحت عنوان **حزب الفرقان** - که عملاً اعضا و رهبران آن از طلاب و مولوی‌های ناراضی اهل سنت بلوچ می‌باشند، کاملاً به شکاف بین قوم بلوچ و حاکمیت، رنگ مذهبی می‌دهد.

ترور، آدم‌ربایی، درگیری‌های مسلحانه درون شهری، راه‌بندان و سرقت خودروهای دولتی از جمله حوادث خشونت‌باری است که از این سال به بعد در بلوچستان روی می‌دهد.

### د- نتیجه‌گیری

بررسی تحولات سیاسی پس از انقلاب در میان قوم بلوچ نشان داد که در مرحله اول متأسفانه، حوادثی منجر به خشونت گردید. این امر اولاً به واسطه حضور فعالانه

## ۱۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

روحانیون اهل سنت در صحنه سیاسی منطقه بود که به مطالبات و خواسته‌های سیاسی صبغه مذهبی می‌دادند و در ثانی فضای سیاسی حاکم بر کشور به گونه‌ای بود که زمینه مساعدی برای این‌گونه وقایع ایجاد می‌گردید. به واسطه اینکه تغییرات اساسی در ساختار نظام قشربندی حاکم بر قوم بلوچ ایجاد نگردید، شرایط تا حدودی به حالت قبل بازگشت و گروه‌های سیاسی که رهبران آنها خوانین بودند عمدتاً با انگیزه قومی فعالیت خود را سازمان دادند، ولی نتوانستند توده‌های مردم را با خود همراه سازند؛ اما پس از قدرت گرفتن طالبان در افغانستان و قرابت‌های مذهبی میان آنها و قوم بلوچ، مجدداً تحریکات، صبغه مذهبی به خود گرفت و شکاف‌های موجود را نه تنها فعال‌تر بلکه متراکم‌تر نمود. در نتیجه، میزان بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نیز افزایش یافت. سخن آخر این است که هرچند اختلافات مذهبی می‌تواند زمینه و بستر مناسبی را برای رفتارهای خشونت‌آمیز فراهم کند، اما در مورد بلوچستان، اختلافات مذهبی به واسطه علل متعددی، منجر به شکاف‌های عمیقی شده است و مناسب است برای کاهش اختلافات و برخی رفتارهای خشونت‌آمیز استراتژی و سیاست‌های وحدت و وفاق به شکل واقعی پیگیری شود.

### ب - گزارش‌های نهادهای انتظامی و امنیتی از وضعیت استان و منطقه

پیش از رفتن به مأموریت، تا آنجا که ممکن بود گزارش‌های مربوط به استان سیستان و بلوچستان را که طی ماه‌های پس از پیروزی انقلاب به نخست‌وزیری و مسئولان کشوری رسیده بود، گردآوری و بررسی کردیم. در اینجا بخشی از این گزارش‌هایی را که از سوی نهادهای نظامی و امنیتی تهیه شده بود، از نظر می‌گذرانیم تا روشن شود این استان از نظر امنیتی چه وضعیتی داشته است.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۲۵

### گزارش اول: گزارشی امنیتی؛ تاریخچه تحركات تجزیه‌طلبانه در بلوچستان و مداخلات جهانی<sup>۱</sup>

بسمه تعالی

به کلی سری

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۲/۱۰

بلوچستان

۱- منطقه بلوچستان: در بین بلوچ‌ها در مورد سرزمین بلوچستان نظرات مختلفی وجود دارد: گروهی این منطقه را شامل استان بلوچستان پاکستان و بلوچستان ایران می‌دانند. برخی معتقد و مدعی هستند که بلوچستان کشور بزرگی بود که از بندرعباس در خلیج فارس آغاز و از کرمان، یزد و استان خراسان گذشته به عشق‌آباد و قسمت‌هایی از ریگستان تجن در خاک شوروی منتهی شده و از آنجا به استان‌های هرات، فراه، نیمروز، هلمند و قسمتی از استان قندهار امتداد یافته و تمامی استان بلوچستان پاکستان و قسمتی از استان سند این کشور را در بر گرفته و به دریای عرب منتهی می‌گردد.

۲- مسئله بلوچستان: پس از انتزاع افغانستان از ایران در سال ۱۷۴۷ میلادی<sup>۲</sup> و قبل از تسلط انگلستان بر شبه‌قاره هند، بلوچستان پاکستان توسط امرای افغانی از طایفه ابدالی

---

۱. نویسنده و تهیه‌کننده این گزارش معلوم نیست، ولی از شیوه گزارش‌نویسی دانسته می‌شود از سوی نهادهای امنیتی استان سیستان و بلوچستان تهیه و در اختیار دولت موقت قرار داده شده و چون دکتر یزدی در آن زمان، معاون نخست وزیر در امور انقلاب بوده، به ایشان ارجاع داده شده است (ویراستار).  
۲. درست آن است که گفته شود با کشته شدن نادرشاه افشار در سال ۱۷۲۴م/۱۱۲۶ خورشیدی، احمدشاه ابدالی که والی قندهار بود، در سال ۱۷۴۹م هرات را تصرف کرد و بدین‌سان سرزمین افغانستان از ایران جدا شد. در زمان ناصرالدین شاه قاجار، دوست محمدخان، حاکم کابل و قندهار، هرات را گرفت. نیروهای ناصرالدین شاه تحت فرمان حسام‌السلطنه هرات را محاصره کردند و در سال ۱۲۷۳ه.ق (۱۲۳۶ خورشیدی/۱۸۵۷م) این شهر را پس گرفتند. با تهاجم بریتانیا به جنوب ایران و پس از بحرانی شدن روابط ایران و بریتانیا، پیمان‌نامه پاریس در شهر پاریس در همان سال ۱۲۳۶ خورشیدی/۱۸۵۷م میان نماینده ایران و سفیر بریتانیا امضا شد. بر پایه این پیمان‌نامه، بریتانیا از بندرها و جزیره‌های جنوب ایران بیرون روند و در عوض ایران نیز سپاهیان خود را از هرات فراخواند و استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسد. (ویراستار)

## ۱۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

و بازگزایی اداره می‌شد. دولت انگلستان برای تضمین امنیت سرحدات غربی مستعمرات هندی خود، سعی کرد این منطقه را از سلطه افغان‌ها خارج نماید؛ در نتیجه نایب‌السلطنه انگلیس در هند در سال ۱۸۹۲ میلادی ضمن امضای قراردادی با امیر عبدالرحمن‌خان، یکی از امرای بارکزایی افغانی، حدود متصرفات خود را به مرز فعلی بین افغانستان و پاکستان - که به نام خط دیوراند (اقتباس از نام مارتمیر دیوراند، یکی از افسران انگلیسی) معروف گردیده - گسترش داد و هر ساله با پرداخت مبالغی به‌عنوان حق سرداری به سران عشایر بلوچ، توانست همکاری صادقانه آنها را جلب نموده و سال‌ها از وجود آنان برای حفظ سرحدات غربی مستعمره خود استفاده کند. چون هر گونه فعالیت آزادی‌خواهی در بلوچستان پاکستان در نهایت به بلوچستان ایران و احتمالاً سایر استان‌های شرقی این کشور نیز سرایت خواهد کرد، لذا به سیر حوادث و تحول اوضاع بلوچستان پاکستان می‌پردازیم:

همزمان با فعالیت‌های استقلال‌طلبی مردم شبه قاره هند و رهایی از سلطه انگلستان، سران و رهبران برجسته مناطق مسلمان‌نشین قاره هند در لاهور اجتماع کرده و قطعنامه‌ای را امضا کردند که پس از کسب استقلال و تشکیل یک کشور اسلامی، به مناطق مختلف آن خودمختاری داخلی داده شود. این قطعنامه در ابتدای استقلال به دلایل زیر اجرا نشد:

الف - لزوم همبستگی بیشتر مردم در برابر خطراتی که استقلال این کشور نخواستہ را تهدید می‌کرد.

ب- فقر اقتصادی و ضعف قوه دفاعی.

پ- نبودن تشکیلات اداری منظم.

ت- وجود حزب مسلم‌لیگ به رهبری محمدعلی جناح که برای تشکیل کشور اسلامی پاکستان تلاش زیادی کرده بود.

اولین آوای استقلال‌طلبی پس از قتل لیاقت‌علی‌خان در سال ۱۹۵۱ آغاز گردید؛ زیرا ضعف دولت مرکزی و تجزیه حزب مسلم‌لیگ باعث شد تا خان عبدالغفارخان، رهبر نهضت آزادی پشتونستان و رهبر حزب پیراهن‌سرخان، استقلال منطقه پشتونستان را اعلام نماید. طبق نقشه‌هایی که توسط افغان‌ها و پشتون‌ها به چاپ

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۲۷

رسیده، پشتونستان منطقه‌ای است که بین رودخانه سند، مرز فعلی افغانستان و پاکستان، قسمت کمی از بلوچستان ایران و دریای عرب واقع است. این نهضت توسط ارتش سرکوب و عبدالغفارخان زندانی شد.

در اواخر زمامداری اسکندرمیرزاخان، احمدیارخان، یکی از سران برجسته عشایر بلوچ، از ضعف دولت مرکزی استفاده نمود و استقلال بلوچستان را - این منطقه از نظر وسعت بزرگ‌ترین استان پاکستان بوده و قریب سیصد هزار کیلومتر مربع وسعت دارد، ولی از نظر جمعیت، کوچک‌ترین استان محسوب می‌شود و دو و نیم میلیون نفر جمعیت دارد - اعلام داشت. این نهضت نیز با روی کار آمدن ژنرال محمد ایوب‌خان در سال ۱۹۵۸ سرکوب و خان‌احمدیارخان دستگیر و زندانی شد و پسر وی داودخان به جای وی به‌عنوان سردار کلات منصوب شد. در تمام این دوران، احمدیارخان ابراز تمایل با همکاری با ایران معمول داشته است.

ایوب‌خان در طول یازده سال زمامداری خود توانست هم از طریق تحبیب و هم با شدت عمل از هرگونه آزادی‌خواهی پشتون‌ها و بلوچ‌ها و نضج گرفتن آن جلوگیری نماید. پس از سقوط رژیم ایوب‌خان، حزب نشنال عوامی (سوسیالیست طرفدار مسکو، به رهبری خان‌عبدالولی‌خان فرزند خان‌عبدالغفارخان) موفق شد در انتخابات عمومی ۱۹۷۰ که تا حدودی به‌طور آزاد انجام شد، اکثریت را در دو استان سرحدات شمال غربی و بلوچستان به دست آورد. این پیروزی که پیامد آن واگذاری حکومت‌های استانی این دو استان به رهبران این حزب بود، درگیری‌های جدیدی برای زمامداران پاکستان به وجود آورد؛ زیرا سران عشایر بلوچ عضو حزب مزبور که در حکومت استانی شرکت داشتند (غوث‌بخش بیزنجو،<sup>۱</sup> عطاءالله منگل، خیربخش مری، گلخان نصیر وعده دیگر که همگی تمایلاتی نسبت به شوروی دارند) سعی کردند ضمن پاکسازی ادارات دولتی بلوچستان از وجود افراد غیربلوچ، عشایر وابسته به خود را مسلح نموده و پایه‌های تجزیه بلوچستان را از پیکر پاکستان بگذارند. کشف چند صندوق اسلحه از سفارت عراق در اسلام‌آباد و آگاه شدن دولت به اینکه تعدادی از

---

۱. بیزنجو هم می‌نویسند. (ویراستار)

## ۱۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

این سلاح‌ها بین بلوچ‌ها توزیع گردید باعث شد که ذوالفقار علی بوتو، نخست‌وزیر قبلی پاکستان، کابینه استانی را منحل و استاندار را از کار برکنار نماید که این امر خود سرآغاز اختلاف دولت مرکزی با سران عشایر افراطی بلوچ و یک جنگ چریکی در منطقه گردید.

به دنبال این تحول، طرفداران سران بلوچ ضمن موضع گرفتن در کوه‌ها تاکنون توانسته‌اند خسارات زیادی به دولت وارد نموده و به واحدهای نظامی ضربه‌هایی بزنند و عده‌ای از آنها را نابود نمایند.

ژنرال ضیاءالحق پس از کودتا علیه حکومت بوتو در سال ۱۳۵۶ امیدوار بود با آزاد کردن سران افراطی عشایر بلوچ از زندان و اعطای آزادی‌ها و امتیازاتی به آنها، به عملیات چریکی بلوچ‌ها پایان داده و آرامش را به این استان بازگرداند، ولی به علت اختلاف نظر دولت و رهبران بلوچ در زمینه‌های مختلف از جمله نحوه و عنوان کمک به افراد عشایر شورشی، تحویل سلاح و اداره بلوچستان این تلاش‌ها به نتیجه نرسید. به‌علاوه اجازه ورود به آن عده از افراد شورشی بلوچ که به خارج متواری شده بودند، باعث شد تعداد زیادی سلاح نیز به داخل بلوچستان وارد و بین بلوچ‌ها توزیع گردد.

**۳- فعالیت بلوچ‌ها در خارج از منطقه:** همزمان با این فعالیت‌ها عده‌ای از بلوچ‌های ایران و پاکستان که به خارج از کشور متواری شده بودند، فعالیت‌هایی را آغاز کردند. این افراد که به وسیله جمعه‌خان بلوچ لاشاری، تبعه پاکستان رهبری می‌شدند، جبهه‌ای به نام «جبهه آزادی‌بخش بلوچستان» تأسیس کردند. ابتدا مرکز فعالیت خود را در سوریه قرار دادند و سعی کردند از اختلافات ایران و اعراب و همچنین اختلاف هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر و سایر مسائل استفاده نموده و کمک این کشورها را در جهت فعالیت‌های خود جلب نمایند.

پس از تیره شدن روابط ایران و عراق بر سر شط‌العرب، جمعه‌خان دفتر خود را از سوریه به بغداد منتقل نمود و از کمک‌های مادی و آموزشی این کشور برای تربیت حدود دویست نفر چریک بلوچ‌های ایران و پاکستان که برای پیدا کردن کار به شیخ‌نشین‌ها رفته بودند، استفاده نمود و آنها را در پادگان‌های عراق زیر نظر افسران عراقی آموزش چریکی داد و با طرز کار سلاح‌های سبک ساخت شوروی آشنا ساخت



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۲۹

و عده‌ای از این چریک‌ها را با سلاح‌های ساخت شوروی از جمله کلاشینکف به داخل ایران و پاکستان برای خرابکاری اعزام داشت. عده‌ای از بلوچ‌های دوره‌دیده ایرانی پس از ورود به ایران، یا توسط مقامات انتظامی دستگیر و یا با اقداماتی که به‌عمل آمد خود و سلاح‌های خویش را تسلیم نمودند و از امکاناتی که دولت برای کسب معاش برای آنها فراهم کرده بود استفاده نمودند. آن عده که به داخل پاکستان وارد شدند، در ارتفاعات زامران بلوچستان (نزدیک مرز ایران) به آموزش چریکی عده‌ای از افراد عشایر شورشی پرداختند. پس از کشف سلاح از سفارت عراق در اسلام‌آباد، بین مقامات بغداد و جمعه‌خان بلوچ اختلافاتی به وجود آمد که منجر به بازداشت وی و تعیین موسی‌خان مبارکی (برادرزاده عیسی‌خان مبارکی، یکی از سران عشایر بلوچ ایران) به‌عنوان رهبر جبهه آزادی‌بخش بلوچستان گردید. حل اختلافات ایران و عراق بر سر شط‌العرب و بازگرداندن دو تن از همکاران نزدیک و فعال جمعه‌خان یعنی عبدی‌خان سردارزایی و عبدالصمد امیری به ایران - این اقدام وسیله سازمان<sup>۱</sup> انجام گرفته است - فعالیت‌های تبلیغاتی بلوچ‌ها که از طریق رادیو بغداد و نشر ماهنامه‌هایی در داخل عراق و لندن در زمینه بلوچستان کبیر صورت می‌گرفت، تا حد زیادی کاهش یافت. به دنبال این تحولات، موسی‌خان مبارکی سعی کرد نظر دولت لیبی و یا جمهوری دموکراتیک خلق یمن را برای انتقال دفتر جبهه به آن کشورها و توسعه فعالیت‌های خود در زمینه آموزش چریکی به بلوچ‌ها جلب نماید که به علت دوستی پاکستان با لیبی و همکاری‌های اقتصادی و نظامی بین دو کشور، چنین امکاناتی به آنها داده نشد.

**۴- نقش کشورهای خارجی در مسئله بلوچ:** ابرقدرت‌ها و کشورهای منطقه، هر یک با توجه به منافع خود به مسئله بلوچستان توجه و هر یک سعی کرده است به نحوی در این مسئله دخالت نماید:

**الف- نقش افغانستان:** خارج شدن انگلستان از شبه قاره هند و تشکیل کشور پاکستان [در سال] ۱۹۴۷ سرآغاز بروز اختلاف بین افغانستان و این کشور نوخاسته شد. افغان‌ها

۱. سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک).

## ۱۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

که رؤیای دسترسی به دریای آزاد و خارج شدن از تنگنای فعلی را در سر دارند، سعی کردند از ضعف پاکستان استفاده نمایند؛ لذا تسلط قبلی حکمرانان خود را بر پشتونستان و تحمیلی بودن قرارداد مربوط به خط مرزی دیورانده عنوان نموده و خواستار واگذاری این منطقه به افغانستان گردیدند. قرارداد نظامی دو جانبه آمریکا و پاکستان - منعقد در سال ۱۹۵۲ - و همچنین خودداری واشنگتن از اعطای هر گونه کمک نظامی به افغانستان در اثر پافشاری اسلام‌آباد، موجب گردید که افغان‌ها برای تأمین نیازمندی‌های نظامی خود به شوروی نزدیک شوند و با توسعه روابط کابل و مسکو و حمایت کرملین از نظرات افغانستان، ادعای ارضی کابل در مورد پشتونستان همزمان با آغاز صدارت محمد داودخان [در سال] ۱۹۵۴ شدت و دامنه بیشتری یافت و حتی منجر به درگیری‌هایی بین واحدهای نظامی دو کشور گردید که مهم‌ترین آن در سال ۱۹۶۱ صورت گرفت که باعث قطع مناسبات سیاسی و اقتصادی آنها گردید.

برکناری محمد داودخان از مقام نخست‌وزیری در سال ۱۹۶۱ و آگاهی مقامات افغانی از اینکه چنین ادعایی تحقق نخواهد یافت و حتی تعقیب این سیاست با توجه به نیت استقلال‌طلبانه پشتون‌ها و بلوچ‌ها می‌تواند تمامیت ارضی افغانستان را نیز به مخاطره اندازد، موجب گردید که مقامات کابل درخواست خود [را] تعدیل نموده و خواستار اعطای اجازه به آنها برای انجام یک همه‌پرسی به منظور تعیین سرنوشت خود گردند.

با تلاش‌هایی که در اواخر رژیم شاهی در افغانستان و همچنین زمان ریاست جمهوری محمدداود (رئیس جمهوری پیشین و صدر اعظم اسبق) از جانب مقامات پاکستان به عمل آمد، امکان حل اختلافات دو کشور تا حد زیادی افزایش یافته بود، ولی پس از روی کار آمدن رژیم چپ‌گرای نورمحمد تره‌کی که دنباله‌روی سیاست شوروی در منطقه می‌باشد، این مسئله تا حد زیادی شدت سابق خود را بازیافته است.

ب- نقش شوروی: مقامات شوروی با توجه به استراتژی کلی خود در منطقه در زمینه:

۱- دسترسی به آب‌های گرم اقیانوس هند از کوتاه‌ترین راه خشکی؛

۲- تهدید منافع غرب و کشورهای متمایل به بلوک غرب در این اقیانوس و همچنین

خلیج فارس؛

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۳۱

- ۳- دسترسی به کشورهای عربی خاورمیانه و همچنین کشورهای قاره سیاه؛
- ۴- کمک به ناوگان جنگی خود در اقیانوس هند؛
- ۵- امکان کمک سریع متحدین و طرفداران خود در جنوب آسیا و خاور دور و همچنین کشورهای قاره سیاه؛
- ۶- رقابت با نفوذ آمریکا در پاکستان؛
- ۷- مقابله با نفوذ جمهوری خلق چین در پاکستان که برای آن کشور به‌عنوان یک پایگاه نفوذی در خاورمیانه و آفریقا درآمده است؛
- ۸- دور نگاه داشتن پاکستان از جرگه کشورهای طرفدار غرب و حتی جمهوری خلق چین.

همواره مسئله پشتونستان و بلوچستان را برای روی کار آوردن یک منطقه طرفدار خود مطمح نظر قرار داده است. این امر باعث گردیده تا مسکو از موضع همجواری افغانستان با پاکستان استفاده نموده و به خواسته آن کشور در مورد پشتونستان و بلوچستان دامن بزند. حمایت صریح مقامات کرملین از ادعای افغانستان نسبت به پشتونستان، هنگام مذاکره با مقامات کابل [و] اعطای سلاح‌های سبک [به] بلوچ‌ها و آموزش چریکی بلوچ‌های متواری به افغانستان، می‌تواند بیانگر نقش فعال شوروی در ایجاد ناامنی و آشوب در منطقه باشد. حضور فعال مستشاران ذوب‌آهن شوروی در پاکستان که مشغول ساختن یک کارخانه ذوب‌آهن در کراچی هستند، به آنها امکانات بیشتری داده است تا دست به فعالیت‌های تبلیغاتی شدیدی زده و ضمن تماس با رهبران افراطی بلوچ متمایل به مسکو، از قبیل خیربخش مری، عطاءالله منگل و غوث‌بخش بیزنجو و همچنین رهبران چپ‌گرای «سازمان دانشجویان بلوچ» آنها را در جهت تجزیه پاکستان و تشکیل یک کشور مستقل بلوچ - شامل بلوچستان ایران و پاکستان و احتمالاً مناطق بلوچ‌نشین افغانستان - ترغیب و از آنها حمایت نمایند. امیدواری این افراد به حمایت کرملین باعث شده است تا آنها از هر گونه همکاری با دولت مرکزی در زمینه اعاده آرامش به بلوچستان و بازگرداندن افراد شورشی به زندگی عادی خودداری نموده و حتی آنها را تشویق نمایند تا به فعالیت‌های چریکی و خرابکاری علیه دولت مرکزی ادامه دهند.

## ۱۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

**پ- نقش هند:** دولت هند از بدو انتزاع پاکستان خواستار تجزیه این کشور و تضعیف در منطقه بوده تا بتواند به تحریکات این کشور و همچنین ادعای آن در مورد کشمیر پایان بخشد. کمک به تجزیه‌طلبان بنگلادش و وعده کمک به نهضت آزادی‌خواهی سندوش و پشتونستان و بلوچستان، واگذاری مقداری از سلاح‌هایی که از اسرای جنگی پاکستان پس از تسلیم آنها در بنگلادش به دست آورد به بلوچ‌ها و کمک مادی و آموزش چریکی به عشایر شورشی بلوچ در افغانستان، نمونه بارزی از فعالیت‌های دهلی نو در جهت تجزیه این کشور می‌باشد. ضمناً دوستی بیش از حد پاکستان و جمهوری خلق چین باعث شد تا هند برای قطع این دوستی و همچنین راه ارتباطی این دو کشور که از طریق کشمیر تحت تصرف پاکستان صورت می‌گیرد، از سران عشایر پشتون و بلوچ در جهت آزادی‌خواهی آنها حمایت نماید و این سیاست هنوز هم ادامه دارد.

**ت- نقش سایر کشورها:** وجود یک پاکستان مستقل و نیرومند با محدوده جغرافیایی فعلی که تا حدودی مانع حضور مؤثر شوروی در اقیانوس هند و خلیج فارس خواهد شد، مورد علاقه آمریکا، چین و کشورهای اروپای غربی است، لکن ترس از حضور نظامی شوروی و رویارویی با این کشورها، مقامات آمریکا و چین را بر آن داشت تا ضمن حمایت از استقلال و تمامیت ارضی پاکستان، از مقامات این کشور بخواهند تا اختلافات خود را با افغانستان و هند از طرق مسالمت‌آمیز حل و فصل نموده و به هیچ کشوری اجازه ندهد در مسائل مورد اختلاف مداخله نماید.

**ث- نقش ایران:** هدف غایی بلوچ‌های پاکستان در زمینه استقلال بلوچستان [که] در برد نهایی، منطقه بلوچستان ایران را در بر خواهد گرفت، رژیم سابق ایران را بر آن داشت از موضع پاکستان در برابر این نهضت حمایت نموده و از توسعه آن به داخل بلوچستان ایران جلوگیری نماید.

همکاری نظامی و امنیتی با پاکستان در زمینه سرکوبی بلوچ‌های شورشی از طریق ارسال چند فروند هلیکوپتر با خدمه لازم و حمایت از موضع پاکستان در برابر افغانستان و همچنین پشتیبانی از این کشور در مجامع بین‌المللی و میانجی‌گری بین این دو کشور در سال ۱۳۴۱ برای برقراری مجدد مناسبات سیاسی و اقتصادی و

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۳۳

اعطای کمک اقتصادی و تسهیلات ترانزیتی به افغانستان به‌منظور بازداشتن این کشور از اتکای هرچه بیشتر شوروی و جلوگیری از توسعه نفوذ شوروی و تحریکات کابل علیه پاکستان و کاهش فعالیت‌های استقلال‌طلبانه بلوچ‌ها در منطقه صورت گرفته است.

**۵ - نتیجه:** با توجه به سابقه فعالیت‌های بلوچ‌ها به‌ویژه در پاکستان و وجود فکر استقلال‌طلبی برای این منطقه برای رهبران بلوچ امری کاملاً مشهود است و این فکر از طرف کشورهای مختلف به‌ویژه شوروی با توجه به حساسیت منطقه تقویت می‌گردد. روی کار آمدن یک رژیم جمهوری مستقل اسلامی ایران که نه با مرام کمونیستی قرابتی دارد و نه می‌تواند به کشورهای غارتگر اجازه دهد تا ثروت‌های این مملکت را به یغما ببرند و تأثیری که احتمالاً این انقلاب پیروز ایران روی کشورهای مسلمان منطقه خواهد داشت، کشورهای استثمارگر را بر آن خواهد داشت تا از قشرهای آسیب‌پذیر و ناراضی اجتماع به‌منظور تضعیف دولت ملی ایران استفاده نمایند تا مانع بارور شدن ثمرات انقلاب ایران و به خطر افتادن منافع آنها و یا بقای دوستان آنها در منطقه گردد.

**۶ - توصیه:** هماهنگی کامل امنیتی و نظامی با دولت جمهوری اسلامی پاکستان برای تأمین امنیت کامل مرزهای ایران و پاکستان در منطقه برای بلوچستان کاملاً ضروری به‌نظر می‌رسد و هرگونه اقدامی در این زمینه بشود از آسیب‌پذیری‌های احتمالی آتی برای هر دو کشور خواهد کاست [پیوست ۹].

## گزارش دوم: گزارش ستاد کل ارتش از وضعیت استان سیستان و بلوچستان به

### نخست‌وزیری

اداره دوم ستاد کل ارتش ملی اسلامی ایران  
در باره: مسئله بلوچستان

### ۱- اوضاع جغرافی - سیاسی منطقه

الف- بلوچستان پاکستان: بلوچستان پاکستان با ۴۰٪ خاک پاکستان حدود چهار میلیون نفر جمعیت دارد که فقط ۱۰٪ آن با سوادند. عشایر مهم منطقه عبارتند از منگل، بیزنجو و مری که اکثراً مسلحند و از سال ۱۹۷۱ با دولت مرکزی درگیر زد و خورد

## ۱۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌باشند. تاکنون ۵۳۰۰ نفر تلفات داده و در مقابل ۳۵۰۰ نفر سرباز دولتی را کشته‌اند. طبقه باسواد بلوچ اکثراً کمونیست بوده و طرفدار شوروی می‌باشند.

ب- بلوچستان ایران: بلوچستان با ۱۰٪ خاک ایران حدود هفتصد هزار نفر جمعیت دارد و ۸۰٪ مردم بی‌سوادند. مذهب رسمی آنها تسنن بوده و نسبت به شیعه‌ها میانه خوبی ندارند. مردم اکثراً از طریق قاچاق امرار معاش می‌نمایند.

پ - بلوچستان ادعایی: جبهه آزادی‌بخش بلوچستان مثلی است که قاعده آن از بندرعباس شروع و به بندر کراچی ختم شده و رأس آن در سرخس (شمال ایران) بوده که بخش‌هایی از خاک پاکستان و افغانستان را در بر می‌گیرد.

### ۲- رقابت ابرقدرت‌ها در منطقه

الف- دولت شوروی از سال ۱۹۷۰ با خریداری سران بلوچ در بلوچستان پاکستان، طی قراردادی بین رهبران بلوچ و سفیر وقت شوروی که در کابل به امضا رسیده، متعهد شده است همه‌گونه اسلحه و مهمات را در اختیار افراد بلوچ منطقه قرار داده و به‌منظور تجزیه بلوچستان پاکستان از حکومت مرکزی پاکستان از هیچ کوششی فروگذار ننماید. پس از پیشروی بلوچ‌ها در پاکستان با ایجاد جنگ مذهبی، بلوچ‌های ایران را به پاکستان جذب و زمینه تجزیه بلوچستان ایران را فراهم نمایند.

ب- چریک‌های بلوچ با ایجاد سازمانی به نام (BPLF) در کوئته، عملیات چریکی را در منطقه آغاز و گهگاه با اعزام افراد کمونیست به بلوچستان ایران، فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند. این فعالیت‌ها پس از پیروزی انقلاب در ایران شدت گرفته و حتی در سطح تظاهرات خیابانی انجام می‌گیرد.

پ- دولت شوروی در نظر دارد با ایجاد بلوچستان آزاد که کاملاً مستعمره کشور شوروی خواهد بود، از بندرگاه گوادر در ساحل اقیانوس هند استفاده نماید و راه وصول خویش به دریای آزاد را هموار نماید.

ت- منابع طبیعی فراوانی از قبیل نفت، گاز، مس و زغال‌سنگ در منطقه وجود دارد که نظر کارشناسان شوروی و آمریکا را جلب نموده است.

ث- دولت شوروی به کمک افغانستان، یک پایگاه عظیم تربیت چریک در مرز مشترک به وجود آورده و تاکنون کمک‌های فراوانی به چریک‌های بلوچ نموده است.

### گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۳۵

ج- مستشاران شوروی در منطقه، وقوع کودتای آوریل ۱۹۷۸ افغانستان را یک هفته قبل به رهبران بلوچ خبر داده و تأکید کرده بودند پس از پیروزی انقلاب در ایران با طرح شیعه و سنی به اختلاف موجود در بلوچستان دامن خواهند زد.

#### ۳- رویدادهای اخیر بلوچستان ایران

به دنبال پیروزی انقلاب در ایران، فعالیت شوروی در منطقه به حد بی‌سابقه‌ای افزایش یافته که اهم فعالیت‌های ضد انقلابی به شرح زیر است:

الف- در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ تعداد پانزده نفر از افراد کُرد کمونیست در پوشش همبستگی با افراد بلوچ، وارد زاهدان شدند و با کمک کمونیست‌های منطقه، یک راهپیمایی در زاهدان و سایر شهرهای بلوچستان ترتیب دادند.

ب- تظاهرکنندگان که حدود هفتصد الی هشتصد نفر بودند، علیه دولت موقت و ریاست ستاد ارتش شعار داده و به اصطلاح بمباران سنندج را محکوم نمودند. تظاهرکنندگان علیه یک نفر روحانی میانه‌رو سنی منطقه نیز شعار داده و او را تهدید به قتل نمودند.

پ- تظاهرکنندگان روی دیوارها خودمختاری خلق کُرد، بلوچ و ترکمن را نوشته و مردم را تحریک نمودند.

ت- در تمام شهرهای منطقه، اوراق کمونیستی منتشر نمودند.

ث- در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۴ به هنگام برگزاری اجتماع مردم بلوچ در یکی از مدارس دینی در زاهدان، کمونیست‌ها با شلیک تیر هوایی جلسه را بهم زده و مانع برگزاری جلسه شدند.

ج- شخصی به نام مولوی شاه‌وزایی که از افراد ضد انقلابی منطقه است، با طرح مسائل مذهبی و بیان این موضوع که مبلغین شیعه تلویحاً به خلفا توهین می‌نمایند و در روزنامه‌ها به معاویه علناً ناسزا می‌نویسند و دولت هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد و این خود دلیل حمایت دولت و امام از مبلغین شیعه می‌باشد، مردم را علیه دولت موقت تحریک می‌نماید.

چ- غارت منازل و ناامنی جاده‌ها ادامه دارد و تمام مردم بلوچ مسلحند.

ح- توسط دو نفر از عمال رژیم سابق، اخیراً مقادیری اسلحه به منطقه وارد شده است.

## ۱۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

خ- در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۴ کمونیست‌ها یک سرباز ژاندارم را در انتظار مردم کتک زده و موجودی جیب نام‌برده را به غارت بردند.

د- مولوی عبدالعزیز، رهبر میانه‌رو اهل تسنن به نشانه همبستگی با امام، نطقی ایراد نموده که قرار است در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۶ از رادیو زاهدان پخش گردد و این مسئله باعث نارضایتی ضد انقلابیون شده است.

ذ- در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۶ تعدادی مرد مسلح از افغانستان و بلوچستان پاکستان به منظور کمک به کمونیست‌های بلوچ وارد زاهدان شده و همچنین تعدادی از افراد کمونیست از اقصی نقاط ایران به نام‌برندگان ملحق شده و قرار است روز جمعه به هنگام اجرای فراندوم، منطقه را به آشوب بکشانند و وقایعی احتمالاً شبیه به آنچه در کردستان گذشت در منطقه ایجاد کنند.

ر- تظاهرکنندگان در تاریخ ۱/۳ و ۱۳۵۸/۱/۴ شعارهایی به طرفداری از عزالدین حسینی، امام جمعه مهاباد داده و بمباران سنندج را محکوم و علیه امام و ریاست ستاد ارتش ملی سخنانی ایراد نمودند.

ز- روی دیوارهای شهر زاهدان، جملاتی علیه رئیس ارتش ملی اسلامی نوشتند.

### ۴- اوضاع فعلی بلوچستان

الف- در شهرها پلیس عملاً فاقد قوه اجرایی بوده و در خیابان حضور ندارد.

ب- کلیه پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری خصوصاً در نوار مرزی، کنترلی روی افراد نداشته و افراد را بازرسی نمی‌نمایند. تردد در دو سوی مرزها به راحتی صورت می‌گیرد.

پ- کمیته‌های امام عملاً منحل و فاقد قوه اجرایی می‌باشند.

ت- مردم به دلیل ناامنی در وحشت به سر برده و تأمین ندارند.

ث- تعداد کمونیست‌های بومی منطقه حدود چهارصد نفر است.

### ۵- استراتژی فعلی شوروی در بلوچستان

رویدادهای اخیر در بلوچستان و به‌ویژه در زاهدان اعم از تحریک‌ها، شعارها، تهدیدهای مسلحانه، گردآوری و گردهمایی جوانان بی‌کار جهت تظاهرات، پخش اعلامیه‌های کمونیستی و تاکتیک ایجاد آشوب و گریز، گویای این واقعیت است که



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۳۷

دولت شوروی می‌خواهد عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد را با استفاده از تاکتیک امام در گردآوری گروه‌های مردم تحت وحدت کلمه در مقابل امام قرار داده و با ایجاد طرح شیعه و سنی، موقعیت رهبری امام را تضعیف و با استفاده از جنگ مذهب علیه مذهب در صفوف انقلابیون شکاف ایجاد نماید. جمع‌آوری آن قسمت از سخنان امام و آیات عظام که تلویحاً نسبت به خلفای راشدین سوءتفاهماتی به وجود آورده، و یادداشت‌برداری آن دسته از جملات روزنامه‌ها که علیه معاویه درج شده، با ذکر تاریخ و ارتباط این مباحث با زیربنای فکری مکتب شیعه، یعنی «عدل» و «امامت»، کار افراد عادی و حتی دانشگاهی نبوده، بلکه توسط طراحان کمونیست شوروی به‌منظور ایجاد تفرقه بین مردم به سود جبهه عزالدین حسینی می‌باشد.

دولت شوروی در نظر دارد با ایجاد شکاف بین سنی و شیعه، زمینه جذب افراد بلوچ را به مردم بلوچستان پاکستان فراهم نموده تا به مسئله تجزیه بلوچستان جامعه عمل بپوشاند.

### پیشنهادها

با نگرش به مفاد مندرجات فوق به‌منظور جلوگیری از انفجار دومی که قرار است در روز جمعه، شبیه وقایع سنندج در زاهدان انجام پذیرد، راه‌حل‌های زیرین پیشنهاد می‌گردد:

الف- از قول امام در رادیو - تلویزیون و صفحه اول روزنامه‌های فردا این جمله اعلام گردد: «هیچ‌کس حق اهانت نسبت به خلفای راشدین را نداشته و مرتکبین شدیداً مجازات خواهند شد».

ب- به روزنامه‌ها و سخنرانان در رادیو - تلویزیون تأکید گردد که از ذکر نام معاویه تحت شرایط فعلی خودداری نمایند.

پ- رهبر دینی اهل تسنن (مولوی عبدالعزیز) در زاهدان از طریق پیام امام کاملاً تقویت گردد.

ت- در اولین فرصت، شهربانی و ژاندارمری استان تقویت و به قوه اجرایی آنها افزوده شود و مرزها شدیداً کنترل شود.

ث- هیئتی - در سطح هیئتی نظیر آنچه به کردستان اعزام شد - با شرکت نماینده امام، نماینده دولت، نماینده ارتش و دو نفر از متخصصین مسئله بلوچستان به منطقه اعزام و

## ۱۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

در جلسه‌ای که با حضور نمایندگان مردم و روحانیون تشکیل می‌شود، مسائل استان را بررسی و اقداماتی در زمینه تحبیب مردم و امنیت شهر زاهدان و استان سیستان و بلوچستان انجام دهند.

ج- مرزهای آزاد و وجود عشایر بلوچ با گرایش‌های مختلف، ایجاب می‌نماید که در اسرع وقت، مردم بلوچ خلع سلاح شده و این عمل هرچه زودتر توسط ارتش و ژاندارمری عملی گردد.

چ- آن دسته از افراد سرشناس بومی ماجراجو و ضد مردمی که همیشه قبل از انقلاب شهرهای استان را به آتش کشیدند و چماق‌به‌دست [ان را] به جان مردم انداختند و همه این افراد کاملاً شناخته شده می‌باشند، پس از استقرار آرامش در منطقه دستگیر و مجازات شوند. توضیح: این گزارش در ۱۳۵۸/۲/۱۱ مطالعه شده و دستور بایگانی آن صادر شده است [پیوست ۱۰].

### گزارش سوم: گزارش وزارت دفاع ملی از منطقه سیستان و بلوچستان به نخست‌وزیری

از وزارت دفاع ملی (دایرة اداری) به نخست‌وزیری شماره: ۵۰۱/۰۳/۶ الف موضوع: بررسی منطقه سیستان و بلوچستان تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۹ فتوکی نامۀ شماره ۰۲-۶۵۱-۰۲۹-۱۷۰۱-۱۷۰۱-۲۷-۲۳۵۸/۱/۲۷ ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران و سه برگ گزارش نیروی زمینی ملی ایران در بارۀ اوضاع منطقه سیستان و بلوچستان جهت آگاهی و اقدام لازم به پیوست فرستاده می‌شود.

از طرف وزیر دفاع ملی - سرتیپ ریاحی

امضا: سرهنگ ستاد، ایران‌نژاد

ثبت شده در دفتر نخست‌وزیری به شماره ۶۴۷، به تاریخ ۱۳۵۸/۲/۰

در بالای نامه، هنگام ارجاع نوشته شده است:

جناب آقای دکتر چمران، ملاحظه بفرمایید. بد نیست با آقای آقاسید علی خامنه‌ای

نیز در میان بگذارید. در کمیسیون امنیتی وزیران نیز مطرح شود. ۱۳۵۸/۲/۱۲

از: ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران (اداره سوم - مرکز فرماندهی)

شماره: ۱۷۰۱/۲۹/۰۲/۶۵۱

تاریخ: ۱۳۵۸/۱/۲۷

به مقام وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۳۹

بدین‌وسیله یک برگ فتوکپی نامه شماره ۲ سیار ۱۳۵۸/۱/۲۲/۵۰۱/۰۲ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به انضمام دو برگ فتوکپی بررسی منطقه سیستان و بلوچستان جهت هرگونه اقدام به پیوست تقدیم می‌گردد.

رئیس اداره سوم ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران،  
سرهنگ ستاد، اسکندری نژاد

گیرنده: اداره دوم ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران.

پیوست فتوکپی نامه نیروی زمینی با ضمایم مربوطه، جهت آگاهی و اقدام لازم.

زیر نامه نوشته شده است:

استحضاراً به عرض می‌رسد. امضا: ایران نژاد - ۲/۳

به نخست‌وزیری منعکس گردد. ۲/۴

### بررسی وقایع اخیر منطقه سیستان و بلوچستان

۱- رهبران سیاسی بلوچ اخیراً جلسه‌ای در کوئته به‌منظور از سر گرفتن جنبش آزادی‌بخش به اصطلاح بلوچستان مستقل تشکیل داده‌اند.

۲- اخیراً رهبران سیاسی عشایر بلوچ و تعدادی از اعضای مؤثر «سازمان دانشجویان بلوچ» طی یک گردهمایی در کوئته تصمیم گرفتند که با بهره‌برداری از اوضاع داخلی پاکستان و افغانستان و تحولات موجود در کشور و ارتش ملی ایران، جنبش استقلال‌طلبانه خود (تشکیل بلوچستان به اصطلاح آزاد) را با قاطعیت تمام آغاز و تا پیروزی نهایی دنبال نمایند. ضمناً عطاءالله مینگل، شیرمحمد مری، رزاق بلوچ خیربخش مری و غوث‌بخش بیزنجو که تمایلات کمونیستی داشته و با عوامل شوروی در تماس هستند، در جلسه مذکور حضور داشتند.

۳- گروه‌بان یکم کریم‌بخش برهانی و برادرش که برای دستگیری اسپهرام و سرهنگ رضوانی در منطقه بلوچستان جستجو می‌نمود، گزارش نموده است که تلاش غیرعادی در منطقه به چشم می‌خورد و شایع است اهالی با کشور افغانستان برای تجزیه‌طلبی پیمان بسته‌اند و مدت بیست روز است عشایر منطقه، آموزش چریکی می‌بینند و اسلحه از نوع کلاشینکف به منطقه از طریق دریا وارد و در آبادی‌های

## ۱۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

اطراف مسکوتان که ما به چشم دیدیم سازمان داده می‌شود. خوانین آن نواحی به سرپرستی لاشاری می‌باشد. همچنین از راه کنارک به سرباز و آبادی‌های اطراف سلاح وارد می‌شود که به سرپرستی خوانین بارک‌زهی انجام می‌گردد. از طریق مرز میرجاوه نیز سلاح حمل می‌گردد که به خاش و حومه پخش می‌شود.  
سابقه

۱- عطاءالله مینگل، خیربخش مری، شیرمحمد مری، رزاق بلوچ و غوث‌بخش بیزنجو از رهبران بانفوذ حزب عوامی ملی پاکستان (طرفدار مسکو) و اعضای اصلی سازمان دانشجویان بلوچ (B.S.O) می‌باشند. حزب عوامی ملی در سال ۱۹۷۴ در زمان نخست‌وزیری ذوالفقار علی بوتو به علت فعالیت‌های کمونیستی و تجزیه‌طلبی، منحل و اعضای آن زندانی شدند که پس از روی کار آمدن رژیم نظامی (۱۳۵۶/۴/۱۴) نام‌برندگان از زندان آزاد گردیدند [پیوست ۱۱].

### گزارش چهارم: ناامنی‌ها در کنارک و چابهار

از کنارک چابهار

تعداد بیست نفر اشرار منطقه کنارک به سردستگی دو نفر از اشرار حکومت قبلی مردم را می‌کشند و زن و بچه آنها را می‌برند و گوش‌های مردم را می‌برند. به فرمانده ژاندارمری و به استانداری گفته‌ایم، ولی نتیجه‌ای نداشته است. امان و علم‌خان مبارکی رئیس این گروه هستند. معاون استاندار، ابراهیم مبارکی است. معاون استاندار می‌خواسته است شخصی را با ۳۰۰ یا ۴۰۰ نفر تفنگدار از بام به پایین بیندازند. ابراهیم مبارکی داماد علم‌خان است.

توضیح: در بالای صفحه، نامه به شخصی به نام آقای یعقوب نیک‌بین، به آدرس دفتر پاسداران انقلاب ارجاع شده است.

### نامه‌ای از نخست‌وزیری به دکتر یزدی در باره ناامنی در کنارک

۱۳۵۷/۱۲/۲۱

از کنارک: (اطراف چابهار)

عده‌ای افراد شرور مسلح و زندانیان آزادشده، با همکاری خان‌های محلی مسلح شده‌اند و در آن منطقه دست به شرارت زده‌اند و از مردم باج‌های کلان می‌گیرند؛ مثلاً

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۴۱

از دهی دیروز صد هزار تومان باج گرفته‌اند و به مردم و زنها تعدی و تجاوز می‌کنند. ژاندارمری شاهد اعمال آنهاست و اقدامی نمی‌کند؛ استانداری هم امروز و فردا می‌کند. حدود ۳۰۰ نفر از مردم کنارک از صبح، دور تلفن‌خانه جمع شدند و تا ظهر توانسته‌اند با اینجا تماس بگیرند. گفته‌اند که اگر تا بعد از ظهر، دولت برای ما نیروی مسلح کمکی نفرستد، به ژاندارمری حمله می‌کنیم و آنجا را خلع سلاح می‌کنیم تا بتوانیم از خود دفاع کنیم (در این مورد با آقای احمد احمدی هم صحبت کرده‌اند) ضمناً همین افراد مسلح، راه‌های ورودی به کنارک را بسته‌اند. برای تماس تلفنی با شماره‌های ۵۴۲۱-۵۰۱۷-۷۰۷۶ که شماره‌های تلفن‌خانه است، از طریق زاهدان باید تماس گرفت. شماره سرهنگ ممتاز ۶۶۰۰۱۷ [است]. به دکتر شامبیاتی، مسئول در ژاندارمری در ساعت ۱۳/۵ اعلام شد؛ گفتند اقدام خواهند کرد.

امضا: اردشیر دیلمی

### نامه وزارت کشور به فرمانده ژاندارمری کشور در باره ناامنی‌های چابهار و کنارک

تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱ - شماره ۹۲۷/۴/۴۴

سرکار سرهنگ عزت‌الله ممتاز، فرمانده ژاندارمری کل کشور بازگشت به نامه شماره ۱۱/۴۰۱/۶۸/۵۴ مورخ ۵۸/۱/۲۰ خواهشمند است دستور فرمایند از نتیجه، وزارت کشور را آگاه فرمایند. گیرنده رونوشت:

نخست‌وزیری همراه فتوکپی نامه شماره ۱۱/۴۰۱/۶۸/۵۴ مورخ ۱۳۵۸/۱/۲۰ ژاندارمری کل کشور برای آگاهی.

### نامه فرمانده ژاندارمری کشور به وزارت کشور در باره پیگیری یک قتل مسلحانه در کنارک

به استحضار مبارک محترم امور سیاسی و اجتماعی برسد.

از: ژاندارمری کل کشور، رکن سوم دایره امنیت شماره: ۵۴-۶۸-۱-۴۰۱-۱۱

## ۱۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

به: معاونت امور سیاسی و اجتماعی وزارت کشور تاریخ: ۱۳۵۸/۱/۲۰

۱- ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان اعلام نموده روز ۵۸/۱/۱۸ هشت نفر مسلح به آبادی کنارک حمله و یک نفر به نام دادمحمد، شهرت مبارکی، فرزند فیروز را به قتل می‌رسانند و متواری می‌شوند.

۲- به فرمانده هنگ ایرانشهر مأموریت داده شده شخصاً به محل عزیمت، ضمن تعقیب و دستگیری متهمین نتیجه را گزارش نمایند. س

فرمانده ژاندارمری کل کشور - سرهنگ ستاد، ممتاز [پیوست ۱۲]

### گزارش پنجم: پیش‌نویس نامه دفتر نخست‌وزیری به مهندس چمران در باره امنیت شهر چابهار

موضوع: امنیت چابهار

طبق اطلاع تلفنی، نیروهای انتظامی (ژاندارمری و شهربانی) هنوز در چابهار مستقر نشده و امنیت شهر در وضع بسیار بدی قرار دارد و سرقت و ناامنی زیادی در این شهر وجود دارد. اهالی چابهار از دولت انتظار دارند که نسبت به استقرار فوری نیروهای انتظامی، دستور فوری صادر نماید.

توضیح: در حاشیه سمت راست بالای صفحه آمده است: جناب آقای دکتر چمران، جهت اطلاع و صدور دستورات لازم.

امضاکننده ناخواناست، ولی تاریخ امضا، ۲/۱۴ است که گویا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ می‌باشد.

### گزارش ششم: ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان در باره فعالیت حزب تحریک استقلال پاکستان

خیلی محرمانه

خبر رسیده از ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان حاکی است:

تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۰ رهبر حزب تحریک استقلال پاکستان در کویته اظهار داشت: قریباً در بلوچستان ایران با همکاری بلوچ‌های چریک پاکستان، انقلاب خواهند نمود تا بلوچستان آزاد و مستقل گردد. نام‌برده اضافه نموده هزاران نفر چریک بلوچ و افغان در مرز بلوچستان ایران مستقر و آماده ورود به ایران می‌باشند.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۴۳

ارزیابی خبر: احتمالاً صحت دارد

اقدامات انجام شده: مراتب به مبادی ذی‌ربط اعلام شده است [پیوست ۱۳].

### گزارش هفتم: محرمانه ژاندارمری از فعالیت اعضای حزب نیشنال دموکرات پاکستان خیلی محرمانه

خبر رسیده از ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان گویا است:

تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۱ آقای شیرباز مری، رهبر حزب نیشنال دموکرات پاکستان در کراچی اظهار داشت: حضرت آیت‌الله العظمی خمینی باید خودمختاری بلوچ‌های ایران را تأمین نماید. در غیر این صورت، بلوچ‌های پاکستان برای همکاری با بلوچ‌های ایران و مبارزه با حکومت این کشور وارد بلوچستان شده و جنگ‌های چریکی را گسترش خواهند داد.

ارزیابی خبر: احتمالاً صحت دارد.

اقدامات انجام شده: مراتب به مبادی ذی‌ربط اعلام شده است [پیوست ۱۴].

### گزارش هشتم: گزارش ژاندارمری از اوضاع داخلی سیستان و بلوچستان

۱- حدود ۶۰ نفر از جوانان دانشجو و تحصیل‌کرده بلوچ به نام سرمچاران (فداییان) که چپ‌گرا بوده و افکار کمونیستی دارند، هم‌اکنون در سراسر بلوچستان دست به یک سلسله تبلیغات ضد انقلابی و ضد جمهوری اسلامی زده و از دولت موقت و روحانیون انتقاد می‌نمایند.

۲- کلیه راه‌های بلوچستان کاملاً ناامن بوده و جان و مال مسافری در معرض خطر حتمی قرار دارد و مأمورین انتظامی در مورد تعقیب سارقین و چپاولگران بیابانی هیچ‌گونه عکس‌العمل و اقدامی به‌عمل نمی‌آورند. عدم امنیت در منطقه باعث بدبینی توده مردم از دولت جمهوری اسلامی شده است.

۳- در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۵ سرگرد ریگی، نماینده سابق مردم بلوچستان در مجلس به وسیله عناصر انقلاب دستگیر گردیده است. ضمناً آیت‌الله خامنه‌ای با آقای نخست‌وزیر تماس گرفته و اظهار داشته چنانچه نام‌برده تا ۲۴ ساعت دیگر آزاد نشود، ایل ریگی تهدید نموده‌اند که منطقه را به آشوب خواهند کشید.

## ۱۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

ارزیابی خبر: بندهای ۱ و ۲ احتمالاً صحت دارد و بند ۳ صحیح است. سابقه: ایجاد اخلال قبل از فراندوم و بعد از آن از طریق عناصر ضد انقلابی به ویژه رؤسای ایلات و عشایر بلوچ در منطقه سابقه داشته است. نظریه: عناصر ضد ملی و ضد انقلاب اسلامی ایران که تقریباً در تمام مناطق مرزی در حال انجام تحریکات و شوراندن مردم علیه دولت مرکزی می‌باشند، در بلوچستان نیز به اقدامات مذبحانه خود ادامه داده و به نظر می‌رسد عناصر مذکور با جنبش سازمان به اصطلاح «آزادی بخش بلوچستان» که خود ناشی از تحریکات خارجی است و در استان بلوچستان پاکستان فعالیت دارد، در تماس نزدیک بوده و عملیات خود را با این سازمان هماهنگ می‌نمایند.

### پیشنهاد:

- ۱- به موازات انجام مذاکرات سیاسی در سطح عالی با رهبران بلوچ به منظور برآوردن خواسته‌های منطقی آنها، تقویت یگان‌های نظامی در استان سیستان و بلوچستان ضروری می‌باشد.
- ۲- به منظور جلوگیری از توسعه نارضایتی مردم نسبت به دولت مرکزی جمهوری اسلامی - که از نیت اصلی ضدانقلابیون و عناصر ضد ملی می‌باشد - به ژاندارمری اعلام گردد قویاً نسبت به برقراری نظم و امنیت در سراسر منطقه، به ویژه شبکه راه‌های استان مذکور اقدامات لازم به عمل آورد.
- ۳- در صورتی که مورد حادی برای محکومیت سرگرد ریگی موجود نمی‌باشد، به منظور برقراری آرامش منطقه، نام برده آزاد ولی تحت نظر قرار گیرد [پیوست ۱۵].

### گزارش نهم: اسلحه قاچاق در منطقه سیستان و بلوچستان به فروش می‌رسد

سری

برابر اطلاع، اخیراً شخصی به نام دوستین، داماد نورمحمد عزیزی ساکن قصر قند از توابع دشتیاری استان سیستان و بلوچستان، به وسیله دو دستگاه وانت بار، اسلحه ساخت کشورهای شوروی و اسپانیا از نوع مسلسل کلاشینکف و کلت را از سواحل نزدیک پسابندر به کوه‌های اطراف آبادی کشیک از توابع نیک‌شهر حمل و توسط سید محمد مبارکی به بلوچ‌های مورد اطمینان به فروش می‌رساند.



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۴۵

ارزیابی خبر: تصور می‌رود صحیح باشد.

سابقه: خرید و فروش اسلحه قاچاق در منطقه سیستان و بلوچستان دارای سابقه بوده، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، میزان ورود اسلحه به این استان افزایش یافته است.

نظریه: به نظر می‌رسد عوامل ضد انقلاب و همچنین دشمنان خارجی سعی دارند به منظور توسعه ناآرامی در استان سیستان و بلوچستان و به وجود آوردن مشکلاتی برای دولت مرکزی، از طریق مختلف، اسلحه در اختیار عناصر آشوب‌طلب این استان قرار دهند.

پیشنهاد: پیشنهاد می‌شود یگان‌های ارتشی و همچنین ژاندارمری مستقر در استان مذکور به منظور مقابله با حوادث احتمالی تقویت گردد [پیوست ۱۶].

### گزارش دهم: منطقه سیستان و بلوچستان ناآرام است

برابر اطلاع واصله:

۱- عناصر ضدانقلابی مبادرت به تشکیل سه پایگاه چریکی در کوه‌های آهوران، شیعه‌کوه و لاشار نموده و افراد بومی بی‌سواد را ضمن دادن آموزش‌های چریکی، علیه انقلاب اسلامی تحریک می‌نمایند. رهبری این پایگاه‌ها را احتمالاً عمال ساواک که تعداد آنها ۱۰۰ نفر برآورد می‌گردد عهده‌دار بوده و دولت آمریکا مهمات لازم را برای پایگاه‌های مذکور ارسال می‌نماید.

۲- تعدادی افراد مسلح افغانی و افغانی روسی‌الاصل در بنادر کنارک و چابهار مشاهده شده‌اند.

۳- اوضاع امنیتی استان بلوچستان به علت عدم وجود پلیس، ژاندارمری و پاسداران انقلاب متشنج بوده و شهر زاهدان کاملاً بی‌دفاع می‌باشد.

ارزیابی خبر: صحت دارد.

سابقه: فعالیت‌های عناصر ضدانقلابی در استان سیستان و بلوچستان در جهت به راه انداختن شورش، ناامنی و دزدی از روزهای پس از انقلاب آغاز و ادامه دارد.

نظریه: با نگرش به قرائن موجود به نظر می‌رسد عناصر ضدانقلابی که در بین آنها گروه‌های متمایل به چپ نیز وجود دارند، با همکاری عمال ساواک درصدد سازمان

## ۱۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

دادن و آموزش عملیات چریکی به منظور اجرای نیات شوم خود در استان سیستان و بلوچستان می‌باشند.

پیشنهاد: تقویت نیروهای نظامی، پاسداران انقلاب و نیروهای انتظامی در این استان ضرورت دارد [پیوست ۱۷].

### گزارش یازدهم: منطقه سیستان و بلوچستان ناآرام است

برابر اطلاع واصله:

۱- ساعت ۱۰ روز ۱۳۵۸/۱/۱۹ سرنشین یک دستگاه لندروور تعدادی اعلامیه ضد مذهبی تحت پوشش تقویم دیواری در دبیرستان کوروش به یکی از دبیران به نام رضا یگانه تحویل و متواری گردیده است.

۲- عناصر ضدانقلابی در شهر کنارک افراد بی‌سواد را با ماهی ۳۰۰۰ تومان به‌عنوان چریک استخدام می‌نمایند.

۳- تعداد ۱۵ نفر از افراد کمونیست که از تهران به زابل آمده و قصد تحریک افراد را داشتند، توسط رزمندگان دستگیر گردیدند.

۴- نیمه‌شب ۱۳۵۸/۱/۲۱ تعداد ۱۵ مغازه در شهرستان زاهدان مورد دستبرد سارقین واقع و اموال مردم به سرقت برده شد. به‌عنوان اعتراض به این حادثه، کلیه بازاریان دست از کار کشیده و در محل کمیته انقلاب اجتماع و خواستار دستگیری دزدان می‌باشند.

۵- عده‌ای عناصر ضدانقلابی کارگران بی‌سواد را تحریک نموده‌اند تا در جاده‌های مختلف این استان دست به غارت مسافرین بزنند و ضمناً شایع نموده‌اند که انقلاب اسلامی جز ناامنی در جاده‌ها و شهرها چیزی ندارد. کلیه راه‌های استان سیستان و بلوچستان ناامن و تهدید مسافرین از طرف ضد انقلابیون ادامه دارد.

ارزیابی خبر: بندهای ۱ و ۴ صحت دارد و بندهای ۲، ۳ و ۵ تصور می‌رود صحیح باشد.

سابقه: فعالیت‌های عناصر ضدانقلاب و سارقین حرفه‌ای در روزهای پس از انقلاب در نقاط مختلف استان سیستان و بلوچستان ادامه داشته است [پیوست ۱۸].

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۴۷

گزارش دوازدهم: بررسی وقایع اخیر منطقه سیستان و بلوچستان توسط معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش

از: ستاد نزاما (معاونت عملیات و اطلاعات)

شماره: ۲ سیار ۰۲-۵۰۱

به: ستاد کل ارتش ملی ایران

تاریخ: ۱۳۵۸/۱/۲۲

موضوع: بررسی منطقه سیستان و بلوچستان

بدین وسیله دو برگ بررسی اوضاع منطقه سیستان و بلوچستان ایران، جهت بررسی و بهره‌برداری به پیوست ارسال می‌گردد.

از طرف ر - ستاد نزاما - سرتیپ فلاحی

امضا - سرهنگ ستاد ....

۱- رهبران سیاسی بلوچ اخیراً جلسه‌ای در کوئته به منظور ازسر گرفتن جنبش آزادی‌بخش به اصطلاح بلوچستان مستقل تشکیل داده‌اند.

۲- اخیراً رهبران سیاسی عشایر بلوچ و تعدادی از اعضای مؤثر سازمان دانشجویان بلوچ (B.S.O) طی یک گردهمایی در کوئته تصمیم گرفتند که با بهره‌برداری از اوضاع داخلی پاکستان و افغانستان و تحولات موجود در کشور و ارتش ملی ایران، جنبش استقلال طلبانه خود (تشکیل بلوچستان به اصطلاح آزاد) را با قاطعیت تمام آغاز و تا پیروزی نهایی دنبال نمایند. ضمناً عطاء الله مینگل، شیرمحمد مری، رزاق بلوچ، خیربخش مری و غوث خدابخش بیزنجو که تمایلات کمونیستی داشته و با عوامل شوروی در تماس هستند، در جلسه مذکور حضور داشتند.

۳- گروه‌بان یکم کریم‌بخش برهانی و برادرش که برای دستگیری اسپهرام و سرهنگ رضوانی در منطقه بلوچستان جستجو می‌نمود گزارش نموده است که تلاش غیرعادی در منطقه به چشم می‌خورد و شایع است اهالی با کشور افغانستان برای تجزیه‌طلبی پیمان بسته‌اند و مدت بیست روز است عشایر منطقه آموزش چریکی می‌بینند و اسلحه از نوع کلاشینکف به منطقه از طریق دریا وارد و در آبادی‌های اطراف مسکوتان که ما به چشم دیدیم، سازمان داده می‌شود. خوانین آن نواحی به سرپرستی لاشاری می‌باشد؛ همچنین از راه کنارک به سرباز و آبادی‌های اطراف سلاح وارد می‌شود که به سرپرستی خوانین بارک‌زهی انجام می‌گیرد. از طریق مرز میرجاوه نیز سلاح حمل می‌گردد که به خاش و حومه پخش می‌شود.

## ۱۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

سابقه: عطاءالله مینگل، خیربخش مری، شیرمحمد مری، رزاق بلوچ و غوث بخش بیزنجو از رهبران با نفوذ حزب عوامی ملی پاکستان (طرفدار مسکو) و اعضای اصلی سازمان دانشجویان بلوچ (B.S.O) می‌باشند. حزب عوامی ملی در سال ۱۹۷۴ در زمان نخست‌وزیری ذوالفقار علی بوتو به علت فعالیت‌های کمونیستی و تجزیه‌طلبی منحل و اعضای آن زندانی شدند که پس از روی کار آمدن رژیم نظامی (۱۳۵۶/۴/۱۴) نام‌بردگان از زندان آزاد گردیدند.

نظریه: به نظر می‌رسد رهبران جبهه به اصطلاح آزادی‌بخش (B.S.O) و سران عشایر بلوچ در نظر دارند با استفاده به اصطلاح از ناآرامی‌های موجود در کشور ایران و با دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی، نظر برخی از بلوچ‌های افراطی ایران را نسبت به همکاری با جبهه مذکور جلب نموده و موجبات آشوب و ناآرامی را در منطق سیستان و بلوچستان فراهم نمایند.

پیشنهاد: با توجه به اینکه عناصر ضدانقلاب در صدد می‌باشند از هر فرصتی برای ایجاد آشوب و ناامنی در مناطق مختلف کشور به سود خود بهره‌برداری نمایند به منظور جلوگیری از هرگونه اقدام عناصر ضدانقلابی و احتمال همکاری آنها و یا رهبران عشایر استان بلوچستان در جهت برهم زدن نظم عمومی در استان مذکور، ضمن افزایش مراقبت‌های مرزی توسط ژاندارمری ملی کشور، نسبت به تقویت یگان‌های نظامی در منطقه اقدام گردد [پیوست ۱۹].

### گزارش سیزدهم: گزارش ستاد نیروی زمینی - معاونت عملیات و اطلاعات

از: وزارت دفاع ملی (دایره اداری)

شماره: ۵۰۱/۰۳/۶ ر الف

تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۹

به: نخست‌وزیری

موضوع: بررسی منطقه سیستان و بلوچستان

فتوکپی نامه شماره ۶۵۱ - ۰۲ - ۲۹ - ۱۷۰۱ - ۱۳۵۸/۱/۲۷ ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، و سه برگ گزارش نیروی زمینی ملی ایران در باره اوضاع منطقه سیستان و بلوچستان جهت آگاهی و اقدام لازم به پیوست فرستاده می‌شود.

از طرف وزیر دفاع ملی - سرتیپ ریاحی

امضا - سرهنگ ستاد، ایران‌نژاد

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۴۹

این نامه با شماره ۶۴۷ به تاریخ ۱۳۵۸/۲/۹ در دفتر نخست‌وزیری ثبت شده است.  
از طرف رئیس ستاد نزاما<sup>۱</sup> - سرتیپ فلاحی  
گزارش

۱- مقام عالی را آگاه می‌سازد بلوچستان در رژیم گذشته، فاقد هرگونه منبع درآمد داخلی بود. کشاورزی و صنعت در حد هیچ و امکانات و ابزار و وسایل و ماشین‌آلات اعم از دولتی و شخصی برای ایجاد کشاورزی در حال حاضر وجود ندارد. تنها منبع درآمد مردم - غیر از آن عده که در ادارات مختلف استخدام هستند - کارگری در شرکت‌های ساختمانی و غیره می‌باشد که در حال حاضر به علت تعطیل بودن شرکت‌ها این منابع نیز در اختیار نیست. سوم، گروه زیادی از مردم که از چابهار تا زاهدان را شامل می‌گردد از راه حمل و فروش کالاهایی که توسط موتور لنج‌ها از دبی وارد می‌شود به کسب و کار می‌پردازند. این منبع درآمد نیز بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، منافع سابق را ندارد؛ زیرا هر یکصد تومان ایرانی را در دبی قبل از انقلاب با ۶۰ روپیه<sup>۲</sup> امارات متحده معاوضه می‌کردند، لیکن بعد از انقلاب هر یکصد تومان با ۳۰ الی ۳۴ روپیه معاوضه می‌گردد که سبب تعطیل بودن بانک‌های ایرانی در دبی و یا نداشتن ارز ایرانیان با صرافان و دلالان در دبی روبه‌رو هستند. روی این اصل، ورود کالای خارجی هم به طرز چشمگیری کاهش یافته است و نیز گران‌تر شده است؛ چنانچه این وضع تداوم داشته باشد، این منبع نیز در اختیار نخواهد بود و بی‌کاری عمومی و ناراحتی حاصله از آن، درد دیگری برای دولت و مردم ناحیه به وجود خواهد آورد. گروه دیگر، سران قبایل و سرداران و اعوان و انصار آنان می‌باشند. این گروه نیز هیچ‌گونه واحد تولیدی اعم از کشاورزی و صنعتی در اختیار ندارند. در رژیم سابق برای راضی نگه داشتن آنان و استفاده از وجودشان برای جلوگیری از اعتراضات توده بلوچ و آرام نگه داشتن منطقه به نمایندگی مجلس شورای ملی گمارده می‌شدند و هرگونه بودجه که به این منطقه اختصاص می‌یافت ناگزیر زیر نظر اینان به مصرف

۱. نیروی زمینی ارتش ملی ایران (ویراستار).

۲. گویا نویسنده اشتباه کرده؛ زیرا واحد پول امارات، درهم است و روپیه واحد پول پاکستان است (ویراستار).

## ۱۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌رسید و چون نظر کلی رژیم، راضی بودن سرداران و آرام بودن منطقه بود، تکلیف بودجه‌ها معلوم و در حقیقت بودجه‌ها پولی بود که رژیم برای راضی نگاهداری سردارها می‌پرداخت. پست‌های اداری از قبیل شهرداری‌ها و انجمن‌های محلی و مدیران عامل شیر و خورشید را بین خود تقسیم و اعوان و انصار خود می‌گماردند؛ حتی بودجه‌های آموزش و پرورش نیز مورد توجه و نظارتشان بود [و] از ناحیه افراد مسن و عوام تحصیل‌نکرده کماکان مورد تبعیت هستند، لیکن وجهه‌ای در بین طبقات جوان و تحصیل‌کرده ندارند و در مخاطره هستند. بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، ضربه هولناکی به این گروه وارد شده، منافع سابق را ندارند و بیم از بیداری مردم دارند. خطری را که انقلاب متوجه باج‌خواران و مفتخوران نموده، دقیقاً و بهتر از همه احساس می‌کنند؛ لذا با هرگونه پدیده [ای که] در راه پیشرفت انقلاب سدی ایجاد کند یا تولید اشکال نماید، موافق هستند؛ در صدد ایجاد اوضاعی نظیر کردستان هستند، لیکن عوامل تحصیل‌کرده انقلابی در اختیار ندارند. فعلاً ابزار کارشان تعصبات قومی و مذهبی مردم می‌تواند باشد. چون توده مردم هنوز حداقل بیداری را باز نیافته‌اند، عملاً قادرند هرگونه خواست خود را با دست مردم انجام دهند. تماس‌هایی با بلوچستان پاکستان دارند. به علت نداشتن اطلاعات کافی در این مورد از هرگونه عرض مطالب معذورم. چاره کار، ایجاد شبکه تلویزیونی و توجه دولت به این مهم و تنظیم برنامه‌هایی در جهت بیداری مردم این منطقه بدون اینکه توجه دولت مشهود گردد و علل عقب‌ماندگی بلوچستان مورد بررسی قرار گیرد.

۲- اجرای طرح‌های فوریتی در جهت رفاه عمومی از قبیل استفاده از امکانات موجود در برق‌رسانی به آبادی‌ها تعداد پنج الی شش موتور مولد برق در کنارک موجود است. پنج تایی از آنها مشغول به کار است و میزان تولید به وسیله یک دستگاه به مراتب بیشتر از برق مصرفی است. با استفاده از موتورهای دیگر، مسئله برق در این منطقه می‌تواند به کلی رفع گردد.

۳- چابهار فاقد آب آشامیدنی است و با تانکر و یا بشکه از محلی به نام بحق کوبان واقع در چند کیلومتری تأمین می‌گردد. طرح لوله‌کشی آب آشامیدنی از طریق رودخانه سرباز پیو سراب - نگور - قابل اجرا است.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۵۱

منطقه از نظر کشاورزی، حتماً و باید مورد توجه قرار گیرد و آب‌های زیرزمینی ایرانشهر بسیار غنی است و خاک مستعد و بی‌نظیری که دارد در سال دو مرتبه قابل کشت و بهره‌برداری است. با ایجاد سد غیر از این سد در دست اقدام که بیشتر به منظور حیف و میل بودجه ایجاد می‌گردد بر روی رودخانه سرباز، اراضی خیلی زیادی را می‌توان زیر کشت آورد.

در نظر گرفتن برنامه‌های دراز مدت رفاهی و اقتصادی برای منطقه، بررسی علل عدم همراهی مردم در انتظامات منطقه.

متمکنین منطقه، بسیار قلیل و انگشت‌شمارند. کسانی هستند که در سنوات اخیر از طریق موتورلنج‌ها به پولی رسیده‌اند. این افراد، معایب زیر را دارند: ۱- از نظر قومی و فامیلی، توده بلوچ، درجه پست‌تری به آنها قایلند و می‌گویند غلام‌زاده بوده‌اند و بلوچ اصیل نیستند. ۲- اشخاص روشنی نیستند. ۳- در جهت کسب منافع بیشتر و یا حفظ دارایی خود قبلاً با ساواک همکاری گسترده‌ای داشتند و همکاری‌شان خالص و بی‌مخارج بوده است. ۴- کسانی بودند که ساواک از وجودشان به‌عنوان خیرخواه و خیراندیش و رئیس و اعضای شورای دآوری استفاده می‌کرده حرص جمع‌آوری پول به روحیه انسان‌دوستی آنان غلبه و هیچ‌گونه اقدام و عمل مربوط به خیریه و احسان از آنان دیده نشده است. ۵- با توجه به ... مثلاً بعضی‌ها دارای شش یا هفت همسر می‌باشند. وجهه بدی در بین مردم دارند. ۶- به همین دلایل مورد حمایت مردم نیستند. توده مردم هم چیزی ندارند که به خاطر آن پاسداری بدهند. روی این اصل اشرار و باج‌خواران به راحتی امکان دستیابی به این افراد را دارند و شنیده شده است که حتی از اینکه یکی از افراد فوق‌الاشاره وسیله اشرار ربوده شده و پولی پرداخت کرده است، مردم خرسند بودند. تقویت ژاندارمری و شهربانی بخصوص ژاندارمری از ضرورات است.

موضوع رسول‌بخش و اعظم: این دو برادر از طایفه هوت هستند و دارای سوابق متعددی می‌باشند. در جریان هجوم مردم به زندان‌ها از زندان کرمان بیرون آمده‌اند. طایفه مبارکی در چانف و اسپکه و کنار و چابهار سکونت دارند. امان‌الله مبارکی با طایفه هوت وصلت دارد و مورد حمایت امان‌الله می‌باشند و در این صورت، طایفه

## ۱۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

مبارکی از دو نفر فوق حمایت می‌کند. امان‌الله مبارکی، خود قاتلی است که در رژیم گذشته تأمین یافته است. حمایت علنی نیست و اذهان عمومی بر علیه اعظم و رسول‌بخش می‌باشد. تنها خطری که می‌توانند در منطقه ایجاد کنند استفاده از بی‌کاری مردم نادان و پرداخت موجب از راه باج‌گیری و تشکیل دسته‌اشرار بزرگ‌تر می‌باشد، و تغییر وجهه این دسته اشرار در یک موقعیت حساس می‌تواند به نوعی مقاومت بر علیه دولت تبدیل شود. در حال حاضر، مقابله با این دارودسته، بسیار کار سهل و آسانی است و با اعزام یک گروهان ویژه می‌توان آنان را سرکوب نمود و این خود وجهه‌ای می‌تواند برای دولت در این منطقه به شمار رود؛ در غیر این صورت، بعید نیست به همین سادگی داستان دادشاه معروف در این منطقه تکرار شود. عرایض فوق صرفاً بر مشهودات و استنباطات شخصی متکی است و از نظر استحضار معروض می‌گردد [پیوست ۲۰].

### گزارش چهاردهم: نامه رئیس شهربانی کل کشور به نخست‌وزیر در باره واکنش اهل سنت در توهین به معاویه

شماره: ۲-۶۲-۳-۲۳

تاریخ: ۱۳۵۸/۳/۲۷

جناب آقای نخست‌وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران  
احتراماً برابر گزارش واصله از شهربانی استان سیستان و بلوچستان، عده‌ای از جوانان بلوچ به انگیزه اینکه در صفحه هشتم شماره ۷۲۵ مورخه ۱۳۵۸/۳/۱۹ «مجله زن روز» تحت عنوان «از دمکراسی علی و استبداد معاویه» مطالبی علیه معاویه و عایشه درج شده، به نمایندگی زن روز حمله و حدود دویست جلد مجله زن روز را سوزانده و متواری گردیدند.

رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران - سرتیپ مجللی

۱۳۵۸/۳/۲۴

توضیح: در سمت راست بالای نامه، در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۸ این نامه به معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب ارجاع داده شده است [پیوست ۲۱].



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۵۳

گزارش پانزدهم: گزارش ژاندارمری کل کشور از اخبار برون مرزی به وزارت امور خارجه

بسمه تعالی

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران  
اداره پنجم سیاسی  
خیلی محرمانه  
شماره: ۱۷-۲۸-۲-۴-۳۷۲

تاریخ: ۱۳۵۸/۴/۱۸

جناب آقای دکتر مصطفی چمران، معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب  
طبق اطلاعیه واصل از ژاندارمری کل کشور، دولت پاکستان تصمیم دارد پاسگاه‌های  
مرزی خود را در قسمت بلوچستان تقویت نماید.

گفته می‌شود تعداد ۵۰۰ نفر از طایفه بگتی که در شوروی تعلیمات چریکی دیده و  
اخیراً به پاکستان مراجعت کرده‌اند، تصمیم دارند در باره آزادی بلوچستان ایران و  
پاکستان اقداماتی به عمل آورند.

فتوکپی اطلاعیه شماره ۳۱/۵۰۱/۰۱/۲۹ مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۳ ژاندارمری کل کشور  
جهت مزید استحضار به ضمیمه ارسال می‌گردد.

از طرف وزیر امور خارجه - ابراهیم یزدی

این نامه در ۱۳۵۸/۴/۲۰ در دفتر مخصوص نخست‌وزیری دولت موقت انقلاب،  
به شماره ۱۲۲۶ با قید «خیلی محرمانه» به آقای دکتر چمران ارجاع داده شده است.  
گزارش ژاندارمری کل کشور چنین است:

از: ژاندارمری کل کشور، رکن سوم دایره امور مرزی

شماره: ۰۱/۱۰/۲۹

تاریخ: ۱۳۵۸/۴/۳

به: وزارت امور خارجه

موضوع: اخبار برون مرزی

برابر گزارش مرزبان زاهدان:

۱- کشور پاکستان تصمیم دارد با آموزش افراد جدید و تجدید نظر در سازمان  
ژاندارمری (ملیشه) خود، مناطق نوشکی، نوکندی، چاغی، خاران، میله ۷۲، سایدک و  
سایر گروهان‌ها و پاسگاه‌های مرزی را تقویت نماید. گروهان‌های ما شکیل مانند سابق  
در اختیار ژاندارمری چاغی خواهند بود و افراد آموزش دیده به زودی در نوار مرز  
مستقر خواهند شد.

## ۱۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۲- تعداد ۵۰۰ نفر از طایفه بگتی که در شوروی دوره چریکی دیده‌اند به پاکستان مراجعت و تصمیم دارند در باره آزادی بلوچستان ایران و پاکستان، اقداماتی به عمل آورند. افراد مذکور با نظر سرداران طایفه بگتی به نامان نواب اکبرخان که صاحب معادن گاز در منطقه بوده و صاحب ثروت هنگفتی است و عطاءالله خان مینگل و خیربخش مری و غوث‌بخش بزنجو که در حکومت بوتو، مقام‌هایی داشتند و سپس با وی مخالفت کرده‌اند، تعیین و به شوروی اعزام می‌شوند. کلیه این‌گونه افراد در مناطق کولوبارکان وارانایی در نزدیکی کویته مستقر شده‌اند تصمیم دارند بلوچستان ایران و پاکستان را از کشورهای خود جدا و آنان را آزاد سازند.

۳- مأمورین مرزی پاکستان که اکثراً از طایفه بلوچ هستند، اظهار می‌دارند در صورتی که اختلافی بین بلوچ‌های ایران و دولت مرکزی به وجود آید با ارسال اسلحه و مهمات از آنان حمایت خواهند نمود و در صورت لزوم با آنان همکاری خواهند کرد. م ۴/۱۲

معاون فرمانده ژاندارمری کشور در امور مرزی - سرتیپ بابایی پیروز

گیرندگان: وزارت کشور جهت استحضار [پیوست ۲۲].

### گزارش شانزدهم: حمله به سپاه پاسداران نیچ‌شهر

زاهدان - خبرگزاری پارس - شماره ۶۸ - ۱۳۵۸/۷/۹

امروز اعلام شد که بامداد روز گذشته در مرکز بخش نیچ شهرستان چابهار در جریان یک یورش ناگهانی و ناجوانمردانه به یک گشتی از سپاه پاسداران انقلاب، سه تن از برادران پاسدار شهید شدند و دو نفر دیگر از سپاه پاسداران انقلاب زخمی شدند و با هواپیما از زاهدان به تهران اعزام شدند. به همین مناسبت امروز از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان، جهاد سازندگی، حزب جمهوری اسلامی، دانشجویان سیستان و بلوچستان و جامعه سیستانی و اصناف زاهدان اطلاعیه‌ای انتشار یافت و طی آن ضمن محکوم نمودن این اقدام ناجوانمردانه، اعلام شد ساعت ۴ بعدازظهر امروز جنازه شهدا تشییع می‌شود. همچنین مجلس ترحیم از ساعت ۶ تا ۸ بعدازظهر امروز در محل مسجد جامع زاهدان برگزار می‌گردد.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۵۵

اطلاعیه سپاه پاسداران درباره ناامنی در سیستان و ترور سه پاسدار - ۷ آذر ۱۳۵۸

خبرگزاری

شماره ۵ ۷ آذر - زاهدان و ما

اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان  
زاهدان - وفا: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان اطلاعیه‌ای در زاهدان  
انتشار داد. متن اطلاعیه بدین شرح است:

بار دیگر دست جنایتکار امپریالیسم از آستین ارتجاع بیرون آمد و به دفتر شهادت  
انقلابمان ورقی افزود. راستی دشمن بعد از شکستن در برابر قشر انقلابی توده‌های  
میلیونی امتمان به رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی به دست و پای  
مذبوحانه و تقاضای کودکانه دست زده است. راستی چرا سه تن از پاک‌ترین فرزندان  
خلقمان، از تبار ابوذر و پاسداران جان‌برکفمان را به رگبار مسلسل‌ها بستند؟

چون که انقلاب اسلامی‌مان دست ناپاکان را از سر ملت ستمدیده ایران کوتاه و  
منافع‌شان را در ایران به مخاطره انداخت و می‌رود تا در سرتاسر جهان بشریت،  
مستضعفین را به امامت برساند؛ لذاست که با این حرکت‌های ناجوانمردانه می‌خواهند  
در اراده آهنین ملت ما خللی وارد نمایند، اما احمقانه می‌اندیشند. «إن کید الشیطان کان  
ضعیفاً».

آری در صبح روز سه‌شنبه ۱۳۵۸/۹/۶ در پی یک حمله ناجوانمردانه به یکی از  
گروه‌های گشتی سپاه پاسداران نیک‌شهر سه تن از پاسداران گرانقدرمان به نام‌های  
برادر جعفر ساوجی، برادر محسن برخشان، برادر رضا احمدی را به خاک و خون  
کشید و دو تن دیگر را مجروح ساخت.

بدین مناسبت روز چهارشنبه ۵۸/۹/۷ نیک‌شهر تعطیل و عزای عمومی اعلام گردید  
و ما به پاس احترام همه شهیدان تاریخ اسلام عموماً بالاخص برادران شهیدمان گردهم  
می‌آییم. از عموم برادران و خواهران مبارز و دلیر زاهدانی خواهانیم با اجتماعشان  
هوشیاری خویش را در مقابل توطئه‌های امپریالیزم نشان دهید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان [پیوست ۲۳].

## ۱۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

گزارش هفدهم: گزارش ژاندارمری کل کشور دربارهٔ شعارنویسی در شهرستان سراوان

از: ژاندارمری کل کشور - رکن دوم

به: نخست‌وزیری

موضوع: درج شعار در سراسر سراوان

به تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۱ خیلی محرمانه

برابر گزارش ناحیهٔ ژاندارمری سیستان و بلوچستان، شعارهایی که به نفع جمهوری اسلامی ایران بر دیوارها و اماکن و معابر عمومی سراوان درج گردیده بود، اخیراً [به] وسیلهٔ عده‌ای ناشناس پاک و به جای آنها شعارهایی بر علیه جمهوری اسلامی و اسائهٔ ادب نسبت به رهبری انقلاب درج گردیده است.

مراتب جهت استحضار اعلام می‌گردد. ضمناً ناحیهٔ مذکور در مورد شناسایی عاملین اقداماتی انجام [داده] که به محض حصول نتیجه در ثانی به عرض خواهد رسید.

فرمانده ژاندارمری کل کشور - سرهنگ ستاد ممتاز

گیرنده: وزارت کشور، جهت استحضار و هر گونه اقدام بایسته.

ثبت شده در دفتر مخصوص نخست‌وزیر، به شمارهٔ ۶۰۱۸ به تاریخ ۱۳۵۸/۲/۹

[پیوست ۲۴].

گزارش هجدهم: گزارش هنگ ژاندارمری زاهدان در بارهٔ خرید و فروش اسلحه

تاریخ: ۱۳۵۸/۱۲/۱۵ - شماره: ۷-۴-۱۵۹۶/۵۰۷

از: استانداری سیستان و بلوچستان - به: وزارت کشور - ادارهٔ کل امور نظامی

موضوع: خرید و فروش اسلحه

ناحیهٔ ژاندارمری سیستان و بلوچستان با استناد به گزارش هنگ ژاندارمری زاهدان اعلام داشته:

۱- چند روز قبل تعداد ۱۸۰ قبضه اسلحهٔ برنوی پنج‌تیر آلمانی وسیلهٔ دو نفر به اسامی مراد رحمت‌زهی معروف به مراد لنگ و دادمحمد شهنوازی ساکنین پشت‌کوه خاش به زاهدان و خاش حمل که تعداد ۱۸ قبضهٔ آن به ملااحمد توتازهی از قرار هر قبضه ۱۹

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۵۷

هزار تومان فروخته شده است و نام‌برده سلاح مورد بحث را به طایفه شیپکی ساکن نرماشیر فروخته است.

۲- تعداد ۵ قبضه از ۱۸۰ قبضه اسلحه فوق، وسیله مدد ریگی، ساکن چاه نلی به فامیل فرامری که با قبیلۀ شیپکی اختلاف دارند، فروخته شده است.

۳- چندی قبل مراد رحمت‌زهی، تعدادی اسلحه کمرشکن به قصد فروش از افغانستان وارد کرد که به علت عدم استقبال مردم در مورد خرید آنها، در حوزه ماشکید مخفی نموده است.

۴- مراد رحمت‌زهی و همکارش دادمحمد شهنوازی، جهت وارد کردن اسلحه به افغانستان رفته‌اند و قرار است مقداری اسلحه به ایران حمل نمایند.

۵- سرمایه خرید اسلحه دو نفر یادشده، وسیله حاج بلوچ شهبخش تأمین می‌گردد. مراتب جهت استحضار اعلام گردید. ضمناً وسیله ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان از هنگ ژاندارمری زاهدان خواسته شده که نسبت به دستگیری نام‌برندگان اقدام و آنان را تحت تعقیب قانونی قرار دهند.

ابراهیم مبارکی - معاون امور سیاسی و اداری [پیوست ۲۵].

### گزارش نوزدهم: گزارش سرگرد مهرآیین در ستاد ارتش

محرمانه

- سیستان یکپارچگی دارد، ولی بلوچستان نه.

- بلوچستان پاکستان می‌خواهد بلوچ ایران را جذب کند و وانمود کنند که دولت مخالف آنها است.

۱- استقرار یک یگان (تیپ) نظامی به چابهار، یک اثر روانی دارد و الزامی است.

۲- تیپ موجود در زاهدان به مرز بروند. از گواتر سیاه‌کور تا دهانه ذوالفقار که مرز روسیه است.

۳- به این نیرو حق تیراندازی در مرز را بدهند و با هماهنگی دولت پاکستان باشد. به دولت پاکستان هم اطلاعات راجع به دیدگاه‌های کمونیست‌ها را در خاک آنها بدهند.

۴- امام با اعلامیه‌ای به ارتشی‌ها دستور اطاعت از فرماندهان بدهند (چنین اعلامیه‌ای صادر شده).

## ۱۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۵ - در شهر زابل و سیستان، سپاه پاسداران انقلاب سریع و شدید و به مقدار زیادی تشکیل شود. از مردم دلگان و بزمان باید استفاده شود.
- ۶- از بلوچ‌های خوشنام در منطقه از افراد ایل‌شان فرد بگیریم؛ از آنها که به انقلاب و امام معتقد باشند. این کار می‌تواند در کادر ژاندارمری باشد.
- ۷- دولت باید مامشات کند، شایع شده که در آینده، دولت سران ایلات را خواهند گرفت. سارقین مسلح هم به وسیله همان سرداران تقویت می‌شوند و می‌خواهند به این وسیله به دولت قدرت خود را نشان بدهند.
- ۸ - اقدامات عمرانی هرچه زودتر آغاز شود. وسایل کشاورزی در اختیار آنها قرار گیرد.
- ۹- اقدامات آموزش ایدئولوژیک همزمان، با بقیه کارها.
- ۱۰- سارقین مسلح را هرچه زودتر به تهران منتقل کنند.
- ۱۱- مسئله عفو عمومی در مورد افرادی که به نفع شاه شعار می‌دادند، هرچه زودتر در مورد بلوچ‌ها مطرح شود، مشروط بر اقدامات انقلابی جدید.
- ۱۲- مسئله ورود اجناس قاچاق از چابهار و جاسک کنترل و محدود شود و زیر نظارت باشد.
- مولوی عبدالعزیز آخوند آن منطقه که قبلاً با ساواک بوده، حالا میان‌رو [است] و با دولت همکاری می‌کند و حدوداً نفوذی دارد [پیوست ۲۶]. آقای کفعمی قشری است. آقای معین‌الغریبایی در دلگان نفوذ دارد.
- ۱۳- همکاری با کمیته‌های اعزامی [پیوست ۲۷].

### پ- اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های گروه‌های فرهنگی - سیاسی

همزمان با تحركات گروه‌های سیاسی - اجتماعی در کردستان و شرق مازندران (شهرستان گنبد کاوس در استان گلستان کنونی)، گروه‌هایی نیز در استان سیستان و بلوچستان، خواسته‌های مشابهی را طرح می‌کردند. از محتوای اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و شعارها چنین برمی‌آید که بیشتر این خواسته‌ها پیرامون موضوعاتی چون خودمختاری بلوچستان، تصویب حقوق برابر اهل سنت با شیعه در قانون اساسی، رفع فقر و

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۵۹

محرومیت، جلوگیری از قاچاق کالا و اسلحه، اصلاح ساختار اداری از مدیران طاغوتی و خان‌ها می‌چرخید.

### ۱- اطلاعیه سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان در باره دعوت از مردم بلوچستان برای پشتیبانی از مردم کردستان

مردم مبارز بلوچستان، از برادران گُرد پشتیبانی کنیم - ۱۳۵۸/۱/۲

خلق گُرد در انقلاب نیمه‌کاره ایران جانفشانی‌ها کرده و خیلی از فرزندان راستین خود را در این راه از دست داده است، اما حالا که عده‌ای انقلاب را پایان یافته تلقی می‌کنند، از آنجایی که خلق کرد به ادامه مبارزه تا مرحله نهایی ایمان دارد، رادیو، تلویزیون و سایر ارگان‌های طبقه حاکمه ایران به آنها تهمت ضدانقلاب زده و آنها را خائن و سرسپرده نظام شاهنشاهی می‌نامند. آیا واقعاً این‌طور است؟

کسانی که در زمان محمدرضا شاه و پدرش سال‌ها در سپاه‌چال‌ها به جرم مبارزه در راه کسب حقوق دمکراتیک خلق گُرد شکنجه و رنج را تحمل کرده‌اند [...] ناخوانا] شده‌اند می‌توانند عامل بیگانه باشند؟ این را دیگر همه می‌دانند که آنها نیز مانند خلق بلوچ برای گرفتن حقوق دمکراتیک خود یعنی خودمختاری (آزادی فرهنگ، زبان، مذهب و ...) و سپردن امور منطقه و دواير به شوراهای خلق یعنی شوراهای ادارات، شرکت‌ها، سازمان‌ها، روستاها، شهرستان‌ها و ایالات مبارزه می‌کنند. شوراهایی که افراد را از طریق کاردانی، لیاقت و مبارزه‌جویی بر علیه ارتجاع و عوامل ضد مردمی انتخاب می‌کند، نه اصل و نسب و پاگون<sup>۱</sup> و مدرک و غیره.

آنها نیز مانند خلق بلوچ می‌خواهند که عوامل مخرب، مرتجع و ضدانقلابی که بر علیه مردم سال‌ها با رژیم شاه سابق همکاری کرده‌اند، دستگیر و محاکمه علنی شوند. آنها می‌خواهند ارتش از شکل قبلی خارج شده و به جای آن ارتش مردمی درست شود. از آنجایی که خواست‌های خلق بلوچ با خواست‌های خلق کرد یکسان است و مبارزات مشترک ما بر علیه عوامل ارتجاع (سرداران، خان‌ها، روشنفکران خودفروخته و غیره و ضدانقلاب که سد راه انقلاب هستند) هنوز ادامه دارد، مردم مبارز بلوچ باید از

۱. در اصل سند به همین صورت آمده است.

## ۱۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

مبارزات خلق گرد پشتیبانی نموده و هر نوع تجاوز و توطئه‌چینی را علیه آنها محکوم نمایند.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق‌های ایران.

نابود باد تجزیه‌طلبان مرتجع و ضدانقلابی در تمام ایران

سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان - ۱۳۵۸/۱/۲ [پیوست ۲۸]

### ۲- اطلاعیه بامی استار (فداییان سیستان و بلوچستان) در باره خودمختاری، نقد همبستگی حکومت و خان‌ها و سرمایه‌داران

مزدوران ورشکسته امپریالیزم، توطئه‌نگینی بر علیه خلق بلوچ تدارک می‌بینند

امپریالیزم آمریکا این دشمن تمامی زحمتکشان و خلق‌ها، سرکرده و پشتیبان سرمایه‌داران، با قیام شکوهمند ۲۲ بهمن‌ماه در میهن ما یکی از مهم‌ترین مهره‌های دست‌پرورده خود، شاه‌خائن را از دست داد. شاه جنایتکار که پس از پدرش با کمک آمریکا سرنوشت ملت ایران را در دست گرفت، وظیفه داشت زندگی مردم و اقتصاد ایران را بر مبنای نیاز خود و اربابان آمریکایی‌اش تنظیم کند. بر این اساس، تولید کشاورزی و صنعت می‌بایست رو به نابودی می‌رفت تا گندم و محصولات غذایی و صنعتی آمریکا به فروش برسد. کشاورزان و کارگران ایران می‌باید آواره و بیکار و فقیر می‌شدند تا سرمایه‌داران آمریکایی جیب‌شان پر شود. نفت و منابع زیرزمینی که کارگران ایران با مزد ناچیزی آن را استخراج می‌کردند، به آمریکا صادر می‌شد تا آمریکا در عوض سلاح‌هایش را برای سرکوب اعتراض زحمتکشان ایران به شاه بفروشد. شاه این سردهسته سرمایه‌داران ایرانی وابسته به آمریکا برای حفظ جریان غارت کار زحمتکشان و ثروت خلق، با کمک ارتش ضد خلقی و ساواک و ژاندارمری و مزدوران ریز و درشت دیگری چون خوانین، اعتراضات حق‌طلبانه مردم را سرکوب می‌نمود و با کشتار و شکنجه و حبس آگاه‌ترین و صدیق‌ترین انسان‌های میهن ما، ناآگاهی را رشد داده و به چپاول می‌پرداخت. در مناطق عقب‌افتاده‌ای چون بلوچستان همراه با ارتش و ژاندارمری، خوانین و روحانیون وابسته، به دلیل داشتن نفوذ و شناخت روحیه مردم، نقش مهمی در آرایش چهره شاه غارتگر و جلاد و سرکوب معترضین داشتند.



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۶۱

آری، در بلوچستان این خوانین بودند که نقش مستقیمی در حفظ منافع شاه و سرمایه‌داران وابسته به آمریکا به عهده داشتند. این خان‌ها بودند که برای خیانت به خلق آستین‌ها را بالا زده، گاه با فریب و نیرنگ، زمانی با تهدید و ارعاب، گاه با به جان هم انداختن طوایف و زمانی با قتل و کشتار، صدای حق‌طلبانه زحمتکشان بلوچ را در گلو خفه می‌کردند. این کاسه‌لیسان دولت که ابزار شاه برای بی‌خانمانی، آوارگی، عقب‌ماندگی و بی‌سوادی مردم ما شدند به قدری بی‌شرم بودند که حتی کارگران آواره بلوچ را که با جاروکشی، باربری و کارهای سخت و طاقت‌فرسا در گرمای جانکاه خلیج و شیخ‌نشین‌ها عرق می‌ریختند تا خرج زندگی زن و فرزند خود را تهیه کنند، راحت نمی‌گذاشتند و با حيله و تهدید آنها را وادار به پرداخت باج سبیل، خرج سفر و عیاشی خود می‌کردند. به همین دلایل بود که موج انقلابی در بلوچستان به صورت اعتراض و تظاهرات گسترده ضد خانی درآمد. مردمی که سال‌ها دست خوانین و دولت را با هم دیده بودند، با فریاد «مرگ بر خان» تنفر خود را از این حیوان‌صفتان ابراز داشتند. تظاهرات ضد سرداری و ضد خانی بلوچ‌ها سبب گوشه‌گیری و انزوای کامل آنها شد.

خلق بلوچ امیدوار بود دولت جدید با دستگیری این مزدوران و همدستان شاه از شرشان راحت بشود، اما انتظار بیهوده‌ای بود. امپریالیزم آمریکا با از دست دادن شاه، مهره‌های زیادی داشت که ماسک ملی و اسلامی زدند و در دستگاه جدید، مأمور حفظ منافع سرمایه‌داران غارتگر شدند. بدین علت بود که ارتش نیمه‌متلاشی‌شده ساواک و بقیه سازمان‌های ضد مردمی شاه ترمیم و نوسازی شدند. سرکوب خلق‌ها و زحمتکشان که از ستم ملی، بی‌کاری و گرانی رنج می‌بردند، آغاز شد؛ خان‌ها و فئودال‌ها با حمایت مستقیم و غیرمستقیم دولت جمهوری اسلامی جان تازه‌ای گرفتند. خوانین در بلوچستان با سفارش حجت‌الاسلام خامنه‌ای و تیمسار مدنی، نمایندگان اعزامی امام توسط افسران مزدور شاه چون سرگرد ضیایی مسلح شدند و آزادانه به تشکیل گروه‌های تفنگدار برای خود پرداختند.

از جمله محمدخان میرلاشاری نماینده مجلس فرمایشی شاه با وجود اینکه چند پاسگاه را خلع سلاح می‌کند از طرف امام خمینی طرفدار مستضعفین رسماً تبریئه و

## ۱۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بخشیده می‌شوند، ولی تظاهرات حق‌طلبانه مردم زاهدان به گلوله بسته می‌شود. از طرف امام اعلام می‌گردد: محمدخان می‌تواند به سر زندگی خود برگشته به وظیفه خود عمل کند (بهتر است بگوییم به وظیفه جاسوسی و سرسپردگی خود). اما خوانین که دولت را از قماش خود دیده‌اند به این الطاف راضی نشده و با حيله‌ای تازه، تقاضاهای جدیدی دایر به دست گرفتن سرنوشت خلق بلوچ مطرح نموده‌اند.

رشد جنبش خلق بلوچ برای کسب خودمختاری و رفع ستم ملی و طبقاتی، دولت و خوانین را به اتخاذ شیوه‌های نوین برای سرکوب جنبش یا انحراف و سوءاستفاده از آن واداشته است.

خوانین ضد خلق، خود را طرفدار جنبش جا زده و برای تحریف خواسته زحمتکشان و خلق، همراه با مردم دعوی خودمختاری دارند؛ که صد البته منظورشان از خودمختاری آزادی زحمتکشان بلوچ از قید فقر و ستم نیست، بلکه آزادی خوانین برای چپاول و غارت است. سردمداران جمهوری اسلامی نیز فکر می‌کردند با طرح دوستی با این جاسوسان می‌توانند از آنها در جهت سرکوب جنبش مردم استفاده کرده و حاکمیت ارتجاعی خود را تثبیت کنند؛ غافل از آنکه این مزدوران، عزت بهتری پیش سلطان قابوس - این مهره امپریالیزم در خلیج فارس و سرکوبگر خلق ظفار و همدست شاه - پیدا کرده‌اند.

مردم مبارز بلوچستان و نیروهای مترقی!

در شرایطی که مبارزه مردم برای کسب خودمختاری و جبران عقب‌ماندگی‌ها رو به گسترش است، توطئه‌های امپریالیزم به کمک عمال داخلی آنها ابعاد وسیع‌تری یافته است. بلوچستان به خاطر موقعیت مهم استراتژیکی‌اش به طوری که درصد مهمی از نفت جهان از دهانه خلیج فارس عبور می‌کند و نیز داشتن ذخایر عظیم نفت، اورانیوم، طلا، منگنز و وجود نوکران آماده به خدمتی چون میرمولاداد، دکتر ملک‌زهی، محمدخان میرلاشاری، حاج کریم‌بخش سعیدی و ... چشم جهانخواران را به خود مشغول داشته است. دشمنان و غارتگران خلق بلوچ یعنی خوانین از ماه‌ها قبل با دولت عمان و عربستان سعودی ارتباط برقرار کرده و آمادگی خود را جهت توطئه و خیانت

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۶۳

اعلام داشته‌اند. این اواخر با آمدن بختیار، نوکر آمریکا به عمان و ملاقات با تنی چند از خوانین، برای نابودی خلق بلوچ هم‌پیمان شده‌اند. سفرهای مکرر دکتر ملک‌زهی و علم‌خان مبارکی جهت اخذ امکانات تسلیحاتی و معاهده دکتر ملک‌زهی، مدیر کل مستعفی بهداری و بهزیستی استان در سفارت آمریکا در پاکستان، ورود ۳۵ نفر ساواکی آزموده جهت تعلیم به منطقه دشتیاری، نشان از عمق فاجعه و خیانت دارد. هماهنگ‌کننده و سازمان‌دهنده خوانین در منطقه، سرگردی از گارد منحل‌ه جاویدان است که گویا او را «درخشان» می‌نامند. دیر وقت است که برنامه‌های تبلیغاتی‌شان آغاز شده و با فرستادن مبلغ در میان روستاییان و عشایر به توده‌ها می‌گویند به برادران محمدخان بپیوندید. همراه با آن یک هلی‌کوپتر مقداری آذوقه و مهمات جنگی و عکس‌هایی از سربازان تایوانی در حال تمرین عملیات نظامی و چریکی در یکی از کوه‌های اهوران به زمین ریخته‌اند و خوانین نیز دست به فروش زمین‌ها زده و به‌طور علنی به انبار اغذیه و مهمات می‌پردازند.

خلق مبارز بلوچ!

سال‌ها مشقت و رنج، دربه‌دری و آوارگی، نابرابری اجتماعی و عقب‌ماندگی بلوچستان، نقش ارتجاعی و ضد خلقی خوانین و سرمایه‌داران و دولت حامی آنها ثابت کرده که زحمتکشان و خلق‌ها فقط با نیروی آگاهی و اتحاد خود می‌توانند از یورش چپاولگران رهایی یافته و بلوچستان آباد را در داخل ایرانی آزاد و مستقل بنا نهند. رفت و آمدهای نمایندگان دولت، مانند استاندار انقلابی بلوچستان و فرمانده ژاندارمری، نزد خوانین از جمله محمدخان، مانورهای نظامی آزاد خوانین در منطقه و بخشش آنها توسط دولت، سرکوب خلق کرد توسط ارتش، ژاندارمری، خوانین، پاسداران و قیاده<sup>۱</sup> موقت و تیراندازی به سوی صیادان زحمتکش بندرانزلی، کارگران بی‌کار تهران، اصفهان و سایر شهرها همگی گواه این حقیقت است که این حکومت و سرمایه‌داران و خوانین آب‌شان در یک جوی می‌رود و منافع‌شان با منافع زحمتکشان و خلق‌ها در تضاد است.

۱. منظور از «قیاده موقت» گویا «دولت موقت» است! (ویراستار).

## ۱۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

در بلوچستان نیز جنگ زرگری بین خان‌ها و جمهوری اسلامی از طرف دولت برای سرکوب خلق و از جانب خوانین برای سوءاستفاده از جنبش مردم و گرفتن امتیازات بیشتر از دولت برای خودشان است. زمانی که زنان و مردان و کودکان بلوچ با فقر و نداری به سر می‌بردند و هر جوانی که توان داشت در گوشه‌ای از ایران یا شیخ‌نشین‌ها به دنبال کار می‌گشت، خوانین نظیر محمدخان در اصطبل‌های گرم و نرم‌شان (مجلس فرمایشی) مشغول بلعیدن و دروغ گفتن بودند یا با تصاحب آب و زمین دهقانان و اجیر کردن زحمتکشان بلوچ، به خیانت خود در بلوچستان می‌پرداختند و اکنون که مبارزه برحق مردم اوج گرفته، بی‌شرمانه ادعای طرفداری از مردم و جنبش می‌کنند. اعمال نه ماهه رژیم جدید کاملاً نشان داده که این دولت نه طرفدار زحمتکشان بلکه همانند رژیم طاغوت عملاً از سرمایه‌داران غارتگر حمایت می‌کند. زمانی که در کردستان، خلق دلیر کرد هدف گلوله‌های ارتش آمریکایی به فرماندهی کل قوا امام خمینی قرار می‌گیرند، قیاده موقت و دارودسته بارزانی این مزدوران رسوا و شناخته‌شده امپریالیزم، از طرف چمران، وزیر دفاع جمهوری اسلامی و جلاد خلق کرد، میهمان دولت اسلامی خوانده می‌شود. بارزانی و دار و دسته‌اش همان‌هایی هستند که به پاداش خیانت به خلق کرد، میهمان شاه در کاخ‌های عظیمه کرج بودند.

ما از زحمتکشان و خلق‌های سراسر ایران می‌پرسیم آیا زمامداران جمهوری اسلامی به پشتوانه همکاری با این جاسوسان و وجود عناصری چون چمران، تیسار فلاحی، شاکر [و] ظهیرنژاد - این ژنرال‌های ارتش شاه - ادعای طرفداری از ملت ایران و مبارزه با امپریالیزم دارند؟ آیا آنها به پشتوانه کشتار وحشیانه خلق‌ها و کارگران ایران، ادعای طرفداری از مستضعفین دارند؟ آیا در واقع آنها شرعاً و زیر پوشش اسلام از سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها دفاع می‌کنند؟ عوام‌فریبی‌های هیئت حاکمه و اعمال ضد کارگری و ضد خلقی آنها مخصوصاً سرکوب خلق کرد برای تمام زحمتکشان ثابت نمود که ریشه امپریالیزم و سرمایه‌داران بزرگ و مزدوران‌شان را فقط و فقط کارگران و خلق‌های تحت ستم با اتحاد و مبارزه مشترک خود می‌توانند از جا بکنند.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۶۵

خلق مبارز بلوچ!

خوانین، سگان دست آموزی هستند که وفاداری خود را به هر نیرویی که برای‌شان لقمه پرتاب کند، ابراز می‌دارند. مطمئن باشید که آنها لقمه‌های چرب و نرم امپریالیست‌ها را به سفره نیمه‌خالی و فقیرانه خلق بلوچ ترجیح می‌دهند. آنها همچون هیئت حاکمه فریبکار و حامی سرمایه‌داران، نه زحمت کشیده‌اند تا معنی رنج و زحمت را بدانند و نه دلشان برای آنها سوخته است. خلق دلیر بلوچ نه گول جار و جنجال‌های هیئت حاکمه را می‌خورد و نه به خوش‌رقصی‌ها و چهره عوض کردن‌های خوانین اعتمادی دارد.

خلق بلوچ، همانند سایر خلق‌ها و زحمتکشان و همراه با آنها با آگاهی و اتحاد خود به مبارزه برای کسب خودمختاری و رفع ستم طبقاتی ادامه داده و نه به عوام‌فریبان حاکم و نه به مزدوران ورشکسته‌ای چون قابوس و امپریالیست‌های حامی وی اجازه می‌دهد تا مبارزه حق‌طلبانه‌اش را به انحراف بکشانند.

نابود باد توطئه‌های امپریالیزم و ایادی مزدورش

مرگ بر عوام‌فریبان و سازشکاران

مستحکم باد پیوند مبارزاتی خلق‌های ایران

بامی استار - فداییان سیستان و بلوچستان - تکثیر از هسته هوادار بامی استار [پوست ۲۹]

### ۳ - اطلاعیه انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ

خواهران و برادران عزیز بلوچ

همه این موضوع را می‌دانیم که زبان و ادبیات بلوچ در اثر خفقان فرهنگی عصر سفاک پهلوی در حال از دست رفتن بود و اکنون که شرایط بهتری فراهم شده، باید مانند سایر خلق‌های ایران (کرد، ترکمن، ترک و ...) برای ترویج و اشاعه زبان و فرهنگ خود کمر همت را ببندیم. برای آغاز کار انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ به زودی نشریه‌ای که حاوی مطالب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ادبی است، منتشر خواهد نمود. از همه محققان، نویسندگان، شاعران و افراد علاقه‌مند تقاضا می‌شود برای احیای زبان و فرهنگ بلوچی از همکاری و مساعدت دریغ نورزند.

انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ [پوست ۳۰]

## ۱۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- نامه سرگشاده سازمان دموکراتیک بلوچستان به مهندس بازرگان - ۱۳۵۸/۱/۲۲

نامه سرگشاده به آقای بازرگان، نخست‌وزیر

این در خصلت هر انقلابی است که بتواند تغییرات بنیادی در یک جامعه به وجود آورده و روابط نوینی را جایگزین روابط ارتجاعی پیشین بنماید، و طبیعی است که مردم از انقلاب ایران انتظارات مشابهی را داشته باشند. در این نمی‌توان شک کرد که انقلاب ایران، انقلابی اصیل و دارای خصوصیت توده‌ای عظیمی بوده است. در این مبارزه، کارگران انقلابی، دهقانان مبارز و روشنفکران آزادی‌خواه و خلاصه تمام اقشار خلقی شرکت داشتند و بدیهی است که هرکدام از طبقات و اقشار فوق از دولتی که در شرایط سقوط شاه به قدرت می‌رسد انتظاراتی دارند که یکسان نیست. کارگران می‌خواهند از ستم سرمایه‌دار نجات پیدا کنند، کسبه و خرده‌فروشان خواهان آن هستند که از زیر فشار انحصارات و غول‌های خارجی در امان باشند، دهقانان می‌خواهند که به وضع کشاورزی و بهبود زندگی آنها توجه شود، روشنفکران می‌خواهند آزادی رشد فکری داشته باشند و غیره ... ولی همه آنها در یک سری از خواسته‌های خود مشترکند و آن هم آزادی‌های اجتماعی و حقوق دموکراتیک تضمین شده برای آنان است که دیگر زیر اعمال دیکتاتوری جدیدی قرار نگیرند و حقوق فردی و جمعی آنان تضمین شود. چنین تضمینی فقط از طرف دولت می‌تواند داده شود و نه از طرف این یا آن گروه. بدیهی است دولت جدید قبل از آنکه بتواند به تمام خواست‌های اقشار و گروه‌های فوق پاسخ دهد باید تمام ستون‌ها اتکای رژیم قبلی را از بین برده و روابط جدیدی را در جامعه به وجود آورد.

در درون این روابط جدید، شیوه‌های جدیدی نیز در رابطه با نیروهای خلقی باید اتخاذ گردد که با روش‌های رژیم سفاک شاه تفاوت اساسی داشته باشد؛ خواه این مسئله در رأی‌گیری باشد و یا در انتخاب افراد و سازماندهی کار و یا در چیزهای دیگر. ولی آیا دولت جدید و یا کمیته‌های امام در بلوچستان چنین کرده‌اند؟ بیایید بررسی کنیم:

۱- خوانین و سردارها: علی مبارکی، کریم‌بخش سعیدی، بهمن بارک‌زهی، محمدخان میرلاشاری، خداد ریگی و ...

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۶۷

۲- تحصیل‌کرده‌های مرتجع و خودفروخته: مانند غلامرضا حسین‌بر، حبیب‌الله ملک‌زهی، محسن درخوش و ...

۳- مولوی‌ها و ملاهای مرتجع و ناآگاه: مانند مولوی عبدالعزیز<sup>۱</sup> و مولوی قهرالدین و غیره ...

متأسفانه اکنون یعنی دوران پس از انقلاب که باید آن را دوران بهره‌برداری از پیروزی‌های انقلاب نام نهاد، دولت آقای بازرگان و کمیته‌های امام با اکثریت افراد فوق همکاری نزدیک دارند. خوانین ضد انقلابی که دیروز در بلوچستان گوش و بینی می‌بریدند و ناآرامی‌ها و آتش‌سوزی‌های اکثر شهرهای بلوچستان به طرفداری از شاه زیر سر آنها بود، هنوز آزاد می‌گردند و خدا می‌داند که چه توطئه‌هایی در سر دارند. آقای کریم‌بخش سعیدی، مسئول قتل عام مردم آهوران (منطقه‌ای بین ایرانشهر و چابهار) و جاسوس ساواک در کشورهای خلیج و پاکستان و آقای بهمن بارکزهی که حتی از لخت کردن زنان بلوچ برای گرفتن اعتراف ابا نداشت، هنوز آزادانه می‌گردند. وضع آقایان تقی ریگی و میرمولاداد و خیلی افراد دیگر نیز چنین است.

در مورد ملاها و تحصیل‌کرده‌های مرتجع، اوضاع از این نیز بدتر است. اگر خوانین آزاد می‌گردند، ملاها و تحصیل‌کرده‌های ارتجاعی از همکاران نزدیک دولت شده‌اند و از طرف امام و آقای بازرگان پیام نیز دریافت می‌کنند. آقای مولوی عبدالعزیز - کسی که شخصاً تعداد زیادی از روحانیون بلوچستان را ساواکی کرد و از آنجا برایشان جیره می‌گرفت - اکنون استاندار نیز تعیین می‌کند. آقای ملک‌زهی مشاور و همدم نزدیک سرهنگ رضوانی (رئیس ساواک بلوچستان) ارتقای مقام پیدا می‌کند و آقای درخوش، مدیحه‌سرای معروف هویدا و شاه که معروف خاص و عام است (این شخص از طرف حزب ایران نوین به دانشکده علوم حزبی و سیاسی معرفی شده بود) فرماندار می‌شود و دیگر آقایان چون گمشادزهی و ریگی و ابراهیم‌خان مبارکی و ده‌ها تن دیگر از

---

۱. برخلاف برخی از منتقدان، مولوی عبدالعزیز، شخصیت دینی برجسته و خواهان آرامش منطقه و آسایش مردم بود. در کنار این نظریه منتقدانه از ایشان، در کل مردم و دانشوران استان سیستان و بلوچستان نگاه مثبتی به ایشان دارند؛ از این رو، دکتر یزدی، در پیوست شماره ۶ مقاله‌ای در باره زندگی و فعالیت‌های دینی و اجتماعی ایشان آورده است (ویراستار).

خائنین نیز که در سطوح مختلف جزء مقامات دولت آقای بازرگان شده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که در عمل روش دولت جدید با رژیم شاه فرق زیادی نکرده است. حال سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چرا دولت آقای بازرگان و کمیته‌های امام با این افراد مرتجع همکاری می‌کنند؟ آیا ممکن است دولتی که خود را نماینده انقلابی خلق می‌داند با ضد خلق همکاری نماید؟ به نظر ما چنین سازشی فقط در صورتی ممکن است که دو طرف دارای ماهیت یکسان و مشابهی باشند. در غیر این صورت، مگر آیا افراد مترقی و مبارز در بلوچستان کم است که رژیم جدید مجبور شده است با مرتجعین همکاری نماید؟ آیا افراد مبارزی که سال‌ها در زمان شاه زندان و یا تبعید شده بودند همه زیر خاک رفتند؟ آیا آن روحانیون مترقی که حاضر نشدند خود را به ساواک بفروشند هم وجود ندارند؟ حتماً می‌گویند این افراد را نمی‌شناسیم. باید بگوییم متأسفانه این نمی‌تواند درست باشد. کافی است به پرونده‌های ساواک مراجعه نمایید تا تمام افراد مبارز را بشناسید. تا آنجایی که ما می‌بینیم این کار شده است، ولی مأمورین امام و دولت آقای بازرگان به جای اسامی مبارزین، اسامی ساواکی‌ها را درآورده و با آنها همکاری می‌کنند. در مقابل، انقلابیون مورد انواع و اقسام تهمت‌ها قرار می‌گیرند. با افرادی که در زمان رژیم شاه در زندان افکنده شدند و مورد ظلم و جور قرار گرفتند، هم اکنون رفتار تقریباً مشابهی می‌شود. از جهت روش کار نیز مأمورین دولت جدید و نمایندگان امام نیز متوسل به همان شیوه‌های محمدرضا شاهی می‌شوند. به‌عنوان مثال، همان روش‌هایی که مأموران شاه در رأی‌گیری برای حزب رستاخیز به کار می‌بردند، اکنون نیز به کار برده می‌شود. اگر مأمورین شاه مردم را با زور به پای صندوق رأی می‌کشاندند و در صورت لزوم، رقم‌سازی می‌کردند، اکنون مشاهده شده که در جریان فراندوم برای حکومت اسلامی، در پاره‌ای از نقاط بلوچستان ملاهای مرتجع اعلام کرده‌اند که هر شخصی که به جمهوری اسلامی - حتی بدون اینکه بدانند جمهوری اسلامی چیست - رأی مثبت ندهند زن او طلاق می‌شود و یا اینکه هر کس رأی قرمز بدهد به معنی آن است که روس‌ها می‌آیند و مادر و خواهر او را برای خود می‌برند. و یا در بعضی جاها که مردم بی‌سواد هستند، قسمت سفید و قرمز کارت را پاره کرده و فقط قسمت سبز آن را داده‌اند که کارت همین



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۶۹

است. روی هم رفته روش‌های رستاخیزی بسیار به‌کار برده شده است. خارج از این، برای ما جالب است که گفته شده عده‌ای در لباس چپ، مردم بلوچستان را از رأی دادن منع می‌کنند و اینها حافظ منافع آمریکا هستند و غیره. اولاً باید بگوییم که تا حالا دولت آقای بازرگان منافع آمریکا را ... (چون صفحه را خوب اسکن نکرده‌اند، دو خط آخر صفحه، افتادگی دارد).

[اولاً] انحصارات، بانک‌ها و به‌طور کلی سرمایه‌های امپریالیست‌ها در ایران هنوز روشن نیست. تا آنجا که ما شاهد وقایع هستیم مؤسسات مزبور مانند گذشته به فعالیت‌های استثمارگرانه خود مشغول هستند.

ثانیاً مشاهده می‌شود که این دولت آقای بازرگان است که هنوز نتوانسته در مقابل امپریالیسم موضع قاطعی بگیرد و الا ما از همان آغاز دولت، نسبت به ارتجاع ملی بلوچستان و هدف‌های استثمارگرانه امپریالیسم هشدار داده‌ایم و هنوز مطمئن نیستیم که خطر رفع شده است.

ثالثاً اگر هم تا الآن در بلوچستان کار به زد و خورد نکشیده، دقیقاً به علت رفتار هوشمندانه نیروهای مترقی بوده است که حد اکثر سعی کرده‌اند تا تکلیف نهایی موضع دولت، دست به عملیات خشونت‌بار نزنند و الا رفتار ضدانقلابی مأمورین دولت و تشکیل کمیته‌ها با شرکت ساواکی‌ها و رستاخیزی‌های سابق و خلاصه همکاری فعال ارتجاعیون سابق با دولت جدید، اصلاً برای ما قابل تحمل نیست و طبیعی است که اگر این روش دولت ادامه پیدا کند، ما مجبور خواهیم شد روی موضعمان نسبت به دولت جدید تجدید نظر کنیم. ما معتقدیم دولت فعلی زمانی می‌تواند نماینده انقلاب باشد که حداقل برنامه‌های زیر را در سطح کشور و منطقه بلوچستان جامه عمل بپوشاند:

۱- تغییر بنیادی ارتش ضد مردمی به ارتش مردمی تا از وقایعی شبیه آنچه در کردستان و گنبدکاووس پیش آمد جلوگیری شود و بتواند از دستاوردهای انقلاب پاسداری نماید.

۲- قطع کامل نفوذ امپریالیسم در زمینه‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی و سپردن سرمایه‌های امپریالیست‌ها به مردم.

## ۱۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۳- سپردن امور به دست خود مردم از طریق شوراهای مردمی. در این رابطه باید گفته شود که ضد انقلابی‌ها و ارتجاعیون در این شوراها به هیچ وجه نباید جایی داشته باشند.

۴- رفع کامل ستم ملی، اقتصادی و مذهبی از خلق‌های تحت ستم در ایران و به رسمیت شناختن حقوق دموکراتیک ... طبیعی است که در اینجا نیز عوامل ارتجاعی نباید جایی داشته باشند.

۵- تضمین آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب و سایر حقوق فردی و اجتماعی مردم.

۶- دستگیری و مجازات عوامل ضدانقلابی که هنوز هم در بلوچستان آزادانه می‌گردند و بعضی از آنها با دولت همکاری دارند.

۷- قطع ارتباط دولت با مرتجعین و همکاران قدیم سابق به شرحی که در بالا آمده است و سپردن امور مردم به دست خود مردم، نه به دست ارتجاعیون. به نظر ما چنانچه دولت نتواند برنامه حداقل فوق را پیاده کند، نمی‌تواند نماینده انقلابی مردم باشد، ولو اینکه میلیون‌ها رأی - چه ساختگی و چه واقعی - را نصیب خود نماید. تاریخ این را به ما می‌گوید. تاریخ ایران رستاخیزی، آلمان نازی و غیره ...

سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان - ۱۳۵۸/۱/۲۲

۵- نامه جامعه آزادی‌خواه بلوچ به معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب، در باره نقش گروه‌های وابسته به شاه

۱۳۵۸/۳/۹

معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب

بسمه تعالی

با مشاهده اعلامیه کمیته تبلیغات «حزب اتحاد المسلمین» که ضد انقلابیون را به سه گروه تقسیم کرده بودند، ما را بر آن داشت که شمه‌ای از گروه دوم (سرداران ساواکی) را با توجه به مشاهدات عینی بازگو کنیم و وجدان و خرد همه مردم بلوچ را که سخت از عملیات ننگین و پلید این گروه جریحه‌دار می‌باشد تسکین دهیم؛ باشد که به همت و مجاهدت شما روحانیون انسان‌دوست و سایر مقامان ذی‌صلاح و

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۷۱

باوجدان، مردم بی‌پناه بلوچ نجات پیدا کرده، بدانند که شما حامی این زالوصفتان خون‌آشام به نام خان نیستید و بدانند رژیم عوض شده، اسدالله علم و خزیمه علم و غیره وجود ندارند.

۱- در گذشته برای بهره‌برداری و گرفتن امتیاز از دولت وقت، جوانان بلوچ را به جان هم انداخته و وقتی که یکدیگر را به خاک و خون می‌کشیدند به توصیه جناب سردار، آنان را به شیخ‌نشین‌ها فراری و سپس برای اینکه پاداش و مقرری خود را از ساواک دریافت دارد گزارش می‌دادند که فلان جوان بلوچ برای تعلیم چریکی به عراق و لیبی و یمن رفته که او ناچاراً پس از مدتی کار به ایران مراجعت و بنا به سنت دیرینه و برای دفاع از خود یک قبضه اسلحه به همراه می‌آورد و جناب سردار با این شناخت، خود را به اسدالله علم رسانده و اعلام می‌کرد که عده‌ای چریک تعلیم‌دیده برای به هم زدن اساس حکومت به ایران آمده‌اند؛ اگر اجازه دهند آنان را تحویل دهیم. بلافاصله این نادانی را به شرف عرض می‌رساند و حضرت سردار به کمک ساواک، بلوچ بدبخت ساده را اغفال به اینکه تو اسلحه خود را تحویل بده و بگو من تعلیم چریکی دیده‌ام، به تو مقرری ماهیانه ۵۰۰۰ ریال از ساواک داده می‌شود. او نیز با سادگی که دارد و با اعتمادی که از سالیان دراز بلوچ‌ها نسبت به خان دارند، می‌پذیرند. ملاحظه می‌فرمایند با این اعمال، شریک دزد و رفیق قافله هستند.

۲- قبل از انجام انتخابات، کشتاری راه انداخته و به کمک ساواک عده‌ای بلوچ بی‌گناه را به‌عنوان قاتل اسیر و با رسیدن به خدمت ارباب خود اسدالله علم اعلام می‌کند امنیت را در منطقه به وجود آورده و او نیز به پاس این دسیسه‌بازی، او را به‌عنوان نماینده مجلس به همین مردم ساده تحمیل می‌کند. آری این بود زندگی و رویه جناب سردار در رژیم سابق و اما برای اینکه در رژیم فعلی جایی برای خودش باز کند از چه حربه‌ای استفاده می‌کند؟ ذیلاً ملاحظه می‌فرمایند.

الف- با نقشه قبلی کریم‌بخش سعیدی و بهمن بارکزایی، نمایندگان قلابی مجلس و میر مولاداد سردارزهی با مشورت علم مبارکی و امان‌الله مبارکی و محمد میرلاشاری، مراد سلطانی‌پور را در چابهار به گروگان گرفته در قبال ۵۰۰ هزار تومان و با نقشه و دسیسه طرفین او را آزاد و سپس پول‌ها را با کسری حدود یکصد هزار تومان پس

## ۱۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌دهند که در نتیجه با این اقدام نشان می‌دهند دزدها با ما مخالف ولی ما قادر به کنترل و دستگیری سارقین هستیم و صاحب قدرت می‌باشیم.

۳- دو نفر به نام‌های رسول‌بخش و اعظم از عوامل علم مبارکی (پدرخانم آقای ابراهیم مبارکی و معاون استانداری و امان‌الله مبارکی در کُنارک افراد بی‌گناه را به قتل رسانیده از آنان باج می‌گیرند و علم مبارکی برای لوٹ کردن قضیه، وانمود می‌کند که سارقین با او مخالف و از ترس به زاهدان آمده، درحالی‌که در تقسیم پول با سارقین شریک هستند.

۴- ربودن پسر شیخ عبداللهی به وسیله ایادی بهمن بارکزایی و بعد با تظاهرات و پادرمیانی بهمن بارکزایی پس از مدتی آزاد می‌شود. نمی‌دانیم به این فرم گانگستری‌بازی چه اسمی باید گذاشت؛ آیا این است شرط مسلمان و در کجای اسلام چنین گفته شده و آیا همکاری با انقلاب و جامعه مسلمان همین است؟ به هر حال چون افراد بلوچ انسان‌های قانع و بلامطیع هستند حیف است که لکه ننگ دزدی به دامن بلوچ باشرف و باوجدان که همیشه از دزدی نفرت داشته، وسیله سردار - که از سرسپردگان رژیم سابق است - بچسبد؛ از این رو، خواهشمند است هرچه زودتر آنان را دستگیر [کنید] چون مطمئن باشید برخلاف آنچه می‌گویند آنان توپ توخالی بیش نبوده و هرگز پایگاه مردمی ندارند.

استدعا داریم مراتب را به رهبر انقلاب اعلام تا برای رهایی مردم از اضطراب و نگرانی با ایجاد امنیت و تقویت نیروهای انتظامی دستوری صادر فرمایند و یا اگر مصلحت می‌دانند اجازه دهند مردم بلوچ برای دفاع از حقوق و ناموس خود مسلح شده مطمئناً کلیه خوانین را به سر جای خود نشانده و تحویل عدالت اسلامی خواهند داد تا به سزای اعمال ننگین خود برسند.

جامعه آزادی‌خواه بلوچ [پیوست ۳۱].

۶- نامه دانشجویان سیستان و بلوچستان در دانشگاه مشهد به امام خمینی در باره حل مشکلات آن استان و دستگیری ساواکی‌ها

تاریخ: ۱۳۵۸/۴/۴

بسمه تعالی

حضور رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۷۳

احتراماً با درود و سلام فراوان، دانشجویان سیستان و بلوچستان دانشگاه مشهد معروض می‌دارند: با توجه به اوضاع و احوال ایران و اقداماتی که از طرف دولت اسلامی در مملکت صورت گرفته تاکنون نسبت به استان سیستان و بلوچستان که دارای موقعیت جغرافیایی خاصی است، هیچ‌گونه اقدامی انجام نگرفته است، لذا ما دانشجویان بنا به وظیفه وجدانی و اسلامی‌مان مسائلی چند را در مورد این استان که یکی از عقب افتاده‌ترین منطقه‌های ایران است و مردم آن بیش از سایر مناطق ایران زیر ظلم و ستم ارباب و حکام ستم‌پیشه بوده‌اند یادآور می‌شویم. امیدواریم که دولت اسلامی توجهی نموده و به ندای خلق محروم و مستضعف این منطقه پاسخ مثبت دهند.

۱- با توجه به اینکه نظر دولت اسلامی تصفیة عناصر ناباب و عمال رژیم منفور پهلوی در سراسر ایران می‌باشد، متأسفانه هنوز در این استان بخصوص منطقه سیستان، ساواکی‌ها و عمال رژیم سابق بدون هیچ‌گونه دردسری به زندگی خویش ادامه می‌دهند و بیشتر کسانی که در پست‌های مهم اداری بوده‌اند هنوز نیز بر توسن مراد سوار و هیچ‌گونه اقدامی از طرف کمیته‌ها جهت پاکسازی و تصفیه صورت نگرفته است.

۲- مالکان و خان‌هایی که برای سال‌های متمادی دسترنج کشاورزان و دهقانان را به یغما برده‌اند و بر جان و مالشان سلطه مطلق داشته‌اند، اکنون نیز از آسایش و آرامش هرچه بیشتر برخوردارند و در آشفته کردن وضع منطقه از هیچ‌گونه دسیسه‌ای فروگذار نیستند.

۳- راه‌های شهر به روستا که مهم‌ترین مسئله حیاتی برای روستاییان منطقه می‌باشد، در تمام استان مشکلات زیادی به بار آورده و باید در اولین فرصت این راه‌ها احداث شده و حداقل شن‌ریزی گردد. ضمناً باید افزود که پاسگاه‌های این ناحیه بیش از حد تضعیف گردیده و هیچ‌کنترلی از طرف این مقامات اعمال نمی‌شود و احتمال توطئه و ورود اسلحه از نواحی مرزی این منطقه حتمی است؛ لذا تقاضا داریم به این جنبه از کمبودها بیشتر توجه شود.

۴- با توجه به سوابق تاریخی سیستان که این ناحیه انبار غله ایران به شمار می‌آمده و استعداد کشت هرگونه محصولی را داشته و دارد، برای بهبود وضع کشاورزی این

## ۱۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

منطقه، مسئله اساسی تهیه و تأمین آب منطقه هست و بر اساس تحقیقاتی که انجام شده تنها راه ممکن، حفر چاه عمیق می‌باشد و همچنین تأمین آب حیاتی منطقه و احیای قنوات و کانال‌کشی در سطح استان؛ و مسئله دیگر دامپروری است که به علت از بین رفتن جنگل‌ها و نبودن آب تا حد نابودی رسیده است و باید خیلی سریع مورد بررسی قرار گرفته و از این لحاظ احیا شود.

۵- کمبود دبستان، دبیرستان کلاس‌های آموزش فنی در سطح شهر و روستاهای این استان مشاهده می‌شود. پیشنهاد می‌کنیم کلاس‌های کوتاه‌مدت جهت آموزش جوانان و تأمین نیروی انسانی در استان به صورت انقلابی انجام پذیرد.

۶- عدم بهداشت کافی و بیمارستان در قصبات و دهات و کمبود آن در شهرهای استان مشاهده می‌شود.

۷- احتیاج به پزشک متخصص با امکانات لازم.

۸- چاره‌جویی برای دهات و روستاهایی که در مسیر شن‌های روان قرار دارند. آنچه در فوق ذکر شد، فهرستی از نیازمندی‌های اساسی و احتیاجات مبرم این منطقه می‌باشد که در صورت کوتاهی دولت جمهوری اسلامی، احتمال از هم پاشیده شدن رشته حیاتی مردم این ناحیه بیش از پیش می‌رود. ما از دولت جمهوری اسلامی که حامی زحمتکشان و مستضعفان است، استدعا داریم که برنامه فوق را به صورت انقلابی به وسیله نیروی جوان در منطقه پیاده نموده و جامعه‌ای را از پریشانی و اندوه، نجات بخشند.

۹- ما دانشجویان سیستان و بلوچستان آمادگی خود را جهت هر نوع اقدام و عمل انقلابی و همکاری و همگامی با دولت جمهوری اسلامی اعلام می‌داریم.

با تقدیم احترامات

دانشجویان سیستان و بلوچستان مقیم مشهد

۱- رونوشت جهت اقدامات لازم به مجاهد کبیر آیت‌الله طالقانی.

۲- رونوشت جهت اقدامات لازم به استاندار سیستان و بلوچستان، برادر دانش

نارویی [پیوست ۳۲].

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۷۵

### ۷- اعلامیه‌های اتحاد المسلمین در مورد فراندوم

واحد مرکزی خبر - زاهدان: شماره ۸ شهرستان‌ها - ۱۳۵۸ / ۶ / ۷

برای اطلاع

این اطلاعیه امروز از سوی اقشار و جامعه اهل سنت و جماعت حزب اتحاد المسلمین در شهر زاهدان منتشر شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

با اعتقاد به جمهوری اسلامی و تمامیت ارضی ایران بر همه ملت ایران بخصوص مردم سیستان و بلوچستان روشن و آشکار است که از یک سال قبل از پیروزی انقلاب، روحانیت اهل تسنن این منطقه برای پیروزی نهضت اسلامی، همکاری و فداکاری مستمر داشته‌اند، تا حدی که مورد اتهام توده مردم و گروه‌های افراطی چپ و راست قرار گرفته‌اند. این همکاری با شرکت وسیع در تأیید نظام جمهوری اسلامی تا هنگام برگزاری فراندوم ادامه داشت تا آنجا که زمزمه تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان آغاز حرکتی بود در جهت تأسیس تغییر مسیر واقعی انقلاب اسلامی و همه احزاب و گروه‌های مترقی و مذهبی ملت ایران بخصوص روحانیت اهل تسنن و روشنفکران بلوچ را از وجود توطئه‌های عمیق ضد مردمی آگاه نمود؛ به طوری که تحریم شرکت در انتخابات مجلس خبرگان از طرف گروه‌های مترقی به حضرت مولوی عبد العزیز - رهبر جامعه اهل سنت بلوچستان - پیشنهاد شد، ولی از آنجا که ایشان علاقه‌مند به تحکیم جمهوری اسلامی و وحدت و یکپارچگی ملت ایران بوده است از مردم خواستند که در انتخابات شرکت کنند و از طریق مذاکره و بحث منطقی و مذهبی، حقوق ملی و مذهبی خود را کسب خواهیم نمود که به دنبال آن، پس از دفاع برحق نماینده ما در مجلس خبرگان - که از طریق رسانه‌های گروهی از نظر ملت ایران گذشت - به دلیل ترکیب نامناسب این مجلس، مورد توجه قرار نگرفت. حال با انتشار قانون اساسی از رسانه‌های گروهی، باعث بلند شدن صدای اعتراض همه اقشار مردم بلوچستان و سایر مناطق سنی‌نشین مانند استان ساحلی مازندران، خراسان، کردستان و غیره شده‌اند. برای هماهنگی و اتخاذ سیاست واحد، نمایندگان اقشار مختلف مردم اهل سنت و جماعت بلوچستان، پس از چندین نشست و بررسی دقیق

## ۱۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

قانون اساسی منتشر شده، به این نتیجه رسیده‌اند که به دلایل کلی زیر شرکت در فراندوم مربوط به این قانون را به نشانه ابراز مخالفت خود تحریم نمایند و در این تصمیم‌گیری، نمایندگان جامعه اهل سنت و جماعت منطقه خراسان، استان ساحلی گنبد از طریق مذاکره تلفنی، هماهنگی و موافقت خود را با عدم مشارکت در همه‌پرسی و تحریم آن به‌طور کلی ابراز نموده‌اند ...

### تحریم فراندوم

خبرگزاری اخبار شهرستان‌ها، شماره ۶ - ۱۳۵۸/۷/۹

توجه

به قرار اطلاع در آستانه برگزاری فراندوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، آقایان مولوی‌ها و روحانیون مردم بلوچ جلسه‌ای در زاهدان تشکیل دادند. در این جلسه ضمن بررسی مسائل مربوط به فراندوم قانون اساسی در این استان، گویا تصمیم گرفته شده است که شرکت در فراندوم قانون اساسی جمهوری اسلامی تحریم شود و علت آن چنین ذکر شده است که اگر شرکت کنیم و «نه» هم بگوییم قانون اساسی از تصویب ملت مسلمان خواهد گذشت و نه گفتن ما اثری نخواهد داشت؛ درحالی‌که تحریم، اثری بیشتر خواهد گذاشت و نشان‌دهنده این مسئله خواهد بود که حق اقلیت‌های مذهبی سنی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته نشده است.

از سویی دیگر بر اساس گزارش‌های رسیده به واحد مرکزی خبر زاهدان، حضرت مولوی عبدالعزیز - رهبر مذهبی برادران اهل تسنن - و دیگر مولوی‌ها شدیداً تحت فشار قرار گرفته‌اند که تصمیم مربوط به فراندوم قانون اساسی از سوی مردم بلوچ در استان سیستان و بلوچستان گرفته شود.

این گروه‌های فشار را بیشتر به اصطلاح روشنفکران بلوچ و چپی‌ها (بلوچ‌های غیرمذهبی) تشکیل می‌دهند. بدیهی است با توجه به جو سیاسی حاکم بر منطقه، بر اثر تحریم فراندوم قانون اساسی، آن هم از سوی روحانیت بلوچ، فرصت‌طلبان و ضدانقلاب و چپی‌های منطقه درصدد هستند با ایجاد آشوب و بلوا، امنیت و آرامش



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۷۷

این استان را برهم بزنند. در این حال، حوادث چابهار و شهادت سه پاسدار و زخمی شدن دو تن از آنان در نیک‌شهر، نشان‌دهنده فضای ناراحت‌کننده‌ای است که به اعتقاد ما از سوی گروه‌هایی که ذکر شد، به وجود می‌آید. در رابطه با این مسئله، دادستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان امروز حاضر نشد در مصاحبه تلویزیونی در باره قانون اساسی شرکت کند و گفت در حال حاضر با توجه به جو فعلی سیاسی در منطقه، شاید صلاح نباشد بعضی صحبت‌ها بشود و افزود: منتظر بازگشت استاندار از منطقه است تا پس از مذاکره با استاندار و چند تن از روحانیون در این مورد، واحد خبر مرکز زاهدان را آگاه سازد.

### اعلامیه حزب اتحاد المسلمین در اعتراض به قانون اساسی و برخی از اصول سیاسی آن

خبرگزاری اخبار شهرستان‌ها - شماره ۹ زاهدان و ما

۱- قانون اساسی طبق موازین مذهب تشیع [نوشته شده] و بدین ترتیب حقوق مذهبی مردم بلوچستان و سایر مناطق سنی‌نشین را کلاً نادیده گرفته است و در این کشوری که بیش از ثلث جمعیت آن را پیروان اهل تسنن تشکیل می‌دهند، امری است غیرقابل قبول. به علاوه این امر با دستورات دین مبین اسلام که در آن برابری و برادری و اتحاد از ارکان اساسی می‌باشد، مغایرت دارد.

۲- قانون اساسی حقوق ملی از جمله حق خودمختاری داخلی مردم بلوچستان و سایر خلق‌های مسلمانان را نادیده گرفته است و این در کشوری که بیش از نیم جمعیت آن را این اقوام تشکیل می‌دهند، امری غیر قابل قبول است.

۳- محتوای فعلی قانون اساسی با توجه به ولایت فقیه علاوه بر ایجاد زمینه مخالفت برای اکثریت گروه‌های وطن‌پرست و ملی کشور، متأسفانه یک ستم را بر ستم‌های رژیم گذشته اضافه نموده و آن ستم مذهبی است و آن چیزی است که واقعاً تحمل‌ناپذیر است.

۴- مردم بلوچستان اعتقاد دارند تا زمانی که در کلیه امور مربوط به خود دخالت مستقیم و کافی نداشته باشند، برطرف شدن نابسامانی‌ها و رشد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود و اعمال فشار و ستم‌های آگاهانه و ناآگاهانه مأمورین مرکزی بی‌خبر از واقعیات منطقه‌ای، همچنان ادامه خواهد داشت.

۵- ما ضمن محکوم نمودن سیاست‌های تفرقه افکنانه مقامات استان - که در چند ماهه اخیر به اوج خود رسیده است - از آنها می‌خواهیم با توجه به اینکه کلیه اقشار جامعه اهل سنت و مردم بلوچ در این فراندوم شرکت نخواهند کرد، در رأی‌گیری و شمارش آرا از هرگونه عملی که نتیجه با واقعیات ترکیب جمعیت مطابقت نداشته باشد، پرهیز نمایند. همچنین در تماس تلفنی که واحد خبر مرکز زاهدان با مولوی عبدالعزیز، رهبر مذهبی اهل تسنن بلوچستان، داشته است، ایشان گفتند: مردم از من خواستند و من هم به غیر از حرف مردم نمی‌توانم چیزی بگویم و این اطلاعیه را تأیید می‌کنم [پیوست ۳۳].

۸- گزارش‌های تحلیلی رادیو - تلویزیون ملی ایران از استان سیستان و بلوچستان  
شماره: ۲۳۱۰۱۶۷/۸۴۵ - تاریخ: ۱۳۵۸/۵/۱۰

جناب آقای مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران به استحضار می‌رساند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دو گزارش تحلیلی از استان سیستان و بلوچستان توسط کارشناسان این سازمان تهیه شده است. در این گزارش‌ها، علاوه بر طرح مسائل و پیشنهادهایی در زمینه گسترش شبکه‌های رادیو - تلویزیونی و برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در آن مناطق، به نهادهای سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و ... ویژگی‌های منطقه از دیدگاه دو جامعه سیستانی و بلوچ و تضاد موجود میان آن دو در ارتباط با فعالیت‌های اداری در سطح استان اشاره رفته است و در هر زمینه نیز پیشنهادهایی ارائه شده است.

از آنجا که موارد یادشده می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ای برای بحث در سطح اقدامات دستگاه‌های اجرایی دولت در مناطق مختلف آن استان مورد توجه و تأمل قرار گیرد، یک نسخه رونوشت از قسمت‌هایی از دو گزارش راجع به موضوع‌های یادشده به پیوست ارسال می‌شود.

توضیح آنکه مواردی از دو گزارش که به مسائل رادیو - تلویزیون اختصاص دارد در دست بررسی قرار دارد و در رونوشت گزارش ارسالی منعکس نشده است.

سرپرست صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

امضا: صادق قطب‌زاده

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۷۹

### ۱-۸- گزارش رادیو - تلویزیون ملی ایران از استان سیستان و بلوچستان

رادیو - تلویزیون ملی ایران

باسمه تعالی

در جنوب شرقی ایران دو قوم سیستانی و بلوچ زیست می‌کنند. در شمال منطقه، سیستانی‌ها با زبان سیستانی (دری و سگزی)، مذهب شیعه و ناسیونالیزم شدید ایرانی؛ و در جنوب منطقه، بلوچ‌ها با زبان بلوچی (یکی از زبان‌های ایرانی) و مذهب سنی حنفی و ناسیونالیزم جوان و دو آتشه بلوچی.

هر یک از این دو قوم، تاریخ ویژه خود را پشت سر دارد که عجزاً و عجلتاً وارد بحث آن نمی‌شوم و به همین قدر کفایت می‌کنم که تقریباً در طول تاریخ، نوعی تضاد بین این دو قوم وجود داشته است که در بسیاری موارد به مراحل حاد می‌رسیده است. کاری به این عوامل تضاد تاریخی هم ندارم؛ زیرا از حوصله این مقال بیرون است. این تضاد هم‌اینک وجود دارد. هرچند حکومت مرکزی ایران می‌خواهد در جهت وحدت ملی آن را ملایم کند، ولی از آن رو که بلوچ‌ها خواستار از بین رفتن این تضاد در جهت وحدت بلوچی و تفوق قومی بلوچی بر سیستانی‌اند، سیستانی‌ها سعی می‌کنند این تضاد را دامن بزنند که اگر جز این باشد ماهیت قومی‌شان در خطر تحلیل در بلوچیزم است. برای اثبات این نکته که بلوچ‌ها چه نقشه‌های پنهان و آشکاری برای بلعیدن سیستان دارند و حل کردن قوم سیستانی در فرهنگ بلوچی هم دلایل فراوان است که فرض را بر این می‌گیرم که خواننده متوجه آن هست و وارد بحث نمی‌شوم.

می‌بینیم که با همین اندک، یک مسئله روشن می‌شود و آن تضاد درون منطقه و بین سیستانی و بلوچ است. این تضاد از سوی سیستانی‌ها در بعد دفاعی‌اش مطرح است که سیستانی بلوچ نشود، و از سوی بلوچ در بعد تعرضی‌اش که هرچه زودتر سیسانی را بلوچ کرده یا از منطقه کوچ دهد و ترکیب قومی را یکدست و فرهنگش را یکپارچه بلوچ کند.

حال برای اینکه دولت مرکزی بخواهد در این بین دخالت کند، بسته به اینکه دولت مرکزی بخواهد در کدام جهت اقدام کند راه‌های مختلفی است که عجزاً اگر فرض کنیم دولت بخواهد به داد سیستانی‌ها - که زیر آوارهای تیز ناسیونالیزم

## ۱۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دوآتشه جوان و عظمت‌گرای بلوچیزم له می‌شوند، برسد - اقدام‌های زیر را در کوتاه مدت و بلندمدت باید برای جامعه سیستانی انجام دهد.

۱- روشن کردن وضع آب هیرمند برای سیستان، هم با قرارداد مطمئن با افغانستان و هم با ایجاد شبکه‌های دقیق آبیاری در این منطقه و در نتیجه عمران سیستان که اقتصاد، بقای این قوم در منطقه است.

۲- چون اکثریت ۹۵ درصد جامعه سیستانی کشاورز و دامدارند و اکثرشان از سیستان مهاجرت می‌کنند. تا سر و سامان یافتن کشاورزی و عمران سیستان، دولت طرحی پیاده کند که کلیه سیستانی‌های کارمند، ارتشی و فرهنگی را برای حفظ تعادل قوا به سیستان و بلوچستان منتقل کند.

۳- در بخش خصوصی و مشاغل آزاد - با آنکه مثلاً ۶۴ درصد جامعه زاهدان، سیستانی است - دولت‌های رژیم گذشته، کلیه بازارهای ساخته‌شده از سوی شهرداری را صد در صد در اختیار بلوچی‌ها گذاشت و با این کار هم بلوچ‌ها را به شمال استان پیش راندند و هم برایشان قدرت اقتصادی فراهم آوردند که سرانجام منجر به قدرت سیاسی و نظامی هم شد. این وضع [باید] عوض شود.

۴- قدرت اقتصادی و سیاسی بلوچ باعث شد کارمندان و مسئولان خودفروخته رژیم گذشته برای بقای پست‌های خود، امکانات بوروکراسی خود را در اختیار بلوچ‌ها قرار دهند؛ به این ترتیب بوروکراسی استان هم شد بوروکراسی در اختیار بلوچ. به‌عنوان مثال سال ۱۳۵۵ که سیستان را آب برد، برای کمک به سیل‌زدگان سیستان چهار میلیون تومان پول اختصاص یافت، اما استاندار وقت (آقای منیعی) بدون دلیل سه میلیون تومان آن را به بلوچ‌های بلوچستان داد و چون با اعتراض سیل‌زدگان سیستان روبه‌رو شد، آن یک میلیون را هم به بلوچ‌ها داد. این وضع در دولت‌های انقلابی [باید] اصلاح شود.

۵- در مناطق سیستانی‌نشین و در سیستان، روحانیت بلوچ سخت تلاش می‌کند نفوذ کند و این در حالی است که روحانیت شیعه در آن مناطق هیچ برنامه دفاعی و حتی هیچ آگاهی دفاعی ندارد. این وضع بسیار خطرناک و قابل توجه است.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۸۱

۶- رژیم گذشته علناً به بلوچ‌ها، به جای کمک دادن و زندگی‌سازی، باج به بدترین معنی کلمه می‌داد. به قشر چماق‌دار بلوچ، حمل قاچاق را باج می‌داد و به روشنفکر و کلاس‌دیده بلوچ، باج بوروکراسی پست‌های دولتی را می‌داد و برایشان رابطه مستقیم با دربار به وجود می‌آورد و حال آنکه سیستانی‌ها با چندین برابر سواد آموخته خود در کارهای معمولی اداری خدمت می‌کردند و از آنجا که در حس رقابت خود با بلوچ‌ها این وضع را نمی‌توانستند تحمل کنند، ناچار از این منطقه مهاجرت می‌کردند و در نتیجه در جامعه سیستانی، فرار مغزها سریع‌تر از فرار بازوها شد. حکومت انقلاب سعی کند از این پس مسئولیت‌ها را به لیاقت‌ها بسپارد و نه به قبیله‌ها. با این حساب جامعه روشنفکر سیستانی حتماً به سهم عادلانه و سازنده خود در منطقه خواهد رسید.

۷- سعی شود در بلندمدت، سیستان با شهرهای زابل، زاهدان و نهبندان - که در سال ۱۳۱۴ از زابل مجزا شده و جزو بیرجند شد - و احیاناً خاش استان مستقل سیستان، و بلوچستان با شهرهای ایرانشهر، سراوان، بمپور، چابهار استان مستقل بلوچستان را تشکیل دهد.

۸- فئودالیزم سیستان که بر اثر تکامل علمی جامعه سیستان به سوی سرمایه‌داری - و یا به عقیده من به سوی فوج‌گرایی و به هم ریختن نظام قبیله‌ای در هیچ چیز جایگزین آن نشدن - و برای حفظ قدرت خود نیرویی در درون خود حس نمی‌کند، به فئودالیزم بلوچ وابسته شده است و این نوعی خفقان قومی و تسلط پنهان بلوچیزم را بر شئون جامعه سیستانی به وجود آورده است و باید با حمایت از روشنفکران سیستانی که آگاه به این امر هستند، آنها را به مرور جانشین فئودال‌های وابسته و خائن کنیم و سعی شود اینها الگوهای آینده سیستان باشند.

۹- روشنفکران سیستان یا بهتر است بگویم درس‌خوانده‌هایشان شدیداً دچار اوپورتونیزم<sup>۱</sup> به بدترین معنی و گسترده‌ترین معنی کلمه‌اند و به همین جهت، چندان

---

۱. Opportunisme: اپورتونیزم یا اپورتونیزم به معنی مسلک ابن‌الوقت بودن و به سرعت برحسب تغییر اوضاع سیاسی یا تغییر رژیم یا زمامدار بنا به نفع شخصی تغییر عقیده دادن را گویند. این اصطلاح بیشتر در فلسفه کمونیزم و از طرف نویسندگان و فلاسفه کمونیست در مورد طبقات متوسط (بورژواها) ←

## ۱۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

در کار ملت‌سازی جامعهٔ سیستانی موفق نیستند. باید در نجاتشان از این وضع کمک کرد. برای این کار [باید] عقده‌هایشان را در تجربه نکردن پست‌های دولتی از آنها زدود. روابطشان را با روشنفکران و ملت‌مردان مرکز زیاد و نزدیک کرد و از انزوای سیاسی و فکری درشان آورد.

۱۰- این وضع برای روحانیت سیستان هم وجود دارد؛ به اضافهٔ اینکه رقابت‌های آخوندآبانه هم در اینجا روند قهقرایی بدی را تشدید می‌کند. [بایسته است] با یک برآورد معنوی از روحانیت، هسته‌های اصیل این قشر همانند [سازی] و الگوسازی شوند.

۱۱- از لحاظ سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی به سیل عظیم جمعیت سیستانی در سیستان افغانستان توجه شود. رژیم گذشته سعی داشت اسمی از سیستان افغانستان برده نشود؛ یعنی از آنجایی که ناسیونالیزم ایرانی به شدت به نفع حکومت مرکزی ایران وجود دارد، در عوض بوق و کرناها در بارهٔ بلوچستان پاکستان راه می‌انداختند؛ یعنی در باره جایی که شدیداً ضد ایرانی‌اند و اغواگر.

۱۲- تنها پایگاه قومی و ملی سیستانی‌ها ملت ایران است؛ درحالی‌که ایرانی‌ها نه سیستانی را درست می‌شناسند و نه از آن حمایت می‌کنند. مسئلهٔ سیستان و اینکه سیستان واقعاً سنگر تشیع و فارسیت و ایرانیت است، در زمینهٔ فکری ملت ایران قرار گیرد.

### تضاد منطقه با حکومت مرکزی

منطقه علاوه بر تضاد درونی خود، یک تضاد برون‌ی هم با حکومت مرکزی دارد. این تضاد از سوی جامعهٔ سیستانی مطرح نیست و جامعهٔ سیستانی برعکس عامل تخفیف و یا احتمالاً نفی این تضاد است. عامل اصلی و منحصر به فرد این تضاد، بلوچ‌ها هستند و برای اینکه این تضاد روز به روز از حدت و شدت بیفتد و یا با تمام حدت و شدت

---

→ بخصوص در نیمهٔ اول قرن بیستم زیاد به کار رفته و آن را از خصایص افراد طبقهٔ متوسط می‌شمارند که به زودی همراه تغییر اوضاع سیاسی، تغییر رنگ سیاسی می‌دهند و به اصطلاح فارسی از هر طرف که باد وزد گندم خود را باد می‌دهند

(<https://narengsabz.blogspot.com/1389/12/03/post-58>).

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۸۳

مسئله‌ساز نباشد، باید توجه کرد که از آنجا که یکی از اصول پیروزی در تضادهای اجتماعی برای گروه‌های متضاد، امکانات مانور است، باید ببینیم بلوچ‌ها چه امکانات مانوری دارند که باید نداشته باشند.

بلوچ‌ها اولاً مرز بلندبالای بلوچستان را با پاکستان دارند، بدون محافظین راستین مرزبانی، ثانیاً ممر قاجاق را دارند و از این ممر علاوه بر جنس قاجاق و غیرایرانی، فکر قاجاق و آموزش قاجاق هم به منطقه می‌آورند و ثالثاً از مرز دریایی به جای فعالیت اصیل اقتصادی و تولیدی، فعالیت قاجاق جنسی (کالا)، فکری، سیاسی و نظامی می‌کنند و باید کاری کرد که این وضع جلویش گرفته شود.

برای این کار:

- ۱- در چابهار صید ماهی و ... دریایی مورد توجه قرار گیرد.
  - ۲- در برابر راه‌آهن کویت - زاهدان که بلوچ‌ها را درست از نظر بازار، وابسته به پاکستان کرده است، راه‌آهن زاهدان - کرمان و راه‌آهن زاهدان - خراسان و احتمالاً راه‌آهن و یا راه چابهار - مشهد هرچه سریع‌تر ساخته شود.
  - ۳- مرزهای بلوچستان شدیداً کنترل شود؛ اگر نه مثلاً هرچه در بلوچستان ایجاد کار کنیم، باز بلوچ‌های آن سوی مرز به ایران می‌آیند و دیری نمی‌گذرد که به جای سیصد هزار بلوچ در بلوچستان ایران، یک میلیون بلوچ خواهیم داشت. این تنها یک مورد خطر است.
  - ۴- طرحی تهیه شود که بر اثر آن، از حیث فرهنگی، جمعیتی و سیاسی، بلوچ‌ها به قلب بلوچستان بلوکه شوند و نه [آنکه] بر روال گذشته، روز به روز چون سیل ملخ به اطراف پراکنده شوند و هر روز ادعای ارضی روی منطقه‌ای از سیستان و یا خراسان بکنند. برای این کار، مرکزیت سیاسی ایرانشهر برای استان مستقل بلوچستان آینده، ضروری است.
  - ۵ - متأسفانه هم روحانیون و هم فئودال‌ها و هم تحصیل‌کرده‌های بلوچ، شدیداً ناسیونالیست بلوچند؛ به‌ویژه تحصیل‌کرده‌هایشان.
- با واگذاری مسئولیت‌های چشمگیر به تحصیل‌کرده‌های بلوچ در مناطقی چون آذربایجان و لرستان، کاری کنیم که این گروه را که در جهت ایجاد بلوچستان بزرگ

## ۱۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

گام برمی‌دارند، با طیب خاطر خودشان از منطقه دور کرد<sup>۱</sup> و به جایشان مسئولین ملی بگماریم.

۶- پس از مستحکم کردن مرز و ایجاد تعادل قوای قومی در منطقه، معادن بلوچستان شناسایی شده دست به اکتشافات و استخراج آن بزنیم و بدین وسیله ایجاد کار و رفاه برای جامعه بلوچ بکنیم تا روابطش با خارج کمتر و حتی قطع شود.

۷- همه می‌دانیم که تاکتیک، همیشه توفیقش در گرو تجهیزات است و از این حیث بلوچ‌ها تجهیزاتشان ماشاءالله به وسیله رژیم گذشته تکمیل شده است. برای لغو تجهیزاتشان اولاً به هر نحو ممکن است یک خلع سلاح عمومی در بلوچستان صورت گیرد، ثانیاً امکانات مانور از آنها در دو سوی مرز گرفته شود.

۸- قاچاق برای جامعه بلوچ هیچ کاری نکرد. اکثریت کپرنشینان بی‌چیزند؛ فقط فئودال‌ها ممر تازه‌ای برای زندگی یافتند و سرگردنه‌بگیرها از این راه خیلی هم پولدار شدند و بر اثر قدرت اقتصادی به قدرت سیاسی هم رسیدند. هر آن جلوی قاچاق را بگیریم، جلوی رشد فئودالیزم و باند قاچاق را گرفته‌ایم و نه جلوی اقتصاد نود و پنج درصد جامعه بلوچ را.

قاچاق حتی بزداری را برانداخت، باغ و باغچه‌داری محقر بلوچستان را هم از رونق انداخت. این اقتصاد وابسته منحصر به باند و نه قومی منحنط و مسئله‌آفرین را ریشه‌کن کنید.

۹- پروژه‌های سدسازی بلوچستان و کارخانه‌های سیمان و ... به فوریت دنبال شود. تکرار می‌کنم مرزها و سرشماری هم کنترل شود.

۱۰- ایجاد کانون‌های کارآموزی که کارگر ماهر و فنی در منطقه پرورش دهد، حتی از وجود دانشگاه در منطقه ضروری‌تر است تا بتواند جهت فعالیت، مردم را از قاچاقچی‌گری به کارگری بکشاند. به این امر مخصوصاً در جنوب بلوچستان توجه شود.

---

۱. دور شوند یا دور کنیم درست است، ولی در اصل سند و همچنین در دست‌نوشته سند نیز همین‌طور آمده است (ویراستار).



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۸۵

۱۱- حتی المقدور سعی شود از بلوچ‌های انگشت‌شمار خراسان و گرگان نامی به میان نیاید که این عمل مسئله بلوچ را در این دو ناحیه هم مطرح می‌کند و این همان چیزی است که مبتکران و نقشه‌کشان بلوچستان بزرگ به آن راغبند.<sup>۱</sup> [پیوست ۳۴].

### ۸ - ۲- گزارش رادیو - تلویزیون ملی ایران از استان سیستان و بلوچستان

بسمه تعالی

#### مختصر آشنایی با بلوچستان

بلوچستان، سرزمین بسیار وسیعی است دارای مناظر طبیعی گوناگون کوهستان، کویر، جلگه، جنگل، باتلاق و ... برخلاف آنچه مشهور است این سرزمین وسیع، در مجموع مستعد برای کشت تقریباً هر نوع محصول است. هم‌اکنون با وجود عدم اقدامات لازم برای بهبود و رشد کشاورزی، محصولات گوناگونی در بعضی نقاط آن به‌عمل می‌آید که خود نشانگر تنوع شرایط جغرافیایی و استعداد شایسته زمین برای فلاح است: برنج، پرتقال، گندم .... و مقادیری میوه‌های بومی.

علت اصلی تعطیل یا رکود کشاورزی در این منطقه، نبود عامل آب است. حفر قنات تقریباً مرسوم نیست و یا امکان‌پذیر نمی‌باشد. از آب چشمه یا چاه به زحمت استفاده می‌شود که در مجموع به زحمتش نمی‌ارزد. مگر چه مقدار زمین را می‌توان با دلو آبیاری کرد؟ البته خوانین توانسته‌اند با حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و با استفاده از موتور، اراضی نسبتاً وسیعی را کشاورزی کنند. در هر صورت نومی‌دی از کشاورزی، بلوچ را به سوی دامداری با استفاده از مراتع طبیعی که عموماً چیزی جز خارستان‌های گسترده نیست، سوق داده است. تا قبل از پیاده شدن سیاست‌های سرکوب‌کننده پهلوی، بلوچ گرسنه ناچاراً قانع از این جهت که فقر جزء لاینفک زندگی بلوچ بوده، عادی شده و بلوچ خود را به آن خو داده است و راهزن و دزد بود. پس از اعمال آن سیاست‌های سیاه، کار قاچاق نیز به طرز وسیعی بدان افزوده گشت.

---

۱. شکل دیگری از عین این گزارش نیز به‌صورت دست‌نوشته با سربرگ «رادیو و تلویزیون ملی ایران» و با امضای «جواد محمدی خمک» ارائه شده که معلوم است نسخه اولیه همین گزارش است و تفاوت‌هایی نیز در آن دیده می‌شود. شاید هم اصل گزارش به سفارش رادیو - تلویزیون ملی نوشته شده باشد که تهیه‌کننده اولیه، آن را به نام خود منتشر کرده، یا نام‌برده مقاله‌ای مستقل نوشته و رادیو - تلویزیون از آن استفاده کرده است.

شکل رایج زندگی اجتماعی‌شان قبیلگی و طایفگی بوده است. هنوز تنوع خان‌ها به طرز چشمگیری موجود است. علت اصلی گرایش بلوچ به سوی قربانگاه خان، نیاز شدید به حمایت است و گرنه اگر احساس کند که خانش فاقد قدرت لازم برای دفاع از خود و حمایت از اوست آنقدر دلیری و کدورت و بغض در سینه دارد که بتواند به آسانی قطعه قطعه‌اش کند. بر این اساس، خان‌ها عموماً برای کسب قدرت لازم و نشان دادن قدرت سلطه‌گری‌شان به دولت‌ها، از هرگونه که ممکن بوده وابستگی‌های عمیق داشته‌اند. هر گاه دولتی به هر علت حمایتش را از خان‌ها دریغ می‌داشت، تنها سیاستی که همواره این طاغوتک‌های بی‌رحم برای جلب توجه دولت‌هایی که در ذی‌نفع بودن به کار می‌بستند، همانا ایجاد اغتشاش، دزدی و از میان بردن امنیت بوده است. با ظهور ناامنی، دولت‌ها برای بازگرداندن امنیت - به این دلیل که خان‌ها افراد راه‌بلد و ذی‌نفوذی هستند - دست مدد به سوی‌شان دراز می‌کرده است؛ غافل از اینکه پیدایش این‌گونه ناامنی‌ها به دست خود خوانین، خود دلیل روشنی بر غروب سلطه‌شان است و نشان بارزی است از حذف شدیدی که از زوال و قدرت‌شان و به دنبال آن پراکنده شدن اطرافیان و حامیان‌شان در آنها پدید آمده است.

دولت فعلی ما نیز در دام همان نیرنگ مرسوم و همیشگی خوانین افتاده است. بیایند پنج تا خان را در شهرهای مختلف بلوچستان در ملاء عام به دار آویزند، همه آن منطقه آرام خواهد شد. البته حالا قدری دیر شده است. روزهای اول انقلاب تقی‌خان ریگی در به‌در دنبال یک قبضه تفنگ می‌گشت که بتواند تنها جان‌ش را آن هم در مقابل باران خودش حفظ کند و امروز گروه‌هایی مجهز به اسلحه‌های مدرن در اختیار دارد. رحیمک زردکوهی روزهای اولی که از زندان گریخت، در مقابل درگذشتن از انتقامی که مدعی بود از حریش خواهد گرفت، یک قبضه کلاشینکف دریافت کرد و قانع بود که بتواند از خودش دفاع کند و امروز عامل همه قتل و غارت ایرانشهر است.

باید توجه داشت که سیستم اجتماعی‌خانی، سبب گسترش بیشتر شهرنشینی و کشاندن بلوچ‌ها به فعلگی و فردوری<sup>۱</sup> در شرکت‌ها و ادارات و شیوع قاچاق که به طرز اعجاب‌انگیزی پیشه و فقر درآمد این و آن میشه، نسبت به گذشته شکننده‌تر و آماده سقوط است.

۱. گویا «فردوری» باشد، و گرنه فردوری که معنی نمی‌دهد.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۸۷

روحانیت، نفوذ معنوی خود را از دست داده‌اند تا آنجا که می‌توان آموزش یک دانش اجتماعی انقلاب اسلامی را به آسانی اعمال کرد (عده‌ای از خان‌ها و کیل مجلس و حتی سناتور بوده‌اند، البته انتصاباً و بر طبق مصلحت).

زبان معمول در بلوچستان، بلوچی است که با لهجه‌های مختلف ادا می‌شود. از آن میان بلوچی ایرانشهر، مرسوم و پخته‌تر است.

زاهدان، مرکز اداری بلوچستان است که البته بلوچ‌ها که در عمق منطقه قرار دارند، این شهر را طبق اطلاع خودشان «ایران» می‌گویند. در زاهدان اقلیتی بلوچ وجود ندارد. به تدریج که به اعماق بلوچستان نزدیک می‌شویم، از تعداد فارس‌ها به تصاعد می‌کاهد. از زاهدان (۱۰٪ بلوچ) به سوی جنوبی‌ترین مناطق بلوچستان که می‌رویم از خاش (۳٪ فارس)، ایرانشهر (۲٪ فارس) و بالاخره به بندر چابهار می‌رسیم. قسمت شرق ایرانشهر به طرف پاکستان، شهر سراوان و قصبات زابلی و سرباز وجود دارد که جز اندکی زارع یزدی، کلاً بلوچند. جز این، تعدادی ده و کوره است که در این مختصر اشاره‌ای به آن نمی‌کنم. بلوچ‌ها به خاطر مرادۀ زیادی که با پاکستان دارند، تقریباً همه به زبان اردو مسلطند. در سواحل دریای عمان، عربی خلیج نیز تکلم می‌شود و اصولاً زبانشان با عربی آمیخته است.

مذهب غالب تسنن، حنفی است. اقلیتی شافعی، مالکی و حنبلی نیز یافت می‌شود. سطح فرهنگ پایین و مذهب به سختی با جاهلیت به معنای گسترده آن آمیخته است. بلوچ‌ها غالباً مسلحند. بهداشت صفر.

### راه‌ها و روابط

بلوچستان اصولاً به کمبود، بلکه فقدان راه دچار است. تنها راه آسفالتی که چیزی از دایر شدنش نمی‌گذرد، راهی است که زاهدان را از طریق خاش و ایرانشهر به بندر چابهار مرتبط می‌کند و ایرانشهر را به بم و کرمان. شاهراه نخستین، بسیار موارد رضایت قاقاقچیان را فراهم کرده است. آن را شاهراه می‌دانند و شکرگزار دستگاه پهلوی‌اند.

روابط بلوچستان با سایر نقاط ایران - جز قاقاقچیان که مرتب در رفت‌وآمدند - تقریباً در حد صفر است. اصولاً روابطشان با خارج از ایران به مراتب بیشتر از

## ۱۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

روابطشان با داخل کشور می‌باشد؛ چرا که اصولاً و از آنجا که نیازمندی‌هایشان به علل فقدان راه و نبود امکانات لازم از خارج و بخصوص پاکستان تأمین می‌شود، دلیلی برای رفت و آمد به ایران ندارند. در برخی نقاط بلوچستان، پول رایج روپیه پاکستانی است و کلیه نیازمندی‌هایشان را از این کشور تأمین می‌کنند. میزان سختگیری مرزی از سوی پاکستان برخلاف سایر کشورهای همجوار بسیار کم می‌باشد. برای روشن شدن چگونگی روابط بلوچستان ایران با بلوچستان پاکستان، کمی از بلوچستان پاکستان می‌گوییم.

### بلوچستان پاکستان

- ۱- از نظر وسعت، بزرگ‌ترین ایالت از ایالات چهارگانه پاکستان است.
  - ۲- از نظر جمعیت، کمترین ایالت (۵ میلیون طبق سرشماری ۱۹۷۵).
  - ۳- از نظر تاریخی، تا قبل از نفوذ انگلیسی‌ها جزو خاک ایران محسوب می‌شده. خوانین آن خراج‌گزار شاهان ایران بوده‌اند (آخری‌شان نصیرخان).
  - ۴- پس از تسلط انگلیسی‌ها بر آن منطقه، دارای یک حکومت خانی تحت نظر انگلیسی‌ها تا ۱۹۴۷ (سال استقلال پاکستان) بوده است. در این تاریخ با قراردادی که بین خان‌یاراحمدخان و محمدعلی جناح، رهبر پاکستان، منعقد شد بلوچستان به پاکستان پیوست.
  - ۵- عدم رعایت مفاد قرارداد از طرف پاکستان باعث ایجاد اختلافاتی با دولت مرکزی پاکستان شد.
  - ۶- جریانات ناسیونالیستی به شدت و سرعت [در آنجا] رشد می‌کند. در حال حاضر، یک ناسیونالیسم متشکل در بلوچستان پاکستان وجود دارد.
  - ۷- در انتخابات گذشته، در زمان بوتو، حزب عوام ملی در دو ایالت بلوچستان و سرحد برنده شد.
- بینرنجو، رهبر حزب به فرمانداری کل پاکستان رسید و حکومت ایالتی را تشکیل داد که بعدها به کمک رژیم شاه با اتهام تجزیه‌طلبی منحل و سران آن دستگیر شده و به زندان افتادند.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۸۹

۸- گروه‌های مدافع ایران دارای محبوبیت زیادی در بلوچستان یا پاکستانند؛ هرچند جوانان بلوچ زیاده‌روها آنها را سازشکار می‌دانند.

۹- در مرکز ایالت، دانشگاه کوئته وجود دارد که از جمله رشته‌هایی که در آن تدریس می‌شود زبان و ادبیات بلوچی است. زمینه‌سازی برای تدریس بلوچی در مدارس نیز شده است. دانشگاه کوئته بیش از پنجاه کتاب به زبان بلوچی به چاپ رسانده است. این شهر در دسترس بلوچ‌های ایرانی است؛ به طوری که بیماران خود را برای مداوا به آنجا می‌برند.

۱۰- در کراچی که حدود یک میلیون بلوچ که غالباً ایرانی هستند، در آن سکنی دارند. نشریات گوناگونی به زبان بلوچی منتشر می‌شود که از آن جمله می‌توان اوسی، سوگات، زمانه، بلوچی، دومان، بلوچی دنیا و ... را نام برد.

### نتیجه

۱- بلوچستان پاکستان نسبت به بلوچستان ایران از تجربه و آگاهی سیاسی بیشتری برخوردار است.

۲- بلوچستان پاکستان نسبت به بلوچستان ایران از سطح فرهنگ بالاتری برخوردار است.

۳- زبان بلوچی پاکستان نسبت به بلوچستان ایران از غنای بیشتری بهره‌مند است.

۴- زنان بلوچی پاکستان نسبت به بلوچستان ایران از رفاه بیشتری بهره‌مندند.

۵- بلوچستان پاکستان با بلوچستان ایران علقه‌های مذهبی، زبانی و قومی دارد.

۶- حرکت و مهاجرت قوم بلوچ عموماً از ایران به پاکستان است و نه برعکس (فقط در مورد بلوچ‌ها) این مطلب را می‌توان در نقشه زیر بدین صورت ترسیم کرد. این مطلب در مورد سیستان به عکس است.

### باز هم راجع به بلوچستان ایران

۱- بلوچ‌ها دارای اجتماعات بسته هستند و با سایر ایرانیان نجوشیده‌اند. این مسئله بسیار حساس که به صورت قومیت‌گرایی خطرناکی امکان ظهور دارد، جز آنکه دارای ریشه‌های تاریخی است (کشتار بی‌رحمانه بلوچ‌ها به وسیله رضاخان و بعضی هنوز به یاد آن ایام از ... به اندازه دو واژه خالی و بی‌مطلب] به دل دارند)، به علت عدم

## ۱۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

مهاجرت اهالی سایر استان‌ها به این منطقه و جوش خوردن و هضم کردن و هضم شدن در بومیان بلوچستان است.

دلیل عمده این عدم مهاجرت، دوری و فقدان راه و عدم وجود یا ایجاد تفریح‌گاه‌های جلب توریست می‌باشد؛ چنانکه بلوچ‌های شهر زاهدان و بلوچ‌های مثلاً سراوان از نظر آمیزش با فارس‌ها فرق بسیار دارند. لازم به تذکر است که جمعیت زاهدان تشکیل شده از اکثریت مهاجرین زابلی، بیرجندی، کرمانی، یزدی و ... و اقلیت بلوچ.

۲- بلوچستان آماده پذیرش یک ایدئولوژی انقلاب است. این ایدئولوژی در شرایط کنونی فقط می‌تواند نوعی ناسیونالیسم قوی باشد که به‌وسیله توطئه‌گران ساواک و خوانین دامن زده و یا از طریق بلوچستان پاکستان وارد شود.

۳- افرادی از قبیل تقی شهرام و اویسی آن‌طور که شایع است در بلوچستان دیده شده‌اند.

۴- بلوچستان به استثنای زاهدان به کلی از جریانات انقلاب به دور بوده است. حتی در زاهدان مجسمه شاه چهار روز بعد از پیروزی انقلاب آن هم شبانه به زیر کشیده می‌شود. ارتش و پلیس [این منطقه] نیز نه در زاهدان، بلکه در تهران تسلیم می‌شوند. افسران پلیس و شهربانی نه تنها از انقلاب نبوده‌اند، بلکه غالباً ضدانقلابی‌اند. ژاندارمری بسیار بسیار ضعیف و پرسنلش که عموماً بلوچ هستند، همدست غارتگراند؛ به‌طوری که می‌توان گفت در بلوچستان تقریباً قوای انتظامی دولتی وجود ندارد. و بسیار هستند که هنوز نمی‌دانند چه شده است.

۵- راه‌ها از نصرت‌آباد، راه کرمان و سفیدآبه و راه مشهد گرفته تا اقصی نقاط بلوچستان ناامن است. هرچه به طرف بلوچستان بیشتر پیش می‌رویم امنیت کمتر می‌شود. در روز مسافرت مشکل و پرمخاطره و در شب حتی برای قاچاقچیان نیز غیرممکن است.

۶- بلوچستان عملاً فاقد رادیو و اصولاً محروم از تلویزیون است. اخبار را از رادیو بی‌بی‌سی لندن می‌گیرند و از دهان شایعه پراکنان و مغرضین.

۷- مقامات دولتی، فاسد و عاری از روحیه، رفتار و آگاهی انقلابی [اند] و اساساً همان نوکران رژیم سابق هستند؛ به استثنای چند نفری که جدیداً انتخاب شده‌اند.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۹۱

۸- جوانان انقلابی مایوس و روحیه‌شان را باخته‌اند. عدم تغییرات انقلابی و اساسی در دستگاه‌های دولتی و آزادی قاتلین و چماق به‌دست‌های بلوچ، آنان را از عاقبت کار ترسانده است.

پیشنهاد می‌شود:

۱- ارتش در بلوچستان به سرعت و به شدت تقویت شود.  
۲- از پخش اسلحه با وساطت هرکس و هر عنوان و به هر طایفه‌ای که باشد جداً خودداری شود. آنها که اسلحه می‌گیرند و طوایفی را مسلح می‌کنند، آن‌طور نشان می‌دهند و قول می‌دهند که سر و صداها را از طریق خود بر میان می‌خواهاند، یا خوانین خائند که شریک دزدند و می‌خواهند رفیق قافله باشند و یا افرادی هستند دارای سوابق سوء و صاحب پرونده‌های خدمتی در ساواک که بدین وسیله می‌خواهند هم بر روی گذشته‌شان با خوش‌خدمتی پرده بکشند و هم اینکه با مقتدر کردن خود، با قرار گرفتن در رأس یک عده مسلح، دولت را وادار کنند که در موردشان اغماض کند.

۳- قاتلین اصلی، چماق‌داران واقعی و مقصرین به حق دستگیر و مجازات شوند. ناگفته نماند که هشت نفری که به‌عنوان چماق‌به‌دستان ایرانشهر اخیراً در زاهدان محاکمه شدند، آن‌گونه که در کیفرخواست خوانده شد بدبخت‌های آسمان‌جلی بودند که جرمشان دزدیدن دو عدد خودکار بیک، یک شیشه مربا و دو عدد باطری ری او واک بوده است. اساساً می‌توان گفت که هیچ‌یک از خائنین، قاتلین و چماق‌به‌دست‌های بلوچستان با اینکه همه می‌شناسند دستگیر نشده‌اند.

۴- در ادارات دولتی و سازمان‌ها تصفیه و پاکسازی اصولی انجام گیرد؛ [زیرا] اکثریت قریب به اتفاق مدیران کل، نوکران مخلص رژیم سابقند با چهره‌های رسوا و سوابق سوء. آن اندکی هم که می‌ماند اگر پاک هستند در عوض آنقدر بزدل و بی‌لیاقتند و آنقدر از کف دادن فیرشان<sup>۱</sup> می‌ترسند که جرئت نمی‌کنند دست به سیاه و سفید بزنند. مدیران رسوا که دارای سوابق دزدی و خیانت هستند، باید از کار برکنار و مجازات شوند و جای نالایق‌ها را هم هرچه زودتر شایسته‌ها بگیرند.

۱. گویا از دست دادن نیرو و قدرتشان باشد (ویراستار).

## ۱۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۵- دولت نباید در بلوچستان به دام این شکار بیفتند که حتماً پست‌ها را می‌بایست بومی‌ها بگیرند. بسیاری از پست‌ها هست که نیازی به بومی بودن یا نبودن ندارد. هم‌اکنون نیز اکثریت مقامات استان غیربومی هستند.

ضمناً طرح شوراهای ایالتی و ولایتی در این منطقه، فعلاً ناممکن است؛ زیرا از هم‌اکنون روشن است که همان شخصیت‌های پلید و خائن دوباره سرکار خواهند آمد. دولت باید در این منطقه دست به انتصاب بزند و نه انتخاب از طریق شورا.

۶- به موازات مطلب شماره ۵ اقدامات رفاهی را بعداً و سریعاً شروع کند و در این مورد پیشنهاد می‌شود.

الف- ایجاد شبکه‌های راه.

ب- به زیر کشت بردن اراضی بی‌کرانی که قابل کشت‌اند. همان‌طور که گفتم مسئله اساسی کمبود آب است که می‌بایست در درجه اول چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق حفر شود.

ج- کنترل شدید مرزها و بستن راه قاچاق تا اهالی مجبور شوند به کشاورزی روی آورند.

د- ایجاد امکانات ضروری رفاه خصوصاً درمانگاه و بیمارستان و امکانات بهداشت.

س- توریستی کردن شهرهایی مثل بندر چابهار یا جنگل‌های دلگان و چاه هاشم، یا اطراف دریاچه جازموریان و ... برای جذب سایر هم‌وطنان به آن مناطق و به علت کاستن از انزوا و قومیت‌گرایی بلوچ‌ها.

ش- برای این منظور می‌توان خط راه آهن جنوب شرقی را که از تهران تا کرمان رفته است، به زاهدان و چابهار کشید. این همه می‌تواند امکان کار را برای خیلی از بیکاران آن منطقه نیز فراهم آورد [پیوست ۳۵].

دفتر نخست‌وزیری، پس از دریافت و بررسی این گزارش‌ها برای اقدام لازم، آنها را به وزارت کشور ارجاع داده بود. زمانی که من به حل اختلاف استان‌ها مأمور شدم، وزارت کشور، نسخه‌ای از آن را به من داد تا در مأموریت خود به آن توجه داشته باشم. البته در وزارت کشور، گزارش‌ها را به شرح زیر تلخیص کرده بودند.

جناب آقای مهندس هاشم صباغیان، وزیر کشور



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۹۳

حسب‌الامر جناب آقای نخست‌وزیر، فتوکپی نامه مشاوره ۲۳۱/۱۶۷/۸۴۵ مورخ ۱۳۵۸/۵/۱۰ سازمان رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی ایران و ضمائم آن پیرامون مسائل استان سیستان و بلوچستان و همچنین خلاصه گزارش تهیه‌شده در زمینه فوق‌الذکر جهت استحضار و هر گونه اقدام مقتضی ایفاد می‌گردد.

ابراهیم حکیمی، رئیس دفتر نخست‌وزیر

رونوشت به انضمام فتوکپی نامه‌های فوق‌الذکر جهت استحضار جناب آقای دکتر

چمران، معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب ایفاد می‌گردد.

### ۳-۸- گزارش رادیو - تلویزیون ملی در باره سیستان و بلوچستان

#### آشنایی با بلوچستان

بلوچستان، سرزمین وسیع و مستعدی است برای کشت هر نوع محصول که به علت کم‌آبی بدون استفاده مانده و بلوچ‌ها به جای کشاورزی به دامداری و قاچاق پرداخته‌اند.

قبایل بلوچ به علت نیاز شدید به حمایت، به دامن خان‌ها پناه برده و خان‌ها نیز به نوبه خود به دولت؛ حال چنانچه مردم از حمایت دولت برخوردار گردند به سادگی خان‌ها را از میان بخواهند داشت.

زاهدان مرکز اداری بلوچستان، دارای فقط ۱۰٪ بلوچ می‌باشد و این نسبت به طرف جنوب افزایش پیدا می‌کند. بلوچ‌ها به اردو و عربی نیز تسلط داشته و غالباً مسلح نیز می‌باشند. مذهب غالب منطقه تسنن حنفی می‌باشد.

فقدان راه‌های ارتباطی با داخل کشور، سبب شده است که بلوچ‌ها بیشتر با پاکستان در رفت‌وآمد باشند. پاکستان نیز سختگیری مرزی نشان نمی‌دهد.

به‌طور کلی در مقام مقایسه می‌توان گفت بلوچستان ایران از هر نظر نسبت به بلوچستان پاکستان در شرایط نامناسب‌تری قرار گرفته و قوم بلوچ ایران به بلوچستان پاکستان در حال مهاجرت می‌باشد.

بلوچ‌ها دارای اجتماعات بسته بوده و قومیت‌گرایی خطرناکی به کمک توطئه‌گران ساواک (تقی‌شهرام و اویسی) و یا از طریق بلوچستان پاکستان امکان ظهور دارد.

## ۱۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

منطقه به طور کلی از جریان انقلاب به دور بوده و نیروهای انتظامی و مقامات دولتی، خود ضد انقلابی و در خدمت غارتگراند، به استثنای چند تن که اخیراً انتخاب شده‌اند.

جوانان انقلابی به علت عدم تغییرات اساسی در دستگاه‌های دولتی و آزادی قاتلین و چماق‌به‌دست‌های بلوچ روحیه خود را از دست داده‌اند.

### پیشنهاد:

- ۱- ضمن تقویت سریع و کامل ارتش در منطقه از پخش اسلحه بین افراد محلی با وساطت هر کس جداً خودداری شود که نیرویی در مقابل دولت تشکیل خواهند داد.
- ۲- قاتلین و چماق‌داران واقعی دستگیر و مجازات شوند. هشت نفری که در ایرانشهر به اتهام چماق‌به‌دستی اعدام شدند تنها بدبخت‌های آسمان‌جُل بودند.
- ۳- ضمن پاکسازی دستگاه‌های دولتی، از انتخاب افراد بومی و پیروی از طرح شوراهای ایالتی و ولایتی در منطقه خودداری نماید که سبب روی کار آمدن افراد پلید می‌شود (انتصاب بهتر است).
- ۴- اقدامات رفاهی و حفر چاه عمیق برای آبیاری زمین‌های قابل کشت و تشویق اهالی به کشت به جای قاچاق از طریق مبارزه با آن.

### سیستان

قوم سیستانی با مذهب شیعه و ناسیونالیزم شدید ایرانی با قوم بلوچ‌ها با مذهب سنی حنفی و ناسیونالیزم جوان و دوآتشه بلوچی در تضاد همیشگی به سر می‌برد. تضاد ناشی از این امر است که قوم بلوچ سعی می‌کند سیستانی‌ها را در خود حل و یا از منطقه کوچ دهد و رژیم گذشته با تمام قوا در خدمت بلوچ‌ها این تضاد را دامن زده است. چنانچه دولت بخواهد به داد سیستانی‌ها برسد اقدامات زیر ضروری است:

- ۱- روشن کردن وضع آب هیرمند برای سیستان از طریق قراردادی مطمئن با افغانستان و ایجاد شبکه آبرسانی در منطقه.
- ۲- با توجه به اینکه ۹۵٪ جامعه سیستانی کشاورز و دامدار می‌باشند، دولت برای تعادل، کارمندان سیستانی خود را به منطقه منتقل نماید.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۹۵

- ۳- ضمن تقویت سیستانی‌ها در زاهدان (بخش دولتی و خصوصی) برنامه‌ای برای مقابله با نفوذ روحانیت مهاجم بلوچ در قبایل سیستانی تهیه گردد.
- ۴- تحصیل کرده‌های سیستانی که در مقابل بلوچ‌ها تاب مقاومت نیاورده‌اند از منطقه مهاجرت نموده‌اند؛ بایستی آنها را تشویق به کار در منطقه نمود.
- ۵- ملت ایران به‌عنوان تنها پایگاه قوم سیستانی بایستی آنها را بهتر شناخته و تقویت نماید.

### تضاد منطقه با حکومت مرکزی

عامل اصلی تضاد منطقه با حکومت مرکزی جامعه بلوچ می‌باشد. داشتن مرز بلند با پاکستان و دریا سبب قاچاق کالا و فکر گردیده است. مبارزه با قاچاق به هر شکل آن اثر مطلوبی در از بین بردن تضاد خواهد داشت. برای این منظور بایستی:

- ۱- مرزها را در کنترل شدید قرار داد.
- ۲- در منطقه با ایجاد کار و جلوگیری از پراکنده شدن بلوچ‌ها، به ایرانشهر مرکزیت سیاسی داد.
- ۳- منطقه بایستی خلع سلاح عمومی شود.
- ۴- پروژه‌های عمرانی به فوریت دنبال شود و پس از شناسایی معادن به استخراج آنها پرداخت.
- ۵- ایجاد کانون‌های کارآموزی برای پرورش کارگر ماهر از ایجاد دانشگاه مهم‌تر است. تهیه خلاصه: ابراهیم کنگانی - ۱۳۵۸/۵/۱۷ [پیوست ۳۶]

### ۹- گزارش‌های حزب جمهوری اسلامی از سیستان و بلوچستان

۹-۱- نامه نمایندگی حزب جمهوری اسلامی در زاهدان به امام خمینی درباره اوضاع

#### سیستان و بلوچستان

محضر مقدس رهبر انقلاب، امام خمینی متع الله المسلمین بطول بقائه

رونوشت: آقای مهندس بازرگان

رونوشت: شورای انقلاب

رونوشت: آیت‌الله العظمی آقای طالقانی

رونوشت: حزب جمهوری اسلامی

## ۱۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

پس از تقدیم سلام: همان طوری که لابد آگاهید استان بلوچستان و سیستان در شرایط نیازمندی همه جانبه به ویژه از نظر امنیتی به سر می برد. این جانب ظرف تقریباً دو ماه رفت و آمد شاهد عینی آن بوده ام و بارها به مقامات مسئول گزارش داده و لیکن متأسفانه کمتر نتیجه ای گرفته ام. از مرزهای سه گانه این استان با تمام حساسیتی که دارد مرز جنوب آن، دریای عمان مرز تمام دنیا هیچ گونه حفاظتی وجود ندارد و همه نوع جنسی حتی مشروبات الکلی و متأسفانه اسلحه های مختلف و فشنگ به صورت قاچاق وارد می شود. در تمام منطقه حتی بازار زاهدان علناً اسلحه و فشنگ خرید و فروش می گردد. حدوداً دو بیست پایگاه این استان به کمبود یا نبود پرسنل مبتلا است. شب گذشته دو نفر در زاهدان کشته شده اند. در خاش دیروز تاجر محترمی را که از اهالی یزد و ساکن خاش است و در تمام سال های اخیر میزبان روحانیون اعزامی و هم اکنون میزبان اعزامی از قم جناب آقای رحیمی است، مورد هجوم قرار داده اند و مغازه اش را به دلیل یک بهانه کوچک (درگیری فرزند یک بلوچ با فرزند ایشان) سنگباران می نمایند و اگر میانجی یکی - دو نفر بلوچ دیگر نبود، می خواستند او را بکشند و عالم اعزامی دیگر «آقای رحیمی» از سراوان گزارش می دهد - که تمام نامه شخص فوق را به پیوست ارسال می کنیم - از سیصد خانواده پاریسی جز ۳۰ خانواده باقی نمانده و حتی آقای نومسلمانی که همیشه ثابت قدم بوده و همیشه میزبان علمای اسلامی بوده، اکنون عازم مهاجرت می باشد.

در چابهار تنها خانواده مطمئن شیعی (مؤمنی) مهاجرت کرده و خانواده های نارویی و میراولیایی که حامیان راستین تشیع و میزبانان آقایان خامنه ای و راشد بوده اند مهاجرت کرده و یا شدیداً تقاضای انتقال دارند، و بالاخره نامنی موجود، سبب مهاجرت پاریسیان [شده و] منطقه را ناامن می کند. با توجه به گزارشات فوق، جلسه با حضور تمام اعضای مؤسس حزب جمهوری اسلامی زاهدان و نمایندگان پاسداران انقلاب تهران (آقای اشجع)، حضور رئیس پادگان آقای سرهنگ فرزانه و جناب سرهنگ صالحی رئیس ناحیه ژاندارمری استان و آقای عبایی تشکیل شد و پس از بررسی، موارد ذیل به عنوان یک برنامه ضربتی برای حفظ امنیت منطقه پیشنهاد گردید که اکنون از آن مقام معظم تقاضا می شود:

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۹۷

- ۱- اعزام حداقل پانصد نفر پاسدار انقلاب (با تربیت و آمادگی پاسداران بومی) برای کمک به پرسنل ژاندارمری بومی برای فعال کردن حدود ۲۰۰ پاسگاه مرزی و غیر مرزی و تأمین امنیت شهرستان‌ها برای کمک به پلیس.
  - ۲- تأمین حداقل ۷۰ دستگاه وسیله تندر و (جیب سیم‌غ) برای گشت در پاسگاه‌های مرزی.
  - ۳- تأمین سوخت مورد نیاز این وسایل.
  - ۴- تهیه دو فروند هلی‌کوپتر برای کنترل منطقه.
  - ۵- حکم انتقال افرادی که به دلیل پایان خدمت گرمسیری یا به دلایل دیگر، تمایل حضور در منطقه را ندارند.
  - ۶- دادن امتیاز به کسانی که تمایل خدمت در این استان را دارند. با توجه به اینکه درآمدهای نامشروع کم و زیادی از بین رفته است.
  - ۷- کم کردن طول مدت خدمت در مناطق گرمسیری.
  - ۸- مستقر نمودن یک گردان نظامی در ایرانشهر و یک گردان در چابهار و کنارک.
- از گذشته چند ماهه باید عبرت گرفت تا وقایع گنبد و کردستان و نرده و خوزستان تکرار نگردد و روشن نیست که در صورت انفجار در این منطقه، حساس‌تر از سایر قسمت‌های کشور، غائله به این آسانی‌ها ختم شود و بر فرض تسلط، پس از انفجار صرف‌نظر از ضایعات انسانی و اقتصادی و اتلاف وقت ... [افتادگی مطلب هنگام اسکن تصویر نامه].

امضاهای پایان نامه: محمد عبایی خراسانی، محمد اشجع و محمد ... [ناخوانا].

مهر پایان نامه: حزب جمهوری استان سیستان و بلوچستان - مرکز زاهدان

نوشته داخل مهر دبیرخانه نخست وزیری: ورود به دفتر نخست وزیری ۱۶ / ۳

۱۳۵۸ شماره ۳۴۲۶۶ [پیوست ۳۷].

## ۹-۲- گزارش تکان‌دهنده حزب جمهوری اسلامی دفتر زاهدان درباره قاچاق کالاهای

### ضروری

دفتر حزب جمهوری اسلامی در زاهدان، در تاریخ دوم آبان ۱۳۵۸ گزارشی در باره قاچاق کالاهای ضروری و خروج آن از کشور و نیز واردات اسلحه و مواد مخدر در

## ۱۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

استان سیستان و بلوچستان تهیه کرده و برای دفتر مرکزی حزب در تهران فرستاده و خواستار چاره اندیشی شده بود. دفتر مرکزی این حزب در تهران نیز کپی عین آن گزارش را برای نخست‌وزیری فرستاده و خواستار اقدام شده بود. متن نامه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و گزارش ضمیمه به شرح زیر بود:

دفتر نخست‌وزیری جمهوری اسلامی

شماره: هنگام اسکن نیفتاده است.

جهت اقدام فوری تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۱۴

احتراماً فتوکپی گزارش تکان‌دهنده‌ای که از دفتر حزب زاهدان (در چهار صفحه) به دفتر مرکزی حزب رسیده، پیوست و تقدیم می‌دارد تا با توجه به اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که حاضرند در این نوع امور همکاری‌های لازم را بنمایند، دستور فرمایند اقدام لازم معمول گردد.

رونوشت به وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران ارسال و تقدیم می‌گردد.  
رونوشت جهت استحضار به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ارسال و تقدیم می‌گردد.

دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

به: حزب جمهوری اسلامی - دفتر مرکزی تهران

از: حزب جمهوری اسلامی زاهدان

موضوع: خروج کالا از کشور

با گذشت بیش از هشت ماه از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی‌مان، در این استان شاهد مسائلی هستیم که جهت نمونه چند مورد یادآوری شده، از مسئولین حزب تقاضا داریم در شورای انقلاب مطرح و با توجه به اهمیت آنها دستور لازم به دولت موقت انقلابی صادر فرمایند.

۱- هر هفته شاید بیش از یک صد تن شکر - که بیشتر از بازار آزاد از شهرستان‌های بندرعباس، شیراز، اصفهان، تربت حیدریه و بخصوص تهران به وسیله عده‌ای از آنها به زاهدان وارد می‌شود - از مرز میرجاوه (۱۰۰ کیلومتری زاهدان - مرز پاکستان)، زابل (افغانستان) و مرز جنوب شرقی کشور (دشتیاری - پیشین) و جنوبی (چابهار) با

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۱۹۹

کامیون‌ها و وانت‌ها - بیشتر وانت سیم‌رغ - از کشور خارج و با توجه به بهای گزافی که دولت برای یک کیلو شکر می‌پردازد و شاید به حدود هفتاد ریال می‌رسد، در زاهدان و زابل به قیمت‌های ۲۸ تا ۳۱ ریال به دلالتان و خارج‌کنندگان آن به فروش می‌رسانند. قوای نظامی، دولتی هیچ‌گونه ممانعت از این امر خطیر نمی‌نمایند و هنوز در خواب خرگوشی فرو رفته‌اند. تقاضا دارد به هر نحو مقتضی به ژاندارمری و بخصوص برادران عزیز سپاه پاسدار دستور لازم صادر و به کمیته‌های کرمان، بم، بیرجند و مشهد و پاسگاه‌های ژاندارمری بین راه نیز اوامر مقتضی اقدام فرمایند.

۲- قند و شکر به فروش رفته اداره قند و شکر استان که به عاملین فروش تحویل می‌شود نیز قسمت مهم آن به‌طور یک‌جا به عوامل دلال فروخته شده، ضمن در مضیقه گذاشتن مردم از این کالاهای مهم خوراکی، خیانت بدتر که خروج شکر وارداتی باشد (از کشور) انجام می‌دهند. ظاهراً مسئولیت امر بیشتر متوجه رئیس اداره قند و شکر استان است که شخصی انقلابی و مؤمن و مسئول نمی‌باشد.

۳- مرز شرق و جنوب استان پهناور سیستان و بلوچستان باز و همه‌گونه مواد خوراکی و غیرخوراکی وارد می‌شود و با نظارت و کنترل بسیار ضعیفی که اعمال می‌گردد - بخصوص ژاندارمری که افرادی اکثراً بومی بوده و حتماً بایستی به استان دیگری فرستاده شوند - اسلحه، حشیش، مواد مخدر به‌طور کلی اجناس قاچاق، سیگار، لباس، اتومبیل از مرز جنوب و دریا، و موتورسیکلت معمولاً وارد و بخصوص با وضعی که منطقه بلوچستان پاکستان دارد و ارتباطاتی که بین استادان و دانشجویان چپی دانشگاه سیستان و بلوچستان و بلوچستان پاکستان دارد و کنترلی در مرز صورت نمی‌گیرد، آینده وخیمی پیش‌بینی می‌شود.

برای این حزب روشن نیست که چرا بعد از گذشت هشت ماه هنوز سرداران، خوانین و مزدوران رژیم کثیف گذشته دست به ترکیب‌شان نخورده و فرماندار نظامی منطقه به نام سرلشکر اسپهرم که سرکوبی انقلابیون را مستقیماً در منطقه رهبری می‌نموده و فقط در زاهدان سه شهید بر جای گذاشته - با اینکه دادگاه انقلاب اسلامی استان پس از محاکمه طولانی [او را] به اعدام محکوم نموده - به تهران اعزام و ظرف

## ۲۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دو هفته اخیر با این پرونده در مرکز وضع این عنصر پلید و پالیزبان دوم ایران معلق مانده است.

به غیر از ورود اسلحه، ورود مواد مخدر، سیگار و غیره، ورود موتورسیکلت و اتومبیل تعجب آور است؛ زیرا بدون پرداخت عوارض گمرکی؛ که همین موتور و اتومبیل قاچاقی می تواند مورد استفاده عناصر خائن در خدمت ضدانقلاب در هر منطقه از ایران باشد؛ لذا ضمن درخواست تقویت هرچه بیشتر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان و روشن شدن وضع دادگاه انقلاب استان که هنوز حتی یک نفر ساواکی را محاکمه ننموده و هیچ گونه تصفیه ای در منطقه انجام نگرفته، خواستار قاطعیت دولت در برخورد با ضدانقلاب و تصفیه پاسگاه های ژاندارمری منطقه و جلوگیری از ورود قاچاق به هر صورت و خروج کالاهای مهم خوراکی و غیر خوراک از قبیل شکر، قند، آرد، ملامین، بنزین - به مقدار فراوان - و نفت به شدیدترین وجه ممکن هستیم. لازم است به اطلاع برساند که از بدو تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان، این سپاه از پیشرفت قابل ملاحظه ای برخوردار و امید مردم تاکنون به سپاه بوده و چنانچه مأموریت جلوگیری از ورود و خروج اجناس به سپاه پاسدار و ژاندارمری (تصفیه شده) واگذار شود، نتیجه مطلوب عاید خواهد شد.

ضمن آرزوی موفقیت انقلاب اصیل اسلامی مقدس مان و پیشبرد اهداف مقدس حزب جمهوری اسلامی که صد در صد همان اهداف انقلاب عزیزمان می باشد، تقاضا داریم خواسته های یادشده فوق را که مورد درخواست مردم مسلمان این منطقه می باشد، سریعاً رسیدگی و به هر مقام مسئول اعم از شورای انقلاب، دولت موقت انقلاب و در صورت لزوم شخص امام اعلام و پیگیری فرمایند. با تشکر و سپاس  
مُهر حزب جمهوری اسلامی - مرکز زاهدان - ۱۳۵۸/۸/۲

در گوشه پایین نامه، نوشته شده: تقدیم به هیئت اجرایی جهت طرح و رسیدگی [پیوست ۳۸].

۹-۳- نامه حزب جمهوری دفتر زاهدان به دکتر یزدی در باره استان سیستان و

بلوچستان

تاریخ: ۱۳۵۸/۱۰/۱۷

بسمه تعالی



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۰۱

برادر مجاهد جناب دکتر ابراهیم یزدی، نماینده رهبر بزرگ انقلاب به استان سیستان و بلوچستان

با درود فراوان و عرض خیر مقدم، نتیجه بررسی‌های چندین ماهه حزب جمهوری اسلامی زاهدان و پیش‌بینی مسافرت جناب‌عالی به شرح زیر به عرض می‌رسد:

گرچه به نظر این حزب، مسافرت‌های دو، سه یا ۸ روزه به این منطقه - که شاید به هیچ‌یک از استان‌های کشور شباهتی ندارد - بدون شناخت واقعیت‌های عینی جامعه نه اینکه کارساز نبوده، بلکه خود باعث مسائلی می‌گردد که خود شاهد بودید. به هر حال آنچه را که ما دیده و شنیده و لمس می‌نماییم به استحضار می‌رسانیم؛ باشد که مؤثر افتد.

۱- اینجا کردستان نیست، سیستان و بلوچستان نیست، بلکه سیستان و بلوچستان است این شهر زاهدان. جمعیت استان طبق آمارهای رسمی ۶۵۸۰۰۰ نفر می‌باشد که حدود ۲۵۰۰۰۰ و یا اندکی بیشتر در منطقه سیستان، حدود یکصد هزار نفر در زاهدان و بقیه در بلوچستان ساکنند. سیستان اکثراً شیعه‌نشین و بلوچستان بیشتر اهل تسنن (حنفی) هستند.

جمعیت شهرهای بلوچستان، خاش ۸۲۳۳ ، سراوان ۹۰۸۸ ، ایرانشهر ۱۱۱۰۷ و چابهار ۵۹۱۹ نفر و بقیه مردم بلوچستان در صحراها ساکنند، به‌صورت پراکنده. ضمناً قسمتی در قلب بلوچستان به نام دلگان و بزمان بلوچ شیعه هستند، تقریباً سه هزار نفر.

۲- به‌طور کلی می‌توان گفت که در این استان و بخصوص بلوچستان، هنوز آن‌طور که باید انقلاب را لمس ننموده‌اند و گرچه وسایل ارتباط جمعی به‌ویژه رادیو و تلویزیون شاید هیچ نقشی تا به حال نداشته‌اند، ولی لازم بود که دادگاه انقلاب و دولت پس از پیروزی انقلاب در این منطقه با محاکمه سردارها، خان‌ها، ساواکی‌ها، و همه مزدوران و تصفیه آنان خود انقلاب می‌نمود که با کمال تأسف گرچه همه اینها ابتدا به نقاط کوهستانی و کشورهای همجوار فرار نمودند، ولی بعداً چون منطقه را امن دیدند، برگشته مجدداً به انجام وظیفه پرداختند و در حال حاضر اکثر آنان آزادانه چه در مشاغل اداری و چه غیر اداری حکم می‌رانند و بدین ترتیب از نقاط دیگر کشور نیز

## ۲۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

پس مانده‌های رژیم شاهنشاهی به این پناهگاه امن می‌آیند و معلوم نیست چرا یک نفر دادستان و حاکم شرع که بتواند با شناختی از منطقه، تصفیۀ اساسی صورت دهد، نمی‌فرستند و گویا این استان به دست فراموشی سپرده شده و زندان‌های پر از ساواکی، دزد مسلحانه و غیره ماه‌هاست بلا تکلیفند.

۳- ادارات دولتی تغییر نموده‌اند و با توجه به جو حاکم که کارکنان ساواکی رستاخیزی مشغول اعمال ضد انقلابی هستند، بقیه نیز فعالیتی ندارند؛ به‌عنوان مثال اداره کل کشاورزی ۸۰٪ کادش صبح را به عصر می‌رسانند و با این وضع می‌توان همکاری اینان را با یک نفر مثلاً استاندار انقلابی حدس زد. و به احتمال زیاد این وابستگان دیروز و اکثریت انقلابی‌نمای امروز، آن استاندار و یا مدیر کل را از صحنه به‌در خواهند کرد.

۴- اکثریت کارکنان دولت را افراد غیرمحملی تشکیل می‌دهند و در این میان با در نظر گرفتن فقر فرهنگی، افراد بومی یا بی‌سوادند و یا به هر صورت وابسته به رژیم سابق هستند. مؤمنین به انقلاب درصد بسیار کمی می‌باشند.

۵- دانشگاه سیستان و بلوچستان: فعلاً یک دانشکده تشکیل شده و [؟]<sup>۱</sup> نفر دانشجو دارد. نکته قابل توجه اینکه برادران دانشجوی بلوچ‌مان با روح آزادی که در وجود هر جوان می‌باشد - چون از نظر مذهبی به جز عده‌ای مولوی ساواکی فرا راه خویش ندیده و رهبران تشیع نیز اشخاصی ساده‌اندیش و بی‌سواد هستند - و در عوض محیط دانشگاه از زمان تدریس کسانی چون سیاوش کسرایی‌ها و در حال حاضر اشخاصی دو آتشه‌تر و داغ‌تر از ایشان جوی بسیار مساعد برای انحراف دانشجویان به وجود آمده، حدود ۸۰٪ دانشجویان بلوچ به مارکسیست شدن سوق داده شده‌اند و با در نظر گرفتن فعالیت ضد انقلاب در منطقه، تمام مطالب کذب و تهمت و ایرادگیری‌های چپی‌ها در مرکز به این دانشگاه دیکته شده و با استفاده از امکانات دانشگاه، بزرگ‌ترین مرکز توطئه [و] جنایت و حرکات ضدانقلابی به وجود آمده و بیشتر طرح‌های نامردمی استان به دست اساتید چپی در این مکان ریخته شده به سراسر منطقه منتقل می‌گردد و با در نظر گرفتن عدم خوش‌بینی توده مردم از جمهوری

۱. جای تعداد دانشجو در سند خالی است (ویراستار).

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۰۳

اسلامی و پایین بودن سطح فرهنگ‌شان، هرگونه شایعه، تهمت و مطالب کذب را فوری می‌پذیرند.

با اینکه سه - چهار سال از عمر این دانشگاه نمی‌گذرد الآن خطراتی که در آینده‌ای نزدیک دامنگیر استان خواهد شد به خوبی پیش‌بینی می‌شود؛ بالاخص که تمام طرح‌ها در پوشش مذهبی و با گول زدن مولوی عبدالعزیز و به جلو انداختن ایشان صورت می‌گیرد. ارتباط اساتید چپی با بلوچستان پاکستان و آمدن کمونیست‌ها از سایر نقاط کشور به این منطقه و تماس مستقیم با دانشگاه که جای خود دارد. نقش‌گردها در این روزها به خوبی آشکار است.

۶- با عرض معذرت، هنوز برای این استان تصمیمات طاغوتی گرفته می‌شود، به‌عنوان مثال می‌بایست باسوادترین افراد - چه مأمورین دولت و چه بخصوص مقامات فرهنگی اعم از دانشگاهی و یا آموزش و پرورش - به این منطقه اعزام شوند، ولی مثلاً برای دانشگاه آقای استاد با مدرک لیسانس و یا فوق لیسانس با ایده کمونیستی با حقوق بین ۱۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ تومان استخدام می‌شوند و رئیس دانشگاه نیز شخص بومی، موقعیت‌پرست بی‌مذهب انتخاب شده و برادروار خدمتگزار جمهوری اسلامی هستند.<sup>۱</sup>

۷- آمار برادران بلوچ از دیپلم به بالا حدود ۳۰ نفر است که متأسفانه اکثریت آنان در خدمت به طاغوت بر یکدیگر سبقت می‌جسته‌اند و اکنون پرچمداران انقلاب در پشت سر اینان قرار دارند.

۸ - جناب مولوی عبدالعزیز: شخصی است نسبتاً میانه‌رو، طرفدار خلق مستضعف، سردار و خان، وابسته و موقعیت‌پرست. و ایشان امامی هستند که به دنبال امت خویش راه می‌روند و مهم برایشان جهتی است که امت انتخاب کنند، و همان‌طور که اشاره شد امت‌شان را عده‌ای مردم ساده و مؤمن، تعدادی متعصب و ناآگاه، عده‌ای قاچاق فروش و همگی معمولاً بی‌فرهنگ و ناراضی از جمهوری اسلامی [تشکیل می‌دهند]؛ و بقیه که

---

۱. عبارت در اصل سند به همین صورت پریشان است؛ هرچند گویی کنایه و طنزی را نیز در خود دارد [ویراستار].

## ۲۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

تعیین‌کننده جهت حرکت هستند، دانشجویانی در پوشش مذهبی اساتید چپی و عده‌ای بلوچ باسواد رستاخیزی و ساواکی و عده‌ای انگشت‌شمار برادران تقریباً روشنفکر. با این تفسیر و اینکه مولوی را نام‌بردگان به جلو می‌رانند و ایشان نیز آگاهانه و یا ناآگاهانه همکاری مستقیم دارند، چنانچه خدای نکرده، دولت یا شورای انقلاب اندکی بیش از آنکه ظرفیت ایشان هست توجه نمایند، نه اینکه عزالدین ثانی ساخته شده، بلکه چون او به آن صورت حزب دموکراتی در مقابل ندارد آلت دست بسیار خوبی برای انجام حرکات ضدانقلابی خواهد بود.

۹- با توجه به روحیه بلوچ که همانند گله گوسفند در مقابل قاطعیت، اهل مبارزه نبوده و فرار را ترجیح می‌دهد و در عوض با در نظر گرفتن روحیه مبارزه‌طلبی برادران سیستانی و اینکه بعد از پیروزی انقلاب این به گفته خودشان فلسطین ایران با آن همه شهدا و مبارزانی که تقدیم انقلاب کرده بود، با آن سوابق تاریخی از رستم گرفته تا یعقوب لیث و ... به دست فراموشی سپرده شده و مرتباً در مقابل کردستان این بادکنک توخالی بلوچستان ورد زبان‌ها شد تا وقتی که آقای امیرانتظام، سخنگوی دولت موقت انقلاب، اعلام نمود بلوچستان آتش زیر خاکستر است و در جواب، برادران بلوچ گفتند که کذب محض بوده و از آقای امیرانتظام توضیح خواستند. و در «روزنامه آیندگان» تفسیرها و اخبار دست اولی از بلوچستان مرتباً درج می‌شد و همه برنامه در خدمت ارباب بزرگ آمریکا بوده، در حالی که بزرگ‌ترین قدرت درهم‌کوبنده ضد انقلاب در منطقه، سیستان است و خودشان بهتر می‌دانند ...

۱۰- فعالیت دادگاه انقلاب: یکی از مسائل مهمی که در روزهای اخیر باعث نارضایتی سیستانی‌ها شده، این است که تا به حال حتی یک نفر از خائنین بلوچ به محاکمه کشیده نشده و بیشتر توجه دادگاه انقلاب به خوانین زابل بوده که اکثراً نسبت به خوانین و سردارهای بلوچستان از جرم کمتری برخوردارند و محاکمه و ضبط اموال اینان، اکثریت سیستانی‌ها را نسبت به دادستان بدبین نموده و در سمپاشی علیه آقای بنی‌نجریان، دادستان مستعفی استان و استعفای نام‌برده، سیستانی‌ها نیز نقش مؤثری داشتند و آقای دادستان در نطق رادیو و تلویزیونی‌شان در استان، گناه عدم دستگیری و محاکمه سردارها و خوانین بلوچ را به گردن شورای انقلاب و دولت انداختند و گفتند

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۰۵

با شناخت چهارماهه‌شان محاکمه سردارها و خوانین امری بسیار ضروری و فوق‌العاده مهم است و تمام توطئه‌ها زیر سر آنهاست و هیچ قدرت توده‌ای ندارند، ولی متأسفانه شورای انقلاب و دولت است که در این امر مهم سهل‌انگاری نموده و استاندار نیز قاطعیت به خرج نمی‌دهد.

۱۱- وضع ژاندارمری، ارتش، شهربانی و سپاه پاسداران: نظر به فرهنگ حاکم بر منطقه، به نظر این حزب، گروه‌های مختلف مردم بومی را بایستی با فراهم نمودن تسهیلاتی برایشان، آنها را با یک سفر طویل‌المدت به شهرهای انقلابی ایران برد تا از نزدیک فعالیت‌های مردم انقلابی وطن‌مان و آثار انقلاب و کیفیت مبارزات علیه طاغوت و اعمال ضدانسانی رژیم پلید پهلوی و مسائلی در این زمینه‌ها را از نزدیک مشاهده نموده، احساس کنند که در ایران چه گذشته است.

مأمورین دولتی و نظامی بومی با فکر طاغوتی، پس از پیروزی انقلاب اکثراً به این منطقه منتقل شده و این یکی از خطرات جدی در استان است؛ چون حس قبیله‌گرایی و قوم‌پرستی ایشان، بر احساس مسئولیت و سرکوب ضدانقلاب محلی می‌چربد و بدین ترتیب چنانچه درگیری صورت گیرد، این نیروها به هیچ وجه مطمئن نخواهند بود. از طرفی با انتقال مأمورین ژاندارمری بومی از نقاط دیگر کشور به این استان و مأمورین مستقر از زمان طاغوت که در پرتو جمهوری اسلامی جلو رشوه‌شان گرفته شده است و قاچاق‌فروشان، سرگردنه بگیران، ضد انقلابیون و سارقین یا خویشاوند و یا همشهری‌شان است، می‌توان اذعان نمود که به هیچ وجه اینان در خدمت انقلاب و مردم نبوده و در بعضی اعمال ضدانقلابی همکاری‌شان روشن است. سپاه پاسدار که از بدو ورودش در زاهدان با استقبال شایان بارها و بارها مورد تأیید و پشتیبانی مردم قرار گرفته. در منطقه بلوچستان نیز با بررسی‌هایی که ما از توده مستضعف مردم به عمل آورده‌ایم - نه [از] سردار، خان، و یا بچه‌های تحصیل‌کرده به ظاهر نماینده مردم - در قلب همه محرومان جای گرفته و شورای انقلاب و دولت، بایستی بیشترین امکانات را اعم از هلی‌کوپتر و یا قایق جهت کنترل مرز جنوب، اسلحه، مهمات با قدرت تام در اختیار سپاه قرار دهد و خود سپاه نیز فعالیت‌های رفاهی خود را از قبیل تأسیس فروشگاه‌های تعاونی در این منطقه محروم که گاه آرد مصرفی‌شان با تأخیر فراوان

## ۲۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌رسد ... ادامه داده نقش سپاه پاسدار طرفدار مستضعفان و انقلاب اسلامی [را] به خوبی انجام دهد.

۱۲- روحانی: گرچه تا به حال بارها و بارها به مقامات مسئول در مورد اعزام یک نفر روحانی مبارز آگاه در سطحی که بتواند دانشگاه را نیز تحت نظارت داشته باشد، اعلام شده با کمال تأسف هیچ اقدامی صورت نگرفته و برای بار دیگر اعلام می‌داریم که [این] استان یک نفر روحانی مسئول ندارد، جوان‌ها از مساجد گریزانند، بازاری‌ها و دیگر طبقات مردم نیز با مسجد بیگانه شده‌اند، و با توجه به عدم آگاهی روحانیون از محیط و جامعه، بارها برنامه‌هایی که از جانب افراد مسلمان مسئول، جهت پیشبرد انقلاب و رسوا نمودن توطئه‌های ضدانقلاب طرح‌ریزی شده، از طرف روحانیون که اکثراً بی‌سواد، وابسته و ساده‌اندیش هستند، خنثی شده و ضدانقلاب نیز از این میان استفاده نموده، گاه به دست همین عزیزان برنامه‌هایش را به انجام می‌رساند.

۱۳- آموزش و پرورش: آموزش و پرورش نیز با مقیاسی کوچک‌تر نسبت به دانشگاه جولانگاه ضدانقلابیون و گروه‌های غیر خط امام شده و با اعزام یک نفر مدیرکل انقلابی با شناخت از فرهنگ استان، بایستی نسبت به تصفیة افراد ضدانقلاب با سابقه بیش از بیست سال خدمت و اعزام دبیرهای جوان مسلمان و مسئول از سایر نقاط کشور، چهره انقلابی به فرهنگ این استان داد و در غیر این صورت، در آینده‌ای نزدیک دومین پایگاه چپی‌ها را آموزش و پرورش منطقه تشکیل خواهد داد.

۱۴- با توجه به نا امنی‌هایی که در استان وجود دارد، مأمورین دولتی و آموزگاران بلوچستان محل خدمت‌شان را ترک و متقاضی انتقال به مرکز استان شده‌اند.

۱۵- کمبود مواد خوراکی: کمبود مواد خوراکی بخصوص در منطقه بلوچستان محسوس می‌باشد و نقش سازمان تعاون روستایی استان که در تمام دهات کوچک و بزرگ استان شعبه دارد از اهمیت خاصی برخوردار است و چون این سازمان در زمان شاه به جز فروش کالا، [در کارهایی چون] رأی‌گیری از مردم جهت انتخاب فلان سردار به نمایندگی، سربازگیری، خرید دسترنج مردم [به کار گرفته می‌شد] و خلاصه [به‌عنوان] شعبه‌ای از ساواک انجام وظیفه می‌نموده، لازم است یا در این سازمان تصفیة اساسی صورت دهند و یک نفر مسلمان مجرب در امر رساندن کالا به منطقه تعیین و

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۰۷

یا فروشگاه‌های تعاونی سپاه پاسداران را بخصوص در منطقه بلوچستان هرچه زودتر تأسیس [کنند] و این امر بسیار ضروری در منطقه‌ای که فقر اقتصادی بیداد می‌کند و یک نفر دهاتی محروم ۵ کیلو روغن نباتی را ۸۰۰ ریال می‌خرد را انجام دهند. با تجربه‌ای که این دفتر حزب در رساندن مواد غذایی به نقاط دوردست استان دارد، توانسته اکثریتی از مردم ناراضی محروم را خشنود سازد.

۱۶- جهاد سازندگی نیز همانند سپاه در بین توده مردم موقعیتی کسب نموده و به هر صورت ممکن بایستی جهاد سازندگی استان را تقویت نمایند و ضمناً برادران جهاد نیروهای مؤمن جوان و یا مجرب پیر را نیز از نظر دور ندارند؛ به این ترتیب راندمان کار این عزیزان دو چندان خواهد شد.

۱۷- رادیو و تلویزیون: رادیو و تلویزیون در این منطقه به‌ویژه بلوچستان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. مردم بلوچستان نه اینکه در انقلاب سهمی نداشته‌اند، بلکه بعد از پیروزی نیز در ناآگاهی کامل به سر می‌برند. برای نمونه، [در] شهر مرزی سراوان، رادیو محلی که هیچ، رادیو سراسری نیز به سادگی شنیده نشده و از نعمت تلویزیون نیز برخوردار نیستند و ایرانشهر و چابهار نیز به همین ترتیب. با در نظر گرفتن سطح فرهنگ، اقتصاد، اخلاق، و سیاست مردم، چه انتظاری می‌توان [از آنان] داشت. ضمناً برنامه‌های روزمره رادیو و تلویزیون استان که در دیگر شهرهای استان شنیده و دیده می‌شود، اثر چندانی برای بالا بردن آگاهی مردم بخصوص اطلاع از برنامه‌های دولت، شورای انقلاب، و جهاد سازندگی استان ندارد.

پیشنهادات:

الف- از پیشگاه امام خمینی تقاضا می‌شود به شورای محترم انقلاب و دولت امر فرمایند تصمیماتی که برای این منطقه گرفته می‌شود با در نظر گرفتن جمعیت استان و حقوق واقعی مردم اعم از سیستانی، بلوچ و سایر مردم فارس ساکن در زاهدان، خاش، ایرانشهر، چابهار و سراوان باشد و در سخنرانی‌ها، بلوچستان را از آنچه که هست بزرگ‌تر نمایانند و منطقه محروم و زحمتکش سیستان را نیز در نظر داشته باشند.

ب- افرادی چون دکتر جریری، و همکارانشان که با آن سوابق مبارزاتی، و با پشتکاری که در جهت خدمت به مردم محروم این استان از ایشان عملاً دیده‌ایم، پس

## ۲۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

از چند ماه کار در این استان و شناختی که از مردم و منطقه به دست آورده‌اند و کارهای عمرانی استان با معاونت اشخاصی چون آقای گل‌احمر را - که هنوز بنیان کارها ریخته شده و نتیجه‌ای عاید نشده را به صرف خواسته افراد مغرض که موقعیت خود را از هر چیز دیگری حتی سرنوشت مردم مستضعف بهتر می‌بینند و می‌خواهند، دلسرد نموده و چنانچه عمل ناشایستی از آنان سر نزده که مطمئنیم به جز در خدمت انقلاب نبوده - تشویق نموده و با بی‌توجهی، به عناصری معلوم‌الحال که خودتان نیز می‌دانید افراد مؤمن را باعث نشوید که با ناامیدی منطقه را ترک نمایند. ادعا نمی‌کنیم که کسانی چون استاندار (جریری) معصوم نیستند و انتقاد به‌جا تا توهین فرق دارد ...

پ- چنانچه جناب‌عالی و یا برادر دیگری به‌عنوان نماینده امام به استان تشریف آوردند، با خود مردم، نه به اصطلاح نمایندگان چون دکتر ملک‌زهی (معاون رستاخیز و ساواکی)، دکتر ریگی (پسر سردار ریگی، آمریکایی اصیل)، دکتر گمشادزهی (عنصر وابسته و مسئول کشتار بی‌رحمانه مردم، چون ایشان رئیس دانشگاه یعنی مرکز توطئه استان بوده و در این کشتار دست‌شان به خون عزیزانمان آلوده است)، دکتر اکبری (معاون استاندار وابسته قبلی که تعویض او با قربانی کردن عزیزانی چون نیکبخت شهید انجام پذیرفت)، تماس بگیرند؛ چون نه اینکه برای توده مردم کاری انجام نشده، بلکه برنامه‌های توطئه‌شان بهتر و با نتیجه انجام می‌گیرد.

ج- اشخاصی چون دکتر گمشادزهی را هرچه زودتر از پست‌های حساسی چون ریاست دانشگاه برداشته در استان دیگری با همین شغل و یا ارتقای درجه به کار بگمارند.

چ- هرچه زودتر یک یا چند نفر از برادران مسلمان مسئول ایدئولوگ را به این منطقه اعزام که چه در پست ریاست و یا معاونت دانشگاه و همچنین استاد، به کار مشغول شوند. این امر از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است.

ح- اعزام فوری حاکم شرع و دادستان قاطع برای رسیدگی به پرونده‌های زندانیان - اعم از ساواکی‌ها، سارقین مسلح و غیره - و امیدواریم که به این خواسته‌های مردم جامعه عمل پوشانده شود؛ چون تا به حال که ترتیب اثر داده نشده و برخلاف تمام ایران در زاهدان هنوز ساواکی‌ها و ضد انقلابیون بسیاری مصدر کار هستند.



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۰۹

خ- تصفیة اساسی ادارات به هر نحو ممکن؛ در غیر این صورت، فعالیت دولت در منطقه دردی را دوا نخواهد کرد و آن دسته از مأمورین دولت که با ایمان کامل نسبت به انجام وظیفه‌شان احساس مسئولیت می‌کنند، امیدوار شده و سایرین نیز خوش‌بین خواهند شد.

د- اعزام یک یا چند نفر روحانی باسواد مبارز و با اطلاعات نسبت به مکاتب اقتصادی (ایدئولوژیک باشند) امیدواریم این خواسته بسیار مهم را با تأکید از امام بخواهند و تا تکلیف شرعی شود، بیش از این خطر جایز نیست.

ر- انتقال هرچه زودتر اساتید کمونیست به سایر دانشگاه‌های کشور و اعزام افرادی مسلمان متعهد به جای آنها.

ز- موقعیت ندادن به هیچ وجه به مولوی عبدالعزیز و احترام گذاشتن به ایشان به حدی که در امور دولت و یا ارتش و غیره دخالت ننمایند.

ژ- قدرت دادن به برادران سیستانی و کنترل آنها، به هر صورت ممکن.

س- به محاکمه کشیدن سردارها، خان‌ها و متجاوزین به حقوق مردم از هر نژاد و قبیله و قوم با قاطعیت کامل، چه از جانب شورای انقلاب و چه دولت اسلامی.

ش- تعویض کلیة رؤسای پاسگاه‌های ژاندارمری منطقه بلوچستان، بخصوص مناطق مرزی و تنبیه شدید ژاندارم‌هایی که به جز حفاظت از پاسگاه مسئولیتی در قبال مردم بی‌پناه احساس نمی‌کنند.

ص- تقویت سپاه پاسداران استان و سپردن امنیت استان به سپاه، و همان‌طوری که اشاره رفت تأمین نیازهای سپاه، اعم از نیرو، مهمات، اسلحه، هلی‌کوپتر، قایق گشت‌زنی جهت مرز جنوب. لازم است به استحضار برساند که بعد از پیروزی انقلاب مرز آبی جنوب کلاً باز و باتری، موتورسیکلت، اتومبیل، لوازم برقی و انواع وسایل زندگی اعم از خوراکی و غیرخوراکی مرتباً وارد و در این میان عده‌ای قاچاق‌فروش که بیشترشان زاهدانی و احیاناً ایرانشهری یا چابهاره‌ای هستند، روز به روز پولدارتر شده و اسلحه‌های مدرن‌تری به منطقه وارد می‌کنند.

در صورت ادامه این وضع، آینده‌ای بسیار خطرناک برای اهالی فارس مقیم منطقه حتی سیستانی پیش‌بینی می‌شود. و پیشنهاد می‌شود که اجناس قاچاق به وسیله سپاه

## ۲۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

پاسدار کنترل شده، فقط به مرزنشینان مستضعف، اجازه ورود کالا آن هم با میزانی معین داده شود.

ض- راه‌انداختن رادیو و بخصوص تلویزیون شهرهایی از استان که تحت پوشش قرار نگرفته‌اند. این امر از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است.

ع- اعزام یک گروه مجرب گزارشگر و فیلمبردار به استان و نشان دادن فعالیت‌های جهاد سازندگی در استان و همچنین معرفی انقلاب اسلامی و مسائلی پیرامون انقلاب با زبان محلی، که مردم در جریان کامل مسائل شهرشان و استان و سپس کشورشان قرار گیرند.

غ- ترتیب مسافرت‌هایی به سایر نقاط کشور برای مردم ناآگاه استان بخصوص تیپ جوان و حتی در صورت امکان اسکان آنها برای مدت یکی دو ماه در استان‌های انقلابی کشور و آشنا شدن اینان به آنچه در غیر چهار دیواری‌هایشان می‌گذرد؛ کما اینکه جناب‌عالی نیز این امر مهم را مطرح فرمودید.

ف- سپردن امنیت استان به دست پاسدار و تصفیة فوری ژاندارمری، شهربانی و ارتش زاهدان از عناصر وابسته که این خواست اکثریت مردم، بخصوص در زاهدان و زابل، و خواست مردم محروم بلوچستان، نه خان و سردار و وابستگانشان، می‌باشد. تقاضا دارد به خواست این حزب توجه فرموده و در خارج از استان بدون در نظر گرفتن واقعیات اخذ تصمیم ننمایند. در غیر این صورت با توجه به جو موجود، انتظار وقایعی خیلی شدید و تأسفانگیزتر باشید.

ق- تقاضا دارد عین وقایع و مشکلات منطقه را به عرض امام برسانید.

این گزارش در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۶ تنظیم شده است.

با درود فراوان به همه مجاهدین راه انقلاب و امام و توجه به مشکلات استان از زبان دردمندان

مهر و امضای حزب جمهوری اسلامی زاهدان [پیوست ۳۹].

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۱۱

### ۱۰- گزارش خانم پوران شریعتی<sup>۱</sup> از سیستان و بلوچستان - ۱۳۵۸/۹/۷

اهمیت آب آنقدر است که هر جا برکه‌ای خشک شود، حیات نیز به دنبال آن از بین خواهد رفت. فقدان راه‌های ارتباطی هر نوع بهبود کشاورزی، فرهنگی و اقتصادی را غیرممکن می‌سازد.

[علت] پراکندگی مردم [آن است که] هر جا آب پیدا شود چندین خانواده دور آن جمع می‌شوند و هیچ ضابطه و راه ارتباطی برای دستیابی به این پراکندگی وجود ندارد. ایجاد شهرک‌های پنج هزار نفری پیشنهاد شده است.

اگرچه مردم منطقه از دست طاغوت رها شده‌اند، اما همچنان تحت حاکمیت خان‌ها و طبیعت هستند. فقر فرهنگی کولاک می‌کند.

در یکی از دهات میرجاوه در مهرماه [۱۳۵۸] یعنی نزدیک یک سال پس از سرنگونی حکومت شاهنشاهی سیل آمده بود؛ در نامه‌ای که اهالی برای مرکز نوشته بودند، آمده بود که «اعلیحضرت همایون دستور بفرمایید تا قنات‌های ما را تعمیر کنند». علت این است که دکل بالونی منطقه را باد برده و رادیو - تلویزیون هنوز دکل دیگری نصب نکرده‌اند و منطقه پوشش رادیو - تلویزیونی ندارد.

کمبود مدارس به حدی است که دانش‌آموزان گاهی هفت تا هشت ده و روستا را برای مدرسه پشت سر می‌گذارند.

از نظر بیماری‌های مختلف و دارو و پزشک نیز وضع بهتر از آموزش و پرورش نیست.

در زابل که یک شهر است، هنوز مردم از درخت گز که عامل مهمی در تثبیت شن است، برای سوخت استفاده می‌کنند و کندن این گیاه، فاجعه دیگری به بار می‌آورد. علت عدم وجود نفت و استفاده از وسایل نفت‌سوز و نبودن جاده مناسب برای حمل مواد سوختی است.

---

۱. شناخته نشد. گویا یکی از شهروندان استان بوده؛ هرچند ممکن است «پوران شریعت رضوی» همسر زنده‌یاد دکتر علی شریعتی باشد (ویراستار).

### ۱۱- گزارش یک روحانی شیعه از وضعیت شیعیان در سراوان

این نامه‌ای است که دوست گرامی آقای رحیمی، اعزامی حوزه علمیه قم/ سراوان از آن شهر به زاهدان در رابطه با این جانب نگاشته‌اند.

بسمه تعالی  
شنبه، ۳/۱۳

حضور مبارک برادر حضرت حجت‌الاسلام جناب آقای عبایی دام توفیقه پس از تقدیم عرض سلام، سلامتی و موفقیت شما را در راه اهداف عالی‌ه اسلامی خواستارم. باری بعضی از مسائل هست که باید شما را در جریان قرار دهم و ضمن ابراز ناراحتی خودم کسب تکلیف نیز بنمایم.

۱- از مجموع شیعه اینجا که از ۲۰۶ تجاوز نمی‌کند چون همگی کارمند هستند بیش از حدود ۲۰-۳۰ نفر باقی نمانده بقیه یا مرخصی رفته و یا مهاجرت کرده‌اند.

۲- وحشت عجیبی در شیعه پیدا شده که هر آن می‌گویند بلوچ‌ها می‌ریزند غارت می‌کنند، می‌کشند و غیره. به همین دلیل کارمندا مرتب تقاضای انتقالی کرده و می‌روند؛ از جمله الآن که دارم نامه می‌نویسم آقای نومسلمان دارد اثاثیه جمع می‌کند و قصد مهاجرت دارد و به هیچ زبانی ایشان را و بخصوص پسران ایشان [را] نتوانستم راضی به ماندن کنیم و از ترس، همین عده کم جرئت مسجد آمدن ندارند.

۳- وقتی من وارد شدم چند نفر شیعه که بودند دور من جمع شدند و به جای دلداری و خوش آمد، گفتند: آقا برای چه آمده‌ای؟ اینجا می‌کشند، می‌زنند. چه کسی را می‌خواهید موعظه کنید و ... که بالاخره اگر کس دیگر بود از همان جا برمی‌گشت و راستش من هم دل‌سرد شدم، ولی با همه اینها من تصمیم گرفتم مدتی بمانم شاید بتوانم فعالیتی انجام دهم.

۴- خلاصه این عده که به شدت می‌گویند ما امنیت نداریم و پس از تماس و مذاکره با رئیس شهربانی و فرمانده ژاندارمری و رئیس مرزبانی معلوم شد اگر خدای نکرده پیش آمدی بشود اینها ضعیف هستند و حتی اگر پنجاه نفر بریزند، اینها را بخواهند خلع سلاح کنند، می‌توانند.

۵- چون مرزبانی ضعیف است، مرزها باز است. مواد قاچاق و اسلحه بی‌حد وارد می‌شود، همگی مسلح شده‌اند. مرتب صدای تک‌تیر به گوش می‌رسد و علناً خرید و فروش می‌شود.

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۱۳

۶- نتیجتاً همگی متفق‌القول هستند که اگر بیست - سی نفر سرباز یا پاسدار انقلاب اگر باشد، به خوبی می‌شود اینها را سر جای نشانند و الا احتمال خطر و تحمل خسارات جبران‌ناپذیر به دنبال دارد.

۷- کمونیست‌ها سخت به فعالیت پرداخته‌اند: نمایشنامه برقرار نموده‌اند، مطالبی را روی پارچه‌ها به‌عنوان خواسته نوشته‌اند و مرکزی دارند و کتابخانه و کتابفروشی رسمی نزدیک مسجد باز کرده‌اند. همیشه دور هم جمع می‌شوند و به دهات و بخش‌ها نیز می‌روند و تبلیغات گسترده‌ای دارند. شرارت می‌کنند و جوان‌های سنی در اثر نشناختن اسلام واقعی از مولوی‌ها بیزار و به دامان کمونیست گرفتار می‌شوند. آزاد گذاشتن این نوع فعالیت‌ها در این منطقه، آینده خطرناکی دارد و اگر مأمور یا سپاه انقلاب باشد، می‌توانند جلو فعالیت‌های ظاهری آنها را لاقط بگیرند. حتی نام مدارس و نام خیابان‌ها را به دلخواه خود عوض کرده و می‌کنند.

۸ - کمیته اینجا در اثر نداشتن نیروی اجرایی و سپاه انقلاب عملاً منحل است؛ لذا ضدانقلاب هیچ‌گونه مانعی بر سر راه نمی‌بیند.

۹- جوان‌های شیعه که وجود ندارند. فعلاً اگر دو - سه نفر هم باشند جرئت هیچ‌گونه مبارزه و فعالیتی ندارند و از جوانان تسنن هم مجاهد به وجود نخواهد آمد. جوانی که معاویه و سیاست او را ستایش کند و به یزید رضی الله عنه بگوید به درد انقلاب اسلامی نمی‌خورد.

۱۰- بعضی از مولوی‌ها کارشکنی می‌کنند. البته من با اکثریت آنها که زیاد هم هستند، ملاقات و مذاکره و تواضع کرده‌ام و با مقدمات قبلی روز جمعه گذشته (دیروز) به نماز جمعه شرکت و صحبت کردم. بسیار جالب واقع شد و همه را تحت تأثیر قرار داد، ولی بعد از صحبت من مولوی دین‌محمد، خطیب جمعه، ایستاد و ضمن تقدیر از بیانات من و تقاضا از جوان‌ها که بیایند پیش من و مسائل اسلامی را فراگیرند با یک جمله آنچه [را] ما رشته بودیم پنبه کرد و گفت: «در صورتی که رهبر انقلاب در سخنرانی که از رادیو پخش شد به معاویه اهانت کند هیچ‌گونه اتحادی وجود ندارد و نخواهد داشت. البته ما با اهل تشیع در برابر غیر اسلام متحد هستیم». که دوباره من پا شدم و رفع ابهام کردم و گفتم ایشان نظرشان یزید بود، نه معاویه و ...

## ۲۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

و جمعه آینده مذاکره کرده‌ایم با مولوی‌ها که بروم سوران در نماز جمعه شرکت و صحبت کنم.

۱۱- با شرایط فعلی من حتی یک نفر را از اینجا نمی‌یابم که لیاقت سپاه انقلاب داشته باشد و زمینه هم برای حزب جمهوری اسلامی نیست.

فعلاً سه چیز اینجا ضرورت قطعی دارد: ۱- نیروی تقویتی، سرباز و یا پاسدار انقلاب که معمم و ملبس باشند و این از اهم مسائل است که من تأخیرش را هیچ صلاح نمی‌دانم. و این عمل جزئی را اگر ما حالا انجام دهیم بهتر است تا اینکه وقتی خدای نخواستہ صد نفر کشته شوند نخواهیم انجام دهیم و اگر خطری پیش آید اول قربانی همین چند تا شیعه هستند. البته چون خاش پادگان دارد این خطر نیست و اینجا چون مرز هست با ژاندارم نمی‌شود مرز را کنترل کرد و ضمناً مرتب بنزین به پاکستان برای فروش حمل می‌شود و باید دستوری داده شود به پمپ‌های بنزین که بشکه و حلب پر نکنند. ۲- دوم آوردن فیلم‌های انقلابی و اسلامی توسط مجاهدین (نه اسلاید) که بدین وسیله جوان‌ها اجتماع کنند و بشود با آنها صحبت کرد. ۳- سوم پخش نشریات و جزوات و اعلامیه‌های اسلامی و ضدکمونیستی و نیز کتاب در همین زمینه.

۱۲- اینجا دو کتابخانه قبلاً بوده است: یکی کتابخانه شیعه‌ها که جمع شده بود. من دوباره درصدد هستم به کارش اندازم و تقریباً افتتاح می‌شود، ولی روی تعصبات می‌دانم آنها استفاده نخواهند کرد. ناچار باید کتابخانه بی‌طرف و وابسته به احدی الفریقین نباشد. دوم کتابخانه عمومی فرهنگ که من مراجعه کردم وسایل مرتب دارد؛ حتی جای مطالعه خوب دارد، وسایل نمایش فیلم دارد که اگر فیلم باشد بدون زحمت می‌توان اجرا کرد، ولی کتاب‌های آن اکثراً طاغوتی است که بعضی از آنها تصفیه و جمع‌آوری شده و بقیه نیز باید تصفیه شود. اگر کتاب‌های انقلابی و اسلامی و ضد کمونیستی الآن باشد که در این کتابخانه بگذاریم و اطلاع دهیم برای مطالعه بیابند، خوب است، اما فعلاً توقع کمک از اینجا نیست؛ زیرا فارس‌های خودمان که نیستند و بلوچ‌ها فعلاً دست‌بگیر دارند و خواسته‌های بالا بالا، و اینکه چرا رئیس جمهوری باید شیعه باشد و چرا مذهب جعفری مذهب رسمی باید باشد؟ و ما انقلاب می‌کنیم و چرا آنچه آقای خامنه‌ای گفته، عملی نشده؟ وعده است عمل نیست و ...

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۱۵

گویا تمام کشته‌ها را اینها داده‌اند و گویا بازارهای آنها به تاراج رفته و آتش زده شده است و معنی صبر انقلابی را که نمی‌فهمند؛ چون هنوز انقلاب نمی‌فهمند؛ و منتظرند ۱۵ خرداد برگردد. با این وضع من معلوم نیست یک ماه بمانم؛ اگر بشود زودتر برمی‌گردم آنجا. پان‌فارس‌ها که می‌گویند همین حالا بروید خطرناک اینها ... ولی به جای اینکه آنها مرا دلداری دهند و تقویت روحی کنند، من آنها را دلداری می‌دهم.

زیاده فعلاً عرضی نیست. من فقط منتظر نتیجه هستم و من می‌دانم خطر فقط در مرزها و این قسمت‌ها هست. در شهرهای مثل قم، مشهد و شیراز خبری نیست که آنجا این همه پاسدار و سرباز و پادگان هست، ولی اینجا برای ده - بیست سرباز التماس می‌کنند و صدایشان به جایی نمی‌رسد.

۱۳- بسیاری از کارمندها تقاضای انتقال نموده‌اند و متأسفانه تقاضای آنها پذیرفته شده است و همین امر باعث خلوت شدن اینجا گشته. یا باید انتقال‌ها را محدود کنند و یا به جای آنها فارس بگذارند.

۱۴- رئیس شهربانی اینجا بسیار مرد خوبی به نظر می‌رسد، ولی در اثر ملاحظه‌کاری و یا جهالت، دیگر بردی ندارد و لذا مردم جری شده‌اند و حتی اگر دعوایی بشود و پاسبان بخواهد دخالت کند، اول پاسبان کتک می‌خورد؛ چنانکه چند نمونه پیش آمده است و هیچ‌گونه اطاعتی از دستگاه پلیس و شهربانی نمی‌شود. به نظر من اگر عوض شود یک نفر تازه وارد بیاید بهتر باشد.

ضمناً پیش‌آمدی که همین الآن شده گروهی از کمونیست‌ها می‌خواستند نمایشنامه‌ای از صحنه‌های گنبد [کاوس] و سندج برپا کنند و خواست‌هایی عنوان کرده بودند که من به رئیس دبستان اعتراض و جلوگیری به عمل آمد. بعداً آنها آمدند پیش من صحبت‌هایی زیاد شد و نتیجتاً ما گفتیم تعهد کنید حوادثی پیش نیاید، ولی تعهد نکردند و بنا شد جای دیگر اجرا کنند. ولی از مجموع حرف‌ها می‌فهمیدم مقدمات همان صحنه سندج است با مطرح کردن خواست‌های کذایی و البته ممکن است از این پس بیشتر مخالفت کنند.

## ۲۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

اجمالاً من آنچه در مسیرش قرار گرفتم بیش از این دستم نمی‌آید جز اینکه به شما بگویم و کمک بخواهم. منتظر جواب سریع تلفنی یا با نامه یا خودتان بیایید.  
والسلام - عباس رحیمی [پیوست ۴۰].

**۱۲- گزارش مردمی در باره افراد و گروه‌های مشکوک در استان سیستان و بلوچستان**  
مردم سیستان و بلوچستان از گذشته‌های دور، از ستم خان‌ها و همدستی حکومت با خان‌ها و برخی افراد محلی، آسیب‌های بسیاری دیده‌اند. مردم این دیار، انقلاب اسلامی را همچون روزنه امید برای رهایی از محرومیت تاریخی و فقر و تبعیض در آن سرزمین می‌نگریستند، ولی هنگامی که پس از انقلاب، دیدند بخشی از همان کسانی که در رژیم گذشته، بر مصدر امور بودند، همچنان بر سر کارند و نیز رفتارها و تبعیض‌ها همچنان ادامه دارد، برای چاره‌جویی در این باره، دست به نگارش نامه‌هایی برای مسئولان کشوری زدند. هرچند نمی‌توان همه ادعاها و محتوای گزارش‌های آنان را پذیرفت، ولی از آنجا که این نگرش‌ها بوده و این کارها صورت گرفته، لازم دانستم برای ثبت در تاریخ، آنها را در اینجا بیاورم. از جمله گزارش‌های مردمی که در زمان مسئولیت حل اختلاف در شهرستان‌ها از این استان دریافت کردم، نامه زیر است که نویسنده یا فرستنده و نیز تاریخ ارسال آن هم نوشته نشده است.

«لیست افراد مشکوک در سیستان و بلوچستان

۱- دانش نارویی، استاندار فعلی، رئیس گروه ریاضی دانشسرای عالی، ضد دانشجو، فرصت طلب و ضدانقلابی است. هیچ‌گونه اطلاعی از امور استانداری ندارد. شروع به استخدام افراد نالایق از قبیل بنی‌طبا، مهندس مالکی، مبارکی و اکبری کرده است.

۲- محمود صانعی، فرماندار فعلی زابل، رئیس شاخه آموزش حزب رستاخیز زاهدان، غیرمذهبی با سابقه بد که در تثبیت موقعیت فئودال‌ها کار می‌کند. علی‌اکبر اکبری (یکی از فامیل‌های ایشان) به عنوان نماینده کشاورزان انتخاب شده است. شخص مزبور دارای زمین‌های بسیاری است.

۳- دکتر خسرو ریگی، معاون دانشگاه بلوچستان، مارکسیست.



## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۱۷

- ۴- دکتر ملک عضو مؤثر رستاخیز، متهم به ساواکی بودن.
- ۵- مولوی عبدالعزیز، عامل حزب رستاخیز و رژیم گذشته در منطقه و کارشکن و ضدانقلابی در جریان انقلاب، رهبر میان‌رو اهل تسنن.
- ۶- علی محمدی نماینده دولتی، عامل انگلستان، یکی از فئودال‌ها با دوازده کیلومتر زمین زیر اشجار پسته در علی‌آباد و محمدآباد مراتی.
- ۷- دکتر قلابی، نماینده استادان دانشگاه بلوچستان که درصدد به وجود آوردن وقایع سنندج و نقده و لبد در بلوچستان هستند.
- ۸- سرگرد ریگی، نماینده سابق مردم بلوچستان در مجلس.
- ۹- دوستین، داماد نورمحمد عزیزی، ساکن قصر قند از توابع دشتیاری سیستان و بلوچستان به فروش دو دستگاه وانت بار اسلحه ساخت شوروی و اسپانیا دست زده است.
- ۱۰- دکتر اکبری از فعالان حزب رستاخیز، شکسته‌بند، با حقوق بسیار زیاد در بیمارستان کار می‌کند.
- ۱۱- عازم فرزند میر، رسول‌بخش فرزند میر، جنگ فرزند کمال از سارقین مسلح، قاتلین سه نفر به اضافه امام مسجد و خراب کننده باغات کشاورزی و موتورهای پمپ. اینها سارقین خانه‌های مردم می‌باشند و به وسیله سید مهدی شمس، فرمانده قبلی گروهان ژاندارمری چابهار و سرگرد حسینی بیگدلی رئیس دفتر نظارت نیروی هوایی چابهار حقوق دریافت می‌کنند.
- ۱۲- مولوی شاهوزایی از افراد ضدانقلابی که به اختلافات شیعه و سنی دامن زده و مردم را تحریک می‌کند.
- ۱۳- حبیبی، رئیس اداره کار سیرجان، محرک کارگران بر علیه کارفرماها هستند.

### گروه‌های فعال و ضدانقلابی در سیستان و بلوچستان

- ۱- گروه داماد دادشاه (یکی از اشرار معروف) در اطراف بنت دست به دزدی و ایجاد وحشت زده است.
- ۲- گروه رسول‌بخش و اعظم، دو تن از زندانیان فراری از کرمان است که بعد از جریان انقلاب از زندان گریخته‌اند و قصد انتقام‌جویی دارند. با فرستادن پیغام باعث

## ۲۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

وحشت مردم می‌شوند. این گروه اعلام کرده بود که می‌خواهد قسمت‌های جنوب از ممان (نام دهی بین کنارک و چابهار) به پایین را از ایران جدا کنند. علم‌خان مبارکی و امان مبارکی و سعیدی سه نفر از خان‌ها از این گروه حمایت کرده و مهمات برایشان می‌فرستد. امان مبارکی هم با فرار شاه به عراق گریخته و از آنجا برای اینها اسلحه می‌فرستد (نارنجک و بی‌سیم).

۳- کمونیست‌ها که به وسیله شوروی تقویت می‌شوند و دارای فعالیت‌های بسیار وسیعی در زمینه پخش اعلامیه‌های کمونیستی، ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی، پخش اسلحه در سطح منطقه می‌باشند.

### پیشنهادات برای بلوچستان و سیستان

- ۱- به وجود آوردن سازمان‌های تعاونی برای تأمین غذای کافی برای مردم و همچنین برای خرید محصولات از کشاورزان.
- ۲- بهبود وضع خانه‌سازی.
- ۳- تأمین امکانات تغذیه‌ای و آموزشی و بهداشتی (فرستادن پرسنل، پزشک).
- ۴- ساختن مستراح، حمام و تأمین آب و برق برای روستاها.
- ۵- ساختن دبیرستان‌ها و بخصوص تشکیل کلاس‌های راهنمایی در دهات.
- ۶- تقویت ژاندارمری و استخدام افراد بومی (دلورها).
- ۷- فرستادن اکیپی از پاسداران انقلاب با راهنمایی‌های پنهانی افراد بومی.
- ۸- استقرار یک واحد نظامی (ارتش) در منطقه.
- ۹- جلوگیری از حمل اسلحه.
- ۱۰- لایروبی قنوات، تسطیح زمین‌های کشاورزی، تشکیل شرکت تعاونی فروش با مدیریت افراد صالح.
- ۱۱- جاده‌سازی، سدسازی، سیل‌بندی.
- ۱۲- جستجو برای یافتن منابع نفتی در منطقه.
- ۱۳- دادن وام به کشاورزان برای حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و احداث سد از طرف دولت [پیوست ۴۱].

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۱۹

### ۱۳- تلگرام گروهی از مردم زاهدان به امام خمینی در وفاداری به انقلاب اسلامی

خبرگزاری ۱ زاهدان ۱۳۵۸/۹/۱۱

متجاوز از دوازده هزار تن از مردم ایرانشهر که خواستار رأی دادن مثبت به قانون اساسی هستند طی تلگرامی که به حضور امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران ارسال داشتند، یادآور شدند به علت مشکلاتی که از طرف منافقان برای آنها ایجاد شده است نام متجاوز از دوازده هزار تن از اهالی ایرانشهر در ردیف موافقان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ثبت و ضبط شود. متن تلگراف چنین است

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر عالی‌قدر انقلاب اسلامی ایران دامت برکاته

چون فراندوم و رأی‌گیری قانون اساسی از طرف اتحادالمسلمین بلوچستان تحریم گردیده و برادران اهل سنت شرکت نمی‌کنند، لذا در مورخه دهم آذرماه سال جاری عده‌ای از مردم ایرانشهر به‌عنوان اعتراض به بعضی از اصول قانون اساسی به طرف فرمانداری ایرانشهر راهپیمایی کرده و در این میان عناصری سودجو و فرصت‌طلب و فدایی و منافق به فرمانداری حمله کرده و کلیه صندوق‌ها را درهم شکسته و اوراق فراندوم را پاره کردند که همه برخلاف اسلام و قرآن و دموکراسی است و در این صورت رأی دادن به انتخابات قانون اساسی برای ما دوازده هزار نفر مسلمان پیرو خط امام که می‌خواهیم به ندای رهبر عالی‌قدر انقلاب امام خمینی لبیک گوئیم غیرممکن شده است. لذا تقاضای عاجزانه داریم تعداد ما را که متجاوز از دوازده هزار نفر می‌باشد و در روز حماسه‌آفرین عاشورا در راهپیمایی شرکت کرده و همه آماده رأی دادن مثبت و آری بودیم در زمره موافقین منظور و از رسانه‌های گروهی اعلام دارند [پیوست ۴۲].

گزارش‌های شخصی دیگری نیز از سوی برخی اشخاص در باره شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به من می‌رسید؛ از جمله یکی از آنها که سفارش‌های ویژه‌ای نیز در باره دیدارها و برنامه‌ها کرده بود [ن.ک: پیوست ۴۳].

### ۱۴- نامه دانش‌آموزان سیستانی مقیم گرگان به رهبر انقلاب امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

## ۲۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

از قاطبه دانش‌آموزان سیستانی مقیم گرگان به رهبر انقلاب، امام خمینی و اما بعد: مختصر بنویسیم، آقا قربان بزرگواری‌تان، شما که دل ما را خون کردید. ما از شما و انقلاب اسلامی انتظار نداریم ما شیعه‌های بدبخت جنوب شرقی ایران را - که به نام سیستانی معروفیم و متأسفانه دشمنی بدتر از بلوچ نداریم و به مراتب از بلوچ‌ها بیشتر و آواره‌تریم و فقیر، [که] در تمامی سرخس و درگز و کرمان و گرگان و حتی شوروی و در افغانستان مقیم هستیم - اینقدر به فراموشی بسپارید که در طول مبارزات تاکنون یک بار نام سیستان و سیستانی را در ردیف دیگر برادران مسلمان ایرانی نگرفته‌اید. این ما را در برابر بلوچ‌ها که تنها رقیب مایند سرشکسته و نابود می‌کند. آقا، شما هم فقط از بلوچ‌ها حمایت می‌کنید، افغانستان هم از بلوچ‌ها، پاکستان و مسکو و دهلی و در گذشته عراق هم از بلوچ‌ها حمایت می‌کنند و آنها را مطرح می‌کنند، نه ما بیچاره‌ها. از ما سیستانی‌ها - که چه لگدهایی از این بلوچ‌ها و افغان‌ها خورده‌ایم - که حمایت کند؟ آقا به خدا تُرک در برابر کرد مساوی است؛ کُرد در برابر عرب مقاومت می‌کند؛ قزلباش در برابر ترکمن از عهده خود برمی‌آید، الا ما سیستانی‌ها که با آنکه از بلوچ‌ها بسیار بیشتریم، ولی بر اثر تبلیغات یک‌جانبه دست‌گاه آریامهری هر گونه اعتماد به نفس را از دست داده‌ایم. آقا اگر پس از این نام بلوچستان را بدون سیستان ببری، در برابر امام زمان ما یک مشت شیعه بی‌پناه مسئول باشی. مایی که بلوچ و افغان به خون ما تشنه است. خراسانی و کرمانی و گرگانی، هم مذهب ما، هم ما را مسخره می‌کند؛ رهبر انقلاب ما هم که ما را نمی‌شناسد. جل الخالق چه کسی مستضعف‌تر از کسی که حتی فریادش را نمی‌شنوند.

امضای ۸۱ نفر

توضیح: در حاشیه بالای سمت راست نامه، این عبارت آمده است: دانش‌آموزان سیستانی استدعا دارند که وقتی از مسلمانان صحبت می‌شود مسلمانان سیستان را هم بگویند تا اینقدر بلوچ‌ها اذیت‌شان نکنند [پیوست ۴۴].

۱۵- یک گزارش مردمی از وضعیت کلی بلوچستان و نیازهای مبرم این منطقه

به نام خدا

## گزارش‌هایی از وضعیت استان سیستان و بلوچستان □ ۲۲۱

۱- مسئله امنیت منطقه که به علت وجود عناصری که در رژیم منفور پهلوی و جنایت‌هایشان به نوایی رسیده بودند و اکنون برای بقا و تثبیت موقعیت خودشان دست به کاری می‌زنند؛ اینها عبارتند از:

الف- عناصر ساواک که ساواکی بودن و خیانت‌شان محرز است و مردم همه آنها را می‌شناسند و اکنون نه تنها آزادند، بلکه آشکارا مسئله‌سازی نیز می‌کنند.

ب- خوانین که همگی آنها در ارتباط مستقیم با ساواک بوده و در غارت و چپاول و حمله به مغازه‌ها و مساجد در جریانات اخیر نقش عمده‌ای داشته‌اند که در گزارش زابل مفصلاً در مورد آنها و ذکر نامشان توضیح داده شده.

۲- مسئله فقر این منطقه که اعم از اقتصادی - فرهنگی و ... بخصوص فقر اقتصادی، انگیزه‌ای است بسیار قوی که عوامل رژیم سابق با توجه به میدان عملی که برایشان وجود دارد، خطری جدی است؛ بخصوص که در شرایط فعلی ارزاق عمومی به قیمت‌های گران فروخته می‌شود و خود موجب نارضایتی و بدبینی نسبت به انقلاب می‌شود. با توجه به اینکه اگر شکم آنها سیر شود خیلی راحت جذب می‌شوند؛ در این صورت یک کار ضربتی برای شرایط فعلی، مثل زدن چاه در مناطق روستایی، تأسیس شرکت‌های تعاونی اسلامی، تأسیس کارگاه‌های کوچک صنایع دستی و محلی که زمینه کاری برای بیکاران می‌باشد؛ و برای درازمدت، مکانیزه کردن کشاورزی و استفاده از رود هیرمند ضروری است.

۳- مسئله ادارات دولتی که هیچ‌گونه تغییری نکرده و با همان شکل که در رژیم قبلی کار می‌کردند، اکنون نیز کار می‌کنند و مردم خیلی ناراحتند و با توجه به شناختی که از منطقه دارند، خیلی راحت می‌توانند از موضع ضدانقلابی که دارند ضربه بزنند و مردم را بدبین کنند. به هر صورت تصفیه ادارات یکی از کارهای ضروری این منطقه است.

۴- در منطقه، مسئله اقتصادی آنها را تنها با حفر چاه آب بخصوص در بلوچستان می‌توان حل کرد. ضمناً باید توجه داشت که منطقه سیستان و بلوچستان عمده‌تاً مسائل مشترکی دارند [پیوست ۴۵].

توضیح: این یک گزارش دست‌نوشته است که تاریخ ندارد و نویسنده آن نیز روشن نیست، ولی از پارگی بالای صفحه دانسته می‌شود نام نویسنده را کنده‌اند.



## گفتار سوم

### بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سویی با پدید آمدن فضای آزاد سیاسی، برخی از گروه‌ها و اشخاص، خواسته‌های فروخورده خود را نشان دادند؛ چنان که برخی دیگر با سودجویی و فرصت‌طلبی، اغراض سودجویانه خود را آشکار کردند. از سوی دیگر، زمینه‌های تاریخی و قومی در برخی از استان‌های مرزی در شرق و غرب کشور، بستر کنش‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را به گونه‌ای رقم زد که به بحران و تنش انجامید. بررسی میدانی رویدادهای سیاسی - اجتماعی در مقطع بهمن‌ماه ۱۳۵۷ تا آذر ۱۳۵۸ نشان می‌دهد چه گروه‌ها و افرادی، با چه خواسته‌هایی صحنه‌آرای این رویدادها بودند. در اینجا شماری از این رویدادها را به ترتیب تاریخ از نظر می‌گذرانیم.

#### ۱- گزارش به دفتر نخست‌وزیر در باره زاهدان

از برخی گزارش‌ها چنین برمی‌آید که بر اثر بحران‌های انقلاب، کالاها در استان سیستان و بلوچستان گران و کمیاب شدند و مردم در تنگنا قرار گرفتند و از دولت برای رفع گرفتاری خود کمک می‌خواستند؛ چنان که دفتر نخست‌وزیری، خلاصه مکالمات تلفنی با این دفتر را چنین گزارش کرده است:

«گزارش به دفتر جناب نخست‌وزیر در مورد زاهدان تاریخ: ۱۳۵۸/۱/۱۲  
گزارش می‌رسد که در زاهدان و سایر شهرهای منطقه، مواد غذایی بسیار کمیاب و گران است. از این موضوع، مخالفین برای ایجاد آشوب و تحریکات استفاده می‌کنند»  
در حاشیه نامه آمده است: جناب دکتر چمران، اطلاعات و اوراقی است که جوانان اعزامی در تحقیق وزارت اطلاعات و تبلیغات برای جناب آقای میناچی آورده‌اند.  
[پیوست ۴۶].

## ۲- گردهمایی گروهی از کپرنشینان ایرانشهر، پس از اجتماع در فرمانداری

کپرنشینان زحمتکش!

این اولین بار نیست که ما خواست‌های خود را به گوش مقامات رسانده‌ایم. هر بار که با آنها روبه‌رو شده‌ایم با وعده و وعید ما را گول زده‌اند و زمین‌هایی را که متعلق به ما بوده است، از ما گرفته و ما را با تراکتور از جایی به جایی دیگر برده‌اند و هر وقت خواسته‌ایم چند آجر و خشت روی هم بچینیم و سرپناهی برای خود تهیه کنیم، جریمه و دادگاهی شده‌ایم. ما یک عمر با مأمورین دزد و دورو روبه‌رو بوده‌ایم، اما چون رژیم عوض شده است و این رژیم، خود را حامی زحمتکشان می‌داند، ما انتظار دیگری داریم و به همین جهت در فرمانداری جمع شده‌ایم. اما آقای فرماندار به جای آنکه از خواست‌های ما صحبت کند، از شیر آب صحبت کرد؛ مثل اینکه مشکل ما با یک شیر آب حل شدنی است و یا به جای اینکه همین جا را برای ما ثبت کند، می‌گوید شما را تحریک کرده‌اند و یا می‌گوید شما کمونیست هستید. آیا کسی که حقوق خود را مطالبه می‌کند تحریک شده یا کمونیست است؟ همه اینها همان اتهاماتی است که شاه به کار می‌برد. ضمناً می‌گویند که من بلوچ هستم. ما خوب می‌دانیم که عوامل آتش‌سوزی در ایرانشهر هم چند نفر بلوچ بودند که به اتفاق رؤسای ساواک و ژاندارمری آن را به‌راه انداخته و یا آنها که به‌عنوان رئیس و نماینده مجلس چندین سال خون مردم را مکیده‌اند، بلوچ بوده‌اند. پس فقط به خاطر اینکه کسی بلوچ باشد نمی‌تواند خدمتگزار ما باشد. تنها کسانی می‌توانند به ما خدمت کنند که درد ما را بدانند و از طرف ما عزل و نصب شوند، نه آنهایی که سال‌ها برای گرفتن پست و مقام پیش هویدا و علم‌دولا و راست شده‌اند. و این را هم می‌دانیم که حق‌گرفتنی است، نه دادنی. به همین منظور اگر ما متحد بشویم و به‌طور دسته‌جمعی عمل بکنیم به حقوق خود می‌رسیم، اما اگر گول حرف‌های دیگران را بخوریم هیچ موقع نمی‌توانیم به پیروزی برسیم؛ پس ما سعی می‌کنیم متحد شویم و به دنبال خواسته‌های خود برویم و هر کس را در بین ما تفرقه ایجاد کند و نگذارد ما به حق خود برسیم، از بین خود بیرون کنیم.

خواست‌های ما کپرنشینان در فرمانداری ایرانشهر و در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۵

ما زحمتکشان کپرنشین از همه خواست‌های به حق خلق‌های ایران از آن جمله خلق ستم‌دیده بلوچ که به‌خاطر رفع ستم ملی و اقتصادی مبارزه می‌کند، پشتیبانی



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۲۵

می‌کنیم و از آنجا که رژیم جنایتکار پهلوی سال‌های سال با وعده‌های خشک و خالی ما زحمتکشان را گول می‌زد و هر نوع صدای حق‌طلبانه‌ای را با گلوله پاسخ می‌داد، لازم می‌دانیم حالا که دولت موقت روی کار آمده و خود را حامی زحمتکشان می‌داند و همه می‌دانند که فقر و بدبختی ما کپرنشینان در حدی است که هیچ احتیاجی به بحث و گفتگو ندارد، خواست‌های مشخص خود را پیش پای مقامات می‌گذاریم و خواهان جواب هستیم.

- ۱- زمین‌هایی که کپرنشینان در آنجا زندگی می‌کنیم، به نام ما ثبت شود.
- ۲- هرچه زودتر برای ما مسکن تهیه شود تا دیگر در معرض خطراتی چون آتش‌سوزی و سیل‌زدگی قرار نگیریم.
- ۳- برای ما زحمتکشان هرچه زودتر کار فراهم شود تا از بی‌کاری و دربه‌دوری نجات پیدا کنیم.
- ۴- همه امکانات رفاهی از آن جمله آب و برق، بهداشت، درمان و آموزش به‌طور رایگان در اختیار قرار گیرد.
- ۵- برای فرزندان ما امکانات آموزشی فراهم گردد و به آنها کمک‌هزینه تحصیلی داده شود.
- ۶- برای زنان و مردان سالخورده که دیگر توانایی کار کردن را ندارند، امکانات زندگی فراهم گردد [پیوست ۴۷].

### ۳- دستگیری خداداد ریگی

از وزارت دفاع ملی (دایره امور اداری) تاریخ: ۱۳۵۸/۱/۱۶  
به نخست‌وزیری (جناب وزیر مشاور در امور اجرایی) شماره: ۸-۱۲۰۰  
موضوع: دستگیری آقای خداداد ریگی

برابر گزارش رسیده از ستاد کل ارتش ملی اسلامی ایران و بنا به اظهار آقای مولوی عبدالعزیز، رهبر اهل تسنن آقای خداداد ریگی، نماینده سابق مجلس شورای ملی روز گذشته توسط پاسداران انقلاب دستگیر شده و در نتیجه طایفه ریگی‌ها که بسیار قابل ملاحظه می‌باشند، شروع به مخالفت‌هایی نموده‌اند و تقاضای آزادی آقای

## ۲۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

ریگی را دارند. با عطف توجه به موقعیت منطقه و وضع حساس بلوچستان ایران خواهشمند است مقرر فرمایید در این مورد بررسی و اقدام لازم به عمل آروند.

سرهنگ ستاد: ایران نژاد، از طرف وزیر دفاع ملی، سرتیپ ریاحی توضیح: این نامه در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۰ به شماره ۳۴۵ در دفتر مخصوص نخست‌وزیری دولت موقت ثبت شده و به من ارجاع داده شد. گویا پس از آنکه من به وزارت امور خارجه رفتم و شهید دکتر مصطفی چمران، معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب شد، این نامه پیگیری شده است؛ زیرا در پایین نامه آمده است: شماره ۶۱۶۱ دفتر دکتر چمران. نیز معلوم است پس از آنکه من به‌عنوان نماینده امام در حل مشکلات استان‌ها منصوب شدم، از معاونت نخست‌وزیری برای من ارسال شده تا یا در دستور کار قرار دهم و یا به‌عنوان سندی از مسائل منطقه سیستان و بلوچستان در دست داشته باشم [پیوست ۴۸].

### ۴- خواسته‌های مردم شهر دامن

مردم شهر دامن که پس از انقلاب، انتظار گشایش در امور و رسیدن به خواسته‌های خود را داشتند، طی یک گردهمایی، خواسته‌های خود را در ده بند به شرح زیر اعلام کردند:

در گردهمایی روز جمعه مورخه ۱۳۵۸/۱/۳۱ ما مردم دامن در محل دبستان راجع به مسائل گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خودمختاری بلوچستان مورد بحث و مذاکره قرار گرفت و در پایان خواسته‌های ذیل مطرح و انجام آنها را به فوریت از مقامات مسئول خواستاریم:

- ۱- سپردن امور مردم به دست شوراهای محلی و منطقه‌ای.
- ۲- رفع کامل ستم ملی و ستم اقتصادی (آزادی زبان، آزادی مذهب، آزادی فرهنگ، آزادی لباس و ...).
- ۳- دستگیری عوامل ارتجاع و فرصت‌طلب که هم‌اکنون در گوشه و کنار بلوچستان باعث سلب آسایش مردم شده‌اند و ندای تجزیه بلوچستان را سر داده‌اند.
- ۴- آزادی بیان، قلم، اجتماعات و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و احترام به حقوق اجتماعی و فردی.

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۲۷

- ۵ - برقراری امنیت بلوچستان با مسلح کردن افراد رزمندهٔ مسئول از طریق شوراهای منطقه‌ای و محلی خود مردم.
- ۶ - فراهم کردن کار برای کلیهٔ افراد بی‌کار منطقه و فراخواندن افرادی که جهت یافتن کار از کشور مهاجرت کرده‌اند.
- ۷ - فراهم کردن امکانات کشاورزی (زمین، آب، بذر، کود و ماشین‌آلات کشاورزی) و خرید محصولات مازاد بر مصرف کشاورزان با قیمت عادلانه و امکانات رفاهی از قبیل (بهداشت و درمان، مسکن، آب و برق، آموزش و راه‌های ارتباطی به‌طور رایگان).
- ۸ - احداث سد و سیل‌برگردان به‌منظور رفع خطر از سیل‌بردگی روستاها و فراهم نمودن آب برای کشاورزان
- ۹ - از بین بردن نفوذ واسطه‌های محلی که رابط بین مردم و دوایر دولتی هستند.
- ۱۰ - جلوگیری قطعی از خروج وسایل و ماشین‌آلات شرکت‌های مختلف به‌ویژه پایگاه کنارک از بلوچستان به نقاط دیگر به‌منظور استفاده از آنها برای عمران و آبادی بلوچستان.

مردم دامن [پیوست ۴۹]

### ۵-۱- فراخوان گردهمایی سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان از مردم ایرانشهر برای جلوگیری از انتقال لوازم لجستیکی پایگاه‌های نظامی چابهار و کنارک اطلاعیهٔ فوری مردم مبارز ایرانشهر

همه می‌دانیم که رژیم شاه به جای اینکه به آبادانی بلوچستان می‌پرداخت و زندگی مردم را بهبود می‌بخشید، چندین میلیارد تومان صرف ساختن پایگاه نظامی کنارک در چابهار کرد تا بهتر بتواند برای اربابان خارجی‌اش خدمت کند. با وجود آنکه با این هزینه می‌شد تغییراتی بنیادی در بلوچستان ایجاد کرد، اما حالا که رژیم سرسپردهٔ شاه به دست مردم واژگون شده و دولت این پایگاه‌های ضد مردمی را تعطیل کرده است، مردم بلوچستان می‌خواهند تمام امکانات یا وسایل و ماشین‌آلات موجود در منطقه، صرف عمران و آبادانی بلوچستان گردد، اما متأسفانه این وسایل هم‌اکنون به وسیلهٔ

## ۲۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

تریلر از چابهار به جاهای خارج از بلوچستان منتقل می‌شوند؛ به طوری که هم‌اکنون مقدار زیادی از این وسایل روبه‌روی هنگ ژاندارمری ایرانشهر قرار دارند. ما از مردم می‌خواهیم که روز سه‌شنبه ۱۳۵۸/۲/۴ صبح زود (۶ صبح) در فلکۀ دادشاه جمع شوند تا از این کار ممانعت به عمل آید.

سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان-شاخه ایرانشهر-۱۳۵۸/۲/۳ [پیوست ۵۰].

### ۵-۲- اطلاعیه سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان

مردم مبارز چابهار و کنارک

با اطلاع کامل از اینکه بلوچستان یکی از عقب‌مانده‌ترین مناطق ایران است و آبادانی آن نیاز به وسایل و ماشین‌آلاتی دارد که متأسفانه هم‌اکنون دولت تصمیم گرفته است آنها را از کنارک خارج کند و این تصمیم را با حرکت چندین تریلر با وسایل و ماشین‌آلات مختلف عملی نمود و به خواست‌های مردم که به‌طور کاملاً منطقی مطرح شده بود، وقعی نگذاشت، ولی خوشبختانه مردم مبارز ایرانشهر به پشتیبانی از مردم چابهار و کنارک، سینه را سپر کردند و از حرکت آنها جلوگیری به‌عمل آوردند که با موفقیت کامل روبه‌رو شد و ماشین‌آلات به کنارک برگشت داده شدند. حال از مردم مبارز کنارک و چابهار می‌خواهیم که در صورت‌برداری و کنترل این وسایل در پایگاه، حداکثر تلاش را نموده و از انتقال آنها به خارج از بلوچستان جلوگیری به‌عمل آورند.

پیروز باد همبستگی و مبارزات خلق بلوچ

سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان - شاخه ایرانشهر - ۱۳۵۸/۲/۴ [پیوست ۵۱].

به‌کارگیری ماشین‌آلات پایگاه‌های نظامی برای آبادانی استان، یکی از خواسته‌های مردم و گروه‌های سیاسی آن زمان بود که بارها به تظاهرات و اعتراضات و اجتماع در سازمان‌ها و نهادهای دولتی انجامید. این نکته را نیز باید توجه داشت که گروه‌های مخالف و منتقد حکومت اسلامی و دولت موقت نیز این مسائل را بهانه می‌کردند تا عقده‌های خود را خالی کنند. مانند این اطلاعیه که باز هم در همان راستا صادر شده است.

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۲۹

### مردم مبارز زاهدان

ده‌ها میلیارد ریال ماشین‌آلات راهسازی، آبیاری، مولد برق و ... در پایگاه کنارک موجود است که متعلق به زحمتکشان منطقه می‌باشد. برای برنامه‌ریزی پیرامون استفاده از این وسایل روز جمعه ۱۳۵۸/۲/۲۸ ساعت ۴ بعد از ظهر در خانه بلوچ حضور به هم رسانید.

هیئت نظرخواهی درمورد چگونگی استفاده از وسایل پایگاه کنارک [پیوست ۵۲].

### ۶- اعتراض به انتصاب و نفوذ افراد وابسته به حکومت و احزاب پیشین در پست‌های دولتی و اداری

یکی از افراد بلوچ منطقه، طی نامه‌ای به جناب آقای صدر حاج سیدجوادی، وزیر کشور دولت موقت، از واگذاری پست‌های اداری و دولتی به اشخاص وابسته به حکومت گذشته و احزاب زمان شاه، ضمن معرفی برخی از این افراد، زیان به کارگیری این اشخاص برای انقلاب را یادآوری کرده بود. این نامه نیز از جمله گزارش‌هایی بود که پیش از سفر به سیستان و بلوچستان به دستم رسید و مورد توجه قرار گرفت.

در برگه روی نامه نوشته شده است: «دکتر یزدی، راجع به افرادی که در لباس انقلابی در این دولت در زاهدان به پست‌های اداری گماشته شده‌اند و مورد اعتراض جامعه بلوچ هستند (حسین ریگی) ضمن معرفی چند تن از آنان از کارهای آنها آمده است. بایگانی - امضای مقیمی»<sup>۱</sup>.

### متن نامه حسین ریگی

«وزیر محترم کشور، جناب آقای صدر

با شروع انقلاب و سرنوشتی رژیم فاسد سلطنتی، ملت ایران امیدوار بودند که ریشه ظلم و فساد از بین برود و به جای افراد فاسد و دزد و فرصت‌طلب، افراد سالم و خدمتگزار انتخاب شوند. این عمل اگرچه در سطوح بالا صورت گرفت، ولی در

---

۱. چنان که پیداست نامه، به وزیر کشور نوشته شده، و از آنجا که مخاطب آن دولت نیز بوده است، آن وزارتخانه، رونوشتی از نامه را به آقای دکتر یزدی به‌عنوان معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب فرستاده است. همچنین نامه آقای ریگی، تاریخ نگارش ندارد (ویراستار).

## ۲۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

بسیاری از موارد افراد ناشایست و کسانی که قبلاً از مداحان آریامهر و اعضای [حزب] ایران نوین، [حزب] رستاخیز و چپاولگران اموال عمومی بودند، خود را به‌عنوان انقلابی جا زده و زمامدار پاره‌ای امور گشتند و با تباری و قالتاق‌بازی که در این افراد وجود دارد، عده‌ای از همفکران خود را نیز در مشاغل مختلف به کار گماردند. این عمل از نظر آینده انقلاب خطرناک است؛ زیرا ملت ایران شاهدند این افراد با توسل به حيله و نیرنگ و پارتی‌بازی، [در حکومت] سابق برای پیشرفت خود شبانه‌روزی خود را وابسته به دربار و رستاخیز نگه می‌داشتند و حالا برای جاه و مقام به انقلاب پیوسته‌اند؛ ایمانشان را نسبت به جنبش از دست می‌دهند. نمونه این افراد یکی آقای منعمی فرماندار اسبق زاهدان است که علاوه بر فساد اخلاقی، مبالغه‌گفتی از بیت‌المال را به جیب زده و حالا به‌طوری که در روزنامه‌ها خوانده‌ایم شغل مهمی در استانداری کرمانشاه دارد. نمونه دیگر آقای دکتر اکبری از فعالان حزب رستاخیز می‌باشد که فعلاً در داخل بیمارستان زاهدان منزل داشته و ضمن اینکه مخارج خود و خانواده خود را با حقوق هنگفتی از بیمارستان دریافت می‌دارد، ولی صبح‌ها مریض نمی‌بیند و آنها را بعدازظهر در مطب ویزیت می‌کند و چون جراح و شکسته‌بند منحصر به فرد است، مردم بدبخت مجبورند پیش او بروند و فعلاً هم معاون استانداری سیستان و بلوچستان بوده و دوستان خود را با حيله و نیرنگ در مشاغل گوناگون گمارده است. و حال خود را برای استانداری و ریاست دانشکده پزشکی سیستان و بلوچستان با توسل به این و آن آماده می‌سازد. استدعا می‌شود برای جلوگیری از بدبینی مردم و تلف شدن سرمایه‌های مملکت در انتصاب افراد، نهایت دقت را مبذول نموده و در صورتی که این افراد شارلاتان خود را به نحوی در دستگاه‌های دولتی جا دادند، پس از مشخص شدن، دست آنها را از سر مردم کوتاه نمایند.

در خاتمه سعادت و سلامت ملت ایران را از درگاه ایزد یکتا مسئلت دارد.

از طرف جامعه بلوچ - حسین ریگی» [پیوست ۵۳].

### ۷- راهپیمایی اعتراض آمیز در زاهدان

زاهدان- در پی دعوت حزب اتحاد المسلمین زاهدان برای انجام یک راهپیمایی که قرار بود پریروز (پنجشنبه) انجام شود و هدف آن اعتراض به تصویب مواد ۱۱ و ۱۲ و

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۳۱

۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی بود، صبح پریروز چندین مرتبه از رادیو زاهدان اعلام شد که به گفته مولوی عبدالعزیز، پیشوای مذهبی برادران اهل تسنن و نماینده مردم بلوچستان در مجلس خبرگان، این راهپیمایی انجام نخواهد شد؛ لیکن علی‌رغم پخش مکرر این اعلامیه از رادیو زاهدان، پنجشنبه جمعی از افراد بلوچ که گروهی از آنان از شهرهای خاش و ایرانشهر آمده بودند از محل مسجد مکی متعلق به برادران اهل تسنن دست به یک راهپیمایی زدند و پس از عبور از خیابان و صدور یک قطعنامه ۲۰ ماده‌ای متفرق شدند. در پایان گروهی از این راهپیمایان، رادیو زاهدان را متهم به جعل اخبار در ارتباط با پخش اعلامیه کردند.

در پی این جریان، مسئول واحد اخبار رادیو - تلویزیون استان با مولوی عبدالعزیز در تهران تلفنی تماس گرفت و ایشان یک بار دیگر دستور قبلی خود را مبنی بر خودداری از تظاهرات و راهپیمایی در زاهدان تأیید کرد.

مولوی عبدالعزیز در این تماس تلفنی که نوار آن عیناً از رادیو زاهدان پخش شد، گفت: ابتدا قرار بود تظاهراتی بشود. بعد من گفتم این کار انجام نشود و حتی از مولوی عبدالغیور و مولوی مدنی خواستم که از طریق رادیو زاهدان این موضوع به اطلاع همه همشهریان رسانده شود؛ زیرا من به اتفاق مفتی‌زاده به حضور امام خمینی رسیدیم و ایشان گفتند همه کارها درست می‌شود و حقی از هیچ‌کس ضایع نخواهد شد و برای مذاهب اهل سنت و جماعت جای هیچ‌گونه نگرانی نیست. مولوی عبدالعزیز در پاسخ این سؤال که قطعنامه‌هایی که سبب آشوب‌های کردستان بوده‌اند پشتیبانی شده، آیا نظر شما در این مورد چیست، گفت: ما با هرکسی که بر ضد اسلام و بر ضد جمهوری اسلامی باشد، هیچ‌گونه رابطه‌ای نداریم. مولوی عبدالعزیز در پایان این گفتگو یک بار دیگر از راهپیمایی برادران اهل تسنن در زاهدان اظهار تعجب کرد و یادآور شد که این راهپیمایی برخلاف دستور صریح ایشان بوده است [پیوست ۵۴].

### ۷-۱- استاندار سیستان و بلوچستان به اظهارات مولوی عبدالعزیز پاسخ داد

زاهدان - خبرگزاری پارس: به دنبال اظهارات مولوی عبدالعزیز، پیشوای مذهبی اهل تسنن و اظهارات وی در مورد سپردن پاره‌ای از مشاغل به اقوام و خویشان استاندار

## ۲۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

سیستان و بلوچستان و اشاره به این نکته که عده معدودی دکتر جریری را توده‌ای و ضدانقلابی خوانده‌اند، دکتر جریری، استاندار سیستان و بلوچستان در گفتگو با خبرگزاری پارس در باره این اظهارات و همچنین در مورد اشتغال اقوام و کسان خود گفت: کسانی که این حرف را می‌گویند، باید دلیلی هم داشته باشند. من از اهالی شیراز هستم. اگر فامیل درجه هشتم و یا همشهری‌های من در بین این عده باشند، در آن صورت، این ادعا ثابت شده؛ درحالی که کسانی که آمده‌اند فقط بر اساس تعهد اسلامی و انقلابی بوده که آنان را به این منطقه کشانده و کوچک‌ترین آشنایی با من نداشته‌اند و اکثر آنها را من از قبل نمی‌شناختم. این عده چون خدمات جهادی عرضه کردند و حاضر شدند مردانه و از روی ایثار، خانه و کاشانه خود را رها کنند و به خدمت مردم این منطقه درآیند، به این جهت من دست یاری‌شان را فشردم. بد نیست آنها که چنین حرفی را می‌زنند مدارک موجود در استانداری و روابط عمومی و مقدار کاری که انجام می‌دهند و درجه تخصص که هر کدام از بهترین تخصص‌ها برخوردار هستند را مشاهده کنند، بعد به این ادعا رسیدگی شود.

دکتر جریری در پاسخ این سؤال که بعد از وقایع اخیر، عده معدودی گفته‌اند که شما توده‌ای و ضد انقلابی هستید، گفت: من کسی را انقلابی می‌دانم که خود را فدای جمع و جامعه کند و ضد انقلاب، فردی است که جمع و جامعه را فدای خودش بکند و اگر برادرانی کلمه ضد انقلابی را با مفهوم دیگری به کار می‌برند، خوب است که توضیح بیشتری بدهند. اگر انقلابی بودن، فداکاری کردن و ایثار همه چیز برای ایجاد حکومت اسلامی باشد، در آن صورت فکر می‌کنم دستاوردهای شخصی من هم کم نباشد که چون در اسلام رجزخوانی و گفتن اینکه من چنین هستم و چنان هستم جایز نیست، به این واسطه از گفتن زندگی و گذشته خودم ابا داشته و دارم. دکتر جریری گفت: اما کسانی که می‌گویند من توده‌ای هستم و در حزب توده فعالیت داشته‌ام، خوب است حداقل با گذشته من و مبارزات ملی من در سال‌های گذشته کوچک‌ترین آشنایی می‌داشتند. مبارزات من در گذشته روشن است و این ایدئولوژی اسلامی توانست به رهبری امام خمینی تمام این مبارزات را به ثمر برساند. دکتر جریری تأکید کرد که من هیچگاه سوابق کمونیستی نداشته و ندارم و آنها که نسبت توده‌ای به من



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۳۳

می‌دهند خوب است به این آیه قرآن توجه کنند که می‌فرماید «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» یعنی از روی ظن به اشخاص گمان بد بردن گناه است و من فکر می‌کنم برادران مسلمان ما به این اصل کاملاً معتقد باشند.

دکتر جریری اضافه کرد: من از برادرانی که در این استان زندگی می‌کنند خواهش می‌کنم هوشیارتر وقایع را تعقیب کنند و با شایعه‌ها و می‌گویندها زندگی خود را بی‌جهت ملعبه دست این و آن قرار ندهند و اسلحه به روی همدیگر نکنند، بلکه برابری، برادری و مسلمان بودن و در کنار هم زندگی کردن را تمرین کنند و مؤمن باشند که حکومت اسلامی جز تفاهم و برادری چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

## ۲-۷- استاندار سیستان و بلوچستان: حادثه آفرینان زاهدان از جاهای دیگر آمده

بودند

دکتر جریری استاندار سیستان و بلوچستان در گفتگویی پیرامون حوادث اخیر زاهدان اعلام کرد که وقوع چنین حادثه‌ای غیرمنتظره نبود و معضلی بود که باید می‌رسید و شکافته می‌شد. ورود دکتر یزدی به استان سیستان و بلوچستان مفید بود و توطئه‌ای که صورت گرفت مربوط به خارج از سیستان و بلوچستان بود و مردم این استان دخالتی نداشتند.

دکتر جریری افزود: عوامل این توطئه تحت شناسایی هستند و به زودی معرفی خواهند شد [پيوست ۵۴].

## ۸ - حمله گروهی مهاجم به دو شعبه اخذ رأی در زاهدان

زاهدان - خبرگزاری پارس

به دنبال استعفای نه تن از کاندیداها و کلیه اعضای بلوچ در هیئت نظارت بر انتخابات شورای شهر زاهدان و نیز تحریم شرکت در انتخابات از سوی «حزب اتحاد المسلمین» در جریان رأی‌گیری در حوزه انتخاباتی مدرسه فرخی واقع در چهارراه رسول زاهدان بر اثر درگیری گروهی مهاجم که قصد ربودن صندوق رأی این حوزه را داشتند، دو پاسبان و یک پاسدار انقلاب و چهار تن از افراد محلی بلوچ بر اثر اصابت

## ۲۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

گلوله زخمی شدند. یک خبر تأیید نشده حاکی است که یک پاسبان نیز بر اثر اصابت گلوله به ناحیه شکم کشته شده است. مجروحین این حادثه هم‌اکنون در بیمارستان مصدق این شهر بستری هستند. همچنین در حوزه انتخاباتی مدرسه صدیقه رضایی واقع در خیابان مصدق، مهاجمین با حمله به یک پاسدار انقلاب قصد داشتند وی را خلع سلاح کنند، ولی خوشبختانه در این مورد توفیقی نصیب آنان نشد و فقط موفق به ربودن صندوق رأی و خرد کردن آن می‌شوند. در رابطه با این درگیری‌ها خبرنگار خبرگزاری پارس در یک مصاحبه اختصاصی با آقای فیاض‌بخش، معاون سیاسی و اداری استانداری سیستان و بلوچستان و سرپرست فرمانداری زاهدان، نظر ایشان را در این زمینه جویا شد. معاون استاندار سیستان و بلوچستان گفت: به گزارش هیئت ثبت نام در حوزه انتخاباتی صدیقه رضایی یا شوکتی سابق، مقارن ساعت یازده امروز گروهی ملبس به لباس بلوچی که هنوز هویت آنان معلوم نیست به این شعب و پاسداران و پاسبانان مأمور در این حوزه حمله می‌کنند و در جریان این درگیری سرانجام صندوق رأی را پاره کرده و پس از مجروح ساختن تنی چند از مأموران انتظامی و خرد کردن شیشه‌ها و در و پنجره این شعبه، متواری می‌شوند. نظیر این واقعه در حوزه دیگری به نام حوزه مدرسه فرخی اتفاق می‌افتد که در جریان حمله به این حوزه، مأموران ژاندارمری نیز مجبور به دخالت می‌شوند و مهاجمین با تیراندازی و ایجاد اغتشاش در این شعبه، گروهی از مأموران انتظامی را زخمی می‌کنند و پس از ربودن صندوق رأی متواری می‌شوند. آقای فیاض‌بخش افزود: در مورد تعداد دقیق زخمی‌ها و یا احیاناً کشته‌شدگان این حادثه هنوز آمار رسمی و تأیید شده‌ای به دست ما نرسیده است، اما یک گزارش تأیید نشده حاکی است که یک نفر پلیس در این درگیری کشته و چند نفر زخمی شده‌اند.

سرپرست فرمانداری زاهدان اضافه کرد: خوشبختانه به همت مأموران انتظامی و پاسداران انقلاب هم‌اکنون آرامش کل در شهر برقرار است و برای پیشگیری از چنین حوادثی پیش‌بینی‌های لازم به عمل آمده است. از جمله بعد از ظهر امروز آقای جریری استاندار سیستان و بلوچستان که از طرف وزارت کشور در مورد تصمیم‌گیری در زمینه مسائل انتخاباتی اختیارات تام به ایشان تفویض شده است، در جلسه‌ای با حضور

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۳۵

فرماندهان شهربانی، ژاندارمری و پایگاه نظامی مستقر در زاهدان و اعضای هیئت اجرایی مرکب از چند تن از پیشوایان مذهبی و معتمدان محلی برادران اهل تسنن و تشیع، سرگرم رسیدگی به این وقایع هستند که پس از انجام بررسی‌های لازم و اتخاذ تصمیماتی نتیجه نهایی اعلام خواهد شد. آقای فیاض‌بخش در مورد آمار کسانی که روز گذشته در حوزه‌های انتخاباتی زاهدان ثبت‌نام کرده و کارت انتخاباتی دریافت داشته‌اند، گفت: برای شرکت در انتخابات شورای شهر، روز گذشته بیش از سیزده هزار و هشتصد تن از حوزه‌های اخذ رأی زاهدان کارت انتخابات دریافت داشته‌اند، ولی در بازدیدی که تا ساعت ده بامداد امروز از چند شعبه رأی‌گیری داشته‌م معلوم شد که گروه زیادی مراجعه و کارت انتخابات دریافت داشته‌اند، ولی هنوز آمار دقیق و رسمی از کلیه شعب به فرمانداری نرسیده است [پیوست ۵۵].

### ۹- اعتراض به رفراندوم و اشغال فرمانداری ایرانشهر

واحد مرکزی خبر شماره ۱ خارجی فرزندگان - ۱۳۵۸/۹/۱۱

رویدادهای بلوچستان

تهران - ۲ دسامبر - خبرگزاری فرانسه: به گزارش استاندار بلوچستان صبح امروز حوادث پراکنده‌ای در این استان مشاهده شد و تعداد بسیار قلیلی در همه‌پرسی قانون اساسی شرکت کردند. دکتر جلیلی<sup>۱</sup> در پاسخ به سؤالات خبرگزاری فرانسه گفت: اشغال فرمانداری ایرانشهر که صبح روز گذشته توسط دویست تا سیصد نفر آغاز شد، ادامه دارد و رأی‌گیری در این شهر امکان‌پذیر نشد. وی افزود: در چابهار یکی دیگر از شهرهای این استان نیز گروه‌های فشار صندوق‌های رأی را درهم شکستند و از برگزاری همه‌پرسی جلوگیری به عمل آوردند. استاندار بلوچستان اضافه کرد: تعداد قلیلی از مردم در همه‌پرسی شرکت کردند و این به خاطر پیام رهبران سنی مذهب منطقه در مورد تحریم همه‌پرسی از یک سو و روش گروه‌های فشار از سوی دیگر است که از انجام همه‌پرسی جلوگیری می‌کنند [پیوست ۵۶].

---

۱. جریری درست است (ویراستار).

## ۲۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

### ۱۰- نامه استاندار سیستان و بلوچستان به وزارت دربار شاهنشاهی برای جبران خسارت‌های طایفه گرگیج

وزارت محترم دربار شاهنشاهی - اداره کل مددکاری اجتماعی

تاریخ ۲۵۳۶/۸/۹ - شماره ۲/۸۷۹۵

عطف به مرقومه شماره ۳-۳۲-۱۱-۳- ۲۵۳۵/۴/۲۲ موضوع ادعاهای آقای دوست محمد گرگیج رئیس طایفه گرگیج در مورد خسارات وارده به طایفه مزبور در اثر توسعه شهر و ایجاد تأسیسات عمومی در اراضی مورد ادعای نام‌برندگان مقدمتاً به استحضار می‌رساند که طایفه گرگیج که در افغانستان و ایران سکونت دارند، در زمان شاهنشاهی رضاشاه کبیر، همکاری‌های ارزنده با ارتش شاهنشاهی داشته و در قلع و قمع طوایف یاغی آن زمان خدماتی انجام داده‌اند. در آن موقع زاهدان به شکل دهکده کوچکی به اسم «داد آبیوده» این طوایف با موافقت مقامات ارتشی در اراضی مجاور زاهدان ساکن و به احداث قنوات و ایجاد مزارع می‌پردازند. بعدها با ایجاد شهر زاهدان و مرکزیت آن، به تدریج شهر توسعه می‌یابد و با صدور تصویب‌نامه مورخ ۳۷/۱۱/۱۱ کلیه اراضی خالصه واقع در شعاع ده کیلومتری شهر به شهرداری واگذار می‌شود و چون در مهلت قانونی متصرفین اراضی از طایفه گرگیج هیچ‌گونه اعلامی مبنی بر تصرف نمی‌کنند، در نتیجه کلیه اراضی بایر آن زمان در محدوده شعاع ده کیلومتری به ملکیت شهرداری در می‌آید. چون آقای دوست محمد گرگیج که سرپرستی طوایف فوق را دارد، قانع نشده بود، از نام‌برده خواسته شد موارد اعتراض را کتباً اعلام نماید تا با رسیدگی مجدد اگر اقدام قانونی در تأمین خسارت نام‌برندگان میسر باشد به عمل آید. در نتیجه نام‌برده طی نامه مورخ ۳۶/۵/۵ سیزده مورد تجاوز را که شامل چندین رشته قنات واقع در محدوده زاهدان یا بخش‌های تابعه و مقداری اراضی می‌گردد، اعلام می‌نماید.

به فرمانداری زاهدان دستور داده شد کمیسیونی مرکب از افراد ذی‌صلاح تشکیل و به تقاضای این طایفه در هر مورد رسیدگی و اقدام قانونی به عمل آید. این کمیسیون در تاریخ ۳۶/۵/۵ در فرمانداری زاهدان تشکیل و با توجه به سوابق و مدارک موجود بررسی‌های لازم معمول گردید که یک نسخه از صورت‌جلسه مذکور جهت مزید استحضار، به پیوست ایفاد می‌گردد.

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۳۷

چون در حال حاضر و بر طبق موازین قانونی برای تأمین خسارات مورد ادعای این طایفه، اقدامی میسر نیست با توجه به خدمات آنان در گذشته، پیشنهاد می‌شود در صورت تصویب ذات اقدس ملوکانه، اوامر لازم جهت پرداخت مبلغ مناسبی به‌منظور جبران خسارات وارده به قنوت و اراضی از اعتبارات دولت ابلاغ گردد. خواهشمند است از نتیجه اقدام و تصمیمات متخذه، استانداری را مستحضر فرمایند.

استاندار - عباسعلی منیع

### نامه رئیس طایفه گورگیج به دکتر یزدی در باره پیگیری مطالبات این طایفه

۱۳۵۸/۹/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر یزدی، نماینده آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی با کمال استحضار به عرض می‌رساند مطابق اسناد و شهادت تاریخ و سوابق در لشکر ۲ و وزارت دفاع ملی، طایفه گورگیج تقریب پانصدسال در نوار مرزی سیستان و بلوچستان، مرزداران کشور سد راه متجاوزین و نفوذ بیگانگان به این آب و خاک بوده. در زمان ضعف قاجاریه و فشار انگلیس‌ها [که] حتی یک نفر مأمور در بلوچستان وجود نداشت، این طایفه سراسر بلوچستان و بجنورد و ترکمن صحرای مازندران را از یوغ استعمار و یاغیان با نثار جان پاک، بیخ و بن بدخواهان و متمرдин را ریشه‌کن کرده. از آنجایی که دولت طاغوتی غول، نماینده آمریکا که باید به وظیفه‌اش دانشمندان دین و کشاورزی و عشایر باوفا و همه نیروی ایران زمین را به کلی محو و نابود [و] از بین ببرد، به همین واسطه برخلاف عدالت و قانون، تمامی اراضی ملکی و متصرفی و هیجده قنوت و باغات و اراضی زاهدان را - که صدها میلیون تومان خسارت وارد گردیده بود - بر وسعت شهر زاهدان و تأسیس باند فرودگاه، قنوت را ویران و آب قنوت و اراضی را سازمان‌های دولتی تصاحب [کردند و] آب زیرزمینی و اراضی زاهدان را که از قرن‌ها ثروت و حقوق میراثی طایفه گورگیج بود، سازمان‌های دولتی و شرکت‌ها و باند فرودگاه و متنفذین سرمایه‌داران زمین‌خوار از چاه عمیق و نیم‌عمیق برای شرب احیای باغات جدید استفاده نمودند. بدین ترتیب سازمان‌های دولت طاغوتی، قدیم‌ترین و بزرگ‌ترین طایفه را که در هر آن و زمان به قیمت خون و

## ۲۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

مصرف خویش به افتخار تاریخ ایران عزیز، ایثارها داده چهل و پنج هزار نفر این طایفه را به بخش‌ها و روستاهای مازندران و خراسان و پاکستان و افغانستان اجباراً متفرق و پراکنده ساختند [که اکنون] با بدترین زندگی مواجه هستند.

بر اثر ادعات و دادخواهی‌های طویل‌المدت این طایفه بالنتیجه به قرار نظریه کارشناسان فنی و خُبره، خسارات وارده اراضی و قنوت این طایفه که در تحت شهر زاهدان و فرودگاه مطابق صورت‌جلسه ۳۶/۵/۲۵ و نامه ۲/۱۷۹۵-۳۶/۱/۹ و صورت‌جلسه ۵۷/۹/۲۶ استانداری سیستان و بلوچستان و تلگراف ۳۶۵، ۵۷/۹/۳۰ معتمدین و روحانیون بلوچستان عنوان مجلس شورای ملی و نخست‌وزیر طاغوت، خسارات وارده و جان‌نثاری‌های صادقانه و پراکندگی این طایفه را اعتراف و تأیید نموده‌اند. فتوکپی [این صورت‌جلسات به] ضمیمه تقدیم است. این طایفه حق به جانب، سی و پنج سال است مانند اهالی طبس در خشونت و غضب به طوفان زلزله ستمگران دولت در گرمای جهنمی دشت‌ها و سرمای سوزان غوطه‌ور و اکثر جوانان خود را از گرسنگی و بی‌درمانی از دست داده [است].

در این موقع که پس از قرن‌ها علمدار اسلام نایب و قائم‌مقام عدالت خداوندی در ایران‌زمین ظهور نموده، عاجزانه امیدوارم حقوق مشروع و میراث پانصدساله یک جمعیت بزرگ مرزی [که] به وسیله نوکران و سازمان‌های حق‌ناشناس طاغوت تاراج گردیده که حاصل صدها سال زحمت یک طایفه خدمتگزار صادق و صرف منافع هنگفت، سرمایه‌شان را تصرف از بین برده به قرائن اقرار و دلایل اسناد و گواه صورت‌جلسه‌های فرمانداری و استانداری، خسارت وارده تأیید و تثبیت گردید، از روی عدالت و انصاف، خسارت تثبیت‌شده را بذل و عنایت فرمایند. هرگاه از عدالت اسلامی و انصاف دولت محبوب که از طرف خداوند بر نجات ستمدیدگان آمده که آخرین حیات و امید ماست محروم باشند، اجازه فرمایند باقی‌مانده این طایفه مأیوس با اشک ریزان در پی زندگی آبرومندی با هزاران ناامیدی از کشور عزیز به طرف فضل و رحمت الهی به مقدرات خویش پناه ببرند.

با تقدیم احترامات - دوست محمد گورگیج، معتمد طایفه گورگیج ۲۸ آذر ۱۳۵۸  
آدرس: سعیدآباد کلاته گورگیج‌ها.

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۳۹

### صورت‌جلسه سازمان‌های دولتی زاهدان در باره بازگشت زمین‌ها و خسارت‌های طایفه گرگیج

صورت‌مجلس

در اجرای دستور جناب آقای استاندار به منظور رسیدگی به ادعای طایفه گرگیج، موضوع نامه مورخ ۳۶/۵/۵ آقای دوست‌محمد گرگیج برحسب دعوت‌نامه شماره ۳۶/۵/۲۳-۵۳۰۳ جلسه‌ای با حضور امضاکنندگان ذیل در ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۳۶/۵/۲۵ در دفتر فرمانداری زاهدان تشکیل، ابتدا نامه مورخ ۳۶/۵/۵ آقای دوست‌محمد گرگیج قرائت گردید و آقایان مولوی عبدالعزیز و سردار مه‌الله‌خان ریگی و عبدالله گمشادزهی ضمن بیان شجره‌نامه طایفه گرگیج، یادآور شدند که حق این طایفه در مورد اراضی شهر زاهدان ضایع شده است.

سپس مدارک و سوابق موجود مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح زیر می‌باشد:

۱- آقای دوست‌محمد گرگیج رئیس طایفه گرگیج مدارکی دال بر مالکیت و تصرف املاک سعیدآباد نورمحمدآباد و حسین‌آباد و غیره ارائه داده ازجمله صورت‌مجلس مورخ ۱۳۱۷/۹/۲۷ به امضای رئیس دارایی وقت مبنی بر اینکه بنا به دستور تلگرافی شماره ۳۲۱۰۳-۱۷/۸/۱ وزارت دارایی املاک فوق که توقیف شده، مجدداً به آقای ملک‌محمد گرگیج تحویل گردید و اضافه شده که اختیار فروش و اجاره و زراعت و احیا کردن با خود ایشان است.

۲- هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۷/۷/۲۱ بنا به پیشنهاد وزارت دارایی تصویب نموده‌اند که وزارت دارایی، اراضی خالصه شهر زاهدان را به شعاع ۶ کیلومتر پس از آنچه مورد نیاز دوایر دولتی می‌باشد، و آنچه سابقاً به اشخاص فروخته شده بقیه را به شهرداری زاهدان برای فروش به منظور رفع نیازمندی‌های شهر و امور عام‌المنفعه واگذار نماید.

۳- مجدداً هیئت وزیران در جلسه مورخ ۳۷/۱۱/۱۱ بنا به پیشنهاد وزارت کشور تصویب نموده‌اند.

منظور از تصویب‌نامه هیئت وزیران مصوب ۲۷/۷/۲۱ مبنی بر واگذاری اراضی خالصه، عبارت از اراضی شهر زاهدان به شعاع ده کیلومتر می‌باشد که مبدأ «آن چهارراه

## ۲۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ملتقای خیابان شاه و خیابان شاهپور می‌باشد». به استناد تصویب‌نامه‌های فوق، شهرداری زاهدان قانوناً «صاحب اراضی خالصه که به افراد فروخته نشده است، بوده و چون دهات و مزارع مورد ادعای طایفه گرگیج اغلب در همین محدوده شعاع ده کیلومتری قرار گرفته‌اند، شامل تصویب‌نامه‌های فوق شده‌اند و طایفه گرگیج نیز به علت بی‌توجهی و عدم اطلاع، به موقع مدارک خود را یعنی در سال ۱۳۳۷ شمسی ارائه ننموده‌اند و در نتیجه احراز مالکیت آنان برای دستگاه‌های مسئول، شناخته نشده. ناگفته نماند که در طول زمان، عده‌ای افراد سودجو و زمین‌خوار از موقعیت استفاده کرده به عناوین مختلف، اراضی موضوع تصویب‌نامه‌های فوق را مورد تجاوز و تصرف قرار داده و با احداث کوره و باغ و آلونک، ایجاد تصرفاتی نموده و خود را صاحب اعیان دانسته و بعضی نیز سند مالکیت اعیان دریافت داشته‌اند؛ از جمله این افراد کسانی هستند که در توسعه باند فرودگاه زاهدان مبلغ ۷۴۴۰۰۷۹ ریال بابت مستحقات ایجاد شده خود خسارت دریافت داشته‌اند.

۴- در مورد اراضی تل سیاه مورد ادعای طایفه گرگیج، معاون سرچنگلداری استان اظهار داشتند که برابر مقررات و ضوابط مربوطه ۱۸۵ هکتار از اراضی تل سیاه جزو مستثنیات منظور و بقیه ملی اعلام گردیده است. اراضی لخشک جزو منابع ملی اعلام و فقط دو باب ساختمان مربوطه به اداره راه جزو مستثنیات منظور شده و بقیه ملی اعلام شده است.

در اراضی خرنی محمدآباد، یک رشته قنات و ۵ حلقه چاه مالداري و یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۰۰ متر جزو مستثنیات منظور و بقیه جزو منابع ملی اعلام گردیده‌اند. و یادآور شدند در صورتی که طایفه گرگیج زمین برای امر کشاورزی لازم دارند، طرح تأسیسات خود را از طریق اداره کل کشت و صنعت وزارت کشاورزی به جریان بیندازند تا برابر مقررات زمین مورد نیاز به آنان به صورت اجاره واگذار گردد، اما آقای دوست محمد گرگیج تقاضا دارد که ۱۰۰۰ هکتار از ۱۱۰۰۰۰ هکتار اراضی موجود تل سیاه جهت دامداری و کشاورزی به طایفه گرگیج در توابع قنات در محمدآباد واگذار گردد.

۵- در خصوص حفر چاه، نماینده سازمان آب اظهار داشتند که به علت موقعیت حاد زاهدان از نظر بی‌آبی، امکان اجازه حفر چاه در زاهدان میسر نیست، ولی در منطقه



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۴۱

تل سیاه پس از اینکه طرح مطالعاتی تأمین آب زاهدان که در دست اجرا است، به پایان برسد، امکان اجازه حفر چاه در آن منطقه میسر خواهد بود.

۶- آقایان مولوی عبدالعزیز و سردار مهرالله خان ریگی و عبدالله گمشادزی پیشنهاد دارند به منظور جبران زحمات طایفه گرگیج که از نثار خون خود در حفظ بلوچستان دریغ نکرده‌اند، حتی الامکان مساعدت لازم از طرف دولت بشود.

امضا: نماینده فرمانداری زاهدان، شهردار زاهدان، نماینده اداره کل کشاورزی، معاون اداره کل سرچنگلداری، نماینده سازمان آب، مولوی عبدالعزیز، سردار مهرالله خان، دوست محمد گرگیج

مکرراً با عقیده پاک اظهار نظر می‌گردد در اثنای بحث جلسه، ادعای دوست محمد رئیس طایفه گرگیج مطرح نتیجه آن دانسته شد. رسیدگی این قضیه از استان محترم به وزارت محبوب دربار شاهنشاهی گزارش که مراتب را به شرف عرض مبارک اعلی حضرت همایونی برساند؛ چون مورد بحث از موضوع پریشانی و یأس و پراکندگی یک طایفه بزرگ خدمتگزار صادق شاهنشاهی متصور و آنچه مسلم است در این اوقات فرخنده در تمامی ملل دنیا عدالت شاهنشاهی نورافکنی دارد. وجدانا یک جریان روشن طایفه بزرگ را پوشیده و متروک و لاینحل نباید گذاشت تا احتیاج به هیئت ثانوی مرکز فراهم نگردد. اگرچه حقایق را در جلسه اظهار نظر کردیم، آراء مجلس تصدیق فرمودند که حقوق مسلم طایفه گورگیج از روی عدالت به کلی ضایع گردیده، فلذا به حقوق ثابتۀ طایفه مذکور ذیلاً توضیح می‌گردد.

الف- قنات شمس‌آباد پلاک شماره ۲۸۲۴ و قنات فیض‌آباد پلاک شماره ۲۸۲۳ با اراضی توابع آن که قسمت زیادی اراضی زیر باند فرودگاه زاهدان با اراضی اطراف آن مال و ملک و موروثی دوست محمد گورگیج و برادرش نورالله روا می‌باشد که از سالیان دراز در تصرف داشته‌اند؛ از قبیل باغ، مزرعه، خانه و متحدثات اعیانی در اراضی مذکور ایجاد داشته که جناب آقای استاندار محترم به نامه شماره ۷۷۴۷/۳۵/۲/۲۰- عنوان جناب آقای شادمان وزیر مشاور معاون پارلمانی نخست‌وزیر تصدیق فرموده‌اند که هر دو قنات با قسمت زیادی اراضی زراعی و باغات و خانه‌ها از اثر تأسیس و مستحدثات فرودگاه ویران گردیده و باقی‌مانده اراضی را شهردار تصاحب و یا دزدان زمین‌خوار به فروش رسانیده و تصرف شده‌اند.

## ۲۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

ب- قنات شیرآباد پلاک شماره ۲۸۶۰، قنات سعید آباد پلاک شماره ۲۸۶۲، قنات حسین آباد، قنات شیرآباد پلاک شماره ۲۸۴۰، قنات حسن آباد پلاک شماره ۲۸۳۰، قنات رحمت آباد پلاک شماره ۲۳۰۶، قنات حجت آباد پلاک شماره ۲۸۳۹ و غیره جمعاً هیجده رشته قنات و غیره چاه‌های نیمه عمیق و چاه‌های عمیق از قدیم الایام با اراضی زراعی و باغات و توابع آن به موجب فرمان شاهنشاهی رضا شاه کبیر و صورت مجلس ۱۳۱۷/۹/۱۶ به امضای رئیس دارایی؛ بنا به دستور تلگرافی ۱۷/۸/۱-۳۲۱۰۳ وزیر دارایی قنات‌ها و اراضی توابع آن برای ملک محمد و کسانش تحویل گردیده که اختیار خرید و فروش به خود طایفه گرگیج ارتباط دارد. قنات‌های مذکور قبل از وسعت دادن شهر زاهدان، آباد [بوده] که قنات به طول ۱۶ کیلومتر و دوازده کیلومتر امتداد [داشته] که جمعیت انبوه طایفه گرگیج از ممر این قنات‌ها امرار حیات می نمودند. به نسبت وسعت دادن شهر زاهدان بالای قنات‌های مذکور [و] ایجاد چاه‌های عمیق و نیمه عمیق جهت شرب و استفاده شهر زاهدان، خشک شده‌اند. تقریباً یک هزار و پانصد هکتار اراضی مزروعی و باغات طایفه گرگیج خشک [شده‌اند]. بر این همه ضرر و خسارت به قوم گرگیج توجهی فراهم نگردیده، در قنات و حریم قنات‌ها و اراضی واگذاری شاهنشاهی و املاک ثبتی قانوناً محروم نمی‌باشند.

ج- اراضی لخشک و پوط قدیمی و قنات محمدآباد و مادرچاه و گوربند در مقابل کوه ریک پد و کوه سیاه و پوگی و خیابان خاش واقع در غرب شهر زاهدان به فرمان شاهنشاه رضاشاه کبیر به قرار نقشه و صورت مجلس ۱۳۱۷/۹/۲۷ به امضای رئیس دارایی وقت بنا به دستور تلگرافی شماره ۱۷/۸/۱-۳۲۱۰۳ وزارت دارایی اراضی محدوده ذیل برای طایفه گرگیج که از آبا و اجداد در تصرف داشته‌اند، تحویل گردید: شمالاً کوی چشمه مقابل دبستان بابایان و ادامه سلسله کوی چشمه الی رود چشمه و تپه سرخ سنگی الی کوی لخشک به امتداد ده کیلومتر؛ غرباً چاه دوربن و پوط قدیمی و قنات محمدآباد و مادرچاه مشهور به لاک چاه و چاه گوربند مقابل ریگ پوط و سیاه کوه و پوگی و تپه سیاه کوه طرف غرب کلاته رزاق زاده به امتداد شانزده کیلومتر - شرقاً کوه چشمه مقابل دبستان بابایان و تپه سرخ سنگی و خیابان خاش امتداد چهار کیلومتری فتورکی جنوباً خیابان خاش الی طرف غرب کلاته رزاق زاده

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۴۳

تپه سیاه کوه به امتداد دوازده کیلومتر، قسمت زیادی اراضی محدودات فوق خرابه موجود و بقیه را مردم زمین‌خوار بدون اجازه و سند فروخته و تصاحب شده‌اند.

د- مضافاً در صورت جلسه قید گردیده دوست محمد از یکصد و ده هزار هکتار از اراضی خرابه‌های خشک و سوزان تل سیاه و رادوچاهی و گورستانی برای دامداری و زراعی و صناعی تمام طایفه گرگیج یک هزار هکتار خواستار شده است، در صورتی چنین تقاضا و یا اظهار نظری به هیچ عنوان از ناحیه شخص مذکور مطرح نشده است؛ چون نام‌برده خواهان حق مسلم خود و عموم قومش می‌باشد که ضروریات زراعی و دامداری و زندگی چنین طایفه بزرگی را که در گذشته غازی و در آینده پاسدار مرز کشور شاهنشاهی می‌باشند، تأمین نمایند. با وصف آنکه به موجب فرمان شماره ۳۳۲-۱-۲۰۰۹/۷/۱۳۵۲ دربار شاهنشاهی برای سرسبزی و آبادی همین اراضی خشک و سوزان عنوانی، جناب آقای استاندار سیستان و بلوچستان چنین دستور فرموده‌اند (توجه مخصوص ذات مقدس شاهانه است و مخصوص امر فرمودند این مردم که پول خود را از شیخ‌نشین‌ها آورده و می‌خواهند عمران و آبادی نمایند. چرا جلوی کار آنها را می‌گیرند. وزیر دربار شاهنشاهی اسدالله علم).

ه- خلاصه موضوع املاک زاهدان با سابقه قریب پانصد سال مال و ملک طایفه گرگیج و به فرمان اعلی حضرت شاهنشاه رضاشاه کبیر اراضی زاهدان و توابع آن به قرار صورت مجلس به طایفه گرگیج تحویل که حق خرید و فروش مربوط به خود آن طایفه است. به نسبت وسعت شهر زاهدان بالای قنات‌ها و ایجاد چاه‌های عمیق و نیمه عمیق قنات‌های طایفه گرگیج خشک بر همه کس واضح و ثابت است اراضی زاهدان و توابع به فرمان شاهنشاهی به طایفه گرگیج واگذار گردیده که اجازه حق و خرید و فروش را برایشان داده‌اند. این زمین‌ها غیرخالصه شمرده می‌شود و نیز قانوناً تصویب هیئت وزیران (فرمان شاهنشاهی) را منسوخ نخواهد کرد.

سزاوار است آنچه از اراضی طایفه گرگیج تا به حال در تصرف کسی نیامده و همچنین مردم زمین‌خوار که بدون اجازه شهردار و مالکان، اراضی را جبراً و قهراً تصرف شده برای طایفه گرگیج واگذار و از ویرانی قنات‌ها در بین شهر زاهدان که شهردار به فروش رسانیده و همان دو قنات که با اراضی زیر باند فرودگاه بین‌المللی زاهدان از بین رفته به شرف عدالت و انصاف رضایت مالکان اراضی طایفه گرگیج را

## ۲۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

حاصل فرمایند و از اینکه آب‌های زیرزمینی زاهدان و توابع آن به نمکستان گود زره افغانستان که قریب سه هزار متر از زمین‌های زاهدان عمیق و چشمه‌های آب‌های زیرزمینی به طرف سرایشی می‌رود، طایفه گرگیج زاهدان استحقاق اولیت دارند که از آب‌های زیرزمینی کشور خویش استفاده نمایند. در هر صورت به فضیلت انصاف و عدالت شاهنشاهی طایفه گرگیج را که به طرف پریشانی و نیستی می‌رود نجات بخشند.

امضا: مولوی عبدالعزیز، عبدالله گمشادزی، دوست محمد گورگیج<sup>۱</sup>

### تلگراف بزرگان بلوچ به نخست‌وزیر از هاری برای درخواست مطالبات طایفه گرگیج

تیمسار ارتشبد از هاری، نخست‌وزیر محبوب کشور شاهنشاهی

تلگراف شماره ۳۶۵ ۱۳۵۷/۹/۳۰

رونوشت: جناب آقای رئیس محترم مجلس شورای ملی.

رونوشت: آقای پزشک‌پور، ریاست کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی.

رونوشت: ریاست معظم ستاد مشترک بزرگ ارتشتاران.

این فداکاران معتمدین طوایف و عشایر استان سیستان و بلوچستان با نهایت عجز و استرحام صداقت و امیدواری کامل به عظمت عدالت عرض می‌داریم: طایفه گرگیج از پانصد سال قبل تا حال همواره از خدمتگزاران کشور [و] جان‌نثار شاه و میهن بوده در سال ۱۳۰۲ در زمان ضعف قاجاریه و فشار انگلیس‌ها [که] در بلوچستان و استان مازندران هرج و مرج استعمار ادامه داشت، به فرمان سردار سپه رضاشاه کبیر شاهنشاه به قصد این طایفه با فداکاری و ایثار در حفظ و حراست امنیت بلوچستان و مازندران با نثار خون اقدام نموده با آن همه مجاهدت‌ها و جان‌بازی‌ها [که] به عمل آورده نه تنها پاداشی دریافت نکرده، بلکه هر روز به دسایسی در املاک و قنوات موروثی این طایفه مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته. دادخواست‌هایی که این طایفه از سال‌ها به تمام دوایر دولتی داده‌اند، متأسفانه در زاهدان مورد رسیدگی واقع نگردیده با وصف آنکه بنا به فرمان شاهنشاه رضاشاه کبیر به دستور تلگرافی ۱۷/۸/۱-۳۲۱۰۳ وزارت دارایی و

۱. این صورت مجلس تاریخ ندارد، ولی از تاریخ‌های یادشده در آغاز صورت جلسه می‌توان پی برد، این جلسه پس از مردادماه ۱۳۵۶ برگزار شده است (ویراستار).

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۴۵

صورت‌مجلس‌های ۱۶ و ۱۷/۹/۲۷ رئیس‌داری و متصدی‌خالصه‌زاهدان، طایفه‌گرگیج اختیار فروش و زراعت و احیا کردن اراضی موروثی زاهدان و توابع آن با خودشان می‌باشد و اداره‌داری با املاک فوق‌الذکر مداخله نخواهد داشت، اما بعدها شهردار زاهدان اراضی زراعی و قنوات موروثی را جعلاً به نام خالصه برخلاف عدالت و قانون، املاک متصرفی و هجده قنوت آباده و اراضی را که بر احیاءشان بیش از صدها میلیون تومان خساره‌مند<sup>۱</sup> شده بر وسعت شهر زاهدان و تأسیس باند فرودگاه، قنوات را ویران، فاضلاب شهر زراعت و باغات را خشک، آب قنوات و اراضی زاهدان را شهردار و سازمان‌های دولتی و باند فرودگاه و سرمایه‌داران و زمین‌خواران تصاحب، آب زیرزمینی قنوات که ثروت و حقوق ارثی طایفه‌گرگیج بود، برای شرب استانی و باغات جدید استفاده می‌نمایند. بدین ترتیب سازمان‌های دولتی زاهدان، قدیم‌ترین و بزرگ‌ترین طایفه بلوچستان را که با ارتش شاهنشاهی به قیمت خون و مصرف خویش به افتخار تاریخ شاهنشاهی ایثارها داده. چهل و پنج هزار خانوار طایفه‌گرگیج به بخش‌ها و روستاهای مازندران و خراسان و سیستان و بلوچستان و پاکستان و افغانستان برای امرار حیات خویش اجباراً متفرق با بدترین زندگی مواجه [هستند]. در نتیجه این طایفه بزرگ در شرف نیستی و اضمحلال و ترک وطن می‌باشند. سی سال کلیه اراضی و قنوات که پشتوانه حیات و میراث طایفه‌گرگیج بوده برخلاف قانون و رعیت‌پروری بر عایدات شهرداری و سازمان‌های دولتی و سرمایه‌داران زمین‌خوار به توجه شهرداران ایام‌المدت به قدرت سرنیزه از دست‌شان کشیده از سال‌ها ادعای طایفه مذکور جریان داشته، اما در زاهدان به اوامر نامه‌های مقامات ذی‌صلاح ترتیب اثر نداده‌اند. این طائفه حق به جانب، مانند اهالی طبرستان بین زلزله خشونت و غضب بی‌عدالتی مفروق، به همان وعده عدالت و رسیدگی فوری، این طایفه پریشان و سرگردان حق‌به‌جانب را به قانون شیر خورشید سرخ و پسندیده عدالت شاهنشاهی برای جبران خسارت قانونی و سرنوشت یک طایفه بزرگ یک هیئت ذی‌صلاح از مرکز بدون تبعیض به فیصله قاطع با عجله نجات داده، به تأمین زندگی آینده طایفه بزرگ توجهی مبذول فرمایید.

---

۱. همان خسارت‌مند است.

## ۲۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

با تقدیم احترامات مضافاً به عرض می‌رساند شهردار زاهدان تصویب‌نامه هیئت دولت را تا شعاع ده کیلومتر ملاک عمل قرار داده، در صورتی که املاک بلامعارض شامل چنین تصویب‌نامه هیئت دولت می‌باشد، نه ملک موروثی.

امضاها: حاج مه‌الله ریگی، سرپرست ایل ریگی؛ شاه نظر، سرپرست ایل شاهوزی؛ عبدالله گمشادزهی، سرپرست ایل گمشادزهی؛ دوست محمد گورگیج، مالک اراضی و قنوت ایل گرگیج؛ کدخدا، سیدمحمد ریگی؛ حاجی عیدمحمد ریگی، کدخدا؛ کدخدا حاجی شاه بیک؛ کدخدا موسی مشیربخش، کدخدا حاجی خان محمد ریگی؛ حاکم شرع بلوچستان، مولوی عبدالعزیز و امضاها و مهرهای بسیار ... [ پیوست ۵۷ ].

### ۱۱- خلاصه‌ای از مسائل و رویدادهای استان سیستان و بلوچستان از آرشیو

روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۹/۲۵

۱۳۵۷/۱۱/۲۵: نهضت همگانی جنوب شرق، پیروزی انقلاب را تبریک گفته و ضمن دفاع از تمامیت ارضی ایران جدایی بلوچستان را یک ساز اجنبی توصیف کرده.

۱۳۵۷/۱۲/۵: استاندار منتخب شورای انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان: مهندس

یدالله کشتکاران

۱۳۵۷/۱۲/۱۷: مولوی عبدالعزیز خواستار تشکیل انجمن‌های ایالتی سیستان و بلوچستان شد. حفظ آداب و سنن بلوچی، زبان بلوچی و تدریس فقه تسنن در مدارس خواسته شده، جدایی طلبی به شدت تکذیب شده. مسئولان بلوچ برای امور اجرایی منطقه. مصاحبه با گاردین.

۱۳۵۷/۱۲/۲۶: بر اساس گزارش سیاست بین‌المللی ایران در منطقه بلوچستان حوزه‌های بسیار نفت‌خیزی چون سراوان، دزدآب، ایرانشهر و خاش وجود دارد که تا بیست سال نفت ایران را تأمین کند.

۱۳۵۸/۱/۱۱: آقای خامنه‌ای مسئول بررسی مسائل بلوچستان از جانب امام.

۱۳۵۸/۱/۱۴: مولوی عبدالعزیز طی پیامی برای برادران ترکمن، آنها را دعوت به آرامش و اتحاد نمود.

۱۳۵۸/۱/۲۵: علامه مولوی عبدالعزیز ملازاده، رهبر اتحاد المسلمین در یک سخنرانی خواست‌های مردم بلوچ را به این ترتیب اعلام نمود: خودمختاری در

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۴۷

چهارچوب دولت مرکزی، دین اسلام دین رسمی، شرط مسلمان بودن برای نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور، احترام و حفظ فرهنگ منطقه و تدریس فقه تسنن در مدارس منطقه، بورس برای طلاب تسنن، احترام به خلفای راشدین و اصحاب و ازواج [پیامبر اسلام]، احیای کشاورزی منطقه از هر جهت.

۱۳۵۸/۱/۲۵: نظرات خامنه‌ای: اولویت بلوچستان در امور عمرانی، استعداد سرشار منطقه برای کشاورزی، از هوشمندی رهبران مذهبی در جلوگیری از درگیری‌ها قردادانی شده. تجزیه‌طلبی تکذیب شده، کشاورزی، بهداشت، مدرسه.

۱۳۵۸/۱/۲۵: سرهنگ حسین کاشفی که از طرف شورای انقلاب اسلامی بلوچستان به فرماندهی ژاندارمری برگزیده شده بود، از طرف ژاندارمری مرکز برکنار شد و علت برکناری خود را بازداشت عدّه زیادی از عوامل رژیم سابق که در منطقه پراکنده بودند، اعلام کرده است.

۱۳۵۸/۲/۱: مسعود غیائی، سرپرست دفتر برنامه‌ریزی ۱۲٪ افزایش اعتبار برای بلوچستان را نسبت به سال قبل اعلام کرد.

۱۳۵۸/۲/۱۸: با لایروبی ۴۰۰ قنات به اعتبار ۱۱ میلیون تومان، یکصد هزار هکتار اراضی منطقه زیر کشت رفته و در صورت خاتمه سد پیشین، ۹۰۰۰ هزار هکتار دیگر زیر کشت خواهد رفت.

۱۳۵۸/۳/۲: نامهٔ جامعهٔ مهندسين و مقاطعه‌کاران به شورای انقلاب و تقاضای ایجاد امنیت در منطقه.

۱۳۵۸/۳/۲۴: دانش نارویی، استاندار بلوچستان: برای ایجاد راه‌های روستایی ۴۵۰ میلیون ریال تخصیص داده شد.

۱۳۵۸/۴/۴: اعزام پاسداران یزد به سیستان و بلوچستان از طرف آیت‌الله صدوقی.

۱۳۵۸/۴/۳۰: کمک استانداری بلوچستان به کشاورزان در امور کشاورزی.

۱۳۵۸/۵/۱۷: افراد مسلح در بلوچستان یک استاد دانشگاه و معلم را کشتند: مهندس

نیکبخت در نزدیکی روستای ایرندگان. علت امر را فرماندار، راهزنی اعلام کرده.

۱۳۵۸/۵/۲۷: علت ناامنی‌های اخیر: مولوی عبدالعزیز، عدم هماهنگی و تشتت

نیروهای انتظامی، شهربانی، ژاندارمری و سپاه. تقویت شهربانی و ژاندارمری تقاضا

## ۲۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

شده. اشخاص زیادی به منطقه می‌آیند و خود را نماینده امام معرفی می‌کنند و مردم نمی‌دانند در امور انتظامی، حقوقی و قضایی به چه کسی مراجعه کنند. حق این است که شورایی از روحانیت شیعه و سنی منطقه تشکیل شود و بازوی اجرایی آن سازمان‌های انتظامی باشند. پاسداران بهتر است محلی باشند.

۱۳۵۸/۶/۱۰: اخطار شدید دادستان انقلاب بلوچستان به راهزنان مسلح: جانی‌ها و اشرار و عوامل رژیم سابق با گذراندن دوره‌های چریکی دست به راهزنی می‌زنند. تجدید بعضی از احکام صادره دادستان سابق.

انگیزه قتل شهدای جهاد، سیاسی و وسیله عوامل ضد انقلاب اعلام شد.

۱۳۵۸/۶/۲۲: دیدار یک‌روزه نخست‌وزیر (بازرگان) از منطقه و زابل.

۱۳۵۸/۶/۳۱: اراضی فئودال‌ها و زمین‌های بزرگ به روستاییان واگذار می‌شود.

دکتر جریری، استاندار سیستان و بلوچستان: هشت هزار مرد مسلح در کوه‌های سیستان و بلوچستان مستقر شده‌اند. کوچک‌ترین حرکت ضد امنیت مردم به شدت سرکوب خواهد شد.

۱۳۵۸/۶/۳۱: راهپیمایی حزب اتحاد المسلمین در اعتراض به مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی. پخش مکرر پیام مولوی مبنی بر تحریم تظاهرات، در عین حال عده زیادی راهپیمایی کردند و یک قطعنامه ۲۰ ماده‌ای صادر کردند.

۱۳۵۸/۷/۴: توسط استاندار بلوچستان [اعلام شد]: سران عشایر از حادثه لاشار ابراز تأسف کردند و از امام عذر خواستند، امام هم به محمدخان میرلاشاری و سایر افرادی که در این رابطه تحت تعقیبند، تأمین دادند.

۱۳۵۸/۸/۲۷: اختیارات مدیرکل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان به شورای هفت نفره منتخب فرهنگیان منطقه سپرده شد.

۱۳۵۸/۹/۹: پاکسازی در ادارات سیستان و بلوچستان وارد مرحله جدیدی شد و استاندار از مردم خواست تا دلایل و مدارک خود را به کمیسیون پاکسازی بفرستند.

۱۳۵۸/۹/۲۲: جامعه سیستانی‌ها گزارش BBC را مبنی بر تجدیدطلبی تکذیب و بر رهبری امام، و حمایت از سپاه پاسداران در مبارزه با ضدانقلاب و تمامیت ارضی ایران تأکید کرد.



## پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل یکم

### پیوست ۱- امام، دکتر یزدی را مأمور رسیدگی به شکایات کرد

طی نامه‌ای، امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران با صدور دستور خطاب به دکتر ابراهیم یزدی، مأموریت تازه‌ای به او محول کرد. متن این دستورنامه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، شکایات بسیاری از استان‌های مختلف کشور رسیده است. جناب عالی که مورد اعتماد این جانب هستید، مأمور می‌باشید با هیئتی که به این جانب معرفی خواهید نمود به استان‌های کشور سرکشی نموده و پس از رسیدگی به شکایات مردم، از موارد اختلاف و اشخاص مختلف، گزارشی تهیه نمایید تا درباره آنان تصمیم مقتضی گرفته شود تا در محاکم صالحه رسیدگی و متخلفین مجازات شوند. لازم است در هر نقطه با علمای اعلام و معتمدین محل تماس گرفته و با همکاری آنان مأموریت را انجام دهید. بدیهی است تمام قشرهای مختلف کشور در این امر مهم از هیئت ویژه پشتیبانی می‌نمایند و موضوعات مورد اختلاف را با این هیئت مطرح می‌نمایند.

تاریخ ۲۰ آذرماه ۱۳۵۸، بیست و یکم محرم الحرام ۱۴۰۰

روح‌الله الموسوی الخمينی

(روزنامه کیهان، چهارشنبه ۲۱ آذرماه، ۱۳۵۸، شماره ۱۶۰۲۴، ص ۱۱)

چهارشنبه ۲۱ آذر ماه  
۱۳۵۸ - شماره ۱۶۰۲۴ ۱۱

## امام دکتر یزدی را مامور رسیدگی به شکایات کرد

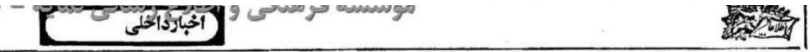
نامه‌ای امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران با  
صدور دستور خطاب به دکتر ابراهیم یزدی ماموریت تازه‌ای  
بداو محول کرد. متن این دستور نامه بشرح زیر است :

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی . شکایات بسیاری  
از استان‌های مختلف کشور رسیده است . جنابعالی که  
مورد اعتماد اینجانب هستید، مامور می‌باشید با هیاتی  
که به اینجانب معرفی خواهید نمود به استان‌های کشور  
سرکشی نموده و پس از رسیدگی بشکایات مردم، از موارد  
اختلاف و اشخاص مختلف، گزارشی تهیه نمائید تا درباره  
آنان تصمیم مقتضی گرفته شود، تا در محاکم صالحه رسیدگی  
و متخلفین مجازات شوند. لازم است در هر نقطه با علمای  
اعلام و مسئولین محلی که فتوای همکاری آنان ماموریت  
را انجام دهید. پس از اتمام کارهای مختلف کشور  
در این امر مهم از هیات ویژه پشتیبانی می‌گردد. موضوعات  
مورد اختلاف را با این هیات مطرح می‌نمایند تاریخ ۲۰  
آذر ماه ۵۸ بیست و یکم مهر الحرام ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمينی

پیوست ۲- در مأموریت تازه دکتر یزدی، شورای انقلاب با دکتر یزدی همکاری می‌کند



در مأموریت تازه دکتر یزدی

## شورای انقلاب با دکتر یزدی همکاری میکند

کمیته امیاد و نظائر آن به کمک مستقیم بنشیند و یا احدیا زمانی روی داد به گفته مردم برون، بیوان مثال در پسر جنگند، مردم آب کشیدی تازنده آقا محمدن بیاد باین بعد ابرام شده تا پس از مطمان کنی، آب آشنایی مردم این پسر تاین شود، وی گفت: هر سیصد زلزله‌زده خراسان نیز، اقدام نمایشی دو روستا با ۴۰۰ تا ۵۰۰ واحد مسکونی شده است و همچنین بیاد مستقیم، تسیر و مریت در حدود ۲۰۰ کیلو متر راه را در این منطقه انجام داده‌اند.

دکتر محمد بهمنی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید علی حسینی‌ای که شب گذشته به منظور مذاکره درباره بارانی از مسائل جاری منگنی، به حضور امام خمینی‌ای رسیدند. در پایان مراسم سرشناسی با خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها و در زمینه نمایشگاه مطبوعاتی اقبال داشتند.

دکتر بهمنی گفت: امیاد و ملازمان با امام است، هر چه می‌بینیم و پیرامون برطرف بود، مگر می‌تواند مابه خدام است و ملاقات داشته باشیم و برطرف باشد!

وی گفت: مسائل مالی مملکت ویژه مسئله آذربایجان را به اطلاع امام خمینی رسانیدیم و وی سپس افرام هیات‌ها را شورای انقلاب به منظور بررسی مسئله آذربایجان اشتهار کرد و گفت: ملاقات این هیات، در تیز خوب بوده و جو شهر را به دست خوب گرفته‌اند ما به حال مطالعه می‌انجامیم و در این حال خواهد است که از غیب خبر ماز و آیدند را می‌دانند.

دکتر بهمنی، آنچه در پاسخ به این سوال که آیا شورای انقلاب، با مقامات صاحب نظر حقوق بین‌الملل، هم‌راستا هم‌فکر خواهد بود، پاسخ داد: برای رسیدگی به مسائل و مدارگی که در زمینه مشکلات خدای‌خواه آمریکا در امور داخلی ایران و نیز دست‌های که به ما وارد شده است، وجود دارد. یک عهد نیمه جهانی هستیم به آمریکا رسیدگی کند و سازمان، مسئله جهانی مهم است و ما با همه مسئولان و مقامات این کشور هستیم.

وی در مورد اینکه آیا تصمیمات جدیدی در مورد گروهان ما در سوی شورای انقلاب شده است، پاسخ داد: مگر از تصمیمات تعیینی ۴ تصمیمی که گذاشته شده، خبر، هر تصمیمی که تاکنون گرفته شده، اعلام گردیده است.

### خطوط اصلی مأموریت دکتر یزدی روشن شد

دکتر یزدی در مورد ترکیب اعضای هیات‌ها و تشکیل هیات‌ها و شروع کار، در این رابطه با افرادی که با هیات‌ها شروع داشته‌اند و می‌توانند دیدگان چنین هیاتی با هم همکاری داشته باشند، مذاکره کرده‌اند و شاید ظرف ۲۴ ساعت آینده اوضاع هیات‌ها را به امام معرفی کند.

### جهد سازندگی

خبرنگار خبرگزاری پارس سوال کرد: اخیراً اعتراضی به هیات یک باربار و یکصد و پنجاه میلیون تومان اعتراضی جهان سازندگی قرار گرفته است، آیا برنامه خاصی برای این اعتراض دارید؟ دکتر یزدی در پاسخ گفت: ما در این زمینه برنامه خاصی نداریم و هر چه کار می‌کنیم، ما در نظر گرفته شده است. دکتر بهمنی گفت: این هیات که در نظر هیات سازندگی طرح‌های تهیه شده قرار می‌دهد، هر یک از اعضای هیات در دست اجرا و بررسی قرار می‌دهد. کار سازندگی آغاز می‌شود، اما اگر کار سازندگی در این زمینه انجام نمی‌دهد، ما به کار سازندگی می‌انجامیم.

### دو دفتر استادرسمی پیشنهادی

روابط عمومی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کرد: پیرامون اطلاع‌رسانی بعضی از دفاتر استادرسمی تهران و حومه روزهای پنجشنبه آخر هفته را تعطیل خواهد کرد.

### دکتر یزدی، برای جلوگیری از دوباره کاری و تعامل وظایف هیات

دکتر یزدی در مورد جلوگیری از دوباره کاری و تعامل وظایف هیات‌ها گفت: هر دو هیات هم‌راستا خواهند بود.

**آگهی استخدام**  
شرکت سیماس سنجاب اراک واقع در شیراز-ایرجیت تکمیل کادر پرسنل خود یکفصل سیماس سنجاب-سازمان راه کار جدید در دستگیری را از طریق سیماس با حقوق دولتی و داخلی می‌پسندگی می‌کند می‌تواند.

**استخدام مکانیک**  
شرکت اجر ایران پیر (تهران لندن بزرگ سابق) یک نفر مکانیک اکیات تراک با حداقل ۵ سال سابقه کار برای گسترش خود واقع در فرجه ورامین استخدام می‌گردد.  
شماره تلفن: ۶۷۶۹۲۲۲-۶۷۶۹۲۲۲

**آگهی شرکت**  
بانی بانی پارس در کلیه، واقع در خیابان قزوین-بازار ۲۴-کوچه موج-دکتر جلدی حلیه موج تصمیم در مورد هیئت مدیره

**اطلاع خاص**  
روابط عمومی انتشار یافته است و اصولاً حضور این هیات در منطقه و مرکزی سیماس سنجاب-سازمان راه کار جدید در دستگیری را از طریق سیماس با حقوق دولتی و داخلی می‌پسندگی می‌کند می‌تواند.

**اطلاع خریداران محترم باطری**  
اتومبیل هیر سانده که در موقع خرید باطری لیست قیمت کهاز طرف شرکت تعاونی ویست قیمت سازنده کارز عرف اتحادیه باطری-سازان در اختیار فروشندگان

**انواع ماشین بلوک زنی سیمانی**  
ساخت ایتالیا و ایران با تولید ۵۰۰ الی ۱۲۰۰ عدد در روز شرکت بستون ماشین خیابان آزادی شماره ۳۳۳ تلفن ۹۳۳۱۷۲-۹۳۳۱۷۲

جهد سازندگی... ساخت مکانیک... اطلاع خاص... انواع ماشین... اطلاع خریداران...

پیوست ۳ - دکتر یزدی خطوط مأموریت جدید خود را تشریح کرد

## دکتر یزدی خطوط مأموریت جدید خود را تشریح کرد

دکتر یزدی در مورد ترکیب اعضای هیات خود گفت انتخاب آنها هنوز قطعی نشده و از امروز صبح مطالبات را شروع کردیم و در این رابطه با افرادی که با عقاید خود شایسته هستند و میتواند در یک چنین هیاتی با هم همکاری داشته باشیم مذاکره کردیم و بنا بر آن خود نیز ادامه میدهم و باید ظرف ۲۴ ساعت آینده اعضاء هیات را به امام معرفی کنم. دکتر یزدی در مورد چگونگی بررسی مشکلات مردم و نحوه تماس با آنها گفت برای بررسی مشکلات یک رابطه در جایبه و دو طرفه بوجود میآوریم و آنچه که میتوانم پیش بینی کنم اینست که دلتی در تهران داشته باشیم تا مردم مشکلات خود را به آنها بگویند و یک دفتر هم در قم داشته باشیم و دیگر اینکه برای شنیدن شکایات و مشکلات مردم ما به سراغ آنها میرویم و بهر استان که برویم در یک زمان و مکان معینی که مثلا در مسجد یا مراسم نماز معین میکنیم مردم در مدت معینی همه مساجد میکنند و شکایات خود را مطرح میکنند.

دکتر یزدی در مورد چگونگی کار این هیات برای جلوگیری از دوباره کاری و تعدیل وظایف هیات بانیکر از گامها و سازمان های مسئول گفت چگونگی کار به آن صورت نیست که تداخل ایجاد شود ما دخالتی نمیکیم راهنمایی میکنیم که شکایاتی که مربوط به دادگستری است باید به دادگستری مراجعه شود.

دکتر یزدی در ادامه این گفتگو که در دومین روز مأموریت جدیدش انجام میگرفت گفت این هیات هم به شکایات مردم از دستگاههای دولتی و اجرائی و هم مسائل و اختلافهای محلی و منطقه ای و استانی رسیدگی خواهد کرد و شکایتهای مردمی را که پس از مراجعه به دستگاههای دولتی و اجرائی نتیجه ای دست نیابدهاند یا از طرز کار آنها شکایتی ندارند رسیدگی خواهد کرد و هم اینکه در مورد مسائل و اختلافهایی که در

طرح محلی و استانی مثل آذربایجان و نظایر آنها پیش میاید رسیدگی خواهد کرد و قبل از اینکه مسئله بصورت حاد و بحرانی درآید آنرا مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار خواهد داد تا مسئله حل شود قبل از آنکه قضایا بحرانی شود.

دکتر یزدی درباره اینکه گزارشی که خود را به چه مرجعی خواهد داد گفت همانطوریکه امام در دستورالعمل روشن کرده ما این گزارش را تهیه میکنیم و با امام مطرح میکنیم ولی برای انجام مسؤلیت آمیز اینگونه مسائل همکاری لازم باید با شورای انقلاب و وزارتخانه های مربوطه باشد سایر را با آنها هماهنگ خواهیم کرد.

وی در مورد زمینه انتخاب خود برای این مأموریت با توجه به دور بودنش از کشور گفت درست است که من سالها دور از ایران بودم و اینطور نبودم که از مسائل ایران دور باشم. با بودن من در متن مسائل ایران باید کمتر از کسانی که در داخل ایران بودند و مانند ما در داخل از اطلاعات برخی از دوستان بود که در داخل ایران بودند. اخبار از جهات و جنبه های مراکز مختلف بما میرسید و ما میتوانستیم مجموعه ای از اطلاعات را در اختیار داشته باشیم که اینک گزارشی که از مسائل مختلف ایران منجمله وقایع ۱۷ شهریور یا غیره انتظار داریم از جمله کاملترین اطلاعات بود و افزود ما در متن چهره های ایران بودیم. اما برای اینکه بتواند یک چنین مأموریتی را افرادی انجام دهند سوابق افراد اعتقاد به میانتان مورد اشناء بودن آنها عنایت و کسارتی شان مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد بخصوص قابلیت برای سخن گفتن با مردم حرف زدن با مردم و ارتباط فکری با مردم برقرار کردن بطوریکه بتواند در حل مردم را درک کند و باهمد آنها مسائلی است که برای رفتن به چنین مأموریتها نیاز است و امام با توجه به این مسائل این مأموریت را به من محول کردند. البته موضوع این مأموریت از دو سه هفته پیش مطرح بود اما اینکه هنوز که در قم بودم امام صحبت کردند و تصمیم نهائی خودشان را ابلاغ کردند و من آمیوارم در این مأموریت بتوانم چیزی از مردم مردم بپرسم و در راه انقلاب تأسیس محسوس بکنم و مرجع رضای شما و خلق شما و امام است را فراهم کنم.

دکتر یزدی در مورد انتظارات خود از مردم گفت انتظاری که من از مردم در انجام این مأموریت دارم اولاً همکاری مردم است. ثانیاً صبوری و حوصله در این همکاری برای رفع مشکلات مردم اینک در شروع ایران و مشکلات و شکایات و انتظاری حقیرا بالاتر از هر چیز باشد.

از سوی دکتر ابراهیم یزدی :

## وظایف هیأت بررسی مشکلات شهرستانها اعلام شد

دکتر یزدی امروز در رأس هیأتی به سیستان و بلوچستان رفت .

تن از همکاران یزدی به حضور امام معرفی شدند

قم - دکتر ابراهیم یزدی که از جانب رهبر انقلاب اسلامی ایران مأموریت یافته است که به استانهای کشور سفر کند و مشکلات مردم و شکایات آنان را مورد بررسی قرار دهد ، دیروز به منظور معرفی پنج تن از همکاران خود در قم به حضور امام عینی رسید .

دکتر ابراهیم یزدی در پایان این دیدار به غیرنکار غیرگزاری پارس گفت : بنابر اعلام این مأموریت از سوی رهبر انقلاب تلگرامها و نامه‌های زیادی از سوی مردم شهرها رسیده است که مشکلات و شکایات خودشان را بیان کرده‌اند و درخواست کمک و رسیدگی شده است که ما بعد از بررسی‌های ابتدایی برنامه‌هایی تنظیم شده ، به استانهای مختلف سرکنش می‌کنیم و اولین استان مورد بازدید هم استان سیستان و بلوچستان است .

یزدی افزود : مرکزی در تهران برای تمرکز فعالیتهای گروه نوم مشکلات و شکایات مربوط به اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی است که بدنبال این انقلاب در جامعه بوجود آمده است و با درخواستها و نیازهایی است که

اعالی مختلف شهرها و استانها در مورد تامین نیازها و احتیاجات اولیه از قبیل آب ، برق و جاده دارند این مشکلات را ما بررسی می‌کنیم و با همکاری مسئولین مربوطه کوشش می‌کنیم که راه‌حلهای مناسب و سریع پیدا شود و نظر مردم در رفع این نیازها تامین گردد .

گروه سوم نیز شکایات و درخواستهای مربوط به برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی است که آنها را از طریق رسیدگی در محل و مذاکره با گروهها و قشرها سعی خواهیم کرد راه‌حلهای مناسبی کشف و پیروزی هرچه بیشتر انقلاب اسلامی ایران و در جهت تحکیم جمهوری اسلامی باشد پیدا و اجرا کنیم .

لازم به یادآوری است که در تمام موارد گزارش فعالیتها را به رهبر انقلاب و به مقامات مربوطه خواهیم داد و همچنین همکاری و هماهنگی بین هیأت و شورای انقلاب وجود دارد . از سوی دیگر دفتر دکتر یزدی با انتشار اطلاعیه‌های ضمن اشاره به ملاقات وی با امام عینی

اعلام کرد که دکتر یزدی امروز در رأس هیأتی به بلوچستان و سیستان رفت . در اعلامیه اضافه شده است که وی در سر راه خود به بلوچستان و سیستان در یزد توقف خواهد کرد و با مقامات صلی این استان گفتگوهای بعمل خواهد آورد .

گزارشهای رسیده از قم همچنین حاکیست که محمد کاظم بیضوری استاندار سیستان دیروز در قم به حضور امام عینی رسید .

وی در مورد مسائل مطرح شده در دستور با امام گفت : بیان فعالیت‌های استان در زمینه های کشاورزی ، رفع بیگاری و فعالیتهای صنعتی و جهاد سازندگی به حضور امام تقدیم شد و امام ضمن صراحت از فعالیت های انجام شده ، در مورد تعرض نسبت به اراضی مردم ابراز نگرانی کردند و گفتند که شورای انقلاب باید در این مورد تصمیم بگیرد . همچنین امام بر روی وحدت همه اقطار و گروهها تاکید کردند و افزودند که هر مشکلی باید با نظر مقامات ذیصلاح استان حل و فصل شود .

پس از تأیید امام :

جزئیات طرح حذف بهره  
فردا اعلام میشود

دانشجویان پیرو خط امام :

آمریکا با ترور مبارزین برجنیاتش  
سرسپوش میگذارد

پیوست ۴- گزارش جواد محم دی خمک

تاریخ	دوره مشورته بلوچ	جمهوری اسلامی ایران
ساعت ورود	۶۹۲۴۱۸	سازمان دادوی - کورایزویون ملی ایران
ساعت نوار		دفتر مرکزی ختیر
ساعت مختایره		
متن ختیر		

شماره خا

در خبرنامه تی ایران دو قوم سیستان و بلوچ نسبت می کنند ،  
در شمال منطقه سیستان ها با زبان سیستان " دریا و سنگری " مذکور شد ،  
همین نامه به مرتبه ایران و  
در جنوب منطقه بلوچ ها با زبان بلوچی " یکی از زبانهای ایرانی " مذکور شد  
و نامه نایزیم حیران در دو آنگه بلوچی  
بریک از این دو قوم تاریخ ویژه خود را پشت سر دارد که همانا دارد بحث آن  
نی شرم و همین قدر کفایت می کند که تقریباً در طول تاریخ فوسل تضاد پیوسته این دو قوم  
وجود داشته است که در بسیاری از موارد به مراحل حاد رسیده است .  
کار به مراحل این تضاد تاریخی هم نراند که از حدود این مثال بیرون است . این  
تضاد هم آینه وجود دارد . هر چند حکومت مرکزی ایران نیکو اهد در جهت وحدت  
ملی آفرایه طلب کند اما از آن دو که بلوچ صاحب خواسد از بین رفتن این تضاد  
در جهت وحدت بلوچی و تفریق قومی بلوچی برسیستان اند .

سر دبیر مسئول:

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۵۵



سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران  
دفتر مرکزی خبر

تاریخ  
ساعت ورود  
ساعت نوار  
ساعت منقاره  
منبع خبر

سیستان حاشی می‌کنند، تضاد را دامن بزنند که اگر جز این باشد ما صیت قریب‌شان  
در خطر تحلیل در بحرینیم است. برای اثبات این نکته که طرح‌ها چرندت‌های بچانی  
دانش‌های برای معیشت سیستان دارند و حل کردن قوم سیستان در فرهنگ بحرینیم.  
۲۳۰۰ فراوان است که فرض با بر این می‌گیریم که خاوه‌ها متوجه آید هر صفت و دوازده  
بحث نمی‌شویم.

می‌بینیم که بهیچ‌انکه یک ساله روشن می‌شود و آن تضاد درون منطقه دین سیستانی بین -  
است. این تضاد از سوی سیستان‌ها در بعد زمانی پیش مطرح است که سیستانی بین  
تغییر و از سوی جویج در بعد قرض‌اش که هر چه زودتر می‌گذرد سیستانی را بهیچ‌کرده یا از  
منطقه کوچ دهد و در یکب قوی، منطقه را یکدمت و فرهنگش را یکپارچه ببلوچ‌کند.  
حال برای اینکه دولت مرکزی نخواهد در این بین دخالت کند نسبت با یکدیگر در کدام  
جهت اقدام کند راه‌های مختلفی است که بحالتاً اگر فرض کنیم دولت نخواهد به دایره  
سیستانی‌ها که زیر آرا داده‌های تیز ناسیونالیسم دواتش، بحران و عظمت گزایی  
بحرینیم را می‌شود، برسد اقدامات زیر را در کوتاه مدت و بلندمدت بای‌برای  
عاید سیستان انجام دهد:

سر دبیر مسئول:



سازمان رادیو- تلویزیون ملی ایران  
دفتر مرکزی خبر

تاریخ .....  
ساعت ورود .....  
ساعت نواذ .....  
ساعت مخابره .....  
منبع خبر .....

۱- روشن کردن وضع آب هرگز برای استان هم با بستن قرارداد مطمئن با افغانستان  
هم با ایجاد شبکه های دقیق آبیاری در منطقه در نتیجه همین استان که اقتصاد حاصل  
بقای این قوم در منطقه است .

۲- پیمان کثرتی که در عهد پادشاهی ایران امضا شد در دوام دارد و اکثریت  
زمین های ما جزیت می کنند تا سر و سامان با قس کش در زمین و در این استان  
دولت طریقی پیاده کند که کلیه استان های ما مانند ، ارزش و فرهنگ را بر این خط  
قابل قرا به استان و بر چپان منتقل کند

۳- آنچه مخصوص دشمنان آزادی ایران با آنکه مثلاً ۶۴ درصد جاودا نوابان  
استان است دولت های رژیم گذشته کلیه بازاری های ساخته شده از  
سرم شکر داران را صد درصد در اختیار بلوچ ها گذاشته در این کار ، هم بلوچ ها را به  
شان استان پیش رانند و هم برایشان قدرت اقتصادی فراهم آوردند که سرانجام  
قدرت سیاسی دشمنان هم شد ، این وضع عوض شود

۴- قدرت اقتصادی و سیاسی بلوچ باعث شد که مردمان در سوادان خود فروخته  
و رژیم گذشته بران اجابت و تهاش پستی از خود ، امکانات برادرگرایان خود را در



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۵۷

تاریخ \_\_\_\_\_  
ساعت ورود \_\_\_\_\_  
ساعت نواز \_\_\_\_\_  
ساعت مخاطره \_\_\_\_\_  
منبع خبر \_\_\_\_\_



سازمان رادیو - تلویزیون ملی ایران  
دفتر مرکزی خبر

۴- در اختیار مریچ ها قرار دهند و به این ترتیب برادر اس استان هم شد برادر اس در  
در اختیار مریچ . نوبت شان سال ۵۵ که استان را آب برد ، براننگ  
پس از زدن استان عی سیلین تومان پول آمد اما آسمانی نسبی استان نذر  
دست درون دلیل ۳ سیلین آلمان آنرا به بلوچستان مریچستان داد چون با  
اعراض سیل زدگان استان در بردن آن یک سیلین تومان وام به مریچ داد .  
این وضع در حکومت های انقلابی اصلاح شود .

۵- در مناطق سیستان نشین در استان روحانیت مریچ نمک تلاش میکند نفوذ کند  
و این در حالی است که روحانیت شیده در آن مناطق هیچ برنامه زمانی و حتی هیچ آگاهی  
زمانی ندارد ، این وضع بسیار خطرناک و قابل توجه است .

۶- رژیم گذشته معنای بلوچها بجا نماند و در زندگی سازی باج به برترین معنی مریچ میداد  
به قرچیان در مریچ عمل تا چاق را باج میداد و به دستگیران و کلاس دیده مریچ باج  
برادر اس پست های دولتی و به میسودترین بلوچها مسافرت پست ها را میداد و  
برایشان رابطه مستقیم با دربار بود و می‌آورد و حال آنکه سیستان ها با چندین برابر سواد و تجربه  
خود در کارهای معمولی ادارات خدمت میکردند و از آنجا که در حس و نیازت خود با مریچ ها

سر دبیر مسئول:



سازمان رادیو- تلویزیون ملی ایران  
دفتر مرکزی خبر

تاریخ  
ساعت ورود  
ساعت نواذ  
ساعت مغایره  
منبع خبر

۵- این وضع را نمی توانست تحمل کند تا چهار از منطقه مهاجرت میگرداند و در نتیجه در جامه -  
بیستانی هزار نفرها سرسبز از هزار بازرگان شد . حکومت انقلاب سرکشی  
از این سولیت خرابه باقتت هابهد وذب قیدها ، با این حساب جامه  
در شکرستان حقاً برسم عادلانه خود میرسد .

۷- سرشود در پیوسته بیستانی باشکوه نابل ، زاهدان ، نجفدوان (که در سال  
۱۳۱۴ از نایب شراشته و خبر در خبر شد) و حیاتی خاش استان مستقل بیستانی شود  
در پیستان باشکوه ایران ، سرادان ، پیور و چاه بجد استان مستقل برپست

۸- برنامه بروجی رادیو زاهدان تفرق کند و فرسنگ بروج را بر بیستانی سبیل تر کرده است  
در اول - این برنامه در آید و از این رادیو حذف دراز چاه بجد را فرستنده او بریزد  
ایران شرفش شود و ثانیاً - از زاهدان یا نابل برنامه برتره بیستانی پیش شود .

۹- فنر و انیم بیستانی که بر اثر کمال علم جامه بیستانی سبیلی سرایه درون (و  
به تیره سبیلی فرج گریه و هم رنگ . نظر آید از هیچ چیز جاگزین آن نماند)

برای خط قدرت خود بیرونی در درون خود مسن نمی کند به فنر و انیم بروج و بسته  
شده است و این نوعی خفیان قوم و سلطان پنهان بروجیم را بر شون



سازمان رادیو- تلویزیون ملی ایران  
دفتر مرکزی خبر

تاریخ  
ساعت ورود  
ساعت نواذ  
ساعت مخاطره  
منبع خبر

مبادیستان بر جود آورده است و باید با حمایت از دانشوران سیستان در آنگاه  
بر این امر هستند آنها را به مورد جایشین فردال‌های وابسته و خائن کنیم و سنجیم  
اینجا الگو آینه‌ی سیستان باشند

۱- در کشور این سیستان نیز با همجراست، گویم که کلاس برده و هاست از سر شروع و چپ  
درد چرینیم به برترین منس و گزیده ترین منس گفته اند و این صفت چنان در  
کاه ملت سازن جامعه‌ی سیستان موقوف نیستند باید و نجات شان از این وضع  
کگ کرد. بران این کاه عقده کیش ان را در تجربه نکردن پیت های دولتی  
از کاه زرد، در اطلان ان را با دانشوران و ملت مردان مرکز زباد و نزدیک  
کرد و از انروان نگران نشان در شان آورد.

۱۱- این وضع بران در حقیقت سیستان هم در جود دارد با اضافه ای که آفات های اخیر  
هم در اینجا و در تهرات بدن و تشدید می کند. بایک بر آورد معنوی از روحانیت  
هنه های اصل این قشر هانند و الگو نایم شوند

۱۳- از پر حیت، ریاس و فرهنگ و تبلیغاتی به سبیل عظیم جمعیت سیستان در استان  
سیستان افان نشان توجه نشود. رژیم گذشته سر داشت اسس از سیستان



سازمان دایره - تلویزیون ملی ایران  
دفتر مرکزی خبیر

تاریخ \_\_\_\_\_  
ساعت ورود \_\_\_\_\_  
ساعت توار \_\_\_\_\_  
ساعت مغایره \_\_\_\_\_  
منبع خبیر \_\_\_\_\_

۷-  
افسان برده نشود مین لزا کجا یک نامیزه ایتم ایرانی لشت بر نفع حکومت  
مرکز ایران در جرد لرد ، برق در کناها درباره بلوچت ن پاکستان راه می انداخته  
نیم درباره جایی که متیرا قدر ایران اندر اندر

۱۳ - نجا با یک ه قومی دلمی بر تانجا مارت . ایران امرت در حالیکه ایران جهان  
مستانه رادست حشانه دند لزا آن حمیت مکنند . سارستان  
رایکستان واقعا مشر قشع ر ناریت و ارافت است در زمینه نکر

ملت ایران قرار گیرد

### تضاد منطقی با حکومت مرکزی

منطقه علاوه بر تضاد دومی مردمیک تضاد بودن هم با حکومت مرکز دارد  
این تضاد از سر جا میستفاد مطرح نیت در جامعه یستانه بر کس عامل تحریف  
و احاطه فن این تضاد است .

حاضر اصله و منظر نبرد این تضاد بلوچها استند و به اینهمه این تضاد از بروز  
از حثت دشت یافتند و با تمام حثت دشت سار از نیا شد با توجه کرده  
لزا کجا کسر از اصله بر وزن دقت را اجناسر بلا گرد جسمای تضاد

سر دبیر مسئول:

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۶۱



سازمان رادیو- تلویزیون ملی ایران  
دفتر مرکزی خنجر

تاریخ  
ساعت ورود  
ساعت نواز  
ساعت مشاوره  
منبع خبر

۸-  
امکانات مانور است. با برپایی برجچه‌های اطلاعات مانور دادند که با برپایی برجچه‌ها  
برچا اولاً مرز بلند بالا بلوچستان پاکستان دادند، بدون هیچ‌گونه دستکاری  
مرز بانه. ثانیهً مرز چاق و دادند و از این مرز علاوه بر همین چاق  
و غیر همین است. نکتهً چاق و مرز چاق و مرز چاق و مرز چاق و مرز چاق  
از مرز دریای حبیب نهایت اصل اقتصاد و در نهایت نهایت چاق  
( هندی - گون - نیل - نخل ) می‌کنند و با برپایی که به این وضع می‌رسد که  
به این کار چاه عمیق صد متری و ... دریای مورد توجه قرار گیرد.  
۲- در برابر راه آهن زاهدان - کوئته که بلوچ‌ها را در دست نظر بازار است  
به پاکستان کرده است راه آهن زاهدان - کمان در راه زاهدان - خراسان  
و اصلاً راه آهن را راه چاه عمیق - مشهد برج بر سر راه ساخته شود.  
۳- مرز بلوچستان شدیداً کنترل شود اگر نه مثلاً هر چه در بلوچستان از یک سو  
باز بلوچ‌ها آمدند مرز به ایران می‌آیند و در این کشور که یکی مسعود خوار  
بلوچ بلوچستان ایران یک میدان بلوچ خواهیم داشت این تنها است  
طرح



سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران  
دفتر مرکزی خیر

تاریخ: \_\_\_\_\_  
ساعت ورود: \_\_\_\_\_  
ساعت توار: \_\_\_\_\_  
ساعت مغایره: \_\_\_\_\_  
منبع خیر: \_\_\_\_\_

- ۴- طرح تهیه کرد که بر اثر آن از حیث نهی - جسد و سایر بویچه بطلب  
بویچه‌ها بطلب شدند و در بر دال گذشت در روز جمعه میل مخرج - اطراف برکت  
شدند در روز دوازدهم از این منطقه از دست و با فرانس بکنند به این اختیار  
کنند - بیکان بر گرفته به هر چه این مشغول استند - فرود است -
- ۵- متاسفانه هم در حین دم خود را هم تحصیل کرده ها بویچه ندرتاً تا بویچه  
بویچه اند و بویچه تحصیل کرده اند با انداز مساحت - هر چه بویچه تحصیل کرده  
بویچه در منطقه مخرج که در پایان دار است کار کنیم که این کرده است  
که در جهت و بویچه در این بزرگ با یک خاطر خود تمام از منطقه دور که به  
حالتی در مسوولین می‌گذاریم .
- ۶- پس از مسکن کردن روز و این بر تامل توان در منطقه - مسوول بویچه مسوول  
شده دست در کف و استخراج آن زمین در این وسیع این کار روزانه بر جان  
بویچه بکنیم - در این با خارج کرد و حتی قطع نمود
- ۷- بر میناسیم تا بکنیم - همه تدقیق در آن و بویچه است - در این حیرت بویچه  
بویچه مانت و الله در سینه در آن گذشت - در این شده است - به این بویچه است  
مردم مشغول:



سازمان دادیو- تلویزیون ملی ایران

دفتر مرکزی خبر

تاریخ  
ساعت ورود  
ساعت نواز  
ساعت مخابره  
منبع خبر

۱- اولاً برکنار کردن استیضاح صلاح عمومی در بلوچستان صورت گیرد  
ثانیاً استعفای مافوق از آنها در صورتی که سرزنش شود.  
۸- شش بیگانه بزرگ برکنار کردن در کمر در حال کنونی  
است. در این باره نیز باید گفت که این استیضاح بر هم انداخته می‌گردد  
وزیران دولت مردان با هم نیز در این مسأله بزرگ می‌دارند که در این  
مردم و بعضی نامیه‌هاست. برنج هم برداشت است. آموزش می‌دهد که در آن  
کنگن درونی و باقیام او تمام کن - به این وضع لطیف خاتمه دهید.  
۴- تا چقدر به اقتصاد جامعه برنج هیچ کار نکرد. اگر استیضاح در این  
می‌شود فقط فردان ها که تازه از بلوچستان بافتند و سرگردان می‌شوند  
از این راه هیچ هم پول دارند و شکایت می‌کنند و بر اثر قدرت اقتصاد قدرت  
هم می‌دهند - بر آن جو تا چقدر ۴ می‌سیم جو شد فوایدیم و این تا چقدر  
اگر استیضاح و در جو استیضاح و در جو استیضاح و در جو استیضاح  
و این استیضاح و این استیضاح و این استیضاح و این استیضاح  
این استیضاح و این استیضاح و این استیضاح و این استیضاح



سازمان رادیو- تلویزیون ملی ایران  
دفتر مرکزی خبر

تاریخ  
ساعت ورود  
ساعت نوبت  
ساعت مخاطره  
منبع خبر

- ۱۱-  
۱۰- برادره اسرار بروجین و گاهنزه اسرار ۰۰۰۰۰ به فریب - زمان نورد  
مگر در کین روزها مرزها در شمار هم کنترل نورد.
- ۱۱- ایجاد کارخانه گاهنزه که گاهنزه با هر دختر در منطقه پرورش دهد و آن زن در جرد  
بازار و در منطقه فریب در راسته ...  
برگاهنزه است نه. باین امر مخصوص در جنوب بروجین توجه نورد.
- ۱۲- در الموده مس نورد از بروجین ...  
کریح عمل شده بروجین که در ادراج ...  
مستقران و نشانی آن را بروجین نورد ...

گزارش از جواد حمیدی  
دستیار تهیه کننده مرکز ...  
مدیر امور ...



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۶۵

پیوست ۵- تشکیل پژوهشگاه تخصصی انقلاب و اعزام به سیستان و بلوچستان

بسم الله الرحمن الرحیم

مخت‌وزیری

مقام: آتش‌کده

سازمان: سازمان انقلاب

گروه: گروه انقلاب و خلافت با پیوست نامه در حقیقت سازمان انقلاب  
سازمان پیام: پیوست: تکمیل انقلاب - تکمیل دادگاه - اولین  
گروه: گروه پیمان از راه خدمت به دانش و همپوشان تحقیق در باره سالی  
سازمان: در وقت حال سیاست در خدمت و ایراد ستم‌ها  
(از) در حقیقت هر استیجاب‌ها برای سالی خود سازگاری داده است  
باید در حقیقت پیروان که از دولت استیجاب کرده است این پیروان  
پیوسته است: (۱) دو دستگاه، مسیبه نظریه از مباح لغت و روزی  
آدمی بلایان (۲) مسیبه بر سیم یاد آبی تا کمی ۳ دستگاه - (۳) یک  
الفت با تار و تارک - (۴) موزن، سه از طریق دولت به پاره‌ها  
باید: موزن - (۵) موزن - از عوارض دولت یا کینه‌ها  
پرونده کرده تعلق و اهرام و موزن تحقیق صادر تر است به نام این استیجاب ۴، ۵، ۶

## ۲۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

گزارش مسافرت تحقیقی پژوهشگاه تخصصی انقلاب به منطقه

سیستان ( زابل )

پیرو لزوم تشکیل پژوهشگاه تخصصی انقلاب و بسبب وجود پارای مسائل که موجب حرکت

اجتماعی گروه پژوهشگاه در رابطه با انقلاب که قبلاً اعلام شده بود و مبتنی بر :

- ۱- جمع‌آوری و دسته‌بندی مسائل ایران و راه‌حلهای پیشنهادی از هرنوع و هر منطقه .
  - ۲- تجزیه و تحلیل علمی مسائل و مشکلات بوسیله متخصصین فن .
  - ۳- پژوهش و شناخت کامل و حل این مسائل و تهیه طرحهای بنیادی و پیشنهادهای اساسی و مفید و ارائه آنها به دستگاههای اجرایی ملکت بود پس از دریافت نامه‌های متعدد از هموطنان لزوم بازدید و بررسی دقیق مسائل و پیدا کردن راه‌حلهای منطقه و شناخت همه جانبه مشکلات و لمس آنها از نزدیک برای پژوهشگاه تخصصی انقلاب محرز گردید .
- بهین سبب بنیانگذاران پژوهشگاه در نشستهای متعدد تصمیم گرفتند که به منظور بررسی اوضاع و احوال و شناخت نیازها و روشنتری و ارائه خدمات اولیه و برنامه ریزی برای ایجاد دگرگونی و اصلاح بنیادی بفتح مستغنیین ، از محرومترین منطقه و استان ملکت و در عین حال دورترین نقطه نسبت به مرکز بازدید و مسائل را یافته و دسته‌بندی کنند و پس از تجربه و تحلیل طرحهای بنیادی تهیه و ارائه نمایند پس از آماده شدن مسائل لازم ، برای معرفی با آقای ، بنی اسدی که در آن هنگام معاونت طرحهای انقلاب را بعهده داشتند تماس گرفته شد . ایشان با اهداف گروه ، ضمن تأیید و تشویق همکاری خود را اعلام داشته و دودستگاه اتومبیل و نامه‌های دایر بر معرفی گروه به سازمانهای مختلف دولتی و گنجینه های انقلاب در اختیار شاخه \* پژوهشگاه تخصصی انقلاب قرار دادند و در تاریخ ۵/۲/۵۸ افراد ذیل همراه با مسائل زیر برای انجام مأموریت ملی و مذهبی خود حرکت کردند .

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۶۷

- ۲ -

افراد اعزامی :

الف : تیم پزشکی : آقای دکتر فتحعلی نویدی متخصص داخلی از بیمارستان فیروز

آبادی که از طریق مسجد الجواد با پژوهشگاه <sup>تهراس</sup> گرفته بودند .

آقای دکتر حسین زینت بخش متخصص اطفال که از طریق آقای بنی‌اسدی

و مسجد الجواد با تهراس بودند .

آقای دکتر سعید یزدی پزشک عمومی که از طریق مسجد الجواد با

پژوهشگاه تهراس گرفتند .

آقای فاسم احمدی متخصص امراض پوستی پزشکی که در زابل به‌عنوان

کلیه پزشک و راهنمای محلی با نتیجه به خواست سایر پزشکان موافقت

بهداشتی زابل همکاری کردند .

ب : تیم تحقیق در امراض تصادفی - کشاورزی

آقای حسین محمدزاده متخصص امراض تصادفی از بنیانگذاران پژوهشگاه

آقای حسین فلاح ، متخصص امراض تصادفی کشاورزی از همکاران جنبه

پژوهشگاه .

ج : تیم عمران

آقای محمدجواد لورسانی متخصص امور راهسازی و ساختمان از بنیانگذاران

پژوهشگاه .

آقای حسین پنبه چی ، مهندس شیعی و متخصص در اسکان شنیهای روان

بوسیله موج با سابقه فعالیت بیش از یکسال در منطقه زابل از همکاران

جنبی پژوهشگاه .

## ۲۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۲ -

د : تیم راهنما

آقای محمد فاضلی دبیر از اهالی شهر زابل

آقای شهرکی ، متخصص امور دامپزشکی و کارمند اداره مربوطه .

دانشجویان انجمن اسلامی انستیتو زابل

۲ - وسائل و مواد همراه :

د وسیله نقلیه از طریق نخست وزیری با کابین بنسازین .

یک وسیله نقلیه از طریق دانشگاه تهران برانندگی آقای میرزا خانلو که پایبای

اعضاء گروه فعالیت میکرد .

د اور ، حدود ۴۰۰۰۰۰ ریال که مقادیری از آن هدیه اداره کل دارویی وزارت

بهداری بود و مقادیری از آن وسیله گروه خریداری گردید و قسمت عمده آن توسط

آقای علوی داروخانه دار خیر و نیکوکار زابل بطور رایگان و قسمت دیگری از طریق

بهداری زابل ( مطابق لیست پیوست ) تحویل گروه گردید .

مواد خوراکی و غذایی ، شامل حبوبات ، برنج ، شیرماج ، غذای پرورشی کودکان .

حدود ۱/۵ تن که قسمتی عمده از آن در تهران و بقیه در زاهدان تهیه و بهمنسوان

هدیه امام خمینی در اختیار روستائیان نیازمند قرار گرفت .

لوازم التحریر برای شاگردان مدارس شامل دفترچه ، مداد ، پاک کن ، مداد تراش -

کتاب - از کتابهای نویسندگان معروف از جمله آقایان مهندس بازرگان ، دکسیریزدی

حکیمی و پاره ای از انتشارات دارالتبلیغ اسلامی و سرگذشت تعدادی از شهیدان

دوران اختناق از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ، خریداری و تهیه شده بود .

پوستر - پوستر بیشتر از حزب جمهوری در رابطه با مسائل کارگری و کشاورزی و قسمتی

از کانون فرهنگی نهفت اسلامی .

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۶۹

۳- روستاهای مورد بازدید :

میلک - دهجانی - سفالك - تمكا - پدئی - ده مرده - قرقری - اسلام آباد - چلنگه  
ملاطی - حشی - زیرکوه خواجه ( ارک کوه خواجه ) - پشت کوه خواجه - حاجی اربابی  
تعداد نفرات ساکن در روستاهای مذکور حدوداً برابر ۷۵۰۰ نفر و تعداد بیمار  
مورد بازدید حدود ۳۰۰۰ نفر بود .  
لازم به تذکر است که روستاهای اطراف شهر زابل حدود ۸۰۰ ده است که ۴۰ آبادی  
بعلت ریگهای روان ، نبودن آب آشامیدنی و کشت و زرع ، خالی از سکنه شده است که  
اواخر فروردین ماه بدلیل بی آبی تخلیه گردیده است .  
تیمهای اعزامی و شاخه پژوهشگاه تخصصی انقلاب در مدت ۱۳ روز مأموریت با مسائل  
زیربرخورد داشته که شرح آن ذیلاً به اطلاع میرسد :  
قبل از اینکه وارد جزئیات و شاخه‌های مشکلات مردم منطقه شویم ، لازم به تذکر است  
که کلیه مسائل در ارتباط با یکدیگر برده و طبیعی است که دارای ریشه اصلی باشد .  
اگر ما به عدم جاده‌های ارتباطی ، عدم دسترسی به پزشک و بهداشتی ، نبودن آب آشامیدنی  
سالم و حتی فقدان آب در پاره‌ای از مناطقی ، کمبود خوراک غذایی و فرهنگی اشاره  
میکنیم نباید فراموش کنیم که تمامی گرفتاریهای مردم آن سامان منبعت از مناسبات و روابط  
و ضوابطی است که بین مالک و دهقان وجود داشته و کماکان بقوت خود باقی است و این  
سیطره از گذشته به ارث برده و دست نخورده خوانین است که نه تنها مداخلت فسادهای  
موجود بوده بلکه امکان هرگونه اقدام اصلاحی را در منطقه از بین برده یا باطل به نفع  
آنان خاتمه خواهد بخشید . اگر فی‌المثل بتوانیم تمامی موتورهای آب موجود را تعمیر  
کنیم یا تراکتوری را اصلاح نمائیم یا کود و سم مجانی در اختیار آنان بگذاریم خدمتی بس -

## ۲۷ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۵ -

شایان به اربابان در جهت دوشیدن بیشتر زارعین محروم کرده ایم .  
در منطقه ای که ۷۵٪ تا ۸۵٪ از محصول زارعین و حاصل کار کشاورزان اعم از زمین دارو  
بی زمین به مالک و خان تعلق میگیرد .  
ایجاد و امکان هر نوع خدمتی در غیر مسیر بر انداختن این مناسبات در جهت قویتر  
کردن حکومت خان ها و بیشتر ضعیف کردن مستضعفین است .  
آنچه که موضوع را در این برهه از زمان حادث تر جلوه میدهد روایتی مابین خانها  
و کمیته انقلاب زابل میباشد دخالت خوانین و عوامل نفوذ آنها در کمیته و شاخه های  
نظامی و اقتصادی آن ، قدرت بیشتری به آنان بخشیده تا امکان هر چه بیشتر و بهره کشی  
مستمر خود را فراهم کنند . در این رابطه تا آنجا نفوذ کرده اند که یکی از روستائیان می گفت  
( هنگام گفتگو در ده قزقری ) : این کمیته ها درست همان مالکان سابق میباشند که امروز  
تحت لوای قرآن و نام امام میخوابند مال و زحمت و دسترنج ما را ببرند برداشت ایستادن  
روستایی از آنجا مایه گرفته بود که اهالی و ساکنین ده حشمی سالهاست که منتظر آب میباشند  
امسال که بر حسب اتقای آب قابل توجهی در هبنا مون صابری جمع شده بارها از کمیته  
تقاضا کرده اند که برای احداث پل و تأمین راه برای زمینهای عباس خان نارویی تصدیق گرفته  
شود که از این طریق امکان باز کردن سدهای دستی و هدایت آب بسمت زمینهای ده حشمی  
و اطراف آن که حدود ۲۴ پارچه کبر نشین دارد پس از شکایت و طرح درخواست روستائیان  
خان مذکور شبانه بوسیله افراد و عوامل خود گدارها و آببندها را بسمت خانه های مجاور  
محل قزقری باز کرده که موجبی برای شکایت ساختگی بر علیه روستائیان منطقه حشمی به واسطه  
اهالی و ساکنین منطقه خسارت دیده بدهد .

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۷۱

- ۶ -

نامبرده بوسیله ژاندارمری روستائیان ده حشبی را مورد ارتاب قرار داده و تهدید میکند که چنانچه با او راجع به جبران خسارات وارد مذاکره نشوند از طرفی کمیته انقلاب آنان را به اشد مجازات - خواهد رسانید . روستائیان که از روابط او با کمیته مطلع بودند برای پیشگیری از این آتده‌های سوء این تهدید اقدام به پرداخت ۲۴۰۰۰۰ ریال باج درخواستی عباس خان در تاریخ ۱۴/۲/۵۸ کردند . جالب اینکه روستائیان از ترس کمیته که مبادا بر اثر بر ملا شدن این موضوع دچار زحمت شوند از افضاء جریان استتکاف میکردند لکن پس از اقامت دوره و اقدام بدرهان بیطاران

## ۲۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

در پرداخت باج شود تمامی کوهنندان او را در آب غرق کند یا زراعت خان مجاور را بوسیله ایادی خود خراب و تقصیر را به گردن روستائی بیچاره بیاندازد.

و با بگنیم محمد حسین خان ناروش نماینده مجلس محله شورا و دارای پرونده گویا: حداقل ه نفره قتل موجب تخلیه روستاها از ساکنینش از جمله ده قلمه نوشته و جای زارین مخالف با خان و خان بازی افغان های مسلح را برای ادامه سلطه خود و اعمال نفوذ و ایجاد هراس در دل مردم را بکار گرفته است. شکایت اهالی از این شخص جانی به کمیته بجائی نرسیده تا بدانجا که گروهی از آنان را مسموم کرده است که خود برای تنظیم بخدمت امام و آیت الله طالقانی برستند. کمیته برای انتصاب یکنفر خان که دارای سوء سابقه است بسمت عضو انجمن شهر اعیال نفوذ و نظرسنجی کرده و این شخص آنقدر رسواست که تمامی علاقمندان به رئیس کمیته دچار شک شده اند و حتی رئیس بهداری که نماینده جامعه پزشکان در انجمن شهر بوده است بخاطر اعتراض به چنین عملی از سمت خود در انجمن استعفا کرده است.

گذشته از این مشکل بزرگ و اصلی، بطور کلی مشکلات این منطقه رابطه نزدیک بهم داشته و جدا از هم نیست و چنانچه راه حلی نیز یافت شود بایستی در جهت حل و اصلاح کلیه مشکلات در کشور هم باشد بدیهی است که تا مین بهداشت بدون آموزش و تا مین درمان و رفح بیمارها بدون راه - و تا مین خوراک روستائیان بدون بهبود بخشیدن به وضع کشاورزی اقدامی اساسی و انقلابی بحساب نخواهد آمد.



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۷۳

- ۸ -

توجه به این نکته نیز الزامی است که دلیل راه پیدا کردن به اعناق قلب روستائیان و اطلاع دقیق یا متن درخواست‌های آنان همانا مردمی بودن جهت و روشن تحقیق و برخورد پژوهشگاه با روستائیان بوده است بطوریکه گروه اعزازی برای ایجاد این رابطه با مردم روستا محل استقرار خود را در مدرسه یا مسجد قرار میداد و سعی براین بود که کوچکترین تماس خاص و مشکوکی با کدخدایان و نایندگان خان گرفته نشود این عمل مواجهه با حسن استقبال توده روستائین گردید بدانگونه که در یکی از دهات به یک روستائی گفتیم میدانم که چه کسی ما را فرستاده است ؟ گفت بله ( انتظار داشتیم بگویند نذولت یا امام ) خدا شما را فرستاده است . وقتی تعجب ما را دید گفت : این اولین بار است که پزشک به این ده قدم گذاشته . اولین بار است که کسی احوال ما را میپرسد اولین بار است که

کسانی پیدا شده اند و ما را داخل آدم حساب میکنند و با ما روی زمین میشینند و به درد دل ما گوش میدهند و اوپن بار است که به خودیاری روستائیان وسیله شطرتوجه میشود و گرنه اینجـا گروه زیاد آمده است و میآید لیکن همه به منزل کدخدا رفته و بمدار بستن و چرتن شیرفتند و کدخدایان قهرتر میشدند .

۴ - مسائل و مشکلات  
الف - مشکلات اقتصادی

الف - ۱ - فقر:

با توجه به سوابق منطقه سیستان که معروف به انبار غله ایران بوده و وجود زمینهای قابل کشت و بسیار حاصلخیز مسئله فقر در این ناحیه جنبه اقتصادی سیاسی پیدا میکند. بعلمت همجواری با افغانستان و پاکستان و نفوذ عوامل دولتهای استعماری بعد از جنگ از طریق کشورهای مذکور برای ادامه سلطه استعمار فقر در این ناحیه جان نشین غنوا گردید. و از این رهگذر حکومت مرکزی در جهت سرکوب کردن مردم چهارزمرز نشین از مسئله فقر استفاده میکرد و برای تحقق این مسئله کافی بود که دولت مرکزی دست خانهای منطقه را در انواع جنایات در حق مستضعفین باز بگذارد و اضافه بر آن باجی که بخوانین داده میشد، آزادی کامل برای تاجاچپیگری بود. آثار شوم این فقر بحدی است که در اکثر دهات برنج حتی سالی یکبار هم بخت نمیشود غذای اکثر آنان اگر بتوانند بیابند نان خالی است نان خشک به آب انداخته شده بسیاری از آنان طرز بخت عدس را نمیدانستند روستائینی میگفت که بیش از شش ماه است مزه گوشت نچشیده. ما در پنج یتیم میبرسید که من با این ه بچه کوچک که هر آن از من چیزی میخواهند و من حتی تدریجاً تا همین نان خالی آنان نیستم چه کنم؟ کفش در پای اکثر قریب به اطاق آنان نیست اطاق آنان بی نور و بی فرش است اگر جز "اغنیا" باشند زیلوش، حصیری و یا نندی تهیه کرده اند

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۷۵

- ۱ -

ت سراسر اطاق آنان را گرفته و اکثر کف اطاقها خیس است ( گل تازه ) . شخصی میگفت  
فی منزلت . . . روز است که چیزی برای پخت ندیده مادر فرزند بیماری که برای معالجه بجهان  
هم پزشکی مراجعه کرده بود در پاسخ دکتر که گفت به بچه شیر نده بلکه لعاب برنج بده  
خیره خیره نگاه کردن جوابی نکفت و همگی از شرمندگی سرها را پایین انداختیم  
یک کلام آنان چیزی ندارند که بتوانیم بگوییم که چه چیز کمبود دارند .

ف - ۲ - زمین :

اکثر روستائیان ساکن منطقه ، زمین شخصی برای کشت و زرع ندارند و بمعنی دیگر  
کارگر و مزدور خانها و مالکان میباشند . آثار وجود بزرگ مالکان در تمامی منطقه احسوس  
میشود ، خزیه علم ها - سارانی ها - سرابندی ها - پردلی ها و ناروشی ها و بقیه  
به چیاول خود ادامه داده و این خطه از ایران عزیز راه به بخشهای نغون بزرگ -  
مالکی تقسیم کرده اند و آثار این تقسیم در سطح منطقه و در منازل تمام روستائیان  
و ازبیره ساکنین محروم منطقه خوانده میشود و در تقسیم باصلاح اصلاحات ارضی  
و هنگام تجدید حدود آنچه آنکه یکی از چادر نشینان حوالی دهستان ده مرده میگفت  
یک سهم او را بطور حقیقی تحدید کرده لکن یک سهم محمد رضا خان سرابندی تبدیل  
به . . . برابر گردیده و در حال حاضر اگر زارعی بر روی زمین این چنین و متعلق به بزرگ  
مالکان کشاورزی کند . بایستی یک سهم برداشته و بقیه را که سهم است تحویل  
خان و مالک دهد .

نزدیک به تمامی اراضی این منطقه قابل کشت است .

زمینهای منطقه از نظر آبیاری به سه بخش قابل تقسیم است .  
 یک قسمت از زمینهای پست که از طریق کانال و نهر آبیاری شده و یک قسمت به علت بلندی فقط با پمپ و وسائل مکانیکی مشروب میشود و قسمت سوم زمینهای است که به هیچ عمیان آب به آن نرسد و بصورت لیم یزن باقی مانده است . قسمتی کسه از طریق کانال و نهر آبیاری میشوند بیشتر زمینهای خزیمه ظم و پردلی است که از طریق سد زهک آبیاری میشود و قسمت کمی از مردم از این کانالها بهره برداری میکنند و حق آب به مالکان بزرگ پرداخت نمیکند .

در قسمت دوم کلیه کشاورزان و زارعین بابت بهره گیری از آب که بوسیله پمپ ها تامین میشود بایستی ۲ سهم از ۵ سهم زراعت را تحویل مقصدیان پمپ که همان مالکان بزرگ ویا کد خداوینا شرکاء مالکان هستند تقسیم کنند ، و تمام این پمپ ها بسیار کم و کلیه آنها در اختیار خانها میباشد .

لا روسی کانالها و نهرها کک موثری برای آبیاری خواهد بود لکن قبل از حل مسئله بزرگ مالکی و تصفیه منطقه از وجود این گونه مالکان ، هرگونه ساختمان کانال و لا روسی کانالها و نهرها بصورت پروژه های قابل قبول در جهت فویتر کردن و پرتومند کردن خانها و فویتر کردن مستضعفین است .

آب آسمانی منطقه عموماً از طریقی چاههای غیر بهداشتی میباشد گروهی از روستائیان که نزدیک ها مون ویا در کنار نهرها قرار دارند از آب ها مون صابری ویا از نهرهای که از نظر بهداشتی دست کمی از آب چاه ندارد استناگ میکنند . در کنار چنیم کبودی وجود چندین چاه آب که اوان حکومت هویدا توسط شرکتهای خارجی کسه

## بحران‌ها و تنش‌های سیستم‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۷۷

- ۱۳ -

که احتیاطاً "پارس کنسولیت و الکساندر رکیب و یاد دیگران زده شده و در همان زمان به آب شیرین رسیده و پلمب گشته است شدیداً" جلب نظر میکند. گروه قبل از عزیمت به منطقه از طسیری بومیان اطلاع پیدا کرده بود که حدود ۶۰ حلقه از این چاهها در اطراف زابل زده شده است. یکی از این چاهها در ده تمکا که مورد بازدید کلیه اعضا گروه واقع گشت و از هیئت خارجی آن فیلمبرداری شد پاردهای از اهالی ده که موفی شده بودند در آن زمان از آب چاه بنوشند بر شیرین و گوارایی آن شهادت میدادند. البته چندین چاه دیگر از این نوع در خود شهر زابل وجود دارد که مورد بازدید عده‌ای از اعضا گروه قرار گرفت.

الف - دانداری :

در حال حاضر تعداد ۵۰۰۰۰ رأس گوسفند و ۶۰ هزار رأس گاو در منطقه میباشد که افزایش تعداد و اصلاح نژاد و بهره‌گیری کامل از دانداری در رابطه با زمین و آب میباشد که چنانکه مشکلات ناشی از ۲ مورد فوق حل شود از نظر اوضاع محلی امکان دانداری وسیع میباشد و هم اکنون روزانه بیش از ۳ کامیون کوساله برای ذبح از منطقه خارج میشود. اما با توجه به اوضاع و احوال منطقه و باج‌های گزافی که مالکان و خانها از راه رفتن دام بر روی زمین و یا نوشیدن آب از هاوون و تنه‌های مربوطه میگیرند، دهقانان روستائی را تشویق برای ادامه دانداری نمیکند.

ب - ۱ - راه:

عدم دسترسی به شهر که نمودار نبودن جاده و راه است جزو مشکلات اساسی منطقه است، اکثر قریب به اتقای روستاها از نداشتن جاده و راه قابل اطمینان به شبکته راههای منطقه در ناراحتی و عذاب بسر میبرند بنحوی که اگر کوره راهی باشد برای ، رفتن به شهر و بازگشت به محل حداقل ۱۰۰ ریال برای نزدیکترین و حدود ۳۰۰ ریال برای دیگر روستاها بایستی پرداخت شود که با فقر کثیراً نگیر مردم چه بسا برای امور ضروری و

## ۲۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۱۳ -

ولازم از جمله معالجه بیماران قدرت مالی اجازه نمیدهد و منجر به مرگ بیمار میگردد .

ب - ۲ - مسکن :

مسکن فعلی روستائیان خانه‌های گلی و مرطوب و غیربهداشتی و موجب بسیاری از امراض بوده و اغلب بعلمت بی توجهی و عدم آموزش در مسیرریکهای روان ساخته شده است و عده دیگری از محرومترین مردم محروم سیستان در چادر و یا منازل نخی زندگی میکنند که در مقابل بادهای موسمی و یا بالا آمدن آب و سایر عوامل جوی مقاومت نداشته و اطمینان بخش برای زندگی نخواهد بود . متأسفانه تعداد این قبیل منازل و ساکنین زیبا است .

با این اوضاع و احوال گروهی از روستائیان از داشتن سرپناه گلی و یاختی نخی محرومند و با پرداخت اجاره به مالکین از چنان خانه‌هایی استفاده میکنند از - جمله در ده میلهک کشاورزی تعریف میگردد که با داشتن ۷ نغراظه در یک اطاقگلی به مبلغ ۴۰۰ ریال ماهانه سر میکنند در آمد این کارگر کشاورزی در صورت وجود کار حداکثر روزانه ۱۱۰ ریال میباشد .

ج - بیماری - بهداشت - درمان

بیماری شایع در منطقه ناشی از عوامل جوی و کمبود آب و رعایت نکردن اصول بهداشت و فقر فدائی و سوء تغذیه میباشد که عدم آموزش و عدم اطلاع نیز بایستی باین نکات اضافه شود دسترسمی نداشتن به شهر در اثر نبودن راه موجب باقی ماندن و اشاعه آن به سایر روستاها و باقی ماندن میکرب در منطقه میگردد . نبودن پزشک و عدم معالجه بصورت قطعی و انجام نشدن واکسیناسیون از عوامل دیگر اشاعه امراض و - ناراحتی ها میباشد . انواع بیماری خاص ایران و خاورمیانه در این استان پنجم

دیدم مشود . با توجه به گزارش پزشکان و بررسی هائی که از نزدیک بعمل آمده بیشتر از امراض شایع عبارتند از :

سل ، برص سلوز ، تراخم ، ترشح چرکی از گوشها ( اتوره ) ، بیماریهای انگلی ، بیماریهای روماتیسمال ، بیماریهای پوستی ، اثرات بیماریهای آمیزشی باقیمانده از زمان جنگ جهانی دوم . عدم رعایت اصول بهداشت بخصوص در مورد آب آشامیدنی که از چاههای غیر بهداشتی با دست و وسائل معمولی برداشته میشود . موجب بروز امراض بخصوص برای افراد کم سن و سال و کودکان میگردد . از جمله اسهال که اکثر قریب به اتفاق افراد گرفتار این نوع مرض بودند . نبودن صابون و شستشو نکردن و نبودن حمام از عوامل شیوع امراض جلدی میباشد . نبودن پزشک و کمبود داروهای مورد لزوم و عدم وجود درمانگاههای مجهز موجب دیگری برای باقی ماندن امراض است .

در منطقه زابل ۲ درمانگاه ساخته شده که ۲ تای آن در شهر زابل و ۰ تای دیگر در روستاها قرار دارد و در درمانگاه داخل شهر به علت بی پزشکی تعطیل شده و از ۰ تای روستاها فقط یکی در زهک نیمچه پزشکی و بقیه نه دارو دارند و نه پزشک . حتی در شهر زابل و حومه که بیش از ۲۵۰۰۰ نفر سکنه دارد یک پزشک متخصص زنان و یا یک جراح وجود ندارد تنها پزشک جراح شهر که خارجی هم هست در تنها بیمارستان شهر مشغول بکار بوده و دراصله بازدید گروه به مرخصی رفته بود و معلوم نبود که تکلیف مردم در این فاصله چه بود .

ه- کمیته انقلاب اسلامی زابل

نقش کمیته در رابطه با مالکین و خوانین و در جهت از بین بردن ولوت کردن حقوق مستضعفین نقش سازنده ای است !!! چون اگر قرار بود عدلای مامور حفاظت این تیپ افراد کردند بایسن خوب از عهده بر نمیآیند همچنانکه در ابتدا نیز گذشت روش کمیته بخصوص عواملی که در آن - نفوذ کرده اند مخرب و به صلاح مردم و مستضعفین نیست تنی چند از سوداگران بعنوان تهیه

## ۲۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۱۵ -

خواربار روشن و سایر مایحتاج را از سازمانهای مستقر در تهران ارزان تهیه و بعد از آن کنگ به مردم با قیمت گران در اختیار دیگران قرار داده‌اند. اینها حتی کامیون‌هایی از روشن نجات و آورد - به منطقه فرستاده شده را از مرز خارج کرده و به افغانها فروخته‌اند یک عدد از این کامیونها - توسط مرزبانان دیده شده و توقیف گردیده بود.

مسئول تفنگچی‌های کمیته در رابطه با مالکین و دفاع از آنها جان فشانی میکند بطوریکه مالکین ده ایلی که خود را از مجاهدین و نندانیان دین قلمداد میکند در این مدت چند سال اخیر بنحوی عمل کرده که ده قریب ۱۰۰ خانوار تبدیل به ۱۵ خانوار شده است و مدرسه این ده ۵ کلاسه استلکن ۳ اطای بیشتر ندارد. و بچه‌ها روی زمین خاکی می‌نشینند و بی پول آتای ارباب سلطان از پارویلا میرود و مسئول نظامی کمیته او را بهترین انسان می‌خواند پرونده و سوابق چنین افرادی بایستی بررسی شود و پرونده‌های است جالب. پس از کشف این قبیل مسائل و مراجعه گروه به دهات و پیدا شدن اسنادی در این زمینه یعنی بر صحت این گونه روابط و تاکید مسئول کمیته در این که بایستی یکفریب‌معاون راهنما با گروه باشد و راهنمای مذکور نیز بنا به قول خودش بیشتر از هفت سال از منطقه دور بوده است و مشاهده روابط این فرد با کدخداها بنحوی که فقط مالکین و کدخدایان را میشناختند و افراد معمولی و روستائیان نامبرده را بجا نمی‌آوردند از این پس - تحریک کمیته بر علیه پژوهشگاه شروع میشود. و برای خارج کردن ط از منطقه متوسل به زدن بر چسب کمونیستی به یک گروه فعال و مبارز و سلطان و موس میشود و با توجه به تعصب مردم مرز نشین و تنوع آنان از کمونیستهای افغان محلی برای ماندن گروه باقی نمی‌ماند با اینکه گروه‌هایی از مردم روشنفکر و آگاه و سلطان شهر تقاضای تعدید اقامت ما را داشتند لکن برای جلوگیری از هرگونه بهانه جوشی و جهت ممانعت از هرگونه دستاویزی برای راه انداختن آشوب و بلوا و سوء استفاده



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۸۱

- ۱۶ -

از آن بنبغ ضد انقلاب تصمیم گرفته شد که منطقه را ترك كهييم جاي بسي تأسف است که در ابتدای ورود تمام نقطه نظرهای پژوهشگاه و اهداف آن و نامه‌های نخست وزیری به حضرات کميته را کسه شده بود و سپس این برچسب ناروا و ناجوانمردانه که معلوم بود ساخته دست خوانين و والکيان است بگروه زدند . این برچسبنازکی نداشته و منجمله در مورد افراد مسلمان ديکري که اقداماتی در جهت مستضعفين انجام داده بودند چنین کرده بودند .

جالب است که وقتی گروه محیط را ترك ميکند و بسوی بيرجند ميرود حضرات، با اطلاع از این امر به کميته بيرجند نیز هشدار میدهند که گروهی کومنیست با چنین مشخصات ظاهری به منطقه خواهند رسید .

### پاسگاهها و دلاوران

پاسگاههای ژاندارمری درکناره مرز اکثراً بی ترتیب و رها شده بودند و کارشان بیشتر در جهت رها کردن مرزها و ورود قاچاق آزاد و بلا مانع بود و هیچگونه کنترلی در این جهت بعمل نميآمد . کميته هم با شرحی که رفت در جهتی نمود که بدین مسایل توجه کند و چه بسا این بی توجهی تعمدی باشد گروهی از مردم شهر آمادگی خود را برای پاسداری مرزها اعلام کرده ولی کميته یا مخالفت کرده و یا مانعش بوجود آورده است و مردم برای جلوگیری از هرگونه تصادم به این مسئله تن داده بودند .

در چند سال قبل ژاندارمری گروهی متجاوز از ۱۵۰۰ نفر از جوانان خدمت کرده را به عنوان دلاور استخدام نموده و برای مرز داری و کشت بکار گذاشته بود و در حال حاضر وضع این گروه بسبب حقوق کم و نگرختن مزایا نامشخص بوده و همکاری لازم را بعمل نمیآورند بارها تقاضا و شکایت و درخواست رسیدگی نموده ولی توجهی نشده است و حقوق فعلی آنان ۱۰۶۰۰ ریال است که از این مبلغ مقداری بیمه و حدود ۲۷۰۰ ریال بعنصوان مخارج خوراک کسر میگردد .

## ۲۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۱۲ -

آموزش و پرورش و پیوسته روزش:

آموزش و پرورش همانند سایر مسایل دچار نابسامانی است. اکثر دهات مدرسه نداشته و بچه ها برای رفتن به مدرسه ۵ تا ۱۰ کیلومتر راه بایستی طی کنند آنها هم که مدرسه دارند تا سه کلاس و یا ۵ کلاس را در سه اطاقی برگزار میکنند. مدرسه ای در ده اریایی قرار گرفت که ۵ کلاس را در سه اطاق آنها بدون میز و نیمکت و فقط با دو آموزگار که خود آنها هم از همه چیز محروم بودند حتی از دانش خلی از طالب. محیط مدرسه بسیار نامناسب بود بجای بهترین ساختمانها بدترین نصیب تحصیل مردم مستضعف شده بود و بنظر میرسد که هنوز زمان جانشینی مستضعفین بجای مستکبرین نرسیده است. بچه های مدرسه ها اکثراً از هوش و آگاهی خوبی برخوردار بودند.


البته تعداد مدارس بود که از معلم دلسوز و فعال و آگاهی برخوردار بود که حتماً بایستی مورد تقدیر قرار گیرند. شاکربران این قبهل مصلحان علاوه بر هوش خدادادی کشف شد شان از آگاهی و سیعی منتفع بودند. و این امر ثابت میکند که اگر امکانات لازم و کافی در این زمینه مهیا شود چه بسیار نوابغی از این خطه برخیزند.

مخارج: با اطلاع میرساند که کلیه مخارج این سفر تحقیقاتی بدون در نظر گرفتن

قیمت داروها و ارض مواد خوراکی و مخارج بنزین ۲۰ دستگاه اتوبیل نخست وزیری شامل مخارج رفت و بازگشت افراد و مخارج اطاعت مخارج خوراک حدود ۱۰۰۰۰۰ ریال - شده است.

مؤسسه تخصصی انقلاب  
پژوهشگاه تخصصی انقلاب  
سندرق یتیم ۷۱-۳۳۸  
۱۳۵۸ / ۱۱ / ۲

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۸۳



وزارت بهداشت  
اداره بهداشتی شهرستان زابل

**حواله انبار**

شماره ۱۰۹  
تاریخ ۱۳۵۸

نسخه سوم

انبار

اجناس مشروحه زیر دایه آقای محمد علی نماینده تحویل و قبلا رسید دریافت دارید


شماره ردیف	شرح و مشخصات کامل کالا	شماره جنس	تعداد یا مقدار		نرخ		بهاء ریال
			مقدار	د	د	د	
۱	زرد چغندر		۱۰۰				
۲	زرد چغندر		۱۰۰				
۳	زرد چغندر		۱۰۰				
۴	زرد چغندر		۱۰۰				
۵	زرد چغندر		۱۰۰				
۶	زرد چغندر		۱۰۰				
۷	زرد چغندر		۱۰۰				
۸	زرد چغندر		۱۰۰				
۹	زرد چغندر		۱۰۰				
۱۰	زرد چغندر		۱۰۰				
۱۱	زرد چغندر		۱۰۰				
۱۲	زرد چغندر		۱۰۰				
۱۳	زرد چغندر		۱۰۰				

حسابدار \_\_\_\_\_ رئیس حسابداری \_\_\_\_\_ رئیس اداره \_\_\_\_\_

اشیاء مشروحه بالا باینجانب محمد علی نماینده اعضاء تحویل گیرنده رسید  
 اشیاء مشروحه بالا تحویل و در کارت مربوطه ثبت گردید.

انباردار \_\_\_\_\_

## ۲۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری



**وزارت بیهاداری**  
اداره بیهاداری شهرستان نابل

**حواله انبار**

شماره ۱۰۶ / نسخه سوم / نامیته / تاریخ ۱۳۵۶ / ماه مهر / سال ۱۳۵۶ / انبار         

اجناس مشروحه زیر را به آقای          نماینده تحویل و ذیبالا رسید دریافت دارید


شماره ردیف	شرح و مشخصات کامل کالا	شماره جنس	تعداد یا مقدار	نرخ	قیمت
د	د	د	د	د	د
۱۶	برنج نیم دانه		۵۰۰		
۱۷	کنج بزرگ		۱۰۰		
۱۸	سوسن		۱۶		
۱۹	دانه سوسن		۱۰۰		
۲۰	کشت دانه		۱۰۰		
۲۱	دانه دانه		۱۰۰		
۲۲	کنج کوچک		۲۰		
۲۳	کنج بزرگ		۱۰		
۲۴	کنج نیم دانه		۱۲۰		
۲۵	کنج		۱۵۰		
۲۶	کنج		۱۰		
۲۷	کنج		۱۰۰		
۲۸	کنج		۲۰		

رئیس اداره          / رئیس حسابداری          / حسابدار         

امضاء مشروحه بالا باینجا ثبت نمایند / امضاء تحویل گیرنده

امضاء مشروحه بالا تحویل و در کارت مربوطه ثبت گردد / انباردار

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۸۵



وزارت پیداری  
اداره کل پیداری استان بلوچستان

شماره: ۱۵  
تاریخ: \_\_\_\_\_  
نسخه دوم

تعمیر شده از سر نو در تاریخ ۱۵/۱۱/۱۳۸۵ دریافت و ذیلاً رسید دعوت اجناس مشروطه زیرداکه برای فرستادن

شماره ردیف	شرح و مشخصات کامل کالا	شماره جنس	تعداد یا مقدار		نرخ		بهایه ریال
			تعداد	مقدار	د	ریال	
۱۷	پوشاک نسیم		۱۹۱	مکعب			
۲۸	ر. س. نسیم		۱۳۶	م			
۳۶	ک. نسیم		۹۷	م			
۴۰	پوشاک نسیم		۱۱۷	م			
۴۶	پوشاک نسیم		۱۱۷	م			

رئیس حسابدار: \_\_\_\_\_  
رئیس پیداری: \_\_\_\_\_  
رئیس اداره: \_\_\_\_\_

اشیاء مشروطه بالا توسط \_\_\_\_\_  
و در کارت مریمه ثبت گردید

انباردار: \_\_\_\_\_

جانب این

۲۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

**قبض انبار**

وزارت بهداشت  
اداره کل بهداشت استان بلوچستان

اداره: .....  
انبار: .....  
اجناس مشروحه زیر را که برای .....  
در انبار ذخیره شده است

شماره قبض: .....  
تاریخ: .....  
نسخه: دوم

شماره ردیف	شرح و مشخصات کامل کالا	شماره جنس	تعداد	تعداد با مقدار	قرض د ریال	پایه ریال
۱	...		...	...		
۲	...		...	...		
۳	...		...	...		
۴	...		...	...		
۵	...		...	...		
۶	...		...	...		
۷	...		...	...		
۸	...		...	...		
۹	...		...	...		
۱۰	...		...	...		
۱۱	...		...	...		
۱۲	...		...	...		
۱۳	...		...	...		
۱۴	...		...	...		
۱۵	...		...	...		

حسابدار: .....  
رئیس حسابداری: .....  
رئیس اداره: .....

اشیاء مشروحه بالا توسط .....  
و در کارت مربوطه ثبت گردید

پیوست ۶ - نامهٔ پژوهشگاه تخصصی انقلاب به امام خمینی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و لعل بالحجاز والایماه من لاطمع له فی القرص ولا عهد بالشبع

محضر آیت‌الله العظیم امام خمینی

ای رهبر بزرگ شما با اعلام این نکته که « ما عمل میکنیم حرف نمی‌زنیم » وظیفهٔ بس سنگین بر دوش تمامی پیروان خود قرار دادید . پیرو چنین احساس مسئولیتی بود که پژوهشگاه تخصصی انقلاب متشکل از پاره‌ای اساتید مسلمان و متعهد دانشگاه و برخی از متخصصین فنون مختلف برای مشکلات مردم و پیدا کردن راه حل آنها و ارائه طرق اجرا آن به دولت اقدام کرد . در این راه نه تنها به مکاتبه بستمده نکرد بلکه شاخه‌ای از خود را برای سرکشی به محرومترین منطقه ایران ( سیستان و بلوچستان ) برای ارائه خدمات اولیه و مبارزه تبلیغاتی با عناصر چپ‌گرا و همچنین تهیه طرح های عملی بهبود وضع بنیادی آن سامان گسیل داشت در این رابطه نخست وزیری از طریق آقای بنی اسدی معاون آقای نخست وزیر در جریان قرارگرفت و همکاری لازم را با اعزام دو دستگاه اتومبیل و ممرن گروه به سازمانهای دولتی و کمیته های محلی در جهت کمک و ایجاد تسهیلات نمود این گروه با توجه به نایسامانی در امر پزشکی و تغذیه همراه خود سه پزشک مسلمان و مقادیری داروی مجانی از وزارت بهداشتی و مقداری حیوانات داشت مورد استقبال پر مهر اهالی واقع شد و همکاری همه جانبه از طرف آنان بعمل آمد توجه و استقبال نهات اعم از شیعه و سنی وصف ناپذیر است حرکت ما دعای خیر همگان را برای امام داشت شخص کوری که چون اکثر اهالی هیچ ( بمعنی واقعی ) نداشت از ما خواست تنها خواهش او را که سلام به امام رساندن بود بهنیزیم .

امام بزرگ فقرا اهالی بهت آور است اکثر قریب به اتفاق آنان از زمین زاری - آب آشامیدنی راه و جاده - مدرسه - بهداشتی و بهداشت قوت لایموت خیری نیست همه پاره‌نهانند ، اغتیا<sup>۱</sup> آنان دارای یک زبلویا حصیرانند و بقیه بر روی زمین ، زمین مرطوب زندگی میکنند . غذای اکثر آنان اگر بتوانند بیابند نان خالی است نان خشک به آب انداخته چه بسیار کسانی که قدرت

پرداخت يك تومان برای آوردن يك من گندم را ندارند شخصی میگفت ۶ ماه است گوشت نچشیده - شخص دیگر میگفت ۱۰۰ روز است اجاق خانه او چیزی برای طبخ ندیده ، زن بی نان آوری گدائی میکرد و تمام زندگی او سه جوجه بود و دیگری که ۵ بجهتیم خرد داشت میگفت من با این بچه ها که داعما از من چیزی میخواهند و من تهیه نان خالی هم برای آنان عاجزم چه کنم ؟ در این میان نقش کمیته امام در زایل جالب است !! آنان را در وحله اول از اهداف خود مطلع ساختیم و نامه نخست وزیری را خطاب به کمیته ارائه نمودیم . در اول مورد استقبال آنان قرار گرفتیم ولی در پایان با اتهام داشتن عقاید و اشاعه افکار کمونیستی از طرف کمیته مجبور به ترك منطقه شدیم . ما در ضمن کار متوجه شدیم که مالکان بزرگ از قبیل بردلی - ناروش - سارانی - سرابندی و امثالهم کماکان خون مردم را به شیشه می کنند و روابط و ضوابط قدیم را حفظ کرده اند و در این رابطه کمیته انقلاب در جهت حفظ این روابط کوشا بوده است !! استدلال خودشان این است که باین ترتیب کاری کرده ایم که خون از دماغ کسی نریخته است .

۱ ای امام مستضعفین این حمایت تا بدان حد است که روز جمعه ۵۸/۲/۱۴ اهالی ده حشمی که حتی خانه گلی هم ندارند در خانه حبسری زندگی می کنند از ترس کمیته امام -/۲۴۰۰۰ - تومان باج به يك خان داده اند تا کمیته آنان را زندانی نکند چون روابط این خان را با کمیته و با فرماندار خوب شناخته اند اسمع یا سمیع ، مردم ده حشمی حتی می ترسند که برای ما از این ظلم بزرگ که بر آنان رفته بود پرده بردارند . در روز ۵۸/۲/۱۴ می ترسیدند ، یعنی تقریباً ۳ ماه بعد از پیروزی انقلاب .

براین اساس جای تعجب نیست اگر خان از هر راس گوسفندی که از روی زمین ادعایش بگذرد ۵ تومان مطالبه کند و اگر تعلل در پرداخت آن شود گوسفندان آن بیچاره فرق نماید طبیعی است اگر کمیته به شکایت اهالی ده قلعه نوبر علیه خان جابرش که مرتکب چندین فقره قتل است و نماینده اسبق مجلس بوده و کمانی المایق برارینکه قدرت تکیه زده است و اهالی را نارومار کرده گوش فرا ندهد و هرکمی را که حرفی بزند و ارائه طریق بکند و حتی از اسلام و فلسفه دین و انقلاب و ریشه های آن صحبتی بعمل آورد و با برجسب های ناروا از قبیل کمونیستی خشم مردم متعصب منطقه را که بر اثر همجواری با افغانستان و انزجارشان را از ماهیست



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۸۹

-۳-

کمونیسم که بسیار شدید است بر علیه او فروزان کند و از این ضربه برای خارج کردن خیرخواهان از منطقه و بحال خود واگذاشتن مردم مستضعف آنجا در تحت تسلط خان استفاده نماید .  
عده‌ای از این مالکین و خوانین دارای پست‌های حساس در کمیته هستند و با بخشیدن صوری قسمتی از مال خود توانسته‌اند نه تنها اعتماد رئیس کمیته را جلب بلکه تمامی وجوهی که بعد از آن از تمامی ایران به منطقه توسط کمیته رسیده است جذب نمایند . آنان همچنین عوامل خود را بصورت پاسدار در کمیته مستقر ساخته و نیز کامل گتیه در دست آنان است و بعلاوه احاطه شدن رئیس کمیته وسیله این گونه افراد و به توجیهی و به اطلاعی خود نامبرده، خان با کمال استفاده را برای دوشیدن مردم روستاها تا سرحد امکان بعمل می‌آورند .

چون تمامی گزارش در این مختصر نمی‌گنجد ، گزارشگران گروه آقایان :

محمد جواد لواسانی فرزند مرحوم آیت الله حاج سید احمد لواسانی و اخوی زاده آیت الله  
حاج سید محمد صادق لواسانی و حسین محدث زاده فرزند مرحوم حاج میرزا علی محد شزاده  
و نوه مرحوم محدث قهس که معارف حضورتان هستند آمادگی دارند که هر موقع تعیین بفرمائید  
مشروح جریان را بعرض برسانند .

أفتخ من نفسی بان یقال امیرالمؤمنین ولا اشارة لهم فی عکاره الدهر ؟

پژوهشگاه تخصصی انقلاب



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۹۱

پیوست ۸- خلاصه گزارش و جمع‌بندی تحقیقات دوازده روزه گروهی از دانشجویان بومی و غیربومی از منطقه سیستان و بلوچستان

بسم تعالی  
گزارش زیر خلاصه‌ای است از نتایج تحقیقات ۱۲ روزه گروهی از دانشجو بومی و غیربومی از منطقه سیستان و بلوچستان =

موقعیت جغرافیایی  
استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران واقع شده است. هم‌مرز با افغانستان و پاکستان می‌باشد و از طرف جنوب به دریای عمان محدود است. منطقه سیستان جلگه‌ای و بلوچستان کویری و کوهستانی می‌باشد. با وجود آنکه دارای زمینهای حاصلخیز و منابع آب زیرزمینی فراوان است، تنگ از نظر کشت و زرع تولید کابین قوتی ندارد و دامپروری آن رونق ناپذیری است و از نظر مساحت تقریباً همفرست است.

وضعیت فرهنگی - اجتماعی  
مردمی که با هم می‌آیند و در این منطقه می‌زیوند و در واقع با اقوام (در بلوچستان) به تنگ در کنار هم زندگی می‌کنند بلکه طایفه در میان آن موضع داشته و هنوز هم نسبت به ارزشهای باطنی نظام گذشته بسیار جاهل و چشم منورند که مسلمانان را در پی فرهنگ و باورهای باورهای خود می‌گردانند.  
از نظر آداب و رسوم تا حدودی سیستم طبقاتی همراه با آداب و رسوم قبیله‌ای می‌چشم می‌چورد، حمایت خود را بر مبنای نسبت به خان و رعیت تسلیم می‌کنند اما در رعیت‌ها که جمعیت آن‌ها نسبت به قبیله‌ها کمتر بوده است آن‌ها از وضعیت موجود راضی نیستند. تعصبات قبیله‌ای همراه با اعتقاد مذهبی وجود دارد.  
\* رابطه مردم با خان از جانب خان میانه‌هاست یک رابطه ارباب رعیتی ولی در ضمن خان از نظر حقوقی در منطقه سیستان خان‌ها که حکمرانان محلی در میان مردم ندارند و در بلوچستان بسیار کم و اندک هستند و همچنین به خاطر همان فقر شدید مردمی است که از خان‌ها و سران‌ها و رعیت دارند.  
در منطقه اربان‌ها از این نوع رعیت و ترس از خان و وجود ترس است چونکه آن‌ها می‌توانند رعیت نواز با هم تفاوت نداشته و رعیت‌ها و رعیت‌ها تفاوت هم نداشته بود.  
مردمی بسیار زودگرم، سردگرم، گرم و سردگرم هستند. اما هیچ‌یک از این‌ها به خاطر کمبود مسکن و فشار دوران استبداد و استعمار و فقر طبیعت (گرمای سوزان) که آن‌ها این خنده‌ها را دارند است.  
نسبت به باز دیدها و وعده‌ها بومی‌ها همیشه حسرت داشته‌اند و در منطقه وجود دارد. ولی در میان آن‌ها برای آن‌ها کاری انجام داده حد اکثر ذراتی را به خود اختصاص می‌دهند بعنوان نمونه ایک ایک از برادرانکند در منطقه سیستان مشغول تحقیق بودند در ضمن تحقیق که تحقیقاتشان توانسته باشد اثرش در روز بعد از باز آمدن اشکال حسی ایک ایک در کوشش در آن طرف گشته است. عدالت این کارشان در حد است

دوران نواحی سور و سوری در شمال ایران در مردم آن دو برخورد افتره بود.  
 از نظر مذهب اکثریت مردم منطقه بلوچستان شی و در سیمان شیعه هستند. و اختلاف بین  
 شیعه و سنی به هیچ وجه در منطقه وجود ندارد. شی در منطقه خاش و دیویش که شی هستند سر شیعهها  
 بنا بر مذهب و بطور کلی در تمام منطقه از مساجد همه بزرگ استفا ده می دانند. خصوصیت شی مذهب خنجر  
 از مذهب فقط اسم آن را (شیعه) یا شی (شی داقد و از فتوی آن کثیر چیزی دانند. حتی  
 عراقان به مذرت نماز خواندن بله نند. تر  
 تیس شدید از کوریت ها در آنجا وجود دارد، توسی بی دلیل که در نیم سابق در آنجا وجود آورد است  
 چون از کوریت هیچ نمی دانند و آن را می گویند. فقه توی جعفری که در این مورد همه جا می دانند  
 این است که اگر مصلحت کوریت شود دیگر ناموس را بیان می ماند. بعضاً امام را طرفدار شریعی می دانند  
 و این تغییر تعلیمات در نیم گذشته و تعلیماتی های فعلی خاش هاست و حتی قبل از پیروزی انقلاب  
 تظاهرات علیه انقلاب را با این محتوی بر پا میکردند.  
 کوریت ها کوچکترین سابقه تاریخی و شکلات حزبی و... ندارند ولی اخیراً فعالیت های  
 تحت عنوان حزب دینارت تلوچیان و ایجاد خانه بلوچ و... کا شروع کرده اند که استعداد در  
 بلوچه منطقه جایی سیاسی برای تحریکات آنرا است.

### کشورزی و دامپوری

مسو اصلی زندگی شان از قدیم الانام به اقتضای موقعیت طبیعی منطقه کن وری و دامپوری بوده  
 ولی پیروز و حضورها سالهای اخیر صنعت مسو که حلقه و جنبه جدیدی دولت نهایی قبل وضع  
 کن وری منطقه روم و خاست و دامپوری روم نامورده است. حقیقت ایران است که  
 استعداد های طبیعی از نظر زمین، آب و زیر زمینی (در بلوچستان) و سرب است بطوریکه قبلاً  
 منطقه سیمان و بلوچستان یکی از ابار های غده ایران به شمار میرفت ولی مسو سیمان حالا  
 نزدیک وریان هم برای نان شان هم میجویند از جا های دیگر آوردنیم بسته  
 از کن وری بدون به استثنای طبع مجتمع کن وری که که بعینت عدم دلسوزی و مدیریت هیچ به  
 شکست منجر شده، خنری نیست. حتی بعضاً وسایل ابتدایی کن وری هم ندارند.  
 اکثر قنات ها بدلیل بی توجهی و نداشتن امکانات مادی برای لاری، خشک و یا کم آب  
 شده است. بعضی از جاها سوخته ها شان خراب و الان بدون استفاده باقی مانده اند.  
 اکثر قنات ها مشغول به خان ها و سران آن است فقط تعداد معدودی متعلق به مردم است  
 که بطور اشتراکی از آن بهره برداری می کنند.  
 در منطقه سیمان سیستم آبیاری از طریق رود هرسند که مصب آن کوهی داخل خاک  
 استکان می باشد صورت می گیرد و به همین خاطر وضعیت آب آنجا کاملاً بی ثبات  
 و این به روابط سیاسی آن واقعات آن اقبال مستقیم دارد.

فلسفه‌ها و مباحثه‌ها را داخل آن می‌گردد و آن را در سر تا سر دست اعم از زمین‌های زیر کشت  
 باغی و کما نالای آن می‌بارد پیش نموده و به اصطلاح زمینها را می‌خورد و با بورد سنگه و گانا را بر می‌نماید.  
 مثل دیگر سله با بست که بیشتر در منطقه ارضیات است و همه ساله بسیاری از محصولات  
 گندمی را با بورد سنگه و گانه می‌بندند و با هم ازین می‌بزد

رماه

بسیاری از دولت اولیه زنگی را ندارند. گرها از چند تا چند دهکت خرما و حبه که حشر کینه و در سینه  
 میشود. خانه اکثر آن در خانه‌های گلی و خشتی زندگی میکنند. بر پیش کف گرها معمولا با حبه تا حصیر  
 کلم و یا چیم می‌پوشانند. فرش‌ها اغلب شاره‌شده و معمولا دستمال‌های گانه‌ای می‌شود. تعدادی  
 آن‌ها نان خشک، پیاز، دوغ و کتک روت گوچه حبه (که معمولا آن را در آب حل می‌کنند و با آن  
 می‌خورند)، و بندرت گوشت. برایشان نوبت غذا ملج نیست. در روز ۲ دفعه و بعضی‌ها  
 یک دفعه قدری می‌خورند تا گرسنگی خود کرده‌اند. (دکتر درده و هم‌راستایان) فرودگاه  
 اجناس در لایم اولیه تنگی که توسط شرکت تعاونی و دکان (دکتر درده و هم‌راستایان) می‌فرودشند. شرکت تعاونی  
 که قیمت آن نیست به نرخ در شهر سیستان است و گاه هم در سیستان می‌فرودشند. شرکت تعاونی  
 معمولا رست خان‌هاست و عملا کله‌غذایی می‌دهد و حتی گاهی اوقات اجناس را از دکان‌ها گرانتر  
 می‌فروشند.

وضعیت راه در سر تا سر منطقه اعم از راه‌های اصلی شهرها و راه‌های روستایی (به استثناء راه راه‌های  
 که در مسیر سبب سلامت‌هاست تنگای سیاهی می‌شود و اسفالت کرده بود)، تا باستان و سیکی  
 است. که خودروها مشکلات فراوانی است از جمله امکانات تعدادی از این‌ها آموزشی و بهداشتی  
 به اشکال و حتی در چند شهر در خدمت روستاها قرار می‌گیرد.

وضعیت بهداشت در میان همفره از مترج، خاک، آب و برق در اغلب روستاها بسیار  
 نیست و در حالیکه هست اسامی بارشده و عملا به علت اشکالات فنی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.  
 از نظر آموزشی تا باستان، اغلب در چند روستا هم امکانات بسیار محدود است چه در زمینه راه‌های  
 و در روستا. مدرسه راهنمای در نامل خلی زیاد در مراکز روستاها وجود دارد که به علت فقر مادی  
 دانشمندی منطقه و فاصله زیاد روستاها از کهریز و بندون کمترین امکانات و دهاب از راه تحصیل بالاتر روستاها  
 اغلب می‌روند.

آب خوردن آن‌ها از نظر بهداشتی بسیار نامناسب و آلوده است. لاک‌کپه‌ها پاره پاره و کثیف  
 اگر کپه‌ها با برفند. در بعضی از مناطق بلوچستان انواع بیماری‌ها و سوس‌های آن‌ها رواج دارد  
 بیماری‌های ناشی از سوس و کرم و کرم‌های در اغلب روستاها چشم می‌خورد. در بسیاری مناطق  
 مثل مکریت دام (آلوده‌هاست) و مریخ و خوزشان در کف اتاق یا کپه‌های بارش

کجای گرسنگی منی در هر حدیثی زنگ و جرد داشت ولی حال این گرسنگی خیلی حادث تر شده است. راه منی  
بسیار گرسنگی و گرسنگی در هر راه با نیروی معده اصلی شان یعنی گرسنگی و گرسنگی با طوری بسیار زیاد  
که در جهت سیاست امیرالعلمین و منافعی را پیش برد در این نوعی تطاسی حیا و رکن و کرب و عجز  
بر چشمان که کاملاً به قصه سیاسی تطاسی در دست شمرده نه هرگز مناطق کاملاً آشکارش درسی (سنگین) گرسنگی  
تشد و... (گرسنگی باید حیا و عجز می کرد نکرد - این گرسنگی بود و حال آن افرادی که در دستها گرسنگی کردند  
بسیار گرسنگی تراز هم وقت و دعا گوی بر گرسنگی شد چنانکه در این کار دست کرده بود و امنیت شان  
در قرار بود ولی حال که حلیترین اثرهای برایشان شده است

عده ای که اشکات مالی مشتری دارند جهت تأمین زندگی شان به وارد کردن اساسی تقاضای مراعات خصوصاً  
مازادین مرزها و عملاً کنترل آن توسط دولت این کار را توسعه بیشتری داده است و مثلاً این مثل گرسنگی  
در سینه بر سر سلطنت خواهد بود

تفسیر ۱ اشکات راهی که در گذشته در دولت های پرورد ابتدا در خدمت حیا و گرسنگیها و  
با توفیقها قرار می گرفت و هنوز هم در دستها ها چنین نگری وجود دارد. با توفیقها توفیق آن را دارند و  
مردم عادی هم نسبت به گرسنگیهای زناهی نا باور هستند. ضرورت یک اقدام انسانی در این زمینه جهت  
حلیب اعتماد مردم وجود دارد.

تفسیر ۲ تمام خدمت و نظمی سیاسی و سران را، هر یک ممکن است به این منطبق زده است. هر کسی حیا و  
در مائها بدون ترک، با مائها تا کمبود پرسنل برود، بسته اند.

اهمیت

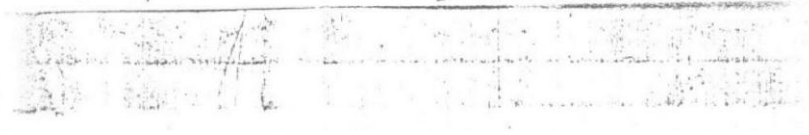
مسئله اهمیت را در دو منطقه سیستان و بلوچستان مطرح کرده ایم. سیستان  
- در سیستان به شکلی که در بلوچستان می باشد اصل سطح مرتب، فاصله یاز بدون مرد ها و  
باز بدون عناصر ضد انقلاب و همچنین خرابی سطح منطقه است. توفیق و در سطح استان خواران  
به از انقلاب در لاک خود رفته بودند ولی حالا وقتی دیدیم که کسی به آنجا کاری ندارد جهت اعاده قدرت خود  
را کند تا جاییکه توقع دارند در شرفهای اینجا هم مردم مثل سابق نقش داشته باشند.

- در منطقه بلوچستان: مهمترین مسله ای که در این منطقه حیا از مسله گرسنگی مردم مطرح بود  
شده است آنست که همه مردم با اتفاق از این مسله ناراحت بودند. منطقه آنجا که مرزهای وسیع بدون  
پوزیوان حضورها باشند که از عدم سیاست بر ضرور هستند و از همه مهمتر مردم ۹ میلیون بلوچستان  
که گرسنگی بلوچستان ایران مسله را با اهمیت توی کند. باید توجه کنیم که بلوچهای پاکستانی با بلوچهای ایرانی  
ست ها و چنانراستی هم دارند و الان رفت و آمد بین آنها بسیار راحت و آراذ انجام می گیرد

ال نا اهلی: ۱- فقر فرهنگی و مادی  
۲- و از هم واعظم نام اودن از زبانیان خرابی گرسنگی است که پس از خرابی انقلاب از زبان گرسنگی آمد

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۹۵

اعتمادی قبلی دارد. این دو نفر در دهه ۱۳۰۰ میلادی مسخره‌ها را شکل داده و مورد  
تأیید مردم قرار گرفته‌اند و با فرسایش دعا آسیب رعب و وحشت مردم مشو نمود این رعب‌سوزی  
بر مردم آورده‌اند که سبب شده است آن‌ها که قادر بودند اسلحه خریداری کرده و به ادای اقسام اینها  
ز مسلسل کل سبب گرفته تا کلت مسلح شده این دو نفر هم به آئینه مشغول و برخی برای مملکت  
بسیار دشوار کرد. در این مورد گفته‌های دیگر نیز دست به دزدی و اسقام‌های قبلی می‌شد  
علاوه بر این گروه یا مادر دادشاه (یکی از اشراف معروف) نیز در اطراف نیت دست به دزدی‌ها و اسقام  
سبب و وحشت نموده است که البته به گسترده‌گی گروه بالا است. گروه بالا گفته بود که بنواخته قرم‌های  
عرب از میان (۲۴ دی سن ۱۳۰۰ و چهار روز) به پایین از ایران جدا گشته که سلا این روح تجزیه طلبی  
از افکار شتره است.  
در تحقیقات از افراد محلی، اشراف عاری اعتماد داشته که هرآن از آن‌ها (رسته زبان)  
تأیید نمی‌گردد اما اشراف مطلع تر معتقد بودند که حداقل چند خان (علم خان مبارکی و امان مبارکی  
سعدی) از آن‌ها سبب کرده و معاصات ایشان می‌فرستد. امان مبارکی هم با فرزندش  
عراقی فریخته و آن‌ها برای اینها مهوات می‌فرستد. مهوات موجود را اختیار آری از اع  
به اسلحه، نارنجک و بی‌سیم می‌باشد.  
از نظر مردم هم در برابر اعمال فرق هیچگونه واکنش نشان نمی‌دهد که نجات زیر را برای توجیه آن  
می‌توان با آآوری نمود:  
۱- یکم شرف افراد و ثبات مردمی پس از آنکه شرف خدمت بعضی از سران  
روجه از آن‌ها بر سر کسی خواب است و حالت بد مردم را دارند (با رفتن شاه).  
۲- عایدی آن‌ها از رسته گرفتن تا جایی‌ها قطع شده است  
۳- واکنش انجام نمی‌دهند به این علت که سبب سبب از آن‌ها است و بالا به عنوان بعضی از آن‌ها می‌باشد.  
این مردم می‌بینند که ثبات مردمی آن‌ها حمایت نمی‌کند و می‌روند به دامن هر کس که امنیت آن‌ها را تأمین  
کند. بنده بریند مخصوصاً آنکه خورشید را سبب می‌توانند و در عمل شده و آن‌ها را دستگیر کنند. چون  
سبب روانه قبلی از فرورد های آئینه می‌رسند که در اثر اسقام خود گشته شوند.  
کلمه حرمانات فوق اثر سرد نیت به اسقام مردم گذاشته و چنین وایشان برای می‌شود  
اسقام بر رسته، می‌گویند لا امل قبلی امنیت که داشتیم، الآن امنیت را هم نداریم و این وضع  
زیادتی نیت به دولت (در آئینه با یک حفره به سوی همه انقلاب گشته می‌شوند.  
۱- تا حدودی پیشانی همگی خان‌ها از زبان یا اشراف جهت استیلا می‌شود خورشیدان و  
فرق مستمری که در رستم گشته می‌گفته می‌تواند نگردد است که تا مدتی اینها وحشت زده آنگونه نشان  
دهند و به علت نیکه در این مدت همگیس‌های آن‌ها نداشته است. دومین فرصت را غنیمت شمرده  
می‌هرشوند) نام با آوری شده که امنیت این منطقه تا به یک یا یکی از اینها می‌رسد  
- حضرت اسقام خوانده بلوچ که با دوران می‌فرستد اعاده خصوصیت گذشته را بر آورده است



۱- در مقابل جزایات فوق ظاهر مسئولین استان (استاندار، فرماندار، ... ) واکنش نشان ( )  
نمودند و اساساً آدم‌های بی‌حال و متکون هستند.

لازم است به جریانی که در منطقه اتفاق افتاده است اشاره ای نمود  
شخصه تکمیل برنامه فارق التحصیلان سینما و تبلیغی و اهدای کتب است که در استان  
اعضای این جامعه دارند از دانش نادر و (استاد فاضل) رئیس گروه بهائی که در ایران استاد محترم  
باشود در دانش و روش فردی که در کشور بوده و بعداً به بهائیت رانست برای عبادت با اهداف ترویج مقام نمود  
بود او در بهائیت عمده می باشد و از مجمع استان و استان بلای همگی به اظهار عجز و دراری ماهیت حضرت  
و هم باقی می باشد که به تدریس همگی به تغییر در استان ندری ن داده است بلکه محلی مانده اقرار هم باقی  
شده است و این حضرت حضور کلاخ شروع م با ندری و استفاده ام از اطلاق از قتل نبی طهارت  
مردکی مالکی، مبارکی، اکبری، ... که سوابق همه اینها برای هم روشن و فعالیت ها نشان از  
رژیم گذشته بر همین پوشیده نیست.

۲- محمود صانعی (فرماندار فعلی زابل) رئیس جامعه آموزش حزب رستا خیمه راهبان، شخصی رست  
خیمه زهی و با سابقه ای نیره و تار. الان هم در جهت تشبیه موفقیت و دال ها کار می کند  
در شورای وقت شهر صوبای آنکاهی علی الرکری که آنرا نشان از این می باشد و در این زمینگی  
است به عنوان نماینده کث و زبان دعوت نموده و او را نیز برنده است. و همچنین از محمد رضا خان  
پردی به عنوان یکی از اعضای شورای پیشبانی کرده است. با رضایتی ها و شایعات مردم دهات اطراف  
و این دلیل بر ماهیت محمود صانعی است.

۳- دکتر خسرو ربی. فردی است مارکسیست - معادین رانج و بیچاره

۴- دکتر ملک محضو سوز رستا خیمه مقدم ساداتی بود  
با برکت داشته باشم که ممکن است افرادی در جامعه باشند که در کارشان منطقه نقش بازی انداخته  
ولی سوابق خوبی نداشته باشند از جمله مولوی عبد العزیز که روابط داشته او با حزب رستا خیمه و در مع که  
در کارگرفتن آن در جریان انقلاب (که در آن در ساداک وجود دارد) به نظریات استگوت افراد  
در مورد ساداک و جریانات بنیاد القاموس از جمله انتصاب استان ندر که توسط ایشان دولت  
معرفی شده است و از استگوت ساداک است. + اعمال در این استان ندری آگاهی نادریم دلیل بر عدم  
و در این مقام می باشد. مثلا در تصویب عدالت دی سرو ساداک که خود را کارگرفتن نامیده است و است  
راحت و دل آزار و خود به مخالفتش تبعیض می شود و عملی بکوشه کارها را در منطقه متعلق می شود



عینیت و رفاه

با توجه به دوری‌های منطقه که فیس، هیچ عنوان نباید برای افراد بومی در نظر انداخته شود. البته منطقه دریا، شته. خدا که حضرت‌های قبلی طرح شده خطی است. دولت مالک شرط که از (بومی) است. استفاده دولت تحت عنوان باسوار یا اندازم و غیره در آنجا و سرگرمی اشتراک اسم دولت تمام شود. در این صورت است که سند قومی مطرح خواهد شد. اگر چنانچه علامه شات این منطقه سیم بایر در اسرع وقت عملیات زیرساخت کرد.

ب- فرستادن آگهی از پیدایش انقلاب با راه‌های افراد بومی (مطور سری و غیره) برای سرگرمی اشتراک در منطقه سرگرمی

ب- تقویت راه‌های اشتراک افراد بومی. برای آنکه آشنایی با سوله دارند. در آن‌ها هم اکثر راه‌ها هم منطقه بومی هستند و نام دلاور ایجاد و توسعه می‌کنند و هیچ اشتراک ندارند. باید توجه داشت که بسیاری از باشگاه‌ها را با راه‌های در سطح منطقه تحلیلی شده‌اند (در دلیل کم بود پرسنل) و این موضوع افراد را شادمان کرده است.

ج- استقرار یک واحد نظامی (ارتش) در منطقه

د- دستگیری چند نفر اشتراک و نمایندگی دوره آخر مجلس و خوانینی که برنده سیاه سادک دارند. باید توجه داشت که آنگونه افراد هیچگونه نفوذ و یا شاهی در منطقه ندارند و دستگیری آن‌ها مردم را خوشحال می‌کند. برعکس اگر این عده دستگیر شوند به سرور و ماخان‌ها رسیده است می‌تواند در محیط‌ها با زور حمایت مردم را بدست می‌آورند و آن موقع دستگیری آن‌ها در دست مردم بومی آورد.

ه- باید بعد از تقویت نیروهای نظامی عمل اسلحه و نظریه‌های جنگی نمود و با انجام این کار است که مردم محسوس می‌شوند اسلحه‌ها را از دست‌های لود کرده و مثل در زیر خاک پنهان کرده و این خود از تبلیغ منطقه می‌کاهد.

و- تقویت فوری مردم‌ها را در کلمه استان و استیاب افراد انقلابی بومی که با این کار اعتماد مردم را نسبت دولت جلب نمایند و از پانزدهی و طوور و غیره‌ها در فحشه که آن‌ها تفریح از ارتقاء صورت می‌گیرد جلوگیری نمایند.

ز- هم‌زمان با اینها باید یک سری کارهای فوری از قبیل لایحه قنوت، تطبیق زمین‌ها و گن‌وزن، تشکیل شرکت تعاونی فروش با بدبخت افراد مهاجر و مورد اعتماد مردم، تشکیل شرکت تعاونی خرید به منظور خرید محصول گن‌وزن از دهقانان به قیمت مناسب جهت حمایت از آنها شروع به ساختن خانه‌ها (حق‌شاهی) سدها، پل‌ها، آبریزها، مسجدها، مدارس، مراکز بهداشتی، ایجاد راه و ارتباط و یکبار با حق‌شاهی و آب و دو در میان اینها کشیدن حاده لایحه قنوت و سایر موارد و با داشتن شرکت‌ها و این صورت ارتقاء یافته است. نسبت به سایر

- لازم است کارهای رفاهی را با توجه به الویت ها و ویژگی ها خودش شروع کرد
- ۸) بدین ترتیب:
- ۱- لاریبی قنات ها و چاه ها: باید در این مورد توجه و دقت فراوان کرد که از قنات ها و چاه های متعلق به مردم است شروع شود. چرا که حمایت و نفوذ مردم قدرتمندی باشد با تقویت مردم بالطبع آن ها مستعمل خواهند شد. در جهت تعمیر و تقویت چاه ها لازم است اقدامات عاجل صورت گیرد همچنین با تقویت و تجهیز آب و موتورهای برق و روشها جهت ارتقاء چاه ها که این دو نوع امکان رفاهی موجود است می توان یک گام مثبت برای آن انجام داد
  - ۲- برای تطبیق زمین ها با زمین کشاورزی و باغی و با لایحه مابعد در خدمت توده مردم قرار گیرد
  - ۳- تسهیل شرکت ها تعاونی مصرف: به خاطر رساندن آذوقه به قیمت مناسب به دست توده مردم ضرورت تکمیل شرکت تعاونی مصرف و نیز صرف با مدیریت افراد سالم و معتمدین شده به احسن نحو
  - ۴- تکمیل شرکت تعاونی خرید: به خاطر صحت از کف و کف تا کف کردن دست و پاها و تعمیر بنیه مادی کف و بنیان. این شرکت می تواند باطریق دادن وام اجاره بدهت و با بهره کم و بی برون بهره و با نظارت بر مدیریت آن در امور کف و بنیان و نیز به شکل جمع کف و بنیان و این امر بیش به کارشکسته تشویق کند
  - ۵- چاه ها - ایجا و چاه ها حتی چاه ها نیز اقدام بسیار مناسب و جهت حل مشکلات دیگر این منطقه است چونکه منشأ بسیاری از مشکلات به خاطر نبود چاه است با شروع به چاه سازی همچنین کارهای زیر زمین برای کشاورزان در منطقه فراهم میشود
  - ۶- اقدام جهت ایجاد برق منطقه ای و تمام رده ها هم کاره و تکمیل آب لوله کشی روستای

بحران‌ها و تنش‌های سیستم‌های سیستان و بلوچستان □ ۲۹۹



پیوست ۹- گزارش امنیتی تاریخچه تحركات تجزیه طلبانه در بلوچستان و مداخلات جهانی

تاریخ ۱۳۵ .....  
پوست  
پاکستانی سوری  
بسمه تعالی  
۱۳۰۷/۱۲/۱۰  
بلوچستان

۱- منطقه بلوچستان : درین بلوچها در مورد سرزمین بلوچستان نظرات مختلفی وجود دارد . گروهی این منطقه را شامل استان بلوچستان پاکستان و بلوچستان ایران میدانند . برخی معتقد و مدعی هستند که بلوچستان کشور بزرگی بود که از بند عباس در خلیج فارس آغاز و از کرمان - بیز و استان خراسان گذشته به مشق آباد و قسمتهائی از پاکستان تنج در خاک شوروی منتهی شد و از آنجا باستانهای هرات - فراه - نیمروز - هلمند و قسمتی از استان قند هارا امتداد یافته و تمامی استان بلوچستان پاکستان و قسمتی از استان سند این کشور را در بر گرفته ویدریای عرب منتهی میگردد .

۲- مسئله بلوچستان : پیرا از نزاع افغانستان از ایران ( ۱۷۴۷ میلادی ) و قبل از تسلط انگلستان بر شبه قاره هند بلوچستان پاکستان توسط امرای افغانی از طایفه ابدالی بارکزائی اداره میشد و ولت انگلستان برای تضمین امنیت سرحدات غربی مستعمرات هند ی خود سعی کرد این منطقه را تسلطه افغانها خارج نماید . در نتیجه نایب السلطنه انگلیس در هند در سال ۱۸۹۲ میلادی ضمن امضاء قرارداد یبا امیر عبدالرحمن خان ( یکی از امرای بارکزائی افغانی ) حد و تصرفات خود را بر فعلی بین افغانستان و پاکستان کهنام خط دیوراند ( اقتباس از نام مارتن میردیر اند یکی از افسران انگلیسی ) معروف گردید و گسترش داد و هر ساله باید اختیالی بعنوان حق سرداری پسران عشایر بلوچ توانست همکاری صادقانه آنها را جلب نمود و سالها از وجود آنان برای حفظ سرحدات غربی مستعمر خود استفاده کند . چون هرگونه فعالیت آزاد بخواهی در بلوچستان پاکستان در نهایت به بلوچستان ایران و احتمالاً سایر استانهای شرقی این کشور نیز سرایت خواهد کرد لذا اسیرو حوادث و تحول اوضاع بلوچستان پاکستان میرد ازیم :

همزمان با فعالیتهای استقلال طلبی مردم شبه قاره هند و رهائی از زیر سلطه انگلستان سران وره پسران برجسته مناطق مسلمان نشین قادر شدند در لاهور اجتماع کردند و قلمنامه ای را امضا کردند که همی از کسب استقلال و تشکیل یک کشور اسلامیمناطق مختلف آن خود مختاری داخلی داده شود . این قلمنامه در ابتدای استقلال بد لایل زیر اجرائ شد :

الف - لزوم همبستگی بیشتر مردم در برابر خطراتی که استقلال این کشور نخواست راتهدید میگردد .  
ب - فقر اقتصادی و ضعف قوه دفاعی .

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۰۱

تاریخ ۱۳۵۰

بیوست

نگلی

—۳—

ب. نبودن تشکیلات اداری منظم.

ت. وجود حزب مسلم لیگ برهبری محمد علی جناح کبریای تشکیل کشور اسلام، پاکستان تلاش زیاد ی کرد بود.

اولین آوای استقلال طلبی پس از قتل لیاقت علی خان در سال ۱۹۵۱ آغاز گردید زیرا احمد دولت مرکزی و جزیه سبب مسلم لیگ باعث شد تا خان عبدالغفار خان (رهبر نهضت آزادی پشتونستان و رهبر حزب پیراهن سرخان) استقلال منطقه پشتونستان را اعلام نماید (طبقه منقشه باید که توسط افغانها و پشتونها بیجاپ رسید و پشتونستان منطقه ای است که بین رودخانه سند - مرزهای افغانستان و - پاکستان قسمتی کمی از بلوچستان ایران و دریای عرب واقع است) این نهضت توسط ارتش سرکسوب و حید الغفار خان زندانی شد.

در اوایل زمانه اداری اسکندر میرزا خان احمد یار خان (یکی از سران برجسته عشایر بلوچ) از وضعیت دولت مرکزی استناد نمود و استقلال بلوچستان را (این منطقه از نظر رسمیت بزرگترین استان پاکستان بود و تقریباً ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد ولی از نظر جمعیت کوچکترین استان محسوب میشود و دو نهم میلیون نفر جمعیت دارد) اعلام داشت. این نهضت نیز با روی کار آمدن ژنرال محمد ایوب خان در سال ۱۹۵۸ سرکوب گردید. احمد یار خان دستگیر و زندانی شد و پسری (داود خان) بجای وی بعنوان سردار کلات منصوب شد. (در تمام این دوران احمد یار خان ابراز تمایل با همکاری با ایران معمول داشته است).

ایوب خان در طول یازده سال زمانه اداری خود توانست هم از طریق تحبیب وهم با شدت عمل از هرگونه آزادی خواهی پشتونها و بلوچها و نصخ گرفتن آن جلوگیری نماید. پس از سقوط رژیم ایوب خان حزب - نشنال عوامی (سوسیالیست - طرفدار مسکو - برهبری خان عبدالولیخان فرزند خان عبدالغفار خان) موفق شد در انتخابات عمومی ۱۹۷۰ که تا حدودی بطور آزاد انجام شد اکثریت را در استان سرحدات شمال غربی و بلوچستان بدست آورد. این پیروزی که بی آمد آن واگذاری حکومتهای استانی این دو استان برهبران این حزب بود درگیریهای جدیدی برای زمانه اداری پاکستان بوجود آورد. زیرا سران عشایر بلوچ عضو حزب مزبور که در حکومت استانی شرکت داشتند (غوث بخش بیز بخو - عطا اله منگل - خیر بخش مری - گلخان نصیر و ده دیگر که همگی تمایلاتی نسبت بشیروزی دارند) سعی کردند ضمن پاکسازی ادارات ولتی بلوچستان از وجود افراد غیر بلوچ، عشایر وابسته بخود را مسلح نمود و پایه های

## ۳۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

تاریخ ۱۳۵۵

بیگلی شکوری

بیروت

-۳-

تجزیه بلوچستان را از بکر پاکستان بگذارند. کثیف چند صد توف اسلحه و تسلیحات عراق در اسلام آباد و آگاه شدن دولت باینکه تعدادی از این سلاحها بین بلوچها توزیع گردید باعث شد که نه فقط تار هلسی بوتو (نخستوزیر قبلی پاکستان) کابینه استانی را منحل و استانند آرا از کار بکنار نمایند که این امر خسود سرافرازا اختلاف دولت مرکزی با سران عشایر افراطی بلوچ و یک جنگ چریکی در منطقه بگردید.

بد نیال این تحول طرفداران سران بلوچ ضمن موضع گرفتن در کوهها تا اکنون توانسته اند خسار را تنزیاد بدولت وارد نمود و مباحث های نظامی ضربه هائی بزنند و عدای آنها را ناپدید نمایند.

ژنرال ضیا الحق پس از کودتای علیه حکومت بوتو در سال ۱۳۵۶ اعید و او را با آزاد کردن سران افراطی عشایر بلوچ از زندان و اعطای آزادی ها و امتیازاتی بآنها بعمليات چریکی بلوچها پایان داده و آرامش را باین استان بازگرداند ولی بعلت اختلاف نظر دولت و شوریه بران بلوچ در زمینه های مختلف از جمله نحوه و عنوان کمک یا افراد عشایر شورشی -- تحویل سلاح راد ار بلوچستان این تلاشها ب نتیجه نرسید و بعلاوه اجازه ورود بآن عدو از افراد شورشی بلوچ که خارج متواری شد مبرود باعث شد تعداد زیاد سلاح نیز بداخل بلوچستان وارد و بین بلوچها توزیع گردد.

### ۳ - فعالیت بلوچها در خارج از منطقه

همزمان با این فعالیتها عدوهای از بلوچهای ایران و پاکستان که خارج از کشور متواری شد بفرودند فعالیتها را آغاز کردند. این افراد که بوسیله جمعهای بلوچ (تبعه پاکستان) رهبری میشدند جبهه ای بنام "جبهه آزادی بخش بلوچستان" تاسیس کردند. ابتدا مرکز فعالیت خود را در سوریه قرار دادند و سعی کردند از اختلافات ایران و اعراب و همچنین اختلاف هند و پاکستان بر سر مساله کشمیر و سایر مسائل استفاده نمود و کمک این کشورها را در جهت فعالیتها خود جلب نمایند.

پس از تیره شدن روابط ایران و عراق بر سر شرط العرب جمعه خان دفتر خود را از سوریه به بغداد منتقل نمود و از کمک های مادی و آموزشی این کشور برای تربیت حدود بیست نفر چریک بلوچ های ایران و پاکستان که برای بید کردن کار به شیخ نشینها رفتیمودند استفاده نمود و آنها را در ریاد گانهای عراق زیر نظر افسران عراقی آموزش چریکی داد و با طرز کار سلاحهای سبک ساخت شوروی آشنا ساخت. عدوهای از این چریکها با سلاحهای ساخت شوروی از جمله کلاشینکف بداخل ایران و پاکستان برای خرابکاری اعزام داشت. عدوهای از بلوچهای دور مدید ایرانی پس از ورود بایران با توسط مقامات امن دستگیر و با اقاماتیکه بعمل آمد

### بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۰۳

تاریخ ۱۳۵۰  
مکان بکری  
بیروت

-۴-

خود و سلاح‌های خویش را تسلیم نمودند و از امکاناتی که در ولایت برای کسب معاش برای آنها فراهم کرده بود استفاده نمودند. آن‌ها بعد از اخل پاکستان وارد شدند در ارتفاعات زاهران (نزدیک مرزا بزان) - بلوچستان با آموزش چریکی عدوهای از افراد عشایر شورشی برداختند. پس از کشف سلاح از سواران عراق در اسلام‌آباد بین مقامات بغداد و جمع‌بخان بلوچ اختلافاتی بوجود آمد که منجر به زد و خورد و تعیین موسی خان مبارکی (برادرزاده عیسی خان مبارکی سبکی از سران قبایل بلوچ ایران) به عنوان رهبر جنبه آزاد بلوچستان گردید. حل اختلافات ایران و عراق بر سر شرط العرب و بازگرداندن دو تن از همکاران نزدیک و فعال جمعه خان یعنی عیدخان سردارزایی و عیدالصد امیری بایسرا (این اقدام وسیله‌سازمان انجام گرفته است) فعالیت‌های تبلیغاتی بلوچها که از طریق برادری بود و نشر ماهنامه‌هایی در داخل عراق و لندن در زمینه بلوچستان کبیر صورت میگرفت تا حد زیادی کاهش یافت. بدنیال این تحولات موسی خان مبارکی سعی کرد نظردولت لیبی ویا جمهوری دموکراتیک خلق میسن را برای انتقال و تفرج به پاکستان و توسعه فعالیت‌های خود در زمینه آموزش چریکی به آنها جلب نماید که بعلاوه دستی پاکستان بالیبی و همکاریهای اقتصادی و نظامی بین دو کشور چنین امکاناتی آنها را ه نشد.

#### ۴- نقش کشورهای خارجی در مسئله بلوچ

اگرچه در کشورها منطقه‌هریک با توجه منافع خود مسئله بلوچستان توجه و هر یک سعی کرد فاسد بنحوی در این مسئله دخالت نماید:

##### الف - نقش افغانستان

خارج شدن انگلستان از شبه‌قاره هند و تشکیل کشور پاکستان (۱۹۴۷) سرآغاز بروز اختلاف بین افغانستان و پاکستان بود. افغانستان که در پی دستیابی به دریای آزاد و خارج شدن از تنگنای نهمالی و رسیدن به دریای عربی، کردند از ضعف پاکستان استفاده نمایند و تسلط قبلی حکمرانان خود را بر پشتونستان و تحمیلی بودن قرارداد مربوط بخطر مرزی و بیرون‌اندودن نمود و خواستار واگذاری این منطقه به افغانستان گردیدند. قرارداد نظامی دو جانبه آمریکا و پاکستان (منعقد در سال ۱۹۵۲) و همچنین خودداری واشنگتن از اعطای هرگونه کمک نظامی به افغانستان در اثر فشار اسلام‌آباد موجب گردید که افغانستان برای تأمین نیازمندیهای نظامی خود بشوروی نزدیک شوند و با توسعه روابط کامل و مسکو و هندوستان همکاری

## ۳۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

تاریخ ۱۳۵۰  
پیوست

بکای صبوری

—۵—

انتظارات افغانستان ادعای ارضی کابل در مورد پشتونستان همزمان با آنا ز صد ارت محمد داود خان ۱۹۵۴ شد و در همیشه تری یافت و حتی منجر به درگیریهای بین واحد های نظامی در کشور گردید که مهمترین آن در سال ۱۹۶۱ صورت گرفت که باعث قطع مناسبات سیاسی و اقتصادی آنها گردید .  
برکناری محمد داود خان از مقام نخست وزیر در سال ۱۹۶۱ و آگاهی مقامات افغانی از اینکه چنسیین ادعای تحقق نخواهد یافت و حتی تعقیب این سیاست با توجه به نیازها استقلال طلبانه پشتونها و لوجها میتواند تمامی ارضی لغغانستان را نیز بمخاطره اندازد موجب گردید که مقامات کابل درخواست خود تعدیل نمود و درخواست اعطای اجازت آنها برای انجام یک همعمرسی بمنظور تعیین سرنوشت خود گردید .  
با تلاشهایی که در اواخر رژیم شاهی در افغانستان و همچنین زمان ریاست جمهوری محمد داود ( رئیس جمهوری پیشین و صدراعظم اسبق ) از جانب مقامات پاکستان بعمل آمد امکان حل اختلافات در کشور تساهل شد و افزایش یافت و بود ولی پس از روی کار آمدن رژیم چنگیزی نور محمد تره کی که در نباله روی سیاست شوروی در منطقه میباشد این مسئله تا حد زیادی شدت سابق خود را با زیافته است .

ب - نقش شوروی

- مقامات شوروی با توجه باستراتژی کلی خود در منطقه در زمینه :
- ( ۱ ) دسترسی با آبهای گرم قیابوس هند از کوتاه ترین راه خشکی .
  - ( ۲ ) تهدید منافع غرب و کشورهای ممالک بلبلوک غرب در این اقیانوس و همچنین خلیج فارس .
  - ( ۳ ) دسترسی بکشورهای عربی خاورمیانه و همچنین کشورهای قاره سیاه .
  - ( ۴ ) کمک بنا و گان جنگی خود در اقیانوس هند .
  - ( ۵ ) امکان کمک سریع متحدین و طرفداران خود در جنوب آسیا و خاور دور و همچنین کشورهای قاره سیاه .
  - ( ۶ ) رقابت با نفوذ آمریکا در پاکستان .
  - ( ۷ ) مقابله با نفوذ جمهوری خلیج چین در پاکستان که برای آنکه شوروی بعنوان یک بازیگام نفوذی در خاورمیانه و آفریقا درآمد هاست .
  - ( ۸ ) دورنگاهد اشتن پاکستان از جرگه کشورهای طرفدار فریبو حتی جمهوری خلق چین .
- همواره مسئله پشتونستان و بلوچستان را برای روی کار آوردن یک منطقه طرفدار خود مطمح نظر قرار داده است این امر باعث گردید تا مسکوازموضع همجواری افغانستان با پاکستان استفاده نمود و درخواست آنکشور



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۰۵

۱۳۵ تاریخ

بیوست

بکلی شوری

-۶-

در مورد پشتونستان و بلوچستان دامن‌بازند و حمایت صریح مقامات کرملین از ادعای افغانستان نسبت به پشتونستان هنگام مذاکرات کابل - طای سلا حهای سیکه بلوچها و آموزش چریکی بلوچهای متواری با افغانستان میتواند بیا نگر نقش فعال شوروی در ایجاد نا امنی و آشوب در منطقه باشد حضور فعال مستشاران ذوب آهن شوروی در پاکستان که مشغول ساختن یک کارخانه ذوب آهن در کراچی هستند با آنها امکانا عبیشتی را دستا دست فعالیتها و تبلیغاتی شدیدی زد و ضمن تماس با رهبران افراطی بلوچ متعابلیسکو و از قبیل خیر بخش مری - عطا اله منگل و فریت بخش پیر خوو و همچنین رهبران چپگرای سازمان دانشجویان بلوچ آنها را در جهت تجزیه پاکستان و تشکیل یک کشور مستقل بلوچ ( شامل بلوچستان ایران و پاکستان و احتمالاً مناطق بلوچ نشین افغانستان ) ترغیب و از آنها حمایت نمایند . امید واری این افراد بحمایت کرملین باعث شده است تا آنها از هرگونه همکاری با دولت مرکزی در زمینه اعاد آزارش بلوچستان بازگردانند افراد شورشی بزندگی عادی خود داری نمود و حتی آنها را تشویق نمایند تا فعالیتها و چریکی و خرابکاری علیه دولت مرکزی ادامه دهند .

### پ - نقش هند :

دولت هند از بد و انتزاع پاکستان خواستار تجزیه این کشور و تضعیف در منطقه بود تا بتواند به تحریکات این کشور و همچنین ادعای آن در مورد کشمیر یا این بخش گمک به تجزیه ایلان بنگلادش و عهد کمک به نهفت آزاد ی خواهی سندوش و پشتونستان و بلوچستان . واگذاری مقداری از سلاحها که از اسرای جنگی پاکستان پس از تسلیم آنها در بنگلادش بدست آورد بلوچها کمک مادی و آموزشی چریکی به عشایر شورشی بلوچ در افغانستان نمونه بارزی از فعالیتها و هلی بود در جهت تجزیه این کشور میباشد . ضمناً وقتی به پیش از جد پاکستان و جمهوری خلق چین باعث شده است تا هند برای قطع این دوستی و همچنین راه ارتباطی این دو کشور که از طریق کشمیر تحت تصرف پاکستان صورت میگردد از سران عشایر پشتون بلوچ درجهت آزاد ی خواهی آنها حمایت نماید و این سیاست هنوز هم ادامه دارد .

### ت - نقش سایر کشورها

وجود یک پاکستان مستقل و نیرومند با محدود و جغرافیایی فعلی که تا حدودی مانع حضور موثر شوروی در اقیانوس هند و خلیج فارس خواهد شد مورد علاقه آمریکا - چین و کشورهای اروپایی غربی است لکن ترس از حضور نظامی شوروی و اروپا و روسی با این کشور مقامات آمریکا و چین را بر آن داشت تا ضمن حمایت از استقلال

## ۳۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

تاریخ ۱۳۵  
بیروت

یگانه سوری

-۷-

و تمامیت ارضی پاکستان از مقامات این کشور بخوانند تا اختلافات خود را با افغانستان و هند از طریق مسالمت آمیز حل و فصل نمود و هیچ کشور اجازه ندهد در مسائل مورد اختلاف مداخله نماید .

### ث - نقش ایران

• هدف غائی بلوچهای پاکستان در زمینه استقلال بلوچستان در بر د نهائی منطقه بلوچستان ایران را در بر خواهد گرفت رژیم سابق ایران را بر آن داشت تا از وضع پاکستان در برابر این نهضت حمایت نمود و از توسعه آن بداخل بلوچستان ایران جلوگیری نماید .

همکاری نظامی و امنیتی با پاکستان در زمینه سرکشی بلوچهای شورشی از طریق ارسال چند فروتنه هلیکوپتر یا خدمه لازم و حمایت از موضع پاکستان در برابر افغانستان و همچنین پشتیبانی از این کشور در مجامع بین المللی و میانجیگری بین این دو کشور در سال ۱۳۴۱ برای برقراری مجدد مناسبات سیاسی و اقتصادی و اعطای کمک اقتصادی و تسهیلات ترانزیتی با افغانستان منظور با زدا شدن این کشور از تکیه هرج و مرج بهشتی شوروی و جلوگیری از توسعه نفوذ شوروی و تحریکات کاپل علیه پاکستان و کاهش فعالیت های استقلال طلبانه بلوچها در منطقه صورت گرفته است .

### ه - نتیجه

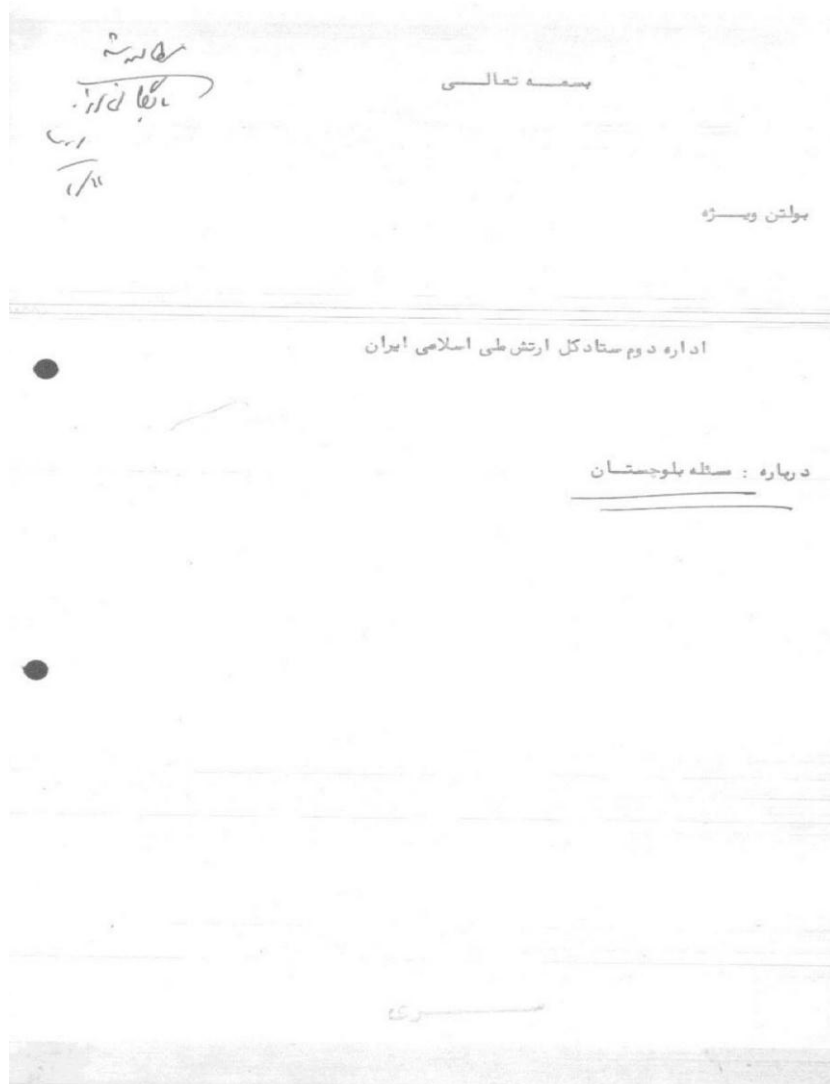
با توجه مسابقه فعالیت های بلوچها بیژنه در پاکستان و وجود فکر استقلال طلبی برای این منطقه بسوی رهبران بلوچ امری کاملاً مشهود است و این فکر از طرف کشورهای مختلفه بیژنه شوروی با توجه حساسیت منطقه تقویت میگردد . روی کار آمدن یک رژیم جمهوری مستقل اسلامی ایران که نظام کمونیستی قریبش دارد و نه میتواند یک کشورها را غارتگر اجازه دهد تا اثرات آنها را این سلکترا بیخما ببرد و تاثیری که احتمالاً این انقلاب پیروز را بر روی کشورهای مسلمان منطقه خواهد داشت کشورهای استعمارگر ایران خواهد داشت تا از قشرهای آسیب پذیر ناراضی اجتماع بمنظور تضعیف دولت ملی ایران استفاده نمایند تا مانع پارور شدن انقلاب ایران و خطر افتادن منافع آنها را ببقای دولت آنها در منطقه گردد .

### ۶ - توصیه

هم آهنگی کامل امنیتی و نظامی با دولت جمهوری اسلامی پاکستان برای تامین امنیت کامل مرزهای ایران و پاکستان در منطقه برای بلوچستان کاملاً ضروری بنظر میرسد و هرگونه اقدامی در این زمینه بشود از آسیب پذیرهای احتمالی آتی برای هر دو کشور خواهد کاست .

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۰۷

پیوست ۱۰ - گزارش ستاد کل ارتش از وضعیت استان سیستان و بلوچستان به نخست‌وزیری



سری

۱ - اوضاع جغرافیائی سیاسی منطقه (۱)

- الف - بلوچستان پاکستان : بلوچستان پاکستان با ۴۰٪ خاک پاکستان حدود ۴ ملیون نفر جمعیت دارد که فقط ۱٪ آن با سوادند. عشاير مهم منطقه عبارتند از منگل - بیزنجسو مری که اکثراً مسلحند و از سال ۱۹۷۱ با دولت مرکزی درگیر زد و خورد می باشند تاکنون ۵۳۰۰ نفر تلفات داده و در مقابل ۳۵۰۰ نفر سرباز دولتی را کشته اند . طبقه باسواد بلوچ اکثراً کمونیست بوده و طرفدار شوروی میباشند .
- ب - بلوچستان ایران : بلوچستان با ۱۰٪ خاک ایران حدود ۷۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد و ۸۰٪ مردم بی سوادند . مذ هب رسمی آنها تشن بوده و نسبت به شیعه ها میانه خوبی ندارند . مردم اکثراً از طریق قاجاق امرار معاش می نمایند .
- پ - بلوچستان ادعائی جنبه آزاد بخش بلوچستان مثلثی است که قاعده آن از بندر عباس شروع و به بندر کراچی ختم شده و رأس آن در سرخس (شمال ایران) بوده که بخشهایی از خاک پاکستان و افغانستان را دربر میگیرد .
- ۳ - رقابت ابرقدرتها در منطقه
- الف - دولت شوروی از سال ۱۹۷۰ با خریداری سران بلوچ در بلوچستان پاکستان طی قراردادی بین رهبران بلوچ و سفیر وقت شوروی در کابل با مضا رسیدن متعهد شده است همه گونه اسلحه و مهمات را در اختیار افراد بلوچ منطقه قرارداد داده و بمنظور تجزیه بلوچستان پاکستان از حکومت مرکزی پاکستان از هیچ کوششی فروگذار ننماید . پس از بهروری بلوچها در پاکستان با ایجاد جنگ مذهبی بلوچهای ایران را به پاکستان جذب و زمینه بلوچستان ایران را فراهم نمایند .
- ب - جریکهای بلوچ با ایجاد سازمانی بنام ( B P L F ) در کوئته عملیات جریک را در منطقه آغاز و گمرگاه با اعزام افراد کمونیست به بلوچستان ایران فعالیتهایی را انجام داده اند این فعالیتهای پس از پیروزی انقلاب در ایران شدت گرفته و حتی در سطح تظاهرات خیابانی انجام میگیرد .
- پ - دولت شوروی در نظر دارد با ایجاد بلوچستان آزاد که گاملاستحمر کشور شوروی خواهد بود از بندرگاه گوادر در ساحل اقیانوس هند استفاده نماید و راه وصول خویش را دریای آزاد هموار نماید .



## ۳۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

(۳)

- خ - در تاریخ ۵۸/۱/۴ کمونیستها یک سرپاز ژاندارم را در انظار مردم کتک زده و موجودی - جیب نامبرده را بشارت بردند .
- د - مولوی عبدالعزیز رهبر میانه روهل تسنن بنشانه هم بستگی با امام نطقی ایراد نمود ه که قرار است در تاریخ ۵۸/۱/۶ از راد یوزاهدان پخش گردد و این مسئله باعث نارضایتی ضد انقلابیون شده است.
- ذ - در تاریخ ۵۸/۱/۶ تعدادی مرد مسلح از افغانستان و بلوچستان پاکستان بمنظور کمک به کمونیستهای بلوچ وارد زاهدان شده و همچنین تعدادی از افراد کمونیست از اتصالی نقاط ایران به نامبرندگان ملحق شده و قرار است روز جمعه بهنگام اجرای رفتارندوم منطقه را به آشوب بکشانند ووتایعی احتمالا "شبهه به آنچه در کردستان گذشت در منطقه ایجاد کنند .
- ر - تظاهرکنندگان در تاریخ ۳ / ۴۹۱ / ۵۸/۱ / شعارهایی به طرفداری از عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد داده و بهمازان سنند ج را محکوم و طبعه امام ریاست ستاد ارتش ملی سخنانی ایراد نمودند .
- ز - روی دیوارهای شهر زاهدان عملاتی طبعه رئیس ارتش ملی اسلامی نوشتند .
- ۴ - اوضاع فعلی بلوچستان
  - الف - در شهرها پلیس عملا" فاقد قوه اجرائی بوده و در خیابان حضور ندارد .
  - ب - کلیه پاسگاههای مرزی ژاندارمری خصوصا" در نوار مرزی کنترلی روی افراد نداشته و افراد را بازرسی نمی نمایند . تردد در سوی مرزها براحقی صورت می گیرد .
  - پ - کمیته های امام عملا" منحل و فاقد قوه اجرائی می باشند .
  - ت - مردم به دلیل نا امنی در وحشت بسر برده و تامین ندارند .
  - ث - تعداد کمونیستهای بومی منطقه حدود ۴۰۰ نفر است .
- ه - استراتژی فعلی شوروی در بلوچستان  
رویداد های اخیر در بلوچستان و بویژه در زاهدان ام از تحریکها - شعارها - تهدید های مسلحانه - گردآوری گرد هائی جوانان بی کار جهت تظاهرات - پخش اعلامیه های کمونیستی تاکتیک ایجاد آشوب و گریز گویای این واقعیت است که دولت شوروی می خواهد عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد را با استفاده از تاکتیک امام در گردآوری گروههای مردم تحت وحدت کلمه

(۴)

در مقابل امام قرار داده و با ایجاد طرح شیعه و سنی موقیعت رهبری امام را تضعیف و با استفاده از جنگ مذہب علیه مذہب در صفوف انقلابیون شکاف ایجاد نماید. جمع آوری آن قسمت از سخنان امام و آیات عظام که تلویحاً نسبت به خلفای راشدین سؤ تفاهاتی بوجود آورده و بیاداشت برداری آن دسته از جملات روزنامه‌ها که علیه معاویه درج شده با ذکر تاریخ و ارتباط این مباحث با زیربنای فکری مکتب شیعه یعنی (عدل و امامت) کار افراد عادی و حتی دانشگاهی نبوده بلکه توسط طراحان کمونیست شوروی بمنظور ایجاد تفرقه بین مردم بسود جنبه عزالدین حسینی می باشد. دولت شوروی در نظر دارد با ایجاد شکاف بین سنی و شیعه زمینه جذب افراد بلوچ را به مردم بلوچستان پاکستان فراهم نموده تا به مسئله تجزیه بلوچستان جامه عمل بپوشاند.

پیشنهادها:

- با نگرش بمفاد مند رجات فوق بمنظور جلوگیری از انفجار دومی که قرار است در روزجمعه شبیه وقایع سندج در زاهدان انجام پذیرد راه حل‌های زیرین پیشنهاد میگردد:
- الف - از قول امام در رادیو تلویزیون و صفحه اول روزنامه‌های فردا این جمله اعلام گردد: ( هیچکس حق اهانت نسبت به خلفای راشدین را نداشته و مرتکبین شدیدا - مجازات خواهند شد )
- ب - به روزنامه‌ها و سخنرانان در رادیو تلویزیون تاکید گردد که از ذکر نام معاویه تحت شرایط فعلی خودداری نمایند.
- پ - رهبر دینی اهل تسنن مولوی عبدالعزیز در زاهدان از طریق پیام امام کاملاً تقویت گردد.
- ت - در اولین فرصت شهبانی و ژاندارمری استان تقویت و به قوه اجرایی آنها افزوده شود و مرزها شدیدا کنترل شود.
- ث - هیئتی در سطح هیئتی نظیر آنچه به کردستان اعزام شد ( با شرکت نماینده امام نماینده دولت - نماینده ارتش - و دو نفر از متخصصین مسئله بلوچستان بمنطقه اعزام و در جلسه‌ایکه با حضور نمایندگان مردم و روحانیون تشکیل میشود مسائل استان را بررسی و اقداماتی در زمینه تحبیب مردم و امنیت شهر زاهدان و استان سیستان و بلوچستان انجام دهند.
- ج - مرزهای آزاد و وجود عشایر بلوچ به گرایشهای مختلف ایجاب می نماید که در اسرع وقت مردم بلوچ خلع سلاح شده و این عمل هرچه زودتر توسط ارتش و ژاندارمری عملی گردد.

۳۱۲ □ شخصت سال صبوری و شکوری

(۵)

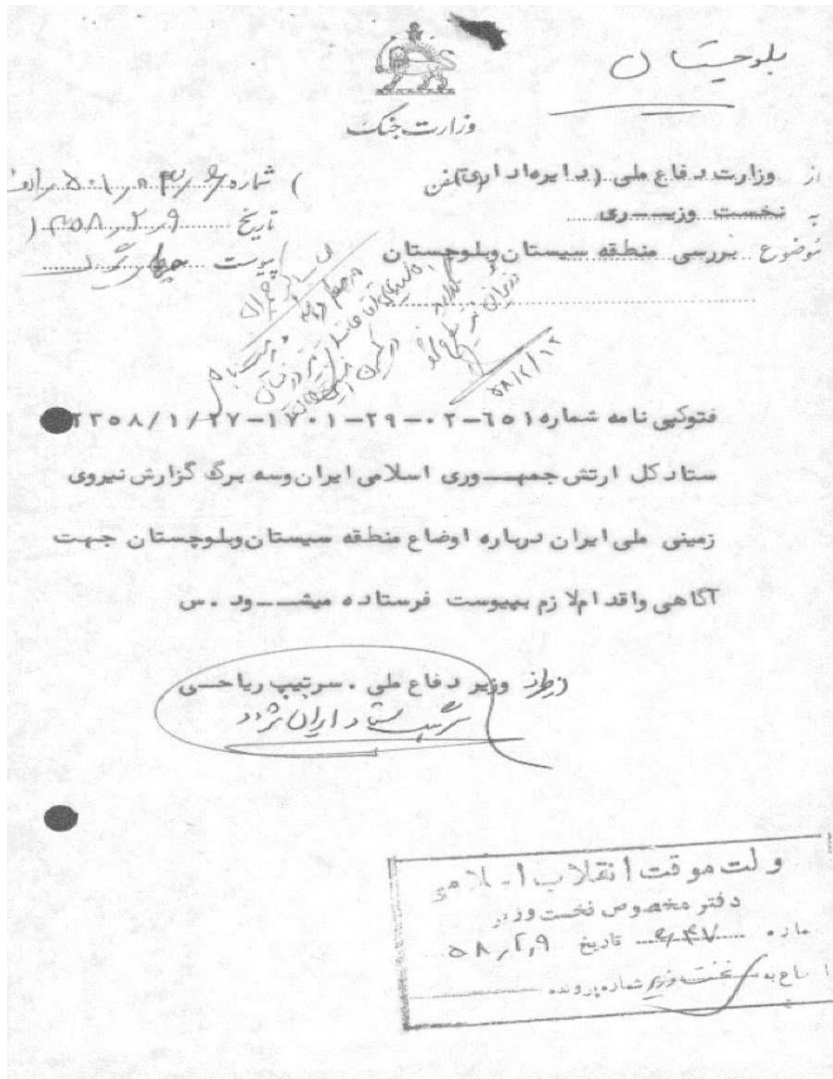
ج - آندسته از افراد سرشناس بومی ماجراجو و ضد مرد می که همیشه قبل از انقلاب شهرهای استان را به آتش کشیدند و جماع بدست بجان مردم انداختند و همه این افراد کاملاً شناخته شده می باشند پس از استقرار آرامش در منطقه دستگیر و مجازات شوند .

مـــــــری



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۱۳

پیوست ۱۱- گزارش وزارت دفاع ملی از منطقه سیستان و بلوچستان به نخست‌وزیری



عزلت

### ارتش جمهوری اسلامی ایران

ستاد کل

ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران (اداره سوم - مرکز فرماندهی) (تتمین)  
 مقام وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران  
 نشانی: .....  
 شماره (۱۷۰۱۲۹۰۳۸) / ۵۸ / ۱۰۲۷  
 تاریخ: ۵۸ / ۱۰ / ۲۷  
 پست: .....

بدینوسیله بکبرک فتوکی نامه شماره ۱۳۵۸/۱/۲۲ - ۵۰۱/۰۲/۰۲/۰۲  
 بانضمام دو برگ فتوکی بررسی منطقه سیستان و بلوچستان جهت هرگونه اقدام به پیوست تقدیم میگردد .

رئیس اداره سوم ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران - سوهنگ سناد اسکندری نژاد

گیرنده

اداره دوم ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران ، پیوست فتوکی نامه نیروی زمینی با ضمیمه مربوطه جهت آگاهی و اقدام لازم .

دکتر سید محمد...

دکتر سید محمد...

مخبر: ... (۴)

شماره	تاریخ
.....	.....

بررسی وقایع اخیر منطقه سیستان و بلوچستان

- ۱- رهبران سیاسی بلوچ اخیراً جلسه‌ای در کویته بندنور از سرگرفتن جنبش آزادی بلوچ با اصطلاح بلوچستان مستقل تشکیل داده‌اند.
- ۲- اخیراً رهبران سیاسی عشایر بلوچ و تعدادی از اعضا مؤثر سازمان دانشجویان بلوچ (P.S.O) طی یک گرد هم آمدن در کویته تصمیم گرفتند که با بهره برداری از اوضاع داخلی پاکستان و افغانستان و تحولات موجود در کشور و ارتش ملی ایران جنبش استقلال طلبانه خود (تشکیل بلوچستان با اصطلاح آزاد) را با قاطعیت تمام آغاز و تا پیروزی نیایش دنبال نمایند. ضمناً عطااله مینگل، شیرمحمد مری، رزاق بلوچ، خیر بخش مری و غوث بخش بیرونجو که نمایندگان کمیته‌ی داشته و با عوامل شوروی در تماس هستند در جلسه مذکور حضور داشتند.
- ۳- گروهی از بکم کریم بخش برهانی و برادران که برای دستگیری اسپهرام و سرهنگ رضوانی در منطقه بلوچستان جستجو می‌نمود گزارش نموده است که تلاش غیرقانونی در منطقه بچشم می‌خورد و شایع است اهالی با کشور افغانستان برای تجزیه طلبی پیمان بسته‌اند و مدت ۲۰ روز است عشایر منطقه آموزش چریکی می‌بینند و اسلحه از نوع کلاشینکف به منطقه از طریق دریا وارد و در آبادیهای اطراف سکوتان که ما بچشم دیدیم سازمان داده میشود خوانین آن تراخی به سرپرستی لاشاری می‌باشد همچنین از راه کنارک به سرپاز و آبادیهای اطراف سلاح وارد می‌شود که به سرپرستی خوانین بارکزی انجام می‌گردد. از طریق مرز میر جاوه نیز سلاح حمل می‌گردد که بخاش و حویه بخش میشود.

سابقه

- ۱- عطااله مینگل، خیر بخش مری، شیرمحمد مری، رزاق بلوچ و غوث بخش بیرونجو از رهبران سابق نقوذ حزب عوامی ملی پاکستان (طرفدار مسکو) و اعضا اصلی سازمان دانشجویان بلوچ (P.S.O) می‌باشند، حزب عوامی ملی در سال ۱۹۷۴ در زمان نخست وزیری ذوالفقار علی بوتو به علت فعالیت‌های کمونیستی و تجزیه طلبی منحل و اعضا آن زندانی شدند که پس از روی کار آمدن رژیم نظامی (۱۳۵۶/۴/۱۴) نامبردگان از زندان آزاد گردیدند.

پیوست ۱۲ - گزارش‌های ناآرامی‌ها در کُنارک

کرامت حقوق نیایی - که در دفتر پاسبان اران افتد -



از کنارک چاه مبارک

تقدیر... نو از کنارک منطقه کنارک بودگی مدفن از کنارک

کدرت جانی هم لا سکتنه وزن در کجه که بناهای بند و گوشه‌ها

هم را می‌بند به زمانه آنه در روبرو استانه از گفته ام می

نیجه از زانته است. الان در هم خان مبارکی بیسی این

گروه سینه. معادن استانه ابراهیم مبارکی است

~~صاحب دفتر مبارکی ابراهیم مبارکی معادن استانه از زانته است~~

شخصی را با... نو تقدیر... از هم مبارکی بیسی این

ابراهیم مبارکی دلداد هم خان است.

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۱۷

تاریخ ۲۱/۱۲/۵۷  
شماره  
پیوست

اطلاع رسیده در ساعت ۱۴

سمت  
اعمالی در سرپرستی



سخت‌وزیری

از کنارک: (امراف حیا پیر)

عده‌ای افراد شرور مسلح در نزدیکی کنارک، با همکاری خابری محلی مسلح شده اند در آن منطقه دست به شورش زده اند و از مردم با جوی‌کشان می‌گیرند. مثل آن‌دهی در روز صدرار توپان باج گرفته اند و مردم در شام تعدادی مجروح شده اند. و اندازی شده در همان آنجا است و افرادی می‌کنند. استانه هم امروز رفتاری کنند.

حدود ۳ نفر از مردم کنارک از صبح در تفتخانه جمع شده و خبر توانسته اند با اینجاست کپره گفته اند که اگر تا بعد از ظهر دولت برای ما نیروی مسلح نمی‌فرستد، به و اندازی می‌کنیم و اینجا راضی به سراج می‌کنیم تا بتوانیم از خود دفاع کنیم. (در این مورد به اجراء جاری صحبت کرده اند) ●  
صحنه همین افراد مسلح به جوی‌کشان و مردم به کنارک راجع است.

برای تماس تلفنی شماره‌های ۵۴۲۱ - ۵۰۱۷ - ۷۰۷۶

که شماره‌ها تفتخانه است. از طریق زاهدان به پیران گرفت.

سرمدک شماره ۶۶۰۰۱۲

به اکثر سبب‌ها - در ساعت ۱۹:۵ اعلام شد - گفته فردا آهنگم مفراهند کرد  
مسئول در زاهدان

اداره

جمهوری اسلامی ایران  
 وزارت کشور  
 ژاندارمری کل کشور  
 (تلفن ۲۱۲۳)

شماره ۵۸/۱/۲۰  
 تاریخ ۱۱-۲۰-۵۸

یوست

۱- ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان اعلام نموده روز ۵۸/۱/۱۸  
 هشت نفر مسلح به آبادی کنارک حمله و یک نفر نام داد محمد  
 شهرت مبارکی فرزند فیروز را بقتل میرسانند و متواری میشوند  
 ۲- به فرمانده هنگ ابرانشهر مأموریت داده شده شخصاً به محل  
 عزیمت ضمن تعقیب و دستگیری متهمین نتیجه را گزارش نمایند

فرمانده ژاندارمری کل کشور - سرهنگ ستاد ممتاز

وزارت کشور  
 دبیرخانه معاونت سیاسی و اجتماعی  
 شماره ۵۲۷۴۴  
 تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۰

Handwritten signatures and stamps at the bottom of the document.

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۱۹

گورستان

وزارت کشور

سرکار سرهنگ عزت‌الهمتاز  
فرمانده وزانده امری کل کشور

بازگشت بنام شماره ۱۱/۴۰۱/۶۸/۵۴ مورخ  
۸/۱/۲۰ خواهشمند است دستور فرمایند از نتیجه  
وزارت کشور آگاه فرمایند.

گیرنده مرونوشت : ۹۲۷,۴,۴۴  
۵۸۱,۲,۱

نخست وزیر همراه فتوکپی نامه شماره ۱۱/۴۰۱/۶۸/۵۴  
مورخ ۸/۱/۲۰ وزانده امری کل کشور برای آگاهی.

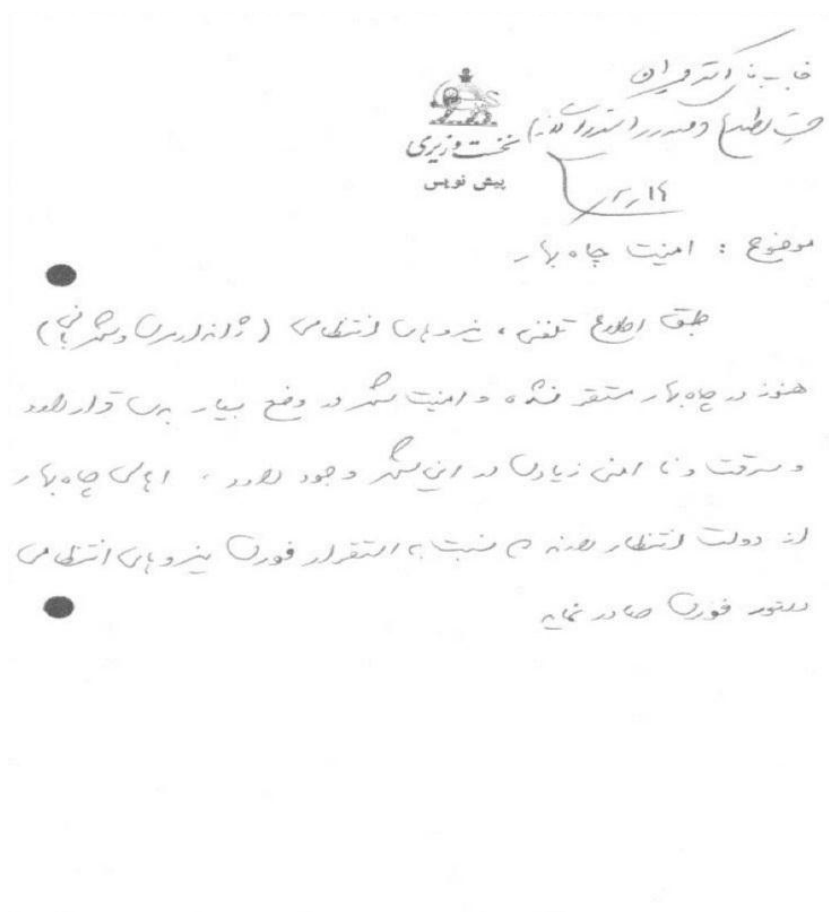
وزارت کشور

وزارت کشور

شماره ۳۱۲۴

۳۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۱۲ - پیش نویس نامه دفتر نخست وزیری به مهندس چمران درباره امنیت شهر چابهار





بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۲۱

پیوست ۱۳- گزارش ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان از فعالیت حزب تحریک استقلال پاکستان

محرمانه

خیلی محرمانه

-۵-

فعالیت حزب تحریک استقلال پاکستان

خبررسیده از ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان حاکیست :

- تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۰ ره بحزب تحریک استقلال پاکستان در کویته اظهار داشت "تقریباً" در بلوچستان ایران با همکاری بلوچهای چریک پاکستان انقلاب خواهند نمود تا بلوچستان آزاد و مستقل گردد. نامبرده اضافه نمود که هزاران نفر چریک بلوچ واقفان در مرز بلوچستان ایران مستقر و آماده ورود بایران میباشند.

ارزیابی خبر:

احتمالاً صحت دارد

محرمانه

اقدامات انجام شده:

مراتب بمبادی ذیربط اعلام شده است.

فعالیت / . . .

خیلی محرمانه

۳۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۱۴- محرمانه ژاندارمری از فعالیت اعضای حزب نیشنال دموکرات پاکستان

خبر رسید

خیلی محرمانه

-۴-

فعالیت اعضا حزب نیشنال دموکرات پاکستان

خبر رسید ه از ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان گویا است :

تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۱ آقای شیر باز میری رهبر حزب نیشنال دموکرات پاکستان در

کراچی اظهار داشت حضرت آیت اله العظمی خمینی باید خود مختاری بلوچهای

ایران را تامین نماید در غیر اینصورت بلوچهای پاکستان برای همکاری با بلوچهای

ایران و مبارزه با حکومت این کشور وارد بلوچستان شده و جنگهای چریکی را گسترش -

خواهند داد .

ارزیابی خبر:

احتمالا صحت دارد

اقدامات انجام شده:

مراتب بمبادی زیربط اعلام شده است.

فعالیت / ...

خیلی محرمانه

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۲۳

### پیوست ۱۵- گزارش ژاندارمری از اوضاع داخلی سیستان و بلوچستان

**سری**  
اوضاع داخلی سیستان و بلوچستان

۱- حدود ۶۰ نفر از جوانان دانشجو و تحصیل کرده بلوچ بنام سرمچاران (فدائیان) که چپ‌گرا بوده و افکار کمونیستی دارند هم اکنون در سراسر بلوچستان دست به یک سلسله تبلیغات ضد انقلابی و ضد جمهوری اسلامی زده و وازد و لت موقت و روحانیون انتقاد مینمایند .

۲- کلیه راه‌های بلوچستان کاملاً ناامن بوده و جان و مال مسافران در معرض خطر حتمی قرار دارد و ما مورین انتظامی در مورد تمخیب سارقین و چپاولگران بی‌بایستی هیچ‌گونه عکس‌العمل و اقدامی بعمل نمی‌آورند و عدم امنیت در منطقه باعث بدبینی توده مردم از دولت جمهوری اسلامی شده است .

۳- در تاریخ ۵۸/۱/۱۵ سرگرد ریگی نماینده سابق مردم بلوچستان در مجلس بوسیله عناصر انقلاب دستگیر گردیده است ضمناً آیت‌اله خامنه‌ای با آقای نخست وزیر تماس گرفته و اظهار داشته چنانچه نامبرده تا ۴ ساعت دیگر آزاد نشود ایل ریگی تهدید نموده اند که منطقه را با شوب خواهند کشید .

ارزیابی خبر:

بند های ۱ و ۲ احتمالاً صحت دارد و بند ۳ صحیح است .

سابقه :

ایجاد اغلال قبل از فرزندوم و بعد از آن از طریق عناصر ضد انقلابی بویژه روسای ایلات و عدائیر بلوچ در منطقه سابقه داشته است .

تفسیر :

عناصر ضد ملی و ضد انقلاب اسلامی ایران که تقریباً در تمام مناطق مرزی در حال انجام تحریکات و شوراندن مردم علیه دولت مرکزی میباشند در بلوچستان نیز اقدامات مذبحانه خود ادامه داده و بنظر میرسد عناصر مذکور با جنبش سازمان باصطلاح آزاد بخش بلوچستان که خود ناشی از تحریکات خارجی است و در استان بلوچستان پاکستان فعالیت دارد در تماس نزدیک بوده و عملیات خود را با این سازمان هم آهنگ مینمایند .

پیشنهاد / . . .

**سری**

## سری

پیشنهاد :

- ۱- بموازات انجام مذاکرات سیاسی در سطح عالی بارهبران بلوچ بمنشور برآوردن خواسته‌های منطق آنها، تقویت یگانگی نظامی در استان سیستان و بلوچستان ضروری میباشد .
- ۲- بمنشور جلوگیری از توسعه ناراضیاتی مردم نسبت بدولت مرکزی جمهوری اسلامی ( که از نجات اصلی شد انقلابیون و عناصر ضد ملی میباشد ) به ژاندارمری اعلام گردد قسماً نسبت به برقراری نظم و امنیت در سراسر منطقه بویژه شبکه راههای استان مذکور اقدامات لازم بعمل آورد .
- ۳- در صورتیکه مورد حادی برای محکومیت سرگرد ریگی موجود نمیشد بمنظور برقراری آرامش منطقه‌ها میرده آزاد ولی تحت نظر قرار گیرد .

سری

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۲۵

### پیوست ۱۶- خرید و فروش اسلحه قاچاق در منطقه سیستان و بلوچستان

سری

اسلحه قاچاق در منطقه سیستان و بلوچستان بفروش میرسد

برای اطلاع اخیراً شخصی بنام دوستین داماد نورمحمد عزیزی ساکن قصرقند از توابع دشتیاری استان سیستان و بلوچستان به وسیله دستگاه وانت بار اسلحه ساخت کشورهای شوروی و آسیای جنوب شرقی و کلت از سواحل نزدیک پسابند ریکوه‌های اطراف آبادی کشیک از توابع نیک شهر حمل و توسط سید محمد مبارکی به بلوچ‌های مورد اطمینان بفروش میرساند .

ارزیابی خیر:

تمور می‌رود صحیح باشد .

سابقه:

خرید و فروش اسلحه قاچاق در منطقه سیستان و بلوچستان دارای سابقه بوده بویژه پس از انقلاب اسلامی ایران میزان ورود اسلحه به این استان افزایش یافته است .

نظریه:

بنظر می‌رسد عوامل ضد انقلاب و همچنین دشمنان خارجی سعی دارند به منظور توسعه ناآرامی در استان سیستان و بلوچستان و وجود آوردن مشکلاتی برای دولت مرکزی از طرق مختلف ، اساسه در اختیار عناصر آشوب طلب این استان قرار دهند .

پیشنهاد:

پیشنهاد میشود یگانهای ارتشی و همچنین ژاندارمری مستقر در استان مذکور به منظور مقابله با حوادث احتمالی تقویت گردد .

سری

پیوست ۱۷- منطقه سیستان و بلوچستان ناآرام است

سری  
منطقه سیستان و بلوچستان ناآرام است

۱

برای اطلاع واصله :

۱- عناصر ضد انقلابی مادت به تشکیل سه پایگاه چریکی در کوههای آهوران ، شیمه کوه و لاشار نموده و افراد بومی بی سواد را ضمن دادن آموزشهای چریکی ، علیه انقلاب اسلامی تحریک مینمایند .

۲- رهبری این پایگاه هبهارا احتمالاً شمال ساواک که تمداد آنها . . و نفیر آورد میگردد عهده دار بوده و دولت امریکا صحت لازم را برای پایگاههای مذکور ارسال مینماید .

۳- تعدادی افراد مسلح افغانی و افغانی روسی اصل در بنا در کنارک و جاه بهار مشاهده شده اند .

۴- اوضاع امنیتی استان بلوچستان بحالت عدم وجود پلیس ، زاندر امری و پاسداران انقلاب متشنج بوده و شهروندان کاملاً بی دفاع میباشد .

ارزیابی خیر :

صحت دارد .

سابقه :

فعالیتهای عناصر ضد انقلابی در استان سیستان و بلوچستان در جهت برآه انداختن شورش ، ناامنی و زد ی آرزوهای پس از انقلاب آغاز و ادامه دارد .

نظریه :

بابتگرتز به قرائن موجود بنظر میرسد عناصر ضد انقلابی که در بین آنها گروههای متغایل هیچ نیرو وجود دارند با همکاری عمال ساواک در صد سازمان دادن و آموزش عملیات چریکی بمنظور اجرای نیات شوم خود در استان سیستان و بلوچستان میباشد .

پیشنهاد :

تکوین نیروهای نظامی ، پاسداران انقلاب و نیروهای انتظامی در این استان ضرورت دارد .

سری

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۲۷

پیوست ۱۸- منطقه سیستان و بلوچستان ناآرام است

برابر اطلاع واسطه :

۱- ساعت ۱۰۰۰ روز ۱۱/۱/۵۸ سرشنین یک دستگاه لندرو تعدادی اعلامیه ضد مذہبی تحت پوشش تقویم دیواری در دبیرستان گورنر به یکی از دبیران بنام (رضایگانه) تحویل و متوازی گردیده است.

۲- عناصر ضد انقلابی در شهر کنارک افراد بی سواد را با ماهی ۳۰۰۰ تومان بعنوان چریک استخدام می نمایند.

۳- تعداد ۵ نفر از افراد کمونیست که از تهران به زابل آمده و قصد تحریک افراد را داشتند توسط رزمندگان دستگیر گردیدند.

۴- نیمه شب ۱۱/۱/۵۸ تعداد ۵ نفر از رهبران زاهدان مورد دستبرد سارقین واقع و اموال مردم بسرقت برده شد. بعنوان اعتراض باین حادثه کلیه بازاریان دست از کار کشیده و در محل کمیته انقلاب اجتماع و خواستار دستگیری ذر آن میباشند.

۵- عده ای عناصر ضد انقلابی کارگران بی سواد را تحریک نموده اند تا در جاده های مختلف این استان دست بفشارت مسافرین بزنند و ضمناً شایع نموده اند که انقلاب اسلامی جز نا امنی در جاده ها و شهرها چیزی ندارد. کلیه راههای استان سیستان و بلوچستان ناامن و تهدید مسافرین از طرف ضد انقلابیون ادامه دارد.

ارزیابی خبر :

بند های ۱ و ۴ صحت دارد و بند های ۲، ۳ و ۵ تصریح و صحیح باشد.

سابقه :

فعالیت های عناصر ضد انقلابی و سارقین حرفه ای در روزهای پس از انقلاب در نقاط مختلف استان سیستان و بلوچستان ادامه داشته است.

نظریه / ...

سری

## سـری

تـخـریـه :

با نگرش به وجود جنبش باصلاح آزاد بیختر بلوچستان در استان بلوچستان پاکستان و پشتیانی علنی و بالقوه توری از این جنبش ، بنظر میرسد آشوب و ناامنی استان سیستان و بلوچستان ایران بایدك طرح پیش بینی شده قبلی و وسیله عناصر کمونیست آموزش دیده ایجاد میگردد .

سـری



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۲۹

پیوست ۱۹ - بررسی وقایع اخیر منطقه سیستان و بلوچستان توسط معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش

خیلی محترم مانده  
نیروی زمینی شاهنشاهی

تاریخ: ..... شماره پرونده: ..... ( شماره پرونده: ..... )  
ستاد کل ارتش ملی ایران  
بخش بررسی منطقه سیستان و بلوچستان - پورت

بدینوسیله و برگ برسی اوضاع منطقه سیستان و بلوچستان  
ایران جهت بررسی و بهره‌برداری به پیوست ارسال میگردد.

ریاست ستاد نظامی - سررتیب قلاچی  
وزیرکتاب

ش

بررسی وقایع اخیر منطقه سیستان و بلوچستان

- ۱- رهبران سیاسی بلوچ اخیراً "جلسه‌ای در کوئته بحث‌آمیز از سرگرتن جنبش آزادی بلوچ با اصطلاح بلوچستان مستقل تشکیل داده‌اند .
- ۲- اخیراً "رهبران سیاسی عشایر بلوچ و تعدادی از اعضا" مؤثر سازمان دانشجویان بلوچ ( S.P.O ) طی یک گرد همس آبی در کوئته تصمیم گرفتند که با بهره برداری از اجلاس داخلی پاکستان و افغانستان و تحولات موجود در کشور و ارتش ملی ایران جنبش استقلال طلبانه خود ( تشکیل بلوچستان با اصطلاح آزاد ) را با قاطعیت تمام آغاز و تا پیروزی نیاید دنبال نمایند ، ضمناً "عطاءاله مینگل" شیر محمد مری ، رزاق بلوچ خیر بخش مری و غوث بخش بیزنجو که نمایلات کمیونسیتی داشته و با عوامل شوروی در تماس هستند در جلسه مذکور حضور داشتند .
- ۳- گروهان یکم کریم بخش برهانی و برادرز که برای دستگیری اسپهرام و سرهنگ رشوانسی در منطقه بلوچستان جستجو می نمود گزارش نموده است که تلاش غیر فادی در منطقه بچشم میخورد و شایع است اهالی یا کشور افغانستان برای تجزیه طلبی پیمان بسته‌اند و مدت ۳۰ روز است عشایر منطقه آموزش چریکی می بینند و اسلحه از نوع کلاشینکف به منطقه از طریق دریا وارد و در آبادیهای اطراف مسکوتان که ما بچشم دیدیم سازمان داده میشود خوانین آن نواحی به سرپرستی لاشاری میباشد همچنین از راه کارک به سرساز و آبادیهای اطراف سلاح وارد می‌شود که به سرپرستی خوانین پارکزی انجام میگردد . از طریق مرز میر جاوه نیز سلاح حمل میگردد که بخاش و حومه بخش میشود .

سابقه

- ۱- عطاءاله مینگل ، خیر بخش مری ، شیر محمد مری ، رزاق بلوچ و غوث بخش بیزنجو از رهبران سابق نقوذ حزب عوامی ملی پاکستان ( طرفدار مسکو ) و اعضا " اصلی سازمان دانشجویان بلوچ " ( S.P.O ) میباشد ، حزب عوامی ملی در سال ۱۹۲۴ در زمان نخست وزیری ذوالفقار علی بوتو بعلمت فعالیت‌های کمیونسیتی و تجزیه طلبی منحل و اعضا آن زندانی شدند که پس از روی کار آمدن رژیم نظامی ( ۱۳۵۶/۴/۱۴ ) نامردگان از زندان آزاد گردیدند .

خیلی مهترمانه

نظریه:

بنظر میرسد رهبران جبهه به اصطلاح آزادیبخش ( R. S. C ) و سران عشایر بلوچ در زدن دارند با استفاده از ناآرامیهای موجود در کشور ایران و با دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی نظر برخی از بلوچهای افراطی ایران را نسبت به همکاری با جبهه مذکور جلب نموده و موجبات آشوب و ناآرامی را در منطقه سیستان و بلوچستان فراهم نمایند .

پیشنهاد:

با توجه باینکه عناصر ضد انقلاب در صدد میباشند از هر فرصتی برای ایجاد آشوب و ناآرامی در مناطق مختلف کشور بسود خود بهره برداری نمایند بنابراین جلوگیری از هرگونه اقدام عناصر ضد انقلابی و احتمال همکاری آنها با رهبران عشایر استان بلوچستان در جهت برهم زدن نظم عمومی در استان مذکور ضمن افزایش مراقبت‌های مرزی توسط ژاندارمری ملی کشور نسبت به تقویت یگانهای نظامی به تقویت یگانهای نظامی در منطقه اقدام گردد .

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۰/۲۰

۳۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۲۰- گزارش ستاد نیروی زمینی - معاونت اطلاعات و عملیات

بلوچستان  
وزارت جنگ

از وزارت دفاع ملی (ج.ا.یر.ا.د.ا.ری.ا.غ.ن) شماره ۳۲/۵۸۸۵/۱۰۵/۵۸۸۵  
په نخست وزیر  
موضوع بررسی منطقه سیستان و بلوچستان

فتوکئی نامه شماره ( ۲۳۵۸ / ۱ ) / ۲۷ - ۱۲۰۱ - ۲۹ - ۰۲ - ۶۵

ستاد کل ارتش جمہوری اسلامی ایران وسه برگ گزارش نیروی

زمینی ملی ایران درباره اوضاع منطقه سیستان و بلوچستان جهت

آگاهی واقدام لازم بییوست فرستاده میشود.

ژنرال وزیر دفاع ملی . سر تیپ ریاحی

ستاد ایران

ولت وقت انقلاب اسلامی  
دفتر مطبوعه و نشر تحت دستور  
مارس ۴۴۷۷ تاریخ ۵۸/۲/۹  
ساعات وقت و نشر شماره ۱۰۰۰

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۳۳

عملیات

**ارتش جمهوری اسلامی ایران**

ستاد کل

از ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران (اداره سوم - مرکز فرماندهی) (تنش) (شماره ۱۷۰۱۲۹۰۲۳۵۸) / (تاریخ ۵۸/۱/۲۷) پیوست سرپرست

مقام وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران

ترتیب

بدینوسیله بکبرگ فتوکپی نامه شماره ۵۰۱/۰۲ - ۱۳۵۸/۱/۲۲ - نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با انضمام دو برگ فتوکپی بررسی منطقه سیستان و بلوچستان جهت هرگونه اقدام به پیوست تقدیم میگردد.

رئیس اداره سوم ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران - سرهنگ سناد اسکندری نژاد

گرفته

اداره دوم ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران - پیوست فتوکپی نامه نیروی زمینی با ضمیمه مربوطه جهت آگاهی و اقدام لازم.

دکتر کتبا با هم سرپرست

دولت‌رأز

۱۴

ببخش دینار سرپرست (۴)

شماره	۱
تاریخ	

۳۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

شماره: ۵/۵۳	 وزارت کشور شهرابی کشور (تلن)	از: _____
تاریخ: _____		به: _____
پیوست: _____		موضوع: _____

بلوچستان

گسزارش

مقام عالی رتبه میسازد بلوچستان در رژیم گذشته فاقد هرگونه منبع درآمد داخلی بود کشاورزی و صنعت در حد غنچ و مانات و ابزار موسائل و طامین آلات اعم از دلق و نخس برای ایجاد کشاورزی در آن - اشر وجود ندارد تنها منبع درآمد مردم غیر از تنیده که در ادارات مختلف استخدام هستند کارگری در شرکت های ساختمانی و غیره میباشد که در حال حاضر به علت تعدیل بودن عموت ها این منابع نیز در اختیار نیست مردم گروه زیادی از مردم که از اجاره کارخانه ها و شامل میگردند از راه عمل و فروش کالاها و غیره توسط موتورلنج ها از زمین وارد میشود به کسب و کار می برد از آن این منبع نیز به دست می رسد در انتقال مناطق سایر راندارد زیرا هر یک که در تهران و در زمین قبلاً با ۶۰ رویبه امارات متحده معاوضه می کردند لیکن بعد از انقلاب هر یک که در تهران با ۲۰ الی ۳۴ رویبه معاوضه میگردند که سبب تعدیل بودن بانکهای ایرانی در دروسی و پانداختن از ایرانیان با صرفان و دلان در زمین روبرو هستند روی این اصل ورود کالا به خارجی هم به ترتیب گری کاهش یافته است و نیز گرانتر شده است چنانچه این وضع تدویم داشته باشد این منبع نیز در اختیار نخواهد بود و بسیاری عمومی و ناراحتی حاصله از آن در د بگری برای دولت و مردم ناحیه بوجود خواهد آورد گروه دیگر سران نمایان سرداران و اعیان و افسران میباشند این گروه نیز همگونه واحد تولیدی اعم از کشاورزی و صنعتی در اختیار ندارند در رژیم سابق برای رضی نگهداشتن آنان را استفاده از وجود شان برای جلب تیری از اعتراضات توده بلوچ آرام نگاه داشتند منطبق به نمایندگی مجلس شورای ملی گمارده می شدند و هرگونه بودجه که باین منافع اختصاصی - می یافت ناگزیر بود از ابطال بصرف می رسید و چون تأثیراتی رژیم واقعی بودن سرداران و آرام بودن

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۳۵

شماره .....		از : .....
تاریخ .....	<b>وزارت کشور</b>	به : .....
پیوست .....	شهرتانی کشور	موضوع: .....
	(تلفن .....	

مذاقه برد تشکیل بوده حاصل مردم در حقیقت بوده تا برای راسی نهادهای  
 سوارها میرداخت پست های اداری از قبیل شهرداری ها و انجمن های صلح و دیگران  
 عامل شیرخوشید از قبیل بین خود تقسیم باقران و شمار خود بی گذارند حتی بودجه های  
 آموزش و پرورش نیز مورد توجه و تاملاتشان بود از ناحیه افراد صحن و عوام تحصیل نکرده کنگان  
 مورد تمسیت هستند لیکن وجهه بی درین ایالت جوان تحصیل کرده ندارند و در مناظره  
 هستند بعد از بشور بدی انتخاب سربده عولفا تا بدین گریه وارد شده مانع مایلین راندانند  
 و بعد از بداری مردم دارند عاری را که انتخاب توجه باج خواران و متخواران نموده دنیسا او  
 بهتر از همه احساس می کنند لذا با عریکونه پدیده که در راه پیشرفت انتخاب سدر ایداد کنند  
 با تریله اشغال نماید مایلین هستند در صد ایداد اوشای نامیو گردستان هستند لیکن خراط  
 تحصیل کرده اندلی در اختیار ندارند قضا " ابزار ارشاد تمصیات قومی و عینی مردم می تاند  
 باشد چون نموده مردم سوزخدهای بیداری و بازنیا دانه عمده " گذارند عریکونه اوست سوزرا  
 با دست مردم اقدام کنند نظار باشی با ملو جان پاکستان دارند به علت عدم اکتفا الی الامات آندی  
 در این مورد از هرگونه در مد لب معذورم - حاره کار ایداد شبکه تلویزیونی و تریجه دولت بایسن  
 سهم و تنظیم برنامه های در جهت بیداری مردم این مذاقه بدون اینکه توجه دولت مشهود گردد  
 و حال عقب ماندگی بلوچستان مورد بررسی قرار گیرد ؟ - اجرای طرحهای آموزشی در جهت رفاه  
 عمومی از قبیل استفاده از امکانات موجود در زمین رضائی به آبادیها تعداد ۱۰ الی ۱۰ هزار مویست  
 بر روی کار موجود است که بی از آنها مشمول بار آمدن و میزان تولید بر یک دستگاه برانسی

شماره	۴	از :
تاریخ		به :
پیوست	وزارت کشور شهربانی کشور (تلن)	موضوع :

بیشتر از بی مصرفی است با استفاده از بهترین دیکر ساله بوق در این منطقه می تواند بکن  
 وضع گردد ۳- آب باران آب آشامیدنی است و با آنکریبایستکه اصلی بنام آب کوسان  
 واقع در چند کیلومتری تامین میگردد - طرح لوله کشی آب آشامیدنی از انبار و در خانه سرپاز  
 پیوسته آب - تنگ - قابل اجراست - منطقه از نظر کشاورزی حتماً باید مورد توجه قرار  
 گیرد آب های زیرزمینی ایران شهر بسیار غنی است و خاک مستعد وین نایبی که دارد در سال  
 ۲ مرتبه ایل گت و سیره برداری است - با ایجاد سدغیر از این سد درست اقدام که بیشتر  
 بشارت حیات و صل بوده آب باران میگردد بزودی رودخانه سرپاز را میخی زیاد - این تراز  
 زیر گت آورد - در نظر گرفتن برنامه های دراز مدت رفاهی و اقتصادی برای منطقه - بررسی  
 علل عدم عراض مردم در انتظامات منطقه - متعین منطقه بیمار طیل و انگشت بخار نیستند  
 کسانی هستند که در سنوات اخیر از اریق مبتولین شایبول رسیده اند این افراد باید  
 زیر ادرند ۱- از نظر قوی و تأمین کرده بلور دره بخت تری با آنها باشند و میگیرند  
 غلامزاده بوده اند و بلور ایل نیستند ۲- اشخاص رویشی نیستند ۳- در جهت کسب شایع  
 بیشتر و با حفظ دارای خود قبه " یا ما را " همکاری گسترده می دانستند و همکاریشان خان و  
 خلد وین مختار بوده است ۴- کسانی بودند که ساوا از وجودشان به عنوان خیرخواه و خیراند  
 و رئیس و اعضای شورای داری استفاده میکرد - حرفی می آید بول بر رویه انسان دوستی آنسان  
 غلبه و هیچگونه اقدام عملی میولا به خیره و احسان از آن دیده نشده است ۵- یا توره یا و  
 شخصی مثلاً " بعضی ها دارای ۶ یا ۷ حصر میباشند و حبه بدن در بین مردم دار نیستند



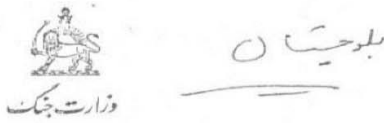
## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۳۷

شماره	۴	از
تاریخ		به
پیوست	وزارت کشور شهریاتی کنود (تلنگ)	موضوع:

با بهمین دلایل مورد حمایت مردم نیستند توده مردم هم چیزی ندارند که با آن یا ساداری بد چند روی این اصل اشرار میاج خواران بر احق امان دست یابن مابین افراد دارند رعینده شده است که حتی از اینکه یکی از افراد فن الا شماره وسیله اشرار بوده شده میولی پرداخت کرده است مردم خرسند بودند تقویت ژاندارمری و شهرمانی بخصوص ژاندارمری از ضرورات است موضوع رسول بخنی واعلم این دو برادر از نایفه هوت هستند و دارای سوابق متعدد میباشند در جریان هجوم مردم بزندانبها زندان کرمان بیرون آمده اند - نایفه مبارکی در اند و اسپه گنار و دایب ار سادونت دارند امان اله مبارکی با نایفه هوت ولت دارند و مورد طاعت امان اله میباشند و در این صورت ایفه مبارکی از نایفه مبارکی می کنند امان اله مبارکی خود قاتلین است که در رژیم قبل تاهین یافته است - حمایت ملتی نیست و اندامان عمومی بر علیه اعلام و رسول بخنی میباشند تنها چیزی که می توانند در مسئله ایجاد کنند استفاده از نیروی مردم نادان و مسرداختن موجب از راه بان گیری و تشکیل دسته اشرار میوزاد میباشند و شنیدیم و وجه این دسته اشرار در یک موقعیت حساس می تواند بنویس مقاومت بر علیه دولت تبدیل شود در حال حاضر متایله با ایس دار و دسته بسیار از سادیل و آساین است و با اعزام بی گروهان ویژه می توان آنان را سرکوب نمود و این خود وجهه بی می تواند برای دولت در این مسئله بشمار رود در غیر این صورت همی بعید نیست بهمین سادگی داستان داد شاه معروف در این مشافه شکار کرد و عرایین فون عرفا" بر میزند و ان واستتبات شخص متکی است و ارتار استعمار محروم میگردد .

۳۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۲۱- نامه رئیس شهربانی کل کشور به نخست وزیر درباره واکنش اهل سنت در توهین به معاویه



از وزارت دفاع ملی (د.ا.ب.ره اداری) کن  
به نخست وزیر  
موضوع بررسی منطقه سیستان و بلوچستان  
(شماره ۲۷۰۱-۲۹-۰۲-۶۵-۱۲۷-۱/۲۳۵۸) (تاریخ ۲۹/۱۰/۱۳۵۸)

فتوکی نامه شماره (۱۲۷-۱-۲۹-۰۲-۶۵-۱/۲۳۵۸)  
ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران و سه برگ گزارش نیروی  
زمینی ملی ایران درباره اوضاع منطقه سیستان و بلوچستان جهت  
آگاهی و اقدام لازم به پیوست فرستاده میشود - و.س

وزیر وزیر دفاع ملی، سرتیپ ریاحی  
سرپرست ایران فرد

وزارت موقت انقلاب اسلامی  
دفتر ریاست و ستاد وزارت  
تاریخ ۵۸/۲/۹  
توجه به نخست وزیر فرستاده میشود

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۳۹

پیوست ۲۲- گزارش ژاندارمری کل کشور از اخبار برون‌مرزی به وزارت امور خارجه

اداره پنجم سیاسی  
شماره ۳۷۲  
تاریخ ۱۷/۳۸۲۴  
۹۸/۴/۱۸  
پست

بسمه تعالی  
خیل محرمه

وزارت امور خارجه  
جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای دکتر مصطفی چمران  
معاون نخست وزیر در امور انقلااب

طبق اطلاعیه واصل از ژاندارمری کل کشور دولت پاکستان تصمیم دارد پاسگاه‌های مرزی خود را در قسمت بلوچستان تقویت نماید .  
گفته میشود تعداد ۵۰۰ نفر از طایفه بگتی که در شوروی تعلیمات چریکی دیده و اخیراً به پاکستان مراجعت کرده‌اند تصمیم دارند در باره آزادی بلوچستان ایران و پاکستان اقداماتی بعمل آورند .  
فتوکی اطلاعیه شماره ۳۱/۵۰۱/۰۱/۲۹ مورخ ۵۸/۴/۳ ژاندارمری کل کشور جهت مزید استحضار بضمیمه ارسال میگردد .

وزیر امور خارجه - ابراهیم‌پوری

دولت وقت انقلاب اسلامی  
دکتر محمدعلی منتظری  
شماره ۱۲۲۶  
تاریخ ۵۸/۴/۳۰  
اداره کتبی چمران

خیل محرمه

۳۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

حیدرآباد



از: ژاندارمری کل کشور سیم دایره امر مرزی

شماره ۱/۰۱/۲۹

تاریخ ۱/۱/۳۷

پیوست

ژاندارمری کل کشور  
(تلفن)

به: وزارت امور خارجه  
موضوع: اخبار بیرون مرزی

برابر گزارش مرزبانان زاهدان:

- ۱ - کشور پاکستان تصمیم دارد با آموزش افراد جدید و تجدید نظر در سازمان ژاندارمری ( همیشه ) خود مناطق نوشکی - نوکندي - چاغی - خاران - میله ۲۲ - سا بیدک - وسا بر گروها نها ویا سگاههای مرزی را تقویت نماید . گروها نهای ما شکیل ما ننسد سابق در اختیار ژاندارمری چاغی خواهند بود و افراد آموزش دیده بزودی در توار مرز مستقر خواهند شد .
- ۲ - تعداد ۵۰۰ نفر از طا یفه بگتی که در شوروی دوره چریکی دیده اند به پاکستان - مراجعت و تصمیم دارند در باره آزادی بلوچستان ایران ویا کستان اقداماتی بعمل آورند افراد مذکور با نظر سرداران طا یفه بگتی بنامان نواب اکبر خان که صاحب - معادن گاز در منطقه بوده و صاحب ثروت هنگفتی است و عطاء اله خان مینگل و خیر بخش مری و غوث بخش بزنجو که در حکومت بو تو مقامهایی داشتند و سپس با وی مخالفت کرده اند تعیین و بشوروی اعزام میشوند کلیه اینگونه افراد در مناطق کیلر بزرگان و رانائی در نزدیکی کویت مستقر شده اند تصمیم دارند بلوچستان ایران ویا کستان را از - کشور های خود جدا و آنان را آزاد سازند .
- ۳ - ما مورین مرزی پاکستان که اکثرآ از طا یفه بلوچ هستند اظهار میدارند در صورتیکه اختلاقی بین بلوچهای ایران و دولت مرکزی بوجود آید با ارسال اسلحه و مهمات - از آنان حمایت خواهند نمود و در صورت لزوم با آنان همکاری خواهند کرد م ۴/۱۲

Handwritten signature/initials

معاون فرمانده ژاندارمری کل کشور

سرکشیپ پایانی بیروز

Handwritten signature

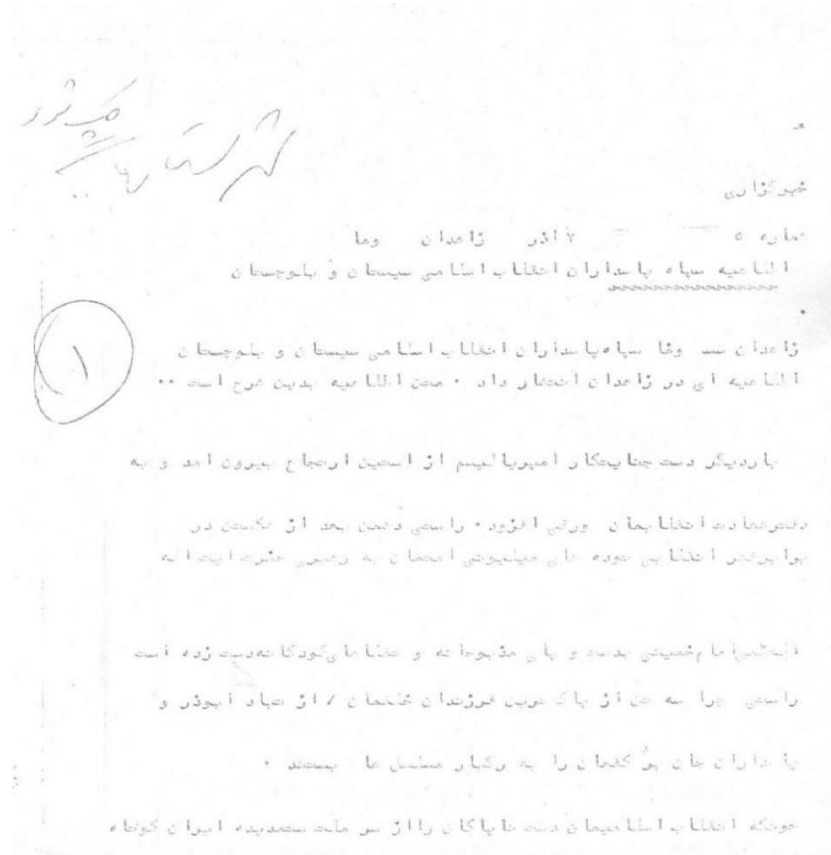
گیرندگان:

وزارت کشور جهت استحضار

حیدرآباد

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۴۱

پیوست ۲۳ - حمله به سپاه پاسداران نیچ شهر



۳۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

و صفا فغان را در ایران به مقاله انداخت و میروید تا در سراسر جهان

بخرید مستخدمین را به امامت برسانند.

۶

لذا سبکه با این حرکت های ناجوانمردانه میخواهند در اراده امتین ملت

با شلیک وارد نمایند. اما احکامات می اندیشند.

// ان کید الشیطان کان له شیطانا

اون در صبح روز سه شنبه ۵۶/۹/۶ در پی یک جمله ناجوانمردانه بیگنی از

گروه های گمنام سپاه پاسداران تیگمیر سه تن از پاسداران گرانقدرمان

بنامهای برادر جعفر ساوچی / برادر محمد برنجان / برادر رضا احمدی /

را به خاک و خون کشید و ۲ تن دیگر را مجروح ساخت.

بدین مناسبت روز چهارشنبه ۵۶/۹/۷ تیگمیر تحلیل و عزای عمومی انجام

گردد و ما به پاس احترام همه شهیدان طاریح انجام صوما با انوار برادران

شهیدمان دردم من ادریم بر از عموم برادران و خواهران مبارز و داعیه

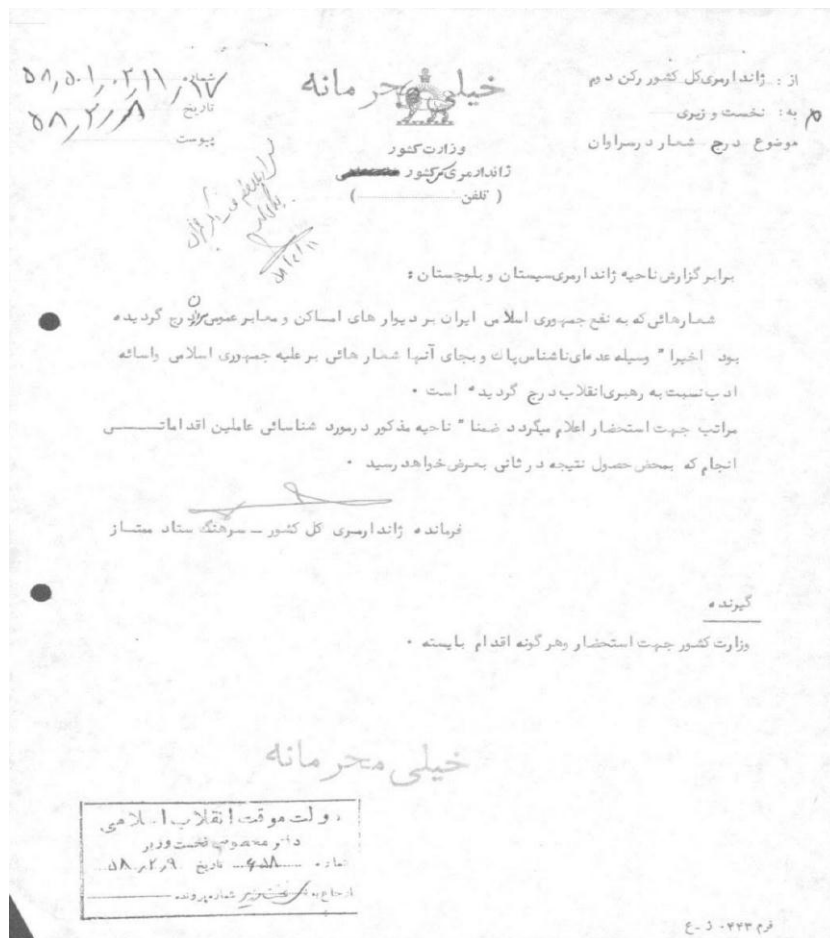
با انوار قربانان شهید با انصافان نمایان شوین را در مناسبت ولنگه های

امروز انیم غنا دید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۴۳

پیوست ۲۴- گزارش ژاندارمری کل کشور در باره شعارنویسی در شهرستان سراوان



۳۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۲۵- گزارش هنگ ژاندارمری زاهدان در باره خرید و فروش اسلحه

تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۵  
شماره ۱۵۹۶۵۰۷-۴-۷-۷  
پیوست

وزارت کشور  
استاندارداری سیستان و بلوچستان

از : استاندار سیستان و بلوچستان  
به : وزارت کشور - اداری وکل امور انتظامی  
موضوع : خرید و فروش اسلحه

نصیه‌ها ندا رمی سیستان و بلوچستان با ستاد گزارش هنگ ژاندارمری زاهدان اعلام داشته .

- ۱- چند روز قبل تعداد ۱۸ قبضه اسلحه برکتی که توسط وسیله و تقریباً سه ماه در رحمت زهسی معروف بعمرالد لنگورد محمد شهنوازی ساکنین پشت کوخا ش بهر زاهدان و خا ش حمل کت شد ۱۸ / قبضه ان به ملا احمد توتا زهی از قرا و هر قبضه ۹ هزار تومان فروخته شد ما ست ونا میرد مسلح مورد بحث را به طایفه شیبگی ساکن نرما شیر فروخته است .
- ۲- تعداد ۵ قبضه از ۱۸ قبضه اسلحه فوق وسیله در ویگی ساکن چا هللی بقا میل قرا موزی گها قبیله شیبگی اختلاف دارند فروخته شد ما ست .
- ۳- چند ی قبل مرا در رحمت زهی تعداد ۱۵ اسلحه کموشکن بمقصد فروش از افغانستان وارد که به علت عدم استقبال مورد رمورد خرید آنها در حوزه ما شکید مخفی نمود ما ست .
- ۴- مرا در رحمت زهی همکارش داد محمد شهنوازی جهت وارد کردن اسلحه ما افغانستان وقتما ند و قرا ما ست مقدار ۱۵ اسلحه ما بران حمل نما بند .
- ۵- سرما به خرید اسلحه و تقریباً شد وسیله حاج بلوچ شیبخش تا مین میگرد .

مرا تب جهت استحضار اعلام گردید . ضمناً وسیله ما حیه‌ها ندا رمی سیستان و بلوچستان از هنگ ژاندارمری زاهدان خواسته شد مکمنستید سنگیری تا میردگان اقدامات انرا تحت تعقیب قانونی قرا رد هند . ش

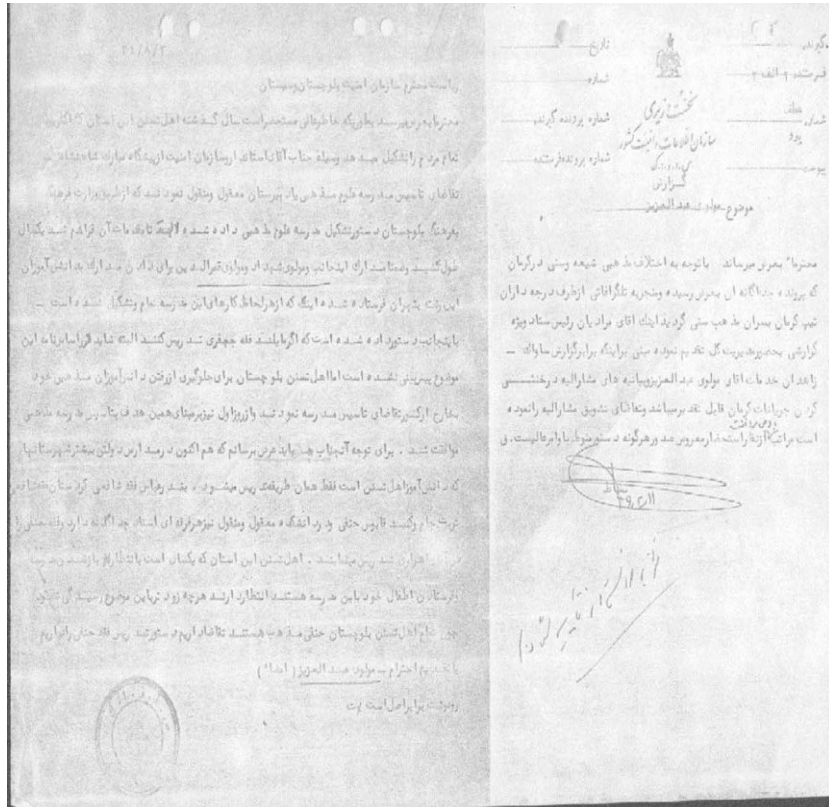
ابرا هیما رکی  
معاون امور سیاسی و اداری

وزارت کشور  
دفتر خانه معاونت سیاسی و اجتماعی  
شماره ۳۳۸۲  
تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۵



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۴۵

پیوست ۲۶- همکاری مولوی عبدالعزیز با رژیم و سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) در حکومت شاه



۳۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

گرفته: ساواک تهران  
فرستنده: ساواک بلوچستان و سیستان  
شماره: ۱۰۰۰۰۰۰۰  
تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۱

گرفته: ساواک تهران  
فرستنده: ساواک بلوچستان و سیستان  
شماره: ۱۰۰۰۰۰۰۰  
تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۱

موضوع: **مختصر مانده**  
تیمار سپید ریاست معظم سازمان اطلاعات و امنیت کشور

چنانچه قبلاً نیز عرض رسانیده شد برادر محترم علی محمد علیزاده از پیشوایان اهل تشن و برادر احماد و احترام قاضی مردمان باطن میجر از بلوچستان میباشند اخیراً بنا به حکم که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است آذربایجان را در اوقات ماهی سه هزار ریال حوزة طبری اهل تشن را در راه آن انتاع و شد ریس میباشند مشارالیه به ساواک مراجعه و از دستور تیمار سپید ریاست معظم استعلام نمودند که چون مقام طعی ایشان بالاتر از رتبه آذربایجان است امر بر وزیر فرهنگ و وزارت امور و راه را با رتبه ۱- در بر میباشند ام نماید تا هم رعایت مقام طعی ایشان و هم تحت توجهات تیمار سپید ریاست معظم توجه آن در امر رسیدگی آنی و فراهم شود.

طبقه استعلامی است و رعایت تعویب از آنرا اینگونه ملاحظه میفرمایید و موارد مختار صادر گشته خود را در اختیار ساواک فرزند او و است نسبت به استعلام ایشان مفاد توجه

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بلوچستان و سیستان  
م. جعفر

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور  
م. جعفر

تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۱  
شماره: ۱۰۰۰۰۰۰۰

موضوع: **مختصر مانده**  
تیمار سپید ریاست معظم سازمان اطلاعات و امنیت کشور

جناب آقای... حوزة علوم دینی اهل تشن به سرپرستی آقای مولوی عبد العزیز که با این ساواک همکاری دارد نامش گرفته و... طلبا این مدرسه نیز تقیر و اکثری برهنه میباشند طبقه استعلامی است در صورت تصدیق رای عالی اجازه فرمایند ساواک مطلع و در حوزة ریال به نمایندگی از طرف تیمار سپید ریاست معظم سازمان اطلاعات و امنیت کشور بمقتور ایجاد تشکیلات بین طلبه حوزة مبرز تقسیم نماید و... بسته بنظر عالی است.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بلوچستان و سیستان  
م. جعفر

تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۱  
شماره: ۱۰۰۰۰۰۰۰

موضوع: **مختصر مانده**  
تیمار سپید ریاست معظم سازمان اطلاعات و امنیت کشور

جناب آقای... حوزة علوم دینی اهل تشن به سرپرستی آقای مولوی عبد العزیز که با این ساواک همکاری دارد نامش گرفته و... طلبا این مدرسه نیز تقیر و اکثری برهنه میباشند طبقه استعلامی است در صورت تصدیق رای عالی اجازه فرمایند ساواک مطلع و در حوزة ریال به نمایندگی از طرف تیمار سپید ریاست معظم سازمان اطلاعات و امنیت کشور بمقتور ایجاد تشکیلات بین طلبه حوزة مبرز تقسیم نماید و... بسته بنظر عالی است.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بلوچستان و سیستان  
م. جعفر

تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۱  
شماره: ۱۰۰۰۰۰۰۰

خلاصه سابقه مولود عبدالعزیز نهرت سیدزاده  
محترم ما بلوچستان

۱- در پرونده سیستان نامبرده مولود عبدالعزیز نهرت سید عبدالرحمن نهرت علوی هم  
قد گردیده است.

۲- ساکن بلوچستان سیستان اعلام داشته که نامبرده بانفاق آقایان مولود سید نهرت  
اسکان زئی و محلا محمد نهرت طاهر با نام <sup>سال ۳۹</sup> جابو <sup>در دادگاه نظامی قریب</sup>  
زاهدان تحت تعقیب قرار گرفته و مجدداً اعلام داشته که مولود عبدالعزیز  
یکی از رهبران اهل تسنن و مورد اعتماد و احترام قاطبه مردم بلوچستان  
میباشد و درخواست نموده که رتبه و رتبه آنرا از آموزشگاه رتبه ۱ دبیر ارتقا  
دهند و در خاتمه <sup>سازمان</sup> الحاکم نظر نموده است که نامبرده در موارد خاص صادره  
نموده در اختیار سادات قرار داده است.

۳- بلوچستان سیستان در تاریخ ۲۳ رجب ۱۳۸۰ روز شنبه نامه دادستانی  
کمران را مبنی بر قرار منع بگرد در باره نامبرده در نزدیک  
رساله داشته است که همین نامه در نوشت در پرونده موجود است.

۴- در بروز نامبرده در پرونده موجود است.

بدرقه سید عبدالعزیز  
۱۳۸۰/۲/۲۳

۳۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲  
 شماره: ۹۲۵۱  
 شماره پرونده: ۸۷۰۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹  
 موضوع: **محرر مانده**

آقای مولوی عبد العزیز که فردی همین پرست و شاهد دست می باشد در مورد مولوی شجیدان همه گونه اطمینان داده و اظهار داشت منظور و قصد مسافرت ایشان به پاکستان با من و وجع آفری احساسی است که اهل تشن طبق رسوم دینی به مولویان مورد اعتقاد خود می دهند که جهت طلاب و موزره طبعی آن مولوی خرج خواهد شد. سفا مولوی عبد العزیز اظهار داشت که مولوی شجیدان از هر لحاظ مورد اعتقاد بوده و اطمینان مند شد که هیچگاه با راز او توهین همین پرستی خود فراموش کند و نخواهد گذشت. طبعی با اعلام اینکه ممکن است با تعجب مولوی شجیدان در آئینه مورد استناد و ساواک واقع شود در صورت اجازه و موافقت آن جناب نسبت با اعلام ملاحظه در مورد عدم رد نامه جهت مشارالیه نظریه موافق اعلام گردید و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان و مستان که مهاجر

**محرر مانده**

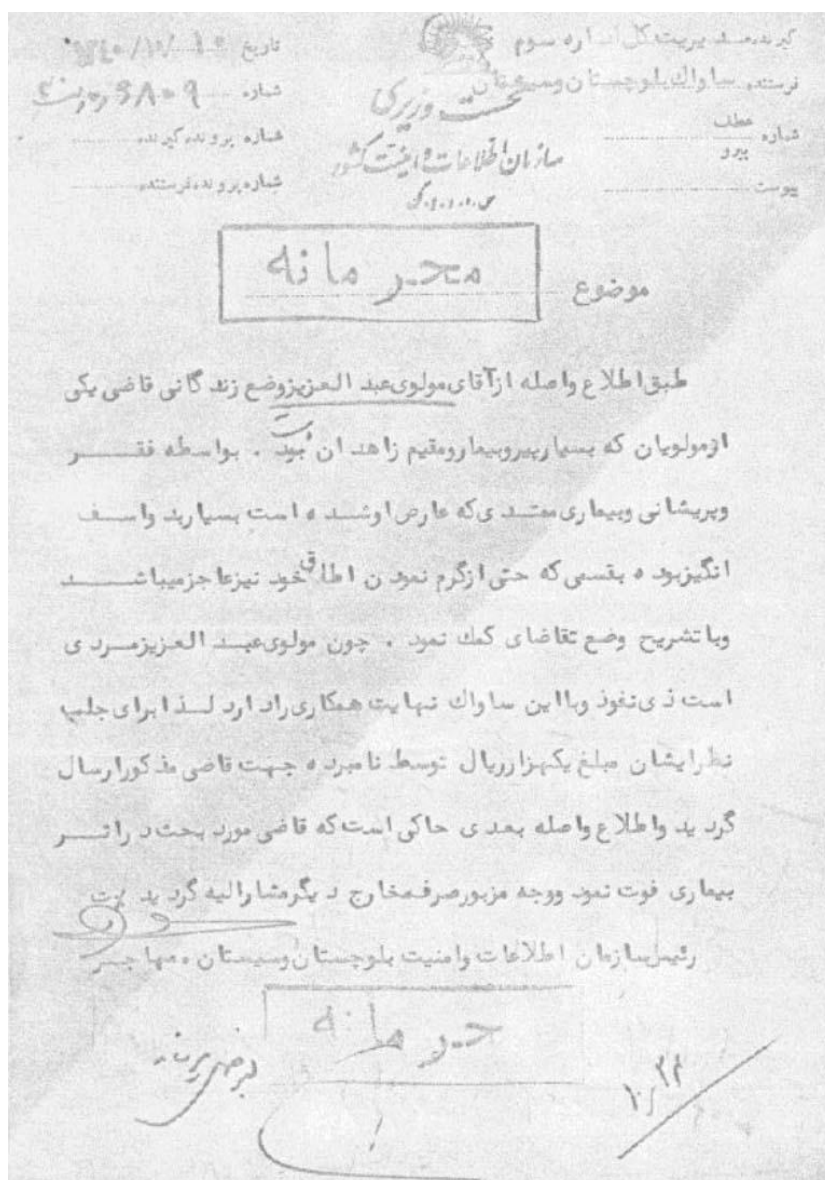
تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲  
 شماره: ۹۲۵۱  
 شماره پرونده: ۸۷۰۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹  
 موضوع: **محرر مانده**

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲  
 شماره: ۹۲۵۱  
 شماره پرونده: ۸۷۰۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹  
 موضوع: **محرر مانده**

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲  
 شماره: ۹۲۵۱  
 شماره پرونده: ۸۷۰۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹  
 موضوع: **محرر مانده**

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲  
 شماره: ۹۲۵۱  
 شماره پرونده: ۸۷۰۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹  
 موضوع: **محرر مانده**

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲  
 شماره: ۹۲۵۱  
 شماره پرونده: ۸۷۰۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹  
 موضوع: **محرر مانده**



۳۵۰ □ شخصت سال صبوری و شکوری

گزارشی دیگر از ارتباط و همکاری مولوی عبدالعزیز با رژیم شاه و پشتیبانی رژیم  
از او

به احترام  
بدین تقدیر  
1371/12/13  
محمد شفیع

گزارشی از روضه سنگی منطقه

محرمانه

مخونه

محترماً به بیوست گزارش مجمل سفر ۴ روزه را بهزاهدان مبروف میدارد (تاریخ ...)  
در این گزارش که صرفاً در چهار جوب مسائل مذهبی روحانیون سنی در بلوچستان  
ارائه شده، مشتمل است بر چهار موضوع اساسی به قرار ذیل:

الف : وابستگی های مذهبی روحانیون سنی با خارج

ب : روحانیون سنی در رابطه با تعمیر عمارت حیاتین و سایر احداثی های جاری

پ : روحانیون سنی در رابطه با مسئله زبان فارسی در بلوچستان

ت : روحانیون سنی در رابطه با رایجیوتولون

با تقدیم احترام

سید محمد باقر نجفی  
۲۰۲۷/۱۲/۱۱

محمد شفیع

جواب است. حق اگر کاملاً روشن نیست گاه «هبت داره» نیاز به  
آنان مدعی اسراشی در گزارشی ۱۳۰۱۴۰۱۳۱۳ در جریان با رضه (گروه مستان بلوچستان)

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۵۱

### الف : وابستگی‌های مذهبی روحانیون سنی با خارج

در استان "سیستان و بلوچستان" حدود ۲۵۰ روحانی سنی عهده دار امور مذهبی سنی‌مذهبان شرق ایران هستند .

در زاهدان حدود ۱۵ نفر، در سراوان حدود ۶۰ نفر، در سراپاز حدود ۵۰ نفر ...

تمامی روحانیون سنی مذکور، بلوچ هستند و در مدرسه‌های دینی سنی مذهبی پنجاب، کراچی، ملتان و لاهور ... تحصیل کرده‌اند .

هم اکنون طبق اطلاعات بدست آمده ، حدود ۱۳۰ نفر جوان بلوچ در مدرسه دارالعلوم، مفتی شخیخ، و جامعه فارقیه پنجاب و لاهور پاکستان مشغول تحصیل هستند .

مضافاً به سال‌های اخیر، تعدادی از جوانان ایرانی باج یا حمایت روحانیون سنی مذهب بلوچستان ایران و پاکستان ، از طریق پاکستان با گذرنامه پاکستانی (\*) به عربستان سعودی رفتند . و مشغول تحصیل در دانشگاه اسلامی - وهابی مدینه منوره شدند . و عنقریب به بلوچستان بازخواهند گشت و هم دوش را فارغ التحصیلان تازه وارد از بلوچستان زمامت دینی را به ارث خواهند برد .

(\*) چون در ایران مشمول بودند ، قادر به اخذ گذرنامه نبودند . بعد ها با وساطت‌های سفارت ایران در عربستان سعودی ، گذرنامه ایرانی به آنان داد . و گذرنامه‌های پاکستانی را گرفتند .

(۲)

استدلال

هنگامیکه از ریشه های سیاسی اصلاحات شیعیان و سنیان در بلوچستان سؤال می شود ، صاحب‌گفندان متفقاً یکی از عوامل را زمینه‌هایی می‌دانستند که از ارتباطات مذکور ناشی شده است و ما از بررسی بعضی از تشبیهات مذهبی روحانیون سنی بلوچستان که بر طریقه مذهب تشیع انتشار یافته است ، این زمینه‌ی در حال تدوین را بخش ملاحظه می‌کنیم .

" مولوی عبدالعزیز " که خود از بزرگان روحانیون سنی مذهب سیستان و بلوچستان است ، در ضمن مذاکراتی بی‌امون ارتباطات مولوی‌ها با بلوچستان و پاکستان و سرستان و شیخ‌نشین‌های خلیج ، اذعان می‌داشت که من به مأمورین گفتم ام : " چرا مولوی‌ها بروند در پاکستان و . . . درس بخوانند ، و فکر جمهوری پیدا کنند ؟ " در اثر نفوذ مولوی‌ها ، تدریس که به منظور برپایی گری زمینه‌ای مذکور به نظر مأموران دولتی رسیده است ، مساعدت و کمک به مدارس دینی موجود و تقویت و تأسیس هرچه بیشتر آنها جهت تربیت روحانیون سنی مذهب بلوچ در بلوچستان می‌باشد .



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۵۳

(۳)

تمامی مدرسه‌های دینی سنجان در زاهدان، سراوان و سرازم . . . از حمایت‌های دولت برخوردارند .

آقای هویدا در جریان سفر به زاهدان و ملاقات با مولوی‌های بلوچ مبلغ یک میلیون تومان برای تکمیل مدرسه مولوی عبدالعزیز و مبلغ پانصد هزار تومان جهت مسجد مدرسه پرداخت کردند .

اداره اوقاف استان، روزانه به هریک از بچه‌های مشغول تحصیل در مدرسه‌های دینی بلوچ، مبلغ ۵۰ ریال و به هر مدرسه دینی مبلغ ۵۰۰ <sup>طاق</sup> تومان می‌پردازد .

اخانه برشم آئی از آنجه بیان شد، به دستور نخست وزیر وقت، بودجه‌ای در اختیار آقای منجمی استاندار وقت قرار گرفت که از محل آن به هریک از روحانیون

سنی ماهانه . . . ۵ تومان پرداخت شود . ولی به گفته روحانیون سنی مورد مباحثه:

“آقای منجمی <sup>منجمی</sup> استاندار، دست‌اراد بود و ایشان بودجه مذکور را در اختیار ساواک گذاشت . طبعاً ساواک از طریق پرداخت ماهانه، می‌خواست بهر فرد آریه‌اشی کند

در دوسالی که این پول را به مولوی‌ها می‌دادند، هم دوش با توقعات ساواک از مولوی‌ها بود . ساواک می‌خواست، مولوی‌ها کارهای دیگری انجام دهند . ولی مولوی‌ها گفتند:

ما مسلمانیم و مطیع دولت، و مامور خیر نیستیم . تازه آقا مردم مولوی‌ها را فحش خواهند داد و آبروی ما خواهند رفت . باید دستگاه حیثیت ما را در نظر داشته باشد .

## ۳۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

(۴)

پول را تقسیم کردند و به کدخداها و شیره‌ای‌ها و تریاکی‌ها دادند تا آنها برای استان کارکنند . . . . \*

در خلال مذاکرات به‌وضوح ملاحظه شد که مولوی‌ها عملکرد ساواک را در قطع مواجبه برخلاف مصالح مملکت در حواله‌های مرزهای شرقی تلقی می‌کردند .

در جستجوی بی‌آمدهای سیاسی کمک‌های دولت به روحانیون سنی ، حتی به اظهار عقیده شده است :

۱- کمک‌های داده شده ، نه تنها موجب اعتماد متقابل سیاسی بین مولوی‌ها و مسؤلان سیاسی استان نشده است بلکه روحانیون سنی را در برابر شیعیان گستاخ کرده است .

۲- کمک‌های مذکور ، موجب رنجش و انتقاد شدید شیعیان استان خاصه مردم مردم سیستان به روش دولت به خاطر عدم رعایت توازن بین حمایت از شیعیان و سنیان استان شده است .

۳- حمایت از مدرسه‌های دینی ، امکانات آئینه تبلیغات روحانیون سنی را در برابر شیعیان استان نه‌ها برابر خواهد کرد .

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۵۵

(۵)

۴- تاسیس و تقویت مدرسه‌های دینی سنی در بلوچستان از توجه طلبه‌ها به ادامه تحصیلات عالی در مدرسه‌های دینی پاکستان و عربستان و... نخواهد کاست. خاصه آنکه مدرسه‌های دینی مذکور با قدرتی که در جذب و جلب نوجوانان بلوچ دارا - شده‌اند، در آینده تعداد زیادی متوجه دیگر مرکزهای دینی خارج از کشور خواهد شد تا مرحله‌ی خودکفایی روحانیون سنی مذهب بلوچ در برپایی مدرسه‌های عالی علوم دینی... .

۵- اظهار انتقاد و نارضایتی از نحوه عملکرد ساواک در پرداخت ماهانه، اضافه بر آنچه پرداخت می‌شود، استنادی نبود برای افرادی که در گفت و شنودها معتقد بودند:

کمیته‌های مالی دولت عاقبتی ندارد زیرا یا باید یا گمترش تاسیسات مذهبی و از زیاد روحانیون سنی، هماهنگ اعمال و پرداخت شود. که در نتیجه تاکی می‌تواند در رابطه با تضعیف نیروی محدود کننده آنها، یعنی شیعیان-سیستان، و تعصبات روزافزون ناسیونالیستی مولوی‌های بلوچ (که مورد بررسی قرار خواهد گرفت) ادامه یابد؟ و آیا در صورت عدم حمایت مالی در آینده، روحانیون سنی مذهب تحصیل کرده در عربستان و شیخ نشینهای خلیج فارس و بلوچستان پاکستان، زمینه‌های مساعدت مالی خارجی را در بلوچستان فراهم نخواهند ساخت؟ و آیا این زمزمه‌های مولوی‌های بلوچستان که: «بلوچ از نژاد حمزه عموی پیامبر است، و در اصل عرب می‌باشند» در ساختن زمینه‌های مذکور اثر خواهد ماند؟

(۲)

ب: روحانیون سنی در رابطه با بی‌آمدهای سیاسی ناشی از تعصب‌های بلوچی

در جستجوی این شناخت که روحانیون هفتی بلوچ از چه موضعی در برابر «ناسیونالیسم بلوچ» برخوردارند، گفته شد: «اصولا» مولوی‌ها «میدان» تحت تأثیر ناسیونالیسم بلوچ هستند».

برای تعیین رابطه‌ی بین مقصدیت همزمان این ۱۰ - ۱۱ اذیت‌دهی و ناسیونالیسم بلوچ بوجود آمده است که تحکیم موقعیت آنان، مذهب هفتی را بیش از پیش متذوق فکر ناسیونالیسم بلوچ کرده و ناسیونالیسم بلوچ، موقعیت مولوی را بخاطر حمایت احساسات مذهبی، حساس‌تر کرده است.

این موضوع را با طرح مسئله دیگری می‌توانستیم تکمیل کنیم و آن بررسی بود که در جستجوی پاسخ حقیقی چنین شناختی می‌توانست با طرح مسئله دیگری از رابطه‌ی احساسات ناسیونالیستی بلوچ و مذهب کامل شود.

مسئله مورد نظر از این قرار بود که آیا بلوچ‌های هفتی مذهب در برابر تحریکات بلوچستان پاکستان آسیب پذیرتر هستند؟ یا شیعه‌های سیستانی و بلوچی؟

متفقا گفته شد: «بلوچ‌های سنی»

«آیت‌الله کفعمی» که بزرگترین شخصیت روحانی شیعیان استان است در این

خصوص صریحا می‌گفت: تعصبات بلوچی مولوی‌ها، بیش از تعصبات ایرانی آنها است»

سازمان هم ایران را خراب می‌کند

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۵۷

(۷)

و به گفته صریح یکی از آگاهان مسائل بلوچ، که خود بلوچ سنی است: "اساس مسئله در این منطقه بر این است که بلوچ را سنی حفظ کنند تا تسنن ویژه قومی بلوچ‌ها با بماند". هم اکنون نه بر سر بلوچ‌های شیعی مذهب: "هودیان" و "زیمان" از طرف روحانیون سنی با همکاری "سردارهای بلوچ" کوششی در جهت سنی کردن آنها صورت می‌گیرد. که در نتیجه آن تضادهای بین بعضی از طعاه شیعی مانند آقای "معین الغریبا" با سنی‌ها در جریان است.

آگاهی از بلوچ‌های سنی زاهدان، به مناسبت دیگری اظهار می‌داشت: "بلوچ‌ها و هزاره‌های فیر بلوچ را "قچر" می‌گویند، یعنی قاچاری است. یعنی شیعی است".

در شرایط حاضر، خط مشی مامورین سیاسی دولت در استان دقیقاً روشن نیست.

ولی افکار عمومی بلوچ چنین باور کرده است که:

۱- مامورین سیاسی معتقدند: به بلوچ‌ها نباید آگاهی داد.

۲- بلوچ‌ها در پست‌های اداری استان شاغل نباشند.

۳- باید از طریق مولوی‌ها و سردارها مردم بلوچ را تحت کنترل داشت. بنابراین

باید از مولوی‌ها و سردارها حمایت جدی کرد.

سردارها  
مولوی‌ها

بیرامون خط مشی‌های مذکور، از طرف مصاحبه‌شوندگان نقد‌های اظهار گردید که

ذیلاً به استحضار میرساند :

خانواده‌های سرداری در بلوچستان، از حیثیت و اعتبار مردمی بی‌سپهره هستند .  
از نظر مردم بلوچ ، سردارها در طول تاریخ ، بر مردم ظلم کرده‌اند و هم اکنون دست‌اندرکار  
تاجاق و تیراک . . . می‌باشند .

البته از اهمیت تاجاق در بلوچستان ، تعریف‌ها و حکایت‌های زیادی شنید .  
مجموعه " چنین مستفاد می‌شود که تاجاق برای بسیاری از مردم بلوچ امری است حیاتی و به  
بزرگی آزادگان است .  
همین منظور است که ماموران در کنترل جدی آن سعی لازم را اعمال نمی‌کنند . با مردم بی‌توجه است .  
چه هرزمانی که خواسته شد نظارتی جدی صورت پذیرد ، بافی‌گیریها و کشتارهای  
وحشتناکی بوجود آمده است .

از نظر افکار بلوچ سردارها دست‌اندرکار کنترل و اداره چنین شاهزادگی حیاتی  
هستند . و بعقیده بعضی‌ها در این خصوص با مامورین نیز زد و بندهایی دارند .  
از اینرو ، تاجاق ، تمول ، شراب خواری و . . . حمایت ژاندارم‌ها و مامورین دولتی  
استان ، نفوذ و تسلط آنان را بر مردم بلوچ و موقعیت آنان را بعنوان واسطه‌های دولت  
و مردم بیشتر کرده است .

در گفت و شنودها نسبت به این مسئله اتفاق نظر کامل وجود داشت که جنسین

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۵۹

(۹)

واسطه‌هایی مردم بلوچ را بیش از پیش از مأموران و سازمان‌های دولتی جدا می‌سازد .  
فالب روحانیون سنی در قبال این اوضاع و شرایط جانب سردارها را گرفته‌اند  
و در رابطه با مأموران دولتی ، از مزایای یکسانی با سردارها برخوردارند .

واستکی روحانیون سنی به سردارها ، از نظر مأموران سیاسی چیزی قوی برای  
اداره بلوچ‌ها به‌شمارد که حمایت از آنها و از پیوند مولوی‌ها و سردارها ، (که بعقیده  
بعضی‌ها امری است ظاهری و بخاطر منافع والا هیچ‌یک از طرفین چشم دیگری را  
ندارند ) موجب شده که بلوچ بیش از پیش خود را در انزوا دیده و درین بناها گاه‌گاهی  
دیگری در خارج از مرزهاست .

به عبارت دیگر: " دوری‌گزیدن از مردم بلوچ ، تشکل بلوچ را دامن زده است " .  
که این امر در ارتباط با خط مشی " عدم آگاه‌نگه داشتن بلوچ‌ها قابلیت آسیب‌پذیری  
بلوچ‌ها را در تحریکات خارجی بیشتر خواهد کرد .

تصا

در گفت و شنودها معلوم شد که سردارها و مولوی‌ها ، موقعیت بلوچستان را بیشتر از  
آنچه وجود دارد ، حساس ، خطرناک و قابل انفجار می‌خوانند .

## ۳۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

(۱۰)

حنین الفائق از طرف مولوی‌ها و سردارها به زعم دولت اندر کاران مسائل بلوچ  
بخاطر آن است که حمایت دولت را بیشتر به خود جلب کنند و از این طریق موقعیت  
خود را محفوظ بدارند .

اینان می‌گویند ، مردم بلوچ به سادگی می‌توانند ، مسائل خود را در چهارچوب  
مرزهای مشخص ملکتی حل و فصل کنند . اگرچنانچه این واسطه‌ها مورد حمایت حسدی  
دولت‌ها قرار نگیرند و قریب سردارها و مولوی‌ها را نخورند و افراد صالحی در این امر  
وساطت کنند که از خانواده خان‌ها (سردارها) و آن عده از مولوی‌ها وابسته به آنان  
نمانند .

اینان می‌گویند : سردارها قادر به جذب و جلب مردم برای همکاری با دولت  
نیستند و برخلاف آنچه گفته اند ، قادر به جمع‌آوری چند نفر مؤمن حقیقت‌ساز  
نمی‌باشند ، که در شرایط لزوم مورد استناد قرار گیرند .

این منافع مشترک بین ماموران و سردارها و مولوی است که بلوچستان را پیش از هر  
زمان دیگر از قابلیت آسیب پذیری بیرون بریزد و بخورد کرده است .

در عقیده روحانیون شیعه و بعضی از صاحب‌شوندگان زاهدانی ، مولوی‌ها  
با مساعدت سردارها در دامن‌زدن به اختلافات شیعه و سنی عاظمی مهم بشمار می‌آیند .  
تا از این طریق اوضاع را حساس و بی‌قرار از رفع فائده موقعیت و نفوذ خود را به رخ ماموران



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۶۱

( ۱ )

دولتی بکشند که اگر مانع بودیم چنین وختان می شد .  
خاصه آنکه سردارها و مولودها در این نقش به ظاهر همسته و در باطن  
گریزان از هم خط مشی در وگانه دارند که انکار عمومی نسبت به آنها آشنا شده است .  
می گویند : روحانیون سنی در این صحنه هم پول و موقعیت را از سازمان های  
دولتی می گیرند و هم پشت سر آنها فحش می دهند .

تضاد های طبقاتی بی (بلوچ قبیله‌نویس سنی) و (فیروز بلوچ متحول شیعی) در گسترش دامنه‌ها  
مذکور ایناگر نقش بسزایی است .

بر این اساس از دیدگاه " آیت الله کلمی " همیشه بر اختلافات شیعه و سنی  
به نفع سنیان و به ضرر شیعیان استان تمام شده است . زیرا فیروز بلوچ مقيم زاهدان ،  
یا شیعه سیستانی که اصلاً " توجهی به زد و بند های آن روی مرز ندارند ، از بروز اختلافات  
چه طرفی برمی بندد ؟

شاهنشاہ . ناروٹ . مہاراجہ  
دولت و ملت و قانون و شاه شیعه با ماست . ولی این روحانیون سنیان هستند که  
می خواهند دست و پا می کرده ، و جایی برای خود در این دیار باز کنند .

زیرا به عقیده بعضی از آگاهان زاهدان " اختلافات مذهبی در طوائف موجود

## ۳۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

(۱۲)

استان به نفع ناسیونالیسم بلوچ تمام خواهد شد. از اینرو، یکی از علل اساسی اختلافات شیعه و سنی را باید بر سر ناسیونالیسم بلوچ دانست.

بدین روای و ملاحظات، می‌توان از مصاحبه‌های مذکور که شعای از آن به استحضار رسید، چنین عنوان کرد که اولین و آخرین موضوعی که روی آن بسیار زیاد از طرف روحانیون سنی تأکید می‌شد، سه اساسی بود:

- ۱- عدم رضایت بخاطر عدم برداخت پول به مولوی‌ها طبق دلخواه
  - ۲- نشان دادن خطرها و حساسیت مردم بلوچ در سرنوشت خود بنسبه سه رفتار دولت‌ها
  - ۳- عدم رضایت از دولت و روحانیون شیعه قم و مشهد و زاهدان . . . . . که آری اینان بخاطر آنکه تمایلاتی سنی ندارند، موجب اختلاف و بلوا هستند.
- ولی جالب توجه بود که در مصاحبه با آیت الله <sup>عفی</sup> ویا . . . . . از شیعیان اصلاً "تو مورد مشروحه فوق الذکر حتی مورد توجه سطحی آنان در مذاکره خصوصی قرار گرفت. اینان تنها تأکید بر سه موضوع اساسی داشتند:

۱- روش دولت نسبت به روحانیت و قضایای مذهبی اخیر ایران

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۶۳

(۱۳)

- ۲- بی‌اعتنایی ماموران استان نسبت به شکوات اسلامی در سیستان و بلوچستان
- ۳- رفتار ناموزون و غیرمتعادل ماموران نسبت به موقعیت مردم شیعه و سیستانی‌ها با مردم بلوچ سنی .

بدین لحاظ مسیر دودید گاه کاملاً از هم جدا بود . وی شک طبیعی بنظر می‌رسد اگر این سخن بیان شده را تأیید کنیم : "مولوی‌ها و سردارها مسئله‌ها می‌آفرینند تا منطقه را حساس نشان دهند . و از ایل‌ها و طوایف تعریف‌ها و توصیه‌هایی می‌کنند که اساساً حقیقت ندارد . مانند آنچه راکه از ایل مارکی گفته‌اند و نه ماموران الفسحاء کرده‌اند ."

البته منطقه بلوچستان در رابطه با بلوچستان پاکستان و توجه سیاست‌های خارجی به آن، از نظر دور نیست و طبعاً "حساسیت‌هایی که مردم توجه مولوی‌ها و سردارهاست نمی‌باشد ."

البته سیستانی‌ها و مردم شیعه بلوچستان از نظر سیاسی و فرهنگی مسائل بزرگ در برابر بلوچستان و حوادث آینده آن بشمار می‌آید که بنا به اظهارنظرهای جمع‌آوری شده، از حمایت دولت به نسبت بلوچ‌های سنی برخوردار نیستند و بدین لحاظ مسئله مذهب که در ده سال پیش از اهمیت خاصی در رابطه با مسائل مرزی و ملیتی برخوردار نبود دارد به مرور زمان بصورت موضوعی پیچیده و از نظر سیستانی‌ها، موضوعی ملی تجلی

## ۳۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

(۱۴)

می‌کند که از یک سوی ماموران دولتی را نمی‌پذیرند و از سوی دیگر مولوی‌ها و تحریکات بلوچستان پاکستان و افغانی‌ها را . . . و اساساً "آیا گره خوردگی در احساسات ملی و مذهبی مردم سیستان که از عدم سیاست متعادل بوجود آمده است ، چه بر آمده‌ها خواهد داشت . معلوم نیست؛ و زمان برای اظهار نظر فرا نرسیده است !

پ: روحانیون سنی در رابطه با مسئله زبان فارسی در بلوچستان

نسبت به موقعیت زبان فارسی در بلوچستان و اینکه آیا از حمایت روحانیون سنی مذهب در برابر ناسیونالیسم بلوچ برخوردار است یا نه و اصولاً "آیا بعضی جوانان" گویشی "مورد نظر مجامع مذهبی سنی است یا نه؟ تاکید خاصی مذبول کردید."

اولاً "در بررسی‌های انجام یافته از مدرسه‌های روحانیون حنفی مذهب در بلوچستان معلوم شد که تمامی درس‌های دینی به زبان بلوچ تدریس می‌شد."

در جلسهای که با حضور ۸ نفر از مدرسان مدرسه‌های دینی زاهدان داشتیم، گفتم چرا در مدرسه دینی نسبت به زبان فارسی اهتمام نمی‌ورزید.

آنها متناً "معتقد بودند که چون خود ما نمی‌توانیم فارسی صحبت کنیم، گفتیم چرا سعی نکردیم. اید زبان فارسی بخوش بیاموزید؟ گفتند: ضرورتی ایجاب نکرده است تازه اگر مدسال هم زحمت بکشیم در بلوچستان نمی‌شود زبان فارسی را رایج کرد."

یکی از روحانیون حاضر در مجلس گفت و شنود به فارسی شکسته گفت: "اصولاً چه لزومی دارد، زبان بلوچی زبان ماست. اگر قرار باشد زبان شما را بیاموزیم چرا قرار نماند شما زبان ما را بیاموزید." کتب سب؟

الته بی‌از توضیحاتی که داده شد، در بیان خود اظهار بی‌فرضی و نادانی کرد.

در این مجلس با اکر اه تصمیم گرفته شد که در آینده نسبت به زبان فارسی اهتمامی

پورزند که بنظر می رسد بخاطر رعایت من عنوان گردید .  
نقش از بیان حکایت مذکور، عنوان کردن حقیقت مذاکره نیست ، افکار و روح را  
که برود رسان حنفی مذهب مسلط است نشان می دهد .  
در آن مجلس گفتگو بخوبی ملاحظه و مکتوف شد که روحانیون سنی مذهب بهیح وجه  
حاضر به اهتمام ورزیدن به زبان فارسی در مدرسه های رسمی طوم دینی خود نیستند .  
آنچه در این مذاکره مورد توجه قرار گرفت زبان محاوره ای نبود بلکه زبان تدریس و آموزش  
رسمی روحانیون حنفی مذهب در نظر بود که معروض گردید .  
موضوع زبان را با آگاهانی در زاهدان به نقد و تحلیل گذاردم . معلوم شد که  
اکثریت روحانیون سنی مذهب ، معتقد به گویش بودن زبان بلوچی نیستند و چون شاخص  
ملیت هر قومی زبان آنهاست تاکید و توجه بر زبان بلوچی می باشد و در این خصوص ماهنامه  
" اولس " کوئته پاکستان نقشی اساسی ایفا می کند .  
وقتی از تاثیر آن در اهل سواد بلوچستان سخن بیان آمد ، اذعان گردید که  
ماهنامه مذکور تاثیر زیادی بر روشنفکران بلوچی و بعضی از روحانیون مذهب اشتهود دارد .  
که طبقه بندی آنها بعنوان موافق و مخالف با ذکر نام مورد شناسایی قرار گرفت .  
در گفت و شنود های دیگری تاکید بر نقش روحانیون و شیعیان نسبت به زبان فارسی  
بلنسه به روحانیون سنی مذهب بیان آمد .

آنان در پاسخ این پرسش که آیا روحانیون سنی و سردارهای بلوچ خواهان گسترش زبان فارسی هستند یا نه؟ گفتند: اکنون نه، ولی قبلاً آری. <sup>۹</sup>

گفتم برای اهتمام ورزیدن به زبان فارسی چگونه می‌توان از مذهب توان گرفت. در پاسخ یکی از سنی‌مذهبان بلوچ و دست‌اندرکار مسائل بلوچی گفت: «با شیعه و مردم سیستان، زیرا اینان تنها و یا غالباً نسبت به زبان فارسی در این منطقه اهتمام ورزیده‌اند و بعقیده می‌توان از روحانیون سنی در این راه کمک گرفت». (سنتی دهنش) <sup>۱۰</sup> هم‌نوعی <sup>۱۱</sup>

و به گفته فردی دیگر: «بسیاری از بلوچ‌ها اکنون فکری کنند که تنها با ناسیونالیسم <sup>۱۲</sup> بلوچی می‌توانند منافع خودشان را حفظ کنند و از فقر و ملامت نجات پیدا کنند. نه با فارسی شدن، و در این خصوص مولوی‌ها و سردارها نقش اساسی را ایفا می‌کنند». در نتیجه یکی از عوامل بروز اختلافات ریشه دار بین مردم شیعه مذهب سیدان، و بلوچی سنی مذهب، زبان فارسی است.

باب گزشت کرد از راه‌های به‌مان برسد

(۱۸)

ت: روحانیون سنی در رابطه با رادیو تلویزیون

طبق بررسی های انجام یافته، مرکز زاهدان در برنامه های محلی خود، تنها با "مولوی عبدالعزیز" روحانی حنفی مذهب بلوچستان همکاری دارد و ایشان به گوییش بلوچ برنامه های مذهبی سنی را با رعایت شکوات شیعی بطور همیشگی اداره می کنند. این سیاست که منجر به تعمیر برنامه های مذهبی محلی در اختیار روحانیون سنی شده است، نگرانی های شدیدی در میان مردم شیعه مذهب سیستان و بلوچستان از این عدم تعادل بوجود آورده است که قابل بررسی و تأمل است.

البته روحانیون شیعی مذهب استان حاضر به همکاری با مرکز زاهدان نیستند. مرکز زاهدان نیز تاکنون کوششی جدی برای بوجود آوردن تعادلی در برنامه های محلی

مذهبی خود اعمال نکرده است. لحم اسیر

حتی مولوی عبدالعزیز که مشخّرترین روحانی سنی هاست، در "ریح" می گویند: "حرا از سخنرانان شیعی مذهب در رادیو تلویزیون زاهدان یا زامل... استفاده نمی شود. زامل خیر میم است. آنجا آقا، سنگر ایران می باشد؟"

از نظر برنامه های مذهبی شبکه، مرکز زاهدان سال های متعددی است که موضع نامشخّر داشته است و این عدم موضع مربوط به عدم تعادلی می باشد که مذکور افتاد.

روحانیون شیعه زاهدان می گویند: "رادیو تلویزیون در این منطقه به حساسیت های مذهبی مطولتی توجهی ندارد و از علمای سنی، بی حساب، حساب می برد و بر او می دهد.

میرزا  
سنگر



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۶۹

سال بیند بخاطر جدانشد که در بلوچستان بوجود آمد از ترس ستم‌ها برنامه مذهبی را  
را فک کردند و نه گفته آنان شب عاشورا فیلیم با صحنه‌های سنگی بخت کردند\*  
در مرکز زاهد این شهیدم که: "رادیو تلویزیون زاهد ان در ایام سوگواری برنامه‌های  
مذهبی تهران را قطع می‌کند". این عمل هم بنظر صحیح می‌رسد و هم ناصحیح.

در هیچ است چون برنامه‌های مذهبی شبکه از ملاحظات ظریف احساسات شیخ  
چندان سپروای ندارد و ناصحیح است زیرا سپردار این ملکات از چند ملت تشکیل  
نی‌شود. بنابراین شاید تنها راه حل روی آورده به "فرهنگ ایرانی-اسلامی" در برنامه‌ها  
مذهبی است که متاسفانه شبکه و مراکز استان‌ها، خاصه مرکز زاهد ان از عالمان و اخصائیس


اجرای آن بی‌تعمیر است. مهم.

ناگفته. که مدیر فعلی مرکز زاهد ان. کوشش زیادی کرد. اندک به ندوی از  
افکار و آلی صحیح در برنامه‌های مذهبی مرکز پیاده کند تا منجر به اختلافاتی نشود. در  
این راه چه قدمی برخواهد داشت؟ و اصولاً آیا می‌تواند بدون پیاده شدن روالی صحیح  
در برنامه‌های مذهبی شبکه، کاری از پیش ببرد. معلوم نیست و بنده را نظری نمی‌باشد.

منظر نظر است که در  
صبر روزه جز اینست  
و نام من است که این

لها سگم برنامه  
دستی بیشتر


گزارش دیگر از ارتباط مولوی عبدالعزیز با رژیم شاه و دریافت کمک مالی



وزارت کشور  
استانداری پستان و پنجپان

	از
<u>صوت جلسه</u>	به
<p>برحسب دعوتنامه شماره ۲۸۳۱/۲۲۴-۹/۵۷/۹۱ اجتناداری کمیسیون در ساعت ۱۰ روز ۱۳۵۷/۹/۲۶ با شرکت امضاکندگان زیر در مورد واگذاری پول حواله شده موضوع تمهیناه شماره ۱۳۹۲۴ مورخ ۱۳۵۷/۲/۴ هیئت دولت در استناداری تشکیل گردید . ابتدا ناه شماره ۲۰۱۳۲ جناب وزیر مشاور در امر اجرائی و ناه شماره ۳۱-۱۱-۳-۰۰ مورخ ۱۳۵۷/۸/۶ دربار شاهنشاهی قرائت شد سپس مسؤل حفاظت استناداری اعلام نمود که علت تاخیر در واگذاری کک حواله شده اینستکه درنامه شماره ۱۴-۳۲-۱۱-۳-۰۰ مورخ ۱۳۵۷/۲/۲۰ وزارت دربار شاهنشاهی اعلام شده بود وجه کک به افراد طایفه گروچ برداخت شود ، باتوجه به کثرت تعداد افراد گروچ که به هزاران نفر میرسد و تفرق آنها در سطح کشور مخصوصا منطقه گروگان انجام این روش ممکن نبود لذا از وزارت دربار تقاضا گردیده که موافقت شود تا مبلغ اختصاصی در اختیار رئیس طایفه گذاشته شود که برابر نظر رؤسای تیره ها و پیش سفیدان طایفه تقسیم شود . پاسخ امر اجتماعی دربار شاهنشاهی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۲ به استناداری رسیده که باز هم برداخت پول موکول به تهیه لیست اسامی افراد مشمول گردیده است قرار بود بلا فاصله جلسه تشکیل شود ولی بعلمت عزیمت جناب آقای مولوی عبدالعزیز و نده ای از معتمدان مربوط به نکه معظمه این جلسه نیز بهمیده تصریح افتاد که اینک تشکیل گردیده است . پس از تشریح اینکه برابر ناه نخست وزیری مبلغ اختصاصی یافته بمنظور جبران خسارت وارده ای میباشد که در عریفه های رئیس طایفه گروچ به این طایفه اختصاص یافته این</p>	<p>موضوع</p>

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۷۱

  
وزارت کشور  
استانداری سیستان و بلوچستان

تاریخ \_\_\_\_\_  
شماره \_\_\_\_\_  
پیوست \_\_\_\_\_

از : \_\_\_\_\_  
به : \_\_\_\_\_  
موضوع : \_\_\_\_\_

( صفحه ۲ )

نظر پیش‌آورد که افراد طایفه مزبور در آینده دیگر بر علیه سازمانهای دولتی اقدامه دعوی ننمایند لیکن نظر آقای دوست محمد خان رئیس و دیگر سران طایفه این بود که مبلغ حواله شده جنبه کمک دارد و متوجه به اینکه میزان خسارات وارده بابت قنات و زمینهای تصرف نشده طایفه گروچ خیل زیاد و در حدود ۴۵۰ میلیون تومان میباشد لذا باید حق اقامه و ادایه دعوی حقوقی برای افراد این طایفه بابت تحصیل حقوقی خود محفوظ باشد . لذا کمیسیون چنین اظهار نظر نمود که مراتب به هیئت دولت منعکس شود تا در صورتیکه موافقت فرمایند این مبلغ بعنوان کمک پرداخت شود ضمناً کل وجه در اختیار رئیس طایفه قرار داده شود تا بانظر روسای طایفه توزیع و یا به کار عام المنفعه مشترک بکار گرفته شود و در عین حال حق آنان برای پی گیری - دعوی حقوقی خودشان محفوظ باشد .

حسن اسلا مس - استاندار سیستان و بلوچستان  
تیمسار سرلشکر اسدالله خان فرمانده ناحیه زاندر اهری  
مصلح سرتیپ جواهری رئیس ضلع سیستان  
مرونگ حسن رضوانی رئیس سوات  
فلاح زاده - سرچنگدار کل استان

مولوی عبدالعزیز ملا زاده  
مهر اله خان ریگی  
دوست محمد خان گروچ  
نیک محمد شه بخش  
عبداله گمشاد زهی  
محمد رحیم اربابی

پیوست ۲۷- گزارش سرگرد مهرآیین در ستاد ارتش

گزارش سرگرد مهرآیین در ستاد ارتش  
- نسبت به کتبی دارد وی صورت نم  
- صورت پات سواد به بیج ابرار  
صفت کند و دانم کند که کت  
نمذنی است .  
۱- استوار است که (تیب) نظمی  
به چاه به کت اثر روانی دارد  
و انزاسی است .  
۲- تیب بر صعد در زاهدان به برز بروز  
از گواتر سیه کور تا دهانم در اعطار  
که برز روسیه است .

۳- باغ نبرد حق بر اندازد در برز  
به دهند و به ها هندی  
مردت پاکت است .  
به کت پاکت هم اطلاق راجع به ها  
گوشه را در کت آن به دهند .  
۴- نام به اعلا سیر به آرشها دستور  
اطاعت از فرماندهان به دهند  
(هنج اعلا سیر صورت شده) .  
۵- در کت اول دستخ سیه به پلا  
اقتلاب و نزع و کت به و اعتبار  
زیاد تکثیر شده .

کرم‌مرد لگا و نیمه با بر استاده  
۶- از بندگی خونم در نقطه از  
افراد این فرد بیدارم. نیم  
از آن زمان به انقلاب و انقلاب  
این کار می‌تواند در کار در اندازی  
۷- دولت با دیدن ما کند، شمع  
شده که در آینه دولت بران  
ایدت را فراهم کنند  
سابقه صلح هم بوسیله هم سرور  
تقویت می‌شوند  
و می‌توانند با بوسیله به دولت  
قدرت خود را نشان بدهند  
۸- اقدامات عمرانی هر چه زودتر  
آغاز شود و ساختن و زنی  
در اختیار آن قرار گیرد  
۹- اقدامات آموزشی این کشور  
همین‌جا با بقیه کارها  
۱۰- سابقه صلح را هر چه زودتر به  
منتقل کنند  
۱۱- سینه و عفو عمومی در سرور  
افراد که نفع شاره کار می‌دارد

همه زوجه‌تر در بیورو بلبرچ‌ها  
مطرح شو.

مشروط بر اقدامات انقلاب جدید

۱۲- سند و روش اختیار و چار  
۵۰ بار و چک کنترل  
و محدود شو وزیر نظامت  
پس.

مدیر عبدالعزیز آفرندان  
نطقه و قبلاً با ساواک  
بعود حالا سینه رو و با ملت

همکار سکت و جموداً نفوذی  
دارد.

کفعمی قسراست

آقا مهر الزبائی در دلا  
نفوذ دارد.

همه بگفته‌ها افزاین.

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۷۵

### پیوست ۲۸- اطلاعیه سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان در پشتیبانی از مردم کردستان

مردم مبارز بلوچستان از برادران کرد پشتیبانی می‌کنیم

\*\*\*\*\*

خلق خود در انقلاب تنها کاره ایران جانفشانیها کرده و خیانت از فرزندان راستین خود و در این راه از دست داده است. اما حالا که عده‌ای انقلاب را پایان یافته تلقی میکنند باز آنجا نیکه خلق کرد به ادامه مبارزه تا به نفع نهائی ایران دارد و رادیو تلویزیون و سایر ارگانهای طبقاتی حاکمه ایران به آنها نسبت ضد انقلاب بدهند و اراخان و سرسبزده نظام شاهنشاهی می‌نماند. آیا واقعا اینطور است؟

تا اینکه در زمان محمدرفا شاه و پدرش سالها در سیاهچالها بچرم ما... در... حقوق دمکراتیک و حقوق مردم شکسته و رنج راحتمل کرده‌اند. این عده‌ها نمی‌توانند عامل برودانه باشند؟ این و دیگر همسره میدانند که آنها نیز مانند خلق بلسوج برای گرفتن حقوق دمکراتیک خود یعنی خود مختاری (آزادی فرهنگی) زبان، مذهب و... و سایر امور منطقه و دوا بر به شوراها و خلق یعنی شوراها و ادارات، شرکتها، سازمانها، روستاها، شهرستانها و ایالات مبارزه می‌کنند. شوراها را از طریق کاردانی و نیابت و مبارزه جویی بر علیه ارتجاع و عوامل ضد مردمی انتخاب می‌کنند نه اصل و نسبی‌گویی و بندرک و غیره. آنها نیز مانند خلق بلسوج میخواهند که عوامل مخرب، ارتجاع و ضد انقلابی که بر علیه مردم سیالیا بنا رژیم شاه سابق همکاری کرده‌اند دستگیر و محاکمه ملی شوند. آنها میخواهند ارتجاع از شک قبلی خارج شده صحتی آن ارتجاع مردمی درست شود. از آنجا نیکه خواستهای خلق بلسوج با خواستهای خلق کسور یکسان است و مبارزات مشترک ما بر علیه عوامل ارتجاع (سرداران، خانها، زمینداران خود فریبته و غیره) و ضد انقلابی سدر اهلان است. هستند هنوز ادامه دارد، مردم مبارز بلسوج باید از مبارزات خلق کسور پشتیبانی نموده و هر نوع تجاوز و توطئه چینی را علیه آنها محکوم نمایند.

پیروز باد مبارزات صد امیرالرشید ضد ارتجاعی خلقهای ایسران

ناپود باد تجزیه طلبان مرتجع و ضد انقلابی در تمام ایسران

(سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان)

۱۳۵۸/۱/۲

پیوست ۲۹- اطلاعیه بامی استار (فداییان سیستان و بلوچستان) در باره خودمختاری

و ...

مزدوران و روشکسته امپریالیزم فئودال فئودالیسم در حالیه خانی بلوچ

فدائی می بنشد

امپریالیزم امریکا این دشتن تمامی زمینگان و خلیقا دست کرده و پستیان سرمایه داران به بی قیام شکو شکر ۳۰ میلیون ماه در زمین ها یکی از محضین مله های دشت پرورده خود شاه خائف را از دشت داران شاه خانی نگار که پیرا پادشاه کنگ امریکا سرنوشته ملت ایران را در دشت گرفت و طریقه داشت رنگی مردم و اقتصاد ایران را بجز منای نیاز خود و وزیران امریکائی انیس تنظیم کند . بر این ایسا شو لید گشاور زرق و شغفتن من با دست رو به تنای دی حضرت تا گندم و محصولات شدائی و صنعتی امریکا بگروین برسد . کشاورزان و کارگزاران ایران بی باید آواره و بیسگار و فقیر می شدند تا سرمایه داران امریکائی زمینشان بیسر بشود . تیند و مانیلم زیرین که کارگران ایران با عزت نا چیزی آنها استخراج می کردند به امریکا می بردند تا امریکا در عوض سلاجهایش را برای سرکوب اعتراض زمینگان ایران به شاه بفرستد . شاه این سر دهنه سرمایه داران ایرانی وابسته به امریکا برای حفظ جریان غارتگر زمینگان و ثروت خلق به با کله دشت خد خلیق و سواک و ژاندار مری و مزدوران ریز و پارتیشن دیگری چون خونین و اعتراضات حق طلبانه مردم را سرکوب می نمود و با کشتار و شکنجه و حبس گاه مین و جاذبه ترسین انبیا نیای مین نماه تا آگاهی را رشد داده و به چیلول می برداخت . در مناطقی عقب افتاده ای چون بلوچستان همراه با دانش و انبیا ریشری ، خوانین و روحانیون وابسته به دلیل داشتن نفوذ و شناخت روحیه مردم نقش مهمی در آرایش سیر شاه غارتگر و جلان و سرکوب محضین داشتند . آری در بلوچستان این خوانین بودند که نقش خستکی در حفظ خلیق شاه و سرمایه داران وابسته به امریکا بعهده داشتند و این خلیقا بودند که برای خلیات به خلق آستین ها را بالا زده ، گاه با فریب و سرنگه میانی یا تهدید و ارهاب گاه با بهم انداختن طوایف و زمانها قتل و کشتار می دادی حق طلبانه زمینگان بلوچ را در کتوفیه می کردند . این کاسه لیسان دولت که افسار شاه برای بی جانانین و آراکی و عقب ماندگی و بیسوادی مردم ما شدند به بهامری پیشرو بودند که حتی کارگزاران آواره بلوچ را که با جاور کتی و باربری و کارهای سخت و طاقت فرما در کربای چاهنگاه خلیق و شیخ نشینا عربی می رفتند تا خلق را دگی زن و فرزند خود را تهیه کنند ، راحت می گذاشتند و با چنگله و تهدید آنها را وادار به پرداخت باج سبیل و خراج سفرو عیاشی خود میکردند . همچنین دلایل بود که باج انقبالی در بلوچستان در صورت اعتراض و تظاهرات گسترده مید جان می فرآمد . سردی که سالها دست خوانین و دولت را با هم دیده بودند با نفسریاد از سرگشته سرخشان نترس خود را از این حیوانان حیسان ابراز بدشتند . انظار امرا شدند سر آری خلق بلوچ نسبت گشته گیری و انبیا توانی کابل آنها نبود ، خلیق بلوچ امیدوار بود دولت سیر دیده با بدشتگیری این مزدوران و هم دستان شاه از سرستان راحت میشد . اما انتظار نبود به ای بوی و امپریالیزم امریکا به از دست دادن شاه مسره جانها ز یاد داشت که سلاک طی و استقامت زنده و در دستگاه جدید با مور حفظ منافع سرمایه داران غارتگر شدند . بدین علت بود که ارتش تهیه خلیق شده سواک و بیره سازانهای ضد صردی شاه ترمیم و نو سازی شدند و سرگوب خلیقا و زمینگان که از شتم مسا و بیگاری و کزانی دست سیرتید آواز شده ، خلیقا و ریشرو دالسا با حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولت جمهوری ایسلا می جان تازه ای گرفتند . خوانین در بلوچستان با سفارش حدت ایلان بیلام خواهی آری و تیمار بدشتن نمایندگان اعزامی اسام توسط افسران مزدور شاه چون سرگرد نصیاتی صلح شدند و آرایه به به تشکیل گروههای تفنگدار برای خود برداختند .

در کتوفیه جمعه خان سیرلا ساری نهاده مجلس فرمایش شاه بلوچ بود اینکه چند پاسگاه را خلیق سلاح میکند از طرف اسام خلیقی طرفدار مستمعین رسماً تیره و میخندیده می شود و این تظاهرات حق طلبانه مردم زاهدان به گولاه بشی می شود از طرف امام اعلام میگردد . خلیق جان می تواند به سر زدگی خود برگشته به وظیفه خود عمل کند و بهتر است بگوئیم به وظیفه جاییوسی و سرسپردگی خود . اما خوانین که دولت را از قاش خود برده اند به این الطاف رانی نشده بر پایه ایله و تقاضای جدیدی برابر برین سیرتیدگرفتن سرتی خلیق بلوچ طرح نموده اند .



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۷۷

برای کسب خودمختاری و رفع مصلحت‌های ملی و طبقاتی و دولت‌خواهین را به اتفاق شیوه‌های نوین برای سرکوب جنبش یا انحراف و سوءاستفاده از آن‌ها داشته است.

خوانین غصب خلق خود را طرفدار جنبش جا زنده و برای تحریف خواسته زحمتکشان و خلق و همراه با مردم دعوی خود مختاری دارند که صد البته منظورشان از خود مختاری آزادی زحمتکشان بلوچ از قید فقر و مست‌نیت بلکه آزادی خوانین برای جیا و ول و غارت است. سرمداران جمهوری اسلامی نیز فکر می‌کردند با طرح دوستی با این می‌توانند از آنها درجهت سرکوب جنبش مردم استفاده کرد و حاکمیت ارتجاعی خود را تثبیت کنند. غافل از آنکه این مزدوران عزت‌پهتری پیش سلطان قابوس این مهره امپریالیسم در خلیج فارس و سرکوبگر خلق طاقت‌روهم دست‌شاپیدا کرده‌اند.

### سردم سپارز بلوچستان و نیروهای متروقی:

در شرایطی که هزاره مردم برای کسب خود مختاری و جبران عقب‌ماندگی‌ها روبه‌گسترش است و توطئه‌های امپریالیسم به کله‌کله داخلی آنها ایما و شجاعتی یافته است. بلوچستان بخاطر موقعیت مهم استراتژیکی اش بطوریکه در صدها سال از نفت جهان از دماغه خلیج فارس عبور می‌کند و نیز داشتن ذخایر عظیم نفت و اورانیوم و طلا و سنگساز و وجود نوکران آباد و بختی چون صرمولا داد و دکتر ملکزهی و محمد خان میراشاری و حاج کریم - بخش سعیدی و... چشم جهان‌خواران را بخود مشغول داشته است. دشمنان و غارتگران خلق بلوچ یعنی خوانین از ما هم‌چون با دولت‌ها و رعیتان سعودی ارتباط برقرار کرده و آثار گمنام خود را جهت توطئه و خیانته اعلام داشته‌اند. این اواخربا آمدن بختیار نوکر آمریکا به عمان و ملاقات با تنی چند از خوانین برای تائیدی و خلق بلوچ هم‌پیمان شده‌اند. سفرهای مکرر دکتر ملکزهی و علم‌خان جبارکی جهت اخذ انکانات تسلیحاتی و معااهده دکتر ملکزهی و دیگر مستعینان بهداری و بهزیستی استان در سقز و آمریکا در پاکستان و ورود ۳۰ نفر ساواکس از مومند جهت تعلیم به منطقه دشمنی نشان از عمق فاجعه و خیانته دارد. حاکمیت گنده و سا زمان دهنده خوانین در منطقه سرگردی از گارد متعلقه جاویدان است که گویا او را در غنسان مینابند. دیر وقت است که برنا به‌های تبلیغاتی نشان آغاز زنده و با فرستادن مبلغ در میان روستائیان و عشایر به توده‌ها می‌گویند به برادران محمد خان بپیوندید. همراه با آن یک میلیون دلار مقداری آذوقه و مهمات جنگی و عکس‌های از مبارزان تایوانی در حال تمرین عملیات نظامی و جریقی در یکی از کوه‌های اموران بزمین ریخته‌اند و خوانین نیز دست‌بفروش زمینها زنده و بطور عملی به انبار آذوقه و مهمات می‌پردازند.

### خیلیک سپارز بلوچ:

سالها شقت و رنج و درگیری و آوارگی و نابرابری اجتماعی و عقب‌ماندگی بلوچستان نقش اجتماعی و ضد خلقی خوانین و سرمایه داران و دولت‌حسابی آنها ثابت کرده که زحمتکشان و خلقها فقط به نیروی آگاهی و اتحاد خود می‌توانند از یسورش جدا و نگران رهایی یافته و بلوچستان آباد را در داخل ایرانی آزاد و مستقل بنا نهند. رفت و آمدهای نیابت‌داران دولت مانسسه استاندار انقلابی بلوچستان و فرمانده واند امری نزد خوانین از جمله محمد خان مانورهای نظامی آزاد خوانین در منطقه و بخش آنها توسط دولت و سرکوب خلق کرد توسط ارتش و اندامری و خوانین و پاسداران و قیاده وقت و تیراندازی بسوی صیادان زحمتکشان در انزلی کارگران بیکار تهران و اصفهان و سایر شهرها همگی گواه این حقیقت است که این حکومت و سرمایه داران وابسته و خوانین ایشان در یک جوی می‌روند و منافقان با ضایع زحمتکشان و خلقها در تضاد است. در بلوچستان نیز جنبه زرگری بین خانها و جمهوری اسلامی از طرف دولت برای سرکوب خلق و از جانب خوانین برای سوء استفاده از جنبش سردم و گرفتن امتیازات بیشتر از دولت برای خودشان است. زبانی که زنان و مردان و کودکان بلوچ با فقر و نداری بسز می‌برد و هر جوانی که توان داشت در گوشه‌ای از ایران یا شیخ نشینها بدنبال کاری گشت و خوانین نظیر محمد خان یا در محیط‌ها و گره در شاه (مدیر فریاد) مشغول بلعیدن و دروغ گفتن بودند یا با تمام حب آب و زمین و کسان و اجیر کرد.

- ۳ -

زحمتگان بلوچ به خیانت خود در بلوچستان می پرداختند و اکنون که مبارزه برحق مردم اوج گرفته بیشتر مانده ادعای طرفداری از مردم و جنبش میکنند. اما لاف نه ما چه رژیم جدید کا ملانشان داد که این دولت نه طرفدار زحمتگان بلکه همانند رژیم طاغوت علاءزما به داران غارتگر حمایت میکند. زمانیکه در کردستان خلق دلبستر کردندی گلوله های ارتش امریکائی به قربانند می کل فراموشی قرار میگیرند و قیاده وقت و دار و دسته بارزانی ایمن مزدوران رسوا و شناخته شده امپریالیسم و از طرف جبران وزیر دفاع جمهوری اسلامی و جلاد خلق کردیها دولت اسلامی خوانده میشود. بارزانی و دار و دسته اش همانها می هستند که به پادشاهان غیانت به خلق کردیها نشان درگاههای عالیپایه کسب کرده اند.

ما از زحمتگان و خلقهای سراسر ایران می پرسیم آیا شما داران جمهوری اسلامی به پشتوانه همکاری با این جا سوسا و وجود عناصری چون جبران و تیمسار فلاحتی و بنا کر و ظهیرنژاد این زنیانها ی ارتش شاه ادعای طرفداری از ملت ایران و مبارزه با امپریالیسم دارنده آنها آنها به پشتوانه کثرت و حشمت نه خلقها و کارگران ایران ادعای طرفداری از مستضعفین دارند ؟ آیا در واقع آنها شرعاً و زیر پوشش اسلام از سرما به داران و امپریالیستها دفاع میکنند ؟ عواقریبها ی حشمت خاکه و اصل ل غصب کارگری و غصب خلق آنها مخصوصاً سرکوب خلق کرد برای تمام زحمت گمان ثابت نبود که ریشه امپریالیسم و سرما به داران بزرگ و مزدوران نشان را فقط و فقط کارگران و خلقهای تحت ستم با اتحاد و مبارزه مشترک خود میتوانند از جا بکنند.

خلقهای سراسر بلوچ :

خوابین سگان دست آموزی هستند که وفاداری خود را به نیروی که برای شان لقمه پرتاب کند ابراز میدارند. سلطن با نیک که آنها لقمه های جرب و ترم امپریالیستها را به سفره نیمه خالی و فقیرانه خلق بلوچ ترجیح میدهند. آنها همچون حشمت خاکه فریبکار روحانی سرما به داران نه زحمت کشیده اند تا ستم رنج و زحمت را بداندند و نه دلشان برای آنها سوخته است. خلق دلبستر بلوچ نه گول جادوچنها لهای حشمت خاکه را میخورند و نقدی به خوش رقصهای و جبهه عوش کردنیان خوانین امضا می دارد.

خلق بلوچ همانند سایر خلقها و زحمتگان و همراهم با آنها با آگاهی و اتحاد خود مبارزه برای کسب خود مختاری و رفع ستم طلبانسی ادامه داده و نه به عواقریبیان جا کم و نه به مزدوران و رشکته ای چون تا بوس امپریالیسم دهای حشمتی و ایمازه میدهد تا سرازه حق طلبان را به انحراف بکنند.

نمایند توطئه های امپریالیسم و ایادی مزدورش  
سرگ بر عواقریبیان و ساژنگاران  
ستحکم با د پیسوند مبارزاتی خلقهای ایران

پامی استار - نمایان سیستان و بلوچستان

گلشیر از هسته هواداران استار

پیوست ۳۰- اطلاعیه انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ

خواهران و برادران عزیز بلوچ

همه این موضوع را میدانیم که زبان و ادبیات بلوچ در اثر خفقان فرهنگی عصر سفاک پهلوی در حال از رفتن بود و اکنون که شرایط بهتری فراهم شده باید مانند سایر خلقهای ایران (کرد، ترکمن، ترکو...) برای ترویج و اشاعه زبان و فرهنگ خود کمر همت و پیندیم. برای آغاز کار انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ به زودی نشریه‌ای که حاوی مطالب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ادبی است منتشر خواهد نمود. از همه محققان، نویسندگان، شاعران و افراد علاقه مند تقاضا می‌شود برای احیاء زبان و فرهنگ بلوچی از همسگاری و مساعدت دریغ نرورزند.

انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ

پیوست ۳۱- نامهٔ جامعهٔ آزادی خواه بلوچ به معاون نخست وزیر در امور انقلاب

معاونت نخست وزیر امور انقلاب  
بلوچستان

بسمه تعالی

با مشاهده اعلامیه کمیته تبلیغات حزب اتحاد المسلمین که ضد انقلابیون را به سه گروه تقسیم کرده بودند ما را یان داشت که شمائی از گروه دوم ( سرداران ساواکی ) را با توجه بمشاهدات چینی بازگو کنیم و وجدان خرد و صمیم مردم بلوچ را که سخت از عملیات ننگین و یلید این گروه جریحه دار میباشد - تسکین دهنم باشد که به عمت و مجاهدت شما روحانیون انساندوست و سایر مقامان ذیصلاح و با وجدان مردم بی پناه بلوچ نجات پیدا کرده بدانند که شما حامی این زالمصفتان خون آشامانم خان نیستید - بدانند رژیم موثر شده اسد اعظم و خزیمه ملتو غیره وجود ندارند .

۱- در گذشته برای بهره برداری و گرفتن امتیاز از دولت وقت جوانان بلوچ را بجان هم انداخته وقتیکه یکدیگر را بکشتند و خون میکشیدند به توفیه جناب سرداران آنها را به شیخ نشینها فراری و سپس برای اینکه پاداش و مقرری خود را از ساواک دریافت دارند گرفتار میدادند که فلان جوان بلوچ برای تعلیم چریکی به عراق و لیبی و یمن رفته که از ناچارا پس از سه تا چهار سال با بران مراجعت و بنا به سنت دیرینم برای دفاع از خود یک تیفه اسلحه بهمراه میآورد و جناب سرداران با این شناخت خود را اسد اعظم رسانده و اعلام میکرد که عدای چریک تعلیم دیده برای بمزدن اسرار حکومت با بران آمده اگر اجازه دهند آنها را تحویل دهنم بلافاصله این ناندانی را بمشرفین میبرسانند و حضرت سردار یکنگ ساواک بلوچ بدبخت ساده را اقبال یابیکه تو اسلحه خود را تحویل بده و بگو من تعلیم چریکی دهنم بمتو مقرری ماهیانه ۵۰۰۰ ریال از ساواک داده میشود او نیز با سادگی که دارد و با اعتمادی که از سالیان دراز بلوچها نسبت بخان دارند میدیزند . ملاحظه میفرمایند با این اعمال شریک دزد و رفیق قصابان هستند . . . . . ۲- نبل از انجام انتخابات کشتاری راه انداخته و یکنگ ساواک عدای بلوچ بی نگاه را بخوان قاتل اسیر و با رسیدن بمقدت ارباب خود اسد اعظم اعلام میکند امنیت را در مذاقسه بوجود آورده و او نیز بجان این دسیسه بازو او را بمنوان نماینده مجلس با بهمن مردم ساده تحمیل میکند آری این بود زندگی روزیه جناب سردار روزیم سابق و اما برای اینکه در رژیم فعلی جایی برای خود پیدا کند از چه حربههای استفاده میکند ذیلا ملاحظه میفرمایند .

الف- با نقشه قبلی کریم بخش سعیدی و بهمن بارکزایی نمایندگان قصابی مجلس - میر مولد سردار رژیم با مشورت علم میاکی و ابان الله مبارکی و محمد میرلاشاری مراد سیدانتهور را در چابهار بگروگان گرفته در قبال ۵۰۰۰ زارتومان و با نقشه و دسیسه ارفین او را آزاد و سپس پولها را با کسری حدود یکصد هزار تومان پس میدهند که در نتیجه با این اقدام نشان میدهند دزد ما با

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۸۱

۳  
مخالف ولی ما قادر به کنترل و دستگیری سارقین هستیم و صاحب قدرت می‌باشیم .  
چند نفر بناهای رسولیعیان و امتحان از عوامل مملکت مبارکی پدرخانم آقای ابراهیم مبارکی  
معاون استانداری و امان‌الله مبارکی در کنارک، افراد بی‌گناه را بقتل رسانیده از آنان باج میگیرند  
و طلب مبارکی برای لوث کردن قضیه وانمود میکنند که سارقین با او مخالف و از ترس برزاهدان آمده در حالیکه  
در تقسیم پول با سارقین شریک هستند .  
در بودن پسر شیخ عبدالهی برسپله آبادی بهین بارکزار، و چند تا اضرات وادریمانی بهین  
بسیار کسب و کاری پر از زودی آزاد میشود نمیدانیم با این شرح کانتگری بازی چاسبی باید  
گذاشت آیا این ایهت شرط مسلمان و در کجا اسلام چنین گفته شده و آیا همکاری با انقلاب و جامة مسلمان  
دعوت است بهر حال چون افراد بلوچ انسانهای قانع و <sup>شاعت</sup> صلح هستند چنانستکه لکه ننگ دزدی -  
بدان بلوچ با شرف و با وجدان که همیشه از دزدی نفرت داشته و سلب سردار که از سرسپرنگان رژیم  
مبارک است بچسبند از این رو خواشمنند است هرچه زودتر آنانرا دستگیر چون مانع باشید برخلاف  
آنچه میگورند آنان خوب تو <sup>مالی</sup> پیش نبوده و مرکز پایگاه مردمی ندارند .  
استند ما در رژیم مراتب را بر غیر انقلاب اعلام تابرای رهایی مردم از اضطراب و نگرانی با ایجاد  
امنیت و تقویت نیروهای انتظامی دستوری صادر فرمایند و اگر مصلحت میدانند اجازه دهند مردم  
بسیار برای دفاع از حقوق و ناموس خود مسلح شده مانع کلیه  
خوارین را به سر جای خود نشانده و تحویل عدالت اساسی خواهند داد تا <sup>بسیاری</sup> اعمال  
مستقیم <sup>بشوند</sup> .  
چنانکه همه آزاد و <sup>خوار</sup> به بلوچ

پیوست ۳۲- نامه دانشجویان سیستان و بلوچستان در دانشگاه مشهد به امام خمینی

کدپیما

تاریخ: ۳۰ خرداد ۵۸ \* بسمه تعالی \*

حضرت رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی

احتراماً "بادرود و سلام فراوان دانشجویان سیستان و بلوچستان دانشگاه مشهد  
عمرویی میدارم: با توجه به اوضاع و احوال ایران و اقداماتی که از طرف دولت اسلامی در  
مملکت صورت گرفته تاکنون نسبت به استان سیستان و بلوچستان که دارای موقعیت جغرافیایی  
خاصی است هیچ گونه اقدامی انجام نگرفته است، لذا ما دانشجویان بنا بر رویه وجدانی  
و اسلامی مان مسائلی چند را در مورد این استان که یکی از عقب افتاده ترین منطقه های  
ایران است و مردم آن بیش از سایر مناطق ایران زیر ظلم و ستم ارباب و حکام ستم پیشه  
بوده اند یاد آوری می شویم، امید داریم که دولت اسلامی توجهی نموده و به ندای خلق  
محرور و مستضعف این منطقه پاسخ مثبت دهند.

۱- با توجه اینکه نظر دولت اسلامی تصفیه عناصر ناپاب و عمال رژیم منفور  
پهلوی در سراسر ایران می باشد، متأسفانه هنوز در این استان بخصوص منطقه سیستان،  
سایگی ها و عمال رژیم سابق بدون هیچگونه درد سری به زندگی خویش ادامه می دهند و  
بیشتر کسانی که در رستهای مهم اداری بوده اند هنوز نیز بر تومن مراد سوار و هیچگونه  
اقدامی از طرف کمیته ها جهت پاک سازی و تصفیه صورت نگرفته است.

۲- مالکان و خانهای که برای سالهای متمادی دسترنج کشاورزان و دهقانان  
را به یغما برده اند و بر جان و مالشان سلطه مطلق داشته اند اکنون نیز از آسایش  
و آرامش هر چه بیشتر برخوردارند و درآشفته کردن وضع منطقه از هیچگونه دسیسه ای  
فروگذار نیستند.

۳- راههای شهریه روستا که مهمترین مسئله حیاتی برای روستائیان منطقه میباشد  
در تمام استان مشکلات زیادی بجا آورده و باید در اولین فرصت این راهها احداث شده و  
حداقل شن ریزی گردد. ضمناً باید افزود که یاسگاهها تا این ناحیه بین از حد تضعیف  
گردیده و هیچ کتلی از طرف این مقامات اعمال نمی شود و احتمال توطئه و ورود اسلحه  
از نواحی مرزی این منطقه حتی است، لذا تقاضا داریم به این جنبه از کمبودها بیشتر  
توجه شود.

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۸۳

۴- با توجه به سوابق تاریخی سیستان کما این ناحیه انبار غله ایران بشمار می‌آمده و استمداد کثرت هرگونه محصولی را داشته‌بودارد، برای بهبود وضع کشتا کوزی این منطقه مسئله اساسی تهیه و تامین آب منطقه است و بر اساس تحقیقاتی که انجام شده تنها راه - ممکن حفر پناه عمیق می‌باشد و همچنین تامین آب حیاتی منطقه و احیای قنوات و کانال - کنی در سطح استان و مسئله دیگر ابروی است که به علت از بین رفتن جنگلیها و نبودن آب ناچس ناپودی رسیده است باید خیلی سریع مورد بررسی قرار گرفته و از این لحاظ احیاء شود .

۵- کمبود دبستان ، دبیرستان کلاسهای آموزشی فنی در سطح شهر و روستا های این استان مشاهده میشود . پیشنهاد می‌کنیم کلاسهای کوتاه مدت جهت آموزش جوانان و تامین نیروی انسانی در استان به صورت انقبالی انجام پذیرد .  
۶- عدم بهداشت کانی هیپارستان در قضبات و دهات و کمبود آن در شهر های استان مشاهده میشود .

۷- احتیاج به پزشک متخصص با امکانات لازم .

۸- چاره جوش برای دهات و روستا های که در مسیر شن های روان قرار دارند .

آنچه در فوق ذکر شد فهرستی از نیازمندیهای اساسی و احتیاجات مردم این منطقه می‌باشد که در صورت کوتاهی دولت جمهوری اسلامی احتمال از هم پاشیده شدن رشته حیاتی مردم این ناحیه میان از بین می‌رود . ما از دولت جمهوری اسلامی که حامی زحمتکشان و مستضعفان است . استدعا داریم که برنامه فوق را به صورت انقبالی بوسیله نیروی جوان در منطقه پیاده نموده و جامعه ای را از پرهشانی و اندوه نجات بخشند .

۹- مادداستوریان سیستان و بلوچستان آگاهی خود را جهت هرگز با تقدیم احترامات :

اتحاد و عمل انقلابی در کنار همگامی با دولت جمهوری اسلامی دانشجویان سیستان و بلوچستان مقیم مشهد

دانشجویان سیستان و بلوچستان

۱- بودمست جهت اقدامات لازم به هماهنگی کمر آیت الله طالبانی  
۲- هم استادان سیستان و بلوچستان برادر دینی نارنجی

پیوست ۳۳- اعلامیه‌های اتحاد المسلمین در مورد رفتارندوم

خبرگزاری اخبار در مسقط شماره ۹ ژانویه و ما  
دشمنه خبر اتحاد المسلمین  
۰۰۱- تاکنون اساس لایحه مواظبت مذهب تشیع و بدین ترتیب حقوق مذهبی  
مردم بلوچستان و سایر مناطق سنی زمین را کلاً نادیده گرفته است  
و در این کشور که پیش از زمان جمعیت آن را پیروان اهل سنت  
حکایت میدهند امری است غیر قابل قبول به علاوه این امر  
با دستورات دین حسین اسلام که در آن برابری و برادری  
و اتحاد از ارکان اساسی میباشد متضاد دارد \*

۰۰۲- تاکنون اساس حقوق ملی از جمله حق خود مختاری داخلی مردم بلوچستان  
و سایر خلق ملی مسلمان را نادیده گرفته است و این در کشور  
که پیش از زمان جمعیت آن را این احترام حکایت میدهند امری غیر  
قابل قبول است  
۰۰۳- در دوران طولی تاکنون اساس بلوچیه به ویژه تشیع علاوه  
بر ایجاد تشیبه مخالفان برای اکثریت کورستان و آن است  
و ملی کشور دستاورد یک نام را بر مسلمانان رویم گذاشته  
انجام نموده و آن نام مذهبی است و آن چیز است که واقعاً  
صفت نا پذیر است \*

اول



۰۰۴ مردم بلوچستان اعتقاد دارند که تا زمانی که در کلیه امور مربوط به خود دخالت مستقیم و گاهی دخالتی نداشته باشند بر طرف شدن تا بسا ماضی‌ها و رشد اقتصادی و فرهنگی و اقتصادی امکان پذیر نشواید بود و آنگاه به تازگی و تا اکتانته و تا اکتانته ما صرفین مرکزین بیکسیر از واحیات متلکه ای همچنان ادامه شواهد دادند .

۰۰۵ ما ضمن محکوم نمودن سیاست های طرفه انگیزانه متاهات استان که در چند ماهه اخیر به اوج خود رسیده است ، از شما میخواهیم با توجه به اینکه کلیه اعتبارات جامعه اهل سنت و مردم بلوچ در این رفتارندوم حرکت نشوایند کرد در رای گیری و شمارش آراء از هر گونه عملی که نتیجه با واحیات ترکیب جمعیت مالا بقدر نداشته باشد پرهیز نمایند . همچنین در تماس سطحی که واحد خیر مرکز زاهدان با مولوی عبدالعزیز رحیمو مذهبی اهل سنت بلوچستان داشته است اینان گفته مردم از من شواهد و من هم بیکسیر از حرکت مردم تمیحوایم بیکسیر و این التاسیه را تاخیر میکنم .

لی



در جنوب شرقی ایران دو قوم سیستانی و بلوچ زیست میکنند. در شمال، منطقه سیستانی‌ها بسا زبان سیستانی "دوی و سگری" مذهب شیعه و ناسیونالیزم شدید ایرانی، و در جنوب منطقه، بلوچها با زبان بلوچی "یکی از زبانهای ایرانی" و مذهب سنی حنفی و ناسیونالیزم جوان و دوآتشه بلوچی. هر یک از این دو قوم تاریخ ویژه خود را پشت سر دارد که عجالتاً "وارد بحث آن نمیشوم و بنماینم تدرکثایت میکنم که تقریباً" در طول تاریخ تفرقه تضاد بین این دو قوم وجود داشته است که در بسیاری موارد به مراحل جاد برسیده است. کاری به این عوامل تضاد تاریخی هم ندارم زیرا از حوصله اینس مقال بیرون است. این تضاد هم اینک وجوددارد. هر چند حکومت مرکزی ایران میخواهد در جهت وحدت ملی آنها ملایم کند ولی از آن رو که بلوچها خواستار از بین رفتن این تضاد در جهت بلوچسبی و تفرقه قوم بلوچی بر سیستانی‌اند، سیستانینا سعی میکنند این تضاد را دامن بزنند که اگر جز این باشد ماهیت قومیشان در خطر تحلیل در بلوچیزم است. برای اثبات این نکته که بلوچها چه نقشه‌های پنهان و آشکاری برای بلعیدن سیستان دارند و حل کردن قوم سیستانی در فرهنگ بلوچی هم دلایل فراوان است که فرض را بر این میگیرم که خواننده متوجه آن هست و وارد بحث نمیشوم.

می‌بینیم که با همین اندک، یک مسأله روشن میشود و آن تضاد درون منطقه و بین سیستانی و بلوچ است. این تضاد از سوی سیستانی‌ها در بعد دفاعی اش مطرح است که سیستانی بلوچ نشود، و از سوی بلوچ در بعد تعرضی اش که هرچه زودتر سیستانی را بلوچ کرده یا از منطقه کوچ دهد و ترکیب قومی را یکدست و فرهنگش را یک پارچه بلوچ کند.

حال برای اینکه دولت مرکزی بخواهد در این بین دخالت کند بسته باینکه دولت مرکزی بخواهد در کدام جهت اقدام کند راههای مختلفی است که عجالتاً "اگر فرض کنیم دولت بخواهد بدادسیستانینا که زیر آوارهای نیز ناسیونالیزم دو آتشه جوان و عظمت گرای بلوچیزم له میشود، برسد اقدامی زیر را در کوتاه مدت و بلند مدت باید برای جامعه سیستانی انجام دهد.

۱- روشن کردن وضع آب هیرمند برای سیستان، هم با قرارداد مطمئن با افغانستان و هم بسا ایجاد شبکه‌های دقیق آبیاری در این منطقه و در نتیجه عمران سیستان که اعتماد بقای اینس قوم در منطقه است.

## رادیو تلویزیون ملی ایران

(۲)

۲- چون اکثریت ۹۵ درصد جامعه سینمایی کشاورز و دام‌دارند و اکثرشان از سینما مهاجرت میکنند، نا سروسامان یافتن کشاورزی و عمران سینما، دولت طرحی پیاده کند که کلیه سینماییهای کارمند، ارتشی و فرهنگی را برای حفظ تعداد قرا به سینما و بلوچستان منتقل کند.

۳- در بخش خصوصی و مشاغل آزاد با آنکه مثلا "۴ درصد جامعه" زاهدان، سینمایی است دولتیهای رژیم گذشته کلیه بازارهای ساخته شده از سوی شهرداری را صد درصد در اختیار بلوچها گذاشت و با این کار هم بلوچها را بشمال استان پیش راندند و هم برایشان قدرت اقتصادی فراهم آوردند که سرانجام منجر به قدرت سیاسی و منطقی هم شد. این وضع عرض شد. قدرت اقتصادی و سیاسی بلوچ باعث شد، کارمندان و مسئولان خود فروخته رژیم گذشته برای بنای پستیهای خود امکانات بوروکراسی خود را در اختیار بلوچها قرار دهند و به این ترتیب بوروکراسی استان هم شد، بوروکراسی در اختیار بلوچ. بمیزان مثال ۵۵ که سینما را آب برد، برای کمک به سیل زدگان سینما ۴ میلیون تومان بول اختصاص یافت، اما استاندار وقت آقای منیمی بدون دلیل ۳ میلیون تومان آنرا به بلوچهای بلوچستان داد و چون سزا اعتراضی سیل زدگان سینما روبرو شد آن یک میلیون را هم به بلوچها داد. این وضع در دولتهای انقلابی اصلاح شود.

۴- در مناطق سینمایی نشین و در سینما، روحانیت بلوچ سخت تلاش میکند نفوذ کند و این درحالی است که روحانیت شیعه در آن مناطق هیچ برنامه دناعی و حتی هیچ آگاهی دناعی ندارد این وضع بسیار خطرناک و قابل توجه است.

۵- رژیم گذشته علنا "به بلوچها، بجای کمک دادن و زندگی سازی، باج به بدترین معنی کلمه میداد. به قشر چماق دار بلوچ، حمل ناچاق را باج میداد و بد روشنفکر و کلاسی دیده بلوچ، باج بوروکراسی پست‌های دولتی را میداد. و برایشان رابطه مستقیم با دربار بوجود میآورد و حال آنکه سینما تنها با چندین برابر سواد آموخته خود درکارهای عمرانی اداری خدمت میکند و از آنجا که در حسن رفتار خود با بلوچها این وضع را نمی‌توانستند تحمل کنند، ناچار از منطقه مهاجرت میکردند و در نتیجه در جامعه سینمایی قرار منزها سریعتر از سایر بازوها شد. حکومت انقلاب سعی کند از این پس مسئولیت‌ها را به لیانت‌ها بسپارد و نه به

(۳)

قبیله‌ها، با این حساب جامعه روشنفکر سیستانی حتماً "به سهم عادلانه خود و سازنده خود در منطقه خواهد رسید."

۴- سعی شود در بلندمدت سیستان با شهرهای زابل، زاهدان و نهبندان (که در سال ۱۳۱۴ از زابل مجزا شده و جزو بیرجند شد) و احیاناً "خاستگاه استان مستقل سیستان" و بلوچستان با شهرهای ایرانشهر - سراوان - بمپور - چابهار استان مستقل بلوچستان را تشکیل دهد.

۵- فئودالیزم سیستان که بر اثر نگاه علمی جامعه سیستان بسوی سرمایه‌داری (و یا بعقیده من بسوی فوج‌گرایی و بهم ریختن نظام قبیله‌ای در هیچ چیز جایگزین آن نشدن) و برای حفظ قدرت خود نیرویی در درون خود حس نمی‌کند به فئودالیزم بلوچ وابسته شده است و این نوعی خفتان قومی و تسلط پنهان بلوچیزم را بر شئون جامعه سیستانی بوجود آورده است و باید با حمایت از روشنفکران سیستانی که آگاه به این امر هستند آنها را به مرور جانشین فئودالهای وابسته و خائن کنیم و سعی شود اینها الگوهای آینده سیستان باشند.

۶- روشنفکران سیستان یا بهتر است بگوییم دوس خواننده‌هایشان شدیداً "دچار اویوچونیزم به بدترین معنی و گسترده‌ترین معنی کلمه‌اند و به همین جهت چندان در کار ملت سازی جامعه سیستانی موفق نیستند. باید در نجاتشان از این وضع کمک کرد. برای ابتکار عقده‌هایشان را در تجربه نکردن بستهای دولتی از آنها زدود. روابطشان را با روشنفکران و ملت مردمان مرکز زیاد و نزدیک کرد و از انزوای سیاسی و فکری درشان آورد.

۷- این وضع برای روحانیت سیستان هم وجود دارد، بافانته اینکه رتائیت‌های آخوند ما بانه هم در اینجا روند قبح‌گرائی بدی را تشدید میکند، با یک برآورد معنوی از روحانیت هسته‌های اصیل این قشر همانند و الگو سازی شوند.

۸- از لحاظ سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی به سول عظیم جمعیت سیستانی در سیستان افغانستان توجه شود رژیم گذشته سعی داشت اسمی از سیستان افغانستان برده نشود یعنی از آنجایی که ناسیونالیسم ایرانی پشت به نفع حکومت مرکزی ایران وجود دارد، در عوض بزرگ‌گرایانها

## ۳۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

### رادیو کویپون ملی ایران

( ۴ )

درباره بلوچستان پاکستان راه میانداختند یعنی درباره جایی که شدیداً فد ایرانی‌اند و اغواگر.

۳- تقریباً پایگاه قومی و ملی سینتانیها ملت ایرانست، درحالیکه ایرانیها نه سینتانی را درست میشناسند و نه از آن حمایت میکنند. مساله سینتان و اینکه سینتان واقعا " سنگر تشیع و فارسیست و ایرانیست است در زمینه فکری ملت ایران قرار گیرد.

#### تضاد منطقه با حکومت مرکزی :

منطقه علاوه بر تضاد درونی خود، یک تضاد بیرونی هم با حکومت مرکزی دارد. این تضاد از سری جامعه سینتانی مطرح نیست و جامعه سینتانی برعکس عامل تخفیف و مسامحه است. نفی این تضاد است. عامل اصلی و منحصر بفرد این تضاد بلوچها هستند و برای اینکه این تضاد روز بروز از حدت و شدت بیافته و با یانجام حدت و شدت مساله ساز نباشد باید توجه کرد کسبه از آنجا که یکی از اصول پیروزی در تضادهای اجتماعی برای گروههای متضاد امکانات مأمور است. باید ببینیم بلوچها چه امکانات مأموری دارند که باید نداشته باشند. بلوچها اولاً " مرز بلند بالای بلوچستان را با پاکستان دارند، بدون محافظین راستین مرزیانی، ثانیاً " مرز قاجاق را دارند و از این مرز علاوه برجنس قاجاق و غیر ایرانی فکر قاجاق و آموزش قاجاق هم به منطقه میآوردند و ثالثاً " از مرز دریائی جای فعالیت اصیل اقتصادی و تولیدی فعالیت قاجاق ( جنسی کالا) فکری - سیاسی - نظامی ) میکنند و باید کاری کرد که این وضع جلوی گرفته شود. برای اینکار:

- ۱- در چاهبهار صید ماهی و ... دریایی مورد توجه قرار گیرد.
- ۲- در برابر راه آهن کویتی - زاهدان که بلوچها را در دست از نظر بازار، وابسته به پاکستان کرده است، راه آهن زاهدان - کرمان و راه زاهدان - خراسان و احتمالاً " راه آهن و یاراه چاهبهار مشهد هر چه سریعتر ساخته شود.
- ۳- مرزهای بلوچستان شدیداً " کنترل شود اگر نه مثلاً " هر چه در بلوچستان ایجاد کار کنیم باز بلوچهای آتسوی مرز به ایران میآیند و دیری نمیگذرد که بجای سیمدهزار بلوچ در بلوچستان ایران یک میلیون بلوچ خواهیم داشت. این تنها یک مورد خطرناک است.

۴- طرحی تهیه شود که برآثر آن از حیث فرهنگی ، جمعیتی و سیاسی ، بلوچیا به قلمسب بلوچستان بلوکه شوند و نه برروال گذشته روز بروز چون سیل ملخ به اطراف پراکنده شوند و هر روز ادعای ارضی روی منطقه‌ای از سیستان و یا خراسان بکنند . برای اینکار مرکزیت سیاسی ایران شیر برای استان مستقل بلوچستان آینده ضروریست .

۵- متاسفانه هم روحانیون و هم فئودالها و هم تحصیل کرده‌های بلوچ شدیداً "ناسیونالیست" بلوچ‌اند و بویژه تحصیل کرده‌هایشان .

با واگذاری مسئولیت‌های چشمگیر به تحصیل کرده‌های بلوچ در مناطقی چون آذربایجان و لرستان کار نکنیم که این گروه را که در جهت ایجاد بلوچستان بزرگ گام بر میدارند با طیب‌خاطر خودشان از منطقه دور کرد و بجایشان مسئولین ملی بگذاریم .

بعد پس از مستحکم کردن مرز و ایجاد تعادل قوای قومی در منطقه معادن بلوچستان شناسایی شده دست به اکتشافات و استخراج آن بزنیم و بدین وسیله ایجاد کار و رفاه برای جامعه بلوچ بکنیم تا روابطش با خارج کمتر و حتی قطع شود .

۷- همه میدانیم که تاکتیک همیشه ترفیض‌دوگرو تجویزات است و از این حیث بلوچچیسبباً تجویزات‌شان ماشه‌اله بوسیله رژیم گذشته تکمیل شده است ، برای لغو تجویزاتشان اولاً " به هر نحو ممکن است یک خلع سلاح عمومی در بلوچستان صورت گیرد ثانیاً " امکانات مانور آژاندا در دو سوی مرز گرفته شود .

۸- تاجاق برای جامعه بلوچ هیچ کاری نکرد ، اکثریت کپر نشینان بی چیزند ، فقط فئودالها بدر تازه‌ای برای زندگی یافته‌اند و سرگردنه بگیرها و آزابین راه خیلی هم پول دارند و بر اثر قدرت اقتصادی بقدرت سیاسی هم رسیدند . هر آن جلوی تاجاق را بگیریم جلوی رشد فئودالیسم و باند تاجاق را گرفتاریم و نه جلوی اقتصاد نودوینج‌رصد جامعه بلوچ را تاجاق حتمی بزداری را برانداخت ، باغ و باغچه‌داری محقر بلوچستان را هم از رونق انداخت ، ایسن اقتصاد وابسته ، منحصر به باند و نه قومی ، منحط و ساله‌آفرین را ریشدک کنبد .

۹- پروژه‌های سدسازی بلوچستان و کارخانه‌های سیان و ... بقوربت دنبال شود . تکرار می‌کنیم مرزها و سرشماری هم کنترل شود .

## راوی تلویزیون ملی ایران

( ۶ )

- ۱- ایجاد کانونهای کارآموزی کنکارگر ماهر و فنی در منطقه پرورش دهد ، حتی از وجود دانشگاه در منطقه ضروری تر است تا بتواند جهت فعالیت مردم را از قاجاچیگری به کارگری بکشاند . باین امر مخصوصاً " در جنوب بلوچستان توجه شود .
- ۱- حتی المقدور سعی شود از بلوچهای انگشت شمار خراسان و گرگان نامی بهمان نیاید که این عمل مساله بلوچ را در این دونا حیه هم بطرح میکنند و این همان چیز است که مینگران و تشنگنان بلوچستان بزرگ به آن راغب اند .



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۹۳

### پیوست ۳۵- گزارش دوم رادیو - تلویزیون ملی در باره سیستان و بلوچستان

رادیو تلویزیون ملی ایران

—۱—

بسمه تنالی

مختصر آشنایی با بلوچستان

بلوچستان سرزمین بسیار وسیعی است دارای مناظر طبیعی گوناگون کوهستان ، کویر جلگه ، جنگل ، باتلاق ، . . . . . برخلاف آنچه مشهور است این سرزمین وسیع در مجموع مستعد برای کشت تقریباً " هر نوع محصول است . هم اکنون با وجود عدم اقدامات لازم برای بهبود و رشد کشاورزی محصولات گوناگونی در بعضی نقاط آن به عمل می‌آید که خود نشانگر تنوع شرایط جغرافیایی و استعداد شایسته زمین برای فلاحت است . بروج ، برتنال ، گندم . . . . . و مقادیری میوه‌های بومی علت اصلی تعطیل بارکرد کشاورزی در این منطقه نبود عامل آب است حفر قنوات تقریباً " موسوم نیست و با امکان پذیر نمی‌باشد . از آب چشمه با چاه به زحمت استفاده میشود که در مجموع به زحمتش نمی‌آورد مگر چه مقدار زمین را میتوان با دلو آبیاری کرد؟ البته خوانین توانسته‌اند با حفر چاه‌های عمیق و تبخه عمیق و با استفاده از موتور اراضی نسبتاً " وسیعی را کشاورزی کنند . در هر صورت نویدی از کشاورزی بلوچ را به سوی دامداری با استفاده از مراتع طبیعی کسه عمویا " چیزی جز خوارستانی‌های گسترده نیست سوق داده است . تا قبل از پیاده شدن سیاست‌های سرکسویب کننده پهلوی ، بلوچ گرسنه ناچاراً " قانع از این جهت که دقر جز لاینفک زندگی بلوچ بوده عادی ششده و بلوچ خود را به آن خو داده است و راهزن و دزد بود . پس از اعمال آن سیاست‌های سیاه کار قاجاق نیز بطور وسیعی بدان افزوده گشت .

شکل رایج زندگی اجتماعی شان قبیلگی و طایفگی بوده است . هنوز تنوع خانیا بطرز چشمگیری بوجود است . علت اصلی گرایش بلوچ بسوی قریانگاه خان نیاز شدید به حمایت است وگرنه اگر احساس کند کسه خانش فاقد قدرت لازم برای دفاع از خود و حمایت از اوست آنقدر دلبری و کدورت و منق در سینه دارد که بتواند به آسانی قلمه قلمه‌اش کند . براین اساس خانیا عمویا " برای کسب قدرت لازم و نشان دادن قدرت سلطه‌گری شان به دولتیا از هر گونه که ممکن بوده وابستگی های عمیق داشته‌اند . هرگاه دولتی به هر علتی حمایتش را از خانیا دریغ میداشت تنیا سیاستی که همواره این طاغورنکهای بی‌رحم برای جلب توجه دولتیائی که در ذی‌نفع بودند بکار می‌ستند همانا ایجاد اغتشاش ، دزدی و از میان بردن امنیت بوده است . با ظهور ناامنی دولتیای برای بازگرداندن امنیت باین دلیل که خانیا افراد راه بلد و ذی نفوذی هستند دست مسدد بسویشان دراز میگردد است . غافل از اینکه پیدایش اینگونه ناامنی‌ها بدست خود خوانین خود دلیل روشنی بر غروب سلطه‌شان است و نشان باری است از حذف شدیدی که از زوال و قدرشان و بدسبال آن پاکنده شدن

## رادیو تکویر نیون طی ایران

۲-

اطرافیان و حامیانشان در آنها پدید آمده است. دولت فعلی ما نیز در دام همان نیرنگ مرسوم و همیشگی خزانین افتاده است. بیایند ۵ تا خان را در شهرهای مختلف بلوچستان در ملا عام به دار آویزند همه آن منطقه آرام خواهد شد. البته حالا قدری دیر شده است روزهای اول انقلاب تقی خان ریگی در بدر دنیال یک قبضه تفنگ میگفت که بتواند تنها جانش را آتیم در مقابل یاران خودش حفظ کند و امروز گرهائی مچیز به اسلحههای مدرن در اختیار دارد. ریحیمک زردکوهی روزهای اولی که از زندان گریخت در مقابل درگذشتن از انتقامی که مدعی بود از حریفش خواهد گرفت یک قبضه کلانکف دریافت کرد و قانع بود که بتواند از خودش دفاع کند و امروز عامل همه قتل و غارت ایرانشهر است.

باید توجه داشت که سیستم اجتماعی خانی سب گسترش بیشتر شهرنشینی و کنشاندن بلوچها به فئالکسی و فردوری در شرکتها و ادارات و شیوع ناچاقی که بطرز اعجاب انگیزی پیشه و فقر درآمد این و آن میشه نسبت به گذشته شکنندهتر و آلوده سقوط است.

روحانیت زیاد نفوذ معنوی خود را از دست دادهاند تا آنجا که میتوان آموزش یک دانش اجتماعی انقلاب اسلامی را به آسانی اعمال کرد. ( عدهای از خانها وکیل مجلس و حتی سناتور بودهاند البته انصافاً " و سر طبق مصلحت) زبان معمول در بلوچستان بلوچی است که با لهجههای مختلف ادا میشود از آن میان بلوچی ایرانشهر مرسوم و پختهتر است.

زاهدان مرکز اداری بلوچستان است که البته بلوچها که در عمق منطقه قرار دارند این شهر را طبق اصطلاح خودشان "ایران" میگویند. در زاهدان اقلیتی بلوچ وجود ندارد به تدریج به اعناق بلوچستان نزدیک میشوند از تعداد نارسها بر تعداد میگذرد. از زاهدان (۱۰٪ بلوچ) به سوی جنوبی ترین مناطق بلوچستان که میرویم از خاش (۳۰٪ فارس) ، ایرانشهر (۲۰٪ فارس) و بالاخره به بندرجاهدینار میرویم. قسمت شرق ایرانشهر بطرف پاکستان شهر سراوان و قصبات زابلی و سرماز وجود دارد که حر اندکی زارع بزدی کلا " بلوچند جز این تعدادی ده و کورده است که در این مختصر اشاره‌ای به آن نمیکنم. بلوچها بخاطر برآورده ریادی گسه با پاکستان دارند تقریباً " همه به اردو مسلطند. در سواحل دریای عمان عربی خلیج نیز تکلم میشود و اصولاً زبانشان.

## رادیو تلویزیون ملی ایران

۳۲

با عربی آمیخته است .

مذهب غالب سندن حنفی است . اقلیتی شافعی ، مالکی و حنبلی نیز یافت میشود سطح فرهنگ پائین و مذهب به سختی با جاهلیت به معنای گسترده آن آمیخته است .

بلوچیا غالباً " مسلحند ، بجداشت صخر .

راهها و روابط

بلوچستان اصولاً " به کمبود ، بلکه فقدان راه دچار است تنها راه آسفالتی که چیزی از دایر شدنش نمیگذرد راهی است که زاهدان را از طریق خاش و ایرانشهر به بندرچابهار مرتبط میکند و ایرانشهر را به بم و کرمان شاه را نخستین بسیار موارد رضایت قاجارنجان را فراهم کرده است . آنرا شاه راه میدانند و شکرگزار دستگاه پهلوی اند .

روابط بلوچستان با سایر نقاط ایران جز قاجارنجان که مرتب در رفت و آمدند تقریباً " در حد صخر است . اصولاً " روابطشان با خارج از ایران به مراتب بیشتر از روابطشان با داخل کشور میباشد . چرا که اصولاً " و از آنجا که نیازمندیهایشان به علل فقدان راه و نبود امکانات لازم از خارج و بخصوص پاکستان تامین میشود دلیلی برای رفت و آمد به ایران ندارند . در برخی نقاط بلوچستان پول رایج روپیی پاکستانی است و کلیه نیازمندیهایشان را از این کشور تامین میکنند . میزان سختگیری موزی از سوی پاکستان برخلاف سایر کشورهای هم‌جوار بسیار کم میباشد .

برای روشن شدن چگونگی روابط بلوچستان ایران یا بلوچستان پاکستان کمی از بلوچستان پاکستان می‌گوئیم .

بلوچستان پاکستان

۱- از نظر وسعت بزرگترین ایالت از ایالات چهارگانه پاکستان است .

۲- از نظر جمعیت کمترین ایالت ( ۵ میلیون طبق سرشماری ۱۹۷۵ ) .

۳- از نظر تاریخی تا قبل از نفوذ انگلیسیا جزو خاک ایران محسوب میشده خوانندین آن خراج‌گزار از شاهان اسیران بوده‌اند ( آخربشان نصیرخان ) .

۴- پس از تسلط انگلیسیا بر آن منطقه دارای یک حکومت خانی تحت نظر انگلیسیا تا ۱۹۳۷ ( سال استقلال پاکستان ) بوده است . در این تاریخ با قراردادی که بین خان ناراجندخان و محمد علی جناح رهبر پاکستان منعقد

## راوی پرتکونین ملی ایران

—۳—

شد بلوچستان به پاکستان پیوست .

۵- عدم رعایت مفاد قرار داد از طرف پاکستان باعث ایجاد اختلافاتی و دولت مرکزی پاکستان شد .  
۶- جریانات ناسیونالیستی بشدت و سرعت رشد میکند در حال حاضر یک ناسیونالیسم متشکل در بلوچستان پاکستان وجود دارد .

۷- در انتخابات گذشته در زمان بوتو حزب عوام ملی در دو ایالت بلوچستان سرحد برنده شد سینرچو رهبر حزب به فرمانداری کل پاکستان رسید و حکومت ایالتی را تشکیل داد که بعدها به کمک رژیم شاه با انجام تجزیه طلبی منحل و سران آن دستگیر شده و به زندان افتادند .  
۸- گروههای مدافع این دارای محبوبیت زیادی در بلوچستان یا پاکستانند هر چند جوانان بلوچ زیاد درهما آنها را سازش کار میدانند .

۹- در مرکز ایالت دانشگاه کوئینه وجود دارد که از جمله رشتههایی که در آن تدریس میشود زبان و ادبیات بلوچی است . زمینه سازی برای تدریس بلوچی در مدارس نیز شده است . دانشگاه کوئینه بیش از ۱۰۰ کتاب به زبان بلوچی به چاپ رسانده است این شهر در دسترس بلوچهای ایرانی است بطوری که بسیاری خود را برای مداوا به آنجا میبرند .

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۹۷

— رادیوگوریزپون ملی ایران —

« ۱- در کراچی که حدود یک میلیون بلوچ که غالباً ایرانی هستند در آن سکنی دارند نشریات گوناگونی به زبان بلوچی منتشر میشود که از آن جمله میتوان اوسی ، سوکات ، زمانه ، بلوچی ، دویمان ، بلوچی دنیوا . . . . . را نام برد .

### نتیجه

- ۱- بلوچستان پاکستان نسبت به بلوچستان ایران از تجربه و آگاهی سیاسی بیشتری برخوردار است .
- ۲- بلوچستان پاکستان نسبت به بلوچستان ایران از سطح فرهنگ بالاتری برخوردار است .
- ۳- زبان بلوچی " " " " از غنای بیشتری بهره‌مند است .
- ۴- " " " " ازرقاء " " "
- ۵- بلوچستان پاکستان با بلوچستان ایران علتهای مذهبی ، زبانی و قومی دارد .
- ۶- حرکت و مهاجرت قوم بلوچ عمدتاً از ایران به پاکستان است و نه بر عکس ( فقط در مورد بلوچها ) این مطلب را میتوان در نقشه زیر بدین صورت ترسیم کرد .

## راویولوگولوون ملی ایران

این مطلب در مورد سیستان به عکس است.

بازهم راجع به بلوچستان ایران

۱- بلوچ ها دارای اجتماعات بسته هستند و با سایر ایرانیان نجوشیده‌اند این مسئله بسیار حساسی که بصورت قومیت‌گرایی خطرناکی امکان ظهور دارد جز آنکه دارای ریشه‌های تاریخی است (کشتار بی‌رحمانه بلوچ‌ها بوسیله رضاخان و بعضی هنوز بیاد آن ایام از " " بدل دارند) به علت عدم مهاجرت اهالی سایر استانهای باین منطقه و جوش خوردن و هم شدن در بومیان بلوچستان است . دلیل شده این عدم مهاجرت دوری و فقدان راه و عدم وجود یا ایجاد تفریح‌گاههای جلب‌توریست میباشد چنانکه بلوچ‌های شهر زاهدان بلوچ‌های مثلا " سراوان از نظر آمیزی با فارسها فرق بسیار دارند لازم به تذکر است که جمعیت زاهدان تشکیل شده از اکثریت مهاجرین زابلی ، بیرجندی ، کرمانی ، یزدی و ... و اقلیت بلوچ .

۲- بلوچستان آماده پذیرش یک ایدئولوژی انقلاب است این ایدئولوژی که در شرایط کنونی نقش بنفوائد نوعی ناسیونالیسم قوی باشد که بوسیله توطئه گران ساواک و خوانین دامن زده و با از طریق بلوچستان پاکستان وارد شود .

۳- افرادی از قبیل نقی شیرام و اویسی آخلور که تابع است در بلوچستان دیده شده اند .

۴- بلوچستان به استثنای زاهدان بکلی از جریانات انقلاب به دور بوده است ( حتی در زاهدان مجسه شاه ۴ روز بعد از پیروزی انقلاب آهنگ شانه به زیر کشیده میشود ) . ارتش و پلیس نیز نه در زاهدان بلکه در تهران تسلیم می شوند . افسران پلیس و شهربانی نه تنها از انقلاب تبرئه اند بلکه غالبا " ضد انقلابی اند . زاندارمری بسیار بسیار ضعیف و پرمشغول که عموما " بلوچ هستند هدست غارتگراند . بطوریکه مینران گفت در بلوچستان تقریبا " قوای انتظامی دولتی وجود ندارد . و بسیار هستند که هنوز حتی نمیدانند چه شده است .

۵- راه‌ها از نصرت آباد - راه کرمان و سفیدآبه - راه مشهد گرفته تا اقصی نقاط بلوچستان تا امن است . هر چه بلطف بلوچستان بیشتر پیش میرویم امنیت کمتر میشود . در روز مسافرت منگل و بر خاطرته و در شب حتی برای قاچاقچیان نیز غیر ممکن است .

۶- بلوچستان عملا " فاقد رادیو و اجولا " محروم از تلویزیون است اخبار را از رادیوی بی بی لندن می گیرند و از دهان شایعه پراکنان و مترقبین .

۷- مقامات دولتی فاسد و عاری از روحیه ، رفتار و آگاهی انقلابی و اساسا " همان توتران رژیم سابق هستند ( به استثنای چند نفری که جدیدا " انتخاب شده اند .

۸- جوانان انقلابی مایوس و روحیه شان را باخته اند . عدم تغییرات انقلابی و اساسی در دستگاههای دولتی و

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۳۹۹

### راوی تلویزیونی ملی ایران

-۷-

آزادی قائلین و جفاک بدستجای بلوچ، آنان را از عاقبت کار ترسانده است .

پیشنهاد میشود .

۱- ارتش در بلوچستان به سرعت و به شدت تقویت شود .

۲- از پخش اسلحه با وساطت هر کس و هر عنوان و به هر طایفه ای که باشد جدا " خودداری شود ، آنها که اسلحه می گیرند و طوایفی را مسلح می کنند آنطور نشان میدهند و قول میدهند که سرو صداها را از طریق خود بر میان می خوابانند یا خوانین خائن اند که شریک دزدند و میخواهند رفیق قافله باشند و یا افرادی هستند دارای سابقه سوء و صاحب پرونده های خدمتی در ساواک که بدین وسیله میخواهند هم بر روی گذشته شان با خوش خدمتی برده بکشند و هم اینکه با منتقد کردن خود یا قرار گرفتن در راس یک عده مسلح ، دولت را وادار کنند که در موردشان اغماض کند .

۳- قائلین اصلی ، جفاک داران واقعی و مقصرین بحق دستگیر و مجازات شوند ، ناگفته نماند که اکثری که به عنوان جفاک بدستان ایران شیر اخیراً " در زاهدان محاکمه شدند آشوبه که در کبفر خواست خوانده شد بدبختیهای آسمان جلی بودند که جرمشان دزدیدن دو عدد خودکار بیک ، یک شیشه مربا و دو عدد باطری ری او واگ بوده است . اساساً میتوان گفت که هیچک از خائنین ، قائلین و جفاک بدستجای بلوچستان با اینکه همی میشناسند دستگیر نشده اند .

۴- در ادارات دولتی و سازمانها تصفیه و پاکسازی اصولی انجام گیرد و اکثریت قریب به اتفاق مدیران کل ترکران مخلص رژیم سابقند با چهره های رسوا و سابق سوء آن اندکی هم که میماند اگر پاک هستند در عوض آنقدر بزدل و بی لیاقت اند و آنقدر از کف دادن فیرشان میترسند که جرات نمی کنند دست به سیاه و سفید بزنند . مدیران رسوا که دارای سابقه دزدی و خیانت هستند باید از کار برکنار و مجازات شوند جای نالایقها را هم هر چه زودتر نایسها بگیرند .

۵- دولت نباید در بلوچستان بدام این شکار بیفتد که حتماً " پستها را می بایست بوسها بگیرند بسیاری از-

پستها هست که نمازی به بومی بودن یا نبودن ندارد هم اکنون نیز اکثریت مقامات استان غیر بومی هستند .

ضمناً " طرح شوراهای ایالتی و ولایتی در این منطقه فعلاً " نامسک است زیرا از هم اکنون روشن که همان شخصیت های بلند و خائن دوباره سرکار خواهند آمد دولت باید در این منطقه دست به انتماب بزند و نه انتخاب از طریق شورا .

۶- به موازات مطلب شماره ۵ اقدامات رفاهی را محداً " و سریمها " شروع کند و در این مورد پیشنهاد میشود .

الف - ایجاد شبکه های راه

ب - به زیر کشت بردن اراضی بی کرائی که قابل کشت اند . همانطور که گفتیم مسئله اساسی کمبود آب است کسسه

## راوی تلویزیون ملی ایران

—۳—

که میبایست در درجه اول جاه‌های عمیق و نیمه عمیق حفر شود.

در این مورد پیشنهاد میشود.

الف- ایجاد شبکه‌های راه

به- بزرگ‌گشت بردن اراضی بی‌کرائی که تاویل کشت‌اند همانطور که کفتم مسئله اساسی کمبود آب است که

میبایست در درجه اول جاه‌های عمیق و نیمه عمیق حفر شود.

ج- کنترل شدید بزرگا و بستن راه تاجاق نا اهالی محصور شوند به کشاورزی روی آورند.

د- ایجاد امکانات ضروری رفاه خصوصا " دریا نگاه و بیابانستان و امکانات بهداشت.

ه- توریستی کردن شهرهایی مثل بندر جاه بهار یا جنگلهای دلکان و جاه هاشم . با اطراف دریاچه جازموربان

و . . . . . برای جذب سایر هموطنان به آن مناطق و بعثت کاستن از انرژی و قومیت کرائی بلوچها .

ث- برای این منظور میتوان خط راه آهن جنوب شرقی را که از تیران تا کرمان رفته است به زاهدان و جاه بیسار

کشید . این همه می‌تواند امکان کار را برای خیلی از بی‌کاران آن منطقه نیز فراهم آورد .



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۰۱

پیوست ۳۶- گزارش سوم رادیو - تلویزیون ملی در باره سیستان و بلوچستان

دولت نوقت جمهوری اسلامی ایران  
نخست وزیر

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_

جناب آقای مهندس هاشم صباغیان  
وزیر کشور

حسب الامر جناب آقای نخست وزیر فتوکپی نامه شماره  
۲۳۱/۱۶۷/۸۴۵ مورخ ۱۳۵۸/۵/۱۰ سازمان رادیو تلویزیون  
جمهوری اسلامی ایران و ضمیمه آن پیرامون مسائل استان سیستان  
و بلوچستان و همچنین خلاصه گزارش تهیه شده در زمینه فوق الذکر  
جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی لفا ایفا میگردد.

۲۹۴۷۰  
۱۳۵۸/۵/۲۲

ابراهیم حکیمی  
رئیس دفتر نخست وزیر

رونوشت با ضمیمه فتوکپی نامه های فوق الذکر جهت استحضار جناب  
آقای دکتر چمران معاون نخست وزیر در امور انقلاب ایفا میگردد.

ابراهیم حکیمی  
رئیس دفتر نخست وزیر

## ۴۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۰۳

۳- ضمن پاکسازی دستگاه‌های دولتی از انتخاب‌افراد بومی و بی‌واری از طرح شورا‌های ایالتی و ولایتی در منطقه خودداری نماید که مسبب روی کار آمدن افراد پلید می‌شود. (انتصاب بهتر است).

۴- اقدامات رفاهی و حفر چاه عمیق برای آبیاری زمین‌های قابل کشت و تشویق اهالی به کشت به جای قاچاق از طریق مبارزه با آن.

سیستان:

قوم سیستانی با مذهب شیعه و ناسیونالیسم شدید ایرانی با قوم بلوچ با مذهب سنی حنفی و ناسیونالیسم جوان و دوآتشه بلوچی در تضاد همیشگی بسر می‌برد. تضاد ناشی از این امر است که قوم بلوچ سعی می‌کند سیستانی‌ها را در خود حل و یا از منطقه کوچ دهد و رژیم گذشته با تمام توان در خدمت بلوچ‌ها! این تضاد در ادامه زنده است. چنانچه دولت بخواند به داد سیستانی‌ها برسد اقدامات زیر ضروری است.

۱- روشن کردن وضع آب هیرمند برای سیستان از طریق قرارداد دی مظمین یا افغانستان و ایجاد شبکه آبرسانی در منطقه. ۲- با توجه به اینکه ۹۰٪ جامعه سیستانی کشاورز و دامدار می‌باشد دولت برای تعادل کارمندان سیستانی خود را بسته منطقه منتقل نماید.

۳- ضمن تقویت سیستان‌نیها در زاهدان (بخش دولتی و خصوصی) برنامه‌ای برای مقابله با نفوذ روحانیت مهاجم بلوچ در قیاب سیستانی تهیه گردد.

۴- تحصیل کرده‌های سیستانی که در مقابل بلوچ‌ها تاب مقاومت نیاورده اند از منطقه مهاجرت نموده اند با بستن آنها را تشویق به کار در منطقه نمود.

۵- ملت ایران بعنوان تنگنا یا پنگا قوم سیستانی با بستن آنها را بیشتر شناخته و تقویت نماید.

تضاد منطقه با حکومت مرکزی

عامل اصلی تضاد منطقه با حکومت مرکزی جامعه بلوچی باشد. داشتن مرز بلند با پاکستان و دریا سبب قاچاق کسالا و فکر کرده بده است. مبارزه با قاچاق به شکل آن اشره مطلوبی دراز بین بودن تضاد خواهد داشت. برای این منظور با بستن:

۱- مرزها را دو کنترل شدید قرار داده.

۲- در منطقه با ایجاد کار و جلوگیری از پراکنده شدن بلوچ‌ها به ایرانشهر مرکزیت سیاسی داد.

۳- منطقه با پستی خلق سلاح عمومی شود.

۴- پروژه‌های عمرانی به غوربت دنبال شود و پس از شناسایی معادن به استخراج آنها پرداخت.

۵- ایجاد کانون‌های کارآموزی برای پرورش کارگر ماهر از ایجاد دانشگاه همیتر است.

تجیه خلاصه - ابراهیم کنگانی

۵/۸/۱۷

۴۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۳۷- نامه نمایندگی حزب جمهوری اسلامی در زاهدان به امام خمینی

گروه ۴  
ریزی - (انام نوی)

بسمه تعالی

حزب جمهوری اسلامی زاهدان

تاریخ: ۱۵ / ۳ / ۱۳۵۸

سوق نخست ذی قعدة ۱۳۵۸

حضرت مفسر رهبر انقلاب و امام خمینی سید المرعین بطریق تقاضا - روز شنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۸ - اعلیٰ لاریان در  
روز شنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۸ - دولت حزب جمهوری اسلامی

روز شنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۸ - این بیان روحیه و حسین در شرایط پیوسته  
پس از تقدیم مسودات، جهت نظر و اقدام

خدمت شما به نفع و از نظر امنیتی بررسی شده است. اینجانب نظریه تقریباً در ماه ذی قعدة ۱۳۵۸  
معمولی آن بوده است و بارها به مقامات مسئول گزارش داده و کسب تکلیف نموده ام. نتیجه آن  
در روز شنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۸ این است: با تمام حساسیتی که دارد (مردم حزب آن) در بعضی  
مردمان دنیا - خصوصاً جوانانی که وجود ندارد. در نوع جنسیتی مشرب الی و مقامات  
در این حقیقت و شکاف امنیت تا آنجا دارد. در تمام منطقه حتی بازار زاهدان  
محل این مشکل جزیره و جزیره می شود. در صورت بازگشایی این اوضاع به نفع و یا نبودن  
مشکلات است. جهت نظر و در نظر در زاهدان که نهاده است. در ضمن دیدن تاریخ محتملی است.  
امامی نیز در کسب تکلیف است. در تمام سالها را عزیز فرزندان روحانی اعرای و هم انزل  
فرزندان اعرای که تمام جنبه سیاسی است، مورد هجوم قرار داده اند و خنده اشرا و ما را در این  
یک برهان کوچه " دوری جزیره یک طبع بافرزندان این " مستبدان می خوانید. آثار سیاسی  
نوی - در نظر توجه به سوی جزایرتان که در آن نگه دارند. و تمام اعرای و نیز " سرعینی " که  
که سران را گزارش میدهد. " تمام نامه شخص حقوقی به استحضار رسان می کنیم " که سرعینی

خانواده پارتی خیز ۳۱ خانواده پارتی نمونه دومی بر نوسون حاکمیت ثابت قدم بوده و  
از گذشته جنبه‌ها بسیار عریض  
حکومت را بر سر استوار کرده و با  
کامراند و با باطنی استوار  
در چهره‌ها بر سه خانواده مطهرین شیعی «مردی» رجوع کرده و خانواده «مردی» و «مردی»  
و «مردی» را در میان راستین تشیع در میان آریان خاسته و راه برده‌اند و رجوع  
کرده و به شدت آن‌ها را استوار دارند. و بلاخره نمانی موجود سبب رجوع پارتیان و  
منطقه را تا اوستری است - با توجه به گزارشات فزون جلوه با حضور نام نهاد و کسب جنبه پارتی  
نهادان و نه پارتی‌گان پارتی انقلاب تهران (۱۳۰۲) - حضور رئیس پارتی‌گان در گشت فرماندهی  
سر هسنگ صالحی رئیس ناحیه ژاندارک استان و در معانی تشکیل شد و پس از بررسی امر در این معیار یک بر  
ضروری برای حفظ امنیت منطقه پیشنهاد کردید که اکنون از آن تمام منفعی تقاضا می‌نمود.  
انجام اعزام صد اقل پافهرو (۵۰۰) ژاندارک انقلاب (تأسیسات) و آمارگ پارتیان (برای کمک به پرسنل  
ژاندارک پافهرو (۲۰۰) پارتی و غیره در استان و تا این امنیت هرستان را نگاه برای کمک به پرسنل  
۲۰۰ تا این صد اقل (۲۰) دستگاه و وسیله شد و (صد پارتی) برای گشت در پارتی پارتی  
۳۰ تا این صفت مورد نیاز این و سایر (۲۰) دو روز و سه روز هلی کوپتر برای کنترل منطقه  
(۵) حکم احتمال افراد که بر این پارتی حضرت گرسیری یا پارتی دیگر تا حضرت در منطقه را اندازند -  
ری داده استیا رنگ رنگی تا این حضرت در این استان را دارند یا تقسیم بر این در پارتی پارتی و پارتی  
۱ زمین رفعت (۷) کم کردن طول حضرت در منطقه گرسیری  
(۸) مشق نمودن یک گردان نظامی در این ژاندارک گردان در پارتی پارتی و پارتی (۸)  
هر پارتی پارتی

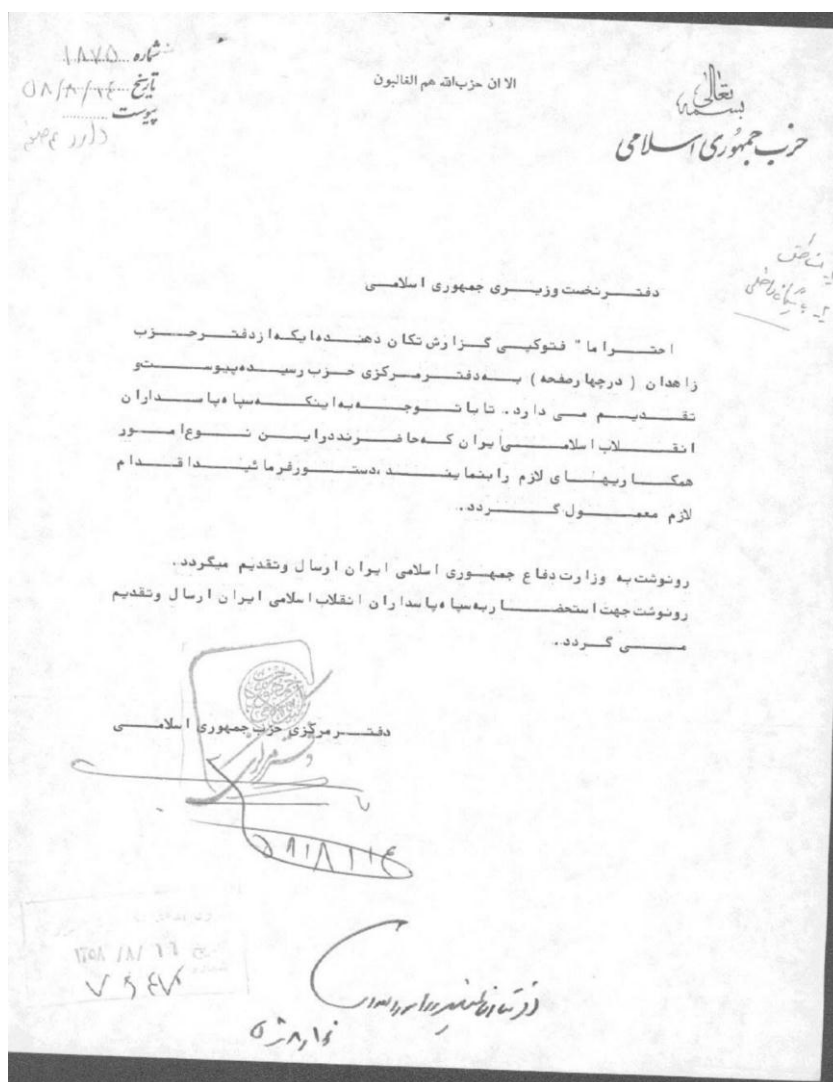
وزود بدفتر نخست وزیر  
۱۷۰۱ / ۲۲ / ۹۶  
۳۴۲۶۶  
شماره نقش راهان ۸۰۸

حزب جمهوری اسلامی  
مرکز نهادان  
سیستان و بلوچستان

مهر پارتی پارتی

۴۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۳۸- گزارش تکان دهنده حزب جمهوری اسلامی دفتر زاهدان درباره قاچاق کالاهای ضروری



بسمه تعالی  
شماره ۲۱۵  
تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۸۷  
پهلو

۲- قندهار و شکر بفرود فرقه اراره قندهار و شکر استان خراسان را می‌بیند فردی که  
می‌گوید نیز قسمت تمام آن بطور یکجا به عوامل دلال فرودخته شده، همین  
در مصیبت گذاشتن مردم از این کالا، تسخیر خراسان، خیانت بد که خود  
شکر و اراره با شکر (لازورد) انجام می‌دهند، ظاهراً سبب امر شکر می‌باشد  
سیر اراره قندهار استان است که شکر اسلامی و سوزن و سوزن می‌باشد.

۳- مرز شرقی و جنوبی استان چغندر، سیستان و بلوچستان باز و هم‌گانه  
بوار خوراکی و غیر خوراکی و لوله و سوزن و با نظارت و کنترل بسیار ضعیف  
اعیان شکر (محصول زاهدان) که از این راه می‌روند و شکر را به سیستان  
فرستاده شوند (اسلم، حسین، سوار خنده بطور کلی - افسان و چایا و سگار  
و ... از این راه می‌روند) سوزن و سوزن سیستان و لوله و سوزن از صنعت  
نسله، بلوچستان، پاکستان و اردو و پاکستانی که بین استان در افسان و چایا  
در استان سیستان و بلوچستان و بلوچستان پاکستان از این راه می‌روند و سوزن  
تعمیر و ... سوزن و سوزن سوزن سوزن  
رای این حرف روشن نیست که چرا سوزن و سوزن از راه سوزن سوزن

بسمه تعالی  
 شماره ۲۱۵  
 تاریخ ۲۸/۸/۴۰  
 پیوست

ص ۱

خوابین و مزدوران رژیم نسیف گذشت دست برترکیب شان نوردود  
 فرماندهان نظامی منطقه نام سرکنتر استیسم که سرکوبی (اعتقادیون) را مستقیماً  
 در منطقه رهبری سفید و قتل در راهروان ستم شخص روحانی گذراست  
 دارگاه (اعتقادیون) نام سرکنتر حاکم طرلائی به عوام محکم غوره  
 بیداران اعزام و قاضی دوخته خیر با این بردن در مرکز وضع این  
 بنده و با نیز بان درم ایران معلق مانده است

بعضی ورود اسلام ورود سواد عمیق و بیگانه و غیره و ورود سواد سبک و اتوبیل  
 تعبیر کرد است زیرا بر دین پرستی عارفان که با همین سواد و اتوبیل با چاقی  
 ستیزانند سواد ستان و غلام خائن در خدمت ضد (اعتقادیون) روح فاسد از ایران است

لذا ضمن در خواست توبه هر چه بیشتر بپایه و مداران اعتقادی اسلام  
 بیان و چگونگی روشن شده وضع دارگاه (اعتقادیون) است که هنوز  
 حتی یک نو سواد را حاکم نموده و هر چه بیشتر تصفیه این منطقه  
 انجام گرفته خواستار ماحصل سلطنت است و هر چه بیشتر با ضد (اعتقادیون)  
 در مصنف با سکا هر روز از ایران منطقه و دیگران از ورود کاغذها



بسمه تعالی

شماره ۲۱۵  
 تاریخ ۲۳/۸/۵۸  
 حزب جمهوری اسلامی زاهدان  
 پیوست

برصورت و خروج کماالاتم خرم و غیر خرم از زمین اشکرا  
 آینه کردن ملامین، نیرین (معتبره دادان) و نفی به شکره ترین وجه  
 صحت حکم لازم است باطلای برسانم که از بدو تکیس بیاید، پس از آن  
 انقلاب اسلام استان - این بیاید که شرکت کامل ملاحظه ان بر خردار  
 و اسیر مردم با کثرت به بیاید بود رینیا نچم با صورت حکومتی که درود خجف  
 اجناس به بیاید پس در و ترازا درون (تفصیل شده) و کماالاتم نچم طلب  
 عامه خواهر شکر

ضمن آنکه در وقت انقلاب اصل اصولی که من می‌باشد و می‌باشد احزاب  
 سده حزب جمهوری اسلامی که صدر زنده طایف احزاب انقلاب عزیزان است  
 قضاضا دریم خورسته اریار شده فوق را که مورد ضرورت مردم  
 این منطقه می‌باشد سرینا رسید و به هر تمام رسول (عم از سوران) انقلاب  
 دولت وقت انقلاب و در صورت لزوم شخص (با) اعلام دیگران فریاد

با حق حکومتی

استان

۵۸/۸/۲۳

## ۴۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۳۹- نامهٔ حزب جمهوری دفتر زاهدان به دکتر یزدی در بارهٔ استان سیستان و بلوچستان



بسمه تعالی  
حزب جمهوری اسلامی زاهدان

ص ۲

و با احتمال زیاد این وابستگی‌ها و اکثریت انقلابی‌نمای امروز آن استان‌ها را ویران خواهد کرد.

۴- اکثریت کارکنان دولت را افراد غیر محلی تشکیل می‌دهند و در این میان با در نظر گرفتن فقر فرهنگی افراد بومی‌ها بیسوادند و با بهر صورت وابسته به رژیم سابق هستند. موثرترین با انقلاب در صدمه‌ها را کمی می‌بینند.

۵- دانشگاه سیستان و بلوچستان به مثابه "ای بک" دانشگاه تشکیل شده و نفر دانشجوی دارد. نکته قابل توجه اینکه برادران دانشجوی بلوچ مان با روح آزادی که در وجود هر جوان می‌باشد چون از نظر مذهبی بجز عده‌ای مولوی‌ها و اکی فراراه خویش ندیده و رهبران تشیع نیز اغصابی ساده‌اندیش و بیسواد هستند و در عوض محیط دانشگاه از زمان تدریس کسانی چون سیاه‌کسرها و در حال حاضر اغصابی دوآتشی‌تر و ناخشنود از ایمان جوی بسیار مساعد برای انحراف دانشجویان بوجود آمده حدود ۸۰٪ دانشجویان بلوچ به ما رکیست‌شدن سوق داده شده‌اند و با در نظر گرفتن فعالیت‌ها در منطقه تمام مطالب‌کذب و تهمت مرکز توسط جنایت و حرکت‌ها انقلابی از بوجود آمده و بیشتر طرح‌های نامردمی استان بنده است. جیبی در این مکان ریخته شده براساس منطقه منتقل می‌گردد و با در نظر گرفتن عدم خودبینی توده مردم از جمهوری اسلامی و پائین بودن سطح فرهنگیان هر گونه شایعه تهمت و مطالب‌کذب را فوری می‌پذیرند.

با اینکه سه چهار سال از عمر این دانشگاه نمی‌گذرد الان خطراتیکه در آینده‌ای نزدیک متنگیر استان خواهد شد بخوبی پیش‌بینی می‌شود. بلاصی که تمام طرح‌ها در پهنای مذهبی و با گول زدن مولوی عبدالعزیز و بخل و انداختن ایمان صورت می‌گیرد. ارتباط استبدادی با بلوچستان پاکستان و آمدن کمونیست‌ها از سایر نقاط کشور با این منطقه و تماس مستقیم با دانشگاه که جای خود دارد (نقش‌کردها در این روزها بخوبی آشکار است.

۶- با عرض معذرت هنوز برای این استان تصمیمات بلاغتی گرفته می‌شود یعنی مثال می‌بایست با سوادترین افراد چه ما مورین دولت و چه بخصوص مقامات فرهنگی اعم از دانشگاهی و با آموزش پرورش با این منطقه اعزام شوند ولی مثلاً برای دانشگاه آتای استان یا مدرک لیسانس و یا فوق لیسانس با ایده کمونیستی - با حقوق بین ۱۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ تومان استخدام می‌شوند و رئیس دانشگاه نیز شخصی بومی موقعیت پرست بی‌مذهب انتخاب شده و برادران خدمتگزار جمهوری اسلامی هستند.

۷- آمار برادران بلوچ از دبیران به بالا حدود ۳۰ نفر است که متأسفانه اکثریت آن در خدمت بلاغوت‌پر یکدیگر سبقت می‌جسته‌اند و اکنون برچمدان انقلاب در بند سر ایمان قرار دارند.

۸- جناب مولوی عبدالعزیز:   
خصی است نسبتاً "میان‌ترو طرفدار خلق مستضعفان و خان‌ها وابسته موقعیت‌پرست و ایمان‌امامی

بسمه تعالی  
حزب جمهوری اسلامی زاهدان

شماره  
تاریخ ۱۷/۱/۸۸  
پیوست دارد

هستند که بدنیا لامت خویش راه میروند و مهم برایمان چه است که امتا نتخاب کنند. و همانطور که اشاره شد امتا تا ن را عده ای مردم ساده و مؤمن و متعادلی متعصب و نا آگاه و عده ای قاچاق فروش و همدگی معمولاً بی فرهنگ و ناراضی از جمهوری اسلامی و بقیه که تعیین کننده جهت حرکت هستند نانجویانی در بوشی مذهبی اما تید جیبی و عده ای بلوچ با سواد رستاخیزی و ساواکی و عده ای انگشت شمار برایان تقریباً " رومینکر " با این تفسیر و اینکه مولوی را تا میردگان بجلو میرانند و اینطرن نیز آگاهانه و با نا آگاهان همکاری مستقیم دارند همین تیه خدای نکرده دولت با عورای انقلاب اندکی بیخ از آنکه ظرفیت ایمان هست توجه نمایند هته اینکه عزالدین ثانی ساخته عده بلکه چون ا به آن صورت حزب دموکراتی در مقابل ندارد آلت نسبت بسیار خوبی برای انجام حرکات شنا ن قلابی خواهد بود.

۹- با توجه بروحیه بلوچ که همانند گله گوسفند در مقابل قاطعیت اهل مبارزه نبوده و ترا ترا ترجیح میدهند در عوض با در نظر گرفتن روحیه مبارزه طلبی برایان سیستمی و اینکه بعد از پیروزی انقلاب این بنگته خودمان فلسطین ایران با تهمه عدا و میا رزائی که تقدیم انقلاب کرده بود با آن حوابق - تاریخی از رستم گرفته تا یعقوب لیث و ... بست فرا مویشی سپرده شده و مرتباً " در مقابل کردستان این با دکتک توجه ای بلوچستان ورد زبانه ها شد تا وقتیکه آقای امیر انتظام سخنگوی دولت موقت انقلاب اعلام نمود هبلوچستان آتی زیر خاکستر است و در جواب برایان بلوچ گفتند که کذب محض بوده و از آقای امیر - انتظام توضیح خواستند. و در روزنامه آیندگان تفسیرها و اخبار دست اولی از بلوچستان مرتباً " درج میشد و همه برنامہ در خدمت ارباب بزرگ آمریکا بودند حالیکه بزرگترین قدرت در هم کوبنده شنا انقلاب در منطقه هبلوچستان سیستم است و خودمان بهتر میدانند.....

۱۰- فعالیت نا دگاه انقلاب: یکی از مسائل مهمی که در روزها و اخیر باعث ناراضی سیستمی شده اینست که تا بحال حتی یک نفر از خائنین بلوچ بمحاکمه کشیده ندهد و بیشتر توجه نا دگاه انقلاب به خوانین زابل بوده که اکثراً " نسبت به خوانین و سردارهای بلوچستان از جرم کمتری برخوردارند و محاکمه و - ضبط اموال ايمان اکثریت سیستمی آنها را نسبت بدستان بدبین نموده و در سمایش علیه آقای پنی تاجاریان دانستان مستعفی استان و استعفا ای نامبرده سیستمی آنها نیز نقضی مؤثری داشتند و آقای دانستان در تعلق را نیرو تلویزیونی شان در استان گناه عدم نستگیری و محاکمه سردارها و خوانین بلوچ را بگردن شورای - انقلاب و دولت اناختند و گفتند با شناخت چها رماه شان محاکمه سردارها و خوانین امری بسیار ضروری فوق العاده مهم است و تمام توطئه ها زیر سر آنهاست و هیچ قدرت تودهای انداردنولی متاسفانه شورای انقلاب و دولت است که در این امر مهم سهل انگاری نموده و استا ندر نیز قاطعیت بخرج نمیهد.

۱۱- وضع نا ندر رمی ما رتس شهریانی و سپاه پاسداران: نظر پنهان حاکم بر منطقه که بنظر این حزب گروههای مختلف مردم بومی را با یقی با فراهم نمودن -

بسمه تعالی  
حزب جمهوری اسلامی زاهدان

شماره  
تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۰۸  
پیوست ۱۰/۱۰/۸۷

ص ۱

تسهلاتی برایشان آنها را با یک سفر طولانی مدت به شهرهای انقلابی ایران برد تا از نزدیک فعالیت‌های مردم انقلابی وطنان و آثار انقلاب و کیفیت مبارزات بر علیه طاغوت و اعمال ضد انسانی رژیم پلیدی پهلوی و مسائلی در این زمینه‌ها را از نزدیک مشاهده نموده احساس کنند که در ایران چه گذشته است و ما مورثین دولتی و نظامی بومی یا فکر طاغوتی پس از پیروزی انقلاب اکثریاً "با این منطقه منتقل شده و این یکی از خطرات جدی در استان است چون حس قبیله‌گرایی و قوم پرستی ایشان از احساس مسولیت و سرکوب شدن انقلاب محلی می‌چرید و بدین ترتیب چنانچه درگیری صورت گیرد این نیروها بهیچوجه مطمئن نخواهند بود و طرفی با انتقال ما مورثین ژاندارمری بومی از نقاط دیگر کشور با این استان و ما مورثین مستقر از زمان طاغوت که در برتو جمهوری اسلامی جلو ریفوتها گرفته شده است و قاچاق فورتها ن سرگردنه بگیران ضد انقلابیون و سارقین یا خویما و ندویا همسریشان است نمیتوان ائمان نمود که بهیچ وجه اینان در خدمت انقلابی مردم نبوده و در بعضی اعمال ضد انقلابی همکاریشان روشن است سپاه پاسدار که از بدو ورودش در زاهدان با استقبال نمایان باها و باها مورد تائید و پشتیبانی مردم قرار گرفته در منطقه بلوچستان نیز با بررسی‌ها نیکه ما از توده مستضعف مردم بعمل آورده ایم (تسردارها ن هویا بچه های تحصیل کرده بنیادها نماینده مردم) در قلب همه محرومان جای گرفته و شورای انقلاب و دولت با یتیمی بیسترتین اسکانات را اعم از هلیکوپتر ویا تایی جهت کنترل مرز جنوب هاسلحه همپات با قدرت تام در اختیار سپاه قرار دهد و خود سپاه نیز فعالیت‌های رفاهی خود را از قبیل تائیس فروشاهاها ی تعاضی در این منطقه محروم که گاه آرد مصرفی‌تان با تائیس فراوان میرسد ۰۰۰ اداغه داده تقش سپاه پاسدار طرفدار مستضعفان و انقلاب اسلامی بخوبی انجام دهد\*

۱۲- روحانی: گرچه تا بحال باها و باها به مقامات مسول در مورد اعزام یکنفر روحانی مبارز آگاه در سطحی که بتواند دانشگاه را نیز تحت نظارت داشته باشد اعلام شده باکمال تائسف هیچ اقدامی صورت نگرفته و برای با رفیگر اعلام میداریم که: استان یکنفر روحانی مسول ندارد مجوانها از مساجد گریزانند با زا رهبا و دیگر طبقات مردم نیز با مسجد بیگانه شده اند و با توجه بعدم آگاهی روحانیون از محیطو جا معه با رهبا برنما مها نیکه از جانب افراد مسول جهت پیشبرد انقلاب و رسوا نمودن توطئه‌های ضد انقلاب طرحریزی شده از طرف روحانیون که اکثریاً "بیسوا دهوا بسته وسادها ندیس هستند خشتی شده و ضد انقلاب نیز از این میان استفاده نموده گاه بنسبت همین عزیزان برنما مها بئرا با انجام میرساند \*

۱۳- آوزش و پرورش: آموزش و پرورش نیز با مقیاسی کوچکتر نسبت بنا ندگاه جولانگاه ضد انقلابیون و گروههای غیر خط امام شده و با اعزام یکنفر مدیرکل انقلابی با شناخت از فرهنگ استان با یتیمی نسبت به تصفیه افراد ضد انقلاب با سابقه پیش از ۲۰ سال خدمت و اعزام دبیرهای جوان مسلمان و مسول از سایر نقاط کشور

بسمه تعالی

حزب جمهوری اسلامی زاهدان

مک

شماره  
تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۵  
پیوست ۲/۲

چهره انقلابی بفرهنگ این استان داد و در غیر این صورت در آینده‌ای نزدیک دومین پایگاه چپی‌ها را آموزش و پرورش منطقه تشکیل خواهد داد.

۱۴- با توجه بنا امنی‌ها تیکه در استان وجود دارد ما\*مورین دولتی و آموزگاران بلوچستان محل خدمتشان را ترك و متقاضی انتقال به مركز استان شده‌اند.

۱۵- کمیود مواد خوراکی: کمیود مواد خوراکی بخصوص در منطقه بلوچستان مخصوص مباحثه نقش سازمان تعاون روستایی استان که در تمام نجات کوچک و بزرگ استان شعبه دارند از اهمیت خاصی برخوردار است و چون این سازمان در زمان شاه بجز فروش کالاها\*ی گیری از مردم جهت انتخاب فلان سردا ربنما بندگی سربرای زگیری ه خرید سترنج مردم و خلاصه شعبه‌ای از ساواک انجام وظیفه میتموده لازم است با در این سازمان تصفیه اساسی صورت دهند و یکنفر مسلمان مجرب در امر رساندن کالا به منطقه تعیین ویا فروشگاههای تعاونی سپاه پاسداران را بخصوص در منطقه بلوچستان را هرچه زودتر تا\*سپس و این امر بسیار ضروری در منطقه‌ای که فقر اقتصادی پیدا میکند و یکنفر نجاتی محروم ۵ کیلو روغن نباتی را ۸۰۰ ریال میخردند انجام دهند با تجربه‌ای که این دفتر حزب در رساندن مواد غذایی به نقاط دورست استان دارد توانسته اکثریتی از مردم ناراضی محروم را خشنود سازد.

۱۶- جهاد سازندگی نیز همانند سپاه دربین توده مردم موقعیتی کسب نموده و بهر صورت ممکن با یستی جهاد سازندگی استان را تقویت نمایند و ضمناً " برادران جهاد نیروهای مؤمن جوان ویا مجرب بجز این از نظر دورنما رنده‌ها یا اینترتیب را ندمان کار این عزیزان دوچنگان خواهند بود.

۱۷- را دیووتلوپزیون: را دیو و تلوپزیون در این منطقه بویژه بلوچستان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است مردم بلوچستان نه اینکه در انقلاب سهمی نداشته اند بلکه بعداً در پیروزی نیز در نا آگاهی کامل بسر میبرند. برای نمونه شهر مرزی سراوان را دیووتلوپزیون که هیچ‌را دیو سراسری نیز بسادگی شنیده ندهد و از نعمت تلوپزیون نیز برخوردار نیستند و ایرانشهر و چابهار نیز به همین ترتیب با نا نظر گرفتن سطح فرهنگه اقتصاد ما خلق و سیاست مردم چه انتظاری میتوان داشت. ضمناً " برنا مه‌های روزمره را دیووتلوپزیون استان که در دیگر شهرهای استان شنیده و دیده میشوند چندانی برای بالابردن آگاهی مردم بخصوص اطلاع از برنامها های دولت شعورای انقلاب و جهاد سازندگی استان ندارد.

بسمه تعالی  
حزب جمهوری اسلامی زاهدان

شماره  
تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۰۸  
پیوست ۳

پیچندنامات:

الف: از بیشگله امام خمینی تقاضا می‌شود به شورای محترم انقلاب و دولت مرفرما بپندتصمیماتی که برای این منطقه گرفته می‌شود در نظرگرفتن جمعیت استان و حقوق واقعی مردم اعم از ستانی، بلوچ، هوسایر مردم نارساکن در زاهدان عکاسی با پیرانشهر، و چابهار رومیرا وان باغدو در سخترا نیپا، بلوچستان را از آنچه که هست بزرگترنمایا نندو منطقه محروم زحمتکش سیستان را نیز در نظر داشته باشند.

ب: افرادی چون دکتر جریبری و همکارانشان که با آن سوابق مبارزاتی و با پشتکاری که درجهت خدمت به مردم محروم این استان از ایما ن عملاً دیده‌ایم پس از چند ماه کار در این استان و شناختی که از مردم و منطقه بدست آورده‌اند و کارهای عمرانی استان با معاونت‌های خاص چون آقای گل‌احمر که هنوز بنیان کارها ریخته شده و نتیجه‌ای عاید نشده را بصرف‌خواسته‌ای افراد مغرض که موقعیت خورا از هرچیز دیگری حتی سرنوشت مردم مستضعف‌تر می‌بینند و میخواهند دلسرد ننموده و چنانچه عمل ناعا ایستی از آنان سزیده که مطمئنیم بجز در خدمت انقلاب نبوده تشویق نموده و با بی توجهی بعناصری معلوم الحال که خودتان نیز میدانید افراد مؤمن را باعث نشوید که با ناامیدی منطقه را ترک نمایند. ادعا نمیکنیم که کسانی چون استاندار (جریبری) معصوم نیستند. و انتقاد بجا تا توهین فرق ندارد.....

پ: چنانچه جنا بعالی ویا براء دردیگری بعنوان نماینده امام باستان تشریف آوردند با خود مردم نه با اطلاع نمایندگانی چون دکتر ملکزهی (معاون رستاخیز و ساواکی) و دکتر ریگی (پسر سردار ریگی) آمریکا (اصیل) دکتر گمنا دزهی (عصروا بسته و مسوأل کشتار بیرحمانه مردم همچون ایشان رئیس دانشگاه یعنی مرکز تولد استان بوده و در این کشتار ستان بخون عویزنا نما آلوده‌است) دکتر اکبری (معاون استاندار و بسته قبلی که تمویحی و با قریبانی کردن عزیزانی چون نیکبخت شهید انجام پذیرفت) تماس بگیرند همچون نه اینکه برای توده مردم کاری انجام نشده بلکه برنا معهای تولدعنان بهتر و با نتیجه انجام میگردد.

ج: اغضایی چون دکتر گمنا دزهی را هرچه زودتر از بستهای حساسی چون ریاست دانشگاه برداشته در استان دیگری با همین عقل ویا ارتقا درجه یکا ریگما رند.

چ: هرچه زودتر يك یا چند نفر از برادران مسلمان مسوأل ایندئولوگ را با این منطقه اعزام که چه در پست ریاست ویا معاونت دانشگاه و همچنین استاد بکار مشغول شوند تا این امر از اهمیت بسیار بسیار ویژه‌ای برخوردار است.

ح: اعزام فوری حاکم عرع و دانستان قاطع برای پیگیری رسیدگی بیروندهای زندانیان اعم از ساواکیها

بسمه تعالی

حزب جمهوری اسلامی زاهدان

شماره  
تاریخ ۱۳۰۷/۰۵  
پیوست ۲۲۰۰

—————

سارقین مسلح و غیره و امیدواریم که با این خواسته‌ها مردم جا معمل پوشا ندهد چون تا بحال که - ترتیب اثر ناده شده و برخلاف تمام ایران در زاهدان هنوز ساواکیها و شایا نقابچیان بسیاری مصدرکار هستند.

خ : تمثیه اساسی ادارات بهر نحو ممکن در غیر این صورت فعالیت دولت در منطقه دردی را دوا نخواهد کرد و آنگاه از ما\* مورین دولت که با ایمان کامل نسبت با نجام وظیفه‌ها با احساس مس\* ولایت میکنند امیدوار شده و سایرین نیز خوشبین خواهند شد.

د : اعزام یک یا چند نفر روحانی باسواد مبارز و با اطلاعات نسبت به مکاتبات اقتصادی (ایدئولوژیها باشند) امیدواریم این خواسته بسیار مهم را با تا\* کید از اقام بخوانند و تکلیف‌شمری شده و بیخی از این خطر جایز نیست.

ر : انتقال هرچه زودتر اساتید کمونیست به سایر دانشگاههای کشور و اعزام افراد دین‌مندان متعهد بجای آنها.

ز : موقعیت ندامت بهیچوجه به مولوی عبدالعزیز و احترام گذاشتن با ایشان بحدی که در امور دولت و یا ارتش و غیره دخالت ننماید.

ژ : قدرت دادن به برداران سیستمی و کنترل آنها به صورت ممکن.

س : بحاکمه کشیدن سردارها و متجاوزین بحقوق مردم از هر نژاد و قبیله و قوم با قاطعیت کامل چه از جانب عواری انقلاب و چه دولت اسلامی.

ش : تمویض کلیه روسای پاسگاههای زاهدان رمری منطقه بلوچستان بخصوص مناطق مرزی و تنبیه شدید زاهدان هائیکه بجز حفاظت از پاسگاه مسولیتی در قبال مردم بی پناه احساس نمیکنند.

ص : تقویت سپاه پاسداران استان و سیردن امنیت استان به سپاه هوما تلوریکه اعلا ره رفت تا\* مین نیازهای سپاه ماعم از نیرو و مهمات مسلحه مهلیکوبتره قایم گسترنی جهت مرز اجنوب \* لازم است با ساختن برساند که بعد از پیروزی انقلاب مرز آبی جنوب کلا\* باز و باطریه موتورسیکلت با تومبیل هالولزم برقی و انواع وسائل زندگی اعم از خوراکی و غیر خوراکی مرتباً " وارد در این میا زندهای قاچاق فروش که بیشترشان زاهدانی لو احیاناً " امیرا نشهری با جا بها ری هستند روز بروز پولدارتر شده و اسلحه های مدرنتری بمطافه وارد میکنند در صورت انامه این وضع آیندهای بسیار خطرناک برای اهالی قلمرس مقیم منطقه حتی سیستمی پیش بینی میشود و پیشنهاد میشود که اجناس قاچاقی بوسیله سپاه پاسدار کنترل شده فقط بمرز نشینان مستضعف و اجاره ورود کالا آتیم با میزان معین ناده شود.



## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۱۷

بسمه تعالی  
حزب جمهوری اسلامی زاهدان

شماره: \_\_\_\_\_  
تاریخ: ۱۲/۱/۸۶هـ  
پیوست: \_\_\_\_\_

ض: راه انداختن رادیو و بخصوص تلویزیون شهرهائی از استان که تحت پوشش قرار نگرفته‌اند. این امر از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است.

ع: اعزام یک گروه مجرب گزاینده فیلمبردار به استان و نشان دادن فعالیتها و چالش‌های زندگی در استان و همچنین معرفی انقلاب اسلامی و مسائلی پیرامون انقلاب با زبان محلی که مردم در جریان کامل مسائل شهرها و استان و سپس کشورها قرار گیرند.

غ: ترتیب مسافرتها به سایر نقاط کشور برای مردم ناآگاه استان بخصوص تنب جوان و حتی در صورت امکان اسکان آنها برای مدت یک دو ماه در استانهای انقلابی کشور و آشنا شدن اینان به آنچه در غیر چهار دیواری آنها میگذرد. چنانچه چنانچه مالی نیز این امر مهم را مطرح فرمودید.

ف: سپردن امنیت استان به دست پاسدار دقتیفره شهزاد مراد، شهزادان در استان زاهدان از غنایم وایت به این خراسان اکثریت مردم بجز این زاهدان و زابل و خراسان مردم مردم سیدجان (نه خان و سرور و دیگران) نشان می‌دهند.

تأثیر دارد به خراسان این حزب در صورت در خراسان از دست بردن در نظر گرفتن واقعیات اخذ تصمیمات تأمین در فرانسوی با توجه به جوهر سرد، اشعار و مباحث خلیف شریف زکات آنکه تر باشد.

ف: تأثیر دارد در عین و مباحث و مشکلات منطقه را به عرض امام برسانید.

این گزارش در تاریخ ۱۲/۱/۸۶ تنظیم گردید.  
حزب جمهوری اسلامی زاهدان

با درود فراوان به همه مجاهدین راه انقلاب و امام  
و تقی به شکلات استان از زاهدان در دستشان

حزب جمهوری اسلامی زاهدان

جمهوری اسلامی ایران  
زاهدان

پیوست ۴۰- گزارش یک روحانی شیعه از وضعیت شیعیان در سراوان

این نامه است که صورت گزاف در صیغه تناسخ بر سر راهی از آن نکرده زاهدان در رابطه با این باب گفتم اند  
حضرت مبارک مراد حضرت محمد ادریس (ع) جبارا که در شبانی درام نویسه  
بر از تقدیم عرض سلام سلام و بوقت شهادت در راه اهداف عالی خود می گذارم  
بازی بعضی از مسائل هست که باید شمارا در جریان قرار دهم و ضمن این گزارش نامه خودم  
کتابت تکلیف نیز بنام  
از مجموع شیعه این که از ۳۰ تا ۴۰ نفر می باشد چون همگی کارمند هستند و در شهر  
۲۰- ۳۰ نفر باقی مانده بقیه با مشخص شده و با مهاجرت کرده اند  
۳- و حجت عجمی در شیعه پیدا شده که بر آن میگویند بلوچ ها میریزند غارت  
میکنند میکنند و همچنین دلیل کارمندها مرتب تقاضای اشتغال  
کردن و برنده از جمله آن که دارم نامه بنویسم آثار بر سر مال دارند و از آن  
جمع میگویند و تصدیق دارند و بعضی زبان ایشان را و بعضی در راه  
شواستیم راضی بمانند کنیم و از آن کسی همین که کم جزیت مسجد آمده اند  
۴- بعضی میگویند که چند نفر شیعه میخوانند و در این جمع شدند و بجای دلوری و خوشی  
گفتند - آن برای همه چه آمده ای؟ اینها میکنند، میزنند، چه کسی را میزنند  
موظف کردند و - که بالاخره اگر کسی دیگر بود و زخمی میگردید و در بعضی مقام  
دلبر شدند و ۲ بار آنها را حکیم حکیم در حق ما شایسته ستا از ضلالت ایمان بهم  
۵- خصوص این که کم شدت میگویند ما امنیت نداریم و بر این ماس و دیگر نماندند  
از ما نماندند و از این مرزبانی عدم شد اگر بخوای نکرده پیش آمدی بشود اینها شکیب  
باشند و حتی اگر ۵۰ نفر سرزنند آنها را بخوانند خلع سلاح کنند میخوانند  
۶- چون منبانی صفت است مرزها باز است بود تا جایی که اسلام بیده و در  
هنگامی شده اند مرتب صدای آنرا میگویند و میگویند و میگویند

۴

۶- بیعتنا همی متفق العدل هه‌سند که اگر ۳۰ - ۳۰۰ سوز سر باره یا با سوز  
اندر آب اگر با سوز محوس می‌شود و اینها را سر جایی نشانند و آینه‌های خطر و تحمل خسارت  
بحران تا بید می‌بندنیال دارد <sup>ناتمامه برقرار نوزاد از</sup> - طایفه‌ها و سایر طایفه‌ها در نوشته‌ها  
۷- کوتیبت هفت بقا لیت برداشته‌اند و مرزهای <sup>ناتمامه</sup> می‌دارند و کتبی می‌نویسند و لغت بغروسی  
رسمی نیز در یک مسجد بکار کردن اند <sup>ناتمامه</sup> دو رهم جمع می‌شوند و بداهات و بخشها نیز می‌روند  
و بنفیات کسرده‌ای دارند <sup>ناتمامه</sup> و جوانهای تنین در امرش حتمن اسلام واقعی از نو می‌روند  
نیز از وایمان کوتیبت فرستار می‌شوند <sup>ناتمامه</sup> آزادند از استیج این نوع فضالیتها در این منطقه  
آینه‌ها خطرناکی دارد <sup>ناتمامه</sup> و اگر ما سوز یا سبیه انقلاب با سوز می‌روند چگونگی فعالیتها می‌طهری  
آنها را لا امل می‌کنند <sup>ناتمامه</sup> حتی نام ندارند و نام خیمه‌ها را به گونه خود عوض کرده و می‌کنند  
۸- کتبی آنها در اثر <sup>ناتمامه</sup> نیروی اجرائی و سبیه انقلاب عمداً عمل است لذا همه <sup>ناتمامه</sup> <sup>ناتمامه</sup>

مانند بحر را که نمی‌تواند

۹- جوانهای تنین که وجود دارند <sup>ناتمامه</sup> از ۳۰ - ۳۰۰ با سوز حرکت می‌کنند و فعالیتها دارند  
در جوان تنین هم مجاهد بوجود می‌آید <sup>ناتمامه</sup> جوانی که معاویه و سبیه است و او را سبیه  
گفته و نیز <sup>ناتمامه</sup> رضی الله عنه نگوید بدو و الله اب سلام می‌گوید

۱۰- بعضی از مردم با کارگن می‌کنند - البته من با اکثریت آنها که زیاد <sup>ناتمامه</sup> ملاقات و ملازمه  
و تواضع کرده‌ام با خودت صفت روز <sup>ناتمامه</sup> (دیروز) نماز جمع سوزت و صحبت  
کردم بسیار حباب و این سوز و بجهت راست تا نیز قرار داد <sup>ناتمامه</sup> و طی و بی بداز صحبت  
من مولای دین محض نیستم این یاد و سخن نقد بر از بیانات من و نقاض از جوانها  
که بیانند بعضی من و مسائل اسلام را فراموش کرده همه با یک جلد آنچه فرستادم بر من پند کرده  
و گفتند (در صورتی که هر انقلاب در سوزانی را <sup>ناتمامه</sup> و او را یو یو می‌رند <sup>ناتمامه</sup> و به اهانت کنند  
هیچگونه تقلای وجود ندارد <sup>ناتمامه</sup> و می‌دانست ولی ما با اهل کتبی در برابر غیر اسلام <sup>ناتمامه</sup>  
هستیم <sup>ناتمامه</sup> که در باران <sup>ناتمامه</sup> یا شد <sup>ناتمامه</sup> و رفیع آنها کردم <sup>ناتمامه</sup> و کتبی این <sup>ناتمامه</sup> و نیز <sup>ناتمامه</sup> <sup>ناتمامه</sup>

معاویه

و چون آنچه در مکره کرده ایم که بر دم سوزان در ناخود آید و صحت کنیم  
 ۱۱ - با مشورتی که می کند را از زینجا نمی یابیم که بیایند چنانکه سپاه الله بسا در است  
 در صحت این امر خرد بر کوهی السلام است

صلاً هر چیز اینها ضرورتی قطعی دارد - نیروی تقویتی است و یا با سوزان است  
 که روح و عین با سوزان و اینها از اهرمان است که در ناخود آید و صحت کنیم  
 و اینها در عمل جزئی را اگر ما حالا انجام دهیم بهتر است تا آنکه وقتی خردی شود  
 هر قدر که مشورت شود بخود هم انجام دهیم - و اگر خطای پیش آید اول قرآنی همین چیزهاست  
 هستند اینها چون حالتی با در کمال دارد این خطا نیست و اینها چون مرز هستند با  
 زانها بر می شود برز لا محذور کرد و ضمناً مرتب بر اینها است که بر اینها فرود  
 حل می شود باید در شهری داده شود در یک مذهبهای غیر اینها که بر اینها حل  
 است در دم آورده و عینهای انقلاب با خود را می آورند (که اصلاحی) که بر اینها حل  
 کند و شود با آنها صحت کرد

در دم پیش شریک است و جزوات و در علمیه های اسلامی و غیره که می بینیم  
 و نیز کتاب در همین زمینه

۱۲ - این دو کتاب بخانه قبلاً بوده است یکی کتابخانه سیدها که جمع کرده بودند من و دوستان  
 در صد دهیم یکبارش انوارم و تقریباً افتتاح می شود و این روی تصحیحات میدادیم آنها تصحیحات  
 می آورند که ناچار باید کتابخانه بیطرف و وابسته با احدی از فرقین نباشد -

دوم کتابخانه محرمی از هندی که من تراجم کردم و سائل مرتب دارد و در حقیقت حقایق مطالبه خود دارد  
 دست اندازش فیلم دارد که اگر فیلم باشد بدون مذهب می شود اجرا کرد ولی کتابهای آن  
 اگر کتاب حقوقی است که بعضی از آنها تصحیح و با خود آورده شد و بقدرت نیز باید تصحیح شود  
 اگر کتابهای انقلابی و اصلاحی و ضد کونیستی آنرا می یابیم که در این کتابخانه ببلوریم و اطلاع  
 دهیم برای اطلاع بیاورد خوب است - اما ضلعاً می توقع که از این نیست زیرا آثارهای خودمان  
 که نیستند و بعضی ها صد دست بگیر دارند و هنوز استه های بالا بالا و اینها چرا از این  
 هموار باید تصحیح بیاورد و چرا مذهب جعلی مذهب را باید با خود آورد و ما انقلاب می کنیم  
 و چرا آنچه آثار خاندانای لغت عملی شده و جدا نیست عمل نیست و ...

گویند که کتابها را اصلاح داده اند و گویا بازارها را از ناخود آید رخت و آتش زده شد است  
 و بعضی جراتت را که نمی فهمند چون هنوز انقلاب نمی فهمند و سوزان است، ۱۵ افراد برگرد

با این وضع من مستم ثقیب تکلیف با علم اگر سبب زودتر برسد به آنجا فارسی  
که میگویند همین حالا بروید حواله ناک اینها  
و با بجای اینکم آنها را دلوری دهند و تقویت روحی کنند من آنها را دلوری میدهم  
زیاد موقتاً عرض بقیت من موقتاً تنظیم هستم من میدانم حقل فقط در مرزها  
و این قسمت ها هست در شهرهای مثل قم رگه و شیراز خرما نیست که آنجا  
اینهمه پارسیار و میران و پارسیان هست و با این برای ۱۰-۲۰ ساله سرایز  
و کارهای میکنند و حدیثان بجای نمی رسد .  
۱۱- بسیاری از کارهای آنها تقاضای انتقال کرده اند و سبب تقاضای آنها نیز بوده است  
و همین امر باعث خلوت شدن اینها گشته یا باید انتقال هارا محدود کنند و یا بجای  
آنها فارسی بگذارند .  
۱۲- این شهر باقی اینها بسیار و خود نیز میسرند ولی در نظر ملاحظه کردی و یا چنانکه  
دیگر بودی ندارد لذا مردم هر جا شده اند و حتی اگر دعوتی میشود و یا سبب  
نخواهد دخالت کند اول با زبان گفتگو میوزد چنانکه چند نفر پیش آمد، البته و همچون  
اطلاعی از دستگاه پدیس و شهر باقی میسرند نظریه این اگر عرض شود در این نوع کارها و باید  
بزرگ باشد .  
ضمناً پیش آمدی که همین الان شده کرده و اگر کسیها میخواستند تا زمانه ای  
از صفحه های گذشته و سندی بر پاک کنند و بعد خواسته های عنوان کرده خود  
که من بر نفس و جانشان اعراض و جلوگیری بعمل آید - بعد آنها آمدند پیش  
من و چنانچه زیاد شد و بی نهایتاً چرا آنها گفتیم و بعد گفتند حواله ای پیش نیاید  
ولی تمهید کردند و بنا شد جای دیگر اجراء کنند و لی از مجموع حرفها من تمهید  
مقدمات همان صفحه سندی است باطل کردن خواسته های گدائی  
و البته همین است از این پس بیشتر مخالفت کنند .  
احاطاً من آنچه در میران قرار گرفته پیش از این درسم بنیاید جز اینکه با یکدیگر  
و ملک بخوام - منتظر جواب سریع تلفنی با نامم یا خودتان بیایید و بعد

۴۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۴۱- گزارش مردمی درباره افراد و گروه‌های مشکوک در استان سیستان و بلوچستان

15B

۱- دانشگاه ناردون، استادان فضل و رشید گروه ریاضی دانشسرای عالی و محمد دانشجو و زینت حسام‌الدین دوست، محمد - اولا علی از امرای مبارزان مبارز و مبارزین - شریح است و ام آر ای قابل ملاحظه است. موسس و مدیر - اکتیو کردن است.

۲- محمود صافی و زینت رضی زابل و شیرین خنده امیرش زینت و خدیجه زاهدان و غیره در تمام درستی و صحت خود را کار کرده. علی امیر علی (مبارز از بلوچستان) معنی است و دوران انتخاب کرده است. صحنه زینت دارای زمینهای بسیار است.

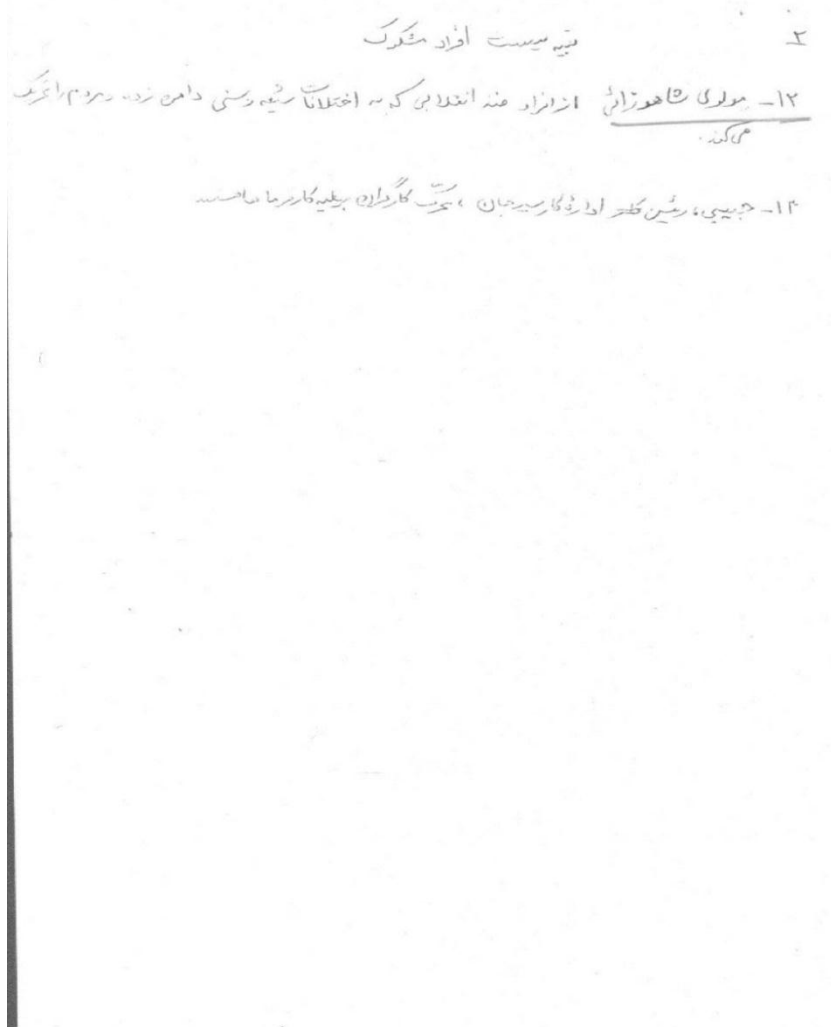
۳- خنده و رشید و معاونان دانشگاه بلوچستان، و سایر دانشجویان

۴- دکتر ملک عنبر موسس و مبارزان مبارزین به سواد کور بودن

۵- بلوچ علی مبارزان و معاون حزب رستخیز و رشید در گذشته در منطقه دوار گون و ضلعان بلوچستان و رهبر مبارزان در اصل متون

۶- بلوچ علی مبارزان و معاونان مبارزان و رهبران مبارزان در منطقه دوار گون و ضلعان بلوچستان

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۲۳



۴۲۴ □ شخصت سال صبوری و شکوری

گروه های فعال ضد انقلاب در سیستان و جزیره

۱- سرود امام دادگاه (کمیته از سرگودشت) در اطراف نیت دست به دردی و ایجاد وحشت زده است  
۲- گروه سرودش را بنام «در راه ایستادن طراک از زمان کس» که بسیار جریح منقلب است. این گروه  
در سیستان فعالیت می کند. با سرکردن میثم؛ عضو دست مزام می خواند. این گروه در اعلام کرده بود که  
مخبران دستگیر شده های صوبه از زمان (۱۳۷۲) در این گروه (بسیار) به نامین را از ایران جدا کند  
علم خان مبارکی و امان مبارکی و سعیدی ۳ نفر از فعالان از این گروه جدا کرده و دستگیر شده است. این گروه  
از آن مبارکی هم؛ در شهر به عنوان رنجیده دار گنجا برای آنها اسلحه کرده (تا تکلیف در این است)

۱- کمپین استقامت به برپایی که توسط سرگودشتی تنظیم می شود و دارای فعالیت های بسیار رسمی در زمینه جشن  
اعلامیه می باشد که در سیستان، ایجاد اختلاف بین مردم رسی، جشن اسلحه در سطح منطقه می باشد.

ابراهیم مبارکی مدیر مسئولی است و دارای داماد محمدتاج مبارکی است.



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۲۵

- ۱- ایجاد کردن سازمان‌های تعاونی برای تولیدکنندگان برای تکمیل زنجیره ارزش برای تولیدکنندگان (سیستان و بلوچستان)
- ۲- بهبود فرآیند تجارت بازاری
- ۳- تأمین امکانات و تجهیزات برای تولیدکنندگان (توسعه پرورش و پرورش)
- ۴- ساختن مستراح، حمام و آب‌سنگ کبک برای روستاها
- ۵- ساختن دبیرستان و خیریه‌ها و تکمیل کلاس‌های راهنمای دروس
- ۶- تفریح و تفریح و استخدام آزاد برای (دولت)
- ۷- فرستادن آگهی از بزرگان انقلاب و راهپیمایی‌ها بینا می‌انجامد
- ۸- استقرار واحد تاسیساتی (آب) در منطقه
- ۹- جدایی از محل اسلم
- ۱۰- راهپیمایی‌ها و تفریح و تفریح و تکمیل شرکت تعاونی فرزند با مدیریت امر
- ۱۱- جاده‌ها و مسدود کردن جاده‌ها
- ۱۲- جبهه برای تفریح و تفریح در منطقه
- ۱۳- دادن وام بابت در زمان برای حرفه‌ای‌ها و غیره و احداث مدار طریق دولت

پیوست ۴۲- تلگرام گروهی از مردم زاهدان به امام خمینی در وفاداری به انقلاب اسلامی

خبرگزاری آری / زاهدان ۵۸۹۳۱  
مستأوفان دوازدهم مؤازرین از مردم ایران شمر که خواهان رای دادن مثبت  
به قانون اساسی مستند طی تلگرامی که بهشور امام خمینی رهبر انقلاب  
اسلامی ایران ارسال داشتند یادآور شدند به علت مشکلاتی که از طرف  
مناقصان برای آنها ایجاد شده است تمام مستأوفان دوازدهم مؤازرین اقامتی  
ایران شمر در ردیف مؤازران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ثبت و  
ثبت شود متن تلگراف چنین است

بسمه تعالی

مؤثر مبارک رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران دامت برکات  
چون رفرا ندوم و رای گیری قانون اساسی از طرف اتحاد المسلمین بلوچستان  
جهریم گردیده و برادران اهل سنت شرکت نمیکند لذا در مورخه دهم آذر  
ماه سال جاری عده ای از مردم ایران شمر بعنوان اعتراض به بعضی از اصول  
قانون اساسی بآرف فرمائندی ایران شمر راه پیمایی کرده و در این میان  
عناصی سوزجو و فریاد طلب وفاداری و منافع فرمائندی حمله کرده و کلیه  
سند و قمار در هم شکسته و اوراق فرمائندی را باره کردند که همه بر خلاف  
اسلام و قرآن جمهوریگراسی است و در این صورت رای دادن به انتخابات  
قانون اساسی برای ما دوازدهم مؤازرین مسلمان بیرونی است که میخواهیم  
به حدای رهبر عالیقدر انقلاب امام خمینی لبیک گوئیم غیر ممکن شده  
است لذا تقاضای عاجزانه داریم تعداد ما را که مستأوفان دوازدهم مؤازر  
دست میباشد و در روز جمعه آخرین ما در راه پیمایی شرکت کرده و همه  
اجازه رای دادن مثبت و رای بودیم در ژمره موافقین منظور و ارسالت های  
گروهی اعلام دارند

ساعت ۱۵ - ۲۰۱۵

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۲۷

پیوست ۴۳- گزارش شخصی درباره وضع سیستان و بلوچستان و چند توصیه

توصیه‌ها

- ۱- قسماً امداد شود و لو برای چند وقت شده به کرانه شهرهای ایرانشهر- سرادانی یا علیباد برودید (دگر نظر SAFETY امکان دارد)
- ۲- حکم از هلیکوپتر یا بلیپلن را نیز از سر گرفته شود.
- ۳- دگر با حضرت آیت‌الله کفخی ملاقات مکینیه قماً از لاله عبدالعزیز بیگ ملاقات بشود
- ۴- پیشینه دمیشور  
در سیاهی کارمند عالی رتبه در آنکه به بروج این و ای طه که من بر آن می‌نویسد  
نار و دود را تمام در تمام مردم بروج این است سواند در زاهدان مورد توجه است  
سے تراکمی بند - این ن اخیراً محضاً خراب ای را مسلمین شده ولی کاملاً قابل  
درست و در حد است.
- ۵- حق المقدور مس نمود در این است معنی ساسی را در حد در حد عمومی و بازرگانه  
دگر لغزانی - و نیز صحبت کند در جنبه و اندازی از عیال و اهل بیخ و بن به احتیاط شخصی  
بیدار بکنند
- ۶- عثروا این مورد است - رگلی - لاشاری - ناردانی
- ۷- سیکریت از CHIEFS به براتما در سینه

استان سمنان و بروجین یکی از خرم‌ترین و محبت‌انگیزترین استانها کشور است. مردم منطقه در گذشته  
 علاوه بر مزارع بودن از طبیعت‌گردی و آب‌انگیزی نیز از آن بهره‌مند بودند. امروزه مردم دست‌درگتاری  
 حکومتها را از سر کار گرفته‌اند. مثل کشف بروج آب‌انگیزی که در گذشته‌ها خود نشانه‌ای از خوشبختی است جز بروج  
 اشتغال با صنایع و مشاغل دیگر و در گشت و گنج توپخانه‌ها و دولت‌ها را از سر برداشته‌اند. (در آفریننده کشور  
 و حقیقتاً مردم بروجین از توپخانه‌ها جدا شده‌اند پس از شهریور ۲۰ شهریور گرفته).

این استان در دنیا و در ایران استان کشور است از دو منطقه سمنان و بروجین در حقیقت سیاسی (ایجابی  
 و اقتصادی) تفاوت دارد در بخش‌ها است. منطقه سمنان دارای رشته‌های حاصلخیز است در آنجا  
 کشت‌های باغچه و باغچه‌ها را دارد. اقتصاد دولت سمنان در ادب است امروز است با محققان و نویسندگان  
 مشهور از بروجین یکی از مناطق عمده کشور است. منطقه بروجین در آنجا که در استان  
 و آب و خاک است، در حال حاضر فاقد مزرعه‌های کوهستانی محلی است بروجین که در استان  
 افزوده شده است و استنباطات حاصلی است از منطقه بروجین از نظر ذخایر زیر زمینی (معادن)  
 فوق‌العاده غنی است ولی تاکنون از آتشفشان‌ها و معادن در حقیقت زمین‌شناسی و معدنی‌شناسی  
 در این منطقه بهره‌برداری نشده است. گرچه بعضی از نقاط منطقه بروجین مانند کیمپور، بایرمان و  
 گورکوه و از بروجین در آنجا کشت‌های باغچه و باغچه‌ها را دارد. اقتصاد دولت سمنان در ادب است  
 و بی‌عدم توسعه حکومتها گذشته، تا آنجا که سمنان به مردم منطقه و معادن آنجا است از نظر  
 بیست‌هزار ساله در این منطقه را در آنجا کشت‌های باغچه و باغچه‌ها را دارد. (همه بروجین ایران  
 و منطقه است) آنگاه که سمنان را در آنجا کشت‌های باغچه و باغچه‌ها را دارد. (همه بروجین ایران  
 سمنان در آنجا کشت‌های باغچه و باغچه‌ها را دارد. (همه بروجین ایران)

دارای معادن گوناگون با آتشفشان، معادن، حوض‌های طبیعی و فسیل‌های گوناگون در این منطقه  
 و حکومتها در آنجا کشت‌های باغچه و باغچه‌ها را دارد. (همه بروجین ایران)

منطقه بروجین (مستقل از استان سمنان و بروجین) گرچه دارای کمترین میزان جمعیت در کشور بوده و فاقد  
 شهر محلی است بروجین که در استان سمنان است ولی صد فقره و بیچارگی و محنت بروجین مردم آنجا از تبدیل  
 به منطقه‌ای ساخته‌اند از نظر سیاسی فوق‌العاده حاصل بوده و آنگاه که سمنان را در آنجا کشت‌های باغچه  
 و باغچه‌ها را دارد. (همه بروجین ایران)

حفره‌های حفره‌های.   
 استان سمنان و بروجین دارای ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع است (تقریباً ۱۰ درصد است کشور)   
 و ۶۰۰۰ نفر جمعیت (یک شصت کشور) است. استان از شمال به جنوب خراسان   
 از غرب به استان مازندران، از شرق به استان‌های زنجان و اصفهان و از جنوب به دریای عمان   
 محدود است.

استان از دو منطقه پست (در شمال شرق) و بلوچان (مکران سابق) و شهری بنام زاهدان  
 در آن استان در خصوص آب و آبگرم از این دو منطقه ندارد. تکیه بر آبگرم است. جمعیت استان حدود  
 ۱۸۰,۰۰۰ نفر است در وضع ۵۰ کیلومتر مربع مساحت از این استان است. منطقه بلوچان  
 دارای جمعیت ۴۰۰,۰۰۰ نفر است و در حدود ۱۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و در جنوب شرقی  
 آن دو شهر زاهدان (در شمال) و ۹۵,۰۰۰ نفر جمعیت دارد. منطقه پست  
 است و وجود رودخانه هم در آن بطور بالقوه بر آب است ولی در سال‌های اخیر در آن رودخانه  
 بر اثر این رودخانه در خاک خود رفته است. منطقه پست در ۲۰ کیلومتر مربع آب در ۱۰۰

کیلومتر مربع با خاک مس و فلزات پرینه در آن است. رودخانه پرینه نقش حیاتی و تعیین‌کننده  
 در مردم پست دارد. اگر در آن آب این رودخانه از ۱۵ متر مکعب در ثانیه کمتر شود در آن  
 منطقه زمین سرد و وقتی جریان آب از ۸ تا ۶ متر مکعب یا بیشتر مردم پست با دست  
 گداز و گرسنگی مواجه می‌شوند. در ۲۰ کیلومتر مربع ۱۳۵۰ کیلوگرم آهن آب هر متر  
 منطقه پست آنچنان آبگرم است که در تمام سال در آنجا مردم جمعیت منطقه به ۱۰۰۰ نفر  
 می‌آید و در سال آب آشامیدنی این عمره با آبگرم است که در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف  
 دریاچه و بون و جانوران غیر انسانی از زمین رفته‌اند.

منطقه بلوچان اساساً از گداز آبگرم است که در آنجا حین رودخانه فصلی در آن قسمت  
 در زمان حیات موجود است آن رودخانه می‌شود که در تمام سال جاری می‌ماند و با وجود  
 مسوول بودن در راه این رودخانه آبگرم است که می‌شود سرد می‌گردد و در آنجا  
 عتبات سال تا قبل از آمدن آبگرم است و در آنجا در آنجا رودخانه رود. در نظر آبگرم  
 شهر ایرانشهر و اطراف آن ۱۰۰۰ کیلوگرم آهن آبگرم است که در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف  
 نامحسوس در آنجا رودخانه آبگرم است که در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف  
 شهر زاهدان در مرکز آن است که در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف  
 در ۱۰۰ کیلومتر مربع زمین هم می‌تواند آبگرم را در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف  
 داشته باشد آن است و شهر ساکنین آنجا که در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف  
 تکیه بر آبگرم است که در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف

۳۴ - حضرتی و فریبی و اقتصادی  
 فریب و مردم ساکن در آن منطقه را می‌توان به ۳ فریب تقسیم کرد:  
 (۱) فریب پست - این فریب اجتناب‌ناپذیر است و منطقه پست در مرکز آن است که در آنجا  
 زندگی آداب و فریب (بسیار خالص) (موجود) (فان گن) است و در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف  
 از فریب و اقتصادی می‌تواند در آنجا جمعیت، حتی طیور اطراف



(۲) فرسنگ بلوچی: اصولاً بلوچ که جمعیت آن حدود ۳ تا ۶ میلیون نفر برآورد شده، در ایران  
 پاکستان، پنج پشته و هندوستان پراکنده است. جمعیت بلوچی پاکستانی (از آنجا که در استان بلوچستان  
 پاکستان، پنج پشته و هندوستان است) بین ۲۶۵ تا ۵۱۵ میلیون و بلوچان بلوچستان ایران (سکن  
 در منطقه بلوچستان، سکنزاهدان و منطقه سکنزاهدان) جمعیت آن تا ۵۰۰ هزار نفر است. جمعیت آن تا ۵۰۰ هزار نفر برآورد شده است.  
 علت اختلاط جمعیت بلوچان ایران و پاکستان فقدان سرشماری دقیق، عدم امکان دسترسی و یادداشت  
 و نظارت بر بلوچان خارج از کشور است. به شائبه بودن حدود ۷۰ درصد از بلوچان پاکستان در استان و قصبه است، سیستان  
 سرزمین بلوچان (از نظر تردد و مهاجرت) بین بلوچان ایران و بلوچان پاکستان است. بلوچان ایران  
 معمولاً سنی مذهب و پیرو مذهب حنفی هستند. بلوچان پاکستان فرسنگی مختلف است و این فرسنگ‌ها  
 شعور بلوچان منجلی است. در بلوچستان شکران مولود و سیدارانی که شیعه‌ای زبیری را از اختلاط  
 دین در ایران است. بلوچان در رعایت اصول و مقررات مذهب فرق‌انگاره جدی و متعصب هستند.  
 سنی‌ها نماز خود را بوقت بخوانند (نجم لادن) مانند عربان (سرت از سبازان اصلاً میکنند و تاکنون بلوچان  
 که سنی هستند از خضوع کرده، شکر و خرد و دل بلوچان را بر این سبب فراوان دیده شده است.  
 نسبت به قبیله عربی که در بلوچستان رایج و مورد احترام است. منطقه بلوچستان همگرا  
 کوشانی است در حال حاضر دین اسلام شهرشان مرجع نور است

۱- در این شهر مرکز بلوچان در اصل است (منطقه) جمعیت شهر حدود ۱۲۰۰۰ نفر جمعیت در آن حدود ۱۰۰۰۰ نفر  
 ۲- شهرتین جاببار و دینار و پنج‌گانه جاببار (شهر) و لنگرکلات هم جمعیت هر کدام حدود ۷۰۰۰ نفر جمعیت  
 جمعیت در آن حدود ۷۵۰۰۰ نفر برآورد شده.  
 ۳- شهرتین سوادان و جمعیت شهر حدود ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت در آن حدود ۶۰۰۰۰ نفر  
 ۴- شهرتین خاشاک و شهرتین شهر (با جمعیت شهرتین حدود ۷۰۰۰ جمعیت در آن حدود ۵۰۰۰۰ نفر)  
 ۵۰۰۰۰ نفر: جمعیت شهر منطقه بلوچستان حدود ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت در آن حدود ۵۰۰۰۰ نفر است.  
 فاصله این مرکز جمعیت یا شهرها از یکدیگر حدود ۱۵۰ و صد کیلومتر است.  
 جاده سراسر بلوچستان در سال ۱۳۵۴ لیدار ۱۰۰۰ کیلومتر است و میان روستاها از نزهندان خروج و در آن است  
 از خاشاک و شهرتین جاببار و دینار و پنج‌گانه جاببار (شهر) و لنگرکلات. این جاده است  
 و جاده جاببار در ۲۰ کیلومتری جاببار است و جاده است دیگر از آن کیلومتر (شهرتین) لیدار  
 ۵۰۰ کیلومتر است و این شهرتین است. تا قبل از شروع انقلاب و سالیان گذشته جاده از جاده بلوچستان  
 عبارت بود از آن سویه بلوچان، آن سویه سبزه لادن، کاسور و سبزه لادن، جاببار و جاببار است  
 نظارت بر جاببار و سبزه لادن در حال حاضر بنظر سبزه لادن و سبزه لادن و سبزه لادن است  
 دیگر در دولت و آمدن ندارند.  
 عموم شهرهای بلوچستان با مستثنای لیدار و سبزه لادن که ناصح است و سبزه لادن در سبزه لادن است  
 در جاببار (از نظر آب و شرب) است (ولیم حسین ۸۰ درصد جاببار و قصبه فاقه آب است و سبزه لادن  
 سبزه لادن است در سبزه لادن است و سبزه لادن در سبزه لادن است)





بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۳۳

۱

بسیار متأسفانه خارج از مرزهای غیر استعماری، بلوچستان با آرایش خود لفظی زیاده کدر بر سر قصبه بجوهر رسیده است درگذشته مسلط بر سر عمده به بلوچستان یک کلمه و ماهی ۵۰۰۰۰۰ ریال سید از آن است. یعنی حتی افزایش در حال حاضر خوراک خودی برابر عند الصلح است. قاجاق در بلوچستان کوئیک (العصید از زبان) از زمان طایفه - برخی نایب‌ها در کوهستان ۳۰ کیلومتر در خط شمالی تقاضا بر سر سالی به بلوچستان عظیم‌تر است حال آنکه بلوچ نزدیکی نزد همان برخی را با اندازه از استوار باقی است. حال که از تاریخ گذشته نکرده [اینجا بزرگ] و در سطح وسیع توسط قاجاق قبایل و فرسایش عمده بلوچان از مغرب‌ها بدست آمد. البته با بلوچان نزدیکتر جنبه شهرستان یا حال را از آن هدف تیر زان نام فراموش است. قاجاق پیشتر با جابجایی - کرمانک - صنایع خاص جابجایی و صلح صورت نگرفت. اگر آفرینندگان از آن نام با قاجاق قبایل که در گذشته بوده اند.

تفصیلات منطقه بلوچستان

شماره	وضعیت قبایل - تقاضا	مشکلات عمده	تقاضای مردم (بموجب)**
۱	بلوچان - کوهستان بلوچان	بهر بهر دست یکدیگر - بلوچان	۱- تمام کوهستان به دست بلوچ ۲- بلوچان در آنجا ۳- کوهستان بلوچان به دست بلوچان ۴- کوهستان بلوچان به دست بلوچان
۲	بلوچان - دلداری بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	۱- این منطقه به دست بلوچان است ۲- کوهستان بلوچان به دست بلوچان ۳- بلوچان به دست بلوچان ۴- کوهستان بلوچان به دست بلوچان
۳	بلوچان - کوهستان بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)
۴	بلوچان - کوهستان بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)
۵	بلوچان - کوهستان بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)
۶	بلوچان - کوهستان بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)
۷	بلوچان - کوهستان بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)
۸	بلوچان - کوهستان بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)
۹	بلوچان - کوهستان بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)
۱۰	بلوچان - کوهستان بلوچان	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)	بلوچان - آتش (قاجاق) (قاجاق)

\* تقاضای مردم منطقه این در استان بلوچستان بلوچان است  
 \*\* در استان بلوچستان و غیره در استان بلوچستان به دست بلوچان است  
 \*\*\* فسادت این منطقه در استان بلوچستان به دست بلوچان است  
 \*\*\*\* بلوچان به دست بلوچان است در استان بلوچستان به دست بلوچان است  
 \*\*\*\*\* بلوچان به دست بلوچان است در استان بلوچستان به دست بلوچان است

سهر زاهدان

این مرکز ارشد است. رده سال گذشته بیکسان هست. آن دو بار شده - از کارندان دولت نمانده  
و از آنجا بیخه تبدیل کرده به کولبر میشود. فعلاً مرکز لایحه موجود است و یک دانشجو اثر در آن است  
سهر دانشجو تربیت معلم در آنجا است. لایحه کارشناسان عالی مقام با سهر رده ۲۳ ساله و دانشجو  
سهر را به آبی نماند بکنند. در وقت آت میری به بجز از قدرت فنا بیخه زنی آب است.  
دانشگاه تقصیر از نظر حجم و امکانات آت میری نیست. تعداد زیاد کارشناسان و کلاسها و منابع  
تراندر بر روی کارندان دولت فایده کم نیست. فوق العاده هر آت میری در دور از مرکز کارندان  
دولت با توجه به خصوصیات منطقه کم است. سهر دارا دور هر مذهبی است بطرح زیر

- ۱- آت میری کفخی خاخ - مرکز متعلق در هر کار و مدارک که گذشت در مدارک شرکت فعال در وقت  
و بار و حاشیت بارز حتما در سهر است و اولانعام ترینی روحانی رژیم در منطقه است.
- ۲- مولود عبدالغزیز رهبر مذهبی این نیست: در گذشته با حکومت دولت فعلی نفع این نیست  
در تلاش است تا سهر و آت میری بپوشد روح متفرد میسازد. از نظر فعالیت مولوی های  
دیگر با توجه به وجود کارکنان و این علاوه بر رهبر مذهبی رهبر سیاسی سهر منطقه نیز نیست

گروهی هستند در سهر زاهدان صاحب نفوذ و قدرتمند بطرح زیر

- گروه بیخه زلیا: سهر که دامن با بار و با آنکار و کارکنان دولت سهر سهر حسینان آن سهر این بار  
گروه زلیا: مانند بیخه زلیا با آنکار  
نفع دیگره فوق اکثر آت میری است
- گروه سهر: آت میری سرداران سهر این گروه آت میری یکی است از کارکنان رفاقی  
گروه سهر: آت میری سرداران سهر بیخه زلیا با آنکار یکی است از کارکنان رفاقی  
دیگره فوق سهر سهر در وقت منطقه را عدم سهر که خود به نوا بر سهر سهر آت میری  
ندرس - جنبی دولت برابر سهر سهر سهر این کار سهر که سهر این گروه سهر سهر سهر

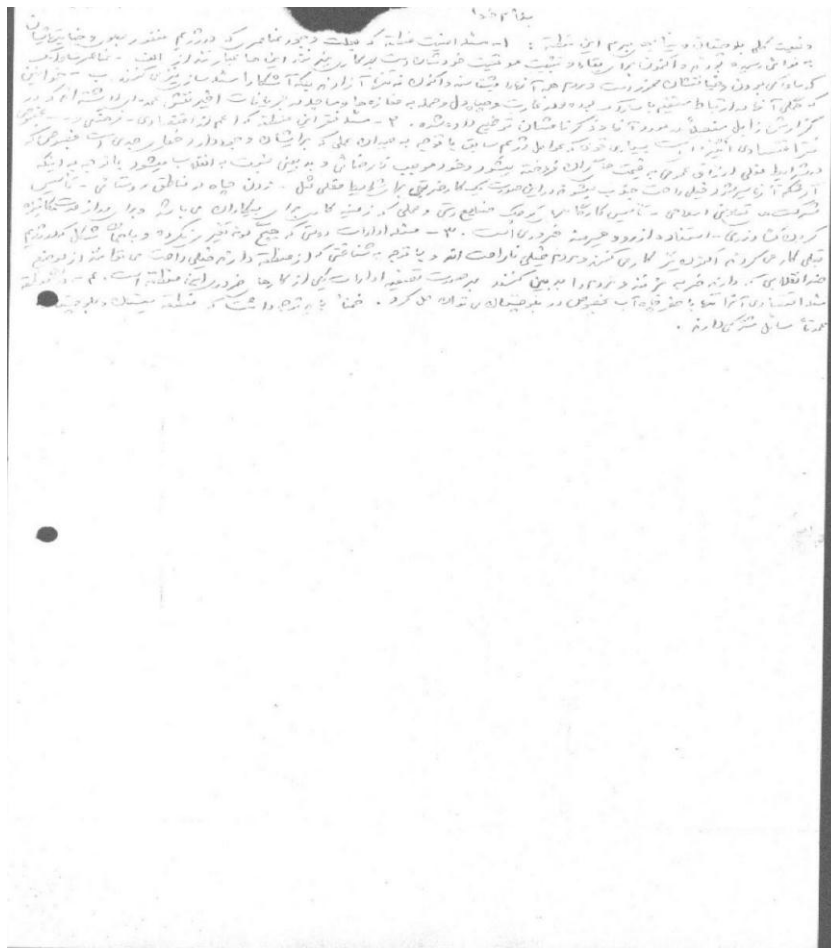
بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۳۵

پیوست ۴۴- نامه دانش‌آموزان سیستانی مقیم گرگان به رهبر انقلاب امام خمینی

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ  
استاد ما داریم که حق از مسلمانان نیست و اگر مسلمانان حق را می‌خواهند باید از مسلمانان بخواهند  
و اما بعد: محضر می‌رسیم، آقا قربان بزرواربتان و شاکه دل ما را خون کردید، ما از نماز و انقلاب اسلامی انتظار داریم ما می‌دانیم که  
به بحث حزب شرکتی ایران باید که با ما سیستان هم می‌ماند و ما می‌دانیم که در این کشور ما را بلوچ نکرده و ما را سب از بلوچها بیشتر و آواره تریم  
و قهره در ما هم نه پس و دیگر در کرمان و گرگان و خراسان و در افغانستان هم داریم، اینقدر به فراموشی سپارید که در طول سالیان  
تاکنون یک با نام سیستان و سیستان را در بدین دیگر برادران مسلمان ایران نگذاشته اند این بار را در این بلوچها که تنها رقیب ما در  
سرگشته را نبوده می‌کنند، آقا ما هم فقط از بلوچها حمایت می‌کنیم، افغانستان هم در بلوچها پاکستان دست و دهنی در دست  
عراق هم از بلوچها حمایت می‌کنند، و آنها را مطرح می‌کنند، از ما می‌خواهند که چه کار کنیم از این بلوچها و افغانها  
خوردیم که حمایت کند، آقا بخدا شکر که در این کشور ما سیستان را در هر محبت شاد است، قرآن می‌گوید که هر کس از خود  
خود برود آید و الا ما سیستانها که با آنکه از بلوچها بسیار بیشتریم ولی برابر تبلیغات یک جهاد و دستگاه آید هر کس از خود  
را از دست داده ایم، آقا اگر می‌خواهید این نام بلوچستان را بردارید، سیستان هم در برابر این نام نهال ما یک سیستان نشسته بی‌پایان  
نشود، با این ما هم که بلوچ و افغان هم سخن ما نشسته است، خراسان و کرمان و گرگان هم نه در ما هم ما را می‌کنند  
رهبر انقلاب ما هم که ما را نمی‌شناسد، جل الفالین هم نمی‌شناسد، تر که می‌کنند، حتی فریادش را نمی‌شنوند  
انصافاً ۸۱ نفر

۴۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۴۵- یک گزارش مردمی از وضعیت کلی بلوچستان و نیازهای مبرم این منطقه



نمونه‌های دیگری از گزارش‌های مردمی برای سازمان‌ها و نهادها و شخصیت‌های مختلف فرستاده می‌شد که طی آن کاستی‌ها و بایستگی‌ها را بدین‌سان یادآوری می‌کردند.

بام خدا  
مسئله‌ای که در منطقه سیستان باید مورد توجه قرار گیرد: الف موضع است نقطه که از طرف عوامل  
زیر زمین مورد خطر قرار گیرد. - خراسان که در درجه اهمیت نخست هم می‌سر دارد که عامل هم  
ساواک بوده و تعداد زیادی عوامل هم استخدام شده است که زیر نظر آن کار می‌کنند و تمام اطلاعات در اختیار  
هم باضابطه می‌رسد و در استمار و اختیاف مردم هم زیاد حساسی داشته و حمله مسجد خیم و چیلان  
حدود صد نفره را رهبری می‌کرد و در طرح اصلی بوده و مجموع حرکت جاق بیستان شامل یازده نفر برای آن تخریب کردن  
دادمانی حمله‌های بسیار بلندی می‌باشند و از روی شنیده اند که گفته است که اینها در کجا نوشته شده  
و افراد این طایفه را حاضرین در آنجا در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
سردان فرمانروای است و با جمع‌های ایران و افغانستان در ارتباط است که در این جمع رئیس تربیت است که هم‌اکنون در آن  
پرده و در جمع آبیاری که مورد نفرت مردم است و در زمانه است که در این جمع رئیس تربیت است که هم‌اکنون در آن  
در ساواک زایل می‌گردد و هم‌اکنون در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
سازنده و نقشه‌ها هم را می‌نویسند و در آنجا آورده و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
های مرکزی و می‌نویسند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
و جمع آورنده است - نارویی ها که در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
بام و در کجا می‌باشند - مباحثی ها که در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
بوده و هم‌اکنون هم عوامل و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
پس از آن با هم می‌سر دارد که در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
رئیس و رئیس مالدار است که در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
توجه کرده بهیچ وجه با جواهرات مخفی در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
که زندگی باشد با نظر نه روی و الهام و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
با علم توسط روحانی نامی بام حاج صدرالدین حنی طباطبائی مقرر شده و عوامل دیگر تقریباً کلی جا رفته اند  
جمع نیز رئیس سابق طباطبائی اصناف و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
را بطه خوب بود و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
است با هم می‌باشند که نسبت چیلان نیز زندانی دادند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند  
سجراتی می‌باشند و عوامل زیاد در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند و در کجا می‌باشند



کتاب یا دوروی مستقر هستند لازم است گفته شود که در این کتاب از تشکیل دادگاه انقلاب گروه مجرب یا پدیدار این  
توسعه صورت گرفته است. در این باره در این کتاب و همچنین در این کتاب از این گروه که در این کتاب گفته شده است  
و در هر دو در این کتاب می‌تواند که این گروه در این کتاب که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
هر دو در این کتاب که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
بوده و از نظر سازمانی و نظریه‌پردازی در این کتاب که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
چنین می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
دست و پا می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
در هر دو در این کتاب که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
ناروا مانده هستند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
زارعین را اغلب می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
شود که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
بوجود اختلاف می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
داده شود که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
چهارم صیف است و می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
دعوت می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
نظام مردم را می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
نیازمند است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
وینام داده از اعلام است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
بهر برداری کرده و می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است  
از این جهت می‌تواند که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است که در این کتاب گفته شده است





ص ۵  
با شیخ نیکرانی به هند و از آنجا حاکمیت می‌گردد که سنانا نند آفتد رقتوری در خورشید آسمان خواهد بود که  
لین نفوذ بی‌برهه را از زحمات جانانده ولی من نظارت و استقامت در برابر شیخ را از این امر معلوم  
من قضاوت فصلت این شیخ را که مردم گفتند آنکه این آدم شور در سنگر و وقت آن زمان در قصبه نیویرو  
از نظر و آن کسی که همیشه می‌آمد خبر می‌آورد مردم بدانند و به بیجا می‌آید آن گفتند و دوستی در این شهر  
از مردم و غیره از جویا شده نه با آنکه می‌تواند مردم با آنکه می‌تواند مردم با آنکه می‌تواند مردم با آنکه می‌تواند مردم  
من بدام خونی با آنکه استعمال می‌گردد که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
در این این عظمت را در این می‌تواند که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
خبر به کوفت شیخ برابر حق و مانده و مردم بدانند که مردم در در صفت شیخ برای آنکه قابل قضاوت قبول دارم و  
با این وجود در اینجای قضاوت شده که راه خود مردم در این می‌تواند که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
محل در این می‌تواند که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
و مخصوص در روز زانیا جا می‌بیند تا مردم از قضاوت در کنار آنجا باشد ۵- همانکه در اینجای سابقه برد خورده بود که  
۶- قصه ادارات مخصوص که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
خود امری را حتی در حد استعمال از یک نفر بهتر دیگر و قطعاً با همان نسبت آنان شنیده به  
چرا که این از سادگان است راه می‌تواند که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
حسته ۷- اهتمام دیگر را در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
تا جایی نزدیک این منطقه که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
حفاظت خاص خود هسته و کوفت آنجا عمل خواهد شد در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
فردین آنجا نوزاد را همان ممبر بر اهر مستان را در وقت سادانه و کبت و اهر نوزاد است موضع مردمی نوزاد  
بالقوه و احیاناً بعضی خط نماند ۸- حد دردی که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که  
و تا مردم با نگاه کرد از این مردم در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که در اینجای سابقه برد خورده بود که

بیت‌نادرورد  
 اسم الله الحسین

۱۳۵۷ / ۳ / ۱۷

مخاطب: آقایان محترم، دوستان گرامی، در روز پنجشنبه ۱۳۵۷ / ۳ / ۱۷

از خداوند متعال دعا که سعادت شما را برآورد.

با وجود استقلال که این دولت دارد، در اقلیت دینی سرافراز است.

امدادها از نقاط مختلف اسلام به صورت قابل موزنی با این اقلیت

بیشتر ایمان می‌شود. استان سیستان و بلوچستان که اکثریت پرده

که همیت حقیر، ریشه در آنکس وجود نداشته است. امروزه هم چنان در

دارد. تا سوزگار، دانشجو این به این استان کرده اند. شما همواره

این‌ها با یک بود و بر خصلت فطرت است. اما در سراسر مملکت

تغییر این روند است. اما در آن کوشش می‌شود که در آن و بکار که در

زیاب شدن جایزه یا وسوسه و سایر مواردی باید استقامت

زین دستک و سخنان دانسته تا سوره نبی بود و در

چهارم از ره کار انجام دهد. در این استان از مکتب روزها است.

در آنجا که در دستور فرستاد از دولت ما که در

صندت می‌نمایند که دولت خود مایه کارهای هم‌نواها

انجام بدهند. و زنده‌ها این اتفاق که همیشه صحبت و مردم

بیا همگی اندازد و از طرف مردم و صحبت دارنده و از طرف

کارها کرده است. و در باره مستقل در این سخن می‌شود.

و اما راه حل این که فکر کردیم! دوستان آری! اربابان

بیشتر بارها هم می‌اندازیم. و در میان ما می‌سازیم. این‌ها در

تمام مملکت می‌نمایند. مملکت سرگرم. که نسبت به این‌ها که در

بیشتر است. و در آنجا که این روش در مملکت می‌شود.

دوستان گرامی، در روز پنجشنبه ۱۳۵۷ / ۳ / ۱۷

انجا است که مملکت بیشتر در شاک

۱- در کشور ایران و مملکت سیستان و بلوچستان

که در این مملکت همواره در این مملکت

در این مملکت

۲- به علت اینکه در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۳- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۴- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۵- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۶- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۷- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۸- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۹- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۰- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۱- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۲- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۳- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۴- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۵- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۶- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۷- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۸- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۱۹- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

۲۰- تا چه زمان در این مملکت در این مملکت

در این مملکت

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۴۳

و سبب آن جهت نوازش از طرف سیره دهر آفرینین در این  
میرزده و سینه و در سوادک و دارم - یا به غیر از قوت قریه‌های  
و نام از اول اسباب غیر مسلم و غیره - که در این قورک و سوره‌های  
اداره کننده ایشان را استعجاب افراد انقلابی مردم با ایشان  
اعتنا و محروم از نصیب و دولت حسب سیره و زمانه ما را می‌پوشد  
مقدور و خایه و در حقیقت که آنان قریباً ایشاد و رسمیت می‌شود  
حقیقتی می‌شود.  
و سبب آن که از راهی بر ما می‌آید از قوت کار و دولت است. و سبب آن که  
کشادری، تحقیق و تحقیق از راهی و سبب آن -  
۳- تا به زمان ما که در مجموع در امور دولت اسلام می‌باشد  
که علم برای دولت در دنیا و دنیا باقی‌مانده است. و سبب آن که  
۵- من این نامه را به تمامه از نظر ایمان در هر کس که می‌باشد  
در ایران تمامه است. و سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
کتابی قبلاً از هر کس که می‌باشد و سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
مداماً نظر قبلی در هر کس که می‌باشد.

ایشان و الله تعالی کثیر رحمت و احسان در هر کس که می‌باشد  
و سبب آن که در هر کس که می‌باشد و سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
کتابی که در هر کس که می‌باشد و سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
ایشان را که در هر کس که می‌باشد و سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
من این نامه را به تمامه از نظر ایمان در هر کس که می‌باشد  
دلیلی است که در هر کس که می‌باشد و سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
قبلاً و سبب آن که در هر کس که می‌باشد و سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
تقدیرت باشد.

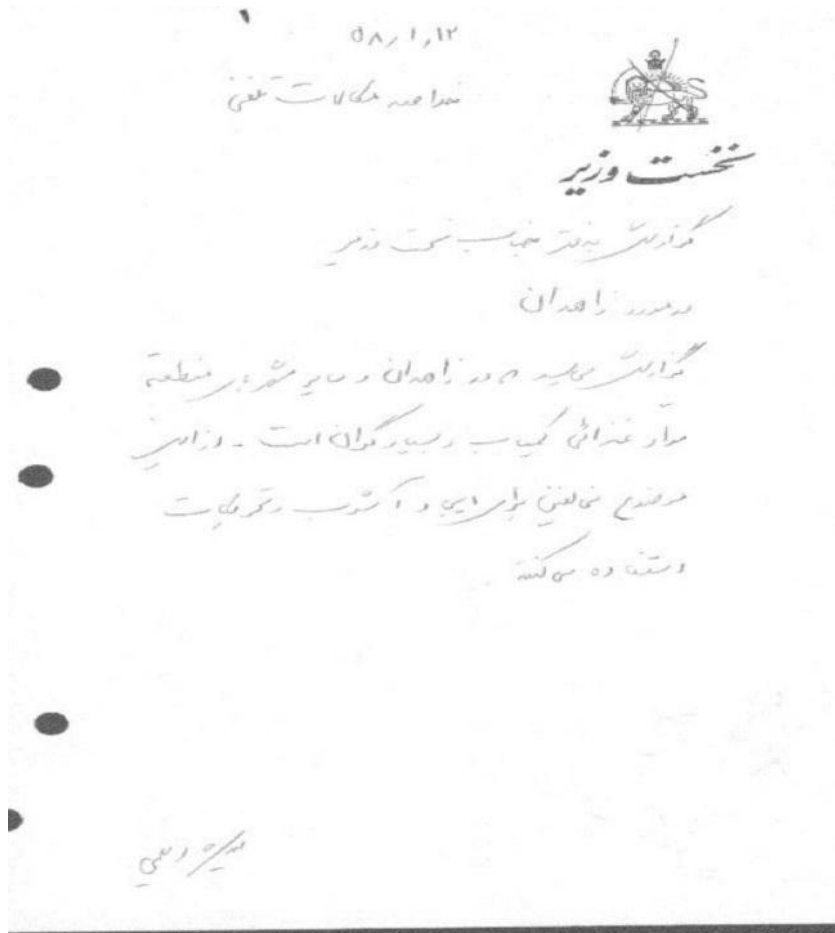
مطابق ایران پیش

۱- سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
و سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
۵- سبب آن که در هر کس که می‌باشد  
کتابی که در هر کس که می‌باشد  
۶- سبب آن که در هر کس که می‌باشد

شماره

۴۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۴۶- گزارش به دفتر نخست وزیر درباره زاهدان



پیوست ۴۷- گردهمایی گروهی از کپرنشینان ایرانشهر، پس از اجتماع در فرمانداری

کپرنشینان زحمتکش


این اولین باریست که ما خواستهای خود را به گوش مقامات رسانده ایم و هر بار که با آنها روبرو شده ایم با وعده و وعید ما را گول زده اند و زمینهای را که متعلق به ما بوده است از ما گرفته و ما را با تراکتور باز جایی به جایی دیگر برده اند و هر وقت خواسته ایم چند آجر و خشت روی جم بچینیم و سرپناهی برای خود تهیه کنیم، جریمه و دادگاهی شده ایم. ما یک عمر با ماورین دزد و دزیر روزی بوده ایم. اما چون رژیم عوض شده است و این رژیم خود را حامی زحمتشان میدانند ما انتظار دیگری داریم و به همین جهت در فرمانداری جمع شده ایم و اما آقای فرماتار بجای آنکه از خواست ما بجای صحبت کند از شیر آب صحبت کرد مثل اینکه مشکل ما بایک شهر آب حل شدن است و یا بجای اینکه زحمتها را برای ثبت کند میگوید شما را تحریک کرده اند و یا میگوید شما کمونیست هستید آیا کسی که حقوق خود را مطالبه می کند تحریک شده یا کمونیست است؟ همه اینها همان اتهاماتی است که شاه به کار می برد. شما میگویند که من بلوچ هستم. ما خوب میدانیم که عوامل آتش سوزی در ایرانشهر هم چند نفر بلوچ بودند که به اتفاق روسای ساژک و ژاندار می آترا به راه انداخته و یا آنها که بعنوان رئیس و نظیده هستند (چندین سال خون مرد پرآ کیده اند بلوچ بوده اند پس فقط به خاطر این که کس بلوچ باشد نمیتواند خند متکوار ما باشد. آنها کسانی میتوانند به ما خدمت کنند که درد ما را بدانند و از طرف ما نکل و نسیب شوند. نه آنها تیکه سالها برای گرفتن پست و مقام پیش همدا و عظم دولا و راست شده اند و این را هم می دانیم که حق گرفتنی است و نه دادنی. و به همین منظور اگر ما متحد بشویم و به طور دسته جمعی عمل بکنیم به حقوق خود می رسم اما اگر گول حرفهای دیگران را بخوریم هیچ موقع نمیتوانیم به پیروزی برسیم پس ما سعی کنیم متحد شویم و به دنبال خواسته های خود برویم و خرکس را در بین ما تفرقه ایجاد اند و نگذارت ما به حق خود برسیم از بین خود بیرون کنیم.

خواستهای ما کبیر نشینان در فرمانداری ایرانشهر در تاریخ ۵۸/۱/۱۵  
ما زحمتکشانی که نشینان از همه خواست های حق خلقهای ایران از آن جمله خلق ستمدیده بلوچ که بخاطر رفح ستم ملی و اقتصادی مبارزه می کند پشتیبانی می کنیم و از آن جا که رژیم جنایتکار پهلوی سالهای سال با وعده های خشک و خالی ما زحمتکشان را گول می زد و هر نوع صدای حق طلبانه ای را با تلوله پاسخ می داد. لازم می دانیم حالا که دولت موقت روی کار آمده و خود را حامی زحمتکشان می داند. و همه می دانند که فقر و بدبختی ما کبیر نشینان در حدی است که هیچ احتیاجی به بحث و گفتگو نداریم. خواستهای مشخص خود را پیش پای مقامات می گذاریم و خواهان جواب هستیم.  
۱- زمین ها تیکه پاکیزه نشینان در آن جا زندگی می کنیم بنام ما ثبت شود.  
۲- هر چه زودتر برای ما مسکن تهیه شود تا دیگر در معرض خطراتی چون آتش سوزی و سول زدگی قرار نگیریم.

۳- برای ما زحمتکشان هر چه زودتر کار فراهم شود تا از بیکاری و در بدری نجات پیدا کنیم.  
۴- همه امکانات رفاهی از آن جمله آب و برق و بهداشت. درمان و آموزش به طور رایگان در اختیار ما قرار گیرد.  
۵- برای فرزندان ما امکانات آموزش فراهم گردد ربه آنها کمک هزینه تحصیلی داده شود.  
۶- برای زنان و مردان سالخورده که دیگر توانایی کار کردن را ندارند. امکانات زندگی فراهم گردد.

۴۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۴۸- دستگیری خداداد ریگی



وزارت دفاع ملی (دایره مورا داری) **وزارت جنگ** دفاع ملی  
پنجمت وزیر (جناب وزیر مشاور در امور اجرائی)  
موضوع: دستگیری آقای خداداد ریگی (تلفن)

شماره ۸-۱۲۰۰  
تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۶  
پیوست

تلفنگ-رام

برابر گزارش رسیده از ستاد کل ارتش ملی اسلامی ایران و بنا به اظهار آقای مولوی عبدالعزیز رهبر اهل تسنن آقای خداداد ریگی نماینده سابق مجلس شورای ملی روز گذشته توسط پاسداران انقلاب دستگیر شد. در نتیجه طایفه ریگی ها که بسیار قابل ملاحظه میباشند شروع به مخالفتها نمودند و تقاضای آزادی آقای ریگی را دارند با مصلحت توجه به موقعیت منطقیه و وضع حساس بلوچستان ایران خواهشمند است مقرر فرمائید در این مورد بررسی و اقدام لازم بعمل آورند. د. س

وزیر دفاع ملی - سرتیپ رها - س  
د. سرتیپ رها

دفتر موقت انقلاب اسلامی  
دفتر مخصوص قضاوت وزیر  
۳۵۴ - ج ۴ - ۵۸۱/۲۵  
آب میزده - شماره پرونده

۴۱۶۱  
دفتر ریگی

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۴۷

### پیوست ۴۹- خواسته‌های مردم شهر دامن

- دوگرد جماعتی روز جمعه مورخه ۵۸/۱/۲۱ ما مردم دامن در محل دبستان راجح به مسائل گوناگون اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و خود مختاری بلوچستان مورد بحث و مذاکره قرار گرفت و در پایان خواسته‌های ذیل مطرح و انجام آنها را به فوریت از مقامات مسؤل خواستاریم :
- ۱- سپردن امور مردم بدست شوراهای محلی و منطقه ای؛
  - ۲- رفع کامل ستم ملّی و ستم اقتصادی (آزادی زبان، آزادی مذّهب، آزادی فرهنگ، آزادی لباس و...)؛
  - ۳- دستگیری عوامت ارتجاع و فرستاللب که عم اکثون در گوشه و کنار بلوچستان باعث سلب آسایش مردم شده اند و ندای تجزیه بلوچستان را سر داده اند؛
  - ۴- آزادی بیان و قلم، اجتماعات و سازمانها و گردهم‌آیی‌های سیاسی و احترام بحقوق اجتماعی و فردی؛
  - ۵- برقراری امنیت بلوچستان با منسلح کردن افراد و زمند مسؤل از طریق شوراهای منطقه ای و محلی خود مردم؛
  - ۶- فراهم کردن کار برای کلیه افراد بیکار منطقه و فراخواندن افراد بیکه جهت یافتن کار از کشور مهاجرت کرده اند؛
  - ۷- فراهم کردن امکانات کشاورزی (زمین، آب، بذر، کود و ماشین آلات کشاورزی) و خرید محصولات مازاد بومسرف کشاورزان با قیمت عادلانه و امکانات بنامی از قبیل (بهداشت و درمان، مسکن، آب و برق، آموزش و راه‌های ارتباطی) بطور رایگان؛
  - ۸- احداث سد و سیل برگردان بند و در رنج سیل از سیل بردگی روستاها و قیاسیم نبودن آب برای کشاورزان؛
  - ۹- از بین بردن نفوذ و واسطه‌های محلی که (را بعلیین مردم و دوایر دولتی هستند)؛
  - ۱۰- جلوگیری قسّی از خروج وسائل و ماشین آلات شرکتی مختلف بویژه پایگاه کناره از بلوچستان به نقاط دیگر بند و استفاده از آنها برای عمران و آبادی بلوچستان؛

مردم دامن

پیوست ۵۰. فراخوان گردهمایی سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان از مردم ایرانشهر  
برای جلوگیری از انتقال لوازم لجستیکی پایگاه‌های نظامی چابهار و کنارک

اطلاعیه توری

مردم ساز ایران شهبور

عده مبدانیم که رژیم شاه بجای اینکه به آبادانی بلوچستان می پرداخته و زنده گی مردم را بهبود می بخشد  
چندین میانه بود تومان صرف ساختن پایگاه ز نطاس کنسارک در چابهار کرد تا بیشتر بتواند برای  
و این خاتمه خاتمه خدمت کند یا، و چروانکه با این هزینه می شد تخریباتی بنیادی در بلوچستان ایجاد کرد  
اما حالا که رژیم برسریده شاه بدست مردم واژگون شده و دولت این بایسکا صهای شد مردم را تعطیل  
کسوفه است مردم بلوچستان می خواهند تمام امکانات و وسائل و ماشین آلات موجود در منطقه صرف  
عمران و آبادانی بلوچستان کرد اما متأسفانه این وسائل عم اکثرون به وسایل تزیین از چابهار به  
جای خالی خارج از بلوچستان منتقل می شوند به طوری که جم اکثرون نقدار زیادی از این وسائل و بوری هنگفت  
تواند امیری ایرانشهر قرار دارند ما از مردم می خواهیم که روز سه شنبه ۴ / ۲ / ۵۸ صبح زود (۶ صبح)  
در ولکه داد شاه جمع شوند تا از این کار ممانعت بعمل آید

سازمان دمکراتیک مردم ایرانشهر - شاخه ایرانشهر

۵۸ / ۲ / ۳



### پیوست ۵۱- اطلاعیه سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان

مردم مبارز چابهار و کنارک

با اطلاع کامل از اینکه بلوچستان یکی از عقب‌مانده ترین مناطق ایران است و آبادانی آن نیاز به وسائل و ماشین آلاتی دارد که متأسفانه هم اکنون دولت تصمیم گرفته است آنها را از کنارک بخاری کند. این تصمیم را با حرکت چندین تریلر با وسائل و ماشین آلات مختلف عملی نمود و خواستهای مردم که به نظر کامل‌ترین طرح شده بود، وقتی نگذاشت ولی خوشبختانه مردم مبارز ایرانشهر به پشتیبانی از مردم چابهار و کنارک عدم رأی سبک کردند و از حرکت آنها جلوگیری بعمل آوردند که با موفقیت کامل و پیروز شد و ماشین آلات به کنارک برگشت داد. شدند. حال از مردم مبارز کنارک و چابهار می‌خواهیم که در صورت برداری و کنترل این وسائل از این مناطق حد اکثر تلاش برانوده و از انتقال آنها به نواحی از بلوچستان جلوگیری بعمل آورند.

پیروز باد همه‌تنگی و مبارزات خلق بلوچ

سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان

شعبه اخبار سیستان و بلوچستان

۵۸ / ۷ / ۲

خواهران و برادران عزیز بلوچ

شبهه این موضوع را میدانیم که زبان و ادبیات بلوچ در اثر خفتن فرهنگ عصر سفاک پهلوی در حال از رفتن بود و اکنون که شرایط بهتری فراهم شده باید مانند سایر خلقهای ایران (کرد، ترکمن، ترکو...) برای ترویج و اشاعه زبان و فرهنگ خود کمر همت را ببندیم. برای آغاز کار انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ به زودی نشریه‌ای که جاری مطالب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ادبی است منتشر خواهد نمود از همه محققان، نویسندگان، شاعران و افراد علاقه مند تقاضا می‌شود برای احیاء زبان و فرهنگ بلوچی از همکاری و مساعدت دریغ نرزند.

انجمن فرهنگ و ادبیات خلق بلوچ

پیوست ۵۲- فراخوان اجتماع درخواست به کارگیری ماشین آلات صنعتی در آبادانی  
شهرستان

**مردم مبارز زاهدان**

ده ها صید پیار در بیال ماشین آلات  
راه سازی - آبیاری - مولد برق و .....  
در پایگاه کنارک موجود است که  
متعلق به زحمت کشان منطقه میباشد  
برای برنامه ریزی پیرامون استفاده از  
این وسائل روز جمعه ۵۸/۲/۲۸ ساعت  
۴ بعد از ظهر در خانه بلوچ حضور  
بفرمایید .

دیواری در خیابان مصدق رفسنجان  
شهرک، در روز جمعه ۱۸ خرداد کتبه  
استیذان سنتی، ارادتی

بیشتر نظار خوانی در مورد کونک استفاده  
۱- وسائل پایگاه کنارک

- ۱- خانه بلوچ، مثل خانه ترکمن و خانه کرد و ... پایگاه گروهی غیر توحیدی است.
- ۲- گروه غیر توحیدی اعلامیه خود را با نام "خدا" (به غیر از حرف نیر)، برافزید  
توده های آنان مکتب در دست این نام استوار میباشد.
- ۳- توده ها را برای مصادره دیار در حال احوال موجود در دست پایگاه  
تسویح و تحلیف مکتب
- ۴- دولت بالا جبار باید جدی انگار را بگیرد
- ۵- بر ضرورت روح خواهد بود حادثه گنیز، توده، فرستاده گنیز، در ظهور خواهد کرد
- ۶- مادر صلوات کرده ای غیر صریح، مثل تلالو می توانیم ابلز گنیز بر کنیم؟

توضیح: این متن اصلی اعلامیه بود، ولی در پوستری که به دست من (دکتر یزدی)  
رسید و آن را بایگانی کردم، مطالب دیگری به شرح زیر با دست یادداشت کرده اند:  
«دیواری در خیابان مصدق در شهر زاهدان، در روز جمعه ۱۸ خرداد کتبه شد. به عنوان  
سندی، ارائه شود.

۱- خانه بلوچ، مثل خانه ترکمن و خانه کرد و ... پایگاه گروه های غیر توحیدی است.

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۵۱

- ۲- گروه غیر توحیدی اعلامیه خود را با «نام خدا» (هرچند با حروف ریز)، برای فریب توده‌ها آغاز می‌کند و در پشت این نام استتار می‌نماید.
- ۳- توده‌ها را برای مصادرهٔ میلیاردها ریال اموال موجود در یک «پایگاه» تشویق و تحریص می‌کند.
- ۴- دولت بالاجبار باید جلوی این کار را بگیرد.
- ۵- برخورد شروع خواهد شد و حادثهٔ گنبد، نقده، خرمشهر به‌گونه‌ای نو ظهور خواهد کرد.
- ۶- ما در صداقت گروه‌های غیرصدیق، ضد انقلابی می‌توانیم ابراز تردید کنیم؟

## ۴۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۵۳- اعتراض به نفوذ افراد وابسته به حکومت پیشین در پست‌های دولتی و اداری

وزیر امور کشور  
جناب آقای صدر

بسم خدا  
با شروع انقلاب و سرنگونی رژیم فاسد سلطنتی، ملت ایران امیدوار بودند که ریشه ظلم و فساد از بین برود و به جای افراد فاسد و دزد و فرصت طلب افراد سالم و خدمتگزار انتخاب شوند. این عمل اگرچه در سطح بالا صورت گرفت ولی در بسیاری از موارد افراد ناشایست و کسانی که قبلاً از مداحان آریابهر و امنای ایران نوین، رستاخیز و چپاولگر اموال عمومی بودند خود را بعنوان انقلابی جا زده و زمامدار باره‌ای از امور گشتند. با تئانی و قائلان بازی که در این افراد وجود دارد عده‌ای از همفکران خود را نیز در مشاغل مختلف به کارگزارند. این عمل از نظر آینده انقلاب خطرناک است. زیرا ملت ایران که شاهدند این افراد با توسل به حیله و نیرنگ و پارتی بازی، سابق برای پیشرفت خود شبانه روزی خود را وابسته به دربار و رستاخیز نگه می‌داشتند و حالا برای جاه و مقام به انقلاب پیوسته اند ایمانشان را نسبت به جنبش از دست می‌دهند. نمونه این افراد یکی آقای منعمی فرماندار اسبق زاهدان است که علاوه بر فساد اخلاقی میالغ‌هنگتی از بیت‌المال را به جیب زده و حالا بطوریکه هر روزنامه‌ها خوانده‌ایم شغل مهمی در استانداری کرمانشاه دارد. نمونه دیگر آقای دکتر اکبری از فعالان حزب رستاخیز میباشد که فعلاً در داخل بیمارستان زاهدان منزل داشته و ضمن اینکه مخارج خود و خانواده خود را با حقوق‌هنگتی از بیمارستان دریافت می‌دارد ولی صحیحاً سرپوش نمی‌بیند و آنها را بعد از ظهر در مطب ویزیت میکند و چون جراح و شکسته بند منحصر بفرد است مردم بدبخت مجبورند پیش او بروند و فعلاً هم معاون استانداری سیستان و بلوچستان بوده و دوستان خود را با حیله و نیرنگ در مشاغل گوناگون گمارده است. و حال خود را برای

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۵۳

(۲)

استانداری و ریاست دانشگاه پزشکی سیستان و بلوچستان با توسل به این و آن آماده می‌سازد  
استدعا میشود برای جلوگیری از بدبینی مردم و تلف شدن سرمایه های مملکت در انتصاب  
افراد نهایت دقت را مبذول نموده و در صورتیکه این افراد شارلاتان خود را بنحی در —  
دستگاههای دولتی جا دادند پس از مشخص شدن دست آنها را از سرمرم کوتاه نمایند  
درخاتمه سعادت و سلامت ملت ایران را از درگاه ایزد یکتا مسئلت دارد .

از طرف جامعه بلوچ

حسین ریگی

پیوست ۵۴- راهپیمایی اعتراض آمیز در زاهدان

## راهپیمایی اعتراض آمیز در زاهدان

● زاهدان - در پی دعوت حزب اتحاد- المسلمین زاهدان برای انجام یک راه پیمایی که قرار بود پیروز (پنجشنبه) انجام شود و هدف آن اعتراض به تصویب مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی بود صبح پیروز چندین مرتبه از رادیو زاهدان اعلام شد که به گفته مولوی عبدالعزیز پیشوای مذهبی برادران اهل تسنن و نماینده مردم بلوچستان در مجلس خبرگان این راه پیمایی انجام نخواهد شد. لیکن علیرغم پخش مکرر این اعلامیه از رادیو زاهدان، پنجشنبه جمعی از افراد بلوچ که گروهی از آنان از شهر های خاش و ایرانشهر آمده بودند از محل مسجد مکی متعلق به برادران اهل تسنن دست به یک راه پیمایی زدند و پس از عبور از خیابان و صدور یک

قطعه نامه ۲۰ ماده ای متفرق شدند. در پایان گروهی از این راه پیمایان رادیو زاهدان را متهم به جعل اخبار در ارتباط با پخش اعلامیه کردند. در پی این جریان مسئول واحد اخبار رادیو تلویزیون استان با مولوی عبدالعزیز در تهران تلفنی تماس گرفت و ایشان یک بار دیگر دستور قبلی خود را مبنی بر خودداری از تظاهرات و راهپیمایی در زاهدان تأیید کرد. مولوی عبدالعزیز در این تماس تلفنی که نوار آن عیناً از رادیو زاهدان پخش شد گفت: ابتدا قرار بود تظاهراتی شود، بعد من گفتم اینکار انجام

نشود و حتی از مولوی عبدالغفور و مولوی مدنی خواستم که از طریق رادیو زاهدان این موضوع به اطلاع همه همشهریان رسانده شود، زیرا من به اتفاق مفتی زاده بحضور امام خمینی رسیدیم و ایشان گفتند همه کارها درست میشود و حتی از هیچکس ضایع نخواهد شد و برای مذاهب اسل سنت و جماعت جای هیچگونه نگرانی نیست. مولوی عبدالعزیز در پاسخ این سؤال که در قطعه نامه هائی که سبب آشوبهای کردستان بوده اند پشتیبانی شده، آیا نظر شما در این مورد چیست گفت: ما با هر کسی که بر ضد اسلام و برضد جمهوری اسلامی

باشد هیچگونه رابطه ای نداریم. مولوی عبدالعزیز در پایان این گفتگو یکبار دیگر از راهپیمایی برادران اهل تسنن در زاهدان اظهار تعجب کرد و یادآور شد که این راهپیمایی برخلاف دستور صریح ایشان بوده است.

### توضیح

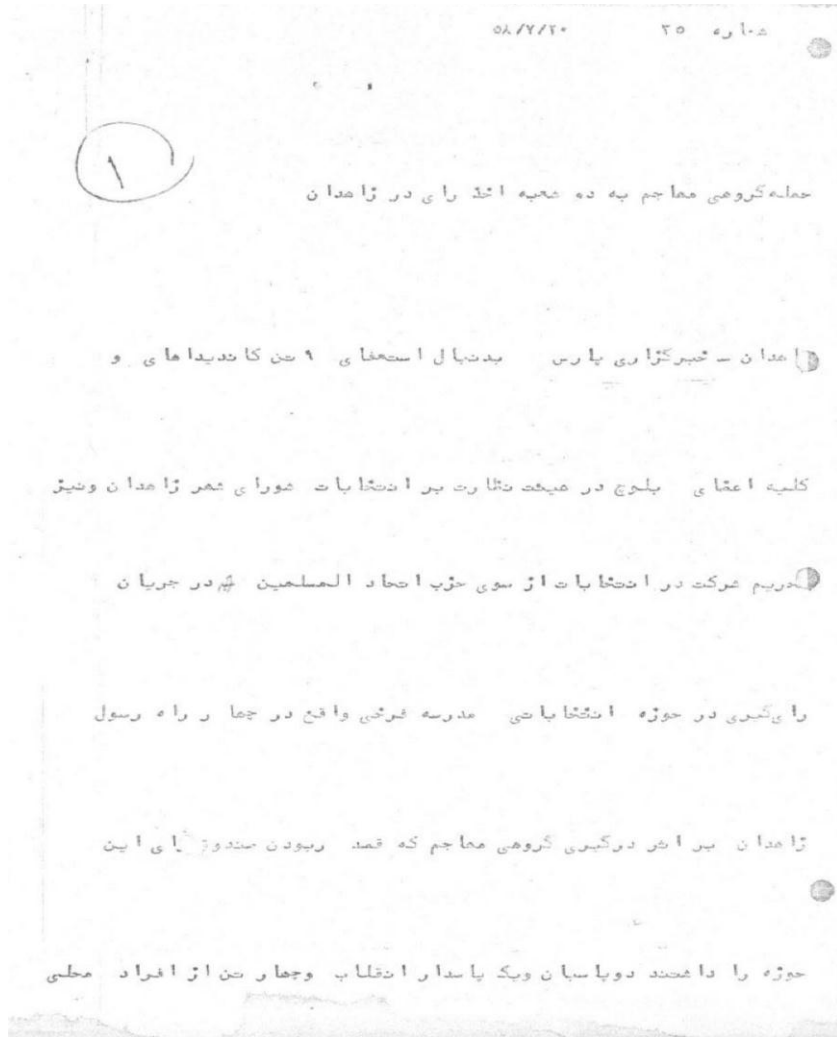
بدنبال مطلبی تحت عنوان یک کلاهبردار معروف دستگیر شد، مورخ ۲۲ تا ۲۸ اردیبهشت ماه ۸۸ روزنامه اطلاعات صبح روز پنجشنبه (پیرروز) عده ای از بستگان آقای جعفر صدیق جعفر زاده با مراجعه به روزنامه اطلاعات در مورد خبر مذکور اظهار داشتند: چون اتهامات وارده محرز نگردیده و نیز نتایج دادگاه هنوز اعلام نشده است، لذا نمی توان وی را کلاهبردار قلمداد کرد.

(روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۶/۳۰)



۴۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۵۵- حمله گروهی مهاجم به دو شعبه اخذ رأی در زاهدان





بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۵۷

بلوچ برادر اسابت کالوله زخمی شدند یک شبر تا شید ننده حاکیست که

یک پاسبان نیز برادر اسابت کالوله به ناحیه حکم کشته شده است

مجموع این حادثه هم اکنون در بیمارستان مدق این شهر بستری هستند

چنین در حوزه انتخاباتی مدرسه سدیقه رشادی واقع در نیایان

مدق معاجمین با حمله به یک پاسدار انقلاب قتل دادند وی را خلع

سلاح کردند ولی شورش‌ها در این مورد شوقی نصیب

انان نداد و قتل موقت به ربودن صندوق رای و تخریب کردن آن می‌شود در رابطه

با این درگیری ها شرکتکار شرکتکاری با رس در یک صاحبه اختصاصی با اقا

۳

غیاث بخش معاون سیاسی واداری استان تدارسی سیستان و بلوچستان -

وسرپرست فرمانداری ژامدان نثار ایشان را در این زمینه جویا شد

معاون استان تدارسی سیستان و بلوچستان گفت به گزارشی هیئت صحت تام در حو\*

حوزه انتخاباتی مدینه رشادی یا شوکتی سابق معارن ساعت یازده امروز

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۵۹

گروهی ملیس به لباس بلوچی که هنوز هویت آنان معلوم نیست به این شعب  
و پاسداران و پاسبانان ما مور در این حوزه حمله میکنند و در جریان این  
درگیری سیر انجام صندوق رای را باره کرده و پس از مجروح ساختن صدی  
چند از ما مور آن اختلاس می‌شود و شرد کردن شیشه‌ها و در و پنجره این شعبه  
منواری میشوند و تغییر این واقعه در حوزه دیگری بنام حوزه مدرسه فرشی  
اصفاق می‌افتد که در جریان حمله به این حوزه ما مور آن زاندا مری

۲  
۳  
۴  
۵

۴۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴۶۰

خیز مجبور به مخالفت می‌شوند و ما همین با صبر و استقامت و ایجاد اختلالی

در این صحنه گروهی از ما موران استثنائی را تضمین میکنند و پسان

ریودن صندوق رای متواری می‌شوند آقای فیاضی بجز آن‌ها در مورد تعداد

دقیق تضمین ما ویا احیانا گفته شدگان این ماده هنوز اما رسمی

و تا حدی شده ای بدست ما نرسیده است اما یک گزارشی تا حدی شده تا کیفیت

## بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۶۱

حکام به یک نفر پلیس در ایزدگیری کشته و چند نفر زخمی شده اند سرپرست

درمانداری ژاهدان اشفافه کرد ..... خوشبختانه به همت ما موران

انتظامی و پاسداران انقلاب هم اکنون آرامش کل در شهر برقرار است

و برای پیشگیری از چنین حوادثی بیسی بیسی های لازم بعمل آمده است از

جمله بهداز عمر امروز آقای جبریری استاندار سیستان و بلوچستان

که از طرف وزارت کشور در مورد تصمیم‌گیری در زمینه مسائل انتخاباتی

۴۶۲ □ شخصت سال صبوری و شکوری

اختیارات تام به ایشان تفویض شده است در جلسه ای با حضور

۴

فرماندهان شهریاری ساژان و پادگاه نظامی مستقر در ساژان

و اعطای صیغه اجرا کی مرکب از چند تن از پیشوایان مذهبی و

نمندان محلی برادران اهل سنتن و توضیح سرگرم رسیدگی باین

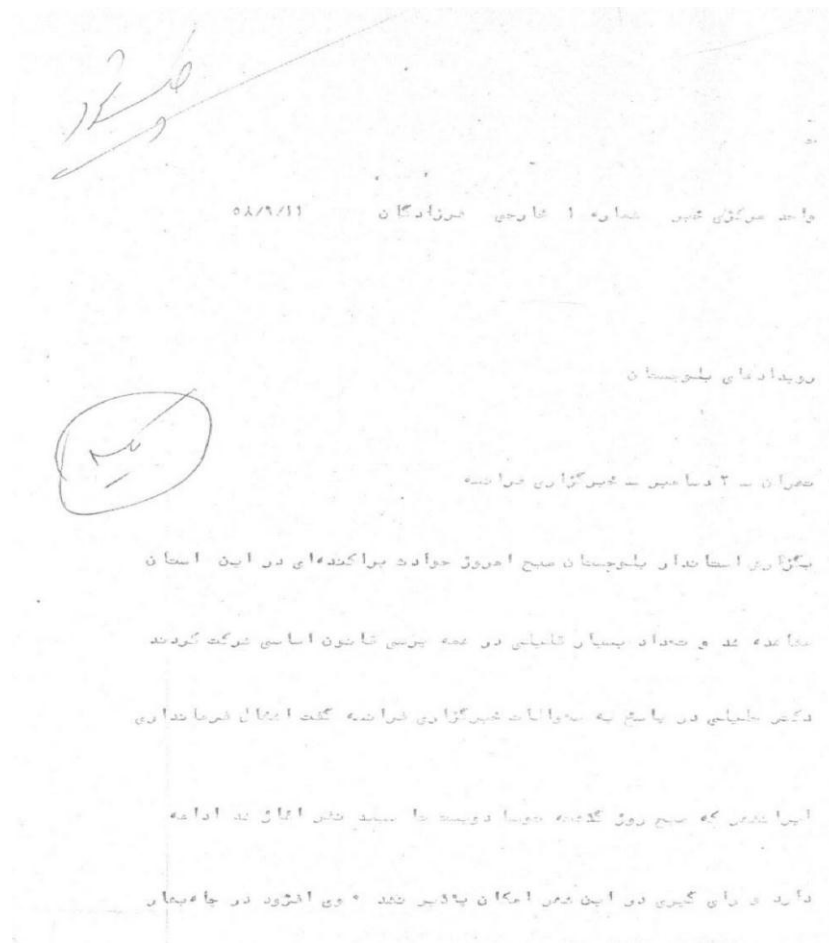
وقایع هستند که پس از انجام بررسی های لازم واخذ

تصمیماتی نتیجه مذاکرات اعلام خواهد شد آقای قیاسی بکن در مورد امار

کسانی که روزگانه در حوزه های انتخاباتی ساژان صفت نام کرده و کارت

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۶۳

پیوست ۵۶- اعتراض به رفراندوم و اشغال فرمانداری ایرانشهر



۴۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۶

بگن دیگر از همکاران این استان نیز گروههای شتابان سندوتسمای

رای را در هم نگهستند و از برگزارین کمیته بررسی جلوگیری بعمل آوردند \*

استادان باوجودیگان اتحادیه کرد تعداد قلمبسی از مردم در عمده بررسی شرکت

کردند و این بدان جهت پیام رسانان سخن مذهبی متناهی در مورد تحریم عمده بررسی

از یک سو و بدین گروههای شتابان از سوی دیگرست که از انجام عمده بررسی

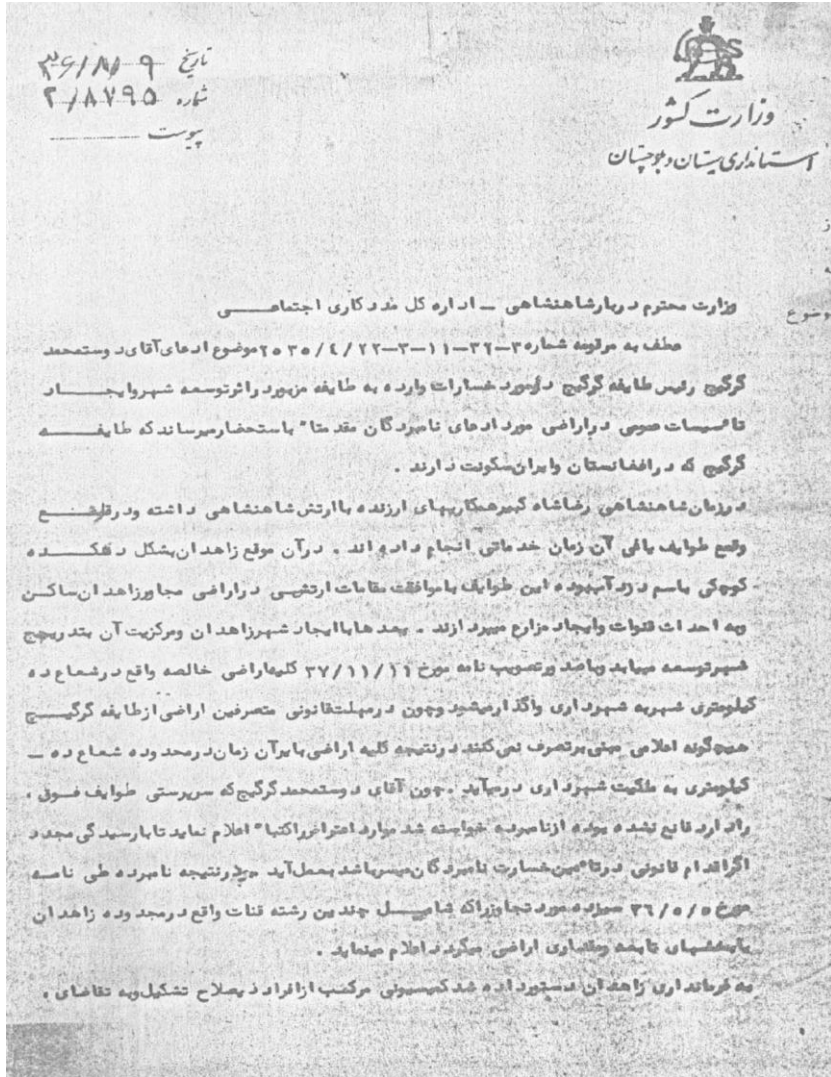
جلوگیری میکنند \*

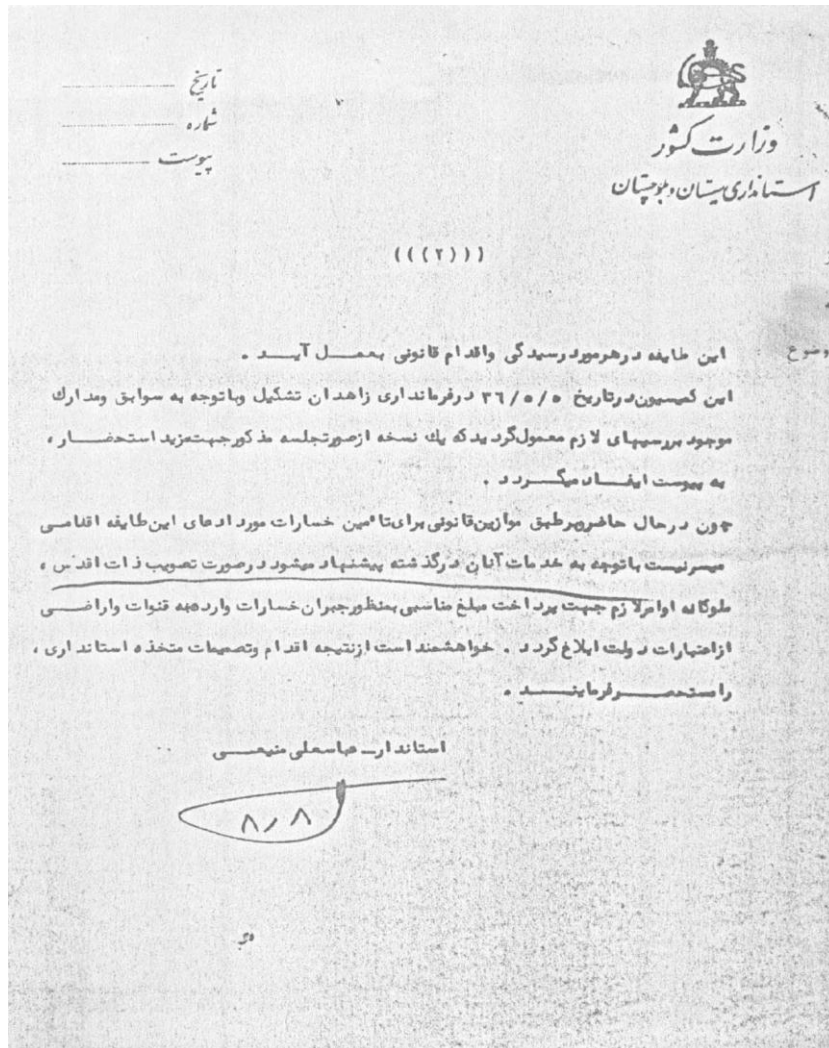
شماره ۱۷۱۵



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۶۵

پیوست ۵۷. داستان مالکیت طایفه گرگیج بر زمین‌های زاهدان





۱۳۵۶۹ / ۲۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



جناب آقای دکتر سردی نماینده آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی

با کمال احترام عرض می‌کند - مطابق اسناد و شهادت تاریخ و سوابق در کشور وزارت دفاع ملی طائفه گورگ آتیب با صلوات در نوآوری سیستان و بلوچستان مرداران کشور سواره میجاوزین و نفوذ بیگانه گان باین آب و خاک بوده در زمان ضعف تاجایه و فستار انگلیسها حتی یک نفر مأمور در بلوچستان وجود نداشت این طائفه سر اسیر بلوچستان و بجز در ترکمن همجای مانده اند از این نوع استعمار و یغیان با شایگان پاکت بیخ نوبن بدخواهان و متمیزین را ریشه کن کرده از آنجا که دولت طاغوتی غول نمائنده امریکه که باید بوظیفه شرب دشتندان دین و کشت بودزی و عث ایر با وفا و محمد نروی ایر از زمین را بکلی محو نماید از زمین ببرد بهین و اسطبر خلاف عدولت و قانون تمامی اراضی ملکی و مستحق و بیجوه قنوات و باغات و اراضی زراعی زاهدانرا که صد ها میلیون تومان خساره وارد گردیده بود بروست شهر زاهدان و تأسیس بانک فرو دگانه قنوا ترا و ایران آب قنوات و اراضی راسا از مائهای دولتی تصاحب آب زیر زمینی و اراضی زاهدان که در قنوات و حقوق میراثی طائفه گورگ بود ساز مائهای دولتی و شرکتهای بانک فرو دگانه و مستغذین سرمایه داران زمین خوار از جاه عمیق و نیم عمیق برای شرب اجاره باغات جدید مستعاره نمودند بدین ترتیب ساز مائهای دولت طاغوتی قدرتمند و بزرگترین طائفه را که در ایران و زمان بی قیمت قرن مصرف زمین به بیخ و بنا بیخ ایران عزیز را تارها داده جهل و بیخ هزار نفرین طائفه را ببلخها و روستائهای مازندران و خراسان و پاکستان و افغانستان اجبار و متفرق و پراکنده ساختند با بدترین زندگی هوانجبه مستند بر اثر ادغات و دادر خواهی های طویل المدت این طائفه با انیتیه بقدر نظریه کار شناسان فنی و جزو خسارات وارده اراضی و قنوات این طائفه که در تحت شهر زاهدان و فرو دگانه سلطان صور تجلیسه ۲۵ مرد ۱۳۵۶ و ۲۸ مرد ۱۳۵۶ و ۲۹ مرد ۱۳۵۶ و ۳۰ مرد ۱۳۵۶ و ۳۱ مرد ۱۳۵۶ استانداری سیستان و بلوچستان و ننگر اف پیشتر و ۱۳۵۶ معتمدین و روحانیون بلوچستان عمران مجلس شورای ملی و نخست وزیر طاغوت خسارت وارده و جان نثاری های صادقانه و پراکندهگی این طائفه را عرف و تائید نموده اند فتوحی عمیق و تقیم است این طائفه حتی بجان سبی و بیخ رسال است مانند امانی مجلس در شورش و غضب به طوفان زلزله استم گران دولت و در گرامی جهنمی دستها و سرمای سوزان غوطه خور اگر جوانان خود را از گرسنگی و بی در مانی از دست داده در این موقع کمین از تویر علم در اسلام ناب و عقائم تمام عدولت فدای نمودی در ایر از زمین ظهور نموده عاجزانه اسید و وارم حقوق مشروع و میراث یا تصد سالی که بکلیت بزرگ مزی بودید نوکران و ساز مائهای فنی ناشناس طاغوت تاراج کردید که حاصل صد سال زحمت که طائفه در شکار صادره و صرف نافع بهنگفت سرمایه سازان صرف از زمین برده به قرآن اقرود لامل بهناد گواه و صور تجلیسه های فرمانداری و استانداری خسارت وارده تائید و تثبیت گردید از روی عدولت و انصاف حسارت تثبیت شده را بنذل و عنایت و نایب در نگاه اند عدالت الهامی و انصاف دولت محسوب کرد از طرف خداوند بر خجات ستمیده گان آمده که آخرین حیات و امید ما هست محروم باشند اجازه فرماندهان طائفه مائیس با ارجح بران در بی زندگی آبر و مصری با هزاران نامیرا که کشور عزیز را بطرف فصل و رحمت الهی بمقدرات خویش بنانه برند با تقیم اقرارات - در وقت محمد گورگ معتمد طائفه گورگ


۲۸ آذر ۱۳۵۸



آدم سر سید آباد کلاته گورگ

شماره تاریخ پست	 <b>وزارت کشور</b> استانداری سیستان و بلوچستان فرمانداری زاهدان	از : به : موضوع :
صورتجلسه *****		
<p>در اجرای دستور جناب آقای استاندار بمنظور رسیدگی به ادعای طایفه گرگیج موضوع نامه مورخ ۲۶/۵/۵۰ آقای دوست محمد گرگیج بر حسب دعوتنامه شماره ۵۳۰۳-۲۳/۵/۲۳-۲۶/۵/۵۰ جلسه ای با حضور اسما کتندگان ذیل در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۲۵/۵/۲۵ در دفتر فرمانداری زاهدان تشکیل ابتدای نامه مورخ ۲۶/۵/۵۰ آقای دوست محمد گرگیج قرائت گردید و آقایان مولوی عبدالمزیز و سردار مهراوه خان بهکی و عبدالله گمشاد زهی ضمن بیان شجرتنامه طایفه گرگیج یادآور شدند که حق این طایفه در مورد اراضی شهر زاهدان ضایع شده است .</p> <p>سپس مدارک و سوابق موجود مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه بشرح زیر میباشد :</p> <p>۱- آقای دوست محمد گرگیج رئیس طایفه گرگیج مدارکی در مالکیت و تصرف املاک سمید آباد تبر محمد آباد وحسین آباد و غیره ارائه داده از جمله صورتجلسه مورخ ۲۷/۶/۳۱۷ با مضامین رئیس داری وقت مبنی بر اینکه بنام دستور نگارنده شماره ۳۲۱۰۳-۱۷/۸/۱ وزارت داری املاک فوق که توقیف شده مجدداً به آقای ملک محمد گرگیج تحویل گردید و اضافه شده که اختیار فروش و اجاره و زراعت و احیاء کردن با خود ایشان است .</p> <p>۲- هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۷/۷/۲۱ بنامه پیشنهاد وزارت داری تصویب نموده اند که وزارت داری اراضی خالصه شهر زاهدان را بهشمار ۶ کیلومتر شش و آنجه مورد نیاز و واگرد وین میباشند و آنچه سابقاً به اشخاص فروخته شده بقیه را بشهرداری زاهدان برای فروش بمنظور رفع نیازمند بهای شهر و امور عام المنفعه واگذار نماید .</p> <p>۳- مجدداً هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۷/۱۱/۱۱ بنامه پیشنهاد وزارت کشور تصویب نمود مآند</p>		
<div style="display: flex; justify-content: space-between; align-items: center;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px;"> <p>فصلی              در مورد زمینهای موقوفه              در شهرستان زاهدان              مورخ ۱۳۰۳/۱۱/۱۱</p> </div> <div style="text-align: right;">  </div> </div>		

بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۶۹

  
 وزارت کشور  
 ستانداری سیستان و بلوچستان  
 فرمانداری زاهدان


شماره .....  
 تاریخ .....  
 پیوست .....

از : .....  
 به : .....  
 موضوع : .....

منظور از تصویب‌نامه هیئت وزیران مصوب ۲۷/۲/۲۱ مبنی بر واگذاری اراضی خالصه عیارت از اراضی شهر زاهدان بشماره ده کیلومتر می‌باشد که هم‌اکنون در آن چهار راه ملحقای خیابان شاه و خیابان شاهپور می‌باشند به استناد تصویب‌نامه های فوق شهردار زاهدان قانوناً صاحب اراضی خالصه که به افراد فروخته نشد است بوده و مصون از مزایای مورد ادعای طایفه گرگیج اغلب در همین محدوده شمع ده کیلومتری قرار گرفته اند شامل تصویب‌نامه های فوق شده اند . وظایف گرگیج شریعتی است و توجیهی و عدم اطلاع بموقع مدارک خود را یعنی در سال ۱۳۳۷ شمسی ارائه ننموده اند و در نتیجه احراز مالکیت آنان برای دستگاههای مسئول ، شناخته نشده تا گفته‌نماند که در طول زمان بعد از آن افراد سود جو زمین خوار از موقعیت استفاده کرد معنایین مختلف اراضی موضوع تصویب‌نامه های فوق را مورد تجاوز و تصرف قرار داده و با احداث کوره هاغ و آلتونک ایجاد تصرفاتی نموده و خود را صاحب اعیان دانسته و بعضی نیز سند مالکیت اعیان دریافت داشته اند از جمله این ، افراد کسانی هستند که در توسعه باند فرودگاه زاهدان مبلغ ۲۴۴۰۰۰۰ ریال بابت مستحقات ایجاد شده خود خسارت دریافت داشته اند .

۴ - در مورد اراضی تل سیاه مورد ادعای طایفه گرگیج معاون سرچنگداری استان اظهار داشتند که براساس مقررات و ضوابط مربوطه ۱۸۵ هکتار از اراضی تل سیاه جزو مستثنیات منظور و بقیه ملی اعلام گردیده است اراضی خشک جزو منابع ملی اعلام و فقط ۳ باب ساختمان مربوطه به اداره راه جزو مستثنیات منظور شده و بقیه ملی اعلام شده است .

در اراضی خرن محمد آباد یک رشته قنات و حلقه چاه مالداري و یک قطعه باغ بمساحت ۰۰۰ متر جزو مستثنیات منظور و بقیه جزو منابع ملی اعلام گردیده اند . و با آورش در صورتیکه طایفه گرگیج زمین برای امر



۴۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

تانی مرکز فراهم نکرد اگر چه حقایق را در جلسه اظهار نظر کردیم آرا مجلس تصدیق فرمودند که حقون مسلم ضایفه گورگیج از روی عداوت بگن ضایح گردیده فلذا حقون ثابته ضایفه مذکور قیام تودیع میسرود .

الف - قنات محمد آباد پلاک شماره ۲۸۲۴ و قنات قید آباد پلاک شماره ۲۸۲۳ یا اراضی توابع آن که قسمت زیادی اراضی زیر کمانند فرودگاه زاهدان با اراضی اشرف آن مال و ملک و مورثی دوست محمد گورگیج و برادرش نیولده روا میباشد که از سالهای دراز در تصرف داشته اند از قبیل حاج سرورده - خسانه - مستندات عیانی در اراضی مذکور ایجاد داشته و جناب آقای استاندار محترم به نامه شماره ۷۷۴۷ / ۲۵ / ۲ / ۲۰ - عنوان جناب آقای شادمان وزیر مشاور معاون پارلمانی نخست وزیر تصدیق فرموده اند که در قنات با قسمتهای زیادی اراضی زراعی و باغات و خانهها از اثر تاسیس مستندات فریداد بران گردیده و باقی مانده اراضی را شهردار تصاحب و یا در از زمین خوار به فروش رسانیده و تصرف شده اند .

ب - قنات نور محمد آباد پلاک شماره ۲۸۴۰ - قنات - سعید آباد پلاک شماره ۲۸۲۶ - قنات حسین آباد - قنات شیرآباد پلاک شماره ۲۸۴۰ - قنات حسن آباد پلاک شماره ۲۸۳۰ - قنات رحمت آباد پلاک شماره ۲۳۰۶ / قنات حجت آباد پلاک شماره ۲۸۳۹ / غیره جمعا همجده رسته قنات و غیره جامان نیمه عمیر و جاهای عمیق از قدیم الا ایام با اراضی زراعی و باغات و توابع آن بموجب فرمان شاهنشاهی شاه تیر و سیرت مجلس ۱۳۱۷ / ۹ / ۱۶ به امضا رهن داری بنا به دستور تلگرافی ۲۲۱۰۳ - ۱۷ / ۸ / ۱ وزیر دارایی قنات اراضی توابع آن برای طلسم محمد و کمانش تحویل گردیده که اختیار خرید و فروش بخود نایب گورگیج اوه ضابط دارد قناتهای مذکور قبل از دست دادن شهر زاهدان آباد کثرت بطول ۱۶ کیلومتر و درازده کیلومتر امتداد که جمعیت انبوه ضایفه گورگیج از مشرب این قناتها امرار حیات میبردند به نسبت وسعت دارن شهر زاهدان بالای قناتهای مذکور آباد جاهای عمیق و نیمه عمیق حیات شرب و استانه شهر زاهدان خشک شده اند تنهها یکسزارو پانصد هکتار اراضی مزویی و باغات ضایفه گورگیج خدایران همه ضرر و خساره به قوم گورگیج توجیهی فراهم گردیده در قنات و حریم قناتها و اراضی واگذاری شاهنشاهی و املاکش قناتهای نعی باشند .

ج - اراضی لخشک و بوط قدیمی و قنات محمد آباد و مساد رجاء و گورند در مقابل کوه ریت پسند و کوه سیاه و پیوسته و خیابان خاش و واقع در شهر زاهدان بخیرمان شاهنشاهی رسا شده کبیر به قرار نقشه و سیرت تلگرافی ۱۳۱۷ / ۱ / ۲۷ به امضا رهن دارایی و قدیمتا به دستور تلگرافی شماره ۲۲۱۰۴ - ۱۷ / ۸ / ۱ وزارت دارایی اراضی محدوده نعل برای نایب گورگیج که از آنها واجداد در تصرف داشته اند تحویل نمودند .

نعل - کوهی بلنده مقابل دستان بابائیان و ادامه سلسله کوهی چشمه این رود چشمه و نیمه سبخ - تنگی السی کوهی نخستین امتداد ده کیلومتر - غربا - چاه درین و بوط قدیمی و قنات محمد آباد و مساد رجاء شهر به لاکه - راه و چاه گوریند مقابل ریگدیند و سیاه کوه و دیگر و نیمه سیاه کوه طرف غرب کلاته رانق زاده به امتداد شانزده کیلومتر - شرقا - کوه چشمه مقابل دستان بابائیان و نیمه سبخ - تنگی و خیابان شاهنشاهی و مساد رجاء نعل



بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۷۱

حقیقتاً خیابان خابر السی طرف غرب کلانه رزاق زاده تپه سیاه کوه به امتداد دوازده کیلومتر قسمت زیادی از اراضی محدودات فوق خرابه موجود بقیه را مردم زمین خواری بدون اجازه و سند فروخته و تصاحب شده‌اند .

د - همانا در صورت جمله قید گردیده دست‌مختص از یکصد و هشتاد و هشتاد هزار هکتار از اراضی خرابه‌های خشک و سوزان تل سیاه و راد و چاه‌سی و گورستانی برای داداری و زراعی و صنایع تمام طایفه گورگیج یکصد و هشتاد و هشتاد هکتار خواستار شده است در صورتی - بنین تقاضا و یا اظهار نظری بهیچ عنوان از ناحیه شخصی مذکور مطرح نشده است چون تا میرده خواهان حق مسلم خود و عموم هموطنان میباشد که ضروریات زراعی و داداری و زندگی چنین طایفه بزرگی را که در گذشته خاقران و در آینده باستاد سرز کشور شاهنشاهی میباشد تا این نباید با وصف آنکه به موجب فرمان شماره ۲۲۲ - (۱) - ۲۰۰۰ اتای استان سیستان و بلوچستان چنین دستور فرموده‌اند ( توبیه مخصوص ذات شاهانه است و مخصوص امر فرموده‌اند این امر دم که پول خود را از زمین نشتیها آورده و میخواهند عمران و آبادی نمایند چنانچه جلوی کار آنها را می‌گیرند وزیر دیوار شاهنشاهی اسدالله علم ) .

ه - خلاصه موضوع املاک زاهدان با سابقه فریب‌ناهند سال مال و ملک طایفه گورگیج و بفرمان اعلیحضرت شاهنشاه رضاعاً کبیر اراضی زاهدان و توابع آن بقرار صورت‌مجلس به طایفه گورگیج تحویل گشته حد خرید و فروش مربوط به خود آن طایفه (استه به نسبت بسعت عمر زاهدان بالای قنات‌ها و ایجاد جاهای عمیق و نیمه عمیق قنات‌های طایفه گورگیج خشک برهنه گس واضح و ثابت است اراضی زاهدان و توابع به فرمان شاهنشاهی به طایفه گورگیج واگذار گردیده که ا پاره حق و خرید و فروش را برایشان داده‌اند این زمینها غیر فاصله شعراء میشود و نیز قانوناً تصحیح هیئت وزیران ( فرمان شاهنشاهی ) را منسوخ نخواهد کرد .

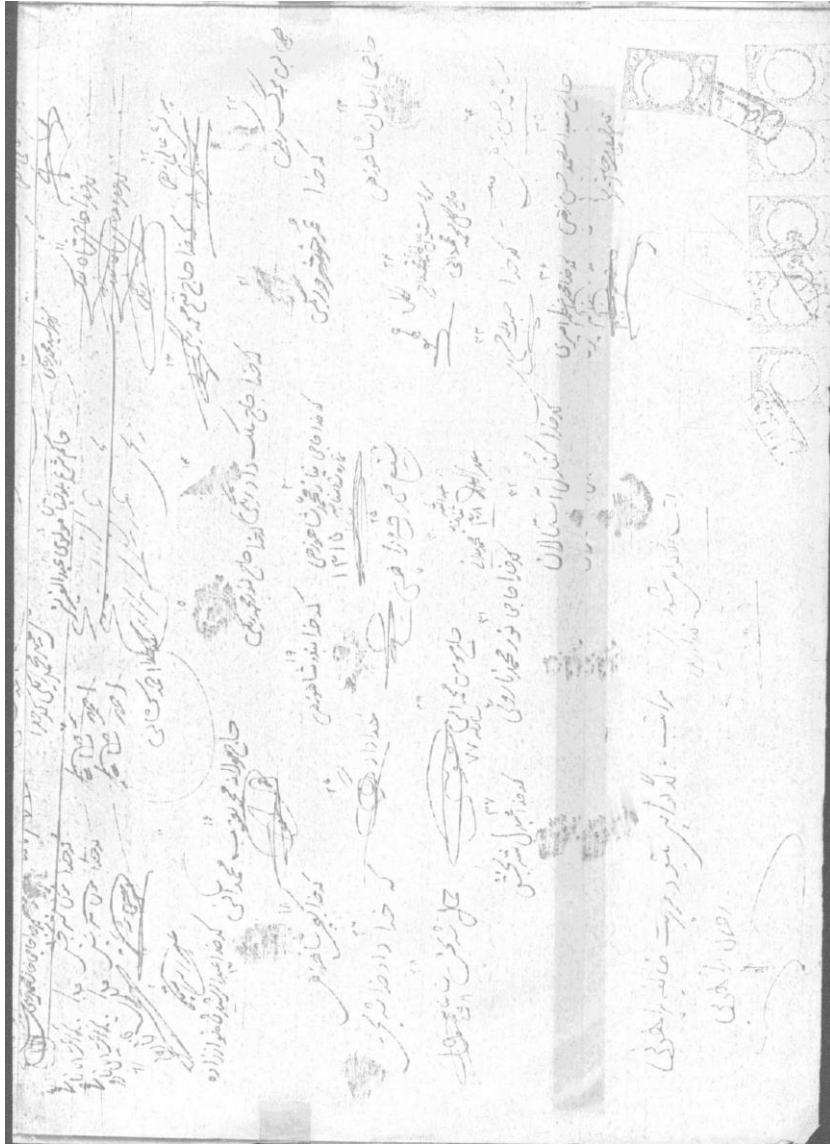
سزاوار است آنچه از اراضی طایفه گورگیج تا بحال در تصرف کسی نیامده و هدین مردم زمین خواری که بدین اجازه شهردار و مالکان اراضی را جبراً و قهرماً تصرف شده برای طایفه گورگیج واگذار و از برای قنات‌ها در بین شهر زاهدان که شهردار به فیتز رسانیده و همان وقت که با اراضی زیر باند قنات گاه بین‌المللی کل زاهدان از بین رفته به شرف عدالت و انصاف رضایت مالکان اراضی طایفه گورگیج را حاصل فرمایند و از اینکه آبهای زیر زمینی زاهدان و توابع آن به نمکستان گود زره اقمدا نستان که فریب سه هزار متر از زمینهای زاهدان عمیق و چشمه‌های آبهای زیر زمینی به طرف سرزمین می‌رود طایفه گورگیج زاهدان استحقاق اولیت دارند که از آبهای زیر زمینی کشور خویش حقیقتاً نمایند در هر صورت به فضیلت انصاف و عدالت شاهنشاهی طایفه گورگیج را که به طرف پرضانیه و نیمتی می‌رود نجات بخشند .

مسئول عبدالعزیز  
دوست محمد گورگیج  
عبداله گمباز





بحران‌ها و تنش‌های سیستان و بلوچستان □ ۴۷۳





## فصل دوم

### مأموریت در سیستان و بلوچستان

پس از صدور حکم بررسی مسائل و اختلافات شهرستان‌ها از سوی امام خمینی، اولین درخواستی که به ما رسید از سیستانی‌ها و بلوچستانی‌ها بود. تلگراف‌ها و تلفن‌های متعدد دریافت شد که وضع در بلوچستان و سیستان به حالت بحرانی است و انفجار قریب الوقوعی را پیش‌بینی می‌کنند. بعد از انتشار فرمان امام، مولوی عبدالعزیز چندین بار تماس تلفنی گرفت و درخواست بلوچ‌ها را مطرح کرد و درخواست کرد به بلوچستان بروم. مرحوم مولوی عبدالعزیز، از رهبران برجسته مذهبی اهل سنت و مورد احترام نه فقط مردم بلوچستان بلکه هم‌وطنان سنی مذهب ما در سایر نقاط بود. ایشان در موارد مختلف با بلوآ و آشوب علیه جمهوری اسلامی مخالفت کرده بود. مولوی عبدالعزیز در نیمه اول فروردین ۱۳۵۸ پیامی برای مردم گنبد کاووس و حومه فرستاد و آنها را به آرامش و همکاری با جمهوری اسلامی دعوت کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۱۵).

در ملاقاتی که با امام برای معرفی اعضای هیئت برای سفر به بلوچستان داشتیم، ایشان هم تأکید و توصیه کردند که هر چه سریع‌تر به بلوچستان برویم. اطلاعاتی هم در باره اوضاع بحرانی آنجا به ایشان رسیده بود. من خود نیز با مشکلات و مسائل سیستان و بلوچستان آشنا بودم. در زمان مسئولیتم در وزارت امور خارجه، در ادامه برخی از اقداماتی که در زمان معاونت نخست‌وزیر در امور انقلاب انجام داده بودم، افرادی مراجعه می‌کردند و با دادن اطلاعاتی از وضعیت بحرانی بلوچستان و تحریکات سلطان قابوس و برخی از سرداران بلوچ، درخواست می‌کردند گامی در جهت کاهش مشکلات بردارم. یک بار هم زمانی که در وزارت امور خارجه بودم آقای گلبدین

## ۴۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

حکمتیار<sup>۱</sup> به دیدنم آمد و اطلاعاتی در باره انتقال اسلحه از افغانستان به بلوچستان به ما داد [پیوست ۱]. بر اساس همین مراجعات و اطلاعات دریافت‌شده، نامه‌ای به آقای مهندس بازرگان نوشته بودم [پیوست ۲].

۱. گلبدین حکمتیار (متولد ۵ سرطان ۱۳۲۶ در قندوز) جنگ‌سالار، سیاستمدار و نخست‌وزیر سابق افغانستان است. وی یکی از رهبران اصلی مجاهدین افغانستان در جنگ با شوروی بود. پس از سقوط حکومت محمد نجیب‌الله وی طی توافقنامه پیشاور به سمت نخست‌وزیری رسید اما اختلافات میان رهبران منجر به جنگ‌های کابل در دهه ۱۹۹۰ شد. بسیاری از مخالفان حکمتیار وی را عامل کشتار بسیاری از مردم افغانستان و تخریب شهرهای مختلف افغانستان در دوره جنگ‌های داخلی می‌دانند. در سال ۱۹۷۱ به جمعیت اسلامی افغانستان به رهبری برهان‌الدین ربانی پیوست. یک سال بعد به جرم قتل سیدال سخندان، دانشجویی افغان در دانشگاه کابل که طرفدار مائوئیسم بود، دستگیر شد، اما بعداً در پی یک عفو عمومی آزاد گردید. پس از آزادی به سازمان جوانان مسلمان پیوست و بعدها پس از آن به پاکستان رفت. حزب اسلامی او در هنگام اشغال افغانستان توسط شوروی برای مبارزه علیه دولت کمونیستی وقت افغانستان در سال ۱۹۷۹ توسط سیا و با هماهنگی سازمان اطلاعات نظامی پاکستان تأمین مالی می‌شد. پس از سقوط دولت محمد نجیب‌الله در سال ۱۹۹۲ دولت اسلامی افغانستان طبق پیمان پیشاور تأسیس گشت. تمام احزاب افغانستان در سال ۱۹۹۲ با آن توافق کردند و متحد شدند، به غیر از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که آن را نپذیرفت. در این زمان به حکمتیار پیشنهاد نخست‌وزیری داده شد، اما او درصدد حاکمیت کامل در افغانستان بود. وی سریعاً بمباران شهر کابل را آغاز نمود که باعث شروع دوره جدیدی از جنگ داخلی در افغانستان در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ شد. در همین حال او به‌عنوان نخست‌وزیر افغانستان در بین سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ و همچنین در سال ۱۹۹۶ پیش از به‌رویی کار آمدن طالبان نقش ایفا کرد. در زمان طالبان به تهران گریخت و در آنجا ساکن گردید و در سال ۲۰۰۲ ایران را به مقصد پاکستان ترک کرد. پس از آن در پاکستان فعالیت‌های نظامی خود را علیه دولت حامد کرزی و نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت پیش گرفت. او تا سال ۲۰۱۶ با تمام حکومت‌هایی که در افغانستان به قدرت رسیده بودند از جمله جمهوری افغانستان، جمهوری دموکراتیک افغانستان، دولت اسلامی افغانستان، امارت اسلامی افغانستان، دولت انتقالی افغانستان و دولت حامد کرزی و پس از آن با دولت اشرف غنی جنگیده است. همچنین در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۳ افغانستان طرفداران خود را به شرکت در انتخابات دعوت کرد و به‌طور تلویحی از قطب‌الدین هلال (معاون سابق خود) حمایت کرد، اما هلال فقط ۲/۷ درصد آراء را کسب کرد. حکمتیار بیش از ۱۵ سال به‌صورت مخفی زندگی کرد و نامش در فهرست تحریم‌های سازمان ملل متحد قرار داشت. در سال ۲۰۱۶ توافقنامه صلحی میان دولت افغانستان به رهبری محمد اشرف غنی و حزب اسلامی امضا شد که براساس آن دولت ضمانت کرد که در بدل برقراری ←

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۷۷

یادآوری می‌کنم که آنچه در زیر می‌آید، یادداشت‌هایی است که همان سال ۱۳۵۹ تنظیم شده‌اند و اکنون بدون تغییر در اینجا می‌آورم. از آن زمان ۳۵ سال گذشته است.<sup>۱</sup> بی‌تردید طی این مدت، وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این استان تغییرات فراوانی کرده است.

پیش از آغاز سفر، لازم بود در باره خود استان اطلاعات قابل اعتنایی داشته باشیم. خداوند کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا: ای کسانی که در راه خدا حرکت می‌کنید، پیش از حرکت، تبیین کنید» (سوره نساء، آیه ۹۴). بنابراین، ابتدا از نهادهای مختلف، به‌ویژه از ژاندارمری و شهربانی، کلیه اطلاعات لازم را دریافت کردیم. همزمان به مطالعه کتاب‌های در دسترس پرداختیم تا با وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استان آشنایی بیشتری پیدا کنیم؛ سپس به منطقه برویم. استان سیستان و بلوچستان (به قول سیستانی‌ها) یا استان بلوچستان و سیستان (به قول بلوچ‌ها) در منطقه سوق‌الجیشی بسیار مهمی قرار دارد. از یک سو هم‌مرز با پاکستان و افغانستان است و از سوی دیگر دسترسی به دریای آزاد و دریای عمان و اقیانوس هند، موقعیتی استثنایی به این استان به داده است.

مساحت این استان، حدود یک دهم مساحت کل کشور، اما جمعیت آن یک پنجاهم جمعیت کل کشور، یعنی حدود هفتصد هزار نفر است. این جمعیت تقریباً کم و پراکندگی آن در چنین استان پهناوری، از یک طرف باعث عقب‌ماندگی استان شده و از سوی دیگر، عقب‌ماندگی استان و شرایط تحمیل‌شده بر آن، باعث فرار جمعیت به کشورهای همسایه و تشدید عقب‌ماندگی شده است. کم بودن جمعیت و تعداد جمعیت برای هر کیلومتر مساحت، یکی از عوامل و دلایل مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی منطقه است.

---

← آتش‌بس، به گلبدین حکمتیار و دیگر رهبران شورشی حزب اسلامی او مصونیت قضایی اعطا کرده و نام او را از فهرست تحریم‌های سازمان ملل حذف می‌کند (ویراستار، به نقل از ویکی‌پدیا).  
۱. دکتر یزدی، این جلد از خاطرات خود را دو سال پیش از درگذشتش در سال ۱۳۹۴ نوشته است (ویراستار).

## ۴۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

چند سال قبل از انقلاب ایران، در مرزهای شرقی کشورمان، در افغانستان، حوادثی رخ داده بود که در پی آن، افغانستان به صحنه‌ای از رویارویی و زورآزمایی دو بلوک قدرتمند جهانی (آمریکا و شوروی) تبدیل شده بود. انقلاب ایران نیز در وضع افغانستان اثرات بسیار عمیقی برجای گذاشته بود. تأثیر طبیعی انقلاب ایران بر مردم افغانستان موجب شده بود دولت چپ‌گرای افغانستان و دولت شوروی، ایران را به دخالت در امور داخلی افغانستان متهم کنند و متقابلاً دست به تحریکات در بلوچستان بزنند. بعد از پیروزی انقلاب، در دوران انتقال، سامانه‌های کنترل امنیتی و رفت‌وآمد مرزها کم و بیش مختل شده بودند.

با توجه به اوضاع و احوال مرزهای شرقی، حتی در زمان شاه هم، علی‌رغم آنکه ارتش، ژاندارمری و نیروهای نظامی و انتظامی در مجموع کنترل شدیدی در منطقه داشتند، هرگز نتوانسته بودند مرزها را به‌طور کامل کنترل کنند و رفت‌وآمدهای غیرقانونی و قاچاق وجود داشته است. با از بین رفتن آن کنترل‌ها، امنیت عمومی بیش از پیش از کنترل خارج شده بود. در منطقه جنوب و نیز در کشورهای همجوار، یعنی در افغانستان و پاکستان اکثر قریب به اتفاق راه‌ها بر روی کالا و مسافر باز بود. برای نمونه، ورود و خروج در چابهار تا آنجا باز بود که کشتی‌ها می‌آمدند و کالاهای قاچاق - حتی ماشین‌های سواری قاچاق - را وارد و تخلیه می‌کردند. در نتیجه هیچ نوع کنترلی وجود نداشت. گذشته از شرایط و موقعیت سوق‌الجیشی، اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی نیز برهم خورده بود و یکی از نتایج آن بروز مشکلات و بحران در منطقه بود.

### بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بلوچستان

از نظر جمعیت‌شناسی، استان به دو بخش کاملاً متمایز از هم تفکیک و تقسیم شده است: منطقه سیستان و منطقه بلوچستان. هر یک از این دو گروه جمعیتی، فرهنگ، زبان و مذهب مخصوص به خودشان را دارند. بلوچ‌ها سنی حنفی مذهب هستند؛ درحالی‌که اکثریت قریب به اتفاق سیستانی‌ها شیعه و فارسی‌زبانند. بافت اجتماعی دو منطقه کاملاً از هم متمایز است. در سیستان، شغل عمده مردم کشاورزی و بافت

## مأوریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۷۹

اجتماعی شهرنشینی است؛ درحالی‌که در منطقه بلوچستان، بافت اجتماعی کاملاً طایفه‌ای و عشیره‌ای است. پراکندگی جمعیت هم ظاهراً به دلیل فقر و فشار سیاسی و اقتصادی، در بلوچستان بیشتر از سیستان است. افزون بر این، سیستانی‌ها عموماً ترجیح داده‌اند برای کار و درآمد در داخل ایران مهاجرت کنند؛ از این رو، سیستانی‌های بسیاری که از استان خارج شده‌اند، به دلیل آشنایی و علاقه‌ای که به کشاورزی دارند، در سایر نقاط ایران، به‌ویژه در گنبد، گرگان و مازندران ساکن شده‌اند؛ درحالی‌که بلوچ‌ها در مهاجرت و ترک دیار و خانه، عموماً به مناطق خارج از ایران، به‌ویژه به شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس رفته‌اند. در ارتش کوچک هر یک از این شیخ‌نشین‌ها تعداد قابل توجهی بلوچی حضور دارند؛ مخصوصاً در شیخ‌نشین عمان، بلوچ‌ها بدنه اصلی ارتش کوچک سلطان قابوس را تشکیل می‌دهند. وجود این بلوچ‌ها در ارتش عمان، که به هر حال با اقوام و عشیره خود در بلوچستان در ارتباط هستند، یکی از عوامل تحریک سلطان قابوس و دخالت در مسائل سیاسی و ناآرامی‌های بلوچستان بود.

بلوچ‌ها به علت اعتقاد مذهبی و پیروی از مذهب حنفی، از نظر آموزش‌های مذهبی، عموماً تحت تأثیر فرهنگ اهل سنت در هند و پاکستان و عربستان سعودی هستند. روحانیان بلوچ، به نام مولوی، برای تحصیلات مذهبی مقدماتی به مدارس مذهبی هند و پاکستان و برای تحصیلات عالی‌تر و احراز مقامات رسمی مذهبی به مدارس عربستان سعودی می‌روند. شاید به همین سبب از جهات متعدد، رنگ سیاسی و اجتماعی و گرایش‌های مذهبی حاکم بر همان مدارسی را گرفته‌اند که در آنجا تحصیل کرده‌اند. در مدارس مذهبی عربستان سعودی، به‌عنوان مثال، جو غالب و حاکم از نظر مذهبی و سیاسی، از جمله در رابطه با مذاهب دیگر، خصوصاً با مذهب تشیع، قرائت و گرایش خاص وهابی است؛ بنابراین، مولوی‌های فارغ‌التحصیل این مدارس، عموماً و اکثراً همان گرایش‌ها و برداشت‌ها را پیدا کرده‌اند. آن کسانی هم که در هند و پاکستان تحصیل کرده‌اند عیناً همان گرایش‌ها را دارند.

یکی از مشکلات اجتماعی - مذهبی در هند و پاکستان، درگیری‌های شدید و گاه خونین میان پیروان مذاهب مختلف بخصوص بین شیعیان و سنی‌هاست. در این

درگیرها، سنی و شیعه با اسلحه به جان هم می‌افتند و همدیگر را در کوچه‌ها و خیابان‌ها به قتل می‌رسانند. قتل‌هایی بدین صورت در هند و پاکستان بین این گروه‌ها عادی است. دولت‌های این کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز از این وضعیت به نفع سیاست‌های مخصوص خود استفاده می‌کنند و آنها را به جان هم می‌اندازند. شکی نیست که چنین گرایش‌هایی در این منطقه، که متأثر از آن فرهنگ‌هاست وجود دارد؛ بنابراین، تعصبات مذهبی در این مناطق، فوق‌العاده شدید است؛ بخصوص بین برادران حنفی مذهب این تعصب نسبت به اعتقاداتشان فوق‌العاده عمیق و شدید است؛ به طوری که در بررسی مشکلات به وجود آمده - که بعداً توضیح خواهم داد - به این نکته رسیدیم که این مشکلات، ریشه در این نوع سوابق ذهنی داشت و در شرایط ویژه بعد از انقلاب در شکل سیاسی ظاهر شد. این سوابق ذهنی مذهبی را انقلاب به وجود نیاورده بود. در همین سفر و گفتگو با برادران بلوچ در خاش و زاهدان توضیح دادیم که این مسائل را جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به وجود نیاورده است. ۱۴۰۰ سال این مسائل در بین امت اسلام بوده است. جمهوری اسلامی و این انقلاب اسلامی، مذهب تشیع و مذهب حنفی یا شافعی را به وجود نیاورده است. در دوران حکومت شاه سابق هم تعصبات کور مذهبی وجود داشت، ولی به دلیل خفقان حاکم در سرتاسر کشور، هیچ‌کس حق صحبت نداشت، نه برای شیعه و نه برای سنی، امکان بحث و گفتگوی آزاد و رشد و ارتقای عقیده وجود نداشت. در نتیجه کسی نمی‌توانست بعضی از این مسائل را مطرح کند. اولویت نظام پهلوی، ایجاد و حفظ ثبات یا آرامش حکومت خودش بود. ثبات را هم چنین تفسیر می‌کردند که هیچ‌کس صحبت نکند، خواه شیعه باشد خواه حنفی. برای نشان دادن این ذهنیت مسئولان نظام پهلوی، یادآوری داستانی را سودمند می‌دانم: در روزهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، انجمن‌های اسلامی دانشجویان را در تهران بستند و تعطیل کردند و اجازه هیچ نوع فعالیتی را نمی‌دادند. بعد از آنکه **فضل‌الله زاهدی**<sup>۱</sup> - آن نظامی خشن - رفت، حسین

۱. تیمسار سپهبد فضل‌الله زاهدی، ملقب به بصیردیوان (۱۲۷۱ همدان - ۱۳۴۲ ژنو)، سناتور همدان در مجلس سنا و نخست‌وزیر ایران پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد در سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ هجری خورشیدی بوده است. نام او با دو رویداد بزرگ ایران آمیخته و از این رو، از سرشناسان تاریخ ←



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۸۱

علاء<sup>۱</sup> به نخست‌وزیری رسید و پس از او **منوچهر اقبال**، نخست وزیر شد. پس از برکناری اقبال از نخست‌وزیری، زمینه‌ای فراهم کردند که او به ریاست دانشگاه تهران رسید.<sup>۲</sup> اقبال خیلی دلش می‌خواست روشنفکران و جوانان را جلب کند. وقتی رئیس دانشگاه شد سیاست مخصوصی را برای جلب نظر دانشجویان شروع کرد. با توجه به این سیاست، ما در شورای انجمن مطرح کردیم که فعالیت انجمن اسلامی دانشجویان را آغاز کنیم. در یکی از جلسات تفسیر قران مرحوم طالقانی در شب‌های جمعه، مرحوم **دکتر شیخ**، از استادان دانشکده علوم، گفت با دکتر اقبال صحبت می‌کند و برای نماینده انجمن وقت می‌گیرد که برود و اقبال را ببیند؛ شاید موافقتش را برای تجدید فعالیت انجمن دانشجویان و برگزاری جلسات بگیرد. با آنکه عموماً موافق نبودیم، ولی در هر حال برای اینکه در واقع حجت تمام شده باشد و بعدها نگویند که کاری نکردید، پذیرفتیم. یک روز ساعت ۶ صبح از طرف انجمن به دبیرخانه دانشگاه، در خیابان شاهرزای سابق، رفتم و با اقبال دیدار و گفتگو کردم. همان‌طور که پیش‌بینی می‌کردیم جواب اقبال منفی بود، ولی استدلال وی بسیار جالب بود. او به من گفت: اجازه نمی‌دهیم. من پرسیدم: چرا جلوی ما را می‌گیرید، ما که مسلمان هستیم؟ او جواب داد: اگر ما به شما اجازه بدهیم بیایید در باره خدا بحث کنید، یکی هم می‌آید می‌خواهد با شما بحث ضد خدا داشته باشد. این یعنی ما غیرمستقیم اجازه داده‌ایم که ضد خداها هم آزادی عمل داشته باشند. برای اینکه ضد خداها اجازه عمل نداشته باشند، به شماها هم اجازه فعالیت نمی‌دهیم (برای اطلاع بیشتر، نک: دکتر ابراهیم یزدی، جنبش دانشجویی در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰، انتشارات قلم، ۱۳۸۲).

---

→ ایران شده است: نخست سرکوب و دستگیری شیخ خزعل (شیخ المشایخ و پنجمین امیر محمّره یعنی خرمشهر کنونی) در آغاز دوران رضاشاه و دوم کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که در جریان آن، او جای دکتر محمد مصدق را به‌عنوان نخست‌وزیر گرفت (ویراستار).

۱. حسین علاء در فروردین ۱۳۳۴ به جای فضل‌الله زاهدی، نخست وزیر شد. او پیش از آن نیز دوره کوتاهی از اسفند ۱۳۲۹ تا اردیبهشت ۱۳۳۰ نخست‌وزیر شده بود (ویراستار).

۲. منوچهر اقبال از فروردین ۱۳۳۶ تا شهریور ۱۳۳۹ نخست‌وزیر بود و مدتی پس از آن به ریاست دانشگاه تهران رسید (ویراستار).

## ۴۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

استدلال و سطح شعور یک سیاستمدار آن زمان در آن نظام و سیستم این بود که به هیچ کس اجازه فعالیت داده نمی‌شود، خواه شیعه و خواه سنی. اما این تعصبات فرقه‌ای و مذهبی، هم قبل از انقلاب و هم پس از آن در منطقه بود و هست.

علاوه بر مسائل مذهبی در استان سیستان و بلوچستان، بافت اجتماعی در منطقه بلوچستان کاملاً طایفه‌ای و عشیره‌ای است. به موجب بعضی از آمارها در بلوچستان جمعاً ۲۸ ایل و عشیره وجود دارد و چهارصد هزار نفر در ۲۸ ایل و عشیره پراکنده‌اند که جمعاً ۲۳۰ طایفه را تشکیل می‌دهند. بزرگ‌ترین آنها ایل ریگی است که در اطراف خاش مستقر هستند: شامل ۳۱ طایفه با جمعیتی حدود ۳۱ هزار نفر. بر اساس آمارهای موجود، کوچک‌ترین ایل در بلوچستان، ایلی است با دو طایفه که جمعاً ۲۵۰ نفر عضو دارد. ورود به این ساختار اجتماعی طایفه‌ای و قبیله‌ای از بیرون این ساختار واقعاً بسیار مشکل است. برای ورود به این سیستم در شرایط عادی، لاجرم باید از طریق خان (سردار) عمل کرد. حتی در شرایط غیرعادی و متلاطم بعد از انقلاب و به هم ریختن نهادها، این ساختار برجای مانده است؛ سیستم همچنان بسته است و افراد هویت فردی ندارند. هرچه هست هویت طایفه‌ای است؛ وابستگی هم آنچنان است که هر فرد فقط در پرتو این وابستگی به طایفه و عشیره و قوم است که احساس هویت می‌کند.

در چنین ساختاری، فرد برای اینکه بتواند امنیت خود را حفظ کند حتماً باید وابسته به طایفه باشد و اگر بخواهد از این طایفه بیرون بیاید، یا باید به کلی از منطقه بیرون برود و یا اگر بخواهد در همان محیط بماند نمی‌تواند بدون وابستگی به طایفه و عشیره خود و بدون ابراز تعلق و وابستگی از امنیت برخوردار باشد. مناسبات اقتصادی ابتدایی عشیره هم چنان است که از نظر تأمین زندگی لاجرم باید وابسته به طایفه باشد. اگر فرد بخواهد از طایفه خارج شود، چون وابستگی‌اش قطع می‌شود، دیگر نمی‌تواند زندگی کند، بلکه زندگی‌اش به هم می‌خورد. به دلیل بسته بودن سیستم، تغییرات اجتماعی که در کل منطقه و در کل اجتماع ایرانی ما رخ داده، به سختی بر این بافت اثر گذاشته است. به دلیل بسته بودن سیستم، حتی روابط و تغییرات اجتماعی و رسانه‌های خبری نمی‌توانند به درون آن رسوخ کنند. به همین دلیل یازده ماه است که هنوز رسانه‌های خبری ملی به داخل منطقه نفوذ کامل ندارند. به‌عنوان نمونه صدای

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۸۳

رادیوی مرکزی ما به خاش، چابهار و سراوان نمی‌رسد و می‌توان گفت: منبع خبری اصلی آنها رادیو بی‌بی‌سی لندن است که صدایش خوب می‌آید. حتی در سواحل، صدای رادیو - تلویزیون‌های مسقط بهتر از تلویزیون مرکزی ایران گرفته می‌شود. اصلاً تلویزیون ما در چابهار و مناطق جنوبی سراوان آنتن نمی‌دهد و تصویر و صدا نیست و تغذیه فرهنگی آنها از طریق تلویزیون مسقط صورت می‌گیرد. این وضعیت به ادامه حیات نظام طایفه‌ای کمک کرده است. این شرایط در مجموع باعث شده است نظام قبیله‌ای همان شکل ابتدایی خود را حفظ کند. یک نوع انضباط نظامی وار بر ایل حاکم است. این خصوصیات، که در تمام نظام‌های ایلی و طایفه‌ای وجود دارد، در بلوچستان هم کاملاً و به همان صورت، بلکه با انضباط و دیسپلین شدیدتر، حکمفرما است و کسی نمی‌تواند از مقررات حاکم بر ایل سرپیچی و یا بیرون از ایل زندگی کند.

در بعضی از مناطق، بی‌سوادی تا ۹۵ درصد می‌رسد. این رقم بالای بی‌سوادی، هم در وضعیت فرهنگی و هم در رشد سیاسی و اجتماعی، اثر بازدارنده داشته است. بعضی از مناطق اصلاً مدرسه‌ای ندارند و امکاناتی وجود ندارد و اگر هم باشد به طرز بسیار ابتدایی اداره می‌شود. در بعضی مناطق، بچه‌هایی که به مدرسه می‌روند باید چند کیلومتر راه را پیاده بروند تا به مدرسه برسند. در بعضی جاها معلم و تشکیلات ندارند. روزنامه‌ها، جز یک یا دو روزنامه صبح (اطلاعات و کیهان) حداکثر به زاهدان می‌رسند و بعد از چند روز تأخیر ممکن است به بعضی از شهرها نیز برسد. همه اینها به این رشد نیافتگی فرهنگی کمک اساسی کرده است. به دلیل این بافت طایفه‌ای که توضیح دادم و به دلیل فقر اقتصادی و دسترسی بسیار ضعیف به رسانه‌های خبری، بلوچستان در مجموع از جریان‌های اجتماعی به دور مانده است و تحولات سیاسی و اجتماعی در سطح ملی، تأثیر چندانی در این منطقه بر جای نگذاشته است.

یکی دیگر از مسائلی که به‌عنوان عامل ثانوی مانع رشد سیاسی در بلوچستان شده است، نگرش و موضع‌گیری برادران اهل تسنن منطقه نسبت به سیاست است. این نگرش در باره سیاست البته منحصر به این منطقه نیست، بلکه به‌طور کلی نگرش غالب کنونی برادران اهل تسنن در سایر کشورها جدایی چشمگیر بین مسجد و دولت و سیاست و مذهب است؛ به‌طوری که در اکثر این کشورها مسائل سیاسی، قابل طرح در

## ۴۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

مساجد نیست. در دوره‌ای که در خارج از کشور بودیم با برادران اهل تسنن تماس و همکاری زیادی داشتیم و این نگرش منفی به سیاست را به‌طور چشمگیری در میان آنها می‌دیدیم. طرح مسائل سیاسی حتی مربوط به مسلمانان در مساجد با اشکال روبه‌رو می‌شد. یکی از اتهامات که همیشه به ما می‌زدند این بود که ما مساجد را تبدیل به مرکز بحث سیاسی می‌کنیم. همیشه این درگیری را داشتیم. در مسجدی که خود ما مؤسس آن بودیم و رئیس منتخب مسلمانان شهر بودیم، چون می‌خواستیم همه مسلمانان بیایند و زیر یک سقف با هم نماز بخوانیم، دوستان اهل سنت هم می‌آمدند، اما چون اکثریت با برادران اهل سنت بود، لاجرم نگرش‌ها و باورهای اکثریت، جو فرهنگی حاکم را می‌ساخت و عموماً هم این اکثریت غالب، مانع فعالیت‌های ما می‌شدند. این در حالی بود که جو غالب در میان ایرانیان شیعه فعال در خارج از کشور، سیاسی و تا حدودی هم سیاست‌زده بود. برادران سنی، ما را متهم می‌کردند که ما سیاست را وارد مسجد می‌کنیم و در مسجد بحث سیاسی می‌کنیم. مثل اینکه بحث سیاسی در مسجد یک جرم و گناه محسوب می‌شود. این فرهنگ، سال‌های سال حاکم بود (شصت سال صبوری و شکوری، هجده سال در غربت: جلد دوم خاطرات دکتر ابراهیم یزدی). البته در سال‌های اخیر اوضاع به کلی عوض شده است. به‌خاطر دارم چند سال پیش، در اوج جنگ بوسنی<sup>۱</sup>، شورای اسلامی آمریکا برای جمع‌آوری کمک به مردم بوسنی، مهمانی بزرگی را در لس آنجلس با حضور نماینده بوسنی در سازمان ملل، ترتیب داده بود. از من هم، که در ایران بودم، دعوت کردند برای سخنرانی به آن مهمانی بروم. پس از انجام مراسم در نشست خصوصی به من گفتند که آنها حالا معنای سخنان و فعالیت‌های مرا در سال‌های قبل از انقلاب می‌فهمند. آنها اصرار داشتند من به آمریکا برگردم و در فعالیت‌های جدید به آنها کمک کنم. بهار عرب در سال ۲۰۱۱ نشان داد تا چه اندازه فضای ذهنی و نگرش برادران اهل سنت تغییر پیدا کرده است.

اما بحث ما راجع به ذهنیت برادران سنی مذهب در بلوچستان، مربوط به سی و چند سال پیش است. بی‌تردید این ذهنیت در خود بلوچستان هم تغییر پیدا کرده است،

---

۱. اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی و ۱۹۹۰ میلادی.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۸۵

اما در آن سال‌ها این فرهنگ و این ذهنیت در میان برادران «حنفی مذهب» ما وجود داشت. برادران اهل تسنن به ندرت به‌عنوان مذهب در سیاست دخالت و حتی اظهار نظر می‌کردند. این گرایش، آنها را از جریانات سیاسی روز به انزوا کشانده بود. این انزوا و فاصله گرفتن از مسائل سیاسی، تنها در میان مردها نبود؛ در بین زنان آنها هم به شدت دیده می‌شد. در بسیاری از مساجد اصولاً زنان حضور و فعالیتی نداشتند. در بسیاری از کشور های اسلامی هنوز هم زنان حق حضور در مساجد را ندارند. باز به خاطر دارم در زمانی که رئیس جامعه اسلامی کلانشهر هیوستون در تگزاس آمریکا بودم، در جلسات خواندن و بحث و بررسی قرآن در روزهای یکشنبه، به اصرار من زنان هم می‌آمدند و جدای از مردها در شبستان می‌نشستند و در خواندن و بحث‌های قرآنی شرکت می‌کردند. برخی از برادران اهل سنت با این کار مخالفت می‌کردند و آن را حرام می‌دانستند. استدلال ما این بود که شما آقایان در طول روز سر کار می‌روید و وقتی هم در خانه هستید آنقدر خسته‌اید که به تربیت دینی فرزندان خود نمی‌رسید. پس چه کسی باید به تربیت دینی فرزندانان برسد؟ اگر زنان شما در این مطالعات قرآنی شرکت نکنند چگونه می‌توانند این امر مهم را انجام دهند. اما متأسفانه در آن زمان گوش آنها آماده شنیدن این سخنان نبود و چون اکثریت داشتند بالاخره از حضور زنان در جلسات قران زیر یک سقف با مردان، مانع شدند، اما امروز همه این نگرش‌ها عوض شده است. در انقلاب ایران بیش از هر زمان، حضور میلیونی زنان چشمگیر بود. نقش زنان و حضور آنان در انقلاب ایران بی‌تردید در ذهنیت زنان کشورهای اسلامی اثر گذاشته است. ما این اثر را در همین بهار عرب به وضوح می‌بینیم.

اما در آن زمان سنت و اعتقادات غالب سبب شده بود زنان منطقه به‌کلی از هر گونه کنش اجتماعی و حرکت سیاسی دور و جدا بمانند. از طرف دیگر، تعداد بی‌سوادان زن منطقه به مراتب بیشتر از مردها بود. در مدارس دخترانه‌ای که حتی ما در زاهدان می‌دیدیم و دوستان فرهنگی ما گزارش می‌دادند، اکثریت قاطع دختران دانش‌آموز را سیستانی‌ها تشکیل می‌دادند و دختران بلوچ یا نبودند یا درصد خیلی کمی را تشکیل می‌دادند. این بی‌سوادی هم در عدم رشد سیاسی منطقه اثر گذاشته بود.

## ۴۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

وضع اقتصادی منطقه، بسیار بسیار اسفناک است. بر اساس معیارهای اقتصادی، ایران یک کشور عقب‌نگه‌داشته شده محسوب می‌شود. از نظر اقتصادی در میان استان‌های ایران چند استان، از جمله استان سیستان و بلوچستان، از عقب‌نگه‌داشته‌شده-ترین مناطقی است که در ایران وجود دارد. در بین دو منطقه این استان، فقر در بلوچستان آنچنان زیاد است که بسیاری از مردم برای رفع گرسنگی از ابتدایی‌ترین چیزها استفاده می‌کنند؛ حتی ریشه درختان را می‌خورند. در بعضی از مناطق رسم است که مدرسه‌ها در یک ساعتی از روز تعطیل می‌شوند و دانش‌آموزان برای پیدا کردن و خوردن علف به صحرا می‌روند. در جاهایی که یک مقدار غذا گیرشان می‌آید، غذای معمول و مستمر آنان نان خالی است؛ تازه نان هم در مناطق نزدیک شهرها به دست می‌آید که امکان تهیه آرد و نان وجود دارد؛ درحالی‌که در اکثر مناطق، چنین امکانی وجود ندارد. اخیراً و بعد از آمدن ما به تهران، بر اثر سیلی که در زاهدان جاری شده، برخی از امکانات ارتباطی با شهرها از بین رفته است. مردم با ما تماس گرفتند و درخواست کمک کردند. من در اینجا باید از مسئولان حسینیّه ارشاد به‌خاطر کمک‌هایشان تشکر کنم. پس از اینکه خبر سیل زاهدان را به ما دادند، ما با جاهای مختلف تماس گرفتیم. حسینیّه ارشاد از اولین مراکزی بود که به دعوت ما لیبیک گفتند و کمک‌های اولیه از قبیل آرد، برنج، حبوبات، قند، شکر و روغن فرستاده‌اند. همین کمک‌های اولیه ارزش حیات و مامت را دارد.

بی‌کاری در بلوچستان یک امر رایج است. کار نیست، صنایعی وجود ندارد، کارهای تولیدی چشمگیری که مردم به آنها بپردازند، وجود ندارد؛ به همین جهت، کار عمده منطقه بلوچستان قاچاق است. در زمان شاه سابق هم این قاچاق بود. چون نمی‌توانستند آن را کنترل کنند تا یک حدی با آن کنار آمده و آن را قبول کرده بودند. بعد از انقلاب به دلیل از هم گسیختگی کنترل‌های نظامی و انتظامی و از بین رفتن بقایای کنترلی که وجود داشت، قاچاق به مراتب بیشتر شده است. انواع و اقسام کالاها به‌طور قاچاق از بندر چابهار می‌آید. و کار عمده مردم بلوچ قاچاق شده است.

به علت شکل طایفه‌ای بافت اجتماعی مردم منطقه، این قاچاق عموماً به دست سرداران و خان‌ها کنترل می‌شود و منافع عمده را خان‌ها و سرداران می‌برند و باز هم

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۸۷

به دست مردم واقعی چیزی نمی‌رسد. این خود یکی از عوامل نابسامانی اقتصادی در استان شده است؛ به طوری که وقتی به همان تعداد خیلی کم از اهالی بومی که دارای تحصیلات عالی هستند، پیشنهاد کار می‌شود نمی‌پذیرند. به عنوان نمونه، یک مهندس کشاورزی بلوچ می‌گفت: چرا من بیایم با شما کار کنم. دولت ماهی دو تا پنج هزار تومان به من می‌دهد؛ در حالی که من یک سفر به چابهار بروم و بیایم و یک بار قاچاق بیاورم دست کم هزار تومان درآمد دارم. این درآمد کاذب هم باعث شده است که توجهی به کارهای اساسی نشود و بعضی از آن تعداد کم معلم و مهندس و تحصیل‌کردگانی هم که در منطقه بودند، کار خود را رها کنند و بروند. البته من در اینجا باید بگویم بعضی از بلوچ‌ها هم هستند که با نهایت فداکاری مانده‌اند و خدمت می‌کنند.

مسئله قاچاق در حالی است که بلوچستان از حیث منابع معدنی بسیار غنی است. متأسفانه هیچ‌یک از این معادن استخراج نشده و توسعه پیدا نکرده و کاری هم برای مردم بی‌کار ایجاد نشده است. یکی از امکانات بزرگی که وجود دارد، و ما هم پیشنهادی تهیه کرده‌ایم - حتی قبل از ما هم چنین پیشنهادی مطرح بوده و پیشنهاد عملی و معقولی هم هست - که در چابهار یک مرکز شیلات برای ماهی‌گیری و تولیدات دریایی پایه‌گذاری شود. چنین مرکزی نه تنها یک منبع درآمد بسیار عظیم برای مردم شهر و منطقه می‌شود، بلکه منبع تهیه گوشت برای خود ایران می‌شود. در کنار صنایع ماهی‌گیری، صنایع جانبی کشتی‌سازی، قایق‌سازی، توری‌بافی و چیزهای مختلف، مانند کنسرو ماهی و غیره نیز به ترتیب به وجود می‌آیند. علاوه بر این، پس از بازگشت از زاهدان طی گزارشی که به شورای انقلاب دادم، پیشنهاد کردم برای مقابله با قاچاق در بلوچستان چابهار، بندر آزاد اعلام شود. تأسیس بندر آزاد چابهار، نه فقط خود این بندر، بلکه در آبادانی کل منطقه تأثیر بسیار قطعی خواهد داشت.

با وجود امکانات بسیار متناسب طبیعی که در پهنه گسترده‌ای از منطقه بلوچستان وجود دارد تاکنون کاری درخور و مناسب آنجا صورت نگرفته است. قنات‌های بسیاری در بلوچستان هست که به علت بی‌توجهی به کلی از بین رفته‌اند. به موجب آمارهایی که جهاد سازندگی تهیه کرده است، حداقل ۷۲۰ رشته قنات در بلوچستان

## ۴۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

وجود دارد. جهاد سازندگی برای بازسازی ۳۱۰ قنات سرمایه‌گذاری کرده است. این در حالی است که بسیاری از مناطق، آب آشامیدنی ندارند. بعضی از کسانی که قبل از سفر ما به نمایندگی از مردم چابهار، به زاهدان، آمده بودند، برای ما می‌گفتند: مردم چابهار می‌گویند خودمختاری نمی‌خواهیم؛ فقط روزی یک لیتر آب آشامیدنی به ما برسانید. وضع منطقه از نظر آب آشامیدنی تا این اندازه وخیم است. در بسیاری از جاها هم اگر آب باشد آنقدر آلوده به میکروب‌ها و انگل‌هاست که مردم را به انواع و اقسام بیماری‌های واگیر و بیماری‌های انگلی مبتلا کرده است. در قسمت اعظم منطقه، آب آشامیدنی و آب شستشو و مصارف دیگر، از برکه‌هایی به دست می‌آید که پس از ریزش باران در آنجا جمع شده است. مردم از همین برکه‌ها برای شستشوی خودشان، حیواناتشان و برای آشامیدن استفاده می‌کنند. به همین دلیل، بیماری‌های گرمسیری در این استان بسیار زیاد است.

علاوه بر قنات‌هایی که می‌بایست احیا شوند، بنا بر مطالعات و آمارهایی که وجود دارد، در بعضی از نقاط، با کندن چاه‌هایی به عمق شش متر - کمی کمتر و یا بیشتر - می‌شود به آب سالم نوشیدنی رسید، ولی هنوز یک کار اساسی انجام نشده که این چاه‌ها زده و آب‌رسانی شود.

با توجه به بافت سیاسی و اجتماعی که توضیح داده شد، برخلاف سایر استان‌ها در بلوچستان، هیچ تحولی رخ نداده است: نه انقلابی، نه فرهنگی و نه اجتماعی. البته به جهت سیاسی متأثر از انقلاب شده است. در مراحل طی دوران انقلاب، جهت‌گیری‌های مشخص ضد انقلاب بروز کرده است. بعد از پیروزی انقلاب هم حداکثر یک حالت بی‌تفاوتی نسبت به انقلاب دیده می‌شود. عکس‌العمل مردم در دوران استبداد سلطنتی عموماً به صورت مهاجرت بوده است؛ مهاجرتی که انگیزه آن نه سیاسی بلکه اقتصادی بود. البته در طی دوران شاه سابق، اختلافات شیعه و سنی و فارس و بلوچ را دامن می‌زده‌اند و از آن در جهت کنترل مردم استفاده سیاسی می‌شده است. اگر هم امکاناتی بود، آنها را عمداً در اختیار سیستم‌های شیعه می‌گذاشتند. بهره‌برداری از این مسئله بخصوص در ماه‌های قبل از پیروزی انقلاب شدید بوده است.



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۸۹

قبل از انقلاب، از نظر سیاسی یک مثلث بین دولت، سردار و مولوی در بلوچستان وجود داشته است. دولت، حضور نظامی و انتظامی و حضور اقتصادی و امکانات مالی را داشته و با همه امکاناتش منطقه را کنترل می‌کرد. سرداران و روسای ایلات و عشایر، قدرت مقاومت و مبارزه با دولت مرکزی را نداشتند. سیاست دولت در مقابل آنان، استفاده از هویج و شلاق بود. از یک طرف می‌زده و از طرف دیگر کمک می‌کرده و بدین ترتیب آنان را مهار کرده بود. درحالی‌که دولت تمام امکانات اقتصادی، سیاسی و نظامی و انتظامی را در دست داشت؛ سرداران و رؤسای عشایر از پایگاهی برخوردار بودند که هم به آنان امکانات اقتصادی و سیاسی می‌داده و هم تا یک حدی امکانات نظامی، برای اینکه نیروی مسلح هم داشته‌اند. همین جا باید گفته شود که وقتی صحبت از سرداران و خان‌ها در بلوچستان می‌شود، قدرت اقتصادی آنها بیشتر به یاد می‌آید، اما تعمیم این قدرت به همه این دسته‌ها درست نیست. بعضی از خان‌های بلوچ هیچ نوع قدرت اقتصادی ندارند. جایگاه آنها بیشتر پدرسالار و شیخ قبیله بودن است. رئیس ایل است، اما کپرنشین و مثل کپرنشینان کار می‌کند. به دلیل موقعیت سنی از یک قدرت اجتماعی برخوردار است. این بیشتر یک قدرت اجتماعی است، نه قدرت اقتصادی. البته سردارانی هستند که هم قدرت اقتصادی دارند و تمام املاک به آنها تعلق دارد و هم قدرت سیاسی؛ و چون ایل از آنها تبعیت می‌کند قدرت نظامی هم دارند. افراد ایلش هم اکثراً مسلح هستند. قدرت مولوی‌ها در این مثلث در پایین‌ترین سطح است. دلایل متعددی دارد: علاوه بر اینکه بافت اجتماعی، عشیره‌ای و طایفه‌ای است و در چنین بافتی، خان و سردار حکومت می‌کند، مردم به دلیل نیاز به امنیت و تأمین مادی زندگی، وابسته به قبیله و طایفه و تبعیت از انطباط حاکم بر آن هستند. در جامعه‌های سنی‌مذهب، اصولاً علمای دین و مولوی‌ها قدرت زیادی ندارند.

برای توجه به تفاوت موقعیت مولوی‌های اهل تسنن و علمای شیعه، مطالعه کتاب «مرجعیت و روحانیت»، بخصوص مقاله مرحوم مرتضی مطهری در باره روحانیت [سازمان روحانیت] مفید خواهد بود. بعد از فوت مرحوم آیت‌الله برجردی، سمیناری در حسینیه ارشاد برگزار شد و مقالات کسانی که در این همایش شرکت کرده بودند جمع‌آوری و به صورت یک مجموعه با عنوان «مرجعیت و روحانیت» چاپ و منتشر

## ۴۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

شد. مطهری در این مقاله، مقام و جایگاه روحانیت در تشیع و تسنن را مقایسه کرده و جایگاه‌های توده‌ای و اجتماعی و نیز منبع قدرت و نقاط ضعف آنان را نشان داده شده است.

در تشیع، مردم منشأ تغذیه مالی روحانیت هستند. همان وجوهات و سهم امامی که مردم می‌دهند و خمس و زکاتی که می‌دهند، باعث می‌شود روحانیت از دولت و حکومت مستقل شود. از آنجا که روحانیت شیعه از مردم تغذیه می‌کنند، پیوسته متأثر از مردم هستند و به نیازها و نظرات مردم نیز توجه می‌کنند؛ و چون تشیع همیشه مخالف با دستگاه‌های حاکمه بوده و در برابر قدرت حاکم قرار داشت، این روش، مجموعاً باعث شده روحانیت شیعه از تحرک بیشتری در میان مردم برخوردار باشد؛ خصوصاً وقتی آگاهی سیاسی در جامعه رشد می‌کند و توده‌های مردم از رشد سیاسی اجتماعی برخوردار می‌شوند، این رشد سیاسی مردم به رهبران روحانی منتقل می‌شود. رهبران روحانی به دلیل اینکه از مردم تغذیه می‌کنند خود را موظف می‌دانند به شعارهای سیاسی مردم پاسخ دهند.

این رابطه ارگانیک متقابلی که بین روحانیت و مردم در تشیع وجود دارد، باعث می‌شود روحانیت تشیع تحرک داشته باشد؛ درحالی‌که روحانیت تسنن [دست کم روحانیت اهل سنت ایران] چنین نیست. شیخ الاسلام و مفتی را دولت حاکم تعیین می‌کند. دولت، هزینه نهاد روحانیت را می‌پردازد و روحانیت از دولت تغذیه می‌شود. هنوز هم در کشورهای سنی‌مذهب، اوضاع بر همین منوال است. در مصر، لبنان، اردن، عربستان سعودی و دیگر نقاط، حکومت، رئیس جمهور یا شاه یا هرکس که حاکم است مفتی را تعیین می‌کند. از طریق دولت وقت است که مساجد و روحانیت تغذیه می‌شوند؛ بنابر این، یک وابستگی بین رهبران مذهبی با قدرت حاکم به وجود آمده است که رهبران روحانی را بعضاً مجبور به تبعیت از دولت می‌کند. البته این بدان معنا نیست که همه رهبران مذهبی اهل سنت، جیره‌خوار و تابع دولت بوده باشند. چهره‌های درخشانی نیز در میان آنان بوده‌اند؛ مانند محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، سید قطب و ابوالاعلی مودودی که این چنین نبوده‌اند. اما در بلوچستان، مولوی‌ها مطیع دولت بودند. پس از ختم رویدادهای زاهدان، مولوی عبدالعزیز اظهار علاقه

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۹۱

کرد با امام دیدار کند. متأسفانه به او وقت نمی‌دادند. او با کمک من با امام دیدار و گفتگو کرد.

مولوی عبد العزیز در دیدارش با امام مطرح کرد که ما حاکم را، هر کس باشد، اولو الأمر [فرمانروا] می‌دانیم و از او اطاعت می‌کنیم؛ بنابر این، اهل سنت شاه را مصداق اولوالامری می‌دانستند که باید از او اطاعت کنند. او اضافه کرد: حالا ما شما (امام خمینی) را اولوالأمر خود می‌دانیم. در زمان شاه دولت از طریق ساواک به مولوی‌ها کمک مالی می‌کرد. مولوی عبدالعزیز از امام خواست تا این کمک از طریق اوقاف داده شود.

البته این بدان معنا نیست که همه روحانیان اهل سنت در هر حال - چه در آن زمان و چه پس از انقلاب - مجریان برنامه‌های سیاسی دولت باشند، بلکه آنان فقط خودشان را مطیع می‌دانستند. این مناسبات باعث شده بود مطالبات و شعارهای سیاسی که در بقیه مناطق کشور مطرح شده بود و انقلاب و جنبشی که در بقیه مناطق بروز کرده بود، در بلوچستان رسوخ پیدا نکند. در طول مبارزات انقلاب اسلامی، بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، روحانیت در تقابل با شاه قرار گرفت و شاه حاضر نشد با آنها مصالحه کند و کنار بیاید. شاه در قم سخنرانی کرد و به شدت به روحانیان حمله کرد و آنان را ارتجاع سیاه خواند. در نتیجه روحانیت به جنبش ضد استبدادی و ضد سلطه بیگانه پیوست؛ مبارزاتی که تا پیش از آن زمان، بیشتر محدود به روشنفکران بود؛ در نتیجه مردم عادی و عامی در سطح بسیار گسترده‌ای به جنبش ضد استبداد و ضدسلطنتی پیوستند. فرهنگ تشیع علوی بر مطالبه‌گری مردم تأثیرگذار بود و حضور سیاسی مردم از آن الهام گرفته بود. علاوه بر آن، برخی از مسائل لاجرم به تفاوت دیدگاه‌های دو مذهب برمی‌گردد. وقتی ما از فرهنگ تشیع سخن می‌گوییم باید توجه شود که این فرهنگ را ما به وجود نیاورده‌ایم؛ انقلاب و جمهوری اسلامی به وجود نیاورده، بلکه این یک بحث ۱۴۰۰ ساله است.

در نظر شیعیان، پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) حق خلافت با امام علی بوده و معاویه حق نداشته با علی بجنگد. وقتی ما حتی به‌صورت ناخودآگاه در سخنان خود حکومت‌های استبدادی و حاکم مستبد را به معاویه و حکومت او تشبیه می‌کنیم، این

مطلب ریشه در تاریخ دارد؛ درحالی که برادران اهل تسنن او را حضرت معاویه می‌نامند که در یک مقطعی امیرالمؤمنین بوده است. او را کاتب وحی می‌دانند و چون صحابی پیغمبر بوده، به خود حق نمی‌دهند به او اعتراض کنند. همچنین در فرهنگ اهل سنت **عشره مبشره** (آن ده نفری که بنا به روایاتی به آنان نوید بهشت داده شده) مورد احترام هستند و هنوز هم بعد از نماز در دعاهایشان آنها را یاد می‌کنند و بر آنان سلام و صلوات و درود می‌فرستند؛ درحالی که از نظر شیعیان اولاً در باره این ده تن اختلاف است که چه کسانی بودند. ثانیاً برخی از این افراد را واجد وثاقت نمی‌دانند و معتقدند برخی از آنها پس از پیامبر اسلام، از مسیر حق منحرف شدند و ریشه‌های انحراف محسوب می‌شوند. وقتی به همگرایی نیازمندیم، نباید این اختلافات تاریخی و فکری در رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی مطرح شود. در یک تحلیل واقع‌گرایانه نمی‌توانیم تأثیر منفی طرح این مسائل در روند انقلاب و همگرایی میان شیعه و سنی را نادیده بگیریم. ما تأثیر منفی و مخرب این روند را در دیدار و گفتگو با مولوی‌های بلوچستان هم کاملاً مشاهده می‌کردیم. برپایه همین مشاهدات بود که من در آن مقطع، از رسانه‌های کشور و شخصیت‌های رسمی درخواست کردم که از طرح این مسائل اختلافی در رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی خودداری کنند. رسانه‌های خبری و شخصیت‌های سیاسی ما غافل از چنین حساسیت‌هایی، وقتی می‌خواستند فرهنگ انقلاب را منعکس کنند لاجرم در گفته‌ها و نوشته‌هایشان موضع تاریخی تشیع را بیان می‌کردند. در مسجد خاش در اجتماع مردم که به دعوت ما آمده بودند، مطرح شد که **چرا شما به حضرت معاویه توهین می‌کنید؟** [نمونه‌ای از واکنش اهل سنت به توهین به معاویه را در گزارش چهاردهم نیروهای نظامی و امنیتی و نیز در پیوست ۲۱ فصل یکم آورده‌ام].

یکی از گلایه‌های مردم اهل سنت شهر خاش این بود که در نشریات **جهاد سازندگی** که در خاش پخش شده است، مطالب موهن علیه معاویه آمده است. ما در جواب گفتیم: جهاد سازندگی آمده است به شما خدمت کند. اگر ناراحت هستید به آنها می‌گوییم بروند یا دیگر از این نوع مطالب ننویسند. آنها پاسخ دادند که مشکل فقط در نشریات جهاد سازندگی نیست؛ در سخنان رهبران انقلاب که از رادیو - تلویزیون پخش می‌شود نیز همواره از این اهانت‌ها شنیده می‌شود. وقتی از

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۹۳

معاویه این‌گونه سخن می‌رود، آن کسی که برایش این نظر قابل قبول نیست، آن هم‌وطن حنفی‌مذهب من، که معاویه برای او مقبول و مقدس است، واکنش نشان می‌دهد و ما نمی‌توانیم پیامدهای آن را نادیده بگیریم. این خودبه‌خود فاصله سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌کند و میان ما دیوار می‌کشد. وقتی تعصبات هم در میان باشد، درگیری و منازعه حتمی می‌شود. در طی سالیان دراز، استعمار خارجی و امپریالیزم و ایادی ضدانقلاب داخلی هم این مسائل را دامن زده و می‌زنند. اینها از عللی هستند که انقلاب و موجی که تمام کشور را دربر گرفته، در آن مناطق به سختی رسوخ کند.

در جلد چهارم خاطراتم در تقابل قدرت‌های شکست‌خورده از انقلاب، سناریوهای سه‌گانه آنان در برابر انقلاب را شرح داده‌ام. یکی از اولین برنامه‌های آنان، ایجاد بی‌ثباتی<sup>۱</sup> است. بخشی از ناآرامی‌ها در بلوچستان در زمان انقلاب، حاصل این تحریکات بوده است.

شکاف‌های مذهبی و تاریخی، زمینه‌های مساعدی برای این نوع تحریکات است. تا یک برخورد واقع‌بینانه و دور از تعصب بین دو مکتب و مذهب به وجود نیاید ما بر این مشکلات فائق نخواهیم آمد.

در عمق این انقلاب یک جوهر فرهنگی وجود دارد. در مبانی فرهنگی و اعتقادات ما در مورد اسلام یک تحول و تغییر رخ داده است.

در بعد ایدئولوژیک، اول یک پیروزی‌های نسبی به دست آوردیم و یک تحولی در اعتقادات اسلامی به وجود آمد و مردم با فرهنگ اصیل اسلامی آشنا شدند؛ در مرحله بعد به پیروزی‌های سیاسی در سقوط استبداد سلطنتی نائل شدیم. این در حالی است که در بلوچستان هنوز در بعد فرهنگی و مذهبی به هیچ وجه آب از آب تکان نخورده و در همان سطح باقی مانده است.

در ادامه توضیحاتی خواهم داد که چگونه انقلاب ما بر دیدگاه‌های مولوی‌ها اثر گذاشته و موضع سنتی آنان را نسبت به بسیاری از مسائل در معرض تغییر قرار داده است. به زودی ما شاهد دگرگونی‌های جدی در دیدگاه‌های آنان خواهیم بود. اکنون

---

1. destabilization.

## ۴۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

رهبران مذهبی اهل سنت بلوچستان در برخورد با این تغییرات و اینکه چگونه خود را با این اوضاع و احوال جدید تطبیق دهند، دچار یک سلسله مشکلاتی شده‌اند. در برخورد با مسائل سیاسی منطقه، باید به آن توجه شود.

یکی دیگر از مسائل سیاسی قابل بحث این است که روحیه ملی‌گرایی تا چه اندازه در بین مردم بلوچ عمق و ریشه دارد و آیا واقعاً بلوچ‌ها به‌عنوان یک قوم و یا به‌عنوان یک خلق، خواستار جدایی از ایران هستند؟

بررسی‌ها، تحلیل‌ها و اطلاعات اولیه‌ی ما نشان داده است که چنین نیست. یک نوع گرایش ملی‌گرایی توسط برخی از گروه‌ها مثل **جبهه آزادی‌بخش بلوچستان** یا سازمان‌های مختلف، با نام‌های دیگر چنین ادعایی را به نام بلوچ‌ها مطرح می‌کنند. این ادعاها بیشتر از جانب گروه‌های خاصی، که عموماً چپی و کمونیست هستند یا تحت این نام‌ها فعالیت می‌کنند، عنوان می‌شود و از ناحیه قدرت‌های ذی‌نفع محلی، حمایت شده و بیشتر به آن دامن زده می‌شود، اما ریشه عمیقی در جامعه بلوچ ندارد. بلوچ‌ها به ایران دلبستگی دارند. مطالعه در تاریخ بلوچ‌ها نشان می‌دهد که احساس وابستگی به یک جامعه بزرگ‌تری به نام ایران در میان آنان به شدت قوی است. این احساس شدید، شاهد بر احساس تعلق ملی بلوچ‌ها به ایران است. جمعیت کل بلوچ‌های جهان را حدود ۴۳۰۰۰۰۰ تن نوشته‌اند. از این جمعیت ۲۵۰۰۰۰۰ تن در پاکستان غربی، حدود دویست هزار تن در افغانستان و در همین حدود هم در شیخ‌نشین‌های کرانه‌های جنوبی خلیج فارس پراکنده هستند. بلوچ‌های ایران را حدود ۱۵۰۰۰۰۰ نفر نوشته‌اند، اما ظاهراً این جمعیت به ۵۰۰ هزار نفر کاهش پیدا کرده است (سرشماری سال ۱۳۷۰ ش جمعیت بلوچ ایران را ۵۸۹۲۰۰ تن گزارش کرده است).

طی سالیان دراز گذشته، بارها امکاناتی به وجود آمد که بلوچ‌های ایران به کل بلوچ‌های منطقه ملحق شوند و یک کشور مستقل بلوچ به وجود آید، اما بلوچ‌ها آن را نپذیرفتند؛ حتی در برابر پیشنهاد کمک انگلستان برای جدایی از ایران و به رسمیت شناختن استقلال آنان مقاومت کردند و حاضر به همکاری نشدند.

از یک نگاه دیگر، چنین شعارهایی ارتجاعی و عقب‌گرا هستند. جوامع بشری رو به سوی وحدت و یکپارچگی حرکت می‌کنند. وقتی ما مقوله پیشرفته‌تری مثل امت

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۹۵

داریم و حرکت عام مردم ما حرکتی اسلامی است، تز جدایی خلق‌ها خریدار ندارد و رشد نمی‌کند. اصولاً در اسلام تفاوت و اختلاف رنگ و زبان و جنسیت و مذهب، پایه برتری و امتیاز نیست. اسلام در جهت امت واحد، به معنای وحدت در فکر و اندیشه و در هدف‌ها و برنامه‌ها حرکت می‌کند. تز تشکیل امت، مترقی‌تر از جدایی خلق‌هاست. در یک جامعه طایفه‌ای و عشیره‌ای مثل بلوچستان، خودمختاری - از نوعی که بعضی‌ها مطرح می‌کنند، به تعبیر برخی از خود بلوچ‌ها - یعنی خانمختاری. این خودمختاری، زیر پوشش دفاع از حقوق خلق‌ها مطرح می‌شود تا در حقیقت منافع خان‌ها و افراد و گروه‌های خاصی را تأمین کند. خان‌هایی که پس از انقلاب، مشروعیت و قدرت خود را در خطر می‌بینند، حالا می‌خواهند از طریق همین خودمختاری در جامعه‌ای که هنوز بافت آن قبیله‌ای و طایفه‌ای است، قدرت خود را حفظ کنند. از طریق حضور طایفه و کنترل انتخابات، مثلاً در شهر و ده و بخش، قدرت خود را به نوع دیگری مشروعیت بدهند؛ بنابراین، اگر بخواهیم «خلق‌ها» را به این شکل که هست بپذیریم، به رفتاری ارتجاعی و واپسگرا تن در داده‌ایم. البته عوامل و انگیزه‌هایی در درون کشور وجود دارند که زمینه گرایش گروهی از مردم و پشتیبانی آنان از ادعای خودمختاری را فراهم می‌کنند که در رأس آن فقر و محرومیت است. مردم واقعاً زیر فشار شدید فقر هستند و نیاز شدید به عمران، آبادی، کار و درآمد دارند. در طی دوران گذشته، همیشه دولت مرکزی یک سیاست منفی نسبت به منطقه داشته و مانع از ایجاد کار و عمران در بلوچستان شده است.

### وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سیستان

منطقه سیستان به‌طور کلی بافت ویژه‌ای دارد که در مقایسه با بلوچستان از نظر اوضاع و احوال اقتصادی، به‌ویژه از نظر کشاورزی بسیار متفاوت است. سیستان، منطقه‌ای است که برای توسعه کشاورزی بسیار مساعد است و امکانات فراوانی در آن وجود دارد. همچنین از لحاظ فرهنگی و تعداد افراد با سواد و متخصص و کارایی نیز در سطح بالاتری قرار دارد.

بافت اجتماعی سیستان، برخلاف بلوچستان، شکل قبیله‌ای و طایفه‌ای ندارد. سیستانی بیشتر به زمین وابسته است و روی زمین کار می‌کند. سیستانی‌ها از نظر مذهبی اکثراً شیعه هستند و به دلیل شیعه بودن، با مفهوم انقلاب مذهبی در ایران، ارتباط ارگانیک پیدا کرده‌اند؛ بنابراین، شدیداً متأثر از این انقلاب هستند و پشتیبانی از انقلاب در منطقه سیستان به مراتب وسیع‌تر و عمیق‌تر از منطقه بلوچستان است. با وجود این از نظر اقتصادی، مردم سیستان هم فوق‌العاده فقیر هستند. فقری که در زابل دیدم هیچ تفاوتی با فقری ندارد که در خاش دیدم.

در اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب، یکی از دوستان خوب قدیمی ما (مرحوم دکتر زینت‌بخش) داوطلبانه برای کمک به مردم سیستان به زابل رفت. کمیته امداد امام خمینی اما همزمان مواد غذایی، از جمله روغن و برنج مجانی بین نیازمندان زابلی توزیع کرده بود. دکتر زینت‌بخش برایم تعریف می‌کرد: مادری با کودک بیمارش مراجعه کرد. توصیه کردم به کودکش برنج با ماست بدهد. روز بعد آمد در حالی که کودکش از درد دل به خود می‌پیچید. در گفتگو با مادر کودک معلوم شد این زن تا آن زمان هرگز برنج ندیده و نخورده بود و نمی‌دانست برنج را چگونه باید پخت و خورد؛ از این رو، برنج خام را با ماست به کودک داده بود.

در سیستان اگرچه از نظر کشاورزی، امکانات بیشتر است، اما در آنجا هم مالکان بزرگ، مانع از آن شده‌اند که خود مردم از این نعمت‌ها برخوردار شوند.

این، دورنمایی بود از منطقه و از استان سیستان و بلوچستان. من فرصت آن را پیدا نکردم که آمارهای اساسی‌تری از وضعیت استان بدهم. در دولت موقت، هنگام تنظیم و تقسیم بودجه، به محرومیت این استان توجه شده بود. بودجه‌ای که در سال قبل از انقلاب برای این استان اختصاص داده بودند، نسبت جمعیت و نیازهایش به‌طور کاملاً مشخص پایین‌تر از سایر استان‌ها و غیرقابل مقایسه با بودجه استان‌های دیگر بود؛ خصوصاً در نیازهای اساسی. به‌عنوان نمونه بودجه‌ای که برای آب‌رسانی در استان گیلان اختصاص داده شده بود، بیشتر از بودجه تصویب شده برای سیستان و بلوچستان بود؛ درحالی‌که اوضاع و احوال طبیعی و بارندگی و دسترسی به آب در گیلان، بیشتر از سیستان و بلوچستان است. گویا در این موارد تعمدی در کار بوده



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۹۷

است. این استان از نظر خدمات بهداشت و درمان نیز از بسیاری از استان‌های دیگر عقب مانده‌تر است. در اینجا طبیب و دارو یا وجود ندارد یا خیلی خیلی ناچیز است. در بسیاری از مناطق استان، پزشک و دارو اصلاً وجود ندارد؛ حتی در شهر بزرگی مثل زابل، بیمارستان شهر فقط ۲۵ تخت دارد و فاقد ابتدایی‌ترین وسایل خدمات پزشکی است، حتی آمبولانس ندارد.

### عوامل تحریک در بحران

بعد از انقلاب بلافاصله تحریکات در استان، بخصوص بلوچستان شروع می‌شود. این تحریکات از سوی چهار منبع صورت می‌گیرد و به آن دامن زده می‌شود:

**گروه اول:** خان‌ها و سردارها هستند که به صورت مجزا و پراکنده یا به طور متحد عمل می‌کنند. انگیزه آنها یک مقدار مسائل داخلی بین خودشان است و یک مقدار، موضع‌گیری مشترک در برابر دولت مرکزی. بخشی هم متأثر از تحریکات خارجی، مخصوصاً از طریق مسقط و سلطان قابوس است.

**گروه دوم:** نیروهای چپ‌گرای داخلی هستند. سازمان‌های سیاسی مختلفی در این منطقه فعالیت می‌کنند. در حال حاضر دو گروه با نام‌های «پیکار» و «شفق سرخ» فعالند. نشریات گوناگونی هم دارند که یکی از آنها «سپیده‌دم» است. نیروهای این گروه‌ها در استان بسیار کم است، ولی به دلیل هماهنگی و وحدتی که بین این گروه‌ها وجود دارد، فعالیتشان در مخالفت با دولت مرکزی منسجم است. ریشه آنها در خارج و در کشورهایی مانند پاکستان و عراق یا افغانستان است. مثلاً **جبهه آزادی‌بخش بلوچستان**، قبل از انقلاب هم بود. آنها در عراق دفتر داشتند و حالا هم دارند و از جانب دولت عراق تحریک می‌شدند. تحریکات آنها پس از انقلاب از طریق بلوچستان پاکستان ادامه دارد. تحریکات از افغانستان از دو طریق است: از طریق گروه‌های چپ افغانستان مثل **پرچم و شعله جاوید**. چپی‌ها و مائوئیست‌ها و کمونیست‌های روسی هم هستند که در تحریکات دست دارند. کمونیست‌های روسی که مخالف انقلاب ایران هستند، از پیروزی و بسط و گسترش انقلاب ایران در افغانستان نگرانند. آنان

## ۴۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

شدیداً در این منطقه تحریک می‌کنند، بخصوص پس از تشدید مبارزات داخلی در افغانستان. آنها از افغان‌هایی که به‌عنوان آواره به منطقه می‌آیند استفاده می‌کنند. در همین حوادثی که در زاهدان رخ داد، از جمله افرادی که گرفتار شدند یک افغانی بود که هم با افغانستان در ارتباط است هم با خان‌های محلی.

**گروه سوم:** مولوی‌ها که اشاره کردم اینها هوادار یا تحت نفوذ سعودی‌ها هستند.

**گروه چهارم:** منابع خارجی هستند که از طریق مسقط عمان، بلوچستان پاکستان و افغانستان فعالیت می‌کنند.

این چهار گروه هر یک به نوعی به تحریکات دامن می‌زنند و آشوب ایجاد می‌کنند. خان‌ها و سردارها نگرانند که این انقلاب، قدرت سیاسی و اقتصادی آنان را از بین ببرد؛ لاجرم در برابر انقلاب موضع گرفته‌اند.

اولین بار پس از انقلاب بیش از ۳۰۰ تن از خان‌های بلوچ در منطقه‌ای به نام راسگ در قسمت جنوبی بلوچستان جمع شدند و قطعنامه‌ای صادر کردند که ریشه بسیاری از حوادث بعدی شد. در این اجتماع جز خان‌ها و مولوی‌ها، گروه‌هایی از جوانان بلوچ حضور داشتند که طرفداران سازمان چریک‌های فدایی خلق بودند. خواسته‌های آنان خودمختاری خلق بلوچستان و اخراج پاسداران انقلاب از بلوچستان و سیستان بود. آنها سی روز مهلت برای انجام این درخواست‌ها تعیین کرده بودند. آنها همچنین به اصل ۱۲ قانون اساسی اعتراض کردند و فریاد برای قانون اساسی را هم تحریم کردند. روزی که ما وارد زاهدان شدیم، مهلت سی روزه آنها به سر می‌آمد.

تا یک مرحله از این تحریکات، مولوی‌ها در برابر دولت مرکزی جدید موضع‌گیری شدید نداشتند. تا قبل از نهایی شدن قانون اساسی و جایگاه فقه اهل سنت در این قانون، هنوز مولوی‌ها در موضع‌گیری خود مردد بودند. پس از آنکه قانون اساسی به شکل جدید نهایی شد، وحدتی بین همه مولوی‌ها به وجود آمد که به صورت یکپارچه در برابر آن موضع گرفتند و در همین راستا تظاهراتی برپا کردند و خواهان تحریم فریاد قانون اساسی شدند. گزارش موضع‌گیری مولوی‌ها و بخشی از جامعه اهل سنت را در گفتار سوم فصل اول در همین دفتر آورده‌ام. همچنین در جلسه‌ای که اوایل ماه آذر در منزل مولوی عبدالعزیز در زاهدان با حضور تمام مولوی‌های بلوچ تشکیل

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۴۹۹

شده بود، این موضوع را مطرح کردند که: «در قانون اساسی، حقوق حقه اهل تسنن رعایت نشده و این قانون فقط به مذهب شیعه اختصاص دارد و اصل مربوط به ولایت فقیه، به هیچ وجه با روح اسلام سازگار نیست و دیکتاتوری قوی‌تر از سابق را جایگزین کرده است».

به این ترتیب در منطقه، حالت بحرانی و شرایط خاصی به وجود آمده بود و به تعبیری در آستانه انفجار بود.

### محورهای اصلی بحران در بلوچستان

مسائلی که در اثر این مشکلات به صورت بحران در منطقه بروز کردند را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

**اول:** اعتراض اهل تسنن به برخی از مواد قانون اساسی از جمله اصل ۱۲<sup>۱</sup> و اصل ۱۱۵<sup>۲</sup> قانون اساسی.

برای برادران اهل تسنن ایجاد شبهه شده بود که حقوق مذهبی آنها نادیده گرفته شده است. این نارضایتی‌ها به شکل تقابل شیعه و سنی بروز کرده و با بهره‌برداری مخالفان انقلاب به یک بحران جدی در منطقه تبدیل شده بود.

**دوم:** مشکل یا مسئله دوم، موضوع خودگردانی یا به تعبیری خود مختاری بود که در بعضی از استان‌های دیگر مانند کردستان نیز مطرح بود و در بلوچستان هم این

---

۱. اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

۲. اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

## ۵۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

به صورت خیلی حاد مطرح شد. در بعضی از قطعنامه‌هایی که صادر شده، بخصوص در قطعنامه‌ای که در پانزدهم آذرماه به صورت یک نامه سرگشاده و تلگراف برای مقامات رسمی مملکت فرستاده شده بود، ضرب الاجلی هم گذاشته بودند که تا پانزدهم ماه یعنی حدود یک ماه منتظر جواب خواهند شد و مهلت در همان روزهایی که هیئت بررسی در زابل بود به پایان می‌رسید.

**سوم:** مشکل سوم که باز هم انعکاس مشکلات اساسی منطقه است، حضور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که برادران بلوچ مصراً خواستار خارج شدن آنها از منطقه بودند.

**چهارم:** جهاد سازندگی و فعالیت‌های آن در منطقه بود که بلوچ‌ها خواستار توقف فعالیت آنان و خروج آنها از بلوچستان بودند.

**پنجم:** اعتراض به حضور مدیران و کارمندان غیر بومی در منطقه بود. بلوچ‌ها خواستار تعویض استاندار بودند و معتقد بودند استاندار هم باید حتماً بومی باشد و خود مردم او را تعیین کنند.

**ششم:** مسئله خان‌ها و سرداران و رابطه آنها با مردم بود.

**هفتم:** مسئله امنیت در منطقه.

**هشتم:** مسئله قاچاق.

**نهم:** برخورد شدیدی که بین مردم فارس و بلوچ وجود داشت.

برخورد و موضع سیستمی‌ها در مورد مسائل بالا به کلی با بلوچ‌ها متفاوت بود. برادران سیستمی و شیعه، نسبت به قانون اساسی اعتراضی نداشتند؛ در صورتی که اعتراض به مواد یادشده قانون اساسی برای برادران بلوچ حنفی‌مذهب شدیداً مطرح بود. مسئله خودگردانی یا خودمختاری، به صورتی که عنوان شده بود، شدیداً موجب ناراحتی برادران سیستمی را فراهم کرده بود. در مورد پاسداران، برادران بلوچ مصراً خواستار خروج آنها از منطقه بودند، در صورتی که برادران سیستمی خواستار ابقا و ادامه کار آنها بودند. به همین ترتیب در مورد جهاد سازندگی هم همین مسئله وجود داشت. در مورد استاندار نیز نظریات مختلف بود؛ بنابراین، طرح این قضا یا سبب شده بود مسائلی که بین برادران بلوچ و سیستمی یا شیعه و سنی وجود دارد، تشدید شود و

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۰۱

بالاخره نیازهای مبرم و آنی که در منطقه برای مردم بوده است خود موجب تشدید این اختلافات و بحران شده بود.

همان زمان، گزارش‌های گوناگونی در باره مسائل فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی منطقه به هیئت رسیدگی به مشکلات استان‌ها رسید که پاره‌ای از آنها را در گفتار سوم فصل اول آورده‌ام.

### دکتر یزدی امروز به سیستان و بلوچستان می‌رود

#### دکتر یزدی همکاران خود را به امام معرفی کرد

قم - خبرگزاری پارس: دکتر ابراهیم یزدی که از جانب رهبر انقلاب اسلامی ایران مأموریت یافته است که به استان‌های کشور سفر کرده و مشکلات مردم و شکایات آنان را بررسی کند، امروز به منظور معرفی پنج تن از همکاران خود در قم به حضور امام خمینی رسید. دکتر ابراهیم یزدی در پایان این دیدار به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: بعد از اعلام این مأموریت از سوی رهبر انقلاب، تلگرافات و نامه‌های زیادی از سوی مردم شهرستان‌ها رسیده که هم مشکلات و شکایات خودشان را بیان کرده‌اند و درخواست کمک و رسیدگی شده است و همه قشرها و گروه‌های مختلف به پیروی از دستور امام مبنی بر همکاری در این مورد بخصوص، تلگرافات متعدد رسیده است و بعد از بررسی‌های ابتدایی، برنامه‌هایی تنظیم شده و به استان‌های مختلف سرکشی می‌شود و اولین استان هم استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. یزدی افزود: البته از طرف شخصیت‌ها و مقامات منطقه تلگراف و دعوت شده است؛ بنابراین، اولین محلی که می‌رویم استان سیستان و بلوچستان است که اولویت دارد.

دکتر ابراهیم یزدی به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: مرکزی در تهران برای تمرکز فعالیت‌های این هیئت در نظر گرفته شده که به زودی محل آن برای آگاهی عموم اعلام خواهد شد. خبرنگار خبرگزاری پارس از دکتر ابراهیم یزدی پرسید که شما به چه مشکلاتی رسیدگی می‌کنید؟ دکتر یزدی گفت: از مجموع تلگرافات و شکایاتی که رسیده، سه مشکل قابل تشخیص است:

## ۵۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

یک نوع مشکلاتی که مربوط است به درگیری و گرفتاری‌های شخصی افراد. این نوع گرفتاری‌ها معمولاً در حدود وظایف این هیئت نیست که رسیدگی کند. گروه دوم مشکلات و شکایات، مربوط است به اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی که به دنبال این انقلاب در جامعه ما به وجود آمده است و یا درخواست‌ها و نیازهایی است که اهالی مختلف شهرها و استان‌ها در مورد تأمین نیازها و احتیاجات اولیه از قبیل آب، برق و جاده دارند. این مشکلات را ما بررسی می‌کنیم و با همکاری مسئولین مربوطه کوشش می‌کنیم که راه‌حل‌های مناسب و سریع پیدا شود و نظر مردم در رفع این نیازها تأمین گردد.

دکتر یزدی در پایان گفت: گروه سوم شکایات و درخواست‌ها مربوط به برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی است که اینها را از طریق رسیدگی در محل و مذاکره با گروه‌ها و قشرها سعی خواهیم کرد راه‌حل‌های مناسبی که به نفع پیروزی هرچه بیشتر انقلاب اسلامی ایران باشد و در جهت تحکیم جمهوری اسلامی باشد، پیدا نموده و اجرا نماییم.

لازم به یادآوری است که در تمام موارد، گزارشات و فعالیت‌ها را به رهبر انقلاب و به مقامات مربوطه خواهیم داد و همچنین همکاری و هماهنگی با شورای انقلاب است.

بعد از ظهر دیروز دفتر دکتر یزدی اعلام داشت: دکتر ابراهیم یزدی امروز در رأس هیئتی و بنا به دعوت اهالی استان سیستان و بلوچستان به این منطقه سفر خواهد کرد. وی در سر راه خود به منظور گفتگو با شخصیت‌های محلی یزد، توقف کوتاهی نیز در این شهر خواهد کرد [پیوست ۳].

### حرکت به زاهدان

هیئت ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه ۱۳۵۸/۹/۲۸ از تهران به مقصد یزد پرواز کرد و طی یک توقف سه ساعته در یزد، در مجلس بزرگداشت شهید دکتر مفتاح که از جانب آیت‌الله صدوقی برگزار می‌شد، شرکت کردیم. در این مراسم به درخواست آیت‌الله صدوقی در باره نقش شهادت در انقلاب اسلامی ایران سخنرانی کردم.

### مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۰۳

هیئت، ساعت ۱۲ یزد را به مقصد زاهدان ترک کرد و در ساعت ۳۰: ۱۳ بعدازظهر به زاهدان وارد شد و مورد استقبال گرم استاندار، رؤسای ادارات، نمایندگان جامعه سیستانی‌ها، حزب اتحاد المسلمین، رئیس شهربانی و فرمانده ژاندارمری زاهدان قرار گرفت.

اولین مسئله‌ای که مطرح شد این بود که هیئت در این شرایط بحرانی باید در کجا مستقر شود؟ در این شرایط، هیئت چگونه وارد صحنه شود تا این شبهه برای مردم پیش نیاید که هیئت به یکی از طرفین وابستگی دارد. آقای دکتر جریری، استاندار سیستان و بلوچستان، پیشنهاد کرد که هیئت در استانداری مستقر شود. این پیشنهاد رد شد؛ زیرا ما نماینده دولت نبودیم و به‌عنوان نماینده امام رفته بودیم. در شأن نماینده امام نبود که به استانداری برود. چون یکی از اعتراضات و موضوعات درگیری، خود استاندار بود، رفتن به استانداری کارآیی هیئت را در حل قضایا کاهش می‌داد. در ابتدای امر، نظر هیئت بر این بود که به مسجد برویم، اما وقتی این پیشنهاد مطرح شد هم نمایندگان مولوی عبدالعزیز و مولوی مدنی که در آنجا حضور داشتند و هم استاندار و بعضی از دوستان، مطرح کردند که در زاهدان مساجد به خداوند تعلق ندارند و به شیعه‌ها و سنی‌ها تعلق دارند و اشکال در این بود که اگر هیئت به مسجد سنی‌ها می‌رفت، اهل تشیع ایراد می‌گرفتند و اگر به مسجد شیعه‌ها می‌رفتند، اهل سنت اعتراض می‌کرد و این خود، کارآیی هیئتی را که می‌خواست مشکلات را بررسی کرده و راه حل بدهد، کاهش می‌داد؛ حتی هنگامی که پرسیدیم آیا در زاهدان بیت الله وجود دارد؟ مولوی نظری به طنز گفت: مساجد اینجا هنوز آزاد نشده و متعلق به این گروه و آن گروه است و متعلق به خدا نیست.

### در مدرسه آیت‌الله طالقانی

با توجه به این مسائل، هیئت، مدرسه طالقانی را انتخاب کرد که متعلق به هر دو گروه سنی و شیعه بود و حالت وابستگی مذهبی را نداشت. مدرسه طالقانی، نام جدید دانشسرای مقدماتی زاهدان، در خیابان آزادی بود که هم نام خوبی داشت و هم مورد قبول همه دستجات بود. این یکی از نکات مثبتی بود که هیئت در بدو ورود به شهر و

#### ۵۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

استان ثابت کرد کاملاً بی طرف است و به منظور گوش دادن به حرف‌های مردم آمده است. از بعدازظهر همان روز، پس از گردشی در شهر، ملاقات‌های مختلف صورت گرفت و هیئت بلافاصله در همان مدرسه شروع به کار کرد. زاهدان را با آنچه نویسنده کتاب «حکایت بلوچ»<sup>۱</sup> شرح داده است، خیلی متفاوت ندیدیم. این مجموعه تصویر غم‌انگیزی از زندگی هم‌وطنان بلوچ ما ارائه می‌دهد. برای انتقال این تصویر به مناسبت سفر به سیستان و بلوچستان، بخش‌هایی را در پیوست‌ها آورده‌ام [پیوست ۴].

در مدرسه طالقانی یکی از اتاق‌ها که با موکت فرش شده بود، فرهنگیان، روحانیان اهل سنت و شیعه و دیگران برای مذاکره گرد آمدند و گفتگوها آغاز شد. اولین اطلاعی که به هیئت دادند این بود که صبح روز بعد ابتدا در پادگان شهر و سپس در ساعت ۹ در عیدگاه یا مصلاهی شهر برنامه‌ای برای هیئت ترتیب داده شده است. عیدگاه به این مناسبت که مصلاهی برادران اهل سنت بود که در دو عید بزرگ اسلامی یعنی عید فطر و عید قربان، برادران مسلمان در آنجا نماز می‌گذاشتند. این محل برای سخنرانی و گردهمایی انتخاب شده بود. بعدازظهر ساعت ۲:۳۰ هیئت باید در دانشگاه حاضر می‌شد و شب در حسینیه سیستانی‌ها. ولی هیئت برای شرکت در تمام این برنامه‌ها شرایطی داشت. این هیئت با این سبک کار موافق نبود و عقیده داشت اول باید مذاکرات صورت بگیرد و روحانیان و معتمدان مشکلات خود را بیان کنند و به توافق‌هایی برسیم؛ سپس هیئت در گردهمایی‌های عمومی شرکت کند و به پرسش‌های عمومی مردم پاسخ دهد. در نتیجه، هیئت پافشاری کرد که یا به برنامه عیدگاه نرود و یا از قبل بداند برنامه چیست تا مطالبی عنوان نشود که سبب درگیری مخالفان و موافقان شود. اواخر شب از طرف مولوی عبدالعزیز دو نفر نماینده به مدرسه آمدند و درخواست‌های خود را که نوشته بودند، به هیئت ارائه دادند و باز هم خواستار شدند که هیئت در برنامه عیدگاه شرکت کند و به مطالبی که از طرف آنها بیان می‌شود، جواب دهد. هیئت با توجه به جو حاکم، این درخواست را نپذیرفت و اعلام کرد در

---

۱. آقای محمد زند مقدم نیز در سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۵ سفری به آن منطقه رفته بود و دیده‌های خود را در کتابی به نام «حکایت بلوچ: سیری در احوال اهل بلوچستان، شهرها، دی‌ها، آب‌ها و کرانه‌ها» نوشته که نشر کارون آن را در سال ۱۳۷۰ چاپ کرده است (بزدی).



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۰۵

صورتی حاضر به شرکت در این مراسم است که در خواست‌های نوشته شده را بررسی کند و از نمایندگان توضیح بخواهد. علاوه بر این، یکی از شرایط ما این بود که اگر هیئت به عیدگاه رفت، روحانیان و برادران شیعه و سیستانی‌ها هم در آن شرکت کنند و اگر به حسینیه سیستانی‌ها رفت، برادران حنفی‌مذهب و مولوی‌ها هم به آنجا بروند، و این مقدمه‌ای برای رفع مشکلات باشد. این پیشنهاد از سوی همگان پذیرفته شد. در مورد برنامه عیدگاه در اواخر شب آقای مهندس شهرکی به همراه جمعی از سیستانی‌ها به محل هیئت آمدند و اطلاع دادند که توطئه‌هایی در کار است و احتمالاً در عیدگاه درگیری مسلحانه خواهد شد. با سیستانی‌ها قرار گذاشتیم که آنها کمی دیر تر از بلوچ‌ها و به‌طور دسته‌جمعی به عیدگاه حرکت کنند و وقتی وارد شدند دور عیدگاه مستقر شوند. ما هم از مولوی عبدالعزیز خواستیم که صبح بیاید به مدرسه و ما را با خود به مصلا ببرد. صبح روز بعد مولوی عبدالعزیز با یکی از خان‌های بلوچ و دو مولوی دیگر به محل اقامت هیئت آمدند و بعد از ادای توضیحات و اطمینان بر اینکه توطئه‌ای در کار نیست و هیچ‌گونه برخوردی روی نخواهد داد، با ماشین مولوی عبدالعزیز، به رانندگی پسرش به همراه هیئت، به علاوه پسر یوسف که در این سفر مرا همراهی می‌کرد، و پاسدارم، مهدی وفاجو، به طرف عیدگاه حرکت کردیم. در طول راه، هیئت، ناظر بر راهپیمایی منظم خواهران و برادران سیستانی بود که ظاهراً از محل حسینیه حرکت کرده بودند. علما و روحانیان شیعه هم از قبیل آیت‌الله کفعمی و سایر روحانیان در جلوی صفوف مردم حرکت می‌کردند.

### تیراندازی در عیدگاه

هیئت زمانی به عیدگاه رسید که جمعیت سیستانی‌ها به محل رسیده بودند و پیرامون عیدگاه مستقر شده بودند. اتومبیل هیئت مجبور بود در کنار دیوار عیدگاه در ابتدای جاده بایستد. عیدگاه در سرایشی تپه‌ای، در انتهای خیابان اصلی شهر قرار دارد و تپه‌های اطراف آن کاملاً بر آن مُشرف هستند. در محل ورودی به عیدگاه متوجه شدیم بر روی تپه‌های مشرف بر عیدگاه، مسلسل‌ها و تیربارهایی نصب شده و افرادی هم در کنار آنها ایستاده یا نشسته‌اند. این یک آرایش کامل نظامی بود. به محض ورود ماشین

## ۵۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

حامل هیئت به کنار دیوار عیدگاه و قبل از اینکه کسی از ماشین پیاده شود، تیراندازی شروع شد.

گویا ورود ما را از پائین تپه به افراد بالای تپه خبر داده بودند، اما آنها نمی‌دانستند ما با ماشین مولوی عبدالعزیز وارد شده‌ایم. بر اساس آنچه در محل مشاهده کردیم و اطلاعاتی که بعداً جمع‌آوری شد، آرایش نیروها به این صورت بود که چون تعداد بلوچ‌ها کمتر و تعداد سیستانی‌ها بیشتر و حدود ۲۰ هزار نفر بودند، وقتی سیستانی‌ها وارد محل شدند به طرفی که به بالای عیدگاه می‌رفت هدایت شدند. از طرف دیگر وقتی سیستانی‌ها وارد عیدگاه شدند، به پشتیبانی از پاسداران و استاندار و ضد کسانی که مخالف پاسداران بودند، شعارهایی سردادند. هنگامی که سیستانی‌ها به طرف تپه و بالای عیدگاه حرکت می‌کردند، عده‌ای از بالای تپه شروع به سنگ‌اندازی به طرف آنها می‌کنند. در وسط این سنگ انداختن‌ها، ناگهان تیراندازی هوایی و تیراندازی به طرف مردم با تیربارها و یوزی‌ها از بالای تپه‌ها شروع می‌شود. آنها حتی به طرف محلی که هنوز ماشین حامل مولوی عبدالعزیز و هیئت ایستاده بود، تیراندازی کردند. واضح بود که برنامه‌ای داشتند.

خوشبختانه مولوی عبدالعزیز همراه هیئت بود و فرصتی برای جدا شدن از هیئت نداشت. با شروع تیراندازی به سمت محل توقف ماشین، از همراهان ما یوسف پسر، مهندس میرخانی و جواد یارجانی که از ماشین پیاده شده بودند، در کنار دیوار عیدگاه در بریدگی خاکی جوی‌مانندی روی زمین خوابیدند. وقتی مولوی عبدالعزیز خواست از ماشین پیاده شود، به وسیله پاسداران محافظ هیئت به زور به داخل ماشین برگردانده شد و بقیه اعضای هیئت هم سوار شدند و مولوی به پسرش که راننده این ماشین بلیزر بود دستور داد که به سرعت از محل دور شود؛ درحالی‌که تیراندازی هنوز ادامه داشت.

### در منزل مولوی عبدالعزیز

از آنجا که منزل مولوی عبدالعزیز رفتیم که جمع کثیری از مولوی‌ها و برخی از خان‌های بلوچ در آنجا جمع بودند. قبل از ما آقای دکتر جریری، استاندار و برخی از کارمندان را هم آورده بودند یا خودشان آمده بودند. آنها به ما اطلاع دادند که این منزل در

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۰۷

منطقه‌ای است که چند هزار بلوچ مسلح به مسلسل‌های سبک مثل یوزی آنجا را محاصره کرده‌اند.

با ورود ما، حاضران در منزل مولوی عبدالعزیز، حملات شدیدی را به امام، انقلاب، دولت، استاندار و شیعیان کردند. به‌عنوان نمونه ایراد می‌گرفتند که چرا شیعیان به عشره مبشره و عثمان ایراد می‌گیرند؛ چرا به امیرالمؤمنین حضرت معاویه ایراد می‌گیرند و بد می‌گویند. یکی از آنها جلوتر رفته و به امام ایراد گرفت که چرا امام در سخنان خود، که از صدا و سیما هم پخش می‌شود، به حکومت‌های فاسد می‌گویند حکومت معاویه‌ها. گویا در همان شب یا شب قبل در یکی از درس‌های تفسیر امام که از تلویزیون پخش می‌شد، باز هم این مسئله مطرح شده بود.

از نکات جالب در این گفتگوها این بود که دقیقاً معلوم بود عناصری هستند که تحریک می‌کنند و می‌خواهند از این مسائل بهره‌برداری کنند. یکی از مولوی‌ها می‌گفت: این برای ما قابل تحمل نیست که شما زرتشتی‌ها، یهودی‌ها و مسیحی‌ها را به رسمیت شناخته‌اید، ولی ما سنی‌ها را به رسمیت نشناخته‌اید. می‌گفتند مردم مولوی‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند و بعضی پیشنهاد اعلان جهاد علیه دولت را می‌دهند. این جو غالب در منطقه است. یک جوان بلوچ - که بعدها معلوم شد همان کسی است که در مراسم عیدگاه اول صبح صحبت کرده بود - بسیار با هیجان و احساس حرف می‌زد و بیشتر در مورد خودمختاری خلق‌ها و اینکه غیر بومی‌ها باید از منطقه خارج شوند، صحبت می‌کرد.

واکنش ما در برابر این افراد، اول این بود که با صبر و حوصله و با خونسردی به حرف‌های آنها گوش بدهیم؛ سپس برایشان توضیح بدهیم. آنها همه حرف‌های خود را زدند. در هیچ کجا صحبت‌های آنها را قطع نکردیم. وقتی همه حرف‌ها را زدند، نوبت به ما رسید که پاسخ بدهیم. همچنان که توضیح می‌دادم، احساس کردم به دلشان می‌نشیند و می‌توانیم یک رابطه فکری و ذهنی بین خودمان و آنها برقرار کنیم. به‌عنوان نمونه، وقتی که یکی از مولوی‌ها اظهار می‌داشت: مردم به ما فشار می‌آورند که حکم جهاد بدهیم. در پاسخ گفتم وقتی به شما فشار می‌آورند که بر علیه جمهوری اسلامی جهاد کنید، چطور در دوره شاه که نه برای سنی و نه برای شیعه ارزش قائل نبودند و

## ۵۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

کوچک و بزرگ را می‌کشتند، سکوت کرده بودند؟ این آقایان کجا بودند؟ چرا آن موقع نمی‌آمدند که اعلان جنگ و جهاد بدهند؟ چرا آن موقع علیه ظلم و فساد مبارزه نمی‌کردند؟ یکی از جوان‌های بلوچ حاضر در جمع، ضمن بیان برخی از این نوع مطالب با احساسات و هیجان، مسئله خود مختاری خلق‌ها را مطرح کرد. معلوم بود که ایرادات مذهبی او با بعضی افکار دیگر نیز مخلوط شده است، اما او چون گفت مسلمان است و به قرآن اعتقاد دارد، ما هم بر اساس موازین شرعی، گفتیم خیلی خوب قرآن را می‌گذاریم و هر آنچه را که قرآن گفت اجرا می‌کنیم. کجای قرآن گفته شده است که خلق‌ها باید خودمختاری داشته باشند؟ در قرآن بحث از امت اسلامی است. بعد شرح مفصلی دادم که وقتی مسلمان‌ها در صدر اسلام با ارتش ایران مقابله کردند، رستم فرخزاد، فرمانده ارتش ایران به سعد وقاص، فرمانده سربازان مسلمان پیغام داد که نماینده‌ای از جانب آنها بیاید برایشان شرح بدهد که هدف از این انقلاب چیست. سه نماینده به بارگاه رستم فرخزاد در کاخ مدائن اعزام شدند. ارتفاع راهرویی که واردین را به بارگاه اصلی هدایت می‌کرد آنچنان کوتاه ساخته شده بود که واردین در حال تعظیم وارد بارگاه می‌شدند. نمایندگان مسلمانان برای اینکه تعظیم‌کنان وارد نشوند، عقب عقب وارد بارگاه شدند؛ سپس با کنار زدن قالی زربفت بارگاه، روی زمین نشستند. رستم فرخزاد پرسید چرا این‌طوری وارد بارگاه شدید؟ گفتند: پیامبر ما به ما آموخته است که جز در برابر خداوند در برابر هیچ‌کس تعظیم نکنیم. پرسید: چرا روی قالی نشستید؟ گفتند: ما نباید در جایی که غضبی است بنشینیم. این فرش گران‌بها مال شما نیست. رستم گفت: شما مردمی زبون بودید، بر سرتان می‌کوبیدند و شما تسلیم می‌شدید. حالا چه شده است که چنین تحرکی را پیدا کرده‌اید و مدعی فتح ایران شده‌اید؟ پرسید مرام و پیام شما چیست؟ پاسخ دادند که ما همه متفرق بودیم و همدیگر را می‌کشتیم و به خون هم تشنه بودیم. پیامبری به نام محمد آمده است و ما را متحد کرده است و ما دیگر امروز آن افراد گذشته نیستیم که به خون هم تشنه بودیم و دخترانمان را زنده به گور می‌کردیم، و این از برکت اسلام است. هدف ما هم سه چیز است: رهایی انسان‌ها از جور ملوک، رهایی از ستم و اندیشه رهبانان و رهایی از فقر و محرومیت با ابزار عدل اسلامی. با بیان این داستان اشاره کردم که انقلاب

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۰۹

اسلامی، ما را امت کرده است؛ دیگر این مسائل قومی مطرح نیست. یک روزی در این مملکت مسائلی قومی مطرح بود: یک گروه کرد بودیم، بلوچ بودیم، ترک بودیم، لر بودیم، شیرازی بودیم، فارس بودیم، گیلک بودیم، یزدی بودیم، قزوینی بودیم و ... حالا دیگر ما هیچ‌کدام از اینها نیستیم و فقط یک امت شده‌ایم. این شگرد عظیمی است که انقلاب ما به وجود آورده است و اساس پیروزی انقلاب ما شده است. ما دیگر هیچ‌کدام از اینها نیستیم، بلکه هویتی تازه پیدا کرده‌ایم و امتی تازه شده‌ایم. حالا که ما چنین رشدی پیدا کرده‌ایم بحث خلق‌ها و بحث کثیرالمله بودن ایران و بحث اینکه باید به اینجا این را داد و به آنجا آن را، در شأن این انقلاب نیست. این بحث را عناصر خارج از این انقلاب و خارج از این فرهنگ دارند بر ما تحمیل می‌کنند. هم در این جمع و هم در خاش که مسائل بومی و غیر بومی مطرح شد، پاسخ دادم که آقای مولوی، برادر بلوچ مسلمان وقتی که شما صحبت از اسلام می‌کنید، در کجای قرآن معیار را بومی و غیربومی قرار داده است؟ الحمدالله در زمان پیغمبر از این بحث‌ها نبود، به پیغمبر ایراد می‌گرفتند که سلمان فارسی بومی نیست و می‌گفتند که ای پیغمبر چرا گفته‌اید سلمان از ما است و از اهل بیت است و یا اگر چنانچه سلمان در جنگ خندق پیشنهادی داده است که ما در ایران این چنین با دشمن روبه‌رو می‌شده‌ایم، چون غیر بومی است نباید به حرفش گوش داد. معیار ما معیار اسلامی است. هر کسی که تقوا داشته باشد و بخواهد برای مردم کار بکند چه بلوچ باشد، چه کرد باشد، چه ترک، بومی یا غیر بومی ما باید بپذیریم.

بیان این توضیحات برای ایجاد رابطه ذهنی بود. باید معیارهای فرهنگی انقلاب اسلامی را به آنها ارائه داد. باید پذیرفت که انقلاب در آن منطقه وارد نشده است و تنها با رفتن و تبلیغ معیارهای اسلامی به صور مختلف من جمله دیدارهای رو در رو است که ما می‌توانیم آنها را قانع کنیم که این انقلاب چه می‌گوید و چه می‌خواهد. نمی‌توانیم از قبل پیش‌دآوری کنیم که چون اینها حنفی‌مذهب و یا بلوچ هستند و یا چیز دیگر و در طی دوران انقلاب این مواضع را داشته‌اند، الآن دیگر گوش شنوایی برای حرف‌های ما وجود نخواهد داشت. تجربه ما در عمل نشان داد که نه این‌طور

## ۵۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نیست. با نشستن، گفتن، صحبت کردن، تبلیغ و رساندن پیام می‌توان به این نتیجه رسید. و ما هم نتیجه گرفتیم.

درحالی‌که ما در منزل مولوی عبدالعزیز سرگرم این مذاکرات بودیم در شهر شایع کرده بودند و خبر آوردند که سیستمی‌ها شهربانی را محاصره کرده‌اند و شهربانی مشغول پخش اسلحه است. ما به این مسئله توجه داشتیم که یکی از ارکان جنگ فرسایشی سیاسی - روانی علیه جمهوری اسلامی انتشار شایعات، بخصوص در شرایط بحرانی است؛ نظیر آنچه در زاهدان در آن روز شاهد آن بودیم.

هدف از این شایعات، آتش‌افروزی بود. کسانی از روی عمد به منزل مولوی تلفن می‌زدند و این اخبار دروغ را منتقل می‌کردند. تحریکات به قدری شدید بود و همه به قدری هیجانزده بودند که امکان داشت در همان جا هم درگیری پیش بیاید. برخورد ما این بود که با خونسردی قضایا را دقیقاً بررسی کنیم. در مقابله با این تحریکات به درخواست من مولوی عبدالعزیز یکی از مولوی‌ها را و هیئت نیز یکی از مردم عادی حاضر در جمع را مأمور کرد که برای بررسی بروند. بعد از برگشتن این دو نماینده، معلوم شد هیچ‌یک این شایعات صحت نداشته است.

به هر حال هنگام ظهر، نماز جماعت را به امامت مولوی عبدالعزیز خواندیم. گفتگوها تا ساعت ۴ بعدازظهر ادامه یافت.

سیستانی‌ها نیز بعد از آغاز درگیری درعیدگاه به حسینیه خودشان برگشته بودند. چون در شهر شایع شده بود که بلوچ‌ها ما را گروگان گرفته‌اند، از این رو، سیستمی‌ها آنجا اجتماع کرده بودند و گفته بودند ما نمی‌رویم تا هیئت را آزاد کنند، البته چنین چیزی بی‌اساس و دروغ بود، حتی آیت الله کفعمی دامادشان آقای مزارعی را فرستاده بودند که تحقیق کند که معلوم شده همه اینها بی‌اساس بوده است.

در پایان اجتماع در منزل مولوی عبد العزیز، از آنها دعوت کردم همان شب نمایندگانشان به مدرسه بیایند تا با حضور نمایندگان سیستمی‌ها مسائل بررسی شود. موقعی که می‌خواستیم از منزل مولوی خارج شویم، بعضی از حاضران اصرار داشتند استاندار را ننگه دارند. من موافقت نکردم و تأکید کردم بدون دکتر جریری از این منزل بیرون نمی‌روم.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۱۱

در حالی که ما در آن منزل به گفتگو مشغول بودیم و سیستانی‌ها در حسینیه خود اجتماع کرده بودند، تیراندازی در شهر توسط افرادی ناشناس ادامه داشت. در اثر این تیراندازی‌ها عده‌ای مجروح و تعدادی کشته شده بودند.

متأسفانه به دلیل همین درگیری‌هایی که در شهر وجود داشت، آن شب نمایندگان گروه‌ها نتوانستند طبق قرار در مدرسه جمع بشوند. بر اثر ادامه تیراندازی‌ها، دو طرف در پشت بام‌ها، در داخل حسینیه، در مساجد و در خیابان‌ها، در همه جا سنگربندی کرده بودند و به صورت کور به سوی یکدیگر تیراندازی می‌کردند. به صورت کور بدین معنی که اگر کسی را در لباس بلوچی می‌دیدند می‌زدند. اگر کسی را آنها تشخیص می‌دادند که سیستانی است می‌گرفتند و با خود می‌بردند و می‌زدند.

### بازتاب رویدادهای زاهدان از نگاه یک روزنامه‌چپ‌گرا

«توطئه خان‌ها، ریشه حوادث بلوچستان - رنجبر، ۱۳۵۸/۱۰/۲»

زاهدان - دکتر یزدی، نماینده امام برای رسیدگی به خواسته‌های مردم استان‌های مختلف کشور، به دعوت مولوی عبدالعزیز، رهبر مذهبی سیستان و بلوچستان، به این استان سفر کرد. دکتر یزدی یک روز پس از ورود به زاهدان، در گردهمایی مردم این شهر شرکت کرد. انتظامات گردهمایی را شهربانی زاهدان به عهده داشت و سپاه پاسداران در این مراسم حضور نداشت.

در گردهمایی سه نفر از مردم بلوچستان سخنرانی کردند که به ترتیب یک نفر از حزب اتحاد المسلمین و دو نماینده از دانشجویان و دانش‌آموزان بلوچ به صحبت پرداختند. سخنران ضمن درخواست آزادی نه نفر که در حوادث ۲۲ آذر ایرانشهر دستگیر شده بودند، خواستار اخراج پاسداران و استاندار شد. یک سخنران ادعا کرد که پاسداران منطقه به اتهام حمل نارنجک، زنان و دختران ما را تفتیش می‌کنند و این توهین بزرگی است به مردم ما. سپس او پاسداران را تهدید به مرگ کرد.

در ساعت ۹/۵ صبح در شرایطی که گردهمایی ادامه داشت، صف راهپیمایان - که عمدتاً سیستانی بودند - با شعار «پاسدار، استاندار مورد تأیید ماست». وارد میدان محل برگزاری گردهمایی شدند. انتظامات مرتباً از مردم می‌خواست که هیچ عکس‌عملی

## ۵۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

نشان ندهند و تأکید کرد که هر کس بلند شود از ما نیست، اما به محض نزدیک شدن صف تظاهرکنندگان، عده‌ای شروع به پرتاب سنگ به طرف راهپیمایان کردند که این کار منجر به درگیری شد و صدای تیراندازی برخاست. پیش از برگزاری گردهمایی، روی تپه‌های اطراف محل به وسیله افرادی که عمدتاً وابسته به خوانین منطقه بودند، سنگربندی شده بود. این درگیری چندین کشته و زخمی برجای گذاشت.

پس از درگیری، تعدادی از سیستانی‌ها با اجتماع در مقابل شهربانی خواستار مسلح شدن بودند و سپس با اجتماع در مسجد جامع شهر گرد آمدند و خواستار توضیحات مولوی عبدالعزیز و استاندار شدند. در این بین افرادی هم با پخش شایعاتی مبنی بر حمله بلوچ‌ها به زنان بی‌دفاع و یا حمله به خانه سیستانی‌ها مردم را تحریک کردند، ولی مردم سیستانی و بلوچ با هوشیاری آرامش را حفظ کردند.

در ساعت ۴۵:۱۱ صبح پنج‌شنبه مولوی عبدالعزیز و دکتر یزدی در پیام رادیویی خود مردم را به آرامش دعوت کردند. در ابتدا زخمی‌ها ۳۸ نفر و کشته‌شدگان دو نفر اعلام شد. بعداً رقم کشته‌ها هشت نفر گزارش شد. علم شهنوازی، یکی از زخمی‌شدگان حادثه گفت که در صف جمعیت نشسته بودم که دیدم مردم به طرفم سنگ پرتاب می‌کنند. شلوغ بود و نفهمیدم که چگونه تیراندازی شد. الهدادی، یکی دیگر از زخمی‌ها گفت که فکر می‌کنم تیراندازی از طرف کوه بود.

### زمینه‌های خارجی بحران

پس از پیروزی انقلاب، دولت در تأمین خواسته‌های به‌حق مردم منطقه تأخیر کرد و به عوض متکی شدن به مردم، عده‌ای از خان‌ها را مسلح کرد. مسلح شدن اینها نه تنها باعث تأمین امنیت منطقه نشد، بلکه خود زمینه توطئه‌چینی و آشوب بود. اینها با قدرت یافتن خود، شرایط بهتری برای سرکوب خلق بلوچ پیدا کردند. در روز انتخابات شوراهای شهر نیز طی تظاهراتی بر علیه انتخابات، یک نفر کشته و ۱۵ نفر زخمی شدند. تعدادی از خان‌های منطقه، با سلطان قابوس، نوکر امپریالیسم آمریکا رابطه دارند. آنها پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا، تظاهراتی در چابهار به راه انداختند و گروگان‌گیری را محکوم کردند. آنها در این تظاهرات، شعار خودمختاری هم دادند و سعی کردند خود را پشت خواسته‌های به‌حق خلق بلوچ مخفی کنند. در حدود دو هفته



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۱۳

پیش یک حزب سیاسی محلی به دولت یک ماه مهلت داد تا به خواسته‌های آنها رسیدگی کند، این حزب اخطار کرد: در غیر این صورت به‌طور قهرآمیز مبارزه خواهد کرد. روز ۲۲ آذر در ایرانشهر ۹ نفر در ارتباط با فراندنم و گروگان‌گیری فرماندار ایرانشهر، دستگیر شدند. این عده شامل سه دانش‌آموز، سه دانشجو، یک معلم، یک کتابدار و یک مهندس ترکمن بودند. به‌دنبال این جریان، مدارس ایرانشهر، سرباز و سراوان تعطیل شدند و در زاهدان تظاهراتی از سوی دانش‌آموزان و دانشجویان به پشتیبانی از دستگیرشدگان برپا شد. روز گردهمایی به مناسبت ورود دکتر یزدی نیز با توجه به اوضاع یادشده و طرح شعارهای مختلف از جانب دو طرف، خان‌های منطقه از فرصت استفاده کردند و با به وجود آوردن درگیری بین سیستان و بلوچ، اوضاع را آشفته کردند تا نیت پلید خود را عملی کنند.»

توضیح: در این گزارش مطالب نادرستی عنوان شده است از جمله اینکه «دولت خوانین را مسلح کرد». این ادعا به هیچ وجه درست نیست. یک اتهام کثیف است.

### مشکلات ناشی از عملکرد دادگاه انقلاب

یکی از علل تشدیدکننده بحران در زاهدان، عملکرد دادگاه انقلاب زاهدان بود. شیخ صادق خلخالی یک پاسدار به نام موسوی را به‌عنوان نماینده خود تعیین کرده بود و او افراد زیادی را به بهانه‌های مختلف بازداشت کرده بود؛ به‌طوری که در زندان شهربانی زاهدان ۳۰۰ تا ۴۰۰ تن زندانی بودند. با دادستان دادگاه انقلاب زاهدان به نام کشفی صحبت کردم. او در حالی که می‌گفت بسیاری از این زندانیان بی‌گناه هستند، اما حاضر نبود، شاید هم جرئت نمی‌کرد، آنها را آزاد کند. در تهران با مرحوم آیت‌الله قدوسی در باره این زندانیان صحبت کردم و او را راضی کردم دستوراتی در مورد رسیدگی به وضع آنها و آزادی آنها بدهد، اما پیگیری نکردم که آیا انجام شد یا نه.

خبرگزاری پارس - ۵ دی‌ماه ۱۳۵۸

زاهدان - دکتر یزدی در یک گفتگو با خبرگزاری پارس گفت: سپاه پاسداران از شهر خاش خارج شده‌اند؛ چون در حال حاضر امنیت در این شهر برقرار است و ماندن سپاه پاسداران موردی ندارد.

## ۵۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

در این گفتگو دکتر یزدی در باره علت حوادث اخیر استان سیستان و بلوچستان ضمن اظهار این مطلب که بهتر است شخصیت‌های محلی توضیحات لازم را بدهند، افزود: بعضی اطلاعاتی که ما داریم نشان می‌دهد که برخی از افراد غیر ایرانی در این ماجرا دست داشتند.

دکتر یزدی گفت: اطلاعاتی در مورد این افراد وجود دارد و اظهار امیدواری کرد که این اطلاعات در اختیار مردم قرار گیرد تا مردم پی ببرند چه کسانی فتنه‌انگیزی و آتش‌افروزی می‌کنند.

### گردهمایی و گفتگوی معتمدین استان و انتشار اولین قطعنامه

با مذاکرات بسیار فشرده‌ای که انجام شد بالاخره موفق شدیم معتمدین و نمایندگان دو طرف را صبح روز جمعه برای مذاکره در مدرسه جمع کنیم. در انتخاب و دعوت معتمدین، در هیئت بحث و مشورت شد و توافق کردیم که یک فرد یا گروه را نماینده شهر یا نماینده بلوچ‌ها یا سیستانی‌ها بپذیریم. مذاکرات و قول و قرارها نباید با یک فرد بخصوص و یا یک گروه بخصوص باشد. متأسفانه چون در انتخابات شوراهای شهر، همه گروه‌ها شرکت نداشتند و این مسئله باعث اختلاف بین شیعیان و سنی‌ها یا سیستانی‌ها و بلوچ‌ها و یا بلوچ‌ها و فارس‌ها<sup>۱</sup> شده بود و انتخابات به اشکال برخورد کرده بود. فارس‌ها (سیستانی‌ها) معتقد بودند ۶۰ درصد جمعیت شهر، فارس یا همان سیستانی هستند و ۴۰ درصد بلوچ. بلوچ‌ها برعکس این مسئله را معتقد بودند. البته شاید چیزی بین این آمار مثل ۷۰ و ۳۰ و یا برعکس باشد، ولی در هر حال در موقع انتخابات شورای شهر نتوانستنه بودند با هم توافق کنند و به همین دلیل شورای شهری تشکیل نشده بود. این هم یکی از مشکلات بود و ما چون نمی‌خواستیم با یک گروه برخورد داشته باشیم، فکر کردیم بهتر است معتمدین و ریش‌سفیدان شهر اعم از فرهنگی، بازاری، پیشه‌ور و روحانی را که مدارگذار هستند جمع کنیم تا با یک چنین گروهی مطالب و مشکلات مطرح شود. آن روز مذاکرات تا ساعت ۳ بعدازظهر ادامه

---

۱. در زاهدان غیر از سیستانی‌ها، یزدی‌ها، کرمانی‌ها و گروه‌های دیگری از فارسی‌زبانان هم هستند که خود را در اداره و سرنوشت شهر سهیم می‌دانند.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۱۵

داشت و بالاخره به توافقی دست پیدا کردیم و اولین قطعنامه در شش ماده صادر شد. این قطعنامه همراه با پیام‌هایی از آیت‌الله کفعمی و مولوی عبدالعزیز، هر یک به نمایندگی از جانب روحانیان شیعه و مولوی‌های اهل سنت بلافاصله از رادیو و تلویزیون پخش شد و مردم را دعوت کردند که سنگرها را رها کنند و به درگیری‌ها پایان دهند. با تصویب جمع حاضر در مدرسه، ساعت ۳ بعدازظهر نیروهای ژاندارمری و شهربانی وارد شهر شدند تا هر کسی را که در شهر مسلح می‌دیدند دستگیر کنند. بعد از ساعت ۳:۳۰ تا ۴ بعدازظهر، طبق برنامه این نیروها وارد شهر شدند و به مانور در داخل شهر پرداختند، اما ما ابتکار دیگری نیز انجام دادیم که در کاهش تشنج‌ها فوق‌العاده مؤثر بود و آن این بود که یک تن از مولوی‌ها و یکی از روحانیان سیستانی داخل یک جیب روباز، همراه با فرماندهان لشکر، ژاندارمری، شهربانی، سپاه پاسداران، نماینده استاندار و یک نماینده از طرف هیئت ما با بلندگو در شهر حرکت کردند، و تصمیمات هیئت و معتمدین را به اطلاع عموم می‌رساندند. درحالی‌که نیروهای انتظامی به حالت مانور حرکت می‌کردند، آنها هم با بلندگو از مردم درخواست می‌کردند که دست از برادرکشی بردارند و به خانه‌های خود برگردند. با این اقدامات روز جمعه ساعت ۵:۳۰ تا ۶ عصر شهر آرام شد.

بعدازظهر همان روز، هیئت از زخمی‌هایی که در بیمارستان‌ها بستری بودند، عیادت کرد و به جمع‌آوری اطلاعات اولیه پرداخت که تیراندازی از کجا و چگونه بوده است. در ساعت ۷ بعدازظهر از خود شهر و حسینیه سیستانی‌ها دیدار کردیم که آرام شده بود. روی هم رفته شب جمعه کلیه جنجال‌ها فرو نشست، اما از صبح روز شنبه، دوباره تیراندازی‌ها از سر گرفته شد. البته بعدها ما فهمیدیم ماجرا چه بوده است. کسانی که با شهر زاهدان آشنا هستند، می‌دانند کل طول و عرض شهر را با ماشین می‌توان در ده دقیقه طی کرد. بر اساس گزارشاتی که از جاهای مختلف به صورت پیک‌های خبری به ما می‌رسید، از جمله گزارش‌های برادران دانشجوی مسلمان - البته برادرانی که به هیچ دسته‌ای وابستگی نداشتند - موفق شدیم بفهمیم که در تمام شهر چند وانت از نوع سیم‌رغ حرکت می‌کنند. با این گزارش متوجه شدیم یک دستگاه وانت به جلوی حسینیه سیستانی‌ها می‌آید و شروع به تیراندازی می‌کند و شتابان از آنجا می‌گذرد. با

## ۵۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

این تیراندازی، سیستانی‌هایی که مسلح در درون حسینیه بودند با شنیدن صدای رگبار شلیک به بالای بام می‌روند. همان وانت ده دقیقه بعد از جلوی خانه مولوی عبدالعزیز و به اطراف محله بلوچ‌ها می‌رود و در آنجا هم تیراندازی می‌کند. در آنجا نیز همه مردم به بام‌ها می‌روند. پس از آنکه وحشت را در شهر حاکم می‌کنند، به هر دو طرف تلفن می‌کنند و می‌گویند ببینید که سیستانی‌ها خلف وعده کرده‌اند و در بالای بام‌ها سنگر گرفته‌اند. اگر کسی را بفرستید خواهید دید سیستانی‌ها پشت بام‌ها سنگر گرفته‌اند. از آن طرف به سیستانی‌ها تلفن می‌کنند و می‌گویند شما رودست خورده‌اید و بلوچ‌ها خلف وعده کرده‌اند و روی بام‌ها سنگر گرفته‌اند؛ می‌توانید کسی را بفرستید و حقیقت را ببینید.

کاملاً مشهود بود که در شهر دست‌هایی وجود دارد که نمی‌خواهند نظم برقرار شود و می‌خواستند با این بازی دو طرف را به جان هم بیندازند؛ به‌طوری که صبح شنبه، هنگامی که ما دوباره از معتمدین درخواست کرده بودیم و همه جمع شده بودند، مرتب خبر می‌آمد که در فلان جا چقدر کشته شدند و این تحریکات همین‌طور ادامه داشت. برای جلوگیری از این تحریکات، عده‌ای پیشنهاد کردند که ارتش وارد شهر شود و کنترل اوضاع را در دست بگیرد، اما هیئت با ورود ارتش به شهر مخالف بود. علت اینکه دخالت ارتش مطرح شد این بود که نیروی انتظامی ضعیف بود. شهربانی تعداد کمی نفرات داشت و ژاندارمری هم بیشتر از ۲۰ یا ۳۰ نفر نمی‌توانست به شهربانی بدهد. شهربانی نیروی کافی نداشت تا تمام شهر را زیر پوشش امنیتی و حفاظت خود قرار بدهد، و محرکین هم که از این مشکلات خبر داشتند، دوباره تحریکات را شروع کردند؛ بنابراین، صحبت این بود که ارتش دخالت کند، ولی ما با دخالت ارتش مخالفت کردیم. ما دلایل گوناگونی داشتیم که با درگیر شدن ارتش مخالفت می‌کردیم:

یکی سوابق روانی یا به اصطلاح وضعیت روانی خود ارتش با توجه به اوضاع و احوال قبل و بعد از انقلاب بود. اگر بخواهم واضح‌تر بگویم، فرمانده لشکر استان در جلسه و در کنار مسئولان استانی، معتمدین و هیئت اعزامی حضور داشت و به زبان صریحی در آن اجتماع گفت: «ما این کار را نمی‌کنیم؛ برای اینکه باز هم گفته می‌شود

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۱۷

این ارتش، ضد خلقی است و می‌خواهد با مردم درگیر شود. در گذشته این ارتش را به غلط با مردم درگیر کردند که عوارض بسیار بدی داشت و ما الآن نمی‌توانیم دوباره زیر بار این مسئله برویم». از نظر من این فرمانده ارتشی حق داشت. من به‌عنوان فردی که همه اینها را گوش می‌کردم و در نظر می‌گرفتم، می‌دیدم این کار شدنی نیست. البته بعضی از برادران ما حتی روحانیان در آنجا سخت به او حمله کردند، اما من شخصاً به او حق می‌دادم و گفتم: باید نخست شرایط مساعد و مناسبی به وجود بیاید؛ سپس ارتش اقدام کند. آنگاه مثالی از یک تجربه همانند آوردم که در چهارده شهر ترکیه حکومت نظامی اعلام شد؛ هنوز در ترکیه درگیری‌های خیابانی وجود دارد؛ در چند شهر وقتی به سربازان ترک دستور تیراندازی به مردم داده شد، خودداری و سرپیچی کردند و استدلال آنها این بود که می‌گفتند در کشور همسایه ما ایران یک چنین اوضاعی وجود داشت و ارتش با مردم درگیر شد و پس از آنکه انقلاب پیروز شد آنها را که به طرف مردم تیراندازی کرده بودند، دستگیر و محاکمه و تیرباران کردند. در نتیجه ما هم زیر بار این دستور نمی‌رویم. وقتی که این انقلاب و رویداد کشور ما در کشور همسایه مثل ترکیه چنین تأثیری گذاشته است، لاجرم باید بپذیریم که در ارتش ما هم چنین تأثیری را داشته است. صرف‌نظر از درست و یا غلط بودن درگیری ارتش با مردم، ما نمی‌توانیم چیزی را از ارتش بخواهیم یا ارتش را در امری درگیر کنیم. این ارتش نمی‌تواند یک چنین مأموریتی را بپذیرد، مگر اینکه یک شرایط خاصی برای ارتش فراهم کنیم و امکاناتی به وجود بیاوریم که با مردم درگیر نشود؛ یا به‌صورت یک نیروی جداکننده طرفین دعوا وارد صحنه بشود؛ یا اینکه خود مردم خواسته باشند و بگویند چند اخلاک‌گر با دو سیم‌غ در شهر راه افتاده‌اند و این کارها را می‌کنند، ما احتیاج به امنیت داریم و شما این کار را بکنید.

اشکال دوم دخالت ارتش، بافت خود ارتش در منطقه است. ارتش، سازمان و نیرویی جدا و منزوی از جامعه نیست، بلکه تحت تأثیر رویدادهای اجتماعی است. در زمان شاه سابق این ارتش را بیگانه از جامعه تربیت کرده بودند؛ اگرچه در سال‌های آخر، انقلاب توانست روی ارتش اثر قاطع بگذارد که من در گذشته در باره آن صحبت کرده بودم، اما پس از انقلاب و شکستن دیوارهایی که بین ارتش و مردم بود، ارتش

## ۵۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

بیش از گذشته تحت تأثیر رویدادهای اجتماعی است. وقتی بافت ارتش را در محل بررسی کردیم، دیدیم قسمت اعظم آن بومی است. این ارتش بومی، هم بلوچ دارد و هم سیستانی؛ بنابراین، اگر بخواهیم ارتش را درگیر این مسائل بکنیم، خود ارتش یکپارچگی‌اش را از دست می‌دهد و قادر نیست با این مسائل درگیر شود.

یک مشکل دیگر با بافت ارتش در منطقه - که گزارش آن را به ستاد ارتش و وزیر دفاع هم دادیم - این بود که بعد از انقلاب، وقتی گارد سلطنتی منحل شد، نفرات آن را بین واحدهای مختلف پخش کردند و از آنجا که قسمت اعظم این گاردی‌ها بلوچ، سیستانی و زابلی بودند، همه آنها به منطقه منتقل شدند. چه در لشگر زاهدان و چه در خاش، ترکیبی از درجه‌داران و گاردی‌های سابق بودند که هنوز هیچ تزکیه فکری و ایدئولوژیکی نشده بودند تا بتوانند معیارهای گذشته را بیرون بریزند. کسانی که پانزده یا بیست سال در گارد شاهنشاهی خدمت کرده بودند، یا یک درجه‌دار یا افسر سرباز، پیش از آنکه آن فرهنگ نظامی گذشته را کنار بگذارد و تزکیه شود، با همان ذهنیت در واحدهای مختلف ارتش در تهران و شهرستان‌ها پخش شده بودند.

در ابتدای انقلاب یکی از پیشنهادات من این بود که ما اینها را منحل نکنیم و این لشکر را در لویزان حفظ کرده و خلع سلاح کنیم و یک برنامه ضربتی آموزشی برای آنها بگذاریم تا بفهمند که در مملکتشان چه می‌گذشته و چه می‌گذرد. از نظر من صحیح نبود یک نیروی بزرگ نظامی که از نظر مالی و فرهنگی، آنچنان مورد توجه حکومت قبل بود و آنچنان به آنها رسیدگی می‌شد، با همان معیار فکری وارد جامعه شوند. به نظر ما صحیح نبود، اما این کار متأسفانه انجام شد و ما الآن نتایج آن را در آنجا می‌دیدیم. کاملاً مشهود بود که این ارتش با این بافت نمی‌تواند وارد صحنه شود. به همین دلیل ما مجبور بودیم، قدم‌هایی برای توجیه این کار برداریم. همان شب بعد از اینکه هیئت امنای مردمی، این امر را تصویب کردند، ما مجبور شدیم یک نفر از مولوی‌ها و یک نفر از روحانیان شیعه را به درون پادگان بفرستیم تا افراد را توجیه کنند که قصد برادرکشی نیست و آنها باید مانع بشوند که دو طرف به سوی هم تیراندازی کنند.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۱۹

سومین اشکالی که در دخالت ارتش می‌دیدیم، خطر درگیری ارتش با مردم و گسترش این بحران بود. ما در کردستان هم با همین مشکل روبه‌رو بودیم و از همان اوایل هم بعضی از ماها مخالف این بودیم که ارتش در کردستان درگیر شود. معتقد بودیم درگیری ارتش در کردستان تأثیرات ثانوی به وجود می‌آورد. آنهایی که مخالف هستند در برابر ارتش منسجم می‌شوند و مشکلات دیگری به وجود خواهد آمد. اصولاً حضور ارتش در شهر یک هدف و یک آماج خیلی خوبی برای کسانی است که می‌خواهند آشوب برپا کنند؛ چون ما هنوز نتوانسته‌ایم شهر را کنترل کنیم. این خطر هنوز هست که وقتی به‌عنوان مثال یک تانک ارتشی وارد شهر می‌شود، ضد انقلاب نیز که می‌دانیم مسلح است به ارتش حمله کنند؛ زیرا خبرهایی هم برایمان می‌آمد که دو کامیون اسلحه و مهمات از منطقه کردستان به اینجا می‌آوردند، یا از طریق چابهار و پاکستان می‌آوردند و ما فکر می‌کردیم ممکن است اینها خدای ناکرده سلاح‌های سنگین تری نیز داشته باشند و به ارتش حمله کنند. حمله به ارتش در داخل شهر از طرف عناصری که ما عملاً می‌دیدیم آتش‌افروزی می‌کنند و عناصری مجهول‌الهویه هستند، سبب می‌شود ناآرامی، ابعاد بزرگ‌تری پیدا کند. البته بعد از اینکه در جلسه معتمدین شهر در حضور فرماندهان لشکر، فرمانده ژاندارمری، فرمانده شهربانی، پاسداران و اعضای هیئت و گروه‌های مختلف بحث‌های زیادی شد و بعد از اینکه ما با قم، با شورای انقلاب و ستاد ارتش تماس گرفتیم، قرار بر این شد که اگر معتمدین مردم و بزرگان حاضر در آن نشست، خواستار ورود ارتش به شهر و پایان دادن به درگیری باشند، و این درخواست را طی سندی تنظیم و آن را امضا کنند، ارتش وارد شهر بشود، که همین طور هم شد و صورت جلسه‌ای تنظیم شد و به امضای همه آقایان حاضر در گرد همایی رسید و از ارتش درخواست کردند با توجه به تمام مشکلاتی که برشمردیم، وارد شهر شوند و از برخی از این مشکلات پیشگیری کنند. بعد از اینکه نفرات ارتش در داخل پادگان توجیه شدند و توضیحاتی به ایشان داده شد و مردم شهر اطلاعیه‌ها را شنیدند، حدود ساعت ۶ بعدازظهر ارتش وارد شهر شد و خوشبختانه توانست شعله‌های این تشنج را خاموش کند. بعد از اینکه ارتش وارد شهر شد، می‌توانم بگویم تقریباً تیراندازی‌هایی که مدت سه روز در شهر ادامه داشت، پایان

## ۵۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

پذیرفت؛ البته جنگ اعصاب همچنان ادامه داشت. مخصوصاً با توجه به اینکه پانزدهم ماه، یعنی مهلت سی روزه قطعنامه مولوی‌ها و خان‌ها، به دولت پایان می‌یافت، همه منتظر بودند که در آن روز حادثی در شهر رخ بدهد. اطلاعاتی به ما می‌رسید که خان‌ها در یک محل در نزدیکی زاهدان با ۳۰۰ نفر اجتماع کرده‌اند و آنجا قطعنامه‌ای صادر کرده‌اند. البته ما تحقیق کردیم و دیدیم که خبر درست است و آنها اجتماع کرده بودند و چندین هزار مسلح دارند و می‌خواهند اولتیماتوم بدهند و به شهر حمله کنند. با تحقیقات بعدی روشن شد که اجتماعی کرده بودند، ولی اولتیماتومی در کار نبود. با توجه به روابطی که بین برخی از مولوی‌ها و خان‌ها وجود داشت، استنباط ما این بود که چون حالا ما وارد مذاکره شده‌ایم و بحث می‌کنیم، احتمالاً آنها منتظرند ببینند نتیجه مذاکرات در شهر چه خواهد شد.

اولین مسئله‌ای که در برابر هیئت اعزامی قرار داشت این بود که آرامشی در شهر به وجود بیاوریم تا بتوانیم به مسائل اصلی خود پردازیم؛ همان مسائلی که به خاطر آن به منطقه آمده بودیم. با ورود ارتش به شهر و همکاری مردم شهر که به گروه‌های مختلف با بلندگو توضیح می‌دادند، تدریجاً شهر آرام شد و ما موفق شدیم مذاکرات خود را در سطوح مختلف ادامه دهیم.

### بازتاب توافقاتی‌های زاهدان

زاهدان - خبرگزاری پارس: به دنبال جلسه‌ای که با حضور دکتر ابراهیم یزدی، نماینده امام خمینی، حضرت آیت‌الله [کفعمی]، حضرت مولوی عبدالعزیز و نمایندگان جامعه سیستانی و بلوچ در زاهدان تشکیل شد و تصمیمات این جلسه به صورت یک قطعنامه به اطلاع همگان رسید، از ساعت سه بعدازظهر روز جمعه آرامش کامل در شهر زاهدان حکمفرماست و مواضع حساس شهر به وسیله پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای انتظامی مراقبت می‌شوند. به گزارش رسیده، روز جمعه دکتر یزدی به اتفاق سایر اعضای هیئت امام خمینی از صبح دیروز مجدداً مذاکره و تبادل نظر با نمایندگان گروه‌های مختلف سیستانی و بلوچ را آغاز کرده‌اند (روزنامه صبح آزادگان، ۱۳۵۸/۱۰/۲).



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۲۱

قبل از اینکه به مسائل اصلی بپردازیم، دو مطلب دیگر در برابر ما قرار داشت: یکی مسئله دفن اجساد کشته‌شدگان بود. جمعاً ۱۳ تن در طی آن سه روز کشته شدند و ۶۵ تن زخمی و معلول گردیدند. در همین جا باید بگویم بر خلاف آن چیزی که در رادیوهای خارج منعکس شد و همان شب به وسیله بی بی سی گفته شد که هشت تن کشته شده‌اند و پاسداران و نیروهای دولتی به مردم حمله کرده‌اند؛ و رادیو صدای آمریکا نیز گفت ۸۰ تن کشته شده‌اند، روشن شد که هیچ‌یک از این خبرها درست نبوده است. معلوم بود که همراه با رانندگان سیمرخ در داخل شهر، خبرنگاران برخی از رادیوهای خارجی مثل بی بی سی و صدای آمریکا نیز دست به تحریکات و جنجال و جنگ اعصاب در شهر می‌زنند و با بیان این مسائل می‌خواهند دوباره آشوب به پا کنند. متأسفانه در رادیو و تلویزیون تهران گفته شد درگیری زمانی آغاز شده که دکتر یزدی سخنرانی می‌کرده و مطالبی گفته که اینها تحریک شده‌اند و به جان هم افتاده‌اند و تیراندازی شده است؛ در صورتی که چنین چیزی غلط بود و ما اصلاً وارد عیدگاه نشدیم. اگر وارد عیدگاه شده بودیم، آنها توطئه خودشان را انجام می‌دادند. چون بعد از اینکه اوضاع آرام شد و ما موقعیت جغرافیایی را بررسی کردیم، دیدیم سابقه نداشت که در چنین محلی گردهمایی باشد. بیشتر فقط در طی سال در دو مناسبت نماز عید فطر و عید قربان در اینجا جمع می‌شده‌اند و خود محل نیز ظرفیت چنین تجمعی را ندارد. از تپه‌های اطراف و تیربارها و سنگ‌هایی که در آنجا قرار گرفته شده بود، دقیقاً معلوم بود که کسانی از قبل، زمینه‌چینی‌هایی برای درگیری کرده بودند. البته من شخصاً معتقد نیستم به اینکه مولوی عبدالعزیز که ما را دعوت کرده بود تا به آنجا ببرد، خود او هم از یک چنین توطئه‌ای مطلع بوده است، بلکه پیشنهاد اینکه جلسات در آنجا تشکیل شود و مسائل در آنجا مطرح گردند، از قبل زمینه‌چینی شده بود. خوشبختانه این توطئه خنثی شد. با توجهاتی که ما پیدا کرده بودیم و اینکه بالاخره عبدالعزیز برای بردن ما آمد و زمانی هم که تیراندازی شروع شد با ما بود و امکان جدا شدن از ما را نداشت و همراه بودن او با ما در یک ماشین، مانع از این شد که ماشین را به رگبار ببندند. ما اصلاً وارد عیدگاه نشدیم و صحبتی نکردیم تا صحبت‌های ما سبب شروع درگیری شود.

## ۵۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بعد از اینکه اوضاع کمی آرام شد، مشکل بعدی بلافاصله دفن این اجساد بودند که باز تولید اشکال می‌کرد؛ بدین معنی که مردم می‌خواستند تظاهرات عظیمی راه بیندازند و ما مجبور شدیم که روی این مسئله کار کنیم تا به خاطر این موضوع که عده‌ای کشته شده‌اند، عده‌ی دیگری کشته نشوند. تصمیم هیئت اعزامی این بود که هر خانواده‌ای بی‌سر و صدا، شهید خود را دفن کند، ولی وقتی به قبرستان رفتند، متوجه شدند که آنجا به وسیله عده‌ای تفنگدار محاصره شده است و احتمال درگیری وجود دارد. مقداری از وقت ما گرفته شد تا بتوانیم این مسئله را حل کنیم و قضیه را بی‌سر و صدا فیصله دهیم.

مسئله دیگری که نزدیک بود موجب درگیری شود، مسئله گروگان‌ها بود و طرفین از یکدیگر گروگان‌های زیادی گرفته بودند. سیستمی‌ها هر کس از بلوچ‌ها را در خیابان دیده بودند، گرفته بودند و بلوچ‌ها هم هر چه از سیستمی‌ها دیده بودند به گروگان گرفته بودند. بعضی‌ها را در شهر نگاه داشته بودند و بعضی‌ها را هم به کوهستان فرستاده بودند. خود این مسئله نشان می‌داد که طرفین آمادگی قبلی داشته‌اند. اینکه بلوچ‌ها و سیستمی‌ها مسلح شده بودند و بلوچ‌ها توانسته بودند محل‌هایی را در خارج از شهر تدارک ببینند و سیستمی‌ها خانه‌های امنی در داخل شهر فراهم کنند که گروگان‌ها را بتوانند به آنجا منتقل کنند، نشانه تدارکات قبلی بود و آن چیزی بود که ما می‌گفتیم در آستانه یک انفجار است و ورود ما مانند نیشتری این انفجار را باز می‌کند. استنباط و جمع‌بندی هیئت این بود که در بین گروگان‌ها افراد ناشناس کمتر بودند، چون طرفین روی بعضی‌ها خیلی اصرار داشتند و این اصرار نشان می‌داد که به هر حال مطالبی وجود دارد. چون هر گروهی می‌خواست که اول گروه مقابل گروگان‌هایش را آزاد کند. باز هم در همان جلسه معتمدین، پیشنهاد کردیم هر گروهی گروگان‌ها را به مدرسه بیاورد و در آنجا آنها را به هیئت تحویل دهد. پیشنهاد ما تصویب شد و گروگان‌ها را به مدرسه آوردند و تحویل دادند و آنها را آزاد کردیم. اما این اقدام کمی طول کشید.

عده‌ای را که بلوچ‌ها به کوهستان برده بودند، مدتی طول کشید تا به مدرسه بیاورند و به ما تحویل بدهند. سیستمی‌ها هم که گروگان‌های خود را به جاهای مختلفی برده

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۲۳

بودند، آنها را به ما تحویل دادند، ولی ما فوری آنها را آزاد نکردیم. بلکه افراد مورد اعتمادی را مأمور کردیم که از آنها بازجویی مقدماتی به عمل بیاورند و اگر تشخیص دادند طرف باید رها شود، او را آزاد کنند. چون این احتمال وجود داشت که همه آنها آدم‌های بی‌گناهی نباشند، بلکه ممکن بود در بین آنها عناصر آتش‌افروز معرکه وجود داشته باشند. این اقدامات موفقیت‌آمیز بود.

روزهای جمعه و شنبه که اوج آشوب و تیراندازی بود، به ما اطلاع دادند عده‌ای وارد شهر شده‌اند و در هتل‌ها اقامت کرده‌اند. ما از بعضی از دانشجویانی که آنجا بودند خواهش کردیم تا هتل‌ها را زیر نظر بگیرند و چند نفری را با دستور دادستانی توقیف کردیم. از این طرف هم سیستانی‌ها چند نفر افغانی را دستگیر کرده بودند که در بازجویی از آنها ما دو خط را پیدا کردیم. یکی یک افغانی بود که ماشینش دزدی بود و آن را از یک شرکت یونانی که در آن کار می‌کرد سرقت کرده بود. دیگر اینکه در کیفش که هنگام تیراندازی از او گرفته بودند، اوراق هویت به اسامی گوناگون از خودش دیده شد که در هر جا خود را به اسامی مختلف معرفی کرده بود. قبل از اینکه ما به این مسائل برسیم، در بازجویی‌های اولیه که از او شده بود، او خودش را به‌عنوان مقنی معرفی کرده بود و یکی از اهالی شهر تضمین داده بود که هر وقت او را خواستیم بیاورد؛ در نتیجه او را رها کرده بودند. بعد از اینکه هیئت ویژه، اوراق او را بررسی کرد ما قبول نکردیم که او را آزاد کنیم. کسی را به دنبال او فرستادیم و وقتی او را آوردند بازپرسان دادگاه انقلاب از او بازجویی کردند و معلوم شد او در این جریان دست داشته است و با بعضی از خان‌ها در ارتباط بوده است. اسنادی در کیف او پیدا شد و خود او اقرار کرد که مرتب به افغانستان می‌رود و می‌آید و گفت که از کجا اسلحه خریده و با چه کسانی در ارتباط است. یکی از اقرارهای او این بود که یک جوان ۲۶ - ۲۷ ساله، شوهر مادر یکی از خان‌هاست. گزارش کار این افغانی در هیئت مطرح شد؛ البته او را آزاد نکردند. از بین کسانی که به شهر آمده بودند، یکی را دستگیر کردند که یک گُرد مریوانی بود. او هم بعد از اینکه شهر آرام شد، می‌خواست از شهر بیرون برود که هواپیما آن روز حرکت نکرد و او مجدداً به هتلش برگشت. در یک بازجویی مقدماتی حدود دو میلیون تومان پول نقد به‌صورت اسکناس و یک میلیون و ششصد

## ۵۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

هزار تومان به صورت چک و با مبلغ سیصد - چهار صد هزار تومان به امضای یکی از خان‌های محلی از کیف او به دست آمد. در حال حاضر چون تحقیقات ادامه دارد صلاح نیست که از آنها نام برده شود، اما امضای یکی از خان‌ها زیر چک بود. البته این بازجویی مقدماتی بود و بعد هم من به تهران برگشتم و هنوز فرصت نکرده‌ام نتیجه نهایی بازجویی را بپرسم، ولی تا آنجا که روز آخر به ما گزارش دادند، این کرد مریوانی جواب‌های ضد و نقیض می‌داده است. مثلاً یک بار گفت: من چون شنیده بودم اینجا مرکز قاچاق است می‌خواستم اجناس قاچاق را خریده و به کردستان ببرم که این جواب قانع کننده نبود؛ چون در یک چنین زد و خوردی کسی با این مبلغ وارد شهر نمی‌شود. در بازجویی دیگر گفته بود من مقداری دینار عربستان سعودی برای فروش به خان‌ها آورده بودم و این خان‌ها می‌خواهند اینها را به دبی ببرند. بعد جواب داده بود که من دینار عراقی می‌خرم و برای فروش به اینجا می‌آورم. البته این جواب‌ها هیچ‌کدام برای هیئت ویژه قابل قبول نبود و قرار بود با نگهداشتن این کُرد، پیگیری کنند و ببینند چگونه در این شرایط این افراد به آنجا آمده‌اند. بعضی از افرادی هم از «سازمان پیکار برای آزادی طبقه کارگر» در آنجا شناسایی شده بودند که من هنوز نمی‌دانم کدام یک از اینها کارگرند و کدام طبقه کارگر را می‌خواهند آزاد کنند و چرا هر وقت سر و کله اینها در جایی پیدا می‌شود آشوب برپا می‌شود. در هر حال بعضی از عناصر وابسته به این گروه هم در میان دستگیرشدگان بودند.

پس از حل این مسائل، مسئله گروگان‌ها نیز حل شد و شهر آرام گشت و اجساد دفن شدند.

مشکل دیگری داشتیم چون وضع زخمی‌ها بسیار وخیم بود با مرکز تماس گرفتیم و آنها از طرف ارتش هواپیما فرستادند و در دو نوبت یک بار پنج تن و بار دیگر سه یا چهار تن را به تهران منتقل کردند تا عملیات درمانی و جراحی روی آنها صورت بگیرد.

### گفتگو در باره مطالبات

پس از آرام کردن شهر و فروخواباندن درگیری‌ها، تازه ما به کار اصلی خود پرداختیم که از اول برای آن به زاهدان رفته بودیم. در اینجا ما قضایا را تفکیک کردیم. در آن

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۲۵

لیست ده‌گانه‌ای که من به اختصار به آنها اشاره کردم، بعضی از مسائل بود که به برادران اهل تسنن مربوط می‌شد بخصوص اعتراضات آنها به قانون اساسی و اصل دوازدهم و صد و پانزده و مانند آن. اینها را ما به کلی جدا کردیم و گفتیم اینها مسائلی است که باید خود شما بنشینید و صحبت کنید، ولی بقیه مسائل مانند اینکه می‌گویید پاسدار را نمی‌خواهیم یا استاندار را نمی‌خواهیم، این چیزی نیست که ما بتوانیم حرف یک گروه را گوش بدهیم، بلکه باید همه گروه‌ها نظر بدهند. چنین بود که ما ترکیب معتمدین شهر را گسترش دادیم و بر تعداد آنها افزودیم. برای این کار، با گروه‌های مختلف تماس گرفتیم و از هر یک از گروه‌ها مانند فرهنگیان، پیشه‌وران، دانشگاهیان و تمام طبقات دیگر خواستیم هر یک لیست بدهند. پیشنهادات جمع شد و لیستی درست شد که همه پذیرفتند اینها به‌طور نسبی معتمدین شهر هستند. به این ترتیب ما در ترکیب این جمع دخالتی نکردیم. پس از توافق بر سر اشخاص، از آنها خواستیم دور هم بنشینید و ببینید چگونه باید این مسائل را حل کنید. آنها هم خودشان نشستند و در مورد این مسائل با هم توافق‌هایی کردند.

شدت درگیری‌ها و بالا بودن خسارات و تلفات، زمینه‌ای شد تا مردم و گروه‌های معتمد محلی پی ببرند که اگر حواسشان جمع نباشد، این سیستانی‌ها و بلوچ‌ها که سال‌ها با هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته‌اند و حتی با هم ازدواج کرده‌اند و به هم دختر داده‌اند و دختر گرفته‌اند، حالا عناصر بیگانه‌ای که نه سیستانی هستند و نه بلوچ، وارد منطقه شده و دارند آنها را به جان هم می‌اندازد. به‌عنوان نمونه همان روز شنبه که ما داشتیم صحبت می‌کردیم و طرفین خیلی سخت به هم پرخاش می‌کردند و همدیگر را متهم می‌کردند به اینکه تو نقض کرده‌ای و دیگری می‌گفت نه تو نقض کرده‌ای، خبر آوردند خواهرزاده یکی از همان معتمدین شهر که یک خانم باردار هفده - هجده ساله بوده در اثر تیراندازی در خیابان کشته شده است. خود این خبر، همه را متقلب کرد و همان جا عده‌ای فکر کردند که اگر با هم به توافق‌هایی نرسند و این ادامه پیدا کند، تنها کسانی که ضرر می‌کنند، خودشان هستند؛ بنابراین، وقتی جمع شدند و مشغول بررسی مسائل و مشکلات خود شدند، چون مایل بودیم تا آنجا که ممکن است مستقیماً دخالت نکنیم، بلکه سعی کنیم اطراف کار را بگیریم تا آنها خودشان بنشینند و گفتگو

## ۵۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

کنند و قضایا را حل کنند، از این فرصت استفاده کردیم و به خاش سفر کردیم که گزارش آن را جداگانه می‌دهم.

پس از آنکه از سفر خاش برگشتیم، این هیئت گزارش داد به شدت کار کرده‌اند؛ حتی یک شب تا دو ساعت بعد از نیمه شب همه نشسته و صحبت کرده و قطعنامه‌ای را تصویب کرده‌اند. این قطعنامه چهارده ماده داشت. ماده اول آن راجع به پاسداران بود و هر دو طرف قبول کرده بودند که پاسداران باید در منطقه بمانند، ولی مدیریت آن باید بهبود یابد. در مورد پاسداران و جهاد سازندگی و استاندار، به‌طور خصوصی با آیت‌الله کفعمی صحبت کردم که وقتی بلوچ‌ها در مذاکرات بر سر خروج پاسداران از منطقه اصرار می‌کنند، شما هم به‌عنوان یک طرف قضیه در ماندن آنها پافشاری کنید تا ما بتوانیم به یک نتیجه مطلوب برسیم.

متن قطعنامه را هر دو طرف خیلی خوب تنظیم کرده بودند.

اول در باره پاسداران و تأمین امنیت منطقه تصویب کرده بودند که مدیریت سپاه پاسداران باید بهبود یابد و استخدام پاسداران بومی و غیربومی باید با ضوابط اسلامی و با مشورت روحانیان شیعه و سنی انجام شود.

به نظر من، این واقع‌بینانه‌ترین فرمولی بود که خود آنها توانسته بودند پیدا کنند و با هم به توافق برسند.

در ماده دوم در باره خودمختاری یا خودگردانی، نوشته بودند: خودمختاری (خودگرانی) و هر شکلی که به سایر استان‌ها داده می‌شود و تصویب می‌شود آن شکل در مورد استان ما هم مورد قبول است. این ماده هم به نظر من بسیار منطقی بود. هر چه را که قانون اساسی و مجلس برای همه استان‌ها تصویب کنند، واضح است که باید به آن استان هم داده شود و داده خواهد شد.

ماده سوم در باره تعویض استاندار بود. همان‌طور که گفتیم اختلاف شدیدی بین سیستمی‌ها و بلوچ‌ها وجود داشت، ولی خوشبختانه خودشان توانسته بودند به جمع‌بندی واحدی برسند. بلوچ‌ها معتقد بودند استاندار را باید خود استان انتخاب کنند. سیستمی‌ها اما با این نظر مخالف بودند. ما هم به‌عنوان نماینده دولت و حکومت مرکزی، با تعیین استاندار از سوی یک قوم و گروه بیرون از دولت، مخالف بودیم و معتقد بودیم هرچند یک وجه مسائل استان به مردم خود منطقه مربوط می‌شود، ولی

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۲۷

مسائلی که در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد، مربوط به کل مملکت نیز هست. سرنوشت استان‌ها همان‌قدر که برای مردم منطقه مهم و حیاتی است، برای کلیه مملکت نیز مهم است؛ بنابراین، همان‌طور که سیستانی‌ها و بلوچ‌ها حق دارند نسبت به سرنوشت آذربایجان نظر بدهند و دخالت کنند، مردم آذربایجان و سایر استان‌ها هم حق دارند نسبت به مسائل این استان نظر بدهند؛ یعنی این حق دولت است که به‌عنوان نماینده ملت در کل کشور، استانداران هر استان را بر پایه معیارهای مدیریتی و کارآمدی مورد نظر خود تعیین کند. دولت به‌طور طبیعی در تعیین استانداران، شرایط فرهنگی، اجتماعی، نیازها و اولویت‌های هر استان را در نظر خواهد گرفت. چون دولت مرکزی قانوناً برگزیده کل مردم و مشروع و مقبول است، تعیین مدیران استانی نیز از اختیارات او خواهد بود. در نهایت معتمدین در باره این ماده بدین صورت توافق کردند که تعیین استاندار با صلاح‌دید مردم محل انجام شود. این توافق نهایی برای ما هم قابل قبول بود. البته در ادامه همان ماده، افزودند که دو نفر از معاونان استاندار هم باید بومی باشند: یکی سیستانی و یکی بلوچ. این پیشنهاد هم به نظر ما منطقی بود.

ماده چهارم قطعنامه در باره رسیدگی به کار مسببان فاجعه در روز پنجشنبه در عیدگاه بود که ما هم بر این کار پافشاری می‌کردیم. ما به خود آنها پیشنهاد کردیم یک هیئت انتخاب و رسیدگی کنند. یکی از گروه‌ها مستقیماً به ما گفت شما لطفاً زیاد روی این مسئله پافشاری نکنید؛ چون بیخ پیدا می‌کند و ما هم به‌عنوان نیرویی که از خارج آمده، گفتیم اگر خودتان می‌خواهید هیئتی را تعیین کنید که رسیدگی کند؛ ضمن آنکه ما هم خودمان پیگیری‌هایمان را می‌کنیم و می‌دانیم که به کجا ختم می‌شود.

قطعنامه‌ای که به ما داده بودند دو یا سه امضا بیشتر نداشت، ولی بر اساس آن خط مشیی که ما داشتیم، خواستیم همه معتمدان آن را امضا کنند که چنین هم شد.

اما در باره دوازدهم قانون اساسی که برادران حنفی‌مذهب ما به آن ایراد داشتند، ما هم جلسات جداگانه و متعددی، با بعضی از مولوی‌ها داشتیم، هم یک جلسه جداگانه و خصوصی با مولوی عبدالعزیز و مولوی مصلح‌الدین داشتیم و صحبت‌های مفصلی کردیم. مطرح شد که شما می‌گویید حقی از اهل سنت در قانون اساسی زایل شده است. شما از یک طرف می‌گویید باید حق حاکمیت ملی باشد، اگر حق حاکمیت ملی

## ۵۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

را ما مأخذ قرار دهیم، اکثریت این مردم شیعه هستند و حق دارند هر چه را که می‌خواهند تصویب کنند. این شیعه و سنی را هم این دولت و جمهوری به وجود نیاورده است. چهارده قرن بوده و هست. حالا این دولت نمی‌تواند بیاید و بگوید که آقایان شیعیان شما از تمام ادعاهای هزار و چهارصد ساله خود بگذرید و آقایان سنی‌ها شما هم از تمام ادعاهای هزار و چهارصد ساله خود بگذرید. چنین چیزی واقع‌بینانه نیست. این وظیفه ما نیست که این کار را بکنیم، اما شما که به حق حاکمیت ملی معتقد هستید و اکثریت هم این را تصویب کرده است، باید این را به‌عنوان رأی اکثریت بپذیرید. باید بپذیرید که این قانون اساسی و این انقلاب، بزرگ‌ترین آزادی‌هایی را که تا به حال نمی‌توانستید آن را تصور کنید، به شما داده است. برای آنها مثال‌های متعدد زدیم. گفتیم در طی این هشتاد سالی که از مشروطیت می‌گذرد، چه موقع یک مولوی می‌توانست انتخاب شود و به مجلس برود. برای اولین بار است که نه تنها در بلوچستان، در تمام ایران و در استان سیستان و بلوچستان، انتخابات آزاد بوده است. خود شما هم قبول دارید که انتخابات آزاد بوده است و شما دو نفر هم بلوچ یا بلوچ سیستانی و محلی انتخاب شدید. این آزادی را شما از کجا کسب کرده‌اید؟ این را انقلاب به شما هدیه کرده و به وجود آورده است؛ بنابراین، نمی‌توانید بگویید این انقلاب تمام آزادی‌های شما را گرفته است. این ناحقی و بی‌انصافی است. در هر حال به ما بگویید به‌طور مشخص و دقیق چه حقی از شما زایل شده است!

### گفتگوی خصوصی با مولوی عبدالعزیز و مصلح‌الدین

یک روز مولوی عبدالعزیز و مولوی مصلح‌الدین را برای گفتگوی خصوصی به صرف صبحانه در مدرسه دعوت کردم. در این دیدار به آنها گفتم شما نیازی به خان‌ها ندارید. شما بین مردم نفوذ دارید؛ چرا باید از خان‌ها حمایت کنید؟ شما هم از روحانیان شیعه یاد بگیرید. سپس در باره اصلاح قانون اساسی نظر دقیقشان را پرسیدم. بعد از گفتگوهای فراوان بالاخره گفتند: در مورد اصل دوازده، اگرچه آمده است که اهل سنت و مذاهب دیگر در احوالات شخصیه آزادی دارند، اما این آزادی باید در حدود و تعزیرات هم پذیرفته شود و این رسمیت در قوانین جزایی نیز به ما (اهل سنت) داده



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۲۹

شود. از آنها خواستم آنچه را که می‌خواهند بنویسند. مبهم و دو پهلو صحبت نکنند. آنها هم متنی را نوشتند و هر دو امضا کردند و آن را به ما تحویل دادند. موضوع را در هیئت اعزامی بررسی کردیم، دیدیم پیشنهادشان منطقی و قابل قبول است. بلافاصله از زاهدان به تهران آمدم و به قم رفتم و ضمن گزارش مأموریت به امام خمینی، متن را به ایشان ارائه دادم. ایشان خواندند و گفتند همین؟ گفتم بله، همین. ولی اگر ما ننشینیم و با مردم صحبت نکنیم و یا بی‌اعتنایی کنیم، درگیری می‌شود و دشمنان موش خود را رها می‌کنند؛ عده‌ای کشته می‌شوند و اصل موضوع منتفی می‌شود و مسائل دیگری پیش خواهد آمد. ایشان ذیل همان درخواست، موافقت خود را نوشتند تا در بازنگری در قانون اساسی لحاظ شود. روز بعد به زاهدان برگشتم و رونوشتی از موافقت امام را با درخواست آنان به آنها دادم. در شورای انقلاب هم که بحث کردیم آنها هم این پیشنهاد را قابل قبول دانستند. قرار شد این متن به مراجع قانونی و همان کسانی که مسئول تهیه متمم قانون اساسی هستند، ارائه شود تا اقدام کنند. این ماحصل کار ما در زاهدان بود.

### گزارش سپاه پاسداران از سخنرانی دکتر یزدی و آشوب چپ‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

انَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

به درستی که حيله‌گری‌های شیطان و شیطان‌صفتان ضعیف و سست و پوشالی است. از آنجایی که برای مطرح نمودن مشکلات استان بنا به دعوت حضرت مولوی عبدالعزیز ساعت ۹ بامداد صبح پنجشنبه ۱۳۵۸/۹/۲۹ اقبال و طبقات مختلف مردم به سوی عیدگاه می‌رفتند، از همان اوایل صبح، گروه خاصی که بین آنها بعضی از چپ‌نماهای منطقه با لباس‌های بلوچی و بعضی کردی شعارهایی در جهت تحریک مردم در رابطه با اخراج استاندار و پاسداران و مسئله خودمختاری می‌دادند، به سوی عیدگاه شتافته و در آنجا به تحریک مردم بلوچ پرداختند که در حین تحریکات آنها برادران و خوهران سیستانی به عیدگاه رسیدند که از طرف همان گروه مذکور به طرف سیستانی‌ها سنگ پرتاب کردند و عکس امام را پاره کردند و تیراندازی به سوی مردم

## ۵۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

شروع شد؛ از پشت سنگرهای قبلا آماده شده در کوه عیدگاه که بیانگر طرح و نقشه قبلی جهت جلوگیری از سخنرانی دکتر یزدی، نماینده امام، بود و همچنین به آشوب کشاندن منطقه با مرگ بر عمال امپریالیسم که در قالب شعارهایی خلقی کشتار به راه انداخته و علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه می‌نمایند. ناگفته نماند که در این واقعه دو نفر شهید و چند نفر زخمی گردیدند. لذاست که ما از مردم مسلمان و متعهد شهر مصرانه خواستاریم:

- ۱- با کمال هوشیاری در جهت شناسایی عوامل به وجودآورنده حادثه اقدام نمایند.
- ۲- با تمام جدیت سعی در حفظ نظم و آرامش شهر نموده تا این عناصر معلوم الحال و سرسپردگان امپریالیسم و رژیم سابق نتوانند چهره مردمی به این عمل ناجوانمردانه شان بدهند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زاهدان [پیوست ۵]

### نامه مصطفی میرسلیم، سرپرست وقت وزارت کشور به دکتر یزدی درباره تصمیمات استانی

نخست‌وزیری  
تاریخ: ۱۳۵۸/۱۰/۱۸  
[نامه، مهر محرمانه دارد]. شماره: ۷۳۱۳ ر م

جناب آقای دکتر یزدی  
عطف به گزارش شماره ۱۷۰۱/۲۹/۱۵/۲۳۵ مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۶ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در خصوص توافقنامه زاهدان، نظر آن جناب را به توضیحات زیر جلب می‌نماید:

در مورد بند ۲ توافقنامه که اشاره گردیده است استاندار وقت تعویض و به جای ایشان مقام دیگری تعیین و دو نفر معاونین ایشان یک نفر سیستانی و یک نفر بلوچ باشد، بهتر بود در این زمینه و موارد دیگر با وزارت کشور قبلاً مشاوره می‌شد که این چنین، خواسته گروهی به این وزارت تحمیل نگردد. در پایان تقاضا می‌شود گزارش سفر خود را جهت اقدام به وزارت کشور عنایت فرمایند.

از طرف سرپرست وزارت کشور - مصطفی میرسلیم [پیوست ۶]

### تیراندازی در عیدگاه

گزارش آقای مقدس زاده - سه شنبه ۱۳۸۹/۶/۲۳ - سایت تبیان - عاشقان وصال

[اکنون که مدت زمان بلندی از آن روزگار گذشته و جز سالمندان، بیشتر مردم کنونی استان سیستان و بلوچستان خاطره‌ای از آن واقعه ندارند، برخی افراد، یا از روی ناآگاهی و یا غرض‌ورزی، هر از جندی گزارش نادرستی از آن ارائه می‌دهند. از جمله گزارشی است که شخصی به نام مقدس‌زاده در سال ۱۳۸۹ در سایت اینترنتی تبیان نوشته است. در این گزارش، مطالب نادرست و تحریف‌شده زیادی وجود دارد. من نمی‌دانم این افراد، پاسدار کدام اسلام هستند که به آنها اجازه می‌دهد هر دروغی را بسازند و تهمت و افتزایی در حق دیگران را جایز بشمارند].

در سال ۱۳۵۸ استان سیستان و بلوچستان آستان حوادث سیاسی و اجتماعی فراوان بود؛ از قبیل شورش خوانین در گوشه و کنار استان و فعالیت تبلیغی، سیاسی و نظامی گروهک‌های سیاسی چپ و راست. یکی از این وقایع و رخدادها غائله معروف به عیدگاه سال ۱۳۵۸ در زاهدان است. از آن جهت نام این جریان «حادثه عیدگاه» نامیده شد که در محل برگزاری نمازهای عید قربان و فطر اهل سنت، رخ داد. در آن دوران در همه نقاط کشور اسلامی ایران، رجال سیاسی و مذهبی اقدام به سخنرانی می‌کردند و طرفدارانشان خود را برای استقبال از آنها آماده می‌ساختند. در این جریان، دکتر ابراهیم یزدی، یکی از چهره‌های سرشناس نهضت آزادی، قرار بود که در زاهدان سخنرانی کند.<sup>۱</sup>

در این دوران گروهک‌های سیاسی، بخصوص گروهک‌های چپی استان در اوج فعالیت سیاسی و نظامی بودند. فعالیت‌های نظامی آنان به نقاط دوردست بلوچستان محدود می‌شد، ولی دیگر فعالیت‌های آنان نظیر<sup>۲</sup> آزاد بود. این گروه‌ها پس از شکست در کردستان و ترکمن صحرا، تنها بستر مناسب برای فعالیت‌هایشان، منطقه جنوب شرق

---

۱. دکتر یزدی نه به‌عنوان عضوی از نهضت آزادی، بلکه با حکم امام خمینی برای حل و فصل اختلافات پیش آمده در استان سیستان و بلوچستان به آن استان سفر کرده بود و برنامه آن روز ایشان سخنرانی نبود، بلکه جمع شدن و مذاکره نمایندگان طرف‌های درگیر بود (ویراستار).

۲. گزارشگر در اینجا مصداق نظیر را نیاورده و جمله به همین صورت ناقص نوشته شده است.

## ۵۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

کشور را یافتند؛ چون که عقبه آنان را از طریق مرز پاکستان و بخصوص افغانستان به شوروی سابق وصل می‌کرد.

در آن زمان، شاخه‌های مختلفی از گروه‌های چپی مانند چریک‌های فدایی خلق [اعم از] اکثریت و اقلیت، گروه پیکار، آرمان مستضعفین، راجه زرمیش (یک گروهک چپی بلوچ)، جامب (جنش آزادی‌بخش مردم بلوچ) و چند گروهک دیگر فعالیت گسترده‌ای داشتند. این گروهک‌ها محور اصلی فعالیت خود را بر ایجاد تفرقه میان اهل تسنن و تشیع و فارس و بلوچ قرار داده بودند و شعارهایشان به زبان بلوچی، «نان، یوگ، آزادی» ترجمه می‌شد؛ و به‌طور گسترده‌ای حتی در روستاهای دورافتاده بلوچستان بر سر زبان مردم کپرنشین افتاده بود. واژه‌هایی مانند سرمچار (به معنی مجاهد) نیز رواج داشت.

این گروهک‌ها به‌طور علنی در مراکز استان نیمروز افغانستان و حتی در شهر کویته پاکستان و کراچی دفتر تأسیس کرده بودند و به گفته خودشان خط مقدم را که استان سیستان و بلوچستان بود، تدارک و پشتیبانی می‌کردند. تعداد زیادی از بلوچ‌ها، بخصوص دبیران و آموزگاران مدارس، جذب آنان شده به‌عنوان هوادار و یا عضو اصلی و کادر فعالیت می‌کردند.

از سوی دیگر موقعیت ارگان‌های دولتی و انقلابی به‌شدت ضعیف بود. جهاد سازندگی صرفاً کارهای عمرانی انجام می‌داد. سپاه که اکثر پرسنل آن و بخصوص مسئولان آن غیربومی بودند، در مراکز شهرستان‌ها مستقر بود و هنوز نتوانسته بود با مردم بومی منطقه ارتباط برقرار کنند. تشکیلات سیاسی مانند استانداری‌ها و فرمانداری‌ها از قدرت چندانی برخوردار نبودند.

جریان عیدگاه از این قرار بود که حدود یک هفته از سوی جبهه ملی در خصوص سخنرانی دکتر یزدی در زاهدان تبلیغ می‌شد.

[توضیح: این سخن به کلی نادرست است. تا آنجا که ما می‌دانیم جبهه ملی در زاهدان هیچ فعالیتی نداشت و درباره مأموریت من هم هیچ تبلیغی نکرده بود. من هم برای سخنرانی به زاهدان نرفته بودم. روشن نیست انگیزه این دروغ‌پردازی‌ها چیست؟].

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۳۳

در آن زمان، نشانه‌هایی از اختلافات بین گروهک‌های چپی و راستی نیز به چشم می‌خورد. گروهک‌های چپی به‌ویژه فداییان خلق - شاخه اقلیت - آفریننده اصلی جریان عیدگاه بودند. آنها با مسلح کردن تعدادی از بلوچ‌های فریب‌خورده و با هدایت و فرماندهی چند نفر کُرد، ارتفاعات مشرف به عیدگاه، واقع در شمال شرقی زاهدان را اشغال کرده در آن سنگر گرفته بودند. میان فارس‌ها و بلوچ‌ها (زابلی و بلوچ) اختلاف ایجاد کرده بودند و قصدشان این بود که با ایجاد درگیری، اسلحه وارد زاهدان کرده، مقدمات تشکیل بلوچستان آزاد را فراهم آورند.

همچنین آنها اکثر خوانین را نیز با خود همدست کرده بودند و سران طوایف نیز آنان را حمایت می‌کردند. مردم از نقاط مختلف زاهدان و حتی زابل و دیگر شهرهای استان به طرف عیدگاه به راه افتاده، جمعیت انبوهی گرد آمده بودند.

دکتر یزدی در جمع هوادارانش که شعار درود بر یزدی می‌دادند وارد جمعیت می‌شود. به سختی از بین مردم خود را به جایگاه می‌رساند. تعداد معدودی پاسبان مسلح در اطراف جمعیت به چشم می‌خورد. در گوشه و کنار محوطه عیدگاه هر گروهی شعار مخصوص به خود را می‌دهند.

[توضیح: بر خلاف این نوشته، هیچ‌کس شعار نمی‌داد].

دکتر یزدی سخنرانی بدون بسم‌الله خود را آغاز می‌کند. از سوی شماری از مردم در اعتراض به این کار هورا کشیده می‌شود و بعضاً نیز صلوات می‌فرستادند.

[توضیح: این مطلب هم نادرست است: نه قرار بود در عیدگاه سخنرانی کنم و نه

سخنرانی کردم].

چند دقیقه از سخنرانی دکتر یزدی - که فقط مردم را به آرامش دعوت می‌کرد - گذشته بود که ناگهان از ارتفاعات ضلع شمالی عیدگاه و از چند نقطه دیگر، مردم بی‌گناه به رگبار بسته می‌شوند و جمعیت پا به فرار می‌گذارد. تعداد زیادی زخمی می‌شوند و شمار بسیاری زیر دست و پای جمعیت خفه می‌شوند. چند نفر از پرسنل سپاه با تعداد قابل ملاحظه‌ای از جوانان شیعه، هجومی گسترده را به سوی ارتفاعات آغاز می‌کنند. افراد مسلح پس از چند دقیقه مقاومت فرار را برقرار ترجیح می‌دهند و با گذاشتن سلاح از محل فرار می‌کنند، ولی کسی دستگیر نمی‌شود.

## ۵۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر یزدی نیز توسط هوادارانش از محل دور می‌شود و شایع می‌شود که وی نیز کشته شده است. نقش افرادی مانند شهید قلنبر و دیگر فرماندهان سپاه و نیروهای حزب‌اللهی بومی در اینجا آشکار می‌گردد.

[توضیح: هیئت اعزامی در ماشین مولوی عبدالعزیز به عیدگاه رفت. هنوز از ماشین پیاده نشده بودیم که تیراندازی شروع شد].  
جلسه فوری در استانداری تشکیل شد. بحث شد و مذاکرات به نتیجه مشخصی نرسید.

حمید از جلسه بیرون آمد. جلوی در، اتاقک مرکز تلفن بود. رفت وضو گرفت و آمد توی آن اتاق. یکی زیرانداز انداخت و حمید گفت: «نمی‌خواهد».  
نمازش را خواند و برخاست. فرمانده منطقه را صدا زد و گفت: «باید بنشینیم و تصمیم بگیریم».

نتیجه آن شد که عده‌ای از نیروهای سپاه به‌طور مخفیانه در اطراف عیدگاه پخش شوند تا اگر گروه‌های مسلح دست به اقدامی زدند، بتوانند جلویشان را بگیرند. حمید گفت: «مهم‌تر از همه، حفظ جان مولوی عبدالعزیز است. اینها می‌خواهند به ایشان آسیب برسانند و منطقه را به آشوب بکشند».

[آنگاه] برخاست. دو سه نفر از روحانیون اهل سنت را که با او ارتباط داشتند، برداشت، توجیه‌شان کرد و گفت: «مولوی عبدالعزیز که می‌خواهد داخل شود، اطرافش را داشته باشید. حواستان باشد، نماز که تمام شد، بلافاصله او را از محل خارج کنید».  
نماز تمام شد. آدم‌های مسلح سربرآوردند. آن چند نفر که دور مولوی را گرفته بودند، دست به دست کردند. وضعیت خطرناکی بود. حمید رفت جلو و مولوی عبدالعزیز را هل داد و کشاندش توی ماشین [و] تند از محل خارج شدند؛ سپس برگشت به منطقه و همه افراد مسلح را دستگیر کرد. بدین ترتیب، با این کار آتش غائله دیگری را خاموش کرد.

[توضیح: ما به اتفاق مولوی عبدالعزیز، در ماشین او به رانندگی پسرش وارد محوطه عیدگاه شدیم، ولی از ماشین پیاده نشدیم. با شروع تیراندازی با دستور مولوی به پسرش، به منزل مولوی رفتیم].

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۳۵

### اقدامات شهید قلنبر در مقابل اشرا

حمید در مقابل دوستان خدا نرمش و ملایمت داشت و در برابر دشمنان انقلاب سرسخت و مقاوم بود. روزهایی را داشتیم که در چهارراه رسولی شهر زاهدان، گروهک‌ها و قاچاقچیان، آزادانه اسلحه خرید و فروش می‌کردند. اگر فردی سلاح می‌خرید، همان جا فشنگ‌گذاری می‌کرد و برای امتحان رو به آسمان ماشه را می‌چکاند. نرخ سلاح‌ها هم مشخص بود.

در چنین اوضاعی، گروهک‌ها قصد راهپیمایی داشتند. قصد داشتند به طرف مقر سپاه حرکت کنند. آن روز حمید با لباس شخصی و با دمپایی راه افتاد طرف چهارراه. هر چه کردیم تا نگذاریم برود، گفت: «من باید خودم بروم و ببینم چه خیراست».

اطمینان نداشت که دیگران بروند و غائله تازه‌ای به پا نکنند! رفت. منتظرش ماندیم. برگشت و چند نفر را برداشت و دوباره به راه افتاد. رفتند تا روبه‌روی مهمانسرای ژاندارمری. در آن موقع صف تظاهرکنندگان به سر خیابان رسیده بود. برگشت. جمعیت هر لحظه نزدیک‌تر می‌شد. حمید سه نفر را فرستاد روی پشت بام و تأکید کرد دست به اقدامی نزنند، مگر اینکه دستور بدهد. رفت روبه‌روی جمعیت ایستاد. عده‌ای مردم را تحریک می‌کردند که با زور وارد شوند. حمید گفت:

«اینجا پایگاه سپاه پاسداران است. سپاه متعلق به خود شماست. هر کس می‌خواهد، بیاید داخل».

گفت که در را باز کنند و خودش ایستاد کنار. تعارف کرد: «بفرمایید تو». عده‌ای از مردم برگشتند رفتند و فقط تعدادی از تحریک‌کنندگان با شعار دادن و کف زدن داخل شدند. توی محوطه پر شد از جمعیت. حمید گفت:

«بنشینید روی زمین. هر کس دیگر هم می‌خواهد، بیاید تو».

تنها عاملین اصلی تحریک مردم ماندند. چند دختر هم بین‌شان حضور داشت. حمید گفت: «دخترخانم‌ها از صف جمعیت جدا شوند و بروند آن طرف. آنها نامحرم هستند».

## ۵۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

سپس شروع کرد به صحبت. شاید پنج - شش دقیقه حرف زد. تمام کسانی که وسط حیاط نشسته بودند، تنها دو - سه نفر ماندند. حمید باز با آنان صحبت کرد؛ از مشکلات کشور گفت و امید به آینده داد. آنها باز هم سر و صدا کردند. حمید گفت: «این چند نفر عامل اصلی هستند. همه‌شان را دستگیر کنید».

دو - سه روز گذشت. یک روز از زندان پیغام آمد که دستگیرشدگان می‌گویند حاضر به هر گونه همکاری هستیم؛ اشتباه کرده‌ایم و ... حمید با این حرکت، نقشه ضدانقلاب و گروهک‌ها را نقش بر آب کرد.

### نمایش عزت اسلام

یکی از خوانین بزرگ منطقه محمدخان ملاشاهی بود: از آن آدم‌های شرور. یک روز حمید آمد ایرانشهر. قرار بود با او ملاقات کند. پس از برگشتن، دیدم خیلی خوشحال و شاداب است. پیشنهاد رفتن به استخر را داد و من قبول کردم. در آنجا از او نحوه ملاقات را پرسیدم. گفت: من در این جلسه احساس کردم که عزت اسلام را به نمایش گذاشته‌ام و مناعت و برتری را که یک فرد مسلمان باید نسبت به مخالفان نظام اسلامی داشته باشد، دقیقاً نشان دادم. پرسیدم: مگر چکار کردی؟ گفت: وقتی به آنجا رفتم، دیدم محمدخان با غرور نشسته و منتظر صحبت من است، ولی من سینه را سپر کردم و با حالتی سرافراز نشستم و به آسمان خیره شدم. او منتظر شد که من چیزی بگویم، اما سکوت کردم و در جواب نگاه‌های او چشم از آسمان برداشتم. نزدیک نیم ساعت نشستم و فقط به آسمان نگاه کردم.

رقیب که این وضعیت را دید، چهار زانو نشست. با خونسردی نگاهی به او انداختم و او شروع به صحبت کرد و پس از مقدمه‌چینی و تعارف، پرسید که موضوع از چه قرار است؟ من قریب سه ربع یا نیم ساعت به معنای واقعی رجز خواندم. از قدرت خودمان و قدرت اسلام و از اینکه ما چطور انقلاب کردیم و چه قدرتی داریم و شما در مقابل ملت هیچ هستید، با اقتدار حرف زدم. همان‌طور که من رجز می‌خواندم او هی افت می‌کرد ... تا اینکه در سطح یک آدم معمولی پایین آمد.



## در خاش

یکی دیگر از مراکز آشوب و بحران بلوچستان شهرستان خاش بود. دو روز پیش از آنکه ما به خاش برویم به ما اعلان کردند و اطلاع دادند که عده‌ای می‌خواهند تظاهرات مسلحانه بکنند و به مرکز سپاه پاسداران و جهاد سازندگی حمله کنند. قطعنامه‌ای در سیزده ماده امضا کرده و خواستار خروج سپاه و جهاد سازندگی از خاش شده‌اند. در آن قطعنامه همچنین تغییر اصل دوازدهم قانون اساسی، خودمختاری استان بلوچستان و تعویض استاندار، ذکر شده بود. درخواست دیگر این بود که مجلات و کتاب‌هایی که وارد شهر می‌شوند، توسط یکی از مولوی‌های اهل سنت و یکی از روحانیان شیعه کنترل شوند تا مطالبی موهن به صحابه پیامبر در آنها نباشد. یک نسخه از این قطعنامه به ما داده شد و گفتند اگر شما به خاش نیایید، ما فردا در شهر راه‌پیمایی مسلحانه راه می‌اندازیم. هدف آنها این بود که به مرکز جهاد و سپاه حمله کنند. از زاهدان با مسئولان جهاد و سپاه در خاش مکرر تماس گرفتیم. توصیه من به آنها این بود که از هر گونه درگیری جلوگیری شود. در نهایت خود آنها تصمیم گرفتند از ساختمان‌ها خارج شوند و به مرکز تیپ بروند. این تصمیم را با من هم مطرح کردند و تأیید کردم. ساعت چهار صبح این کار انجام شد. این مصادف با روز قبل از تظاهرات بود. ما به معتمدان شهر پیغام دادیم که لزومی به تظاهرات مسلحانه نیست؛ چون ما به خاش می‌آییم. شما برنامه خود را به تعویق بیندازید تا ما به خاش برسیم.

## دکتر یزدی به خاش رفت

زاهدان - دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام خمینی به اتفاق فرمانده ناحیه ژاندارمری سیستان و بلوچستان به منظور انجام یک بررسی مقدماتی، دیروز با هلی‌کوپتر عازم شهرستان خاش شد [پیوست ۷].

دیروز زاهدان در آرامش به سر برد و اوضاع عمومی شهر عادی گزارش شد. گزارش خبرگزاری پارس حاکی است که مردم زاهدان به زندگی روزانه و کسب و کار مشغولند. مغازه‌ها، ادارات و مدارس باز هستند و نیروهای ارتش به‌طور منظم و مرتب در شهر مستقر می‌باشند و اوضاع را زیر نظر دارند.

## ۵۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

با این مقدمات به خاش وارد شدیم. باز هم یاد نویسنده کتاب «حکایت بلوچ» و وصف او از شهر خاش افتادم. در خاش به مسجد مرکزی شهر رفتیم. تمام اعضای شورای شهر، فرماندار، شهردار، معتمدان شهر، مولوی‌ها، مسئولان جهاد سازندگی و پاسداران و مردم عادی شهر نیز در مسجدگرد آمدند. مولوی مصلح‌الدین هم که به درخواست من از زاهدان با هیئت اعزامی آمده بود، حضور داشت. مولوی مصلح‌الدین مردی بسیار فهیم و عمیق بود. در حل بحران زاهدان نقش مؤثر و مهمی داشت. حضور او در گفتگوهای خاش لازم بود. از ساعت ۱۱ صبح که ما وارد مسجد خاش شدیم تا ساعت ۹ شب بحث و گفتگوها ادامه داشت.

در ابتدا از حضور مردم در مسجد تشکر کردم و یادآور شدم که در زمان پیامبر، مسجد مرکز دیدارهای مردم با هم و حل و فصل مسائل و مشکلات جامعه بود. به برکت این انقلاب مسجد دوباره به مرکز تبادلات و گفتگوهای سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. من آمده‌ام تا در این مکان مقدس به سخنان شما گوش دهم. هر طور راحت هستید سخن بگویید. اگر چه نمی‌توانم بگویم همه در خواست‌های شما را انجام خواهیم داد، اما تمام تلاش خودمان را به کار خواهیم برد تا با شما به تفاهم و توافق برسیم.

آنچه را در مسجد گفتم از روی اعتقاد بود. اساس آن این است که با صبر و حوصله باید حرف‌های مردم را شنید. ما باید روحیه و روان‌شناسی مردم خودمان را، بخصوص پس از انقلاب، در نظر داشته باشیم. شصت سال است که نگذاشته‌اند صدای این مردم دربیاید. در بسیاری از مردم، فریادها در گلو خفه و عقده شده است. حالا وقتی پس از انقلاب می‌خواهند حرف بزنند، داد می‌زنند و فریاد می‌کشند. باید ما این روان‌شناسی رفتاری را بفهمیم و به آنها امکان بدهیم که روی سر ما داد و فریاد بزنند. اینها در تمام این مدت شصت سال، از دولت مرکزی، جز نفاق و حقه‌بازی و تزویر و حق‌کشی و دروغ‌چیزی ندیده‌اند. چون انقلاب هنوز در منطقه بلوچستان وارد نشده است، برای آنها مطرح نیست که خمینی کی هست و شاه کی بود! اینها مطرح نبوده؛ انگار انقلابی نشده است. حالا می‌بینید که اصلاً نماینده دولت مرکزی، برای این مردم مطرح نیست، بلکه او دلش می‌خواهد داد بزند. به ما گفتند به مسجد نروید شما را

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۳۹

می‌زنند، داد می‌زنند و بی‌ادبی می‌کنند. من گفتم به مسجد می‌روم؛ هر چقدر هم دلشان می‌خواهد داد بزنند. بالاخره یک کسی باید پیدا شود که سرش داد بزنند؛ بگذارید داد بزنند تا ببینیم که حرفشان چیست.

بالاخره ما آمده بودیم به حرف‌های آنها گوش بدهیم. از همه حاضران خواستیم هر کس هر حرف و ایرادی یا درخواستی دارد، بدون ملاحظه و با صراحت بگوید. همه سخن گفتند؛ اتفاقاً خیلی هم داد زدند و حرف‌هایی هم گفتند. اعضای شورای شهر بیش از همه به جهاد سازندگی اعتراض داشتند. آنها اعتراضات خیلی تندی داشتند؛ می‌گفتند در نشریات جهاد سازندگی در باره صحابه پیامبر اکرم مطالب موهن نوشته می‌شود. همچنین به حضور سپاه اعتراض داشتند و می‌گفتند اینها بومی نیستند و مشکلات ما را نمی‌فهمند.

پس از آنکه حاضران در مسجد همه حرف‌ها را زدند و اعتراضات را مطرح کردند؛ هرچند این اعتراضات عموماً بی‌اساس بود، پاسخ یکی‌یکی آنها را با آرامش و خونسردی دادیم.

در مورد فعالیت جهاد سازندگی توضیح دادم که افراد این نهاد، داوطلبانه آمده‌اند تا کاری برای مردم انجام دهند. اینها عموماً تحصیل کرده و مهندس هستند. ببینید در این منطقه چه می‌کنند؟ در حضور جمع از جهادی‌ها خواستم خودشان برای مردم توضیح بدهند که چه کار می‌کنند. گفتند در حال حاضر چاه می‌زنند و برای آب آشامیدنی شهر لوله می‌کشند. توضیح دادند که وقتی ما کار می‌کنیم، مردم محلی در کنار خیابان نشسته‌اند و ما را تماشا می‌کنند و هیچ کمکی نمی‌کنند؛ مثلاً نمی‌آیند کمک کنند لوله‌ها را در گودال‌های کنده شده بگذاریم.

از یکی از اعضای شورای شهر که خیلی مخالفت می‌کرد، پرسیدم: شما که می‌گویید ما مسلمانیم به چه دلیل به این کارهای جهاد اعتراض دارید؟ یکی از اعضای شورای شهر گفت: آقا این جهاد سازندگی، همه‌شان پیغمبرند، اما مگر نه این است که در قرآن هم می‌گویند بعضی از پیغمبران را از قریه‌ها بیرون کردند. ما آنها را نمی‌خواهیم.

## ۵۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

برادران جهاد سازندگی که در چهره‌های آنها آن نور صداقت و پاکی را می‌دیدم، در این گفتگوها واکنش فوق‌العاده‌ای نشان دادند. آنها با خونسردی و متانت به بلوچ‌های معترض جواب می‌دادند و این واقعاً برای من آموزنده بود.

شما نمی‌توانید تصور کنید که چقدر یک فرد می‌تواند ناراحت باشد که در بین این جوان‌ها آنها را ببیند و این حرف‌ها را هم بشنود و بعد ببیند که به هر حال مجبور است این حرف‌ها را جوری اصلاح کند یا برادران ما چقدر خوددار بودند که این همه این حرف‌ها را می‌شنیدند و عکس‌العمل تند و هیجانی از خود نشان نمی‌دادند. پس از سخنان عضو شورای شهر، خطاب به برادران جهادی گفتم: شنیدید که گفتند اگر از اولیا الله هم باشید، شما را نمی‌خواهند و می‌خواهند شما را از شهر بیرون کنند. حالا من برای شما چند پیشنهاد دارم: یکی اینکه به داخل شهر برگردید و بگویید ما نمی‌رویم. همان‌طور که پیغمبران را کشتند، بگذارید شما را هم بکشند. این را در حضور جمع و در مسجد به همه گفتم. گفتم که بمانید و بگذارید شما را بکشند و وصیت کنید که شما را در همین شهر یا ده و در هر کجا که کار می‌کنید و شما را می‌کشند، در همان جا دفن کنند. برای اینکه مزار شما در فرادهای تاریخ، زیارتگاه خواهد شد. این مردم مستضعفی که امروز یک عده‌ای از جهالتشان سوء استفاده می‌کنند، فردا به مزار شما می‌آیند و زیارتتان خواهند کرد. من این سخنان را از صمیم قلب و اعتقاد گفتم. ولی می‌بینید که به هر حال شما را نمی‌خواهند. حالا یا این کار را بکنید یا از شهر خارج شوید. به هر حال خودتان انتخاب کنید. من البته از شورای شهر، شهردار و فرماندار که آنجا بودند، رأی گرفتم و روی این تکیه کردیم که این آن چیزی است که انقلاب اسلامی می‌تواند به شما هدیه کند. اسلام که آمد، پیغمبر که آمد هیچ وقت نگفت که ای مردم شما اگر به اسلام بگروید ما به شما خانه یا آپارتمان مجانی می‌دهیم و مدرسه و راه درست می‌کنیم. او هیچ‌کدام از اینها را نگفت. او گفت که کرامت انسانی را به شما می‌دهد. ما هم آمده‌ایم که به‌عنوان انسان و هم‌وطن با شما برخورد کنیم و می‌بینید که در مسجد دور هم نشستیم و همان سنت رسول الله و مشاورت و شورا را اجرا می‌کنیم. ما نیامده‌ایم چیزی را به شما تحمیل کنیم و حقی را از شما بگیریم. شما حالا خودتان رأی بدهید. شورای آنها جمع شد و ما گفتیم که شما

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۴۱

خودتان شورای شهر، فرماندار و شهردار را انتخاب کرده‌اید؛ پس خودتان بیایید و رأی بدهید که آیا با حضور نهاد و نیروی جهاد سازندگی در منطقه موافقید یا مخالف. آنها گفتند نه جهاد سازندگی باید از شهر بیرون برود.

تمام این مذاکرات در حضور جمع ضبط می‌شد. ما هم اتمام حجت کردیم. یکی از برادران عضو هیئت گفت: ای مردم بدانید شما که امروز اعتراض می‌کنید به اینکه در زمان شاه به تمام استان‌ها رسیده بودند غیر از استان شما؛ حالا ببینید که این انقلاب می‌خواهد به شهر شما و به ده شما برسد. تمام کار و پروژه‌های انجام شده توسط جهاد را ما در اینجا فهرست کرده‌ایم. آنگاه لیستی آوردند که جهاد سازندگی در حال لایروبی ۳۱۰ حلقه قنات در منطقه است. همچنین آمار دادند که کجاها را می‌خواهند سیم‌کشی و برق‌کشی کنند و جاده بسازند.

ما نیز همه این کارها را به اطلاع مردم رساندیم و گفتیم که ببینید کجاها منبع گذاشته‌اند و تا به حال چه کارهایی انجام شده است، اما یک عده می‌گویند شما اگر پیغمبر هم هستید، ما شما را نمی‌خواهیم. پس ببینید که خدا ناظر است و شما هم در این مسجد و خانه خدا ناظر هستید. بدانید که اگر فردا اشکالاتی پیش آمد و استان شما همچنان عقب ماند، مقصر خود شما هستید و کسانی که نمی‌گذارند این کارها در اینجا انجام بگیرد. این برادران ما و این جوان‌ها از شما چیزی نمی‌خواهند.

یکی از جوان‌ها می‌گفت مگر من از شما حقوق می‌گیرم؟ من نه حقوق می‌گیرم و نه چیز دیگر. من یک مهندس هستم که از اصفهان به اینجا آمده‌ام. شما فکر می‌کنید که ما در اصفهان اشراف زاده‌ایم یا تافته جدا بافته هستیم؟ در همان نزدیکی‌های شهر اصفهان آب نیست. در نزدیکی‌های تهران و در خود ظهیرآباد آب نیست. کل مملکت این بوده است.

جوانی می‌گفت: من با ۴۰۰ تومان پولی که داشتم و ذخیره‌ام بود، دانشکده‌ام را رها کرده‌ام و به اینجا آمدم و دارم برای شما کار می‌کنم. یا مهندسی که کارش را در کارخانه ذوب آهن رها کرده و به اینجا آمده است. شما دیگر چه می‌خواهید؟ این اتمام حجتی است که خدا می‌خواهد با شما بکند که بعدها شما بدانید که انقلاب آمده و این کارها را می‌کند.

## ۵۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

این حرف‌ها را که ما زدیم، اینها دوباره به فکر فرو رفتند. بالاخره ما از فرماندار سؤال کردیم و گفتیم که ای مردم، ما در حضور شما به فرماندارتان می‌گوییم آیا می‌توانید این برنامه‌هایی را که جهاد سازندگی در اینجا شروع کرده است، به پایان برسانید؟ تمام بودجه را هم در اختیارتان می‌گذاریم. در اینجا فرماندار عقب‌نشینی کرد و گفت: من نمی‌توانم. بالاخره قرار شد دوباره با افراد جهاد سازندگی صحبت بکنند و قرار شد که این افراد یک هفته در زاهدان بمانند تا آنها خودشان بتوانند راهیابی کنند و یا افراد جهاد را مجدداً برگردانند.

یکی از ایراداتی که در مورد کتب و مجلات مطرح شد این بود که آنها می‌گفتند جهاد سازندگی کتاب‌هایی را بین بچه‌های ما تقسیم می‌کند که در آنها به شخصیت‌های مقدس ما توهین شده است و بدین سان آنها را متهم می‌کردند. ما با رویه‌ای که داشتیم، گفتیم بسیار خوب؛ سند را بیاورید. ببینیم چی هست و اگر این کار را کرده باشند ما از آنها بازخواست می‌کنیم. آنها یک مجله نوجوانان را که ربطی به جهاد سازندگی نداشت به ما نشان دادند که در آن مقاله‌ای در مورد ابوذر غفاری چاپ شده بود و می‌دانید که ابوذر با عثمان درگیری داشته است. آنها گفتند که چرا در اینجا چنین چیزی راجع به عثمان گفته شده است. البته این نشان می‌دهد که می‌خواهند از این موقعیت حساس، بهره‌گیری سیاسی کنند.

در مورد سپاه بحث‌های طولانی شد و باید بگویم که سپاه به درخواست خود آنها به شهر رفته بود. رئیس شورای شهر هم گفت که سپاه به درخواست من به اینجا آمده است. آیا شما یادتان رفته است که در اینجا بلوچ، بلوچ را می‌کشت و سنگ روی سنگ بند نمی‌شد؛ ما به مرکز تلگراف کردیم که سپاه بفرستید تا منطقه امنیت پیدا کند؟ مع ذلک خود مردم گفتند که ما سپاه را نمی‌خواهیم و خودمان در شهر امنیت را برقرار می‌کنیم. قرار شد که سپاه از شهر خارج شده و در خارج شهر مستقر شود.

در مجموع سفر ما به خاش در جهات مختلف سازنده بود. باز به اصطلاح نتایج بعدی و خبرهای بعدی سفر که برای ما آمد خیلی خوب بود و توانسته بودیم یک رابطه ذهنی با مردم برقرار کنیم.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۴۳

توضیحاتی که ما برای مردم دادیم قانع کننده بود و البته این توضیحات مشکل را حل نکرد، اما بحران را کاهش داد و مهار کرد. ما هم در مرحله اول می‌خواستیم که این مشکلات به صورت بحران در نیاید.

برای اینکه باز هم به آن مطلب اولی که در مورد بافت ارتش گفتم و شما را باز به مشکلات منطقه توجه بدهم می‌گویم که حتی فرمانده تیپ به ما می‌گفت که حضور سپاه پاسداران و جهاد سازندگی در داخل تیپ برای او ایجاد اشکال می‌کند. چون بعضی از درجه‌دارانی که بلوچ هستند روی همین مسائلی که در حال حاضر در شهر مطرح است، ممکن است در خود تیپ به سپاه حمله کنند و این نمونه‌ای است که در صورتی که تحریکات ادامه یابد منطقه چگونه می‌تواند به سرعت به حالت انفجاری در آید.

در اینجا باید چند نکته هم راجع به سپاه و جهاد بگویم: برادران جهاد و برادران سپاه بسیار فداکار، بسیار از خود گذشته، جوانانی پاک و صادق و پاکبخته، واقعاً معتقد به اسلام و علاقه‌مند به کمک به مستضعفین هستند، اما کمی در برخوردشان با مردم دچار اشکال هستند. باید اعمال خودشان را مقداری با مردم‌داری توأم کنند. به‌عنوان نمونه، جهاد وقتی به منطقه وارد می‌شود، بهتر است که با بعضی از افراد محلی مشورت کند و خلاصه آنها را به بازی بگیرد. تغییرات و اصلاحات را نمی‌توان به زور به حلق مردم ریخت. البته در این مورد با برادران جهاد هم بحث کردیم و باید یک فرمولی پیدا کرد که خود مردم بومی هم شرکت کنند.

برادران جهاد ما در خود همان جلسه می‌گفتند که وقتی می‌خواستند لوله‌هایی را که برای لوله‌کشی برده‌اند کار بگذارند و منبع نصب کنند، این مردم بومی و محلی کنار دیوار و در سینه‌کش آفتاب نشسته بودند و نمی‌آمدند به آنها کمک کنند. این مهندس و دانشجویی که از تهران و اصفهان رفته‌اند سر لوله‌ها را می‌گرفتند و پایین می‌گذاشتند، بیل می‌زدند و به ته چاه می‌رفتند و لایروبی می‌کردند. بلوچ‌ها می‌آمدند و می‌پرسیدند خوب این کار کی تمام می‌شود؟ ولی در کار شرکت نمی‌کردند. شما می‌توانید بگویید این نقص را بلوچ دارد، اما یک‌طرف قضیه هم این است که برادر عضو جهاد سازندگی یا سپاه ما هم نتوانسته‌اند با مردم بومی و محلی رابطه برقرار کنند، با آنها

## ۵۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

صحبت کنند و راه پیدا کنند. اگر ما بتوانیم خود مردم را برانگیزانیم و خود مردم را به این کارها وادار کنیم، آن وقت خیلی از مشکلاتی را که در حال حاضر جهاد و سپاه دارند، حل خواهد شد.

بعضی از برادران که در طبرس بودند به من گزارش دادند- که البته نمی‌دانم درست است یا نه - و گفتند خانه‌های جدیدی که در آنجا ساخته‌اند چون مردم بومی خودشان شرکت نداشته‌اند و اصلاً خانه‌سازی طبق ذوق و سلیقه آنها نبوده، از آنها استفاده نمی‌کردند. من نگران این هستم که اگر شما اینجا خانه‌سازی هم بکنید، چون مردم در کارها شرکت نمی‌کنند، ممکن است در این خانه‌ها هم سکونت نکنند. همچنین اگر در بلوچستان خیلی از این برنامه‌ها را پیاده کنید، چون مردم بومی خودشان شرکت نکرده‌اند، نفهمند چه تغییراتی رخ داده است و آن را نپذیرند. این مسئله خیلی مهم است که برادران و خواهران ما که در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند، قبل از هر چیز با خود مردم رابطه برقرار کنند. متأسفانه اینها نتوانسته بودند در بلوچستان این رابطه را برقرار کنند یا حداقل در آن قشر و در آن بخش و جاهایی که ما دیدیم نتوانسته بودند این کار را بکنند. ما با این مشکل در زابل هم برخورد کردیم که بعد در باره آن سخن خواهم گفت.

در حالی که مردم زابل، فارس و شیعه هستند باز هم برادران جهاد سازندگی ما نتوانستند با آنها رابطه‌ای برقرار کنند. پاسدارانی که به آنجا فرستاده شده‌اند، فاقد تعلیمات لازم هستند. ما از آنها سؤال کردیم و دیدیم بعضی از آنها تنها دوازده روز آموزش دیده و به منطقه اعزام شده بودند. روشن است که دوازده روز آموزش برای نیروهای جوانی که برای انجام کارها و پروژه‌های عمرانی و فرهنگی به آن منطقه حساس اعزام می‌شوند، کافی نیست.

در منطقه‌ای که آنقدر حساس است و حالت انفجاری دارد، فرستادن جوانان و پاسدارانی با طیف سنی ۱۶ تا ۴۵ سال، کار درستی نیست. دوازده روز آموزش دادن و داشتن حداقل شرایط مانند سواد خواندن و نوشتن، کافی نیست. اینها به این دلیل که با مسائل اجتماعی و جامعه‌شناسی آشنا نیستند و تجربه ندارند، برخوردهایی به وجود می‌آورند که حالت انفجاری در منطقه را تشدید خواهد کرد. یکی از مشکلاتی که ما



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۴۵

در سپاه خاش و زاهدان دیدیم این بود که همه اجتهاد به رأی می‌کنند. در شرایط بحرانی، خطرناک است که افراد سپاه اجتهاد به رأی بکنند. آنها با اعتقاد، علم و انتخاب خودشان به سپاه پیوستند و این معیار را قبول کردند و باید در شرایط بحرانی از فرمانده خود تبعیت کنند. این امکان‌پذیر نیست که فرمانده همه را جمع کند و بگوید که ما این کار را بکنیم یا نکنیم. یا وقتی هم که تصمیمی گرفتید، همه موظف هستید که از آن تبعیت کنید. ما این نظم و انسجام و تبعیت را در بین افراد سپاه ندیدیم. البته گزارش این وضعیت را به برادرانمان در مرکز داده‌ایم. حتی فرمانده می‌گفت این تصمیماتی را که ما می‌گیریم، معلوم نیست آنها اجرا بکنند. وقتی فرمانده خود به اجرای تصمیماتش مطمئن نیست، چه‌طور می‌توانیم بین عملیات ژاندارمری، ارتش، شهربانی، سپاه و دیگر نهادها هماهنگی برقرارکنیم و برای منطقه، امنیت به وجود بیاوریم!

نکته‌ای که با کمال تأسف ما در آنجا دیدیم، عدم رعایت نظافت بین سپاه در خاش بود. این مسئله فوق‌العاده بد بود و انتقاد کردیم و ایراد هم گرفتیم. این در شأن سپاه پاسدار انقلاب اسلامی نیست. پاسدار انقلاب اسلامی باید نمونه‌ای این انقلاب باشند؛ بلکه نمونه‌ی اعلای این انقلاب باشد تا بتواند پاسداری کند. کسی که نمونه‌ی انقلاب نباشد، نمی‌تواند پاسداری کند.

امیدوارم توضیحاتی که می‌دهم هیچ وقت حمل بر این نشود که من با سپاه مخالفم. من خودم یکی از کسانی بودم که اصلاً در فکر تأسیس سپاه و شکل‌گیری و سازمان‌دهی‌اش مؤثر بوده‌ام و خدمت ناقابلی کرده‌ام، ولی معتقدم کسانی را که به یک صحنه می‌فرستیم باید از شرایطی برخوردار باشند. تعلیمات دوازده روزه‌ی نظامی - ایدئولوژی کافی نیست؛ آن هم در چنین منطقه‌ای که ما باید حتماً افراد با تجربه را بفرستیم. یعنی سپاه باید دقیقاً افرادی را که تجربه دارند، انتخاب کند و افرادی را به منطقه بفرستد که می‌توانند اعصاب خود را کنترل کنند. در همان زد و خوردهای زاهدان، یکی دو مورد از خشم و ناتوانی کنترل عصبانیت را در میان این برادران می‌دیدم. بعضی‌ها که نمی‌توانستند خودشان را کنترل کنند، تا از سوی گروه‌های متخاصم بومی تیراندازی می‌شد، ناگهان در میان این برادران ما هم یک حالت انفجاری

## ۵۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیش می‌آمد؛ بنابراین، پاسدارانی باید به آن منطق اعزام شوند که با منطقه آشنا باشند و یا رفته‌رفته آشنا شوند؛ سپس با توجه به وضع منطقه و آشنایی با آن و روحیات مردم منطقه و مشکلاتی که در منطقه وجود دارد، دست به فعالیت فرهنگی و عمرانی بزنند، یا فعالیت سیاسی بکنند. اگر بخواهند جز این عمل کنند، اشکال به وجود می‌آید. در نهایت جهاد در منطقه ماند و به کار خود ادامه داد، اما قرار شد افراد سپاه در پادگان بمانند تا تکلیف آنها از سپاه مرکز مشخص شود.

در باره نقش سربازان و فرماندهان نظامی محلی در خاش و حتی در زاهدان که در برخی از این تحریکات و تشنجات نقش داشتند، گفتگو با آنها را نه تنها مفید ندانستم، بلکه احتمال می‌دادم پیامدهای ناگوار هم داشته باشد.

همان‌طور که در جای دیگر توضیح داده‌ام، پس از پیروزی انقلاب و انحلال گارد شاهنشاهی، پرسنل اهل بلوچستان به این منطقه منتقل شده بودند. در پادگان خاش، جو بسیار نا امن بود؛ بنابراین، اسامی و محل خدمت افرادی را که در ناامنی‌ها نقش داشتند، یادداشت کردم و پس از بازگشت به تهران، در باره آنها با تیمسار ظهیرنژاد صحبت کردم تا به ترتیب مقتضی رسیدگی و آنها را یا بازنشسته، یا جابه‌جا کند.

## در زابل

از خاش به زاهدان برگشتیم. پس از بررسی تصمیمات معتمدان شهر زاهدان، قرار شد به کارشان ادامه دهند تا ما از زابل برگردیم.

در زابل، هیئت با استقبال بسیار گرمی روبه‌رو شد. در محل پادگان که ما با هلیکوپتر وارد شدیم، استقبال گرمی از ما به عمل آمد و بعد هم در مسجد برنامه‌ای گذاشته بودند که ما سخنرانی کردیم. آن استقبال گرم نشان می‌داد انقلاب در آنجا بین توده‌های مردم راه یافته است. در زابل، نسبت به بلوچستان، فرهنگ، ضوابط و روابط فرهنگی به کلی متفاوتی حاکم است. دقیقاً می‌دیدیم عکس‌العامل، برداشت و تظاهرات مردم نسبت به انقلاب و رهبری انقلاب و نسبت به مسائل مختلف کاملاً شکل گرفته است.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۴۷

پس از شرکت در جلسه‌ای که در مسجد برپا شده بود، به شهرداری رفتیم و جلسه شورای شهر را تشکیل دادیم. شهردار، فرماندار، نمایندگان جهاد سازندگی، پاسداران انقلاب، کمیته انقلاب و معتمدین همگی حاضر بودند. در این جلسه، سه - چهار ساعت در باره مشکلات مردم و منطقه به‌طور مفصل گفتگو شد که آنها مشکلات خود را می‌گفتند و ما بیشتر گوش می‌دادیم.

جمع‌بندی ما در باره مشکلات منطقه سیستان، به خصوص در زابل این بود که اولاً برخلاف بلوچستان که مشکلاتش شکل و رنگ سیاسی به خود گرفته است، در زابل مشکل سیاسی نیست. عناصر اصلی مشکل، مدیریت روابط انسانی است. روابط انسانی به این معنا که سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، کمیته انقلاب، شورای شهر، شهردار و فرماندار نمی‌توانند کارهایشان را با هم هماهنگ کنند. این یا به دلیل نقص تجربه است و یا به دلایلی که مربوط به خصوصیات فرهنگی می‌شود؛ نه خصوصیات ارثی، بلکه عارضه‌ای است از استبداد مطلق قرن‌ها و اثرات فرهنگی که بر ما گذاشته است. به عبارتی در درون هر یک از ما ایرانی‌ها یک شاه کوچک نشسته است؛ از این رو، مطلق‌بین و مطلق‌خواه هستیم، و اینکه هر کسی می‌خواهد خر خودش را براند. هر کسی فکر می‌کند آنچه خودش انجام می‌دهد، بهترین است و نمی‌پذیرد با کسی مشورت و تبادل نظر کند.

مشکلات زابل، بیشتر بروز و ظهور رسوبات فرهنگ استبدادی بود. ما یک مشکل اساسی در زابل ندیدیم؛ حتی با وجود اینکه یک مشکل حاد در آنجا مسئله زمین‌ها بود که جهاد سازندگی زمین‌هایی را تقسیم کرده بود که باعث اشکال شده بود؛ وقتی با افراد مذاکره کردیم، کسی با نفس تقسیم زمین در آنجا مخالفت اساسی نداشت، ولی به شکل عمل و زمان عمل ایراد داشتند. یا اینکه یکی از آقایان می‌گفت: چرا قبلاً با من مشورت نکرده‌اید. ما اینها را باید بپذیریم؛ زیرا ما هنوز در جامعه‌ای پدرسالار و مردسالار به سر می‌بریم که هنوز فرهنگ شهروندی در شخصیت و رفتار ما نهادینه نشده است. هنوز افرادی هستند که اگر شما لاجرم می‌خواهید وارد شهر شوید، باید با او مشورت کنید. اینها خلاف اسلام نیست. اگر شما به رویه پیغمبر توجه کرده باشید، می‌بینید که پیغمبر چگونه به تمام این نکات توجه داشته است. اینها مسائلی است که

## ۵۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

ما باید در برخوردهای اجتماعی در نظر بگیریم؛ از این رو، در گفتگوهای خصوصی و غیر رسمی به برادران جهاد سازندگی در خاش پیشنهاد کردم که اگر شما می‌خواهید در اینجا بمانید و خیلی‌هایتان هم مجرد هستید با همین دخترهای محلی ازدواج کنید و در اینجا بمانید. چه اشکالی دارد؟ کسی که در اصفهان زندگی می‌کند حتماً که نباید زن اصفهانی بگیرد؛ یا کسی که در رشت زندگی می‌کند، حتماً که نباید زن رشتی بگیرد. خوب بروید در بلوچستان و زن محلی بگیرید؛ آنگاه خودتان بومی و محلی آنجا می‌شوید و از این طریق شما می‌توانید در ساختار جامعه تحول ایجاد کنید.

خلاصه آنکه در زابل، مسائل فرهنگی دچار اشکال بود. برادران، بخصوص برادران جوان‌تر ما طوری کار و رفتار می‌کنند که گویی در برابر سالمندان و ریش‌سفیدان حالت عصیان داشتند؛ درحالی‌که چه بسا شما با یک دیدار کوچک از شیخ یک شهر بتوانید خیلی از مشکلات خود را حل کنید. برای من واقعاً تعجب‌آور بود که یکی از مسئولان استان، نه در زابل، بلکه در زاهدان می‌گفت: آقای مولوی عبدالعزیز به حج رفته و برگشته و من به دیدنش نرفته‌ام. به نظر من اینها درست نیست. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که اگر کسی در محله‌ای به حج برود، همه به دیدار او می‌روند و خوش و بش می‌کنند. ما چگونه می‌توانیم مسائل اجتماعی خود را بدون وجود چنین رابطه‌هایی حل کنیم. بعد هم اینها چه ما بخواهیم و چه نخواهیم در صحنه هستند و حضور دارند. همان‌طور که ضد انقلاب از عناصری که به اصطلاح خصوصیات انسانی اینها را بیان می‌کند، استفاده می‌کند و تحریک می‌کند، آیا ما به‌عنوان عناصر انقلابی نمی‌توانیم و نباید اینها را یک جوری به میدان بکشیم. بعضی‌ها را من می‌دیدم که با یک مشورت خشک و خالی و با یک برخورد خشک و خالی، احساس شخصیت می‌کردند و راضی بودند. اینها باید رعایت بشود.

متأسفانه همان‌طور که گفتم در زابل مشکل این بود و من درگیری‌ها را در این سطح دیدم. در هر حال شورای شهر انتخاب شده است و حق دارد. شورا می‌گوید مردم یا بی‌جا کرده‌اند که ما را انتخاب کرده‌اند، یا شما خلاف می‌کنید که منتخبان مردم را داخل آدم نمی‌دانید. اگر ما شورای شهر هستیم و انتخاب شهردار حق قانونی شورای شهر است، جهاد سازندگی در مورد برنامه‌هایی که می‌خواهد در این منطقه

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۴۹

پیاده کند، باید با ما مشورت کند. راست هم می‌گویند و حق دارند. من هم به آنها حق می‌دهم. شماری از گرفتاری‌ها از این طیف است.

طیفی از مشکلات هم داشتند که رابطه شهر را با مرکز تنظیم می‌کند و مشکلاتی است که از این طرف باید حل شود. در نظام گذشته کوشش می‌شده و به اصطلاح استراتژی اداری نظام بر این بود که همه چیز باید از مرکز (پایتخت) تصمیم‌گیری و ابلاغ می‌شد. کوچک‌ترین مسئله باید به مرکز می‌رفت؛ مرکز باید همه چیز را کنترل، تصویب و یا رد می‌کرد. این سیستم و استراتژی کلی اداری و تمرکزگرایی، اکنون و در شرایط پس از انقلاب نمی‌تواند وجود داشته باشد و کارایی هم ندارد. ما باید حتماً این را برهم بزنیم. متأسفانه مسئولین امور هنوز نتوانسته‌اند این کار را انجام دهند. به‌عنوان نمونه شهردار می‌گفت: ما تصمیم گرفته‌ایم مثلاً در یک قسمت از شهر ده تا دوازده تیر چراغ برق جدید نصب کنیم و برق برسانیم. البته برق هست، می‌خواهیم تعداد تیرها را بیشتر کنیم، اما برای این کار هم باید از مرکز اجازه بگیریم. مرکز هم می‌گوید: مرکز شما، مرکز اداری وزارت نیرو در منطقه در کرمان است. من چون می‌خواهم دوازده تا تیر چراغ برق نصب کنم باید از کرمان اجازه بگیرم. این مسئله به کرمان چه مربوط است؟ البته راست هم می‌گوید. اگر شورای شهر می‌خواهد چند تیر چراغ برق نصب کند، به تهران و به مرکز چه مربوط است! شورای شهر باید خودشان این کار را بکنند، ولی بودجه ندارند؛ بودجه باید از جای مشخصی بیاید. مشکلات اداری زیادی الآن سر راه آنها وجود دارد که اینها به نظر من باید از مرکز حل بشوند. این بودجه‌بندی‌ها، کدبندی‌ها و رده‌بندی‌های بودجه مشکلاتی است که الآن دست‌وپاگیر است. برای زمانی که مملکت روی غلتک بیفتد، برای جوامعی که اوضاع اجتماعی تثبیت شده دارند و همه چیز مشخص و معلوم است، در بیمارستان و در مدرسه و در جاده وقتی اوضاع مشخصی باشد، می‌توان برای بودجه پیش‌بینی کرد. وقتی مدیر آموزش می‌گوید مثلاً به من می‌گویند شما ۹۰۰ هزار تومان یا چقدر برای ترمیم ساختمان‌ها و یا نوسازی ساختمان‌ها دارید، اما من ۵۲ مدرسه در دهات اطراف دارم که اینها الآن در زمستان بخاری ندارند و من به دلیل رده‌بندی اداری نمی‌توانم از این پول بردارم و بخاری بخرم؛ در صورتی که الآن هم نمی‌توانم این نوسازی را بکنم؛ وقتش هم

## ۵۵+ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌گذرد و اگر از این بودجه استفاده نکنیم، دوباره به سازمان برنامه و بودجه برمی‌گردد. اینها اشکالاتی است که باید از مرکز حل بشود. ولی در هر حال مدیریت، یکی از مشکلات آنها است.

ناهماهنگی، مشکل دومشان است. بالاخره روابط انسانی که امروز در همه جا هست و تنها مربوط به زاهدان نیست. در بسیاری از شهرها هست، در مرکز هم هست، در تبریز هست و در جاهای دیگر هم هست. هر کسی می‌خواهد خر خودش را براند و حاضر به تبادل نظر هم نیستند. در یکی از شهرهایی که ما رفتیم ۳۶ کمیته وجود دارد و همه کمیته‌ها هم کمیته مرکزی هستند. این یکی دستور می‌دهد که کسی را دستگیر کنند، آن یکی دستور می‌دهد او را آزاد کنند. تا طرف آزاد می‌شود، یکی دیگر او را دستگیر می‌کند. این نمی‌شود. در زابل هم ما چنین مشکلاتی را دیدیم. البته ما به آنها پیشنهاد کردیم برای اینکه بتوانند مشکلاتشان را حل کنند و تا آنجایی که ما بودیم و بحث کردیم و آنها هم قبول کردند این بود که شورای شهرستان مرکب از شورای شهر که انتخاب شده با معمرین و معتمدین از بخش‌های مختلف دعوت کنند و فرماندار اینها را هماهنگ کند و به تدریج برنامه‌هایشان را در یک قالب مشخص و معین مورد توافق همه بریزند. آنها هم پیشنهادات زیادی در باره بهبود وضع شهر دادند که در باره آن باید با مقامات مربوطه صحبت کنیم. اینها مجموع حرکت ما در زابل بود. اینجا هم نقل وضعیت زابل از کتاب «حکایت بلوچ» را می‌آورم [پیوست ۸].

در خلال برنامه‌هایی که در خاش و زاهدان و زابل داشتیم، یک سلسله فعالیت‌های دیگر هم انجام دادیم؛ مانند اینکه اولاً موضع بعضی از گروه‌ها و قشرها را در منطقه بررسی کنیم. یکی از آنها که برای ما جالب بود، مسئله مولوی‌هاست.

### پیشنهاد مولوی عبدالعزیز به عزالدین حسینی

مهار بحران در بلوچستان و ختم مسالمت‌آمیز اغتشاشات زاهدان با استقبال بلوچ‌ها و سیستانی‌ها روبه‌رو شد. قبل از ترک زاهدان، مولوی عبدالعزیز، به من پیشنهاد و اصرار کرد که برای حل مسئله کردستان اقدام کنم. او که طرز رفتار و سبک کار مرا دیده بود، به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و می‌گفت من می‌توانم مشکل کردستان را حل کنم. برای رفتن به کردستان اعلام آمادگی کردم، ولی برای او توضیح دادم که یکی از شرایط

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۵۱

موفقیت این برنامه، آمادگی رهبران کرد برای حل مسئله و قبول دخالت من در این موضوع است. اگر آنها از من بخواهند، من بعد از مشورت‌های لازم با مسئولان اصلی کشور، آن را می‌پذیرم و به کردستان می‌روم. عبدالعزیز با پذیرش نظرم از زاهدان به مهاباد زنگ زد و با عزالدین حسینی، صحبت کرد، اما او شرایط را برای سفر من مساعد ندانست و تردید داشت که رهبران حزب دموکرات کردستان آمادگی پذیرش این حرکت را داشته باشند. به عبارت دیگر آمادگی حل بحران را نداشتند و نمی‌خواستند؛ بنا براین، مسئله منتفی شد.

### دکتر یزدی هنگام بازگشت به تهران اعلام کرد

روی مسائل شهری و کل منطقه سیستان و بلوچستان توافقی صورت گرفت. تهران - خبرگزاری پارس - دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام که همراه هیئتی برای رسیدگی به مسائل و مشکلات استان سیستان و بلوچستان به آن استان عزیمت کرده بود پنجشنبه شب به تهران بازگشت. وی هنگام ورود به تهران در مصاحبه‌ای نتیجه سفر خود را موفقیت‌آمیز دانست و گفت: در حال حاضر به‌طور کلی اوضاع منطقه آرام است و البته هنوز یک سلسله مشکلاتی وجود دارد، ولی پایه و اساس ریخته شده و ترتیباتی فراهم آمده که من امیدوارم بر اساس آن مشکلات به‌طور کامل رفع شود. وی سپس به تشریح فعالیت‌های هیئت اعزامی به آن استان پرداخت و افزود: این سفر جمعا نُه روز به طول انجامید که در این مدت شهرهای زاهدان، زابل و خاش مورد بازدید قرار گرفت و به مسائل مردم این مناطق در جلسات متعددی رسیدگی گردید.

وی گفت در جلسه‌ای که در مسجد خاش با حضور معتمدین شهر و اقشار مختلف مردم ترتیب یافت از ساعت ۱۳ تا ۲۱ خواسته‌های آنان مورد بررسی قرار گرفت. وی افزود هنگام بازگشت به زاهدان، هیئت فعالیت‌های خود را در این شهر دنبال کرد و در جلسه بزرگی که با حضور معتمدین شهر و برادران اهل تشیع و تسنن بلوچ و فارس و نمایندگان همه اقشار ترتیب یافت، روی مسائل شهری و کل منطقه توافقی صورت گرفت.

## ۵۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

وی افزود در مورد اعتراضی که برادران اهل تسنن نسبت به ماده ۱۲ قانون اساسی دارند، مذاکرات مفصلی صورت گرفت و پیشنهادهای به هیئت ارائه شد که این پیشنهادات همراه با گزارش هیئت به حضور امام تقدیم خواهد شد. دکتر یزدی گفت در زابل نیز در جلسه‌ای که در مسجد این شهر ترتیب یافت، مسائل و مشکلات شهری بررسی شد و پس از آن، هیئت در جلسه فوق‌العاده شورای شهر که در محل شهرداری با حضور نمایندگان سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، کمیته انقلاب اسلامی شهر، فرماندار، شهردار، اعضای شورای شهر و رؤسای ادارات مختلف تشکیل شده بود، شرکت کرد که پس از بررسی پیشنهادات و مسائل مختلف توافق‌هایی صورت گرفت و تصمیماتی اتخاذ شد [پیوست ۹].

### بازگشت به تهران و گزارش مأموریت

پس از بازگشت از زابل و اطمینان از برقراری آرامش در زاهدان، به تهران برگشتیم و بلافاصله برای دادن گزارش به قم رفتیم. در دیدار با امام، علاوه بر توضیحات شفاهی، یک گزارش کتبی هم، به شرح زیر به ایشان دادیم. گزارش هیئت اعزامی امام خمینی به ریاست آقای دکتر ابراهیم یزدی به سیستان و بلوچستان

بسمه تعالی

این هیئت ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه ۱۳۵۸/۹/۲۸ از تهران به مقصد یزد پرواز کرد و طی توقف سه ساعته در یزد، در مجلس بزرگداشت شهید دکتر مفتاح که از جانب حضرت آیت‌الله صدوقی برگزار می‌شد، شرکت کرد. در این مراسم، دکتر ابراهیم یزدی طی سخنرانی مبسوطی نقش شهادت در انقلاب اسلامی ایران را تشریح کرد.

هیئت، یزد را در ساعت ۱۲ به قصد زاهدان ترک کرد. در ساعت ۱/۵ بعدازظهر به زاهدان وارد شد و مورد استقبال گرم نمایندگان جامعه سیستانی‌ها، حزب اتحاد مسلمین و رئیس شهرداری، استاندار و رئیس ژاندارمری زاهدان قرار گرفت. برای محل اقامت، استاندار محل استانداری را پیشنهاد نمود و هیئت به‌عنوان اینکه نماینده امام است و از جانب دولت نیامده، این پیشنهاد را رد نمود و خواست که هیئت را به یک مسجد راهنمایی کنند، لکن گفته شد که مساجد متعلق به شیعه‌ها و سنی‌هاست و



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۵۳

در هر مسجدی وارد شوید دسته دیگر رنجیده خواهند شد، اما به توصیه آقای یزدی در یک مدرسه مستقر شدیم (مدرسه آیت الله طالقانی).

از همان بدو ورود، دسته‌جات مختلف مردم زاهدان برای طرح مشکلات خود مراجعه می‌کردند. چون دسته‌جات مختلف به شدت علیه هم تحریک شده بودند، برای تحبیب قلوب و رفع خصومت‌ها قرار شد مولوی عبدالعزیز از همه مردم زاهدان، بلوچ‌ها و سیستانی‌ها دعوت کند که ساعت ۹ صبح پنجشنبه به محل عیدگاه (محل نماز جمعه اهل سنت که دامنه کوه است) بیایند. سیستانی‌ها از محل حسینیه خود به صورت تظاهرات به طرف عیدگاه حرکت کردند و شعارهایی می‌دادند که مخالف نظر بلوچ‌ها بود (استاندار، پاسدار مورد تأیید ماست). به محض اینکه دسته سیستانی‌ها به محل عیدگاه رسیدند قصد داشتند که دورتادور تپه جمعیت بلوچ‌ها را که نشسته بودند، احاطه کنند در این موقع عده‌ای از بلوچ‌ها به ارتفاع رفته و شروع به سنگ اندازی کردند؛ متقابلاً سنگ‌ها رد و بدل شد و درحالی که سیستانی‌ها عقب‌نشینی می‌کردند روی هم ریخته و صدای جیغ و شیون بلند شد و متعاقب آن چند گلوله کلت شلیک شد و بلافاصله از همه اطراف و دامنه کوه از داخل سنگرها رگبار مسلسل‌ها باریدن گرفت. درست در همین موقع بود که دکتر یزدی و مولوی عبدالعزیز با یک اتوموبیل وارد شدند. شدت تیراندازی مانع از پیاده شدن آقایان شد و از همان جا ما را به منزل مولوی بردند. به نظر می‌رسید می‌خواهند استاندار و اعضای هیئت را گروگان بگیرند و چون مولوی نتوانست در حین حادثه از هیئت جدا شود، این امر مانع از طرح نقشه شد و تا [ساعت] ۲ بعدازظهر منزل مولوی بودیم که دورتادور افراد مسلح به کلاشینکف، یوزی و کلت در تمام بام‌های منزل موضع گرفته بودند. افراد مسلح مولوی، هیئت را همراه استاندار به محل اقامتشان آوردند. تا صبح فردا تیراندازی و تشنج ادامه داشت و هیئت، برنامه‌های خود را در جامعه سیستانی‌ها و دانشگاه به اجبار تعطیل کرد. صبح جمعه، جلسه مشترکی با حضور نمایندگان سیستانی‌ها و بلوچ‌ها و با شرکت مولوی عبدالعزیز و آیت‌الله کفعمی، فرماندهان نیروهای انتظامی و هیئت اعزامی تشکیل و به صدور اعلامیه تأمین امنیت منتهی شد و شهر نسبتاً آرام شد؛ به طوری که حدود ساعت ۶ بعدازظهر هیئت از حسینیه سیستانی‌ها و نقاط مختلف شهر

## ۵۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

دیدن کرد و همه جا کاملاً آرام بود. صبح شنبه شایعات مربوط به اعدام گروگان‌ها در طرفین مجدداً شهر را متشنج کرد و مجدداً تیراندازی‌های پراکنده شروع شد؛ لذا جلسه مشترکی که قرار بود به مسائل اصلی استان بپردازد به علت تشنج مجدد شهر، موضوع جلسه را تحت الشعاع قرار داده و همگی متحداً خواستار برقراری نظم و امنیت شدند. چون نیروهای انتظامی برای این امر کفایت نمی‌کرد، نمایندگان مردم زاهدان از شورای امنیت شهر خواستند با کمک ارتش، حفظ نظم را به عهده بگیرد. در اینجا هیئت معتمدین مردم زاهدان طی اعلامیه‌ای از رادیو و تلویزیون، این مطلب را به اطلاع همگان رسانید.

بعد از برقراری آرامش، هیئت اعزامی از نمایندگان مردم زاهدان خواست تا طی برگزاری جلسه مشترکی نقطه‌نظرهای خود را با یکدیگر در میان گذاشته هیئت اعزامی امام را در جریان ماحصل توافق‌های خود بگذارند. عصر روز سه‌شنبه معتمدین شهر در حضور هیئت اعزامی تشکیل جلسه داده و توافقنامه چهارماده‌ای را که نمایندگان هر دو جامعه زابلی و بلوچ شهر امضا کرده بودند به هیئت اعزامی امام تسلیم کرد:

- ۱- تأمین امنیت در سطح استان، با بهبود مدیریت پاسداران و تقویت آنها از طریق استخدام پاسدار ذی‌صلاح بومی و غیربومی.
- ۲- خودگردانی یا خود مختاری مشابه سایر استان‌ها.
- ۳- تعویض استاندار فعلی و انتخاب استاندار جدید با مشورت افراد ذی‌صلاح و تعیین دو معاون بومی.

در اینجا چون طرفین برای تعویض استاندار توافق کرده بودند، هیئت از آنها خواست تا هر یک افراد واجد صلاحیت را برای این پست معرفی نمایند. بلوچ‌ها افراد زیر را به ترتیب برای استانداری معرفی کردند: ۱- دکتر بهرامی، استاندار سابق کرمان؛ ۲- دکتر خسرو ریگی، معاون دانشگاه بلوچستان؛ ۳- دکتر توفیقی، رئیس دفتر استانداری سیستان و بلوچستان و معاونت استاندار؛ ۴- خالقدر آریا، کارمند استانداری تهران؛ ۵- دکتر بهجتی، استاد دانشگاه ملی. طرفداران «حزب اتحاد المسلمین»، خواستار ابقای دکتر دانش نارویی، استاندار و اختیارات بیشتر او بودند.

۴- معرفی عوامل کشتار ۲۹ آذر زاهدان (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۸).

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۵۵

### سیستانی‌ها در آینده نزدیک کاندیداهای خود را معرفی خواهند کرد

پس از حل نسبی مسائل مردم زاهدان، صبح سه‌شنبه ۱۳۵۸/۱۰/۴ هیئت به شهرستان خاش رفت و در جلسه‌ای با شرکت نمایندگان شورای شهر، فرماندار، رئیس شهربانی و نمایندگان جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و عده‌ای از مردم خاش به بررسی مشکلات مردم خاش پرداخت و به دلیل حساسیت مسئله پاسداران و داوطلبان جهاد و تأمین امنیت آنها از نمایندگان مردم در مورد حضور و یا عدم حضور آنها نظرخواهی شد و جلسه پنج به یک به خروج پاسداران از شهر رأی داد و در مورد داوطلبان جهاد، قرار شد چنانچه فرماندار بتواند نیروی انسانی کافی برای ادامه پروژه‌های نیمه‌کاره جهاد سازندگی فراهم کند، برادران جهاد نیز خاش را ترک کنند؛ در غیر این صورت، فرماندار و مردم شهر، امنیت برادران جهاد را تا پایان رسانیدن پروژه‌های نیمه تمام تضمین نمایند و شروع پروژه‌های جدید با مشورت و صلاحدید مردم خاش آغاز شود.

هیئت روز چهارشنبه به زاهدان بازگشت و صبح روز پنج‌شنبه سه نفر از اعضای هیئت به زابل عزیمت نموده و آقای دکتر یزدی در مسجد در جمع کثیری از مردم زابل سخنرانی کردند و سپس برای بررسی مشکلات مردم به شهرداری زابل رفته و با نمایندگان شورای شهر، فرماندار و نمایندگان جهاد و سپاه تشکیل جلسه داد و به بررسی مشکلات اداری زابل پرداخت. بعدازظهر، هیئت به پادگان آموزشی زابل رفت و آقای دکتر یزدی در آنجا مطالبی ایراد کردند. در ساعت ۴ بعدازظهر، هیئت با هلی‌کوپتر زابل را به طرف زاهدان ترک کرد و از آنجا در ساعت ۶ بعدازظهر به تهران بازگشت.

در مصاحبه‌ای با «روزنامه جمهوری اسلامی» در ۱۳۵۸/۱۰/۳ تأکید کردم که تعدادی از افراد دستگیرشده در زاهدان، غیر ایرانی هستند.

### گزارش دکتر یزدی تسلیم امام شد

دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام به اتفاق اعضای این هیئت پیش از ظهر دیروز، در قم به حضور امام خمینی رسید و گزارش سفر هیئت ویژه به سیستان و بلوچستان را به ایشان تسلیم داشت.

## ۵۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

دکتر ابراهیم یزدی، در پایان این دیدار به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: در موارد مختلف، امام خمینی رهنمودها و دستورهای لازم را دادند و نتیجه نهایی، بعد از مذاکره با شورای انقلاب اعلام می‌شود.

دکتر ابراهیم یزدی، در پاسخ این سؤال خبرنگار خبرگزاری پارس که اختلافات در سیستان و بلوچستان، به چه دلیل و بین چه گروه‌هایی به وجود آمد؟ گفت: مشکلات استان، دارای ریشه‌ها و علل سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی و اجتماعی است و تظاهر خارجی این مشکلات گاه به صورت اختلاف بین مذاهب و یا طوایف مختلف بروز می‌کند، اما در واقع اینها ریشه‌های اصیل و مشکل اساسی نیست و به نظر من و هیئت اعزامی، هم‌وطنان بلوچ و سیستانی و شیعه و سنی، با کمال برادری و دوستی می‌تواند با هم با صلح و صفا زندگی کنند و با وحدت و مشارکت، همفکری، هم‌قدمی و همکاری به ترمیم خرابی‌های شصت ساله استبداد پهلوی در استان بپردازند.

دکتر ابراهیم یزدی، در پاسخ این سؤال که آیا امکان بروز حوادثی از این قبیل می‌رود یا نه؟ گفت: در حال حاضر خیر. وی در مورد مذاکرات خود در سیستان و بلوچستان، اظهار داشت که در این سفر با معتمدین تمامی گروه‌ها و قشرهای مردم گفتگوهای داشتیم.

دکتر ابراهیم یزدی در پاسخ این سؤال که به دنبال سفر شما به سیستان و بلوچستان، چه اقداماتی در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های استان به‌طور ضربتی به عمل آمده است؟ اظهار داشت: برای رفع مشکلات، با مقامات ذی‌ربط در تماس هستیم و مطمئنیم با صداقتی که در آنها هست، این مشکلات برطرف خواهد شد و در مورد خواست‌های عنوان‌شده نیز، زمینه‌های مساعد برای پذیرش آنها وجود دارد و هیئت امیدوار است به زودی نتیجه نهایی را اعلام نماید و در آینده نزدیک امیدواریم بار دیگر به این منطقه سفر کنیم.

دکتر ابراهیم یزدی در پاسخ این سؤال که استان بعدی که به آنجا سفر خواهید کرد، کدام است و چه موقع صورت می‌گیرد؟ گفت: این بستگی دارد به درخواست‌ها و مطالب رسیده که پس از بررسی لازم، با دادن اولویت نسبت به سفر تصمیم خواهیم گرفت.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۵۷

دکتر ابراهیم یزدی درباره‌ی کاندیدایی خود برای ریاست جمهوری گفت: فعلاً چنین قصدی ندارم. در همین مسئولیتی که در حال حاضر دارم، خدمت به مردم و کمک به رفع مشکلات را ادامه خواهم داد [پیوست ۱۰].

### گزارش به ملت

در روزهای پرآشوب زاهدان، خبرنگاران رسانه‌های خارجی متعددی به زاهدان آمده بودند و مرتب اخبار رویدادها را منعکس می‌کردند. در روزنامه‌های تهران نیز خبرهای بسیاری چاپ شده بود، اما گزارش کامل هیئت اعزامی منعکس نشده بود؛ بنابراین، ترتیبی داده شد و در ۱۴ و ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۸ دو شب پی در پی در حسینیه‌ی ارشاد در باره‌ی مسائل سیستان و بلوچستان به تفصیل سخن گفتم.

### جمع‌بندی کلی مسائل سیستان و بلوچستان

#### زمینه‌ها و عوامل چالش و بحران در استان سیستان و بلوچستان

۱- **ضعف فرهنگی:** درصد بی‌سوادی بسیار بالاست؛ خصوصاً در میان بلوچ‌ها و زن‌ها. این مسئله را از تعداد اندک دختران بلوچ در مدارس می‌توان آشکارا مشاهده کرد؛ در نتیجه مقدار نیروی انسانی متخصص و نیمه‌متخصص بومی در منطقه تقریباً صفر است؛ به‌طوری که در میان پرسنل فنی اداره‌ی مخابرات استان، تنها سه تکنیسین بلوچ وجود دارد.

همچنین نابسامانی‌های موجود در اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه قابل ذکر است. فقدان پوشش رادیو - تلویزیونی در اکثر شهرهای منطقه، این فقر فرهنگی و بیگانگی مردم این منطقه با تحولات انقلاب ایران را تشدید کرده است. اکثر مناطق بلوچ‌نشین تنها زیر پوشش رادیویی بی‌بی‌سی است. زابلی‌ها به دلایل تاریخی و همبستگی مذهبی از نظر فرهنگی در وضع نسبتاً بهتری قرار دارند.

۲- **فقر اقتصادی:** منطقه تقریباً فاقد هر نوع تأسیسات تولیدی است. بی‌کاری در حادثترین شکل آن دیده می‌شود. قاچاقچی‌گری و درآمدهای ناشی از آن، تنها شغل

## ۵۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

رایج در منطقه خصوصاً در میان بلوچ‌هاست. از آنجا که درآمدهای کلان حاصل از قاچاقچی‌گری قابل مقایسه با درآمد از راه مشاغل عادی نیست، بخشی از نیروهای ناچیز متخصص و نیمه‌متخصص نیز به این حرفه روی آورده‌اند. این مسئله حتی نیروی انسانی موجود در منطقه را تحت تأثیر قرار داده و نوعی تبلی مزمن و تمایل به قاچاق به وجود آورده است.

### بررسی وضع جامعه‌شناسی منطقه

تیپ مردم‌شناسی استان مرکب است از اکثریت پانصد هزار نفری بلوچ‌ها، ۳۵۰۰۰۰ نفری زابلی‌ها و یکصد هزار نفر افراد غیر بومی.

بافت اجتماعی فئودالی و خان‌خانی در میان زابلی‌ها ضعیف‌تر و برعکس در بلوچ‌ها شدیدتر است. همچنین تفاوت‌هایی از نظر فرهنگ غالب تشیع و در میان زابلی‌ها و تسنن در بین بلوچ‌ها وجود دارد که تأثیرات اجتماعی خاصی در هر گروه به همراه دارد.

بلوچ‌ها متأثر از فرهنگی ایلاتی (حاکمیت خان‌ها) و مذهب تسنن، حضور کمتری در فعالیت‌های اجتماعی دارند. زن‌هایشان حتی در مراسم مذهبی و اجتماعی ظاهر نمی‌شوند و مردها در زندگی ایلاتی بیشتر به قاچاق و اخیراً به قاچاق اسلحه روی آورده‌اند و اکثراً به سلاح‌های روسی و اسرائیلی مسلح‌اند (کلاشینکف و یوزی).

**۳- وضع جغرافیایی:** در سیستان زمین‌های مستعد کشاورزی فراوان است، لیکن مسئله آب بایستی به‌صورتی برای همیشه حل و تثبیت شود و مردم معتقدند مسئله آب رودخانه هیرمند بایستی به‌صورتی تثبیت شود. وضع آب آشامیدنی در شهرها نیز خیلی مطلوب نیست و در بعضی نقاط اصلاً آب آشامیدنی وجود ندارد (چابهار، خاش، ایرانشهر). سواحل جنوب برای احداث واحدهای تولیدی صنایع شیلات آمادگی شایانی دارد (کنارک و چابهار).

**۴- وضع سیاسی منطقه:** به دلایل مختلفی که بیان شد استان سیستان و بلوچستان کمتر از تحولات انقلاب کشور متأثر بوده و تغییر عمده‌ای در آن به وجود نیامده است. در بدو پیروزی انقلاب، خان‌ها مخفی و متواری شده بودند، ولی بعداً با آرام شدن

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۵۹

اوضاع نه تنها برگشته‌اند، بلکه تحریکاتی نیز علیه دولت مرکزی می‌کنند. اغلب آنها قدرت اقتصادی نیستند، بلکه یک قدرت سیاسی - نظامی‌اند. با همکاری این خوانین، گروه‌های چپ در فروردین ۱۳۵۸ بر علیه رفراندم در زاهدان با شعار: «آری یا نه یک حقه جدید است» تظاهرات کردند. در روز رفراندوم به مراکز رای‌گیری حمله و صندوق‌ها را آتش زدند.

آیت‌الله کفعمی و مولوی عبدالعزیز در مخالفت با این گروه، همکاری با آنها را تحریم کردند و تظاهرکنندگان را سرسپردگان رژیم منحط گذشته و عوامل جنایتکار ساواک اعلام کردند که قصد بلوا و آشوب را دارند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۱۱). از نظر سیاسی چهار نیرو در منطقه حضور دارند: خان‌ها، مولوی‌ها، چپی‌ها و زابلی‌ها. خان‌ها از یک جریان ناسیونالیستی حمایت می‌کنند؛ درحالی‌که مولوی‌ها بیشتر از یک جریان مذهبی پشتیبانی می‌کنند و چپی‌ها از هر دو برای تحریکاتی متناسب با نقش آنها استفاده می‌کنند و گاهی موجب اتحاد این سه نیرو می‌شوند. زابلی‌ها تنها نیروی بومی مؤمن به انقلاب و بومی حامی دولت مرکزی هستند و مشکلاتشان با مرکز بیشتر جنبه اداری و مدیریتی دارد.

بررسی عمق تضاد و اختلاف نظر هر یک از این سه نیرو با دولت مرکزی، می‌تواند راهگشای یک خط‌مشی مشخص در رابطه با مشکلات سیاسی این استان باشد. در بررسی خواسته‌هایی که این نیروها به مردم بلوچستان تحمیل کرده‌اند این تضادها کاملاً آشکار است؛ درحالی‌که حضور پاسداران به‌عنوان یک نیروی معتقد به انقلاب و سازش‌ناپذیر، خطری جدی برای چپی‌ها به حساب می‌آید.

خان‌ها که کارگردان تجارت قاچاق هستند نیز به شدت از حضور پاسداران رنج می‌برند و در اینجا کافی است با اشاعه شایعاتی نظیر اینکه پاسداران زن‌های بلوچ را بازرسی بدنی کرده‌اند، توانسته‌اند خشم رهبران مذهبی و توده بلوچ را نسبت به پاسداران برانگیزند، و مولوی‌ها را نیز در کنار خود قرار دهند.

حضور داوطلبان جهاد سازندگی نیز به همین ترتیب از یک طرف نفوذ و حاکمیت خان‌ها را تضعیف می‌کند و از طرف دیگر با بهبود وضع محرومین و ایجاد سمپاتی در آنها نسبت به جمهوری اسلامی، انگیزه تحریکات را از نیروهای چپ می‌گیرد. لذا

## ۵۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

کوچک‌ترین نقطه ضعف و نابسامانی تشکیلاتی و اجرایی این سازمان‌ها که خیلی بعید هم نیست، مستمسک خوبی برای حادثه‌آفرینی به حساب می‌آید و این حقیقتی است که در سراسر استان آشکار است.

### رئوس مسائل مربوط به سیستان و بلوچستان

- ۱- تعویض استاندار (جریری در ۵۸/۳/۶ استاندار بلوچستان شده بود).
- ۲- مسائل مربوط به پاسداران (خاش و زابل).
- ۳- مسائل مربوط به جهاد (تقسیم زمین‌ها).
- ۴- پیگیری پرونده یازده دانشجوی بازداشت‌شده در ایرانشهر، اعزام دو تن از دستگیرشدگان اخیر و بررسی مسئله بنی‌نجاریان.
- ۵- مسائل مربوط به امنیت استان:
  - ۱-۵- تجزیه و تحلیل ترکیب ارتش در منطقه.
  - ۲-۵- انتقال سرهنگ نیک‌روش از زاهدان.
  - ۳-۵- تقسیم زمین‌های متعلق به ارتش در خاش.
  - ۴-۵- احتراز از کدسازی در بودجه نظامی.
  - ۵-۵- تشویق فرمانده ژاندارمری.
- ۶- مهاجران افغانی
- ۷- مسائل مربوط به رادیو - تلویزیون:
  - ۱-۷- زیرپوشش رادیو و تلویزیونی قرار دادن استان.
  - ۲-۷- دعوت از مولوی‌های مترقی در برنامه‌های محلی.
  - ۳-۷- احتراز از توهین به خلفا حتی معاویه.
- ۸- مسئله پاک‌سازی ادارات استان.
- ۹- مسئله تصفیه دانشگاه و پشتیبانی وزیر علوم از اقدامات رئیس دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۱۰- اعزام فرد با کفایتی به ریاست آب استان و حل مسئله آب آشامیدنی در شهرها.
- ۱۱- انتصاب حاکم شرع، امام جمعه از جانب امام برای سنی‌ها.



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۶۱

۱۱-۱- تقویت مولوی‌های مترقی.

۱۱-۲- احترام به خلفا و مقدسات اهل تسنن.

### ادامه ارتباط با مولوی‌ها

بعد از ختم آشوب در زاهدان، مولوی‌های بلوچ، بخصوص مولوی عبدالعزیز و مولوی مصلح‌الدین، ارتباط خود را با من حفظ کردند. مولوی عبدالعزیز خیلی مایل بود به دیدار امام خمینی برود، اما اعضای دفتر به او وقت نمی‌دادند و او را سر می‌دوانیدند. او به من متوسل شد.

با امام در مورد ضرورت این دیدار صحبت کردم و با جلب موافقت ایشان، با مولوی عبدالعزیز به دیدار ایشان رفتیم.

«روزنامه اطلاعات» (۱۳۵۹/۱/۲۵) این دیدار را چنین گزارش کرده است:

### «دیدار مولوی عبدالعزیز با امام خمینی»

دکتر ابراهیم یزدی به اتفاق حضرت مولوی عبدالعزیز، رهبر مذهبی برادران تسنن در بلوچستان، ساعت ۱۰ دیروز در اقامتگاه رهبر انقلاب اسلامی با امام ملاقات کردند. در پایان این دیدار، دکتر ابراهیم یزدی در گفتگویی پیرامون مذاکراتی که در محضر امام انجام شد، گفت: حضرت مولوی عبدالعزیز، از جریان مسافرت خود به هند و شرکت در کنفرانس اسلامی و همچنین مسائل جاری بلوچستان و مشکلاتی که مسئله قاجاق در بلوچستان به وجود آورده و چگونگی رفع آن گزارشی به اطلاع امام رساند و یادآور شد که قاطبه اهل سنت و جماعت، قطع رابطه ایران و آمریکا را مورد پشتیبانی قرار می‌دهند و از اقدامات اخیر دولت یعنی عراق ابراز انزجار و تنفر کرده‌اند. حضرت مولوی عبدالعزیز در ملاقات با امام، از ایشان تقاضا کرد: قطعه زمینی جهت احداث مسجد و ایجاد کتابخانه برای برادران اهل تسنن تهران اختصاص داده شود. امام خمینی، ضمن موافقت با این درخواست از دکتر یزدی خواستند که اقدامات لازم در این زمینه به عمل آورد. پیش از این ملاقات، دکتر یزدی در بیمارستان قلب مهدی رضایی حضور یافت و ضمن عیادت از حضرت مولوی عبدالعزیز که به علت

## ۵۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بیماری قلبی در این بیمارستان بستری هستند، به اتفاق ایشان عازم اقامتگاه امام شد» [پیوست ۱۱].

مولوی در این دیدار، خیلی ساده و خودمانی گفت: می‌دانید که ما سنی‌ها حاکم را هر که باشد «اولی الامر واجب الاطاعه» می‌دانیم. در زمان شاه، او اولی الامر ما بود و از او اطاعت می‌کردیم؛ حالا شما اولی الامر هستید و ما مطیع شما. او درخواست کرد که امام علاوه بر آیت‌الله کفعمی که نماینده امام و امام جمعه زاهدان است، یکی از مولوی‌ها را هم به‌عنوان نماینده خود در استان و امام جمعه، منصوب نمایند. او همچنین توضیح داد که در تهران مسجدی برای اهل سنت وجود ندارد. سفرا و کارمندان سفارتخانه‌های کشورهای اسلامی در تهران و نیز سنی‌های مقیم تهران، روزهای جمعه برای اقامه نماز جمعه در سفارت پاکستان جمع می‌شوند. او درخواست کرد که محلی برای ساختن مسجدی برای اهل سنت در تهران اختصاص داده شود. آقای خمینی با این درخواست موافقت کردند و قرار شد شهرداری تهران زمینی را برای این مقصود اختصاص بدهد. با آقای مهندس محمد توسلی شهردار وقت تهران صحبت کردم و نظر موافق امام را هم به اطلاع ایشان رساندم. ایشان هم اقدام کرد و محلی را در قسمتی از تپه‌های عباس آباد در نظر گرفت، اما این برنامه با مخالفت برخی از روحانیان صاحب نفوذ روبه‌رو شد و با استعفای آقای مهندس توسلی از شهرداری، موضوع به‌کلی منتفی شد. مولوی مصلح‌الدین به علت برخی از مشکلات پزشکی‌اش مرتب به تهران می‌آمد و به من هم تلفن می‌زد و با هم دیدار می‌کردیم و در باره ناراحتی‌هایش مشورت می‌کرد. رحمت خداوند بر هر دو. خداوند آنها را قرین رحمت و اسعه خود بگرداند. برای آشنایی خوانندگان گرامی این خاطرات و نیز برای قدرشناسی از بزرگان خردمندی که در راه زیست مسالمت‌آمیز اجتماعی کوشیده‌اند، زندگی‌نامه مولوی عبدالعزیز را که از سوی یکی از دانشوران آن خطه نوشته شده است در پیوست ۱۲ می‌آورم.

### اصل دوازدهم قانون اساسی ترمیم می‌شود

یک سخنگوی دفتر دکتر یزدی در یک تماس تلفنی با خبرنگار اطلاعات، پیشنهاد تغییر در اصل ۱۲ قانون اساسی را مورد تأیید قرار داد. وی گفت: یزدی تغییر در این اصل را

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۶۳

به صورت پیشنهاد به حضور امام تسلیم کرده و مورد موافقت امام نیز قرار گرفته است و قرار است مطالعه بر سر تغییر آن در مجلس شورای ملی که پس از انتخابات تشکیل خواهد شد، مورد بررسی و تصویب قرار گیرد.

همین سخنگو یادآوری کرد که دکتر یزدی برای ملاقات با امام صبح امروز به قم سفر کرده است.

### گزارش به شورای انقلاب

پس از گزارش به امام، در جلسه شورای انقلاب حاضر شدم و ضمن گزارش مأموریت و مشکلات استان، پیشنهاد [تبدیل] چابهار به یک بندر آزاد را مطرح کردم. موقعیت بندر چابهار در استان و در ساحل دریای عمان به گونه‌ای است که اگر به بندر آزاد تبدیل شود، ارتباط بازرگانی خوبی میان ایران (استان) با بازرگانان آسیای مرکزی و افغانستان به وجود خواهد آورد. مسئله بی‌کاری و قاچاق را نیز در استان به میزان زیادی حل خواهد کرد یا کاهش خواهد داد.

### موافقت با ترمیم اصل ۱۲ قانون اساسی

پس از بازگشت از مأموریت استان سیستان و بلوچستان، در کنار پیگیری مطالبات گوناگون مردم آن خطه، کوشیدم اعتراض و ناخشنودی علما و مردم اهل سنت را از آنچه نادیده گرفته شدن حقوقشان در قانون اساسی می‌پنداشتند و به طور مشخص اصل دوازدهم قانون اساسی را پیگیری می‌کردم؛ چنان که در دیدار مولوی عبدالعزیز با امام خمینی نیز در باره این اصل سخن گفتیم و موافقت ایشان با ترمیم این اصل مبنی بر حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی را گرفتیم [پیوست ۱۳]. فرمان امام خمینی در این باره به شرح زیر صادر شد:

«بسمه تعالی

ترمیم این اصل و بعضی اصول دیگر که در متمم قانون اساسی نوشته می‌شود و تصویب آن در صلاحیت ملت است و به رفراندوم گذاشته می‌شود، از نظر این جانب بلا مانع است.

روح الله خمینی ۱ بهمن ۱۳۵۸ / ۳ ربیع الاول ۱۴۰۰».

### استقبال از ترمیم اصل دوازدهم قانون اساسی

#### گامی در جهت وحدت و تفاهم

هیئت ویژه اعزامی به بلوچستان و سیستان به ریاست دکتر یزدی، متن پیشنهادی رهبران مذهبی اهل تسنن در مورد تغییر اصل دوازدهم قانون اساسی را به شورای انقلاب و امام خمینی تسلیم کرد که به تصویب شورای انقلاب رسید و امام خمینی ترمیم این اصل را طبق متن پیشنهادی بلامانع اعلام نموده و به آراء عمومی واگذار کردند.

اصل دوازدهم قانون اساسی در باره مذهب رسمی و حدود امتیازات پیروان مذهب مختلف اسلام سخن می گوید.

موافقت امام خمینی و شورای انقلاب با ترمیم اصل دوازدهم طبق متن پیشنهادی رهبران مذهبی اهل تسنن، امر مثبتی است که به تأمین دموکراسی بیشتر در بین هم‌میهنان کمک نموده و وحدت صمیمانه‌تری بین پیروان مذاهب مختلف و بین روحانیت بخش‌های مختلف جامعه ایجاد می‌نماید. امری که به متحدتر گشتن ملیت‌های مختلف ایران و توده‌های خلق در جهت ادامه انقلاب کمک می‌کند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های دیگر نیز کمبودهایی مشهود است و ترمیم و اصلاح و رشد و تکامل آن نیز مورد درخواست نیروهای سیاسی مختلف و اقشار مختلف مردم می‌باشد. توافق امام و شورای انقلاب با ترمیم اصل ۱۲ قانون اساسی با مراجعه به آراء عمومی سمت صحیحی را در حل اختلافات در زمینه متن قانون اساسی نشان می‌دهد. پیشنهادات و نظرات گوناگون می‌تواند و باید از طریق مسالمت‌آمیز با توجه به منافع عمومی انقلاب و توده‌ها مورد بررسی قرار گرفته و با تفاهم متقابل اصلاحات مورد درخواست مردم انجام گیرد (رنجبر ۱۳۵۸/۱۱/۲).

#### دیدار با گروهی از علمای اهل تسنن در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

در اردیبهشت ۱۳۵۹ به درخواست امام مدیریت مؤسسه کیهان را پذیرفتم. به دنبال سفر موفقیت‌آمیز به زاهدان، همان‌طور که اشاره کردم مولوی‌های بلوچ، رابطه خود را با من حفظ کرده بودند و برای حل مشکلات مراجعه می‌کردند. در ادامه این تماس‌ها

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۶۵

در ۳۱ شهریورماه، گروهی از علمای اهل تسنن، در دفترم در «روزنامه کیهان» آمدند و پیرامون مشکلات و مسائل استان، در مورد اقتصاد، فرهنگ، دین و امنیت صحبت کردند و نیز درخواست‌های اهالی سیستان و بلوچستان را در میان گذاشتند. به آنان قول دادم از تمام امکانات برای رفع مشکلات آنان استفاده خواهم کرد.

در دیدار علمای اهل سنت و جماعت با دکتر یزدی و گفتگو با خبرنگاران کیهان اعلام شد:

به استان سیستان و بلوچستان باید بیشتر توجه شود

عصر دیروز گروهی از علمای اهل تسنن در «روزنامه کیهان» حضور یافتند و با دکتر ابراهیم یزدی، سرپرست «روزنامه کیهان» و نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی دیدار و گفتگو کردند. علمای اهل تسنن مشکلات و مسائل خود را در مورد اقتصاد، فرهنگ، دین و امنیت و درخواست اهالی سیستان و بلوچستان با دکتر یزدی در میان گذاشتند و دکتر یزدی به آنان قول همه گونه مساعدت و رفع مشکلات داد. این عده سپس با خبرنگاران کیهان به گفتگو نشستند و به سؤالات خبرنگاران به شرح زیر پاسخ دادند.

### مصاحبه علمای اهل سنت با روزنامه کیهان

سؤال: ممکن است علت آمدن خودتان را به کیهان بیان دارید؟

مولوی شهاداد: برای شرکت در اردوی وحدتی که برای داشتن رابطه بیشتر با برادران تشکیل شده و همچنین برای در میان گذاشتن مشکلات و مسائل به اینجا آمده‌ایم.

سؤال: این روزها چه مسائلی بیشتر در سیستان و بلوچستان مطرح است؟

جواب: نارسایی زیاد است: از نظر اقتصادی، فرهنگی. کشاورزی بلوچستان فلج است. البته زمین فراوان است و احتیاج به حفر چاه عمیق و موتور می‌باشد. خیلی جاده‌ها آسفالت نشده. باید در سیستان و بلوچستان کار ایجاد شود. یعنی ساختن کارخانه، تولید کار کنند. بایستی مدرسه و دانشگاه تأسیس کنند تا از رفتن جوانان به خارج جلوگیری شود.

سؤال: خواسته شما به عنوان علمای اهل تسنن از دولت چیست؟

## ۵۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

**جواب:** در مرحله اول رادیو و تلویزیون نباید توهین به مقدسات اهل سنت و جماعت بنماید. در گفتارها باید دقت بنمایند. این توهین‌ها به برادران اهل سنت، در آنجا به ضد انقلاب بهانه می‌دهد تا ایجاد نفاق و کینه کنند. روزنامه‌ها از درج مطالبی که علیه علما و مقدسات اهل تسنن است باید خودداری کنند و در محاکم قضایی و ادارات از وجود علمای اهل سنت استفاده شود؛ همان‌طوری که در شهرهای دیگر از علمای شیعه استفاده می‌شود.

یکی از خواسته‌های مهم علمای اهل سنت این است که مدارک علمی علمای اهل سنت که در خارج، مثل پاکستان تحصیل کرده و یک عمر زحمت کشیده‌اند، ارزشیابی شده و از وجودشان در فرهنگ و مراکز علمیه استفاده شود. علما باید در آموزش و پرورش فعال باشند تا جوان‌ها انحراف پیدا نکنند. الآن غیرمذهبی‌ها در فرهنگ نفوذ کرده‌اند و تحریک می‌کنند. اگر علما در فرهنگ مشغول کار شوند از این انحراف‌ها جلوگیری به عمل می‌آید.

**سؤال:** اینکه می‌گویند بین شیعه و سنت اختلاف هست تا چه حد صحت دارد و اگر صحت ندارد، بیشتر از طرف چه کسانی این مسئله بروز می‌کند و عنوان می‌شود؟  
**جواب:** اختلاف بین شیعه و سنی نظیر مذاهب اربعه اهل سنت، یک اختلاف جزئی است، اما رژیم سابق به خاطر حفظ منافع خود در تشدید این اختلاف و بزرگ کردن آن می‌کوشید، اما این اختلافات دامنه‌دار نبوده، کم‌کم دارد رفع می‌شود. بعد از پیروزی انقلاب ما اختلافی نداشته‌ایم به آن صورت که موجب نفرت از یکدیگر بشود.

**سؤال:** آیا ارگان‌های انقلابی در سیستان و بلوچستان متمرثر بوده‌اند و فعالیتی داشته‌اند؟

**جواب:** جهاد سازندگی انصافاً خیلی زحمت کشیده و کار کرده و می‌کند، اما این ارگان‌های انقلابی امکانات کافی ندارند. جهاد سازندگی و سپاه خدمات مؤثری انجام داده‌اند. دولت باید امکانات بیشتری در اختیار این ارگان‌ها بگذارد و آنها را حمایت کند.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۶۷

آقایان مولوی‌ها گفتند: اما مادامی که در ادارات دیگر، تصفیه صورت نگیرد، نمی‌توان کار انقلابی انجام داد. ایشان فرماندار سراوان را مورد تأیید قرار دادند و از او به‌عنوان یک فرد دلسوز و انقلابی نام بردند.

**سؤال:** آیا مسائل دیگری در سیستان و بلوچستان در رابطه با مردم مطرح است؟  
جواب: مسئله مهم، فقر مردم است. در سیستان و بلوچستان تجارت نیست. رزق از دو راه بیشتر حاصل نمی‌شود: یا فرار به خارج برای کسب معاش و یا قاچاق فروشی، و این به دلیل نبودن کار صحیح در این منطقه است. برای جلوگیری از این مسائل باید به ایجاد کارخانه و مراکز تولیدی پرداخت و معادن را استخراج نمود.

### پیشنهاد دکتر یزدی

در اینجا آقای دکتر یزدی پیشنهاد کرد برای ایجاد هماهنگی در رفع مسائل و مشکلات سیستان و بلوچستان، بهتر است دفتری به نام دفتر سیستان و بلوچستان تشکیل شود و چند نفر از شما در اینجا بمانید تا مسائل شما پیگیری شود. آقای یزدی گفت: ما مشتاقیم که مسائل شما هرچه زودتر حل شود و هر مسئله‌ای که به ما محول شود برای شما و خدمت به شما حاضریم.

دکتر یزدی همچنین به رسالت روحانیان اهل تسنن اشاره کرد و گفت: شما مسئولیت بزرگی بر عهده دارید. شما باید از نظر فکری به جوانان ما برسید و اگر خدای ناکرده آنها انحراف فکری پیدا کنند، مسئول شما خواهید بود. همان‌طوری که علمای شیعه در جوان‌ها تحرک به وجود آوردند، شما هم تحرکی در افکار جوانان پدید آورید. یزدی افزود: متأسفانه در مناطق سنی‌نشین حرکت اسلامی متریقی که قوی باشد هنوز شکل نگرفته است.

در بلوچستان این شماست که باید هدایت کنید جوان‌ها و مردم را به طرف اسلام. انقلاب ما اسلامی است و موضع شما را در میان بلوچ‌ها تقویت کرده است و توجه و عنایت مردم به شما بیشتر شده است.

در قسمتی دیگر دکتر یزدی گفت: در بلوچستان خان‌ها در ابتدای کار نمی‌گذاشتند کاری بشود و مردم را تحریک می‌کردند علیه دولت و جهاد سازندگی. اما حالا مردم

## ۵۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

فهمیده‌اند که جهاد آمده برای آنها کار کند، چاه بزند، برق بکشد. گفتند حالا که اینها می‌خواهند کار کنند چرا نگذارند؟

سؤال: به‌عنوان پیام اگر مطلبی هست عنوان کنید.

جواب: ما می‌خواهیم به حوزه‌های علمی سیستان و بلوچستان توجه اساسی شود. از علمای سنی در ادارات فرهنگ و محاکم قضایی استفاده شود و نیز مدارک علمایی که در خارج مثل پاکستان حدود ۱۵ تا ۲۰ سال زحمت کشیده‌اند ارزیابی و از وجودشان استفاده شود. به مردم مرزنشین کار داده شود که از منطقه به جای دیگری نروند و حافظ میهن باشند و نیز پیامی به مجلس داشتند که در تصویب قوانین، مذهب اهل تسنن را هم ملاک قرار دهند.

اظهارات نماینده دفتر تبلیغات امام

در پایان این دیدار، نماینده دفتر تبلیغات امام از حوزه علمیه قم که به همراهی علمای اهل تسنن به کیهان آمده بود به خبرنگار کیهان اظهار داشت:

به خاطر مستحکم‌تر کردن وحدت روحانیون شیعه و اهل تسنن، ارگان‌هایی نظیر جهاد و سپاه درخواست کرده بودند که نماینده‌ای از حوزه علمیه به آنجا برود و من به میل خود به آنجا رفتم و به خاطر گسترش وحدت، کارهای ابتدایی را شروع کردیم. از جمله برگزاری اردوی قرآن کریم که دانش آموزان از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان در آن شرکت کردند و همچنین برنامه‌های مختلف فرهنگی و بسیج نظامی در آنجا داشتیم.

وقتی آنجا رفتم دیدم واقعاً محرومیت‌ها زیاد است و مسئولین ادارات هم چون غالباً از عوامل خان‌های گذشته هستند و منافعشان به خطر افتاده، کاری برای مردم نمی‌کنند و چون بلوچستان اسمش هم از اذهان مسئولین دور بود، ما سعی کردیم فریاد بلوچستان را برسانیم. دو مصاحبه در استان انجام دادیم که در آنجا به مسئولان استانداری، دادستان انقلاب، مراکز انتظامی اخطار کردم و بعد حملات آنها شروع شد. مشکلات مفصل است. مهم‌ترین مسئله موضوع استاندار است که باید فردی قاطع، کارآمد و دلسوز باشد که وابسته به هیچ گروهی نباشد و در ضمن از پشتیبانی مرکز هم برخوردار باشد [پیوست ۱۴].



### شرکت در کمیسیون مشورتی در باره بلوچستان

در بهمن ماه ۱۳۵۹ برای شرکت در یک کمیسیون مشورتی در مورد وضعیت بلوچستان دعوت شدم. موضوعات مختلف مربوط به این استان مورد بحث قرار گرفت. من هم به سهم خود برای یافتن راه حل‌ها و کاهش خطرات تهدیدکننده، نظرات خود را مطرح کردم. برخی از این نظرات در گزارش کمیسیون، به شرح زیر، منعکس شده است.

صورت‌جلسه کمیسیون مشورتی مورخ ۵۹/۱۱/۰۹ و ۵۹/۱۱/۱۲

در این جلسه، موضوع احتمال تشدید تشنج در بلوچستان ایران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به نظر کمیسیون، مسئله بروز اغتشاشات در بلوچستان ایران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و مطامع ابر قدرت‌ها بخصوص شوروی از دیرباز، خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی مطرح بوده است. از طرف دیگر زمینه‌هایی از جمله فقر مادی، درصد بالای بی‌سوادی، کمبود آب برای مصارف شخصی و کشاورزی، نقل و انتقال اسلحه غیرمجاز، طرح مسئله شیعه و سنی، عدم ادامه بعضی طرح‌های عمرانی به علل مختلف و علی‌الخصوص مشکل صدها هزار آواره افغانی در آن سرزمین که عوامل مساعدی برای نفوذ و تحریک دول خارجی در آن منطقه می‌باشد، زمینه ناآرامی را در بلوچستان فراهم ساخته است. در ماه‌های اخیر وقوع حوادث ناگوار در این منطقه همگی حکایت از تشدید و انسجام فعالیت‌های چریک‌های بلوچ دارد و گزارشات حاکی از آن است که دولت عراق با استفاده از موقعیت کنونی ایران، کمک‌های زیادی به سران عشایر بلوچستان ایران و پاکستان نموده تا در سرتاسر بلوچستان دست به آشوب بزنند.

اتحاد جماهیر شوروی از دیرباز برای دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس و ذخایر زیرزمینی منطقه، برنامه‌هایی برای تشکیل یک کشور بلوچستان - مشتمل بر قسمتی از خاک ایران، افغانستان و پاکستان - در نظر داشته و نقشه‌هایی نیز در این زمینه منتشر گردیده است. با اشغال افغانستان و بروز جنگ بین ایران و عراق، زمینه مساعدی برای پیشبرد مقاصد شوروی فراهم شده است. به علاوه آمریکا نیز برای خنثی نمودن طرح‌های شوروی در این زمینه در اندیشه آن است که قبل از شوروی

## ۵۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نسبت به تشکیل کشور و حکومتی طرفدار و وابسته به خود در همین منطقه اقدام نماید تا راه را برای نفوذ شوروی به خلیج فارس، که خطر بالقوه‌ای برای منطقه و ملاً غرب، می‌باشد، ببندد.

کمیسیون مشورتی با توجه به جنبه‌های مختلف امر و خطر بالقوه در این منطقه و لزوم انجام اقدامات عاجل و همه‌جانبه برای خنثی نمودن توطئه‌های داخلی و خارجی پیشنهاد می‌نماید:

### الف - اقدامات داخلی

۱- ترتیباتی اتخاذ گردد تا از دامن زدن به اختلافات بین برادران شیعه و سنی اکیداً جلوگیری شود تا توطئه‌های خارجی برای ایجاد اختلاف و شکاف میان شیعیان و اهل تسنن خنثی گردد (از جمله انتصاب بعضی از مقامات محلی از میان برادران اهل تسنن معتمد مردم).

۲- ایجاد اشتغال وسیع از طریق دنبال نمودن برنامه‌های عمرانی و به راه انداختن صنایعی در منطقه که به عللی خوابیده و همچنین ادامه و اجرای طرح‌هایی جهت آب رسانی و ذخیره آب به منظور کشاورزی (از جمله ادامه ساختمان سد «پیشین» و «تأسیسات چاه نیمه»).

۳- اجرای سریع طرح تبدیل چابهار به یک بندر آزاد و اقدامات وسیع و مؤثر جهت جلوگیری از قاچاق و توزیع اسلحه در منطقه.

۴- جلوگیری از تردد غیرمجاز در مرزها.

۵- اعزام هیئتی به منظور بررسی و آشنایی بیشتر با واقعیات منطقه از طریق تماس مستقیم با معتمدین مردم و نظرخواهی از رهبران مذهبی منطقه.

۶- اقدامات جدی و اساسی جهت کنترل ورود و نقل و انتقال داخلی آوارگان افغانی معمول گردد تا از نفوذ عناصر مشکوک و آشوب‌طلب جلوگیری شود.

### ب - اقدامات خارجی

از نظر خارجی مهم‌ترین مسئله، توجه کافی به مناسبات جمهوری اسلامی ایران با پاکستان می‌باشد. یکی از موضوعات مهم مطروحه در روابط میان ایران و پاکستان، که

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۷۱

طرفین در آن منافع مشترکی دارند، موضوع کنترل فعالیت‌های چریکی آشوب‌طلبان در بلوچستان می‌باشد.

اصولاً پاکستان از فعالیت چریک‌های بلوچ که جنبه تجزیه‌طلبانه دارد، بیش از مقامات ایرانی نگران بوده و به کرات علاقه خود را به انجام برنامه‌های مشترک و همکاری در زمینه برقراری امنیت در این منطقه اعلام داشته‌اند، ولی در مقابل وسایل ارتباط جمعی و مقامات ایرانی بدون در نظر گرفتن مسائل مشترک فی‌مابین، که هماهنگی در بعضی زمینه‌ها بین دو کشور را ایجاد می‌نماید، با حملات تبلیغاتی مستقیم به رژیم و مقامات پاکستانی نه تنها باعث سردی روابط دو کشور گردیده، بلکه هماهنگی و اقدامات مشترکی که به ناچار بایستی مابین دو کشور انجام گیرد، نیز به تأخیر افتاده و با تأنی انجام می‌گیرد. لذا جلوگیری از تشدید تشنج و اغتشاش و ناامنی در منطقه که ممکن است به حوادث غیر قابل کنترلی تبدیل گردد، ایجاد می‌نماید که دو کشور ایران و پاکستان صرف‌نظر از هر گونه مسئله و مشکلی در روابط خود در رفع این مشکل تشریک مساعی و هماهنگی نمایند.

لازم است یادآوری گردد شایعاتی که در مورد تشکیل یک پیمان امنیتی بین کشورهای حوزه خلیج فارس وجود دارد و مسافرت‌های ولی‌عهد عربستان سعودی و رئیس امارات متحده عربی به پاکستان و دیدارهای ضیاءالحق از چند کشور منطقه از جمله ترکیه این شایعه را تقویت می‌نماید. از طرف دیگر جانبداری پاکستان از موضع ایران در جنگ با عراق در اجلاس سران کشورهای اسلامی در طائف و مصاحبه اخیر شهنازخان دبیرکل وزارت امور خارجه پاکستان در مورد تأیید و تأکید بر مالکیت ایران بر سه جزیره خلیج فارس، مؤید آن است که در صورت صحت شایعات مربوط به پیمان امنیتی خلیج فارس، مقامات پاکستان با تردید و احتیاط نسبت به آنچه منافع جمهوری اسلامی ایران را به خطر بیندازد، برخورد می‌نمایند و لازم است دولت جمهوری اسلامی ایران حداقل برای حفظ منافع خود در منطقه بلوچستان در روابط خود با پاکستان روشی را اتخاذ نماید تا موجبات تشویق به الحاق یا نزدیکی پاکستان به چنین پیمانی و یا هر گونه توافقی از این قبیل در منطقه خلیج فارس فراهم نگردد.

**مقاله‌ای دردمندانه در پشتیبانی از پیشگامان راستین انقلاب**

مأموریت من برای حل مشکلات و اختلافات شهرستان‌ها همزمان بود با آغاز تبلیغات اولین دوره ریاست جمهوری در ایران. بسیاری گمان می‌کردند این مأموریت، نوعی مانور تبلیغاتی برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری است؛ از این رو، فرصت را غنیمت دانسته و به توهین و تهمت و تخریب دولت موقت، نهضت آزادی ایران و شخصیت‌های ملی - مذهبی می‌پرداختند. من ولی همچنان و به همان دلایلی که پس از استعفای دولت موقت، پیشنهاد همکاری با شورای انقلاب به‌عنوان وزیر خارجه را نپذیرفته بودم، تصمیمی برای نامزدی ریاست جمهوری نیز نداشتیم؛ چنان‌که هم‌هنگام عزیمت به مأموریت در سیستان و بلوچستان در پاسخ خبرنگاری که از من درباره انتخابات ریاست جمهوری پرسید، آشکارا گفتم تصمیمی بر این کار ندارم و هم‌پس از بازگشت از این استان و پس از گزارش مأموریت به امام خمینی، در پاسخ خبرنگاران گفتم: فعلاً چنین قصدی ندارم و در همین مسئولیتی که در حال حاضر دارم، خدمت به مردم و کمک به رفع مشکلات را ادامه خواهم داد. با این حال برخی از کسانی که از حضور امثال ما در پست‌های حکومتی ناخشنود بودند، یکسره در باره ما دروغ‌پردازی می‌کردند و به تخریب و توهین می‌پرداختند. در آن میان مقاله‌ای دردمندانه با عنوان «امت اسلام به چه می‌اندیشد؟» از نویسنده‌ای ناشناس با امضای «محسن - ا» منتشر شد که به‌گونه‌ای از آن همه تخریب و توهین و دروغ‌پردازی گلایه می‌کرد. نمی‌دانم این مقاله در روزنامه‌ای منتشر شد یا به‌صورت بیانیه؛ ولی نسخه‌ای از آن را که به دستم رسیده بود، بایگانی کردم و اکنون آن را از نظر می‌گذرانیم.

«باسمه تعالی

امت اسلام به چه می‌اندیشد؟

چشم‌های پرفروغ ملت رشید از بند رسته ایران همراه با قلب‌های سال‌ها تپیده در راه آزادی، همگام با گام‌های استوار به رزمگاه رفته، با یاد هزاران عزیز به شهادت نشسته، مات و مبهوت، ساکت و آرام منتظر وعده خداست. مات و مبهوت است که نگران است، ساکت و آرام است که اعتماد دارد، منتظر وعده خداست که حق است و یأس را می‌رباید. این روزها نگرانی را از چهره اکثر مردم می‌توان خواند. همه از هم می‌پرسند

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۷۳

این مقام شامخ ریاست جمهوری چه مقامی است که همه را شیفته خود کرده است. مسائل از موضوع روز به یک سال قبل کشیده می‌شود. از یک طرف می‌خواند که امام را یآوری نیست؛ از طرفی فرزند امام می‌گوید: جز شخص امام هیچ‌کس نبود، که با آمدن امام در آن شرایط به ایران موافق باشد و حالا گروه‌هایی چه با اختیار و چه تحت تأثیر جو حاکم، گروهی را که از صداقت سال‌ها مبارزه ضد رژیم بر خوردارند، به باد حمله می‌گیرند و نوک تیز حملات خود را نه بر دشمن اصلی و نه بر گروه‌های فرصت طلب که به چهره پاک‌ترین و صادق‌ترین نیروها نشانه می‌روند و تیغ را می‌بینیم که نه بر دست زنگی که لباس انقلابی بودن و غم امت خوردن بر خود پوشید و به دست دوست بر برادر می‌شورد؛ آن هم درست به کسانی که رهبری انقلاب بارها و بارها به صداقت و امانت و دیانت آنها تأکید کرده است. این معمای قدرت‌طلبی و رئیس‌جمهوری شدن چه معمایی است که برادر را به جان برادر می‌اندازد و مردم را به فکر فرو می‌برد! درد از اینجاست که در صحنه پیکار به روی هم شمشیر کشیده‌ایم و ای کاش قبل از پیکار، همه اجازه این را داشتند که مواضع خود را روشن کنند تا تکلیف مردم روشن شود و جا داشت که طالقانی‌ها، سحابی‌ها، بازرگان‌ها، چمران‌ها و یزدی‌ها بیوگرافی مبارزاتی خود را در سطح عموم منتشر می‌کردند و مدعیان انقلابی بودن نیز! نه اینکه مردم را در یک عمل انجام‌شده قرار دهند.

به فرمان امام امت همه گروه‌ها اختلافات شخصی و گروهی خود را در رویارویی با شاه کنار گذاشتند، همه یک تن شدند و حال بر سر کسب مقام ریاست جمهوری به جان هم پریده‌اند، هم شاه را و هم آمریکا را فراموش کرده‌اند. گروه‌های صادق درون خلق، با آگاهی به مسئولیت دشوار بعد از انقلاب، قبول مسئولیت می‌کنند و برادران تک‌رو و بی‌مسئولیت برای خود سرمایه‌گذاری سیاسی می‌کنند. با خون شهیدان و استخوان لهدیه فرزندان دلیر خلق، بنای آینده را می‌سازند و سر بزن‌گاه از کانال‌های خاص شروع به سمپاشی می‌کنند.

آری، توده مردم همچنان مات و مبهوت، ساکت و صبورند و نظاره‌گر این تراژدی‌اند و منتظر وعده خدا.

## ۵۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

ای برادران و ای دوستان، شما فکر می‌کنید از احساسات توده‌ها و از موقعیت خود چه طرفی خواهید بست و آب را به آسیاب چه کسی می‌ریزید؟ و اگر منظور شما این است که آقای بازرگان رئیس‌جمهور نشود، طی نامه‌ای و یا بیانیه‌ای از ملت بخواهید که به ایشان رأی ندهند و با افشاگری‌های منطقی و نه افشاگری‌های جادوگرانه به مواضع ایشان حمله کنید و از ایشان پاسخ بخواهید، نه اینکه به لطایف‌الحیل متوسل شوید و سعی بر مخدوش کردن حقایق کنید.

کسانی که دست چپ و راست خود را نمی‌دانند، حق ندارند بر شخصیت‌های مورد اعتماد امام و امت، بی‌مه‌بابا و بی‌مسئولیت بشورند و بعد که کار از کار گذشت استغفار کنند که با آگاهی به این مطلب که چه خطای بزرگ و نابخشودنی را مرتکب شده‌اند!

جالب اینجاست وقتی تلفنی با مسئولان افشاگران تماس می‌گیریم، می‌گویند: زمان انتخابات ریاست جمهوری است، همه چیز را باید گفت؛ چرا که آقای بازرگان و آقای یزدی چند ماه قبل به ما کم‌محلی کرده‌اند و به پیشنهادات ما وقتی نهادند!

آری، ملت مات و مبهوت است وقتی می‌بیند دشمنان انقلاب اسلامی ماه‌ها که همان کباده‌داران طبقه کارگر و همان منادیان دروغین آزادی که از همه بیشتر از این گروه صدمه خورده‌اند. آقایان قطب‌زاده، بنی‌صدر و یزدی را متهم به عامل سیا می‌کنند، و مردم با فریادهای «یزدی، بنی‌صدر، قطب‌زاده مثلث آزاده» توطئه‌ها را سرکوب می‌کنند. حال چه شده همان ملت «روزنامه انقلاب اسلامی» را می‌گشاید و می‌خواند که چگونه آقای قطب‌زاده به باد فحش و ناسزا گرفته می‌شود و چه شده است که مطلبی مخالف میل کسی از تلویزیون پخش شده است. چند هفته می‌گذرد باز هم مجدداً سری به «روزنامه انقلاب اسلامی» می‌زنیم. مقاله‌نویس از قول فاسقی نقل می‌کند که دو سال قبل، یزدی فلان گفت. چه شده است؟ قرار است نامزد ریاست جمهوری انتخاب شود؟ ملت می‌بیند ناگهان از کانال‌های دوست و نه دشمن بانگ برمی‌آید که یزدی با فلانی مذاکره کرده است. بر چه حقی و به اجازه کدام گروه؟! و نخست‌وزیر (بازرگان) در سال قبل را محل گام به گام مطرح می‌کند پس .....!

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۷۵

چندی نمی‌گذرد بازرگان را زیر ضربات تبلیغات و شایعه از کوره به در می‌کنند و امام مظلوم و هوشیار امت، بازرگان را مسلمانی امین و صادق و مؤمن خطاب می‌کند؛ و چندی بعد دکتر ابراهیم یزدی را مورد اعتماد خود معرفی و کوله‌باری از مسئولیت را همراه ایشان به اقصی نقاط کشور می‌فرستد. شگفتا که همه ارگان‌های دولتی و کمیته‌ها و سپاه را به یاری ایشان ملزم می‌کند.

امت به چه می‌اندیشند؟

مردم درمی‌یابند که توطئه‌ای نمی‌تواند در کار باشد و هیچ برجسبی بر چهره صادقی نمی‌چسبد و این بار، جاه‌طلبی و گروه‌گرایی - که امام همیشه از آن گریزان بوده است - مانند آفتی دامنگیر نهضت اسلامی ایران این اسوه انقلاب راستین جهان شده است. پر سابقه‌ترین گروه سیاسی که مسلح به اندیشه اسلامی است و ریشه در بطن تاریخ دارد و نهال اولیه آن را آیت‌الله طالقانی، دکتر سبحانی، مهندس بازرگان و بعد دکتر شبیبانی پایه‌ریزی کرده‌اند و بعد از شهریور ۱۳۲۰ اسلام را به‌عنوان مکتب در صحنه سیاست عرضه کردند، درست در سال‌هایی که هیچ مسلمانی جرئت نداشت در دانشگاه اسم خدا را ببرد، دکتر یزدی این مرد کاردان مورد اعتماد امام با چند نفر دیگر اساس انجمن اسلامی را بنیان می‌نهد؛ چرا که فرزند قرآن است و معلمش طالقانی و بعد پس از سال‌ها خفقان و دیکتاتوری، شریعتی‌ها و سبحانی‌ها و حنیف‌نژادها را در خود پروارنده است و مقابل فرصت‌طلبان و کچروان کباده‌دار خلق و ملی‌ایستاده است و بیرق برافراشته اسلام را همیشه در اهتزاز نگه داشته است و هرگز به دشمن پشت نکرده و تن به ذلت همکاری نداده است.

ملت، مات و مبهوت است؛ چرا که ناگهان شایع می‌شود کاندیدای ریاست جمهوری آقای جلال‌الدین فارسی آن هم از حزب جمهوری اسلامی که پاک‌ترین فرزندان اسلام گرداننده آن هستند، ناگهان چند روز قبل در خاطرش زنده می‌شود که این برادر در نماز جمعه سخنرانی کرده است. شگفتا چه رابطه‌ای است بین نماز جمعه و کاندیدای ریاست جمهوری؛ آن هم در این فاصله کم آیا مردانی چون دکتر عباس شبیبانی با کوله‌باری از رنج و مبارزه و تحمل شداید زندان‌های آریامهری و شوریده بر دشمن در طول سال‌ها که در حزب جمهوری عضویت دارد و هرگز سخنی به تهمت

## ۵۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

و افترا به زبان نیاززده و پاکی و صداقت و لیاقت در چهره نحیف و زجر کشیده‌اش از هیچ کس پوشیده نیست، لیاقت و صلاحیت رئیس‌جمهوری را دارد یا آقای جلال‌الدین فارسی ... که با وجود مبارز بودن، زبان به تهمت نسبت به امام موسی صدر و دکتر چمران و غیره به‌عنوان طرفداری از فلسطینی‌ها گشوده است؛ حال این فلسطینی‌ها از چه مکتبی پیروی می‌کنند، مهم نیست؟ آیا قضاوت ابوعمار در مورد امام موسی صدر همان است که قضاوت آقای فارسی است؟ از گفته‌های ابوعمار که امام موسی را دوست و یاور فلسطینی‌ها می‌داند باید فهمید.

اکنون که بازرگان‌ها و ..... خود را به لباس تقوا آراسته‌اند، مهر سکوت بر لب دوخته‌اند و از خدا می‌خواهند که با این برخوردهای غیرمسئولانه، عاقبتشان به خیر شود و به دست دوست در مسلخ دشمن ذبح شرعی نشوند، تنها راهی که برای ملت اسلام می‌ماند این است که سیاست دنیا را به شیفتگان‌ش واگذار کنند و هرگز خدمتگزاران خود را از دست ندهند. والسلام.

محسن. ۱ - ۱۳۵۸/۱۰/۱۰ [پیوست ۱۵].



## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۷۷

### پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل دوم

#### پیوست ۱- گزارش به نخست‌وزیر در باره انتقال سلاح از افغانستان به بلوچستان

خیلی فوری - خیلی محرمانه  
شماره ۱۵۲/۲۸ - ۵۳۷/۱۷  
جناب آقای مهندس مهدی بازرگان - نخست‌وزیر  
تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۵  
آقای [گلبدین] حکمتیار، تبعه افغانستان و رئیس حزب اسلامی افغانستان که مدتی است در پاکستان به سر می‌برد و در فعالیت‌های ضد دولت افغانستان شرکت دارد، در تاریخ ۱۳۵۸ / ۲ / ۸ به وزارت امور خارجه مراجعه و اظهار داشت در حدود سیزده یا چهارده روز قبل، شخصی به نام قادر حسینی بلوچ - که در لاس‌بلا واقع در بلوچستان پاکستان زندگی می‌کند - به وی گفته است: تعداد صد قبضه تفنگ ۳۰۳ ساخت انگلستان را به چند نفر ایرانی فروخته است. فروشنده افزوده است که خریداران تفنگ‌ها به وی گفته‌اند آنها را برای استفاده علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران و حضرت آیت‌الله العظمی خمینی به‌کار خواهند برد. طبق اظهار فروشنده، تفنگ‌ها از طریق لاس‌بلا، تروار، تربت و مند به بلوچستان ایران حمل گردیده است. در امر انتقال تفنگ‌ها به بلوچستان ایران، افراد بلوچ شرکت داشته‌اند. آقای حکمتیار در توضیحات خود افزود که فروشنده تفنگ‌ها ابتدا قرار بوده که آنها را به او بفروشد، ولی بعد معامله با شخص دیگری که شرح آن گذشت، صورت گرفته است. طبق اظهارات آقای حکمتیار، بهای هر قبضه تفنگ، مبلغ هفت هزار روپیه پاکستانی، معادل ۷۰۰ دلار آمریکایی می‌باشد.

مراتب جهت استحضار اعلام گردید.

وزیر امور خارجه - ابراهیم یزدی

گیرنده: جناب آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی، وزیر کشور

تیمسار سرلشگر فرید، وزیر دفاع ملی

پیوست ۲- نامه به مهندس بازرگان در باره بلوچستان  
تصویر نامه محرمانه دکتر یزدی به مهندس بازرگان در باره گزارش حکمتیار

اداره پنجم سیاسی	شماره ۱۵۴/۵۷۸-۱۸۴	تاریخ ۲۱/۱۰/۵۸	پست
جمهوری اسلامی ایران			
وزارت امور خارجه		دولت جمهوری اسلامی ایران	
جناب آقای مهندس مهدی بازرگان - نخست وزیر			
<p>آقای حکمت یار تبعه افغانستان و رئیس حزب اسلامی افغانستان که مدتی است در پاکستان بسر میبرد و در فعالیتهاى ضد دولت افغانستان شرکت دارد در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۸ بوزارت امور خارجه مراجعه و اظهار داشت در حدود ۱۳ تا ۱۴ روز قبل شخصی بنام تاد رحسینی بلوچ که در لاس بلا واقع در بلوچستان پاکستان زندگی می کند بوی گفته است تعداد صد قیضه تنگه ۳۰۳ ساخت انگلستان را بچند نفر ایرانی فروخته است . فروشنده افزوده است که خریداران تنگها بوی گفته اند آنها را برای استفاده علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران و حضرت آیت الله العظمی خمینی بکار خواهند برد . طبق اظهار فروشنده تنگها از طریق لاس بلا - ترور - تریب - منسد به بلوچستان ایران حمل گردیده است . در امر انتقال تنگها به بلوچستان ایران افراد بلوچ شرکت داشته اند .</p> <p>آقای حکمت یار در توضیحات خود افزود که فروشنده تنگها ابتدا قرار بوده که آنها را باو بفروشد ولی بعد معامله با شخص دیگری که شرح آن گذشت صورت گرفته است . طبق اظهارات آقای حکمت یار بها* هر قیضه تنگه مبلغ هفت هزار روپیه پاکستانی معادل ۷۰۰ دلار آمریکایی می باشد . مراتب جهت استحضار اعلام گردید ۲۰</p>			
وزیر امور خارجه - ابراهیم یزدی			
گیرنده: جناب آقای احمد صد رحاج سید جواد ی - وزیر کشور تبعه سارسلوگر فرید - وزیر دفاع ملی			
تبعه سارسلوگر فرید - وزیر دفاع ملی			

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۷۹

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان - نخست‌وزیر

شخصی که خود را مطلع به اوضاع بلوچستان معرفی می‌نمود بر طبق قرار قبلی به وزارت امور خارجه مراجعه و مطالبی اظهار نمود که ذیلاً از نظر عالی می‌گذرد:

نام‌برده که تبعه ایران می‌باشد حدود ۱۴ سال از عمر خود را در زندان گذرانیده و مدت‌ها در زندان قصر تهران نیز در حبس بوده و آخرین بار که در سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۳ از زندان آزاد شده تا کنون مجدداً زندانی نشده، ولی آزادی مسافرت نداشته و هرگاه هم می‌خواسته به بلوچستان برود می‌بایستی قبلاً از دولت کسب اجازه می‌نموده است. مشارالیه اضافه نمود: در رژیم سابق از دولت کمک‌های مالی دریافت می‌داشته و حتی دولت به هر یک از دو پسر وی برای ادامه تحصیل ماهانه مبلغ ده هزار ریال پرداخت می‌نموده و در حال حاضر یک پسر وی در سال آخر دانشکده پزشکی دانشگاه ملی و فرزند دیگرش در سال دوم دانشکده معماری و شهرسازی تهران مشغول تحصیل می‌باشند.

وی اظهار داشت: از مطالبی که بیان می‌کند هیچ منظور و مرادی جز خدمت به میهن ندارد و چشم‌انتظار پاداش مالی هم نیست. فقط چون فرزندان وی باید در آینده در این مملکت زندگی کنند، می‌خواهد به مملکت خدمت نموده تا با بهبود اوضاع کشور، همه کس و از جمله فرزندان وی بتوانند در این آب و خاک بهتر زندگی کنند. نام‌برده اضافه نمود که راجع به این مطالب قبلاً با بعضی از آقایان وزرا، از جمله تیمسار مدنی و بعضی از مقامات دولتی صحبت کرده و اکنون به منظور جلب توجه جدی دولت می‌خواهد اطلاعات خود را در اختیار این‌جانب بگذارد. وی اظهار داشت مطالب وی مربوط به فعالیت‌های تجزیه‌طلبی است که اینک در بلوچستان ایران و پاکستان جریان دارد و چون او تا اندازه‌ای از آنها مطلع است، آمده است که تا دیر نشده دولت را در جریان بگذارد. به نظر مشارالیه از سه طریق مختلف برای ایجاد اغتشاش در بلوچستان فعالیت می‌شود:

۱- به وسیله سلطان قابوس، پادشاه عمان.

۲- به وسیله سردار غوث‌بخش بیزنجو و سردار عطاء الله مینگل از شخصیت‌های متنفذ بلوچستان پاکستان.

## ۵۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۳- غیرمستقیم به وسیله افغان‌ها.

نام‌برده توضیح داد: به‌طوری که همه می‌دانند سلطان قابوس همه چیز خود را مدیون شاه سابق ایران بوده و حالا قصد خدمتگزاری متقابل به وی دارد. از آن گذشته ۴۰ تا ۵۰ درصد سکنه عمان را بلوچ‌ها تشکیل می‌دهند و نیز تا ۸۰ درصد ارتش عمان از بلوچ‌ها تشکیل یافته و با اینکه خود سلطان قابوس عرب است، ولی بلوچ‌ها در دولت عمان صاحب نفوذ می‌باشند. وی اضافه کرد که بلوچ‌ها در زمان شاه سابق و پدرش از ایران فرار کرده و به شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس و سایر کشورها رفته و در آنجا اقلیت‌هایی به‌وجود آورده‌اند. من باب مثال اکنون حدود یکصد هزار بلوچ ایرانی در کراچی زندگی می‌کنند.

مشارالیه اظهار داشت که سلطان قابوس از طریق آب‌های خلیج فارس به ایران اسلحه می‌فرستد و دو نفر از قاچاقچیان عمده اسلحه به نام‌های رسول‌بخش و علم‌خان - ساکن شهرهای مسقط و مطرح نزدیک مسقط - را نیز معرفی نمود. در مورد فعالیت های سردار غوث‌بخش بیزنجو و سردار عطاءالله مینگل اظهار داشت که نام‌برندگان، اقدامات خود را چه به‌صورت ارسال اسلحه قاچاق و چه به‌صورت تبلیغاتی از طریق دو نفر از سران بلوچ ایرانی ساکن بلوچستان ایران [به نام‌های] آقای میرعبدی سردارزایی و آقای حاجی کریم‌بخش سعیدی انجام می‌دهند.

نام‌برده اضافه کرد که چون بلوچ‌ها با یکدیگر فامیل می‌باشند، لذا ارتباط آنان با یکدیگر چه در پاکستان باشند و چه در ایران، بسیار آسان است و به خوبی می‌توانند از دو سوی مرز ایران و پاکستان با هم تماس بگیرند.

وی بخصوص در مورد میرعبدی سردارزایی هشدار داد و گفت نام‌برده تا بهمن‌ماه گذشته که انقلاب اسلامی ایران به ثمر رسید، در زندان بود. وی حتی در زمان مرحوم دکتر مصدق محکوم به اعدام شده بود. میرعبدی، شخصی فهمیده است و به راحتی انگلیسی را تکلم می‌کند. نام‌برده تحت حمایت انگلیس‌ها بود و سابقاً با پشتیبانی انگلیسی‌ها در بیروت فعالیت می‌کرد و چریک تربیت می‌کرد و ماهانه هشتصد هزار ریال از انگلیس‌ها می‌گرفت. بعد به دعوت عراقی‌ها به بغداد رفت و در مقابل همین کار ماهانه ۱۲۰۰۰۰۰ ریال از عراقی‌ها می‌گرفت. میرعبدی با شیوخ عرب بخصوص با

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۸۱

امیر دبی و بحرین ارتباط نزدیک دارد و از طرف شخص سلطان قابوس به شدت تقویت می‌شود. میرعبدی اکنون ساکن دشتیاری نزدیک چابهار است. طرفداران یا بهتر بگوییم آدم‌ها و عده‌وی مسلح هستند و خودش در منطقه، مالیات می‌گیرد و سواحل آبی منطقه را کنترل و اسلحه قاچاق دریافت می‌دارد.

رژیم سابق برای اینکه از اقدامات وی در منطقه جلوگیری کند او را به شهرهای دیگر می‌برد و از او پذیرایی می‌کرد و به دنبال همین برنامه او را معتاد به الکل و تریاک نمود؛ به طوری که قدرت تحرک او را سلب کرد. وی اکنون اعتیاد خود را ترک نموده و از سلامت کامل برخوردار است. به هر حال وی شخصی است که بایستی به شدت مراقبت و کنترل شود.

در مورد دومین شخصیت متنفذ بلوچ ایرانی یعنی آقای حاجی کریم‌بخش سعیدی، اظهار داشت که مشارالیه آدم فهمیده‌ای است و به آسانی می‌توان با وی کنار آمد و از خدمات او استفاده کرد. نام‌برده که فعالیت وسیع کشاورزی دارد نماینده بلوچ‌ها در مجلس منحل بود. در مورد چهار نفر نمایندگان بلوچ‌ها در مجلس منحل، گفت که این اشخاص صرفاً به علت اینکه در محل دارای نفوذ بودند، انتخاب شدند و رژیم سابق نمی‌توانست در انتخابات بلوچستان دخالت کند و نماینده دلخواه انتخاب نماید. آقای حاجی کریم‌بخش سعیدی مرتباً به پاکستان آمد و رفت می‌نمایند و با سردار غوث‌بخش بیزنجو در زمان رژیم سابق حدود سه سال قبل به تهران دعوت شد و با پذیرایی در وزارت امور خارجه و وزارت دربار از وی تجلیل کردند. نام‌برده اظهار داشت که بلوچ‌های ایرانی در بلوچستان پانصد هزار نفر، بلوچ‌های ساکن کرمان و هرمزگان ۱۵۰۰۰۰ نفر، بلوچ‌های ایرانی که از ایران خارج شده‌اند و در شیخ‌نشین‌های پاکستان و سایر جاها پراکنده هستند، جمعاً حدود پانصد هزار نفر، بلوچ‌های پاکستان حدود ۳۵۰۰۰۰۰ نفر، بلوچ‌های افغانستان حدود چهارصد هزار نفر و بلوچ‌های شوروی حدود دویست هزار نفر می‌باشند. به این ترتیب اگرچه عده بلوچ‌های ایرانی که در حال حاضر ساکن ایران هستند، زیاد نیست، ولی به علت اینکه اولاً بلوچ‌ها آدم‌های خشن و سرسختی می‌باشند و ثانیاً با بلوچ‌های سایر کشورها تماس دارند، می‌توانند در صورتی که از اقدامات ضدایرانی در بین بلوچ‌ها جلوگیری نشود، تولید

## ۵۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

ناراحتی نمایند و چون آدم‌های خشنی هستند اگر خدای ناکرده درگیری در بلوچستان به وجود آمد، علی‌رغم گرفتاری کردستان، غائله بلوچ‌ها به این زودی‌ها مهار نخواهد شد.

مشارالیه در ضمن تشریح اقداماتی که برای ایجاد آشوب در بلوچستان به عمل می‌آید گفت که حدود یک ماه و نیم قبل تیمسار پالیزبان غیرمستقیم با ایشان تماس گرفته تا جنگ شیعی - سنی در بلوچستان به راه بیندازند که وی البته این همکاری را رد کرده است. او اضافه کرد به قرار اطلاع، چندی قبل فرد ناشناسی که صورت وی مزین به محاسن بوده در بلوچستان دیده شده، ولی آیا او تیمسار پالیزبان بوده است یا نه، معلوم نیست.

نام‌برده گفت که انگلیسی‌ها نیز احتمالاً بی‌کار نیستند و تحریک می‌کنند؛ چنان‌که غائله دادشاه را هم به راه انداختند. وی گفت که توده بلوچ اصولاً به ایران علاقه‌مند است و می‌خواهد ایرانی بماند، ولی در بین آنان تحریکات می‌کنند و می‌خواهند آرامش منطقه را بهم بزنند و بلوچ‌ها شاید متوجه نشوند که از تجزیه سودی نمی‌برند؛ زیرا بلوچستان چنان کشوری نخواهد شد که بتواند روی پای خود بایستد و الزاماً به مدار قدرت یک ابرقدرت کشیده می‌شود. مشارالیه یک برگ فتوکپی حاوی نقشه بلوچستان مستقل و آزاد را که دو سه ماه پیش از میرعبدی دریافت داشته بود و در آن خلیج فارس خلیج العربی ذکر شده، ارائه داد که به پیوست تقدیم می‌گردد. نام‌برده برای پیشگیری از بروز غائله و اغتشاش در بلوچستان راه حل‌های مشروحه در زیر را ارائه داد:

- ۱- دستگاه‌های امنیتی هرچه زودتر در بلوچستان تشکیل و به فوریت تقویت گردند.
- ۲- سواحل آبی بلوچستان ایرانی و مرز ایران و پاکستان بخصوص در نقاط پیشین و باهوکلالت نزدیک چابهار هرچه سریع‌تر به‌طور دقیق تحت کنترل دولت درآمد تا از ترافیک اسلحه قاچاق جلوگیری شود و یا حداقل آن را محدود سازد.
- ۳- به سرکنسولگری ایران در کوئته با گماردن مأموران زبده دستور داده شود که فعالیت سردار غوث بخش بیزنجو را که با توه‌کی ارتباط دارد زیر نظر داشته باشند.

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۸۳

۴- استاندار بلوچستان و فرماندهان ارتش ایران در بلوچستان را از افراد غیربومی انتخاب کنند.

۵- با چهار نفر نمایندگان بلوچ در مجلس منحل به ملایمت رفتار شود و نسبت به آنها سختگیری نشود؛ چه بسا خود اینها بتوانند از طریق حاجی کریم‌بخش سعیدی که قبلاً ذکر حال وی رفت، در بهبود اوضاع اقدام کنند.

۶- برای عمران و آبادی بلوچستان اقدام عاجل به عمل آید.

۷- خوانین متنفذ بلوچ بخصوص میرعبدی را به شهرهای ایران بخصوص شهرهای شمالی ایران دعوت نموده و با پذیرایی از وی ارتباط آنها را با بلوچستان قطع کنند. از خود بلوچ‌ها می‌توان برای اجرای این نیت استفاده کرد.

نام‌برده در پایان مجدداً تأکید کرد با اینکه در رژیم سابق تمام زمین‌های او را گرفته‌اند، ولی او بدون اینکه هیچ انتظاری و چشمداشت پاداش داشته باشد چون با کلیه سران بلوچ در ایران و پاکستان آشنایی و دوستی و فامیلی دارد، حاضر است در جهت آرام نمودن اوضاع و جلوگیری از بروز غائله، هر خدمتی که لازم باشد انجام دهد؛ زیرا خیر و مصلحت ایران و بلوچستان در صورت تجزیه از ایران به کام ابرقدرت‌ها فرو خواهد رفت. به نام‌برده پاسخ داده است که نسبت به اظهارات وی بررسی لازم معمول و چنانچه کاری با او باشد، مراتب به وی اطلاع داده خواهد شد. با اشعار مطالب فوق‌الذکر خواهشمند است دستور فرمایید چنانچه اقدامی می‌بایست از طرف وزارت امور خارجه انجام شود، این وزارت را آگاه سازند.

وزیر امور خارجه - دکتر ابراهیم یزدی

-رونوشت جهت استحضار و اعلام نظر برای جناب آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی، وزیر کشور ارسال می‌گردد.

پیوست ۳ - آغاز مأموریت دکتر یزدی در استان سیستان و بلوچستان

\* دکتر یزدی امروز به سیستان و بلوچستان می‌رود

## دکتر یزدی همکاران خود را به امام معرفی کرد

<p>مناسب و سریع پیدا شود و نظر مردم در رفع این نیازها تامین گردد.</p> <p>دکتر یزدی در پایان گفت: گروه سوم شکایات و درخواستها مربوط به برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی است که این‌ها را از طریق رسیدگی در محل و مذاکره با گروه‌ها و قشرها سعی خواهیم کرد راه حل‌های مناسبی که به نفع پیروزی هرچه بیشتر انقلاب اسلامی ایران باشد و در جهت تحکیم جمهوری اسلامی باشد پیدا نموده و اجرا نمایم.</p> <p>لازم به یادآوری است که در تمام موارد گزارشات فعالیت‌ها را به رهبر انقلاب و به مقامات مربوطه خواهیم داد و همچنین همکاری و هم آهنگی با شورای انقلاب است.</p> <p style="text-align: center;">* بعد از ظهر دیروز دفتر دکتر یزدی اعلام داشت، دکتر ابراهیم یزدی امروز در رأس هیئتی و بنا به دعوت اهالی استان سیستان و بلوچستان به این منطقه سفر خواهد کرد. وی در سر راه خود به منظور گفتگو با شخصیت‌های محلی یزد توقف کوتاهی نیز در این شهر خواهد کرد.</p>	<p>دکتر ابراهیم یزدی به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: مرکزی در تهران برای تمرکز فعالیتهای این هیئت در نظر گرفته شده که بزودی محل آن برای آگاهی عموم اعلام خواهد شد. خبرنگار خبرگزاری پارس از دکتر ابراهیم یزدی پرسید که شما به چه مشکلاتی رسیدگی می‌کنید. دکتر یزدی گفت: از مجموع تلگرافات و شکایاتی که رسیده سه مشکل قابل تشخیص است.</p> <p>۱ - یک نوع مشکلاتی که مربوط است به درگیری و گرفتاریهای شخصی افراد. این نوع گرفتاریها معمولاً در حدود وظایف این هیئت نیست که رسیدگی کند.</p> <p>گروه دوم مشکلات و شکایات مربوط است به اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی که پدنیال این انقلاب در جامعه ما برپا شده است و با درخواستها و نیازهایی است که اهالی مختلف شهرها و استانها در مورد تامین نیازها و احتیاجات اولیه از قبیل آب - برق - جاده دارند این مشکلات را ما بررسی می‌کنیم و با همکاری مسئولین مربوطه کوشش می‌کنیم که راه حل‌های</p>
---	--

قم - خبرگزاری پارس - دکتر ابراهیم یزدی که از جانب رهبر انقلاب اسلامی ایران مأموریت یافته است که به استانهای کشور سفر کرده و مشکلات مردم و شکایات آنان را بررسی کند امروز به منظور معرفی پنج تن از همکاران خود در قم به حضور امام خمینی رسید. دکتر ابراهیم یزدی در پایان این دیدار به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: بعد از اعلام این مأموریت از سوی رهبر انقلاب تلگرافات و نامه‌های زیادی از سوی مردم شهرستانها رسیده که هم مشکلات و شکایات خودشان را بیان کرده‌اند و درخواست کمک و رسیدگی شده است و همه قشرها و گروه‌های مختلف به پیروی از دستور امام مبنی بر همکاری در این مورد بخصوص تلگرافات متعدد رسیده است و بعد از بررسی‌های ابتدائی برنامه‌هایی تنظیم شده و به استانهای مختلف سرکشی می‌شود و اولین استان هم استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. یزدی افزود البته از طرف شخصیت‌ها و مقامات منطقه تلگراف و دعوت شده است. بنا بر این اولین محلی که می‌رویم استان سیستان و بلوچستان است که اولویت دارد.

پیوست ۴ - نمونه‌ای از شعر و ادبیات بلوچ

آقای کشکولی به ادبیات مردم بلوچ نپرداخته است. برای تکمیل آشنایی با مردم بلوچ، شعر زیر را از کتاب «حکایت بلوچ» می‌آورم:

«کوهنت بلوچانی کلات  
هنبارش ناراهین گرن



درواز گن سبزیں جورن  
سر جاهی زبری وانگن  
بوپه بدل سبزیں سکنت  
همراہنت جنت جنیک گودالہ  
بلنت براکین نیز ہنتت  
زما تنت تیزی خنجرہ  
برا تنت بدل شیر ازنت  
آپار پرکی کند منت  
خوراک بدل کیش و کونل  
آمرت کہ ہونانت گرفت  
ترک زن و زال کننت  
کلات بلوچ، کوهستان است  
کہ هیچ کسی را یارای رفتن بہ درون آن نیست  
گذرگاہم تنگہہای سبز  
بالش زیر سرم، سنگ سخت  
بسترم ماسہ بیابان  
راہنما و بلدم شمشیر بران  
دامادم خنجر آبدار  
برادرم تفنگ من  
آب خوری ام کندہہای پرک  
خوراکم کیش و کونل  
مردی کہ بہ خون خواہی برمی خیزد  
باید ترک زن و زال بگوید<sup>۱</sup>

---

۱. حکایت بلوچ، ص ۱۸۷ - ۱۸۸.

پیوست ۵ - گزارش سپاه زاهدان از حادثه عیدگاه، آشوب چپ‌ها و دعوت مردم به آرامش

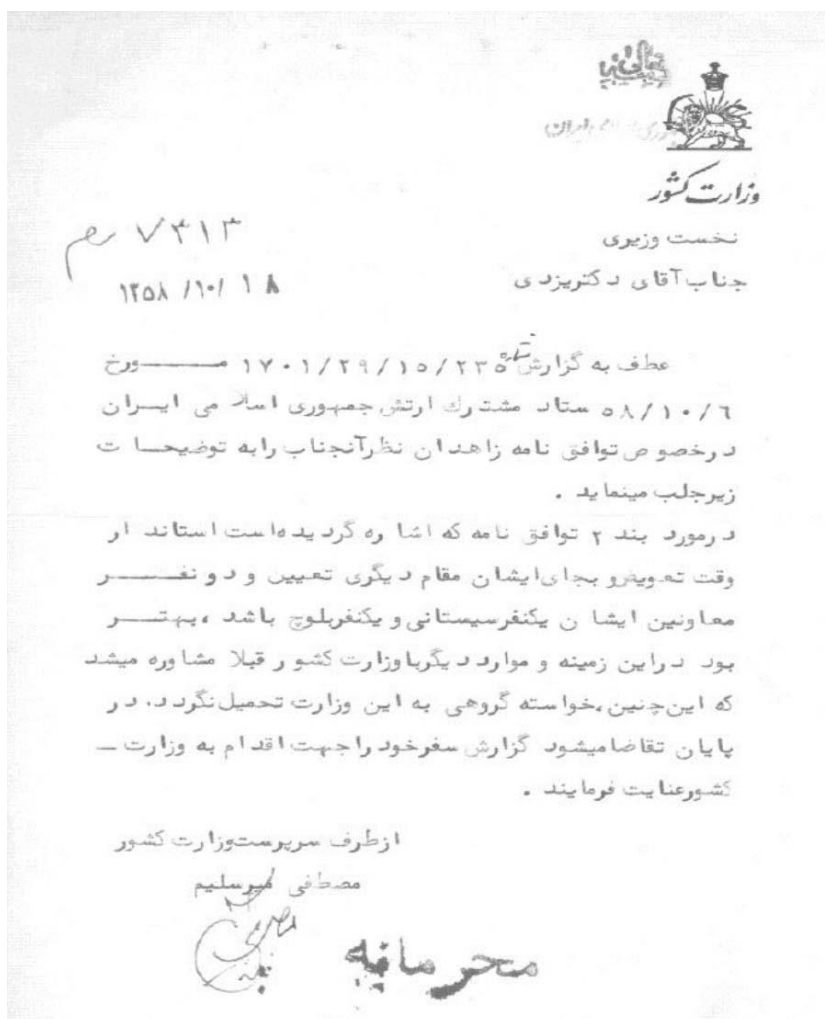
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَسَابِقٌ

بسیار متأسفانه حمله گریزناپذیر شیطان و شیطان صفتان ضعیف و سست و پوئالیسی است .  
 از آنجایی که برای مطرح نمودن مشکلات استان بنا به دعوت حضرت مولی‌العیزین ساعت ۹  
 بهمداد صبح پنجشنبه ۵۸/۹/۲۹ اقصی و طبقات مختلف مردم بسوی عیدگاه می رفتند از همان  
 اول صبح گروه خاصی که بین آنها بعضی از چپ‌نما های منطقه با لباسهای بلوچی و بعضی  
 کوری شمارغلی در جهت تحریک مردم در رابطه با اخراج استاندار و پاسداران و مسئله خود  
 بخاری میدادند بسوی عیدگاه شتافته و در آنجا به تحریک مردم بلوچ پرداختند که در حین  
 تحریکات آنها برادران و خواهران سیمتانی به عیدگاه رسیدند که از طرف همان گروه مذکور  
 بنام سیمتانی ها سنگ پرتاب کردند و عکس‌اسام را پاره کردند و تیراندازی بسوی مردم  
 شروع شد از پشت سنگرهای قبلا آماده شده در کوه عیدگاه که بیانگر طرح و نقشه قبلی جهت  
 جدگیری از سخنرازی دکتر یزدی نماینده امام بود و همچنین به آشوب کشاندن منطقه با صرف  
 به سؤال امیدالایم که در قالب شمارغلی خلقی کشتار براه انداخته و علیه انقلاب اسلامی  
 ایران توطئه می نمایند تاگفته نمائند که در این واقعه دو نفر شهید و چند نفر زخمی گردیدند .  
 لذا اینکه ما از مردم سندان و مشهد شهر منبرآینه خواستاریم :  
 ۱- با کمال عوسیلاری در جهت شناسایی عوامل برچون آورنده حادثه اقدام نمایند .  
 ۲- با تمام جدیت در حفظ نظم و آرامش شهر دوره تا این عناصر معلوم الحال و سرسپردگان  
 اسلام و رژیم سابق نتوانند چهره مردمی به این عمل ناجوانمردانه شان بدهند .

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»  
 «زاهد سندان»

مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۸۷

پیوست ۶- نامه انتقادی و تذکرآمیز مصطفی میرسلیم، سرپرست وقت وزارت کشور به دکتر یزدی



پیوست ۷- تصویری از خاش

«هوا تاریک بود هنوز که برخاستیم و راه افتادیم طرف خاش. بوی گل‌بهی سحر، موج می‌زد در هوا. نخست جاده‌ای خاکی و هموار. درخت‌های گز، پیکرهایی تکیده، در دو طرف جاده، تا کلاته رزاق‌زاده. بعد شروع شد بلافاصله، سنگلاخ‌ها و تپه‌های شنی و خط باریک و پله‌کانی جاده. ایستگاه ژاندارمری قطار خنجک. و باز راه پر پیچ و خم. روشن شده بود آبی آسمان که رسیدیم به کوه تفتان. دو قلّه بلندش، جفت همدیگر، همچون کوهان‌های شتری دو کوهانه. آبی آسمان و ارغوانی خورشید، مانند دو جوال سنگین آویخته بین کوهان‌ها. زبانه می‌کشید از تنوره میان قله‌ها، فسفری شیخ دودی، گاهی محو، مثل رؤیای محال، و گاهی پیدا، مثل سراب در روشنایی خاکستری و عمیق سحر.

روبه‌روی کوه کمی جلوتر، کفه هموار دشت گوهرکوه. چند کیلومتری بعد، تخت رستم. تخته‌سنگی کبود و بلند، یکپارچه سنگ، طلایی موج و درخشان پرتو آفتاب بامدادی، همچون شرابه‌های جاری فرشی زرین، پوشانده بود سریر سنگی تخت را، ولی خالی بود جای رستم. خورشید نشست به بود، تنها، بر تخته‌سنگی.

باز جاده و دست انداز و گودال. باز گرد و خاک متراکم درون اتاقک جیب. باز سر و صدای فنرها و آهن‌ها و آهن‌ها. سایه‌های سبز، برق می‌زدند مثل سراب، در دوردست آفتاب و بیابان، جلوی دیدگان ما. می‌رسیدیم به خاش. حالا هموار شده بود جاده. دو طرف جاده، جوی‌های آب، زیر سایه محو درخت‌های گز. آن سوی درخت‌ها، کرت‌های کوچک گندم، ساقه‌های سبز و تنک گاهی کنار هم و گاهی پراکنده. گله به گله تل‌های ماسه میان کرت‌ها. پرچین بته‌های خشکیده خار، گرداگرد کرت‌ها.

بعد، میدانی آسفالت. خاموش بود شهر. وسط آسفالت میدان، حوضی و فواره‌ای. اطراف حوض، درختان سرسبز باغ. آنگاه خیابانی آسفالت. پمپ بنزینی. دکان‌ها، دیوار گلی خانه‌ها، ردیف تابلوها، بالای چهارچوب باریک درهای چوبی: شهرداری، پست، بهداری، ثبت، تلفن و تلگراف، ژاندارمری، بخشداری ...»<sup>۱</sup>

۱. حکایت بلوچ، ص ۱۹ - ۲۰.

پیوست ۸- توصیف وضعیت زابل از کتاب «حکایت بلوچ»

«این بار همسفر ما اهل زابل بود: زادگاه رستم دستان. به قول خودش، می‌گفت مردم سیستان با بلوچ‌ها رقابت دارند. روی تابلوهای دولتی، در زابل می‌نویسند: استانداری بلوچستان و سیستان. می‌نازید به زابل و زابلی‌ها. می‌گفت: می‌دانید رستم، زابلی بوده است؟ زال هم اهل زابل بوده است. و چون زابلی، نام جهان پهلوان را بر زبان می‌آورد، می‌درخشید چشمانش و فراخ می‌شد سینه‌اش. چنین می‌سرود که نشانه‌ها و آثار فراوانی از رستم دستان در دشت‌ها و کوه‌های زابلستان دیده می‌شود و نقش سم‌های رخش بر سینه کوه‌ها و یال سنگی بلندی‌ها برجای مانده است هنوز. و با صداقت، معتقد بود همه این آثار متبرک هستند و گرامی.

قدم به قدم می‌گذشتیم از کنار ستون‌های سیمانی. از همسفر زابلی، حکمت ستون‌ها را پرسیدم. معلوم شد شاهکارهای ایتال کنسول [است که] برنده مناقصه پروژه آبادانی بلوچستان شده بود. چند نفر ایتالیایی آمده بودند بلوچستان. مدتی اُتراق کرده بودند. خدا می‌داند چقدر پول گرفته بودند. ستون‌ها را ساخته بودند، حواله داده بودند به بلوچ‌ها، و جمع کرده بودند بار و بندیل‌شان را؛ ده برو که رفتی. راستش را بخواهی، همه‌اش کلک است؛ یک جور حقه‌فرنگی است.

حکایت‌ها نقل کرد: از مظالم خاندان شوکت‌الملک عَلم در زابل. و گفت چگونه یک روز مردم جان‌به‌لب‌رسیده زابل، قیام کرده بودند و تبار امیر را ریخته بودند بیرون از زابل.

- چطور شد سیم‌بان شدی؟

- اول در بانک صادرات استخدام شدم، ولی دیدم در بانک تأمین نمی‌دارم.

- چرا؟

- مگر خبر ندارید بانک صادرات با کارمندان خود چه معامله‌ای می‌کند؟

- با حقوق ناچیزی جوان‌ها را استخدام می‌کرد، چند سال، شب و روز، از آنها کار می‌کشید، خسته و فرسوده‌شان می‌کرد؛ آن وقت تا کمی حقوقشان بالا می‌رفت، بهانه‌ای می‌گرفت و بیرونشان می‌کرد از بانک. به جای آنها، جوان‌های تازه‌نفس استخدام می‌کرد.

## ۵۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیش از آنکه بانک زیر پایش را جارو کند، خودش استعفا داده بود و رفته بود کلاس مخصوص سیم‌بانی دیده بود، و شده بود سیم‌بان. حالا در پاسگاهی نزدیک ایرانشهر روزگار می‌گذراند: شب‌ها و روزها، ماه و سال. چه سالی، که نه تابستانی داشت و نه زمستانی؛ نه بهاری و نه پاییزی! یک توپ کرباس سیاه و سفید بود که باز می‌شد به تدریج، باز می‌شد و باز می‌شد، آنقدر تا تمام شود.

هربار گذارش می‌افتاد به ایرانشهر، یک بطری عرق کشمش می‌خرید، با خودش می‌برد به اتاقش. سرگرمی، تنوع، شادمانی، عشق، خلاصه عصاره زندگی مرد، همان زلال بی رنگ تلخ‌وشی بود که در شیشه عرق بود. می‌ریزم توی استکان. استکان پشت استکان می‌اندازم بالا؛ شب و روز، تا تمام شود ... تا تمام شود.

شکوه داشت که گاهی چند ماه یک بار هم، دستی نمی‌کوبید در کلبه‌اش را، و نمی‌خواندش صدایی.

گرداگرد پاسگاه، کویر بود و آسمان. فریاد به فریاد نمی‌رسید. جوان آرام شده بود و در خود فرو رفته بود. سرش افتاده بود روی سینه‌اش. شانه‌هایش آمده بودند بالا. دو طرف گردن و سرش، مثل دسته عصای نیین.

پس از لحظه‌ای زمزمه‌کنان گفت: محصل بودم، حشیش می‌کشیدم. در زابل، حشیش حافظه و هوش آدم را خفه می‌کند، تن را کرخت می‌کند. دو سالی که حشیش کشیدم، یواش یواش، حافظه‌ام خراب شده، خراب شد، حواسم پریشان شد، نتوانستم درس بخوانم، ترک تحصیل کردم.

خدا، کمکش کرده بود و مولا همت کرده بود، تلاشی کرده بود و توانسته بود حشیش را بگذارد کنار؛ وگرنه، به قول خودش، فنا شده بود. می‌دانید، در زابل، جوان‌ها بیشتر حشیش می‌کشند. سرگرمی و مشغله دیگری ندارند. تریاک هم فراوان است. شیره هم زیاد است. زابلی شیره بیشتر دوست دارد از تریاک. شیره خیلی زور دارد، خیلی نشئه دارد و گرم است؛ برعکس تریاک، که سرد است»<sup>۱</sup>.

پیوست ۹- گزارش بازگشت دکتر یزدی از استان سیستان و بلوچستان

دکتر یزدی هنگام بازگشت به تهران اعلام کرد:

# روی مسائل شهری و کل منطقه سیستان و بلوچستان توافقیایی صورت گرفت

**\* اعتراض برادران اهل تسنن نسبت به ماده ۱۲ قانون اساسی و پیشنهادات آنان همراه با گزارش هیئت تقدیم حضور امام می شود.**  
**\* اوضاع منطقه آرام است، ولی هنوز یک سلسله مشکلات وجود دارد.**

## استاندار سیستان و بلوچستان به اظهارات مولوی عبدالعزیز پاسخ داد

تهران - خبرگزاری پارس - دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام که همراه هیاتیی برای رسیدگی به مسائل مشکلات استان سیستان و بلوچستان به آن استان عزیمت کرده بود پنجشنبه شب به تهران بازگشت. وی هنگام ورود به تهران در مصاحبه ای نتیجه سفر خود را موقفیت امیر دانست و گفت: در حال حاضر بطور کلی اوضاع منطقه آرام است و البته هنوز یک سلسله مشکلاتی وجود دارد ولی پایه و اساس رنجیده شده و ترتیباتی فراهم آمده که من امیدوارم بر اساس آن مشکلات بطور کامل رفع شود. وی سپس به تشریح فعالیت های هیات اهرامی به آن استان پرداخت و افزود این سفر جمعا ۹ روز بطور انحصاری که در این مدت شهرهای زاهدان - زابل و میناب مورد بازدید قرار گرفت و به مسائل مردم این مناطق در جلسات متعددی رسیدگی گردید. وی گفت در جلسه ای که در مسجد خاش با حضور مسئولین شهر و اقشار مختلف مردم ترتیب یافت از ساعت ۱۳ تا ۲۱ گزارشی از آن مورد بررسی قرار گرفت. وی افزود هنگام بازگشت به

انجام میدهند و درجه تخصصی که هر کدام از بهترین تخصص ها برخوردار هستند را مشاهده کند. به این ادها رسیدگی شود. دکتر چیرری در پاسخ این سوال که بعد از وقایع اخیر هند معنوی گفته اند که شما توهانی و ضد انقلابی هستید گفت من کسی را انقلابی نمی دانم که خود را فدای جمع و جامعه کند و ضد انقلاب فردیت که جمع و جامعه را فدای خودش بکند و با اگر برادرانی گفته ضد انقلابی را با مفهوم دیگری بکار می برند تربیت که توضیح بیشتری بدهند. وانگهی اگر انقلابی بودن یعنی فداکاری کردن و ایثار همه چیز برای ایجاد حکومت اسلامی باشد در آن صورت فکر می کنم دست او ردهای تخصصی من هم کم نباشد که چون در اسلام رجوعی و گفتن اینکه من چنین هستم و چنان هستم جایز نیست.

به این واسطه از گفتن زندگی و گذشته خود ابا داشته و فارم دکتر چیرری گفت اما کسی که می گویند من توهانی هستم و در جریب توه فداکاری داشته ام خودم گنگارم. حالفا با

وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد:

## شهریه دانش آموزان شبانه پس داده می

سپینار دو روزه مدیران کل آموزش و پرورش استانی سراسر کشور پیش از ظهر روز پنجشنبه در محل مرکز تربیت معلم دختران تهران آغاز بکار کرد. در آیین گشایش کار این سپینار مسددهای ریجانی وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اهمیت تربیت معلم خطاب به همکاران خود گفت: خداوند امر فرموده است که امتهای خود را پیش افراد مطمئن بسپارید و هیچ امانتی مهمتر از فرزند برای کسی نیست. پس از این نظر است که من

## مک براید پیشنهادهای تشکیلی کمیسیون بین المللی برای محاکمه شاه مخلوع را کرد

**\* این کمیسیون حتی میتواند از سازمان ملل بخواهد دادگاهی شبیه تورنیرگ تشکیل و شاه مخلوع را محاکمه کند.**  
خبرگزاریهای فرانسه امروز تشکیل یک کمیسیون تحقیق بین المللی در تهران برای بازجویی و

مطرح خواهد بود. نظر مک براید این کمیسیون که در رابطه با محاکمه شاه مخلوع و

## توب توحیدی ۲۶۹۲۵ و کول شد

انخواست از هرگونه تفرقه و نظر گرفته شده است در اطلاعیه های بعدی با اطلاع ملت مسلمان رسانده خواهد شد. همچنین این حزب بجهه مسلمانها هشدار میدهد که در این برهه از زمان از هرگونه تفرقه و تمسوت و افترا بپرهیزند و اجازه ندهند که طرفداران برزیستی که این روزها در همه ایسها ظاهر میشوند بمرامج بزرگ تقلید احاطت نمایند و از اهداف مقدس رهبر انقلاب امام عینی منحرف شوند. ریگفتند از طریق حکومت جهانخواه افریکا با عنوان: در پایان این اسلامی اظهار امیدواری شده است که با امید روزی که پرم اسلام در سراسر دنیا باهتر از در آمده و پیروز مستکبرین بپاکه مالدید شود.

پیوست ۱۰- گزارش دکتر یزدی از مأموریت در سیستان و بلوچستان به امام خمینی

## گزارش دکتر یزدی تسلیم امام شد

دکتر ابراهیم یزدی ، نماینده ویژه امام به اتفاق اعضای این هیات پیش از ظهر دیروز در قم بحضور امام خمینی رسید و گزارش سفر هیات ویژه به سیستان و بلوچستان را به ایشان تسلیم داشت .

دکتر ابراهیم یزدی ، در پایان این دیدار ، به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت : در موارد مختلف ، امام خمینی رهنمودها و دستورهای لازم را دادند و اعلام نتیجه نهائی ، پس از مذاکره با شورای انقلاب اعلام میشود .

دکتر ابراهیم یزدی ، در پاسخ این سؤال خبرنگار خبرگزاری پارس که اختلالات در سیستان و بلوچستان ، بچه دلیل و بین چه گروههایی بوجود آمده گفت : مشکلات استان ، دارای ریشهها و علل سیاسی ، اقتصادی ، مذهبی و فرهنگی اجتماعی است و تظاهر خارجی این مشکلات گاه بصورت اختلاف بین مذاهب و یا طوایف مختلف بروز میکند ، اما در واقع اینها ریشه های اصلی و مشکل اساسی نیست و بنظر من و هیات اعزامی ، هموطنان بلوچ و سیستانی و شیعه سنی ، با کمال برادری و دوستی ، میتوانند با هم صلح و صفا زندگی کنند و با وحدت و مشارکت ، همکاری و همفکری ، خرابیهای شصت ساله استبداد پهلوی در استان بپردازند .

دکتر ابراهیم یزدی ، در پاسخ این سؤال که آیا امکان بروز حوادثی از این قبیل میرود یا نه ؟ گفت : در حال حاضر خیر ، وی در مورد مذاکرات خود در سیستان و بلوچستان اظهار داشت که در این سفر با معشدين تمامی گروهها و قشر های مردم کتکوهائی داشتیم . دکتر ابراهیم یزدی در پاسخ این سؤال کسه پدیدهال سفر شما به سیستان و بلوچستان چه اقتضائاتی در جهت رفع مشکلات و نارسائیهای استان بطور شریستی بعمل آمده است ؟ اظهار داشت : برای رفع مشکلات ، با مقامات ضابط در تماس هستیم و مطمئیم با صداقتی که در آنها هست ، این مشکلات برطرف خواهد

شد و در مورد خواستههای عزیزان شده نیز ، زمینههای مساعد برای پذیرش آنها وجود دارد و هیات مذکور است یزیدی نتیجه نهائی را اعلام نماید و در آینده نزدیک آمیداریم بازدیدگر به این منطقه سفر کنیم .

دکتر ابراهیم یزدی ، در پاسخ این سؤال که استان یعنی چه به آنها سفر خواهد کرد ، خدمت و چه موقع صورت میگیرد ؟ گفت : این بستگی دارد بسه درخواستها و مطالبات رسیده که پس از بررسی لازم ، با دادن اویبت نسبت به سفر تسلیم خواهیم گرفت .

دکتر ابراهیم یزدی ، درباره کاندیداسی خود برای ریاست جمهوری گفت : فعلا چنین قصدی ندارم . در همین مستوریتی که در حال حاضر دارم ، خدمت ب مردم و کمک به رفع مشکلات را ادامه خواهم داد .

### نمایش شبانه در موزه هنرهای معاصر

برنامه نمایش شبانه در موزه هنر های معاصر تهران ، اعلام شد .  
از یکشنبه ۹ دی تا جمعه ۱۶ دی برتبه های : سگولگرد ، کوروساوا) - زندگی کورو- ساوا) - وان گوگ ( آفریننده ) - هنر ساوورثی ( کوروساوا) - زندگی در ترس ( کوروساوا) - جنگاشر ( محمدعلی نجفی) از ۱۶ تا ۲۱ دی : سرخون ( کوروساوا) - دراماز ( کورو- ساوا) - گوگن ( آفریننده) - ۱۹ دی تنظیم - در پنهان ( کورو- ساوا) - سن تبه عبا ( بهرجوی) از ۲۰ تا ۲۶ دی : بوجسو ( کوروساوا) - سانچورو ( کورو- ساوا) - پارسوکتی ( چهل و یکمین ( بزین فرمی) - پنجم ویندی ( کوروساوا) .  
از ۲۰ دی تا ۲۰ بهمن : ریش قرمز ( کوروساوا) دودسکان ( کوروساوا) شب و مه ( آفریننده ) و تونی (رتوار) در سواوزالا ( کوروساوا) .  
این فیلم ها در ساعات ۸ و ۶ بعد از ظهر روزهای ذکر شده در موزه هنر های معاصر واقع در خیابان کارگر (امیرآباد) جنب پارک لاله نمایش داده میشود و فروش بلیط یک ساعت پیش از شروع هر نمایش است .



دکتر ابراهیم یزدی در باره کاندیدایی خود برای ریاست جمهوری گفت: فعلا قصدی ندارم، در همین مسئولیتی که در حال حاضر دارم، خدمت به مردم و کمک به رفع مشکلات را ادامه خواهم داد.

## دکتر یزدی در باره مسائل سیستان و بلوچستان با امام مذاکره کرد

هست این مشکلات برطرف خواهند شد و در مورد درخواست های عنوان شده نیز زمینه های مساعد برای پذیرش آنها وجود دارد و هیات امیندار است بزودی نتیجه نهائی را اعلام نماید و در آینده نزدیک امیدواریم باردیگر به این منطقه سفر کنیم .

وی به این سؤال که استان بعدی که به آنجا عزیمت خواهید کرد کدامست و کی صورت می گیرد گفت : این بستگی دارد به درخواست ها و مطالب رسیده که پس از بررسی لازم با دادن اولویت نسبت به سفر تصمیم خواهیم گرفت .

دکتر ابراهیم یزدی درباره کاندیدینائی خود برای ریاست جمهوری گفت : فعلا قصدی ندارم ، در همین مسئولیتی که در حال حاضر دارم ، خدمت مردم و کمک به رفع مشکلات را ادامه خواهم داد .

یا طوایف مختلف بروز میکند. اما در واقع اینها ریشه های اصیل و مشکل اساسی نیست و بنظر من و هیئت اعزازی ، هوطنان بلوچ و سیستانی و شیعه و سنی با کمال برادری و دوستی میتوانند با هم با صلح و صفا زندگی کنند و با وحدت و مشارکت همفکری ، همقدمی و همکاری به ترمیم خرابی های شصت ساله استبداد پهلوی در استان بپردازند .

ابراهیم یزدی در پاسخ این سؤال که یا امکان بروز حوادثی از این قبیل می رود یا نه؟ گفت : در حال حاضر خیر.

وی در مورد مذاکرات خود در سیستان و بلوچستان اظهار داشت : در این سفر با مسئولین تمامی گروهها و قشرهای مردم گفتگوهای داشتیم و برای رفع مشکلات این استان با مقامات ذربط در تماس هستیم و مطمئنیم با صناقتی که در آنها

قام - دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام با اتفاق اعضای این هیئت پیش از ظهر دیروز در قم به حضور امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران رسید و گزارش سفر هیئت ویژه به سیستان و بلوچستان را به ایشان تسلیم داشت .

دکتر ابراهیم یزدی در پایان این دیدار در گفتگویی اظهار داشت : در موارد مختلف امام خمینی رهنمودها و دستورات لازم را دادند و اعلام میشود .

یزدی در پاسخ این سؤال که اختلافات در سیستان و بلوچستان بچه دلیل و بین چه گروهائی بوجود آمد گفت : مشکلات استان دارای ریشه ها و علل سیاسی ، اقتصادی ، منعی ، فرهنگی و اجتماعی است و تظاهر خارجی این مشکلات گاه بصورت اختلاف بین مذاهب و

پیوست ۱۱ - دیدار مولوی عبدالعزیز با امام خمینی

### دیدار حضرت مولوی عبدالعزیز با امام خمینی

از حضرت مولوی عبدالعزیز که بعثت بیماری قلبی در این بیمارستان بستری هستند ، باتفاق ایشان عازم اقامتگاه امام شد .

اقدامات لازم در این زمینه بعمل آورد . پیش از این ملاقات ، دکتر یزدی در بیمارستان قلب مهدی رضائی حضور یافت و ضمن عیادت

دکتر ابراهیم یزدی باتفاق حضرت مولوی عبدالعزیز، رهبر مذهبی برادران شهن در بلوچستان ، ساعت ده دیروز در اقامتگاه رهبرانقلاب اسلامی با امام ملاقات کردند .

در پایان این دیدار دکتر ابراهیم یزدی در گفتگویی پیرامون مذاکراتی که در محضر امام انجام شد گفت: حضرت مولوی عبدالعزیز ، از جریان مسافرت خود به هند و شرکت در کنفرانس اسلامی و همچنین مسائل جاری بلوچستان، و مشکلاتی که مسئله قاچاق دریوچستان بوجود آورده و چگونگی رفع آن گزارشی به اطلاع امام رساند و یادآور شد که قاطبه اهل سنت و جماعت قطع رابطه ایران و آمریکا را مورد پشتیبانی قرار می دهند و از اقدامات اخیر دولت یعنی عراق ابراز انزجار و تنفر کرده اند .

حضرت مولوی عبدالعزیز، در ملاقات با امام ، از ایشان تقاضا کرد : قطعه زمینی جهت احداث مسجد و ایجاد کتابخانه برای برادران اهل تسنن تهران اختصاص داده شود . امام خمینی ، ضمن موافقت با این درخواست از دکتر یزدی خواستند که

### بحران ایران و عراق با ایران

#### بان میگیرد

خود با ایران افزود . در مورد میانجیگری میان ایران و عراق وزیر خارجه اظهار داشت ، علی الاصول با میانجیگری مخالف نیست اما در مورد عراق آماده

### در جلسه هیات موسس کنفدراسیون کارگران ایران: اجرای قانون طاغوتی کار در شرایط بعد از انقلاب شدیداً محکوم شد

خواهیم که در تجلیل روز جهانی هرچه فعالیت شرکت کنند .  
۷- قانون کار طاغوتی و اجرای آنرا در شرایط محکوم می کنیم و خواهان تدوین قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی کارگران منجمله نماینده هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران میباشیم .

۸- طرح پیشنهادی قانون تامین اجتماعی را رد نموده و خواهان تدوین قانونی جدید با در نظر گرفتن منافع و مصالح کارگران و با شرکت نمایندگان واقعی کارگران هستیم .

۹- تا تدوین قانون کار جدید ماده ۲۳ قانون ضد کارگری باید لغو گردد و از اخراج بیهوده کارگران جلوگیری بعمل آید .

۱۰- ما خواهان فعالیت تشکیلات واقعی و راستین کارگری میباشیم و دخالت نیروهای غیر کارگری را در امور کارگران و تشکیلات آنها محکوم میکنیم .

۱۱- ما خواهان انعکاس هرچه بیشتر نظرات کارگران و تشکیلات مستقل کارگری در مطبوعات و رادیو تلویزیون هستیم و بی توجهی در این زمینه را محکوم می کنیم .

دومین نشست شورای ملی هیات موسس کنفدراسیون کارگران ایران با صدور قطعنامه ای بشرح زیر به کار خود پایان داد :

۱- ما کارگران بر اساس رهنمود سیاسی نه شرقی نه غربی از قطع وابستگی و روابط سیاسی با آمریکا پشتیبانی نموده و آماده ایم محاصره اقتصادی امپریالیسم را درهم بشکنیم .

۲- بدون هراس از تهدید های نظامی امپریالیسم آمریکا با تکیه به ارتش ۲۰ میلیونی تا پای جان از استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع میکنیم .

۳- توطئه های دولت عراق را در ایجاد آشوب و ناامنی در شهرهای مرزی و اخراج ایرانیان و ادعای مالکیت بر ۲ جزیره ایرانی را محکوم میکنیم .

۴- این شرایط حساس مبارزه ضد امپریالیستی نباید موجب بی توجهی دولت و مقامات مسئول به مسائل رفاهی و صنفی کارگران شود و فرصت سوء استفاده برای عناصر و عوامل ضد کارگری در سرکوبخواست های محفانه کارگران ایجاد نماید .

۵- تا ایجاد کار و رفع بحران بیکاری معاش کارگران بیکار باید تامین گردد .  
۶- از تمام کارگران می

## پیوست ۱۲- زندگی‌نامه مولوی عبدالعزیز

نویسنده: امیر ارسلان افضل زایی<sup>۱</sup>

### ولادت

حضرت مولانا عبدالعزیز (ره) در سومین روز آذرماه سال ۱۲۹۵ هـ. ش در روستای دپکور، از توابع بخش مرکزی شهرستان سرباز واقع در جنوب شرقی بلوچستان پا به عرصه وجود نهاد. پدر بزرگوارشان حضرت مولانا عبدالله (ره) نخستین عالم مجاهد و متقی و زاهد منطقه سرباز و پرچمدار عرصه جهاد بود. تمام زندگی ایشان با علم و عمل سپری شد. بسیار عابد، و بیش از بیست سال از عمر پربرکت خود را صوم داودی داشت (یعنی یک روز در میان روزه می‌گرفت).

### فراگیری علم و خدمت به دین

حضرت مولانا عبدالعزیز (ره) بسیار زیرک و تیزهوش بود و از همان ابتدا به خواندن و فراگیری علم علاقه فراوانی داشت. قرآن را همراه با برادرش ملا عبدالغفور - که در جریان جنگ جهانی دوم مفقود گردید - در نزدیکی زادگاهش در روستایی به نام مچان نزد آخوند ملاعطاء محمد در ظرف سه ماه تمام کرد. کتب ابتدایی و مقدماتی را پیش پدر بزرگوارش فرا گرفت.

بعد از اتمام دوره مقدماتی برای ادامه تحصیل به هندوستان عزیمت کرد و برادرش ملا عبدالغفور را همراه خود برد. با توجه به فقدان امکانات در آن روزگار، این سفر فوق العاده برایش طاقت‌فرسا بود، اما به دلیل عشق و علاقه فراوانی که به تحصیل داشت، سختی‌ها را با طیب خاطر تحمل نموده و خود را به هندوستان رساند. مدتی در بزرگ‌ترین دانشگاه اسلامی شبه‌قاره هند یعنی «دارالعلوم دیوبند» به تحصیل ادامه داد و سرانجام برای دوره خارج، وارد «دارالعلوم امینی» دهلی شد و از محضر حضرت مولانا مفتی کفایت‌الله دهلوی (ره) کسب فیض نمود. با توجه به زیرکی و تیزهوشی فوق‌العاده‌ای که داشت، همواره مورد مهر و محبت اساتید، و بخصوص مولانا مفتی کفایت‌الله (ره) بود.

۱. منبع: سایت اینترنتی سرباز (نسکند)، دوشنبه، یکم آبان ۱۳۹۱.

## ۵۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

مولانا مفتی کفایت‌الله (ره) ایشان را مفتی دیار بلوچستان لقب داده بود؛ زیرا وی تمام کنز الدقایق را از حفظ داشت و فتوهایش بسیار مدلل و غیرقابل نقض بود. در سال ۱۳۲۰ هـ. ش تحصیلاتش را به پایان رسانید و به وطن بازگشت. پس از گذراندن چند سال در زادگاهش، برای زیارت حرمین عازم حجاز شد و به مدت سه سال در مکه مکرمه ضمن تدریس در مدرسه صولتیه - که از حوزه‌های دینی معروف بلد حرام است - علم قرائت و تجوید را نیز فرا گرفت.

مسئولین مدرسه صولتیه، کتب مقدماتی را به او سپردند، ولی با توجه به نبوغ علمی و مسلط بودن بر سایر کتب و حسن تفهیمی که داشت، دست‌اندرکاران مدرسه صولتیه توان علمی و استعداد او را فراتر از حد مقدمات تشخیص داده، تدریس کتب دوره ثانویه و سطوح را به او سپردند. بعد از گذراندن دو سال در مکه مکرمه، پدر بزرگوارش برایش نامه نوشت که هر چه زودتر خود را به وطن برساند؛ زیرا مردم اینجا بیشتر نیاز به خدمت دارند.

حضرت مولانا بعد از مراجعت به وطن، خدمت به اسلام و مسلمین را در قالب امر به معروف و نهی از منکر و حل و فصل مناقشات و اختلافات فی‌مابین آغاز نمود. بعد از مدتی، «حوزه علمیه عزیزیه» را در زادگاهش (دپکور) بنا نهاد و به‌عنوان مدیر و مدرس ارشد آغاز به کار نموده و از چند تن از علمای منطقه نیز دعوت به همکاری نمود.

در دی‌ماه سال ۱۳۳۵ هـ. ش سرنوشت دینی، فرهنگی و مذهبی مردم خطه سرحد و به ویژه شهر زاهدان، توسط این رادمرد و این پیشوای مذهبی و الگوی عمل و اخلاص رقم زده شد. شرح کوتاه این داستان مفصل به شرح زیر است.

«مولانا به منظور معالجه پدر بزرگوارش از [شهر] سرباز به زاهدان آمد و به مدت یک ماه در زاهدان ماند. مردم زاهدان پس از اندک آشنایی با شخصیت جامع و پر جاذبه ایشان از وی خواستند که برای همیشه در زاهدان بماند و از پدر بزرگوارش تقاضا کردند تا توافق خود را با خواسته‌های مردم زاهدان اعلام دارد. پس از اعلام موافقت پدر بزرگوارش، ایشان در همان سال از سرباز به زاهدان منتقل و خانواده‌اش را از سرباز به زاهدان انتقال داد.»

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۹۷

پیش از تشریف‌آوری حضرت مولانا (ره) مردم این خطه، از دین و احکام دینی اطلاع چندانی نداشتند: قبرپرستی، پیرپرستی و انواع بدعت‌ها در جامعه رواج داشت. با تشریف‌آوری حضرت مولانا (ره) دزدآب<sup>۱</sup> غرق در جهالت و بدعت‌ها و درگیری‌ها، به شهر عالمان، زاهدان قاریان و حافظان قرآن تغییر اسم و رسم داد.

### وحدت طلبی

از جمله خدمات شایسته و قابل توجه حضرت مولانا عبدالعزیز (ره)، سعی و تلاش در ایجاد وحدت میان فرق اسلامی و به‌ویژه شیعه و سنی در منطقه بود. او با یک دید به شیعه و سنی می‌نگریست؛ حتی در بسیاری موارد به مراجعین شیعه بیشتر توجه می‌کرد و می‌فرمود: «یک مرجع سنی باید چنین رفتاری کند تا برادران شیعه ما در منطقه و استان، احساس بیگانگی نکنند».

محور دیگری از خدمات اصلاحی ایشان، مبارزه با مواد مخدر است. در باره این مواد می‌فرمود: «این مواد خانمانسوز که خلقی را به نابودی کشانده است، با همکاری جوانان مؤمن و مردم غیور باید از جامعه ما ریشه‌کن شود و هرکس با این گونه افراد همکاری کند، ماشین یا شتر خود را در اختیار آنان بگذارد، شریک جرم است و روز قیامت از وی سؤال خواهد شد».

### محبت به رسول الله (ص)

حضرت مولانا به رسول اکرم (ص) چنان عشق می‌ورزید که با سخن و قلم نمی‌توان آن را بیان کرد. هرگاه نام مبارک رسول اکرم (ص) به گوشش می‌رسید یا خود نامی رسول الله (ص) را بر زبان می‌آورد، بی اختیار اشک‌هایش سرازیر می‌شد و کنترل خود را از دست می‌داد.

در بیماری موت، هرگاه پنجره اطاق باز می‌شد و باد خنک می‌وزید، مولانا می‌فرمود: «نسیم مدینه مشام مرا معطر می‌کند».

### ابهت و عظمت

حضرت مولانا در عین گشاده‌رویی به حدی با هیبت و عظمت بود که در محفل و مجلس او، بزرگان نیز با ادب می‌نشستند و تا سخن نمی‌گفت، هیچ‌کس شروع به

۱. نام قدیمی شهر زاهدان، دزدآب یا دزآب بود.

## ۵۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

سخن نمی‌کرد. او با این ابهت و عظمت، بسیار با وقار و مهربان بود. سعی داشت هیچ‌کس از وی ناراضی نشود و اگر پی می‌برد که کسی از وی رنجیده است، تا رضایت او را به دست نمی‌آورد، آرام نمی‌گرفت.

برای علما و طلاب دینی فوق‌العاده ارزش قایل بود. مجلس را با سخنان پندآموز همواره گرم نگاه می‌داشت. هر کس یک بار در مجلس او می‌نشست، نمی‌خواست بلند شود. هر کس با خود فکر می‌کرد، مولانا علاقه و محبتی که با من دارد با دیگران ندارد. ایشان کمتر حرف می‌زد و بیشتر به یاد خدا و ذکر مشغول بود. از شیوه و سنت‌های رسول الله (ص) به شدت مواظبت می‌کرد. همواره برای هر نماز مسواک می‌زد و آثار زیبای مسواک که در احادیث بیان شده‌اند، در وجودش کاملاً نمایان بود. تا آخر عمر چشمانش روشن بود و نیاز به عینک پیدا نکرد. دندان‌هایش تا آخر عمر سالم ماند و چهره‌اش بسیار نورانی بود.

### نظافت و خوش‌بویی

مولانا نظافت و خوش‌بویی را خیلی دوست می‌داشت. از تجملات بی‌مورد و مظاهر دنیا پرهیز می‌کرد و فرزندانش را توصیه می‌کرد تا از مدپرستی دور باشند. برای تمیز و نظیف نگاه داشتن لباس، سر و صورت و محیط خانه، همواره تأکید می‌کرد.

صله رحم همواره مورد توجه او بود. تعریف و تمجید را هرگز برای خود نمی‌پسندید. هر کس در جلوی او را تعریف می‌کرد، ناراحت می‌شد و می‌فرمود: رسول الله (ص) فرموده است: «هر کس را که در جلوی تعریف کردی، گردن او را زدی». به تربیت فرزندان فوق‌العاده توجه می‌کرد و در سن هفت سالگی آنان را به نماز امر می‌کرد، و مسائل و احکام ضروری را به آنان یاد می‌داد.

حضرت مولانا در سال ۱۳۵۹ هـ. ش دچار ناراحتی قلبی شد و در پی اصرار دوستان و مشورت پزشکان، برای معالجه به انگلستان سفر کرد و ناراحتی‌اش تا حدی بهتر شد و به وطن برگشت، اما پس از یک سال و نیم، بیماری ایشان مجدداً شدت گرفت و نزدیک چهار ماه در بستر بیماری افتاد. مولانا (ره) در جریان مسافرت و معالجه در انگلستان دچار ناراحتی کلیه شد و پس از مراجعت به ایران بنا بر مشورت پزشکان، بار دوم جهت پیوند کلیه به آمریکا مسافرت نمود، ولی به دلیل بالا بودن سن،

## مأموریت در سیستان و بلوچستان □ ۵۹۹

نظر پزشکانِ معالج این بود که پیوند کلیه در این شرایط سنی سودی ندارد. مولانا بعد از اقامتِ مدت کوتاهی در کالیفرنیا، آمریکا، به ایران مراجعت کرد. حضرت مولانا، چنان عشق و علاقه‌ای به عبادت داشت که بر اساس اظهارات همراهانش، در آمریکا از محل اقامت برای نماز به دورترین مسجدی که شنیده بود جوانان عرب خیلی با صدق و صفا در آنجا نماز می‌خوانند و اداره امور مسجد را برعهده دارند، تشریف می‌برد و در مساجد نزدیک که متولیان و نمازگذاران آنها علاقه چندانی به رعایت سنت‌های رسول اکرم (ص) نداشتند، نمی‌رفت، بلکه بعد از طی کردن مسافت زیاد به آن مسجد می‌رفت و جوانانی را با محاسن زیبا و مطابق سنت و پایبند شریعت در آنجا می‌دید و از نحوه عبادت و خشوع و خضوع آنان فوق‌العاده اظهار رضایت می‌کرد و تدین آنان را می‌ستود. بنا بر گفته شهید مولوی عبدالملک ملازاده، اگر مولانا چند سالی زنده می‌ماند، تحولات بسیار عظیمی در منطقه به وجود می‌آمد.

بالاخره حضرت مولانا به منظور معالجه و دیالیز به تهران و مشهد عزیمت کرد و در روزهای پایانی عمر مبارکش در مشهد جهت انجام دیالیز اقامت گزید و در ۲۱ مرداد سال ۱۳۶۶ در شهر مشهد زندگی را بدرود گفت و به لقاءالله پیوست. رحمه‌الله رحمة واسعة.

پیوست ۱۳- موافقت امام خمینی با ترمیم اصل ۱۲ قانون اساسی

### دکتر یزدی : پیشنهادهای اهل تسنن سیستان و بلوچستان در باره قانون اساسی تسلیم امام میشود

سازندگی خاش نیز گفت این ارگان انقلابی فعالیت خود را بطور عوقت به مدت یک هفته قطع کرده است تا مسئولان دولتی اعلام کنند که آیا قادر به انجام کارهای عمرانی به نفع مستضعفین هستند یاخیر. یزدی سپس از فعالیتهای جهاد سازندگی خاش تجلیل کرد و افزود : این دیگر به عهد خود مردم است که اگر فعالیتهای جهاد سازندگی را برای خود مفید تشخیص دادند از آنان دعوت کند ، که به کار بازگردند .

دکتر یزدی همچنین پیامی برای خانوادههای شهیدای حوادث اخیر این شهر فرستاد و گفت : کسانی که در ایمن حوادث جان باختند همگی برادران ما بودند و من امیدوارم این حوادث درس عبرتی برای ما در آینده باشد. دکتر ابراهیم یزدی همچنین در سفر چندگانه‌ای به یزد مسائل و مشکلات مردم این شهر را در جلسهای که با شرکت نمایندگان گروههای مختلف مردم این شهر برگزار شد ، مورد بررسی قرار داد .

#### بزرگداشت یلکه شهید دو چالویی

چالویی - خبرنگار گیهان - بهاسبت سالگردشهادت احمداکثانی رئیس بانک صادرات گلاردهشوروز گذشته مجلس یادبودی با شرکت صدها نفر از مردم چالویی در مسجد جامع این شهر برگزار شد .

شرکت کنندگان در مجلس سپس پرسر هزار این شهید گرد آمدند و خاطره وی را گرامی داشتند . احمداکثانی سال گذشته روز هفتاد و نهامه در مقابل منزل خود در یک حلقه نوجوانان ده بوسه حاوران رژیم سابق بهشهادت رسید .

زاهدان - دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام خمینی که برای رسیدگی به مشکلات سیستان و بلوچستان به همراه هیاتی بطنین استان رفته بود ، پس از ۹ روز به تهران بازگشت وی هنگام ورود به تهران در گفتوگویی پیرامون مسائلی که در این سفر مورد بررسی قرار گرفت گفت : روی مسائل شهری و کلی منطقه موافقت شد . همچنین پیشنهاد برادران اهل تسنن در مورد ماده ۱۲ قانون اساسی تسلیم امام میشود .

وی در مورد اوضاع منطقه گفت : در حال حاضر سیستان و بلوچستان بطور کلی آرام است البته هنوز مسائل و مشکلاتی وجود دارد ولی پایه و اساس ریشه شده و ترقیاتی فراهم آمده است که من امیدوارم بر اساس آن مشکلات بطور کامل رفع شود .

یزدی افزود : برادران اهل تسنن نسبت به ماده ۱۲ اعتراض داشتند که در مورد آن مذاکرات مفصلی صورت گرفت و پیشنهاداتی به هیات ارائه شد که هیات آنها را بهمراه گزارش خود تسلیم امام خواهد کرد .

دکتر ابراهیم یزدی در این سفر همچنین از زابل و خاش دیدار کرد و مسائل و مشکلات این منطقه را مورد بررسی قرار داد . وی در بازگشت از خاش طی گفتوگویی اعلام کرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خاش به دلیل خواست مردم و نیز برقرار بودن امنیت فعالیت خود را در این شهر متوقف کرد و مأموران انتظامی و مردم تشعین کردند که جلو آتش-افروزیها و تاراجیهای احتمالی را بگیرند . البته اگر ناامنیهایی ایجاد شود دولت مداخله خواهد کرد . وی در مورد ادامه کار جهاد



# حمایت گروههای مختلف مردم از تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی

## فعالتهای انتخاباتی وارد مرحله تازه ای شد

خبرگزاری فارس بیانیه هیئت تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی را ستود کرد

جمهوری اسلامی ۱۲ صفحه ۱۳۵۸ شماره ۱۹۱

ایشان دکتر بهشتی طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:  
**پیروزی اصیل حرکت در راه حق است**  
• یکی از اسباب مسجود در راه جاسوسی نشان می‌دهد که آمریکا در تلاش برای نفوذ در حزب جمهوری اسلامی است.  
• باور ایستگاه این اعلامیه از آقای تهرانی باشد. خیلی دشوار است.  
• آمریکا و اروپا که با ما می‌کنند، سیاسی هستند. ما در هر جور و هر چه می‌خواهیم.

تعمیرات انقلاب اسلامی عراق: حزب بعث عراق، مانند حزب منحلّه رستائیز در ایران است

به پیشگاه برادران اهل سنت و بوسله رهبر انقلاب امام خمینی

ترمیم اصل ۱۲ تأیید شد

نکات تازه‌ای از تحریرات آمریکا علیه مجلس خبرگان فاش شد

بیانیه شماره ۲ اجن اسلامی و شورای دادگستری: آنها که عکس شاه را نگاهداری کرده‌اند می‌خواهند «شاه» را معاکه کنند!

آیت الله العظمی مرعشی نجفی از هیچ‌کس کاندیدائی حمایت نمی‌کند

یکی از مجاهدین انقلاب اسلامی عراق در کویت بوده‌شد

۱۲ نفر دیگر از گروه فرقان دستگیر شدند

مردم مسلمان با وجهت استقرار امنیت از ملت کمک خواهند

توسیع در مورد حجاب است: اظهار از دکتر حبیبی

خط است: خط خلی و ضد امپریالیسم ملت ایران است: دکتر حسین حبیبی

# یک هفته جشن سالگرد انقلاب اعلام شد

## زدو خورد خونین مسلمانان فلسطین و پلیس اسرائیل

### ۶ کیلو طلا از عوامل بختیار کشف شد



برادران دانشجو مسلمان بیوه صید امام ۱۲ه

روشنی انقلابی و با طراز عربی در حین مبارزه با امپریالیسم روزنامه رسیده که باعث آزادی ملت و جبهه خواهد شد.

توسیع در مورد حجاب است: اظهار از دکتر حبیبی

خط است: خط خلی و ضد امپریالیسم ملت ایران است: دکتر حسین حبیبی

خط را ادامه میدهد.

برای تقویت هر چه بیشتر پایههای وحدت و روایتی است: دکتر حسین حبیبی

خط را ادامه میدهد.





# اصل دوازدهم قانون اساسی ترمیم میشود

فرمودید که به نظر شورای انقلاب نیز برسد. شورای انقلاب در روز شنبه ۸ دیماه ۵۸ بعد از استماع گزارش هیات ویژه پیشنهاد ترمیمی بالا را به اتفاق آرا تصویب نمود اکنون با توجه به مراتب فوق درخواست میشود دستور فرمائید تا مسئولین امور کسب طبق موازین قانونی فرارست متبذون اساسی را تدوین نمایند. پیشنهاد ترمیمی اصل دوازدهم خود جهت اقدامات قانونی قرار بدهند تا رفع نگرانی های برخی از پیروان اهل تشنه شود. امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران در جواب فرمودند:

این اصل و بعضی اصول دیگر که در متن قانون اساسی نوشته می شود تصویب آن اساسی نیست ملت است به نظر خود گذاشته می شود. و از نظر اینجانب بلا مانع است.

روح الله الموسوی الخمینی

اصل دوازدهم بدین مضمون است: «ایران اسلام و مذهب جمعی است و این اصل الهی الاید غیر قابل تغییر است» اما مذاهب دیگر اسلامی هم از حنفی - شافعی - مالکی - حنبلی و زیدی در مناطقی که پیروان آنها اکثریت هستند نیز رسمیت داشته و در دانشگاه های حقوقی و جزایی تدریس می شوند. با حذف حقوق پیروان سایر مذاهب در تاریخ ۸ دیماه ۵۸ حیات ویژه انزلی به استان سیستان و بلوچستان. ضمن گزارش ماوریت خود آقایان را عنوان نمود که در تصویب حضرت عالی قرار گرفت و توصیه

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران. همانطوریکه مطلع هستید از جانب پیروان اهل تشنه نسبت به برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگرانی های بروز شده است. در سفر به استان سیستان و بلوچستان یکی از مسائلی که مورد بحث و مذاکره قرار گرفت همین مسأله بوده است به دنبال این مذاکرات آقایان مولوی عبدالعزیز و مولوی مصباح الدین ترمیم اصل دوازدهم را به شرح زیر کتاب پیشنهاد نمودند.

یک سخنکوی دترد شر یزدی در یک مجلس تلفنی و خبرنگار اطلاعات پیشنهاد تغییر در اصل ۱۲ قانون اساسی را مورد تأیید قرار داد وی گفت یزدی تغییر در این اصل را بصورت پیشنهاد به حضور امام تسلیف کرده و مورد موافقت امام نیز قرار گرفته است و قرار است مطالعه پرسی تغییر آن در مجلس شورای ملی که پس از انتخابات تشکیل خواهد شد مورد بررسی و تصویب قرار گیرد.

همین سخنکوی پا آوری کرد که دکتر یزدی برای ملاقات با امام صبح امروز به قم سفر کرده است.

**اصل دوازدهم**

از اطلاعیه سیاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریز:

## برای خاموش کردن آتش فتنه امپریالیسم آماده جافنشانی هستیم

این اشکهای متعدد بیجان صدها تن که تا آخرین قطره خونشان در شکوفایی دستاوردهای انقلاب و حفظ ارزشهای توین آن از صبح تلاتی مشایقه نمایند. برآبروان و خواران رزمندگان سنان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز تبریز باهت شما و با همکاری سایر پاسداران انقلاب و باهت از اصول انقلابی و مکتبی خویش آتش فتنه امپریالیسم را قاطعانه خدوش کرد و هر لحظه آماده است تا بر برابر توطنهای امپریالیسم آمریکا قاطعانه جنبشهای نماید.

همانطوری که استحضار دارید سپاه پاسداران انقلاب و شورای مرکزی کمیته ها در تمام نقاط شهر برای حفظ آرامش شهر، در خدمت همپیمان خویش میباشند. انقلاب اسلامی تبریز می رسد ما را در انجام وظایف انقلابی و آماده زاهدان اسوارتر می داید و از خداوند متعال توفیق می خواهیم که ما را در پاسداری از ارزشهای انقلاب یاری فرماید.

در امتزاج یاد پرچم خونین انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، تاود بان توطنهای امپریالیسم جهانی به سرکشی آمریکا و عوامل داخلی آن،

تبریز: در مورد وقایع و حوادث اخیر تبریز اطلاعیه ای از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شهرستان انتشار یافت بدین مضمون می خوانیم:

مردم رزمیده و فرمان تبریز توطنهای امپریالیسم آمریکا و سرپاسداران وابسته و متوالتها و سرسیرنگان داخلی آن. فتنه و آشوبیاتی در شهر فرمان سپهر و تبریز باز کرده بود، دولت در یک ناماگشت تبریز تهابتعبیر انقلابی شاهد توهمین تحقیر بهارریشیای انقلابی خود شده بود. تا آنکه در لفظه انفجار سپهر مردم سپاه پاسداران انقلاب، این بازی توطنی ملت توطن آمریکایی را فرم شکست دشمن کور خواندیمو نیز ملت که پانگه برالته وبا پتوانه خون هزاران شهید به خون خفته و پاداشتن رهبری قاطع انقلاب خونین ایران را به این حد شکوفایی رسانیده است هوگراجاهه خواهد داد که دستاوردهای انقلاب مورد تراج غارتگران و جیالوگران استشار گر تر یکسرد، ملت هرگز این توطنه امپریالیسم نخواهد کرد. مسلمانان متحد و آگاه به خوبی میبایند که آنها وارث فدائریها و از خونکشتیها و دستاوردهای پاسداران و خواران شهید و زخمی خود میباشند.

دین رسمی ایران اسلام و مذهب جمعی است یعنی است و این اصل الهی الاید غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی هم از حنفی - شافعی - مالکی - حنبلی و زیدی با برای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجمن می اسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و حق تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (از زوج، طلاق، ارث و وصیت و طعای می بوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، معزرت محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهند بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

پیشنهاد ترمیم اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از طرف پیروان اهل سنت به دکتس یزدی تسلیف و ویژه اسم جنبی تسلیف شده بود، به تأیید امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران رسید. متن نامه به شرح زیر است:

بسمه تعالی، حضور محترم



دکتر بهروز با حضور هیئت مدیره انجمن صبوران در تهران

**تشکیل جلسه کمیسیون انجمن صبوران**  
جلسه کمیسیون انجمن صبوران در تهران برگزار شد. در این جلسه به بررسی گزارشات و برنامه‌های انجمن پرداخته شد.

### به استان سیستان و بلوچستان باید بیشتر توجه شود



دکتر بهروز در این جلسه با اشاره به اهمیت استان سیستان و بلوچستان، اظهار داشت: این استان یکی از مناطق محروم و کم‌توسعه کشور است. به همین دلیل، توجه ویژه‌ای باید به این منطقه داشت. او افزود: با وجود اینکه این استان در سال‌های اخیر شاهد رشد اقتصادی بوده است، اما هنوز نیازمند سرمایه‌گذاری و حمایت‌های بیشتری است.

**توجه به حوزه‌های علمی**  
دکتر بهروز در ادامه سخنانش، بر اهمیت توسعه حوزه‌های علمی و پژوهشی در استان سیستان و بلوچستان تأکید کرد. او گفت: باید با ایجاد مراکز تحقیقاتی و مراکز آموزشی، زمینه‌ساز برای رشد علمی و فناوری در این منطقه باشیم.

### ساختمان ۱۶۰۰ کیلومتر راه در سیستان و بلوچستان و خراسان بزودی پایان میابد

راه‌های مواصلاتی در استان سیستان و بلوچستان و خراسان به سرعت در حال تکمیل است. به گزارش بهروز، کارهای عمرانی در این مناطق با سرعت زیادی پیش می‌رود. او افزود: با بهره‌گیری از تجهیزات مدرن و نیروی انسانی متخصص، موفق شده‌ایم تا در مدت کوتاهی، مسافت‌های طولانی را به مسیرهای آسفالته و آسفالت‌شده تبدیل کنیم.

### کدری ونظری زودی(ها)!!

دکتر بهروز در این جلسه با اشاره به اهمیت کدری ونظری، اظهار داشت: این دو نام یکی از بزرگان و شخصیت‌های برجسته کشور است. به همین دلیل، باید با برگزاری رویدادهای مناسب، به یادگاری و پاسداشت این بزرگان پرداخته شود. او افزود: این رویدادها باید به گونه‌ای برگزار شود که برای نسل‌های آینده نیز جذاب و آموزنده باشد.

### براساس اسناد تاریخی کدری ونظری

بر اساس اسناد تاریخی، کدری ونظری یکی از بزرگان و شخصیت‌های برجسته کشور است. او در طول زندگی خود، سهم بسزایی در پیشرفت کشور داشته است. به همین دلیل، باید با برگزاری رویدادهای مناسب، به یادگاری و پاسداشت این بزرگان پرداخته شود.

### سیستم اداره دادگستری تغییر کرد

سیستم اداره دادگستری در کشور تغییر کرده است. به گزارش بهروز، این تغییرات در راستای بهبود کارایی و شفافیت سیستم قضایی انجام شده است. او افزود: با اتخاذ این تغییرات، می‌توانیم به سرعت‌تر و دقیق‌تر به عدالت رسیده و نیازهای مردم را برطرف کنیم.

### استان‌های آموز و گیل استان‌های پایتخته

استان‌های آموز و گیل در کشور به عنوان استان‌های پایتخته شناخته شده‌اند. به گزارش بهروز، این استان‌ها به دلیل موقعیت استراتژیک و اهمیت اقتصادی خود، مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند.

### مستاز مدیران کل راه های استان ها پایان یافت

کارهای مدیران کل راه‌های استان‌ها به پایان رسیده است. به گزارش بهروز، این مدیران در طول دوره مسئولیت خود، موفق شده‌اند تا در زمینه توسعه و نگهداری راه‌های استان‌ها، اقدامات مؤثری انجام دهند.

### وزیر خارجه وزیر دارایی و وزیر خارجه اقتصاد

وزیر خارجه و وزیر دارایی و وزیر خارجه اقتصاد در این جلسه حضور داشتند. به گزارش بهروز، این مقامات در مورد مسائل اقتصادی و مالی کشور بحث و تبادل نظر کردند.

پیوست ۱۵- مقاله «امت اسلام به چه می اندیشد؟»

بسمه تعالی

امت اسلام به چه میاندیشد؟

چشمپای بر فروغ ملت رسید از بند رسته ایران هبوا با قلبهای سالیها عبیده در راه آزادی، هنگام باکامهای استوار به رنگاه رفته، با یاد هزاران عزیز به شهادت نسته و مات و میبوت ساکت و آرام منتظر وعده خداست، مات و میبوت است که نگران است، ساکت و آرام است که اعتماد دارد، منتظر وعده خداست که حق است و یاس را میریاید. این روزها نگرانی را از چهره اکثر مردم میتوان خواند همه از دم میپرستند این مقام شایخ ریاست جمهوری چه مقامی است که همه را شیفته خود کرده است، مسائل از موضوع روز به یک سال قبل کشد، میشود از یکطرف میخواند که امام را باوری نیست، از طرفی فرزند امام میگید، چرخ شخص امام هیچکس نبود، که با آمدن امام در آن شرایط به ایران میانی باشد و حالا گروههایی چه با اختیار و چه تحت تأثیر جو حاکم گروهی را که از صداقت سالیها مبارزه ضد زویی برخوردارند به یاد حمله میگیرند، نونک تیسز حملات خود را نه بر دشمن اصلی و نه بر گروههای فرصت طلب که به چهره پاکترین و عاقل ترین نیروها نشان میروند و تیغ را میبینیم که نه بردست زنگی لیلیا انتقالی بودن و رقم امت خوردن برخورد پوشید و به دست دوست بر برادر میبورد آنهم درست به کسانی که رهبری انقلاب بارها و بارها به صداقت و امانت و دیانت آنها تأکید کرده است، این معمای قدرت طلبی و رئیس جمهوری شدن چه معنائی است که برادر را پچان برادر میاندازد و مردم را بفکر فرو میبرد، درد از اینجا است که در درجه بیگاریه روز، هم شمشیر کشید مایم و ای کاش نیل از بیگاریه اجازه اپنرا داشتند که جامع خود را برپوش کنند تا تکلیف مردم روشن شود و جا داشت که طائفانیها، صحابیها، و بازوگانها، چمرانها ویزه بهای کاروانی مبارزاتی خود را در سطح عموم منتشر میکردند و مدعیان انقلابی بودن نیز! نه اینکه مردم را در یک عمل انجام شده قرار دهند.

بفرمان امام است همه گروهها اختلافات شخصی و گروهی خود را در رویارویی با شاه کنار گذاشتند همه یک تن شدند و حال بر سر کسب مقام ریاست جمهوری بچان هم بودند، هم شاه را و هم امریکا را فراموش کرد ماند، گروههای صادی درون خلق با آگاهی به مسئولیت دشوار بعد از انقلاب قبول مسئولیت میکنند و برادران تک رو و بی مسئولیت برای خود شرماینگذاری سیاسی میکنند، با خون شهیدان و استخوان لپیده فرزندان دلیبر خلق بنای آینده را میسازند و سر بزنگاه از کانالهای خاص شروع به سپهانی میکنند.

آری توده مردم همچنان مات و میبوت، ساکت و صبورند و نظاره گر ابله ترازوی اند و منتظر وعده خداست. ای برادران و ای دوستان شما فکر میکنید از احساسات تود شما و از مرفعت خود چه طرفی خواهید بست و آب را به آسیاب چه کسی میرویزید و اگر منظور شما اینست که آقای بازوگان رئیس جمهور نشود، ملی نمایان و یا بیانهای از ملت بخواهید که با ایشان رای ندهند و یا ائتلافهای منطقی و نه ائتلافهای جادوگرانه، به مواضع ایشان حمله کنید و از ایشان پاتخ بخواهید نه اینکه به لطایف الحیل متوسل شوید، معجزه را مخدوش کردن حقایق کنید، کسانی که دست چپ راست خود را نمیدانند حق ندارند شخصیت های مورد اعتماد امام و امت بیبها یا بی مسئولیت بشوند و بعد که کار از کار گذشت استخفا کنند که با آگاهی این مطلب که چه خطای بزرگ را ناخوشودنی را مرتکب شده اند و جالب اینجاست وقتی تلفظی یا استواری ائتلافگران تماس میگیریم میگویند زمان انتخابات ریاست جمهوری است همه چیز را باید گفت چرا که آقای بازوگان و آقای بزوی چند ماه قبل به ما کم حمله کردند و به پیشنهادات ما و قدرتشا دند! ۱۱

آری ملت مات و میبوت است وقتی میبیند دشمنان انقلاب اسلامی ما ضیا که همان کلاه داران دلیبه کارگسر و همان نهاد بان در زمین آزادی که از همه بیشتر از این گروه صدمه خودمانند، آقایان قطب زاده، بنی صدر بزوی را شتم به عامل سیا میکنند، و مردم با فریاد های بزوی، بنی صدر، قطب زاده مثلث آزاده توطئهها را سرکوب میکنند، حال چه شده همان بلند روزنامه انقلاب اسلام را میگشاید و میخواند که چگونه آقای قطب زاده به یاد نحتی و ناسزا گرفته میشود و چه شده است که مطلبی مخالف میل کسی از تلویزیون پخش شده است، چند هفته میگذرد باز هم جدداد سوری به روزنامه انقلاب اسلام میزنیم، مقاله نویسی از قول فاسقی نقل میکند که در سال قبل بزوی فلان گفت، چه شده است؟ قرار است نامزد ریاست جمهوری انتخاب شود! ملت میبیند ناگهان از کانالهای دوست و نه دشمن پانک برمیآید که بزوی با فلانی مذاکره کرده...

( ۲ )

است برچه حقی و به اجازه کدام گروه ۱۴ و نخست وزیر (بازرگان) در سال قبل را محل گام به گام مطرح میکند پس .....! چندی نمیگذرد بازرگان را زیر ضربات تبلیغات و شایعه از گروه بدر میکنند. و امام مظلوم و هشیار امت بازرگان را مسلمانی امین و صادق و مؤمن خطاب میکنند ، و چندی بعد دکتر ابراهیم یزدی را مورد اعتماد خود معرفی و کوله باژی از مسئولیت را همراه ایشان به اقصا نقاط کشور میفرستد ، شگفتا که همه ارگانهای دولتی و کمیته‌ها و سپاه را به یاری ایشان ملزم میکند .  
 امت به چه میاندیشند ؟

مردم درمی‌پند که توطئه‌ای نمی‌تواند در کار باشد و هیچ برجسی بر چهره صادقی نمی‌چسبد و این یار جاه طلبی و گروه گرایی که امام همیشه از آن گریزان بوده است مانند آتش دامن گیر نهفت اسلامی ایران این اسوه انقلاب راستین جهان شده است ، بر سابقه ترین گروه سیاسی که مسلخ به اندیشه اسلامی است و ریشه در یطن تاریخ دارد و نهال اولیه آنرا آیت اله طالقانی ، دکتر سجایی ، مهندس بازرگان و بعد دکتر شبیانی پایه ریزی کردند و بعد از شهریور بیست اسلام را بعنوان مکتب در صحنه سیاست عرضه کردند . درست در سالهایی که هیچ مسلمانی جرئت نداشت در دانشگاه اسم خدا را ببرد ، دکتر یزدی این مرد کاردان مورد اعتماد امام با چند نفر دیگر اساسانجمن اسلامی را بنیان می‌نهد چراکه فرزند قهرمان است و معلم طالقانی و بعد پس از سالها فخران و دیکتاتوری شریعتی جا و سجایی‌ها و حنیف نژادها را در خود پروراند است و مقابل فرصت طلبان و کج روان کباب مدار خلق و ملی گستاده است و بیبری برافراشته اسلام را همیشه در احترام نگه داشته است و هرگز به دشمن بیعت نکرده ، این به ذلت همکاری نداده است ، ملت مات و میبوت است ، چراکه ناگهان شایع میشود کاندیدائی ریاست جمهوری آقای جلال الدین - فارسی است آنهم از حزب جمهوری اسلامی که پاکترین فرزندان اسلام گردا ، آن هستند ، ناگهان چند روز قبل در خاطرش زنده میشود که این برادر در نماز جمعه سخنرانی کرده است شگفتا چه رابطه ایست بین نماز جمعه و کاندیدائی ریاست جمهوری آنهم در این فاصله کم آیا مردانی چون دکتر عباس شبیانی یا کولمباری از رنج و مبارزه و تحمل شده‌اند ، زندانهای آریامه‌پوری و شوریده بر دشمن در طول سالها که در حزب جمهوری عضویت دارد و هرگز سخنی به تهمت و افترا به زبان نیازرده و باکی و صادق و لیاقت در چهره نحیف و زجر کشیده اش از هیچ کس پوشیده نیست لیاقت و صلاحیت رئیس جمهوری را دارد ، یا آقای جلال دین فارسی نه ، بلکه با وجود مبارز بودن ، زبان به تهمت نهد ، به امام موسی صدر و دکتر بران و غیره بعنوان طرفداری از فلسطینیها گشود ماست حال این فلسطینیها از چه مکتبی پیروی میکنند ، آنهم نیست آیا تضاروت ابوعمار در مورد امام موسی صدر همان است که تضاروت آقای فارسی است از گفتمانی - ابوعمار که امام موسی را دوست و یاور فلسطینیها میدانند باید فهمید .  
 اکنون که بازرگانها و ... خود را به لباس تقوی آراستگانند ، مهر سکوت بر لب دوخته‌اند و از خدا می‌خواهند که با این برخورد های غیرمنطولا نه عاقبتشان بخیر شود و به دست دوست در مسلح دشمن ذبح نشوند تنها راهی که برای ملت اسلام میماند این است که سیاست دنیا را بشیفته‌گانش واگذار کنند .  
 هرگز خدمتگزاران خرد را از دست ندهند .

والسلام

محسن - ا

۱۳۵۸/۱۰/۱۰

## فصل سوم

### کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در دیگر شهرها و مناطق گرفتار اختلاف و بحران

الف- مأموریت در استان هرمزگان - بندر لنگه

در بندر لنگه

اکثریت مردم بندر لنگه را سنی‌های شافعی تشکیل می‌دهند، اما در سال‌های قبل از انقلاب، تعداد شیعیان در آنجا به تدریج رو به افزایش می‌گذارد. در دی‌ماه ۱۳۵۸ درگیری شدیدی میان شیعیان و سنیان بندر لنگه آغاز می‌شود. شیعیان بندر لنگه اکثراً اهل لامرد فارس هستند.

در دوران گذشته - احتمالاً تا اواخر دوران قاجار - بندر لنگه، حاکم‌نشین استاندار بنادر و جزایر خلیج فارس یا به اصطلاح دریایی‌گی بوده است. حاکمان بنادر جنوب خلیج فارس را منصوب می‌کرده است.

بیشتر سنی‌های بندر لنگه، مهاجران بنادر جنوبی خلیج فارس هستند. شیعیان اکثراً مهاجران بحرین یا فارس (لامرد و لار) هستند [پیوست ۱].

امام و رهبر اهل تسنن جنوب ایران، شیخ محمد علی خالدی بود که بر طبق سنت، چهار همسر داشت. او در تاریخ ۱۳۵۸ / ۸ / ۱۹ در قم با امام خمینی ملاقات کرد.

امام جمعه و رهبر شیعیان بندر لنگه، **حجت‌الاسلام سید جواد رکنی** بود که در ۱۳۵۸ / ۱ / ۲۲ همراه جمعی از مردم بندر لنگه با امام خمینی دیدار کرد. آقای رکنی در روز جمعه ۱۴ مهرماه ۱۳۵۸ از جانب آقای خمینی به سمت امام جمعه بندر لنگه منصوب شد (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۸۴).

## ۶۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

### درگیری و زد و خورد در بندر لنگه - دی ماه ۱۳۵۸

روز شنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۵۸ عده‌ای حدود یکصد تن از اهالی لامرد فارس به تحریک حجت‌الاسلام سید رضا رکنی، امام جمعه بندر لنگه با موشک ضد تانک به مسجد اهل سنت و امام آنها شیخ محمدعلی، حمله می‌کنند.

در روز یکشنبه ۱۶ دی ماه بر اثر تیراندازی، یک تن از اهالی کشته می‌شود. به دنبال این حوادث، لامردی‌ها، مرکز سنی‌نشین شهر را اشغال می‌کنند و به آزار و اذیت سنی‌ها می‌پردازند.

روز پنجشنبه ۲۰ دی ماه، سپاه اعزامی از بندرعباس و ژاندارمری، کنترل شهر را در دست می‌گیرند و لامردی‌ها شهر را ترک می‌کنند.

### تظاهرات مردمی در شهرهای بندری

روز بعد در شهرهای بندری میناب، خمیر، پل، بستک، جاسک و قشم، گروه‌های مختلف مردم دست به راهپیمایی زده و ضمن پشتیبانی از تفاهم و دوستی برادران اهل تسنن با برادران اهل تشیع، خواستار مجازات عاملین حادثه خونین بندر لنگه شدند.

مردم جاسک طی یک قطعنامه چهار ماده‌ای که در پایان راهپیمایی خود قرائت کردند، حادثه بندر لنگه را محکوم کرده و از دکتر یزدی نماینده امام خواستند به بندر لنگه سفر کند و به این نفاق‌افکنی‌ها پایان دهد و اجازه داده نشود ضد انقلاب بیش از این شایعه‌پراکنی کند. در این قطعنامه، همچنین از مسئولان اداره بندر این شهر خواسته شد تا دست از شایعه‌پراکنی برداشته و به کم‌کاری پایان دهند.

بر اساس گزارش‌های رسیده، در همه شهرهای استان سه روز عزای عمومی اعلام شد و اداره کل آموزش و پرورش کلیه واحدهای آموزشی را تا پایان هفته تعطیل کرده بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حقانی، امام جمعه بندرعباس نیز با من تماس گرفت و با تأکید دعوت کرد که به بندر لنگه بروم. مرحوم حقانی، انسان وارسته‌ای بود و در مجلس شورای اسلامی دوره اول از بندرعباس انتخاب شده بود.



## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۰۹

### گزارش ژاندارمری کشور در باره درگیری‌ها در بندر لنگه

در گزارش مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۰ فرمانده ژاندارمری کل ایران، سرتیپ دانشور به نخست‌وزیر که رونوشت آن توسط فرمانده هنگ بندر لنگه برای من فرستاده شد، چنین آمده است:

از: ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران

به: نخست‌وزیری

رونوشت: وزارت کشور.

رونوشت: ساماجا.

رونوشت: برادر دکتر یزدی توسط هنگ لنگه.

رونوشت: استانداری استان هرمزگان.

به فرمانده هنگ لار ابلاغ شده بود به منظور جلوگیری از عزیمت عناصر مسلح که برای توسعه درگیری عازم لنگه بوده‌اند، به لامرد حرکت نماید. گزارش افسر مذکور حاکی است:

۱- به طوری که در محل استنباط می‌شود دست‌هایی در کار است که هرچه بیشتر به آتش حادثه بندر لنگه دامن و سبب گسترش آن در سایر نقاط شوند. از طرفی استمداد حجت‌الاسلام رکنی از مردم لامرد در جهت حمایت از شیعیان به‌عنوان حکم جهاد تلقی شده و طرفین در نظر دارند به منظور حمایت از جهت‌های درگیر در لنگه، عده‌هایی به محل اعزام دارند.

۲- چون مأمورین ژاندارمری لامرد به منظور جلوگیری از توسعه برادرکشی به گروه‌ها توصیه نموده‌اند که از عزیمت به لنگه خودداری کنند، به همین انگیزه محرکین از این عمل مأمورین و اینکه محل مأموریت خود را به جهت کمک به شیعیان بندر لنگه ترک ننموده‌اند، آنها را مورد اهانت قرار داده و حتی آموزش و پرورش مدارس را تعطیل و دانش‌آموزان بر علیه ژاندارمری تظاهرات نموده و سبب تضعیف روحیه آنها شده‌اند.

۳- مقرر فرماید با توجه به مراتب فوق در مورد اینکه استمداد حجت‌الاسلام رکنی در حکم اعلام جهاد نبوده و وظیفه مأمورین ژاندارمری ایجاب می‌نماید از حرکت گروه‌ها از هر جناح که باشند، جلوگیری نمایند، مراتب از نظر خشی نمودن تبلیغات و

## ۶۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

تحریکات از رادیو و تلویزیون اعلام گردد. ضمناً علمای روحانی و مأمورین وزارت کشور نیز در این باره توجیه شوند.

فرمانده ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران - سرتیپ دانشور

شماره: ۱۹/۴۰۱/۷۷/۱۶ تاریخ: ۱۳۵۸/۱۰/۲۰ [پیوست ۲].

در پاسخ به این نامه، استاندار هرمزگان، آقای مرتضی بازرگان در ۱۳۵۸/۱۰/۲۳

نامه‌ای به فرمانده ژاندارمری به شرح زیر می‌نویسد:

تیمسار دانشور، فرمانده محترم ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به پیام شماره ۱۹/۴۰۱/۷۷/۱۶ مورخ ۵۸/۱۰/۲۰ مراتب زیر را به آگاهی می‌رساند:

۱- به مجرد اطلاع از حوادث تأسفبار شنبه پانزدهم دی‌ماه، حدود یکصد تن از اهالی لامرد خود را به بندر لنگه رسانده و کنترل شهر را به دست می‌گیرند.

۲- از لحظه ورود آنان به لنگه، فقط یک مورد تیراندازی صورت می‌گیرد و آنها تنها سنگری را که تا ظهر یکشنبه مقاومت کرده بود، تصرف کرده و در این برخورد یازده تن خود را تسلیم کرده و آخرین نفر که از اهالی سراوان بوده است، کشته می‌شود.

۳- صبح روز پنجشنبه که قرار شد سپاه پاسداران اعزامی از بندرعباس و ژاندارمری لنگه مشترکاً کنترل شهر را به دست گیرند، یکصد تن تفنگدار لامردی ضمن استقبال از پاسداران، مواضع مربوطه را به افراد فوق تحویل داده و با خواندن سرود «ما همه سرباز تویم خمینی / گوش به فرمان تویم خمینی» لنگه را ترک کرده و به لامرد بازگشتند.

۴- همان‌طور که از رادیو هم اعلام گردید، روز سه‌شنبه اهالی لامرد چند کامیون مواد غذایی برای مردم لنگه به این شهر ارسال نمودند.

۵- اهالی لامرد نه تنها آشوبگر نیستند، بلکه از وفادارترین و مؤمن‌ترین افراد این مملکت نسبت به انقلاب مقدس ایران می‌باشند.

۶- حجت الاسلام رکنی، پیامی به لامرد نفرستاده است که به‌عنوان دعوت به جهاد تلقی گردد.

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۱۱

۷- با توجه به مراتب فوق به نظر می‌رسد که یا سوء تفاهمی در لار پیش آمده و یا واقعاً افرادی به نام تفنگداران لامردی به ژاندارمری لار اهانت و توهین نموده‌اند. در هر حال، از صبح پنجشنبه بیستم دی کنترل شهر به دست سپاه پاسداران و ژاندارمری بود و آرامش مطلق برقرار است و کلیه راه‌های ورودی به لنگه و تردد‌های مربوطه به شدت و دقیقاً کنترل می‌گردند و امیدوار است که دیگر هیچ‌گونه حادثه ناگواری رخ ندهد.

استاندار استان هرمزگان - مرتضی بازرگان

رونوشت:

- جناب حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، سرپرست محترم وزارت کشور

- جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده محترم امام خمینی

### سفر به بندرعباس و بندر لنگه

موضوع سفر به بندر لنگه را با امام و اعضای هیئت مطرح کردم و توصیه این بود که حتماً برویم و آشوب را مهار کنیم؛ بنابراین، به همراه هیئت به بندرعباس رفتیم. در بندرعباس با آقای حقانی دیدار کردیم و اطلاعات اولیه در مورد وضعیت بندر لنگه را از ایشان دریافت کردم و سپس با هواپیما به اتفاق استاندار هرمزگان، آقای بازرگان به بندر لنگه رفتیم.

در بندر لنگه به اتفاق استاندار در شهرداری با شهردار و اعضای شورای شهر دیدار و گفتگو کردیم. آقای رکنی به اتفاق جمعی از مردم (شیعیان) به دیدار ما آمد. او از کاری که شده بود سخت ناراحت بود و آمادگی خود را برای حل مشکل اعلام کرد، اما برای حل مشکل باید با سنیان و رهبر اهل تسنن نیز دیدار و گفتگو می‌کردیم، اما حمله به مسجد آنچنان سنیان را ترسانده بود که در خانه‌های خود مانده بودند و حاضر نبودند بیرون بیایند. لاجرم از ژاندارمری یک ماشین جیب با یک بلندگو گرفتیم و با اعضای هیئت به محله سنیان رفتیم. یکی از اعضای هیئت، ورود نماینده امام و هیئت همراه را برای رسیدگی به درگیری‌های مذهبی در بندر لنگه در بلندگو اعلام می‌کرد.

## ۶۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بالاخره جمعی از ساکنان محله بیرون آمدند و روبه‌روی خانه شیخ خالد جمع شدند. در همین حال ما نیز به خانه شیخ خالد رفتیم و در گفتگویی با او، هدف از سفر به بندر لنگه و ضرورت پایان دادن به درگیری‌ها را توضیح دادیم.

### گرد همایی شیعیان و سنیان و رؤسای شهر و گفتگو برای توافق

ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه روز سه‌شنبه به اتفاق هیئت اعزامی و بازرگان استاندار هرمزگان در جمع مردان و زنان اهل تسنن و تشیع در مسجد شیخ بندر لنگه حاضر شدیم و با آنان به مذاکره پرداختیم.

در این جلسه که به مدت سه ساعت به طول انجامید، اهل تسنن خواست‌ها و پیشنهادات خود از جمله انحلال شورای شهر، تصفیه کمیته، خلع سلاح کلیه افراد غیرمسئول اعم از سنی و شیعه، دستگیری عواملی که موجب آشوب و حوادث بندر لنگه شده‌اند و برقراری نظم و آرامش و امنیت توسط افراد ژاندارمری و شهربانی بودند؛ همچنین اعلام کردند که همه افراد غیرمسئولی که وارد شهر بندر لنگه شده‌اند، به جای خود و به شهر خود بازگردند.

پس از این جلسه، به اتفاق استاندار استان هرمزگان، رهبران اهل تسنن بندر لنگه و آقای محمد ضیائی از رهبران اهل سنت در بندرعباس و جمعی از اهالی، از مسجد مصلح، محل حادثه ناگوار بندر لنگه دیدن کردیم و از نزدیک محل حادثه را مورد بررسی قرار دادیم. خمپاره‌هایی که به مسجد شلیک شده بود، خسارات قابل توجه به بار آورده بود.

بعدازظهر آن روز به مذاکرات خود با رهبران اهل تسنن بندر لنگه و نمایندگان مردم بندر لنگه ادامه دادیم تا به راه حل ممکن در جهت رفع اختلافات مردم برسیم؛ سپس به اتفاق رهبران اهل سنت به ستاد هنگ ژاندارمری این بندر رفتیم و با حجت‌الاسلام رکنی رهبر شیعه بندر لنگه و رهبران اهل تسنن در بندر لنگه و بندرعباس و نمایندگان گروه‌های مذهبی به مذاکره پرداختیم. این مذاکرات تا ساعت ۱۹ ادامه داشت و در نهایت به یک توافق رسیدیم و قطعنامه‌ای به تصویب رسید و همه آن را امضا کردند.

### اجرای قطعنامه

پس از توافق همه طرف‌های درگیر و امضای قطعنامه، هیئت اعزامی پیگیری کرد تا از اجرای کامل قطعنامه اطمینان حاصل کند.

برخی از مواد قطعنامه که مستقیماً و بلافاصله با امنیت شهر ارتباط پیدا می‌کرد هنوز اجرا نشده بود. در جریان ناآرامی‌ها مسئولان کمیته انقلاب، ۳۱ تن را بازداشت کرده بودند. این افراد جهت بازپرسی مقدماتی، به رئیس دادگاه شهر، تحویل داده شدند تا بعد از بازپرسی مقدماتی، پرونده تنظیمی بازداشت شدگان جهت محاکمات لازم به دادستان انقلاب ارجاع شود. با درخواست هیئت قرار شده بود تعدادی از سپاه پاسداران بندرعباس به بندر لنگه بیایند تا با همکاری ژاندارمری، امنیت شهر را برعهده گیرند. پس از استقرار این نیروها در شهر، از حرکت افراد مسلح غیرمجاز جلوگیری خواهد شد. به علت حوادث ناگوار، وضع توزیع مواد غذایی در شهر مختل شده بود. با کمک اهالی پانزده وانت حامل آذوقه، از قبیل: گوشت، خرما، نان و برنج بین مردم تقسیم گردید و پس از برقراری آرامش و امنیت در بندر لنگه، مدارس و مغازه‌های بندرعباس، جزیره قشم، میناب، بخش‌های گاوبندی بستک و بندر جاسک که در اعتراض به حوادث لنگه تعطیل کرده بودند، کار خود را از سر گرفتند. با ورود نفرات اعزامی سپاه از بندرعباس، حفظ نظم بندر لنگه به سپاه پاسداران و ژاندارمری واگذار شد.

### سخنرانی در گردهمایی مردم بندر لنگه در ورزشگاه شهر

مردم بندر لنگه برای چیزهایی که ندارند دعوا می‌کنند. پس از آنکه رهبران شیعی و سنی بندر لنگه یکدیگر را بوسیدند و قطعنامه را امضا کردند و عملاً آرامش به شهر بازگشت، مردم شهر به یک گردهمایی در ورزشگاه شهر دعوت شدند. در این گرد همایی، ضمن اشاره به انقلاب عظیم اسلامی ایران، خطاب به مردم گفتم: در جامعه‌ای که سال‌ها و قرن‌ها استبداد سلطنتی بر ما حاکم بوده است در ما مردم روحیه‌ای به وجود آمده است که حاضر نیستیم هیچ‌کس جز خودمان را ببینیم و تحمل کنیم.

## ۶۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

گرچه شاه رفته، ولی متأسفانه آن فرهنگ مطلق خواهی، خودپرستی و خودمحوربینی در همه مردم هست؛ نه اینکه فقط در یک فرد و یا فقط در یک گروه باشد، مع الاسف در همه ما هست؛ به طوری که هر کدام از ما در روابطمان با دیگری، با هر مذهبی، روابط انسانی متعادلی نداریم: چه زنانمان و چه مردانمان، چه جوانانمان و چه پسرانمان، هر کدام از ما برای خودمان یک شاه کوچولو هستیم و به هر کس که زورمان برسد می‌خواهیم نظر خودمان را - حالا با اسلحه یا هر چیزی دیگر باشد - تحمیل کنیم.

در حوادث ناگواری که پیش آمده است، همه مقصرنند؛ برای اینکه قدرت تحمل همدیگر را از دست داده‌ایم. شما برای چه به جان هم افتادید؟ برای آبی که ندارید؛ برای زمین‌هایی که ندارید و مخروبه است؟ برای برقی که ندارید؟ برای مدرسه‌ای که ندارید؟ برای بهداشتی که نیست؟ برای چه؟ آخر باید یک چیز باشد که با هم دعوا کنید؟! ببینید ۵۸ سال سلطنت رضاخان و پسرش در شهر شما چه کرده است! نقل شده است که شما مردم می‌گویید زلزله پهلوی شهر شما را خراب کرده است. واقعاً در شهر شما زلزله آمده و آثارش هم هست؛ حالا باید دست به دست بدهید شهرتان را بسازید. حالا وقت بحث و دعوی شیعه و سنی نیست. حالا همه باید به هم احترام بگذارید و سعی کنید این شهر را بسازید تا برای همه قابل زیست باشد.

در پایان سخنانم موافقتنامه ده ماده‌ای را که به امضای رهبران اهل تسنن و تشیع بندر لنگه و همه مقامات مسئول شهر و اعضای هیئت اعزامی امام خمینی هم رسیده بود، خواندم و مردم با تکبیرهای خود آن را تأیید می‌کردند. در این اجتماع، شیخ خالدی و حجت‌الاسلام رکنی یکدیگر را بوسیدند و مردم با گفتن تکبیر، درحالی که از نتیجه مذاکرات هیئت ویژه خوشحال بودند در خیابان‌های شهر بندر لنگه راهپیمایی کردند و با نظم و آرامش به خانه‌های خود بازگشتند.

### نظم در بندر لنگه برقرار شد

برخی از روزنامه‌های کشور، رویدادهای بندر لنگه را به این شرح گزارش کردند: در پی رویداد ناگوار بندر لنگه، دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام به اتفاق هیئت اعزامی و مهندس بازرگان استاندار هرمزگان در جمع برادران و خواهران اهل تسنن و تشیع در مسجد شیخ بندر لنگه شرکت کردند و با آنان به مذاکره پرداختند.

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۱۵

در این جلسه که به مدت سه ساعت به طول انجامید، برادران و خواهران اهل تسنن خواست‌ها و پیشنهادهای خود را ارائه کردند. از جمله خواست‌های آنان عبارت است از: انحلال شورای شهر، تصفیه کمیته، خلع سلاح کلیه افراد غیرمسئول اعم از سنی و شیعه، دستگیری عواملی که موجب آشوب و حوادث بندر لنگه شده‌اند و برقراری نظم و آرامش و امنیت توسط افراد ژاندارمری و شهربانی. همچنین افراد غیرمسئولی که وارد شهر بندر لنگه شده‌اند به جای خود بازگردند.

### مذاکره هیئت

ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام به اتفاق استاندار هرمزگان و هیئت بررسی حوادث بندر لنگه، در ستاد هنگ ژاندارمری این بندر با حجت‌الاسلام رکنی، رهبر شیعه بندر لنگه و شیخ خالدی و محمد ضیایی، رهبران اهل تسنن در بندر لنگه و بندرعباس و نمایندگان گروه‌های مذهبی به مذاکره پرداختند.

### راهپیمایی اهالی قشم

پریروز<sup>۱</sup> هزاران نفر از مردم جزیره قشم دست به یک راهپیمایی زدند و سپس در مسجد این جزیره اجتماع کردند و ضمن محکوم کردن حوادث بندر لنگه، خواستار مجازات مسببین این رویداد ناگوار شدند. بر اساس همین گزارش در ارتباط با حوادث اخیر بندر لنگه، سپاه پاسداران بندرعباس، اطلاعیه‌ای منتشر کرد و طی آن اعلام داشت: در این زمان حساس و تاریخی که می‌رود رئیس‌جمهور کشورمان انتخاب شود، امپریالیزم جهانخوار شرق و غرب دست به توطئه می‌زند و حادثه می‌آفریند و حادثه بندر لنگه خارج از این مدار نیست و ما پاسداران استان هرمزگان از دستاوردهای انقلاب پاسداری می‌کنم.

### ادامه تعطیلی

پریروز همچنین در میناب، بندر خمیر، بستک، رودان، جزیره قشم، بندر جاسک و سایر مناطق استان هرمزگان مدارس و مغازه‌ها تعطیل بود و تعطیلی مدارس تا پایان

---

۱. از عبارت روزنامه دانسته می‌شود این گزارش دو روز با تأخیر چاپ شده است. چنان‌که در پیوست ۳ خواهیم دید، مشخص نیست گزارش از کدام روزنامه است (ویراستار).

## ۶۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

این هفته ادامه خواهد یافت و مردم به سوگ شهدای بندر لنگه نشستند. در بندر خمیر، مجلس یادبودی به مناسبت حادثه بندر لنگه برگزار شد و مردم این بندر از این رویداد ناگوار اظهار تأسف کردند.

پریروز همچنین از سوی جمعیت شیر و خورشید سرخ بندرعباس، مقادیری نان، تن ماهی و پتو جهت کمک به مردم بندر لنگه به این منطقه ارسال شد. شهر بندر لنگه (ساعت ۱۹ دوشنبه) از آرامش کامل برخوردار بود.

### بندر لنگه آرام است

پریروز مهندس روحانی، معاون عمرانی استانداری استان هرمزگان در گفتگویی اظهار داشت: در حال حاضر هیچ‌گونه درگیری بین گروه‌های مذهبی پیش نیامده است، اوضاع شهر آرام است و نظم شهر به عهده نیروهای انتظامی است. ضمناً از سوی جامعه روحانیت اهل تسنن و شیعه میناب، اعلامیه‌ای صادر شد و ضمن ابراز تأسف از حوادث بندر لنگه، مردم را به آرامش دعوت کردند.

### نتایج مذاکرات و قطعنامه

در یک جلسه ده ساعته که تا ساعت ۲ بامداد دیروز ادامه داشت، دکتر یزدی، نماینده ویژه امام خمینی و هیئت اعزامی با رهبران اهل تسنن و تشیع و معتمدان محلی بندر لنگه، پیرامون راه‌حل ممکن در جهت رفع مشکلات این منطقه به مذاکره پرداختند و به توافق رسیدند و قطعنامه‌ای در ده ماده به تصویب رسید که از امروز (دیروز) به مورد اجرا گذارده می‌شود.

متن این قطعنامه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

به دنبال وقوع حوادث ناگوار شنبه ۱۳۵۸/۱۰/۱۵ در شهر بندر لنگه، معتمدین شهر، روحانیون و اعضای جدید شورای شهر، رؤسای ژاندارمری و شهربانی و سپاه پاسداران، استاندار و فرماندار و رئیس دادگاه شهر در محل اقامت اعضای هیئت ویژه امام خمینی و نماینده وزیر کشور در بندر لنگه تشکیل جلسه دادند و پس از رسیدگی به مشکلات و موضوعاتی که منجر به فاجعه روز شنبه گردید، تصمیمات زیر را به اتفاق آرا اتخاذ نمودند.



## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۱۷

- ۱- کلیه مسائل مربوط به شهر در یک هیئت هماهنگی مرکب از اعضای جدید شورای شهر، چهار تن کاندیداهای سابق برادران اهل تسنن برای شورای شهر، نمایندگان روحانیت تشیع و تسنن، فرماندار، فرمانده هنگ ژاندارمری و رئیس شهربانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد و حتی الامکان استاندار و فرمانده سپاه پاسداران و رؤسای ادارات مربوط نیز در این جلسات شرکت خواهند نمود.
- ۲- حدود وظایف و اختیارات کمیته انقلاب شهر توسط هیئت هماهنگی بررسی شده و تعیین می‌گردد.
- ۳- در ترکیب اعضای کمیته انقلاب شهر، تغییراتی با تصویب هیئت هماهنگی داده خواهد شد.
- ۴- امنیت شهر توسط نیروهای مشترک ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب تأمین خواهد شد.
- ۵- هیچ فردی حق ندارد مسلحانه در شهر ظاهر شده و تردد نماید. مأمورین مسئول امنیت شهر در صورت مشاهده هرگونه تخلفی با شدت عمل وظایف قانونی خود را انجام داده و متخلفین را دستگیر خواهند نمود.
- ۶- کلیه بازداشت شدگان حوادث اخیر تحویل دادگاه انقلاب اسلامی خواهند شد. دادگاه موظف است حداکثر ظرف ۲۴ ساعت افراد بی‌گناه را تشخیص دهد و آزاد نماید.
- ۷- کلیه شکایات و گزارشات واصله در مورد افراد متهم و تحریک مردم و ایجاد فاجعه شنبه گذشته، به دادگاه انقلاب تسلیم خواهند شد تا با رسیدگی به آنها ترتیب تعقیب و جلب متهمین و محاکمه و مجازات آنها را بدهد.
- ۸- سپاه پاسداران و ژاندارمری با تمام قوا این مبارزه با قاچاق را قاطعانه تعقیب خواهند نمود.
- ۹- هیئت هماهنگی تعهد می‌نماید طرح‌های عمرانی از قبیل توسعه کشاورزی، راه‌سازی، آب‌رسانی و غیره را بررسی نموده، پیشنهادات خود را با ذکر اولویت‌ها به فرماندار و استاندار تسلیم نماید و در پیشرفت طرح‌های در دست اجرا نظارت نمایند.

## ۶۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱۰- دادگاه انقلاب، عناصر شناخته شده ساواک منحل را که توبه نکرده و خود را اصلاح ننموده باشند، تشخیص داده و جلب و محاکمه و مجازات خواهند نمود [پیوست ۳].

### عامل اصلی حوادث خونین بندر لنگه شناخته شد

دکتر یزدی و استاندار هرمزگان برای بررسی وقایع بندر لنگه به این منطقه رفتند بندرعباس - خبرنگار کیهان: دکتر ابراهیم یزدی امروز در رأس هیئتی برای بررسی حوادث بندر لنگه عازم این منطقه شد.

مهندس مرتضی بازرگان، استاندار هرمزگان، در این سفر دکتر یزدی را همراهی می‌کند. قبلاً نیز «کلیجر» معاون سیاسی استانداری هرمزگان نیز به همین منظور به بندر لنگه رفته بود. قرار است پس از رسیدگی‌های لازم از سوی دکتر یزدی و هیئت همراه او، نتیجه به اطلاع شورای انقلاب برسد. از سوی دیگر، دیروز آیت‌الله رکنی، نماینده امام در این بندر نیز اعلام کرد که مسئول و عامل تحریکات، شخصی به نام اسماعیل‌زاده است که این شخص قبلاً عامل ساواک در دانشگاه مشهد بوده است.

آیت‌الله رکنی گفت: این شخص با تحریک برادران اهل تسنن در بندر لنگه و توهین به برادران اهل تشیع موجبات اختلاف و درگیری را فراهم کرده است. محمود بستگی، رئیس هواپیمایی بندر لنگه نیز عامل اصلی درگیری را دکتر اسماعیل‌زاده معرفی کرد و گفت که مردم با اجتماع در برابر منزل آیت‌الله رکنی خواستار محاکمه فوری وی شده‌اند.

بر اساس گزارش‌های رسیده، فرماندار بندر لنگه اعلام داشته است که بعد از ظهر دیروز را مردم در خانه‌های خود به سر بردند و آرامش نسبی در شهر حکمفرما بود. وی همچنین گفت که چریک‌های مسلح، ژاندارمری بندر لنگه را در محاصره دارند.

حجت‌الاسلام حقانی، نماینده امام در بندرعباس نیز در گفتگویی با خبرگزاری پارس ضمن اعلام اینکه در حوادث بندر لنگه ۲۹ نفر کشته شدند، اظهار داشت: بامداد امروز (دیروز) با یک فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ پانزده تن از مجروحین حادثه بندر لنگه که حالشان وخیم بود، جهت ادامه معالجات به شیراز منتقل شدند و در حال

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۱۹

حاضر بیمارستان دکتر شریعتی بندرعباس آمادگی کامل دارد. نماینده امام در بندرعباس گفت: در تماسی که ظهر دیروز با بندر لنگه گرفته شد، معلوم شد مردم این شهر در تنگنای آذوقه قرار دارند که بلافاصله مقداری نان از بندرعباس به بندر لنگه فرستادیم. چند فروند هواپیما و هلی‌کوپتر و اکیپ‌های بهداشتی نیز جهت کمک‌رسانی به بندر لنگه اعزام شدند.

وی همچنین گفت که از سوی ایشان هیئتی جهت مذاکره با گروه‌های درگیر به بندر لنگه اعزام شد و این هیئت کوشیده است که از درگیری مجدد جلوگیری کند؛ به‌طوری که در حال حاضر (ساعت ۱۰ دیروز) زد و خوردی در بندر لنگه وجود ندارد. حجت‌الاسلام حقانی گفت: با اطلاعاتی که رسیده، پیش از ظهر یکشنبه در درگیری‌های بندر لنگه سه نفر مجروح شدند که در بیمارستان بندر لنگه بستری هستند. نماینده امام در بندرعباس افزود: طی تماسی که با قم و سپاه پاسداران تهران گرفته شد، درخواست اعزام یک هیئت روحانی و تعدادی پاسدار جهت برقراری نظم در بندر لنگه کردیم که قرار است آقای دکتر یزدی و هیئتی جهت رسیدگی به حوادث بندر لنگه عصر امروز (دیروز) عازم این منطقه شوند.

وی گفت: گروه‌هایی از لامرد و کهورستان به بندر لنگه آمده‌اند. وی اظهار داشت: اطلاعیه‌ای از سوی جامعه روحانیت برادران اهل تسنن و تشیع بندرعباس صادر شد و از مردم خواسته شده است که آرامش خود را حفظ کنند و به دنبال این اطلاعیه، مغازه‌ها و بازار بندرعباس و جزیره قشم به منظور ابراز همدردی با مصیبت دیدگان تعطیل شد.

متن اطلاعیه جامعه روحانیت برادران اهل تسنن و تشیع بندرعباس به این شرح است:

«بدین وسیله به اطلاع برادران و خواهران گرامی شهر بندرعباس می‌رساند: در اثر حوادث تأسف‌انگیز بندر لنگه که منجر به کشته و زخمی شدن عده‌ای از برادران مسلمان بی‌گناه شده است، به‌عنوان همدردی و تأثر با مردم مصیبت‌زده بندر لنگه از امروز بازار و مغازه‌ها تعطیل اعلام می‌گردد. امید است کلیه خواهران و برادران مسلمان اهل تسنن و تشیع آرامش خود را حفظ نموده و جدا از ابراز احساسات به تجمعات و

## ۶۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

سروصدا خودداری فرمایند تا خدای ناکرده فتنه و آشوب گسترش نیابد و بهانه به دست فرصت‌طلبان ندهد.

مسئلاً مسئولان امر، در سعی و کوشش برای خاموش کردن فتنه بندر لنگه و شناخت عوامل آشوب و دستگیری و محاکمه مسببان اصلی کوتاهی نخواهند نمود. از طرف جامعه روحانیت تسنن و تشیع بندرعباس غلامحسین حقانی و محمد ضیایی».

### آماده‌باش بیمارستان‌های شیراز

به گزارش خبرنگار کیهان از شیراز شش نفر از مجروحین حوادث بندر لنگه با هواپیمای نظامی به این شهر انتقال یافتند. این عده که اغلب حالشان بسیار وخیم است، در بیمارستان‌های خلیلی و دکتر مصدق بستری شدند.

آمادگی لازم به بیمارستان‌های شیراز داده شده و دکتر مغیثی مدیرعامل بهداری و بهزیستی به خبرنگار «کیهان» گفت: ما تمام بیمارستان‌های شیراز را به صورت آماده باش درآوردیم و تعدادی اتومبیل‌های اورژانس را به فرودگاه فرستادیم تا به محض آنکه مجروحین وارد شیراز شدند به بیمارستان‌های دکتر مصدق، نمازی، سعدی، شماره دو و سه شیراز منتقل شوند.

دکتر مغیثی اضافه کرد: ما امکانات برای پذیرش یکصد مجروح را در نظر گرفته‌ایم.

اسامی مجروحانی که به شیراز انتقال یافته‌اند به این شرح اعلام شد:

زهرا عسگری، ضربه مغزی [بستری] در بیمارستان نمازی، عبدالله راشدی، شکستگی فک؛ عبدالرحیم هاشمی، محمدعلی اعتدالی، خدیجه صنعتی، محمدرضا اسدی که به علت اصابت گلوله و شکستگی دست و پا در بیمارستان دکتر مصدق بستری هستند.

به دنبال وقوع درگیری‌های بندر لنگه، این اطلاعیه از طرف شیخ محمدعلی خالدی و سید محمدجواد رکنی رهبران مذهبی اهل تسنن و اهل تشیع بندر لنگه منتشر شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۲۱

اهالی متدین و شرافتمند بندر لنگه، برادران تسنن و تشیع، استدعا داریم از هر گونه حمله و تیراندازی به یکدیگر اکیداً خودداری فرمایید. هر گونه عمل تهاجمی در این موقع به منزله مبارزه با خدا و قرآن و انقلاب اسلامی تلقی خواهد شد.  
سید محمدجواد رکنی - محمدعلی خالدی [پیوست ۴].

### ۳۱ نفر به اتهام شرکت در حوادث بندر لنگه بازداشت شدند

محاکمه ۲۵ تن از دستگیرشدگان حوادث بندر لنگه امروز آغاز شد.

عامل اصلی حوادث بندر لنگه به دبی گریخته است

بندرعباس - خبرنگار «کیهان»: اعضای هیئت ویژه امام خمینی، اعزامی به بندر لنگه پس از گفتگو و مذاکره با رهبران مذهبی و مقام‌های مسئول این شهر بیانیه و قطعنامه‌ای در ده ماده انتشار دادند.

صورت جلسه مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۸ ساعت ۴/۵ بعد از ظهر تا بعد از نیمه شب روز بعد

متن قطعنامه مذاکرات هیئت ویژه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

به دنبال وقوع حوادث ناگوار شنبه ۱۳۵۸/۱۰/۱۵ در شهر بندر لنگه، معتمدین شهر روحانیون و اعضای جدید شورای شهر، رؤسای ژاندارمری و شهربانی و سپاه پاسداران، استاندار و فرماندار و رئیس دادگاه شهر در محل اقامت اعضای هیئت ویژه امام خمینی و نماینده وزیر کشور در بندر لنگه تشکیل جلسه دادند و پس از رسیدگی به مشکلات و موضوعاتی که منجر به فاجعه روز شنبه گردید، تصمیمات زیر را به اتفاق آرا اتخاذ نمودند.

۱- کلیه مسائل مربوط به شهر در یک هیئت هماهنگی مرکب از اعضای جدید شورای شهر، چهار تن کاندیداهای سابق برادران اهل تسنن برای شورای شهر، نمایندگان روحانیت تشیع و تسنن، فرماندار، فرمانده هنگ ژاندارمری و رئیس شهربانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد و حتی الامکان استاندار و فرمانده سپاه پاسداران و رؤسای ادارات مربوط نیز در این جلسات شرکت خواهند نمود.

## ۶۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۲- حدود وظایف و اختیارات کمیته انقلاب شهر توسط هیئت هماهنگی بررسی شده و تعیین می‌گردد.
  - ۳- در ترکیب اعضای کمیته انقلاب شهر، تغییراتی با تصویب هیئت هماهنگی داده خواهد شد.
  - ۴- امنیت شهر توسط نیروهای مشترک ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب تأمین خواهد شد.
  - ۵- هیچ فردی حق ندارد مسلحانه در شهر ظاهر شده و تردد نماید. مأمورین مسئول امنیت شهر در صورت مشاهده هرگونه تخلفی با شدت عمل، وظایف قانونی خود را انجام داده و متخلفین را دستگیر خواهند نمود.
  - ۶- کلیه بازداشت شدگان حوادث اخیر تحویل دادگاه انقلاب اسلامی خواهند شد. دادگاه موظف است حداکثر ظرف ۲۴ ساعت افراد بی‌گناه را تشخیص دهد و آزاد نماید.
  - ۷- کلیه شکایات و گزارشات واصله در مورد افراد متهم و تحریک مردم و ایجاد فاجعه شنبه گذشته، به دادگاه انقلاب تسلیم خواهند شد تا با رسیدگی به آنها ترتیب تعقیب و جلب متهمین و محاکمه و مجازات آنها را بدهد.
  - ۸- سپاه پاسداران و ژاندارمری با تمام قوا این مبارزه با قاچاق را قاطعانه تعقیب خواهند نمود.
  - ۹- هیئت هماهنگی تعهد می‌نماید طرح‌های عمرانی از قبیل توسعه کشاورزی، راه‌سازی، آب‌رسانی و غیره را بررسی نموده، پیشنهادات خود را با ذکر اولویت‌ها به فرماندار و استاندار تسلیم نماید و در پیشرفت طرح‌های در دست اجرا نظارت نمایند.
  - ۱۰- دادگاه انقلاب، عناصر شناخته‌شده ساواک منحل را که توبه نکرده و خود را اصلاح ننموده باشند، تشخیص داده و جلب و محاکمه و مجازات خواهند نمود.
- متن بیانیه هیئت ویژه امام خمینی نیز چنین است:

«بسمه تعالی

هم‌وطنان عزیز، اهالی محترم بندر لنگه، همان‌طور که مسبوق هستید به دنبال حوادث اسفباری که در بندر لنگه رخ داد و منجر به قتل و جرح تعداد کثیری از مردم بی‌گناه از

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۲۳

زن و مرد و پیر و جوان گردیده، هیئت اعزامی ویژه امام خمینی در روز یکشنبه شانزدهم دی ماه به استان هرمزگان وارد شد و بعد از توفقی در بندرعباس و تماس و مذاکره با برخی از مقامات مسئول، روز دوشنبه صبح به بندر لنگه وارد و در دبیرستان طالقانی مستقر شده و تحقیق و بررسی مشکلات شهر و علل و اسباب حادثه را شروع نمود و با مسئولین و رهبران شهر به گفتگو نشست.

بعد از جلسات متعدد و حضور در حسینیه اهل تشیع و مسجد اهل تسنن و استماع نظرات مردم و شهودی که خود از نزدیک در واقعه حضور داشته‌اند، بالاخره موفق شد بعد از مذاکرات مبسوط، قطعنامه‌ای در ده ماده به اتفاق آرا به تصویب رسید.

با توجه به مفاد این قطعنامه، هیئت اعزامی ضمن اظهار تأسف از واقعه خونین شنبه پانزدهم دی ماه و ابراز همدردی با خانواده‌های مقتولین و مجروحین از تمامی اهالی محترم بندر لنگه تقاضا می‌کند با همکاری و ممانعت یکدیگر اجرای همه‌جانبه قطعنامه را پی‌گیری نمایند.

از تمامی مردم بندر لنگه و برخی دیگر از شهرها و بنادر استان که به‌خاطر همدردی با مردم بندر لنگه [کار و بازارها را] تعطیل نموده‌اند، درخواست می‌شود به سر کار خود برگردند و مغازه‌ها را باز نمایند. همچنین هیئت اعزامی از تمامی مردم محترم بندر لنگه دعوت می‌نماید که برای استماع بیانات رهبران مذهبی خود و گزارش کار هیئت اعزامی و نشان دادن وحدت و یکپارچگی همه اقشار مردم، امروز چهارشنبه نوزدهم دی ماه ساعت ۱۱ صبح در استادیوم ورزشی شهر حضور بهم رسانند. با تشکر از همکاری فراوان خواهران و برادران بندر لنگه. توفیق مسلمین و اصلاح حال امت را آرزو مندیم.

والسلام - دکتر ابراهیم یزدی».

دکتر یزدی نماینده ویژه امام که سرگرم رسیدگی به حوادث بندر لنگه است، در گفتگوی کوتاهی با خبرنگاری پارس اظهار داشت: وقت دیروز هیئت ویژه، صرف نظارت بر اجرای مفاد قطعنامه دیشب شد و چون تا ساعت یازده صبح برخی از مواد قطعنامه که مستقیماً و بلافاصله با امنیت شهر ارتباط پیدا می‌کرد، اجرا نشده بود برگزاری گردهمایی مردم بندر لنگه به تعویق افتاد. دکتر یزدی گفت: عصر دیروز

## ۶۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

توسط مسئولان کمیته انقلاب، ۳۱ نفر از بازداشتی‌های حوادث ناگوار بندر لنگه به رئیس دادگاه شهر جهت بازپرسی مقدماتی تحویل داده شدند تا بعد از بازپرسی مقدماتی، پرونده تنظیمی بازداشت‌شدگان جهت محاکمات لازم به دادستان انقلاب ارجاع شود. دکتر یزدی گفت: قرار است امشب (دیشب) تعدادی از برادران از سپاه پاسداران بندرعباس وارد شهر بندر لنگه شوند و با همکاری ژاندارمری، امنیت شهر را به عهده گیرند. واضح است که پس از استقرار این نیروها در شهر از حرکت افراد مسلح غیرمجاز جلوگیری خواهد شد.

پیش از ظهر دیروز نیز تعداد پانزده وانت حامل آذوقه از قبیل گوشت، خرما، نان و برنج از سوی اهالی بخش لامرد در بندر لنگه تقسیم شد.

بر اساس گزارش‌های رسیده از بندر لنگه، آیت‌الله رکنی، نماینده امام در این بندر اعلام کرده است: محاکمه ۲۵ نفر از دستگیر شدگان حوادث بندر لنگه از امروز آغاز خواهد شد. وی همچنین گفت که عامل اصلی حوادث بندر لنگه از طریق دریا به دبی گریخته است.

آیت‌الله رکنی از وزارت کشور نیز خواسته است تا برای حفظ نظم، کاربرد نیروهای نظامی در بندر لنگه بیشتر شود. مهندس بازرگان، استاندار استان ساحلی در گفتگویی با خبرگزاری پارس اظهار امیدواری کرد که مفاد قطعنامه مراعات شود و رهبران مذهبی دو گروه به وظیفه شرعی و ملی خویش توجه کنند [پیوست ۵].

**دکتر یزدی نماینده ویژه امام خمینی در بندر لنگه گفت: مردم بندر لنگه برای چیزهایی که ندارند دعوا می‌کنند**

رهبران شیعی و سنی بندر لنگه یکدیگر را بوسیدند و عملاً آرامش را به شهر بازگرداندند.

عصر پنجشنبه دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام خمینی در اجتماع مردم بندر لنگه ضمن اشاره به انقلاب عظیم اسلامی ایران، گفت: در جامعه‌ای که سال‌ها و قرن‌ها سلطنت شاهنشاهی بر ما حاکم بوده، در ما مردم یک روحیه‌ای به وجود آورده که حاضر نیستیم هیچ‌کس جز خودمان را ببینیم، اما متأسفانه اگرچه شاه رفته، ولی آن



## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۲۵

فرهنگ خودپرستی و خودمحوربینی بین مردم هست، نه اینکه در یک فرد باشد، نه اینکه در یک گروه باشد مع الأسف در همه ما هست؛ به طوری که هرکدام از ما در روابطمان با دیگری هر مذهبی را می‌خواهد داشته باشد، باید یک روابط انسانی باشد. وی گفت: چه زنانمان چه مردانمان چه جوانمان چه پسرانمان هرکدام از ما برای خودمان یک شاه کوچولو هستیم و هر کسی که زورمان برسد می‌خواهیم به آن تحمیل کنیم. حالا با اسلحه و یا هر چیز دیگر باشد.

دکتر یزدی در دنباله سخنانش اظهار داشت: همه ما مقصر هستیم؛ برای اینکه قدرت تحمل همدیگر را از دست داده‌ایم. شما برای چه به جان هم افتاده‌اید؟ برای آبی که ندارید، برای زمین‌هایی که ندارید و مخروبه است، برای برقی که ندارید؟ برای مدرسه‌ای که ندارید؟ برای بهداشتی که نیست؟ برای چی آخر؟ یک چیزی [باید] باشد که با هم دعوا کنید. دکتر یزدی افزود ببینید ۵۸ سال سلطنت رضاخان و پسرش در شهر شما چه کار کرده. به من اطلاع رسیده که مردم می‌گویند مرسوم است زلزله پهلوی آمده. واقعاً در شهر شما زلزله آمده و آثارش هست. حالا باید دست به دست هم بدهید. حالا وقت آن نیست که این بحث‌ها را بکنید. حالا بحث شیعه و سنی نیست. خدا همه را حفظ کند و باید به هم احترام بگذارید. باید سعی کنید که این شهر را بسازید و برای همه قابل زیست باشد.

یزدی در پایان سخنان خود موافقتنامه ده ماده‌ای را که به امضای رهبران اهل تسنن و تشیع این شهر رسیده است، قرائت کرد که مورد تأیید مردم بندر لنگه قرار گرفت. در این اجتماع، شیخ خالدی، رهبر اهل تسنن بندر لنگه و حجت‌الاسلام رکنی، رهبر اهل تشیع این شهر یکدیگر را بوسیدند و مردم با گفتن تکبیر، درحالی‌که از نتیجه مذاکرات هیئت ویژه خوشحال بودند، در خیابان‌های شهر بندر لنگه راهپیمایی کردند و با نظم و آرامش به خانه‌های خود بازگشتند. در حال حاضر نظم و امنیت شهر بندر لنگه به‌عهده سپاه پاسداران، ژاندارمری و شهربانی است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس، دکتر ابراهیم یزدی و اعضای هیئت ویژه امام خمینی پس از بازگشت آرامش به شهر بندر لنگه، ساعت هفده و سی دقیقه عازم شیراز شدند [پیوست ۶].

## ۶۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

**دکتر یزدی:** سپاه پاسداران و ژاندارمری حفظ نظم بندر لنگه را بر عهده می‌گیرند  
محاکمه ۲۵ نفر از بازداشت شدگان حوادث اخیر بندر لنگه از امروز آغاز می‌شود.

عامل اصلی حوادث بندر لنگه از طریق دریا به دبی گریخت.

**دکتر یزدی:** سپاه پاسداران و ژاندارمری حفظ نظم بندر لنگه را بر عهده می‌گیرند.  
بندرعباس - خبرگزاری پارس: دکتر یزدی نماینده ویژه امام که سرگرم رسیدگی به حوادث بندر لنگه است، عصر دیروز اظهار داشت تمام وقت امروز (دیروز) هیئت ویژه صرف نظارت بر اجرای مفاد قطعنامه شد و چون تا ساعت یازده صبح امروز (دیروز) برخی از مواد قطعنامه که مستقیماً و بلافاصله با امنیت شهر ارتباط پیدا می‌کرد اجرا نشده بود. برگزاری گردهمایی مردم بندر لنگه به تعویق افتاد. دکتر یزدی گفت: عصر امروز (دیروز) توسط مسئولان کمیته انقلاب ۳۱ نفر از بازداشتی‌های حوادث ناگوار بندر لنگه به رئیس دادگاه شهر جهت بازپرسی مقدماتی تحویل داده شدند تا بعد از بازپرسی مقدماتی، پرونده تنظیمی بازداشت‌شدگان جهت محاکمات لازم به دادستان انقلاب ارجاع شود.

**دکتر یزدی گفت:** قرار است امشب (دیشب) تعدادی از سپاه پاسداران بندرعباس وارد شهر بندر لنگه شده و با همکاری ژاندارمری، امنیت شهر را به عهده گیرند. واضح است که پس از استقرار این نیروها در شهر، از حرکت افراد مسلح غیرمجاز جلوگیری خواهد شد. پیش از ظهر دیروز تعداد پانزده وانت حامل آذوقه از قبیل گوشت، خرما، نان و برنج از سوی اهالی بخش لامرد و توابع جهت تأمین کمبود مواد غذایی مردم شهرستان بندر لنگه وارد این شهر شد و بین اهالی تقسیم گردید. از سوی روز دوشنبه، مدارس و مغازه‌ها در بندرعباس، جزیره قشم، میناب و بخش‌های گاوبندی، بستک و بندر جاسک تعطیل بودند و مردم این مناطق به سوگ شهدای حوادث بندر لنگه نشستند.

در پی رویداد ناگوار بندر لنگه، ساعت ده و سی دقیقه بامداد روز سه‌شنبه دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام به اتفاق هیئت اعزامی و بازرگان، استاندار هرمزگان در جمع مردان و زنان اهل تسنن و تشیع در مسجد شیخ بندر لنگه شرکت کرد و با آنان به مذاکره پرداخت. در این جلسه که به مدت سه ساعت به طول انجامید اهل تسنن

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۲۷

خواست‌ها و پیشنهادات خود از جمله انحلال شورای شهر و تصفیه کمیته، خلع سلاح کلیه افراد غیرمسئول اعم از سنی و شیعه، دستگیری عواملی که موجب آشوب و حوادث بندر لنگه شده‌اند، همچنین برقراری نظم و آرامش و امنیت توسط افراد ژاندارمری و شهربانی همچنین افراد غیرمسئولی که وارد شهر بندر لنگه شده‌اند به جای خود بازگردند، را اعلام کردند.

پس از این جلسه، دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام، استاندار استان هرمزگان، رهبران اهل تسنن بندر لنگه و بندرعباس و هیئت رسیدگی از مسجد مصلح، محل حادثه ناگوار بندر لنگه دیدن کردند و از نزدیک محل حادثه را مورد بررسی قرار دادند.

عصر روز سه‌شنبه دکتر ابراهیم یزدی به مذاکرات خود با رهبران اهل تسنن بندر لنگه و بندرعباس و نمایندگان مردم بندر لنگه ادامه داد تا به راه‌حل ممکن در جهت رفع اختلافات مردم برسد.

از ساعت پانزده روز سه‌شنبه دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام به اتفاق استاندار هرمزگان و هیئت بررسی حوادث بندر لنگه، در ستاد هنگ ژاندارمری این بندر با حجت‌الاسلام رکنی، رهبر شیعه بندر لنگه و شیخ خالدی و محمد ضیایی، رهبران برادران اهل تسنن در بندر لنگه و بندرعباس و نمایندگان گروه‌های مذهبی به مذاکره پرداختند. این مذاکرات تا ساعت ۱۹ ادامه داشت.

همچنین به گزارش خبرنگار بامداد در بندرعباس، آیت‌الله رکنی نماینده امام در بندر لنگه اعلام کرد: محاکمه ۲۵ نفر از دستگیر شدگان از امروز آغاز خواهد شد. وی اضافه کرد عامل اصلی حوادث بندر لنگه از طریق دریا به دبی گریخته است. آیت‌الله رکنی از وزارت کشور خواسته است تا برای حفظ نظم، کاربرد نیروهای نظامی در بندر لنگه بیشتر شود [پیوست ۷].

### پایان مأموریت و بازگشت به تهران

با همکاری سپاه پاسداران، ژاندارمری و شهربانی نظم و امنیت در شهر برقرار شد و مأموریت هیئت با موفقیت پایان یافت؛ از این رو، بندر لنگه را به مقصد شیراز و تهران ترک کردیم.

## ۶۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

پس از ورود به تهران به قم رفتم و گزارش مأموریت را به امام دادم. از ایشان خواستم که هم آقای رکنی و هم شیخ خالد به قم احضار شوند و مدتی در قم بمانند. نگران بودم که مجدداً بین آنها درگیری شود. حجت‌الاسلام رکنی نمونه‌ای از به قول معروف یک سید جوشی بود. برعکس او، شیخ خالد آرام بود. شیخ خالد به قم نیامد، اما به دُبی رفت و آقای رکنی مدتی در قم ماند؛ سپس به بندر لنگه برگشت.

**گزارش دکتر یزدی پس از مأموریت بندر لنگه، در یک مصاحبه مطبوعاتی**  
دکتر یزدی در باره نتایج دیدارش از بندر لنگه و چگونگی جلوگیری از این‌گونه حوادث در دیگر نقاط کشور اظهار داشت:

پس از آنکه هیئت ویژه امام، مأمور بررسی مشکلات شهرستان‌ها به این شهر رفت، با مقامات مختلف، مردم و متعمدان و مسئولان شهر به گفتگو نشست. جلسه‌ای نیز مرکب از رهبران مذهبی شیعیان و مدنی‌ها و اعضای شورای شهر - که جدیداً انتخاب شده بودند - و همچنین کاندیداهای اهل تسنن برای شورای شهر با حضور استاندار، فرماندار، شهردار، رئیس شهربانی، فرمانده ژاندارمری و رئیس دادگاه شهر تشکیل شد. طی دوازده ساعت مذاکره، بالاخره طرفین با یک قطعنامه ده ماده‌ای توافق کردند. صورت‌مجلس تنظیم شد و به امضای شرکت‌کنندگان در جلسه رسید. این قطعنامه همراه با گزارش مشروح فعالیت‌های هیئت ویژه، به اطلاع مردم شهر - که به ورزشگاه شهر دعوت شده بودند - رسید و از آنان درخواست شد با یکدیگر دست دوستی و برادری بدهند و با کمک یکدیگر مانع از ادامه هر گونه دشمنی و خون‌ریزی احتمالی دیگر بشوند.

یزدی افزود: قطعنامه توافق شده در این گردهمایی خوانده شد و به تصویب عمومی نیز رسید. به این ترتیب با به وجود آوردن تفاهم بین دو گروه، موفق به برقراری آرامش در شهر شدیم.

یزدی در مورد چگونگی جلوگیری از تکرار این نوع حوادث در دیگر نقاط کشور گفت: به نظر من مشکلاتی که در بعضی از نقاط کشور وجود دارد، دارای ریشه‌های مشترکی است که البته راه‌حل فوری و سریع برای رفع آن نمی‌توان ارائه داد، ولی مهم

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۲۹

است که نباید بگذاریم این مشکلات به صورت بحران در مملکت بروز کنند. وی روی نقش هیئت ویژه در رفع تشنج و جلوگیری از بحران در بندر لنگه تأکید کرد و یادآور شد که برای حل مشکلات دیگر مناطق نیز باید از همین شیوه پیروی کرد و مانع بروز حوادث شد. یزدی خاطرنشان کرد باید با راهنمایی و هدایت خود مردم، مشکلات آنان را برطرف کرد تا احیاناً از بروز چنین وقایعی جلوگیری شود [پیوست ۸].

### گزارش روزنامه بامداد از برقراری آرامش و نظم در بندر لنگه

دیروز یک نفر در بندر لنگه کشته شد.

دکتر یزدی به همراه هیئت ویژه وارد بندر لنگه شد.

بندر لنگه - ناصر احمدی، خبرنگار اعزامی بامداد: دیروز دکتر ابراهیم یزدی، نماینده امام خمینی به همراه اعضای هیئت ویژه و استاندار استان هرمزگان برای بررسی وقایع اخیر بندر لنگه وارد این شهر شد. وی ابتدا با اعضای شورای شهر و بعد از ظهر دیروز نیز با آیت الله رکنی، نماینده امام خمینی در بندر لنگه و سپس با جامعه روحانیت اهل تشیع و بعد از آن با دو نفر از بزرگان برادران اهل تسنن به گفتگو پرداخت. بر اساس گزارش‌های رسیده در کلیه شهرهای استان سه روز عزای عمومی اعلام شده و اداره کل آموزش و پرورش استان کلیه واحدهای آموزشی را تا پایان هفته تعطیل کرد.

دیروز در شهرهای میناب، خمیر، پل، بستک، جاسک و قشم گروه‌های مختلف مردم دست به راهپیمایی زده و ضمن پشتیبانی از تفاهم و دوستی برادران اهل تسنن با برادران اهل تشیع، خواستار مجازات عاملین حادثه خونین بندر لنگه شدند. مردم جاسک طی یک قطعنامه چهار ماده‌ای که در پایان راهپیمایی خود قرائت کردند، حادثه بندر لنگه را محکوم ساخته و از دکتر یزدی، نماینده امام خواستند که به این نفاق‌افکنی‌ها پایان دهد و اجازه داده نشود تا ضدانقلاب بیش از این شایعه‌پراکنی کند. در این قطعنامه همچنین از مسئولین اداره بندر این شهر خواسته شده تا دست از شایعه‌پراکنی برداشته و به کم‌کاری پایان دهند.

همچنین مردم قشم ضمن یک گردهمایی در فرمانداری این بندر با ارسال تلگرافی به دفتر امام خمینی خواستار دستگیری و مجازات مسببین حادثه بندر لنگه شدند.

## ۶۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

خبرنگار بامداد در گزارش خود می‌افزاید به دنبال تلاش آیت‌الله رکنی، نماینده امام در بندر لنگه، برای ایجاد آرامش کامل و رفع هرگونه سوء تفاهم، نام‌برده گروه‌های مختلف را برای بررسی اوضاع به منزل خود دعوت نمود.

در گردهمایی منزل آیت‌الله رکنی، عده‌ای از برادران اهل تشیع اظهار داشتند ما با برادران اهل تسنن هیچ‌گونه اختلافی نداریم و سال‌هاست که با خوبی و خوشی با هم زندگی می‌کنیم. ما حتی با هم فامیل و هم‌خون هستیم، آنچه مسلم است این حادثه، توطئه ضد انقلاب است که توسط عوامل خود قصد دارند با نفاق‌افکنی بین برادران سنی و شیعه به نفع آمریکا بهره‌برداری کنند. بدین جهت ما مصرأً خواستار مجازات عاملین این حادثه هستیم.

به قرار اطلاع برابر گزارش مدیر کل بهداری و بهزیستی بندر لنگه، دیروز در اثر تک‌تیراندازی، یک نفر دیگر در این بندر کشته شد.

دیشب خبرنگار بامداد از شیراز اطلاع داد: روز گذشته شش نفر از مجروحین بندر لنگه که در درگیری‌های اخیر مجروح شده بودند، توسط یک فروند هواپیما وارد شیراز شدند و بلافاصله بستری شدند. دکتر مقیسی مدیرعامل بهداری و بهزیستی استان فارس در تماس تلفنی به بامداد گفت: بیمارستان‌های این شهر آمادگی پذیرش صد نفر از زخمی‌های بندر لنگه را داشت، ولی بیش از شش نفر زخمی به این شهر فرستاده نشد. وی به دنبال سخنانش اضافه کرد: مجروحین تحت عمل جراحی قرار گرفتند و حال همگی خوب است [پیوست ۹].

**نامه‌های گروه‌های مختلف اهل سنت بندر لنگه به امام خمینی و مسئولان کشور برای رسیدگی به واقعه ۱۵ دی در این شهر**  
**۱- نامه جماعت اهل سنت بندر لنگه**

لنگه - تهران شماره ۳۵۲ گ ۵۰۹ - تاریخ: ۱۳۵۸/۱۰/۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای محترم انقلاب ایران

رونوشت: حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی، سرپرست محترم وزارت کشور

رونوشت: جناب آقای دکتر یزدی، نماینده ویژه امام خمینی

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۳۱

با عرض سلام به تقدیم تحیت و احترام به عرض عالی می‌رسانیم سوء رهبری برادران تشیع ما در بندر لنگه به طوری بود که همه دستاوردهای انقلاب اسلامی با وجودی که در مرکز شهرستان ساکن بودند، همه به خود اختصاص داده، افراد کمیته انقلاب همگی از خودشان تشکیل دادند و اصلاً کلیه برادران<sup>۱</sup> و سپس که اذیت شروع شد به مشکلات ما توجهی نکردند. آنگاه که انتخابات شورای شهر انجام گرفت، با وجودی که اول دفعه ما پیشنهاد و انتقاد دادیم هم توجهی نکردند. با تقلب ۲۴۰۰ رأی آوردند و از ۲۰۰۰ آ‌ی ما با عداوت گذشتند و در روز حادثه ناگوار شنبه ۱۵ دی هم که به فرمان امام راهپیمایی داشتیم، با فرستادن عده‌ای چماق‌به‌دست در حال فحاشی به سنی‌ها به اتفاق چند نفر مسلح از افراد کمیته و چندین نفر مسلح لامردی که از شهرستان لامرد آورده بودند، آنان را سخت تحریک کرده بودند، برخورد به وجود آوردند و وقتی که دو گروه درهم فرورفته بودند، افراد کمیته و لامردی‌های مسلح، مشغول به تیراندازی و کشتار شدند و کاری که نباید بکنند انجام دادند و اگر در ساعت‌های بعد دستور قطع تیراندازی به طرف مسجد جامع سنی‌ها که پر از راهپیمایان بود، نمی‌دادند، معلوم نبود احدی از ما جان به‌در برد؛ سپس فریاد برآوردند که همه مقتولین شیعه هستند؛ درحالی‌که اکنون فاش شده که غالب کشته‌شدگان سنی‌اند؛ و فردای آن روز تا قبل از ورود جناب دکتر یزدی، نماینده ویژه آن امام، خانه رهبر مذهبی ما و بعضی از خانه‌های اهل سنت و جماعت، وسیله مسلسل و خمپاره به گلوله بستند. لوازم مسجد جامع ما از بین برده و در معابر، اتومبیل سنی‌ها [را] به آتش کشیدند که اگر جناب دکتر یزدی به موقع به فرمان امام به لنگه نیامده بود، معلوم نبود سرنوشت ما به کجا می‌کشیدند؛ بنابراین، اکنون که جناب مولوی شیخ محمدعلی خالدی، رهبر مذهبی ما که فردی مؤمن به انقلاب اسلامی ایران و صادق و پارسا بوده در تهران هستند، استدعا داریم به عرایض حقه ایشان و این‌جانبان رسیدگی دقیق فرموده با توجه به مشاهدات دکتر یزدی که مظلومیت ما برایشان روشن است، استدعا داریم، امر فرمایید فرمان الهی دایر به قصاص به مرحله اجرا درآورده و احقاق حق فرموده تا ان شاء الله تعالی صلح و دوستی برقرار گردد.

۱. در سند اصلی نیز جمله به همین صورت ناقص است (ویراستار).

## ۶۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

با عرض سلام و تحیت مجدد - جماعت اهل سنت بندر لنگه محمودیان، ابراهیم پژمان، سید حسن حیدری، ابراهیم رحیمی نژاد؛ محمد نور، دوست محمد رئیسی، محمد شیرکیلان، عبدالله بحری، ابراهیم برزگر، محمد شادبهر، علی دریاوردی، ابراهیم ادیبی، محمد زحمت زادحوری، محمد نوری، یوسف پور، محمد صالح معمارباشی، عبدالکریم عسکری، عبدالمجید خنجی، محمد مقیمی، محمد ساختمان ساز، عبدالرحمن معمارباشی، عبدالله عسکری، عبدالکریم مقیمی، محمد غلامی، محمد معمارباشی، احمد شادبهر، عبدالمجید خواجه نژاد، علی اکبر صادقیان، حسن ادیبی، محمد رشیدزاده، محمد صادقیان، عیسی ابطحی، غلامعباس معماردوست، سید محمد رضایی بلوکی، محمد مطیعی، علی نظامی، محمد صیادی، محمد تقی لطفیان، سعدی رئیس، سعدی عباس نژاد حشونودی، محمد درآفرید راشدی، محمد معجوری، محمد قسیم هاشمی، محمد نور، شرفا حکیمیان، محمد مرادعی هاشمی، محمد نور شرفا، یوسف مرادی نجاتی، عبدالله حرمی، عبدالمنار احمدی زاده، ابراهیم امیری، احمد غیاثپور، محمود رعنا، فرید امامی، عبدالله مهجور پدر عبدالله بلبللی، حسن لطفیان، محمد دریاوردی ترکمانی، محمد خرزاد، علی قاسمی نژاد، حمیدرضا حمیدی، ابراهیم بهروز، ابراهیم نوری کیلان، عبدالله مال الله، نادر و ...

### ۲- نامه جماعت سنت روستای گوریر

لنگه - تهران ۳۵۴ گ ۲۹۳ ۲۴ تاریخ: ۱۳۵۸/۱۰/۲۴

شورای محترم انقلاب ایران

رونوشت: حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی، سرپرست محترم وزارت کشور

رونوشت: جناب آقای دکتر یزدی، نماینده ویژه امام خمینی

با عرض سلام به تقدیم تحیت و احترام به عرض عالی می رسانیم سوء رهبری تشیع شهر بندری لنگه که پس از انقلاب بدون توجه به حقوق اکثریت اهل تسنن، کمیته انقلاب و شورای شهر را یک طرفه تشکیل و به شکایات رسیدگی نمی کردند، بالاخره روز شنبه ۱۵ دی ماه که راهپیمایان تسنن در حال دخول به مسجد جامع بودند، برخلاف اصول اسلامی و انسانی، با حمله وحشیانه عده ای اوباش افراد کمیته و



### کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۳۳

لامردی که مسلح بودند مردم را به رگبار مسلسل بسته، عده‌ای مقتول و عده‌ای دیگر را زخمی نموده، خانواده‌های زیادی را داغدار و ناراحت ساختند. اکنون که رهبر مذهبی ما جناب شیخ محمد خالدی که مؤمن به انقلاب اسلامی بوده و صداقت و پرهیزکاری‌اش زبانزد خاص و عام است، در تهران هستند، استدعا داریم به عرایض ایشان که صدای همگی ماست توجه و رسیدگی دقیق فرموده، بذل توجه فرمایند تا احقاق حق شود و إن شاء الله تعالی صلح و دوستی جایگزین بی‌عدالتی و قتل و جرح قرار گیرد.

با سلام و تحیت مجدد

جماعت سنت بندر لنگه - روستای گوریر

عبدالرحمن هاشمی، محمد نیازمند، سید محمدحسن عقیل‌زاده، رضا سید، احمد قادری، علی حسن‌زاده، عبدالرحیم پرسش، احمد زارعی، علی سابانی، محمد قادری، محمد بحری، علی‌پور، سید محمد هاشمی، سید احمد زارعی، و جمعی دیگر.

### ۳- نامه جماعت اهل سنت روستای مهرکان و جباورد

تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۵

شماره ۳۵۳ گ ۲۱۶-۲۴-۱۰

شورای محترم انقلاب ایران

رونوشت: حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی، سرپرست محترم وزارت کشور

رونوشت: جناب آقای دکتر یزدی، نماینده ویژه امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران - قم

احتراماً اکنون بر اثر سوء رهبری تشیع شهر بندرلنگه که با وجودی که فقط در مرکز شهرستان ساکن بودند، بدون توجه [به آنها] کمیته انقلاب و اعضای شورای شهر را همگی یک‌طرفه تشکیل دادند و به شکایت هم رسیدگی نمی‌کردند و بالاخره راهپیمایی برادران ما در شنبه ۱۵ دی را به خون آغشته کردند و کاری انجام شد که نمی‌بایست عملی گردید.

اکنون که مولانا شیخ محمدعلی خالدی - که فردی مؤمن به انقلاب اسلامی ایران و صادق و پارسا و پرهیزکار بوده - و رهبر اهل سنت و جماعت جنوب کشور، در تهران

## ۶۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

هستند، استدعا داریم به عرایض حقه ایشان که صدای همگی ماست، توجه و رسیدگی دقیق فرموده بذل توجه فرمایید تا احقاق حق شود. تا ان شاء الله تعالی صلح و دوستی، جایگزین بی عدالتی و قتل و جرح قرار گیرد.

با سلام و تحیت مجدد - جماعت سنت بندر لنگه - روستای مهرکان و جباورد علی بلوکی، حاجی عبدالله فرید، علی حسن امیدی، حاجی عبدالله بهزاد، حسن محمد ساملی، شیخ محمد منصور، علی مریری، حاجی حسن مهرکانی، عبدالله صموری، غلام راهیما، عبدالرحمن مهرکانی، عبدالله صایحی، حاجی عبه ابراهیمی، محمدعلی محمدی، محمد دریایی، محمد زارعی، عبدالرحمن بارانی، مبارک زارعی، ابراهیم بارانی، عبدالرحمن امیدی، محمد دهقان باوردی، و بقیه نام‌ها را در اصل سند و در پیوست ... ملاحظه کنید [پیوست ۱۰].

### ب - رسیدگی به شکایات مردم قزوین - بهمن ۱۳۵۸

قزوین در دوران انقلاب، یکی از پایگاه‌های مبارزه علیه استبداد سلطنتی بود. بعد از انقلاب، متأسفانه میان فعالان سیاسی اعم از روحانی و روشنفکر، اختلاف جدی بروز کرد. اختلاف در قزوین، برخلاف استان بلوچستان و سیستان و یا بندر لنگه، نه قومی و نه مذهبی بود، بلکه اختلاف بر سر انحصارطلبی در قدرت بود. این اختلاف میان هیئت علمیه قزوین و افراد وابسته به حزب جمهوری اسلامی بود. در هیئت علمیه قزوین، شخصیت‌های روحانی برجسته‌ای همچون مرحوم آیت الله حاج سید عباس ابوترابی و آیت الله سامت بودند. از حزب جمهوری، آقایان باریک‌بین و شیخ قدرت الله علیخانی، محور اصلی محسوب می‌شدند. کمیته انقلاب در دست شیخ قدرت بود. واحد سپاه نیز به این گروه نزدیک بود و همکاری می‌کرد.

در انتخابات شورای شهر، که توسط وزیر کشور دولت موقت برگزار شد، کاندیداهای هیئت علمیه برنده شدند و شادروان سید علی ابوترابی به عضویت و ریاست شورای شهر انتخاب شد، اما این شورا، به علل گوناگون، نظیر روشن نبودن حدود اختیارات و امکانات و نیز کارشکنی گروه مخالف، نتوانست کار چشمگیری انجام دهد. جو سیاسی در میان جمعی از جوانان شهر، افراطی و انقلابی بود و انتظار

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۳۵

داشتند در ادارات، بخصوص در آموزش و پرورش به سرعت، پاک‌سازی صورت گیرد و خدمات بهداشت و درمان و رسیدگی به وضع بیماران اصلاح شود. مردم قزوین، همچنین از اینکه تابع استان زنجان بودند، ناراحت و خواستار استان شدن بودند.

آقای شهیدی، امام جمعه قزوین در اعتراض به این وضعیت، شهر را به مقصد قم ترک کرده بود؛ بنابراین، شهر بدون امام جمعه بود. اختلاف میان دو گروه اصلی از روحانیان مانع از آن بود که امام جمعه جدید منصوب شود. در نهایت با نفوذ دفتر امام و شخص حاج سید احمدآقا خمینی، حجت‌الاسلام باریک‌بین به سمت امام جمعه منصوب شد. کمیته انقلاب، نیز در همه کارها دخالت می‌کرد. هر کس را می‌خواست بازداشت، زندانی و بعضاً شکنجه می‌کرد. نفوذ گروه باریک‌بین و شیخ قدرت‌الله علیخانی در دفتر امام آنچنان بود که حتی روحانیان برجسته هیئت علمی قزوین به راحتی نمی‌توانستند با رهبر انقلاب دیدار کنند؛ به طوری که آنان به من متوسل می‌شدند و من مستقیماً از شخص امام خمینی برای آنها وقت ملاقات می‌گرفتم. هنگامی که این اختلافات بالا گرفت و به یک مشکل اساسی در شهر تبدیل شد، به دعوت جمعی از معتمدین قزوین برای رسیدگی به مسائل و مشکلات، همراه هیئت، به اضافه برادرم دکتر کاظم یزدی، به قزوین رفتیم.

در طی چند روزی که در قزوین بودیم و به این مسائل رسیدگی می‌کردیم، علاوه بر شخصیت‌های شناخته‌شده شهر، برخی از مردم عادی نیز مراجعه و مسائل و مشکلات را مطرح می‌کردند. علاوه بر این، نزدیک ۵۰ نامه نیز از افراد و سازمان‌های مختلف داده شد. فهرست برخی از این نامه‌ها را به پیوست آورده‌ام که طیف افراد و شکایات را نشان می‌دهد.

مشکلات قزوین و بروز درگیری‌ها و شکایات، نمونه‌ای از مشکلات کل کشور در دوران بعد از انقلاب بود. روحانیان با هم درگیر بودند؛ بین آنها دسته‌بندی به وجود آمده بود؛ کمیته‌ها با هم نمی‌ساختند و ادارات دولتی فلج بودند. وضعیت این شهر، مصداق یک شهر و چهل کلانتر شده بود. متأسفانه افراد ذی‌نفوذ دفتر امام، به جای اینکه امکانات خود را برای کاهش اختلافات و اعمال فشار بر روی عوامل اختلاف به کار برند، به جانبداری از یک گروه معدود پرداخته بودند. بدین ترتیب، سفر هیئت به

## ۶۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

قزوین و رسیدگی به شکایات، چندان موفقیت‌آمیز نبود. در دیدار با آقای خمینی با صراحت مشکل را مطرح کردم و گزارش دادم.

### پیوست‌های گزارش قزوین

- ۱- نامه رئیس صنف قصاب . ب/ت
- ۲- نامه نمایندگان طلاب مدرسه صالحیه و ... - ۱۳۵۸/۱۱/۳
- ۳- نامه مهندس جمشید خلخالی - ۱۳۵۸/۱۱/۲
- ۴- نامه نمایندگان کارمندان سازمان تعاون مصرف شهر و روستا
- ۵- انجمن اسلامی مدارس
- ۶- قاسم گلچین - ۱۳۵۸/۱۱/۳
- ۷- از طرف انجمن‌های اسلامی - بی امضا
- ۸- شهلا نوروزی و صدیق رضایی، اعضای انجمن اسلامی دانش‌آموزان
- ۹- محمد رضا زهتاب. ۱۳۵۸/۱۱/۲
- ۱۰- نامه در باره شهربانی - بی امضا
- ۱۱- کانون شوراهای اسلامی قزوین - مسعود
- ۱۲- اهالی حصار خروان - چندین نامه مفصل
- ۱۳- دائی - ب/ت
- ۱۴- از شهر صنعتی البرز
- ۱۵- محمد طبخ شعبانی - ۱۳۵۸/۱۱/۳
- ۱۶- در باره شورای شهر بی امضا
- ۱۷- نمایندگان دبیرستان خدمات قزوین
- ۱۸- غفار سعیدی
- ۱۹- نامه مفصل انجمن‌های اسلامی دبیرستان‌های میهن‌دوست، مجاهدین اسلام، شریعتی، هنرستان و دانشسرا
- ۲۰- ملوک السادات حاج سیدجوادی - ۱۳۵۸/۱۱/۳
- ۲۱- امیر یوسف حاج سیدجوادی - ۱۳۵۸/۱۱/۳
- ۲۲- هوشنگ عباسی - ۱۳۵۸/۱۱/۳

### پ - ترکمن صحرا

یکی دیگر از نقاط پرآشوب بعد از انقلاب، ترکمن صحرا بود که از همان اولین روزهای بعد از پیروزی انقلاب، دستخوش آشوب‌های فراوانی شد. زمینه این آشوب‌ها، نظیر همه جای ایران، نارضایتی شدید مردم از ظلم و ستم‌های دوران استبداد سلطنتی بود.

دو گروه در تحریکات و آشوب‌های این شهر، نقش عمده داشتند: یک گروه، عناصر شکست‌خورده از انقلاب بودند و دیگری گروه‌های چپ.

در کمتر از یک ماه بعد از پیروزی، درحالی‌که دولت موقت تازه شروع به کار کرده بود، در ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۷ مردم در گنبد، گرد هم آمدند. از روحانیان مبارز آقایان آیت‌الله امید، نماینده امام، آیت‌الله نورمفیدی و شیخ رسول نامی شرکت داشتند و خواسته‌های خود را در چند بند اعلام کردند:

— تدریس زبان ترکمن در مدارس

— تغییر نام بندر شاه به بندر ترکمن

— ایجاد شورای انقلابیون

— انتخاب رؤسای ادارات با نظر شورای انقلابیون

— خود مختاری

— حمایت از خواسته‌های مردم کردستان

آنها همچنین قطعنامه‌ای در ۱۳ ماده تصویب کردند که مفاد آن موضوعات زیر را در بر داشت: تأیید انقلاب، محکوم کردن تفرقه، رفع ستم اقتصادی، آزادی زبان و فرهنگ و مذهب، برگشت زمین‌ها به خود مالکین محلی، توجه به حقوق و زندگی محرومان، تشکیل نیروی انتظامی توسط خود مردم، لغو کلیه بدهی‌ها و دیون ...

بعضی از این خواسته‌ها منطقی و بلافاصله قابل اجرا بود، اما به دلیل حضور و فعالیت نیروهای مختلف سیاسی، میان آنان درگیری و زد و خورد صورت گرفت، که ماه‌ها ادامه پیدا کرد. گروه‌های چپ نیز یکسره از تهران به آنجا نیرو می‌فرستادند.

در آن زمان تازه دو ماهی از تشکیل دولت انقلاب می‌گذشت و من معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بودم. آقای خمینی در مورد پیام اهالی مینودشت و

## ۶۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

ضرورت سفر به آن منطقه، با من صحبت کردند و در پاسخ مردم مینودشت اطلاع دادند که به زودی به آن منطقه خواهم رفت.

**پیام امام خمینی به اهالی مینودشت و اعزام آقای سید ابوالحسن حسینی به منطقه**

زمان: ۱۳ اسفند ۱۳۵۷ / ۵ ربیع الثانی ۱۳۹۹

بسمه تعالی

اهالی محترم شهرستان مینودشت - ایدهم الله تعالی

نامه آقایان محترم با امضای زیادی واصل گردید. در مورد اعزام جناب سید الاعلام آقای آقا سید ابوالحسن حسینی به آن ناحیه با آقای دکتر یزدی مذاکره و سفارش شد و جناب آقای حسینی ان شاء الله به زودی به آنجا خواهند آمد.

انتظار می‌رود با همکاری و کمک آقایان محترم، وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهند. ادامه توفیقات همگان را از خدای تعالی خواستارم. والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته.

به تاریخ پنجم ربیع الثانی ۱۳۹۹ - روح الله الموسوی الخمینی

پس از برگشت از سفرهای سیستان و بلوچستان و بندر لنگه، برخی از دوستان و اعضای شورای انقلاب پیشنهاد کردند که برای حل مسئله به ترکمن صحرا بروم. این، زمانی بود که اولین انتخابات ریاست جمهوری انجام و آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس جمهور انتخاب شده بود.

من سفرم به ترکمن صحرا را مشروط کردم به موافقت بنی‌صدر؛ اما بنی‌صدر طی حکمی، به شیخ صادق خلخالی مأموریت ختم غائله را واگذار کرد؛ بنابراین، دخالت من دیگر معنا نداشت و احتمالاً کار را بدتر می‌کرد.

در مورد سفر خلخالی به ترکمن صحرا و خشونت‌هایی که اعمال کرد، در مصاحبه‌ای اظهار داشتم: «من مخالف این‌گونه کشتارها هستم و معتقدم این نوع کشتارها مسائل سیاسی را حل نمی‌کند. این شیوه عمل که هیچ‌کس مسئولیت رویدادی را به عهده نگیرد، در شأن جمهوری اسلامی نیست. به نظر من دولت در قبال این مسئله مانند همه رویدادهای کشور مسئول است و مسئولان مربوط نمی‌توانند از آن شانه خالی کنند».

### نظر خواهی در باره حوادث گنبد

دکتر یزدی: من مخالف این کشتارها هستم.

نماینده حزب جمهوری اسلامی: قبل از روشن شدن مسئله از اظهار نظر قطعی خودداری می‌کنیم.

فروتن از سپاه پاسداران: سپاه پاسداران این حمله را محکوم می‌کند.

آیت‌الله خلیفایی: دست خونبار آمریکا در حوادث گنبد حضور داشته است و کشته شدن چهار ترکمن به دست چپی‌های افراطی بوده است.

دکتر سنجابی: قتل این چهار نفر ترور است و ترور به دست هر کس باشد باید او را مجازات کرد.

تهران - خبرگزاری پارس: حجت الاسلام صادق خلیفایی دیروز در گفتگویی با خبرگزاری پارس، انگیزه اساسی وقایع گنبد را حضور دست خونبار و پرجنایت ایالات متحده آمریکا در منطقه عنوان کرد.

خلیفایی که بخصوص در باره کشته شدن رهبران انجمن فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن سخن می‌گفت، افزود: به احتمال قوی کشته شدن این گروه به دست چپی‌های افراطی صورت گرفته است.

خلیفایی افزود: چپی‌ها با هم اختلاف نظر دارند و آن‌طور که شنیده‌ام بر روی یکدیگر اسلحه نیز کشیده‌اند و شاید کشته هم داده باشند. وی افزود: پس از سخنرانی اشرف دهقانی در کردستان که گفت: اکنون وقت مبارزه مسلحانه با اسلام است، دمکرات‌ها او را فراری دادند و او به بهشهر و گرگان رفت و در آنجا نیز این موضوع را مطرح کرد و گروهی که کشته شدند، مخالف خط‌مشی افراطی اشرف دهقانی بودند. خلیفایی سپس افزود: در محل بودم با افراد وابسته به چپی‌ها و نماینده آنها که از تهران آمده بود (علی فرخنده جهرمی) مطالبی در میان گذاشته و مدت دو ساعت با او گفتگو کردم و گفتم مطالبی که علیه دولت و من از سوی چریک‌های فدایی خلق نوشته می‌شود بی‌پایه و بی‌مایه است و ما این گونه نوشته‌ها را محکوم می‌کنیم.

خلیفایی سپس به اقداماتی که در گنبد انجام داد، اشاره کرد و گفت: در آنجا ما زمین‌های فتودال‌ها را مصادره کردیم و کارهای دیگری در جهت رفاه مردم انجام

## ۶۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دادیم، ولی هیچ‌کس را محاکمه و حتی بازجویی نکردم و اینکه جرایم نوشته‌اند که من و استاندار گفته‌ایم که اینها را به تهران ببرند، بار دیگر تکذیب می‌کنم.

شیخ صادق خلخالی در ادامه سخنان خود گفت: ما در گنبد کارهای انجام شده را بررسی کردیم و دیدیم که این گروه کارهایی نیز انجام داده‌اند؛ از جمله مصادره زمین‌های فئودال‌ها و البته خلافت‌کاری‌هایی نیز در کارشان بود، ولی کاری نکرده بودند که محکوم به اعدام باشند.

دکتر کریم سنجابی، دبیر کل جبهه ملی ایران نیز در این مورد گفت: جبهه ملی همیشه هر گونه تروری را محکوم می‌کند. سنجابی افزود: اگر این عده گناهکار هم بوده باشند، می‌بایستی از طریق قانونی محاکمه و مجازات می‌شدند؛ در صورتی که هنوز هم روشن نیست که این عده گناهکار هستند یا نه.

وی گفت: من هنوز نمی‌دانم این عمل به دست چه کسی و چگونه صورت گرفته است و این وظیفه دولت و دستگاه است که به این امور رسیدگی کند و مردم را از چگونگی وقوع آن مطلع سازد. ترور به دست هرکسی صورت گرفته باشد، باید مسبب آن را مجازات کرد.

دکتر سنجابی در پایان گفت: به نظر ما این عمل منافی امنیت و وحدت کشور است و بسا که این عمل به وسیله ایادی خرابکار صورت گرفته باشد.

دکتر یزدی نماینده ویژه امام برای بررسی مسائل و مشکلات مردم در استان‌های کشور، در این باره اظهار داشت: من مخالف این گونه کشتارها هستم و معتقدم این نوع کشتارها مسائل سیاسی را حل نمی‌کند. این شیوه عمل که هیچ‌کس مسئولیت رویدادی را به عهده نگیرد، در شأن جمهوری اسلامی نیست. به نظر من دولت در قبال این مسئله مانند همه رویدادهای کشور مسئول است و مسئولان مربوط نمی‌توانند از آن شانه خالی کنند.

فیاض‌بخش از سوی حزب جمهوری اسلامی ایران در این باره گفت: ما طی گفتگوهایی با برادران خود در این باره به این نتیجه رسیده‌ایم که تا پیش از روشن شدن مسئله و تحقیقات مقامات مسئول از اظهار نظر قطعی خودداری کنیم. ما قصد نداریم مانند سایر گروه‌ها کسی را محکوم یا تأیید کنیم.



## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۴۱

فروتن از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران، پس از ذکر خلاصه‌ای از ما وقع جریان اعلام کرد که سپاه پاسداران این حمله را محکوم می‌کند. وی افزود: ما زندانی‌هایی را - مانند مفسدین فی الارض - که اطمینان قطعی داشتیم اعدام می‌شوند، در اختیار دادگاه‌ها گذاشتیم [پیوست ۱۱].

### ت - بوشهر و بندر دیلم

خبرگزاری پارس اعلام کرد: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بوشهر در نامه‌ای به دکتر ابراهیم یزدی، نماینده رهبر انقلاب اسلامی ایران در امور استان‌ها، ضمن اشاره به بی‌کاری و رکود فعالیت بندری، خواستار هدایت کشتی‌های بازرگانی برای تخلیه کالا در بندر بوشهر شد.

مسئولین اتاق بازرگانی در این نامه، عنوان کرده‌اند ورود کشتی‌های اقیانوس‌پیما و تخلیه کالای بازرگانی در این بندر موجب گردش کار و زندگی مردم و ایجاد فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی می‌شود، اما مدتی است که کشتی‌ها به این بندر وارد نمی‌شوند و بیکاری و رکود بر بندر بوشهر سایه افکنده است؛ درحالی‌که گفته می‌شود در بنادر استان خوزستان و بندرعباس کالاهای بازرگانی بخش‌های دولتی و خصوصی بیش از گنجایش و ظرفیت آن بنادر است.

در قسمت دیگری از این نامه با عنوان این مطلب که فعالیت‌های اقتصادی بندر بوشهر به علت شرایط نامتناسب جوی و اقلیمی عدم بناها و آثار باستانی، تاریخی و مذهبی برای جلب مسافر و توریست و محرومیت از امکانات صنعتی و هنری منحصر به ورود کشتی‌ها و دیگر فعالیت‌های بندری است، از دکتر یزدی درخواست شده از طرق قانونی، تعدادی از کشتی‌های حامل کالا را به طرف این بندر سوق داده تا از این رهگذر مردم بتوانند به کار و زندگی خود ادامه دهند [پیوست ۱۲].

### بندر دیلم و اعتصاب در بوشهر

یزدی از فرمانداران و بخشداران خواست به سر کار خود برگردند - روزنامه کیهان،

## ۶۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

این اطلاعیه، دیروز از دفتر دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام برای رسیدگی به مسائل شهرستان‌ها در رابطه با مسائل استان بوشهر، انتشار یافت. به دنبال مشکلات مردم استان بوشهر و استعفای جمعی از بخشداران و فرمانداران در رابطه با مسئله دیلم، مردم بوشهر طی تماس‌های مکرر از دکتر یزدی، نماینده ویژه امام، خواستند تا برای رسیدگی و حل مسائل مربوطه، به بوشهر سفر کند. بعد از مذاکرات مفصل با استاندار بوشهر و فرماندار و بخشدار دیلم، به پیشنهاد دکتر یزدی قرار شد استاندار بوشهر جلسه‌ای با شرکت فرمانداران، بخشداران و رؤسای ادارات استان بوشهر تشکیل دهد و ضمن تشریح استراتژی ضد فئودالی دولت جمهوری اسلامی ایران، با قاطعیت در جهت تأمین خواست‌های بحق مردم بوشهر، اتخاذ تصمیم نموده، نتایج تصمیمات این جلسه را به این دفتر اطلاع دهند. چنانچه تصمیمات این جلسه، راهگشای مشکلات این استان نشود، و در اجرای تصمیمات آن موانعی پدید آید، دکتر یزدی در اولین فرصت عازم بوشهر خواهد شد تا مسائل مربوطه را حل و فصل نماید. ضمناً دکتر یزدی از کلیه فرمانداران و بخشداران مستعفی تقاضا کرد در این لحظات حساس مردم را تنها نگذارند و بر سر کار خود بازگردند (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۱۲/۱۴)؛ [پیوست ۱۳].

### ث - مأموریت در تبریز

دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام، برای حل مسائل شهرستان‌ها اعلام کرد: عده‌ای از آذربایجانی‌های مقیم تهران از من خواسته‌اند برای حل مسائل تبریز به آن شهرستان بروم. دکتر یزدی همچنین تأکید کرد: من در پی این درخواست عده‌ای از هم‌وطنان آذربایجانی مقیم تهران که نسبت به حوادث احتمالی تبریز نگران بودند، در دفتر من اجتماع کرده و درخواست خود را مطرح کردند، [به تبریز خواهم رفت و مشکلات آنان را رسیدگی خواهم کرد].

مشکل تبریز، هیچ وجه تشابهی با سایر نقاط کشور نداشت. مسئله اصلی انتظارات و ناراحتی‌های آیت‌الله العظمی آقای سید کاظم شریعتمداری بود. اختلاف مشرب سیاسی میان ایشان با رهبر انقلاب، امری آشکار بود. در دوران فعالیت در نوفل لوشاتو در باره روابط رهبری با مراجع دیگر، با آقای خمینی صحبت کرده بودم. در جلد سوم

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۴۳

خاطراتم (۱۱۸ روز در نوفل لو شاتو) در این باره نوشته‌ام. بر این باور بودم و تأکید می‌کردم که آقای خمینی از موضع رهبری انقلاب باید روابط خود را با آقایان مراجع تملیف کند. پس از بازگشت به ایران در چندین نوبت پیشنهاد کردم که مراجع چهارگانه (آقایان خمینی، شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی) گاه‌گاهی با هم دیدار کنند و در خلوت با هم جای بنوشند. انعکاس آن در بیرون این خواهد بود که مراجع قم با رهبر انقلاب پشت درهای بسته چندین ساعت با هم خلوت و گفتگو کرده‌اند. لازم به یادآوری است که کسانی، هم در قم و تهران بودند که به آتش اختلاف میان مراجع، بخصوص آیت‌الله شریعتمداری با رهبری انقلاب دامن می‌زدند. این دیدارها توطئه‌های آن عده اختلاف افکن را خنثی می‌کرد. یک یا دو بار این دیدارها انجام شد. پس از آن بود که درگیری شدیدی میان اعضای حزب خلق مسلمان با هواداران آقای مدنی در تبریز رخ داد.

در یکی از دیدارهایم با آقای خمینی، ایشان از من خواستند به تبریز بروم و اوضاع را از نزدیک بررسی کنم. من هم این مأموریت را پذیرفتم. از طرف دفتر ایشان هم اقدام شد و آیت‌الله مدنی از من برای سفر به تبریز دعوت کرد. در تبریز آقای مدنی به اتفاق جمعی از شخصیت‌های تبریز به استقبال آمدند.

به دعوت آیت‌الله مدنی، مردم در مسجد شکلی گردهم آمدند. جمعیت کثیری تمام مسجد و کوچه‌های اطراف و حتی خیابان را پر کرده بود. مردم تصاویر آقای خمینی و شریعتمداری را با خود آورده بودند. به هنگام سخنرانی متعمداً هم نام امام و هم نام آیت‌الله شریعتمداری را می‌آوردم و مردم صلوات می‌فرستادند. پس از بازگشت از تبریز، گزارش سفر را به امام دادم و جمع‌بندی کردم که آذربایجانی‌ها مقلدین آقای شریعتمداری هستند، ولی شما را رهبر انقلاب می‌دانند. توصیه کردم در مورد آذربایجان حتی‌الامکان با آقای شریعتمداری مشورت و نظرخواهی شود. یکی از دیدارهایم با آقای خمینی در قم، مصادف بود با درگیری در برابر منزل آیت‌الله شریعتمداری و کشته شدن یک پاسدار در جلوی منزل ایشان. آقای خمینی از من خواستند که بروم و با آقای شریعتمداری صحبت و به قول ایشان نصیحت کنم. از ایشان خواستم حاج احمد آقا هم مرا همراهی کنند، اما ایشان قبول نکردند و گفتند

## ۶۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

خودم تنها بروم. در دیدار با آیت‌الله شریعتمداری، داماد ایشان آقای عباسی هم حضور داشت که به درخواست من ایشان اتاق را ترک کرد. در این گفتگو ابتدا توضیح دادم که به درخواست و توصیه آقای خمینی به دیدن ایشان آمده‌ام. آقای شریعتمداری، روحیه‌ای کاملاً متفاوت با آقای خمینی داشتند و با کسانی که به دیدارشان می‌رفتند، خیلی گرم و به اصطلاح خودمانی برخورد می‌کردند. پیش‌ترها یک بار که به اتفاق همسرم به دیدار ایشان رفته بودیم، وقتی فهمیدند که همسرم دختر مرحوم میرزا باقر طلایه است، بسیار از ایشان تعریف و تمجید کردند. این بار هم که به دیدنشان رفتم، اول حال همسرم را پرسیدند. در این دیدار، ایشان گله‌ها و انتظارات خود را بیان کردند. ایشان توقع داشتند در مسائل کشوری اگر با ایشان مشورت نمی‌شود حداقل در مورد مسائل آذربایجان و انتصابات، نظر ایشان خواسته شود. من این را یک انتظار یا توقع معقولی می‌دانستم؛ با این حال، ایشان در مورد حزب خلق مسلمان، مطالبی را مطرح کردند که درست نبود. ایشان خود را رهبر این حزب می‌دانستند، و به ایشان گفته شده بود که این حزب در سرتاسر آذربایجان چند میلیون، از جمله در شهر میانه ۵۰۰۰۰ هزار عضو دارد. آیت‌الله شریعتمداری انتظار داشتند از این حزب برای اداره امور آذربایجان استفاده شود. این یک آمار واقع بینانه‌ای نبود که به ایشان داده بودند. برای ایشان توضیح دادم که اگر حزبی اعا کند که ده هزار عضو در تمام ایران دارد، بی‌تردید اغراق می‌کند. اینها مقلدین شما هستند که مسئولان حزب به آنها گفته‌اند که بنا بر نظر شما باید عضو حزب بشوند و آنها هم برگه‌های عضویت را پر کرده‌اند. برای ایشان توضیح دادم که شما یکی از مراجع بزرگ هستید؛ خود را به سطح رهبری یک حزب کاهش ندهید. آقای خمینی هم به نوعی از حزب جمهوری اسلامی، حمایت سیاسی و مالی می‌کند، اما خود را رهبر حزب نمی‌داند. شما هم اگر می‌خواهید، از حزب خلق مسلمان حمایت کنید، اما مسئولیت حزب را نپذیرید.

من این سخنان را مشفقانه گفتم. این دیدار و گفتگو بیش از یک ساعت به طول انجامید. پس از این دیدار، به دیدن آقای خمینی رفتم و ضمن گزارش مذاکرات، بر ضرورت مشورت با ایشان در مورد مسائل آذربایجان تأکید کردم. این آخرین دیدارم با آیت‌الله شریعتمداری بود. متأسفانه روابط رو به تیرگی گذاشت و در نهایت در مسئله

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۴۵

صادق قطب‌زاده، پای ایشان هم به میان کشیده شد و آن شد که نباید می‌شد. تصویرهای سفر به تبریز در ادامه آمده است.

### ج - شکایات و مطالبات اعراب خوزستان

ناآرامی‌ها و آشوب‌های خوزستان، در سال‌های اول انقلاب، ویژگی‌های خاصی داشت که آن را از سایر نقاط متمایز می‌ساخت. به علت وجود چاه‌های نفت، مردم عرب‌زبان این استان، در دوران استبداد سلطنتی، همیشه دچار انواع ستم‌ها و محرومیت‌ها بوده‌اند. از طرف دیگر، کشورهای عربی، از زمان جمال عبدالناصر، زیر پوشش و یا به بهانه ناسیونالیسم عرب، خوزستان را یک سرزمین عربی می‌دانستند که باید از اسارت فارس‌ها بیرون بیاید. در کشورهای عربی، بخصوص مصر، لیبی، سوریه، یمن و عراق، در نقشه‌های جغرافیایی که برای تدریس در مدارس تهیه می‌شد، همه جا خوزستان با عنوان «عربستان» معرفی می‌شد. در کنگره خلق‌ها - که یک سال قبل از انقلاب در لیبی برگزار شد - به دعوت دولت لیبی، افرادی به نام نمایندگان «جبهه آزادی‌بخش عربستان» و «جبهه آزادی‌بخش الاحواز» شرکت کرده بودند؛ بنابر این، مسائل و مشکلات خوزستان، هرچند وجوه مشترکی با سایر نقاط کشور داشتند که به صورت اعتراض به ظلم‌های دوران گذشته، بروز کرده بود، اما از طرف دیگر، عوامل خارجی نیز برخی از افراد و گروه‌های افراطی و تجزیه‌طلب را به شدت تحریک می‌کردند و در ادعاهای مذکور نقش داشتند. برای نشان دادن این وجه پیچیده از مسائل خوزستان، کافی است توجه شود که بعد از انقلاب، با وجودی که دولت موقت، سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) را به عنوان نماینده مردم فلسطین و در سطح یک دولت به رسمیت شناخت، سازمان‌های فلسطینی، و از جمله ساف، بدون هماهنگی یا اطلاع دولت، در خوزستان دفاتری باز کردند. دولت مجبور شد تمام این دفاتر را ببندد؛ اگرچه توسط هواداران‌شان مورد حمله قرار گرفت.

دولت عراق بیشترین دخالت‌ها و تحریکات را در خوزستان، بخصوص در خرمشهر انجام می‌داد. برخی از اعضای سابق انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا، که خوزستانی بودند و بعد از اتمام تحصیل به خوزستان برگشته بودند،

## ۶۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

اطلاعات بسیار با ارزشی از اقدامات عراق در خوزستان، از آن جمله فیلم های مستند از تردد عناصر نفوذی عراق به ایران از طریق هورها و مرز را برای ما می فرستادند. این اقدامات بالاخره موجب شد دولت ایران کنسولگری عراق در خرمشهر را ببندد.

در اول اسفند ۱۳۵۷ آقای خمینی طی یادداشتی برای شبیر خاقانی، ایشان را مأمور تشکیل کمیته های انقلاب در خوزستان و جلوگیری از فعالیت عناصر آشوبگر، نمودند (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۱۰).

با چنین زمینه هایی، در ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ «سازمان خلق عرب ایران» از خرمشهر اعلام موجودیت کرد و اولین تظاهرات خود را برگزار نمود. در این روز در مسجد امام صادق جمع شدند. رهبری این تجمع را آیت الله شیخ محمدطاهر آل شبیر خاقانی بر عهده داشت.

از طرف دولت آقایان خامنه ای، سرهنگ محمدحسین حقیقی، فرمانده لشکر خوزستان و سروان حسین انصاری با رسیدگی به مطالبات آنان حضور پیدا کردند. مطالبات و مدعیات آنان عبارت بود از: نفی تجزیه طلبی، به رسمیت شناختن زبان عربی و آموزش آن برای دانش آموزان، آزادی بیان و نشر کتاب و روزنامه به زبان عربی، تشکیل دادگاه عربی، تشکیل مجلس عربی در خوزستان، تولید و پخش برنامه به زبان عربی از رادیو و تلویزیون به طور مستقل، داشتن اولویت در استخدام در بخش خصوصی و دولتی، تخصیص بورس های تحصیلی، آزادی اشاعه فرهنگ عربی - ایرانی، تخصیص بخشی از درآمد نفت به خوزستان، تعیین وزیر از بین عرب زبانان، مشارکت در ارتش ملی، برگشت نام های عربی شهرهایی که زمان رضاشاه تغییر داده شده بودند، و بالاخره انتخاب نمایندگان عرب در مجلس شورای ملی.

اگرچه برخی از این مطالبات، معقول و قابل قبول بودند، اما مذاکرات به نتیجه ای نرسید و درگیری ها ادامه پیدا کرد.

در ادامه تشنجات منطقه، آقای خمینی مجدداً در ۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ یادداشتی برای آقای شبیر خاقانی نوشتند و از ایشان خواستند که مردم را به اتحاد و یگانگی دعوت کنند.

کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۴۷

### سفر مهندس بازرگان به اهواز

با توجه تشدید وخامت اوضاع خوزستان، در روز شنبه ۱۳۵۸/۱/۴ مهندس بازرگان به همراه مهندس عباس امیرانتظام و تیمسارمدنی وارد اهواز شدند و مردم از آنها استقبال کردند. آنها به دیدن شیخ محمدطاهر آل شبیر خاقانی رفتند. هنگام رفتن به مسجد صادق، عده‌ای علیه آنها شعار دادند؛ تیراندازی شد و عده‌ای مجروح شدند. این سفر کمکی به حل مشکلات خوزستان نکرد.

### راهپیمایی در اهواز

مردم اهواز، ایرانیان عرب‌زبان و «خلق مسلمان عرب خوزستان» در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸ راهپیمایی کردند. در پایان این راهپیمایی شبیر خاقانی سخنرانی کرد و مردم را به شرکت در فراندوم فراخواند و قطعنامه‌ای در ۱۲ ماده خوانده و تصویب شد. در این قطعنامه، اعراب خواستار شناخت حقوق از دست‌رفته خویش شدند. اگرچه جدایی‌طلبی را رد و محکوم کردند و پاسداری از تمامیت ارضی ایران را یکی از اهداف خود بیان کردند، اما پشتیبانی از «خلق‌های ایران» را هم مطرح ساختند. علاوه بر این، به رسمیت شناختن زبان عربی و تدریس آن به‌عنوان زبان اول در تمام مراحل، آموزش همراه با زبان فارسی و حق نشر و تألیف به زبان عربی در تمام شئون ملی و سیاسی مردم عرب ایران، پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیون مستقل به زبان عربی، تشکیل مجلس عربی برای تصویب قوانین محلی و نظارت بر قوانین، دایر کردن دادگاه‌های عربی ایرانی، مشارکت در مجلس مؤسسان نسبت به جمعیت خلق عرب ایران، نام‌گذاری عربی شهرها و برخورداری از هر نوع خودمختاری که برای سایر اقوام تصویب شود، آمده بود. (روزنامه اطلاعات، ۶ / ۲ / ۱۳۵۸).

اعراب خوزستان مطالبات متعددی داشتند. اگرچه برخی از آنها منطقی و قابل قبول بود، اما این مطالبات از سویی با تحریکات خارجی، بخصوص عراق، همزمان شده بود و از سوی دیگر، موجب سوء تفاهات بسیار و مخدوش شدن مطالبات حقه آنها می‌شد.

در اوایل اردیبهشت، با حفظ سمت معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب، به وزارت امور خارجه رفته، ولی هنوز به برخی از وظایفم در نخست‌وزیری رسیدگی می‌کردم.

## ۶۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

در این موقع، گروهی از اعراب و عشایر خوزستان به دیدن نخست‌وزیر آقای مهندس بازرگان آمدند و نامه آقای شبیر خاقانی را برای ایشان آوردند. آقای مهندس از من خواست در این دیدار حاضر شوم.

دیدار دوستانه خوبی بود و نشان داد که اختلافات قومی، در بسیاری از موارد با گفتگو و سعه صدر به تفاهم و احتمالاً به توافق می‌انجامد. بعد از این دیدار بود که آقای مهندس بازرگان نامه‌ای را برای شبیر خاقانی فرستادند و یک کپی هم به من دادند که در پایان این بخش آمده است.

این حضور و مشارکت در حل مشکل اعراب خوزستان، قبل از مأموریتی بود که آقای خمینی در باره حل مشکلات استان‌ها به من داده بود؛ بنابراین، مأموریتی که آقای مهندس بازرگان، در آن مرحله به من داد، همان وظایف معاون نخست‌وزیری در امور انقلاب شمرده می‌شد.

در ۲۳ / ۲ / ۱۳۵۸ عوامل وابسته به «خلق عرب» در خرمشهر مسلحانه به کانون‌های فرهنگی و کمیته انقلاب شهر حمله و با آتش‌سوزی و تخریب ساختمان، افراد کمیته را خلع سلاح کردند.

یکی از شکایت‌های این گروه که طی یادداشتی در ۱۲ خرداد ۱۳۵۸ برای من فرستادند، از پاسداران مستقر در مسجد امام صادق خرمشهر بود. آنها مدعی بودند این پاسداران عموماً شوشتری هستند و مرتب مردم را آزار می‌دهند و با وجود تذکرات مکرر به مدنی - استاندار وقت خوزستان - توجهی به این موضوع نشده است. این گروه همچنین اظهار داشتند مطالبی که آقای مدنی از رادیو و تلویزیون در مورد آرامش و امنیت بیان می‌کنند، صحت ندارد.

در آن دوره زمانی، من آنچنان سرگرم امور وزارت خارجه بودم که نه فرصت پرداختن به این مسائل را داشتم و نه در قلمرو اختیارات من بود؛ از این رو، آن را پیگیری نکردم.

### نامه مهندس بازرگان به آیت‌الله شبیر خاقانی

«محضر انور حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدطاهر آل شبیر خاقانی مد ظله

تاریخ ۱۳۵۸ / ۲ / ۱۴



## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۴۹

هفته گذشته که جمعی از برادران عرب و عشایر خوزستان با اجازه آن جناب به تهران آمده، ملاقاتی رخ داد، دست‌خط شریف مورخ ۲۶ ج ۱ (۵۸/۲/۴) ره‌آورد سفر و فتح باب کلام شد و سبب امتنان بنده گردید.

از عنایت و دعاهای خیر آیت‌الله بسیار سپاسگذارم. امیدوارم خداوند رحمن ملت و مملکت ما را از شر شیطان و دسائس بیگانگان محفوظ داشته به این دولت نیز توفیق خدمت در راه اسلام و مسلمین عطا فرماید.

آقایان صحبت زیاد و نظریات کلی و پیشنهادهای خاصی داشتند که استماع و توجه شد. خارج از قاعده و حدود قبول نیز نبود. همان‌طور که مرقوم فرموده‌اید برادران عرب ایرانی همکیش، تحت زعامت آن جناب، نه تنها داعیه تجزیه‌طلبی و خودمختاری و تفرقه نداشتند، بلکه خود را ایرانی طالب وحدت و مدافع انقلاب اسلامی به رهبری آیت‌الله العظمی خمینی می‌دانستند.

به آقایان یادآوری شد که در دوران استبداد پهلوی، چکمه‌های ستم و پنجه‌های چپاول، نه تنها مردم بینوای خوزستان، بلکه تمام ایران را لگدمال و محروم ساخته بود و برنامه دولت اسلامی، خودداری از تجاوز و تبعیض است و گسترش عدل و آبادی در همه جا. به شرط آنکه خداوند توفیق و مردم فرصت دهند و تحمل دولت و حصول و وصول را بنمایند.

بدیهی است خواسته‌ها و پیشنهادهایشان به شورای طرح‌های انقلاب - که مأمور تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی برای پیشنهاد به مجلس مؤسسان می‌باشد، داده خواهد شد و آقایان مانند اهالی سایر مناطق ایران باید سعی کنند در مجلس مؤسسان کرسی بیشتر و منطقی‌تر داشته باشند. خوشبختانه دو جلسه که با آقایان داشتیم با دوستی و حسن تفاهم برگزار شد. ایام عزت و عافیت مستدام. مهدی بازرگان» [پیوست ۱۶].

## برای بررسی خواسته‌ها و تدوین قانون اساسی، دولت نمایندگان عرب زبانان را به تهران فراخواند

آبادان - خبرگزاری اطلاعات: از سوی مقامات مسئول دولت انقلاب اسلامی ایران، صبح دیروز نامه‌ای به‌عنوان آیت‌الله شیخ محمدطاهر آل شبیر خاقانی، رهبر مسلمانان

## ۶۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

عرب‌زبان خوزستان ارسال شد و طی آن خواسته شد هیئتی از منتخبین ایرانیان عرب زبان خوزستان به تهران اعزام شود تا با حضور و شرکت آنها، خواست‌های مردم عرب‌زبان مورد رسیدگی قرار گیرد. اعضای این هیئت همچنین برای گنجاندن این خواست‌ها در قانون اساسی، با مسئولین دولتی به گفتگو می‌نشینند و تعدادشان بین ۱۵ تا ۲۰ نفر خواهد بود.

شیخ شبیر خاقانی اخیراً یک بار دیگر از سوی مسلمانان عرب‌زبان خوزستان، پشتیبانی خود را از دولت انقلابی و انقلاب اسلامی اعلام کرده است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۲۱)؛ [پیوست ۱۷].

در برخی از شهرهای دیگر نیز اختلافاتی بود که یا فرصت مسافرت به آنجا پیش نیامد و یا موضوع در اندازه‌ای نبود که هیئت حل اختلاف به‌طور مستقیم به آن پردازد. نمونه آن، روستای گویم در استان فارس بود.

### چ - شکایت اهالی گویم فارس

طی شکایتی به دکتر یزدی، اهالی «گویم» فارس، خواستار پس گرفتن زمین‌های خود شدند

«گویم فارس - اهالی روستای گویم فارس، در شکوائیه‌ای که برای دکتر یزدی، سرپرست دفتر رسیدگی به شکایات دفتر امام، فرستادند، خواستار رسیدگی به وضع مالکیت زمین‌های مزروعی خود شدند.

در این شکوائیه عنوان شده: زمین‌هایی که حاکم شرع قبلی شیراز از یک فئودال مصادره کرده و به کشاورزان واگذار کرده بود، توسط حجت‌الاسلام عندلیب، حاکم شرع جدید، بار دیگر به همان شخص برگردانده شده است.

متن این شکایت به شرح زیر است:

«ما مردم گویم که پس از سال‌های متمادی، که در زیر یوغ عمال کثیف پهلوی مانند قوامی‌ها و علم‌ها بوده‌ایم، و از ۱۹ سال پیش در جریان تقسیم اراضی، زمین‌های ما به یک فئودال به نام فتحعلی جعفری فروخته شده، و حق ما غصب شده است، بعد از انقلاب با شکایت اهالی به دادگاه انقلاب، آیت‌الله علی محمد دستغیب حاکم شرع

## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۵۱

شیراز، زمین‌های غصب‌شده را به کشاورزان تحویل داد. فتحعلی جعفری هم دو بار دستگیر شد، ولی با کمک فئودال‌ها و خوانین از زندان آزاد شد و هم اکنون مشغول توطئه است. بعد از مدتی آیت‌الله عندلیب حاکم شرع کنونی که به کمک فئودال‌ها برخاسته است، حکم‌های آیت‌الله دستغیب را لغو و مجدداً حکم تصرف زمین‌ها را به فئودال‌ها داده است، ولی زارعین به هیچ وجه دست از زمین‌های خود برنمی‌دارند. با این توصیف، بین زارعین و مالکین درگیری شروع شده و در فارس، کردستان ثانی به وجود خواهد آمد. مستدعی است با رسیدگی به این جریان، فارس را که آتش زیر خاکستر است، از مهلکه نجات دهید.»

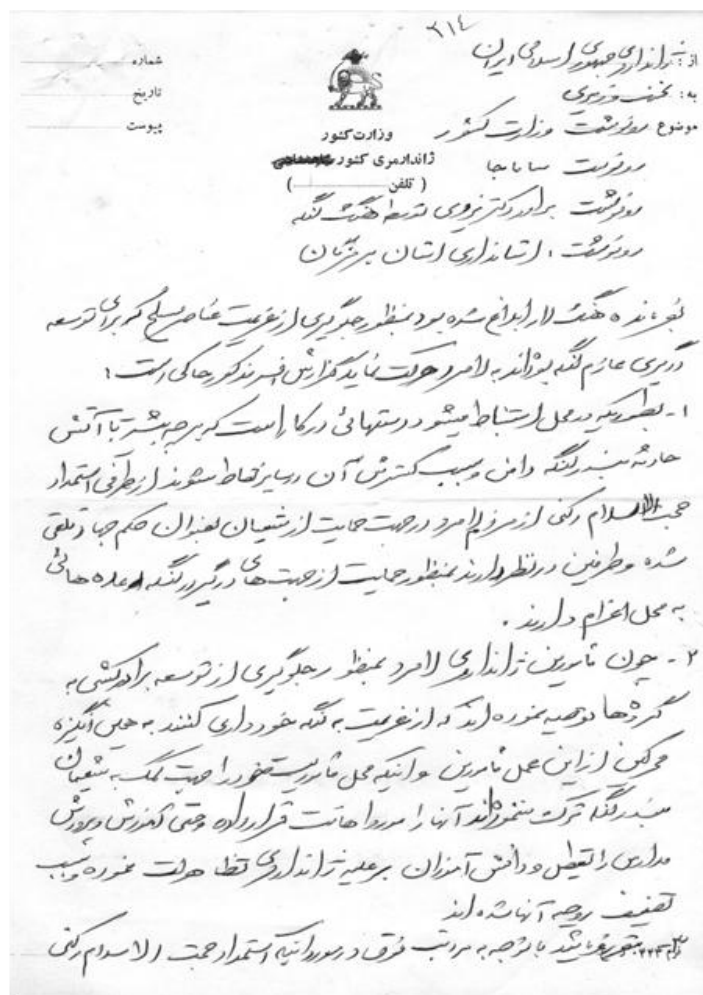
این نامه با امضای چهارده تن از معتمدین روستای گویم به دفتر رسیدگی به شکایات دفتر امام رسیده است. این نامه را دریافت کردم. ماهیت و محور مشکل همان بود که در قزوین بود؛ بنابراین، دخالت من نمی‌توانست کارساز باشد [پیوست ۱۸].

### ح - شکایت اهالی فریدن اصفهان

از شهر فریدن اصفهان نیز از سوی یکی از روحانیان بومی، گزارشی از نفوذ مخالفان انقلاب و فراندوم قانون اساسی، مشکلات کشاورزی مردم منطقه و شایعه پنهان شدن دکتر شاهپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر برکنار شده حکومت پهلوی در کوه‌های این شهرستان رسید که بررسی شد، ولی نیاز به اعزام هیئت به منطقه را نداشت [پیوست ۱۹].

پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل سوم


پیوست ۱- برای آشنایی با سوابق بندر لنگه، نک: محمد باقر وثوقی، علل و عوامل جابه‌جایی کانون‌های تجارתי در خلیج فارس، مجله پژوهشکده تاریخ اسلام، شماره ۸، فصل هشتم: «ایرانیان بنیان‌گذاران بازارهای ذبی و دیگر بنادر سواحل جنوبی خلیج فارس»، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳.



کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۵۳

پیوست ۲- گزارش ژاندارمری کشور در باره درگیری‌ها در بندر لنگه

شماره	از: ۱۸
تاریخ	به:
پیوست	موضوع

  
وزارت کشور  
ژاندارمری کشور  
( تلفن )

در جمیع جبهه اعداء مبارز و وطنی ما سرین ژاندارمری ای ب میاید از  
کوت گروه‌ها از هوجاچ در با سینه درگیری نماید مراتب از نظر حتمی انور  
تلفیقات و کتبات از راه برودت برین اعداء گردد. چنانچه علماء و روحانی  
و سایرین وزارت کشور نیز در این باره توجه مستند ب

فرمانده ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در بندر لنگه

۱۶/۲۷/۱۴۰۱  
۲۰/۱۰/۱۳۵۸

بیت مهر ۱۷۵۰

فرم ۰۲۲۳-۳-ع



پیوست ۴- عامل اصلی حوادث خونین بندر لنگه شناخته شد

# عامل اصلی حوادث خونین بندر لنگه شناخته شد

دکتر یزدی و استاندار هرمزگان برای برقراری وقایع بندر لنگه به این منطقه رفتند

بندر عباس - خبرنگار کیهان - دکتر ابراهیم یزدی امروز در راهی حیاتی برای بررسی حوادث بندر لنگه نازم این منطقه شد. چندی پیش بازرگان استاندار هرمزگان در این سفر، دکتر یزدی را همراهی میکند. فلاسیر «کتیبه» معاون سیاسی استانداری هرمزگان نیز به همین منظور به بندر لنگه رفته بود. فرار استیضاح از رسیدگی های لازم استوی دکتر یزدی و هیات همراه او نتیجه باطلات توری انقلابیست. از سوی دیگر، دیروز آیت الله رکنی نماینده امام در بندر یزدی اعلام کرد که مسئول وظایف تعویضات شخصی بنام اسماعیل زاهد است که این شخص فعالیت مداوم در دانشگاه محدود است.

آیت الله رکنی گفت این شخص با تصرف برادران اهل تشن در بندر لنگه و توجیه به برادران اهل تشن بوجبات اختلاف و درگیری را فراهم کرده است.

محمود پستچی رئیس هیات مدیران بندر لنگه نیز عامل اصلی درگیری را دکتر اسماعیل زاهد معرفی کرد و گفت که مردم با اجتناب در برابر منزل آیت الله رکنی خواستار محاکمه او بودند.

بر اساس گزارشهای رسیده مسئولان فرمانداری بندر لنگه اعلام داشتند که بعد از ظهر دیروز را مردم در خانه های خود پسر پروردگارش را شمشیر حاکم با خود بردند و آرایش نسبی در شهر.

وی همچنین گفت که چهره های مسلح و آزارگری بندر لنگه را در مدارسه دارد.

حجت الاسلام صفائی نماینده امام در بندر عباس نیز در گفتگویی با خبرنگاری پارس ضمن اعلام اینکه در حوادث بعد از لنگه ۹ نفر کشته شدند اظهار داشت:

پناهان امروز (دیروز) با یک فرود هواپیمایی سی - ۱۳۰ بوده که از جرحین حادثه بندر لنگه که کشته شدند و مجروحان جهت امانت محالجات به شیراز خود را در حال حاضر به بندر عباس دکتر شریعتی بندر عباس آگاهی کامل دارند. نماینده امام در بندر عباس گفت: در تاسی که ظهر دیروز با بندر لنگه گرفته

شده. محله سولان در امری و کوشش برای خلع کردن لنگه بندر لنگه و شناخت عوامل آلود و دستگیری و محاکمه میسر آمدی کوتاهی نتوانند بود. از طرف جامعه روحانیت تشن و تشن بندر عباس - تلاشین حلالی محمد حیاتی.

### آماندیش بیمارستانهای شیراز

به گزارش خبرنگار کیهان از شیراز ۶ فر از جرحین حوادث بندر لنگه با هواپیمایی نظامی به این شهر انتقال یافتند. این عده که اغلب مبتلان بیماری روحیه است در بیمارستانهای خلیج و دکتر محقق بستری شدند. آماندیش لازم با بیمارستان های شیراز داده شده و دکتر حبیبی خبر عالی بهاری و بهرستی به خبرنگار کیهان گفت: با تسامد بیمارستانهای شیراز را به سرور آماندیش فرآوریدم و تعدادی از بیماران را به پاکبانه فرستادیم تا به محل آنگه جرحین وارد شیراز شدند. به بیمارستان های دکتر محقق، تازی، محقق، شاره دوسویباز منتقل شوند.

دکتر حبیبی اضافه کرد: با امکانات برای

بدریس ۱۰۰ جرح در نظر گرفته ایم. اما می جرحانی که به شیراز انتقال یافته اند به این شرح اعلام شد: رها صگری غربی عربی در بیمارستان تازی، عبدالله راضی شمسگانه عبدالرحیم هاشمی، محمد علی استغالی، حبیبی سمنی، محمد رضا سلمی که بهت امابت گویه و تشنگی دست و پا در بیمارستان دکتر محقق بستری هستند.

● بداند وقوع درگیری های بندر لنگه این اعلامیه از طرف شیخ محمد علی خانی رسید محمد جواد رکنی بهرمان ضعی اهل تشن و اهل تشن تبع بندر لنگه منتشر شد.

بسیار از حسن الرحیم اعلی حنین و رشادتمند بندر لنگه، برادران تشن و تشن، استعدا داریم از هر گونه حمله و تیراندازی بیکدیگر اکیدا خوداری فرمائید. هر گونه عمل تهاجمی در این موقع بمنزه مایزه با خدا و قرآن و انقلاب اسلامی تکی خواهد شد. محمد علی خانی



استکسهای جدیدی است جمهوری اسلامی ایران با بازار آند. تشن این استکسها درست مثل استکسهای قدیمی است اما این تفاوت که تشن شامروی آن رسیده شده و درست دیگر آن روی تشن شامخوخرج رخصیر استکس که جمهوری اسلامی ایران چشم می خورد. این استکسها بوقتی است که تا چاب استکسهای جدید با تشن متفاوت این استکسها جریان خواهد داشت.

پیوست ۵ - ۳۱ نفر به اتهام شرکت در حوادث بندر لنگه بازداشت شدند

# دکتر یزدی : ۳۱ نفر با اتهام شرکت در حوادث بندر لنگه بازداشت شدند

● محاکمه ۴۵ تن از دستگیرشدگان حوادث بندر لنگه امروز آغاز شد .

● عامل اصلی حوادث بندر لنگه به دوی گریخته است

بندرعباس - خبرنگار کیهان - اعضای هیئت ویژه امام خمینی اعزامی به بندر لنگه پس از گفتگو و مذاکره با رهبران مذهبی و مقامهای مسئول این شهر بیانیه و قطعنامه‌ای در ۱۰ ماده انتشار دادند .

متن قطعنامه مذاکرات هیئت ویژه بشرح زیر است :  
سورتنه روحانی ابراهیم  
تا بهدازیمش روز بعد  
پدینال وقوع حوادث ناگوار شنبه ۱۰/۱۰/۸۱ در شهر بندر لنگه مستعین شهر از روحانیون و اعضاء جدید شورای شهر ، روسای ژاندارمری ، شهرتانی و سپاه پاسداران ، استاندار و فرماندار و رئیس دادگاه شهر در محل قامت اعضاء هیئت ویژه امام خمینی و نماینده وزیر کشور هر شهر لنگه تشکیل جلسه داد و پس از رسیدگی به مشکلات و ظل و اسباب که منجر به فاجعه روز شنبه گردید تصمیمات زیر را با اتفاق آراء تصویب نمودند :

- ۱- کلیه مسائل مربوط به شهر در یک هیئت هماهنگی مرکب از اعضاء جدید شورای شهر ، چهار تن کاندیدای سابق برادران اهل تشن برای شورای شهر ، نمایندگان روحانیون تشن و تشن ، شهر دار ، فرماندار ، فرمانده جنگ ژاندارمری و رئیس شهرداری مورد بررسی و تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد .
- ۲- حتی الامکان استاندار و فرمانده سپاه پاسداران و روسای ادارات مربوط در این جلسات شرکت خواهند نمود .
- ۳- حدود وظایف و اختیارات کمیته انقلاب شهر توسط هیئت هماهنگی بررسی شده و تعیین میگردد .
- ۴- در ترکیب اعضاء کمیته انقلاب شهر تغییراتی با تصویب هیئت هماهنگی داده خواهد شد .
- ۵- امنیت شهر توسط نیروهای مشترک ژاندارمری - شهرتانی و سپاه پاسداران انقلاب تامین خواهد شد .
- ۶- هیچ فرعی حق ندارد مسلمانان در شهر ظاهر شده و تردد نماید .
- ۷- مأمورین مسئول امنیت شهر در صورت مشاهده هرگونه تخلفی با شدت عمل وظایف قانونی خود را انجام داده و متخلفین را دستگیر خواهند نمود .
- ۸- کلیه بازداشت شدگان حوادث اخیر تحویل دادگاه انقلاب اسلامی خواهند شد .

دادگاه موظف است حداکثر در ظرف ۲۴ ساعت افراد بیگانه را که تشخیص میدهد آزاد نماید .

۹- کلیه حکایات و گزارشات واسله در مورد افراد متهم بترساکه مردم و اعیان فاجعه شنبه بنادگاه انقلاب اسلامی تسلیم خواهد شد تا با رسیدگی ترتیب تعقیب و جلب متهمین و محاکمه و مجازات آنها را بپذرد .

۱۰- سپاه پاسداران و ژاندارمری با تمام قوا امر مبارزه با قاچاق را قاطعانه تعقیب خواهند نمود .

۱۱- هیئت هماهنگی تهدید مینماید طرحهای عمرانی از قبیل توسعه کشاورزی - راهسازی - آبرسانی و غیره را بررسی نموده پیشنهاد خود را با ذکر اولویتها به فرماندار و استاندار تسلیم نماید و برپهرت طرحهای در دست اجرا نظارت نماید .

۱۲- دادگاه انقلاب عناصر شاخه شده ساواکه منحل را که توجه کرده و خود را اصلاح ننموده باشند تعقیب داده و جلب و محاکمه و مجازات خواهد نمود .

متن بیانیه هیئت ویژه امام خمینی نیز چنین است :

بسمه تعالی  
هموطنان عزیز - اهالی محترم بندر لنگه - همانطور که مسیوق مستعین بدینال حوادث اسفناپار که در بندر لنگه رخداد و منجر به قتل و جراحت تعداد کثیری از مردم بیگناه از زن و مرده و بیروچوان گریخته هیئت اعزامی ویژه امام خمینی در روز یکشنبه شانزدهم دیماه به استان هرمزگان وارد شد و بعد از کوتاهی در بندرعباس و تماس و مذاکره با برخی از مقامات مسئول روز دوشنبه صبح به بندر لنگه وارد و در دبیرستان طالبانی مستقر شده و تحقیق و بررسی مشکلات شهر و اطلاع انسان حادثه را شروع نمود و با مسئولین و رهبران شهر گفتگو داشت .

بمناز جلسات متعدد و حضور در حسینیه اهل تشن و مسجد اهل تشن و استماع نظرات مردم و شهروندی خود از نزدیک در واقعه حضور داشتند ، بالاخره موفق شد بمناز مذاکرات ميسوط ، قطعنامه‌ای در ۱۰ ماده با اتفاق آراء تصویب رسید .

با توجه به مفاد این قطعنامه هیئت اعزامی ضمن اظهار تاسف از واقعه خونین شنبه شانزدهم دیماه و ابراز همدردی با خانوادههای متضررین و محرومین از تمامی اهالی محترم بندر لنگه تقاضا میکند با همکاری و مساعدت یکدیگر اجرای همه جانبه قطعنامه را بپذیرد .

از تمامی مردم بندر لنگه و برخی دیگر از شهرها و پناذ استان که به خاطر همدردی با مردم بندر لنگه تمایل نموده‌اند درخواست میشود بزرگوار خود برگردند و مواظبت را باز نمایند . همچنین هیئت اعزامی از تمامی مردم محترم بندر لنگه دعوت مینماید که برای استماع بیانات رهبران مذهبی خود و گزارش کار هیئت اعزامی و نشان دادن وحدت و یکپارچگی همه اقشار مردم امروز چهارشنبه نوزدهم دیماه ساعت ۱۱ صبح در استادیوم ورزش شهر حضور بهمیرسانند . با تشکر از همکاری فراوان خواهران و برادران بندر لنگه توفیق مسلمین و اصلاح حال امت را آرزومندیم . والسلام دکتر ابراهیم یزدی

دکتر یزدی نماینده ویژه امام که سرگرم رسیدگی به حوادث بندر لنگه است در گفتگوی کوتاهی با خبرنگاری پارس اظهار داشت :

وقت دیروز هیئت ویژه صرف نظرات بر اجرای مفاد قطعنامه دیشب شد و چون تا ساعت یازده صبح برخی از مواد قطعنامه که مستقیماً و بلافاصله با امنیت شهر ارتباط پیدا می‌کرد اجرا نشده بود برگزاری گردمانی مردم بندر لنگه به صوبق افتاد . دکتر یزدی گفت : عصر دیروز توسط مسئولان کمیته انقلاب می و یک نفر از بازداشت‌های حوادث ناگوار بندر لنگه با رئیس دادگاه شهر جهت بازرسی قضائی تحویل دادند . تا بعد از بررسی قضائی پرونده تکلیفی بازداشت شدگان جهت محاکمات لازم به دادستان انقلاب ارجاع شود . دکتر یزدی گفت : قرار است اعضاء (دیشب) تعدادی از برادران از سپاه پاسداران بندرعباس وارد شهر بندر لنگه شوند و با همکاری ژاندارمری امنیت شهر را بهبود گیرند . واضح است که پس از استقرار این نیروها در شهر از حرکت افراد مسلح غیر مجاز جلوگیری خواهد شد .

پیش از ظهر دیروز نیز تعداد پانزده واث حامل آنوقه ا زبیل گوشت ، خرمای نان و برنج از سوی اهالی بخش لایرد در بندر لنگه تحسیم شد .

بر اساس گزارش‌های رسیده از بندر لنگه آیتاله رکنی نماینده امام در این بندر اعلام کرده است : محاکمه ۴۵ نفر از دستگیر شدگان حوادث بندر لنگه از امروز آغاز خواهد شد . وی همچنین گفت که عامل اصلی حوادث بندر لنگه از طریق دریا به دوی گریخته است .

آیتاله رکنی از وزارت کشور نیز خواسته است تا برای حفظ نظم کاربرد نیروهای نظامی در بندر لنگه بیشتر شود . مهندس بازرگان استاندار استان ساحلی در گفتوگویی با خبرنگاری پارس اظهار امیدواری کرد که مفاد قطعنامه مراعات شود و رهبران مذهبی دو گروه به وظیفه خرمی و ملی خویش توجه کنند .

**توضیح خبرنگار کیهان در کیهان شهر**

خبرنگار کیهان از کیهان شهر گزارش داده است که در روزنامه سنجیده هیچ‌کس در دستگیر شدگان قاتل آنها محبت میا آخر عمری چاه شده بود میباید اینک قاتل برادر کیهان بود . بدین وسیله ضمن تمسین توضیح دادیم که چه کسی قاتل میا است . نامه میباید و هنوز اعلام نشده است .

**آقای نو**

نظر باینکه در تاریخ اردی ماهیان سهام فرکت میکان ارد فرسید لک برای دومین بار ازک نمایندگان قانونی آنها محبت میا میباید ۱۳۸۵ ساعت هم صبح خواهد شد حضور بهمیرسانند . دستور جلسه‌ای مربوط به فرکت بود .

ن ۱۳۵



پیوست ۶- مردم بندر لنگه برای چیزهایی که ندارند دعوا می‌کنند

دکتر یزدی نماینده ویژه امام خمینی در بندر لنگه گفت:

## مردم بندر لنگه برای چیزهایی که ندارند دعوا می‌کنند

\* رهبران شیعی و سنی بندر لنگه یکدیگر را بوسیدند و عملاً آرامش را به شهر بازگرداندند

عصر پنجشنبه دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام خمینی در اجتماع مردم بندر لنگه ضمن اشاره به انقلاب عظیم اسلامی ایران گفت در جامعه‌ای که سالها و قرن‌ها سلطنت شاهنشاهی بر ما حاکم بوده در ما مردم یک روحیه‌ای بوجود آورده که حاضر نیستیم هیچکس را جز خودمان ببینیم اما متأسفانه اگر چه شاه رفته ولی آن فرهنگ خودپرستی و خود محور بینی بین مردم هست نه اینکه در یک فرد باشد. نه اینکه در یک گروه باشد مع الاسف در همه ما هست بطوریکه هر کدام از ما در روابطمان با دیگری هرمنهیی را می‌خواهد داشته باشد باید یک روابط انسانی باشد وی گفت چه زنانمان چه مردانمان چه جوانمان چه پسرانمان هر کدام از ما برای خودمان یک شاه کوچک هستیم و هر کسی که زورمان برسد می‌خواهیم به آن تحمیل کنیم، حالا با اسلحه و یا هر چیز دیگر باشد. دکتر یزدی در دنباله سخنانش اظهار داشت:

همه ما مقصر هستیم برای اینکه قدرت تحمل همدیگر را از دست داده‌ایم؛ بشما برای چه بجان هم افتاده‌اید؟ برای اینی که ندارید، برای زمینهایی که ندارید و مغرور به است برای برقی که ندارید برای مدرسه‌ای که ندارید برای بهداشتی که نیست؟ برای چی آخر یک چیزی باشد که با هم دعوا کنید دکتر یزدی افزود ببینید ۵۸

سال سلطنت رضاخان و پسرش در شهر شما چکار کرده به من اطلاع رسیده که مردم می‌گویند مرسوم است زلزله پهلوی آمده واقعا در شهر شما زلزله آمده و آثارش هست حالا باید دست بدست هم بدهید حالا وقت آن نیست که این بحثها را بکنید حالا بحث شیعه و سنی نیست خدا همه را حفظ کند و باید بهم احترام بگذارید باید سعی کنید این شهر را بسازید و برای همه قابل زیست باشد یزدی در پایان سخنان خود موافقتنامه ده ماده‌ای را که به امضای رهبران اهل تسنن و تشیع بندر لنگه و مقامات مسئول این شهر رسیده است قرائت کرد که مورد تأیید مردم بندر لنگه قرار گرفت. در این اجتماع شیخ خالدی رهبر اهل تسنن بندر لنگه و حجت الاسلام رکنی رهبر اهل تشیع این شهر یکدیگر را بوسیدند و مردم با گفتن تکبیر رهبر در حالیکه از نتیجه مذاکرات هیات ویژه خوشحال بودند در خیابانهای شهر بندر لنگه راه پیمانی کردند و بانظم و آرامش به خانه های خود بازگشتند. در حال حاضر نظم و امنیت شهر بندر لنگه بهمهده سپاه پاسداران ژاندارمری و شهر بانی است. بگزارش خبرنگار خبرگزاری پارس دکتر ابراهیم یزدی و اعضا هیات ویژه امام خمینی پس از بازگشت آرامش به شهر بندر لنگه ساعت هفده و سی دقیقه عازم شیراز شدند.

۶۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۷- سپاه پاسداران و ژاندارمری حفظ نظم بندر لنگه را بر عهده می‌گیرند

عامل اصلی حوادث بندر لنگه از طریق دریا به  
دوبی گریخت.

**دکتر یزدی: سپاه  
پاسداران و ژاندارمری  
حفظ نظم بندر لنگه را  
بر عهده می‌گیرند**

\* محاکمه ۲۵ نفر از بازداشت شدگان حوادث اخیر بندر لنگه  
از امروز آغاز میشود.  
در صفحه ۲

## دکتر یزدی: سپاه پاسداران و ژاندارمری حفظ نظم بندر لنگه را بر عهده می گیرند

بقیه از صفحه اول

بندرعباس - خبرگزاری پارس. دکتر یزدی نماینده ویژه امام که سرگرم رسیدگی به حوادث بندر لنگه است عصر دیروز اظهار داشت تمام وقت امروز (دیروز) حیات ویژه صرف نظارت بر اجرای مفاد قطعنامه شد و چون تا ساعت پانزده صبح امروز (دیروز) برخی از مواد قطعنامه که مستقیماً و بلافاصله با امنیت شهر ارتباط پیدا میکرد اجرا نشده بود برگزاری گردهمایی مردم بندر لنگه به تعویق افتاد دکتر یزدی گفت عصر امروز (دیروز) توسط مسئولان کمیته انقلاب سی و یک نفر از بازداشتی های حوادث ناگوار بندر لنگه به رئیس دادگاه شهر جهت بازپرسی مقدماتی تحویل داده شد تا بعد از بازپرسی مقدماتی پرونده تنظیمی بازداشت شدگان جهت معاکمات لازم به دادستان انقلاب ارجاع شود دکتر یزدی گفت قرار است امشب (دیشب) تعدادی از سپاه پاسداران بندرعباس وارد شهر بندر لنگه شده و با همکاری ژاندارمری امنیت شهر را برعهده گیرند واضح است که پس از استقرار این نیروها در شهر از حرکت افراد مسلح غیر مجاز جلوگیری خواهد شد پیش از ظهر دیروز تعداد پانزده وانت حامل آذوقه از قبیل گوشت - خرما - نان و برنج از سوی اهالی بخش لامرد و ترابع جهت تأمین کمبود مواد غذایی مردم شهرستان بندر لنگه وارد این شهر شد و بین اهالی تقسیم گردید از سوتی روز ۲شنبه مدارس و مغازه ها در بندرعباس، جزیره قشم - میناب - بخشهای گاریندی - بستکرو بندر باجاسک تعطیل بودند و مردم این مناطق به سوگ شهدای حوادث بندر لنگه نشستند. در پی رویداد ناگوار بندر لنگه ساعت ده و سی دقیقه بامداد روز سه شنبه دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام به اتفاق حیات اهالی و بازرگان استاندار هرمزگان در جمع مردان و زنان اهل تسنن و تشیع در مسجد شیخ بندر لنگه در این جلسه که بمدت ۲ ساعت بطول انجامید اهل تسنن خواستار و پیشنهادات خود از جمله انحلال شورای شهر و تصفیه کمیته خلق صلاح کلیه افراد غیر مسئول اعم از ستی و شیعه دستگیری عواملی که موجب آشوب و حوادث بندر لنگه شده اند همچنین برقراری نظم و آرامش و امنیت توسط افراد ژاندارمری و شهربانی همچنین افراد غیر مسئولی که وارد شهر بندر لنگه شده اند بجای خود بازگردند، را اعلام کردند. پس از این جلسه دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام استاندار استان هرمزگان، رهبران اهل تسنن بندر لنگه و بندرعباس و حیات رسیدگی از مسجد مصلح محل حادثه ناگوار بندر لنگه دین کردند و از نزدیک محل حادثه را مورد بررسی قرار دادند عصر روز سه شنبه دکتر ابراهیم یزدی به مذاکرات خود با رهبران اهل تسنن بندر لنگه و بندرعباس و نمایندگان مردم بندر لنگه ادامه داد تا به راه حل ممکن در جهت رفع اختلافات مردم برسد. از ساعت پانزده روز سه شنبه دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام به اتفاق استاندار هرمزگان و حیات بررسی حوادث بندر لنگه در ستاد جنگ ژاندارمری این بندر با حجت السلام رکنی رهبر شیعه بندر لنگه و شیخ خاندی و محمد ضیائی رهبران برادران اهل تسنن در بندر لنگه و بندرعباس و نمایندگان گروههای مذهبی به مذاکره پرداختند این مذاکرات تا ساعت ۱۹ ادامه داشت. همچنین به گزارش خبرنگار بامداد در بندرعباس، آیت الله رکنی نماینده امام در بندر لنگه اعلام کرد، محاکمه ۲۵ نفر از دستگیر شدگان از امروز آغاز خواهد شد وی اضافه کرد عامل اصلی حوادث بندر لنگه از طریق هوا به دوسی گریخته است. آیت الله رکنی از وزارت کشور خواستار است تا برای حفظ نظم کاربرد نیروهای نظامی در بندر لنگه بیشتر شود.

پیوست ۸- گزارش دکتر یزدی پس از مأموریت بندر لنگه، در یک مصاحبه مطبوعاتی

ها.

## یزدی به تبریز می‌رود

کنک یکدیگر مانع از نامرسته هرگونه دشمنی و خونریزی احتمالی دیگر بشوند.

یزدی افزود: قطعه‌ها ده ماده‌ای در همین گردهم‌آسی به‌منصوب صومئ رسید و باین ترتیب با وجود آوردن تمام بین دو گروه، موفق به برقراری آرامش در شهر شدیم.

یزدی در مورد چگونگی جلوگیری از تکرار این نوع حوادث در دیگر نقاط کشور گفت: بنظر من مشکلاتی که در بعضی از نقاط کشور وجود دارد، دارای ریشه‌های مشترکی است که البته با محل قوری و سریع برای رفع آن نمی‌توان ارائه داد، ولی آنچه مهم است این است که باید نگذاریم این مشکلات بصورت بحرانی در سلطت بروز کند، وی روی نقش هیات ویژه در رفع تنشج و جلوگیری از بحران در بندر لنگه تاکید کرد و یادآور شد که برای حل مشکلات دیگر مناطق نیز باید از همین شیوه پیروی کرد و مانع بروز حوادث شد. یزدی خاطرنشان کرد باید با راهنمایی و هدایت خود مردم، مشکلات آنان را برطرف کرد تا اصیانا از بروز چنین وقایعی جلوگیری شود.

دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام، برای حل مسائل شهرستانها اعلام کرد: عده‌ای از آذربایجانی‌های مقیم تهران از من درخواست کردند برای حل مسائل تبریز به آن شهرستان بروم. دکتر یزدی همچنین تاکید کرد: من در پی این درخواست عده‌ای از هو وطنشان آذربایجانی مقیم تهران که نسبت به حوادث احتمالی تبریز نگران بودند، در دفتر من اجتماع کرده و درخواست خود را مطرح کردند.

دکتر یزدی درباره نتایج دیدارش از بندر لنگه و چگونگی جلوگیری از اینگونه حوادث در دیگر نقاط کشور اظهار داشت:

پس از آنکه هیات ویژه مأمور بررسی حادثه بندر لنگه شد و باین شهر رفت، برای حفظ بیطرفی در محل یکسایر شهرستان اقامت کرد و باطنیقات مختلفه مردم و متهمین و مسئولان شهر همکاری ننشست. جلسهای نیز مرکب از رهبران مذهبی شیعیان و سنی‌ها و اعضای شورای شهر کمجودیا انتخاب شده بودند و همچنین کاندیداهای اهل تسنن بسراری شورای شهر با حضور مسئولاندار - فرماندار - شهردار - رئیس - شهروانی - فرمانده هنگسایر ژاندرمیری و رئیس دانشگاه شهر تشکیل شد، و طی حوازمه ساعت مذاکره بالاخره طرفین با یک قطعه نامه ماده‌ای توافق کردند، صورت مجلس تنظیم شد و با امضای شرکت کنندگان در جلسه رسید. این قطعه نامه همراه با گزارش مشروح فعالیت‌های هیات ویژه با اطلاع مردم شهر که در ورزشگاه شهر اجتماع کرده بودند رسید و از آنان درخواست شد یا یکدیگر دست بوسقی و براندازی بدهند و یا

**بر نامه اشپ**  
**سینه‌های کوچک**  
**گلدیس**  
رودنیور - روداستایگر -  
تری تو ماس - روسانا اسکیا نینو  
در فیلم کمی رنگی  
**این دیگه چه جور**  
**جنگیه**

کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۶۱

پیوست ۹- گزارش روزنامه بامداد از برقراری آرامش و نظم در بندر لنگه

دیروز یکتفر در بندر لنگه  
کشته شد.

**دکتر یزدی  
به همراه  
هیئت ویژه  
وارد بندر  
لنگه شد**

بندر لنگه - ناصر احمدی - خبرنگار  
اعزامی بامداد - دیروز دکتر ابراهیم  
یزدی نماینده امام خمینی به همراه اعضاء  
هیئت ویژه و استاندار استان هرمزگان  
برای بررسی وقایع اخیر بندر لنگه وارد  
این شهر شد. وی ابتدا با اعضای  
شورای شهر و بعد از ظهر دیروز نیز با  
آیت الله رکنی نماینده امام خمینی در  
بندر لنگه و سپس با جامعه روحانیت  
اهل تشیع و بعد از آن با دو نفر از  
بزرگان برادران اهل تسنن به گفتگو  
پرداخت. بر اساس گزارش های رسیده  
در کلیه شهرهای استان سه روز عزای  
عمومی اعلام شده و اداره کل آموزش  
و پرورش استان کلیه واحدهای  
آموزشی را تا پایان هفته تعطیل کرد.

بقیه در صفحه آخر

## دکتر یزدی...

بقیه از صفحه اول

دیروز در شهرهای میناب - خمیر - پل - بستک - جاسک - قشم گروههای مختلف مردم دست به راهپیمائی زده و ضمن پشتیبانی از تفاهم و دوستی برادران اهل تسنن با برادران اهل تشیع خواستار مجازات عاملین حادثه خونین بندر لنگه شدند. مردم جاسک طی یک قطعنامه چهار ماده‌ای که در پایان راهپیمائی خود قرائت کردند حادثه بندر لنگه را محکوم ساخته و از دکتر یزدی نماینده امام خواستند که به این نفاق افکنی‌ها پایان دهد و اجازه داده نشود تا ضد انقلاب بیش از این شایعه پراکنی کند. در این قطعنامه همچنین از مسئولین اداره بندر این شهر خواسته شده تا دست از شایعه پراکنی برداشته و به کم کاری پایان دهند.

همچنین مردم قشم ضمن یک گردهمایی در فرمانداری این بندر با ارسال تلگرافی به دفتر امام خمینی خواستار دستگیری و مجازات مسببین حادثه بندر لنگه شدند. خبرنگار بامداد در گزارش خود می‌افزاید بدنبال تلاش آیت الله رکنی نماینده امام در بندر لنگه برای ایجاد آرامش کامل و رفع هرگونه سوء تفاهم نامبرده گروه‌های مختلف را برای بررسی اوضاع به منزل خود

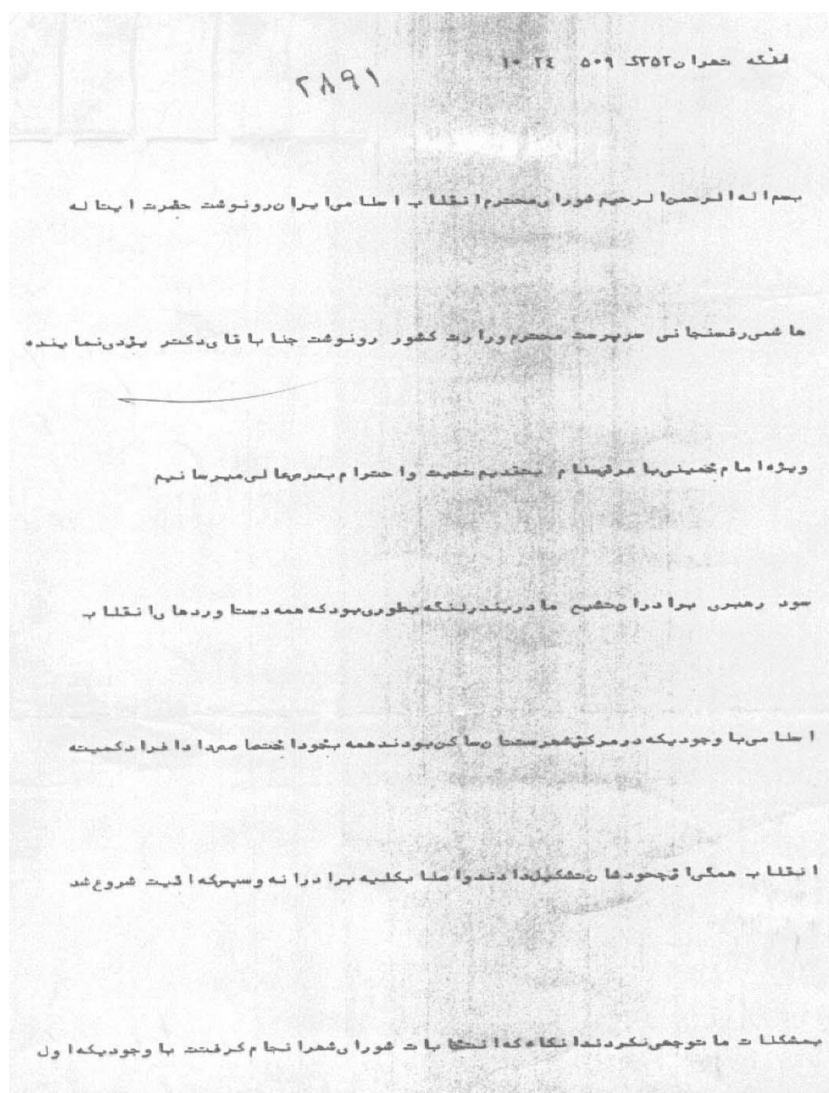
دعوت نمود. در گردهمایی منزل آیت الله رکنی عده‌ای از برادران اهل تشیع اظهار داشتند ما با برادران اهل تسنن هیچگونه اختلافی نداریم و سالیانست که با خوبی و خوشی با هم زندگی میکنیم ما حتی با هم فامیل و هم خون هستیم. آنچه مسلم است این حادثه توطئه ضد انقلاب است که توسط عوامل خود قصد دارند با نفاق افکنی بین برادران سنی و شیعه به نفع آمریکا بهره برداری کنند. بدینجهت ما مصراً خواستار مجازات عاملین این حادثه هستیم.

بقرار اطلاع برابر گزارش مدیر کل بهداری و بهزیستی بندر لنگه، دیروز در اثر تک تیراندازی یک نفر دیگر در این بندر کشته شد.

دیشب خبرنگار بامداد از شیراز اطلاع داد: روز گذشته ۶ نفر از مجروحین بندر لنگه که در درگیریهای اخیر مجروح شده بودند توسط یک فروند هواپیما وارد شیراز شدند و بلافاصله بستری شدند. دکتر مقیمی مدیر عامل بهداری و بهزیستی استان فارس در تماس تلفنی بامداد گفت: بیمارستانهای این شهر آمادگی پذیرش صد نفر از زخمیهای بندر لنگه را داشت ولی بیش از ۶ نفر زخمی باین شهر فرستاده نشد. وی بدنبال سخنانش اضافه کرد: مجروحین تحت عمل جراحی قرار گرفتند و حال همگی خوبست.

کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۶۳

پیوست ۱۰- نامه‌های گروه‌های مختلف اهل سنت بندر لنگه به امام خمینی و مسئولان کشور برای رسیدگی به واقعه ۱۵ دی در این شهر



## ۶۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

دشمن ما بیفتنا دا شطرا د دا دیم هم خوچی نگرند با شقلب آرا ۴۰۰ را ورددند او ر

آرا ۲۰۰۰ ما با عدا واد کدشند و در بروربا دشمن نا کوا ر شنبه ۱۵ دیم که بغیرما نا ما م

راه بیما شدا شقیم با فرستا دن عده ۱ چما قیدست درخا لفظ شیه سنیها با شفا چند نفر

مسلح آرا د کمبته و چندین نفر مسلح نا مردن که او ر فرستا نا رستا نا ورددند بودند

ا نا برا شقت تحریک کرده بودند بیگوزد بیچودا ورددند و وقتی که دو گروه درهم فرورفته بو

بودند آرا د کمبته و نا مردیها بر مسلح مشغول به شورا ندا ئی وگشتا رشند و کار که

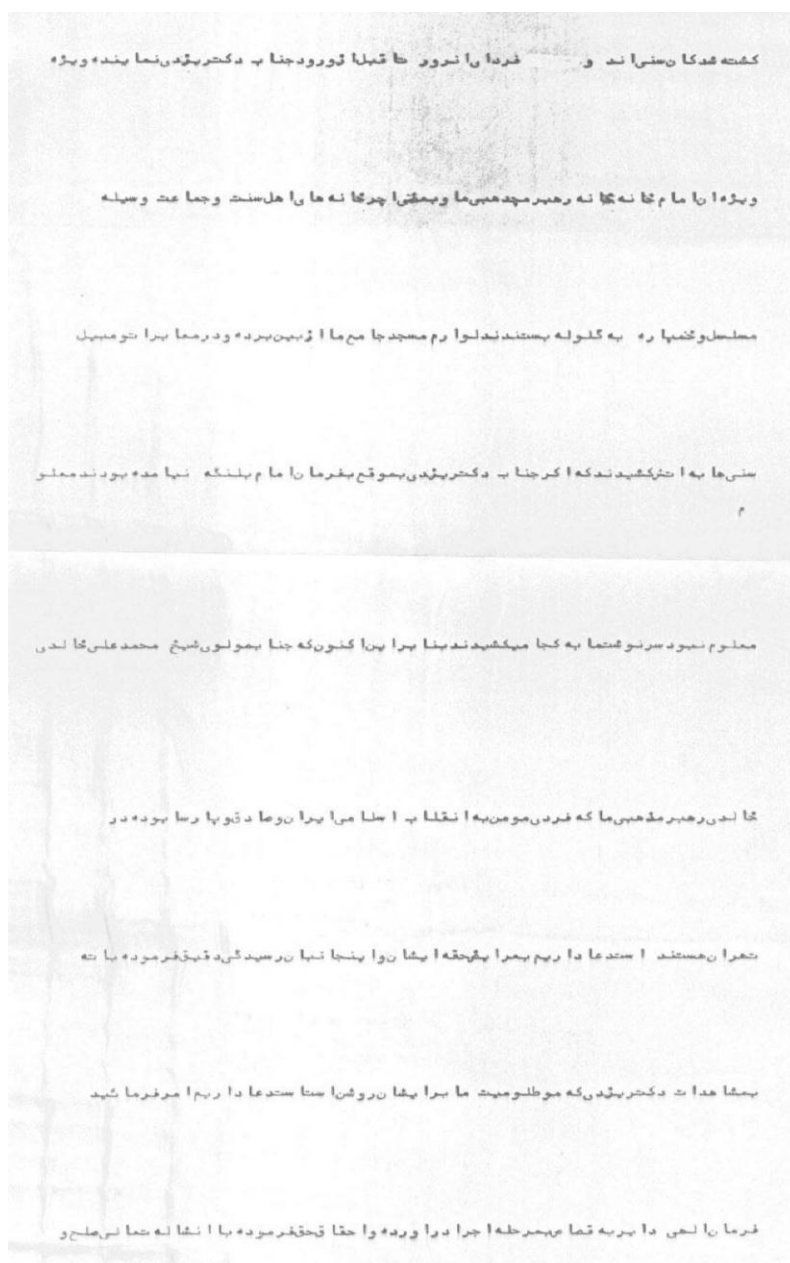
نبا بدیکندنا نجام دا دندوا کردوا عتقا نیمد دستور قطع ضیرا ندا رینظره

مسجدجا معنیها که پرا راه بیما با نبودنمیدا ند معلوم نبود ا حدنا ژما جا نیدر برده پس

سپهریا دبرا ورددند که همه مقتولین شیه هستند درخا لیکه ا کنون فا شیده که جا لب



## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۶۵



۶۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

دوستی برترا رکردیا عمریلا م وصحیت مجددیما عت ا هلست بندرلنگه عبدا له

محمودیا نا برا هم پژوا نسید حسن حیدریا برا هم رحیمی نژا دمحمد نوردمما دوست محمد رتی

محمد شیرکینا ن عبدا له بحرنا برا هم برر کر محمد شایا دیهر علی دریا وری

ابرا هم ا دین محمد زحمت ژا دجور محمد نور یوسف نور محمد شایا محمما ربا شی عبدا لکریم

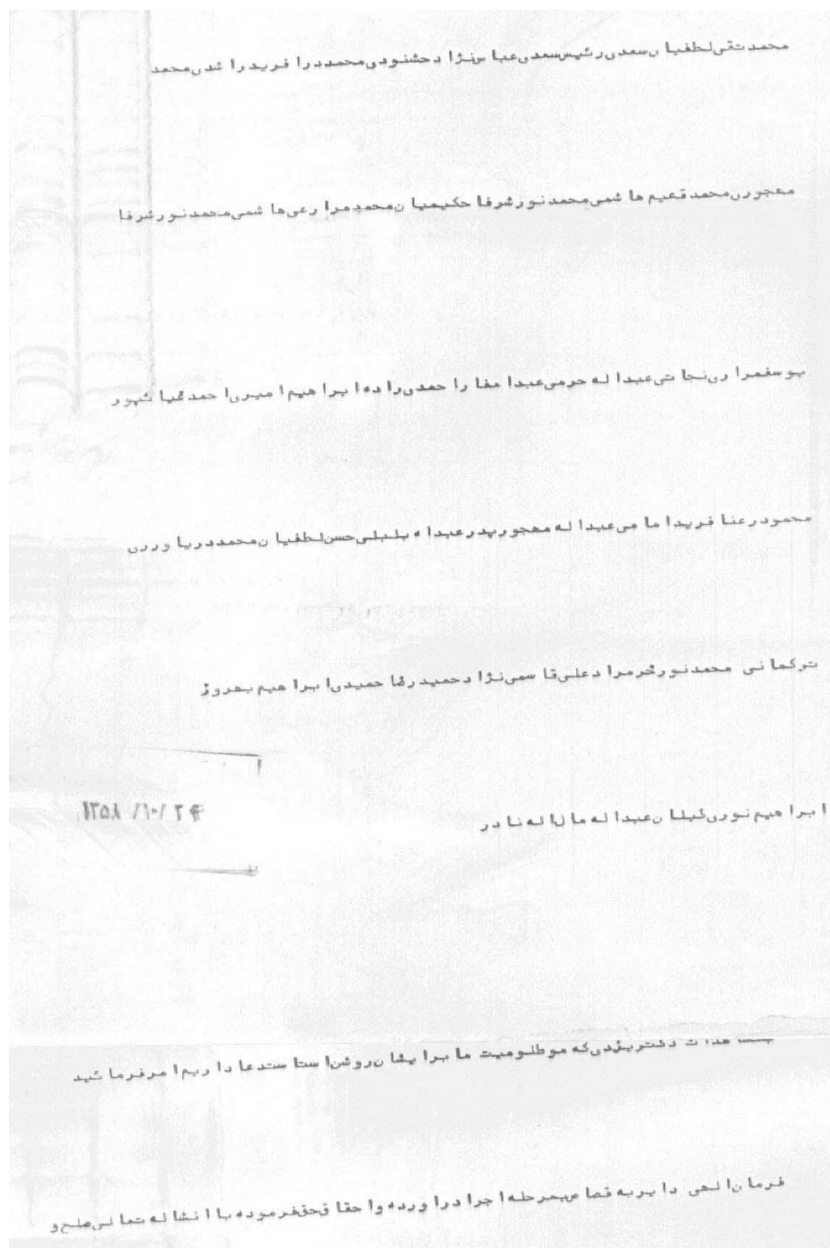
عسکر عبدا له جید گنجی محمد مقیمی محمد شایا حتما نسا رعبدا لرحمن محمما ربا شی عبدا له

عسکر عبدا لکریم مقیمی محمد شایا می محمد محمما ربا شی احمد شایا دیهر عبدا له جید گنوا چه نژا د

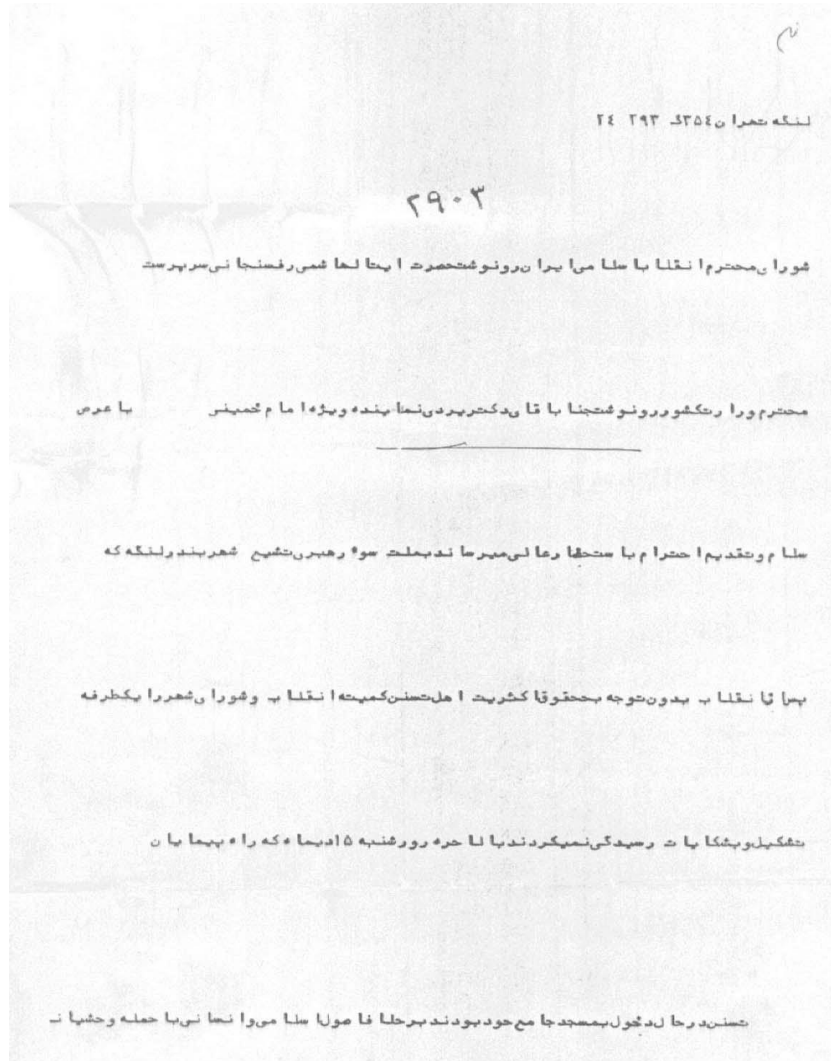
علی اکبرما دقیا ن حسینا دین محمد رشید ژا ده محمد شایا دقیا ن عیسا بیخنی گنوا معیا س

محمما ر دوست سید محمد شایا شی بلوکی محمد مطهر علی نکللی می محمد شایا د

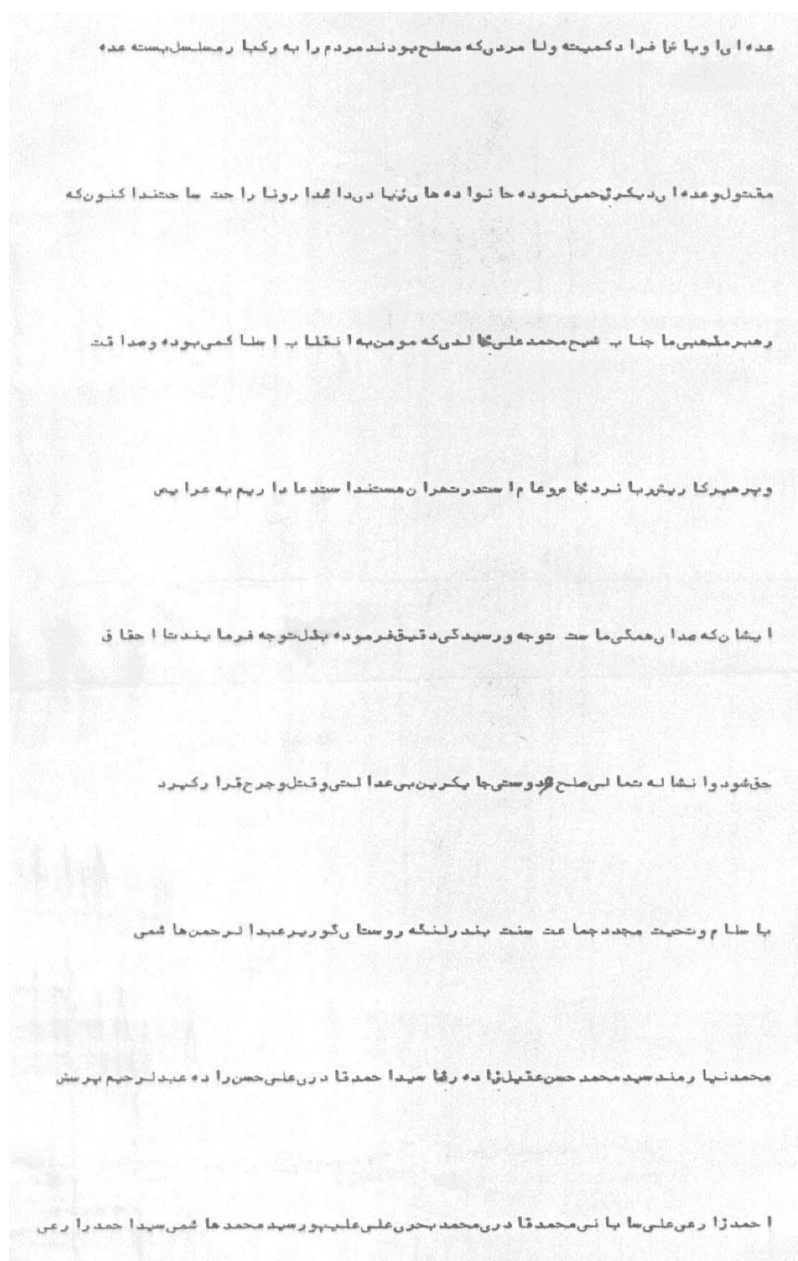
کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۶۷



۶۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری



## کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۶۹



۶۷۰ □ شخصت سال صبوری و شکوری

ما لحد ستا نشا نا حمد گنیزین سید خلیل‌ها شمی حمد با ربا نی عبد ا لرحیم عقیلی را ده

ا حمد شپختن حسین گریزین حسن‌ها شمی محمد‌ها شمی ما لحن سید محمد را رعنا حمد ژا رعنا سید

ما شم‌ها شمی علی‌ژا رعنا محمد ما لحن حسین گریزین یوسف حمد عبد ا له فرید نا برا هم نیا رمنند

عبه را رعنا سید محمد ژا رعنا حسین را ده ا حمد محمدی حسن‌ها علی حمد را رعنا عبد ا لرحیم‌ها شمی

ما شم‌ها شمی یوسف حسن را ده یوسف ژا رعنا حسین‌ها شمی حسین موسی حسن را رعنا شد حسینی

سید عبد رحیم موسی سید علی موسی مصطفی موسی خلیل‌ها شمی عبد را لرحیم‌ها شمی

عبد ا لرحیم‌ها شمی حسن سعید ا حمدی

۱۳۵۸ / ۱۰ / ۲ \*

کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۷۱

لنگه تنعرا ۱۰ ۲۴ ۲۱۶۳۳۵۳ ۴۹۰۰

شورا ی انتقال به ا سلا می ابرا نرونوشت حجتا لاسلا م ما شمی رفسنجا نیسیرست

محترم ورا رت کشورونوفسجنا ب اقا دگتیریدنما بنده ویژه ا م م

بسم الله الرحمن الرحیم حقاو محترم ا ما م خصمنی رهبریا نقلبا ب ا سلا می ابرا نتم ا حقا ما

ا کنونبرا شر سوا رهبری توضیح شهر بندر لنگه که با وجودی که فقط در مرکز شهرستان

ما کن بودند بدون توجه کمیته انتقال به وا مفا شورا شهررا همگی بکطرفه تشکیل

دا بندوبشکا بعد هم رسیدگی نمیکردند با لاسلا حره را بهیما شی ابرا درا نما در شنبه ۱۵ دی

ما بهشورا گفته کردند وکا را لاسلا م شد که نمیباید عملی گردید ا کنون که مولا نا

شیخ محمد علی با لاسلا که فردی مومنی به انتقال ب ا سلا می ابرا نو ما دقویا رسا و

پرهیزکا ربوده و رهبریا هل سنت چا عد جنوب کشور در بصره نهستند استعدا دا ریم

۶۷۲ □ شخصت سال صبوری و شکوری

به عرا بقضتہ ایضا نہ کہ مدد ہمگی ما است حوجہ و رسیدگی دقت فرموده بقل حوجہ فرما شد

با سلام

تا ا حقا نذہود تا ایضا نہ سما لیس ملج و دوستی جا بکریں بی مدد ایضی وقتل و جرح ترا رکنی دینتو کج  
اصولینا م و شخصیت مجدد جماعت سنت بندر لنگه روستا مهرکا نوجبا ورد علی بلوکی

جا جن عیدا له نرید علی حسنا مید جا جن عیدا له بنرا د حسن محمد علی کج محمد منصور

علی مریدین جا جن حسن مهرکا نی عیدا دله مموین فلان م را ه بیما عیدا لر حسن مهرکا نی عیدا ل

ما یحی جا جن عیده ایرا همی محمد علی محمد محمد د ریا شی محمد را رعی عیدا لر حمان

با را نی عیدا رکشا رعی ایرا همی با را نی عید حمان میدن محمد د فلان نیا ورد علی ایرا همی

محمد فیروز سید عقیل در یومی حمد حسن حسین پشتدا رعیدا له محمد حسن

رنجبر عیدا له مکتبیم محمد د لیا بر حسن وها ایرا ده عیدا له محمود محمد فلان ایرا ده محمد

چنگیز محمد علی احمد محمد د روی محمد د لیا رکشا را حمد ایلا فلان حسن کریم محمد

بند و حسن نعمتی

۱۳۵۸ / ۱ / ۲۴



## نظرخواهی در باره حوادث گنبد

\* دکتر یزدی: من مخالف  
این کشتارها هستم.

\* نماینده حزب جمهوری  
اسلامی: قبل از روشن شدن  
مسئله از اظهار نظر قطعی  
خودداری می کنیم.

\* فروتن از سپاه پاسداران:  
سپاه پاسداران این حمله را  
محکوم می کند.

\* آیت الله خلخالی: دست  
خونبار آمریکا در حوادث  
گنبد حضور داشته است و  
کشته شدن ۴ ترکمن بدست

چپی های افراطی بوده است.  
\* دکتر سنجابی: قتل این  
چهار نفر ترور است و ترور  
بدست هر کس باشد باید او را  
مجازات کرد.

تهران - خبرگزاری پارس -  
حجت الاسلام صادق خلخالی دیروز در  
گفتگویی با خبرگزاری پارس انگیزه  
اساسی وقایع گنبد را حضور دست  
خونبار و پر جنایت ایالات متحده  
امریکا در منطقه عنوان کرد.

خلخالی که بخصوص درباره کشته  
شدن رهبران انجمن فرهنگی و سیاسی  
خلق ترکمن سخن میگفت افزود:  
با احتمال قوی کشته شدن این گروه  
بدست چپی های افراطی صورت گرفته  
است.  
بقیه در صفحه ۲

## نظر خواهی درباره حوادث

### بقیه از صفحه اول

خلخالی افزود: جی‌ها با هم اختلاف نظر دارند و انطور که شنیده‌ام بروی یکدیگر اسلحه نیز کشیده‌اند و شاید کشته هم داده باشند. وی افزود: پس از سخنرانی اشرف دقتانی در کردستان که گفت: اکنون وقت مبارزه مسلحانه با اسلام است دموکراتها او را فراری دادن و او به بهر شهر و گرگان رفت و در آنجا نیز این موضوع را مطرح کرد و گروهی که کشته شدند مخالف خط مشی افراطی اشرف دقتانی بودند.

خلخالی سپس افزود: درمحل که بودم با افراد وابسته به جی‌ها و نماینده آنها که از تهران آمده بود (علی فرخنده جهومی) مطالبی درمیان گذاشته و مدت ۲ ساعت با او گفتگو کردم و گفتم مطالبی که علیه دولت و من از سوی جریکهای فدائی خلق نوشته میشود بی پایه و بی مایه است و ما این گونه نوشته‌ها را محکوم میکنیم.

خلخالی سپس به اقداماتی که در گنبد انجام داد اشاره کرد و گفت: در آنجا ما زمینهای فتودالها را مصادره کردیم و کارهای دیگری در جهت رفاه مردم انجام دادیم ولی هیچکس را محاکمه و حتی بازجویی نکردم و اینکه چرا این نوشته‌اند که من و استاندار گفتمه‌ایم که اینها را به تهران ببرند بار دیگر تکذیب میکنم.

شیخ صادق خلخالی در ادامه سخنان خود گفت: ما در گنبد کارهای انجام شده را بررسی کردیم و دیدیم که این گروه کارهایی نیز انجام داده‌اند از جمله مصادره زمینهای فتودالها و البته خلاقانه‌هایی نیز در کارشان بود ولی کاری نکرده بودند که محکوم به اعدام باشند.

### دبیلمه وظیفه با گلوله یک گروهیان در شهر ری کشته شد

شهر ری - خبرنگار بامداد - در ساعات اولیه بامداد پریشب گلوله‌ای از اسلحه یوزی گروهیان دوم سعادت منتظری در گروهان ژاندارمری شهر ری شلیک شد و به قلب علیرضا مهران دبیلمه وظیفه اصابت کرد. مجروح

\* دکتر کریم سنجایی دبیر کل جبهه ملی ایران نیز در این مورد گفت: جبهه ملی همیشه هر گونه تروری را محکوم میکند. سنجایی افزود: اگر این عده گناهکار هم بوده باشند می‌بایستی از طریق قانونی محاکمه و مجازات میشدند در صورتی که هنوز هم روشن نیست که این عده گناهکار هستند یا نه. وی گفت: من هنوز نماندم این عمل به دست چه کسی و چگونه صورت گرفته است و این وظیفه دولت و دستگاه است که به این امور رسیدگی کند و مردم را از چگونگی وقوع آن مطلع سازد. ترور بدست هر کسی صورت گرفته باشد باید مسبب آنرا مجازات کرد.

دکتر سنجایی در پایان گفت: بنظر ما این عمل منافی امنیت و وحدت کشور است و بسا که این عمل بوسیله افرادی خرابکار صورت گرفته باشد.

\* دکتر یزدی نماینده ویژه امام برای بررسی مسائل و مشکلات مردم در استانهای کشور در این باره اظهار داشت: من مخالف اینگونه کشتارها هستم و معتقدم این نوع کشتارها مسائل سیاسی را حل نمیکند. این شیوه عمل که هیچکس مسئولیت رویدادی را بعهده نگیرد در شان جمهوری اسلامی نیست. بنظر من دولت درقبال این مساله مانند همه رویدادهای کشور مسئول است و مسئولان مربوط نمیتوانند از آن شانه خالی کنند.

\* فیاض بخش از سوی حزب جمهوری اسلامی ایران در این باره گفت: ما طی گفتگوهای با برادران خود در این باره به این نتیجه رسیده‌ایم که تا پیش از روشن شدن مساله و تحقیقات مقامات مسئول از اظهار نظر قطعی خودداری کنیم. ما قصد نداریم مانند سایر گروهها کسی را محکوم یا تائید کنیم.

\* فروتن از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران پس از ذکر خلاصه‌ای از ما وقع جریان اعلام کرد که سپاه پاسداران این حمله را محکوم میکند. وی افزود: ما زندانی‌هایی را مانند مسدین فی الارض که اطمینان قطعی داشتیم اعدام میشوند در اختیار دادگاهها گذاشتیم.

کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۷۵

پیوست ۱۲- درخواست اتاق بازرگانی بوشهر از دکتر یزدی دربارهٔ بارگیری کشتی‌های بازرگانی در بندر بوشهر

از دکتر یزدی خواسته شد، کشتی‌های حامل کالا به بندر بوشهر هدایت شوند.

## عدم ورود کشتی‌های اقیانوس پیما و تخلیه کالاهای بازرگانی، بیکاری و رکود رادر بوشهر توسعه داده است

بوشهر - خبرگزاری پارس - اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بوشهر در نامه‌ای به دکتر ابراهیم یزدی نماینده رهبر انقلاب اسلامی ایران در امور استانها ضمن اشاره به بیکاری و رکود فعالیت بندری خواستار هدایت کشتی‌های بازرگانی برای تخلیه کالا در بندر بوشهر شد. مسئولین اتاق بازرگانی در این نامه عنوان کرده‌اند ورود کشتی‌های اقیانوس پیما و تخلیه کالاهای بازرگانی در این بندر موجب گردش کار و زندگی مردم و ایجاد فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی میشود. امامدتی است که کشتی‌ها به این بندر وارد نمی‌شوند، بیکاری و رکود بر بندر بوشهر سایه افکنده درحالی که گفته میشود

در بنادر استان خوزستان و بندر عباس کالاهای بازرگانی بخش‌های دولتی و خصوصی بیش از گنجایش و ظرفیت آن بنا در است در قسمت دیگری از این نامه با عنوان این مطلب که فعالیتهای اقتصادی بندر بوشهر بعلت شرایط نامتناسب جوی و اقلیمی عدم بناها، و آثار باستانی، تاریخی و مذهبی برای جلب مسافر و توریست و محرومیت از امکانات صنعتی و هنری منحصر به ورود کشتی‌ها و دیگر فعالیتهای بندری است از دکتر یزدی درخواست شده از طرق قانونی تعدادی از کشتی‌های حامل کالا را به طرف این بندر سوق داده تا از این رهگذر مردم بتوانند بکار و زندگی خود ادامه دهند.

پیوست ۱۳- یزدی از فرمانداران و بخشداران خواست به سر کار خود برگردند

استاندار بوشهر در جلسه‌ای با فرمانداران و بخشداران مسئله بند دیلم را مورد بررسی قرار می‌دهد

## دکتر یزدی از فرمانداران و بخشداران مستعفی استان بوشهر تقاضا کرد سرکار خود باز گردند

تهران - خبرگزاری پارس از سوی دفتر دکتر ابراهیم یزدی نماینده ویژه امام برای رسیدگی به مسائل شهرستان ها در رابطه با مسائل استان بوشهر اطلاعیه‌ای انتشار یافت در این اطلاعیه آمده است. بدنبال تشدید مشکلات مردم استان بوشهر و استعفای بعضی از بخشداران - فرمانداران - در رابطه با مسئله بند دیلم بوشهر طی تماس های مکرر از دکتر یزدی نماینده ویژه امام خواستند تا برای رسیدگی و حل مسائل مربوطه به بوشهر سفر کند

بدنبال پیشنهاد سپاه پاسداران تبریز مبنی بر انجام یک مناظره پیرامون حوادث پنجشنبه گذشته این شهر چریکهای فدائیس خلق شاخه آذربایجان خواستار بخش مستقیم مناظره خود با سپاه پاسداران تبریز شدند

تبریز - خبرنگار پاسداد - روز یکشنبه هفته جاری سپاه پاسداران تبریز طی اطلاعیه‌ای با اشاره به حوادث روز پنجشنبه گذشته از تمامی گروه های سیاسی بخصوص از سازمان

تماس جلسه مناظره با بسی از طریق رادیو و تلویزیون بطور بخش مستقیم فراموش قضاوت خلق فرمان تبریز زار بگیرد

بعد از مذاکرات با استاندار بوشهر و فرماندار و بخشدار دیلم به پیشنهاد دکتر یزدی قرار شد استاندار بوشهر جلسه‌ای با شرکت فرمانداران و بخشداران روسای ادارات استان بوشهر تشکیل دهد و ضمن تشریح استراژی ضد فئودالی دولت جمهوری اسلامی ایران با قاطعیت در جهت تامین خواسته‌های بحق مردم بوشهر اتخاذ تصمیم نموده نتایج تصمیمات این جلسه را به این دفتر اطلاع دهند چنانچه تصمیمات این جلسه راه گشای مشکلات استان نشود و در اجرای تصمیمات آن مواضع پدید آید دکتر یزدی فر اولین فرصت حازم بوشهر خواهد شد تا مسائل مربوطه را حل و فصل نماید دکتر یزدی از کلیه فرمانداران و بخشداران مستعفی تقاضا کرد در این لحظات حساس مردم را تنها نگذارند و سر کار خود باز گردند

یزدی از فرمانداران و  
بخشداران بوشهر خواست  
به سرکار آخوند بزرگ گردند  
این اطلاعیه دیروز از دفتر  
دکتر ابراهیم یزدی نماینده  
ویژه امام برای رسیدگی به  
مسائل شهرستانها، در رابطه  
با مسائل استان بوشهر، انتشار  
یافت.

بدینال تشدید مشکلات مردم  
استان بوشهر و استعفای جمعی از  
بخشداران و فرمانداران در  
رابطه با مسئله دیلم، مردم  
بوشهر طی تماسهای مکرر از  
دکتر یزدی نماینده ویژه امام  
خواستند تا برای رسیدگی و حل  
مسائل مربوطه به بوشهر سفر  
کند.

بدین مذاکرات مفصل با  
استاندار بوشهر و فرماندار و  
بخشدار دیلم به پیشنهاد دکتر  
یزدی قرار شد استاندار بوشهر  
جلسه‌ای با شرکت فرمانداران،  
بخشداران و روسای ادارات  
استان بوشهر تشکیل دهد و ضمن  
تشریح استراتژی ضد فئودالی  
دولت جمهوری اسلامی ایران،  
با قاطعیت در جهت تاسمین  
خواستهای بحق مردم بوشهر  
اتخاذ تصمیم نموده و نتایج  
تصمیمات این جلسه را به این  
دفتر اطلاع دهند. چنانچه  
تصمیمات این جلسه را گشای  
مشکلات استان نشود و در اجرای  
تصمیمات آن موانعی پدید آید  
دکتر یزدی در اولین فرصت  
عازم بوشهر خواهد شد، تا  
مسائل مربوطه را حل و فصل نماید  
ضمناً دکتر یزدی از کلیه  
فرمانداران و بخشداران مستعفی  
تقاضا کرد در این لحظات حساس  
مردم را تنها نگذارند و برکار  
خود باز گردند.

کلیه  
۱۳۵۸/۱۲/۱۴  
هیئت سه جانبه

پیوست ۱۴- مأموریت در تبریز

ها

### یزدی به تبریز می‌رود

کک یکدیگر مانع از اعلام هرگونه دشمنی و خونریزی احتمالی دیگر بشوند.

یزدی افزود: قطعه‌ها به ماده‌ای در همین گردهمایی به‌صورت موقتی رسید و پان تریب با وجود آوردن تمام بین دو گروه، موفق به برقراری آرامش در شهر شدیم.

یزدی دو مورد چگونگی جلوگیری از تکرار این نوع حوادث در دیگر نقاط کشور گفت: بنظر من مشکلاتی که در بعضی از نقاط کشور وجود دارد، دارای ریشه‌های مشترکی است که البته راجعاً فوری و سریع برای رفع آن‌هاست ارائه داد، ولی آنچه مهم است این است که باید تکلیف این مشکلات بصورت بحران در سلطت بروز کند، وی روی نقش هیات ویژه در رفع تنش و جلوگیری از بحران در بندر لنگه تأکید کرد و یادآور شد که برای حل مشکلات دیگر مناطق نیز باید از همین شیوه پیروی کرد و مانع بروز حوادث شد. یزدی خاطرنشان کرد باید با راهنمایی و هدایت خود مردم، مشکلات آنان را برطرف کرد تا اصیلاً از بروز چنین وقایعی جلوگیری شود.

دکتر ابراهیم یزدی، نماینده ویژه امام، برای حل مسائل شهرستانها اعلام کرد: عده‌ای از آذربایجانی‌های مقیم تهران از مسن خواسته‌اند برای حل مسائل تبریز به آن شهرستان بروم. دکتر یزدی همچنین تأکید کرد: من در پی این درخواست عده‌ای از هموطنان آذربایجانی مقیم تهران که نسبت به حوادث احتمالی تبریز نگران بودند، در دفتر من اجتماع کرده و درخواست خود را مطرح کردند.

دکتر یزدی درباره نتایج دیدارهای از بندر لنگه و چگونگی جلوگیری از اینگونه حوادث در دیگر نقاط کشور اظهار داشت:

پس از آنکه هیات ویژه مأمور بررسی حادثه بندر لنگه شد و باین شهر رفت. برای حفظ بیطرفی در محل یک دبیرستان اقامت کرد و باطنیات مختلف مردم و متهمین و مسئولان شهر گفتگو نشست. جلسه‌ای نیز مرکب از رهبران مذهبی شیعیان و سنی‌ها و اعضاء شورای شهر کم‌دیو انتخاب شده بودند و همچنین کاندیداهای اهل تسنن بسرای شورای شهر با حضور استاندار - فرماندار - شهردار - رئیس - شهروانی - فرمانده هنگ - ژاندارمری و رئیس دانشگاه شهر تشکیل شد، و طی دو جلسه مذاکره بالاخره طرفین با یک قطعنامه ماده‌ای توافق کردند. صورت مجلس تنظیم شد و با امضای شرکت کنندگان در جلسه رسید. این قطعنامه همراه با گزارش مشروح فعالیت‌های هیات ویژه با اطلاع مردم شهر که در ورزشگاه شهر اجتماع کرده بودند رسید و از آنان درخواست شد با یکدیگر دست دوستی و برادری بدهند و با

**برنامه امشب**  
**سینمای کوچک**  
**گلدیس**  
رودپلور - رود استایگر -  
تریخو مانس - روسانا اسکیاغینو  
در فیلم کنی ونگی  
**این دیگه چه جور**  
**جنگیه**

کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۷۹

پیوست ۱۵- تصاویر دیدارها در تبریز



۶۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری





کارنامه هیئت حل اختلاف منصوب امام خمینی در ... □ ۶۸۱

پیوست ۱۶- دست خط نامه مهندس بازرگان به آیت الله شبیر خاقانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دولت بوقت انقلاب اسلامی  
 محنت وزیر  
 حضرت آیت الله العظمی آملی  
 حضرت آیت الله العظمی شبیر خاقانی  
 تاریخ: ۵۸/۲/۱۶

میدانته گذشت که همین از برادران عربی و فرزندان با همزه آنگناب تهران  
 آمده لایحه‌های ریغ دار دستخط ترنیت مورخ ۲۴ ۱۸ (۵۸/۲/۴) ره آوردند و در پیج باب  
 کلام شد و حسب همان بنه گوید .  
 از رعایت و دعا از غیر آیت الله سید سید گلزارم . امید دارم خداوند رحمت و کرمات  
 را در شریطان و در شریکان محفوظ داشته . این امر است نیز توفیق قدرت در راه  
 اسلام و مبین عطا فراید .

آقایان صحبت یاد دظورت کتی پیش از آن نامه داشته که استماع و توجیه شد . فدح از نامه  
 و عدد و قبولی تر نمود . بی نظار که مروج زوده این برادران عربی و فرزندان آنگناب  
 نه تنها این تجزیه طلبی را لغو کنند و تفرقه نه داشته بلکه لادرا این طایفه است و در این انقلاب اسلامی  
 بصیرت آیت الله العظمی همین میباشد .

به آقایان یاد آور شد که در دوره استبداد پهلوی چگونه استیج دینیه آن جنابان نه تنها مردم  
 فرزندان هر طایفه را که اهل و معروض هست بود و زمانه است اسلامی لغو دارا از قیام و معاصر  
 است و کثرت عملی در آن در می جا . بر طایفه خداوند توفیق د مردم فرصت دیند و کثرت  
 حاصل دو عمل را بنامند .

بهر است همیشه آ و شتبار آیت الله در آن طایفه است که امر تهمینه پیشوایان  
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیشوایان بر بلند فرستاد می باشد . داده خواهد شد و آقایان  
 را که سایر مسائل اینک باید سخن گفته و در علم و دینان گوی بیشتر و سخن نوروز داشته باشند .  
 نوشتمانه در علم که با ایمان داشته با دوست و هم تاملی نگار است .

نام: حضرت آیت الله العظمی  
 امضاء

نومه جناب آقای نخست وزیر مهندس سید مهدی بازرگان به حضرت آیت الله العظمی آل شبیر خاقانی

## برای بررسی خواست ها و تدوین قانون اساسی دولت نمایندگان عرب زبانان را به تهران فرا خواند

آبادان - خبرنگار اطلاعات

ازسوی مقامات مسئول دولت انقلاب اسلامی ایران  
صبح دیروز نامه‌ای بعنوان آیت‌الله شیخ محمد طاهر آل  
شبیرخاقانی رهبر مسلمانان عرب زبان خوزستان ارسال شد  
و طی آن خواسته شد هیئتی از منتخبین ایرانیان عرب زبان  
خوزستان به تهران اعزام شود تا با حضور و شرکت آنها  
خواست های مردم عرب زبان مورد رسیدگی قرار گیرد.  
اعضای این هیئت همچنین برای گنجاندن اینخواست  
ها در قانون اساسی بامسئولین دولتی به گفتگو مینشینند  
و تعدادشان بین ۱۵ تا ۲۰ نفر خواهد بود .  
شیخ شبیر خاقانی اخیرا یکبار دیگر ازسوی مسلمانان  
عربزبان خوزستان پشتیبانی خود را از دولت انقلابی و  
انقلاب اسلامی اعلام کرده است .

(روزنامه اطلاعات، ۲۱/۱/۱۳۵۸)

پیوست ۱۸- شکایت اهالی روستای گویم فارس

شماره - شماره ۱۱۰۰۱ - ریشنبه سی ام ۳۰ اردیبهشت - سال ۱۳۵۹ ۴۹، ۲، ۳۰

طی شکایتی به دکتر یزدی:  
**اهالی ((گویم))**  
**فارس خواهان**  
**پس گرفتن زمین**  
**های خود شدند**

گویم فارس - اهالی روستای گویم فارس در شکایتی که برای دکتر یزدی سرپرست دفتر رسیدگی به شکایات دفتر امام فرستاده، خواستار رسیدگی به وضع مالکیت زمینهای مزروعی خود شدند.

در این شکوائیه عنوان شده: زمینهایی که حاکم شرع قبلی شیراز از یک فئودال صادره کرده و به کشاورزان واگذار کرده بود، توسط حجت الاسلام عندلیب حاکم شرع جدید شیراز باز دیگر به همان شخص برگردانده شده است. متن این شکایت شرح زیر است:

ما مردم گویم که پس از سالهای شماری که در ریسر یوغ عمال کثیف پهلوی مانند قوامیها و علمها بوده‌ایم و از ۱۶ سال پیش در جریان تقسیم اراضی، زمینهای ما به یک فئودال بنام فتحعلی جمفری فروخته شده و حق ما غصب شده است. بمنزله انقلاب، شکایت اهالی به دادگامانقلاب، آیت‌الله علی‌محمد دستغیب حاکم شرع شیراز زمینهای غصب شده را به کشاورزان تحویل داد. فتحعلی جمفری هم دو بار دستگیر شد ولی با کمک فئودالها و خوانین از زندان آزاد شد و هم‌اکنون مشغول توطئه است. بمنزله مدتی آیت‌الله عندلیب حاکم شرع کنونی که به کمک فئودالها برخاسته است، حکمهای آیت‌الله دستغیب را لغو و مجدداً حکم تصرف زمینها را بیه فئودالها داده است، ولی زارعین به هیچ وجه دستاز زمینهای خود برندارند. با این توصیف بین زارعین و مالکین درگیری شروع شده و در فارس گردستان ناشی بوجود خواهد آمد. مستنهی است با رسیدگی به این جریان، فارس را که آتش زیر خاکستر است از مهلکه نجات دهید.

این نامه با امضای ۱۴ تن ز معتمدین روستای گویم به دفتر رسیدگی به شکایات دفتر امام رسیده است.

پیوست ۱۹- گزارشی از اختلافات سیاسی  
و مشکلات کشاورزی شهرستان فریدن اصفهان

صفحه ۱  
تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۸

بسمه تعالی

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر حکومت جمهوری اسلامی ایران

دام عزه

رونوشت: جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی معاون نخست وزیر در امور انقلاب دام عزه . در دست آتش منزل

اینجانب ابراهیم صالحی بنا به وظیفه برضی و انتظاری و اجتناب که بعنوان یک طلبه داشته دارم و از طرفی چون موقعیت فریدن را از دور و از اهالی آنجا که به آبادان آماده بودند شنیده بودم در آبادان لذا برخودم لازم دانستم که ایام زفراندوم را از آبادان بروم فریدن و مراقب اوضاع و احوال باشم که کسی در این ایام حساس و بر اهمیت لحظه‌ای به فراندوم وارد نیاید و در حدود سه روز قبل از زفراندوم وارد فریدن که در حدود ۳۵۰ پارچه آبادی است شدم و چون بنده اطلاعات کافی چه از نظر جغرافیایی و جمعیتی و قومی و شغلی که در فریدن دارم آنهم بدین جهت است که اجداد اهل فریدن هستند و در آنجا شروع کردم تبلیغ کردن حکومت جمهوری اسلامی را و تشویق نمودن مردم را که به حکومت جمهوری اسلامی رای بدهند اهالی فریدن آنهم صدی نبود شروع کردند (بظاهر خودمانی بامن دود دل کردند و خواسته ها و اعتراضات و ناراحتی ها و نارضایتی های خودشان را یکی پس از دیگری بمن گفتن و بنده روز این موضوعات باز شروع کردم بررسی کردن و تماس گرفتن با مردم چه از طریق خصوصی و چه از طریق عمومی دیدم که اکثر قریب باتفاق مردم فریدن هستند که هنوز است دارند آن رژیم طاغی را در منزل خودشان میزبانند و بطور کلی با حکومت جمهوری اسلامی موافق نیستند و خلاصه حاضر نیستند گفتار علما و روحانیین و طلاب را و نه غیر اینها را بشنوند و چه بسا که در ایام ماه محرم و همچنین در ایام انقلاب و زفراندوم حرکات ضد انقلاب از خودشان نشان دادند و چون بنده هم همشهری بودم و هم از راه دور آمده بودم و برخورد و گفتار و رفتار من طوری بود که پسندیدند کمی ترانستم با صحبتهایی که حنه ارشادی داشت آنها را تانسع کنم البته با این شرط که نباید تهران و خواسته ها و اعتراضات و نارضایتی های آنها را به مسئولین امور برسانم و نتیجه کار را بروم فریدن و در آنجا بآنها بگویم .

البته خواسته ها و اعتراضات و ناراحتی های اهالی فریدن بعضی ها نادرست بود که جواب رد دارم من بآنها و آنهایی هم که درست بود بعضی ها غیر ضروری هست و بعضی ها ضروری است که بنده به جندتای آنها در اینجا اشاره میکنم .

۱- نداشتن کود شیمیایی برای کارهای کشاورزی که همه اهالی فریدن کلاً روز هستند و این مواد کود شیمیایی برای آنها جنبه حیاتی دارد و اثر بیرون بدست آنها نرسد لکنه بزرگی هم بخود مردم فریدن میخورد و هم تا اندازه ای بملت ایران و اگر آنرا غیر از موقع استفاده بآنها برسانند نتیجه خواهد بود و بعد هم فایده ای بآنها ندارد .

۲- نداشتن آسایش و امنیت البته در آینده نزدیک آنهم بدین معناست که عده ای زیاد از اهالی مردم فریدن از دست عده دیگری که مسلح هستند آنهم مخصوصاً لره های فریدن ( بختیاری های فریدن ) که اکثر قریب باتفاق آنها مسلح هستند کما اینکه در روزهای زفراندوم تا اندازه کمی معلوم و روشن شد در یکی از بخشهای فریدن .

و باید مردم شریف و غیر و انتظاری و مومن شهرستان نجف آباد ببخشند که این جمله را در اینجا

دست خط  
اصفهان  
فریدن

ذکر کرده‌ام مدهای از اهالی فریدن که در امیرآباد و یزدان شهر وفیره ساکن بوده‌اند از ترس اینکه مبادا مردم مشهد و باایمان نجف‌آباد بعد از انقلاب به آنها آسیب برسانند که اینهم مقصود من نیست. همیشه خود فریدنی‌ها هستند کوچ کردند و رفتند فریدن و اینهم از نثار بنده بستگی دارد با اهالی شجاع و دلیر نجف‌آباد که نثارشان در این باره هرچه باشد همان است.

۳- بی نظمی در تصرف زمینهای کتا، برزی، اعم از نیم کار و آبی کار.

ضمناً بنده در فریدن که بودم در این چند روز اطلاع پیدا کردم که نصیری نسبت خانوادگی آنهم خیلی نزدیک دارد در فریدن البته این اطلاعات من کامل و روشن است در باره ایشان.

مدهای از افرادی که تحت تعقیب هستند در حال حاضر از قرار معلوم از قبیل بختیار و وزیرا و استانداران و افسران و جماع بدست‌ها و افراد دیگر بواسطه مدهای از اهالی فریدن: فرار کرده‌اند و فریدن و در دهات و کوهستانهای آنجا دارند بطور مخفیانه زندگی میکنند و باز از طرفی شاهپور بختیار که اصلاً اهل بختیار فریدن و چار محال بختیاری است و افرادی هستند مسلح که سرسختانه دارند از بختیار و بقیه افرادی که وابسته هستند به رژیم طاغوتی حمایت و پشتیبانی میکنند از آنهاست که در فریدن بطور مخفیانه زندگی میکنند.

شاید که شاهپور بختیار در کوهستانهای فریدن مخفی باشد:

طرفداران رژیم طاغوتی از قبیل وزیرا و افسران و جماع بدست‌ها و احوال اینها دارند از موافقت ناراضی‌ها و نا راحتی‌ها و اعتراضات و خواسته‌ها و مغزهای پاک نشده اهالی فریدن از رژیم طاغوتی سوء استفاده میکنند و از طرفی از بختیاری‌های فریدن که مسلح هستند دست نشانده خود فراریان رژیم طاغوتی هستند میخواهند این دو دسته را با هم هم بیندازند و بعد از آن در آینده نزدیک اکثر قریب با اتفاق اهالی فریدن را اعم از ترك و لر ( بختیاری ) و امرنی‌هایی سر بلند کنند و بر علیه حکومت جمهوری اسلامی بنمایند مختلفاً و منطقه فریدن از نثار جغرافیایی هم گهستانی دارد آنهم خیلی سخت و هم خیلی آسان و هم غیر گهستانی.

اینرا هم اضافه کنم که کمونیست فعلاً رخنه نکرده است در فریدن ولیکن خیلی تلیلی هستند که با اصلاً اهل فریدن هستند عده‌ای از عده تلیلی در خود فریدن ساکن هستند آنهم در ادارات دولتی و عده دیگر ساکن فریدن هستند ولی در اصفهان و تهران بسر میبرند آنهم بایری کار و با برای درس‌های شهرستانها آمده‌اند و خیلی خیلی کم هم از شهرستانهای دیگر ایران انتقال شده‌اند با ادارات فریدن روی هم رفته فعلاً هیچگونه فعالیت کمونیستی در فریدن نپیدا شد. سدی هست که سابقاً بنام سد شاه عباس نامیده میشد و فعلاً بنام زاینده رود نام برده میشود در فریدن قرار دارد در این سد هم چند نفری هستند تا باب که در انقلاب رهبران جماع بدست‌ها بوده‌اند ضمناً اسم و مشخصات آنها را میدانم و مشخصاً هم تا اندازه‌ای میشناسم. بنده در حال حاضر برای اینکه بتوانم اهالی فریدن را بیشتر با حکومت جمهوری اسلامی آشنا کنم و مغزشان را از آن رژیم طاغوتی پاک نمایم و ضمناً نتیجه سفر و کار خودم را با آنها گفت و اطلاع داده باشم بر میگردم به همان فریدن، برای مدتی در آنجا میمانم و مشورت و تبلیغ و هدایت آنها میشود چرا که اهالی فریدن تا اندازه‌ای روی آشنائی که با اجداد من و پدرم ریا خود من دارند و احترامی هم با آنها تامل بوده‌اند و هستند و از طرفی حرفها و گفتارهای مرا می شنوند و خلاصه روی و تأیید شری و اجتماعی و ملی که دارم در این انقلاب خلاصه روی همین اصل بی‌معنیت خودم

—۳—

فعلاً در فریدن ادامه خواهیم داد آنهم بیشتر بخاطر به ثمر رساندن انقلاب و وظیفه ای که در مقابل خداوند متعال و اسلام دارم و خدمت گزار رهبر عالیقدر انقلاب و مجاهد اعظم مرجع شیع جهان حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی دامت برکاته و دولت آقای مهندس بازرگان و مردم شریف ایران بوده ام و هستم .

در پایان از دولت آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر یزدی و خلاصه از کلیه آقایان که به ثمر رساندن انقلاب نقش حساسی را بعهده دارند چه در مرکز (تهران) و چه در استان اصفهان - انتشار دارم مرا (صالحی) از هر جهت باری و حمایت فرمایند تا بتوانم همگی با هم به نتیجه کار برسیم که آنهم به ثمر رسیدن انقلاب است .

تقاضای دارم از مسئولین امر باین نامه که وظیفه بنده بوده آنچه بعنوان يك طلبه و يك فرد دلسوز به ملت و اجتماع و باین انقلاب و به حکومت جمهوری اسلامی و به دولت موقت انقلابی اسلامی ایران را در فریدن دیده و شنیده ام و مشاهده کرده ام بطور خلاصه باین صورت در آورده ام و تقدیم میدارم امید است ترتیب اثر داده شود تا اینکه قبلاً از وقوع هر گونه حوادثی در فریدن بوسیله افراد ضد انقلابی و توطئه گر و اعمال رژیم طاغوتی جلوگیری از آن شده باشد تا بهره اش را هم مردم فریدن و هم دولت برده باشند .

ضمناً این نامه در سه نسخه تنظیم گردیده و در تاریخ ذکر شده به مسئولین امر تقدیم شد و نسخه های هم در نزد خود تقدیم کننده موجود است . بتاريخ بیست و هشتم فروردین یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت شمسی مطابق با نوزدهم جمادی الاول نود و نه .

والسلام وعلیکم ورحمته الله وبرکاته

الاخیر شیخ ابراهیم صالحی

فریدن - اصفهان

صالحی

۷۸ یا ۱۳۵۸

آدرس - فریدن ثابت - نجف آباد - امیرآباد فروشگاه میرزا مهدی عظیمی مقابل گرمابه - صالحی ( )  
 آدرس - فریدن - سیار - در دهات فریدن - صالحی (شیخ صالحی)  
 آدرس - آبادان - احمد آباد خیابان چهار (۴) اصلی پلاک ۵۲ صالحی . (شیخ صالحی)

## فصل چهارم

### مدیریت مؤسسه کیهان

#### مقدمه

در یکی از دیدارهایم با آقای خمینی در اوایل اردیبهشت ۱۳۵۹، ایشان مشکلات و مسائل مؤسسه کیهان و ناتوانی آقای مهدیان از اداره آن را برای من شرح دادند و از من خواستند که مدیریت آن را برعهده بگیرم. در پاسخ نظر ایشان، ابتدا توضیح دادم که اگرچه آقای مهدیان از بازرگانان خوش‌نام هستند، اما اداره مطلوب مؤسسه‌ای همچون کیهان - آن هم در شرایط سیاسی متلاطم پس از انقلاب - را نباید از ایشان توقع داشت. مشکلات روزنامه فقط مدیریت آن نیست: جو سیاسی جامعه، ملت‌هپ و به‌هم ریخته است؛ میان مسئولان کشور، به‌ویژه روحانیان با غیر روحانیان رقابت‌های سیاسی شدید وجود دارد؛ رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر با هم جنگ و جدال دارند. یکی از رسالت‌های روزنامه‌ای که ارگان حزبی نیست و در نزاع‌های سیاسی می‌خواهد بی‌طرف بماند، خبرسانی است. آنچه صدا و سیما منتشر می‌سازد، امواج هواس‌ت و در جایی ثبت و ضبط نمی‌شود. اگرچه برد صدا و سیما به مراتب بیشتر از روزنامه است، اما در فرهنگ ما، نوشته، سند محسوب می‌شود. روزنامه مجبور است هم سخنان رئیس‌جمهور علیه نخست‌وزیر و هم سخنان نخست‌وزیر علیه رئیس‌جمهور و نیز اظهار نظرهای رهبران احزاب و اعضای شورای انقلاب را منعکس سازد. به این ترتیب، مدیریت روزنامه، بدون اینکه بخواهد، وارد این درگیری‌ها می‌شود و همه طرف‌های درگیر به او اعتراض می‌کنند. با توجه به این وضعیت، می‌دانم که مرا تحمل نخواهند کرد و خودم نیز هیچ علاقه‌ای برای ورود به درگیری‌های سیاسی کنونی را ندارم. این درگیری‌ها را برای کشورمان زیان‌بخش می‌دانم. آقای خمینی تأکید کردند که بپذیرم و

## ۶۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

در هر حال از من حمایت خواهند کرد. به این ترتیب قبول کردم و ایشان حکم را صادر کردند.

### الف- پذیرش مسئولیت و آغاز کار در مؤسسه کیهان

#### ۱- حکم رهبر انقلاب به دکتر یزدی برای مدیریت مؤسسه کیهان

«بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی ایده الله تعالی

با اهمیتی که مطبوعات و نقشی که در ساختن جامعه دارند، با گذشت بیش از یک سال از برقراری جمهوری اسلامی باز دیده می‌شود که بسیاری از مطبوعات در خط انقلاب اسلامی نیستند و اصلاحاتی بنیادی در آنها باید تحقق یابد که اشخاص منحرفی که موجب این نحو امور انحرافی می‌شوند دستشان از این رسانه‌های گروهی کوتاه شود؛ لهذا جناب‌عالی که شایستگی و قدرت اداری‌تان محرز است، برای این امر حیاتی و اصلاح امور سرپرستی مؤسسه کیهان که از مؤسسات مربوط به مستضعفین است، منصوب هستید که با کمک کارمندان محترم متعهد این مؤسسه آن را هر طور صلاح می‌دانید به‌طور اسلامی و مناسب با جمهوری اسلامی اداره نمایید.

از خداوند تعالی توفیق و تأیید جناب‌عالی خواستار است.

۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ - روح الله الموسوی الخمينی.»



بسم الله الرحمن الرحيم

جناب دکتر ابراهیم یزدی ایزه پستان

با ابراهیمی که مطبوعات نقشش که در حقن جامعه دلمند با کدستی من از یک ل از دروازه سیدی  
 بازدید نمود که بسیار از مطبوعات در خط نهاد سیدی هستند و صدها عت بنیاد در  
 باید که شما صحره که در حین این نحو امور انجام میزند در این زمانه که گرد می گوید  
 لهذا جانب که که شایسته و قدرت اداری آن محرومیت بر این ارجح است و صلح ابراهیمی  
 مؤسسه کیهان که از موسسات مربوط مستضعفین است نظیر سیدی که با کمک کارندان  
 محترم مستعد این مؤسسه اثر هر طور صلح سید بنید بطور سیدی و ن سب با جمهوری سیدی  
 ادار نمایند از خداوند آن که توفیق و یامید جانب که در حین است ۱۸ اردیبهشت  
 روح ابراهیمی

۲- روایت آقای حسین مهدیان از وضعیت کیهان در روزهای انقلاب

«چند ماه پس از پیروزی انقلاب، مؤسسه کیهان با بحران مالی مواجه شده بود ... آن موقع حقوق اعضای تحریریه پرداخت نشده بود و تعهدات روزنامه به فروشندگان مواد

## ۶۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

اولیه، مثل کاغذ و مرکب ... انجام نشده بود و آنها هم سفته‌ها را در جریان گذاشته و به توقیف اموال اقدام ورزیدند و ممکن بود که روزنامه به تعطیلی منجر شود. مؤسسه به بانک‌ها مقروض بود ... اعضای هیئت تحریریه، عمدتاً همان تحریریه قبل از انقلاب بودند. ظواهر خیلی چیزها را معلوم نمی‌کرد، اما عمده اینها به گروه‌های مختلف از حزب توده و چریک‌های فدایی تا جبهه ملی و سازمان مجاهدین خلق وابستگی داشتند ... به دلیل وابستگی‌های برخی از عناصر اصلی تحریریه به احزاب و گروه‌های سیاسی غیر همسو با انقلاب، محتوای روزنامه با روند انقلاب خیلی همخوانی نداشت؛ مثلاً در رابطه با حوادث کردستان تیرهایی می‌زدند که اذهان عمومی را مشوش می‌کرد. احزاب و گروه‌های غیرمذهبی، خیلی برجسته می‌شدند و اخبار مربوط به نیروهای اصیل انقلاب و مذهبی‌ها خیلی انعکاس پیدا نمی‌کرد. همین مسائل موجب شد تا بچه‌های انجمن اسلامی مؤسسه، جلوی چند نفر از تحریریه را بگیرند و آنها را به روزنامه راه ندهند؛ و این، موجب اعتصاب اکثر اعضای تحریریه شد ... اعلام کردیم هر کس می‌خواهد، به تحریریه برگردد و هر کس نمی‌خواهد بیاید حق و حقوقش را بگیرد، تسویه کند و برود. عده‌ای آمدند و ما هم حق و حقوق آنها را تا ریال آخر دادیم که به پول آن زمان مبالغ قابل توجهی هم بود ... برای اینکه روزنامه در خط انقلاب باقی بماند، از امام استمداد کردم که شخصیتی را که از نظر صلاحیت علمی، دینی و تقوای سیاسی مورد تأیید است، برای سردبیری روزنامه معرفی کنند. پس از مدتی، حضرت امام طی حکمی خطاب به دکتر یزدی، ضمن انتصاب وی به سرپرستی مؤسسه کیهان، صراحتاً از وی خواست تا با انحرافات موجود مقابله کرده و اصلاحات بنیادین در روزنامه به وجود بیاورد ... من یادم هست چند سال قبل از پیروزی انقلاب، یک سفری به آمریکا داشتم در آنجا به منزل همین آقای ابراهیم یزدی رفتم که مسئول انجمن اسلامی دانشجویان آنجا بود. یادم هست تا ساعت یک بعد از نصف شب، دانشجویان به او زنگ می‌زدند و احکام شرعی‌شان را می‌پرسیدند؛ او هم مثل یک روحانی به آنها پاسخ می‌داد» (روزنامه کیهان، ۱۰ اسفند ۱۳۸۱).

اما آقای مهدیان قبلاً مدعی شده بود که «روزنامه کیهان» را توسط آقای لاچینی، نماینده مصباح‌زاده خریده است و متعهد به پرداخت بدهی‌های دکتر مصباح‌زاده شده

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۶۹۱

است. او همچنین اعلام کرده بود که کیهان را در خدمت اهداف انقلاب اسلامی ایران قرار خواهد داد (روزنامه اطلاعات، ۲۲ خرداد ۱۳۵۸).

### ۳- حضور در مؤسسه کیهان

یک روز پس از دریافت حکم، ابتدا در جلسه معارفه با خبرنگاران، نویسندگان و کارکنان مؤسسه شرکت و سخنان کوتاهی ایراد کردم؛ سپس بررسی و مطالعه وضعیت مؤسسه را شروع کردم. برای اداره امور داخلی کیهان، از آقای مهندس امیر میرخانی دعوت به همکاری کردم.

### ۴- تبریک شورای اتحاد فروشندگان جراید

بسمه تعالی

برادر جناب آقای دکتر یزدی

بدین وسیله انتخاب شایسته جناب عالی را جهت بررسی روزنامه محترم کیهان از طرف امام امت، خمینی کبیر رهبر انقلابمان تبریک عرض نموده و موفقیت حضرت عالی را از درگاه ایزد متعال خواستاریم.

شورای اتحادیه فروشندگان جراید

### ۵- مؤسسه کیهان در خدمت فرهنگ اسلامی

در اولین مصاحبه، با خبرگزاری پارس اعلام کردم: «ظرف چند روز آینده، تغییرات اداری بنیادی در مؤسسه کیهان داده خواهد شد که بر اساس آن، مؤسسه کیهان به صورت یک نهاد و بنیاد مستقل جدا از بنیاد مستضعفان با هدف‌های مشخص در خدمت فرهنگ اسلامی به کار گرفته می‌شود.

«روزنامه کیهان» از این پس باید بتواند در خط انقلاب اسلامی و در خط فرهنگ و پیشبرد این انقلاب حرکت کند که در واقع باید حرکت آن در خط امام و خط قرآن و اسلام باشد و تغییرات در این مؤسسه نیز تطبیق کامل کلیه بخش‌های این مؤسسه، با چنین رسالت و هدف بزرگی است.

در شرایط حساس فعلی، کوشش خواهیم کرد که مؤسسه کیهان را به صورت یک عامل اصلی یاری‌دهنده به وحدت کلیه گروه‌های سیاسی درآوریم و در این راه سعی می‌کنیم که از هر نوع موضع‌گیری سیاسی و تحریک و شانتاژ دور باشیم.

## ۶۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

کیهان به‌واقع در خدمت بالا بردن بینش سیاسی و آگاهی ایدئولوژیک جامعه ... [ناخوانا] خواهد بود».

در مورد درآمد این مؤسسه و نیز موضع تحریریه کیهان گفتم: «در آینده، درآمدهای احتمالی این مؤسسه، صرف توسعه اهداف آن می‌شود و هیچ وابستگی از این نظر به هیچ سازمان و گروهی نخواهد داشت. برای سرپرستی تحریریه نیز اشخاصی را در نظر دارم که از میان آنها و با مطالعه لازم کسی را که هرچه بیشتر از درک انقلابی برخوردار باشد و کاملاً در خدمت انقلاب اسلامی باشد، انتخاب می‌کنم، ولی در هر حال، بخش خبری کیهان، به‌صورت یک هیئت تحریریه تحت نظر مستقیم خود من کار خواهد کرد» [پیوست ۱].

### ۶- مدیریت هیئت تحریریه

همان‌طور که در گزارش آقای مهدیان آمده است، هیئت تحریریه روزنامه، ترکیبی بود از اعضای قدیمی بعضاً وابسته به حزب توده، بعضی از جوانان علاقه‌مند و دین‌باور بعد از انقلاب، افرادی وابسته به گروه‌های سیاسی، از جمله سازمان مجاهدین خلق و ... مطالب روزنامه، چندین بخش داشت. بخش عمده آن اخبار و تحلیل‌های سیاسی بود. مهم‌ترین بخش سیاسی روزنامه، مطالب، عناوین و تیترهای صفحه یک بود. عناوین یا تیترهای صفحه اول می‌توانست کاملاً تحریک‌آمیز، همراه‌کننده یا موهن برای انقلاب باشد. حتی جابه‌جایی یک حرف در یک کلمه، خواه عمدی یا اشتباهی، مسئله‌ساز می‌شد. اعضای قدیمی هیئت تحریریه، در این نوع دخالت‌ها بسیار ورزیده بودند؛ بنابراین، باید به هر ترتیب ممکن، این مسئله مهار می‌شد. اخراج یا انفصال فوری این کارمندان هم به سادگی و به راحتی امکان‌پذیر نبود. در ماه‌های قبل از انقلاب، «روزنامه کیهان»، همچون سایر روزنامه‌های روزانه، در همراهی با انقلاب، اعتصاب کرده بودند و خود را کمتر از دیگران انقلابی نمی‌دانستند.

شروع به کارم در «کیهان»، زمانی بود که مجلس اول شروع به کار کرده بود. با توجه به شرایط ملتهب سیاسی و ترکیب هیئت تحریریه، هر روز حدود ساعت ۱۱ صبح در تحریریه حاضر می‌شدم و مطالب روزنامه، بخصوص عناوین صفحه اول را نهایی می‌کردم. به علت وجود عناصر نفوذی گروه‌های سیاسی، در مواردی کارهای

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۶۹۳

تحریک‌آمیز یا حذف یا افزایش مطالب اتفاق می‌افتاد. به‌عنوان نمونه، هنگامی که سه نفر از اعضای قدیمی سازمان مجاهدین خلق، آقایان رئیسی طوسی، نوحی و رفیعی از این گروه اعلام جدایی کردند و متن آن را برای چاپ در «کیهان» فرستادند، نفوذی‌ها آن را در لابه‌لای آگهی‌های تجارتي گذاشتند که معمولاً کمتر خوانده می‌شود. روز بعد، دستور دادم آن را در صفحه اول چاپ کردند.

پس از پیروزی انقلاب و استقرار آقای مهدیان در «کیهان»، جوانانی از میان باورمداران انقلاب نیز به «کیهان» پیوسته بودند. در میان آنان، وابستگان به مجاهدین خلق هم بودند. به این ترتیب، مطالب روزنامه، بخصوص عناوین صفحه اول دستخوش رقابت میان این نیروها بود. گاهی این عناوین بسیار تحریک‌کننده بود. اتفاقاً همین مقالات و عناوین تحریک‌کننده، انگیزه آقای خمینی در انتصاب من به مدیریت «کیهان» بود.

با شروع به کارم، بعضی از جوانان دین‌مدار اما جَوَزده آن زمان، نظیر آقایان جلال رفیع و ماشاءالله شمس‌الواعظین - که وابستگی حزبی و گروهی نداشتند - بدون اینکه من خواسته باشم یا موافق باشم، از روزنامه رفتند. هر دوی اینها قلم روان و شیوایی داشتند. آقای رفیع برای ادامه کار مطبوعاتی‌اش به روزنامه اطلاعات رفت. در آن زمان اینها مهندس بازرگان و همکارانش را لیبرال می‌دانستند. حالا، به قول خودشان یکی از همان لیبرال‌ها سرپرست کیهان شده است.

### ۷- ملاقات مدیران سه مؤسسه مطبوعاتی در اطلاعات

مدیران مؤسسه‌های مطبوعاتی انقلاب اسلامی، کیهان و اطلاعات، دیروز طی یک دیدار دوستانه، پیرامون مسائل جاری مطبوعات مذاکره کردند.

برادر مهندس جعفری، برادر دعایی و دکتر ابراهیم یزدی مدیران «روزنامه انقلاب اسلامی» و مؤسسه‌های اطلاعات و کیهان که هر دو نمایندگان منتخب امام هستند، در محل «روزنامه اطلاعات» عصر دیروز با هم دیدار کردند.

این اولین بار است که مدیران سه مؤسسه رقیب که روزنامه عصر را منتشر می‌کنند با هم دوستانه دیدار می‌کنند.

در پایان این ملاقات کوتاه، مدیران با اتفاق چند تن از دیگر برادران در اجتماع پرشور کارگران اطلاعات، نماز جماعت گذاردند.



### ب- مدیریت جدید و اصلاحات اداری در کیهان

مسائل مؤسسه ای نظیر کیهان، تنها مسائل و مطالب روزنامه نبود. تهیه کاغذ، مرکب، تدوین بودجه، تأمین هزینه ها و حل مشکلات روزمره اداری مؤسسه نیاز به مدیریت مناسب داشت. از آقای مهندس امیر میرخانی برای این منظور دعوت کردم. آقای

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۶۹۵

مهندس میرخانی از دانشجویان فعال انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا بود و کارشناسی ارشد خود را در شهرسازی گرفته بود. در دوران فعالیت در ستاد انقلاب در نوفل لوشاتو به دعوت من به پاریس آمد و عضو گروه سیاسی مستقر در نوفل لوشاتو بود. پس از انقلاب، هنگامی که از جانب رهبر انقلاب به عنوان نماینده ایشان برای حل مشکلات و بحران‌های شهرستان‌ها منصوب شدم، ایشان هم عضویت هیئت را پذیرفت و در سفر به شهرستان‌ها برای حل مسائل ما را همراهی می‌کرد. آقای مهندس میرخانی دعوت ما برای ریاست اداری مؤسسه کیهان را پذیرفت و بلافاصله کار خود را با جدیت تمام آغاز کرد.

### ۱- سفارش مستقیم کاغذ روزنامه

آقای مهدیان، کاغذ مورد نیاز روزنامه را از طریق صندوق ... سفارش می‌داد. این صندوق درصدی را به عنوان کارمزد به بهای کاغذ اضافه می‌کرد. به پیشنهاد آقای میرخانی این شیوه سفارش تغییر کرد و مؤسسه کیهان، کاغذ مورد نیاز خود را مستقیماً سفارش می‌داد. با توجه به حجم عظیم مصرف کاغذ روزنامه، با سفارش مستقیم، مبالغ قابل توجهی به نفع کیهان صرفه‌جویی شد. برای انجام این برنامه، کارت بازرگانی به نام مؤسسه درخواست و صادر شد [پیوست ۲].

### ۲- استفاده بهینه از آواریه

کاغذ روزنامه در لوله‌های بسیار قطور به قطر بیش از یک متر وارد می‌شدند. برای جابه‌جایی آنها از چنگک‌هایی استفاده می‌شد که خواه ناخواه سطح لوله کاغذ را در نقاط ورود چنگک تا عمق ۱ تا ۲ میلی متر سوراخ می‌کرد. برای استفاده از لوله کاغذ در ماشین‌های روتاتیو چاپ، رول یا لوله کاغذ چند میلی متر باید جدا می‌شد تا به نقطه یا سطح سالم کاغذ برسد. اصطلاحاً به این نوع کاغذی که از رول یا لوله اصلی کاغذ جدا می‌شد، آواریه می‌گفتند. قبل از ما این آواریه‌ها مجانی به صندوق اسلامی داده می‌شد. به ابتکار آقای میرخانی، کارگران کیهان این کاغذها را با ماشین‌های برش موجود در مؤسسه در ابعاد کوچک‌تر می‌بریدند و به صورت دفترچه‌های کوچکی درمی‌آوردند و به بنگاه‌های لوازم‌التحریر در بازار می‌فروختند. این، منبع در آمد خوبی برای مؤسسه شد.

### ۳- خرید ژنراتور برق

برق تهران به علت جنگ و مشکلات دیگر، هر روز به مدت چند ساعت قطع می‌شد. قطع برق، سبب تأخیر چاپ و انتشار روزنامه می‌شد. برای رفع این مشکل، یک دستگاه ژنراتور برق که کفایت نیاز روزنامه را بدهد، خریداری و نصب شد. سیستم برق‌رسانی به گونه‌ای تنظیم شد که وقتی برق شهر قطع می‌شد، ژنراتور به‌طور اتوماتیک شروع به کار می‌کرد.

### ۴- بازنشسته کردن کامندان با بیست سال سابقه کار

پس از بررسی پرونده سوابق خدمت کارمندان در مؤسسه، آنهایی که بیست سال سابقه خدمت داشتند، مطابق قانون بازخرید شدند. برخی از آنان به تأمین اجتماعی مراجعه و درخواست مقرری بازنشستگی کردند. چون این درخواست، برخلاف قانون بود؛ لذا طی نامه‌ای به دادگاه انقلاب خواسته شد که به این موضوع رسیدگی شود [پیوست ۳].

### ۵- طرح تهیه میکرو فیلم از آرشیو کیهان

«روزنامه کیهان»، علاوه بر انتشار روزانه، آرشیو نسبتاً خوبی از رویدادهای کشورمان در طول سال‌های فعالیتش تهیه کرده بود، اما برای اینکه علاقه‌مندان و اهل مطالعه بتوانند از اطلاعات این آرشیو استفاده کنند، لازم بود از امکانات جدید الکترونیکی استفاده شود؛ بنابراین، به آقای حسین نصرت - که از همکاران جدید در کیهان بود - مأموریت بررسی و ارائه طرح تبدیل آرشیو به میکرو فیلم واگذار شد. آقای نصرت با یکی از متخصصین این فنآوری گفتگو کرد و گزارشی به مدیریت ارائه داد [پیوست ۴].

### ۶- ارتباط با جبهه‌های جنگ

به‌عنوان مسئول یک نهاد مردمی برای کمک به جبهه، احساس وظیفه می‌کردم؛ بنابراین، آقای محمد خدایاری - از اساتید کنونی دانشگاه که به گروه کیهان پیوسته بود - داوطلب سازمان‌دهی کمک به جبهه شد. در گردهمایی کارمندان و کارگران کیهان، ایشان به‌عنوان مسئول سازماندهی خدمات به جبهه معرفی شدند؛ سپس طی نامه‌ای رسماً به شادروان شهید دکتر چمران و نیز به فرمانده بسیج مستضعفین معرفی شدند.

نامه معرفی محمد خدایاری به شهید دکتر چمران



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۶۹۷

بسمه تعالی

بعد از سلام

ستاد عملیات نامنظم رزمی - برادر دکتر چمران

بدین وسیله حامل ورقه، برادر خدایاری - که مسئول کمیته بسیج مستضعفین در مؤسسه کیهان و عضو شورای سردبیری کیهان یومیه می‌باشند - معرفی می‌شوند. ایشان سرپرست اولین گروه از کارکنان مؤسسه کیهان است که داوطلب خدمات رزمی در جبهه مقدم جنگ علیه دشمن تجاوزگر است و همراه خود سلاح‌های سبک از قبیل ژ - سه و تیربار و وسایل ضروری را دارند. برادر خدایاری اسامی افراد و سوابق رزمی و آموزشی نفرات را گزارش می‌دهند. امید به یاری حق، خدمات این برادران مفید و مؤثر واقع گردد. با دعای خیر برای پیروزی امت اسلام و سلامتی آن برادر عزیز. والسلام.

والسلام - دکتر ابراهیم یزدی

همچنین طی نامه‌ای به سرپرست بسیج مستضعفین، نام‌برده را به‌عنوان مسئول آموزش‌های نظامی کیهان معرفی کردم. آن نامه نیز بدین شرح است:

بسمه تعالی

برادر امیر مجد، سرپرست محترم بسیج مستضعفین

بدین وسیله برادر محمد خدایاری فرد که دارای سابقه خدمت در نظام وظیفه و سپاه پاسداران می‌باشند، به‌عنوان مسئول کیهان معرفی می‌گردند تا آموزش نظامی و ایدئولوژیکی خواهران و برادران در مؤسسه کیهان را به‌عهده گیرند، با تشکر. والسلام.

سرپرست مؤسسه کیهان - ابراهیم یزدی

افزون بر اینها کارکنان مؤسسه کیهان سه روز حقوق یک ماه خود را برای کمک به جبهه تقدیم کردند [پیوست ۵] که در همین راستا، حساب ویژه‌ای از سوی مؤسسه کیهان در بانک ملی برای کمک به جبهه باز شد. متن نامه به رئیس شعبه مرکزی بانک ملی ایران بدین شرح است:

ریاست محترم بانک ملی ایران - شعبه مرکزی

## ۶۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

محترماً با ارسال یک رونوشت از فهرست کارکنان مؤسسه کیهان در باره موجودی حساب شماره ۸۶۲۰۰ بانک ملی ایران، شعبه مرکزی، متمنی است دستور فرمایید اولاً کل کمکی را که به این حساب شده است، و موجودی کنونی آن را به این جانب گزارش نمایند و ثانیاً برای انتقال این موجودی به حساب ۷۷۷۷ چه اقداماتی باید صورت گیرد؟ والسلام. با تشکر.

دکتر ابراهیم یزدی - ۱۳۵۹/۱۲/۰۷

### ۷- انتشار کیهان انگلیسی و عربی

با سروسامان گرفتن مسائل روزمره کیهان، دو طرح تازه به اجرا گذاشته شد: اول، انتشار روزنامه کیهان به زبان انگلیسی بود. یکی از کارمندان کیهان را - که تبعه پاکستان مقیم تهران بود - به سردبیری روزنامه کیهان انگلیسی منصوب کردم. یکی از جوانانی که شور انقلابی داشت و به کیهان آمده بود، و ظاهراً مدتی هم در آمریکا بوده و تحصیلاتی هم داشته است، داوطلب همکاری با کیهان انگلیسی شد، اما بر خلاف ادعایش بر زبان انگلیسی تسلط لازم را نداشت و دائماً با سردبیر در جنگ و جدال بود. انتشار کیهان انگلیسی با استقبال خوبی روبه‌رو شد.

علاوه بر کیهان انگلیسی، به همت یکی از همکاران هیئت تحریریه - که به زبان عربی تسلط داشت - کیهان عربی روزانه نیز منتشر شد. کیهان عربی در کشورهای عربی، بخصوص در کویت و امارات، تیراژ بالایی پیدا کرد.

### ۸ - گزارش مالی کیهان

از آقای مهندس میرخانی خواستم تا در اولین فرصت، وضعیت مالی مؤسسه را گزارش دهد. آقای مهندس میرخانی گزارش مالی زیر را که حسابداری تهیه کرده بود، ارائه کرد:

گزارش حسابداری

برادرم دکتر ابراهیم یزدی

پیرو مذاکرات حضوری، بعد از مسافرتم از حسابداری خواستم عین عملیات یک‌ساله را تهیه نموده و مستند آن را امضا نماید و در اختیارتان باشد تا اگر دشمن خواست با شایعه و تهمت به انقلاب ضربه بزند، با رقم و جدول حسابداری با مدرک به او تودهنی بزنید. امیر میرخانی

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۶۹۹

ملاحظه می‌فرمایید:

- ۱- منبع ۱۷ میلیون نبوده، بلکه ۱۳/۶ میلیون بوده است.
  - ۲- از رقم مذکور، ۱۱ میلیون تومان حقوق عقب‌افتاده کارگران پرداخت شده است.
  - ۳- ۱/۲ میلیون، پرداخت بازخرید شده است.
- باتوجه به اینکه از طریق بازخریدهای انجام‌شده، که به‌صورت اقساط پرداخت گردیده، ماهیانه یک میلیون و چهارصد هزار تومان به نفع مؤسسه، صرفه‌جویی شده است. صورت مقایسه موجودی مؤسسه در پایان اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ و پایان اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

شرح: اردیبهشت ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ۱۳۵۹

۱۱۰۴۴۰۴۶	۱۱۷۰۹۸۰۵۹	صندوق
۵۸۷۶۰	۱۵۳۶۶۷۴	وجوه در راه
۲۵۳۲۸۰۴۵	۱۷۸۱۸۱۸۹	بانک‌های بدهکار
۵۳۵۳۱۰۷۴۲	۵۷۶۹۲۶۰۶۲	بانک‌های بستانکار
۳۰۰۹۰۲۳۵۲	۱۲۱۱۸۶۲۷	بازخرید مزایای پایان خدمت

### یادداشت‌ها

- ۱- کل صرفه‌جویی حقوق و مزایا از محل بازخریدهای سال ۱۳۵۸، مبلغ ۱۴۱۹۲۲۱۵ به طور ماهیانه با توجه به تاریخ بازخرید می‌باشد.
- ۲- مبلغ ۱۱۰۶۴۴۷۷۰ ریال بابت حقوق عقب‌افتاده ۱۳۵۷ که در سال ۵۸ پرداخت گردیده.
- ۳- اندوخته مزایای پایان خدمت ۲۵۲۱۹۰۸۳ ریال (چون محاسبه مزایای پایان خدمت بر اساس جدول ارسال شده، انجام گرفته بود و بعداً توسط آقای مهدیان تعدیل و حداکثر تا مبلغ یک میلیون ریال پرداخت گردید. کل مبلغ فوق از مزایای پایان خدمت کسر می‌گردد.

## ۷۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- خالص بازخرید، مبلغ ۲۷۵۶۸۳۲۶۹ ریال می‌باشد.  
در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۳ صورت هزینه و درآمد مؤسسه در سال ۱۳۵۸ و اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹

ماه	جمع درآمدها در هر ماه	جمع هزینه‌ها در هر ماه	ملاحظات
اردیبهشت ۵۸	۱۶۵۸۵۲۲۵۰	۱۴۶۲۱۱۸۳۹	
خرداد ۵۸	۱۵۲۲۲۶۵۴۹	۱۶۶۴۴۱۴۲۳	
تیر ۵۸	۱۱۸۹۷۴۹۳۳	۱۵۹۳۷۷۱۳۴	
مرداد ۵۸	۱۰۷۸۲۵۹۶۳	۳۶۷۷۶۰۷۲۰	
شهریور ۵۸	۱۲۱۳۳۰۴۷۰	۱۷۳۷۲۴۸۷۴	
مهر ۵۸	۱۳۴۶۱۷۱۳۷	۱۸۱۷۶۹۳۲۸	
آبان ۵۸	۱۲۵۹۶۲۵۹۳	۱۱۷۰۱۵۸۵۸	
آذر ۵۸	۱۴۰۵۵۳۸۵۶	۱۱۸۸۲۴۹۳۲	
دی ۵۸	۱۳۳۳۵۲۷۸	۱۵۳۰۱۲۸۹۰	
بهمن ۵۸	۱۴۸۴۹۱۱۷۳	۱۴۹۶۵۴۷۵۴	
اسفند ۵۸	۱۴۱۸۹۷۲۸۵	۲۶۸۹۸۲۰۱۲	
فروردین ۵۹	۱۰۹۵۹۵۱۷۶	۱۰۴۹۰۴۹۹۰	
اردیبهشت ۵۹	۱۴۹۱۰۶۲۷۰	۱۴۲۸۴۲۴۰۸	
حسابداری	۱۳۵۹/۳/۱۳		

۹- گزارش به رهبر انقلاب از وضعیت کیهان و درخواست انتقال اموال کیهان  
پس از انقلاب، اموال آقای مصباح‌زاده، در تهران و شهرستان‌ها مصادره و به بنیاد مستضعفان واگذار شده بود، اما وام‌هایی را که آقای مصباح‌زاده از بانک‌ها گرفته بود، همه به نام مؤسسه کیهان بود و کیهان می‌بایستی این بدهی‌ها را به بانک پردازد و می‌پرداخت. پس از مطالعه وضعیت و مشورت‌هایی که انجام شد، طی نامه‌ای به رهبری، به شرح زیر، پیشنهاد شد که بنیاد مستضعفان از محل اموال مصادره‌شده آقای مصباح‌زاده، بدهی‌های ایشان به بانک‌ها را که به نام مؤسسه گرفته شده است، پردازد.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۰۱

بسمه تعالی

شماره ۱۳۵۹/۶/۱-۵۴۶۷

محضر آیت‌الله العظمی امام خمینی دام ظلّه

بعد از سلام، همان‌طور که توجه آن حضرت و تذکرات و رهنمودهایتان در زمینه امور فرهنگی و خط‌مشی سیاسی روزنامه، همیشه راهگشای ما در بن‌بست‌ها و معضلات بوده، به نظر رسید معضلات مالی کیهان را نیز به اختصار به عرض آن حضرت برسانم تا چنانچه مقتضی دانستند اوامر لازم را صادر فرمایید.

بیان مؤسسه کیهان در سال‌های ۵۷ و ۵۸ به ترتیب ۴۵ و ۶۰ میلیون تومان ضرر نشان می‌دهد و در بدو ورود من، کیهان ماهانه ۵/۳ میلیون تومان کسر بودجه داشته که برادر مهدیان با این مشکل از طریق به تعویق انداختن پرداخت حق بیمه و مالیات حقوق که ماهانه از حقوق کارکنان کسر می‌شود، مقابله می‌کردند که البته در درازمدت، راه حل قابل قبولی نیست و بر مشکلات می‌افزاید که یکی از آنها، خودداری بیمه‌های اجتماعی از دادن خدمات به کارکنان کیهان می‌باشد.

باید به عرض برسانم این مشکلات مالی کیهان، علی‌رغم اقداماتی است که تا به حال انجام داده‌ایم که عمده آنها عبارتند از:

۱- کیهان بالاترین تیراژ را در بین مطبوعات کشور دارد و بعد از شروع کار این جانب، به علت استقبال مردم از خط‌مشی کیهان، تیراژ روزنامه حدود ۳۰ تا ۳۵٪ بالا رفته است.

۲- بازخرید کردن تعدادی از کارمندان زاید و دو شغله و بازنشسته کردن آنها، و همچنین اقدامات وسیع و مفید برای صرفه‌جویی در خرید نیازمندی‌ها و لوازم. صرفه‌جویی از بابت خرید کاغذ مصرفی کیهان، ماهانه ۳۵۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

ریشه معضلات مالی کیهان عبارت است از اینکه صاحبان قبلی آن، هنگام فرار، حدود ۹۵ میلیون تومان به بانک‌های کشور بدهکار بوده‌اند. بعد از انقلاب، نه تنها این بدهی‌ها به حساب کیهان منظور شده، بلکه بهره‌ای معادل ۷/۱۱ در صد نیز به آنها تعلق می‌گیرد؛ به طوری که ۹ میلیون تومان از زیان ۶۰ میلیون تومانی کیهان در سال ۵۸ را همین بهره به بدهی‌های عوامل فراری تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر میلیون‌ها تومان املاک و مستغلات همین عوامل فراری از ویلاها و منازل و مزارع و اتومبیل‌ها و اثاثیه

## ۷۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

آنها به تصرف بنیاد مستضعفین درآمده است، لکن بنیاد، کوچک‌ترین توجهی به پرداخت بدهی‌های آنها به بانک‌ها ندارد. این وضع، مؤسسه کیهان را به آستانه ورشکستگی کشانده است. لذا چنانچه آن حضرت مقتضی می‌داند به منظور نجات یک ارگان فرهنگی اصیل از ورشکستگی و توقف قطعی و ممانعت از بی‌کاری حدود ۲۰۰۰ خانوار وابسته به آن در سراسر ایران، نسبت به بررسی و تحقق سه پیشنهاد زیر اوامر مقتضی صادر فرمایید.

۱- بنیاد مستضعفان، کلیه املاک و دارایی‌هایی را که از صاحبان فراری کیهان و وابستگان‌شان مصادره نموده است، بابت بدهی آنها به بانک واگذار نماید.

۲- پس از واگذاری املاک و مستغلات به بانک‌ها بابت بدهی، آنچه از بدهی می‌ماند بانک ملی آن را برای ده سال بدون تعلق بهره مسکوت اعلام نماید تا پس از این مدت با بهبود وضع مالی، مؤسسه قادر به پرداخت آن بشود.

۳- بانک مرکزی ایران یک اعتبار ده میلیون تومانی بدون بهره برای مدت ده سال در اختیار مؤسسه کیهان قرار دهد تا بتوانیم از مرحله بحران ورشکستگی فعلی بیرون بیاییم و خدمت ناقابل خود را تداوم بخشیم.

حضرت امام، این جانب اعتماد راسخ دارم که با اجرای سه پیشنهاد فوق و طرح یک برنامه درازمدت، هم می‌توان مؤسسه را از ورشکستگی نجات داد و هم آن را به یک مؤسسه فرهنگی خودکفا تبدیل نمود که نه تنها بودجه آن باری بر دوش جامعه نباشد، بلکه به نفع مستضعفان درآمدساز نیز باشد. با آرزوی سلامتی و طول عمر آن حضرت.

ابراهیم یزدی

متأسفانه مسئولان بنیاد مستضعفان به شدت با این پیشنهاد مخالفت و مانع‌تراشی کردند. مشکل مصادره اموال بدون توجه به بدهی اشخاص به بانک‌ها تنها منحصر به کیهان و اموال مصباح‌زاده نبود، بلکه تقریباً در تمام موارد چنین بود.

### ۱۰- درخواست موافقت با انتقال آقای شاکری به کیهان

با تجدید سازمان اداری کیهان، به یک متخصص حسابداری وارد و مورد اعتماد نیاز پیدا شد. چون با آقای ابراهیم شاکری آشنایی قدیمی داشتم، از ایشان برای همکاری در

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۰۳

کیهان دعوت کردم. ایشان نیز برای همکاری با کیهان، اعلام آمادگی کرد. طی نامه‌ای به سازمان امور اداری و استخدامی کشور، موافقت با مأموریت ایشان را درخواست کردیم که موافقت شد.

جناب آقای ابراهیم یزدی، سرپرست مؤسسه کیهان

تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۸ - شماره ۲۱۰۸/۳۱

بازگشت به نامه شماره ۳۷۲۶ مورخ ۱۳۵۹/۴/۱۶ در مورد مأموریت آقای ابراهیم شاکری شمیرانی اشعار می‌دارد:

سازمان امور استخدامی کشور از نظر همکاری با مأموریت آقای ابراهیم شاکری شمیرانی به استناد لایحه قانونی نحوه اعزام مستخدمین دولت به عنوان مأمور به نهادهایی که در جریان انقلاب ایجاد شده یا می‌شوند، مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۲۲ شورای انقلاب جمهوری اسلامی با حفظ پست ثابت سازمانی موافقت دارد و چون بنیاد مستضعفان از نهادهایی است که در جریان انقلاب اسلامی ایران ایجاد شده است، بنابراین، مأموریت مستخدمین دولت بر اساس تقاضای مسئولان بنیاد مزبور، امکان‌پذیر می‌باشد.

لذا خواهشمند است دستور فرمایند در این مورد از طریق بنیاد مستضعفان اقدام نمایند.

مصطفی کتیرایی - دبیرکل سازمان اموراداری و استخدامی کشور

### ۱۱- نامه آقای محمد نجاتی دانش، بازرس ویژه مؤسسه کیهان

بسم الله تعالی

برادر ارجمند و استاد گران قدر جناب آقای دکتر یزدی، دامت توفیقاته عمده مطالب بر سلامتی و توفیق یافتن هرچه بیشتر این جانب در مسائل مختلف و مشکلات در تمام امور می‌باشد. پس از عرض سلام، ارادت و مودت قلبی از اینکه یک همکار ناچیز و عضو کوچک مؤسسه کیهان در مقام اظهار نظر و تصدیق برآمده و نکاتی چند را برای مزید اطلاع و یادآوری به عرض رسانده و چند لحظه وقت گران‌بهای جناب‌عالی را می‌گیرد، قبلاً پوزش خواسته و استدعای عفو دارد.

## ۷۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱- جناب آقای دکتر یزدی، جناب عالی علی‌رغم یک عده افراد تازه به دوران رسیده، و عقده‌ای و فرومایه و سیه‌دل که به ناحق مقام را تصاحب کرده‌اند، شخصیت بین‌المللی و سیاستمدار مدبر و چهره شناخته شده‌ای هستید که صدها بار دوربین رادیو - تلویزیون‌های دنیا شما را به جهان معرفی و هم‌اکنون در رأس بزرگ‌ترین مؤسسه بین‌المللی و خبری و جزو عمده‌ترین رسانه‌های مشهور دنیا به شمار می‌رود، قرار گرفته‌اید؛ خاصه که از طرف امام امت با تمام اعتماد و اطمینانی که به شما داشته‌اند، بدین سمت انتخاب و منصوب شده‌اید و بار تمام مسئولیت این مؤسسه و نشریه عظیم آن، برعهده شخص جناب عالی است که با مختصر نارسایی ناشی از طرف دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه، تنها شما پاسخگو خواهید بود و لاغیر. (نام نیکی گر بماند زادمی / به کز او ماند سرای زرنگار).

۲- با انتصاب شما بدین سمت، یک عده دوستان و آشنایان آن‌ها - که نظیر آنها در گوشه و کنار این مملکت زیادند و هم اکنون با حقوق و درآمدهای بالا در مشاغل مختلف به کار مشغولند - از نظر وجدانی و انسانی باید در بدو امر در مقابل خداوند یکتا و قرآن کریم سوگند یاد کنند که تمام سعی و کوشش و ابتکار خود را برای پیشبرد و پیشرفت مصالح و منافع مؤسسه کیهان از هر جهت - با در نظر گرفتن ضوابط، نه روابط - به کار برده و پرستیز و حیثیت و آبروی شما را که همه چیز به آنها بخشیده‌اید، با توجه به خصلت نیکو و انسانی آن جناب از هر جهت حفظ منافع و مصالح مؤسسه و جناب عالی را بر مطامع و مصالح خویش ترجیح دهند. همچنان که قرآن کریم فرموده: «هل جزاء الإحسان الا الإحسان» یا مفاد «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» را در نظر بگیرند.

۳- در مؤسسه کیهان، کارمندان قدیمی - که از مدت‌ها به کار مشغولند - به کارمندان جدید منتخب شما به چشم بیگانه نگریسته، آنچه بنده تشخیص داده‌ام یا کم‌کاری می‌کنند، یا کندکاری، و یا کارها را از مسیر اصلی و طبیعی منحرف می‌سازند که در هر صورت، عمل آنها نارسایی به بار آورده و به زیان دستگاه تمام می‌شود؛ زیرا آنها نمی‌توانند ببینند و راضی نخواهند شد با سوابق زیاد و درآمدهای کلان در گذشته، ریاست کارمند تازه‌وارد و جدیدالاستخدام را تحمل کرده و از آنان فرمان ببرند که در



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۰۵

این صورت، باید همکاران مراقب و مواظب اعمال آنان باشند. در صورت تداوم عندالافتضا تصمیم لازم اتخاذ خواهند نمود.

۴- در صورت امکان تفویض هر گونه مشاغل بر مبنای درایت و کاردانی و مدیریت و تجربه و با تمام اینها در پاره‌ای اوقات در بعضی مشاغل، شرط سنی هم اگر در نظر گرفته شود، فکر می‌کنم بهتر خواهد شد.

۵- در انتخاب نمایندگان و سرپرستان شهرستان‌ها حسن شهرت، خوش‌بین بودن، داشتن سابقه کار در امور مطبوعات، همچنین داشتن کارآیی کامل اگر ملاک عمل قرار بگیرد، بهتر است؛ چه که خبرنگار و نماینده روزنامه، مظهر و معرف آن نشریه به شمار می‌رود؛ تنها درست و خوب بودن ظاهری کافی نیست.

در خاتمه، چون وقت آن جناب بسیار ذی‌قیمت و از طرفی با زیادی ارباب رجوع آن هم با وقت کمی که بعد از ظهرها دارید، این قبیل مسائل را با بودن افراد نمی‌توان به‌طور شفاهی و حضوری به عرض رساند؛ لذا در مقام تصدیق برآمده عقیده و نظر خودم را به‌صورت کتبی معروض داشته و اتخاذ هر گونه تصمیم با شخص جناب‌عالی خواهد بود. توفیق هرچه بیشتر را از پیشگاه خداوند متعال و ارواح پاک اولیای مقرب حق تعالی صمیمانه مسئلت دارد.

با تقدیم احترام فائقه.

محمد نجاتی دانش - بازرس ویژه مؤسسه کیهان

### ۱۲- نامه تعدادی از اعضای شورای کارکنان اداری مؤسسه کیهان

کارکنان اداری کیهان در دوران مبارزات انقلاب، شورایی را انتخاب کرده بودند و با مدیریت کیهان همکاری می‌کردند. پس از شروع به کارم در مؤسسه، جمعی از اعضای این شورا، نامه‌ای نوشتند و در مورد همکاری با مدیریت جدید، نظراتی در مورد ادامه کار شورا ارائه دادند و درخواست‌هایی را مطرح کردند. در نشستی با این افراد و گفتگو برای ادامه همکاری با آنها به توافق رسیدیم.

شورای کارکنان اداری مؤسسه کیهان، اگرچه در دوران انقلاب شکل گرفته بود، اما آنچه بعد از انقلاب هنوز پابرجا بود، سومین شورا بود. پس انقلاب، در مورد مواضع

## ۷۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

سیاسی و حقوق صنفی میان اعضای شورا، اختلافاتی بروز کرد. جمعی از اعضای این شورا، نامه‌ی زیر را فرستادند.

بسمه تعالی  
محرمانه

نماینده‌ی محترم امام برادر دکتر یزدی

موضوع: شورا در کیهان و شورای فعلی

درودهای ما را بپذیرید. ما گروهی از اعضای شورای کارکنان اداری مؤسسه‌ی کیهان لازم دیدیم آنچه را کم و بیش از اوضاع و احوال کارکنان به عرضتان رسیده، طی نامه‌ای کوتاه ارائه کنیم و از جناب عالی نه به‌عنوان سرپرست و مدیر مؤسسه‌ی کیهان که به‌عنوان نماینده‌ی امام نظرخواهی نماییم.

شورای کارمندی که امروز به‌صورت یک واقعیت وجود دارد، سومین شورایی است که بعد از پیروزی انقلاب تشکیل شده است. و هر بار جبهه‌ی نمایندگی مسلمانان و متعهد در شورا قوی‌تر شده است. کارمندان متعهد و مسلمانان از ابتدا تلاش می‌کردند. حال که مسئله‌ی شورا بدون شناخت دقیق و عمیق آن مطرح شده، لااقل در جهت انقلاب اسلامی قرار گیرد؛ لذا با همه‌ی برچسب‌هایی که عناصر ضدانقلاب و عوامل سرخورده از انقلاب به مسلمانان می‌زدند و آنان را ضد شورا و مخالف با موازین دموکراتیک می‌دانستند، سعی شد تا حال که شورا به‌عنوان یک ضرورت و آن هم قبل از شناخت واقعیت آن مطرح است، در شورا نفوذ داشته باشند و بحمدالله این تلاش‌ها نیز مؤثر واقع شد به‌طوری که در آخرین شورای اداری (شورای فعلی)، ابتکار عمل در دست عناصر مؤمن به انقلاب بود. شورای فعلی اداری تا مدتی پیش (یکی - دو هفته قبل) کار خود را منظم و در جهت مصالح عموم انجام می‌داد. کمیته‌های مختلف تشکیل شده بود که در هر کدام از آنها اکثریت اعضا را برادران صالح و صادق تشکیل می‌دادند.

**نقش مدیریت جدید در به‌هم زدن توازن نیرو در شورا**

به هر تقدیر کار شورای اداری با همه‌ی نکات و جنبه‌های مثبت و منفی و به‌طور مشخص اگرچه لنگان لنگان می‌توانست دست قدرتمندی برای پیشبرد اهداف انقلاب جهت ساختن و سامان دادن به اوضاع آشفته‌ی کیهان باشد، ولی چند روز از ورود شما

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۰۷

به کیهان نگذشته بود که علم جدیدی برافراشته گردید و آن مسئله اضافه حقوق کارمندان مؤسسه بود که در زمان شما دستور پرداخت آن صادر گردیده و جزء لیست حقوقی رفته است، به طریقی که خود می‌دانید. بدین ترتیب سوژه‌ای عالی برای جناحی که همیشه خواسته است تا مدیریت و به‌طور عام انقلاب اسلامی تضعیف شود، به دست آمد. مدیریت با تصمیمی این‌چنین ناشیانه، کاری کرد که نیروی ما در شورای اداری تضعیف شود و بار دیگر جناحی که همیشه عینک سیاه بر چشم دارد و منتظر است تا عیب و ایرادی ببیند و آن را اگر اندیسمان کند به قدرت رسد. ما که در شورای اداری خوشبختانه موفق شده بودیم اکثر آرا را به خود اختصاص دهیم، قبل از اقدام مدیریت در زمینه اضافه حقوق سالیانه، با قدرت هرچه بیشتر و با قاطعیت جلو کج‌روی‌ها را می‌گرفتیم، در مقابل مسئله اضافه حقوق نتوانستیم موضع قاطعی اتخاذ کنیم؛ چرا که این تصمیم مدیریت و لو به وسیله آقای مهدیان گرفته شده باشد، به دست شما و برادرمان میرخانی به اجرا گذاشته شد و این کار قابل دفاع نبوده و نیست؛ بخصوص اینکه مدیریت نیز جواب روشنی در این خصوص نداده است.

راستی چگونه می‌توان از تبعیض بین کارگر و کارمند دفاع کرد و یا آن را نادیده گرفت؟ مطمئناً اگر امروز برادران متعهد در شورای کارمندی که همیشه در راه حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی تلاش و مبارزه کرده‌اند، رو به اضمحلال می‌روند، و می‌روند تا در شکم سندیکایی هضم شوند که کمتر به واقعیت‌ها می‌نگرد، دلیل عمده‌اش همین بی‌توجهی و سهل‌انگاری و قصور در رفع این تبعیض نارواست. بی‌تردید موکلین ما هم انتظار دارند از حقوق حقه‌شان دفاع کنیم، و اگر جز این باشد، بخش قابل توجه و عظیمی از کارمندان نیز به سوی جناح سندیکایی خواهند رفت و در آینده، هیچ تضمینی وجود ندارد که شورا بتواند از موضع حقانیت حرکت کند. ما این مهم را با توجه به شناخت و تجربه‌ای که از اعضای شورای کارمندان داریم، می‌گوییم. حال که توازن نیرو در شورا به نفع جناحی تغییر کرده است که هیچ‌گاه توافقی و تطابقی با آن نداشته‌ایم، از جناب عالی به‌عنوان نماینده امام خمینی سؤال می‌کنیم که:

بمانیم یا برویم؟

## ۷۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

چه باید کرد؟ در شورا بمانیم و به مبارزات خود جهت رفع مشکلات کیهان ادامه دهیم؟ اگر ماندیم از چه دفاع کنیم؟ آیا بیانیه بر علیه مدیریت را امضا کنیم؟ شما بگویید با توجه به حکمی که امام به حضرت عالی داده‌اند و در آن کمک گرفتن از کارمندان متعهد را قید فرموده‌اند چه تکلیفی بر عهده ماست؟ اگر شما جای ما بودید و می‌دیدید که از موضع قدرت به موضع ضعف کشیده شده و می‌شوید و در برابرتان هم نماینده امام وجود دارد، چه می‌کردید؟ آیا از نمایندگی کارکنان استعفا می‌دادید؟ حال منتظریم که بدانیم که چه باید کرد؟

برادر عزیزمان آقای دکتر یزدی، خواهش ما این است که هرچه زودتر ما امضا کنندگان ذیل (گروهی از نمایندگان شورای اداری کارکنان مؤسسه کیهان) را از بلا تکلیفی به‌در آورید تا بیش از این در جوی که بر شورا حاکم شده، معلق نمانیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

به نام خدا

۱۶ اوت ۱۹۸۰

امضای آقایان: شکرالله دلاوری، ابراهیم تبریزی، حسین حجتی، مجتبی صمدی، نایبی، مرتضی اعتمادی و پنج امضای دیگر که خوانا نیست.

### ۱۳- نامه‌های آقای منصور تاراجی: اعلام آمادگی برای همکاری

چند روز پس از شروع به کار در کیهان، آقای منصور تاراجی، طی نامه‌ای به آقای مهدیان، آمادگی خود را برای همکاری با کیهان اعلام نمود. متن نامه ایشان بدین شرح است:

«برادر بسیار عزیزم جناب آقای مهدیان

پس از عرض سلام و آرزوی موفقیت برای جناب عالی پیرو مذاکراتی که حدود دو ماه قبل در تهران با هم داشتیم، اینک آمادگی خود را برای همکاری با مؤسسه کیهان و شخص شما و آقای دکتر یزدی اعلام می‌کنم. نامه مفصل و جداگانه‌ای برای آقای دکتر یزدی نوشته‌ام. این نامه را می‌توانید باز کنید بخوانید، یا در بسته به آقای دکتر یزدی بدهید، یا آنکه اگر مایل بودید حامل این نامه آن را به ایشان برساند و بسپارد. به هر حال شما صاحب اختیار هستید. حقیقت این امر آن

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۰۹

است که در این باره، زیاد فکر کردم و راه و روش خود را بیشتر به کیهان نزدیک دیدم تا به روزنامه اطلاعات. در اطلاعات، افراد تازه‌ای آمده‌اند که من زیاد روش، منش و خط آنها را نمی‌پسندم. مطالب اطلاعات، بسیار سطحی و کودکانه و پیش پا افتاده و بی‌محتوا شده است. اگر حمل بر خودستایی نشود اجازه می‌خواستم بگویم که مقالات مذهبی و اسلامی دورانی که من در روزنامه اطلاعات مسئولیت داشتم، به مراتب پرمحتواتر و غنی‌تر از امروز بود. یک نگاه به آن صفحات، شاهد عادلانه‌ای برای اثبات این مدعا است.

برادر عزیزم، وقایعی در روزنامه اطلاعات روی داده است که متأسفانه امثال من که با همه وجود در خدمت انقلاب قلم می‌زدیم، مجبور شدیم قلم‌ها را در نیام فرو ببریم. شخص جناب آقای دعایی، بسیار با حسن نیت، صادق، پرکار و با عطف هستند؛ تنها بعضی همکاران، روشی اتخاذ کرده‌اند که نه با انقلاب عظیم ایرانی سازگار است و نه با خوی و مشی کسانی چون بنده حقیر سراپا تقصیر. شاید هم من اشتباه کنم، ولی به هر حال مضحک در اینجا است که آنها تصور می‌کنند من افکار چپی یا توده‌ای دارم؛ یعنی مدت بیست سال ساواک و دستگاه اهریمنی و جلادان شاه نفهمیدند؛ آن وقت آقایان این کشف بزرگ را کردند که ... توده‌ای است؛ آن هم در سن پنجاه سالگی. عجا که ماندیم و با کشفیات پیروان خطوط مختلف آشنا شدیم.

مهدیان عزیز، برای من دو راه باقی مانده بود: یا خاموش بمانم، تسلیم شانتاژ شوم و قلم را تعطیل کنم و یا زمینه تازه‌ای برای انقلاب عظیم و ایرانی بیابم. راه دوم را به توصیه یک سال اخیر شما پذیرفتم. می‌دانید که چقدر به شما ارادت دارم و محبت‌های انسانی شما در من چه اثر عمیقی برجای گذاشته است! به هر حال من امروز در اختیاران قرار دارم و هر ارشادی که بکنید با دل و جان پذیرا خواهم بود؛ چون شهامت، شجاعت، مبارزات و پایداری شما در برابر طاغوتیان همیشه برای من درس بزرگی بوده و خواهد بود.

برادر شما منصور تاراجی

مدتی بعد آقای تاراجی، دو نامه دیگر نیز برای ما نوشت که یکی خطاب به من بود و دیگری باز هم خطاب به آقای مهدیان؛ با این تفاوت که در نامه‌های بعدی، طرح و

## ۷۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

برنامه خود برای کار در «روزنامه کیهان» را به تفصیل شرح داده بود. این نامه‌ها به شرح زیر بودند:

برادر گرامی جناب آقای دکتر یزدی

به نام خدا

۱۶ اوت ۱۹۸۰

پس از عرض سلام و آرزوی توفیق شما در خدمت به انقلاب ایران، به استحضار می‌رساند پیرو مذاکرات حضوری در تهران که حدود دو ماه قبل در دفتر کار شما صورت گرفت، اینک آمادگی خود را برای همکاری با «روزنامه کیهان» اعلام می‌دارم. همان‌طور که شفاهاً عرض شد، متأسفانه مطبوعات ایران در خلق مطالب تحلیلی در زمینه مسائل ایران و جهان کم‌مایه و تهی هستند. هنوز در بسیاری از موارد، ما وابسته به بیگانگان هستیم و اجباراً اخبار و مطالبی را که آنها از زاویه دید منافع‌شان تهیه کرده‌اند، برای خوانندگان خود ترجمه می‌کنیم. این، غم‌انگیز است که انقلاب ایران با تمام ابعاد عظیمی که در جهان یافته است، مطبوعاتش در بسیاری از وقایع مهم جهانی، حضور ندارد. وقتی در مسائلی که مستقیماً به سرنوشت انقلاب ایران مربوط می‌گردد، از خبرنگاران خارجی استفاده می‌کنند؛ یعنی محصول کار آنها را تحویل جامعه ایرانی می‌دهد.

اخبار کنفرانس‌های جهانی را که در ارتباط با انقلاب ایران تشکیل می‌شود، خبرگزاری‌ها یا مطبوعات خارجی برای ایرانیان تهیه می‌کنند و این، اوج وابستگی معنوی مطبوعات به بیگانگان است. برای از بین بردن این وابستگی، ضروری است گام‌های نخستین برداشته شود. از آغاز انقلاب ایران، من در این راه تلاش کرده‌ام. شما به یاد دارید که نخستین روزی که امام خمینی وارد پاریس شدند، من با چه تلاشی خود را به شما رساندم و تا پیروزی انقلاب، یکه و تنها، اخبار و گزارش‌های خود را در نوفل‌لوشاتو برای مطبوعات ایران می‌فرستادم.

بعد از انقلاب سعی کردم از طریق مصاحبه با رهبران جهان و تهیه گزارش از کانون‌های مشرقی جهان، رابطه بین مطبوعات ایران و جهان سوم را تحکیم بخشم، به جنوب لبنان سفر کردم و شش گزارش از انقلاب فلسطین تهیه و منتشر کردم. سپس از سوریه، لیبی، الجزایر، هند و افغانستان گزارش نوشتم و برای نخستین بار در جهان،

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۱۱

توانستم در دو نوبت با احمد بن بلا دیدار و مصاحبه کنم. شما می‌دانید که دسترسی به احمد بن بلا برای من چه مصائب و مشکلاتی را در پی داشت، ولی من توفیق یافتم سکوت پانزده ساله او را شکسته و در چهار شماره روزنامه اطلاعات هر شماره در یک صفحه، نظرات ایشان را پیرامون انقلاب اسلامی ایران و جهان منتشر کنم. بعداً بسیاری از مطبوعات خارجی، این مصاحبه را ترجمه و منتشر کردند و رادیوهای جهان به پخش آن اقدام نمودند.

در دو مصاحبه با آقای [دکتر ابوالحسن] بنی‌صدر سعی کردم ملت ایران را با نقطه نظرهای ایشان مأنوس و آشنا کنم. تقریباً بیلان کارم طی یک سال اخیر علاوه بر نخستین مصاحبه اختصاصی یک روزنامه‌نگار ایرانی با معمر القذافی کار آسانی نبود؛ چنانچه پس از شش ماه هنوز یک روزنامه‌نویس ایرانی، موفق به مصاحبه با ایشان نشده است و منظورم ذکر کارنامه فعالیت مطبوعاتی من طی دو سال اخیر نیست، بلکه خواستم اشاره‌ای داشته باشم به این مسئله که متأسفانه مطبوعات ایران، عناصر زنده و روزنامه‌نگار کارآمد کم دارد. حتماً شما از هیئت مطبوعاتی که در سفر الجزایر و کوبا همراهتان [بودند]، آزرده‌خاطر شدید؛ چون متأسفانه آنها به کارشان تسلط نداشتند؛ در نتیجه ره‌آورد سفرشان چیز قابل‌ملاحظه‌ای نبود. به هر حال همان‌طور که در تهران حضوراً صحبت کردیم، ما هم از این پس با «روزنامه کیهان» همکاری داشته باشیم. اگر شما نیز بر سر این توافق هستید، قلمرو کار من به شرح زیر خواهد بود.

۱- مصاحبه اختصاصی با رهبران کشورهای مختلف جهان به انتخاب شما یا خودم پیرامون رابطه آنها با انقلاب اسلامی ایران و مسائل جهان.

۲- ارسال هفته‌ای دو گزارش و مقاله در باره مسائل جهان و انقلاب ایران. مثال: جنگ تکنولوژی، تهیه بمب اتمی توسط عراق، انعکاس مبارزه دانشجویان ایرانی در اروپا، نفت و انرژی‌های جدید، فعالیت ضدانقلابیون ایرانی در اروپا، مطبوعات اروپا و انقلاب ایران و بزرگ‌ترین اعتصاب کارگران لهستان از ۱۹۶۸ تاکنون. این سوژه‌ها می‌توانست عنوان مقالات و گزارش‌های این هفته مرا تشکیل دهد.

۳- حضور در کنفرانس‌های مهم جهانی برای تهیه جزوه و مطلب برای روزنامه و احیاناً مصاحبه با گرداندگان و شرکت‌کنندگان در این کنفرانس‌ها.

## ۷۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- سفر به کشورهای جهان سوم و تهیه گزارش و مطلب از کانون‌های جنبش‌های آزادی‌بخش جهان با انتخاب خودم یا شما.

۵- ارسال سریع مطالب مهم جراید اروپا پیرامون اوضاع ایران.

۶- حضور در وقایع مهم جهان و تهیه خبر و مطلب برای روزنامه؛ مثلاً شما می‌توانستید جزو گزارش‌های دست اول از مبارزات اخیر دانشجویان ایرانی در لندن داشته باشید؛ همچنین در کنفرانس اخیر اوپک و یا انتخاب کارتر در کنوانسیون دموکرات‌ها. توضیح آنکه سفرهای من برای تهیه مطلب، یک سوم هزینه‌ای خواهد بود [نسبت به اینکه] اگر کسی از تهران فرستاده شود، مضافاً بر اینکه تجربه کار مرا نخواهد داشت.

۷- ارسال گزارش‌های روزانه برای روزنامه در ستون ویژه‌ای زیر عنوان جهان و انقلاب ایران و یا سرمقالات مطبوعات جهان.

۸- ایجاد این ستون در صورتی خواهد بود که هزینه تلفن آن را روزنامه تقبل کند؛ در این صورت من هر روز ساعت ۶ صبح به وقت فرانسه و ۸/۵ به وقت تهران حدود نیم ستون مطالب این صفحه را تلفنی خواهم گفت؛ البته این، ستون پرخرج ولی جالبی خواهد شد که ممکن است بعد از مدتی همکاری من با روزنامه، آن را دایر کرد.

۹- ارسال فوری خلاصه کتاب‌های مهمی که پیرامون انقلاب اسلامی ایران در جهان منتشر می‌شود و یا به نحوی برای خواننده ایرانی جالب است.

۱۰- زندگی ایرانیان مهاجر در اروپا و آمریکا.

برادر گرامی چنانچه مایل هستید که همکاری من با روزنامه کیهان عملی شود، خواهش می‌کنم دستور فرمایید اقدامات زیر صورت گیرد:

۱- ارسال نامه‌ای به آدرس من که در بالای این نامه، ذکر شده و یا تلفن به بنده - بهترین موقع ارتباطات تلفنی ۸/۵ صبح به وقت تهران است - در نامه تأیید شود که «روزنامه کیهان» مایل به همکاری باینده است و در واقع نوعی کلمه استخدامی.

۲- حقوق من که البته شامل هزینه خرید روزنامه، مجله و کتاب خواهد شد، در ماه حدود چهار هزار تومان خواهد شد. از این مبلغ حدود دو هزار تومان هزینه مطبوعات خواهد بود؛ یعنی مجموعاً روزنامه، چهار هزار تومان در ماه به من می‌پردازد و بقیه هزینه‌ها باخود من است.



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۱۳

۳- قبول پرداخت تلفن‌های فوری روزنامه جهت فرستادن خبر.  
۴- پرداخت حق‌التحریر به مقالات و گزارش‌های ارسالی من، همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، شرایط من بسیار سهل است؛ چون هیچ‌گاه نخواسته‌ام که با قلم مال‌اندوزی کنم. به همین جهت، امروز هنوز نیازمند کار کردن هستم، چه از نظر مادی چه معنوی. در انتظار سریع دریافت پاسخ آن برادر گرامی.  
با احترام - منصور تاراجی

### پ- دیدارهای دیپلماتیک در مؤسسه کیهان

به دلیل پیشینه همراهی با امام خمینی در پاریس، وزارت امور خارجه و عضویت در کمیسیون خارجی مجلس، برخی از شخصیت‌های جهانی و دیپلمات‌های کشورهای دیگر، روابط خود را با من حفظ کرده بودند و هنگامی که در مؤسسه کیهان بودم به مناسبت‌های مختلف به دیدار من می‌آمدند و در باره مسائل مختلف کشور گفتگو می‌کردیم. برخی از مهم‌ترین آن دیدارها عبارت بودند از:

#### ۱- ملاقات سفیر سودان با دکتر یزدی

سفیر سودان در ایران، ظهر دیروز در دفتر کار دکتر ابراهیم یزدی با وی ملاقات و گفتگو کرد. در این ملاقات، در مورد کنفرانس بزرگداشت سالگرد تأسیس «سازمان وحدت آفریقا» و علایق دو کشور ایران و سودان مذاکره شد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۳/۱).

#### ۲- ملاقات هیئت نمایندگی شیعیان لبنان با دکتر یزدی

هیئت نمایندگی شیعیان لبنان که برای پاره‌ای از مذاکرات به ایران آمده‌اند، صبح دیروز در دفتر دکتر ابراهیم یزدی حضور یافته و با وی ملاقات کردند. این هیئت به ریاست نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، محمدمهدی شمس‌الدین، جمعه گذشته به ایران آمده است (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۳/۲).

#### ۳- ملاقات سفیر کویت با دکتر یزدی

ساعت ۱۱ صبح دیروز، احمد عبدالعزیز الجاسم - سفیر جدید کویت در تهران - در دفتر کیهان و نماینده مجلس شورای عالی حضور یافت و با وی گفتگو و دیدار کرد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۳/۲).

## ۷۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

### ۴- ملاقات سفیر شوروی با دکتر یزدی

ساعت ۳ بعدازظهر دیروز، سفیر اتحاد جماهیر شوروی، در دفتر دکتر ابراهیم یزدی، با وی ملاقات و گفتگو کرد. در این ملاقات که حدود ۷۵ دقیقه به طول انجامید، روابط فی‌مابین دو کشور مورد بحث قرار گرفت. سفیر شوروی، چندی قبل برای عمل جراحی کیسه صفرا به مسکو رفته بود و در بازگشت، این اولین ملاقات وی با دکتر یزدی بود (روزنامه کیهان، ۱۲/۳/۱۳۵۹).

### ۵- ملاقات رهبر بوداییان جهان با دکتر یزدی

دیروز نیکویو نیوانا، یکی از رهبران بزرگ بوداییان جهان و رئیس سازمان بین‌المللی صلح - که جهت کنفرانس بررسی جنایات آمریکا به ایران آمده است - به دیدار دکتر ابراهیم یزدی به کیهان آمد. نوبوبوکی واگوچی، سردبیر مجله پرتیراژ هفتگی «شوکان آساهی» دکتر کورودا، استاد فلسفه و نیز خبرنگاران روزنامه‌های ژاپنی که برای شرکت در کنفرانس به تهران آمده‌اند، برای مصاحبه با دکتر یزدی وی را همراهی کردند. متن کامل مصاحبه با این میهمانان در کیهان شنبه منتشر خواهد شد (روزنامه کیهان، ۱۶/۳/۱۳۵۹).

البته پیش از این و در ۱۴/۳/۵۹ برای شرکت در مراسمی به سفارت شوروی دعوت شده بودم.

### ۶- دعوت جماعت اسلامی جامو و کشمیر از دکتر یزدی

جماعت اسلامی جامو و کشمیر، طی نامه‌ای دوستانه، از دکتر ابراهیم یزدی دعوت کرد تا در کنفرانس بین‌المللی سیرت شرکت کند. این کنفرانس از ۱۷ خرداد در سریناگار، پایتخت کشمیر برگزار خواهد شد (روزنامه کیهان، ۲۱/۳/۱۳۵۹).

فهرست برخی دیگر از دیدارهای مهم دیپلماتیک، در دوره‌ای که نماینده مجلس و همزمان مدیر مؤسسه کیهان بودم، به شرح زیر است:

دیدار با خورشید احمد، از رهبران جماعت اسلامی پاکستان، در ۱۴/۳/۵۹

دیدار با نماینده هنگ کنگ، در ۱۷/۳/۵۹

دیدار با سفیر پاکستان، در ۲۸/۳/۵۹

دیدار با سفیر لیبی در ایران، ۳۰/۳/۵۹

دیدار با سفیر اتریش، در ۹/۴/۵۹

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۱۵

دیدار با وابسته مطبوعاتی سفارت انگلیس، در ۵۹/۴/۱۱

دیدار با سفیر بحرین، در ۵۹/۴/۲۳

دیدار با وابسته مطبوعاتی سفارت انگلیس، آقای دیوید ردائی در ۵۹/۴/۲۳

دیدار با سفیر هند، در ۵۹/۵/۴

دیدار با همایون کبیر، سفیر بنگلادش، همراه با نماینده مجلس و معاون وزارت

بازرگانی بنگلادش در ۵۹/۶/۸

دیدار با سفیر هند، در ۵۹/۷/۱۶

شرکت در مراسم سفارت شوروی، در ۱۵ آبان ۵۹

دیدار با سفیر پاکستان، در ۱۳۵۹/۷/۱۴

دریافت گزارش برادران سودانی در باره لیبی، در ۵۹/۱۲/۲۱

### ۷- برخی از دیدارها و سفرهای داخلی

همراهی با آقای هاشمی رفسنجانی در دیدار از بنیاد مسکن بلوچستان، در ۱۳۵۹/۲/۱.

دعوت وزیر امور خارجه در ۵۹/۱۰/۱۴ برای شرکت در گردهمایی سفرا و نمایندگان

ایران در کشورهای خارجی.

دیدار با کارکنان بیمه ایران، در ۱۳۵۹/۷/۱۴.

دعوت و حضور در آموزش سیاسی جهاد سازندگی در دانشگاه امیر کبیر (پلی

تکنیک)، در ۵۹/۴/۲۲.

دیدار با آقای سالمی به نمایندگی از طرف عشایر بنی کعب خوزستان.

دیدار با جمعی از مولوی‌ها و مردم بلوچستان، در فروردین ۵۹ (متن کامل این گفتگو

در فصل اول این خاطرات: «رسیدگی به مشکلات و بحران‌های شهرستان‌ها» آمده

است).

سفر به استان زنجان، در ۱۳۵۹/۳/۱۶.

سفر به شیراز و کازرون و سخنرانی در پادگان مسجد وکیل، ۵۹/۶/۱۷.

### ت- نامه‌های اعتراضی به روزنامه کیهان

این نامه‌ها با متن‌ها و موضوعات مختلف به کیهان نوشته شده‌اند. محور و موضوع

اعتراض‌ها دو قسم بودند: اعتراض‌های شخصی و اعتراض‌های سیاسی.

## ۷۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

قسمت اعتراض‌های شخصی: با وجود دقت‌ها و کنترل‌های مکرر، در مواردی اخبار و مطالبی چاپ می‌شد که گاهی نام اشخاص در آنها می‌آمد که مورد اعتراض قرار می‌گرفت. اعتراض این اشخاص عیناً در روزنامه چاپ می‌شد. دو نمونه از این نوع اعتراض‌ها را در اینجا می‌آورم:

### ۱- نامه آقای جمال شمیرانی

جناب آقای دکتر یزدی  
دوم شهریورماه ۱۳۵۹  
برادر ارجمند، سلام. امیدوارم حالتان خوب باشد و در کار نمایندگی ملت که فصل تازه‌ای در مبارزات است، موفق باشید.

فرستی پیش آمد تا این چند خط را برایتان بنویسم. گرچه نمی‌خواستم اولین نامه‌ام به این مناسبت باشد. می‌دانم شما فقط بر سیاست کلی روزنامه، نظارت دارید و با آن همه اشتغالات، خواندن تمام اخبار و مطالب هر شماره روزنامه کیهان [برایتان امکان ندارد. همچنین بعید می‌دانم آن شماره‌ای را دیده باشید] که ضمناً حاوی پاسخ یکی از نمایندگان مجلس به مقاله قبلی خودتان بود و شما حقاً نسبت به تهمت‌های وارده، واکنش شدیدی نشان داده‌اید. در صفحه سوم [آن شماره] روزنامه، تحت عنوان اسامی ساواکی‌های شهرداری تهران، اسم این‌جانب هم درج گردیده است.

این‌طور که پیداست، متأسفانه این روزها رایج‌ترین و ظاهراً آسان‌ترین کار، قرار دادن اشخاص در مظان تهمت‌ها و اتهامات بزرگ است؛ حتی اگر به بهای آبرو و شرف و حیثیت آنها تمام شود. و به نظر نمی‌رسد که این کار مستلزم هیچ‌گونه احساس مسئولیت وجدانی و اخلاقی و انسانی و اسلامی باشد؛ و البته این وضع، صرف‌نظر از خطراتی که از لحاظ عدم امنیت قضایی دارد، به خودی خود نیز دردناک و تأسف بار است. اگر در رژیم گذشته، اسم کسی را اشتهاً در شمار خرابکار یا مارکسیست اسلامی، یا عنصر ضدامنیتی و مانند آنها قلمداد می‌کردند، چنانچه آن شخص خودش می‌خواست، هر موقع می‌توانست حداقل اسماً به آن افتخار کند، اما حالا اگر اشتهاً برچسب ساواکی روی کسی زده می‌شود چه می‌توان کرد و چه باید کرد؟

هرگز نمی‌خواهم مسئله را از حد و حجم خود بزرگ‌تر جلوه بدهم و می‌دانم که هنوز در شرایط انقلابی هستیم و هیچ‌کس از جمله وکلا و وزرا و مقامات مختلف

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۱۷

کشور از این جریان‌ها در امان نیستند. معذک آگاهی بر این امر برایم مهم است که خودتان به‌عنوان یک مسلمان متعهد و مسئول از اینکه روزنامه‌های کثیرالانتشار به این صورت و برای این‌گونه مقاصد مورد استفاده قرار می‌گیرند، چه فکری می‌کنید؟ آیا درحالی‌که هیچ مقامی حاضر به قبول مسئولیت این‌گونه افشاگری‌ها نیست، از هر چیز دیگر گذشته، منصفانه و عادلانه است که روزنامه‌ها بدون هیچ‌گونه توضیحی اقدام به انتشار این‌گونه لیست‌های سیاه بکنند؟ آیا اقلاً نمی‌شد توضیح داد که انتشار این لیست الزاماً دلیل صحت اتهامات وارده نیست و روزنامه، هیچ نوع مسئولیتی از این بابت قبول نمی‌کند؟

به هر حال این‌جانب جداگانه مطلبی در ارتباط با نسبت وارده به خودم نوشته و پیوست کرده‌ام که امیدوارم در صفحه سوم اولین شماره بعد از وصول این نامه، درج شود.

ضمناً چنانچه در باره صحت گفتارم تردیدی باقی بود، با توجه به اینکه خود شما به‌عنوان نماینده مردم و رئیس کمیسیون تحقیق در باره اعتبارنامه‌ها به تمام اسناد و سوابق در مرکز اسناد ملی دسترسی دارید، حداقل برای خود شما امکان تحقیق در باره پیشینه من وجود دارد.

به‌عنوان یک همکار قدیمی سرویس خارجی روزنامه کیهان، برای همگی آرزوی موفقیت و خدمت به حق و حقیقت را دارم.

جمال شمیرانی

### ۲- نامه آقای مصطفی رحیم‌زاده خویی

روزنامه محترم کیهان

در صفحات اول و سیزدهم شماره ۱۱۰۵۸ مورخ ۸/ ۵/ ۵۹ آن روزنامه، تیترو شرح اسامی ۵۷۵ منبع ساواک در آذربایجان شرقی درج گردیده که با نهایت تأسف، نام این‌جانب نیز که تاکنون کمترین رابطه‌ای با ساواک منحل از لحاظ همکاری یا دادن خبر و اطلاعات، نداشته‌ام در فهرست مزبور ذکر شده است.

از آنجا که این‌گونه اشتباهات - اعم از اینکه از روی سهو یا عمد باشد - به تشنج جامعه و باروری روحیه یاس و بدبینی و تزلزل اعتماد عمومی دامن می‌زند، و ناگزیر

رفع اشتباه، صرف‌نظر از جنبه های شخصی و اعاده حیثیت فردی از حیثیت تحکیم اصول اجتماعی در حکومت جمهوری اسلامی، یک وظیفه شرعی به حساب می‌آید، علی‌هذا به این توضیح مبادرت و اضافه می‌نماید که این‌جانب چند سال پیش نمایندگی بیمه اینگستراخ را در اصفهان برعهده داشتم و از آنجا که بیمه اینگستراخ، یک مؤسسه تجاری شوروی است، چند مرتبه از طرف ساواک احضار و برای همکاری، مورد تکلیف و تطمیع و حتی تهدید قرار گرفتم. منتهی نظر به اینکه به حکم تربیت اولیه و معتقدات مذهبی و داشتن شغل تجاری، نسل اندر نسل با عوالم جاسوسی و مسائل ناشی از این‌گونه همکاری‌ها به کلی بیگانه بودم، در قبال همه تکلیف‌ها و تهدیدها و تطمیع‌ها پاسخ منفی دادم و آشکارا اظهار داشتم که رد نمایندگی مزبور و صرف‌نظر کردن از منافع معمول تجاری را بر قبول چنان پیشنهادهای ترجیح می‌دهم. خوشبختانه پیشنهادهای ساواک منحل و پاسخ‌های این‌جانب بخصوص در تهران و اصفهان هر بار بر روی اوراق ویژه سؤال و جواب مضبوط بوده و چنانچه حقیقتاً به پرونده این‌جانب مراجعه شده باشد، قطعاً ملاحظه شده است که با چه صراحتی در پاسخ مستنطقین سازمان مزبور مراتب انکار و عدم قبولی خویش را نوشته و امضا کرده‌ام و تأکید نموده‌ام که چنین کارهایی از من ساخته نیست و اگر راه دیگری موجود نباشد، هر زمان آماده صرف‌نظر کردن از نمایندگی یادشده هستم.

اینک با توجه به این حقایق که مستندات آنها یقیناً موجود و قابل رسیدگی و احراز است، جای کمال تأسف و شگفتی است که نام این‌جانب در فهرست منابع ساواک منحل ذکر و به این ترتیب، با قلب واقعیات و تهمت و افترا که برخلاف تعالیم و نصوص شرع مقدس، عملی غیراسلامی و غیرانسانی است، حیثیتی که در دشوارترین شرایط به حفظ آن مباهی بوده‌ام این‌چنین خدشه‌دار می‌گردد.

علی‌هذا با اعتنا به مراتب فوق، هر گونه ارتباط خود را با ساواک منحل بدین‌وسیله قویاً و رسماً تکذیب و ضمناً یادآوری می‌نمایم که این‌جانب برخلاف آنچه ذکر نموده‌اند، در سیمان تهران و اصفهان دارای سهم یا سهام نبوده و نیستم.

مصطفی رحیم‌زاده خوبی

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۱۹

قسمت اعتراض‌های سیاسی: در این نوع اعتراض‌ها، افراد یا به رویه و خط‌مشی کیهان ایراد می‌گرفتند، یا به اصل بودن من در کیهان، به بهانه عضویت در نهضت آزادی و یا به عملکرد من در دوران وزارت امور خارجه، اعتراض می‌کردند. اینک شماری از این دست اعتراض‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

### ۱- اعتراض آقای سید حسین موسوی تبریزی

بسمه تعالی

از: دادسرای انقلاب اسلامی تبریز

به: روزنامه محترم کیهان

مطلبی قبلاً مربوط به این جانب در کیهان اول مهرماه ۵۹ از قول آقای مهندس کتیرایی چاپ شده بود که در تاریخ ۳/۷/۵۹ پاسخ داده شد و رسید نماینده کیهان موجود است، لکن با زیر پا گذاشتن اصول آزادی و انسانی و اسلامی هنوز چاپ نکرده‌اید، ولی در تاریخ دهم مهرماه در شماره ۱۱۱۰۷ در صفحه دوم به‌عنوان «حرف روز» باز مطلبی راجع به من چاپ کرده‌اید. بنده با علم به اینکه جرئت نوشتن پاسخ مرا ندارید، باز پاسخ می‌نویسم که اگر چاپ نکردید، روزنامه‌های دیگر، چاپ نمایند و اگر چاپ شد، باید با مطلب فوق‌الذکر در همان صفحه با همان تیتیر چاپ نمایند.

آیا مذاکرات سری با برژینسکی و تهمت زدن به امام امت در مجلس شورای اسلامی، به نفع اسلام بود؟ ابتدا سخن من با آقای دکتر یزدی این است که پس از دو هفته از سخنان من در مجلس، آقای دکتر یزدی حرف آقای توکلی مقدم را به‌عنوان حرف روز تلقی کرده و در صفحه دوم کیهان مستضعفین با فرصت‌طلبی کامل از شروع جنگ‌های تحمیلی و تجاوز هوایی عراق در دهم مهرماه چاپ کرده است؛ درحالی‌که تاریخ نوشته آقای توکلی ۳۱ شهریورماه است و من ۲۹ شهریورماه صحبت کرده‌ام.

با اینکه ایشان پاسخ من به آقای کتیرایی را تا حال با الهام از نهضتی که برای آزادی کرده‌اند، چاپ نکرده و با صراحت در مجلس شورای اسلامی، آقای دکتر یزدی گفتند که چاپ نمی‌کنم. این است معنای «نهضت آزادی» که آقای دکتر یزدی یکی از اعضای آن است.

## ۷۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

سپس از آقای توکلی سؤال می‌شود:

۱- آیا مذاکره سری با برژینسکی بدون اجازه امام امت و شورای انقلاب در الجزایر به نفع اسلام بود؟

۲- آیا تهمت زدن به امام امت در باره انتخاب وزرای ناصالح و بی‌نماز، به نفع اسلام بود؟

۳- آیا تهمت زدن به امام در باره روابط با آمریکای جهان‌خوار به نفع اسلام بود؛ درحالی‌که معظم له بارها با صراحت، چگونگی روابط ما را با آمریکا تعیین فرمودند و از خدا خواسته‌اند که قطع شود و فرموده‌اند: «رابطه ما با آمریکا، رابطه غارت‌شده با غارتگر است. رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چه‌کار؟ آیا لحظه‌ای به یاد می‌آورید که امام با دلی پر از درد و اندوه فرمودند: «تشکیل دولت موقت اشتباه بود و انقلاب را خراب کرد»؟

و اما مردم از اینکه مطلبی را که آقای بازرگان به امام امت در مجلس نسبت داده‌اند - و بنده پس از تحقیق از خود معظم له تکذیب کرده‌ام - ناراحت نمی‌شوند، بلکه نگرانی مردم از این است که چرا از این همه فشار و توطئه و طرح کودتا و حمله نظامی به طبرس و فشارهای اقتصادی و نظامی و سیاسی و جنگ تحمیلی عراق، باز عده‌ای می‌خواهند در مجلس، خط آمریکا را پیاده کرده و بنای دوستی و مذاکره با آن را بگذارند؟

والسلام. خداوند عقیده ما را از ابرقدرت‌های جهان‌خوار و شیطان بزرگ آمریکا مصون بدارد.

سید حسین موسوی - ۱۳۵۹/۷/۲۳

## ۲- نامه‌ای در اعتراض به یکی از مطالب کیهان

به نام خدا

جناب آقای دکتر یزدی، سرپرست محترم روزنامه کیهان - روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۷/۲۰ محترماً استدعا دارم به چند مطلب بین پرائتیز توجه فرمایید و بعد جوابی قانع‌کننده، به وسیله روزنامه کیهان به مردم بدهید. متشکرم.

(قطب‌زاده، یکی از شخصیت‌های مهم نهضت ملی، ضمن مصاحبه‌ای با «رادیو و تلویزیون مونت کارلو» اظهار داشته: این سران انقلاب و دولت ایران است که مسئول



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۲۱

این جنگ هستند و به‌طور قاطع می‌گوییم: دولت و مصادر فعلی، هرگز قادر به اداره مملکت نیستند. نقل از رادیو اسرائیل، ساعت هفت بعدازظهر جمعه، ۱۳۵۹/۷/۱۸.

(رادیو صدای آمریکا: قطب‌زاده یکی از رجال دوراندیش ایران گفت: این بچه‌هایی که سفارت کبرای آمریکا را اشغال کرده‌اند و عده‌ای از دیپلمات‌ها را تحت اختیار گرفته‌اند نه فقط ایرانی نیستند، بلکه به‌طور قطع و یقین، اجنبی چپی می‌باشند).

(روزنامه‌های آمریکا: آقای قطب‌زاده، وزیر امور خارجه ایران، مصاحبه‌ای انجام داد و گفت: اشغال سفارت احمقانه بوده و من صریحاً اعلام می‌کنم مندرجات اوراقی را که منتشر می‌کنند، تماماً مجعول و مخدوش است و یک پاپاسی ارزش ندارد و ان‌شاءالله به زودی ترتیبی خواهیم داد تا حقایق روشن شود و سیه روی شود آنکه در او غش باشد).

(رادیو و تلویزیون و جرائد فرانسه و اکثر دنیای غرب: قطب‌زاده، وزیر امور خارجه ایران در جریان سوء قصد به جان شاه پور بختیار گفت: این سوء قصد، خیلی ناجوانمردانه می‌باشد و سوء قصدکنندگان در زمره تروریست‌های تطمیع شده هستند و من به نام وزیر خارجه ایران، این سوء قصد بی‌شرمانه را محکوم می‌کنم).

(جراید داخلی و خارجی و همچنین رادیو و تلویزیون‌های داخلی و خارجی: قطب‌زاده طی یک مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی گفت: جمهوری اسلامی حرف مفت و مزخرف است و من تا آخرین امکانی که دارم با این وضع مبارزه خواهم کرد).

(روزنامه کیهان، به تاریخ‌های ۱۶ و ۱۷/۷/۱۳۵۹، صفحه اول تقریباً نصف صفحه).

[ ... چند سطر از متن در اینجا افتاده است.]

(ستاره‌ای درخشان به نام «روزنامه‌والعصر» به صاحب امتیازی و قلم صادق قطب‌زاده و متعاقباً کلیشه‌ای بزرگ در صفحه اول روزنامه کیهان و اینکه سالیان مبارزه کردم تا جمهوری اسلامی را برپا داشتم. مبارزه برای فلان و فلان و بالاخره مبارزه با فرصت‌طلبان و عوام‌فریب‌ها. می‌خواهیم سنگر بسازیم و شعارهای ریز و درشت دیگری که بعضی هم خوانده نمی‌شود، ولی پیدا است که شعارها چیست).

## ۷۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

چند مورد بین پرانتزها مربوط به یکی از دوستان و همرزمتان در نهضت ملی است. من کار به سوابق ایشان در مدت تصدی تلویزیون و بعد وزارت خارجه و تماس‌هایش با اشخاص مشکوک داخلی و خارجی ندارم؛ این بر عهدهٔ مصادر امور [همان‌هایی] است که به عقیدهٔ ایشان به انقلاب خادم نیستند [تا] در مقام تحقیق برآیند.

قطب‌زاده‌ای که ابتدای کارش می‌گفت: من تمام زندگی‌ام عبارت است از همین لباسی که بر تن دارم، و خانام هر شب در منزل دوستی می‌گذرد و برای تعویض لباسم از لباس رفقا اغلب استفاده می‌کنم و چند باری هم برای عوام‌فریبی با گیوهٔ پاره و کت وصله‌شده به جنوب شهر رفت و سخنرانی‌ها هم کرد تا اینکه رفته‌رفته روشن شد و مردم پابره‌نه دیدند این آقای پابره‌نه تنها برای تبلیغات ریاست جمهوری سه - چهار میلیون تومان هزینهٔ پوستر داده است؛ و شاید پانصد هزار تومان فقط برای دستمزد صدها نفر کارگر که آن پوسترها را زینت‌بخش تهران و سایر شهرستان‌ها بکنند. و نوعی هم عمل کردند که حتی به در و دیوار توالت‌ها هم این پوسترها چسبانده شده. چه شد که بعد از تماس‌هایش با آمریکا و برپا داشتن آن کمیسیون معروف سازمان ملل و متعاقباً تشکیل کنفرانس‌هایی از گروه وزیر خارجهٔ پاکستان و از این قبیل، و سرانجام دریده شدن پرده از چهره‌اش، یک‌مرتبه در صف بزرگ‌ترین مستکبرین درآمد و با طیاره‌های دربست به مسافرت‌های داخلی و خارجی مبادرت کرد و اکنون هم در نظر دارد بزرگ‌ترین روزنامهٔ عصر و یا صبح را منتشر کند برای بنای یک انقلاب؛ آن هم انقلابی که این‌چنین گروه گروه شهید و علیل می‌دهد و بر اثر هجوم بعضی‌ها اقتصادش به ویرانی ممکن است تبدیل شود و ملت مظلوم جنوب و غرب کشور، مرتباً بمب‌های سنگین و موشک‌های زمین به هوای دشمن [را] شب و روز دریافت می‌دارد و هزاران هزار زن و بچه نابود می‌گردند؟ لازم است که این‌گونه مسائل را مانند مدنی‌ها و قشقایی‌ها و نزیه‌ها و بختیارها و غیره و غیره نادیده نگیرند؛ زیرا همین نادیده گرفتن‌ها بود که دشمنان ما را به فکر تجاوز به خاک مقدسمان انداخت.

وقتی وزیر خارجهٔ یک مملکت انقلابی، هر مزخرفی را که به نفع دشمن است، به طور رسمی و در مقام رسمی به زبان جاری ساخت و هر روز مصاحبه در داخل و

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۲۳

خارج کشور ترتیب داد، مسلماً سازمان‌های جاسوسی درمی‌یابند اساس این انقلاب متزلزل است و باسمه‌ای؛ و الا چگونه ممکن است مثلاً وزیر خارجه دعوت رسمی از مطبوعات خارجی بکند و مصاحبه تشکیل دهد و بگوید اینها که سفارت کبرای آمریکا را اشغال کرده‌اند مشتی بچه چپی اجنبی‌پرست هستند و حرف‌ها و اسنادی هم که ارائه می‌دهند یک پاپاسی ارزش ندارد و من ثابت می‌کنم. خوب یک احمق مقیم دیوانه‌خانه هم می‌فهمد وقتی وزیر خارجه‌اش چنین حرفی می‌زند این حرف حساب شده است و جنبه پایاپای دارد؛ زیرا که یک گُرّه‌خر که چنین حرفی را زده؛ وزیر خارجه زده که حرفش سندیت دارد از نظر دولت آمریکا؛ کما اینکه این‌گونه مصاحبه‌های قطب‌زاده، هفته‌ها و گاهی ماه‌ها تیتربزرگ جراید خارجی و بحث رادیو و تلویزیون‌های آنها بود و اگر بخواهیم دقیقاً بررسی کنیم آن‌قدر که کارهای قطب‌زاده به ایران و انقلاب لطمه وارد نموده، محاکمات انقلابی و سایر کارها که به عقیده دشمنان داخلی و خارجی خلاف تشخیص داده می‌شده، لطمه وارد نساخته است؛ حتی در مقابل ملاقات محرمانه خودتان با کثیف‌ترین و خطرناک‌ترین اعضای کابینه کارتر به نام برژینسکی و یا حتی سرقت اسناد مهمه سفارت ایران در آمریکا و نظایر آن، قطره‌ای است در مقابل کارهای قطب‌زاده.

به هرحال سؤال من از شما این است که مگر روزنامه «کیهان» متعلق به بنیاد مستضعفان نیست؟ و مگر شما از طرف حضرت امام سرپرست این روزنامه نیستید؟ و مگر شما نباید قانوناً و شرعاً و وجداناً حافظ منافع مادی و معنوی مستضعفان باشید؟ باز من کار ندارم به اینکه از آغاز سرپرستی شما، کیهان به یک روزنامه ارگان نهضت ملی و جبهه ملی تبدیل شده، و آنقدر مطالب علیه انقلاب در آن درج گردیده که اگر بخواهیم مورد بررسی قرار دهیم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد. من باب نمونه و اینکه بدانید مردم می‌فهمند و می‌دانند اشخاص مشکوک و مرموز چگونه و چه موقع ضربت خودشان را بر پیکر انقلاب و ملت و مملکت وارد می‌سازند، کلیشه نامه مدرسین حوزه علمیه قم را که علیه مستضعفین و له فتودال‌ها و زمین‌خواران بود، درست یک روز بعد از حمله ناجوانمردانه هوایی عراق به فرودگاه‌های ایران به چاپ رسید و متشش چنین بود که فتوای آقایان منتظری و مشکینی از نظر تقسیم زمین بی‌جا

## ۷۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

است و با تأکید به اینکه ما از هوچی‌ها نمی‌ترسیم و حقایق را می‌گوییم و ایستاده‌ایم تا این فتوا عملی نشود (تقریباً چنین متنی) و اولین امضا هم آیت‌الله روحانی و امضای دوم هم مکارم شیرازی و چند امضای دیگر و روز بعد مقاله‌ای بلندبالا از مکارم شیرازی تحت عنوان «خشونت‌ها موقوف» و بعد هم نیم صفحه مطلب در لابه‌لای مطالب، اینکه یک دهاتی نزد من آمد و گفت چون سه تومان پول برق را ندادم، به اتهام ضدانقلاب توقیف شدم و حمله غیرمستقیم به دادگاه‌های انقلاب و آقای خلخالی و باز دو - سه روز بعد، فتوای آیت‌الله خادمی - رئیس حوزه علمیه اصفهان - با فرستاده مخصوص سرپرست کیهان و باز اینکه تقسیم زمین خلاف شرع است و احکام صادره از طرف خلخالی بی‌جا است و مهم‌تر اظهار نظر ایشان دایره به اینکه حمله عراق به ایران مستقیماً مربوط به گروگان‌گیری است و اضافه شدن به اینکه عده‌ای که خودشان را طرفدار مردم مستضعف می‌دانند، خودشان مستکبر و ظالم هستند و چیزهای دیگر - نصف صفحه کیهان است - و یا صفحه‌ای در کیهان دارید برای سرگرمی بچه‌ها، اکثر مندرجاتش نیش‌دار علیه مخالفان نهضت ملی و جبهه‌ای است؛ از جمله دختر ۱۲ ساله‌ام روزنامه ۱۷ / ۷ / ۵۹ را آورد و مطالبی از همان صفحه نشان داد و گفت: بابا، مگر اعضای کیهان انقلابی نیستند، گفتم: به جز سرپرست و سردبیر آن شه‌ریار روحانی - که آنها را من اصیل صد در صد نمی‌دانم - بقیه، فکر می‌کنم انقلابی باشند. مگر چه شده؟ گفت: این مطلب را بخوان. مطلب چنین بود: (تیترا آخرین حروف سیاه، ارزش گروگان‌ها، علامت تعجب. بعد از مدت‌ها که وارد صف متقاضیان وام خانه می‌شدم و هر روز قبل از آنکه نوبت من برسد، وقت تمام می‌شد و یک روز موفق شدم برگ درخواست وام را از بانک بگیرم. در حین نوشتن چشمم به ورقه بغل‌دستی افتاد. دیدم جلو سؤال شماره ۴ به جای اینکه یک عدد بنویسد، یک جمله نوشته و در آخر آن رقم بزرگی - آن هم برحسب دلار - نوشته است. کنجکاوی کردم و عین سؤال و جواب را می‌نویسم). ارزش گروگان به نظر خودتان چقدر است؟ جواب آقای بغل‌دستی: ارزش گروگان بیست و دو میلیارد دلار برای ایران است. لابد شما هم متوجه شدید که آقای بغل‌دستی منظورش چه بوده. کمی بخندید و فکر کنید بچه‌ها. متن چنین است آن هم بعد از تیترا سیاه. مطلب هم با تیترا درشت سیاه نوشته شده.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۲۵

و یا مسئله مهم‌تر - که خیانت مستقیم به امامی است که به شما حکم سرپرستی داده‌اند - و آن چاپ تلگراف **شیخ علی تهرانی** مقارن حمله جنگی به ایران خطاب به امام است که بعد از مقداری اراجیف و اهانت، اضافه کرده که مشتی چاقوکش به یک کتابخانه حمله کرده‌اند و چون اینها وابسته به شما (یعنی امام) هستند تکلیف مردم را معین کنید و یا تلگراف بعدی همین شیخ علی تهرانی دایر به اینکه رجایی که طرح انحلال مجلس را امضا کرده، صلاحیت نخست‌وزیری را ندارد. البته متن تلگراف خیلی اهانت‌آمیز است. بعد هم که دفتر رجایی تکذیب کرده و خود شما را به شهادت گرفته، تکذیب را با حروف ریز ریز در صفحه آگهی‌ها به چاپ رسانده‌اید.

از این مسائل به قدری زیاد است که گفتم مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد، ولی اهمیت این مطالب، درست مقارن حمله به ما است که به فرض درست نبودن فتوای آقایان منتظری و مشکینی، مصلحت ایجاب نمی‌کرد در یک چنین وضعی، شما نوشته‌ عده‌ای از مدرسین قم را به علامت جانب‌داری از مشتی فنودال و زمین‌خوار چاپ کنید که دشمن، هزار هزار، روزنامه شما را بخزند و مجانی در دهات و قصبات و شهرها پخش کنند و بگویند ببینید، مسئله تقسیم زمین حرف مفت است، و آلت نشوید و یا تلگرافات شیخ علی را مندرج در کیهان با فتوکپی حکمتان از طرف امام در سرتاسر ایران مجانی همان فنودال‌ها و ساواکی‌ها توزیع نمایند و بگویند، ببینید این مطالب را نماینده خود امام به چاپ رسانده؛ این که دیگر نمی‌تواند دروغ باشد.

به هر حال من به نام یکی از افراد این مملکت و سهمی بودن در تشکیلات مستضعفان، از شما رسماً و صریحاً توضیح می‌خواهم در خود کیهان توضیح بدهید بابت چاپ سه شماره از کلیشه روزنامه مربوط به قطب‌زاده، چه مبلغ حسابداری کیهان دریافت نموده، و وجهی که از این بابت پرداخت شده به موجب چه مدرکی است و شماره فیش صادره حتماً قید شود. می‌دانید که آگهی‌های صفحه اول - آن هم با آن طرزى که شما به چاپ رسانده‌اید - از سطری هزار تومان سایر صفحات نیست که آگهی‌های تسلیم را چاپ می‌کنید. هزینه آگهی صفحه اول، خیلی زیادتر از اینها است؛ مع‌هذا هر مبلغ گرفته‌اید، با ذکر تاریخ دریافت وجه، من خواننده را لاقط مطلع فرمایید.

## ۷۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

در خاتمه اجازه می‌خواهم به نام یک ایرانی به شما و شوهر عمه شما و سایر دوستان نهضت ملی شما [گویا اینجا مطلب افتادگی دارد] اما امثال همین قطب‌زاده‌ها و بابایی‌ها که در مقاله چندی قبلش نوشته بود: «من و مرحوم تولیت، فلسفی را آنقدر زدیم تا بالای منبر فلان حرف را بزند». ای بی‌مروت‌ها اگر همین فلسفی‌ها نبودند به شما می‌گفتم حال و روزتان چگونه بود؛ با این درگیری‌هایی که شماها برای ما درست کرده‌اید». تذکر می‌دهم ملت ایران مخصوصاً صدی نود مردم مستضعف که به عقیده شما خیلی زود تحت تأثیر تبلیغات سوء قرار می‌گیرند و این‌گونه نوشته‌ها و به راه انداختن روزنامه‌هایی از نوع روزنامه قطب‌زاده، برای امثال آنها است. به قدری مسائل مختلف را خوب تجزیه و تحلیل می‌کنند که خدا می‌داند شمای چهل سال ساکن آمریکا، هرگز قادر به درک آن مسائلی که آنها می‌فهمند، نیستید.

بباید لااقل در این موقعیت بحرانی، با افکار مردم سرسازش داشته باشید و کمتر کاسه گرم‌تر از آتش بشوید از اینکه شما بردارید اعلامیه ستاد مشترک را - که در متن نوشته: «دو نفر شهید و فلان نفر مجروح» - تیتراژ بزرگ بزرگ سیاه در صدر صفحه اول بگذارید و بنویسید ۳۹ نفر شهید و مجروح که رهگذر جمله ۳۹ شهید را بخواند و برود و فکر کند تعداد شهدا ۳۹ نفر است؛ چون متن اعلامیه ستاد را که نخوانده تا بفهمد چقدر شهید و چقدر مجروح است. چه فایده‌ای دارد؟ جز کمی با اعصاب مردم بازی کردن، فایده دیگری که ندارد!

می‌گویم صادقانه پا به پای انقلاب حرکت کنید. می‌گویم به نام یک انسان به ما انسان‌ها رحم کنید و روزنامه متعلق به صدها هزار شهید و علیل را ارگان ضدانقلاب نسازید. به جای آنکه بیایید و حماسه‌های جنگ را بنویسید و صفحه اول را از سربازان و پاسداران و زنان و کودکان شهیدمان پر کنید، عیب است تلگراف شیخ علی تهرانی و کلیشه روزنامه قطب‌زاده، مقاله بابایی [در باره] حمله به فلسفی و کلیشه مدرسین حوزه علمیه قم، لِه فئودال‌ها و زمین‌خواران و از این قبیل را به چاپ برسانید.

فقط باز هم تأکید می‌کنم که مردم می‌فهمند. وقتی دختر ۱۲ ساله متوجه بشود که تیتراژ ۲۲ میلیارد دلار گروگان، مربوط می‌شود به جریانات فعلی و تصمیم به اینکه مردم ایران، بدانید همان‌طوری که دوست دیگر ما سحابی در مجلس گفت: گروگان‌گیری

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۲۷

خیانت به مملکت بوده و ما باید تسلیم آمریکا بشویم و مجدداً نوامیسمان را به دست آنها بسپاریم، فلان وام گیرنده فسقلی هم معتقد است باید آمریکایی بشویم. والسلام. به انتظار جواب در کیهان.

با احترام - حَقگو، از: تهران - خیابان ستارخان - بهبودی سابق - شماره ۱۵۴ طبقه ۲.  
**توضیح در باره این نامه:** این نویسنده محترم اولاً در نامه خود به مطالبی استناد کرده است که هرگز در روزنامه چاپ نشده‌اند. ثانياً مطالبی را در مورد مخالفت با تقسیم اراضی، به برخی از علما، نظیر آیت‌الله العظمی منتظری نسبت داده است که به هیچ وجه درست نیست. ثالثاً در طول دوران مسئولیت در کیهان حتی یک مورد هم اخبار یا نشریات نهضت آزادی و یا جبهه ملی چاپ نشدند.

### ۳- نامه آقای سید علی اکبر صداقت

شاهرود - تهران - شماره ۲۳ گ ۵۹ - ۱۳۵۹/۵/۱۳

تهران - مجلس شورای اسلامی، جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده تهران. طبق اظهار نظر آقای علی‌اکبر معصومی، نماینده شاهرود در نماز جمعه، «روزنامه کیهان» خائن، شما نیز آمریکایی و در خط امپریالیزم و مسائلی در مورد دفتر همکاری‌های ریاست جمهور و اتهام غیرمستقیم به جناب آقای بنی‌صدر. خواهشمند است صحت یا کذب گفتار وی را به ملت ایران بالاخص مردم شاهرود اعلام فرمایند).

سید علی‌اکبر صداقت

### ۴- نامه بدون نام

بسمه تعالی

استاد عزیز، دکتر ابراهیم یزدی

همراه با سلام و گرم‌ترین درودها. پس از بحث زیاد که از مطالعه «روزنامه کیهان» - خصوصاً مورخ ۱۵/۴/۵۹ - مطرح شد و مقایسه آن با مطالب «روزنامه اطلاعات» و «جمهوری اسلامی» مسئله حجاب و تظاهرات زن‌های معلوم‌الحال در جلوی نخست‌وزیری ما را سخت به فکر فرو برد و یادداشت روزنامه کیهان نیز ذره‌ای پاسخگوی سؤال‌های مطرح شده در جامعه نیست. از آنجایی که هر کدام از ما از نزدیک با افکار عمومی در تماس هستیم، شدیداً به تنظیم کنندگان و مقاله‌نویسان آن

## ۷۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

روزنامه - که از هنگام مسئولیت شما نسبت به روزنامه کیهان تعصب داریم - انتقاد داریم و حقیقت این است که نگارندگان روزنامه کیهان از جامعه به دور و در خلاء قلم می‌زنند، واقعیت این است که احساسات مردم را ابداً در نظر نمی‌گیرند و حقیقت را در پوشش الفاظ مدفون می‌کنند.

دیگر اینکه احتمال می‌دهیم به علت احتیاط بیشتر از حد و رهایی از مخالفت عده‌ای، سعی در فرار کردن از تحلیل موضوعات روز هستند و مواضع روشن - علی‌رغم فرمایشات امام - نه در مورد رئیس جمهور و نه بقیه ارگان‌ها و با وجود انتقادهای شدید رادیو - تلویزیون، وزارت امور خارجه و افغانستان و لبنان و خصوصاً لیبی ندارید و گویا کار زیاد در مجلس شورای اسلامی، روزنامه را از قدرت شما خارج نموده است، و با وجود اطلاعات دقیقی که نسبت به گروه‌های سیاسی دارید و می‌توانید حقایق را به وضوح در معرض افکار عمومی قرار دهید، باز هم مسامحه می‌کنید ... سردبیر روزنامه که گویا صلاحیت پیدا کرده است از زبان ملت این چنین بنویسد، توجه کنید چنانچه سنت این جریده بوده است، به دلایل متفاوت از تبلیغ آن سخنرانی و ضوابط اعلام شده در آن [... گویا متن افتادگی دارد] چون بسیاری از سخنرانی‌ها و اخبار این دلایل متفاوت کدام است که با آن اختیارات که امام داده است، باید معامله شود؟ یا شما سخت دچار سیاسی‌کاری و فرار از انتقادهای احتمالی هستید و می‌خواهید دوران نقاهت را بگذرانید و یا خط روشنی در بیشتر موضوعات روز ندارید.

در مورد انقلاب‌های جهان، چند مقاله نوشته‌اید، در مورد منافقین و عملکردهای آنها [جز] اشاره‌ای زودگذر، چه تحلیلی نموده‌اید؟ با آن همه سابقه و روابط و کتاب‌های آنها این چه دلایلی است که آقای سردبیر برای توجیه مسئله حجاب مطرح می‌کند؟ روشنفکر مآبی و تحلیل‌های ادبی کردن، پاسخگوی نیاز شدید جامعه نیست و انتظار از شخصیت‌های بزرگ، حق مسلم یک نسل جوان شوریده است که نیازهای عمیق جامعه را از نزدیک لمس و هر ساعت با افکار عمومی آمیزش دارد.

با آرزوی موفقیت - شاگردان شما



##### ۵- پرونده‌سازی حزب توده علیه کیهان

در یکی از دیدارهایم با آقای خمینی، ایشان یک نسخه از روزنامه را به من دادند. کسی که خود را یک ایرانی علاقه‌مند به انقلاب و ساکن لندن معرفی کرده بود، مدعی شده بود که «روزنامه کیهان» ارگان نهضت آزادی ایران شده است. این همان ادعایی است که انجمن اسلامی کارکنان کیهان هم مطرح کرده بود.

این شخص در حاشیه تمام صفحات روزنامه، زیر مطالب، خط‌کشی کرده بود و به اصطلاح خودش نشان داده بود که کیهان در خط نهضت آزادی است. اما آنچه را او در این حاشیه‌نویسی آورده بود، یک شانناژ و مغالطه سیاسی بود که چند مورد آن را با ایشان مطرح و اضافه کردم که مشکل روزنامه چیست و چرا نمی‌خواستم این مسئولیت را بپذیرم.

یکی از دروغ‌هایی که بافته و به آقای خمینی گفته بودند و ایشان در همین دیدار مطرح کردند، این بود که کیهان عکس مسعود رجوی را در صفحه اول خود چاپ کرده است. از شنیدن این خبر دروغ خیلی ناراحت شدم و به ایشان جواب دادم بفرمایید آن شماره روزنامه را که چنین عکسی را چاپ کرده است، بیاورند و به شما نشان بدهند.

هنگامی که رهبران حزب توده دستگیر و محاکمه شدند، این فرد هم - که یکی از اعضای مرکزی حزب بود - نامش میان دستگیرشدگان بود. به خاطر ندارم که آیا زندانی شد یا اعدام. آقای سید هادی خسروشاهی در مجله «اندیشه پویا»، ضمن شرح دیدارهای مکرر و منظم کیانوری با حاج سید احمد خمینی و دکتر بهشتی، می‌نویسد: کیانوری، مرتب علیه دکتر چمران و دکتر یزدی سعایت می‌کرد.

##### ۶- اختلاف با حزب جمهوری اسلامی، بهانه حمله به کیهان

روزنامه «جمهوری اسلامی» ارگان حزب جمهوری، در چاپخانه مؤسسه کیهان چاپ می‌شد، اما این روزنامه، تیراژ قابل ملاحظه‌ای نداشت که حتی هزینه روزنامه را تأمین کند؛ بنابراین، قادر نبود هزینه چاپ روزنامه را به کیهان بپردازد و همیشه بدهکار بود. از آنجا که کیهان نیز خود دچار مشکلات مالی بود، به ناچار ادامه چاپ روزنامه «جمهوری اسلامی» را منوط به پرداخت بدهی‌ها کرد. این موجب تشدید اختلاف ما با

## ۷۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دوستان روحانی رهبران حزب شد. آقای مهندس میرحسین موسوی، سردبیر روزنامه، به اتفاق آقای آقازاده، مسئول مالی روزنامه، در چندین نوبت به کیهان آمدند و با آقای مهندس میرخانی گفتگو کردند، اما نتوانستند بدهی‌های خود را بپردازند. البته کیهان چاپ روزنامه آنها را ادامه داد، ولی بدهی‌هایشان را هم مرتب مطالبه می‌کرد. این، برای دوستان حزب جمهوری خوش نیامد. شاید انتظار داشتند ما روزنامه آنها را مجانی چاپ کنیم.

### ۷- موضع‌گیری انجمن اسلامی کارکنان مؤسسه کیهان و نامه سرگشاده این انجمن به دکتر یزدی

انجمن اسلامی کارکنان مؤسسه کیهان - که وابسته به حزب جمهوری اسلامی بود - به موازات اختلافات مالی کیهان با روزنامه جمهوری اسلامی، علیه مدیریت مؤسسه شروع به کارشکنی و نامه‌پراکنی کرد و در مردادماه ۱۳۵۹ طی نامه سرگشاده‌ای، مطالب بی‌اساسی را به مدیریت کیهان نسبت داد. متن این نامه به شرح زیر است:

نامه سرگشاده انجمن اسلامی کارکنان مؤسسه کیهان به دکتر یزدی

۱۳۵۹/۵/۱۴

بسمه تعالی

امام، در میان شماها تنهاست، نه در میان خلق

همان‌طور که بارها و بارها متذکر شده‌ایم و همان‌گونه که در بیانیه ۱۳۵۹/۱۲/۰۵ [آورده‌ایم] - که جز در کیهان در مطبوعات به چاپ رسید - و نیز در جلسه چهار ساعتی یکشنبه ۱۳۵۹/۴/۲۹ گفتیم، لازم است تأکید کنیم که «روزنامه کیهان» متأسفانه قدم در راهی گذارده است که غیر از راه امام و حداقل غیر از آن مسیری است که در بدو ورود خود به کیهان طی منشوری ۱۸ ماده‌ای تعیین گردید. هرچند همچون گذشته و به روال همه اهل ترقی، وابستگی انجمن اسلامی کارکنان مؤسسه کیهان را به حزب جمهوری اسلامی اعلام فرمایید، نمی‌توانیم حقیقت را فدای مصلحت‌اندیشی سیاسی کرده نارضایتی عمیق خود را نسبت به خط‌مشی فعلی روزنامه، ابراز نداریم و نگوئیم آنچه تحت جریان‌سازی علیه کیهان و به امضای شورای سردبیری، خطاب به امام و امت نوشتید و به چاپ رساندید - تا عدم وابستگی کیهان را به نهضت آزادی اعلام

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۳۱

فرمایید - مهر تأییدی بر وابستگی مخلصانه و در ضمن ناشیانه این روزنامه به گروه مزبور بود.

جناب یزدی

در نامه سرگشاده دیروزتان یا در واقع تعیین خطمشی کیهان، تنها گروه و دسته‌ای که شامل لطف و مرحمت سرکار نگردیده بود، همانا نهضت آزادی بود. جناب‌عالی در نامه بلندبالاتان که از لحاظ طول و عرض، حداقل بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کم نظیر بود، با کمال آزادی، مارکسیست‌ها، مجاهدین خلق، حزب جمهوری اسلامی، مجاهدین انقلاب اسلامی همه و همه را کنار یکدیگر گذاشته و مستکبرانه سکه یک پول کردید و با چماق راندید.

صدای جمهوری اسلامی را که در راهپیمایی عظیم و باشکوه چند جمعه قبل مورد تأیید ملت قرار گرفت، تنها به دلیل کفران نعمت کیهان، با بی‌انصافی تمام «صدای کفر» نامیدید و در ضمن به خستگی اعصاب! مردم از دست این رادیو نیز اشارتی فرمودید!! و ... که این همه، خود دلیل و شاهد و نمونه‌ای گویا بر این مدعا داشت که کیهان سر در آغوش نهضت آزادی سپرده است و بیچاره کیهانیان که هر روز دست نوازش گروهی بر سرشان کشیده می‌شود.

جناب یزدی

با نامه خالی از تقوایی که دیروز (۱۳/۵/۵۹) در روزنامه گنجانید - آن هم در کنار ۹ پرسش و ۹۰ پاسخ معنی‌دار و بدون روتوش - جای شکی برای اهل انصاف باقی نگذاشتید که کیهان، «آیندگان» مشروعی بیش نیست! و سخت در تلاش برای ذبح شرعی خط امام؛ و آن گونه عمل کردید که مشکل هضم سخنان اخیر مقام ریاست مجلس شورای اسلامی را از میان برداشتید.

جناب یزدی

زنده باد، که قرار بود بر طبق منشور ۱۸ ماده‌ای، از درگیری‌های گروهی بپرهیزید و هرچه التهاب و هیجان جامعه را افزایش می‌دهد، به چاپ نرسانید و به جای ایجاد تشنج، تشنج‌زدایی نمایید! «به عمل کار برآید، به سخن رانی نیست»!

## ۷۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

به آرشیو مراجعه کنید و ببینید که قبل از شما کیهان این همه درگیر با گروه‌های سیاسی نبود و اگر هم جنگ و دعوا و پرسش و پاسخی بود، به شهادت آرشیو، یا چریک‌های فدایی خلق و ... بود؛ البته این به معنای تأیید کامل خط‌مشی قبلی کیهان نیست، بلکه در مقام قیاس ذکر آن ضروری بود که بدانید کیهان اینک بیش از پیش در مسلخ گروه‌گرایی قربانی می‌شود.

انجمن اسلامی کیهان، ضمن محکوم ساختن خط‌مشی فعلی روزنامه کیهان، یا در واقع روزنامه شما و نه حتی ارگان نهضت آزادی، مصمم است بر آنچه نگاشتید تا خود جریان‌سازی علیه کیهان بفرمایید و بدین‌وسیله خط‌مشی کنونی روزنامه را در چارچوب فعلی‌اش تشریح و تشریح کنید و این نامه سرگشاده را ممه‌ور به امضای جوانان پرشور و با ایمان شورای سردبیری، سخاوتمندانه در چهار صفحه از روزنامه - درعین بحران مالی و گرانی قیمت کاغذ - در تیراژ وسیع منتشر ساختید، تحلیلی بدون روتوش به پیشگاه ملت عرضه کند. تا بر همگان روشن شود که کیهانیان مسلمان و متعهدی که در محضر امام امت خمینی کبیر، میثاق وفاداری بستند، همچون کوفیان بی‌شرم، عهد نخواهند شکست و ثابت خواهند کرد که راه‌پیمایان خط امامند و نه خطی دیگر و نشان خواهند داد که امام در میان شماها تنهاست، نه در میان خلق!

در پایان، آمادگی خود را برای انجام یک مناظره تلویزیونی با دست‌اندرکاران تحریریه کیهان (آقای شهریار روحانی و دیگر هم‌سنگران‌شان) و نیز جناب عالی به‌منظور نقد و بررسی روزنامه کیهان به‌ویژه در دوره سوم اعلام می‌داریم.

انجمن اسلامی کارکنان مؤسسه کیهان

رونوشت: روزنامه‌های [اطلاعات، آزادگان، جمهوری اسلامی، خبرگزاری پارس، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی، دفتر امام، بنیاد مستضعفان.

۱۳۵۹ / ۳ / ۱۲

۸ - نامه بی امضا

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی ایران

- رونوشت: جهت استحضار آقای دکتر ابراهیم یزدی

احتراماً در پاسخ جناب عالی به آقای شیخ صادق خلخالی در روزنامه کیهان پنجشنبه اول خرداد ۵۹ لازم دانستم به‌عنوان یک ایرانی، نکات زیر را به عرض جناب عالی برسانم.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۳۳

اکثریت ملت ایران چه در شروع انقلاب و چه بعد از پیروزی انقلاب، حضرت‌عالی را از امام خمینی جدا ندانسته و چه بسا شما را به‌عنوان یک فرد روشنفکر تکنولوژیست در قالب یک مسلمان خداگونه در قلب خود جا داده بودند و خود حقیر نیز به جناب‌عالی رأی داده‌ام که متأسفانه پس از پیروزی انقلاب، سیاست لیبرال - سرمایه‌داری مآبانه شما، توده مردم را ناامید ساخت و به این سیاست هم اکتفا نکرده به انتقاد از تعقیب سرمایه‌داران خونخوار و ساواکی‌ها و جنایتکارانی چون هویداها و نصیری‌ها که توسط همین شخص انقلابی (خلخال) دیگر برای توده ملت بیچاره ستم‌کشیده شبهه‌ای باقی نمی‌ماند مبنی بر اینکه این‌گونه تبهکاران و دست‌اندرکاران قاچاق مملکت هم یا وابسته به جناب‌عالی‌اند و یا مورد حمایت لیبرال سرمایه‌دارها، پس لازم است ماهیت انقلابیون را به سه قسمت تقسیم کرده و ذیلاً فقط من‌باب یادآوری عرض نمایم:

الف - گروه مبارز روحانیت که انقلاب را فقط برای برانداختن طاغوت و ظلم جهت نیل به روزه و نماز [می‌خواستند]، نه برای رفاه و تکنولوژی و نجات بشریت.  
ب - گروه روشنفکر به اصطلاح لیبرال سرمایه‌دار طرفدار تکنولوژی در قالب اسلام، ولی ریاست‌طلب که فقط می‌خواستند شاه خودکامه برود و آنها خود حکومت را در دست بگیرند؛ همچون گروه حضرت‌عالی و آقای رئیس‌جمهور و دارودسته‌اش که حتی جواب نامه‌هایی که افرادی که در انقلاب به ورشکستگی رسیده و زندگی‌شان متلاشی شده را نمی‌دهند.

ج - گروه سوم همان توده مردم رنج‌کشیده‌اند که قبرستان‌ها با عزیزان آنها انباشته شده و بیمارستان‌ها پر شده و در قبال سرمایه‌داری طاغوت چه آنهایی که در سیستم کذایی رژیم با کسب آزاد به سرمایه‌های بادآورده دست پیدا کرده بودند، پس از انقلاب حاضر بودند سه چهارم ثروت‌های خود را برای جامعه داده مورد تعقیب قرار نگیرند. متأسفانه به علت بی‌تفاوتی روحانیون و حمایت گروه حضرت‌عالی و با امکانات مجدد دوباره ثروت‌ها را روی هم انباشته، چه در خارج چه در داخل با قرار دادن تلویزیون‌های مدار بسته (ویدئو)های رنگی و به‌کار انداختن فیلم‌های سکسی در پارک‌های اختصاصی و منازل و ویلاهای خود به ریش بنده و توده مردم و شهدا و یا

## ۷۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

آن پاسدار و سرباز و درجه‌دار که در مرزها جان خودش را از دست می‌دهد، می‌خندد. باشد خداوند لایزال، انتقام این تودهٔ مردم را از مستکبرین و سیاست‌بازان شیطانی بگیرد. والسلام.

### ۹- حملهٔ هاشمی رفسنجانی به روزنامهٔ کیهان

رفسنجانی: ما آمریکا را از اول دشمن می‌شناختیم  
هاشمی رفسنجانی: انتظار نداشتم که به این زودی «روزنامهٔ کیهان» همان نقشی را که [روزنامهٔ] «آیندگان» در برابر مجلس خبرگان داشت، در برابر مجلس شورای اسلامی داشته باشد.

دکتر یزدی: هیچ انتظار نداشتم که آقای هاشمی از متد تکفیر استفاده کنند.  
من قضاوت در این مورد را به امام که این مأموریت را به من داده‌اند و به ملت واگذار می‌کنم.

هاشمی رفسنجانی: حملهٔ پلیس آمریکا به دانشجویان مسلمان در واشنگتن مسئله‌ای نیست که ملت ایران و مجلس شورای اسلامی از آن به سادگی بگذرد و چیزی نیست که در سرنوشت گروگان‌ها بی‌تأثیر باشد [پیوست ۶].

### ۱۰- پاسخ به حملهٔ آقای معصومی، نمایندهٔ شاهرود

نامه به آقای گرامی

بسمه تعالی

حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین آقای گرامی

به دنبال سخنان بی‌اساس آقای معصومی، نمایندهٔ شاهرود در بارهٔ این جانب، تلگرافاتی به من رسیده است و ضمن پشتیبانی از این جانب خواسته‌اند که من به مطالب آقای معصومی جواب بدهم. من باکمال میل این نظر را می‌پذیرم و در صورتی که آقای معصومی حاضر بشوند، به شاهرود خواهم آمد و در حضور مردم به‌عنوان داور به اباطیل ایشان جواب خواهم داد. تعیین وقت با مردم شاهرود و جناب‌عالی. والسلام.  
ابراهیم یزدی (روزنامهٔ کیهان، ۱۶/۵/۱۳۵۹).

### ث - حمایت برخی از شخصیت‌ها، نشریات و رسانه‌ها از کیهان

در کنار آنان که با کیهان سر جنگ داشتند، کسانی هم بودند که حمایت می‌کردند. برخی از نامه‌ها و نوشته‌های حمایت‌آمیز از روزنامه بدین سان بودند:

#### ۱- حمایت مدیر نشریه نهضت شمال از دکتر یزدی و روزنامه کیهان

خدمت دکتر یزدی، چه در مجلس و چه در مؤسسه کیهان درخور تقدیر است

نهضت شمال، ۱۱/۵/۱۳۵۹

اقدامات چشمگیر و خدایسندانه دکتر یزدی، درخور تحسین و مورد توجه همگان است. من دکتر یزدی را مرد کار، مرد عمل، مرد تقوا و با فضیلت می‌شناسم؛ چون عملش را در کمیسیون تحقیق مشاهده کردم. دکتر یزدی، اصالت، بزرگی و حتی مردانگی و لیاقت خود را در این کمیسیون به اثبات رساند. دوست و دشمن در این کمیسیون، برای او فرق نکرد. به هر حال اگر دکتر یزدی در کمیسیون تحقیق نبود، تکلیف گروه کثیری از نمایندگان روشن نبود. مسئله مهمی که باید این روزها در کار دکتر یزدی اشاره کنیم، نحوه فعالیت چشمگیرش در مؤسسه مهم کیهان است. من کیهان را خوب مطالعه می‌کنم؛ مخصوصاً سرمقاله دکتر یزدی را به خوبی می‌خوانم. واقعاً مقاله‌اش پخته، دلچسب با حقیقت و مردمی است. مثلاً مقاله او در باره آیت آنچنان در مردم اثر گذاشت که در تهران، مردم همه تأییدش کردند. در شهرستان‌ها هم همین‌طور. به هر حال قبول کنید و خدا را هم شاهد می‌گیرم من روزنامه‌نویس، حتی یک برخورد با دکتر یزدی نداشتم، اما در این عصر شکوفان انقلاب، بسیار مباحی و خوشحال و حتی افتخار می‌کنم که دکتر یزدی، سهم خود را در این انقلاب، به خوبی اجرا کرده و می‌کند و «روزنامه کیهان» هم روز به روز با مطالب بسیار آموزنده و خوانندگان بی‌شماری را دربر دارد. به هر حال، از آنجایی که دکتر یزدی در کمیسیون تحقیق، کاری در باره نمایندگان کرده است که واقعاً حق به حق‌دار رسیده است. توفیق دکتر یزدی که او را نه در نمایندگی مجلس، بلکه در کار مطبوعات و قلم، صمیمانه تحسین می‌کنم و او را به استادی قبول دارم.

سید تقی رسولی

## ۷۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

### ۲- نامه تشکر و حمایت سرتیپ فلاحی، جانشین ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای دکتر یزدی، سرپرست محترم مؤسسه کیهان هدف نهایی امام امت، احیای کامل اسلام بزرگ و استقلال میهن عزیز است و ملت به پاخاسته ایران نیز به پیروی از نیت پاک رهبر عالیقدر خود، هدفی جز این در سر نخواهد داشت و سازمان‌ها و نهادهایی که در این راه گام برمی‌دارند همان راه امام امت و ملت مسلمان انقلابی را می‌پیمایند و در پیشگاه عدل الهی سرافراز و مباحی خواهند بود.

از آنجایی که کارکنان محترم روزنامه کیهان، بالاخص از زمان تصدی آن جناب به سرپرستی آن مؤسسه، پویای همین راه می‌باشند و نسبت به درج و انتشار اخبار جاری مملکتی، به‌ویژه امور گذران ارتش با بصیرت و بینش اسلامی و انسانی، مطالب را منعکس می‌نمایند، لازم است سپاس و تشکر ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی را نسبت به مدیران و گردانندگان آن مؤسسه اعلام نمایم. نهایتاً پیمودن و ادامه این راه، یعنی راه خدا، راه رسول الله، راه اسلام راستین را برای همگان از ایزد یکتا آرزو می‌نمایم.

جانشین ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران - سرتیپ فلاحی

### ۳- نامه دکتر احمد نجابت

بسمه تعالی

حضور محترم استاد گرامی و سرور ارجمند جناب آقای دکتر یزدی پس از عرض سلام به عرض می‌رسانم هر چه قدر روش استاد پیر و با تقوا آقای مهندس بازرگان را در مقابل جهان می‌پسندم که می‌فرمایند: «سکوت، بهترین خیرهاست»، ولی گاهی اوقات جواب دادن و رسوا کردن اینها لازم است. و بر جناب عالی و رفقااست که مجال خودنمایی به این فرصت طلبان از خدا بی‌خبر ندهید. «روزنامه آزادگان» یا «آیندگان» در صفحه ۵ روز پنجشنبه ۵۹/۵/۱۳ مقاله‌ای تحت عنوان «مستشاران وطنی» به چاپ رسانده و چنان توهینی به آن جناب و آقای



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۳۷

روحانی نموده که عرق شرم و خجالت، پیشانی هر مسلمانی را مشروب می‌نماید. من بریده این روزنامه ضد اسلامی را - که با خون مستضعفین تهیه می‌گردد - حضورتان می‌فرستم تا اقلأً به مجلس و مجلسیان و به آنهایی که «روزنامه کیهان» را ضد انقلاب و آمریکایی و ارگان نهضت آزادی می‌دانند، نشان دهید. هرچند اگر به گوش امام امت برسد، بد نیست، ولی به خاطر خدا و حال عزیز ایشان بهتر است که آزرده‌شان نکنند. با تقدیم احترام - دکتر احمد نجابت

### ۴- نامه‌های شخصی برخی از همکاران

در مدت کوتاه مدیریت من در مؤسسه کیهان، برخی از همکاران به صورت حضوری و برخی دیگر از راه نامه، مشکلات شخصی خود را مطرح و درخواست کمک می‌کردند. یکی از این نامه‌ها را که بسیار دردناک و به یادماندنی بود، در اینجا از نظر می‌گذرانیم. نامه آقای دهقانی

به نام خدا

جناب آقای دکتر یزدی

شاید اگر غیر از شما بود، این نامه را به راحتی که اکنون می‌نویسم، برایش نمی‌نوشتم، اما نمی‌دانم چرا - با وجودی که شناختم نسبت به شما هنوز کامل نگشته است - این قدر احساس خودی می‌کنم. پاسخ این چرا را باور کنید با تمام تلاشی که کردم، نیافتم. و اما اصل ماجرا:

پدر پیری دارم. من تنها فرزند او هستم. خرجش به گردن من است و این در حالی است که متکفل هزینه زن و شش فرزند خود نیز هستم. همسرم خانه‌دار و شش فرزندم مشغول تحصیل در دانشگاه، دبیرستان، مدرسه راهنمایی و دبستان هستند. هیچ درآمدی جز حقوق کیهان ندارم. با همین حقوق ساخته‌ام و خدای بزرگ را شکرگزار بوده‌ام و گلایه‌ای از روز و روزگار نداشته‌ام و به آنچه رسیده، قانع بوده‌ام.

اما اکنون که این نامه را می‌نویسم یعنی ناگزیر به نوشتن شدم، همسرم از سه ماه پیش دچار بیماری اعصاب و روان شده و از یک ماه پیش از آن، پدرم را که ساکن یکی از روستاهای کاشان است، عوارض پیری دامنگیر شد و در بستر افتاد. طی این چهار ماه به حکم وظیفه خدایی و وجدانی، از هر کس توانسته‌ام قرض کرده و خرج

## ۷۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

درمان این دو نفر کرده‌ام. حال همسرم به حمد الهی رو به بهبود است، لیکن پدر به همان حال باقی است تا خدای چه خواهد. با همه این مشکلات ساخته‌ام و شکر خدای بزرگ کرده‌ام.

اما ممکن است تعجب کنید اگر بگویم که مشکل فعلی من که به آبرو و حیثیت چندده ساله‌ام بستگی دارد، فقط با سی هزار تومان حل می‌شود ... که ندارم ... تقاضایی که از شخص شما دارم این است که دستور دهید مؤسسه کیهان این مبلغ را به صورت وام به من بدهد و ماهی هزار یا هزار و پانصد تومان از حقوقم کسر کند. (مشکل مالی مؤسسه را هم می‌دانم ...)، اما خدا را شاهد می‌گیرم که این مبلغ مرا نجات می‌دهد.

جناب دکتر یزدی، بیش از بیست سال است در این مؤسسه به طور مستمر کار می‌کنم و این است وصفی که می‌بینید و امیدوارم مشکلم با لطف جناب عالی حل شود. عین تقاضانامه دریافت وام، ضمیمه این عریضه است. خدا سایه‌تان را کم نکند. با احترام و تشکر - محمد دهقانی آرانی ۱۳۵۹/۴/۲

### ج- یادداشت‌های سردبیری

چند روز پس از شروع به کارم در کیهان، شروع کردم به نوشتن یادداشت‌های سردبیری. موضوعات این یادداشت‌ها عموماً در باره حوادث و مسائل اساسی روز در ایران و یا در منطقه خاور میانه و یا روابط ایران با کشورهای دیگر بود. فهرستی از این مقالات در بخش پیوست‌ها آمده است [پیوست ۷].

این یادداشت‌ها با استقبال بسیار زیادی روبه‌رو شد؛ به طوری که موجب شد تیراژ روزنامه، به طور قابل ملاحظه‌ای بالا برود.

در طی مدت مسئولیت در کیهان، مقاله‌ها و تحلیل‌های بسیاری به عنوان «یادداشت روز» می‌نوشتم. متن کامل این یادداشت‌ها در: «مجموعه آثار، جلد سوم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۵۹» آمده است.

#### ۱- مقاله «مسئول کیست؟»

پس از وقایعی که در اجتماع سازمان مجاهدین خلق در ورزشگاه امجدیه پیش آمد، من مقاله‌ای نوشتم با عنوان «مسئول کیست» و آن را در «روزنامه کیهان» منتشر کردم.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۳۹

پس از انتشار این مقاله، روابط عمومی سازمان مجاهدین خلق ایران، طی نامه‌ای به این مقاله پاسخ دادند و درخواست کردند این پاسخ را در همان صفحه‌ای که آن مقاله درج شده بود، منتشر کنم. طبیعی بود که بر پایه احترام به آرا و لزوم احترام به نقدها و دیدگاه‌ها، نامه آنها را به چاپ برسانیم، ولی از آنجا که آن نامه مطالب نادرستی را نیز دربر داشت، سردبیر روزنامه، پاسخی کوتاه بر آن نوشت و آن نامه را همراه با پاسخ سردبیر به چاپ رساندیم که اکنون هر دو از نظر می‌گذرد.

**مجاهدین خلق در پاسخ به مقاله «مسئول کیست»، دکتر یزدی را مورد حمله**

**قرار دادند**

آقای دکتر یزدی، خواهشمند است برابر قانون مطبوعات در پاسخ به مقاله مورخ ۱۳۵۹ / ۳ / ۲۴ خود در باره حوادث مراسم بزرگداشت شهدای مجاهدین خلق در امجدیه، متن پیوست را در همان صفحه و با همان حروف درج نمایید.

روابط عمومی مجاهدین خلق ایران

آقای دکتر یزدی، شما در مقاله خود تحت عنوان «مسئول کیست» ابتدا به یک «فاجعه اجتماعی» اشاره کرده‌اید و اینکه «عده‌ای با تمام قوا می‌کوشند تا حرمت این جمهوری اسلامی، حرمت قانون اساسی جمهوری اسلامی که خون‌بهای هزاران شهید به خون خفته انقلاب است از بین برود و نگذارند که این نظم سیاسی جدید اولاً تبیین و تعریف شود و ثانیاً صورت عملی به خود بگیرد، ...» و سپس روی سخن را با وزارت کشور و سازمان مجاهدین نموده و ایراد گرفته‌اید که «... وزارت کشور به چه مجوزی با برگزاری این گردهمایی در اماکن و تأسیسات عمومی موافقت کرد و چرا سازمان مجاهدین چنین محل حساسی را برای گردهمایی انتخاب می‌کند؟ ما از شما سؤال می‌کنیم راستی آقای دکتر، کجا مراسم بزرگداشت شهدایمان را برگزار بکنیم؟ اگر یادتان باشد پس از حادثه ترمینال خزانه در روز کارگر، شما باز هم همین مسئله را مطرح کردید. آیا آنچه شما می‌خواهید عقب‌نشینی و مماشات در برابر چماقدان نیست؟ آیا آنچه شما می‌گویید جز به منزله تحدید آزادی‌ها و لگدمال کردن همان قانون اساسی نیست که از آن صحبت می‌کنید؟ شما بر اساس کدام منطق، برگزاری میتینگ یک جریان سیاسی پرسابقه که از پایگاه وسیع مردمی برخوردار است و یا

## ۷۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

مراسم شهدای پرافتخار خلق را امری خصوصی قلمداد می‌کنید؟! آقای دکتر در این صورت نیازهای عمومی چیست؟ آیا تمامی وسایل و امکاناتی که با استفاده از بیت‌المال ساخته شده است، فقط باید در انحصار حکومت و جریان‌های حاکم باشد؟ در این صورت هیچ می‌دانید که این تلقی از «مردم» چه معنی می‌دهد و به کجا ختم می‌شود؟ جناب آقای یزدی، در موضع بینابینی و متزلزلی که شما در برابر پدیده ضد انقلابی چماق‌داری اتخاذ کرده‌اید واقعاً هم جز این مماشات و عقب‌نشینی و مایه گذاشتن از حقوق اجتماعی و سیاسی مردم و قانون اساسی - که تازه خودتان آن را مسئله اصلی می‌دانید! - حاصلی به بار نخواهد آمد.

به راستی در زمانی که کوس رسوایی «چماقداران» در تمام سطوح جامعه زده شد و وجدان اجتماعی از این به قول شما «فاجعه» جریحه‌دار شده، آیا درست است که وقتی زبان به اعتراض می‌گشایید، موضع «وسط» اختیار کرده و طرفین را مقصر بدانید؟ اگر شما امروز به این نتیجه رسیده‌اید که این حمله و هجوم‌ها و قانون‌شکنی فاجعه‌ای برای جامعه ماست، ما از همان ابتدا وقتی کسی اعتراض نمی‌کرد و حتی او‌باش را «مردم» قلمداد می‌کردند، گفتیم و نوشتیم و فریاد زدیم که جلوی اینها را بگیرید. کدام وجدان بیدار و متعهدی قبول می‌کند که سازمانی بعد از تحمل پانزده سال خانه به دوشی که تنها امکان استقرار مجازش زندان‌ها بود، امروز هم پس از پیروزی قیام خونین خلق باز از حداقل حق قانونی حیات سیاسی خود محروم باشد. ای کاش، حال که متوجه این «فاجعه» اجتماعی شده‌اید از خود انتقاد می‌کردید که چرا از ابتدا در مقابل این پدیده آریامهری موضع‌گیری قاطعی نکردید!

آقای دکتر، آیا نپرداختن به مسئله اصلی و انگشت گذاشتن روی مسائلی از قبیل آسیب‌رسانی به تأسیسات محل برگزاری، بهانه اهرم فشار دیگری برای تحدید آزادی‌های سیاسی محسوب نمی‌شود؟ مردم به خوبی درک می‌کنند که بعد از شکست طرح فوق در مراسم امجدیه، چگونه جریان‌ها و دستگاه‌های بخصوصی وقتی نتوانستند توسط مزدوران‌شان به تأسیسات این ورزشگاه لطمه زیادی وارد سازند، سعی می‌کنند با طرح مسئله لائنه جاسوسی که در جای خود از حساسیت لازم برخوردار است، تلویحاً جوی ایجاد کنند که در آینده کسی جرئت اجازه انجام مراسم در این ورزشگاه

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۴۱

را به مجاهدین نداشته باشد. و خلاصه به ترتیبی مسئله چماقداری لاپوشانی شود و مسائلی فرعی و انحرافی مطرح گردد.

آقای دکتر، آنچه ما از این مقالاتتان دریافته‌ایم این است که اساساً شما سعی کرده‌اید خط مشی «واسط و شاهد» را در نظرات خود اتخاذ کنید و بنا به واژه قرآنی، خود را اهل «طریق وسطی» معرفی کنید و در اینجا باز هم مجاهدین بنا به احساس مسئولیت خود و برای احتراز از سقوط یک واژه و آرمان بسیار عمیق قرآنی به دره ابتدال، سعی می‌کنند کمی «وسط»‌گرایی توحیدی را تشریح کرده و نمونه برخورد شما با حوادث مزبور را با آن مقایسه کنند. البته به‌طور سطحی و عامیانه، بخصوص در زبان رایج «وسط» میانه هر دو چیز یا یک شیء واحد است.

حال آنکه «وسط» در اصطلاح قرآنی، جستجو و تبعیت حق و حقیقت محض می‌باشد و خالی از هرگونه اعوجاج و انحراف؛ بنابراین، اگر شما میان حق و باطل «وسط» قضیه را بگیرید و همچنان که در مقاله‌تان دیده می‌شود به اصطلاح یکی به میخ و یکی هم به نعل بزنید، این هرگز آن «وسط» قرآنی نیست. آخر هم دعوا و هر برخوردی به‌طور نسبی هم که شده در مجموع یک طرف حق دارد و یک طرف باطل. لذاست که مجاهدین خلق ایران ترجیح می‌دادند که از جانب شما در رابطه با چنین دعوایی ناحق تلقی شوند تا اینکه این‌گونه حق واقعی آنان در آن وسطی که شما ترسیم می‌کنید در محاق فرو رود؛ چرا که شما با این موضع‌گیری‌تان کوشیده‌اید تا مسئله را در اذهان پیچیده و مبهم ترسیم نمایید. پس بگذارید تصریح کنیم که «وسط» قرآنی از دید ما هرگز به معنی اتخاذ مواضع بینابینی و متزلزل در میان حق و باطل نیست؛ و برعکس درست به معنی اتخاذ موضع قاطع بر علیه پدیده باطل و حرکت در راستای حق و عدالت و انصاف است.

در پایان به‌خاطر اینکه تصور نکنید ما به‌خاطر منافع سازمانی‌مان مسئله را این‌گونه می‌بینیم، شما را به اظهارنظر شخصیت‌ها و نیروهای ملی و مذهبی احاله می‌دهیم و برای نمونه جملاتی از نظریه فرزند امام حاج احمدآقا را در قبال حادثه امجدیه نقل می‌کنیم:

## ۷۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

«... آخر شرم ندارند که عده‌ای که اکثراً هم افرادی هستند که آدم دلش برایشان می‌سوزد، توسط عده‌ای تحریک شوند و به جان عده‌ای که می‌خواهند به یک سخنرانی گوش دهند، هجوم کنند. این با چه منطقی می‌خواند و قابل توجیه است؟ آخر مگر وزارت کشور اجازه نداده است؛ مگر تمام مسئولین و غیرمسئولین حملات سابق را به این اجتماعات را محکوم نکرده‌اند؟ آیا واقعاً محرکین را نمی‌شود شناسایی کرد؟ چطور اگر مثلاً به نماز جمعه حمله شود فوراً شناسایی می‌شوند و می‌دانید چه کسانی هستند و منزلشان کجاست و چند گربه را هم در منزلشان دارند، یکی از آنها هم دم ندارد، ولی یک واقعه به این مهمی و دردآوری و شرم و خجالت‌آوری را اگر تحت تعقیب قرار دهند ممکن است تحریک احساسات شود؟!...».

ضمناً با وجود اینکه مسئله خسارت‌های ساختمانی و تأسیسات ناشی از حملات چماقداران را به هیچ‌وجه مسئله اصلی نمی‌دانیم و به‌ویژه آن را در برابر خسارات عظیم معنوی و سیاسی که پدیده ضدانقلابی و مذموم بر پیکر جامعه و انقلاب وارد می‌کند، بسیار کوچک و تنگ‌نظرانه تلقی می‌کنیم، و با وجود اینکه مسئول ترمیم این خسارات جزئی هم دستگاه‌های مسئول تأمین آزادی اجتماعات هستند، نه مردم استفاده کننده، اما با وجود همه اینها، باز هم شما را به نظریه مسئولان استادیوم امجدیه در مورد نحوه تحویل استادیوم و ترمیم خسارات وارده و چگونگی برخورد ما و هوادارانمان با این امر توجه می‌دهیم و از شما می‌خواهیم عین این اظهارنظر را که پیوست این نوشته است در کنار شرح حاضر، کلیشه‌نماید تا مردم نیز در جریان قرار بگیرند.

روابط مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران ۱۳۵۹/۴/۴

پاسخ سردبیر روزنامه کیهان به نقد مجاهدین خلق بر مقاله «مسئول کیست»

بسم الحق

پندارگرایی حاکم بر نگرش «سازمان مجاهدین خلق» مانع از آن گشته است که علی‌رغم سال‌ها مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک مبارزان و مجاهدینی چون شهید آیت‌الله سعیدی، آیت‌الله غفاری و بنیانگذاران اولیه سازمان مجاهدین چون شهید حنیف‌نژاد، این اصل اساسی سیاسی را که هیچ پدیده‌ای جدای از شرایط سیاسی - اجتماعی آن

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۴۳

پدیده نمی‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، فراموش کرد و نتیجتاً یا به عمد و یا به‌خاطر پندارگرایی، درگیری امجدیه را واقع‌های مجرد و منتزع از عملکرد سازمان مجاهدین خلق و بازتاب اجتماعی آن دانسته‌اند. بی‌پایگی این نگرش را که بیشتر به یک جنگ لفظی شباهت دارد تا یک تحلیل سیاسی، به سادگی در این مثال می‌توان دید که اگر گروگان‌گیری لانه جاسوسی آمریکا را بدون بررسی سال‌ها استعمار غیرمستقیم آمریکا و استثمار انسانی آن در نظر گیریم البته آن را امری «غیرقانونی» و مخالف اصول «دیپلماسی» بین‌المللی به حساب خواهیم آورد! حال آنکه نه خلق دلیر این کشور و نه مستضعفین جهان با در نظر گرفتن جنایات آمریکا در محکمه عدل خود حق را به آمریکا نداده‌اند و همگی از اعماق دل به دفاع از خلق دلیر ایران برخاسته‌اند. در این مختص جای آن نیست که زمینه‌های عقیدتی (ایدئولوژیک) آن سازمان که طبیعتاً منجر به پیدایش چنین پندارگرایی گشته است، بپردازیم، لیکن ضروری می‌دانیم که شمه‌ای از عوامل اجتماعی مرتبط با عملکرد سازمان مجاهدین خلق را بیان کنیم تا معلوم شود که در این واقعه، مجرم که بوده و چه کسی اصل شناخت حق و باطل را به ژرفنای ابتدال واژگون کرده است.

۱- بدون در نظر گرفتن مواضع خاص آن سازمان در طول تکوین انقلاب مبنی بر «حاضر نبودن شرایط لازم برای پیروزی» پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این سازمان مکرراً مواضعی را اتخاذ کرده که مغایر با جهت ایدئولوژیک انقلاب یا مبارزه ضداستعماری آن بوده است، و از آن جمله است مترقی دانستن روزنامه وابسته به صهیونیسم «آیندگان»، دفاع از واماندگان «سوسیال دموکرات» منشعب از جبهه ملی و سازمان‌ها و نهادهایی از این قبیل که جز استمرار حیات سرمایه‌داری وابسته و ایجاد وجدان طبقاتی برای آن رسالتی نداشته‌اند.

آقایان محترم، آیا این نهادهای ارتجاعی نبوده است که با آن مبارزه نکرده‌اید؟ بهتر نبود به جای دفاع از آنها در دفاع از دستاوردهای انقلاب، نیروی خود را صرف می‌کردید؟

۲- در تمام طول این یک سال و نیم مبارزه ضد استعماری خلق دلیر ایران پس از پیروزی انقلاب، آن سازمان تلویحاً - و اگر نه مستقیماً - با برقراری مراسم مشترک یا

## ۷۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

فعالیت‌های دیگر و یا حداقل سکوت کامل خود مؤید بسیاری از عملکردهای سازمان چریک‌های فدایی خلق بوده است.

در اینجا ممکن است با آوردن این بحث به میان که چنین کاری مستقیماً صورت نگرفته و یا دشمن اصلی امپریالیسم است و نباید تضادهای فرعی! را دامن زد، یک بار دیگر خلط مبحث کرده و این انتقاد را در غبار شعار و جار و جنجال محو کنید، ولی سؤال اینجاست که چگونه این سازمان با اعلام تبعیت از قرآن در حمله و تهاجم مستقیم سیاسی به گروه‌های اسلامی که به اذعان همه - و هرچند با نارسایی‌های بسیار - سرسختانه در برابر امپریالیسم می‌جنگند، چنین بی‌پروا و دلیر است، ولی وقتی پای مارکسیست‌ها و یا اعوان و انصار آنها پیش می‌آید چنان خاضع و خاشع که گویی در برابر دوستان دیرینه خود قرار گرفته است!

این چگونه تابعیت از مردان حق علی علیه‌السلام است که این قدر از نهج‌البلاغه‌اش مثال می‌آورید. ثانیاً چگونه انتظار دارید آن خانواده‌های اسلامی که نوجوانان پاکدامن و نورسیده خود را در راه خدا در کردستان و نقاط دیگر از دست داده‌اند و افتخار دفاع از میراث انقلاب را در سپاه پاسداران داشته‌اند، چنین اتحاد تلویحی و یا حتی سکوتی را در برابر سازمان چریک‌های فدایی و حزب دموکرات و ... الخ تحمل کنند؟ آیا سازمان مجاهدین خلق نیز همان پاسخ انشعابیون چریک‌های فدایی خلق و حزب دموکرات را به خلق ایران خواهد داد که پس از کشتار هزاران بی‌گناه و سعی در تضعیف خط خلق در برابر امپریالیسم و ایجاد تضادهای داخلی و برافروختن جنگ‌های قومی ... «متوجه شده‌ایم که حکومت جمهوری اسلامی ضد امپریالیستی است و نباید علیه آن جنگید» و این را قبل از آنکه شکست بخوریم نمی‌دانستیم. چگونه می‌خواهید ملتی بپاخواسته و هوشیار این انحراف از راه اسلام را ببیند و سکوت کند؟

۳- حتی در طرح شعارها و در به‌کار بردن کلمات نیز رعایت اصول فرهنگی این انقلاب صورت نگرفت و آنچه «نوآوری» شد از کیسه گشاد فرهنگ چپ غربی بود؛ بدین گونه که حتی بر نیروهای خود نام «میلیشیا» گذاردید و خیانتکاران و منحرفین فرصت طلب یا ابن‌الوقت را «اپورتونیست» نام گذاشتید و تجزیه طلب را «سکتاریست»



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۴۵

و ... باز انتظار دارید مردمی که در جنگ با غرب زدگی سال‌ها مبارزه کرده و هنوز در این راه قدم برمی‌دارند، از این لغات و مفاهیم ناآشنا به وحشت نیفتند که مبادا استفاده‌کنندگان این لغات را هیبت غرب و یا شوق درنگرفته باشد! و یا گمان نمی‌کنید که عده‌ای فرصت‌طلب و منحرف، مردمی که خود مایه سوءتفاهمات را برای آنان ایجاد کرده‌اید در برابر شما بسیج کنند؟ شما خود می‌دانید که چپ‌روی کودکانه باعث رشد راست‌روی خواهد شد و بزرگ‌ترین مثال آن را رشد فاشیسم در آلمان ناشی از چپ‌روی تند جناح‌های مترقی در آن کشور می‌توان به حساب آورد.

۴- در این یک سال و نیم که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، سازمان مجاهدین خلق از طریق تاکتیک‌های سیاسی چون قهرمان‌نمایی، چپ‌نمایی، مظلومیت و ... الخ دست به جذب نیروهای بیشتر زده است و این را به بهای تضعیف ثبات سیاسی ایران و فراهم آوردن زمینه‌های تجزیه اجتماعی و قطبی کردن جامعه به انجام رسانیده است. آیا این مشی با راه بنیانگذاران اولیه آن سازمان یکی بوده است؟

آیا آن مجاهدان بزرگ، یاران خود را پس از شناخت کامل مکتبی و عقیدتی برنمی‌گزیدند؟

در این مختصر جای عنوان کردن بسیاری از انتقادات اساسی و خصوصاً زمینه‌های ایدئولوژیک این سازمان نیست و صرفاً به این بسنده می‌کنیم که در واقعه امجدیه یقیناً منحرفین چماق‌دار از یک سو و از سوی دیگر سازمان شما بری از انتقاد و گناه نبوده است و در اینجا بار گران مسئولیت بیشتر بر عهده شماست که از آگاهی سیاسی برخوردارید و طلایه دفاع از خلق را برداشته‌اید. در این میان حق با آن توده‌های خلق است که با چشمانی مضطرب به این فاجعه می‌نگرند و در مقاله مورد بحث آقای دکتر یزدی برای دفاع از آنان و راه رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران این سطور را به تحریر درآورده است.

والسلام علی من اتبع الهدی - سردبیر [پیوست ۸]

### ۲- ماجرای سرمقاله «گزارش به موکلین: چرا به آیت رأی کبود دادم»

در یکی از این یادداشت‌های روزانه‌ای که در کیهان می‌نوشتم، یادداشتی بود با عنوان: «گزارش به موکلین: چرا به آیت رأی کبود دادم». در آن یادداشت، آنچه را در کمیسیون

## ۷۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

تحقیق مجلس مطرح و بررسی و تصویب شده بود، به اطلاع مردم رساندم. گزارش چگونگی تصویب اعتبارنامه دکتر حسن آیت در مجلس را در دفتر اول جلد هفتم خاطراتم آورده‌ام؛ همچنین متن کامل این یادداشت در جلد سوم مجموعه آثارم آمده است، با این حال متن کامل آن را به مناسبت، در اینجا نیز از نظر می‌گذرانیم.

### گزارش به موکلین: رأی کبود به آیت - روزنامه کیهان ۵/۵/۱۳۵۹

بسمه تعالی

ملت ایران با کمال تأسف ناظر بر جریانات مجلس، در روز پنجشنبه گذشته بود که هرگز در خور شأن مجلس شورای اسلامی نبود؛ و این همه در حالی بود که آن روز قسمت‌هایی از بیانات امام را در مورد مجلس با خط زیبایی بر دیوارهای مجلس نصب کرده بودند که امام فرموده بود: «در مجلس تبادل نظر کنید و مباحثه کنید، اما تصفیه حساب‌های شخصی و گروهی نکنید!» جلسه مجلس در روز پنجشنبه و موقع طرح اعتبارنامه [دکتر حسن] آیت به شدت بی‌سابقه متشنج گردید. امید که ما را به خاطر بیان این مسئله مؤاخذه نکنند!

در جلسه روز چهارشنبه گذشته مجلس، کمیسیون تحقیق، گزارش رسیدگی به اعتبارنامه آقای حسن آیت را که به علت مخالفت و اعتراض آقای احمد سلامتیان به کمیسیون ارجاع شده بود، در جلسه علنی و عمومی مجلس شورای اسلامی مطرح نمود. بعد از قرائت گزارش تحقیق، به موجب آیین‌نامه داخلی مجلس، فقط نماینده‌ای که اعتراض کرده است حق صحبت دارد؛ لذا آقای سلامتیان دلایل خود را در مورد صلاحیت آقای آیت بیان داشتند.

روز پنجشنبه آقای آیت به دفاع از خود پرداختند و در پایان سخنان خود از مجلس در خواست رأی علنی نمودند و گفتند که برای مشخص کردن خط سیاسی افراد، این درخواست را می‌کنند. البته بر طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، نماینده‌ای که به اعتبارنامه‌اش اعتراض شده است، حق دارد چنین درخواستی را بنماید، اما اینکه محور و معیار برای تعیین خط سیاسی نمایندگان، بر اساس رأی به اعتبارنامه فرد خاص باشد، این نهایت خودم‌محوربینی را نشان می‌دهد.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۴۷

بعد از درخواست آیت، رئیس مجلس بر طبق نظامنامه، اعلام رأی علنی با ورقه را نمود. از آنجا که من بعد از مطالعه پرونده آیت رأی مخالف داده‌ام و از آنجا که این رأی به درخواست نام‌برده علنی بوده است و اسامی مخالفین منتشر شده است، من حق مردم می‌دانم که بدانند که نماینده آنها چرا به این اعتبارنامه، رأی مخالف داده است. همین امر را از روز پنجشنبه بعد از ظهر، به صورت مختلف مردم از من سؤال کرده‌اند؛ می‌خواهند بدانند و لذا من وظیفه خود می‌دانم که گزارشم را به موکلین بدهم. ایرادات به صلاحیت آقای آیت به قرار زیر می‌باشد:

**اول -** اشتهار به فساد و نادرستی سابقه‌ای که از ایشان در دبیرستان دخترانه دامغان وجود دارد. این مسئله از دو طریق بررسی شد: هم از طریق پرونده پرسنلی نام‌برده در آموزش و پرورش که عیناً به مرکز اسناد ملی فرستاده شده‌اند و همچنین سوابق ایشان در ساواک.

خلاصه پرونده و سابقه امر چنین است که آقای آیت در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در دبیرستان دخترانه‌ای در دامغان تدریس می‌نموده است. ضمن تدریس، ایشان برخی مسائل اجتماعی و خانوادگی را نیز مطرح می‌نموده‌اند؛ از جمله مراسم شب زفاف و در یکی از این مواقع در بحث بر سر "شهامت" کار را بدانجا می‌کشاند که بنا بر گزارشات و اسناد موجود، دختری به بوسیدن ایشان در سر کلاس درس می‌پردازد. این ماجرا به دنبال خود مسائلی را به وجود آورد که نام‌برده را به شهر ری، که خود نیز قبلاً درخواست انتقال نموده بود، منتقل سازند.

در کمیسیون تحقیق، این پرونده بررسی شد. این شبهه به وجود آمد که ممکن است احتمالاً این جریان با تحریک و یا توطئه ساواک و یا دشمنان شخصی آقای آیت اتفاق افتاده باشد و یا پرونده‌سازی شده باشد، اما اکنون که سال‌ها از آن ماجرا می‌گذرد و نظام استبدادی سرنگون شده است، اشخاص ذی‌ربط، از شاگردان سابق آن مدرسه که هم‌اکنون نیز در دامغان زندگی می‌کنند و یا دبیران و رؤسای دبیرستان، می‌توانند بدون ترس و نگرانی، صحت و سقم این امر را گواهی دهند. برای این بررسی دو نفر از کمیسیون تحقیق انتخاب شدند که هم به دامغان بروند و هم به مرکز اسناد ملی مراجعه کرده و پرونده آقای آیت را به دقت بررسی نمایند. این دو نفر بعد از مطالعه

## ۷۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

اسناد مرکز اسناد ملی، به کمیسیون گزارش داده‌اند که جریان دامغان، به تفصیل بیشتری در پرونده ساواک آمده است و به موجب اسناد موجود، برای این دو نفر، وقوع جریان مدرسه دخترانه، محرز است و لذا رفتن به دامغان را دیگر ضروری نمی‌دانند.

سؤالی که در کمیسیون تحقیق مطرح گردید این بود که به فرض صحت وقوع، این مسئله کافی برای رد صلاحیت آقای آیت هست یا خیر؟ وقتی آقای آیت برای ادای توضیحات در کمیسیون تحقیق حضور یافتند، از خود ایشان سؤال شد که در صورتی که برای کمیسیون، وقوع چنین امری ثابت شود، آیا کافی برای رد اعتبارنامه هست یا خیر؟ ایشان به صراحت گفتند: بلی. اثبات وقوع چنین امری کافی برای رد اعتبارنامه می‌باشد.

آقای آیت در کمیسیون مطرح کردند که این جریان، پرونده‌سازی از طرف ساواک بوده است، اما این فرض به نظر معقول و منطقی نرسید؛ چرا که اولاً این‌گونه پرونده‌سازی‌ها سابقه نداشته است و حتی یک نمونه هم دیده نشده است. البته ممکن است ساواک این‌گونه پرونده‌سازی را در بعضی موارد کرده باشد و از نمونه‌ای هم در کمیسیون اسم برده شد، اما مطلعین گفتند که در آنجا اصل جریان درست بوده است، ولی به هر حال این‌گونه پرونده‌سازی‌ها و توطئه‌ها در مورد کسانی خواهد بود که در جامعه دارای خصوصیات مذهبی و سیاسی شناخته شده باشند، که از یک طرف ساواک نمی‌خواسته آنها را به دلیل نفوذ فوق‌العاده‌ای که در میان مردم دارند و معروفیت و شهرت، دستگیر کند و از طرف دیگر به علت شخصیت شناخته‌شده مذهبی یا سیاسی که دارند، با این صحنه‌سازی‌ها و توطئه‌ها و ترور شخصیت، بهتر و مؤثرتر از بازداشت آنان می‌توانست به آنها لطمه بزند.

در مورد آقای آیت، چنین فرضی نمی‌تواند مطرح باشد؛ چه آنکه ایشان در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب، شخصیت شناخته‌شده‌ای به آن صورت نبوده‌اند. فرض دیگر هم می‌توانسته است این باشد که بگویند دخترخانمی که ایشان را سر کلاس بوسیده است، به دنبال مطالب مورد بحث نبوده است، بلکه به تحریک یا فشار ساواک این کار صورت گرفته است. این فرض ممکن بود قابل قبول باشد، اما اینکه چنان حادثه‌ای هرگز اتفاق نیفتاده است و هرگز آقای آیت سر کلاس درس خود به

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۴۹

دختران جوان مطالبی را که زمینه‌ساز چنین برنامه‌ای باشد نمی‌گفته‌اند و ایادی ساواک بدون مقدمه، چنین سندسازی کرده‌اند، کمی بعید و غیر قابل قبول به نظر رسید!

آقای آیت در جهت اثبات ساختگی بودن این اسناد، استدلال می‌کردند که ساواک به علت مبارزات ایشان و موضع‌گیری‌هایش در سر کلاس درس، مجبور به اجرای چنین توطئه‌ای شده است. البته در خلاصه پرونده‌ای که توسط مرکز اسناد ملی از سوابق آقای آیت در ساواک تهیه شده بود و برای کمیسیون تحقیق ارسال شده بود، منعکس شده بود که ایشان در سر کلاس درس، مطالبی علیه شاه و انقلاب سفید گفته‌اند. اما نکته مبهم و یکی از سؤال‌ها دقیقاً همین بود که چطور ممکن است فردی این‌گونه در سر کلاس درس و غیره از شاه انتقاد کند و از خمینی تعریف و تمجید نماید و ساواک هم بداند، ولی هرگز در تمام مدت بازداشت نشده باشد؟ در شرایطی از اختناق که شاگرد مدرسه را برای یک انشا، یا یک شعر، یا کشف یک جلد رساله عملیه آقا، و یا یک کتاب از شریعتی، بازداشت می‌کردند و از حبس و شکنجه یا تبعید رهبران شناخته‌شده و معروف و متنفذی همچون مرحوم طالقانی و حضرت آیت‌الله منتظری، ساواک ابایی نداشته است، چگونه علی‌رغم ادعای این همه مبارزه، ساواک به صرف احضار ایشان، آن هم فقط در یک مورد قناعت نموده است؟! این نکته مبهم متأسفانه روشن نشد و همچنان مبهم باقی ماند.

آقای آیت در تأیید ادعای خودشان و در ساختگی بودن پرونده، سندی به کمیسیون تحقیق ارائه دادند که حاکی از آن بود که همان دختری که از ایشان شکایت کرده است و همان دخترانی که گواهی داده بودند، طی نامه‌ای مدعی شده‌اند که آنها را مجبور به چنان شکایتی ساخته بودند. اما متأسفانه به دلیل تعجیلی که برخی از دوستان آقای آیت در کمیسیون تحقیق نشان دادند، کمیسیون تحقیق هرگز نتوانست این سند را با اصل سند خطی که از همین اشخاص در همین پرونده موجود است، مقایسه نماید. علاوه بر این یک ابهام دیگر نیز باقی ماند که اولاً اگر جو دبیرستان دخترانه و شهر دامغان آنچنان مختنق بوده است، چگونه همین دختران بعد از امضای نامه اولیه، مجدداً همان زمان حاضر شده بودند آن را نه تنها تکذیب کنند، بلکه مدعی شوند که به زور و یا ترس دست به آن زده بودند؟ و ثانیاً آیا این تکذیب‌نامه یک نامه خصوصی به آقای آیت

## ۷۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

بوده است یا آنکه در مدرسه، ولو به طور محدودی توزیع شده بوده است؟ اگر چنین بود و در سطح دبیرستان حداقل منتشر شده بود، حتماً به دست ساواک هم می‌رسید و در پرونده نظیر سایر اسناد له و علیه منعکس می‌گردید.

این مسائل بایستی روشن می‌شد، اما جو تعجیل در تصمیم‌گیری‌ها به تشدید سوء ظن‌ها کمک مؤثری کرد.

با توجه به توضیحات بالا و محتوای اسناد مفصل پرونده، حادثه برای این جانب محرز گردید و این یکی از دلایل رأی مخالف من بود.

**دوم - سابقه عضویت فعالیت آقای آیت در «حزب زحمتکشان ملت ایران»**  
متعلق به **دکتر [مظفر] بقایی** و ارتباط و تماس نزدیک آقای بقایی و دوستانش با آمریکایی‌ها و نقش بقایی و حزبش در اختلافات میان مرحوم کاشانی و مصدق می‌باشد.

به موجب اسنادی که از مرکز اسناد ملی در اختیار کمیسیون تحقیق گذاشته شد، آقای آیت حداقل از سال ۱۳۳۹ الی ۱۳۵۰ عضو شورای مرکزی حزب زحمتکشان بوده است. گزارش تشکیل جلسات و خلاصه مذاکرات هر جلسه و اشخاص شرکت‌کننده، تماماً در این اسناد موجود است. در تمامی این جلسات آقای آیت نیز حضور داشته‌اند. در بحث‌ها شرکت فعال داشته‌اند. در تنظیم اعلامیه حزب شرکت داشته‌اند. در تمامی این جلسات آقای بقایی نیز بوده‌اند. برخلاف گفته آقای آیت در دفاعیات خودشان در مجلس، مطلب مستهجنی که به نقل از ایشان در مورد آقای بهشتی گفته شده بود، در سر کلاس درس نبوده است، بلکه عین گفتار ایشان در صورت جلسه شورای مرکزی می‌باشد. همچنین مطلبی که از نام‌برده در باره کتاب شاه مخلوع «مأموریت برای وطنم» نقل شده است، در اسناد جلسات شورای مرکزی گروه بقایی آمده است.

آقای آیت در مورد فعالیت‌ها و ارتباطات خودشان با بقایی در طی ده سال توضیحات قانع‌کننده ندارند. بیشتر تکیه کردند بر این امر که از سال ۱۳۵۰ به بعد دیگر ارتباطی با بقایی نداشته‌اند.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۵۱

مسئله تنها این نیست که چه مطالبی را در شورای مرکزی گروه بقایی گفته‌اند، بلکه مسئله بر سر عضویت ایشان در شورای یک گروه انحرافی و همکاری با افراد خائن و منحرف می‌باشد. مگر در جریان همین کودتای اخیر، بقایی با جمعی از همکارانش در کرمان دستگیر نشد؟ این اشخاص دائم در مکر و حيله بوده‌اند.

به موجب اسنادی که دانشجویان پیرو خط امام در اختیار کمیسیون تحقیق گذاشته‌اند که متأسفانه صبح روز پنجشنبه به دست آقای حقانی، نایب رئیس کمیسیون تحقیق رسیده بود، آقای بقایی و برخی از یارانش در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ با جاسوسان سفارت آمریکا در تماس بوده‌اند. این تماس‌ها تا حدود سال‌های ۱۳۵۰ نیز ادامه داشته است. به موجب این اسناد، بقایی مردی است فوق‌العاده جاه‌طلب، طرفدار آمریکا، معتاد به الکل و ادویۀ مخدره (کوکائین)، که با مأمورین سفارت، تماس‌های مختلفی داشته است. این تماس‌ها گاهی در اواخر شب، با استتار کامل و مذاکرات در ماشین جاسوس آمریکایی صورت می‌گرفته است و گاهی تماس‌ها در مهمانی‌های خصوصی همراه با صرف مشروبات الکلی بوده است. تماس‌ها نه تنها با خود بقایی که با همکاران وی نیز بوده است؛ نظیر زهری. در یک گزارش آمده است که یکی از هم‌حزبی‌های بقایی - که نامش را فراموش کرده‌ام ولی در سند آمده است - با وساطت اشرف پهلوی، خواهر معلوم‌الحال شاه، به دیدار شاه می‌رود تا نظر موافق وی را برای شرکت بقایی در انتخابات کرمان جلب نماید! در سند آمده است که شاه مخلوع با شرکت بقایی در انتخابات موافقت کرده است، ولی با شرکت زهری مخالفت نموده است.

به موجب این اسناد و سایر اسناد و شواهد، بقایی و گروهش همیشه طرفدار شاه و خواستار ابقای وی بوده است. گروه بقایی هرگز خواستار لغو سلطنت نبوده‌اند، بلکه با اصرار در تعدیل روش شاه، همیشه وفاداری خود را به شاه و اعتقادشان را به سلطنت نشان داده‌اند.

به موجب این اسناد و سایر اسناد و شواهد، بقایی و یارانش از عوامل اصلی ایجاد اختلاف و یا تشدید اختلاف میان مرحوم حضرت آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق بوده‌اند و همه شاهد بودیم که این اختلافات چه فاجعه‌ای که برای ملت ایران به وجود نیاورد!

## ۷۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بسیاری از مردم ما به یاد دارند که چگونه ایجاد و یا تشدید اختلافات میان آن دو رهبر بزرگ، در آن شرایط تاریخی زمان خودش، جبهه داخلی ملت را آنچنان تضعیف نمود که زمینه برای طرح و اجرای کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ فراهم گردید. شاه فراری با کمک آمریکا و انگلیس مجدداً به ایران بازگشت و شاه جلاد، برای مدت ۲۵ سال دمار از روزگار ملت ما برکشید.

گروه بقایی و دوستانش (حسین مکی و شمس قنات‌آبادی) در کودتای ۲۸ مرداد با آمریکایی‌ها و دربار و زاهدی همکاری نزدیک داشتند.

مسئله برای ملت ایران این نیست که در آن اختلافات که در نهایت به سود امپریالیسم جهانخوار تمام شد، آیا مرحوم کاشانی مقصر بود یا مصدق؟ شاید طرح و بحث این مسئله از جهات سیاسی - تاریخی مفید باشد، اما این را می‌دانم و خوب به یاد دارم - چرا که خود در تمام جریانات آن عضو فعال و مؤثر بودم - که در قیام سی تیرماه، وقتی مصدق استعفا داد و قوام آمد و حکومت نظامی مسلط شد و اعضای فراکسیون نهضت ملی، کم و بیش به خانه‌های خود رفتند و صدایی بیرون نیامد، این مرحوم کاشانی بود که طی اولتیماتوم ۲۴ ساعته خود از شاه خواست که قوام را مرخص کند و مصدق دوباره برگردد؛ وگرنه شخصاً کفن پوشیده و به میدان شهادت خواهد آمد. این یعنی اینکه رهبر سیاسی - مذهبی زمان در آن شرایط، ضرورت ادامه حکومت مصدق را به نفع اسلام تشخیص داده بود و با یک اعلامیه خود صدها هزار نفر از مردم ایران را آماده شهادت به خیابان‌ها کشانید. این قدرت وحدت ملت و رهبری آن بود که شاه و قوام و انگلیس‌ها و آمریکایی‌ها را وادار به عقب‌نشینی کرد و تنها راه برای دشمن خرد کردن جبهه ملت آن بود که این وحدت رهبری را از بین ببرند و لذا با تمامی قوا برای ایجاد اختلاف و تشدید آن کوشیدند. تمامی کسانی که به نحوی از انحا در آن اختلافات نقش داشته‌اند، مقصر می‌باشند و بقایی نیز یکی از آنها بوده است.

ملت ما به خوبی به یاد دارند که چه کسانی مسئول تشدید آن اختلافات بودند. هم در میان کسانی که به دور مرحوم کاشانی جمع شده بودند و نقش آتش‌بیار معرکه را بازی می‌کردند؛ حتی بعد از ۲۸ مرداد، وقتی که قرارداد با کنسرسیوم مطرح گردید و



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۵۳

مرحوم کاشانی با شهامت و جسارتی که جزو شخصیت وی بود، علیه قرارداد جدید نفت اعلامیه داد و مورد هتک و شتم دستگاه شاه - زاهدی قرار گرفت، همین اشخاص مانع شدند که برای ایجاد یک جبهه متحد و منسجم، مرحوم کاشانی با نهضت مقاومت ملی همکاری نماید؛ به طوری که همین‌ها باعث شدند که آن مرد بزرگوار، در یک غربت و تنهایی سیاسی درحالی که بار غم سنگینی از رنج‌ها و اسارت‌های مسلمانان را بر سینه داشت، دق مرگ شود. کسانی که از یک طرف با دربار و آمریکا و زاهدی همکاری می‌کردند و از جانب دیگر عامل اصلی تشدید اختلافات میان کاشانی و مصدق بودند، اینها خائن به ملت هستند! چگونه ممکن است فردی برای مدت حداقل ده سال عضو این گروه باشد؟

عضویت و فعالیت آقای آیت در چنین گروهی، یک نقطه ابهام و سؤال‌برانگیز بسیار مهمی است. خصوصاً که جو تشدید اختلافات کنونی نیز با اسم و عمل آقای آیت همراه شده است. عمل «روزنامه انقلاب اسلامی» در انتشار متن نوار سخنان آیت قابل توجیه نیست؛ چرا که هر دو نوار سخنان آیت در اختیار کمیسیون تحقیق گذاشته شده بود و حق آن بود تا رسیدگی کمیسیون تحقیق، متن آن منتشر نمی‌شد. در یک یادداشت روز در «کیهان»، در همان زمان ما این عمل را نادرست دانسته و آن را مردود شمردیم و انتشار آن را از عوامل مؤثر در جو تشدید اختلافات دانستیم، اما به هر حال متن سخنان آقای آیت، حاکی از روحیه‌ای است که منش و روش آقای بقایی را در ذهن متبادر می‌سازد.

متأسفانه به دلیل جو متشنجی که در مجلس و نظیر آن در کمیسیون تحقیق نیز به وجود آمد، فرصت به دست نیامد که این مسائل عنوان شود و اگر آقای آیت توضیحاتی دارند بدهند که رفع اشکال و ایراد شود؛ خصوصاً که آقای آیت در توضیحات خود به کمیسیون تحقیق، ضمن آنکه اشاره کردند که از سال ۱۳۵۰ به بعد دیگر رابطه‌ای با بقایی ندارند، از وی تجلیل کردند!

آقای آیت مدعی شدند که برخلاف بقایی، ایشان همیشه موضع علیه شاه داشته‌اند و حتی بقایی را آمریکایی خواندند! این امر نه تنها رفع اتهام نمی‌کند، بلکه بدان می‌افزاید. چگونه ممکن است آقای آیت از یک طرف ضد شاه باشند و از یک طرف

## ۷۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

دیگر حداقل برای ده سال عضو شورای مرکزی گروهی باشند که تحت رهبری شخصی مثل بقایی می‌باشد؟! این نکته مبهم را آقای آیت هرگز درست روشن نکردند و توضیح ندادند و با ظرافت سخنوری از کنار آن گذشتند.

و بالاخره آقای آیت با درخواست رأی علنی، تشنجی در مجلس به وجود آوردند و عملاً خلاف توصیه‌های امام رفتار کردند. امام بارها تأکید کرده‌اند و می‌کنند که تشدید اختلافات به نفع انقلاب نیست و به همه تکلیف کرده‌اند که تا حد امکان سعی شود از این اختلافات کاسته شود و یا حداقل از بروز آنها جلوگیری به عمل آید. درخواست آقای آیت قانونی بوده. این هیچ بحثی ندارد، اما ما می‌دانیم چه بسیار سخنان حقی که ما در سینه داریم و همچون استخوانی در گلویمان ما را آزار می‌دهد، اما برای حفظ وحدت انقلاب اسلامی، حتی الامکان سخنی نمی‌گوییم. آیا حق قانونی و حق شرعی ما می‌تواند باعث بروز اختلافات و تشدید آنها گردد؟ عمل آقای آیت به درستی و به وضوح نشان داد که ایشان نه در جهت تقلیل تشنجات و تقلیل بروز اختلافات، بلکه نقطه مقابل آنها [یعنی] در جهت تشدید اختلافات و بروز صف‌بندی‌ها و اصرار بر بروز این صف‌بندی‌ها حرکت می‌کنند و این روحیه ایشان است. اگر آقای آیت چنان در خواستی را نمی‌کردند، نه جلسه آنچنان متشنج می‌شد و نه آن عواقب و پیامدها و نه این یادداشت من ضرورتی پیدا می‌کرد؛ چراکه اگر رأی مخفی بود و پرده‌ها برداشته نمی‌شد، ضرورتی برای گزارش و توضیح به ملت پیدا نمی‌شد.

ای مردم، با توجه به تمام این ملاحظات و سوابق و عملکردها، و روش و منش و روحیه آقای آیت، این جانب به حکم وظیفه‌ای که در حمایت از انقلاب اسلامی ایران و حفظ آن بر عهده دارم، به اعتبارنامه ایشان رأی مخالف دادم!

ای مردم، در رأی کبودی که دادم هرگز نظری به موافقت یا مخالفت با این یا آن شخص و گروه و حزب نداشته‌ام و تنها بر اساس آنچه حق یافتم عمل کردم!

ای مردم، امیدوارم که توضیحات من روشنگر مسائل مورد بحث بوده باشد. اگر به نظر شما در رأیی که داده‌ام اشتباه کرده‌ام، با نوشتن نظرات خود مرایاری دهید. اگر رأیم را تأیید می‌کنید باز هم مرا آگاه سازید. والسلام.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۵۵

انتشار آن سرمقاله یا یادداشت گزارش‌گونه، با استقبال فراوان مردم روبه‌رو شد و نامه‌های بسیاری در تأیید آن نوشته و به دفتر روزنامه فرستاده شد؛ همچنان که نقدهایی نیز بر آن نگاشته شد. افزون بر آن، شمار فراوانی با تلفن به روزنامه، از آن یادداشت، پشتیبانی کردند. همه آن نوشته‌ها و گفته‌ها را برای ثبت در تاریخ سیاسی ایران، در اینجا می‌آورم.

### مهر تأیید هزاران خواننده کیهان بر سرمقاله دیروز: «گزارش به موکلین»

روزنامه کیهان، دوشنبه، ششم مردادماه ۱۳۵۹ در پی چاپ سرمقاله دیروز کیهان، به قلم دکتر یزدی در باره طرح اعتبارنامه آیت در مجلس و سوابق و پرونده‌های وی، از نخستین ساعات انتشار روزنامه، بسیاری از تلفن‌های کیهان حتی یک لحظه از صدا نیفتاد.

تأیید هزاران خواننده کیهان که بسیاری از آنها را هم روی نوار ضبط کرده‌ایم، ما را به موضع‌گیری صحیح‌مان واقف گرداند و بر آن داشت که از این پس نیز حقیقت‌عریان را به هر قیمتی شده به مردم نشان دهیم. بسیاری از خواننده‌ها از پشت تلفن می‌گفتند شهامت و صداقت و صراحت دکتر یزدی در بیان حقایقی که خیلی‌ها می‌کوشند آن را مخفی سازند، ما را به صحت و اصالت رأیی را که به او داده‌ایم معتقدتر ساخته است و از ایشان و همچنین «روزنامه کیهان» می‌خواهیم که از این پس نیز ما را در جریان واقعیاتی که اغلب پوشیده می‌ماند، قرار دهند. در مجموع همه تلفن‌هایی که به دلیل کثرت بیش از حد، فقط بخشی از آنها توانست به تحریریه راه یابد و ما توانستیم قسمتی از آنها را روی نوار ضبط کنیم و در آرشیو نگه داریم، موضع‌گیری صحیح کیهان و صداقت و صراحت دکتر یزدی را ستایش می‌کردند و از ما می‌خواستند که این کار در موارد مشابه نیز ادامه یابد. شاید در فرصتی مناسب و در صورتی که خوانندگان گرامی کیهان بخواهند، قسمتی از تلفن‌های متعددی را که در تأیید موضع کیهان و دکتر یزدی به روزنامه شده، پس از پیاده کردن از نوار در صفحات روزنامه منعکس کنیم تا همگان صحت گفته‌هایمان را مهر تأیید بزنند. به امید آنکه شایسته اعتماد و تشویق خوانندگان ارجمند خود باشیم.

برخی از تأییدیه‌ها و نقدهای سرمقاله دکتر یزدی در باره دکتر آیت

قسمت اول: تماس‌های تلفنی

آقای قاضی، کارمند نیروی دریایی: سرمقاله آقای دکتر را تأیید می‌کنیم.

آقای فروغی: اگر می‌شود اسناد آیت را در روزنامه انتشار دهید، بهتر است.

آقای مدرس: راجع به مطلبی که نوشته بودند با توجه به فرمان امام و ایجاد آرامش، من می‌خواستم گله بکنم. اگر ما مسلمانیم، موضوعی را که فراموش شده، دوباره مطرح بکنیم که ایجاد خصومت می‌کند و بعد بنویسیم که عده‌ای تأیید کردند؟ اصل جریان این بوده که اختلافات شخصی وجود داشته. آیا مخالفین، فقط منحصر به ایشان نمی‌شدند؛ اصلاً از همه اینها گذشته، مردم این وسط چه تقصیری دارند؟ در شماره بعد، یک ستون در صفحه اول گفتند که: ما رو عده زیادی تأیید کردند، ولی آیا شهامت دارند که بنویسند عده‌ای هم مخالف بودند یا نه؟

از اهواز، آقای فاروق، مؤمن به انقلاب، به‌عنوان افراد سیاه‌سوخته و جوانان بومی در استان خوزستان: ما الآن توی هوای ۵۰ درجه زندگی می‌کنیم و از این حرارتی که از هوا و همچنین شور انقلاب داریم، تا آخرین قطره خون خود از دکتر یزدی حمایت می‌کنیم.

آقای شمعدانی: نمی‌دونم این قدر شهامت دارند که این مطالب را منتشر کنند یا نه؟ وقتی که روزنامه‌ای که متعلق به بنیاد مستضعفان هست، آقای دکتر یزدی و دامادشان آقای روحانی، از این روزنامه برای نشر غرض‌های شخصی خودشان در حقیقت سوء استفاده می‌کنند و درحالی‌که خودشان را علاقه‌مند به فرمان امام می‌دانند، ولی بعد از تصویب اعتبارنامه آقای آیت، دوباره جو متشنجی به وجود می‌آورند. با این حساب، وقتی که ۳۰ نفر در مجلس به آقای آیت رأی مخالف می‌دهند، معلوم نیست تکلیف ۲۹ نفر بقیه که وسیله‌ای در اختیار ندارند تا برای موکلینشان علت رأی مخالف دادن به آقای آیت را بیان کنند، چیست؟ و همچنین آنها که رأی موافق دادند، می‌خواهند برای موکلینشان بیان کنند مسئله مسئله خط نهضت آزادی است.

آقای ارجمندی از طرف دو یا سه نفر: آقای یزدی، از این تهدیدها نترسید و امید مردم فقط به این روزنامه است و خط آقای یزدی مشخص است. اگر مسلمان هستید

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۵۷

باید مردم را از حقیقت آگاه کنید. من آقای دکتر را از آمریکا می‌شناختم، ولی آن موقع حقایق ایشان برای ما مشخص نبود، ولی با این مقاله، نشان دادند که در کدام جهت هستند. خواهش می‌کنم سنگر را خالی نکنید. حقایق را به مردم بگویید.

**آقای احمدی، خواننده!** تقدیر می‌کنم از مقاله‌ای که ایشان نوشته بودند و امیدوارم که بعد از این پس هم با صراحت با موکلینشان صحبت کنند. مجلسی که آیت‌ها و خوئینی‌ها شرکت دارند، مجلس ملت آیا می‌تواند باشد؟

**آقای در تماس تلفنی گفت:** از تهدیدهایی که نسبت به کیهان می‌کنند، ناراحت نباشید؛ ملت پشتیبان شماست. باید راهتان را ادامه دهید و زیر بار فشارهای بی‌مورد نروید. این فشارها در جامعه در تمام سطوح هست. مردم واقعاً کلافه شدند از این فشارها. کسی جرئت مخالف حرف زدن ندارد؛ چون بلافاصله سرکوب می‌شود.

**آقای سعید محمدی، طی تماس تلفنی گفت:** خیلی خوشحال شدم که با چنین شهادتی این مطالب را توی کیهان نوشتید. توی این موقعیت باعث تعجب ما شد. با جو حاکم بر اجتماع، کسی این‌طور با شهادت، واقعیات را در مورد آقای آیت بگوید. از قول من به ایشان تبریک بگویید.

مقاله آقای یزدی واقعاً عالی بود. ما از رأیی که به ایشان دادیم، راضی هستیم و موافقت خود را با این کار ایشان اعلام می‌کنیم.

**منصور امیری:** آقای هاشمی، به آقای دکتر بگویید یک گزارش به موکلین در مورد آقای غضنفری‌پور هم بنویسند که کمیسیون تحقیق ایشان را رد کردند، ولی رأی آورد. از آقای یزدی به‌خاطر پاسخی که به آقای رفسنجانی دادند، بسیار تشکر می‌کنم. آقای رفسنجانی با این سخنان خود ثابت کرد که بی‌طرف نیست و طرفدار چپی می‌باشد. از آقای دکتر متشکریم که ایستادگی می‌کنند.

**آقای احمدی:** آقای رفسنجانی از تریبون مجلس روزنامه‌ها را بخصوص کیهان را کوبید. خواهش می‌کنم این وظیفه را با امیدواری کامل انجام دهید؛ چون ما پشتیبان هستیم. چرا رئیس مجلس باید خواستار خفقان و سرکوبی روزنامه‌ها باشد؟

---

۱. منظور از خواننده در این بخش، خواننده و مخاطب روزنامه است، نه هنرمند خواننده (ویراستار).

**منوچهر امینی**، [از] **اصفهان**: ما مردم از مجلس ناراحتیم؛ از آقای رفسنجانی با این موضع‌گیری‌ها ناراحتیم. پشتیبانی خودمان را اعلام می‌کنیم از آقای یزدی و بنی‌صدر؛ چون خط امام خط رئیس‌جمهور است.

**رحیم بن افتا**: من به‌عنوان یک ایرانی مسلمان، با شناختی که خود از آقای یزدی راجع به آقای آیت‌داشتند، کار ایشان بهترین کار بود، ولی بعضی از نمایندگان متوجه نتیجه این کار نشدند. جای بسی تأسف است که یک چنین فردی به‌عنوان وکیل تهران در این مجلس بخواهد از حق این ملت مستضعف دفاع کند. با این عملی که کردند من به‌عنوان یک ایرانی ایشان را آدمی می‌بینم که از حقوق ملت دفاع می‌کند.

شجاعت آقای یزدی را در چاپ مقاله علیه حزب جمهوری تقدیر می‌کنم. ما پشتیبان شما هستیم، ولی چرا بیشتر حزب جمهوری را افشا نمی‌کنید؟ از آقای یزدی می‌خواهم که به افشاگری خود ادامه دهد.

**یک خانم**: ... یک اسمی برای مجلس به نام مجلس شورای اسلامی است که اگر آن را مجلس شورای حزب جمهوری بگذارند بهتر است؛ چون ایشان انتقاد کرده‌اند از روزنامه کیهان راجع به سرمقاله. انواری که استعفا می‌دهد نمی‌خواند؛ نماینده زنجان استعفا می‌دهد، می‌خواند و وی هم رفته. رفسنجانی باید اسم مجلس را بگذارد مجلس شورای حزب جمهوری اسلامی.

**آقای رحمتی**: امروز صحبت شده بود راجع به روزنامه. از آقای یزدی متشکرم که این یادداشت را نوشتند که این یک شجاعتی می‌خواست. امروز آقای رفسنجانی می‌گفتند که کیهان، آیندگان شده. آقای بنی‌صدر باید تحمل مقاومت را داشته باشند، ولی دار و دسته اینها نباید داشته باشد.

روزنامه‌ها که تویخ می‌شوند و اول آقای که استعفا داده و به مجلس توهین کرده بود، باید بیاید و توضیح بدهد. دیکتاتوری دیکتاتوری است. شما باید مبارزه کنید و در سنگرتان بمانید.

آقای کیاوش که می‌گویند دکتر یزدی باید محاکمه شود، اگر دکتر یزدی نبود کی می‌خواست افشا کند؟ اینها دسته‌بندی کرده‌اند توی مجلس که چه کار کنند؛ مثل حزب بعث عراق؛ دیگر فکر نمی‌کنند که یک روزی اینها را امثال دکتر یزدی افشا می‌کنند. با ایشان ما خیلی تقدیر می‌کنیم.

ریاحی، نرگس اسدخان سنگ و دوستان دیگر: مطالبی را که آقای دکتر یزدی در باره آیت در سرمقاله کیهان نوشته بودند، تأیید می‌کنیم و از شهادت ایشان تقدیر می‌کنیم و از ایشان می‌خواهیم که این‌گونه مسائل را افشا کنند. در ضمن از مصاحبه‌ای که در باره علت استعفای حجت الاسلام انواری با ایشان صورت گرفته بود، نیز تشکر می‌کنیم.

ابراهیمی، رجایی، مشایخ و سعیدی: توضیحی راجع به سرمقاله راجع به آیت: بعد از انتصاب دکتر یزدی به سرپرستی کیهان، این روزنامه را نمی‌خواندم و اطلاعات می‌خواندم؛ تا دعایی سرپرست شد که دیگر آن را هم نمی‌خواندم. روز یکشنبه سرمقاله را خواندم که جالب بود (اینکه روزنامه برایم به صورت کاغذ باطله درآمده بود). امثال حسن آیت و هم‌مسلكانش باید افشا شوند. کیهان این طلسم را شکست.

کوشش پنهانکاران به جایی نمی‌رسد؛ زیرا ما ضمن اعلامیه‌ها و اخبار دست‌نویس، اخبار را دریافت می‌کنیم و نمی‌گذاریم امثال شریف امامی و ازهای و حسن آیت بر سرنوشت ما حاکم شوند. و آقای دکتر یزدی را تشویق می‌کنیم که به راهشان ادامه دهند. ما روزنامه کیهان را به عالی‌ترین مقام می‌رسانیم.

امین‌الله ابراهیمی: ایشان را تأیید می‌کنیم و شهادتشان را تقدیر می‌کنیم. به‌عنوان یکی از موکلین، پشتیبان ایشان هستیم و از آنان می‌خواهیم که از این مطالب که پشت پرده می‌مانند، پرده‌برداری کنند.

عبدالوهاب مرشدزاده: تشکر می‌کنیم و واقعا یک مقدار امیدوار شدیم که جریان کلی جامعه به انحراف نرفته و با وجود مهره‌ها می‌شود اعتقاد داشت که این مهره‌ها اوت شوند.

محمد توکلی، کارمند دانشگاه: از ایشان برای سرمقاله در مورد افشای آیت و موضع صحیح ایشان تشکر می‌کنم به‌عنوان یک موکل. حالا که ... نبینید صداقت این چنین مورد توجه قرار می‌گیرد. برای سایر مطالب هم این صداقت را به کار برید. معدودی کتمانگر، مایل به افشای بعضی مطالب نیستند؛ شما با شهادت اسلامی سعی در افشای حقایق بکنید. توطئه این شخص که هنوز در پی آن است، پیگیری شود و به

## ۷۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

سایر وکلای مجلس این حقایق گفته شود و خواسته شود که این حقایق را در برابر موکلینشان افشا کنند.

**آقای شفیع:** از جناب دکتر می‌خواهم که بیشتر از اینها افشا کنند. از نظر ما چهره‌گریه حزب جمهوری اسلامی که ایشان [آیت] را تأیید کردند باید افشا شود. می‌خواهیم دکتر مظفر بقایی که همکار دکتر آیت بوده و از عوامل اصلی کودتاست و فعلاً به وسیله آقای آیت برای روزنامه جمهوری اسلامی مقاله می‌دهند، محاکمه شود. **یک تلفن از شهرستان،** ضمن تأیید مقاله آقای دکتر گفتند که: اگر در موقع رأی‌گیری به دکتر رأی نداده‌ام حالا متأسف هستم و متشکرم از ایشان که مطالب را این‌طور پوست‌کنده و البته به دستور امام به اطلاع مردم می‌رساند.

**علی متوکل:** راجع به سرمقاله دیروز و پریروز که اعتقاد مرا به دکتر یزدی باعث شد. ابتدای امر (قبل از دو مقاله)، اعتقادی [به دکتر یزدی] نداشتم؛ زیرا ایشان یک تأییدیه از جمهوری اسلامی برای ورود به مجلس گرفت، ولی حالا دو مقاله ایشان راجع به آیت و مشکینی نظر ما را تغییر داد. راجع به تحلیلی که از موضع آقای آیت کردند، باید به ایشان تبریک گفت که مردم را روشن کرد. اگر می‌خواهید این را کتباً بنویسم و از طرف ۱۲ نفر که تا حدی تحلیلگر مسائل سیاسی هستند، از ایشان تجلیل کنیم و از ایشان تقاضا داریم که این روش و راه را ادامه دهند.

**خانمی خانه‌دار، از تهران:** یادداشت سردبیر راجع به جوابی که خواسته بودند. آخه میشه توی این مملکت بود و حرفی نزد؟ آقای دکتر یزدی را تأیید می‌کنیم که این‌طور قشنگ افشا می‌کند. جمهوری اسلامی که آقای آیت را برای نمایندگی معرفی کردند، چرا اول تحقیق نمی‌کنند که یه عده‌ای این‌طور به ایشان رأی می‌دهند. عمل آقای دکتر را تأیید می‌کنیم و ادامه دهند و هر کسی را که می‌شناسند خلافکار است، افشا کنند.

**راجع به سرمقاله در مورد آیت‌الله مشکینی:** این مطلب چیزی نیست که گفته آقای دکتر تنها باشد، بلکه گفتار همه مردم است. اگر افکار عمومی را جویا شوید، متوجه می‌شوید که چقدر مردم متنفر شدند؛ و هر آیت‌اللهی یک سازی میزنه؛ یعنی چه؟ اگر ما رئیس جمهور داریم، اینها چی می‌گویند؟ همه مسلمانیم، ولی اینها دارند



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۶۱

واقعاً مردم را از اسلام برمی‌گردانند؛ مخصوصاً امام جمعه‌ها. امام این‌ها را نمی‌دانند؛ چرا سکوت کردند؟ یا آقای آیت با اول نواری که ضبط کردند. لعنت به من که به آقای آیت رأی دادم. برای چی به آیت رأی موافق دادند؟

آقای که گفتند من مجلس را می‌بندم، به چه جهت؟ یا آن آقای رئیس دادگاه انقلاب کرمان که حکم جلب اعظم طالقانی نماینده را دادند؛ ایشون نماینده هستند و مصونیت دارند. دادگاه انقلاب مشهد یک روحانی زناکار را [فقط] خلع لباس می‌کنند، ولی کسی منحرف بود، سنگسار می‌کنند؛ آخر چرا؟ خانم طالقانی حرف تمام زن‌های ایران را می‌زند. تازه امام که آمدند تهران، گفتند هر که بدی کرده، من بخشیدم؛ پس چرا مرتب اعلام می‌کنند؟

تنفر مردم از حزب جمهوری اسلامی. اگر قبول ندارند، رأی بگیرند. همین‌طور که امام می‌گوید به رئیس جمهور رأی بدهید، بگوید رئیس دیوان‌عالی و رئیس مجلس هم رأی بگیرند از مردم؛ ببینند چقدر رأی می‌آورند!

**حسین تهرانیچی**، سرمقاله را تأیید و پشتیبانی کردند.

**آقای محسن صادقی:** مقاله‌ای راجع به تیمسار مدنی واضح‌تر چاپ بشه، و مقصود قشنگ بیان بشه. و خودتون را جای آقای مدنی بگذارید. [در] شیراز [به آقای مدنی] سه میلیون رأی دادند و شما نباید رأی ایشان را پایین بیاورید. ایشان ریگی در کفششان نیست؛ شما ریگی در کفشتان هست که به ایشان رأی داده‌اید و حالا رأی ایشان را کم می‌کنید. — یکی از اشخاصی [هستم] که به دکتر اعتقاد نداشتم و فکر می‌کردم که اعتقادی به ایران ندارد و فقط قدرتی می‌خواهد. با توجه به سرمقاله دیروز و پریروز باید از فکر گذشته خودم معذرت بنخواهم و ایشان را یکی از اصیل‌ترین مردانی می‌دانم که به فکر ایران و انقلاب اسلامی است و تبریک می‌گویم.

**هوشنگ بهرامی:** تشکر از آقای دکتر و ماها که زحمت کشیدیم. و بعد می‌خواستم ببینم که آقای دکتر می‌توانند راهی پیش پا بگذارند که باز دوباره اعتبارنامه این اشخاص مورد توجه قرار بگیرد که این‌گونه ثمره انقلاب و خون شهیدان را پایمال می‌کنند. آگه ممکنه، یه راهی مثل تظاهرات یا رفتن مجلس یا نوشتن، پیش پای ما بگذارند که این اشخاص را بشناسیم.

## ۷۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

از کارخانه کیوان همدان، سماوی: از موضع قاطع دکتر یزدی پشتیبانی می‌کنیم و امیدواریم این مسئله ادامه پیدا کند و جو موجود در مجلس را برای ملت روشن کنند [تا] ما بدانیم آیا نماینده‌ها بر خواسته‌های ملت عمل می‌کنند یا نه؟ یکی از نماینده‌های همدان، اول نگفته بود که نماینده حزب جمهوری اسلامی است؛ گفته من منفردم، ولی بعداً نماینده آنها درآمد.

**مترجم کارمند بانک مرکزی:** خیلی خوشحالم همچنین مقاله‌ای بر علیه آیت نوشته شده ... آقای آیت محاکمه شوند و یا حداقل به درد مجلس نمی‌خورند. یکی از آیت‌الله‌ها در همان روز استعفا داده بودند؛ به دلیل اینکه کمبود داده بود و بغل دستی‌ها دلیل این را پرسیده بودند که بعداً حساب آنها را برسند. از روزنامه کیهان می‌خواهیم که این افرادی که شاخ و شانه می‌کشند و تهدید می‌کنند که حسابشان را می‌رسند، معرفی شوند به مردم و آن آیت‌الله استعفا نوشته. آن افرادی که انحصارطلبی می‌کنند به مردم معرفی می‌شوند. کی‌ها هستند که تهدید می‌کنند؟ مردم با رئیس جمهوری همکاری نمی‌کنند. روزنامه جمهوری [اسلامی] سخنرانی‌ها و پیام‌های مهم بنی‌صدر را اصلاً چاپ نمی‌کنند. اگر احمدآقا به رئیس جمهوری انتخاب شود، روزنامه هیچی نمی‌نویسد.

**محمدرضا ناصری:** راجع به انتقاداتی که از دولت موقت می‌شود، آن آقایانی که نماینده امام هستند در وزارتخانه‌ها، مگر مقصر نبودند که این نمایندگان را زیر بار انتقاد نمی‌گیرند؟

آقای شیر خدایی: این روش کیهان در مورد افشای افراد، خیلی جالبه، ولی دلمون می‌خواست حتی المقدور پاسخی واقعاً منطقی به آقای رفسنجانی بدهند که افشای توطئه‌گر باعث تضعیف مجلس نمی‌شود. آقایان افشای توطئه‌گر، تضعیف مجلس نیست و فکر نکنند که مردم چیزی نمی‌فهمند. تقاضا می‌کنیم راهتان را ادامه دهید و ناامید نشوید.

**آقای حسین آشوری:** پیشنهاد می‌کنیم آقای دکتر، نوشتن این مقالات را ادامه بدهند. کسانی که مخالف آیت هستند، حاضرند راهپیمایی [کنند]. عده‌ای دیگر [از تأییدکنندگان] که اسامی ایشان در زیر آمده است:

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۶۳

آقای جواد حیدریان، آقای جلای ارزن لو، آقای ابراهیم منصوری، آقای محمد سهرابی، آقای محمدنصیر فرهمند، آقای مهین جلالی، آقای عزت رجایی، آقای حسن حبیبی، آقای عیسی رضایی، آقای محمدجواد توکلین، آقای رسول پناهی.

**آقای حسن حاج ابراهیمی:** این مقاله آقای یزدی بدون حب و بغض نبود. در مقاله ایشون ... اسلام را آورده بودند. چرا اینقدر یک طرفه قضاوت کرده بودید؛ خط ملی‌گرایی یعنی این؟ ... اسلامیت این نبود که آقای یزدی در مورد آقای آیت روا داشته. اگر تماس داشتن با آقای بقایی جرم است، پس تماس داشتن با شاپور بختیار، خسرو قشقایی و حسن ... مقدم مراغه‌ای و غلامحسین صدیق و الله‌یار صالح در جبهه ملی دوم با اینها بودند، و شماها به کسی استنباط می‌کنید که علناً فراماسون بود و ... دست‌خط مصدق را آورده که فراماسون بوده؛ و تا حد رکوع خم می‌شده و دست زن شاه را می‌بوسید.

**شهین باغستانی:** درود بر اینها؛ هم به خاطر رسواکردن و هم به خاطر تلگرام به آقای مشکینی. ما متشکریم از ایشان. یکی از وکلایی که ما را قلباً راضی کرد، ایشون بودند.

**آقای صمدی، از شرکت گسترش مسکن:** با جمعی از دوستان در مورد سرمقاله ایشان تجلیل می‌کنیم و [برای] رأی عدم اعتماد به آقای آیت، از جناب دکتر تمجید می‌کنیم.

**آقای خلیل مجیدی، تلفن ۶۴۴۰۱۱:** ضمن اینکه مقاله ایشون را در مورد آیت تأیید می‌کنم، تلگرام ایشان را به آیت‌الله مشکینی هم تأیید می‌کنم که این مسئله را پیگیری کنند و بدونند که از پشتیبانی کامل مردم برخوردارند و اگر موردی فراهم کنند که مردم حتی راهپیمایی بکنند در تأیید برنامه‌های ریاست جمهوری و مخالفت با آقای آیت، مردم حتماً این کار را خواهند کرد.

**آقای ضامن تبریک گفتن به آقای دکتر:** ایشون از اول، انقلابی و مبارز بودند. می‌خواستم این موضوع را به آقای دکتر یزدی بگویم. همان کسانی که به ایشون رأی دادن و ۵۰٪ درصد کسانی که به ایشون رأی ندادند، الآن ایشون را تأیید می‌کنند. مردم به چه وسیله می‌توانند رأی را که به آیت دادند، پس بگیرند؟ و سوای آیت، آن

## ۷۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

گروهی که مردم را فریب می‌دهند و پشت همچنین اشخاصی ایستاده‌اند و آب را گل‌آلود می‌کنند، و کسانی که می‌ترسیدند رأی مخالف بدهند، آنها را معرفی کنند، در هر پستی. ایشون انقلابی بودنشون رو ثابت کردند. این موضوع را ولش نکنند از طریق همین مقالات، مردم را آگاهی دهند اگر از طریق مجلس نمی‌تونند. با چنین اختناقی که به وجود آمده، به همین مقاله اکتفا نکنند و آن را ادامه دهند ...

**بهرام شادروان، دبیر:** من متأسفم از اینکه حالا که آقای دکتر یزدی را شناختم برایشون رأی نداده‌ام. ای کاش زودتر با افکار ایشان آشنا شده بودم. نظر ایشان را در مورد آقای دکتر آیت با توجه به نواری که نماینده رفتار ایشان بود و سابقه ایشان، کاملاً تأیید می‌کنم.

**آقای ثقفی طی تماس تلفنی،** رای آقای دکتر یزدی را تأیید کرد.

**در مورد مطلب آقای یزدی:** آقای آیت در سخنرانی خود به آقای یزدی حمله کردند [در] مسجد حجت. آقای دکتر لطف کنند از این مقالات بیشتر بنویسند در جهت آگاهی مردم، ولی آگاه بودن ما تنها کافی نیست. اقدام در مورد این مسائل لازم است (برای آگاهی از شرح کامل واقعه مسجد حجت، به پیوست ۳ از همین فصل بنگرید).  
— اولاً به نسبت ظواهر امر و این مقاله، آقای یزدی رو تأیید می‌کنیم نسبت به نوشته‌هایشون، ولی ما که صددرصد در جریان این امر نیستیم، ولی به هر صورت از ایشون سؤالی داریم: این را می‌خواهیم بفهمیم چه جوی در مجلس حکومت می‌کنه که با وجود اینکه پرونده آقای آیت اینقدر خرابه، ایشون این قدر رأی میاره؟

— همان‌طور که آقای یزدی از مردم استمداد کردند، ما مردم هم از آقای دکتر استمداد می‌کنیم که حقایق را شکافته، برای مردم بازگو کنند تا که آب از سر ملت گذشته، ملت تکلیف خود را با ... منافقین معلوم کند. فقط خواهش می‌کنم تو را به اون خون شهیدها من هیچ کدام را دقیقاً نمی‌شناسم؛ تو را به خدا، حقیقت رو به مردم بگین و مردم را به خاطر اسلام آگاه کنند. من می‌فهمم جوی حکومت می‌کنه که آقای بنی‌صدر نمی‌تونه کارهاشو خوب انجام بده. دلم می‌خواد معلوم بشه که آقای بنی‌صدر جلوی حزب جمهوری ایستاده.

**آقای:** به اطلاع ایشان برسانیم که شما جزو کسانی هستید که به ایشون رأی دادید، ولی هیچ وقت فکر نمی‌کردم که ایشون آن قدر شهامت دارند که واقعیات را بگویند. از این مقاله ایشون تشکر می‌کنم و کار کاملاً صحیح بوده، و ان شاء الله همیشه در همین فرم باشند. فرمی نباشند که طرف این و آن را بگیرند. همیشه طرف حق باشند. موقعی که در مجلس وضعی پیش میاد که حق را می‌خواهند باطل، و باطل را حق جلوه دهند، به عنوان اعتراض، نمایندگان، مجلس را ترک کنند تا مردم نماینده واقعی خود را بشناسند. موضوع دیگر اینکه از تلویزیون که پخش میشه، حدود هر ساعتی پانصد هزار تومان برای ملت خرج برمی‌داره. دیشب با آقای معادی‌خواه صحبت می‌کردم؛ می‌گفت: این نوری که توی صورت ما می‌اندازند باعث عصبی شدن ما میشه اگر ممکنه آقای دکتر در مجلس مطرح کنند که فیلمبرداری نکنند و بودجه‌اش را صرف آبادانی مملکت بکنند. دیگر اینکه ادغام دبیرستان و دبستان غیر انتفاعی، مشکلات عجیبی به وجود آورده؛ طوری نشه که بعداً اشکالی پیش بیاد. مدارس ملی خوبی بوده که الان می‌خواهند دولتی بکنند. این موضوع باعث نگرانی شدیدی در خانواده‌ها شده. از این موضوع، تا دیر نشده و مدارس شروع نشده، جلوگیری کنند.

**پنج- شش نفر از کارمندهای سازمان دولتی:** ما معتقد هستیم که مقاله مستدل و جالبی بود و چنین مقالاتی می‌تونه نقش افشاگری داشته باشه و به مردم آگاهی بده. ما متعجب هستیم؛ چطور چنین آدمی در مجلس رأی آورده و نمایندگان در مورد این شخص، تحقیق کافی نکردند. و ضمناً پیشنهاد می‌کنیم باز از این مقالات در روزنامه نوشته شود.

— من از آقای یزدی پشتیبانی می‌کنم و به آقای آیت تسلیم می‌گویم. من رأی خود را از حجازی، موسوی خویینی‌ها، معادی‌خواه و هادی غفاری پس می‌گیرم. غلط کردم که به اینها رأی دادم.

**ناصر جاوید:** به نمایندگی از بیست نفر اعضای خانواده که از ابتدا به آیت رأی دادیم، فوق‌العاده پشیمانیم؛ چون ایشان را نمی‌شناختیم.

**خانمی طی تماس تلفنی گفت که:** رادیو - تلویزیون به جز فحاشی کاری ندارند، ولی مطبوعات مخصوصاً کیهان، وضع بهتری دارند. سعی کنید همیشه حقایق را

## ۷۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

بنویسید؛ همان طوری که در مورد آیت نوشته‌اید. من دیروز تماس داشتم با چند تا از دختران دانشجوی دامغانی که حرف‌های آقای دکتر را تأیید می‌کردند، می‌گفتند آقای آیت شخص فاسدی است. در ضمن تلویزیون دیشب در مورد مرگ شاه و شادی بیش از حد مردم می‌گفت که اغراق بود. مردم آنقدر شادی نکردند. خانه ما در امیریه است؛ آن طرف‌ها اصلاً از این خبرها نبود. ما موقعی شادی می‌کنیم که پس از رفتن شاه مملکت ما خوب و آباد شده باشد. مردن شاه، تنها موجبی برای شادی ما نیست.

— آقای در تماس تلفنی گفت: این یادداشت واقعاً جالب بود و آقای آیت خائن هست. بعد این آقا رو با تمام قوا رای اعتماد بهش می‌دهند و این بیچاره‌ای که توی اداره‌ها کار نکردند را به صورت پاک‌سازی اخراج می‌کنند. ولی آیت چرا با این وضعی که این آقا دارند، نمی‌خواهند پیگیری کنند! من یک خواننده هستم. واقعاً وقتی این مطلب رو خوندم خیلی ناراحت شدم که همچین آدم‌هایی وکیلشون باشند. مردم این همه کشته ندادند که اینها وکیلشون باشند.

— در مورد سرمقاله آقای دکتر یزدی: من یک نفر، اعتراض زیادی به این سرمقاله دارم. اگر حق را می‌خواهند، باید داستان را از اول می‌نوشتند، نه از وسط آن جایی که به نفع خودشون هست. باید در تمام موارد رأی علنی بگیرند. این بسیار حرف غلطی است که آقای دکتر زده‌اند. اگر می‌خواهند مردم قضاوت کنند باید داستان از اول گفته شود. آقای آیت به مقدار حرف‌هاش به حق بوده، ولی نحوه تفکرش بعد از انقلاب، کاملاً درسته که لیبرال‌ها می‌خواستند خمینی را کنار بگذارند. در زمان بازرگان این کار شده. از همان اول شروع کردن به بدنام کردن روحانیون. این طور نمی‌شود قضاوت کرد. این چیزهایی است که به وجود آمده. اگر طرفداری از روحانیون به وجود آمده، کار بازرگان و بنی صدر بوده که می‌خواستند روحانیون را کنار بگذارند. لیبرال‌ها و افراد روشنفکر و اسلامی‌های پروتستان سعی در این داشتند که روحانیون را کنار بگذارند. پس این عمل روحانیون، حالا واکنشی است نسبت به کنش‌های این روشنفکرها. این قشر از خارج آمده. تمام افراد فقط و فقط متخصصین بودند که غربی بودند. این بی‌انصافی بود که خانواده‌ها شهید بدهند و اینها بیایند. روحانیون، مارگزیده هستند از دست این روشنفکرها. افرادی که نه اسلام رو دوست دارند ...

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۶۷

**خانم زاهد در تماس تلفنی گفت:** با اینکه من به آقای دکتر یزدی رأی نداده بودم، ولی از ایشون ممنونم که به آقای آیت رأی مخالف دادن. به خاطر اینکه تضعیف رئیس جمهور به ضرر مملکت و انقلاب است.

**در [بارۀ] مقاله یادداشت روز:** موسی مسجد جامعی هستم؛ فرزند ... : موافقم. و به جناب یزدی رأی داده بودم. ایشون منتخب بنده هستند و در مورد تقاضایی که ایشون کردند کاملاً حرف‌های ایشون را تأیید می‌کنم و از اینکه به ایشان رأی دادم، خیلی خوشحالم.

**یک خواننده ۷۵ ساله:** اینها که دارند ما رو اداره می‌کنن، اون تقوا رو ندارند. من ۷۵ سالم هست، مسلمان هستم و مطالعه‌ام هم زیاده و تازه مسلمان هم نیستم. از این ادعایی که داریم میان توی مردم. چه قدر صبر کنیم، چه قدر بدبختی بکشیم؟ فکری به حال ۳۵ میلیون بکنند. باید تقوا داشته باشند. به هیچ‌کدام دستمان نمی‌رسه. ریش، تقوا نیاره. باید تقوا داشته باشند که خورده حساب توی مجلس تسویه نکنند و من ۷۵ سالمه؛ دارم از زور بدبختی جون می‌کنم. می‌خوام به این وکیل بگم که ما رأی دادیم به شما که درد ما رو درمان کنید. مدت‌هاست که می‌خواهیم با یکی از این وکلا تماس بگیرم؛ بدبختی ملت رو بگم؛ هیچ‌کدامشان نیستند.

**آقای طی تماس تلفنی بیان کردند:** دوست و برادر عزیزم آقای یزدی [که] چند صفحه‌ای از کیهان رو گرفته و داد سخن داده از آیت، چه بهتر بود که اگر نظر خاصی ندارند برای تمام نمایندگان - که رأی مخالف یا موافق می‌دادند - یادداشت روز کیهان را به این مطالب اختصاص می‌دادند.

**یک خواننده کیهان:** کسانی [هستند] که به جرم کمتر، اعتبارنامه‌هاشون رو رد می‌کنند، ولی اعتبارنامه ایشون [آیت] را قبول می‌کنند. لذا توضیح بدهند چطور این اعتبارنامه تصویب میشه؟ گروه‌گرایی نباشه! همان‌طور که امام گفته‌اند. ایشون [آیت] چون عضو حزب جمهوری هستند، اعتبارنامه ایشون قبول میشه. به‌عنوان یک رأی دهنده، از این افشاگری راضی هستم و خوشحالم که به همچون کسی رأی دادم و منتظر راهنمایی‌های ایشون و نمایندگان در راه ایشون هستیم که ما را راهنمایی کنند که ما

## ۷۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

خودمان با چنان نمایندگانی مقابله کنیم. من خودم متأسفانه روی ناآگاهی به آیت و غفاری رأی دادم. واقعاً شرمندهام که به اینها رأی دادم. من خودم را مسئول می‌دانم.

**در مورد مقاله آقای یزدی:** ما نه تنها سخنان ایشان را تأیید می‌کنیم و تشکر به خاطر رأی کبود دادنشون؛ بلکه از وکلای دیگرمون سؤال می‌کنیم که چرا به ایشان رأی موافق دادند؟ اگر دلایل منطقی دارند برای رأی دادنشون، مانند آقای یزدی برای مردم توضیح بدهند. ما که به این وکیل رأی دادیم، اگر می‌توانستیم، برای اینکه در پیشگاه خداوند ... [مسئول] نباشیم رأیمان را پس می‌گرفتیم.

**خانمی تلفن کرد و گفت:** مسئله‌ای که می‌خواهم بگم اینه که اگر آقای یزدی کار دیگری می‌کرد برای ما قابل قبول نبود. اینها آدم‌هایی هستند که با پای عقلشون حرکت می‌کنند. اگر حرف حقی را می‌گویند به خاطر حق بودنش هست. این حرف من تنها نیست؛ حرف ماهایی است که به آقای یزدی رأی دادیم و افشاگری که دیشب کرد، ثابت کرد که مادر انتخابمان راه ثواب را پیمودیم.

**بهشتی، دبیر دبیرستان‌های تهران:** ضمن تأیید نظر دکتر یزدی و ابراز شغف از اینکه به او رأی دادم، از رأی دادن به آیت، شرمسارم.

**حسین خلیلی، بازنشسته شرکت واحد، تلفن ۳۴۲۰۲۹:** ضمن تشکر و سپاسگزاری از کار انقلابی دکتر یزدی و تأیید رأی کبود ایشان بنویسید که انقلاب را مردم کردند؛ حالا آیت و آیت‌ها از راه رسیده‌اند و از مردم طلبکار شده‌اند. مگر آیت چه کرده که این همه ادعا دارد. مقاله دکتر یزدی مرا تکان داد. برای انجام هر خدمتی حاضرم.

**صمدی، کارمند شرکت نفت:** ضمن تشکر از مقاله دکتر یزدی، ما از کسانی که به آیت رأی منفی دادند، پشتیبانی می‌کنیم. کسانی که در مجلس به بزرگوارانی مانند غفوری، خلخالی و حجتی کرمانی تو دهنی زدند، خودشان باید خفه شوند.

**حسین آشتیانی و دوستان ایشان:** آیت باید از وکالت عزل شود. روزی که از داستان نوارها باخبر شدم، از اینکه به او رأی داده‌ام، پشیمان شدم.

**مریم طریقت:** از مقاله دکتر یزدی در باره آیت و تلگراف به آقای مشکینی سپاسگزارم. خدا به شما قدرت بیشتری بدهد که با افراد فاسد مبارزه کنید و وجدان‌های خفته را بیدار کنید.



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۶۹

**حسن مجتبایی:** به دکتر یزدی بگویید پشت این کار را بگیرند. متنشکرم. **هموطن تهرانی:** از دانش‌آموزان و دانشجویان آیت بخواهید اطلاعاتی که دارند برای روزنامه بفرستند تا مردم با چهره‌مزدور ایشان بیشتر آشنا شوند. **از طرف خانواده‌های علوی، احسانی و نادری:** از یزدی سپاسگزارم که دنباله‌روی حزب نیست.

**رسول احمدی:** آیت در یک سخنرانی در کاشان گفته بود: حالا اگر خود علی بیاید و بخواهد رئیس‌جمهور شود، می‌گویند چون شناسنامه‌اش خارجی است، نمی‌تواند، اما حالا شمر ذوالجوشن از همدان آمده و رئیس‌جمهور شده است. **حسین امیری:** ارتشی‌ها را به جرم توطئه، اعدام می‌کنند، اما آیت را به نمایندگی مجلس انتخاب می‌کنند؛ شرم‌آور است.

**مفید:** ما مجلسی را که آیت محور آن باشد، قبول نداریم. او با اعضای گروه کودتاچی اعدام شده، فرقی ندارد. چرا نمایندگان دیگر، سکوت کردند. **ناشناس:** آقای خوئینی‌ها با رأی دادن به آیت، ماهیت خودش را نشان داد. من برای دشمنی با شمر هم حاضر به همراهی با آیت نیستم.

**صادق فلکه:** تأیید مردم از سرمقاله کیهان، عجیب نیست؛ آنچه عجیب است این است که با شناختی که از بینش درست مردم دارند، دستور بر تأیید اعتبارنامه آیت می‌دهند. آیا این خلاف رأی ملت نیست؟ اصغری، از قول من از وکلای حزب جمهوری اسلامی سؤال کند با توجه به آن همه مدارک که علیه آیت رو شد، اگر این آقا عضو حزب نبود، باز هم به او رأی می‌دادند؟

**خلیل نظری:** با تشکر از یزدی، بنویسید: آیه‌ای که آیت در محکومیت سلامتیمان خواند، شایسته خودش و جو حاکم بر مجلس بود.

**کیانی:** مقاله یزدی را تأیید می‌کنیم. اعتبارنامه آیت نمی‌باید تصویب می‌شد. **فروغ افتخاری:** مقاله یزدی قشنگ بود، خیلی قشنگ. دروغگو کم حافظه است. آیت، اوایل می‌گفت در حضور چند دانشجو حرف زده؛ حالا می‌گوید کفایتی اینها را ضبط کرده است.

## ۷۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

استوار بازنشسته ارتش: به آیت و آیت‌ها باید تذکر داده شود پابره‌نه به میان صحبت‌های منطقی نماینده‌ای مثل چمران ندوند. متانت چمران در برابر این هوچی‌ها قابل تقدیر است.

آذر فروغی: با این سوابق آیت، چرا مجلسیان خودشان را به خواب زده‌اند؟  
مهاجری: از مقاله دکتر یزدی متشکریم.

برقمی: از رأی کبود یزدی به آیت سپاسگزارم. منتظر اقدامات دیگر ایشان هستیم که ان‌شاءالله مجلس را از وجود آیت پاک کند.

محمد ایزدی و دوستان: به دکتر یزدی امیدوار شدیم. وی نشان داد مورد اعتماد مردم است. تقاضا داریم به این راه ادامه بدهید. با هر کس صحبت کردم از این مقاله راضی است. دل مردم از دست اینها خون است. درود بر شما! به این راه ادامه دهید. مردم پشت سر شما هستند. اینها می‌خواهند بلایی را که سر مصدق آوردند، سر بنی‌صدر بیاورند.

انصاری: کیهان با این مقاله، روزنامه‌محبوب مردم شد. ان‌شاءالله کلکی در کار نباشد.  
ایمانی: ماندن آیت در مجلس، اهانت به مردم است.

دانشجوی دانشکده علوم و فنون: از قول من به آیت استاد ارجمند بفرمایید شما که دم از مبارزه با رژیم شاه می‌زنید، چرا در زمانی که انقلاب به اوج رسیده بود و مردم و دانشجویان و دانشگاهیان در اعتصاب بودند، سر کلاس حاضر می‌شدید و دانشجویان را با سختگیری در حضور و غیاب، ملزم به حضور در کلاس خود می‌کردید؟ همچنین با کنار گذاشتن استاد انقلابی (جناب دکتر هاشمی که از طرف ساواک کنار گذاشته شد) ساعات تدریس ایشان را نیز تقبل کردید.

آقای قائمی در تماسی تلفنی، مراتب پشتیبانی کارکنان پخش شرکت نفت در قزوین را از مقاله و عملکرد آقای دکتر یزدی در مجلس اعلام کرد.

ناشناس: اینها دلشان برای خودشان می‌سوزد، نه اسلام، نه ایران و نه امام. اینها شعبده بازنند. آیت و آیت‌ها را کنار بگذارید.

### قسمت دوم: نامه‌ها

**حسین مقصودی:** بسم الله الرحمن الرحيم: با عرض سلام خدمت برادر عزیزم آقای دکتر ابراهیم یزدی. چهارشنبه شب، وقت کافی جهت نگاشتن این نامه را داشتم که خواستم تأیید خود را بر مقاله «گزارش به موکلین: رأی کبود به آیت» که یکشنبه ۵ مرداد [در روزنامه کیهان چاپ شده را] به استحضارتان برسانم و شهادت، صداقت و صراحت جناب عالی را ستایش و موفقیت روزافزونتان را از خداوند متعال در پیشبرد هرچه سریع‌تر گرداندن چرخ انقلاب اسلامی اصیل ایران و بیان حقایقی که بسیاری می‌کوشند آن را مخفی سازند، [آرزومندم]. امید است که مطبوعاتمان فقط به اسلام و ایران فکر کرده و همیشه یاد شهدا و ... صداقت و صراحت‌گویی‌های کریم‌پور شیرازی، رهبر قلم‌زنان روزنامه را از نظر فراموش نکنند و از بیان حقایق دریغ نفرمایند. با تقدیم احترام و آرزوی موفقیت‌های روزافزون.

حسین مقصودی-۵۹/۵/۹

**ش. داودیان:** برادر گرامی آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده مجلس شورای اسلامی و سردبیر روزنامه کیهان. با عرض تشکر از گزارش چگونگی دادن رأی کبود به آیت، به اطلاع می‌رساند اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان واقعی که وابسته به هیچ گروه و دسته‌ای نیستند و فقط به خدا و پیروزی انقلاب می‌اندیشند، از شما پشتیبانی می‌نمایند. از خداوند، توفیق شما را در انجام وظیفه خطیر در این برهه از زمان مسئلت می‌نمایم (۵۹/۵/۷).

**سرباز وظیفه حسین خدادادپور:** بسم الله الرحمن الرحيم. پس از عرض سلام خدمت برادر مبارز و نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، دکتر ابراهیم یزدی. امیدوارم که همواره در راه اسلام به مبارزه خود ادامه داده و موفق و مؤید باشید. نامه [مقاله] شما را در «روزنامه انقلاب اسلامی» مورخه ۵۹/۵/۷ خواندم: در مورد علل رد اعتبارنامه آیت از سوی شما. بسیار خوشحال شدم از اینکه در موقع انتخابات رأی خودم را به نام شما ریختم؛ چون یکی از خواست‌های همین ملت، اجرای حق و قضاوت در کمال بی‌غرضی و بی‌طرفی و اسلامیت بود که الحق شما به این خواسته با رأی منفی خود با دلایلی که ذکر کرده بودید، جامه عمل پوشیدید. چه اگر این دلایل

## ۷۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

هم نبود، همان دو نوار که به قول خود آقایان سند افتخارشان است، دلیل رد اعتبارنامه آنها می‌بود، و لیکن چه می‌باید کرد که با اغراض نظرها و دسته‌بندی‌ها موفق شدند که خود را به ملت بقبولانند.

حالا هم امیدواریم همه ما که همواره در این راه که گام برمی‌دارید، باشید؛ و هیچ‌گاه به دلیل اینکه فلان شخص، عضو فلان حزب است، هر کاری که کرد نادیده بگیرید. خلاصه آنکه چون شما از ملت خواسته بودید نظرات خود را برای شما بنویسند، به‌عنوان یک فرد از این ملت، از این عمل شما پشتیبانی می‌کنم و امیدوارم که همواره در قضاوت‌هایتان این‌گونه اسلامی رفتار کنید. به امید موفقیت هرچه بیشتر شما در راه اسلام (۵۹/۵/۸).

**همدان - ک. ر. د:** به نام خدا و به نام رهبر کبیر انقلاب، خمینی بت‌شکن

خدمت آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده امام در روزنامه کیهان

پس از عرض سلام، امیدوارم همیشه در کارت‌تان موفق و پیروز باشید و از نوشتن حقایق در روزنامه کیهان چشم‌پوشی نکنید و مورد تهدیدات این و آن قرار نگیرید؛ همچنانی که نکردید. و از اینکه آنچه را که در مجلس و در کشور انقلابی ما و یا در خارج از کشور اتفاق می‌افتد به وسیله چند برگ کاغذ به اطلاع می‌رسانید، صمیمانه سپاسگزارم و از خداوند متعال برای شما و تمامی کارکنان روزنامه کیهان، سلامتی و موفقیت آرزو می‌کنیم. لذا تقاضا دارم نامه اینجانب را طبق مواد قانونی نشریات به چاپ برسانید. البته از تمام حروف آدرس، خودداری فرمایید. یعنی به این شکل بنویسید (مورخه ۵۹/۵/۱۳).

**نامه یک خواننده:** به‌نام خدا. جناب آقای دکتر یزدی، نماینده مردم تهران. پس از

تقدیم عرض سلام خواهشمندیم که به سؤالات ما جواب دهید::

۱- از آن موقع که شما سرپرست کیهان شده‌اید، [چرا] تغییرات اساسی در آن به

وجود نیامده؟

۲- چرا تیر درشت صفحه اول، باز هم به شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی چون

گذشته می‌باشد؟ مثل تعیین نخست‌وزیر و سخنان امام و آقای بنی‌صدر!

### مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۷۳

۳- با اینکه امام شما را به عنوان نماینده خود در کیهان گذاشته و تأکید بر آن دارند که شما در باره گروه‌های منحرف و منافق افشاگری نمایید و به مردم آگاهی سیاسی و اسلامی دهید، اما باز هم کوتاهی می‌شود.

۴- شما چطور می‌خواستید از نمایندگی مجلس استعفا دهید؛ در صورتی که امام می‌فرمایند: اکثریت مجلس، افراد باصلاحیت می‌باشند و شما دارید دنباله‌رو افراد بی‌صلاحیتی مانند مدنی، قشقایی و حسن‌خانی می‌شوید.

۵- راجع به سرمقاله که نوشته و مهر تأیید هزاران خواننده کیهان بر سرمقاله دیروز، باید عرض کنیم آنان که تلفن دارند اکثراً افراد سرمایه‌دار در رژیم قبلی هستند، نه افراد مستضعف. چون آنها تلفن مجانی بغل دستشان می‌باشد و از اداره یا منزل شخصی به شما اظهار پشتیبانی می‌نمایند؛ زهی خیال باطل؛ چون مردمی که در جنوب تهران و گوشه و کنار تهران و شهرستان‌ها می‌باشند، هنوز از تلفن عمومی موفق به تلفن نشده‌اند.

۶- راجع به جوابیه آقای مشکینی بفرمایید که شما در زمانی که وزارت خارجه بوده‌اید چه کار مثبتی انجام داده‌اید؟ در مورد آقای شمس امیراعلایی که در فرانسه به سفیری مشغول بوده و خیانت‌هایی کرده‌اند، چه کرده‌اید؟ راجع به دیگر سفارتخانه‌ها آیا شما افراد انقلابی گذاشته‌اید و دیگران آقای قطب‌زاده عوض نموده‌اند و یا آقای سنجابی تعیین نموده‌اند و شما دست زده‌اید؛ آیا گناه این سهل‌انگاری‌ها به گردن کیست؟

۷- بفرمایید چطور شما که از خارج تشریف آورده بودید تا مدتی گروه‌ها شما را هدف تهمت‌ها و ناسزاها قرار می‌دادند، اما چرا اکنون شما را انقلابی می‌خوانند و حتی از شما طرفداری می‌نمایند و افراد مسلمان پاک از شما و عملکردتان انتقاد می‌نمایند؟

۸- شما با این عملکردتان - چه در کیهان و در مجلس - نشان می‌دهید که می‌خواهید در سنگر ملی‌گرایان و یا مترقی‌گرایان، مبارزه نمایید تا از ترور شخصیت آنان در امان باشید. چطور پارسال که این همه دروغ به شما نسبت داده می‌شد، یک مقاله جواب نوشتید، اما امسال که از طرف علما و روحانیون آگاه و در خط امام، انتقاد می‌شوید، این چنین برآشفتید؛ این به نفع کیست، جز آمریکا؟

**احمد الهی:** جناب آقای دکتر یزدی، نماینده مجلس شورای اسلامی

با نهایت احترام، در تلویزیون، آن جناب به عنوان مخبر کمیسیون، حقایقی در مورد پرونده و سوابق آقای آیت گزارش کمیسیون را به عرض مجلسیان رساندید، ولی متأسفانه اداره‌کنندگان و وکلا هنوز از تخم بیرون نیامده، به دسته‌بندی مشغول گردیده‌اند و آن طور که ادعا می‌نمودند و در راه اسلام وجود خود را وقف امور مسلمین می‌کردند. به قول خواجه شیراز که فرموده: «واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند/ چون به مجلس می‌روند آن کار دیگر می‌کنند». این شعر فعلاً شامل حال مؤسسين و رهبران حزب جمهوری و پیروان گردیده و آقایان، اعمالی انجام می‌دهند که گروه‌ها و مخالفین و منافقین بر علیه آنان تبلیغ نمایند و متأسفانه خیلی هم مؤثر واقع می‌شود.

اگر اسائه ادب نشود خیلی از این آقایان دارای آن ظرفیت نیستند و راه و رسم مملکت‌داری را نمی‌دانند و به قول امام که فرمود: «من خوف آن را دارم که این هم جنسانمان به اسلام لطمه بزنند». دیگر اینکه می‌گویند آقای بهشتی و باندش می‌خواهند نخست‌وزیری کلانتری را به رئیس جمهور تحمیل کنند که همیشه قدرت را در دست خود داشته باشند و به تضعیف رئیس جمهور کوشا هستند و به خوبی در افکار عامه، وجهه خوبی ندارد؛ حتی ایشان را ردیف فراماسیونین [فراماسون‌ها] به حساب می‌آورند. الله اعلم.

آقای رفسنجانی هم مورد قبول عامه تیریز نمی‌باشد. بهتر است اینها در اعمال خود تجدیدنظر نمایند و در پشت میز ریاست، مؤدبانه‌تر و با کمال بی‌طرفی عمل نمایند و الا این وضعی که در یکی - دو جلسه حرکات و بی‌انضباطی از بعضی‌ها سر زد، اگر ادامه یابد، مردم پشتیبان چنین مجلسی نخواهند بود و از هر چه و هر که عمامه به سر است، دوری خواهند نمود و دیگر پای علم اینها کسی سینه نمی‌زند و جز سرخوردگی و عدم اعتماد و بدبختی مردم و دست‌اندرکاران و به باد دادن زحمات امام و خون شهدا و شادی [دشمنان] داخلی و خارجی و اثبات بی‌عرضگی و ندانم‌کاری آیت و امثالهم، نتیجه نخواهد داشت.

با کمال اعتذار آن صحنه را که در آن جلسه دیدم با اینکه آدم بی‌سوادی هستم و تا حدود ۹ کلاس قدیم سواد خوانده‌ام و وارد سیاست نبوده و تا به حال در این کارها

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۷۵

نبودم و دائماً در تلاش معاش هستم، به یاد سقیفه بنی ساعده افتادم و نزد خود گفتم خدای نکرده تاریخ تکرار می‌شود. چرا اینها از امام هم حرف شنوی ندارند. اگر آئی امام از اینها حمایت نکنند به اینها آن رسد که به خیلی‌هاشان جز معدودی [آن رسد] که به ساواکی‌ها رسید. والسلام ارادتمند - احمد الهی

مرضیه خوانساری، معلم: جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی

ضمن سلام و آرزوی موفقیت روزافزون برای شما در راهی که انتخاب کرده‌اید. سرمقاله‌تان را در روزنامه کیهان تحت عنوان «گزارش به موکلین: رأی کبود به آیت» را خواندم و این عالی‌ترین جلوه‌ای بود از رابطه نزدیک بین وکیل و موکل که تنها در یک نظام اسلامی می‌توان نظیر آن را جستجو کرد و یافت. من همچنین جریان مذاکرات مجلس شورای اسلامی را از رادیو و بعد از چاپ سرمقاله شما شنیدم که در آن به جرم حق‌گویی و درمیان گذاشتن واقعیات با آنان که بیش از هر کس حق دارند در جریان آنچه در مجلس می‌گذرد، باشند، شما را محکوم و روزنامه‌تان را به آیندگان مانند کردند. ناگفته پیداست که انگیزه آن محاکمه و این تشبیه، چیزی نبود جز چاپ عکس آقای انواری و عدم چاپ عکس آقای ... اما اینها نخستین‌ها از اعمال غیراسلامی نبود؛ چرا که در دو - سه هفته اخیر، فراوان تبعیض‌ها، به چه منظور؛ اهانت‌ها، آن هم به چه افرادی؛ جوسازی‌ها، علیه چه کسی و چه کسانی؟ نپذیرفتن حق اما، سعی در تحمیل هر عقیده‌ای! برای رسیدن به کدام هدف در این مجلس اسلامی دیده و شنیده شد؟! برادر گرامی، جناب آقای دکتر یزدی. آنچه در این چند روز بر مجلس و روزنامه‌ها گذشت، بیش از همه هیاهوها و برجسب‌زدن‌ها، مبین صداقت و امانت شما بوده در انجام مسئولیت خطیری که برعهده گرفته‌اید. من اگرچه مستقیماً به شما رأی نداده‌ام، اما شما را وکیل خود می‌دانم و بر این مبنا پیامی را به ودیعه به شما می‌سپارم تا به هر طریق ممکن در ابلاغ آن اقدام نمایید و کاملاً مطمئن و امیدوارم که این تقاضای مرا به طاق نسیان نمی‌سپارید؛ و مگر نه اینکه نمایندگان، رابط بین مجلس و ملتند.

از قول ما مردم به برادر ارجمندمان جناب آقای هاشمی رفسنجانی بگویند که برادر عزیز، صحبت از چند و چون تصویب اعتبارنامه آقای آیت نمی‌کنیم، که این خود محتاج

بحثی جداگانه است و از آن اکثریت قوی در مجلس غیر از این انتظار نمی‌رفت، اما آیا این فقط دیگرانند که باید تاب تحمل سخن مخالفت را داشته باشند؟ و اگر حرفی زده شود که به خاک پای آن اکثریت قوی خوش نیاید، چماق تکفیر را برمی‌دارید که چنین و چنان؟ آیا اگر قرار است بی‌طرفی کامل در مجلس حکمفرما باشد، پس چرا جلسه‌ای که در آن پنجشنبه تاریخی تشکیل شد، از جانب شما حساس و غیرعادی نامیده می‌شود؟ و چرا همه نمی‌توانند حرف بزنند؟ مگر برادر مبارزتان جناب حاجتی کرمانی چه می‌خواست بگوید که به آن شدت، مانع شدید؟ آیا در مجلس قرار است سانسوری در کار باشد که به محض چاپ جریانات مجلس در روزنامه کیهان، فوراً یکی از آن برچسب‌هایی را که در جمع اکثریت قوی یا فراوان، یافت می‌شود به پیشانی حق‌گویان و حق خواهان می‌چسبانید؟ چرا در آن اجلاس تاریخی، مبارزین چندین و چند ساله، آن‌طور مورد اهانت قرار گرفتند؛ و وقتی به‌عنوان اعتراض، جلسه را ترک می‌کردند، بدرقه راهشان سخن تمسخرآمیزی بوده که این کلمات را ادا می‌کرد: «خوش آمدی!»

از این می‌گذرم که آقای انواری روی خلوص خودشان و ... امر امام به مجلس بازگشتند، اما آیا در یک نظام اسلامی از آنان که عمری در سیاه‌چال‌های طاغوت گذرانده‌اند و این پیروزی را به نقد جوانی خریده‌اند، این‌گونه تقدیر می‌شود؟ آیا تا زمانی که مشکل درون مجلس - که همان قبضه شدن قدرت و اعمال آن به وسیله آن اکثریت قوی است و آیین‌نامه کذایی نیز کمکی به این قضیه است - حل نشده و به شدت تحت تأثیر بند و بست‌های سیاسی و وابستگی‌های حزبی است، چگونه می‌تواند به دردهای این ملت رنج‌دیده برسد؟ خلاصه: اندکی با تو بگفتم غم دل ترسیدم/ که دل‌آزرده شوی ورنه سخن بسیار است.

جناب آقای هاشمی، من از شما برادر عزیز عاجزانه تقاضا می‌کنم یک بار خودتان بیندیشید و خود باشید؛ سپس نوار مذاکرات مجلس را فقط در آن پنجشنبه تاریخی با دقت گوش کنید یا ببینید، که البته دیدن، نکته‌های تازه‌ای را بر شخص مشکوف می‌کند و اگر خواستید گوش کنید، متن کاملش را [گوش کنید، نه] آن متنی که در روز یکشنبه ۱۲ مرداد دست و پا شکسته از رادیو پخش شد. اگر اثر مثبت بر روی شما داشت که فبها المراد؛ و اگر باز بر سر همان پیمان بودید، وای اگر از پس امروز بود فردایی.



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۷۷

سخن دیگر با جناب موسوی خوئینی‌هاست که برادر صدیق، می‌دانید زمانی که جملات تاریخی شما را در آن روز تاریخی شنیدیم، چه مسئله‌ای برایمان تداعی شد؟ بله، درست حدس زدید جریان تنفیذ حکم ریاست جمهوری که از صداقت مردم و حسن نیت‌شان استفاده نکرد، اما آیا شما با شنیدن فرمایشات امام در جمع فرماندهان ارتش، مطمئن شدید که کاملاً در خط امام حرکت می‌کنید؟

پیام دیگر من به آن نماینده محترمی است که علیه یک روزنامه، به دلیل انعکاس حرف مردم که گفته بودند بعضی از نمایندگان در خط آقای آیت حرکت می‌کنند، اعلام جرم کرد. بسیار خوب. اگر آقای آیت - با تمام خیانت‌های آشکار و پنهانشان - شخصیت موجهی هستند، پس چرا از اینکه شما را در خط ایشان بدانند، برآشفته می‌شوید و اگر شخصیتش مورد قبول مجلس نیست، چرا اعتبارنامه‌شان با آن اکثریت موافق به تصویب رسید؟

من اطمینان دارم آنان که سخنان من به مذاقشان خوش نمی‌آید فوراً و بدون اندکی تعمق بر روی این مسئله که همیشه حق به جانب یک گروه خاص نیست و آنان که به فرموده مولا علی «حق را با کارهای خود می‌سنجند و نه کارهای خود را با حق»، چماق تکفیر را بلند خواهند کرد که وای ضدانقلاب در صدد تضعیف مجلس است؛ اما خدا آگاه است که دعای شب و روز من در این ایام مبارک، و چه قبل از آن استقرار اسلام به طول عمر امام و توفیق این جمهوری است و تکفیرکنندگان بدانند که هر ضدانقلابی ممکن است منتقد نیز باشد، اما هر انتقادکننده‌ای لزوماً ضدانقلاب نیست. والسلام. با عرض سپاس و تشکر مجدد از شما برادر محترم جناب آقای یزدی.

معلم یکی از دبیرستان‌های همدان - مرضیه خوانساری - ۵۹/۵/۱۳

ن. شریفیان: حضور محترم جناب آقای دکتر یزدی. راجع به یادداشت روز،

روزنامه کیهان، شماره یکشنبه ۵ مرداد

با سلام و درود بی‌پایان به شما خدمتگزاران پاک و صدیق مردم ایران. امیدوارم که وقت گران‌بهای شما را نگرفته باشم و آرزو می‌کنم مطالعه این نامه از حوصله شما بیرون نباشد. آقای یزدی، ما یک خانواده هفت نفری هستیم که دارای پسر و دختر می‌باشم و هرچند خودم سعادت نداشتم در انقلاب بزرگمان سهمی داشته باشم، ولی

## ۷۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

فرزندانم در اوج انقلاب، دین خود را ادا کرده‌اند و سهم کوچکی داشتند، ولی خودم چه قبل از پیروزی و چه بعد از پیروزی، دیوانه‌وار به این انقلاب عشق می‌ورزم و همیشه نگران هستم؛ به طوری که اگر در خانه، فرزندانم بلند حرف بزنند، می‌ترسم به این انقلاب شکوهمندان صدمه‌ای برسد. باور کنید از عمق قلب می‌گویم این انقلاب را مانند شیشه‌ای نازک و گران‌بها می‌پندارم که دلم می‌خواهد در آغوشم نگه دارمش، مبادا آسیبی ببیند، ولی افسوس که میسر نیست.

آقای یزدی، یادداشت روز شما را من و فرزندانم مطالعه کردیم. خدا گواه است هر خط که می‌خوانم به شهامت و تقوا و پاکی شما احسنت و درود می‌فرستم. در خانه کوچکمان برای شما تظاهراتی برپا بود. می‌دانید چرا؟ چون مدتی بود ناامید شده بودیم؛ ناامید به خاطر نادر بودن انسان‌های پاک؛ ناامید به خاطر عملکردها و رفتار ناپسند بعضی از آقایان و مجلسیانی که دم از تقوا و راستی و خداپرستی می‌زنند و به عین می‌بینیم که چه قدر دروغگو و پست هستند، و با تکیه به نام پاک امام و پشت سر و خط امام بودن، چه کارهایی که نمی‌کنند و درس وقیحانه خود را خوب روان کرده‌اند. تا کسی بر ضد آنها سخنی بگوید فوراً مارک بی‌مکتب بودن را به آنها می‌زنند؛ مخصوصاً کارهای این چند روزه بعضی از نمایندگان، به ملت ایران ثابت کرد که کی در خط امام است و کی نیست.

آقای یزدی، من خیلی حرف و درد دل دارم، ولی می‌دانم شما گرفتاری دارید و وقت ندارید، ولی تنها خواهش یک انسان و انسان‌های نگران این ملت را بپذیر. تقاضای عاجزانه دارم به خاطر خدا همین طور که در این مدت به خاطر خدا در این انقلاب فداکاری کردید، از شما این کار می‌آید. خواهشاً به عرض امام برسانید. ما که دسترسی نداریم و کسی ما را راه نمی‌دهد؛ چون این گره‌ها به دست شخص امام باز می‌شود. نگذارید حرف‌های دشمنان بر سر ما کوبیده شود که: دیدید ما راست گفتیم و زبانم لال امام با حزب، دست به یکی کرده و تمام قدرت را به دست آنها داده که هر کار دلشان می‌خواهد بکنند؟ اگر غیر از این بود، چرا امام - البته دشمنان می‌گویند - اگر جز این بود چرا آیت را نخواست تا از او توضیح بخواهد؟ و اگر چنین نبوده، با چه شهامتی با آن سوابق کذایی، اعتبارنامه‌اش تصویب شد؟ پس خوب پشتگرمی داده‌اند! از این حرف‌ها مردم رنج می‌برند.

آقای یزدی، مگر آقای آیت بر ضد حکومت جمهوری اسلامی نبود؛ مگر توطئه نبود؛ مگر توهین به یک ملت که رئیس جمهور دلخواه خود را انتخاب کرده بودند نبود؟ آخر چرا این کارها را کرد و می‌کند؟ مگر آقای بنی‌صدر چه هیزم تری به اینها فروختند؛ چرا بعضی آقایان تا این اندازه خبیث هستند و نمی‌توانند تحمل کنند که شخصی در مردم نفوذ دارد و واقعاً می‌خواهد برای این مردم زجرکشیده خدمت کند؛ چرا نمی‌توانند درک کنند که اگر این انقلاب به ثمر نهایی خودش برسد، سرافرازی آن برای همه آنهاست و ملت آنها را سهم خواهند دانست! چه می‌شود به خاطر اسلام و انقلاب، فداکاری کنند؟ مگر از رژیم گذشته خبر ندارند که می‌دانند با همه قدرتش چگونه فنا شده و از بین می‌رفت و لعن و نفرین ابدی برای خودش و خانواده‌اش گذاشت؟ آخر چرا زیر پوشش دین، این قدرت‌طلبی‌ها را می‌کنید؟ مگر امام، [جلال‌الدین] فارسی را برای رئیس جمهوری رد نکردند؛ چرا هنوز سنگ او را به سینه می‌زنند و با کمال وقاحت [می‌گویند] ما فارسی را برای نخست‌وزیری در نظر گرفته‌ایم! مگر این حرف‌ها بی‌توجهی به خود امام نیست؟ می‌گویید منافق؟ مردم از اول می‌دانستند که آنها منافق هستند، ولی خودشان از آنها منافق‌تر هستند و دست کمی ندارند. با سوء استفاده کردن از نام امام بزرگمان، کارهای زشت و ضداخلاق می‌کنند. تمام روزنامه‌ها را می‌کوبند و در رادیو، فقط تعریف و تمجید است از دو روزنامه خودشان. [رادیویی که از آن] سراسر نفاق و تفرقه می‌شنویم! آخر این انصاف است؟ چرا اسلام محمدی را خراب می‌کنید؟ اینها که ناسلامتی به عمق اسلام واقفند و به دیگران نصیحت می‌کنند، ولی خودشان عمل نمی‌کنند! ولی کور خوانده‌اند؛ ملت، هوشیارند. اگر بار اول، گول سخنرانی‌های زیبایشان را خوردند و به آنها رأی دادند، برای سال‌های آینده، تجربه شد و عملکرد آنها را در مجلس نشان خواهد داد. و ما تشخیص خواهیم داد که بین ... و یزدی‌ها و حجتی کرمانی‌ها و دیگر پاکان و دروغ‌گویانی همچون حجازی‌ها که برای فارسی تبلیغ آنچنانی می‌کنند و خوئینی‌ها و آیت‌ها و دیگر ریاکاران چه قدر فاصله دارد.

خدا گواه است مردم به خاطر وجود امام است که سکوت می‌کنند و چیزی نمی‌گویند؛ وگرنه در عرض یک ساعت این عنوان‌طلبان را از بین خواهند برد. آقای یزدی، ای مرد باتقوا و با شهامت و شجاعت که اسلام را به معنی واقعی می‌شناسی و

## ۷۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دین خود را با فاش کردن این حقایق ... و حق را گفتی با شجاعت و شهامت. تو را سپاس و قدردانی می‌کنم. موفقیت روزافزون و خدمت در راه اسلام و انقلاب و وطن را برای شما از خدای بزرگ خواهانیم. با درود بی‌پایان. ن. شریفیان - ۱۳۵۹/۵/۷

**محمدعلی شاهیده نوبری:** جناب آقای دکتر یزدی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی. با تقدیم عرض سلام. راجع به آن یادداشتی که در روزنامه کیهان عنوان کرده بودید، این نکته را یادآور می‌شوم که شما حق نمایندگی ملت بودن را بجا آوردید، ولی حیف که اعتبارنامه آقای آیت تصویب شد. البته این راهنمایی‌ها را که می‌کنید، ادامه دهید و ملت پشتیبان شماست و از تهدیدهای آیت نیز نترسید. امام به شما اعتماد دارد و ملت نیز که به شما رأی داده به شما اعتماد دارد. خواهشمند است جریانات مجلس را طی یادداشت‌هایی به ملت ابلاغ فرمایید. خداوند به شما در تمام کارها توفیق عنایت فرماید (۱۳۵۹/۵/۱۳).

**غلامحسین فتاحی بافقی،** از یزد: جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی ایران

پس از عرض سلام. یادداشت روز عالی‌جناب را در کیهان مورخ ۵ مرداد ۵۹ خواندم. از وضع فعلی مجلس و اکثریت و جبهه‌بندی که حزب جمهوری اسلامی در مقابل رئیس جمهور گرفته یا زبانم لال در مقابل امام امت گرفته و باعث نگرانی عده زیادی از مردم ایران شده، ناراحتم. [همچنین ناراحتم] از حرکت نابخردانه این اکثریت که ... متعهد ... اسلام هستند، لیکن بعضی از آنها دریچه چشم تنگ دارند! ... علت ... در این ماه مبارک، خدا را گواه می‌گیرم در حد ناامیدی مأیوس شدم و قبلاً از طریق آقای پاک‌نژاد نماینده مردم یزد، نامه‌ای به آقای رئیس مجلس نوشتم و از آنچه در مجلس می‌گذرد که بسیاری از مردم را و حتی جانم به فدایش امام امت را نگران ساخته، یادآور شدم. باز متذکر می‌شوم مردم از آنچه می‌گذرد ناراحت هستند. از قول بنده و به زبان اکثریت مردم که همین نظر را دارند، به مجلسیان طرفدار حزب جمهوری اسلامی بگویید مردمی که از زیر سلطه پهلوی خارج شده بودند، به شما رأی ندادند، بلکه به جمهوری اسلامی رأی دادند. از این نام مقدس برداشت نادرست نکنید! مردم دارند نسبت به شما بی‌اعتماد می‌شوند! بترسید از روزی که خشم ملت علیه شما

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۸۱

شعله‌ور گردد. بترسید از روزی که خدای نخواستہ انقلاب شکست بخورد! و ملت ایران شما را عامل شکست بدانند؛ آن وقت چه جوابی دارید بدهید؟ والسلام.

غلامحسین فتاحی بافقی، یزد- خیابان ... - کوی امام کوچه مدرس بن بست سوم... هرگاه لازم باشد در روزنامه درج بشود، حاضریم هزینه چاپ آن را با اعلام مبلغ آن پرداخت نمایم (۵۹/۵/۶).

**یکی از شهروندان تهرانی:** حضور محترم جناب آقای دکتر یزدی، نمایندهٔ محبوب مجلس شورای اسلامی ایران

مقالهٔ شما در روزنامهٔ کیهان ۵۹/۵/۵ در بخش یادداشت روز با عنوان «گزارش به موکلین» را خواندم.

همان‌طور که نوشته بودید، ملت ایران می‌خواهند بدانند که در مجلس چه می‌گذرد و وکلایشان برایشان چه کارهایی می‌کنند و خیلی از موضوعات دیگر است که بر ایمان مبهم است.

۱- مردم می‌خواهند بدانند چرا یک حزب می‌خواهد تمام اختیارات (قوهٔ قضاییه، قوهٔ مقننه و قوهٔ مجریه) کشور را در دست بگیرد و آن قدر که می‌دانیم تلاش می‌کند که حتماً قوهٔ مجریه هم در دست خودش باشد و از طرفی دیگر، به هر طریق که شده، اجازهٔ نفس کشیدن را به کسی دیگر ندهند و افراد نیکنام را بدنام کنند و روحانی‌های با سواد و با تقوای هر شهر را که زیر بارشان نمی‌روند با تهمت و افترا در نظر مردم خوار کنند.

ما هنوز بحمدالله حضرت امام را در بین خود داریم که ان‌شاءالله عمر شریف ایشان ۱۲۰ ساله شود، ولی اگر خدای ناکرده روزی محروم از این فیض عظمی شدیم، آیا این حزب که تمام اختیارات مردم را در دست دارد، با مردم چه خواهد کرد؟ و از طرفی اگر خدای ناکرده سرخ این حزب به دست خود آمریکا باشد، ایران و انقلاب به کجا می‌رود!

۲- این ملت می‌خواهد بدانند که چرا باز مجلس مانند مجلس آریامهری شده، و یک عده فقط بله قربان‌گوی حزب جمهوری اسلامی شده‌اند و یک فرد را که همه، معایش را می‌دانند و توطئه علیه رئیس جمهوری کرده، باز اکثر آرای مجلس را می‌آورد؟

۳- چرا افرادی که ... آزادند و تابع حزب آنها نمی‌شوند، علی‌وار گوشه‌گیرشان می‌کنند و با انواع تهمت‌ها و افتراها بدنامشان می‌کنند؛ مانند مهندس مهدی بازرگان.

۴- با اینکه حضرت امام - که ولایت بر ملت مسلمان دارند - کسی را برای نمایندگی مجلس و یا ریاست جمهوری معین نکردند، چرا حزب جمهوری، افرادی را - که فقط تابع اوامر خودشان بودند و خود را در برابر خدا و ملت، هیچ مسئول نمی‌دانند و فقط مسئولیت در برابر حزب احساس می‌کنند - به مردم معرفی کردند که به ایشان رأی بدهند. دلیل واقع حرفم اکثریت آرا در مجلس به حسن آیت است. و برای ریاست جمهوری اول، بابای افغانی را معین کردند. ۳۵ میلیون ایرانی آدم نبودند؟ و بعداً آقای آیت ... آخر کار که دیدند گندش بالا آمده، گفت ما هیچ‌کس را انتخاب نمی‌کنیم. آیا ملتی که شهید داده، تازه از انقلاب برگشته و چشم به چند روحانی در شهر خود دوخته، باید این‌طور با آنها بازی کنند؟

جناب آقای یزدی! من این مقاله را نوشتم که در روزنامه به چاب برساید؛ زیرا فکر می‌کنم به ضرر کشور باشد؛ چون با خواندن آن، افراد عادی از انقلاب دل‌سرد می‌شوند و از طرفی هم گروه‌های مخالف گل می‌گیرند. [این نامه] فقط برای آگاهی خودتان است و اگر صلاح بدانید به عرض امام محبوبمان برسانید.

در پایان، اولاً خواهشمندم که اسامی افرادی را که در مجلس به آیت رأی مثبت دادند، منتشر کنید و در ثانی شماها، آقای گل‌زاده غفوری، آقای بازرگان، آقایان سحابی‌ها، خانم طالقانی و سایر آقایانی که من اسم ایشان را به یاد ندارم و آقایان انواری و مجتهد شبستری و خلاصه افرادی که خود را در مقابل پروردگار و پیغمبر و ولی عصر و مردم ایران مسئول می‌دانید، قسم می‌دهم، به هر قیمتی که شده - کما فی‌السابق - نگذارید یک گروه خاص بر مردم ریاست کنند که آمریکا بتواند در آن گروه رخنه کند و ایران مثل بعد از مشروطه دوباره در دام خودشان بیفتد. در پایان به امید رسوا شدن هر چه زودتر خائنین واقعی که من در شب قدر، فقط و فقط از خدا همین موضوع را می‌خواهم.

والسلام - یکی از موکلین شما یا تقریباً اکثر اینها. ۱۷ رمضان المبارک.

**بانویی از شیراز:** نظر من این است که انقلاب ایران را نه آمریکایی‌ها و نه شوروی و نه هیچ غیرانقلابی نمی‌تواند شکست [دهد به] جز دیکتاتوری حزب جمهوری اسلامی. چون وقتی [این حزب] به مردم بگویند کور بشو، می‌گویند: چشم. بگویند کَر شو، می‌گویند: چشم. ولی بگویند ...، می‌گویند: نه. این مردم دیگر زیر بار زور و دیکتاتوری نمی‌روند. حال ما می‌فهمیم چرا این‌قدر خدا رحمت کرده، طالقانی تأکید برای شوراها داشت تا جلو دیکتاتوری و حزب بازی‌های یک گروه [را بگیرد] و حکم‌روایی‌های یک دسته بر همه مملکت را بردارد. خلاصه اگر به این منوال باشد خدا رحم به نهضت و کشور بکند؛ زیرا انقلابی‌های فهمیده واقعی، بی‌تفاوت شده‌اند و افراد مخالف نهضت به آسانی می‌توانند نهضت را شکست دهند. والسلام-۵۹/۵/۱۲.

**محمد صادقی، از شهر ری:** جناب آقای دکتر یزدی، سرپرست روزنامه وزین کیهان پس از عرض سلام، حقیر سرمقاله روزنامه کیهان را که در روزنامه شماره ۳۱۶ - ۵۹/۵/۷ انقلاب اسلامی مجدداً چاپ شده بود، مطالعه کردم و خدا را شهادت می‌گیرم که ایمانم به جناب‌عالی و اطرافیان سست شد. به جهت اینکه مبارزات این دوران واقعاً ناجوانمردانه شده. حضرت امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «اگر دین ندارید آزادمرد باشید». شما و رئیس جمهور و «روزنامه انقلاب اسلامی» هر خرده حسابی که با آقای حسن آیت دارید، به جای خود، ولی چندین روز است که کمر قتل و به لجن کشیدن حزب زحمتکشان و دکتر مظفر بقایی کرمانی را بسته‌اید. باید پرسید چرا بنده که از اول مبارزات، از اول استیضاح معروف آقای دکتر بقایی و تا آخرین روز متلاشی شدن حکومت پهلوی و پیروزی نهضت حضور داشته‌ام و با کلیه مبارزان و اختلافات آنان آشنایی کامل دارم و می‌دانم در آن جو سیاسی آن روز واقعاً دل شیر می‌خواست که بتواند در برابر یک دولت به تمام معنا دیکتاتوری قد علم کند و از همان جا این نهضت شروع شد که باعث سرافرازی ملت ایران گردید، ولی اکنون جناب‌عالی و همکاران، ناجوانمردانه با وسایل و میدانی که به دست شما افتاده، دارید اشخاصی را که باعث افتخار این مملکت هستند، به لجن می‌کشید.

شما اگر مسلمان هستید و خود را پیرو مکتب اسلام می‌دانید بایستی وسایل دفاع را به طرف مقابل بدهید و بعد با او به جنگ پردازید، ولی شما در روزنامه ... با تمام

## ۷۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

قوه و قدرت خود به کوبیدن حزب زحمتکشان پرداختید. لااقل می‌خواستید یک روزنامه نیم ورقه‌ای هم در اختیار طرف بگذارید و یا او را مرد و مردانه در تلویزیون دعوت می‌کردید و این اتهامات را وارد می‌کردید و جواب می‌شنیدید تا انصاف هم رعایت می‌شد و همه مردم ایران هم آن را مشاهده می‌کردند و کسی هم حق اعتراض نداشت. شما پرونده حزب زحمتکشان را از لانه جاسوسی دریافت داشته‌اید. شما را به خدا وجداناً آیا این پرونده، پاک‌ترین پرونده احزاب نبود؟ آخر در این پرونده چیزی نبود! جناب‌عالی در مقاله وزین خودتان فرموده و مرقوم داشته بودید که دکتر [مظفر] بقایی باعث اختلاف مصدق و آیت‌الله کاشانی بوده. اگر بگویم شما بی‌اطاع هستید که خلاف است، ولی می‌توان گفت شما عوام‌فریبی می‌کنید. آخر برادر مسلمان، نامه آیت‌الله کاشانی به دکتر مصدق راجع به سرلشکر وثوق که موجود است و بارها در کتاب‌ها و رسانه‌ها درج شده که گفته: آقای نخست‌وزیر، این آقای سرلشکر وثوق همان شخصی است که اشخاصی که از کرمانشاه و قزوین به پشتیبانی نهضت، روز ۳۰ تیر به طرف تهران می‌آمدند، همین شخص در کاروانسرای سنگی قتل عام کرد و خون جاری کرد. مگر در جواب ننوشت «بنده صلاح مملکت را بهتر از شما می‌دانم؛ جناب‌عالی خوب است در امور مملکت دخالت نکنید». شما که شرف سیاسی دارید آن موقع دکتر بقایی کجا بود؟ و اگر شما به جای آیت‌الله کاشانی بودید چه می‌کردید؟ مثل این می‌ماند که آقای رئیس‌جمهور سرلشکر اولی را بیاورد و رئیس ستاد ارتش بکند و اگر امام فرمودند این چه کاری بوده کرده‌اید، جواب بدهند به شما مربوط نیست؛ صلاح مملکت در این است.

مگر همین آقای دکتر مصدق نبود که سهام السلطان بیات و دکتر رضا فلاح دو جاسوس مسلم انگلستان را در رأس شرکت نفت گذاشت. وقتی اعتراض شد که اینها جاسوس هستند، در جواب مگر نگفت توبه کرده‌اند! آیا همین آقای دکتر بقایی در آن موقع مانند دیگران نمی‌توانست یک پست سفارت را در بهترین کشورها بگیرد و خود را از مهلکه به در ببرد و امروز جزو ملیون باشد و به ریش همه ملت بخندد و بهترین زندگانی را هم کرده باشد؟



در جای دیگر، مرقوم داشته‌اید که اکنون در کرمان این شخص به جرم شرکت در کودتا بازداشت شده. باز هم اگر بگویم اطلاع ندارید که خوش‌باوری است و اگر بگویم مردم را خر حساب می‌کنید، باز از ادب به دور است. جشنی که هر ساله به مناسبت تأسیس جنگل که گویا در تیرماه هر سال برقرار می‌شده که مربوط به امسال نمی‌باشد. این جشن سال‌ها ادامه داشته و یک جشن غیرسیاسی بوده که در زمان طاغوت هم کاری به آن نداشتند؛ تا امسال ناگهان پاسداران یورش بردند و کلیه کسانی را که آنجا بودند، بازداشت و فوراً هم در «روزنامه انقلاب اسلامی» و «کیهان» و «صبح آزادگان» - که هر سه از یک قماشند - با آب و تاب فراوان درج گردید که فلانی هم به جرم شرکت در کودتا دستگیر شده است. از طرفی یک هواپیمای خالی که مربوط به بیت المال است، فوراً فرستادند کرمان که دستگیرشدگان را بیاورد تهران؛ که هوشیاری رئیس دادگاه انقلاب اسلامی آقای فهیم مانع شد. بابا درست است گشاد است، نه به این گشادی!

جناب آقای دکتر! جناب عالی و شخص رئیس جمهور می‌توانید وجداناً بگویید شما از این برنامه اطلاع نداشتید؟ آیا نمی‌خواستید در این جوّ از آب گل آلود ماهی گرفته و منشاء خط را که خودتان واقف هستید، از بین ببرید و با یک تیر دو نشان بزنید، تا پرونده ننگین شما رو نیاید؛ تا سیه روی شود هر که در او غش باشد؟! آقای دکتر! مردم ایران کاملاً هوشیار هستند و در محافل و مجالس از هم می‌پرسند که این آقایان رجال وارداتی تاکنون کجا بودند، چه می‌کردند و گذشته آنها در خارج چیست؟ ان‌شاءالله روشن خواهد شد، ولی این را بدانید که ملت ایران کاملاً خادم را از خائن تشخیص می‌دهند و اگر چیزی نمی‌گویند، می‌خواهد خائنین خود مشت خود را باز کنند.

خلاصه آقای دکتر، فعلاً شما امیر هستید و دیگران اسیر. اگر یک جو آزادی داشتید کسی را که وسایل دفاع ندارد این‌گونه ناجوانمردانه به او نمی‌تاختید! چندین سال پیش و در اوج نهضت، همین آقای دکتر بقایی یک بیت شعر از خواجه شیراز در یکی از مجالس قرائت کرد که حقیر هم با عرض معذرت در اینجا می‌آورم:

از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی از ازل تا به ابد فرصت درویشان است

## ۷۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

و من که یکی از آحاد این ملت هستم، به شما اخطار می‌کنم: حق ندارید با وسایل این ملت که در اختیاران هست، به کسانی که یک عمر در این مملکت خون جگر خورده‌اند، بتازید. اگر خیانتی هم از سوی کسی در کار باشد، بایستی مرد و مردانه در پیشگاه ملت به محاکمه بکشید. تهمت و افترا در دین اسلام ممنوع است. اگر این‌طور شد آن وقت این شعر مصداق پیدا می‌کند:

روزی که بر من و تو وزد باد مهرگان      آن‌گه شود پدید که نامرد و مرد کیست

اگر شهامت داشتید، که ندارید، امر فرمایید این مطلب چاپ شود.

شهر ری - محمد صادقی - ۵۹/۵/۱۱

**نامهٔ یک خواننده:** جناب آقای دکتر یزدی! پس از سلام، خدمتتان عرض می‌شود: امیدوارم یادتان نرفته باشد که همیشه شایعه‌های آمریکایی بودن و مرد کت قرمز فرانسه بودن و غیره، قبل از همه، از میان کارکنان «روزنامهٔ انقلاب اسلامی» به بیرون نفوذ می‌کرد، ولی نمی‌دانم چه شده که همهٔ لیبرال‌ها - آنهایی که قبلاً به آمریکایی بودن متهم شدند، از رجویست‌ها، بختیارست‌ها، مدنیست‌ها - و همهٔ آنهایی که قبلاً می‌گفتند انقلابمان را صادر نمی‌کنیم، همهٔ مخالفان جمهوری اسلامی، همهٔ از فرنگ برگشته‌ها، همهٔ طاغوتی‌ها، همهٔ آنهایی که از میان خلق برخاسته‌اند و همهٔ غرب‌زده‌ها و ... در یک جبهه در پشت سر بنی‌صدر جمع شده‌اند. یادتان رفته که قبل از انتخابات ریاست جمهوری، باند بنی‌صدر از ماه‌ها قبل شایع می‌کرد که قطب‌زاده و یزدی، آمریکایی هستند و یک ماه مانده به انتخابات، تیمسار مدنی - رقیب انتخاباتی سرسخت بنی‌صدر - را در «روزنامهٔ انقلاب اسلامی» خراب می‌کردند و از طرفی هم جلال‌الدین فارسی را؟ مسلم است که تمام اینها برای خالی کردن میدان برای ریاست جمهوری بنی‌صدر انجام می‌گرفت و باید گفت کسانی که سیاستشان بر مکتبشان بچربد دست به چنین حیل‌هایی می‌زنند!

**نامهٔ آقای محمودی مهر:** جناب آقای دکتر یزدی! مقاله‌تان را در «روزنامهٔ کیهان» در مورد آیت خواندم. با توجه به صغراها و کبراهای آن‌نامه، حرف‌هایتان را بیشتر جبهه‌گیری دریافتیم تا قضاوت عادلانه. پیروز باشید.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۸۷

حجت الاسلام جناب آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست مجلس شورای اسلامی

- رونوشت جناب آقای مهدی بازرگان

- رونوشت جناب آقای سید احمد خمینی

انعکاس پیشنهاد تعویض کلمه کمیسیون به کلمه گروه، در اذهان مردم ساده، چنین است که اولاً نمایندگان محترم از مسائل اساسی فارغ شده و به ادبیات پرداخته‌اند. ثانیاً توجه ندارند که روزی گروه‌گرایی را می‌کوبند و روز دیگر کمیسیون را که مفهوم خاصی دارد و به معنی گروه نیست، گروه می‌نامند. ثالثاً گویا نمی‌دانند این کار تقلید پیش‌پاافتاده‌ای از زمان طاغوت است. رابعاً التفات ندارند که رسانه‌های همگانی را رسانه‌های گروهی نامیدن از آثار طاغوت است که متأسفانه زدوده نشده. خامساً عنایت ندارند که قانون اساسی را با تحمیل کاندیدهای جوراجور به رئیس جمهوری، لگدمال می‌سازند و این کار جز طاغوت‌سازی گروهی، معنی دیگر ندارد. سادساً مجموع این کارها مفهوم این شعر را تداعی می‌کند که:

دشمن به دشمن آن نپسندد که بی‌خرد  
با نفس خود کند همراه هوای خویش  
خدایا تفضلی - محمودی مهر ۵۹/۵/۹

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی

از اینکه در برابر فرصت‌طلبی و معارضة با قانون اساسی و ترویج دروغ و تهمت و افترا و نامردی و ناسپاسی قد علم کردید، به نام یک مسلمان مخلص و هوادار انقلاب اسلامی و رهبر آن انقلاب، عرض سپاسگزاری می‌کنم.  
دروغ و افتخار بر شما مجاهد پایدار و سرفراز و دانشمند اسلامی.

محمودی مهر ۵۹/۵/۹

عده‌ای از پیروان خط راستین اسلام از نجف‌آباد اصفهان: قسمت نامه‌های مؤسسه

محترم کیهان - ۵۹/۵/۱۵

ما عده‌ای از جوانان نجف‌آباد اصفهان و علاقه‌مند به رئیس جمهور عزیزمان آقای سید ابوالحسن بنی‌صدر، ضمن عرض پشتیبانی از جریده محترم کیهان و انقلاب اسلامی، عمل آقای هاشمی رفسنجانی که روزنامه کیهان را با روزنامه صهیونیستی

## ۷۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

آیندگان یکی دانسته، محکوم می‌کنیم و از مطالب صحیح و شجاعت نویسندگان روزنامه کیهان و انقلاب اسلامی، پشتیبانی می‌کنیم.

چند کلمه هم با نماینده شهرمان آقای محمد منتظری، نماینده نجف‌آباد: ما ۵۳ هزار رأی ندادیم که شما در مجلس سکوت کنید. ما از شهرمان و کمبودهایش نمی‌خواهیم حرف بزنی؛ فقط از رئیس جمهورمان دفاع کن.

عده‌ای از پیروان خط راستین اسلام

بزرگ‌ترین خواهش چاپ این نامه است - ۵۹/۵/۱۵

تلگراف محمد فتحی، از مشهد:

برادر دکتر ابراهیم یزدی، نماینده شجاع ملت در مجلس شورای اسلامی

- رونوشت دفتر امام

- رونوشت دفتر ریاست جمهوری

سرمقاله کیهان، یکشنبه پنجم مردادماه با عنوان «گزارش به موکلین» عین صواب بود و نشانه احترام شما به موکلین. امید است سایر نمایندگان اسلامی به شما تأسی جویند و حقایق را با مردم در میان گذارند، که همانا مردم، بهترین قضاوت‌کنندگانند؛ اما آنچه شنیدنش دور از انتظار بود، اتهام همطرازی شما با گردانندگان روزنامه مزدور «آیندگان» از زبان برادر مبارز و مسلمانان جناب آقای هاشمی رفسنجانی [بود] که در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی چشم امید ملت هستند.

چه خوب بود برادرمان آقای رفسنجانی روشن می‌فرمودند آیا امام امت، «روزنامه آیندگان» را هم همچون شما تأیید فرموده بودند که حالا با شما همطراز باشد؟ ملتی که خون پاک شهیدانش جوهر قلمی است که حکم وکالت نمایندگان محترم را امضا [کرده]، چهارچشمی ناظر اعمال و رفتار و گفتار وکلایش می‌باشد. اگر فقط هزار شهید انقلاب را به حساب آوریم، جواز ورود هر یک از نمایندگان به قیمت خون بیش از دویست و بیست و دو شهید گلگون‌کفن صادر شده است. به همین دلیل، مردم به عملکرد نمایندگانشان حساس هستند و انتظاری غیر از پیروی از اسلام و دادن رأی بر اساس اسلام ندارند. مجلس، مجلس شورای اسلامی است، نه مجلس شورای طاغوتی

که ملت را با آن کاری نباشد. حتی عامی‌ترین مردم هم خیلی خوب پیروی عملی از خط واقعی امام و عمل اشخاص منطبق بر خط آیندگان را درک می‌کنند.

چه نیکوست آقای رئیس مجلس که عمل یک وکیل وظیفه‌شناس را مورد نکوهش قرار داده‌اند، به اعمال و گفتار سایر نمایندگان هم برای رضای خدا بذل توجه بفرمایند. یکی از نمایندگان، پیشنهاد چاپ عکس حضرت امام را بر روی اسکناس در مجلس مطرح می‌کنند؛ سپس همین آقا با دادن رأی سفید خود به آقای آیت، اثبات مخالفت خود با آقای بنی‌صدر را اعلام می‌کند. آیا آقای رئیس جمهور با بیش از یازده میلیون رأی آزاد ملت، انتخاب نشده؟ حکم ریاست جمهوری را حضرت امام تأیید و بارها به همدلی و همراهی نمایندگان تأکید و حتی همراهی و همکاری با او را وظیفه شرعی دانسته‌اند. چطور نماینده‌ای که به رأی آزاد ملت و تأیید صریح امام توجه ندارد و خلاف وظیفه شرعی خود عمل می‌کند، مورد سؤال قرار نمی‌گیرد؟ و چطور به ایشان یادآوری نمی‌شود که به جای پیشنهاد چاپ عکس امامی که از این پیرایه‌ها مبرا هستند و عکسشان چنان بر قلب مردم حک شده که بر کره ماه منعکس می‌شود، بهتر است از فرمانشان پیروی کنند که پیروی از خط امام، پیروی از خط پیامبر است!

آیا دفاعیات آقای آیت در رد اتهام عضویت در کادر رهبری «حزب زحمتکشان» و بوسیدن دختر مدرسه‌ای و توطئه علیه رئیس جمهوری، حضرت عباسی مورد قبول وجدان اسلامی آقای رئیس مجلس و نمایندگانی که به او رأی موافق دادند، قرار گرفته؟ آیا آقای رئیس مجلس، به نمایندگانی محترمی که با دادن رأی ممتنع به اعتبارنامه آقای آیت، عدم صلاحیت تصمیم‌گیری و بی‌تفاوتی خودشان را به سرنوشت ملت به اثبات رساندند، متذکر شده‌اند که حقشان از بیت‌المال مسلمین فقط داشتن اسلحه کمری، پاسدار مسلح برای حفظ جانشان و حقوق و مزایا برای معاششان و یدک کشیدن عنوان نمایندگی مجلس شورای اسلامی برایشان نیست، و ملت را هم بر ایشان حقی است که برایشان اسلامی کار کنند و با شجاعت، رأی قاطع خود را علناً اعلام فرمایند.

آیا صحیح است که در مجلس اسلامی، نماینده‌ای به نماینده دیگر بگوید خفه شو؟ یعنی چه؟ غیر از این است که مستقیماً به موکلین می‌گوید خفه شو؟ عکس‌العمل آقای

## ۷۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

رئیس مجلس در این مورد چه بود؟ آیا آقای رئیس مجلس مفهوم فرمایشات امام کبیرمان را که بارها با بزرگواری فرموده‌اند، شنیده و قبول دارند که نمایندگان مجلس بالاتر از امام نیستند؟ والسلام.

محمد فتحی، یکی از موکلین ملت متعهد از مشهد - میدان سعدآباد - فروشگاه

شماره ۸

اداره ارسال امور تلگراف ۱۳۵۹/۵/۱۱

**نامه‌ای از یک شهروند:** آقای ابراهیم یزدی، درود بر شما و آرزوی توفیق برای همه کسانی که صادقانه، قصد خدمت به خالق و مخلوق را دارند.

لازم دیدم نکاتی را با شما در میان بگذارم.

آقای دکتر یزدی، نماینده محترم مردم تهران و مخبر کمیسیون تحقیق! حتماً شما به مسئولیت خطیر خود واقف هستید و می‌دانید که این مجلس، حاصل خون هفتاد هزار شهید و صد هزار معلول و هزاران هزار داغدار و یتیم است، و این امر باید سبب شود که فرد نمایندگان در اعمال و کردار خود دقت بیشتری کنند؛ بنابراین، مردم از شما مصرانه می‌خواهند که در این لحظه تاریخی، با حیثیت مجلس بازی نکنید و در تصمیم‌گیری‌های خود، ضوابط و صداقت را در نظر بگیرید، نه روابط و دوستی را. شما مطمئن باشید که با تصویب اعتبارنامه آقای دکتر آیت، اعتبار مجلس را لگدمال کردید؛ چرا که مردم با خود می‌گویند شاید ما ده‌ها نفر مثل آقای آیت در مجلس داریم، ولی نمی‌شناسیم. آقای دکتر یزدی! شما می‌دانید که آقای آیت به منتخب یازده میلیون نفر توهین می‌کند که خوشبختانه این منتخب مورد تأیید امام نیز هست؛ به طوری که حتی امام امت، آقای بنی صدر را به فرماندهی کل قوا نیز منصوب می‌کند و شما نمایندگان محترم خوب می‌دانید که آقای بنی صدر، شخصی معمولی نیست که متعلق به همسر و فرزندان او باشد، بلکه او در وهله اول متعلق به کشور ایران است؛ یعنی متعلق به امت مسلمان ایران. پس کوچک‌ترین اهانتی به شخص رئیس جمهور، بزرگ‌ترین اهانت به مردم است. مضافاً اینکه آقای آیت، تنها قصد اهانت نداشته، بلکه او قصد دارد رئیس جمهور را از مردم و امام جدا کند و به این ترتیب یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران را از بین ببرد؛ به طوری که با کمال جسارت به او نسبت

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۹۱

آخرین مهره آمریکا نام داده. و شما بدانید که آقای آیت، هم‌اکنون نیز به‌طور علنی بر علیه رئیس‌جمهور فعالیت می‌کند، و این بر خلاف شرع و عرف است.

آقای یزدی مردم از شما می‌خواهند که در حول و حوش آقای حسن آیت تحقیق بیشتری کنید. کسی که مودیانہ چند ساعت قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری انصراف خود را اعلان می‌کند تا بتواند مظلومانہ مردم را فریب دهد و در انتخابات مجلس رأی جمع کند و مردم غافل هم به او رأی دادند؛ چون نمی‌دانستند او می‌خواهد بر علیه رئیس‌جمهورشان قیام کند و آقای بنی‌صدر را عاجز کند. الآن این شما و این آقای آیت. وای بر شما اگر ضوابط و معیارهای اسلامی را قربانی روابط و ارزش‌های مادی کنید.

من با توجه به اینکه در اجتماع زیاد ظاهر می‌شوم، می‌توانم به جرئت به خون پاک شهدا قسم بخورم که اگر الآن راجع به آقای آیت رأی‌گیری شود، به یقین نه تنها مردم او را خادم نمی‌دانند که او را خائن نیز می‌دانند و مردم سخت راجع به این موضوع نگرانند و می‌دانند متأسفانه روزی مثل مقدم مراغه‌ای‌ها و حسن نزیه‌ها گذش بالا می‌آید که کار از کار گذشته و پا به فرار گذاشته و به جمع همپالگی‌های در خارج پیوسته است.

نکته دیگر اینکه به نمایندگان محترم بگویید به جای اینکه از امام بت بسازند و بخواهند خدای ناکرده امام بزرگوار و عزیزمان را با طاغوت بزرگ (شاه) عوض کنند و شمایل مبارک امام را روی اسکناس و تمبر قرار بدهند، سخنان گوه‌ربار او را آویزه گوش قرار بدهند؛ چون ارزش امام ما معنوی است و او بالاتر از این است که عکسش روی تمبر و اسکناس چاپ شود.

امیدوارم به این نامه ترتیب اثر بدهید؛ چون خواست من تنها نیست؛ همه جا اعم از کوچه، بازار، بانک، مسجد، اداره و کلاس، سخن از اعتبارنامه آقای حسن آیت است. شاید بتوانم بگویم همین صحبت‌ها بود که انگیزه‌ای برای نوشتن این نامه شد؛ چون احساس کردم می‌توانم با این نامه، خواست قطراتی از اقیانوس توده مردم را بیان کنم. البته اگر کلمه مردم به بازی گرفته نشود و واقعاً بخواهید مردم نقش داشته باشند و همیشه در صحنه حضور داشته باشند؛ در غیر این صورت، به نظر من، نه تنها این مجلس با مجلس زمان طاغوت تفاوتی ندارد، بلکه خیانت این مجلس، خیلی بزرگ‌تر است؛ چون به نام مجلس شورای اسلامی چه بلاها که بر سر اسلام نمی‌آورند!

## ۷۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

امیدوارم عمل شما نمایندگان محترم بیان‌کننده اسلامی بودن آن باشد و بدانید که مردم دیگر گول لفظ و نام را نخواهند خورد. با امید پیروزی اسلام و آرزوی موفقیت برای همه مسئولان صدیق انقلاب و با آرزوی عمر طولانی همراه با سلامت جسمانی برای امام عظیم الشان، نامه را ختم می‌کنم.

خط‌خوردگی و بدخطی را می‌بخشید - ۵۹/۵/۱۱

**محمود مالکی و چند تن دیگر:** جناب دکتر ابراهیم یزدی، نماینده محترم مجلس

شورای اسلامی

با درود فراوان، صراحت و شهامت و موضع‌گیری آن‌جناب در بیان حقیقت و افشای سوابق پرونده آقای حسن آیت و رد اعتبارنامه وی را قویاً تأیید و تحسین نموده و ما را به صحت و اصالت رأیی که داده‌ایم، معتقدتر ساخت. موفقیت شما را در راه خدمت به اسلام راستین آرزو می‌نماییم. با شایسته‌ترین احترامات.

محمود مالکی - ۱۳۵۹/۵/۱۱

مطالب فوق مورد تأیید این‌جانب که به آقای یزدی رأی داده‌ام می‌باشد: یوسف مافی، علی حسینی، فرزانه انصاری، احمد چاوشیان، عباس سپهری، عباس فرهمند، مهوش کباری، مهری حامدی و چند امضای ناخوانا.

**گروه مبارزین اردبیل:** شورای سردبیری محترم روزنامه کیهان

جای بسی خوشحالی است که پس از به ثمر رسیدن انقلاب، برای اولین بار، این شهامت و دلاوری را به خرج داده و حقایق را بدون پرده‌پوشی به اطلاع مردم رساندید. اگر قرار بود حقایق از نظر مردم پوشیده بماند و تعداد غایبین مجلس و آنچه در آنجا و سایر رسانه‌ها می‌گذرد و اعتبارنامه چه کسانی به چه صورت مورد قبول واقع می‌شود، معلوم نگردد، انقلاب نمی‌کردیم و با گذشتگان می‌ساختیم؛ لذا از شما مصرانه می‌خواهیم که حقایق را بدون کوچک‌ترین واهمه‌ای بنویسید که ما تا آخرین لحظه پشتیبان شما خواهیم بود؛ در غیراین صورت، در پیشگاه خدا و امام و امت مسئول خواهید بود.

گروه مبارزین اردبیل - ۵۹/۵/۱۴



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۹۳

**گروه مبارزین اردبیل:** جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، نماینده محترم مجلس به دنبال انتشار مقاله تان در روزنامه کیهان، بدین وسیله، پشتیبانی خود را از موضع قاطع و روشن بینانه و غیرمغرضانه تان در قبال افراد بوقلمون صفت و فرصت طلب، با پیروی از مکتب اسلام و قائد راستین آن، امام خمینی اعلام داشته و از شما و تمام کسانی که در مجلس به خاطر الله و اسلام و سربلندی امام امت موضع می گیرند، می خواهیم که از هیچ کس و هیچ چیزی نهراسند که خدا پشتیبان آنهاست و ملت، تلاش های انسانی آنها را خواهند ستود و خدا همیشه با راستگویان است.

گروه مبارزین اردبیل - ۵۹/۵/۱۳

گیرندگان رونوشت: روزنامه کیهان، روزنامه انقلاب اسلامی و رئیس مجلس

**از طرف پیروان امام خمینی:**

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱- ما از تمام رأی دهنده ها به حسن آیت، خواستاریم رأی خودشان را به تلگراف و طومار پس بگیرند.
- ۲- ما از کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی خواستاریم در مورد اعتبارنامه حسن آیت تجدیدنظر گردد و در صورت رد اعتبارنامه، خواستار محاکمه سریع و شرعی ایشان توسط آیت الله خلخالی می باشیم.
- ۳- قطع انحصارطلبی گروه های حاکم بر مجلس.
- ۴- ما خواستار تعیین خط مشی حزب جمهوری اسلامی در قبال اعمال دکتر حسن آیت می باشیم.
- ۵- ما پشتیبانی بی دریغ و قاطعانه خود را در مورد روحانیت مبارز اعلام می داریم.
- ۶- ما رأی دهنده ها به ریاست جمهوری، خواستار انتخاب نخست وزیر توسط ریاست جمهوری محبوب خود می باشیم.
- ۷- حمایت کامل خود را از آیت الله خلخالی و جناب آقای دکتر یزدی اعلام می داریم.
- ۸- ما پشتیبانی بی دریغ خود را از رأی کبود به دکتر آیت اعلام می داریم.

## ۷۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۹- اگر مجلس یا مسئولان امر، تا شب عید فطر، جواب قانع‌کننده در مورد آیت و مخالفین بنی‌صدر ندهند، در مقابل مجلس شورای اسلامی تحصن خواهیم کرد.  
از طرف پیروان امام خمینی - تاریخ ۵۹/۵/۱۱

### گروهی از موکلان و رأی‌دهندگان تهرانی:

بسمه تعالی

خدمت برادر ابراهیم یزدی

ضمن تقدیم شایسته‌ترین درودها، با توجه به مقاله مورخ ۵۹/۵/۵ در «روزنامه کیهان»، بدین‌وسیله به استحضار آن برادر بزرگوار می‌رساند که با خواندن این مقاله، اطمینان قلبی پیدا کردیم که رأی را که در انتخابات مجلس به شما داده‌ایم مانند بعضی موارد دیگر، به هرز نرفته است و خوش‌وقتیم به استحضار برسانیم مفتخر شدیم که در مجلس این‌چنینی که امثال مهندس بازرگان و گلزاده غفوری، آرای ناچیزی دارند، وجود شما بسیار مغتنم است و به‌عنوان چند نفر از موکلین، از شما تقاضا داریم که قاطعیت خود را از دست ندهید و ایمان به خدا را وجه المصالحه خواسته‌های گروهی قرار ندهید. با درودهای فراوان، از درگاه خدای متعال، خواستار موفقیت هرچه بیشتر شما در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی هستیم.

والسلام - ۵۹/۵/۱۱ - اشرف شبانی، محمدکاظم افراز، رضا افراز، معصومه افراز (معلم)، مهدی شاه‌کیش از خیابان مستوفی، دکتر ایرج پیروز، از خیابان مصدق، وزیر باورمزای، طلعت اخوی، طاهره پیروز و ...

**مهدی بیگزاد، تحصیل‌کرده دانشگاهی: جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، سرپرست**

روزنامه کیهان

احتراماً خطبه‌های آیت‌الله مشکینی را در نماز جمعه قم و پاسخ جناب‌عالی و مرادتان آقای مهندس مهدی بازرگان را در روزنامه‌ها خواندم. قبلاً باید بگویم بیش از ۲۲ سال قبل - یعنی از سن شانزده سالگی - عضو سازمان جوانان و دانش‌آموزان جبهه ملی بوده‌ام و مدتی به جهت اینکه ضمن تحصیل، کار هم می‌کردم، عضو شاخه کارگری حزب ملت ایران بوده‌ام و ضمن آنکه پیوسته مانند سایر هم‌وطنان مسلمان، احترام زیادی برای روحانیت متعهد قائل بودم، جبهه ملی و سپس نهضت آزادی را از

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۹۵

بهترین پدیده‌های سیاسی کشور دانسته و به آن عشق می‌ورزیدم، و این علاقه به خاطر جنبه‌های قوی مذهبی گردانندگان نهضت آزادی بوده است، اما بعد از انقلاب این جبهه و نهضت، در مسیر تهاجمی سیل‌آسای انقلاب اسلامی، خرد شد و ماهیتش بر مردم روشن گردید؛ به طوری که تقدسش را در بین توده مردم تماماً از دست داد. همچنین ارزشی که دکتر مصدق، قبل از انقلاب در ذهن مردم داشت، بعد از انقلاب نمی‌توانست داشته باشد. این، به خاطر بدی یا خوبی نهضت آزادی یا شخص دکتر مصدق به طور مطلق نبود. فرض کنید وقتی سیب در بازار نباشد، پلاسیده‌ترین سیب‌ها هم به ناچار خریدار دارد. اما با آمدن سیب تازه و بدون عیب به بازار، سیب پلاسیده، به ناچار بایستی به دور ریخته شود.

اما متأسفانه امثال شما و آقای بازرگان نمی‌خواهید این حقیقت را بپذیرید که بعد از انقلاب اسلامی ایران، دیگر کالای نامرغوب شما خریدار ندارد و لذا به زور می‌خواهید آن را به ملت مسلمان ما بخورانید و مزید بر این می‌شود کاربرد دولت موقت، که بیشتر اعضای آن از نهضت آزادی و بقیه از جبهه ملی بوده‌اند و شخص داماد شما در ماه رمضان سال گذشته، در زمین ورزش خیابان ۱۷ شهرپور چگونه آقای دکتر سنجابی - وزیر امور خارجه وقت - را به حق کوبید. حال فکر می‌کنید عملکرد شما و آقای بازرگان بهتر از دکتر سنجابی بود؟ آقای یزدی قبول بفرمایید شما و بازرگان‌ها به واسطه خصلت روشنفکرگرایانه غربی‌تان نمی‌توانید بدون داشتن آقابالاسری مثل آمریکا زندگی کنید. بدون تردید شما خائن نیستید؛ حسن نیت هم دارید، اما فکر می‌کنید در این سیاست‌بازی، اگر آمریکا ارباب نباشد، بازی‌تان مزه‌ای ندارد. به همین جهت، افتخار آقای بازرگان، ملاقاتشان با برژینسکی در الجزایر بود.

آقای یزدی، به خاطر داشته باشید که این روشنفکرهای غرب‌زده، فقط اگر حکومت و وزارتی باشد، حاضرند به ایران بیایند و تا بهشان حرف بزنی، قهر می‌کنند و به قبله آمال خود، غرب می‌روند. بختیار، نزیه، مراغه‌ای و ... در هنگام حکومتشان هم مایلند به هر قیمتی که شده، وجیه‌المله باشند تا اگر روزی حکومت عوض شد و شاه دیگری آمد، آقایان بفرمایند که به وسیله ما از دماغ کسی خون نیامد! یادتان هست که آقای بازرگان به آقای خلخالی لقب قاتل دادند؟ چون آقای بازرگان می‌خواهند

## ۷۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

وجیه المله بمانند؛ همان طوری که مصدق کرد و دیدیم در این ۲۵ سال چه بر سر این مردم آمد! مطمئن باشید در هنگام خطر، افرادی مثل شما یا از کشور فرار می‌کنند، یا وجیه المله می‌مانند، اما افرادی مثل شیخ فضل‌الله‌ها، مدرسه‌ها، مطهری‌ها، منتظری‌ها و مشکینی‌ها یا در زندانند، یا بالای چوبه دار، یا در گوشه حجره‌های تنگ و تاریک؛ اما هیچ‌گاه در رأس حکومت نیستند. در همین جاست که فریاد شما و بازرگان‌ها درآمده. چرا؟ برای اینکه می‌بینید در طول تاریخ اسلام، فقط چند نفر روحانی مسلمان و متعهد آن هم از روی اجبار از طرف ملت به مجلس رفته‌اند و چون بنا به خصلتتان این را حق مسلم خود می‌دانید، فریادتان بلند شده که آخوندبازی شده! اگر به سخنان جوک‌مانند آقای بازرگان در طول صدارتشان توجه کنید، این مسئله را به خوبی درمی‌یابید که چگونه به امام می‌تازیدند و حالا که بر حسب خصلت اسلامی مردم، روحانیت اکثریت را در مجلس دارد، فریادتان بلند شده که گروه‌بندی و حزب‌بازی یعنی چه!

راستی، آقای یزدی، چرا [دو سازمان] فدایی خلق و مجاهد خلق روحانیت را می‌کوبند؛ اویسی و بختیار، روحانیت را می‌کوبند؛ صدای آمریکا و صدای بغداد و سادات، روحانیت را می‌کوبند؟ در اعلامیه‌هایی که قرار بود بعد از انقلاب سوسیال - دموکراسی! پخش شود، رژیم پوسیده آخوندیسم کوبیده می‌شود! شما و آقای بازرگان هم روحانیت را می‌کوبید؛ شیخ عزالدین و کومله هم روحانیت را می‌کوبند! آیا فکر نمی‌کنید یک پیوند فکری عمیق، بین نام‌برندگان فوق وجود دارد؟ آن وقت توقع دارید مردم، روحانیت متعهد را ول کنند و شما را بچسبند. اگر مؤمن هستید قبول خواهید کرد که خواسته‌تان منصفانه نیست. آقای یزدی، به خدا سوگند، من در انتخابات به شما و آقای بازرگان و صباغیان و سایر دوستان نهضتی رأی دادم، اما به خدا قسم اگر انتخابات مجلس اسلامی ده بار دیگر تکرار شود، نه فقط اکثریت قاطع مردم مسلمان به روحانیت متعهد رأی خواهند داد، بلکه از اشتباهات گذشته خود نیز درس عبرت گرفته و به افرادی مانند شما مطلقاً رأی نمی‌دهند.

آقای یزدی، بنده نه روحانی‌ام، نه روحانی‌زاده، بلکه یک تحصیل‌کرده دانشگاهی هستم و کارمند. اما پوست‌کنده بگویم یک روحانی متعهد را به صدها تحصیل‌کرده

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۹۷

غربزده نخواهم داد و عمل شما و مقالات «روزنامه کیهان» شما سندان بر سنگ کوفتن است. در جهت کوبیدن روحانیت. به قول امام، زیاد حرف نزنید عمل کنید؛ زیرا مردم گوششان از این حرف‌ها پر است. به عمل خود بیندیشید. والسلام.  
با احترام مهدی بیگ‌زاده - ۸/ ۵۹/۵

### علیرضا نوری بصیرت

بسم الله الرحمن الرحيم

استاد ارجمند و نماینده ملت مستضعف ایران، جناب آقای دکتر یزدی سلام راستین و صادقانه مرا بپذیرید. از اینکه مزاحم وقت شریف جناب‌عالی - مخصوصاً در این موقعیت حساس - می‌شوم، عذر مرا پذیرا باشید. خواهش من از شما این است که نامه مرا هرچند بی‌مقدار باشد، نادیده نگرفته و در زیاله‌دان نیفکنید.

موضوع نامه، مربوط به مقاله شما در «روزنامه کیهان» مورخه یکشنبه پنجم مردادماه پنجاه و نه طی عنوان «گزارش به موکلین: رأی کبود به آیت» می‌باشد که اگر یاری مردم را در یادداشت خود نمی‌خواستید شاید این نامه را نمی‌نوشتم. آقای دکتر، هیچ می‌دانید جناب‌عالی به‌عنوان یکی از اعضای کمیسیون تحقیق در مورد اعتبارنامه نمایندگان چه مسئولیت سنگینی را برعهده گرفته‌اید؟ شما در یادداشت خود به بیانات امام اشاره و استناد کردید؛ حال آنکه من با کلام خدابه شما هشدار می‌دهم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خداترس باشید؛ آن‌طور که سزاوار است تا نمیرید جز در دین اسلام». گذشته از این، مگر خود امام بارها و بارها تأکید نکرده‌اند که ما فقط از یک نیرو می‌ترسیم و آن خدای بزرگ است و آن هم ترس از شدت عدالت او؟

آقای دکتر، شما در قسمتی از یادداشت خود آورده‌اید که: «این مسائل می‌بایستی روشن می‌شد، اما جوّ تعجیل در تصمیم‌گیری‌ها به تشدید سوءظن‌ها کمک مؤثری نمود. با توجه به توضیحات بالا و محتوای اسناد مفصل پرونده حادثه، برای این‌جانب محرز گردید...» آیا زبان ایجاد جوّ تعجیل در تصمیم‌گیری‌ها را این ملت باید بپردازد؟ گذشته از این، با توجه به وجود جوّ تعجیل که سوءظن شما را تشدید کرده، این چنین مسئله را رها می‌کنید، درحالی‌که لحظه حساس و خطیر مسئولیت و مأموریت شما از همین جا شروع می‌شود؟ شما فکر می‌کنید اگر شدیداً مقاومت می‌کردید و مسئله را تا

به آخر تعقیب می‌نمودید، چه موضوعی پیش می‌آمد؟ از دست دادن موقعیت؟ وارد آوردن اتهامات بی‌شرمانه؟ تهدید و یا سرانجام مسئله کشته شدن؟ آیا اگر شما حتی در راه احقاق حق مردم مستضعف، جان خود را از دست بدهید، نه آن است که در راه خدا کشته شده‌اید که آن هم به فرموده الله: «زندگانشان که در نزد خدای خود ادامه زندگی می‌دهند»؟ آقای دکتر، چه چیز باعث شد که در مجلس اسلامی با وجود آن همه مدعیان پیرو خط الله، این چنین باطل بر حق غلبه کرد و کسی که از نظر شما و از نظر بسیاری، صلاحیت خدمت در مجلس شورای اسلامی را نداشته‌اند، خود را تیرئه نمایند. آیا بهتر نبود که مسئله را بیشتر بسط می‌دادید و آن را جدی‌تر مطرح می‌کردید؟ چه چیز باعث شد که با وجود اتهاماتی چون اشتهار به فساد و نادرستی، سابقه در دبیرستان دخترانه، سابقه عضویت و فعالیت متهم در حزب زحمتکشان و همکاری نزدیک با بقایی خائن - آن هم حدود ده سال به‌طور مداوم و مؤثر - ایشان رأی اعتماد می‌گیرند؟ آیا بهتر نبود مسئله نوارهای به دست آمده، برای مجلسیان بارها پخش می‌شد و از آنها نظرخواهی می‌کردند و باز اگر لازم بود از طریق کلیه وسایل ارتباط جمعی لاقلاً نظریه مردم تهران را که ایشان نماینده آنها هستند، جویا می‌شدند؛ و یا اگر این اقدامات ممکن نبود، اصلح‌تر نمی‌نمود که شخصاً موضوع را به‌طور دقیق به محضر امام ارائه می‌کردید و اوامر ایشان را به‌کار می‌بستید؟ آیا استعفا و اظهارات آقای انواری - که در همان روزنامه چاپ شده - دال بر وضع نابسامان مجلس نمی‌باشد؟ آقای دکتر، من شما را به‌عنوان یک مسئول در مقابل دادگاه عدل الهی و ملت مستضعف می‌شناسم و با شما سخن می‌گویم. شما می‌دانید وعده خداوند حق است و اگر این آزادی اعطا شده از طرف الله را پاس نداریم، عقوبت بزرگ‌تر و ناگوارتر از آنچه بر ما گذشت، نصیبمان خواهد شد.

پیشنهاد می‌کنم به هر طریق که صلاح می‌دانید مسئله آقای آیت را - چه در رابطه با اسناد و پرونده‌های موجود در کمیسیون تحقیق و چه در رابطه با نوارهای به دست آمده - مجدداً و به‌طور جدی‌تر، طرح و پیگیری نمایید و اقدامات خود را از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع ملت ایران برسانید تا هم به وظیفه شرعی و وجدانی خود عمل نموده باشید و هم رضایت حضرت حق شامل حال شما گردد.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۷۹۹

استاد ارجمند، اینک که این نامه را برای شما می‌نویسم، ساعت حدود دو و نیم شب است و دچار آن چنان هیجانانگیز و تشنجات درونی گردیده‌ام که دیگر افکارم یاری نمی‌کنند که بیشتر بنویسم. استدعای من از شما این است که لااقل جواب نامه‌ام را بنویسید؛ به طوری که متقاعد شوم آنچه در حد وظیفه شما بوده، انجام داده‌اید و برایم بنویسید که اگر لازم دیدم و خواستم مجدداً برای شما نامه بنویسم، اشکالی ندارد؟ به امید موفقیت شما و همه کسانی که در راه احیا و اعتلای فرامین خداوند بزرگ از جان نیز می‌گذرند.

با تشکر، دوستدار حقیر شما، علیرضا نوری بصیرت - ۵۹/۵/۵

### مصطفی اوحدی

متأسفم از اینکه هر جا را انسان نگاه می‌کند و دست می‌گذارد یک عده‌ای در آنجا هستند که می‌خواهند آنجا را ضایع نمایند (امام خمینی).

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی

یادداشت روز تحت عنوان «گزارش به موکلین: رأی کبود به آیت» مندرج در روزنامه کیهان، شماره ۱۱۰۵۵ مورخ ۵۹/۵/۵ را خواندم و باتمام وجودم مطالب آن را تأیید نموده و با اجازه از حضورتان، خواستم نظریاتی چند در این باره به عرض برسانم.

زمینه‌سازیی که برای تصویب اعتبارنامه آیت در مجلس شورای اسلامی شده بود، معلوم بود که اعتبارنامه ایشان و لو با تفاوت یک رأی به تصویب خواهد رسید. جوّ حاکم بر مجلس که به وسیله ایادی حزب جمهوری اسلامی و تبعیضی که رئیس مجلس در این مورد قائل شد، به توطئه بیشتر شباهت داشت تا رأی‌گیری سالم. در اینجا به قول یکی از نمایندگان روحانی مجلس - که آیت را شخص فاسد می‌خواند - این قبیل مسائل بعید به نظر نمی‌رسید. من شخصاً فوق‌العاده مسرورم که نه تنها به ایشان رأی ندادم، بلکه از سابقه‌ای که از مجلس خبرگان از مشارالیه داشتم، افراد بسیاری را هم از رأی دادن به آیت منع کردم؛ البته با دلیل، نه با تحمیل. اگرچه ایشان مدعی است که مردم پشت سر او هستند، ولی من قول می‌دهم که اگر در جوّ آزادی مجدداً برای نمایندگی اعلام رأی شود، آیت من حیث المجموع ده هزار رأی از تهران

## ۸۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

بیشتر نخواهد داشت؛ آن هم از افرادی که حزب جمهوری اسلامی پای صندوق‌ها می‌آورد.

تعجب من از این است که در این رأی‌گیری برای تصویب‌نامه اعتبارنامه آیت، ماهیت اشخاصی چون دکتر زرگر و خویینی‌ها برملا شد؛ چه شخص اخیرالذکر با کمال وقاحت در حالی که رأی مثبت خود را به صندوق می‌اندازد، اظهار می‌دارد: «برای مخالفت با بنی‌صدر رأی سفید می‌دهم». عمل این شخص، یعنی مخالفت با یازده میلیون ایرانی که با نهایت خلوص نیت و آزادی کامل به آقای بنی‌صدر رأی دادند؛ یعنی مخالفت با دستور صریح امام که متابعت از رئیس جمهور را تکلیف شرعی دانسته‌اند، می‌باشد. واقعاً معلوم نیست چگونه این اشخاص خود را در خط امام می‌دانند و علناً با کمال بی‌شرمی، مخالفت خود را با دستور رهبر انقلاب اظهار می‌دارند. زهی پررویی و وقاحت! خلاصه در مجلسی که اغراض شخصی و خرده حساب‌ها، مسائل اجتماعی و مبتلابه مردم ستم‌دیده را تحت‌الشعاع قرار دهد، بیش از این نباید انتظار داشت، و از حالا فاتحه این مجلسی که امثال آیت‌ها، خویینی‌ها و زرگرها در آن اظهار وجود می‌کنند، باید خوانده شود؛ چون در جبین این کشتی، نور رستگاری نیست. با کمال تأسف باید عرض کنم که یأس و ناامیدی، کل جامعه را در بر گرفته است. دیگر گوش این نمایندگان قلابی - که خود با مکر و حيله به مجلس آمده‌اند - حتی به فرمایشات امام هم بدهکار نیست. من از آن روزی می‌ترسم که مردم ستم‌دیده، سیل‌آسا بنیاد مجلس و مجلسیان را برکنند و در آن وقت، پشیمانی سودی نخواهد داشت. کاش این افراد به‌خود می‌آمدند و کاری نمی‌کردند که خون صدها هزار شهید، پایمال امیال و هوس‌رانی آنها گردد.

والسلام - مصطفی اوحدی - ۵۹/۵/۶

### سیمین سلیمی

جناب آقای دکتر یزدی، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی و نماینده امام در روزنامه کیهان

پس از عرض سلام. چند روز قبل برای تقدیم این نامه به جناب‌عالی تا قسمت روابط عمومی مجلس شورای اسلامی به مجلس آمدم، ولی اجازه ورود ندادند. به



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۰۱

ناچار نامه را به یکی از محافظین داخل محوطه دادم و چون مطمئن نبودم نامه به دست شما خواهد رسید، رونوشت آن را پست می‌کنم. خواهشمندم در مورد مطالب مندرج در این نامه، تحقیق بفرمایید و چنانچه بر حق است، آن را در مجلس پی‌گیری نمایید. به‌طوری که استحضار دارید یکی از شرایط انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی، عدم اشتهاار کاندیدا به فساد اخلاقی است. در مورد پرونده آقای آیت، اتهامات ایشان آن‌طور که در روزنامه‌ها خواندم، بیشتر در دو جهت بوده است: یکی سوابق ایشان در حزب زحمتکشان و ارتباط با دکتر [مظفر] بقایی، و دیگری پرونده مدرسه دامغان. از آنجا که سوابق سنی و سیاسی این‌جانب کافی برای قضاوت در مورد اول نمی‌باشد، فکر می‌کنم افراد مسن‌تر با سوابق سیاسی و تقوای اسلامی می‌توانند در این مورد قضاوت کنند که آیا دکتر بقایی و سایر افراد حزب کذایی آنها از عوامل اصلی ایجاد اختلاف مابین مرحوم کاشانی و مرحوم مصدق و ایجاد زمینه مناسب جهت کودتای ۲۸ مرداد بوده‌اند یا خیر! ولی در مورد اتهام دوم که اشتهاار به فساد اخلاقی است و خود آقای آیت هم گویا در کمیسیون تحقیق تصدیق کرده‌اند که اگر موارد اتهامی ایشان راجع به فساد اخلاقی ثابت شود، صلاحیت نمایندگی ندارند. سال گذشته در زمان انتخابات ریاست جمهوری، موقعی که آقای آیت کاندیدا شد و عکس و اسم ایشان جرو کاندیداها در روزنامه چاپ شد، یکی از دوستانم که مورد اعتماد من می‌باشد، با تعجب از اینکه ایشان خود را کاندیدا کرده است، تعریف می‌کرد زمانی که در یکی از مدارس جنوب تهران درس می‌خوانده، آقای آیت دبیر ادبیات آنها بوده است و از رفتار و روابطشان با دخترهای کلاس، مخصوصاً دخترهای درشت‌تر و خوش‌قیافه‌تر کلاس تعریف می‌کرد، مانند حرف‌های خصوصی، شانه کردن سر، بوسیدن، به خانه ایشان رفتن و ماجراهای داخل خانه. خلاصه دوستم تعجب کرده بود. زیاد تعجب نداشت و خوشبختانه ایشان رأی کافی نیاورد، ولی با کمال تعجب در انتخابات مجلس شورای اسلامی، اسم ایشان در لیست ائتلاف بزرگ وارد شده بود و همراه دیگران رأی آورد و بعد در روزنامه‌ها خواندم که در کمیته تحقیق پرونده مدرسه دامغان مطرح شده است و معلوم شد که این رشته سر دراز دارد، ولی معلوم نشد که چرا تحقیقات کافی در این مورد به عمل نیامد و ایشان با ایجاد جو کاذب، توانست رأی مثبت بگیرد.

## ۸۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

من و عده‌ای از دوستانم مصرانه از جناب‌عالی تقاضا داریم که در این مورد تحقیق بیشتری شود و برای اثبات و پی‌گیری، راه‌های مختلفی امکان‌پذیر است؛ مانند اعزام هیئت‌هایی از افراد مورد اطمینان به دامغان و سایر مدارسی که ایشان سوابق تدریس در آنها دارند و تحقیق از افراد محلی و مسئولین سابق مدرسه و شاگردان مورد نظر و یا اعلام یک آگهی در چند نوبت در وسایل ارتباط جمعی، تا هر کسی اطلاعی در این مورد دارد، ظرف یک ماه یا مدتی محدود اعلام دارد که مطمئناً بسیاری از شاگردان سابق ایشان، جزء مراجعین خواهند بود و بر فساد اخلاقی ایشان گواهی خواهند داد. ضمناً راه‌های دیگری برای پی‌گیری و تحقیق وجود دارد که مسلماً خود جناب‌عالی بهتر می‌توانید در مورد آن اقدام نمایید. مطمئناً پی‌گیری این موضوع سبب خواهد شد که اعتماد ما و عده‌ی زیادی از مردم به صلاحیت و کارآیی مجلس شورای اسلامی تقویت گردد.

با تقدیم احترام - سیمین سلیمی - ۵۹/۶/۲

### نامه ۸۲ امضایی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، سرپرست محترم روزنامه کیهان - ۵۹/۵/۱۵  
سرمقاله تاریخ ۵۹/۵/۵ آن روزنامه را به قلم جناب‌عالی خواندیم. به واقع زبان حال کسانی را مرقوم فرموده بودید که به شما رأی داده‌اند. از خداوند متعال خواستارم توفیق جناب‌عالی در مبارزه با این جرثومه‌های فساد نظیر آیت و دار و دسته او هستیم. این نامه، حاوی ۸۲ امضا است [پیوست ۹].

### جواب دکتر آیت به سرمقاله دکتر یزدی و شکایت او به دادستانی

انتشار این یادداشت، با واکنش منفی دکتر حسن آیت و دوستانش در حزب جمهوری روبه‌رو شد. او به این یادداشت جواب داد که عیناً در روزنامه چاپ شد؛ البته توضیحی در پیش‌درآمد آن نوشتم و هر دو را یکجا به چاپ رساندیم.

«نامه زیر دیروز از طرف آقای حسن آیت به دفتر کیهان رسیده است. به طوری که خوانندگان عزیز ملاحظه می‌فرمایند آقای آیت به جای دفاع از خود، به حمله به

### مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۰۳

این جانب پرداخته است و نیمی از نوشته خود را از اتهامات بی‌اساس و یاوه‌گویی‌ها پر کرده است. گویا ایشان می‌توانند با تهمت زدن به اشخاص و خلط مبحث، خود را تبرئه کنند.

من قصد ندارم به آنچه که او به ناحق درباره من نوشته و در مجالس سخنرانی‌اش عنوان می‌کند، جوابی بدهم. او و دوستان او حرف تازه‌ای نزده‌اند و همین حرف‌ها را روزنامه‌های صهیونیستی علیه من بسیار نوشته‌اند. روزنامه‌های «پیغام امروز»، «آیندگان»، «چلنگر»، «آهنگر»، «پیکار» (ارگان پیکار برای آزادی طبقه کارگر)، «نشریه کار»، ارگان چریک‌های فدایی خلق، «مجاهد»، ارگان سازمان مجاهدین خلق، جبهه ملی و ... همه اینها نوشته‌اند و هیچ فرصتی را برای ترور شخصیت ما از دست نداده‌اند.

آقای آیت مدت‌هاست که با رذل‌ترین دشمنان انقلاب اسلامی همصدا و هم‌دهان شده‌اند. من همان‌طور که به یاوه‌گویی‌های آن دسته‌های انحرافی و ضدانقلابی درباره خودم جوابی نداده‌ام، هرگز به آقای آیت و همپالکی‌های ایشان نیز جوابی نخواهم داد. من به درک و شعور سیاسی - اسلامی مردم اعتقاد و ایمان دارم، و مطمئن هستم همان‌طور که به آن دسته‌جات یاوه‌سرای باطل‌گو، جواب دادند، به ایشان و دار و دسته‌اش نیز جواب خواهند داد و می‌دهند. به فرض هم که مردم جوابی ندهند باز من با تبعیت از رهنمود قرآن کریم از خناس و سوسه‌کنندگان مردم به الله پناه می‌برم و به جاهلین و گویندگان لغو و باطل در مورد خودم جوابی نخواهم داد.

پرونده سوابق ممتد و مستمر سی و چند ساله فعالیت‌های اسلامی من بهترین جوابگوی همه این اباطیل حسودان و تنگ‌نظران و ... است.

والسلام - ابراهیم یزدی».

متن پاسخ دکتر آیت به یادداشت من

«بسم الله الرحمن الرحيم

یریدون لیطفنوا نور الله والله متم نوره ولو کره الکافرون».

می‌خواهند نور خدا را خاموش سازند، ولی خداوند نور خود را به تمامی ظاهر خواهد ساخت؛ اگرچه کفار را خوش نیاید».

## ۸۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای دکتر ابراهیم یزدی، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه دولت موقت در مقاله‌ای تحت عنوان «گزارش به موکلین: رأی کبود به آیت» با سوءاستفاده از سمت خود در سرپرستی «کیهان» مطالبی را به رشته تحریر درآورده است. مسئله‌ای که در درجه اول مطرح است این است که آیا آقای دکتر یزدی حق دارند روزنامه‌ای را که با پول ملت ایران اداره می‌شود بدل به ارگان شخصی خویش سازند؟ از طرفی مقاله ضد آیت بنویسند و از طرفی تلگرام سرتاپا اهانت‌آمیز خود را به آیت‌الله مشکینی شخصیت بسیار مورد احترام ملت ایران در روزنامه درج نمایند و از سویی سخنرانی‌های خود را در کیهان منتشر سازند؟ بدیهی است جواب منفی است و من مطمئنم که امام امت چنین سوءاستفاده‌ای را تحمل نخواهند نمود؛ چون همین‌طور که ایشان اشاره کرده‌اند با کسی عقد اخوت نبسته‌اند؛ اگرچه بسیار پرتحمل و صبور هستند، ولی وقتی بی‌شرمی از حد گذشت عکس‌العمل لازم را نشان خواهند داد؛ چنانکه تاکنون نشان داده‌اند.

آیا آقای دکتر یزدی به ۱۱۴ نماینده‌ای که در مجلس به من رأی مثبت داده‌اند اجازه خواهند داد که ۱۱۴ مقاله بنویسند و دلیل رأی مثبت خود را در کیهان به استحضار ملت ایران برسانند؟ آیا آقای دکتر یزدی به اکثریت اعضای کمیسیون تحقیق اجازه خواهند داد که مشت ایشان را باز نمایند و نقاب از چهره ایشان بردارند؟ آیا نام‌برده به میلیون‌ها افراد ایرانی که طرفدار من هستند اجازه خواهند داد که نظرات خود را به‌وسیله کیهان منتشر سازند؟ و آیا ایشان تلفن‌هایی که به طرفداری از من به کیهان می‌شود در کیهان درج خواهند نمود؟ آینده نشان خواهد داد.

آقای یزدی که به دروغ خود را طرفدار امام و پیرو خط امام قلمداد می‌کند، علی‌رغم توصیه‌های مؤکد و مکرر امام، به تضعیف مجلس پرداخته است و این نقش خطرناک را از ابتدا تاکنون ادامه داده است. آقای یزدی به اکثریت اعضای کمیسیون تحقیق و اکثریت قاطع مجلس شورای اسلامی اهانت کرده است. برای من حمله آقای یزدی نسبت به خودم قابل پیش‌بینی بود و علتش نیز روشن است. من در همان نوارها گفته‌ام که دستور آمریکا کوبیدن من است و آقای یزدی که گفته می‌شود دارای دو تابعیت است (تابعیت آمریکا و تابعیت ایران) کسی که در حساس‌ترین اوقات بدون

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۰۵

اطلاع و اجازه امام با برژینسکی، صهیونیست معروف و مشاور کارتر ملاقات نمود و از پشت به انقلاب کبیر اسلامی ایران خنجر زد و همین سبب شد که مردم دولت موقت را برکنار سازند؛ کسی که سال‌های عمده عمر خود را در آمریکا گذرانیده و حتی فارسی را به لهجه آمریکایی صحبت می‌کند؛ شخصی که سال‌ها همکار امیرانتظام‌ها و نزیه‌ها و میناچی‌ها بوده است و فردی که در مقام معاونت نخست‌وزیر و وزارت امور خارجه - که اخیراً امام به شدت از آن ابراز نارضایتی کرد - بزرگ‌ترین خدمات را به امپریالیست آمریکا نموده است؛ شخصی که معلوم نیست سر بسیاری از پرونده‌های ساواک چه آورده است و پرونده قطور او که در جاسوسخانه - اگرچه عمده پرونده‌اش را قبل از تصرف جاسوسخانه پودر کرده‌اند - حاکی از ماهیت اوست، موظف است «به من حمله کند» و این حمله موجب مباحثات من است؛ زیرا همان‌طور که در مجلس گفتم، معلوم می‌شود که ضربات من به امپریالیسم آمریکا آنچنان کاری و مؤثر بوده که دشمن را ناچار به حرکات دیوانه‌وار نموده است.

آقای یزدی از ملاقات با امام سوءاستفاده کرده است؛ درحالی‌که روشن است که امام خواسته‌اند از ایشان نوعی بازخواست نمایند؛ زیرا از موقع سرپرستی ایشان در کیهان، کیهان بدل به ارگان مخالفین انقلاب شده و این در آنجا که امام از ایشان خواسته‌اند که در افشای گروه‌های منحرف اقدامات مؤثری انجام گیرد، روشن می‌باشد. باری، مطلب فراوان است و اینکه چرا سر و کله نام‌برده ناگهان موقع عزیمت امام از عراق به کویت و سرانجام به فرانسه در عراق پیدا می‌شود و چرا سپس رسانه‌های وابسته به امپریالیست‌ها تلاش داشتند که در آن موقع ایشان و چند نفر دیگر را برخلاف واقع مشیر و مشاور و سخنگوی امام قلمداد کنند، مسائلی است که در جای خود به تفصیل باید مورد بررسی قرار گیرد.

### پاسخ به مطالب

و اما پاسخ به مطالبی که آقای یزدی آن را سبب رأی کبود خودشان نسبت به من دانسته‌اند:

اولین ادعای ایشان متکی بر نادرست و فاسد بودن من طبق پرونده‌ای که ساواک ساخته است، می‌باشد. من در مجلس گفتم که یکی از تفنن‌های من این بوده که همیشه

## ۸۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌خواسته‌ام از جهت مثبت، شجاع‌ترین، پاک‌ترین، عادل‌ترین و نظایر آن را بدانم و از جهت منفی، وقیح‌ترین، کثیف‌ترین، رذل‌ترین و بی‌شرم‌ترین افراد را بشناسم. در مجلس گفتم که تا قبل از پیروزی انقلاب برای من بی‌شرم‌ترین و رذل‌ترین و ... ساواک بود. اخیراً با رویه‌ای که گردانندگان «روزنامه انقلاب اسلامی» و بعضی دیگر پیش گرفتند و تفاله‌های ساواک را نشخوار کردند، معلوم شد که بی‌شرم‌تر و رذل‌تر از آنها هم وجود دارد. و اکنون باید توجه کرد که چه کسی تفاله‌های «روزنامه انقلاب اسلامی» را نشخوار می‌کند و خوانندگان گرامی، خود می‌توانند از این موضع نتیجه‌گیری نمایند. ایشان خواسته‌اند ساواک را منزّه قلمداد کنند و نوشته‌اند که «سابقه ندارد که ساواک چنین پرونده‌هایی را بسازد» و بعد بلافاصله دچار تناقض‌گویی شده‌اند و نوشته‌اند که «ساواک در مورد شخصیت‌های سیاسی و مذهبی چنین پرونده‌هایی را می‌ساخته است که شخصیت آنها را ترور کند»، ولی گفته‌اند که آیت شخصیت سیاسی، مذهبی مخالف نبوده است و باز مجدداً به تناقض دیگری گرفتار آمده‌اند و ناچار شده‌اند اقرار نمایند که ساواک در خلاصه پرونده این‌جانب و نیز در پرونده مفصل، من را «ضد شاه و ضد انقلاب سفید» معرفی کرده است. گرچه خواسته‌اند که این موضوع را سَمَبَل نمایند که در جای خود در همین مقاله بدان اشاره خواهد شد. آقای یزدی عمداً فراموش کرده‌اند که مطابق پرونده ساواک، من در دامغان قبل از این شایعه با خرید قرآن آریامهر و خرید آلبوم عکس‌های فرح مخالفت کرده‌ام. ایشان نخواسته‌اند به یاد آورند که مطابق پرونده ساواک من با پرداخت پول برای جشن‌های تاجگذاری و سایر جشن‌های مشابه مخالفت کرده‌ام. ایشان به روی خود نیاورده‌اند که من چگونه با سوءاستفاده‌های مالی و غیر آن در دامغان مخالفت نموده‌ام و منافع متنفذین را به خطر انداخته‌ام. ایشان نخواسته‌اند حمایت دبیرانی را که من متشکل ساخته بودم و حمایت دانش‌آموزان را از من در روزنامه درج نمایند و مدارکی را که من به کمیسیون تحقیق ارائه کردم خواسته‌اند با رندی، جعلی قلمداد کنند. قضاوت در این مورد با ملت مسلمان ایران است. ایشان اگر این مطالب را می‌گفتند خود به خود معلوم می‌شد که ساواک این پرونده را ساخته است. با این همه، حتی اشاره به شهادت آقای شاهچراغی (وکیل دامغان) ننموده‌اند و نخواسته‌اند به این مسئله که من در مجلس گفتم که پس از

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۰۷

انقلاب در دامغان و در سمنان سخنرانی کرده‌ام و مورد استقبال بی‌سابقه مردم قرار گرفتم توجه نمایند. من در جریان این مطلب قرار ندارم و نمی‌توانستم قرار داشته باشم که آیا مقدمات این پرونده را ساواک مرکزی فراهم ساخته است و یا ساواک و متنفذین محلی، ولی آنچه مسلم است وقتی که دیدند که مردم اراجیف آنها را نمی‌پذیرند و دانش‌آموزان و دبیران از من حمایت می‌کنند، از ترس اینکه مبادا رسواتر شوند سر و ته قضیه را به هم آوردند.

آقای یزدی اشاره می‌کنند که دانش‌آموزی از من شکایت کرده است و دانش‌آموزان علیه من گواهی داده‌اند، ولی نخواسته‌اند که اولاً نامه همان دانش‌آموز و گواهی همان دانش‌آموزان و نیز نامه مجدد همان دانش‌آموزان به من را که صریحاً نوشته‌اند که مورد تهدید قرار گرفته‌اند که اگر علیه من شهادت ندهند به چند سال زندان محکوم خواهد شد عنوان نمایند و ثانیاً با عنوان شکایت خواسته‌اند در ذهن خواننده این مسئله را به وجود آورند که علیه من شکایتی به دادگاه یا شهربانی شده است. درحالی‌که چنین نیست و اگر این مسئله واقعیت داشت قاعداً بایستی به دادگاه شکایت می‌شد و نه اینکه سر و کله ساواک در جریان پیدا شود. چنین مسئله‌ای چه ارتباط به ساواک داشت. همین که موضوع این پرونده در ساواک است و نه در دادگاه، خود بزرگ‌ترین دلیل بر پرونده‌سازی ساواک می‌باشد که آقای دکتر یزدی به روی مبارک خود نیاورده‌اند. حال بگذریم از اینکه هیچ فرد عاقلی چنین موضوعی را قبول نمی‌کند که دو نفر در بین جمعی دانش‌آموز یکدیگر را ببوسند. آن هم در شهر کوچک و مذهبی مثل دامغان و بعد در همان حال هیچ عکس‌العملی از طرفین و نه سایر افراد واقع بشود و پس از چند روز شایعه بسازند که در فلان روز چنین امری اتفاق افتاده است. باز قضاوت را به عهده افراد با تقوا و خردمند واگذار می‌کنم.

اما در سایر موارد:

آقای یزدی از طرفی می‌پذیرد که ساواک مرا «ضد شاه و ضد انقلاب سفید» و طرفدار امام خمینی قلمداد کرده و نوشته است که صریحاً سر کلاس و در مجامع با شاه و انقلاب سفید ضدیت می‌کرده‌ام و از امام خمینی طرفداری می‌نموده‌ام، ولی از سویی می‌گوید که با این اوصاف چرا ایشان را دستگیر نکرده‌اند؟ این دیگر اوج

## ۸۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

بی‌تقوایی است. آقای یزدی می‌خواهند از این موضوع چه نتیجه‌ای بگیرند؟ و ابهام این مسئله در کجاست؟ البته بودند افرادی که با دستور خود ساواک با شاه مخالفت می‌کردند و از امام حمایت می‌نمودند تا بتوانند در میان جمعیت‌های مخالف رسوخ نمایند و آنها را لو دهند، ولی دیگر در پرونده خود ساواک این‌گونه افراد ضد شاه و ضد انقلاب سفید و طرفدار امام قلمداد نمی‌شدند، بلکه عضو ساواک محسوب می‌گشتند. درحالی‌که در پرونده این‌جانب در ساواک، من ضد شاه و ضد رژیم قلمداد شده‌ام و حال خواننده عزیز خود درجه تقوای آقای یزدی را با توجه به این موضوع برآورد نماید.

آقای یزدی من را «حداقل از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۰ عضو شورای مرکزی حزب زحمتکشان» قلمداد کرده‌اند و مدعی شده‌اند که در جلسات شورای مرکزی حزب با حضور دکتر بقایی شرکت می‌کرده‌ام و در تصمیم‌گیری‌ها و تنظیم اعلامیه‌ها مشارکت داشته‌ام و اینکه پس از سال ۵۰ طبق گفته خودم هیچ ارتباطی با دکتر بقایی نداشته‌ام، به قول ایشان هیچ ابهامی را برطرف نمی‌سازد؛ باز برای نشان دادن درجه صداقت و تقوای ایشان باید بگویم که اولاً حزب زحمتکشان هیچ‌گاه شورای مرکزی نداشته است و اگر منظور ایشان از شورای مرکزی، کمیته مرکزی حزب و یا هیئت اجرائیه حزب بوده، به هر حال صریحاً می‌گویم که من هیچ‌گاه حتی در سال‌های ۳۹ تا ۴۲ هم عضو شورای مرکزی حزب و عضو کمیته مرکزی حزب و عضو هیئت اجرائیه حزب زحمتکشان نبوده‌ام و اگر آقای یزدی بتواند ثابت کند که من حتی یک جلسه در این جلسات شرکت کرده‌ام یا حتی یک روز عضو این هیئت‌ها بوده‌ام من می‌پذیرم که ایشان در خط آمریکا نیستند. همان‌طور که در مجلس اشاره کردم از سال ۵۰ به بعد من هیچ‌گونه ارتباط سیاسی با دکتر بقایی نداشته‌ام (این موضوع در پرونده‌های ساواک منعکس است)، ولی گاه به گاه و دیر به دیر در جلسات عمومی که در روزهای دوشنبه و چهارشنبه که دکتر بقایی از کلیه مراجعین پذیرایی می‌کرد، شرکت می‌کردم. این جلسات نه حزبی بود و نه سیاسی و نه اینکه آقای یزدی به عمد آن را شورای مرکزی حزب قلمداد کرده‌اند و نوشته‌اند که در صورت جلسات منعکس است و نام افرادی است که در این دو روز به منزل دکتر بقایی می‌رفته‌اند و بنابراین، نام‌ها متغیر است و از نظر تعداد نیز یکسان



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۰۹

نیست. مأمورانی که در آنجا بوده‌اند نام مراجعین را که بسیاری از آنها حتی از مخالفین دکتر بقایی و یا فقط همشهری و دوست او بوده‌اند در اطلاعیه‌های خود به ساواک منعکس می‌کرده‌اند و هیچ صورت جلسه‌ای هم بالطبع در کار نبوده است. چنانچه آقای دکتر یزدی غیر از این را ثابت نمایند باز من می‌پذیرم که ذره‌ای تقوا در ایشان وجود دارد؛ بنابراین، سایر مسائل از قبیل بدگویی از دکتر بهشتی و تعریف از کتاب «مأموریت برای وطن»<sup>۱</sup> که ایشان مدعی هستند که من در شورای مرکزی حزب زحمتکشان گفته‌ام، خود به خود منتفی است.

و اما در مورد بدگویی از آقای دکتر بهشتی:

اولاً معلوم نیست که ایشان از کی طرفدار آقای دکتر بهشتی شده‌اند. ثانیاً مدعی شده‌اند که من گفته‌ام سر کلاس از آقای دکتر بهشتی بد گفته‌ام، در حالی که من اصلاً چنین مطلبی را نگفته‌ام و صحبت من در مجلس و کمیسیون تحقیق موجود است و باز هم این یک نمونه از تقوای ایشان. ثالثاً مطلبی که آن‌طور که به من گفته شد گویا در پرونده ساواک هست که یکی از مأمورین ساواک گزارش داده است که به علت مسافرت آقای دکتر بهشتی به آلمان به‌عنوان نماینده مراجع وقت، این مسئله در جایی مطرح شده و من از دکتر بهشتی به مناسبت بد گفته‌ام. دروغ بودن این مسئله در خود آن مستتر است؛ چون در آن موقع دکتر بهشتی با وجود آنکه مخفیانه مبارزه می‌کردند به‌عنوان یک شخصیت سیاسی، مثل اینکه امروز مطرح است مطرح نبودند که من مطلبی علیه ایشان گفته باشم، ولی خوب آدم دروغگو کم حافظه است. از طرف دیگر آشنایی من با دکتر بهشتی از سال ۴۲ است که در آن موقع در جلسه‌ای در مورد مرجعیت و اینکه باید شورایی باشد و یا فردی، با یکدیگر بحث داشتیم. آن جلسه در اصفهان بود و آقای دکتر بهشتی آدرس خود را در تهران به من دادند که هنوز نشانی آن روز ایشان در تقویم بغلی من موجود است که من با ایشان تماس بگیرم. از سوی دیگر آقای دکتر بهشتی از حامیان آیت‌الله منتظری بودند. من همان‌طور که روشن است از سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۲ (آقای امید نجف‌آبادی شاهدند) با آیت‌الله منتظری در تماس

۱. نوشته محمدرضا پهلوی، آخرین شاه ایران که با انقلاب ۱۳۵۷ برافتاد (ویراستار).

## ۸۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

بوده‌ام. همسنگری و هم‌رزمی من در حال حاضر با دکتر بهشتی روشن است و شک نیست که یکی از انگیزه‌های عنوان کردن این موضوع که دروغ بودن آن آشکار است، از طرف دکتر یزدی، نفاق افکنی است که قطعاً در این مورد توفیقی نصیب ایشان نخواهد شد. اما چگونگی موضوع شاید بدین صورت باشد که فردی که چنین مطلبی را گزارش کرده است بدون اینکه قلباً مایل به همکاری با ساواک باشد ناچار در دام ساواک افتاده و چون نمی‌خواسته گزارش خطرناکی بدهد یک چنین مطلب دروغی را که فکر می‌کرده بی‌خطر است، برای خالی نبودن عریضه به ساواک گزارش داده است. البته این فقط یک حدس است.

در مورد توصیه به خواندن کتاب «ماموریت برای وطنم» همان‌طور که در مجلس نیز گفتم اگر چنین چیزی هم گفته بودم هیچ عیبی نداشت؛ همچنان که امام در مورد کتاب «تمدن بزرگ» عنوان کردند و نوار آن موجود است، ولی چنین چیزی نبوده و موضوع بدین قرار است که «روزنامه دیپلمات» که ثناگوی شاه بود، قطعاً به دروغ از قول یکی از دیپلمات‌ها عنوان کرده بود که او کتاب «ماموریت برای وطنم» را در دفتر جمال عبدالناصر دیده است و چون موضوع را از او سؤال کرده، عبدالناصر از این کتاب تعریف کرده و من این موضوع را در جاهای مختلف مسخره کرده‌ام که گزارش آن بدین صورت در ساواک منعکس شده است و از این نوع مسخره کردن، من همیشه انجام می‌داده‌ام.

آقای دکتر یزدی سپس مطالب بسیاری با استناد به اسناد جاسوسخانه و به قول خودشان سایر «قرائن و شواهد» در مورد دکتر بقایی عنوان کرده‌اند. من از صحت و سقم این مطالب بی‌اطلاعم. قاعدتاً نباید مثل سایر مطالب آقای دکتر یزدی صحیح باشد. به هر حال پاسخگویی در مورد آنها به عهده خود دکتر بقایی و دوستان اوست، ولی مطالبی که برای من روشن است آن است که آقای یزدی به‌سان سایر بلندگوهای امپریالیستی، موضوع دستگیری اخیر دکتر بقایی را به کودتا مربوط ساخته‌اند؛ درحالی‌که هیچ ارتباطی بدان موضوع نداشته است و دکتر بقایی اکنون آزاد شده است. یکی از انگیزه‌های دستگیری به‌ناحق ایشان پاپوش‌دوزی برای این‌جانب بوده که مشخص شد از سال ۴۲ تاکنون ارتباط سیاسی با ایشان نداشته‌ام، ولی به مصداق

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۱۱

«الغریق یتشبث بکل حشیش»<sup>۱</sup> آقای یزدی و همپالگی‌هایش خواسته‌اند با هزار من سریش کودتا را به دکتر بقایی بچسبانند و سپس با هزار من سریش دکتر بقایی را به من وصل کنند تا بتوانند توطئه‌ای را که به دروغ نسبت به من عنوان کرده بودند و ملت و مجلس نپذیرفتند به اصطلاح خودشان اثبات کرده باشند. موضوع دستگیری دکتر بقایی همان‌طور که بعداً کاملاً روشن خواهد شد از طرف دادگاه‌های انقلاب نبوده است و از جاهای دیگر سرچشمه گرفته و گذشته از آن هم مردم کرمان می‌دانند که مطابق یک سنت نزدیک به بیست ساله، دکتر بقایی و دوستانش به منظور زنده نگه داشتن یادبود احداث جنگی به نام قائم در کرمان نیز مراسمی برپا داشته‌اند که بنا بوده در آن صدها نفر شرکت کنند که این موضوع را بدان نحو در موردش سروصدا راه انداختند. و تو ای خواننده گرامی حدیث مفصل بخوان از این مجمل و میزان تقوای آقای دکتر یزدی و امثالش را از این مسئله و نظایر آن قیاس کن.

اما در مورد سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ یک نوع همکاری من با دکتر بقایی [داشته‌ام که] باید دید این همکاری در چه مواردی بوده است و اصولاً دکتر بقایی کیست؟ همان‌طور که می‌دانید از سال ۱۳۳۹ به سبب شرایطی که اوضاع بین‌المللی فراهم آورده بود، در ایران نیز شرایطی به وجود آمد که اندکی از شدت خفقان کاسته و زمینه برای نوعی مبارزه علیه دستگاه فراهم گشت و دکتر بقایی همراه آیت‌الله کاشانی این مبارزه را علیه انتخابات قلابی اقبال و سپس شریف امامی (و در حقیقت انتخابات شاه) شروع کردند که منجر به ابطال انتخابات اول و سپس انحلال مجلس بیستم که دوستان آقای دکتر یزدی و دکتر مصدق امثال اللهیار صالح و مقدم مراغه‌ای در آن شرکت داشتند شد؛ سپس از نیمه دوم سال ۱۳۴۱ امام [خمينی] رهبری مبارزه را به‌عهده گرفت که فجایع فیضیه و پانزده خرداد به وجود آمد و دکتر بقایی و من در این موارد پشت سر امام قرار داشتیم. دلایل آن، اعلامیه‌هایی است که در آن موقع منتشر شد و مثلاً اعلامیه مفصلی که در ۱۵ تیرماه ۱۳۴۲ به امضای دکتر بقایی منتشر شد و در آن صریحاً به مراجع عالیقدر برای اولین بار پیشنهاد شد که مرجعیت‌نامه امام خمینی را

---

۱. کسی که در حال غرق شدن است به هر خار و خاشاکی دست می‌آویزد، به گمان اینکه ریسمانی سخت و شاخه‌ای سترگ است تا خود را نجات دهد (ویراستار).

## ۸۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

صریحاً اعلام نمایند و نیز در همین مورد جزوه مفصلی در آن ایام تحت عنوان «دفاع از آیت‌الله خمینی» منتشر گشت؛ و این در زمانی بود که همه گروه‌های سیاسی و من جمله «جبهه ملی» خفقان گرفته بودند و علیه امام سمپاشی می‌کردند.

دکتر بقایی به خاطر مبارزاتش علیه دستگاه در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ یک سال تمام را در زندان گذراند. آری، همکاری من در بعضی مواضع در آن سال‌ها با دکتر بقایی بوده است، آن هم با حفظ مواضع مخالف خودم: یکی در مورد مخالفت سرسختانه من با رژیم سلطنتی و دیگر طرفداری از حکومت صد در صد اسلامی، که همه، اینها را طرفداران دکتر بقایی می‌دانند و دلایل و قرائن بسیار برای اثبات آن وجود دارد. مبارزات و سازماندهی مخفی من و رسوخ در ارتش طاغوت، آنقدر آشکار شده است که دیگر احتیاج به استدلال ندارد؛ درحالی‌که می‌دانیم دکتر بقایی هیچ‌گاه با این نوع مبارزه موافق نبوده است و یکی از مهم‌ترین دلایل جدایی ما نیز همین موضوع بوده است.

اما برای دکتر یزدی توجه به این مسائل مقرون به صرفه نیست. او حتی خواسته است چنین وانمود کند که من فقط یک بار به ساواک احضار شده‌ام و آن هم در سال ۱۳۵۴؛ درحالی‌که تنها در قم من چهار بار مستقیماً به ساواک احضار شدم و این غیر از تذکرات و تهدیداتی بود که مرتب انجام می‌گرفت. در تهران بارها به ساواک احضار گشتم و حتی تهدید به زندان شدم که ذکرش موجب اطالۀ کلام است. به هر حال ملت مسلمان ایران هوشیار است و در این مورد قضاوت خود را نموده است و این نه اولین بار است و نه آخرین بار که من مورد حملات ناجوانمردانه وابستگان استعمار قرار می‌گیرم. آنها می‌دانند که من به خوبی سوابق آنها را می‌دانم و آنها را روز به روز رسواتر می‌سازم و از این جهت آنها نیز دست‌بردار نخواهند بود و سمپاشی‌های خود را ادامه خواهند داد. من هم که در برابر امکانات بسیار وسیع آنها جز زبان و قلم خود هیچ وسیله‌ای ندارم. به هیچ وجه صحنه را خالی نخواهم کرد و به یاری خداوند متعال و پشتیبانی ملت مسلمان، یقین می‌دانم که عمال استعمار یکی پس از دیگری به زباله‌دانی تاریخ فرستاده خواهند شد؛ هرچند به مناسبت شرایط روز، تغییر چهره دهند. اگر این مبارزات به این شکل در سال گذشته شروع شده بود، آقای دکتر یزدی از

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۱۳

حمله به آیت‌الله کاشانی نیز ابایی نداشت و حتی همکاری من را با آن مرحوم از نقاط ضعف من قلمداد می‌کرد، ولی اکنون می‌بینید که پرده‌ها بالا رفته و نسل کنونی شمه‌ای از عظمت و مظلومیت آن رادمرد بزرگ را دریافته است (توجه خوانندگان محترم را به میزان جمعیت شرکت‌کننده در مراسم سالروز درگذشت دکتر مصدق و مرحوم آیت‌الله کاشانی در سال ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ جلب می‌نمایم) و امام صریحاً مصدق‌السلطنه را با شاه مقایسه نموده است (نطق مورخ ۲۹ تیر ۱۳۵۹) و این است که آقای یزدی که سابقاً در هر نطق و مقاله به مناسبت و بی‌مناسبت در داخل و در خارج به‌سان حسن نزیه و سایر فرصت‌طلبان، نام مصدق را با تجلیل یاد می‌کرد [و] دم از ملیت و ملی‌گرایی می‌زد، اکنون دم از کاشانی و مصدق هر دو می‌زند؛ اختلاف آن دو را به گردن دکتر بقایی می‌اندازد؛ درحالی‌که همین آقای یزدی پارسال به مناسبت ۳۰ تیر حتی نامی از آیت‌الله کاشانی نبرد و چنین جلوه داد که گویا قهرمان آن روز خودش بوده است؛ درحالی‌که همه می‌دانند آقای یزدی در آن تاریخ هیچ محلی از اعراب نداشت، ولی او گویا مردم را احمق تصور می‌کند و ادعاهایی می‌نماید که هر طفل دبستانی می‌داند که دروغ است.

به هر صورت من یقین دارم که پیروزی با حق و خدایان و خواری نصیب باطل خواهد بود. والسلام علی من اتبع الهدی. [هفتم مردادماه ۱۳۵۹- سید حسن آیت. پیوست ۱۰].»

### آیت علیه یزدی اعلام جرم کرد

متن شکایت دکتر آیت از دکتر یزدی در نامه به دادستان کل کشور

«بسمه تعالی

جناب آقای قدوسی، دادستان کل انقلاب اسلامی ایران  
در شمارهٔ یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۵۹ «روزنامه کیهان» مطالب توهین‌آمیزی که متضمن تهمت و افترا علیه این‌جانب بود از طرف آقای دکتر یزدی، سرپرست این روزنامه منتشر شده است که بنا به مراتب ذیل از هر جهت قابل تعقیب جزایی است.  
نام‌برده در این مقاله با به‌کار بردن کلمات و اصطلاحاتی نظیر «اشتهار به فساد و نادرستی» و یک سلسله مطالب بی‌اساس به‌ناحق و ناروا موجب هتک حیثیت اجتماعی

## ۸۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

این‌جانب گردیده است و بر اساس کلیه موازین اخلاقی و قوانین کیفری جمهوری اسلامی باید مورد تعقیب قرار گیرد. جریان پرونده‌ای که مخالفین این‌جانب برای مرعوب ساختن من و سایر نمایندگان مجلس شورای اسلامی ساخته بودند و به خیال خود با توسل به اعمال کثیف ساواک منحل‌ه خواستند اعتبارنامه این‌جانب را رد کنند، امروز بر ملت مسلمان ایران به‌خوبی آشکار شده است. کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی که از یک عده افراد شریف و مورد اطمینان مجلس انتخاب گردیده است، با رسیدگی دقیق به پرونده، کلیه این اتهامات را پوچ و بی‌اساس دانست و اعتبارنامه این‌جانب را تصویب کرد؛ سپس با طرح قضیه در جلسه علنی مجلس و تکرار همان اتهامات ناروا از طرف محافظی که ضدیت آنان با اسلام و امام آشکار شده است، اکثریت مطلق نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعتبارنامه این‌جانب را تصویب و توطئه خطرناک فرصت‌طلبان را خنثی ساختند. این تأیید همه‌جانبه‌ای که از طرف کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی نسبت به من ابراز گردید، برای این‌جانب موجب نهایت سربلندی و افتخار است و مسلماً ملت شریف و هوشیار ایران نیز به ماهیت این توطئه ضدانسانی واقف می‌باشد؛ به‌طوری‌که این‌جانب مستغنی از هر گونه دفاع دیگر می‌باشم.

آقای دکتر یزدی که نه به دلیل محتویات پرونده، بلکه به دلیل وابستگی‌های گروهی که به جبهه ملی و نهضت آزادی دارند، مثل سایر اعضای این گروه رأی کبود به اعتبارنامه من داده‌اند و البته این حق مسلم ایشان بوده است که به‌عنوان یک نماینده مجلس هر طور که بخواهند اظهار نظر کنند. اکنون که در مقابل اکثریت قاطع ملت ایران احساس مسئولیت می‌کنند درصدد توجیه رأی کبود خود برآمده و نهایت سعی و تلاش را به‌کار برده‌اند و با بی‌تقوایی کامل درحالی‌که هر انسان صاحب وجدانی، پوچی و بی‌اساسی پرونده و مظلومیت من را در مقابل توطئه شیطانی عمال ساواک تشخیص می‌دهد، با تمسک به همان شیوه‌هایی که ساواک به‌کار می‌برد درصدد متهم ساختن و هتک حیثیت این‌جانب به‌منظور اعاده حیثیت خود برآمده‌اند که این عمل ایشان هرگز در پیشگاه ملت نجیب ایران قابل بخشش نمی‌تواند باشد.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۱۵

آقای دکتر یزدی، پرونده ساخته شده از طرف ساواک علیه این‌جانب را با دقت خوانده‌اند و خودشان اعتراف می‌کنند که در این پرونده صریحاً ساواک علیه سید حسن آیت گزارش داده است و می‌نویسد:

«البته در خلاصه پرونده‌ای که توسط مرکز اسناد ملی از سوابق آقای آیت در ساواک تهیه شده بود و برای کمیسیون تحقیق ارسال شده بود، منعکس بود که ایشان در سر کلاس درس، مطالبی علیه شاه و انقلاب سفید گفته‌اند».

آقای دکتر یزدی صریحاً در پرونده، سندی را که این‌جانب تقدیم کرده‌ام ملاحظه کرده‌اند که بر طبق آن، همان کسانی که از روی ترس و اجبار علیه من شهادت داده‌اند، اعتراف کرده‌اند که عمال ساواک آنها را مجبور به ادای چنین شهادت دروغی کرده بودند؛ مع‌ذکب آقای دکتر یزدی به دو دلیل این نکات واضح و آشکار پرونده را که برای هر فرد بی‌غرضی اظهر من الشمس است نادیده می‌گیرند: اول اینکه می‌گویند نتوانسته‌اند «این سند را با اصل سند خطی که در پرونده موجود است مقایسه نمایند» و دوم اینکه «می‌گویند این مسائل می‌بایستی روشن می‌شد، اما جو تعجیل در تصمیم‌گیری‌ها به تشدید سوءظن‌ها کمک مؤثری کرد» و علی‌رغم اینکه اعتراف کرده‌اند قضیه برای ایشان مبهم مانده است بلافاصله می‌گویند قضیه برای این‌جانب محرز گردید.

حال باید از ایشان پرسید: اگر شما فرصت تطبیق اسناد موجود در پرونده را نیافته‌اید، باید اصل را بر مجرمیت من بگذارید و بر همین اساس با عوامل ساواک همصدا شوید و روزنامه کثیرالانتشاری را که با پیروزی انقلاب باید در خدمت حق و عدالت و منافع مستضعفان قرار گیرد علیه این‌جانب مورد سوءاستفاده قرار دهید؟ اگر قضیه به علت جو تعجیل در کمیسیون تحقیق مبهم بود، چگونه توانستید برخلاف نص صریح قرآن کریم که می‌فرماید «و لاتقف ما لیس لک به علم» حکم به مجرمیت من دهید و این حکم را با بوق و کرنا در «روزنامه کیهان» منتشر نمایید. آیا اخلاق اسلامی که شما دائماً از آن سخن می‌گویید چنین اجازه‌ای را به شما می‌دهد؟

صرف‌نظر از نکات واضح مزبور در شرایطی که کمیسیون تحقیق و یکصد و چهارده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که نمایندگان قاطبه ملت ایران هستند

## ۸۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

حکم به برائت این جانب و پوچی پرونده ساواک داده‌اند، آیا شما باز هم حق دارید به صرف اینکه بر اساس باور شما مجرمیت من مسلم بوده است، باور شخص خودتان را این چنین بی پروا و گستاخانه در روزنامه‌ای که مسئولیت اداره آن به شما به عنوان یک امانت خطیر واگذار شده است، منتشر سازید؟ شما حداکثر می‌توانستید بر اساس همین باور، به اعتبارنامه من رأی کبود بدهید و در این صورت، فقط مسئولیت وجدانی شما و مسئولیت الهی شما مطرح بود، ولی اگر هر کس بتواند باور شخصی خود را به بهانه اینکه برای او چنین باوری ایجاد شده است به هر طریق منتشر سازد و با سوءاستفاده از اختیارات خود به حیثیت و آبروی اشخاص تعرض نماید، آیا نظام جمهوری اسلامی ما که باید مظهر اخلاق اسلامی باشد، متزلزل نخواهد شد؟

و اما معیار عجیبی که آقای دکتر یزدی برای اثبات صحت عمل خود انتخاب کرده‌اند بی شباهت به خردمندی‌های شاهانه نیست. ایشان برای تأیید تبلیغات مسمومی که علیه من به راه انداخته‌اند متوسل به تأیید مردم شده‌اند! کدام مردم ایشان را تأیید می‌کنند؟ پر واضح است که ضد انقلاب زخم‌خورده، عوامل جبهه ملی و همان کسانی که من آنان را در جریان این انقلاب اسلامی افشا کرده‌ام نه تنها حاضرند با تلفن‌های مکرر آقای یزدی را تأیید کنند و دست مریزاد به ایشان بگویند، بلکه حاضرند به خاطر این همصدایی با ضد انقلاب و به خاطر اینکه «روزنامه کیهان» و سرمایه مستضعفان را در خدمت ضد انقلاب قرار داده‌اند، وجود مبارک ایشان را گلباران هم بنمایند. از کرامات آقای یزدی این است که چند قلم صدا و نوار هم ضبط کرده‌اند که در مقام دفاع از عمل غیرقانونی و ضدانقلابی خود عنداللزوم در «روزنامه کیهان» و به عنوان دلیل کامل و قاطع! صحت اقدام غیراخلاقی خود منتشر سازند. این جانب که برای شخص خود در راه این انقلاب شکوهمند اسلامی اهمیتی قائل نیستم، ولی اگر آقای دکتر یزدی برای هر یک از پیروان صدیق خط امام و حتی شخص امام خمینی چنین ابتکار و طرز عملی را در روزنامه کیهان تکرار کنند، همین تلفن‌ها و بلکه چندین برابر آن تکرار خواهد شد و حتی صاحبان این تلفن‌ها به اینکه صدای ایشان را ضبط کنند هم اکتفا نکرده و به جان و دل حاضرند طومارها هم در تأیید آقای دکتر یزدی پر کنند و راهپیمایی هم اگر ایشان اجازه دهند برایشان برپا نمایند. و البته این رویه در تاریخ



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۱۷

نهضت‌های ملت ایران نوظهور نیست. هر کس دست بیعت به ضد انقلاب بدهد از تأییدات غیبی و علنی آنان بهره‌مند می‌شود و من از هم‌اکنون اعلام می‌کنم که بر اساس تجارب تاریخ گذشته ما این قبیل اعمال فرصت‌طلبانه و این همصدایی‌ها با ضد انقلاب، آینده انقلاب اسلامی ما را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد. آقای یزدی در توسل به این شیوه، راه دوری نرفته‌اند. رهبر ملی ایشان جناب آقای دکتر مصدق هم برای درهم کوبیدن مرحوم آیت‌الله کاشانی دست به دامان ضدانقلاب و توده‌های نفتی شدند و همین ائتلاف نامقدس مزدوران شرق و غرب بود که به دکتر مصدق فرصت و مجال داد شخصیت بزرگی چون آیت‌الله کاشانی را که بزرگ‌ترین پشتوانه نهضت بزرگ ملت مسلمان ما بود، درهم کوبد و او را از صحنه مبارزه با استعمار کنار گذارد. آقای یزدی با توسل به این شیوه‌های ماکیاویستی باز هم ادعا می‌کنند که در خط امام هستند؛ درحالی‌که با این عمل نشان دادند که ایشان مکتب خود را تغییر نداده‌اند و هنوز از شاگردان صدیق مکتب مرحوم دکتر مصدق هستند.

جناب آقای دادستان محترم انقلاب

من به صراحت اعلام می‌کنم که اگر چه این برنامه غیرقانونی در مورد سید حسن آیت شروع شده است، ولی به آیت ختم نمی‌شود. این توطئه‌ای است که می‌خواهند علیه کلیه افراد معتقد به این انقلاب اسلامی تکرار نمایند. این‌جانب به‌منظور دفاع از حیثیت و آبروی خود که شرعاً و اخلاقاً مکلف به دفاع از آن هستم و به‌منظور حفظ و صیانت انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران که ما باید با تمام وجود از آن دفاع کنیم، بر اساس ماده ۲۴ لایحه قانون مطبوعات مصوب ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب، تقاضای تعقیب سریع آقای دکتر یزدی سرپرست «روزنامه کیهان» را به دلایل مزبور دارم. والسلام علی من اتبع الهدی [سید حسن آیت - هفتم مردادماه ۱۳۵۹] [پیوست ۱۱].

### واکنش مردم نسبت به سخنان موهن آیت

علاوه بر این، آیت در سخنرانی‌های خود این یادداشت را بهانه می‌کرد و به شخص من حمله و توهین می‌کرد که در برخی از این سخنرانی‌ها با اعتراض مردم

## ۸۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

روبه‌رو می‌شد؛ چنان‌که به دلیل همین توهین‌ها سخنرانی او در مسجد حجت را ناتمام گذاشتند.

دیشب در مسجد حجت هفت‌چنار به‌عنوان اعتراض: مردم خشمگین سخنرانی دکتر آیت را قطع کردند.

ناطق سخنرانی خود را با توهین و تهمت به دکتر یزدی آغاز کرده بود که با عکس‌العمل شدید مردم معترض مواجه و پس از پنج دقیقه ناگزیر به قطع سخنرانی و ترک مسجد شد.

ساعت ۱۱ دیشب، عده‌ای از مردم غرب تهران، سخنرانی دکتر آیت را که در مسجد حجت هفت‌چنار آغاز کرده بود، قطع کردند و او را به‌دلیل تهمت به دکتر یزدی و معترضین، به بحث دعوت نمودند که وی از انجام آن سر باز زده و در میان جنجال و درگیری صدها نفر که در مسجد حضور داشتند، مخفیانه محل سخنرانی را ترک کرد. خبرنگار کشیک شهری کیهان که با عده‌ای از حاضران در مسجد گفتگو کرده است، در گزارش خود می‌نویسد: بر حسب دعوت مسئولین مسجد حجت که در هفت‌چنار و قوام السلطنه واقع شده، حدود ساعت یازده دیشب، دکتر آیت جهت سخنرانی در مسجد حجت حضور می‌یابد و ساعت ۱۱ که نوبت به سخنرانی ایشان می‌رسد، پشت میکروفون قرار گرفته و پس از مختصر تعریف و تمجید از حضار به‌عنوان اینکه شما افراد زحمتکش جامعه هستید و غیره، بدون مقدمه به دکتر یزدی که شب قبل با درج مطالبی در یادداشت «روزنامه کیهان» مسائل مهمی را در خصوص دکتر آیت و گذشته‌اش به اطلاع مردم رسانیده بود، مورد حمله قرار می‌دهد.

**توهین و تهمت:** دو نفر از معترضین به نام‌های علی‌اکبر ناصر خاکی و قدیانی در این خصوص به خبرنگاران کیهان گفتند: ساعتی قبل برای اطلاع از حقیقت قضایا از مسجد جوادالائمه که در خیابان حاجیان قرار دارد به مسجد حجت رفته بودیم. دکتر آیت به محض اینکه پشت میکروفون قرار گرفت، شروع به تعریف و تمجید از مردم کرد که شما زحمتکش واقعی هستید و غیره؛ و به دنبال آن گفت: ما دو نوع دشمن داریم: دشمن روبه‌رو، مانند شاه مخلوع و دارودسته‌اش و دشمن درونی مانند دکتر یزدی.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۱۹

تهمت‌ها و توهین‌های دکتر آیت، مورد اعتراض عده‌ای از مردم قرار گرفت و یکی از برادران از جایش برخاست و با صدای بلند به دکتر آیت که با شور و هیجان از دکتر یزدی بد می‌گفت، اعتراض کرد. دکتر آیت معترض را جنبشی خطاب کرده و حاضر نشد به سؤال منطقی وی پاسخ دهد؛ در نتیجه مجلس متشنج شد و اکثر مردم علیه دکتر آیت اعتراض کردند. وی بامشاهده این وضع، ناگزیر پس از پنج دقیقه، سخنرانی‌اش را قطع و در جای خود نشست.

در این هنگام با اینکه مسئولین مسجد، پشت میکروفون آمده و ضمن سخنرانی کوتاه خود، مردم را به بردباری و سکوت دعوت می‌کردند، لیکن لحظه به لحظه خشم مردم افزون می‌شد و عده‌ای نیز از دکتر آیت خواستند تا در خصوص گفته‌هایش با آنها بحث کند و از دیگر مردم نیز تقاضا کردند تا در نهایت سکوت به جلسه بحث، نظارت داشته باشند، ولی دکتر آیت که بروز چنین وضعی را پیش‌بینی نکرده بود، تصمیم گرفت به جای بحث در میان محافظت همراهانش که پیوسته شعار می‌دادند، مسجد را ترک کند که مردم ممانعت به‌عمل آوردند.

**شلیک تیر هوایی:** ناظران عینی واقعه مسجد حجت گفتند: مردم با شعارهای «درود بر خمینی» و «توطئه‌گر نابود است/ بنی‌صدر پیروز است» اتومبیل پژوی سفیدرنگ دکتر آیت را محاصره کرده و مانع حرکت اتومبیل شدند، لیکن اطرافیان دکتر آیت با استفاده از شلوغی، دکتر را از پشت مسجد، سوار یک اتومبیل پیکان نموده و از معرکه دور ساختند.

در این هنگام، همراهان دکتر آیت در مقام مقابله با مردم برآمده، رودرروی معترضین شروع به شعار دادن نمودند که قبل از بروز درگیری، مأمورین پلیس و پاسداران سر رسیدند و چون موفق به متفرق کردن انبوه جمعیت معترض نشدند، ناگزیر با شلیک چند تیر هوایی مردم را متفرق ساختند.

**درخواست مردم:** مردم حاضر نبودند به هیچ عنوان حوالی مسجد را ترک کنند و گمان می‌کردند دکتر آیت هنوز درون مسجد بسر می‌برد؛ سرانجام با پادرمیانی ریش‌سفیدان محل به خانه‌های خود رفتند و جریان فیصله یافت.

## ۸۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

در رابطه با سخنرانی دکتر آیت و اعتراض مردم به سخنان ایشان، عده‌ای از مردم با خبرنگار سرویس شهری کیهان تماس گرفتند و ضمن اظهار تأسف از سخنان وی، گفتند که با نوار کاست، سخنان دکتر آیت را در اختیار کیهان قرار خواهیم داد و از مسئولین می‌خواهیم که گذشته و عملکردهای افراد مشکوک را با قاطعیت و جدیت رسیدگی نموده و بدون هیچ‌گونه اغماض و چشم‌پوشی، مانع شوند تا افراد ناباب، سمت‌های مهم در جمهوری اسلامی را غضب کنند.

**به اشتباه خود اذعان می‌کنیم:** ساعت ۲ بامداد نیز عده‌ای که در مسجد حجت، شاهد و ناظر سخنرانی دکتر آیت بوده‌اند، ضمن تماس با خبرنگار کیهان گفتند: ما طی چند روز آینده، طوماری تهیه و امضا خواهیم کرد و طی آن اذعان خواهیم نمود که در دادن رأی جهت انتخاب دکتر آیت به نمایندگی مجلس شورای اسلامی به سبب ناآگاهی از گذشته ایشان، اشتباه کرده و مراتب تأسف و ابطال رأی خود را اعلام خواهیم داشت.

به هر حال ماجرای مسجد حجت و درگیری حاصل از سخنرانی توهین‌آمیز دکتر آیت تا ساعت ۲ بامداد ادامه داشت و مسلماً در صورتی که نوار صدای سخنرانی [ایشان] در اختیار ما قرارگیرد، جزء به جزء نطق او را به اطلاع بیشتر خوانندگان عزیز کیهان و مردم علاقه‌مند به قضیه، درج خواهیم نمود تا دلیل و علت آن بیشتر روشن گردد و بدین‌وسیله از برادران و خواهرانی که دیشب در مسجد حجت حضور داشته‌اند، می‌خواهیم همان‌گونه که با اعتراض نشان دادند که افرادی آگاه و مؤمن به انقلاب بوده و به سرنوشت مملکت خود علاقه‌مند هستند، در صورتی که نوار کامل سخنرانی چند دقیقه‌ای دکتر آیت را در اختیار دارند، همان‌گونه که خود وعده کرده‌اند، در اختیار ما بگذارند.

### ۳- جامعه‌شناسی یک رفع توقیف

نه تنها توقیف، بلکه آزادی آقای قطب‌زاده پس از دو روز، مسائل مختلف و نگران‌کننده‌ای را در متن روند کنونی قدرت و حکومت در ایران برمی‌انگیزد که انسان‌های علاقه‌مند به انقلاب بزرگ و خونین ایران و معتقدین راستین به آزادی‌های واقعی و سازنده، از سر آن به آسانی می‌توانند بگذرند.

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۲۱

آقای قطب‌زاده برخلاف اصول قانون اساسی و روح واقعی انقلاب ایران - که مبارزه با ظلم و تجاوز به حقوق مردم بود - توقیف شد، ولی دو روزی از توقیف او نگذشت که او را آزاد کردند. آیا آزادی آقای قطب‌زاده را باید به حساب پیروزی عدالت گذاشت یا پیروزی شخص او؟ قطب‌زاده اگر گناهکار بود، چرا نه تنها بدون حکم محکمه و ابلاغ قانونی توقیف شد، بلکه بدون بازجویی و محاکمه و صدور رأی از سوی دادگاه صالحه نیز آزاد گردید؟ اگر بگوییم قطب‌زاده به خاطر فشار افکار عمومی و طرح سؤال نمایندگان مجلس آزاد شد، بنابراین، این سؤال طرح می‌شود که افکار عمومی و نمایندگان مجلس چرا برای افراد فراوان دیگری که بر روال قطب‌زاده توقیف شده‌اند و می‌شوند و هنوز پس از ماه‌ها بدون محاکمه در زندان مانده‌اند و یا مثل محمدرضا سعادت‌ی بدون توجه به اصول قانون اساسی، محاکمه می‌شوند، عکس‌العمل نشان نمی‌دهند؟

اگر قطب‌زاده از اصل بی‌گناه بود - که چنین نیز بود - آیا توقیف او بدون رعایت اصولی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، خود جرم یعنی تجاوز آشکار به قانون نیست؟ بنابراین، تکلیف فرد یا افرادی که در مقام مسئول قانونی، قانون را زیر پا می‌گذارند چیست؟

آیا آزاد شدن قطب‌زاده را می‌توان پیروزی عدالت نامید؟

آیا در میان همه زندانی‌ها و توقیف شده‌ها و محکوم شده‌ها فقط قطب‌زاده برخلاف قانون توقیف شده بود و توقیف سایر زندانی‌ها و توقیف شده‌ها و محکوم شده‌های دادگاه‌های انقلاب، همه بر طبق قانون انجام شده است؟ اگر جواب این سؤال منفی باشد - که حتماً هست - بنابراین، به این نتیجه می‌رسیم که ذات قانون - چه قانون اساسی و چه قوانین عادی مربوط به حمایت قضایی و حقوق قانونی افراد که مورد اتهام قرار می‌گیرند و تحت توقیف و زندانی و محاکمه در دادگاه‌های انقلاب هستند - فاقد ضمانت اجرا و قدرت قاهره در بافت کنونی قدرت و حکومت است؛ بنابراین، افکار عمومی و نمایندگان مجلس اگر در فضای ترس و تلقین و تبلیغ‌های کاذب و تحمیلی قرار نداشته باشند، باید طبیعتاً فارغ از اینکه چه کسی با چه عقیده‌ای چه جرمی را مرتکب شده است، به نحوه و شیوه‌ای که قانون در باره او اعمال می‌شود و یا به نحوه و شیوه‌ای که مسئولان قانونی بدون توجه به قانون و یا زیر پا گذاشتن

## ۸۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

قانون او را مورد تعقیب و توقیف و محاکمه قرار می‌هند، آماده برای نشان دادن عکس‌العمل باشند: و ما امروز می‌بینیم که نه تنها قطب‌زاده، بلکه افراد زیادی بدون رعایت اصول قانونی اساسی، توقیف و زندانی و محاکمه می‌شوند.

یا [چرا] از افکار عمومی و مخصوصاً نمایندگان مجلس - که فقط اصول قانون اساسی و اجرای صحیح آن، وظیفه اصلی آنهاست - کوچک‌ترین عکس‌العمل به چشم نمی‌خورد؛ در حالی که قسمت آخر از اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، به صراحت می‌گوید: هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را - هر چند با وضع قوانین و مقررات - سلب کند.

ملاحظه می‌کنید که فلسفه این اصل با چنین صلابت و صراحت و تأکید، این است که حتی قدرت‌ها و حکومت‌ها نتوانند به وسیله نمایندگان دست‌نشانده و منصوب خود در مجلس، موارد اختناق و استبداد و سلب آزادی‌های قانونی و مشروع مردم را به‌صورت قوانین مصوبه درآورند و مردم را به اسم قانون از آزادی‌های مشروع خود محروم کنند؛ نظیر قانون تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دوران رژیم فاسد و اختناق شاه مخلوع. این مسئله‌ای است که ما حتی در زمان شاه مخلوع به صراحت و خطاب به او نوشتیم که صرف وجود مجلس و نمایندگان و انجام انتخابات به‌صورت فرمایشی و سپس قانونی کردن خشونت و تجاوز به وسیله آنها و سرانجام توقیف و محاکمه افراد، اعمال سانسور و اختناق به نام این‌گونه قوانین [راه رسیدن] به حقانیت و مشروعیت رژیم حاکم نیست.

خوب، وقتی ما در قانون اساسی، چنین اصلی را می‌گنجانیم که: در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است، و هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند، و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند؛ می‌بینیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور را از یکدیگر غیرقابل تفکیک قرار

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۲۳

داده و سپس حفظ آنها را در وظیفه دولت و آحاد ملت گنجانده است و سرانجام، قدرت هر فرد و هر مقام و هر گروه را تحت الشعاع این وظیفه درآورده است. در این صورت ما از نمایندگان مجلس و از آحاد ملت سؤال می‌کنیم که چرا از طرح و بحث موارد تجاوز به این اصل و بسیاری از اصول قانون اساسی در زمینه حقوق و آزادی‌های مردم به وسیله فرد و گروه و مقام، ساکت می‌نشینند و فقط در موارد استثنایی - نظیر مورد آقای قطب‌زاده - عکس‌العمل نشان می‌دهند؟ اما در اینجا مسئله اصلی مطرح می‌شود که خود از هر جهت قابل تأمل و بررسی است.

مسئله اصلی این است که در همه قانون اساسی و اصول آن به این اصل توجه نشده است که وقتی قانون اساسی و مخصوصاً اصول مربوط به حقوق و آزادی‌های قانونی مردم به وسیله افراد و گروه‌ها و مقامات، مورد تجاوز قرار گرفت، مرجع رسیدگی و شکایت و تنظیم‌خواهی کجاست؟

اصل نود و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گوید: تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورا با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی، بر عهده اکثریت اعضای شورای نگهبان است. در این اصل، فقط به مسئله عدم تعارض مصوبات مجلس شورای ملی با قانون اساسی اشاره شده است که رسیدگی آن بر عهده اکثریت اعضای شورای نگهبان است. اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ... مربوط به قوه قضائیه می‌گوید: مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است.

در اصل یکصد و پنجاه و ششم از همین قانون در بند دوازدهم شرح وظایف قوه قضائیه می‌گوید: احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع ...

در این دو اصل، هیچ‌یک به صراحت تفکیک آحاد ملت را طبق اصل نهم قانون اساسی در حفظ آزادی‌های قانونی مردم روشن نمی‌کند و مرجع قطعی و قانونی رسیدگی به تخلفات قوای سه‌گانه را از اصول قانون اساسی تعیین نمی‌کند: به این ترتیب که وقتی فردی از آحاد ملت شاهد تجاوز علنی و صریح قوای سه‌گانه و نهادها

## ۸۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

و سازمان‌های رسمی حکومتی به اصول قانون اساسی است باید به کدام مرجع قانونی برای شکایت و طرح دعوا مراجعه کند؟  
من در روزنامه‌ها می‌خوانم که وکیل آقای [محمدرضا] سعادت به کرات و دفعات از نقض اصول قانون اساسی در مورد موکلش به دادستان کل دیوان کشور شکایت می‌کند و با ذکر موارد مستند و قانونی این تخلفات، از او تقاضای رسیدگی می‌کند، اما دادستان دیوان کشور تا آنجایی که من اطلاع دارم دست به هیچ‌گونه رسیدگی قانونی نمی‌زند.

من می‌بینم که نمایندگان مجلس با اینکه قطعاً این شکایت را در روزنامه‌ها می‌خوانند و یا شاید به‌طور مستقیم شکایاتی از این قبیل موارد تجاوز دریافت می‌کنند، اما هیچ‌گونه عکس‌العمل و سؤالی و پرسشی به عمل نمی‌آورند.

بنابراین، به اصل مطلب می‌رسیم که آزادی قطب‌زاده که به‌طور قانونی و برخلاف اصول صریح قانون اساسی توقیف شده بود و به قول خود او، فقط مبنی بر اراده امام بود؛ یعنی که ناشی از قدرت و تضاد قانون و نه معلول فشار افکار عمومی؛ و تازه اگر افکار عمومی و اظهار نارضایتی مردم و سؤال نمایندگان مجلس در آزادی او تأثیر داشت، آن هم به خاطر موقعیت خاص قطب‌زاده بود که استثنایی است بر قاعده. و این استثنا، نه تنها علاقه‌مندان به آزادی‌های قانونی سرنوشت انقلاب خونین ایران را خشنود نمی‌کند، بلکه شاید خود آقای قطب‌زاده را هم که اکنون صدای پای فاشیزم را به گوش خود شنیدند، راضی نسازد (۱۳۵۹/۸/۲۱).

### ۴- چراغ سبز ایران به دول غرب

احمد علی بابایی

«دول غربی به جای اتحاد در برابر کمونیسم، بر علیه انقلاب ایران متحد شده‌اند؛ درحالی که امروز دول غرب در برابر کمونیسم، احتیاج به اتحاد و همکاری دارند» (روزنامه کیهان، نقل از آقای هاشمی رفسنجانی، ریاست مجلس شورای اسلامی).

۳۵ سال است که جنگ جهانی دوم خاتمه یافته. از همان لحظات پایان جنگ، دول غربی به سرکردگی آمریکا در تدارک مقابله با دشمن بعدی یعنی کمونیست بودند. آگاهان به این امور می‌دانند گشایش جبهه دوم در اروپا به فرماندهی ژنرال آیزنهاور



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۲۵

همچنین فرو ریختن بمب‌های اتمی بر روی ژاپن، به وسیله آمریکا، برای در دست گرفتن ابتکار عملیات در روزهای بعد از جنگ بود، و الا کار آلمان در جبهه‌های لنینگراد مسکو ساخته شده بود و ژاپن هم با منزوی و تنها ماندن آن کشور و محاصره وحشتناک دریایی ناوگان متفقین، روزهای آخر را می‌گذراند. و حضور آمریکا در ماجرای جنگ دوم جهانی سببی نداشت جز وحشت از غول کمونیست که به جنگ رژیم‌های سرمایه‌داری که در رأس آنها آمریکا بود، برخاسته بود.

هنوز کشمکش نهران و آشکار قراردادهای صلح - که چیزی جز استحکام موضع و موقع این دو نیروی مقتدر جهانی از فردای پایان جنگ نبود - پایان نیافته بود که طرح مارشال به سر وقت کمک‌رسانی و همبستگی و مقابله دول غربی اروپا با جهان کمونیست به میدان آمد. خود غربی‌ها معترفند که اگر ابتکار این طرح نبود، روزهای بحرانی و ازهم‌پاشیدگی‌های بعد از جنگ را هرگز کشورهای مصیبت‌دیده غربی در مقابل هجوم ستم‌یافته نیروی تازه‌نفس کمونیست تاب مقاومت نمی‌آورد.

و هنوز این طرح، شادابی و تحرک و فعالیتش را از دست نداده بود که طرح اصل ۴ ترومن به سر وقت کلیه کشورهای جهان شتافت. درست است که ما اصل ۴ ترومن را دامی و آشیانه‌ای برای جاسوسی در اسارت دول ضعیف جهان می‌دانیم و بسیاری از بدبختی‌های خود ما از این کابوس پیچیده و فریبنده و وحشتناک، نشأت گرفته، ولی جای انکار نیست که آمریکا با این دام، توانست جلوی سقوط جهان سوم و کشورهای فقیر و عقب‌مانده را در آن روزگار به دامان کمونیست سد کند. هرچه بود اگر که دام و فریب هم بود، سال‌های سال به‌منزله خنثی‌کننده تمام تحریکات و ابتکارات کمونیست‌ها و بخش عظیمی از جهان مؤثر افتاد.

من یادم نیست، ولی گمان می‌کنم پیش کشیدن موضوع قراردادهای ناتو و ستو و سیتو، مرحله جدید این مقابله بود که در درجه اول، اروپا را تا گلو بر علیه کمونیست‌ها مجهز کرد و در درجه ثانی، پایگاه، لنگر و سنگر قدرتی برای تعادل و موازنه نیروها در سراسر جهان گردید. آنهایی که حوادث این دوران را تعقیب می‌کردند، می‌دانند که پیمان‌های نظامی و در رأس همه، پیمان ناتو چه آثار فوق‌العاده‌ای در جبهه‌های تدافعی و تهاجمی از خود به وجود آورد و به تبع این مقابله

## ۸۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

جهنمی، به زرادخانه آمریکا چه قراردادها و ضایعات و چه بینش‌ها و فرهنگ‌ها به دنیا تحمیل شد.

این مقابله مداوم و مستمر، تا آنجا ادامه داشت که اروپا را وارد مرحله بازار مشترک [کرد] و اینک ده - پانزده سال است دول غربی در رودرویی و ایستادگی در مقابل کمونیست، این شبکه عظیم و غول‌آسای اقتصادی و به اعتباری سیاسی را به وجود آورده و تاریخ حوادث و وقایع و تصمیم‌گیری‌های مربوط به بازار مشترک دیگر در دسترس همه معاصرین و جوان‌های ما موجود است و به خوبی قابل فهم و درک می‌باشد که این سازمان یا کابوس جدید، چه نقشه و طرحی برای امکان بقای موجودیت دول غربی در مقابل خطر کمونیست پیش گرفته و چه اندازه موفق هم بوده. جالب که امروز دیگر دول غرب با این ابتکار نو، تنها به تدافع در مقابل کمونیست نمی‌پردازد، بلکه ادعای مسخر کردن جهان را دیگر باره در سر می‌پرورانند.

برادر ما آقای رفسنجانی اینک به دول غربی توصیه همبستگی و اتحاد در برابر کمونیست می‌کند. دول غرب اگر یک لحظه از این کار غفلت کنند کلاهشان به قول معروف پس معرکه است، اما باید دانست چگونه در برابر کمونیست باید مقابله و مقاومت کرد. اگر متخصصین جدید، ضد کمونیست باشند که فوری توصیه به جنگاوری و درگیری‌های مسلحانه و مزاحمت و توطئه‌های موضعی و غیره می‌کنند، ولی این‌طور نیست.

حیات دول غرب به مقابله و مبارزه مستمر در مقابل کمونیست بستگی دارد، اما چنان مقابله و مبارزه‌ای که بهانه به دست حریف ندهد و راه رخنه و مداخله به صفوف خودشان را برای حریف تسهیل نکند. دول غرب چنان سیستماتیک و علمی طی این سی - چهل ساله با کمونیست روبه‌رو شده‌اند که زهر دعوت پرطمطراق و پرجمعیت اولیه کمونیست را اینک در سراسر دنیا گرفته‌اند و جنگ را به جبهه‌های داخلی جهان کمونیست منتقل کرده‌اند؛ آن هم به دست خود کمونیست‌ها.

نه تصور شود که نویسنده این سطور، از نظر فکری در این خط هستم؛ چه بسا که خیلی از این نقشه‌ها و طرح‌های غربی‌ها را ردیالانه و ضد بشری می‌دانم، ولی چاره‌ای

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۲۷

نیست برای آنان که در این سودا هستند، راهی غیر از این نیست. «ره چنان رو که رهروان رفتند».

اگر قصد مقابله با کمونیست دارید، باید علمی، مطالعه شده، به هم پیوسته و هماهنگ عمل کنید. ما را نیامده که به دول غرب، توصیه اتحاد و همبستگی در برابر کمونیست بکنیم. اگر آنها از این هدف یک لحظه غافل بودند، تا حال هزار باره خطوط جغرافیایان زیر و رو شده بود. آنها این کار را عیناً مثل یک فرمول ریاضی و یا ترکیب شیمیایی یا معادلات فیزیکی، راه‌حلش را در علم و محاسبه آمار، بررسی و جستجو می‌کنند، نه در درگیری‌های جنجال‌آفرین که فرجامش تازه‌بود حریف خواهد بود.

و اگر از این بیان - که دول غربی به جای اتحاد برابر کمونیسم، بر علیه انقلاب ایران متحد شده‌اند - قصد چراغ سبز نشان دادن به غربی‌ها داریم که ما را کمک کنید تا ما نقش ضدیت با شوروی و کمونیست را عهده‌دار شویم، این هم کار بی‌عاقبت و نامطمئنی است. آن گونه طرفیت با کمونیست و دول سرجنبان آن که با الهام و اتکای غربی‌ها خواسته باشد صورت بگیرد، مثال و فرجامی جز آنچه بر آریامهر طی سی - چهل سال، از زدن و کشتن و به زعم خود سرکوب کردن و آنها [غربی‌ها] را با این کیفیت مقابله بیشتر و بیشتر، توجیه کردن، جز دست خون‌آلود برای خودش ماندن، عایدش نشد؛ شما نیز بهره و نتیجه‌ای عایدتان نخواهد شد.

ما اگر بتوانیم ان‌شاءالله این بحث را به وسعت بیشتری ادامه می‌دهیم. ما باید بدانیم درگیری‌هایی که در باره برلن غربی و راه‌های ارتباطی دو آلمان به وجود آمد و به مرز جنگ هم کشیده شد، ولی جنگی بروز نکرد، چه بود؟ و در معرکه مقابله هوشمندانه این دو نیرو، این مسئله چه جایی را اشغال کرده؟ ما باید جنگ ویتنام و نیز جنگ پایگاه‌های موشکی خلیج خوک‌ها را بررسی کنیم تا بفهمیم هر یک از حریف‌ها اگرچه به ظاهر در جبهه‌ای شکست خوردند و عقب‌نشینی کردند، ولی همان شکست و عقب‌نشینی در باطن و به حقیقت، تدارک پیروزی‌های بزرگ‌تری برایشان بود.

ما باید انواع قوانین اجتماعی دول غرب را از بیمه‌ها و مالیات‌های ۹۰ درصد و ساعت کار و حمایت دوران بازنشستگی و بیکاری و توزیع عادلانه ثروت را که همگی برای خشتی کردن جاذبه کمونیستی از طرف سرمایه‌داران غربی به وجود آمده و هر یک

## ۸۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

هزار بار از جنگ‌های رودررو و شناخته‌شده نافذتر و مؤثرتر است، دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم.

و بالاخره خیلی دانستنی‌های دیگر که بقای کشورمان و پیروزی انقلابمان تنها و تنها در گرو این‌گونه دانستنی‌ها است. ... والسلام  
احمد علی‌بابایی ۱۳۵۹/۶/۱

### چ - پایان کار در کیهان

#### ۱- سه مقاله از ابراهیم یزدی که منجر به عزل ناگهانی وی از کیهان شد

سایت «تاریخ ایرانی»، یکشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۱  
چندی پیش سایت «تاریخ ایرانی»، به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس «روزنامه کیهان»، مصاحبه‌ای با سید محمد خاتمی - رئیس جمهور اسبق و نیز مدیر مسئول «روزنامه کیهان» که پس از من از سوی آقای خمینی به مدیریت مؤسسه کیهان منصوب شد - انجام داده بود. در بخشی از این مصاحبه، آقای خاتمی به شرایط تغییر مدیریت کیهان و شتابی که در عزل دکتر ابراهیم یزدی، مدیر وقت کیهان اعمال شده بود، اشاره می‌کند. خاتمی یادآور می‌شود که سید احمد خمینی آن‌قدر عجله داشت که حتی منتظر بازگشت ایشان از سفر و انجام مراسم رسمی تودیع ابراهیم یزدی نشده است. «تاریخ ایرانی» در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۸ با بازنشر سه یادداشت روز به قلم دکتر ابراهیم یزدی مطرح می‌سازد که آنچه به دوره مدیریت یزدی بر «روزنامه کیهان» خط پایان کشید، سلسله سرمقاله‌هایی بود که وی از روز سه‌شنبه ۲۰ آبان تا پنجشنبه ۲۲ آبان ۵۹ با عنوان «پاسداری قانون اساسی» در ستون «یادداشت روز» می‌نوشت و به سومین شماره که رسید، حکم سرپرستی سید محمد خاتمی روز ۲۵ آبان ۵۹ صادر شد. اما این سرمقاله‌ها چه بود که به گفته آیت‌الله بهشتی «کار یزدی را تمام کرد» و حتی به انتشار شماره چهارم آن نرسید؟ پاسخ را با بازنشر آن سه سرمقاله می‌توان یافت.

آنچه از بازخوانی این مقالات برمی‌آید این است که دکتر ابراهیم یزدی در این مقالات به نقد صریح نظریه «دیکتاتوری صلحا» که از سوی روحانی مشهور و قدرتمند عضو شورای انقلاب مطرح شده بود پرداخته و نسبت به پیامدهایی که طرح و گسترش این نظریه در انحراف انقلاب از آرمان‌های تاریخی ملت ایران می‌تواند پدید

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۲۹

آورد، هشدار داده و طرح این نظریه را مبنایی برای ایجاد حکومت‌های قشری و استبداد فردی بر شمرده است. بازخوانی این مقالات پس از ۳۲ سال، از یک سو حکایت از اختلافات دیدگاهی دارد که مهندس بازرگان و یارانش در نهضت آزادی ایران با سایر رهبران انقلابی آن روز داشتند که آقای خاتمی هم در مصاحبه خود به چنین اختلافاتی اشاره می‌کند و از سوی دیگر، نشانگر نقش جریاناتی است که می‌توانسته‌اند در حذف مهندس بازرگان و یارانش از عرصه حاکمیت ایران فعال باشند. متن سه یادداشت یاد شده به‌طور کامل به شرح زیر است:

۱- یادداشت روز: پاسداری قانون اساسی (۱)- روزنامه کیهان، شماره ۱۱۱۳۹، ۱۳۵۹/۸/۲۰

بی‌شک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بزرگ‌ترین و گران‌بهارترین دستاورد این انقلاب و خون‌بهای هزاران شهیدی است که با انتخاب شهادت، راه پیروزی ملت را هموار کردند. این پیروزی یعنی تدوین و تصویب قانون اساسی، از ویژگی‌های انقلاب اسلامی است. در اکثر قریب به اتفاق انقلابات دنیا بعد از پیروزی انقلاب، مردم هرگز امکان و فرصت دخالت و شرکت فعال در تعیین سرنوشت خود را پیدا نکردند. یک سازمان واحد، انقلاب را رهبری کرد، به پیروزی رسانید و بعد از پیروزی، حاکمیت مطلق را [همان] سازمان واحد در دست گرفت و خود را متولی و امرگذار مردم دانست و به رتق و فتق امور پرداخت. از آنجا که سازمان رهبری کننده انقلاب، به دلیل پیروزی‌اش بر دشمن خلق، مورد قبول عامه مردم قرار گرفته است و توانسته است مردم را رهبری کند، بعد از پیروزی، مردم نیز حاکمیت سازمان واحد را بر کشورشان پذیرفته‌اند. لذا در این کشورها، سالیان دراز، سازمان سیاسی واحد حاکم، بدون قانون اساسی مدونی که به تصویب ملت برسد و یا [بدون اینکه] مسئولین مملکتی از طریق انتخابات معین شده باشند، امور مملکت را اداره می‌کرده‌اند، اما در ایران به برکت فقدان یک سازمان سیاسی واحد رهبری کننده در طول انقلاب، لاجرم حاکمیت حزب یا سازمان واحد پس از پیروزی انقلاب نیز هرگز ممکن نبوده است. اگرچه گروه‌های معینی با استفاده از شیوه‌های انحصارطلبی و گروه‌گرایی استالینی که هرگز نه در شکل و نه در محتوا ربطی به اسلام ندارد، کوشیده‌اند و می‌کوشند که هژمونی (سلطه‌گرایی)

## ۸۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

خود را بر انقلاب محقق سازند، اما از آنجا که این گونه سازمان‌ها و عناصر، تنها در ماه‌های آخر قبل از پیروزی انقلاب - که سرنوشت محتوم برای اکثر مردم قابل پیش‌بینی بود - تأسیس یافته و دست به کار شده‌اند و هرگز ریشه‌های عمیق ندارند، نتوانسته‌اند و نمی‌توانند این ماجراها را تا به آخر برسانند. ریشه‌های بسیاری از درگیری‌های کنونی را باید در اعمال همین روش‌ها و برنامه‌ها جستجو کرد، اما به هر حال درایت و نگرش ژرف و عمیق امام در رهبری انقلاب و برنامه سیاسی امام - که در دوره اقامت ایشان در پاریس تدوین و تنظیم شده بود و متضمن رفتارندم، تأسیس مجلس موسسان (خبرگان) و تنظیم و تصویب قانون اساسی و سپس انتخاب نهادها بر اساس موازین قانونی بود - بهترین ارمان‌ها را برای ملت به بار آورد. روی کار آمدن دولت موقت و قبول و اجرای اساسی‌ترین آزادی‌های انسانی، یک فضا و جامعه بازی را به وجود آورد که به دنبال اجرای برنامه سیاسی امام، ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در کمتر از چند ماه، قانون اساسی نظام جدید را تدوین و تنظیم و تصویب نمود و بدین ترتیب، انقلاب ایران بزرگ‌ترین پیروزی‌های بی‌نظیر را به دست آورد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صرف‌نظر از بعضی انتقادات و یا ایرادات و احتمالاً ابهامات، به هر حال در مقایسه با دیگر قوانین اساسی سایر کشورهایی از شرق و غرب، از مسلمان‌نشین و غیره، مترقی و پیشرو است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در میان فلسفه‌های سیاسی متعدد و متفاوت و مختلف در جهت تحقق اصل اول از سه اصل آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی، که در طی دوران انقلاب مطرح بوده است، آن را مبنا و زیربنا قرار داده است.

منظور ما از جامعه آزاد چیست و چرا قانون اساسی جمهوری اسلامی با دقت و توجه فوق‌العاده‌ای به امر «آزادی» صراحت دارد؟

باید به این مسئله توجه کرد که در تئوری‌های انقلابی، برای بعد از پیروزی انقلاب، دو نوع فلسفه سیاسی، مورد بحث و گفتگوست: یک فلسفه سیاسی معتقد است که بعد از پیروزی انقلاب، برای انتقال جامعه از یک جامعه منحط و کهن گذشته به یک جامعه رو به رشد و تعالی، در جهت تحقق جامعه مقبول یا مطلوب، در «دوران انتقال» باید «جامعه بسته» باشد. یعنی باید بر جامعه استبداد یا دیکتاتوری حاکم باشد تا بتوان

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۳۱

جامعه را به سرعت متحول ساخت و برنامه‌ها را پیاده کرد. این فلسفه سیاسی معتقد است که بعد از انقلاب، نیروهای ضد انقلابی دست برنمی‌دارند. رسوبات فرهنگ پیش از انقلاب، قشرها و دسته‌جات و طبقاتی که از انقلاب‌ها لطمه دیده‌اند و شکست خورده‌اند، ولی هنوز نابود نشده‌اند، دست‌بردار نیستند. در صورتی که جامعه، باز و آزاد باشد، اینها با تمام نیرو، تلاش و کوشش می‌کنند که وضع گذشته، اعاده گردد؛ بنابراین، باید تمام فعل و انفعالات جامعه، تمامی رسانه‌های خبری، تمامی مراکز و منابع و منابع، همه تحت کنترل شدید نیروهای اصیل انقلابی درآیند.

ایجاد و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بعد از پیروزی انقلاب که توسط مارکسیست - لنینیست‌ها عنوان شده است، بهترین نمونه‌ی اعلامی کلاسیک این فلسفه سیاسی می‌باشد. صرف‌نظر از اینکه این تز سیاسی نادرست و شدیداً ضد انسانی و ضد انقلابی (واقعی) است، اصولاً باید توجه داشت که تنها وقتی قابل اجراست که سازمان واحدی انقلاب را رهبری کرده باشد تا بتواند بعد از پیروزی انقلاب، اعمال قدرت بنماید و کنترل همه‌جانبه را در دست گیرد و مهم‌تر از کنترل و در دست گرفتن انحصاری قدرت توسط حزب یا گروه معین، این است که بتواند مملکت را اداره بنماید. قبول و اجرای فلسفه سیاسی بالا، هرگز بدون حضور یک سازمان سیاسی واحد که مشروعیت و مقبولیت خود را در طی سالیان دراز مبارزات انقلابی به دست آورده باشد، ممکن نیست. این فلسفه سیاسی، اساس انقلاب را تغییرات بنیادی در روابط مالکیت وسایل تولید و توزیع می‌داند، انقلاب را تغییر وضع اقتصادی مردم می‌داند؛ انقلاب را تغییر در روابط اقتصادی می‌داند و اگر اعتقادی هم به ضرورت تغییرات در سایر شئون نشان می‌دهد، آنها را فرع بر تغییرات زیربنایی در روابط اقتصادی می‌داند؛ لذا تمامی کوشش‌ها و تلاش‌ها در این گونه اندیشه‌ها آن است که با ایجاد و استقرار حاکمیت حزب واحد و دیکتاتوری پرولتاریا - و به تعبیر برخی از کسانی که التقاطی می‌اندیشند، دیکتاتوری مستضعفان، [یا] به تعبیر گروه دیگری دیکتاتوری صلحا! - بتوانند تغییرات بنیادی مورد نظر را به وجود آورند. این اندیشه، فرسنگ‌ها با اندیشه اصیل اسلامی فاصله دارد. آنها که ندانسته یا دانسته تحت تأثیر این اندیشه هستند، عمیقاً التقاطی می‌باشند. اندیشه و فکر و تز و فلسفه سیاسی دیکتاتوری حزب - یا

## ۸۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

گروه واحد - چه به نام دیکتاتوری پرولتاریا، چه به نام دیکتاتوری مستضعفان و یا صلحا و یا به هر اسم و عنوان دیگری، خلاف جهان‌بینی توحیدی و اندیشه اسلامی است. اسلام با هر گونه انحصارطلبی گروهی، طبقاتی، قشری و ... شدیداً مخالف است و مبارزه می‌کند. فلسفه سیاسی در تفکر اسلامی «جامعه باز و آزاد» است. حزب الله به معنای حاکمیت یک سازمان سیاسی مشخص و معینی، با تعدادی از اعضای معین و جدا از سایر افراد جامعه نیست. حزب الله به معنای حاکمیت فکر و اندیشه توحیدی است. سرشت چنین اندیشه‌ای مغایر است با هژمونی و استیلاطلبی گروهی و حزبی و به دنبال ایجاد یک جامعه باز و آزاد است.

چرا اسلام به استقرار جامعه باز و آزاد اعتقاد دارد؟ و چرا هدف انقلاب اسلامی ایران، ایجاد یک جامعه نوین و آزاد می‌باشد؟ و چرا قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌تواند تحقق یک جامعه آزاد باز را تضمین کند و تعهد کرده است؟ چرا ما می‌گوییم تلاش برای استیلای گروه، حزب، دسته سیاسی و یا طبقه و قشر و جمعیت خاص بر جامعه، یک عمل ضد اسلامی و نهایتاً ضد انقلابی است؟ مجاهد نسته، طالقانی گفت که «اسلام، نه سرمایه‌داری است و نه سوسیالیسم. اسلام، اسلام است». انقلاب اسلامی نه خواستار استقرار یک نظام سوسیالیستی است که در آن حاکمیت هژمونی یک طبقه استیلاگر پذیرفتنی باشد و نه یک نظام سرمایه‌داری که در آن دموکراسی به شکل و شیوه غربی با حاکمیت «سرمایه». چرا که زیربنای تفکر هر دو نظام، یعنی سرمایه‌داری و سوسیالیستی، بر اساس اصالت ارزش‌های اقتصادی می‌باشد. رشد و ترقی و تکامل جامعه، یعنی رشد اقتصادی. معیار برای رشد و تکامل و ترقی جامعه، پارامترها و عوامل اقتصادی هستند. کافی است به آمارهایی که مثلاً حزب (غیر وابسته) توده ایران از رشد و پیشرفت‌های چشمگیر روسیه شوروی می‌دهد، توجه کنید. تمامی ارقام و آمارها، روی میزان تولید مثلاً برق، یا تعداد ماشین‌های شخصی، تولید ذغال سنگ، فولاد ... و نظایر این و مقایسه با آثار مشابه در یک نظام سرمایه‌داری مثلاً آمریکا می‌باشد. زیربنای تفکرات یکسان است. با این تفاوت که در آمریکا سرمایه‌داری خصوصی و گروهی است، در روسیه شوروی، سرمایه‌داری دولتی، ولی به هر حال اصالت از تولید، وسایل تولید و مصرف است.



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۳۳

اما در اندیشه اسلامی، اصل بر تغییر انسان است. اسلام، انسان را تعریف می‌کند، تبیین می‌کند تا راه تغییر خود و جهان را به ما بیاموزد. انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی به معنای یک تغییر بنیادی در هویت انسان است.

تغییرات اقتصادی انقلابی بنیادی در روابط اقتصادی استثمارگرانه، تنها وسیله و ابزاری است برای تحقق و تأمین آزادی انسان، در جهت «شدن انسان». اسلام چنین تعبیری را در هویت انسان، تنها در یک جامعه باز و آزاد ممکن و میسر می‌داند. در چنین جامعه آزاد و بازی، تغییرات اساسی به سرعتی که در یک جامعه بسته - که زیر سلطه یک حزب یا سازمان واحد، ولو از مردم و به خاطر مردم! قرار دارد - نخواهد بود. تغییرات بطئی تر بوده زمان گیر هستند، اما هدف انقلاب اسلامی، تغییر انسان است و تغییر انسان، از آنچه که هست به آنچه که باید باشد و باید بشود، با زور و با سلطه طلبی و استیلاپذیری هرگز ممکن نیست. تنها راه رشد اسلامی جامعه، ایجاد جامعه باز است، نه جامعه بسته و زیر سلطه.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به درستی و به حق همین راه را انتخاب کرده است. آنچه که انقلاب ما را از سایر حرکت‌های اسلامی در سایر کشورها متمایز می‌سازد، در این نیست که ما با تمام وجودمان به «اسلامی» بودنش اصرار داریم و به دنبال اسم هر نهادی، قید «اسلامی» را بیاوریم. خیر، چنین نیست. به اوضاع و احوال سایر کشورهای اسلامی توجه کنید؛ به قوانین آنها دقت کنید. ویژگی و دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی، همین قانون اساسی است؛ قبول آزادی‌هاست. قبول ضرورت ایجاد یک جامعه باز است. نفی و انکار هر گونه سلطه طلبی و استیلاپذیری است. قبول اصل حضور و شرکت مردم و توده‌های میلیونی در تعیین سرنوشت خودشان می‌باشد. به دنبال قبول همین اصول قانون اساسی است که بزرگ‌ترین انتخابات در کشور ما بعد از انقلاب صورت گرفته است. اگر قرار بود جامعه بسته باشد و اداره و تمشیت امور مملکت به دست گروهی از خواص و زبندگان وطنی باشد، دیگر چه ضرورتی داشت قانون اساسی داشته باشیم و بر اساس آن رئیس جمهور انتخاب کنیم، مجلس نمایندگان مردم را به وجود آوریم، دولتی تأسیس شود که مسئول و جوابگو در برابر نمایندگان ملت باشد و این نمایندگان را هم ملزم به ادای سوگند برای حفظ و

## ۸۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

پاسداری این قانون اساسی بنماییم؟ تمام اینها برای آن است که جامعه بتواند راه رشد و تکامل واقعی خود را، که راه رشد اسلامی است، بییماید.

آیا ما اکنون در همین راه هستیم؟ آیا بازداشت‌های اخیر که با دستگیری و انتقال صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه پیشین، عضو شورای انقلاب اسلامی سابق، اولین سرپرست صدا و سیما جمهوری اسلامی بعد از انقلاب، و یک مبارز قدیمی و پیگیر به زندان اوین، با فلسفه و اندیشه اسلامی هیچ تطابقی دارد؟ آیا قانون اساسی ما به مسئولین امر چنین اجازه‌ای را می‌دهد؟ آیا جنگ تحمیلی عراق، می‌تواند مجوزی برای این رفتارها باشد؟ و به بهانه بحرانی بودن و حساس بودن اوضاع، تمامی موازین قانونی زیرپا گذاشته شوند و جامعه‌ای بسته و غیرقابل تنفس به وجود بیاورند؟ آیا مسئولین امور ما مصون از خطا هستند و خود را معصوم می‌دانند؟ و اگر نه، مرز انتقاد و توصیه کجاست؟ و چگونه؟ و مرز میان انتقال از یک جامعه آزاد به یک جامعه بسته استبدادی کجاست؟ و ما اکنون در چه مرحله‌ای از این انتقال قرار داریم و خطر واقعی برای انقلاب چیست؟ همه اینها باید بحث شوند. مبانی باید روشن شوند. انتقادات اصولی به کار مسئولین امور باید عنوان گردد. و ما برآنیم که به دور از هرگونه حب و بغضی، این مسائل را طرح و عنوان کنیم و آنها را مفید به انقلاب می‌دانیم. اگر خدا بخواهد بحث ادامه دارد. والسلام.

یادداشت روز: پاسداری قانون اساسی (۲) - روزنامه کیهان، شماره ۱۱۱۴۰-

۱۳۵۹/۸/۲۱

در بحث قبلی گفته شد که دو فلسفه سیاسی و دو نوع نگرش برای کنترل و اداره جامعه بعد از پیروزی انقلاب وجود دارد: یک نگرش معتقد است بایستی حزب یا سازمان واحدی حاکم بر جامعه باشد و تمامی نهادها و امکانات و ابزار و وسایل و ... همه و همه در اختیار یک حزب و سازمان واحد منسجمی قرار بگیرد تا در عمل بتواند حداکثر هماهنگی و سرعت در پیشرفت کارها را فراهم سازد. فلسفه سیاسی و نگرش دیگر معتقد است که بعد از سقوط دولت ضد مردمی و پیروزی انقلاب برای انتقال جامعه، از یک فرهنگ کفرآلود و شرک‌زده استبدادی به یک جامعه نوینی با فرهنگ پویای انقلابی و توحیدی و احراز یک هویت جدید برای انسان‌ها، تنها راه استقرار یک

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۳۵

جامعه باز و آزاد از هرگونه سلطه طلبی و انحصارگرایی می باشد. انقلاب اخیر ایران که منجر به سقوط رژیم شاه و پایان نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و استیلای خارجی گردید، یک حرکت و انقلاب اسلامی است و لاجرم قانون اساسی میهن اسلامی ما منبعث و ملهم از اندیشه و فکر و جهان بینی انقلاب که اسلامی و توحیدی است، می باشد و این قانون اساسی جمهوری اسلامی در اساس، جامعه باز و آزاد، در چهارچوب حاکمیت الله را پذیرفته است. حاکمیت الله بر یک جامعه، یعنی استقرار جامعه باز و آزاد که انسانها از هرگونه اسارت الههها رها و آزاد باشند و بتوانند به فطرت الهی خودشان بازگشته و بر اساس آن عمل کنند. چنین امری (بازگشت به فطرت و عمل مطابق با آن) میسر نیست جز با «آزادی». و بلکه باید گفت آزاد بودن و آزاد اندیشیدن و آزاد عمل کردن و انتخاب نمودن، خود فطرت انسان است و فطرت انسانی چیزی جز آن را نمی پذیرد. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی در باب «شیوه حکومت در اسلام» می گوید: «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلفوا باخلاق الله). و این جز در گروه مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی باشد. با توجه به این جهات، قانون اساسی، زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیری های سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست اندر کار و مسئول رشد و ارتقاء رهبری گردد». چنین نگرشی و چنین مقدمه ای در قانون اساسی، با صراحت فلسفه سیاسی «دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری مستضعفان و یا صلحا» و یا هر اسم دیگری را به کلی نفی می کند. بر اساس همین نگرش است که در اصل سوم از «اصول کلی قانون اساسی» آمده است: «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» (بند ۶ از اصل سوم). اصل نهم برای پیشگیری از هرگونه سوء استفاده ای، تصریح دارد به اینکه «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند». به عبارت دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی که خون بهای شهیدان ملت ایران است، برای حفظ و ضمانت آزادی انسانها و

## ۸۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

اتباع جمهوری آنچنان مقید است که در تحت هیچ شرایطی، حتی در وضعیت جنگ، نظیر وضع کنونی که تمامیت ارضی میهن اسلامی ما از طرف ارتش مزدور امپریالیست‌ها مورد تجاوز و تهدید قرار گرفته است، اجازه وضع قوانینی را که سلب کننده آزادی‌ها باشد، نمی‌دهد و آن را ممنوع ساخته است. صراحت و بلاغت از این بیشتر و بهتر نمی‌شود!

علاوه بر اینها در اصول ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ تمامی آزادی‌های مشروع بیان شده است و حراست و اجرای آنها را برای تمامی اتباع جمهوری اسلامی الزامی دانسته است. ما به این شیوه تفکر، ایجاد و استقرار یک جامعه باز و آزاد که خطوط اصلی و کلی آن را قانون اساسی ترسیم نموده است، عمیقاً اعتقاد راسخ و خلل‌ناپذیر داریم و این خواست ملت ایران است. این دستاورد بزرگی است. سند ذی‌قیمتی است که ملت به دست آورده است و به هیچ قیمتی حاضر نخواهد بود که مخدوش شود، نادیده گرفته شود و به بهانه‌های گوناگون اجرای آن تعطیل گردد!! مردم با تمام قوا آماده حراست و پاسداری از این دستاورد خود می‌باشند. هر گونه تخلف و تجاوزی را سخت محکوم می‌کنند. احساس نگرانی مردم، خصوصاً در این اواخر و چند روز گذشته، از همین جا ناشی می‌گردد. این احساسی که امروز به مردم ما دست داده است، ممکن است یک احساس نگرانی و ناراحتی غیر موجه باشد، اما به هر حال واقعی است؛ هرگز نباید نادیده گرفته شود و یا بدان بهای لازم داده نشود. احساس اینکه قانون اساسی نادیده گرفته شده است و در مواردی از آن تخطی شده است، اوضاع و احوال خاص کنونی که ناشی از جنگ تحمیلی به مردم ماست، باعث شده است که اصولی از این قانون مقدس جمهوری اسلامی مورد تجاوز قرار گیرد. ممکن است مسئولین امور بگویند احساس خطر و نگرانی و دلهره مردم بی‌جاست و جای هیچ‌گونه ناراحتی نباید باشد. شاید هم حق به جانب گویندگان این سخنان باشد، اما به هر حال مردم سخت ناراحتند و این ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها و تحیرها، علل و اسباب موجهی دارند و نباید آنها را سرسری گرفت و به راحتی از آن گذشت و گفت که «ان شاء الله گربه است» و حمل بر «صحت» کرد. خیر. مردم به حق نگرانند! چرا که تجربه انقلاب مشروطیت و قانون اساسی آن در پیش روی ملت است. مگر استبداد رضاخان پالانی و پسرش ناگهانی و بدون زمینه‌های لازم اجتماعی بر این ملت تحمیل

گردید؟ مگر تعطیل مشروطیت و فاتحه بی‌الحمد برای قانون اساسی مشروطه، ناگهانی بود؟ خیر. از همان روزهای اول، در مقام اجرا و عمل به آن، هر کس آمد یک ظلم و یک تخطی و تخلف کرد و این تخلفات جمع شدند و به تدریج کار به آنجا رسید که از مجلس و دولت و مشروطیت و قانون اساسی جز یک شکل بی‌محتوای مسخره، چیزی باقی نماند. اگر قرار باشد که به این زودی، یعنی هنوز مرکب امضا و چاپ قانون اساسی خشک نشده است و یک سالی نگذشته است، اینجا و آنجا، به صورت و بهانه‌های مختلف از قانون اساسی تخلف بشود و یا موادی به اجرا گذاشته نشود! اینها همه نگران‌کننده است و مردم حق دارند. ادامه این وضعیت باعث خواهد شد یا مردم رأساً اقدام کرده و با قدرت تمام، همان طور که امید و انتظار هست، خود قدم به جلو بگذارند و جلوی هر نوع انحراف و تخلف و بی‌حرمتی به قانون اساسی را بگیرند که این بسیار مفید و خود یک پیروزی است، یا آنکه خدای ناکرده این نگرانی‌های مردم به تحیر و سپس بی‌تفاوتی بکشد و مآلاً موجبات عدم حضور فعال مردم در صحنه بشود که در آن صورت، لطمات جبران‌ناپذیری به انقلاب خواهد خورد؛ چرا که ضد انقلاب موفق شده است. بنابراین، باید با تمام قوا از قانون اساسی حراست کرده و پاسداری نمود؛ چرا که خون‌بهای شهیدان است؛ بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب ماست.

اما برای اجرای این امر، چگونه عمل کنیم؟ آیا انحرافات و تجاوزات را نادیده بگیریم و بگذریم، یا آنها رامطرح سازیم؟ انتقادات خود را به مسئولان امر چگونه عنوان کنیم و آیا اصولاً باید عنوان کرد یا خیر؟ درگیری‌های کنونی در سطوح مختلف مسئولین معتقد به انقلاب اسلامی، جدای از تأثیر روش‌ها و منش‌ها و خلیقات و حضور فعال بقایای فرهنگ استبدادی در نفس‌ها، که امام فرمود ریشه مشکلات را در نفسانیات بیابید، در واقع ناشی از اعتقاد به دو نوع نگرش خاص و فلسفه سیاسی در اداره امور مملکت می‌باشد. آیا این اختلاف نظرها غیرطبیعی و غیراصولی هستند؟ آیا اطلاع مردم از وجود اختلاف نظر بین دست‌اندرکاران و مسئولین است که به جامعه لطمه می‌زند، یا نفس وجود اختلافات و عدم سازش و همکاری میان مسئولین امور! اینها مطالبی هستند که باید عنوان گردیده، بررسی و بحث شوند که اگر خدا بخواهد در یادداشت بعدی آنها را خواهیم آورد. والسلام

یادداشت روز: پاسداری قانون اساسی (۳) - روزنامه کیهان، شماره ۱۱۱۴۱ -

۱۳۵۹/۸/۲۲

در یادداشت‌های گذشته آمد که شکست سیاسی ضد انقلاب و سقوط رژیم منحط کهن گذشته و پیروزی انقلاب، تغییر جامعه و تبدیل آن به یک جامعه مقبول و یا مطلوب، هرگز ناگهانی و با جهش نخواهد بود، بلکه عبور از یک دوره انتقالی تدریجی، اجتناب‌ناپذیر است. برای اداره جامعه بعد از انقلاب، به منظور نابودی تمام ریشه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، دو فلسفه سیاسی و یا نگرش و طرز برخورد و تلقی وجود دارد: یکی فلسفه سیاسی که معتقد به سلطه و هژمونی حزب و سازمان و طبقه واحد بر جامعه است و دیگری فلسفه سیاسی «جامعه باز و آزاد» که حضور فعال همه مردم را که انقلاب به آنها تعلق دارد، در صحنه اقدامات و عملیات و تصمیم‌گیری‌ها ضروری و لازم می‌داند. قانون اساسی میهن اسلامی ما به دلیل ویژگی مکتبی‌اش و همچنین سرشت رهبری انقلاب که عدم حضور یک سازمان واحد رهبری‌کننده می‌باشد، مخالف هرگونه انحصارطلبی و سلطه گروهی بر جامعه بوده و آن را محکوم کرده است. این روزها بروز اختلاف نظرات در درون جبهه معتقدین به انقلاب اسلامی بالا گرفته است. بخشی از این درگیری‌ها محصول خلیات و ذهنیات و نفسانیات این عناصر است، ولی در ماورای تأثیرات خلیات و نفسانیات اشخاص، این درگیری‌ها متأثر از اختلاف نظر اساسی در اداره جامعه بر محور دو فلسفه سیاسی ذکر شده در بالا و نتیجه آن می‌باشد. طرز تفکر اول که معتقد به جامعه بسته، کنترل تمامی رویدادها و هدایت جامعه از بالا به سوی «سوسیالیسم» از طریق ایجاد دیکتاتوری «پرولتاریا» یا «مستضعفین» یا «صلحا» می‌باشد، اساساً یک اندیشه مارکسیستی است و بعضاً متأثر و ملهم از آن است و هرگز جایی در اسلام ندارد. پذیرش حاکمیت الله هرگز به معنای «دیکتاتوری و استبداد»، از هر نوع پرولتاریایی آن یا نوع مستضعفان و یا صلحا نیست. حاکمیت الله، به معنای قبول تبعیت از طبیعی‌ترین قوانینی است که باید بر انسان حاکم باشد: یعنی بازگشت به فطرت الهی، یعنی عمل به فطرت، یعنی رها شدن از تمامی اسارت‌هایی که انسان را «از خود بیگانه» و یا به تعبیری «الینه» می‌سازد و به قول برادر شهید و بزرگوارمان علی شریعتی، یعنی

بازگشت به فطرت خویش، تبعیت از «خویشتن خویش» یا فطرت الهی است و [این] هرگز به معنای استبداد نیست. تحقق و استقرار جامعه اسلامی مقبول، با قبول یک جامعه باز با تمامی مشکلاتش، که انسان‌ها خود آزادانه می‌اندیشند و آزادانه انتخاب می‌کنند و مشمول بشارت الهی هستند که همه اقوال را می‌شنوند و سپس بهترین را انتخاب می‌کنند و در آن اصل «لا اکره فی الدین» تحقق یافته است، عینیت می‌یابد. قبول هر کدام از این دو فلسفه سیاسی ذکرشده در بالا و چگونگی حرکت جامعه به سوی وضع مقبول و یا مطلوب، بستگی به آن دارد که جهان‌بینی شما چیست و بر اساس آن، «تئوری انقلابی» مورد قبول شما کدام است و سرشت انقلاب شما چیست؟ در نیم قرن گذشته جهان، جنبش‌هایی که بر اساس اندیشه مارکسیستی توانسته‌اند تغییرات رادیکال در روابط جامعه در ابعاد گوناگونش به وجود بیاورند، بر اساس سه نوع تئوری انقلابی عمل کرده‌اند و عملکرد انقلاب، در دوران بعد از پیروزی، دقیقاً و مستقیماً بستگی به «سرشت انقلاب آنان» و تئوری انقلاب آنها داشته و دارد. در روسیه شوروی، انقلاب به موجب تفسیر لنین، «یک جهش و یا خیزش» است. به همین دلیل، این تئوری به تئوری «خیزش لنینی» انقلاب شناخته شده است. در تعریف لنینی از انقلاب، کمونیست‌ها انقلاب نمی‌کنند. جهش یا انقلاب وقتی صورت می‌گیرد که اوضاع و احوال درونی جامعه و نابسامانی و نارضایتی به حدی برسد که نیروهای حاکم دیگر نتوانند بر مردم حکمرانی کنند و مردم حاضر نباشند، یعنی نتوانند که دیگر حکم حاکم را بشنوند و اجرا کنند. در چنین شرایطی تغییر انقلابی رخ خواهد داد و حزب کمونیست باید آماده بوده باشد تا وارد صحنه شده و با یک خیزش، رهبری انقلابی را در دست بگیرد، تا مبدا [قدرت] به دست «بورژوازی ملی» و «لیبرال‌ها» بیفتد که انقلاب را منحرف سازند! در این تئوری، این اکثریت نیست که انقلاب می‌کند. این اقلیت است که با تحرک فوق‌العاده، قدرت را در دست می‌گیرد و به تعبیر لنین «هژمونی حزب طبقه به اصطلاح کارگر» را تحقق می‌بخشد. در چنین تفسیری از انقلاب، حزب حاکم بعد از در دست گرفتن قدرت، برای حفظ آن و اداره جامعه، به‌صورتی که خود آن را «صلاح» می‌داند، تنها از طریق استقرار دیکتاتوری وارد عمل خواهد شد. کمونیست‌ها چون خود را «طبقه کارگر» می‌دانند، دیکتاتوری خود را با قید

## ۸۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دیکتاتوری «پرولتاریا» مزین می‌سازند. چنین طرز تفکری و چنان انقلابی با آن سرشت، نمی‌تواند بدون دیکتاتوری ادامه حیات بدهد. در این طرز تفکر، حزب کمونیست خود را تنها دلسوز جامعه طبقه کارگر می‌داند و لذا تبرعاً، به نمایندگی از طرف طبقه کارگر، همه چیز را در ید قدرت خود می‌گیرد و هر کس را که مخالف باشد، می‌کوبد و از سر راه برمی‌دارد. در چنین نظامی آزادی‌های سیاسی - اجتماعی از بین می‌رود. تمامی آن آزادی‌هایی که برای ارتقا و تعالی انسان‌ها ضروری و لازم است، مطرود و نامطلوب شده و به عنوان «آزادی‌های سبک غربی» و «دموکراسی، لیبرالیستی غربی» محو و نابود می‌شوند. به بهانه حفظ و استمرار «انقلاب» و حفظ «وحدت خلق»، مخالفین یکی پس از دیگری سرکوب می‌شوند. دایره این استبداد جدید سیاسی که زیر پوشش «خلق و طبقه کارگر» پنهان می‌گردد، ابتدا هر کسی را که خارج از حزب و گروه سیاسی حاکم باشد، شامل می‌شود، ولی در همان جا متوقف نمی‌شود. ماهیت و سرشت «تکاکثر قدرت» آنچنان است که به زودی القاب و کلمات چماق شده، به داخل و درون حزب نیز رسوخ می‌کند و تئوری هژمونی حزب طبقه کارگر، به هژمونی یک گروه معین در داخل حزب حاکم و سپس به شخص معین تبدیل می‌گردد. این همان روند معروف طرد و محکوم شده «استالینیزم» است. کسانی که ندانسته به این تئوری، حتی زیر پوشش اسلامی‌اش، «تمسک» می‌جویند، آن را خیر و صلاح جامعه اسلامی معرفی می‌کنند، آیا به سرنوشت همه همزمان و همسنگران رهبری حزب نگاه می‌کنند که چه شد؟ سرنوشت اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی را مطالعه کنید. استالین با شیوه‌های خاص خود، تک تک آنها را به دست عوامل خود، «بریا» و یارانش، سربه نیست کرد. مردم روسیه، بهای سنگینی را بابت تکاکثر قدرت حزب و استالین پرداختند. مع الاسف، اندیشه مارکسیستی از نوع استالینی‌اش، امروز ندانسته اذهان برخی را پر کرده است. نه تنها روش‌ها و شیوه‌ها، بلکه حتی واژه‌ها از مارکسیسم - لنینیسم به عاریت گرفته شده است. کلمه لیبرالیسم که این روزها خیلی «مد» شده است و کسانی که حتی معنای آن را هم نمی‌دانند، به صورت چماقی برای سرکوب مخالفین خود به کار می‌برند. این واژه یک واژه مارکسیسم - لنینیستی است که تنها در قاموس فرهنگ سیاسی همان جهان‌بینی، معنا و مفهوم دارد. در فرهنگ اسلامی ما، چنین مفهومی هرگز



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۴۱

وجود ندارد. در جنبش مارکسیستی و حزب کمونیست روسیه نیز مفاهیمی چون لیبرالیسم، «دموکراسی» و نفی تخصص! وقتی چماق شد که در درون حزب، عده‌ای با استقرار هژمونی گروهی قدرت طلب و انحصارگر، به مخالفت برخاستند و حاضر به قبول دیکتاتوری نشدند. جناح حاکم بر حزب، این مخالفین خود را با چماق «لیبرالیسم» سرکوب نمود. اینها به لیبرال‌ها مشهور شدند که به تعبیر لنین و استالین، لیبرال‌ها بقایای «بورژوازی ملی» و خرده بورژوازی هستند که با تبلیغ «دموکراسی غربی» می‌خواهند مانع استقرار حاکمیت «طبقه کارگر» (یعنی هژمونی کمونیست‌ها) بشوند. به کار بردن کلماتی از قبیل: لیبرالیسم، بورژوازی ملی، و سازشکار، اینها همه محصول تفکر مارکسیستی است. آن مسلمانانی که این واژه‌ها را ندانسته و نفهمیده چون نقل و نبات در محاورات سیاسی خود به کار می‌برند و هر برادر مسلمانی را، صرف نظر از سالیان دراز صداقت اسلامی‌اش و خدمتش به انقلاب، با چماق و برچسب «لیبرالیسم» می‌کوبند، بهتر است بدانند که ندانسته و ناخودآگاه مبتلا به اندیشه التقاطی هستند. التقاط در اندیشه سیاسی.

چه قدر جای تأسف است که گروه‌های اسلامی بدون توجه، تحت تأثیر ادبیات مارکسیستی به مصرف و نشخوار این واژه‌ها می‌پردازند. جالب آن است که نویسنده‌ای در یک روزنامه اسلامی، حتی اصطلاح «لیبرال اسلامیک» را برای هجوم و حمله سیاسی - تبلیغاتی علیه گروه‌های مخالف خود به کار برده است. گردانندگان این روزنامه‌ها درک و فهم اسلامی را تنها و تنها منحصر به خود می‌دانند و هیچ‌کس جز خود را مسلمان و پیرو خط امام نمی‌دانند و آنچنان خودمحوربین هستند که جز خودشان بقیه را یا در خط گرایش به غرب و یا در خط گرایش به شرق متهم می‌کنند. به‌عنوان نمونه، همین اصطلاح «لیبرال اسلامیک» از کجا آمده است؟ مگر نه این است که نویسنده آنچنان در بحر افکار غربی (مارکسیستی و غیر آن) غوطه‌ور شده است که حتی در نوشتن، غربی و مارکسیستی می‌اندیشد و برای بیان مقاصد و نیات خود و القای آنها به خوانندگانش به تنگنا می‌افتد و لذا به اصل مفاهیم خارجی که ذهنش را انباشته ساخته است، متوسل می‌شود.

## ۸۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، دولت موقت بر اساس برنامه سیاسی امام، مأموریت اداره امور مملکت را در دست گرفت. رئیس دولت موقت و اکثریت اعضای کابینه‌اش، از پرسابقه‌ترین مبارزین متعهد و مکتبی بودند. دولت موقت کار خود را بر اساس فلسفه سیاسی «جامعه باز» بنا نهاد. بازرگان و همکارانش، راه حل اسلامی انتقال کشور را از یک جامعه استبدادی به یک جامعه مقبول اسلامی تنها از طریق قبول و اجرای آزادی‌های اساسی می‌دانستند؛ همان چیزی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به حق تضمین شده است. ریشه تمامی گرفتاری‌های دولت موقت و حملاتی که به آن می‌شد از همین جا ناشی می‌گردد.

اکنون در این نوشتار، نظر بر آن نیست که به تجزیه و تحلیل و بررسی وضعیت دولت موقت پردازیم که آن هم لازم و هم ضروری است، و لیکن باید در جای دیگر و در وقت خودش صورت بگیرد، اما برای درک و فهم اختلاف نظرها و بررسی درگیری‌ها و پیچیدگی‌های سیاسی کنونی، در میان جناح‌های مختلف معتقد به انقلاب اسلامی، توجه داشتن و توجه یافتن به پاره‌ای از نکات اساسی که از بدو انقلاب مطرح گردیده است، ضروری است. به‌عنوان مثال، «دولت موقت» به لیبرالیستی و سازشکاری متهم شده است. این برجسب ابتدا از جانب گروه‌های چپ، چپ‌نما و اولترا چپ! اعم از نوع روس، چینی و یا آمریکایی‌اش شروع شد. هنوز مرکب حکم امام به بازرگان خشک نشده بود و هنوز حتی تمامی اعضای دولت تعیین نشده بودند که احکام مارکسیستی صادر شد و دولت موقت شد لیبرال، سازشکار و در «خط آمریکا». این یک طرف جنجال و یک جناح تعزیه گردان‌های صحنه ضد انقلاب، در طرف دیگر عناصر و مخافل ضد انقلابی، بقایای رژیم گذشته، ساواکی‌ها، سرمایه‌داران متواری شده و ... به تحریک و به رهبری آمریکا جناح دیگر این تعزیه را عهده‌دار شدند و به این بلوای تبلیغاتی، که ماهیتش یک جنگ سیاسی - روانی بود، دامن زدند و مع الاسف دوستان نادان در دام این هیاهوها افتادند. چرا کمونیست‌ها با اولین دولت انقلاب با تمام قوا به مخالفت برخاستند و از هرگونه تهمت و افترا به آن خودداری نکردند؟ قصد و غرض آنان چه بود؟ چرا همزمان با اجرای موفقیت‌آمیز برخی از برنامه‌هایشان ناگهان ورق برگشت و همه آنها، از حزب توده، چریک‌های فدایی خلق و گروه

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۴۳

تروتسکیست و ... همه و همه شدند طرفدار انقلاب اسلامی و همه در «خط امام»؟ و چرا عوامل وابسته به سیاست آمریکا و مطبوعات و محافل صهیونیستی، با تمام نیرو به جنگ علیه دولت موقت پرداختند؟ و چرا هنوز تمامی این گروه‌ها، علیه یک دسته و یک گروه مجهز شده‌اند و با وجودی که یک سال است از استعفای دولت موقت گذشته است، و یک سال است که دیگران اداره امور کشور را در دست دارند، باز هم چپ‌ها و راست‌ها، مرتب با برچسب‌های ناچسب «سازشکار، لیبرال، و در خط گرایش به غرب و ...» اینها را به اصطلاح خودشان می‌کوبند؟ توطئه اصلی چیست و در کجاست؟ و خطر واقعی کدام است؟ آمریکایی‌ها واقعا از چه نوع نظامی در ایران وحشت دارند؟ این سؤالات از زمره اساسی‌ترین مسائلی است که در برخورد و بررسی درگیری‌ها و اختلاف نظرات کنونی باید به آنها پاسخ داده شود. اگر فرصتی بماند و اگر خدا بخواهد خواهیم کوشید تا به این مسائل برسیم. والسلام.

### ۴- در ادامه بحث پاسداری از قانون اساسی<sup>۱</sup>

جامعه باز تنها راه رشد - ۲۳ آبان ۱۳۵۹

جامعه ما به تدریج به سوی یک جامعه بسته حرکت می‌کند. روز به روز فضا بسته‌تر و تنگ‌تر و راه‌ها مسدود می‌شوند. بازداشت صادق قطب‌زاده، نه یک زنگ خطر جدی که آن مدت‌هاست نواخته شده است، بلکه نقطه اوج جدیدی است در این رهگذر و بسیار پرمعنا! در اینکه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نوپای ایران، وضعیت حساس و بحرانی را می‌گذرانند و باید هوشیار بود و آگاهانه عمل کرد، هیچ بحث و تردیدی نیست. ضد انقلاب و دشمنان اسلام و امت برپاخواسته اسلام، از همه طرف در کمین نشسته‌اند و قصد جان این انقلاب را دارند و تمام نیروها و امکانات خود را بسیج کرده‌اند. جنگ ما جنگی سرنوشت‌ساز است. کمترین اشتباه و ندانم‌کاری و کمترین خطا و انحراف، زیان‌های جبران‌ناپذیری را نه تنها برای ایران و جمهوری اسلامی بلکه برای اسلام به وجود خواهد آورد.

۱. آخرین یادداشت روز برای کیهان، که با تغییر شتاب‌زده مدیریت، چاپ آن میسر نشد.

## ۸۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

در سال‌های گذشته در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، استادی بود که در وقت امتحان فارماکولوژی از دانشجویان پزشکی و داروسازی مقدار دز درمانی مواد سمی و خطرناک نظیر استرکینین را سؤال می‌کرد؛ اگر دانشجو در جواب سؤال استاد به جای مثلاً یک هزارم میلی گرم به اشتباه می‌گفت یک صدم میلی گرم (اشتباه در یک صفر!) ولی بلافاصله اصلاح می‌کرد و مقدار درست را می‌گفت، استاد قبول نمی‌کرد و به او می‌گفت: مریضت مرد، برو؛ و به او نمره ردی می‌داد. اگر چه دانشجو بلافاصله اشتباه خود را اصلاح می‌کرد، عذر می‌خواست و جواب درست را می‌داد. وی در پاسخ اعتراض محصل [دانشجو]، می‌گفت وقتی مقدار درمانی یک داروی سمی را تو به مریض اشتباهی بدهی و او مصرف کند، دیگر فرصتی برای جبران آن نخواهی داشت. اینک این انقلاب بر سر دو راهی سرنوشت است. بر سر این دو راهی، یک طرف دشمنان نشسته‌اند و کمین کرده‌اند و به تلاش و کوشش مشغولند، و یک طرف دیگر راه را نیروهای خودی، نیروهای درونی در دست دارند. هر دو طرف در تعیین سرنوشت مؤثر هستند. واضح است که ما از دشمن ترس و نگرانی نداریم. مگر از دشمن، جز دشمنی و کینه و تخریب و تدمیر انتظار دیگری می‌توان داشت؟ خیر. عمده‌ترین نگرانی از داخل و از خودی‌ها است. چندی قبل امام فرمودند که از زمان آغاز اوج‌گیری مبارزه و در تمام دروان جنگ با استبداد مطلقه پسر رضاخان و اربابانش هرگز احساس نگرانی نمی‌کرده‌اند، اما اکنون از مشاهده وضعیت داخلی، احساس نگرانی می‌کنند.

از اینکه نیروهای خودی به جان هم افتاده‌اند، امام احساس نگرانی می‌کنند و این روزها با نگرانی مردم و امت اسلام از مرز گفتگوهای محفلی و گروهی و خانوادگی گذشته و در حال فوران و لبریز است. همه می‌پرسند انقلاب ما را چه شده است و ما را چه می‌شود و راه درمان و چاره چیست؟ و چه کسانی و یا چه کسی باید این مسئله را حل کند و چاره‌ساز باشد؟ و چگونه؟ آیا راهی که برخی انتخاب کرده‌اند و به اجرای آن اصرار دارند و تجسم آن با باز داشت صادق قطب‌زاده بروز نموده است، واقعاً یک راه حل است؟ یا برعکس این‌گونه برخورد و نگرش و رفتارها وضعیت عمومی نگران‌کننده موجود را تشدید می‌کند و کرده است.

بگذارید کمی مسئله را باز کنیم و با هم به بحث و بررسی آن بپردازیم. اولین نکته این است که آیا در درون انقلاب و در میان نیروهای صادق و متعهد به اسلام و انقلاب، نباید اختلاف نظر و تفاوت در دیدها و نگرش‌ها باشد یا خیر؟ آیا این اختلاف نظرات، تماماً ناشی از خودخواهی‌هاست؟ یا طبیعی انقلاب ما و یا طبیعی جوامع بشری است؟

ما معتقدیم اختلاف نظرها و تفاوت در برداشتها از مسائل اسلامی در رابطه با انقلاب، امری است طبیعی و اجتناب‌ناپذیر. جامعه‌ای که یک سابقه ۲۵۰۰ ساله از استبداد شاهنشاهی دارد و یک استبداد مطلقه ۶۰ ساله را پشت سر گذاشته است و نسل حاضر و نسل گذشته‌اش هرگز فرصت آن را نداشته است که آزادانه به دور هم بنشینند و با هم در باره مسائل اساسی جامعه‌شان به بحث و گفتگو بپردازند و هرگز یاد نگرفته‌اند که چگونه با هم بحث و تبادل نظر کنند، در چنین جامعه‌ای سی و چند میلیون انسان، ناگهان به دنبال سقوط رژیم استبداد سلطنتی، خود را آزاد یافته است. طبیعی است که همه بخواهند سخن بگویند و همه اظهار نظر کنند! حق دارند، باید اظهار نظر کنند و باید مشارکت نمایند. هیچ‌کس نمی‌تواند مردم را از اظهار نظر در باره اساسی‌ترین مسائل جامعه منع نماید و به ناچار باید بپذیریم که در این اظهارنظرها اختلاف نظرها بروز کنند.

چه مانعی دارد! چه کسی و کدام گروه می‌تواند ادعا کند که درست‌ترین و صحیح‌ترین نظرات را دارد و تنها همین نظرات باید مطرح باشند، و لا غیر!

اگر بگویید و عمل کند همان انحصارطلبی و خودمحمور بینی و خلاف اسلام و ضد مصالح انقلاب اسلامی است. پس بنابراین، باید بپذیریم و اجازه بدهیم و تحمل داشته باشیم که همه نظرات گوناگون مطرح شوند. از طرح نظرات مخالف و مختلف و گوناگون در چهار چوب انقلاب بیم و هراس به دل راه ندهیم. وقتی خداوند به پیامبرش می‌گوید که تو وکیل مردم و متولی آنها نیستی، به طریق اولی هیچ حزب و گروهی و طرفداران و صاحبان هیچ گرایشی چنین حقی را ندارند که خود را متولی و قیم و مدارگذار مردم تصور کنند! و به نام حفظ مصالح انقلاب، مانع طرح و بحث نظرات مخالف بشوند و تمامی راه‌های ارتباطی با مردم را به صاحبان همان نظرات منحصر سازند.

چنین وضعیتی مسلماً به ضرر انقلاب تمام خواهد شد؛ چرا که اگر یک گروه با گرایشات مشخص و نظرات خاص و چه بسا با قصد خدمت به اسلام و انقلاب، حاکمیت خود را محرز ساخته و به تدریج سایر نظرات و گرایشات اسلامی<sup>۱</sup> را از صحنه به‌در برد، ما با یک جامعه بسته سیاسی رو به‌رو خواهیم شد.

جامعه استبدادی، جامعه‌ای است که تمام اجزا و نهادها و مؤسسات و افراد هم در یک مدار بسته‌ای قرار می‌گیرند. به دلیل حضور استبداد و ترس و نگرانی و حشت و خفقان، مردم قادر به تبادل نظر نیستند و در نتیجه هرگز در جهت وحدت فکر و اندیشه و نظر حرکت نمی‌کنند. ماهیت عملکرد استبداد در این است که نگذارد مردم با هم در تماس باشند و در تبادل نظرات، سلیقه‌ها به هم نزدیک شوند؛ چرا که در آن صورت، وحدت و یکپارچگی مردم، بنیان استبداد را درهم خواهد ریخت. بنابراین، فرهنگ استبدادی یک فرهنگ بسته منجمد و در خودفرورفته است، شکوفا نیست و پژمرده است.

درست است که در فرایند انقلاب، مردم به وحدت رسیدند و نظام استبداد سلطنتی را سرنگون ساختند، اما باید بدانیم که این وحدت نظر، تنها در جهت‌گیری‌های سیاسی علیه یک دشمن شناخته‌شده‌ای بود که تمامی مردم، تیزی سرنیزه‌های او را بر پوست و گوشت و استخوان‌های بدن خود حس می‌کردند، تعفن فضای گنبد استبداد داخلی و استیلای خارجی همه مشام‌ها را متأثر کرده بود. به تعبیر دیگری، مردم استبداد را حس کردند، نه آنکه بر آن «علم» پیدا کنند؛ لذا به وحدت نظر در براندازی آن نظام رسیدند از طریق محسوسات و مشهودات. اما بعد از انقلاب در دوران و در مرحله ایجابی و خلاقیت و سازندگی، هر کس برای خود نظری داشته و دارد و به ناچار اختلاف نظرها بروز می‌کنند که به نظر ما طبیعی است. هر گونه سرپوش گذاشتن بر وجود اختلاف نظرها و جلوگیری از بروز آنها و کوشش برای مخفی کردن آن از مردم، نه تنها کمکی

۱. در اینجا دکتر یزدی، فقط معتقد به آزادی همه گروه‌ها و گرایش‌ها در درون اندیشه اسلامی است. از این سخن برمی‌آید که ایشان در آن زمان برای گروه‌های بیرون از منظومه فکری اسلامی، قائل به آزادی عمل سیاسی - اجتماعی نبود، ولی مواضع، رفتار و نوشته‌های وی در دوره‌های بعدی نشان می‌دهد که معتقد به آزادی همه گرایش‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی بوده است (ویراستار).

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۴۷

به حل قضایا نمی‌کند، بلکه عوارض احتمالی این اختلاف نظرها را بیشتر و خطرات آن را عمیق‌تر می‌سازد. مثلاً چندی قبل مردم شاهد بروز اختلاف نظر میان دو مسئول مملکتی، یعنی رئیس جمهوری و نخست‌وزیر بودند. یک مقام، بخشنامه‌ای را صادر کرده است و مقام دیگر، آن را خلاف قانون اساسی می‌داند. انعکاس این مسئله در مطبوعات، واکنش‌های نامطلوبی را موجب شد که هرگز قابل توجیه نمی‌باشند. چرا باید چنین باشد؟

آیا نفس اختلاف نظر در میان مقامات مسئول مملکتی است که موجبات نگرانی را فراهم ساخته، یا آنکه نگرانی واکنش‌های نامطلوب به خاطر انعکاس آنها در مطبوعات بوده و در نتیجه اطلاع مردم بر این واقعیت‌ها بوده است، یا آنکه نگرانی این است که اختلاف نظرها مانع اجرای صحیح کارهای مملکتی شوند؟

کدام یک تشویش‌آور است؟ کدام یک مأیوس‌کننده است و کدام یک خطرناک است؟ نفس اختلاف نظر؟ لطمه به امور جاری مملکتی به دلیل این اختلاف نظرها؟ یا اطلاع مردم از این نظرات متفاوت و مختلف؟ چگونه است که اختلاف نظر میان دست‌اندرکاران و تأثیرات این اختلاف در روند امور جاری مملکتی نگران‌کننده نمی‌باشد، اما به محض آنکه مردم از این اختلافات باخبر می‌شوند، فریاد و اسلاما و وا انقلابا بلند می‌شود؟ می‌گویند طرح این اختلافات، موجب بهره‌برداری دشمن و ضد انقلاب می‌شود و این سخن معقولی است که البته تنها نیمی از حقیقت را بیان می‌کند، نه تمامی آن را. چرا که دشمن و ضدانقلاب، وقتی قادر به بهره‌برداری است که مردم به علت عدم آگاهی و اطلاع از طبیعت و ماهیت نظرات و گرایش‌های گوناگون متصدیان امر در ابهام و تردید و تحیر به سر برند و نتوانند خود مستقلاً قضاوت کنند؛ بنابراین، امکان بهره‌برداری دشمن بیشتر خواهد شد.

و این وقتی است که ما واقعاً و عمیقاً به مردم اعتقاد نداشته باشیم، به توده‌ها ایمان نداشته باشیم و آنها را جز در یک جاهای معین و برای مقاصد خاص، به حساب نیاوریم؛ بنابراین، بترسیم و نگران آن باشیم که اگر مردم از این اختلاف‌نظرها آگاهی پیدا کنند، آنگاه دلسرد شده و از انقلاب ضربه خواهند خورد!

خیر، این یک تصور نادرستی است. این از همان روحیه‌ای که شخص خود را متولی و صاحب اختیار مردم می‌داند، سرچشمه می‌گیرد.

#### ۵- تغییر غیرعادی و شتاب‌زده سرپرستی مؤسسه کیهان

روز دوشنبه آقای صانعی از دفتر امام تلفن زد و اظهار داشت که امام فرموده‌اند که استعفا بدهم. با توجه به برخی از اقدامات دفتر، که بدون اطلاع امام انجام می‌شد و با توجه به مذاکرات حدود دو هفته قبل با امام، استعفا را موکول به دیدار با ایشان نمودم، اما روز چهارشنبه، که روز عاشورا و تعطیلی بود، از رادیو - تلویزیون از حکم انتصاب آقای سید محمد خاتمی به سمت سرپرست جدید مؤسسه کیهان مطلع شدم. به این ترتیب، از صبح پنجشنبه، دیگر در مؤسسه حضور پیدا نکردم و از کم و کیف تغییرات بی‌خبر ماندم. اعلام این حکم، زمانی بود که آقای خاتمی هم در ایران نبود و همراه هیئتی به اروپا رفته بود. از طرف دفتر امام آقای دعایی، سرپرست اطلاعات، به مؤسسه کیهان رفت و آقای اسماعیلی، سردبیر اطلاعات را به‌عنوان سردبیر جدید کیهان معرفی کرد. اما اینکه علت این تغییرات شتاب‌زده و غیرموجه چه بود، در جای دیگری شرح داده‌ام.

روز پنجشنبه به دیدار امام رفتم و به مدت یک ساعت با ایشان صحبت کردم. اول گله کردم و ناراحتی خود را از این سبک تغییرات بیان کردم. یادآور شدم که در پاسخ درخواست ایشان برای قبول سرپرستی کیهان مشکلات را پیش‌بینی کرده بودم و ایشان با قاطعیت گفته بودند که حمایت خواهند کرد. حداقل توقع و انتظار من این بود که ابتدا ایرادات کار مرا می‌گفتند و سپس تکلیف به استعفا می‌کردند. در این مذاکرات، خط‌مشی و عملکرد مطبوعات و روزنامه‌ها به‌طور کلی مورد بحث قرار گرفت و گزارش مختصری از عملکرد چند ماهه کیهان به ایشان عرضه گردید. همچنین مسائلی پیرامون اوضاع بحرانی و حساس کنونی مملکت و خطراتی که انقلاب ما را از داخل تهدید می‌کند، مطرح گردید که شرح و بحث آنها در چنین شرایطی شاید به مصلحت نباشد.

#### ۶- تغییر سرپرستی کیهان به روایت آقای خاتمی؛ سی و دو سال بعد

گفتگوی اختصاصی سایت «تاریخ ایرانی» با سید محمد خاتمی در باره تغییر مدیریت کیهان



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۴۹

حکم سرپرستی کیهان را از رادیو شنیدم

امید ایران مهر، تاریخ ایرانی، ۲۹ تیر ماه ۱۳۹۱

برای معرفی اش معمولاً یاد کردن از دوم خرداد ۱۳۷۶ و مرور خاطره‌ای جمعی که باعث شده هنوز هم خیلی از منتقدان - به‌رغم انتقادات بعضاً تندی که به کنش سیاسی او دارند - نتوانند علاقه شخصی به او را پنهان کنند، کفایت می‌کند. خیلی‌ها با شنیدن عبارت «سید خندان» به یادش می‌افتند و پر بی‌راه نیست اگر بگوییم هنوز هم در میان دوستان محبوب است و در میان منتقدان مورد احترام.

حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی را بیشتر به واسطه حضور در سمت مهم ریاست جمهوری اسلامی ایران می‌شناسند و شاید جز این، تنها دوران وزارت ارشادش باشد که بیشتر در یادها مانده، اما در تمام این سال‌ها آنچه کمتر به آن پرداخته شده، سید محمد خاتمی در سال‌های اول انقلاب است. دورانی که سید جوان مورد وثوق آیت‌الله بهشتی - که ریاست مرکز اسلامی هامبورگ را در کارنامه داشت - به ایران بازگشت و به نمایندگی از مردم اردکان و میبد به مجلس اول رفت و چندی بعد با حکم بنیانگذار جمهوری اسلامی راهی مؤسسه کیهان شد تا روزنامه‌داری و روزنامه‌نگاری را تجربه کند. یکی از مهم‌ترین تجربه‌های فرهنگی او همین حضور در کیهان است. سرپرستی خاتمی در کیهان با آغاز جنگ و تغییر و تحولات عمیق در عرصه سیاسی همزمان بود؛ وقایعی که بازتاب آن در بخش‌های مختلف کیهان - چه در مواضع بیرونی و چه در ترکیب درونی - دیده می‌شد.

در یک بعدازظهر بهاری، مهمان او شدیم تا به مناسبت هفتادمین سالگرد انتشار کیهان، در باره دوران مدیریتش در این روزنامه گفت‌ووشنودی داشته باشیم، اما زمان بی‌نهایت کم بود و سؤالات فراوان. همین شد که گفتگوی «تاریخ ایرانی» با رئیس‌جمهوری سابق در کلیات ماند و جزئیات وقایع ماند تا دیداری دیگر. آنچه در پی می‌آید ره‌آورد این دیدار است.

\* \* \*

شما در آبان ۱۳۵۹ درحالی که خارج از کشور به‌سر می‌بردید، به‌عنوان نماینده امام و سرپرست مؤسسه کیهان منصوب شدید. گفتگو را از همین جا آغاز کنیم که این

## ۸۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

سفر به چه منظور بود؟ آیا در ادامه قضایای مرکز اسلامی هامبورگ بود، یا دلیل دیگری داشت؟

این سفر، یک سفر کاری مشخص بود که رفتم و بعد از انجام آن به ایران بازگشتم. پیش از انقلاب، یعنی سال‌های ۵۶ و ۵۷ با توجه به آشنایی که با آقای بهشتی داشتم و اصراری که ایشان داشت، برای ریاست مرکز اسلامی هامبورگ به آلمان رفته بودم. انقلاب که شد، به ایران بازگشتم و به اصرار دوستان در انتخابات مجلس شرکت کردم و اولین مجلس اوایل خرداد سال ۵۹ تشکیل شد. اواخر تابستان همان سال، جنگ ایران و عراق در گرفت و به دنبال آن وضعیت فوق‌العاده‌ای در کشور ایجاد شد: ایرانی که هنوز از روزهای انقلاب آنچنان دور نشده و می‌خواهد روی پای خودش بایستد، آشفته‌گی‌هایی که معمولاً در طول انقلاب و بعد از انقلاب پیش می‌آید، انقلاب می‌خواهد مسلط شود و نظام تازه ایجاد کند؛ در این حال، جنگ وسیعی ایجاد شد که چالش بزرگی در برابر انقلاب ما بود، و الحمدلله ملت توانست در مقابلش مقاومت کند. آخر تابستان سال ۵۹ جنگ ایران و عراق شروع شد. آقای رجایی نخست‌وزیر بود و تصمیم گرفته بود هیئت‌هایی را اعزام کند به کشورهای مختلف دنیا برای تبیین مواضع جمهوری اسلامی ایران در مقابل تجاوز عراق و نیز توضیح و تشریح تجاوزی که انجام گرفته است. یک هیئت بنا شد به کشورهای آفریقایی برود، یک هیئت به کشورهای آسیایی، یکی عربی و ... از بنده هم خواسته شد که به چند کشور اروپایی بروم. هیئتی به همراه داشتم که عبارت بودند از آقایان محمد هاشمی و مهدی نواب که سرپرست سفارت ما در بن بود. به چند کشور رفتیم: ایتالیا، آلمان، فرانسه، یوگسلاوی سابق و اسپانیا.

این هیئت، دیپلماتیک محسوب می‌شد؟

بله. در حقیقت فرستادگان جمهوری اسلامی بودیم. خواهش می‌کردند از افرادی که با آسیا، اروپا و کشورهای عربی آشنا بودند، برای تبیین مواضع بروند. البته نمی‌دانم برای مناطق دیگر چه کسانی رفتند. شاید از رجالی که الآن هستند رفته باشند.

چطور شد شما را به کیهان فرستادند و چرا آنقدر عجله در کار بود که پیش از بازگشتتان به ایران، این حکم به نام شما صادر شد؛ آیا از پیش می‌دانستید که قرار است این حکم را به شما بدهند؟

سرپرست کیهان، آن زمان آقای دکتر ابراهیم یزدی بود. ایشان از آشنایان ما، از چهره‌های برجسته انقلاب و از قبل از انقلاب مورد اعتماد امام بودند. منتهی بعد از انقلاب دیدگاه‌های متفاوتی با امام و بعضی دیگر از دوستان پیدا کردند. با این حال همچنان در عرصه بودند؛ در دولت موقت وزیر امور خارجه بودند، در میان نمایندگان دور اول حضور داشتند و یک دوره هم سرپرست کیهان شدند. با گذشت زمان و حادث شدن مسائل و اختلافات، امام تصمیم گرفتند که مدیریت کیهان عوض شود. من هم وقتی در ایران بودم می‌دانستم این اختلافات وجود دارد. امام در عین حال که می‌خواستند احترام آقای یزدی حفظ شود، دلشان می‌خواست که تغییری ایجاد شود، اما اصلاً حرف من نبود و من هم آمادگی این کار را نداشتم. بالاخره بنده دیدگاه‌هایی داشتم که این دیدگاه‌ها اگر پیاده می‌شد، نمی‌دانستم که چقدر با مشکل و مانع روبه‌رو می‌شود، اگر هم پیاده نمی‌شد که برایم دشوار بود مسائلی که مورد توجهم نیست را در مجموعه داشته باشم. البته اصل دیدگاه من دفاع از اصل انقلاب و امام بود در برابر خطراتی که معتقد بودم از بیرون و داخل علیه انقلاب وجود دارد.

**اینکه امام حکم سرپرستی شما را صادر کرده‌اند، چطور به اطلاعاتان رسید؟**

من در آلمان بودم که حاج احمدآقا تماس گرفت و گفت آقا می‌خواهند به شما حکم بدهند. گفتم خواهش می‌کنم این کار را نکنند. حداقل اجازه بدهند من برگردم، در این زمینه مسائلی دارم که آقا باید بشنوند. اینکه من آمادگی این کار را دارم [یا] ندارم، باید مشخص شود. به علاوه درست است که الآن خیلی‌ها همزمان چند مسئولیت را بر عهده دارند، اما من الآن نماینده مجلس هستم و اداره کیهان هم خودش وقت‌گیر است. به نظرم باید انسان یکی از این مسئولیت‌ها را داشته باشد که بتواند وظایفش را به درستی انجام دهد. به حاج احمدآقا تأکید کردم حرف‌هایی دارم و جز اینها در مورد آقای یزدی هم ممکن است بنده اختلاف نظر با ایشان داشته باشم، اما اینکه آقای یزدی را بردارند و بنده را به جای ایشان بگذارند، صورت خوبی ندارد. ایشان هیچ نگفت.

## ۸۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

من هم احساس کردم قانع شدند و ما هم مأموریتمان تمام می‌شود و برمی‌گردیم به نمایندگی مجلس. ظهر بود که با من تماس گرفتند. آنجا بودم که همان شب یا فردا صبح رادیو خبر را اعلام کرد که امام حکم خاتمی را برای کیهان داده است.

### خبر غافلگیرتان کرد و خارج از ایران بودید. واکنش شما چه بود؟

گفتم خب حالا من چه کار کنم؟ بلافاصله تماس گرفتم با آقای دعایی. گفتم: بنده که اینجا هستم؛ هیچ کسی را هم ندارم. شما رفیق ما هستید، بروید لااقل کیهان را تحویل بگیرید، از دوستان قابل اطمینانتان در «روزنامه اطلاعات» هم اگر کسی را می‌شناسید، همراه خود ببرید آنجا تا بنده ببایم. ایشان هم بزرگواری کردند این کار را انجام دادند.

### پس آقای دعایی به نیابت از شما کیهان را تحویل گرفتند و با گروهی از

### اطلاعاتی‌ها به کیهان آمدند. چه افرادی در این گروه بودند؟

همه افرادی که آمدند خاطر من نیست، اما فکر می‌کنم ایشان در ابتدا با آقای سعید اسماعیلی، آقای جلال رفیع - که برای مدت کوتاهی آمدند - آقای دکتر مهدوی و چند نفر دیگر آمدند. کمی بعد از اینها آقای محمود شمس‌الواعظین هم به جمع ملحق شدند. بعدها افراد دیگری هم آمدند، اما در ابتدای کار آقای دعایی با همه نیروهای برجسته اطلاعات آمد. نه اینکه همه کیهانی بشوند؛ بعد که من آمدم بعضی‌ها قبول کردند که کار در کیهان را ادامه بدهند و بعضی‌ها به اطلاعات برگشتند. آقای سعید اسماعیلی هم که آن زمان در «روزنامه جمهوری اسلامی» با آقای مهندس موسوی کار می‌کرد، به دعوت آقای دعایی آمد. بعد از یک هفته - ده روز برگشتم و چند روزی دوستان اطلاعات همکاری کردند و بعد از آن کادری که مورد توجه‌مان بود، فعالیت را ادامه دادند.

شما به‌عنوان مدیر جدید مجموعه، وارد کیهان شدید و به هر حال دیدگاه‌های خاص خودتان را داشتید. آیا این باعث شد عذر کسی را بخواهید یا تصفیه‌ای در نیروهای قبلی انجام دهید؟

بنده علاقه‌ام این بود که حداقل نیرو را از بیرون تأمین کنیم و حداکثر نیرو را از درون که اتفاقاً دوستان خوبی از کیهان بودند که با ما همکاری کردند. آقای منصور

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۵۳

صدر بود که سال‌هاست خارج از ایران است و از او بی‌خبرم. خانم گیلدا ملکی که عضو انجمن اسلامی بود و آدم خوش‌فکری بود که سرطان گرفت و سه - چهار سال پیش مرحوم شد. آقای محمود عسکریه، همشهری ما بود؛ ایشان هم از مطبوعات‌چی‌های خوبی بود که آنجا حضور داشت. افرادی هم در سردبیری بودند که دوست داشتیم همه باشند؛ البته عده‌ای هم اضافه شدند. آقای فرقانی بود که الان از استادان مهم علوم ارتباطات است؛ آقای فریدون صدیقی بود؛ آقای غلامرضا موسوی بود؛ البته متأسفم که همه اسم‌ها را به خاطر ندارم. دوستانی بودند که در کیهان بودند و سابقه کیهانی داشتند و دوست داشتم در آنجا کار کنند. اما افرادی هم به مجموعه تزریق شدند؛ مثلاً برای کیهان انگلیسی، خواهش کردم خانم ابتکار آمد. کیهان بچه‌ها زیر نظر آقای فردی بود. مسئول بخش زنان، آن زمان خانم دکتر فرشته هاشمی، همسر آقای دکتر علی صادقی تهرانی بود که بعد از ایشان هم خانم شهلا شرکت آمدند. در کیهان ورزشی هم دوستان خوبی بودند که اداره می‌کردند. من سعی کردم که در ترکیب نیروها تغییر عمده‌ای ایجاد نشود، اما مواضع کلی روزنامه متحول شود. سعی کردم که کیهان جوری باشد که هم برای اکثریت نیروهای انقلاب قابل قبول باشد و هم حداقل‌هایی که خودم مدنظر داشتم رعایت شود.

بعد از مدتی گویا مسئولیت‌های جدیدی که به شما محول شد، مشکلاتی را برای اداره روزنامه به وجود آورد و باعث شد همکارانی را برای اداره مؤسسه دعوت کنید.

تا سال ۶۱ که بنده به‌عنوان وزیر ارشاد انتخاب شدم، همان روال قبلی ادامه پیدا کرد. در باره مسئولیت‌ها و پیشنهادهایی که برای پیوستن به دولت وجود داشت، اگر بخواهیم بررسی کنیم، باید از دولت آقای بنی‌صدر شروع کنیم که پیشنهاد شده بود برای وزارت خارجه، که من زیر بار نرفتم تا بعد از داستان تلخ هفتم تیر و هشتم شهریور و تشکیل دولت آقای مهندس موسوی. اینکه چگونه شد که برای وزارت خارجه و جاهای دیگر پیشنهاد شد و بنده به واسطه اینکه نمی‌خواستم کار اجرایی به آن صورت داشته باشم، نپذیرفتم خود ماجرای است. اما بالاخره در جلسه مفصلی که با رئیس‌جمهوری وقت آیت‌الله خامنه‌ای و آقای مهندس موسوی داشتیم، این دو بنده

## ۸۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

را قانع کردند که به دولت بیایم. آبان ۵۹ حکم کیهان صادر شده بود و آبان ۶۱ هم بنده وزیر ارشاد شدم. وزارت ارشاد، مسئولیت سنگینی بود؛ البته مجلس هم کار زیادی داشت، اما قابل قیاس نبود.

با توجه به گستردگی کار وزارت ارشاد، بنده رفتم خدمت امام. گفتم بنده اینجا هستم و دیگر نمی‌توانم به‌عنوان سرپرست کیهان و قتم را بگذارم و خواهش می‌کنم شما این مسئولیت را به کس دیگری محول کنید. ایشان فرمودند نه، شما آنجا باش و اگر واقعاً تعارضی مابین مسئولیت‌ها هست، هر کس را که به نظرت می‌رسد در کیهان مسئول کن. یعنی ایشان حاضر نشدند نمایندگی‌شان را از بنده پس بگیرند، اما گفتند که می‌توانی سرپرست را کس دیگری معرفی کنی. اینجا بود که بنده آقای شاهچراغی را معرفی کردم و ایشان هم قبول کردند. آقای شاهچراغی از کم‌نظیرترین افرادی بود که بنده در عمرم شناختم. ایشان سابقه طلبگی داشت، طلبه بسیار فاضلی که دانش‌آموخته مدرسه حقانی بود. واقعاً متدین بود و بسیار روشن و روشنفکر.

یک نمونه کار ایشان را بگویم: بعد از سقوط بنی‌صدر و در حقیقت یک‌دست شدن نظام، ایشان در مجلس شورای اسلامی نماینده دامغان بود. نطقی داشت و در آن اعلام خطر کرد. مضمون سخنش این بود که خطری که من برای نظام جمهوری اسلامی پیش‌بینی می‌کنم، قشری‌گری، تحجر و عوام‌زدگی است. اینکه افرادی با ظاهرپرستی و ظاهرگرایی و به نام شعارهای انقلابی آمده و اندیشه و تفکر و تعقل و آزادی را محدود می‌کنند. چنین تعبیری داشت. این پیش‌بینی آن وقت خیلی جالب بود. آقای شاهچراغی چنین آدمی بود. دلبستگی‌اش به امام و انقلاب مشخص بود و آخر هم می‌دانید که در همین راه شهید شد. من ایشان را با خیال راحت در کیهان منصوب کردم و انصاف این است که خیلی تحول در کیهان ایجاد شد، یا لاقلاً بسیاری از طرح‌هایی که ما داشتیم در دوران ایشان با قوت پیاده شد.

**این طرح‌ها و ایده‌هایی که از آنها سخن می‌گویید چه بود؟ در کجای تاریخ**

**کیهان، پس از انقلاب می‌توان رد آن را جستجو کرد؟**

به نظرم بهترین و مؤثرترین‌شان «کیهان فرهنگی» بود که ما از قبل با آقای حسن منتظر قائم - برادر شهید [محمد] منتظر قائم که در ماجرای طبس شهید شد - در باره آن

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۵۵

صحبت کرده بودیم. ایشان از چهره‌های برجسته‌ای بودند که قبل از انقلاب زندان رفته بود. از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب بود و ذهن روشنی داشت. ایشان هم البته دو - سه سال بعد در تصادف رانندگی کشته شد. «کیهان فرهنگی» واقعاً فرصت و روزنه مهمی بود که در عرصه اندیشه و فکر و تبادل نظر گشوده شد. ابتکارش این بود که هر شماره، یک چهره را مشخص می‌کرد و میزگردی برگزار می‌کرد، نه فقط در باره او، بلکه به این بهانه به اندیشه‌ها و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌پرداخت. من فکر می‌کنم اگر همین حالا مجموعه کارهایی که در قالب «کیهان فرهنگی» شد را جمع‌آوری کنیم، مجموعه ارزنده‌ای خواهد بود. به این ترتیب، کیهان فرهنگی پایه‌گذاری شد تا به‌عنوان جریانی که به اصل انقلاب و نظام وفادار است، فضایی برای تضارب آرا و آزاداندیشی ایجاد کند. بعد از آن «کیهان اندیشه» درآمد که آقای صاحبی و دوستانشان درآوردند. بیشتر جنبه‌های فکری از منظر نواندیشی دینی را پوشش می‌داد.

وقتی که آقای اسماعیلی و چند نفر دیگر اصرار کردند که می‌خواهند بروند، آقای رخ‌صفت و آقای رضا تهرانی آمدند. قبل از اینکه بنده به ارشاد بروم، آقای ملک‌مدنی که بعدها شهردار تهران شد، مسئولیت مالی - اداری کیهان را برعهده گرفت. آقای رخ‌صفت با آقای ملک‌مدنی رابطه خوبی نداشت و این باعث شد بعد از مدتی از کیهان برود، اما آقای رضا تهرانی ماند و در کیهان فرهنگی با ما همکاری‌اش را ادامه داد. البته آقای شاهچراغی دوستان دیگری هم داشت که آن زمان با خودش همراه بودند و به کیهان آمدند، اما بعدها مواضع خاص خودشان را پیدا کردند. از جمله آقای مهدی نصیری بود که آمد و بعدها محور نوعی کودتا در کل کیهان شد. با این کار حداقل کیهان روزانه با کیهان فرهنگی و کیهان اندیشه راه‌شان جدا شد. بعد از شاهچراغی این آقایان ۱۸۰ درجه جهش‌شان تغییر کرد و آنجا کارهایی کردند که مفصل است. بعد از رحلت امام، به اصرار، خدمت رهبری رسیدم و گفتم که نمی‌توانم اداره کنم. ایشان ابتدا استنکاف داشتند، ولی بالاخره استعفای بنده را پذیرفتند و کیهان مسیر دیگری پیدا کرد.

بعد از شهادت آقای شاهچراغی، آقای اصغری سرپرستی کیهان را برعهده گرفتند. در دوره ایشان وضعیت کیهان به چه صورت بود؟

آقای اصغری، همکار ما در دولت بودند. وظیفه هدایت وزارت دادگستری را بعد از آقای احدی برعهده گرفتند. شخص فاضل، خوش فکر و خوش سلیقه‌ای بودند. ممکن است در بحث مدیریت با ایشان اختلاف نظر داشته باشیم، ایشان هم با من اختلاف نظر داشته باشند، اما انسان فرهیخته‌ای بود. بعد از آقای شاهچراغی ایشان دیگر وزیر نبود و آن زمان فکر می‌کنم از بهار و کبودرآهنگ نماینده مجلس شده بود. با توجه به سابقه همکاری و همراهی که در دولت داشتیم، من از ایشان خواهش کردم، به حضرت امام هم معرفی کردم و گفتم ایشان سابقه‌شان این است و امام هم قبول کردند؛ منتهی بعد از آن و بخصوص بعد از رحلت حضرت امام، یک مشکلات و درگیری‌هایی ایجاد شد که عملاً هم آقای اصغری خیلی کاره‌ای نبود. دوستانی که گفتم، با پشتوانه برخی افرادی که در نهادهای امنیتی - نظامی بودند، کار را اداره می‌کردند.

بعد از انقلاب، [دو مؤسسه] کیهان و اطلاعات به بنیاد مستضعفان واگذار شده بود و به‌عنوان بخش‌هایی که وابسته به آنجا بود، شناخته می‌شد. ما وقتی آمدیم به کارها سر و شکل دادیم. برای کیهان مدیرمسئول و سردبیر تعیین کردیم. استقلال مالی و اداری پیدا کرد و وقتی در زمان ارشاد خودم بنا بود که مدیرمسئول برایش معرفی کنیم، بنده آقای اصغری را به‌عنوان مدیرمسئول معرفی کردم، ولی از جاهای دیگر فشار آمد که آقای نصیری باشد. هیئت نظارت بر مطبوعات هم بالاخره علی‌رغم پیشنهاد خود من و علاقه‌ای که داشت و ملاحظاتی که روی فرد پیشنهادی داشت، به هر صورت ایشان را به‌عنوان مدیرمسئول پذیرفت. آن زمان اوضاع به کلی از دست آقای اصغری خارج شد و بعد از مدت کوتاهی ایشان رفتند. آقای نصیری بود تا اینکه آقای شریعتمداری مدیرمسئول شد. بعد از آن در واقع ایشان همه‌کاره شدند و حتی مهدی نصیری هم رفت.

یعنی تا پیش از استعفای شما از کیهان هم، اسماً آقای اصغری سرپرست بود، اما در عمل اختیار کار دست افراد دیگری بود؟



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۵۷

بله، همین‌طور بود. معتقد بودم اگر بنده نماینده ولی فقیه در کیهانم، باید بتوانم بر کار آنجا اشراف داشته باشم. نمی‌شود یک نفر بیاید و هر کاری خواست برای خودش انجام دهد. یکی از دلایل استعفای من همین بود که عنوان را داشتم، اما امکان اشراف و سازوکار درستی برای نظارت بر کارها و اعمال نظر در آنجا وجود نداشت. یکی از علل استعفای من هم همین بود. ولی بله، در ظاهر آقای اصغری سرپرست بود و بنده ایشان را به‌عنوان مدیرمسئول معرفی کردم، اما اوج درگیری و دوگانگی همین بود که حتی با مدیرمسئولی ایشان هم مخالفت شد.

به هر حال کیهان به‌عنوان روزنامه‌ای که تا اوایل انقلاب یک جور صبغه چپ داشت و خیلی از اعضای تحریریه آن متمایل به حزب توده و اندیشه‌های مارکسیستی بودند، شناخته می‌شد. در ابتدای دوره تصدی شما از این نظر مشکل یا درگیری پیش نیامد؟

در دوران پهلوی، در واقع برای ایجاد تنوع و تعادل در عرصه مطبوعات کشور، «کیهان» را در کنار «اطلاعات» ایجاد کردند، اما هر دو وفادار به رژیم گذشته بودند. اطلاعات خیلی آشکارا جنبه نزدیکی به دربار و سیاست‌های رسمی را دنبال می‌کرد. زمانی رسید که خواستند در عرصه مطبوعات جنبه روشنفکری هم وجود داشته باشد و در درون صفوف خودشان چهره‌هایی که خیلی آشکارا دست به سینه نباشند، روی کار بیایند و کیهان با این ذهنیت تأسیس شد.

حقیقتاً هم کیهان پیش از انقلاب، هم وجهه روشنفکری قوی‌تری داشت و هم گاهی آثار انتقاد و مخالف‌خوانی‌های کم‌دردسری در آن دیده می‌شد. یکی از جاهایی که بسیاری از چپ‌ها تزریق می‌شدند همین کیهان بود. حتی در جریان سال ۵۶ که آن مقاله کذایی در اطلاعات علیه امام نوشته شد، کیهان زیر بار نرفت و حاضر نشد این کار را بکند و قرعه به نام اطلاعات افتاد. در روزهای انقلاب هم کیهان به خاطر زمینه‌هایی که داشت، بیشتر جانب مردم و انقلابیون را می‌گرفت. مطلوبیت بیشتری هم داشت. آن زمان اگر بخش نیازمندی‌ها را می‌دیدید، به لحاظ تیراژ بود که آنقدر آگهی می‌آمد.

ما این مقبولیت را یادمان هست. حتی خود من روزهای پنج‌شنبه آخر هفته، کیهان را می‌خریدم. در صفحه ۶ کیهان خاطر من هست افراد عجیب و غریبی مقاله داشتند؛ مثل دکتر علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی و بسیاری از نویسندگان و شاعران نوپرداز، انقلابی و چپ، مطلب و شعر داشتند. کیهان این وجهه را داشت، البته به صورت کاملاً کنترل شده از طرف رژیم، اما یک جور صبغه روشنفکری متمایل به اندیشه‌های چپ را برای خود ایجاد و حفظ کرده بود. بعد از انقلاب هم در درون کیهان نیروهایی که متریقی‌تر و چپ بودند، بیشتر از اطلاعات و جاهای دیگر بود. به تبع آن تحرکات چپ هم در آنجا زیادتر بود. البته من همواره تلاشم این بود که فضای روزنامه با تساهل و تسامح مدیریت شود. بارها شد که جلوی دفتر من جمع می‌شدند و من می‌رفتم برایشان صحبت می‌کردم. بحث می‌کردیم، دعوا می‌کردیم، تعارف می‌کردیم. بعضی حرف‌هایشان درست بود؛ در بعضی موارد همدیگر را قانع می‌کردیم. چنین روابطی وجود داشت.

ظهرها در ناهارخوری کنار هم ناهار می‌خوردیم. یک روز بعد از ناهار از پله‌ها که بالا می‌آمدم، دیدم روی دیوار نوشته شده «مرگ بر خاتمی». یکی به سرعت آمد که پاکش کند، گفتم «حق نداری دست به این بزنی، تا آخرش باید باشد. یک نفر دلش خواسته این را بنویسد». این کارها تأثیر بیشتری داشت.

#### این شعار روی دیوار ماند؟

نه. همان فردا معلوم بود که دست کشیدند و پاکش کردند. می‌خواستم بگویم که چنین تحرکاتی در خود ساختمان هم گاهی اتفاق می‌افتاد. می‌دانید که آن زمان در سال ۵۹ چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق و حزب توده همچنان در عرصه حضور داشتند، اما به نظرم قوی‌ترین افرادی که آنجا حضور داشتند، بعضی‌هایشان هم شاید در دوره خود ما بازخرید یا تصفیه شدند، مجاهدین خلق و توده‌ای‌ها بودند. اما به‌طور کلی بدنه کیهان بدنه سالم و خوبی بود.

وقتی اسم «خاتمی» کنار نام روزنامه کیهان می‌آید، خیلی‌ها یاد سرمقاله شما در کیهان در باره مهندس بازرگان می‌افتند. بعد از سی سال نگاه شما نسبت به آن مقاله که خیلی‌ها معتقد بودند مقاله تند بود، چیست؟

در آن دعوایی که به وجود آمد، همه ما تحت تأثیر فضایی بودیم که وجود داشت. دل بسته به انقلاب بودیم، دل بسته به امام بودیم و احساس هم می کردیم افرادی که نظرات دیگری دارند، اشتباه می کنند. الآن هم من معتقدم با توجه به مشکلات حادی که آن زمان بود و اصل موجودیت نظام و انقلاب را تهدید می کرد، شاید بعضی روش هایی که اعمال شد، روش های ناگزیری بود.

به نظر خودتان دلیل این تقابل میان نیروهای سیاسی چه بود و چرا به نوشتن

#### چنین مقاله ای منجر شد؟

من اگر بخواهم در این باره صحبت کنم، می گویم بیایم یک آسیب شناسی کنیم در باره تاریخ سیاسی ایران. اینکه ۱۰۰ - ۱۵۰ سال است که ملت ما برای آزادی، استقلال، پیشرفت و دموکراسی قیام کرده است؛ اوجش در انقلاب اسلامی بود که خوشبختانه همسویی این خواست ها با هویت فرهنگی اکثریت که دینی است، مورد توجه قرار گرفت، اما چرا هیچ گاه موفقیت کاملی نداشتیم؟ چرا از دل مشروطیت رضاخان درآمد؟ چرا از دل فضای بسیار عالی بعد از شهریور ۲۰ که آزادی در حد هرج و مرج و حاصل آن شکل گیری نهضت ملی و ملی شدن صنعت نفت و دولت مصدق بود، کودتای ۲۸ مرداد درآمد و بدترین شکل خفقان ایجاد شد؟ چرا بعد از انقلاب اسلامی که واقعاً با آزادی شروع کرد و در آغاز پهلوی به پهلوی هرج و مرج می زد، جنگ و جریانات ترورها و محدودیت های دهه ۶۰ ایجاد شد و چرا بعد از اصلاحات که با بازخوانی شعارها و خواسته های اصلی انقلاب ۵۷ بر سر کار آمد که آزادی، استقلال و پیشرفت توأم با معنویت و اخلاق و دین بود، به شرایط فعلی رسیدیم؟

من فکر می کنم در آسیب شناسی این ماجراها، اول به این بپردازیم که چرا جریان روشنفکری ما که باید بستر تبیین و تشریح این خواسته های تاریخی باشد، رشد کافی را نداشته و خیلی زود جذب فضاهای تند شده است؟ هر بار ملت برای آزادی قیام کرده، اینها به جان هم افتادند و زمینه را فراهم کردند برای اینکه باز استبداد شکل بگیرد. این مسئله ای است که باید در باره آن صحبت کنیم. من می گویم خواست تاریخی مردم ما استقلال، آزادی و پیشرفت بوده، اما آیا ظرفیت عملی برای پیاده کردن این خواسته ها را داشتیم؟ مثلاً اگر مردم ما دموکراسی را می خواستند، آزادی را

## ۸۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌خواستند، زمینه فرهنگی و اجتماعی برای استقرار این خواسته‌ها بوده یا نبوده؟ و اتفاقاً کار روشنفکری ایجاد این زمینه است؛ یعنی خواست تنها کافی نیست؛ خواسته‌ها ارزشمند است. ما در تمام جنبش‌های این صد ساله خواسته‌ها را می‌بینیم و واقعاً معدل خواست مردم ما در صد سال گذشته آزادی‌خواهی، استقلال‌خواهی و پیشرفت بوده است. البته اکثریتشان مسلمان بودند، شیعه بودند و به دینشان علاقه‌مند بودند و اتفاقاً موفقیت امام هم به همین دلیل بود که می‌گفت این اسلامی که من معرفی می‌کنم، هم آزادی می‌دهد، هم استقلال و هم پیشرفت. من اسلامی که به شما می‌گویم همان‌طور که یک شیعه حق دارد، غیرمسلمان هم به‌عنوان یک شهروند دارای همه حقوقی است که می‌تواند داشته باشد. منتهی ما، روشنفکران و نخبگان جامعه به جای بسترسازی، به جای بالا بردن آگاهی جامعه که این خواست آگاهانه شود، بیشتر به جان هم افتادیم و از دل این درگیری‌ها چیزی برخلاف خواست ملت درآمد.

در آغاز انقلاب به نظر من دو نوع جریان افراطی وجود داشت: یکی جریان‌های تندی که به ترور دست می‌زدند و از آن طرف جریان‌هایی که معتقد بودند باید همه را سرکوب کرد، همه چیز را نابود کرد و یک مقدار ظاهرین بودند. این وسط هم امام بود که سعی می‌کرد تعادلی ایجاد کند، اما گاهی به‌عنوان رهبر یک انقلاب، خصوصاً در دوره جنگ و ترور احساس می‌کرد که بنیادهای نظام در خطر است؛ بنابراین، علی‌رغم همه خواسته‌هایی که ایشان داشت و قبل از انقلاب گفته بود، در باره آزادی‌ها، قانون اساسی و مسائل دیگر، به هر حال در حالت بحرانی، تنگنمایی ایجاد شد. من آن زمان معتقد بودم جریان‌هایی مثل نهضت آزادی و افرادی مثل آقای مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی که از دوست‌داشتنی‌ترین چهره‌های یک قرن گذشته هستند، اگر خیال‌پردازانه نگاه نمی‌کردیم می‌بایست همراهی آنها با انقلاب و نظام بیشتر می‌بود تا ما این حالت بحران را بگذرانیم. در سال ۶۶ در جواب نمایندگان مجلس که به بعضی مسائل خلاف قانون، دستگیری‌ها و سخت‌گیری‌هایی که وجود داشت، اعتراض کردند، امام قبول کردند که اینها بوده، اما در حالت اضطرار بوده، جنگ داشتیم، حالت بحرانی داشتیم، اما بنا داریم که همه به قانون برگردیم. من بعضی وقت‌ها گفته‌ام که امام هم قبول داشتند که بعضی از رفتارها و اعمال استننا بوده، نه قاعده؛ ولی متأسفانه بعد از امام

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۶۱

می‌بینیم که استثناها قاعده شدند و قاعده که خود قانون اساسی است، مورد کم لطفی قرار گرفته است.

**پس فکر می‌کنید آن مقاله با توجه به فضایی که وجود داشت، ناگزیر بود؟**

به هر حال آن زمان دو دیدگاه وجود داشت و ما هم معتقد بودیم که بالاخره راهی که دوستان ما در نهضت آزادی می‌پیمایند، راه واقع‌بینانه‌ای نیست و انتقاد داشتیم. اما من قبول دارم واقعاً اگر الآن می‌خواستم مطالب را بنویسم، آن‌طور نمی‌نوشتیم. بعضی مطالبی که آن وقت نوشتم جفا بود نسبت به افراد. با اینکه اختلاف نظر و اختلاف سلیقه داشتیم، همان زمان برای آنها احترام قائل بودم، الآن هم احترام قائلم، ولی بنده هم قبول دارم که بعضی وقت‌ها تحت تأثیر فضای احساساتی موجود قرار گرفتم. نمی‌توان همیشه از انسان انتظار داشت که احساس را نادیده بگیرد و منطقی همیشه کارگر بیفتد. شاید توسط قلم من هم به عزیزان و بزرگانی در این مملکت جفا شده باشد. به هر حال هر کس در زندگی‌اش از این اشتباهات و مشکلات وجود دارد.

**آقای خاتمی، در ابتدا گفتید که در بدو ورود به کیهان دیدگاه‌ها و آرزوهایی برای آن داشتید. حالا که سه دهه از آن زمان می‌گذرد نظرتان در باره کیهان امروز چیست؟ چقدر این روزنامه فعلی را نسبت به آنچه در ذهنتان بود، نزدیک یا دور می‌بینید؟**

حقیقت این است که کیهان امروز، کیهان امروز است. هیچ نسبتی با کیهانی که ما دلمان می‌خواست و اعتقاد دارم که امام هم می‌خواست، ندارد. حالا هیچ نسبتی نمی‌خواهم بگویم، اما خیلی فاصله دارد با آنچه که در ذهن ما بود. خیلی از بداخلاقی‌هایی که در جامعه به صورت سنت درآمده است، یکی از مجاری آن - اگر نگویم منابع - خود کیهان است. نسبت‌های ناروا دادن، تهمت زدن و ... گویا برنامه این است که دفع حداکثری و جذب هیچ اتفاق نیفتد.

**۷- نامه به آقای دکتر سید محمد خاتمی در باره تغییر ناگهانی مدیریت مؤسسه**

**کیهان - ۱۴ مرداد ۱۳۹۱**

پس از انتشار مصاحبه آقای خاتمی با پایگاه اینترنتی تاریخ ایرانی، که طی آن به برخی از جوانب تغییرات ناگهانی در کیهان اشاره کرد، نامه‌ای به ایشان نوشتم و درباره برخی از مسائل از ایشان توضیح خواستم. متن آن نامه به شرح زیر است:

## ۸۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر سید محمد خاتمی

با سلام و با آرزوی توفیق جلب رضایت حق و خدمت به خلق

سخن گفتن با مردی که هیچ مصلحتی موجب نشد تا در وادی عمل و در کشاکش دهر، باور عمیق خویش را به حکمت «ادب مرد به ز دولت اوست»، پنهان دارد و از سر آگاهی و تعهد، استوار و متوکل، حضور پرهزینه در پرتو رفتار معطوف به اخلاق و نه معطوف به قدرت را در عرصه پرهیاهوی سیاست برگزید، هم موجب خوش وقتی است و هم مایه نگرانی. تا چه بر زبان آید با کسی که قدر کلمات را می‌شناسد و در روزگار قدر قدرتی ناسپاسان و بی‌ادبان، پندار و گفتار و کردار خویش را به آرای اعتدال، مروت و انصاف، هویتی از مهر و دوستی می‌بخشد!

مصاحبه شما را با خبرنگار «تاریخ ایرانی» خواندم. از ابراز لطف و محبتی که فرموده بودید، سپاسگزارم و امیدوارم در این شرایط ویژه بحرانی، بتوانید به تناسب موقعیت و جایگاه خود در جنبش اصلاح‌طلبی، موفق به برداشتن گام‌های مؤثر و مفید توفیق‌وافی به دست آورید.

در این مصاحبه، جانب انصاف را رعایت کرده بودید و به حق، از جفایی که بر زنده یاد مهندس بازرگان رفت، سخن گفتید. اما در این مصاحبه، نکاتی به چشم می‌خورد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. برای فهم بهتر و واقع‌بینانه‌تر از آنچه اکنون با آن روبه‌رو هستیم، بازخوانی و آسیب‌شناسی آن رویدادها ضروری است؛ اگرچه بحث جامع پیرامون تمامی موارد مطروحه، در مجال و حوصله این نامه نمی‌گنجد، اما لاجرم به چند نکته می‌پردازم.

**نکته اول:** خبرنگار از شما می‌پرسد: «... و چرا آن‌قدر عجله در کار بود که پیش از بازگشتتان به ایران، این حکم به نام شما صادر شد؟» اما شما به این سؤال خبرنگار پاسخ نداده بودید. مردم حق دارند بپرسند موضوع چه بوده است که تغییر مدیریت کیهان را با آن همه عجله انجام دادند؟ تغییری که بیشتر به یک کودتا شبیه بود تا به یک جابه‌جایی ساده در مدیریت. حتی صبر نکردند تا شما از سفر برگردید. شما حتماً می‌دانید که من به هیچ وجه، نه داوطلب و نه مایل بودم که به کیهان بروم. آقای خمینی

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۶۳

دو یا سه بار مسئله را با من مطرح کردند. من دلایل امتناع خود را بیان کردم. از جمله گفتم که یکی از وظایف هر روزنامه‌ای، اطلاع رسانی به مردم است. سران کشور، رئیس جمهور با نخست‌وزیر اختلاف دارند و بگو مگو می‌کنند. کار روزنامه انعکاس دادن بی‌طرفانه نظرات مسئولین است. روزنامه یک رسانه مکتوب و متفاوت با صدا و سیما است. آنچه از صدا و سیما پخش می‌شود، موج هواس است. هنگامی که روزنامه به هر حال حرف‌های طرف‌های درگیر را منعکس می‌سازد، به جای واکنش به رفتارهای نه چندان اخلاقی طرف‌های درگیر در یک منازعه ملی، همه کاسه کوزه‌ها را بر سر روزنامه و روزنامه‌نگاران می‌شکنند. آقای خمینی، ضمن تأیید این نظرات، تأکید کردند که بپذیریم و نخواهند گذاشت که دعوای بر سر ما خراب شود.

با این مقدمات و با این تأکیدات و تفاهات بود که به کیهان رفتم. اکنون نمی‌خواهم در باره آنچه بر سر این مؤسسه آورده شده بود و آنچه ما در راستای مرمت آنها انجام دادیم، سخنی بگویم. در جای دیگری (در همین جلد ششم خاطرات) به تفصیل در باره آن نوشته‌ام، اما در اینجا می‌خواهم توجه شما را به نکته‌ای که در مصاحبه خود به‌عنوان اختلاف دیدگاه‌ها اشاره کرده‌اید، جلب نمایم. به راستی این اختلاف دیدگاه‌ها چه بود؟ در پاسخ به این پرسش و از منظر خود باید عرض کنم که بعد از پیروزی انقلاب، برخی از رهبران و صاحبان قدرت، حرف و حدیث‌ها و دیدگاه‌های جدیدی را مطرح می‌کردند که هرگز قبل از انقلاب مطرح نبود و طرح آنها هم دور از انتظار بود. اما من از یک طرف، خود را به آرمان‌های انقلاب معتقد و به منافع و مصالح ملی متعهد می‌دانستم و از طرف دیگر، توجه داشتم که با حکم آقای خمینی به کیهان رفته‌ام و لاجرم باید حتی‌الامکان به دیدگاه‌ها و نظرات ایشان هم توجه داشته باشم. من در ۸ / ۲ / ۵۹ به کیهان رفتم و در آبان‌ماه، بدون آنکه استعفا داده باشم، شما منصوب شدید. آقای حسن صانعی، از اعضای دفتر امام، در روز دوشنبه ۲۲ آبان‌ماه به من زنگ زد و گفت: امام می‌گویند شما استعفا بدهید. جواب دادم حضور ایشان می‌رسم. اما روز بعد خبر انتصاب غیرمترقبه جناب‌عالی از رادیو و تلویزیون منتشر شد. روز پنجشنبه با آقای خمینی دیدار داشتم. از ایشان پرسیدم چه مطلبی موجب شده است که شما برخلاف تأکیدات خود در هنگام انتصاب من، بدون اینکه

## ۸۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

ما را بخواهید و در مورد ایرادات احتمالی از این جانب توضیحی بخواهید، این چنین عمل کردید؟ اما ایشان هیچ نکته‌ای که در خور توجه باشد عنوان نکردند. ایشان یک بار یک شماره از روزنامه کیهان را که در تمام صفحات آن حاشیه‌نویسی شده بود به من ارائه دادند. نویسنده‌ای در این حاشیه‌ها، کیهان را ارگان نهضت آزادی ایران قلمداد کرده بود و هر چه توانسته بود به صاحب این قلم و نهضت آزادی حمله‌های جدی کرده بود. نویسنده این حاشیه‌ها، مدعی شده بود که مقیم لندن است و از روی عشق و علاقه به انقلاب دست به این کار زده است، اما نویسنده بعدها همراه با رهبران حزب توده ایران دستگیر، محاکمه و محکوم شد. این شماره روزنامه را آقای کیانوری، در دیدار خود با حاج احمدآقا در اختیار ایشان گذاشته بود. در دیدار روز پنجشنبه، آقای خمینی اظهار داشتند که کیهان، عکس آقای رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق را در صفحه اول چاپ کرده است. بسیار متعجب و متأثر شدم. ضمن تکذیب این مسئله، از ایشان خواستم به گزارش دهنده دستور بدهند آن شماره روزنامه را برایشان بیاورند تا من هم ببینم. من هر روز ساعت ۱۱ صبح در سردبیری حاضر می‌شدم و تمام روزنامه را می‌دیدم و تنها پس از امضای من برای چاپ می‌رفت. در هیئت تحریریه کیهان کسانی بودند که یا سابقه عضویت در حزب توده را داشتند یا به سازمان مجاهدین وابسته بودند. متأسفانه کسانی هم که به جریان راست وابسته بودند، با دادن وام به آنها از طریق سازمان اقتصاد اسلامی از آنها حمایت می‌کردند. اما این، همه واقعیت نیست. یعنی تغییر کودتامانند مدیریت کیهان را با آن سرعت و عجله، توجیه نمی‌کند.

در چند ماهی که مسئول کیهان بودم، بیش از پنجاه سرمقاله تحلیلی پیرامون مسائل کلان کشور نوشته‌ام. بارها در دیدارهای خود با رهبر فقید انقلاب از ایشان در باره این تحلیل‌ها می‌پرسیدم. ایشان آنها را می‌خواندند و تأیید می‌کردند و هرگز ایرادی به این تحلیل‌ها مطرح نکردند. پس این تغییر شتاب‌زده چرا؟ کدام یک از این تحلیل‌ها موجب این رفتار نادرست شده بود؟ طبق اطلاعات رسیده و تأیید شده، آنچه به دوران مدیریتی این جانب بر «روزنامه کیهان» خاتمه داد، سلسله سرمقالاتی بود که در تاریخ‌های ۲۰، ۲۱ و ۲۲ آبان‌ماه طی سه یادداشت روز تحت عنوان: «پاسداری از قانون



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۶۵

اساسی» در شماره‌های ۱۱۱۳۹، ۱۱۱۴۰ و ۱۱۱۴۱ منتشر کردم و مسائل بنیادین و مشکلات و درگیری‌های سیاسی در جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار داده بودم. آنچه در این یادداشت‌ها مورد بررسی قرار گرفته بود، عبارت بودند از: طرح و ارزیابی مسائل و مشکلات و درگیری‌های سیاسی در میان سران روحانی و غیرروحانی حاکمیت جمهوری اسلامی. این مقالات به نظریه دیکتاتوری صلحا که شهید دکتر بهشتی آن را مطرح کرده بود، پرداخته و آن را مخالف آرمان‌های انقلاب و قانون اساسی ایران و واجد پیامدهای عذیبه برای ثبات واقعی و اعتبار و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانست و نشر و بسط این دیدگاه را در تعارض با آموزه‌های اسلامی، نوعی التقاط و موجب انحراف انقلاب از آرمان‌های تاریخی ملت شریف و ستم‌دیده ایران قلمداد می‌کرد. در این مقالات، تحلیل شده بود که آزادی، افزون بر یک ضرورت و خواست جدی تاریخی، مبتنی بر فطرت و سرشت الهی انسان نیز بوده و هدف جمهوری اسلامی و وعده‌های رهبر انقلاب در دوران مبارزه نیز بر اساس تأمین آزادی‌های قانونی و حقوق بنیادین ملت بوده است و اصولاً، پذیرش رهبری آیت‌الله خمینی از سوی عموم ملت ایران، بر اساس طرح همین شعارها و وعده‌ها بوده و برنامه سیاسی که ایشان در پاریس آن را تصویب و به جهان اعلام کردند، نیز مبتنی بر همین مسائل بوده است.

نویسنده در آن مقالات به تفصیل شرح داده بود که بدون آزادی و رعایت حقوق شهروندی ملت ایران، جمهوری اسلامی، نه جمهوری و نه از اسلام در آن نشانی خواهد بود و صرف نهادن پسوند «اسلامی» در انتهای نام هر سازمان یا طرح، به ماهیت آن چیزی اضافه نمی‌کند.

در آن مقالات، به صراحت شرح داده بودم که چرا حزب جمهوری اسلامی قابل مقایسه با حزب کمونیست شوروی نیست و به چه دلایلی نمی‌تواند چنان جایگاهی را در عرصه مناسبات سیاسی ایران به دست آورد و همچنین، توضیح داده بودم که در غیاب یک سازمان واحد و فراگیر سیاسی، نظریه دیکتاتوری صلحا - صرف‌نظر از ایرادات نظری و عدم انطباق با آرمان‌های تاریخی ملت ایران و باورهای اسلامی و ملی

## ۸۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

رهبران انقلاب - حتی به آنچه حکومت بلشویکی در روسیه رسید، نیز نخواهد انجامید و در نهایت، حکومت تک‌نفره و استبداد فردی جایگزین خواهد شد. بدیهی است که این یادداشت‌ها نه به مذاق سیاسی «تشنگان قدرت» خوش آمد و نه برای «شیفتگان خدمت» قابل تحمل بود. به همین جهت برای اینکه آن بحث ادامه پیدا نکند، لازم دیدند که مدیریت را با آن سرعت تغییر دهند. برای روشن شدن زوایای تاریک این رویداد، رونوشتی از این سه مقاله تحلیلی را به پیوست، تقدیم می‌دارم. از نوشتن این تحلیل‌ها بیش از سی سال می‌گذرد، اما متأسفانه داستان همچنان ادامه دارد.

اما باز هم این تمام ماجرا نیست و علت تامه حذف این‌جانب از مدیریت روزنامه کیهان و سایر دوستانمان در نهضت آزادی ایران از عرصه حکومت، افزون بر چنین اختلافات دیدگاه، به روش‌ها و کنش‌هایی مربوط می‌شود که دولت موقت در نه ماه حکومت خود بدان مبادرت می‌ورزید و با مشی غالب حکومتگران و سیاست‌پیشگان در آن روزگار هماهنگ نبود. «ایجاد روابط حسنه در عرصه بین‌المللی و تلاش برای کاهش خصومت‌های علنی دولت‌های غربی و حکومت‌های فرصت‌طلب منطقه برای ضربه‌زدن به تمامیت ارضی ایران و حکومت تازه تأسیس آن، طرح تغییرات تدریجی و گام به گام، تحقق حاکمیت قانون و اعتراض به موازی‌کاری‌ها و آنچه بعدها به نحو سازمان‌یافته، نهادهای موازی دولت نام گرفت، بازگشت به نظم و توجه به کرامت انسانی و رعایت حقوق و حاکمیت ملت و به‌ویژه توجه به رعایت حقوق اساسی اقلیت‌های سیاسی و عقیدتی، مخالفان و متهمان و حتی وابستگان به نظام سابق، هشدارهای متعدد پیرامون پیامدهای هر گونه کیش شخصیت، مخالفت با نظریه حکومتی - فقهی ولایت فقیه و اعتراض به بزرگ‌سازی دولت و از بین بردن بخش خصوصی ملی، مخالفت با گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی و اعتراض به ادامه نامعلوم جنگ پس از فتح خرمشهر» - که بعدها مشخص شد رهبر فقید انقلاب نیز در آن مقطع همین نظر را داشته است - از جمله دلایلی بود که در آن روزگار و سالیان بعد، موجب خوردن برچسب لیبرال و سازشکار و ضد خط امام به نهضت آزادی ایران شد.

در یک کلام، مهندس بازرگان و نهضت آزادی ایران به این دلیل، ضدانقلابی برشمرده شدند که فریاد می‌کردند انقلاب به لحاظ سلبی که سقوط شاه بود، تمام شده است و تداوم انقلاب در بعد ماهوی و ایجابی، منوط به پیشبرد اهداف و آرمان‌های انقلاب است و از آنجا که آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، تحقق دموکراسی، حاکمیت قانون و ملت و پیشرفت مادی و معنوی ایران را آرمان‌های اصلی انقلاب می‌دانستیم، باور داشتیم و هنوز هم باور داریم که نیل به این اهداف، تنها به نحو تدریجی و در گرو حرکت در پرتو برنامه‌ریزی، عقل و اعتدال امکان‌پذیر است. تخریب در لحظه‌ای صورت می‌گیرد، اما سازندگی، رشد و توسعه پایدار و متوازن، به زمان و نظم نیاز دارد. و این نگرشی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی بود. در آیات کریمه قرآن مجید هر کجا سخن از تخریب و تدمیر رفته است، رویدادی ناگهانی است، اما آنجا که بحث آفرینندگی و سازندگی است، به‌رغم قدرت قاهره الهی، و اراده «کن، فیکون»، رویدادها تدریجی، مرحله به مرحله، یا گام به گام است.

در قبال اعتراضاتی که نهضت آزادی ایران و دبیرکل فقید آن به اعدام‌های فاقد مبانی شرعی، قانونی و اخلاقی دادگاه‌های شرع و انقلاب و اقدامات خودسرانه کمیته‌های انقلاب و اخراج تعداد زیادی از کارمندان دولتی و سرکوب منتقدان سیاسی و حمله به تجمعات گروه‌های سیاسی انجام می‌داد، انگ انقلابی نبودن و خروج از خط امام به ما زدند و دوستان سابق ما نیز در برابر این حملات، تنها سکوت کردند و حتی در سالیان بعد نیز، صرفاً به ذکر این جمله اکتفا کردند که نهضت آزادی ایران و مهندس بازرگان مراعات شرایط انقلاب را نکرده با سلیقه و مشی امام فاصله گرفته بودند و اختلافاتی وجود داشت؛ اما کسی نمی‌گوید که این شرایط و اقتضائات چه‌ها بودند، آیا اعتراض به نفی آزادی‌های قانونی، نقض قانون اساسی و افزایش رفتارهای خودسرانه، خلاف شرایط انقلاب بود یا خلاف منافع کسانی که آرزوی بالا رفتن از نردبان قدرت و طرح حکومت گروهی و صنفی را در سر داشتند؟ آیا این اختلافات، برخوردهای غیراسلامی و اخلاقی و رفتارهای معطوف به قدرت را توجیه می‌کند؟ اگر بهانه یا سبب این رفتارها با ما قابل توجیه باشد با شادروان شهید دکتر چمران چرا؟ در اسفند ۵۹ او به تهران آمد و چند روزی منزل ما بود. از نامهربانی‌ها و فشارها بر

خودش سخت ناراحت بود. به او گفتم که چرا نمی‌رود به آقای خمینی گزارش دهد. او با توجه به ارتباط مخالفین با مراکز قدرت، حاضر نشد برود و به جبهه برگشت. من رفتم خدمت رهبر فقید انقلاب و هر آنچه را که دکتر چمران به من گفته بود، بازگو و اضافه کردم که آقا ما در مجلس گرفتار کشمکش‌های سیاسی شده‌ایم. اما دکتر چمران به‌عنوان نماینده شما در شورای عالی دفاع و با دستور شما به جبهه رفته است و تمامی علم و تجربه انقلابی خود را در مقابله با متجاوزان عراقی به کار گرفته است؛ از جان او چه می‌خواهند؟ چرا دائماً علیه او کارشکنی می‌کنند و او را قاتل تل زعتر و نبعه و عامل موساد تبلیغ می‌کنند. آقای خمینی گفتند به دکتر چمران پیغام بدهم بیاید ایشان را ببیند. گفتم نمی‌آید. گفته است در جبهه می‌ماند یا کشته می‌شود یا متجاوزین را شکست می‌دهد و از همان جا به لبنان می‌رود. آقای خمینی حاج احمدآقا را خواستند و گفتند به دکتر مصطفی بگو بیاید تهران. دکتر چمران در فروردین ۶۰ آمد تهران و با آقای خمینی دیدار کرد و به جبهه برگشت. در اوایل اردیبهشت، مجدداً برای دیدن آقای خمینی آمد، اما موفق به دیدار ایشان نشد و به مسئولین دفتر گفت به جبهه می‌رود و اگر زنده ماند برمی‌گردد. و این آخرین دیدار ما بود. آیا می‌توان همه اینها به پای اختلاف نگرش‌ها گذاشت؟

متأسفانه زیاد نیستند کسانی که مانند جناب‌عالی شهامت و تقوای طرح و نقد گذشته را داشته باشند و از سر صدق و صفا نگاهی دوباره بر آنچه گذشته است، داشته باشند؛ از این رو، لازم است تا ضمن ارزیابی کلی اختلافات گذشته، موارد اختلافی نیز به ملت شریف و ستم‌دیده ایران یادآوری شود تا هم موجبات برخورداری از یک تجربه تاریخی پدید آید و هم اعتماد میان ملت و رهبران سیاسی جامعه فزونی یابد. شعارها و مطالباتی که موجب پیدایش و پیروزی جنبش مردمی دموکراسی‌خواهی در دوم خرداد ۱۳۷۶ و سبب پیدایش و فراگیری جنبش سبز در اعتراضات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ شد، در ارزیابی و داوری منصفانه نسبت به وقایع و اختلافات گذشته کفایت می‌کند.

آیا بسیاری از دانشجویان سابق خط امام امروز به دلیل ترویج همان آرمان‌هایی که روزگاری نهضت آزادی به خاطر داعیه‌داری از آنان طرد شد و خط آمریکایی و سازشکار لقب گرفت، در بند و حصر و تنگنا به سر نمی‌برند؟

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۶۹

طرح اصلاحات تدریجی، اولویت توسعه سیاسی، اعتمادسازی در عرصه بین‌المللی، دفاع از جامعه مدنی و لوازم آن، تحقق حقوق شهروندی و حاکمیت مردم و آزادی عقیده و بیان و احزاب سیاسی از جمله این خواسته‌ها در جنبش اصلاح‌طلبی بود که با خواسته‌ها، باور و عملکرد دولت موقت و انتقادات و نظرات اصلاحی نهضت آزادی ایران در یک کل، قرار گرفته و قابل ارزیابی است. از این منظر، دولت موقت، نهضت آزادی ایران و در رأس آنها، زنده یاد مهندس بازرگان پیشرو و پیشگام نهضت اصلاح‌طلبی و اعتراض به انحرافات انقلاب محسوب می‌شوند و به همین جهت، اگرچه زمانی در ابتدای پیروزی انقلاب، شاید عبارت کلی «اختلاف سلیقه» قابل استماع بود، اما لاقلاً اینک دیگر برای باورمندان به دموکراسی و حقوق بشر و به‌ویژه اصلاح‌طلبان، به کارگیری این عناوین کاربردی ندارد.

**نکته دوم:** شما در کیهان مستقر شدید، اما به زودی همان شبکه نامرئی که حضور و وجود روشنفکران دینی، از جمله بودن ما را در کیهان، تحمل نمی‌کرد و به‌طور دائم همه جا، در روزنامه‌ها و در محافل علنی و غیرعلنی بخصوص در دفتر امام، علیه این جریان سمپاشی و توطئه می‌کرد، علیه شما هم وارد عمل شد. بر در و دیوار علیه شما شعار مرگ خواهی نوشتند. به قول خود شما در همین مصاحبه، بعضی‌ها که به‌رغم نظر منفی شما نسبت به آنها توسط مراکز خاصی به کیهان تحمیل شده بودند «محور نوعی کودتا» شدند. آنچه در کیهان گذشت، نمونه‌ای است از آنچه در سطح کلان در جمهوری اسلامی گذشته و هنوز هم ادامه دارد. اما مسائل و مشکلات در همین حد و سطح نبوده و نیستند. از اینجا به نکته دیگر و اساسی‌تری می‌پردازم.

**نکته سوم:** جناب‌عالی فردی فرهیخته و آگاه به تاریخ ایران و جهان هستید و به خوبی استحضار دارید که کشورهای سلطه‌گر حامی حکومت‌های استبدادی، در برابر ملت‌هایی که علیه استبداد و استعمار قیام کرده‌اند، هرگز بی‌تفاوت و بی‌کار ننشسته‌اند و به لطایف الحیل سعی در انحراف آرمان‌ها و مطالبات و اعاده وضع سابق داشته‌اند.

اسناد تاریخی فراوان حکایت از آن دارند که آمریکا و انگلیس و اسرائیل برای جلوگیری از موفقیت این انقلاب، هر کاری که می‌توانستند انجام دادند، اما نتیجه‌ای

## ۸۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نداد. بسیار ساده‌انگاری است بپنداریم که این دولت‌ها که لااقل به مدت ۲۵ سال از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، زمام امور را در ایران به دست داشتند و فعال ما ی‌شاء بودند به یکباره با پیروزی انقلاب منفعل شدند و دست از سر ملت و انقلاب ایران برداشتند و ما را به حال خود واگذاشتند. خیر! چنین نیست. من با تحلیل هر رویدادی بر اساس «تئوری توطئه» موافق نیستم. در بسیاری از موارد ما فرافکنی می‌کنیم، اشتباهات و کاستی‌ها و انحرافات خود را نمی‌بینیم و مسئولیت خود در ناکامی‌ها را به عوامل خارجی نسبت می‌دهیم، اما در عین حال، بی‌توجهی به مسائل پیچیده سیاسی در مناسبات بین‌المللی جهان معاصر را هم، نوعی ساده‌اندیشی می‌دانم. بررسی انقلاب‌های مردمی در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که قدرت‌های خارجی ذی‌ربط و ذی‌نفع در مقابله با انقلابات مردمی، سه طرح راهبردی یا سه سناریو را به اجرا می‌گذارند که عبارتند از: ۱- ناآرامی، آشوب و شورش‌های داخلی. ۲- حمله نظامی از بیرون و ۳- نفوذ خزننده در سطوح مختلف حاکمیت جدید.

در یادداشت دیگری، این سه سناریو را باز می‌کنم و نشان می‌دهم که چگونه این برنامه‌ها در جمهوری اسلامی پیاده شدند که بحران‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی و اجتماعی به نقطه بسیار حساس کنونی خود رسیده است.

کارنامه عملکرد کیهان امروز که جناب‌عالی به درستی آن را بی‌تناسب با کیهان پس از انقلاب دانسته‌اید نیز در همین راستا قرار دارد و از شگفتی‌ها اینکه امروزه برخی از مدعیان انقلابی ایران در رده‌ای درون حاکمیت، همان حرف‌هایی را می‌زنند که پرویز ثابتی، مقام امنیتی و مغز متفکر ساواک - «که معلوم نیست در این ۳۳ سال کجا بوده - همان حرف‌ها را می‌زند و هر دو جریان دارند سعی می‌کنند که شخصیت‌های مؤثر در مدیریت و پیروزی انقلاب را عاملان دولت آمریکا قلمداد کنند و شکل‌گیری و پیروزی انقلاب را مرهون خواست و حمایت غربی‌ها می‌دانند. از این منظر، باید به ارزیابی دوباره نشست که چه شده است که تمامی افراد و جریاناتی که در انقلاب ۱۳۵۷ حضور داشته و نقش آفریدند، امروزه از هرگونه امکان اثرگذاری در برون رفت از بن‌بست کنونی و بحران‌های عظیم داخلی و بین‌المللی این مملکت ناتوانند. یا مردند

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۷۱

و یا کشته شدند و یا ترور شخصیت و به انزوا کشیده شدند. پناه می‌برم به خدا و از خداوند عاقبت به خیری برای این ملت و مملکت آرزو می‌کنم.

برادر عزیز حضرت حجه الاسلام والمسلمین خاتمی

این نامه در سالروز پیروزی جنبش مشروطیت برای جناب‌عالی نوشته و ارسال می‌شود. دریغ و درد که پس از یک صد و شش سال مبارزه ملت ایران برای دستیابی به حاکمیت قانون، هنوز هم این خواسته، حتی در سطحی حداقلی نیز به دست نیامده و هنوز هم استبداد و حاکمیت فردی، مهم‌ترین بلیه جان ایرانیان محسوب می‌شود. اگر که هنوز هم امکانی داشتم تا مطلبی در هر رسانه و از جمله در کیهان منتشر کنم، با وجود برخی انتقادات اساسی، باز هم «در پاسداری از قانون اساسی» می‌نوشتم و پیامدهایی که تن ندادن به اجرای بی‌کم و کاست (بدون تنازل) اصول این قانون می‌تواند به بار آورد را خاطر نشان می‌ساختم. حکومت بدون پایبندی به قانون اساسی به استبداد منجر می‌شود. به‌عنوان فردی معتقد به اسلام رحمانی و سازگار با دموکراسی و حقوق بشر، باور دارم که استبداد، مهم‌ترین مسئله در ایران است که هم منافع ملی و هم تعالی اخلاق را در این سرزمین به مخاطره افکنده است. بی‌توجهی و ناباوری به حاکمیت قانون و محدود و مقید دانستن حاکمان به رعایت حقوق ملت و اصول قانون اساسی، مانع اساسی در گذار به سوی دموکراسی و مانع بروز رفتار اخلاقی و گسترش باورهای سالم و مترقی دینی در جامعه است. ما آزموده‌ایم که در سایه استبداد، دین رشد نمی‌کند، خرافات شیوع می‌یابد. استبداد به تعبیر روحانی آزادی‌خواه و نظریه‌پرداز جنبش مشروطه خواهی ملت ایران، زنده یاد آیت‌الله نایینی، مترادف با شرک و مانع عبودیت واقعی انسان تلقی می‌شود.

نحوه برون‌رفت از بحران کنونی و شیوه گذار از جامعه‌ای استبدادزده، در ماهیت وضعیت جدید در ایران مؤثر است و لااقل تجربه تاریخ معاصر ایران و خاورمیانه به ما می‌آموزد که صرف تغییر حکومت‌های استبدادی به ایجاد دموکراسی در هیچ کشوری نینجامیده است. در شرایط کنونی نیز نویسنده این سطور باور دارد که تغییرات تدریجی و مسالمت‌آمیز در چارچوب قانون و شیوه‌های اصلاحی، برای تغییر در ساختار حقیقی و نه ساختار حقوقی، کم‌هزینه‌ترین و تنها راه نیل به دموکراسی در

## ۸۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایران است. مشکل تاریخی ما، حداقل از مشروطه به این سو، تنها با تغییر در ساختار حقوقی قانون اساسی بر طرف نمی‌شود. در دوران حکومت رضا شاه، تغییری در ساختار حقوقی داده نشد، اما حکومت هر کاری را می‌خواست بدون توجه به قانون انجام می‌داد. تنها در یک دوره، حکومت پهلوی نتوانست هر کاری می‌خواست انجام دهد و آن دوره دوازده ساله، از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ بود. در این دوره، حضور نیروهای مؤثر مردمی به شاه اجازه نمی‌داد، هر کاری را مستقلاً یا به دستور خارجی عمل کند. نهضت آزادی ایران با پیوند زدن نظریه فقهی ولایت فقیه به جمهوری اسلامی موافق نیست. در پیش‌نویس قانون اساسی تدوین‌شده توسط دولت موقت، چنین اصلی وجود نداشت و رهبر فقید انقلاب نیز با امضای پیش‌نویس یادشده در آن مقطع، به صراحت بر این نظر مهر تأیید نهادند که جمهوری اسلامی می‌تواند بدون ولایت فقیه نیز استوار شود. اما بر این باورم که تا زمانی که جنبش اصلاح‌طلبی نتواند ساختار حقیقی قدرت را تغییر بدهد، تغییر در ساختار حقوقی مشکل تاریخی ما را حل نمی‌کند.

در جمهوری اسلامی پاکستان، اصلی به نام ولایت فقیه وجود ندارد، اما نظامیان پاکستان از بدو تأسیس این جمهوری، قانون اساسی را نادیده گرفته و کودتا کرده‌اند. در جمهوری ترکیه، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، نظامیان بارها کودتا کرده‌اند و بازی را برهم زده‌اند. بی تردید ساختار حقوقی قانون اساسی ایران نیاز به واکاوی و اصلاح دارد، اما یک اشتباه راهبردی است اگر تصور شود در شرایط کنونی، تنها با تغییر در ساختار حقوقی مشکلات حل می‌شوند. بنابراین، به نظر ما، اصلاحات در ایران فقط روش و شیوه نیست، بلکه راهبرد نهضت آزادی‌خواهی ملت ایران محسوب می‌شود. جریانات برانداز و ساختارشکن در راستای تقویت فرآیند دموکراسی در ایران عمل نکرده و به نظر می‌رسد که اصولاً دغدغه‌ای برای تحقق حقوق و حاکمیت ملت ندارند.

دو طیف مخالفان اصلاحات که یکی در خارج، نظام جمهوری اسلامی ایران را غیرقابل اصلاح و دیگری در داخل، آن را بی‌نیاز از اصلاحات معرفی می‌کند، اگر چه به ظاهر مخالف هم هستند اما مانند دو لبه یک قیچی در راستای یک هدف قرار دارند



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۷۳

و امروزه، هر دو حرف‌های مشابهی می‌زنند و دشمنان و اهداف یکسانی را آماج گرفته‌اند. یکی به قانون اساسی جمهوری اسلامی اعتقاد و التزامی ندارد که بخواهد در آن چارچوب حرکت کند و دیگری هم اگرچه به ظاهر خود را معتقد می‌داند اما در عمل، التزامی به اصول آن نشان نمی‌دهد و با تاسی به قاعده «نومن ببعض و نکفر ببعض»، این میثاق ملی را بر اساس منافع فردی و گروهی، تفسیر به رأی می‌کند و قانون اساسی شده است شیر بی یال و اشکم. از این رو، رسالت و وظیفه‌ای که بر عهده ما قرار دارد، بسیار سنگین است. امثال ما در شکل‌گیری حکومتی نقش داشته‌ایم که امروز با تهدیدات جدی از بیرون و انحرافات شدید در درون روبه‌روست.

آزادی در ایران فراتر از یک خواست بوده و به مثابه ضرورتی تاریخی مطرح است. پیشرفت این مملکت و تحقق حقوق و حاکمیت ملت منوط به درجات نیل به آزادی و رسیدن به این سرمنزل، نیازمند رعایت هوشمندی، پایداری و حصول به وحدت است.

برادر اندیشمند، متعهد و فرهیخته‌ام!

من صاحب فتوا نیستم که بخواهم تکلیفی بر کسی روا دارم، اما تجربه بیش از شصت سال فعالیت و حضور در عرصه سیاست، حکم می‌کند که باور داشته و بر ترویج این باور بکوشم که دلسوزان و علاقه‌مندان به ایران و اسلام، در شرایط کنونی مجاز به تعلل، سکوت، انفعال و خدای ناکرده یأس و ناامیدی نیستند. پاسخگویی مسئولانه به بحران‌های عدیده‌ای که امروزه وطن و ملت ما با آنها در عرصه داخلی و بین‌المللی روبه‌رو هستند، بر عهده هر ایرانی و از جمله ما که در تأسیس و مدیریت این نظام نقش داشته‌ایم قرار دارد. پیامد تداوم وضع حاضر و عدم چاره‌اندیشی به موقع، به مراتب فراتر از مسئله حیات نظام جمهوری اسلامی است. تمامیت ارضی کشور، حفظ وحدت ملی و تداوم اعتبار باورهای اصیل و مترقی اسلامی، در گرو خروج با تدبیر از بحران‌های پیش‌روست. از این رو، مجدانه از شما می‌خواهم که از هیچ تلاشی در این مورد کوتاهی نکنید و در این مسیر، همان‌گونه که خود در هفته‌های اخیر ابراز داشته‌اید، همراه با نمایندگان تمامی گرایش‌های دموکراسی‌خواه و بر اساس خرد و عزم جمعی تمامی دوستداران دموکراسی و آزادی ملت ایران گام بردارید.

#### ۸۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

بار دیگر از لطف و محبتتان تشکر می‌کنم و امیدوارم در پرتو مسئولیت‌پذیری جناب‌عالی که پابندی خود را در شرایط دشوار نیز به اثبات رسانیده‌اید و با توجه به جایگاهی که در افکار عمومی ایران و جهان برخوردارید، بتوانید نقش‌آفرینی کرده و به نیازهای این جامعه و تکالیف ملی و اسلامی خود پاسخگو باشید.

با تقدیم احترام - دکتر ابراهیم یزدی

تهران ۱۴ مرداد ۱۳۹۱

## پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل چهارم

پیوست ۱- دکتر ابراهیم یزدی: مؤسسه کیهان در خدمت فرهنگ اسلامی به کار گرفته می‌شود

تهران- خبرگزاری پارس: دکتر ابراهیم یزدی که به فرمان امام امت از دیروز سرپرستی مؤسسه کیهان را بر عهده گرفته است، در گفتگویی با خبرگزاری پارس اعلام کرد: ظرف چند روز آینده تغییرات اساسی و بنیادی در مؤسسه کیهان داده خواهد شد که بر اساس آن مؤسسه کیهان به صورت یک نهاد و بنیاد مستقل، جدا از بنیاد مستضعفان با هدف‌های مشخص در خدمت فرهنگ اسلامی به کار گرفته می‌شود.

دکتر یزدی افزود: «روزنامه کیهان» از این پس باید بتواند در خط انقلاب اسلامی و در خط فرهنگ و پیشبرد این انقلاب حرکت کند که در واقع باید حرکت آن در خط امام و خط قرآن و اسلام باشد و تغییرات در این مؤسسه نیز تطبیق کامل کلیه بخش‌های این مؤسسه با چنین رسالت و هدف بزرگی است.

دکتر یزدی گفت: در شرایط حساس فعلی کوشش خواهیم کرد که مؤسسه کیهان را به صورت یک عامل اصلی یاری‌دهنده به وحدت کلیه گروه‌های سیاسی درآوریم و در این راه سعی می‌کنیم از هر نوع موضع‌گیری سیاسی و تحریک و شانتاژ دور باشیم. کیهان به واقع در خدمت بالا بردن بینش سیاسی و آگاهی ایدئولوژیک جامعه خدمت خواهد کرد و نمایانگر و آینه درستی از جامعه خواهد بود. دکتر یزدی در پایان در مورد درآمد این مؤسسه و نیز موضع تحریریه «کیهان» گفت: در آینده درآمدهای احتمالی این مؤسسه صرف توسعه اهداف آن می‌شود و هیچ وابستگی از این نظر به هیچ سازمان و گروهی نخواهد داشت. وی گفت: در مورد سرپرست تحریریه «روزنامه کیهان» نیز اشخاصی را در نظر دارم که از میان آنها و با مطالعه لازم کسی را که هرچه بیشتر از درک انقلابی برخوردار باشد و کاملاً در خدمت انقلاب اسلامی است، انتخاب کنم، ولی در هر حال بخش خبری کیهان به صورت یک هیئت تحریریه تحت نظر مستقیم خودم کار خواهد کرد.

دکتر ابراهیم یزدی :

## موسسه کیهان در خدمت فرهنگ اسلامی بکار گرفته می شود

دهنده به وحدت کلیه گروه های سیاسی در آوریم و در این راه سعی میکنیم که از هر نوع موضع گیری سیاسی و تحریک و شانناژ دور باشیم. کیهان بواقع در خدمت بالا بردن بینش سیاسی و آگاهی اینثولوجیک جامعه خدمت خواهد کرد و نمایانگر و آئینه درستی از جامعه خواهد بود. دکتر یزدی در پایان در مورد درآمد این موسسه و نیز موضع تحریریه کیهان گفت: در آینده درآمد های احتمالی این موسسه صرف توسعه اهداف آن میشود و هیچ وابستگی از این نظر به هیچ سازمان و گروهی نخواهد داشت وی گفت در مورد سرپرست تحریریه روزنامه کیهان نیز اشخاصی را در نظر دارم که از میان آنها و با مطالعه لازم کسی را که هرچه بیشتر از درک انقلابی برخوردار باشد و کاملاً در خدمت انقلاب اسلامی است انتخاب کنم ولی در هر حال بخش خبری کیهان بصورت یک هیئت تحریریه تحت نظر مستقیم خودم کار خواهد کرد.

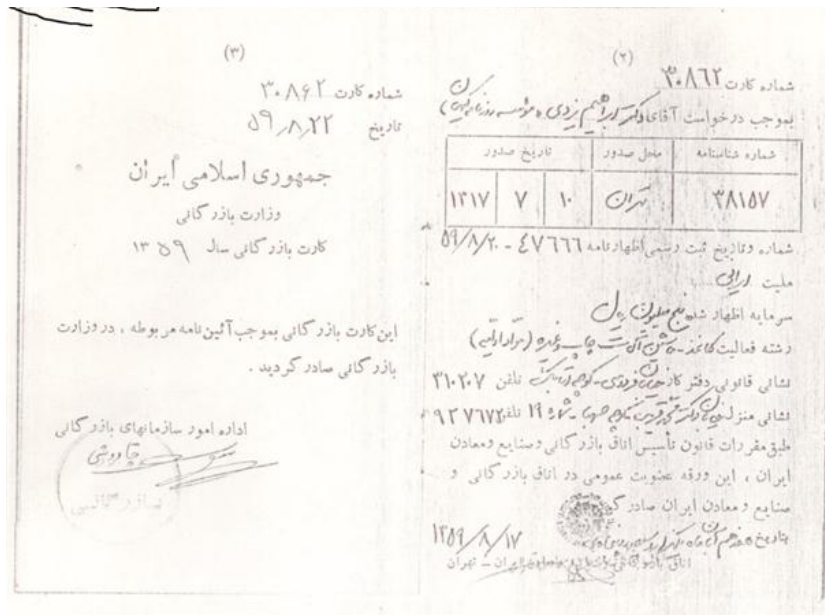
تهران - خبرگزاری پارس- دکتر ابراهیم یزدی که به فرمان امام امت از دیروز سرپرستی موسسه کیهان را به عهده گرفته است در گفتگویی با خبرگزاری پارس اعلام کرد :

ظرف چندروز آینده تغییرات اساسی و بنیادی در موسسه کیهان داده خواهد شد که براساس آن موسسه کیهان بصورت یک نهاد و بنیاد مستقل جدا از بنیاد مستضعفان باهدفهای مشخص در خدمت فرهنگ اسلامی بکار گرفته می شود.

دکتر یزدی افزود: روزنامه کیهان از این پس باید بتواند در خط انقلاب اسلامی و در خط فرهنگ و پیشبرد این انقلاب حرکت کند که در واقع باید حرکت آن در خط امام و خط قرآن و اسلام باشد و تغییرات در این موسسه نیز تطبیق کامل کلیه بخش های این موسسه با چنین رسالت و هدف بزرگی است .

دکتر یزدی گفت: در شرایط حساس فعلی کوشش خواهیم کرد که موسسه کیهان را بصورت یک عامل اصلی پاری

پیوست ۲ - کارت بازرگانی



پیوست ۳ - نامه به دادستان انقلاب اسلامی

شماره ۷۹۵۸ - تاریخ ۱۳۵۹/۸/۴

روزنامه کیهان

بسمه تعالی

جناب آقای قدوسی، دادستان کل انقلاب اسلامی ایران

همان طوری که مستحضر هستید چند ماه بعد از پیروزی انقلاب، عده‌ای از کارمندان و کارگران مؤسسه کیهان که حضورشان در مؤسسه، غیرضروری تشخیص داده شده بود، توسط مدیریت مؤسسه در آن زمان، با خرید شدند و به هر کدام مبلغ نسبتاً هنگفتی بابت با خرید سنوات خدمت آنها پرداخت گردید.

اخیراً شنیده شده که برخی از این افراد به سازمان‌های ذی ربط - نظیر تأمین اجتماعی - مراجعه کرده و درخواست حقوق بازنشستگی برای خود نموده‌اند، و این امر برخلاف عدالت و انصاف است که فردی هم مبلغ هنگفتی بابت با خرید خود بگیرد و هم برود

## ۸۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

جداگانه حقوق بازنشستگی مطالبه نماید؛ درحالی که برخی از همین افراد، نه تنها می‌بایستی بازخرید نمی‌شدند و حقوق هم پرداخت نمی‌شد، بلکه [باید] به دلیل سوابقشان مورد بازجویی و بازخواست هم قرار می‌گرفتند. با ارسال صورت اسامی این افراد، اسناد بازخریدی که امضا کرده‌اند، درخواست می‌شود حکمی صادر شود که اگر هریک از این افراد بخواهند حقوق بازنشستگی دریافت کنند، موظف هستند وجوه دریافتی را به مؤسسه کیهان پس بدهند.

با تشکر - دکتر ابراهیم یزدی - ۱۳۵۹/۸/۳

پیوست ۴ - طرح تهیه میکروفیلم برای بایگانی (آرشیو) کیهان

بسمه تعالی

برادر عزیز آقای دکتر ابراهیم یزدی

پیرو دستور جناب عالی مبنی بر تحقیق در مورد تبدیل آرشیو و بایگانی فعلی مؤسسه به بایگانی میکروفیلم، دو گزارش که از سوی آقای پژمان تهیه گردیده است، تقدیم می‌گردد. آقای پژمان جهت پاسخ به هر گونه سؤالی در این زمینه، آماده می‌باشند.

محمدحسین نصرت

بسمه تعالی

برادر عزیز آقای نصرت

پیرو مذاکراتی که با شما در رابطه با تحقیق در باره دستگاه‌های تهیه میکروفیلم بر روی آرشیو و سلیرمتون داشتم، تحقیقاتی صورت گرفته که نتیجه آن را در زیر به اطلاع شما جهت تصمیم‌گیری و ابلاغ آن می‌رسانم:

۱- پس از تحقیقات در باره شرکت‌های ذی‌نفع و نمایندگی کداک در تهران، واقع در چهارراه شیخ هادی سابق، شرکت رنگیران را جهت خرید لوازم میکروفیلم انتخاب نمودم. این انتخاب بر اساس دو دلیل مهم صورت گرفته است:

الف - شرکت و نمایندگی کداک بعد از انقلاب از آنجا که سرمایه‌اش آمریکایی بود، پس از مدتی به حال نیمه‌تعطیل درآمده و قرار است طی چند ماه آینده تعطیل شود. این اوضاع سبب شده که مسئولان شرکت، هرچه سریع‌تر کالاهای خود را با

## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۷۹

قیمت‌های بسیار نازل ارائه دهند تا مقدمات تعطیلی آنها فراهم شود. این مسئله در بازدیدی که از شرکت مزبور به عمل آمد، جنبه حقیقی به خود گرفته است. به عنوان نمونه، قیمت تمام دستگاه‌های میکروفیلم دربرگیرنده دو دوربین، یک دستگاه ظهور و یک دستگاه بازخوانی کلاً رقمی در حدود ۲۴۷۷۷۴۴ [دو میلیون و چهارصد و هفتاد و هفت هزار و هفتصد و چهل و چهار] ریال می‌شود که چنین رقمی بسیار نازل‌تر از قیمت واقعی بازار است.

ب - علی‌رغم اینکه شرکت در حال تعطیل است، ولی سرویس تعمیراتی دستگاه‌های میکروفیلم آن کماکان به کار خود ادامه خواهد داد. هم‌اکنون سرویس تعمیرات و بازدید میکروفیلم‌های وزارت دارایی و بانک ملی ایران را به عهده دارند. این دو مؤسسه از سیستم میکروفیلم استفاده می‌کنند؛ درحالی که سایر شرکت‌ها از امکان داشتن سرویس بی‌بهره هستند.

۲- در انتخاب دستگاه‌های موجود میکروفیلم، سه معیار در نظر گرفته شده است: الف - دستگاه‌ها قادر باشند حداقل ۱۵ الی ۲۰ سال حوائج مؤسسه را برطرف ساخته و از استحکام لازم و مرغوبیت خوبی برخوردار باشند و پیشرفت تکنولوژی در این زمینه را بتواند جذب نمایند.

ب - دستگاه‌ها بتوانند در ابعاد مختلف حتی روزنامه‌هایی که جمع‌آوری می‌شود را میکروفیلم نماید.

ج - در عین حال قیمت چنین دستگاهی برای مؤسسه، مقرون به صرفه باشد. با توجه به معیارهای فوق، دستگاه‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- دستگاه استارفایل مدل RV-2 با مشخصات زیر:

این دستگاه دوربین میکروفیلم می‌باشد و ابعاد آن حداکثر ۵/۲۹ در ۱/۳۸ سانتی متر است. این دستگاه قادر است در یک دقیقه ۶۰ سند فیلم بگیرد. می‌تواند ۲۶۰۰ سند را به‌طور متوسط در یک حلقه فیلم ۱۰۰ فوت میکروفیلم کند. نور دستگاه به‌طور اتوماتیک تنظیم می‌شود. دستگاه می‌تواند اسناد را ۱/۲۲ یا ۱/۲۷ کوچک نماید. و خصوصیت دیگر این دستگاه این است که می‌توان در آن واحد هر حلقه فیلم ۱۶ میلی‌متری و یا ۳۵ میلی‌متری را در دستگاه گذاشته و از یک سند شش حلقه فیلم تهیه

## ۸۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نمود که حلقه‌ای را در اختیار آرشیو و حلقه دیگر را در جای امن دیگری آرشیو کرد تا اگر احتمالاً آتش‌سوزی رخ داد، حلقه دیگری باقی بماند. قیمت این دستگاه با تخفیف ۱۷۷۰۵۷۶ ریال می‌باشد.

۲- دستگاه دوربین دیگر رکورداک میکروفیل، مدل ۳۰/۲ می‌باشد. این دستگاه از دستگاه قبلی بزرگ‌تر است و حداکثر ابعاد آن ۴۲ در ۷۵ سانتی‌متر است که برای میکروفیل کردن روزنامه و کلیه اسنادی با این ابعاد لازم است. از دقت لازم برخوردار و دارای استحکام زیادی است. قیمت آن ۱۱۰ هزار تومان می‌باشد. می‌توان دستگاه قبلی را از برنامه حذف نمود، ولی این دستگاه را حتماً خرید؛ زیرا قادر است هم اسناد کوچک و هم اسناد بزرگ را میکروفیل نماید. اگر امکان مالی مؤسسه ایجاب کند، بهتر است هر دو دستگاه را خریداری کرد. دستگاه اول را می‌توان در خود آرشیو کنونی مؤسسه مستقر ساخت و کارهای کوچک را با آن انجام داد.

۳- دستگاه ظهورفیلیم: برای ظهورفیلیم‌های میکروفیلیم شده دستگاه ظهورفیلیم prostar پیشنهاد می‌شود. این دستگاه قادر است میکروفیلیم‌های ۱۶ میلی‌متر و ۳۵ میلی‌متر را به‌طور اتوماتیک با سرعت فوت در دقیقه ظاهر کند. برای استفاده از این دستگاه احتیاجی به تاریکخانه نمی‌باشد.

۴- برای بازخوانی اسناد میکروفیلیم‌شده، دستگاه Rollfilm Reader 322 پیشنهاد می‌شود.

۵- دستگاه قادر است شکل را تا ۳۲۰ دور برگرداند. دستگاه فتوکپی Kodak printer قادر است فتوکپی به اندازه استاندارد ۸/۵ - ۱۱ را ارائه دهد. قیمت دستگاه ۳۱۰۰۳۲ ریال است. دستگاه بازخوانی را می‌توان بر اساس احتیاجات و مراجعات به آرشیو در چند جای متفاوت از یک‌الی چند عدد مستقر ساخت.

پرسنل لازم برای کار با هر دستگاه دوربین ظهور بازخوانی، حداقل یک نفر متخصص میکروفیلیم با حقوق حداقل ۵ تا ۶ هزار تومان پیشنهاد می‌شود. برای آرشیو کردن حلقه‌های فیلم و تهیه پرونده‌های روزانه‌ای آرشیو می‌توان از پرسنل موجود مؤسسه در بخش آرشیو استفاده نمود.

مکان لازم برای کار، اتاقی حداقل ۳ در ۴ متر با آب گرم مورد نیاز است.



## مدیریت مؤسسه کیهان □ ۸۸۱

۶- قیمت هر حلقه فیلم ۱۶ میلی‌متر یا ۳۵ میلی‌متر در بازار آزاد ۱۰۰۰ ریال است. اگر در نمایندگی‌ها در شرایط کنونی موجود باشد ۴۲۰ ریال و اگر خود مؤسسه مستقیماً وارد نماید، از این مبلغ نیز کمتر خواهد شد.

۷- برای میکروفیلم کردن یک میلیون سند ۱۶۹۶۰۰۰ ریال فیلم حلقه‌ای ۴۲۰ ریال لازم است.

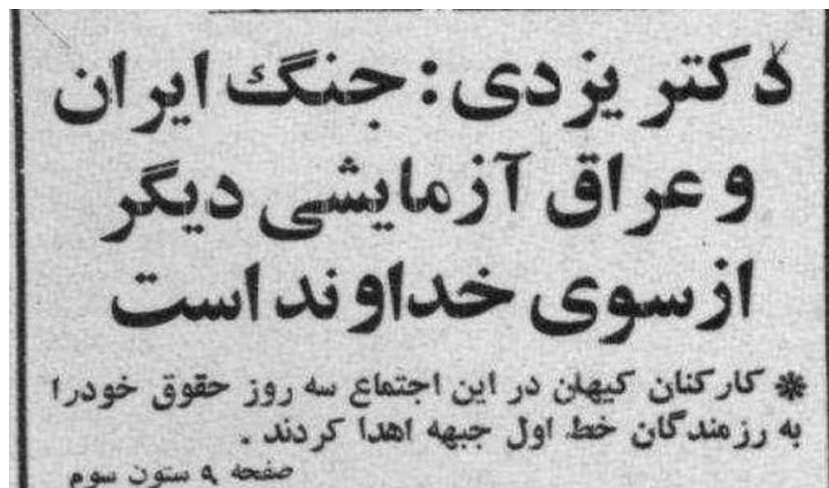
۸- بنابراین، آرشیو میکروفیلم‌ها جای بسیار کمی خواهد گرفت.

۹- قیمت کل چهار دستگاه مزبور ۲۴۷۷۷۴۴ ریال است که هنوز جای گرفتن تخفیف را دارد.

۱۰- برای بستن قرارداد خرید، پیشنهاد می‌شود از فرد مورد اطمینان برای مؤسسه استفاده شود تا امکان سوءاستفاده‌های پنهانی و زدوبند موجود نباشد.

با احترام - محمد پژمان - ۱۳۵۹/۶/۳

پیوست ۵- کمک مؤسسه کیهان به جبهه‌های جنگ



پیوست ۶ - حمله هاشمی رفسنجانی به روزنامه کیهان

# رفسنجانی: ما امریکا را از اول دشمن میشناختیم

\* هاشمی رفسنجانی: انتظار نداشتیم که باین زودی روزنامه کیهان همان نقشی را که آیندگان در برابر مجلس خبرگان داشت در برابر مجلس شورای اسلامی داشته باشد.

\* دکتر یزدی: هیچ انتظار نداشتیم که آقای هاشمی از متد تکفیر استفاده کنند.

\* من قضاوت در این مورد را بامام که این ماموریت را بمن داده اند و بملت واگذار می کنم.

\* هاشمی رفسنجانی: حمله پلیس امریکا به دانشجویان مسلمان در واشنگتن مساله ای نیست که ملت ایران و مجلس شورای اسلامی از آن به سادگی بگذرد و چیزی نیست که در سرنوشت گروه گانها بی تاثیر باشد.

صفحه ۲ - ستون چهارم

پیوست ۷- یادداشت‌های سردبیری، مقالات و مصاحبه‌ها

اینکه نباید سانسور باشد یک اصل اسلامی است

کیهان در خط واسط و شاهد

تغییر وزیر خارجه آمریکا، سیاست خارجی آن کشور را عوض نمی‌کند

خط‌مشی کیهان: خط واسط و شاهد

حادثه ترمینال خزانه

با تمام نیرو در انتخابات شرکت کنیم و ضد انقلاب را مایوس سازیم

مقتضی است همه ملت در رأی شرکت کنند (امام خمینی)

آزادی آدمی در گرو شناختن و سپس نفی الهه‌هاست

افتتاح مجلس و پایان دوره انتقالی (۱)

قاتق نان و قاتل جان (۲)

سازماندهی متمرکز و پراکنده (۳)

اندر عزت و شقاق سرمایه‌داری و خشت بر آب زدن کارتر

محاكمه عملکرد آمریکا - آزادی گروگان‌ها بدون محاكمه آمریکا یک خیانت بزرگ

تاریخی خواهد بود

فرهنگ شاه‌گونه و راندگی در تهران

گزارشی به موکلین

محاكمه آمریکا را شروع کنید

مسئول کیست؟

امام نگران چیست؟

پاسخ به روزنامه جمهوری اسلامی

سلام بر کشاورزان

به کجا می‌روید؟

جزئیات تشکیل سپاه پاسداران از زبان یکی از بنیان‌گذاران آن

حق چیست و باطل کدام است (۱)

اولویت، حفظ مدینه و دارالسلام است (۲)

## ۸۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

امام با قاطعیت مرزها را مشخص نمود (۳)

مجلس اسلامی و ملی

حیثیت روحانیت

بیماری ضد نظام، یک خطر جدی

گزارش به موکلین: رأی کبود به آیت

تلگرام به آیت الله مشکینی

درک زشتی‌ها و شرمساری نوع انسان

بدون روتوش

دکترین امنیت ملی

انقلاب در دو مرحله تخریب و خلاقیت

مکتب و جامعه

مشکلات سیاسی - اجتماعی، ناشی از یک دوره انتقالی است

کودتا در ترکیه (۱)

کودتا در ترکیه (۲)

کودتا در ترکیه (۳)

به استان سیستان و بلوچستان بیشتر توجه شود

حمله نظامی صدام حسین (۱)

حمله نظامی صدام حسین (۲)

حمله نظامی صدام حسین (۳)

حمله نظامی صدام حسین (۴)

جنگ سرنوشت‌ساز

نامه سرگشاده به نمایندگان مجلس شورای اسلامی

قراردادهایی برای ما قابل قبول است که متضمن حفظ مصالح ملت ما باشد

سقوط صدام نزدیک است

دلایل بی اساس عراق در حمله نظامی به ایران (۱)

دلایل بی اساس عراق در حمله نظامی به ایران (۲)

هدف جنگ، پایان دادن به استبداد حاکم بر عراق

پاسداری از قانون اساسی (۱)

پاسداری از قانون اساسی (۲)

پاسداری از قانون اساسی (۳)

متن کامل این مقالات در: «مجموعه آثار، جلد سوم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۵۹» آمده است.



پیوست ۹- نامه ۸۲ امضایی







پیوست ۱۱- اعلام جرم دکتر آیت علیه دکتر یزدی

**آیت علیه یزدی**  
**اعلام جرم کرد**

دکتر حسن آیت نماینده مجلس شورای اسلامی در نامهای به آیتالله قوسی، دادستان کل انقلاب، علیه دکتر ابراهیم یزدی سرپرست روزنامه کیهان اعلام جرم کرد.

در این نامه آمده است: در شماره یکشنبه ۱۳۵۹ روزنامه کیهان مطالب توهین آمیزی که متضمن تهمت و افترا علیه اینجانب بود، از طرف آقای دکتر یزدی سرپرست این روزنامه منتشر شده است که از هر جهت قابل تعقیب جزائی است.

نامبرده در این مقاله بنا بر کاربرد کلمات و اصطلاحاتی نظیر اشغال به فساد و نادرستی و یک سلسله مطالب بی اساس، بی تحقیق و بیادب و غیره که در اینجانب و اینجانب گردیده است و بر اساس کلیه موازین اخلاقی و قوانین کفری جمهوری اسلامی باید مورد تعقیب قرار گیرد.

دکتر آیت در بحث دیگری از نامه خود با اشاره به اینکه مخالفین شورای معیوب ساختن او و سایر نمایندگان مجلس شورای اسلامی پرونده ساخته بودند، یادآور شده است: آقای دکتر یزدی که نه بدلیل محتویات پرونده، بلکه به دلیل وابستگیهای گروهی که به جبهه ملی و نهضت آزادی دارد، مثل سایر اعضای این گروه رایگود به اعتبارنامه من داده اند.

درجای دیگر از این نامه آمده است: در شرایطی که کمیسیون تحقیق و رسیدگی و چهارده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که نمایندگان فاطمی ملت ایران هستند حکم به سزایست اینجانب و بوجه پرونده سازاک داده اند، شما باز هم حق دارید بصراف اینکه بر اساس باور شما مجرمیت من مسلم بوده است یا چنین میوه و گستاخانه در روزنامه ای که مسئولیت اداره آن به شما چه عنوان یک امانت منظر واگذار شده است، منتشر سازید؟

آیت در پایان نامه خود می نویسد: جناب آقای دادستان محترم انقلاب من به صراحت اعلام میکنم که اگر این برنامه غیر قانونی در مورد سید حسن آیت شروع شده است، ولی به آیت ختم نمی شود. این توطئه ایست که می خواهند علیه کلیه افراد معتقد به این انقلاب اسلامی تکرار نمایند.

اینجانب به منظور دفاع از حریت و آزادی خود که شریک و انقلابی است، دفاع از آن هستم و به منظور حفظ و صیانت انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران که مایه با تمام وجود از آن دفاع کنم بر اساس ماده ۲۴ لایحه قانون مطبوعات مصوب ۳۸ شهریورماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب تقاضای تعقیب سریع آقای دکتر

## نمایه

<p>استبداد، ۱۹، ۲۰، ۱۰۲، ۱۵۲، ۴۸۸، ۴۹۱، ۴۹۳، ۵۴۷، ۵۵۶، ۶۱۳، ۶۳۴، ۶۳۷، ۶۴۵، ۶۴۹، ۸۲۲، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۹، ۸۶۶، ۸۶۹، ۸۷۱، ۸۸۵، اسلحه، ۲۷، ۶۲، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۳۳، ۲۷۶، ۴۸۰، ۵۱۰، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۳، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۲۵، ۶۳۹، اشراق، ۱۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۱۷، ۲۴۸، ۵۳۵، اطلاعیه، ۱۵۵، ۱۷۵، ۱۷۸، ۲۲۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۴۲، اطلاعیه‌ها، ۱۵۸، اعتراضات، ۲۸، ۵۲، ۶۹، ۱۴۹، ۱۶۰، ۲۲۸، ۵۰۳، ۵۲۵، ۵۳۹، ۸۶۸، اعلامیه، ۲۳۱، ۴۵۰، اعلامیه‌ها، ۲۷، ۱۵۸، ۷۵۹، ۸۰۸، افغانستان، ۴۰، ۴۲، ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۷۰، ۷۴، ۹۰، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۵۷، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۲۰، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۵</p>	<p>ارتش، ۷، ۸، ۱۶، ۴۲، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۳۶، ۲۴۵، ۳۰۷، ۳۲۹، ۴۷۸، ۴۷۹، ۵۰۸، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۳۰، ۵۳۷، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۶۰، ۵۸۰، ۵۸۳، ۶۴۶، ۷۳۶، ۷۷۰، ۷۷۷، ۷۸۴، ۸۱۲، ۸۳۶، ارگان، ۶۸۷، ۷۰۲، ۷۲۳، ۷۲۶، ۷۲۹، ۷۳۲، ۷۳۷، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۶۴، ارگان‌ها، ۲۹، ۳۴، ۵۶۶، ۷۲۸، استانداری، ۱۰، ۵۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۴۰، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۰، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۰۳، ۲۵۰۶، ۲۵۰۷، ۲۵۱۰، ۲۵۱۱، ۲۵۱۲، ۲۵۱۵، ۲۵۲۵، ۲۵۲۶، ۲۵۲۹، ۲۵۳۰، ۲۵۳۷، ۲۵۵۲، ۲۵۵۳، ۲۵۵۴، ۲۵۶۰، ۲۵۶۸، ۲۵۸۳، ۲۶۰۷، ۲۶۱۰، ۲۶۱۱، ۲۶۱۲، ۲۶۱۴، ۲۶۱۵، ۲۶۱۶، ۲۶۱۷، ۲۶۱۸، ۲۶۲۱، ۲۶۲۲، ۲۶۲۴، ۲۶۲۶، ۲۶۲۷، ۲۶۲۸، ۲۶۲۹، ۲۶۴۰، ۲۶۴۲، ۲۶۴۸، استانداری، ۲۹، ۳۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۷۲، ۲۱۶، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۷، ۲۵۰۳، ۲۵۳۴، ۲۵۵۲، ۲۵۶۸، ۲۵۸۹، ۲۶۰۹، ۲۶۱۶، ۲۶۱۸</p>
---	---

نمایه □ ۸۹۱

۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۳۷، ۲۴۹، ۴۲۶،  
 ۴۸۰، ۴۹۱، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۳۰،  
 ۵۵۲، ۵۶۱، ۵۶۹، ۵۷۴، ۵۸۰، ۶۲۱، ۶۳۱،  
 ۶۴۱، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۲،  
 ۶۹۳، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۹، ۷۳۱،  
 ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۶۱، ۷۷۱، ۷۸۶، ۸۰۳، ۸۰۶،  
 ۸۱۳، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۲۹، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۵،  
 ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۵، ۸۵۹، ۸۷۵، ۸۷۷،  
 اهل سنت، ۸، ۱۲، ۱۳، ۲۱، ۴۹، ۶۴، ۶۵، ۷۴،  
 ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳،  
 ۱۲۴، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۷۵، ۱۷۸، ۲۱۹، ۲۳۱،  
 ۳۳۸، ۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۱،  
 ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۵، ۵۲۷،  
 ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۵۳، ۵۶۱، ۵۶۲،  
 ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۶۶، ۶۰۴، ۶۰۸، ۶۱۲، ۶۳۰،  
 ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۶۳  
 اهواز، ۱۴، ۶۴۷، ۷۵۶  
 ایرانشهر، ۱۰، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۶،  
 ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۱۰۱،  
 ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۶۷، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷،  
 ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۱۹،  
 ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۶، ۴۴۵،  
 ۴۴۸، ۴۶۳، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۳۶، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۹۰،  
 آذربایجان، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۵۸، ۷۷،  
 ۱۸۳، ۶۴۳، ۶۴۴، ۷۱۷  
 آرمان مستضعفین، ۵۳۲  
 آشوب، ۱۱، ۹۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۷۶،  
 ۲۲۳، ۴۷۵، ۴۹۸، ۵۱۲، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳،  
 ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۹،  
 ۵۸۲، ۵۸۶، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۲۰، ۶۲۷، ۸۷۰

۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۹۴، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۲۳،  
 ۵۳۲، ۵۶۳، ۵۶۹، ۵۷۷، ۵۸۱، ۷۱۰، ۷۲۸  
 امام خمینی، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۲۵، ۲۸،  
 ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۸۴، ۸۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱،  
 ۱۱۹، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۹۵، ۲۰۷،  
 ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۴۹، ۲۸۷،  
 ۲۹۰، ۳۸۲، ۴۰۴، ۴۲۶، ۴۳۵، ۴۷۵، ۴۹۱،  
 ۴۹۶، ۵۰۱، ۵۲۰، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۷، ۵۵۲،  
 ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۲، ۵۹۲،  
 ۵۹۴، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۲۱،  
 ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۲،  
 ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۳۸، ۶۶۳، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۱۰،  
 ۷۱۳، ۷۳۳، ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۱۶، ۸۸۳  
 امنیت، ۷، ۷۲، ۷۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹،  
 ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴،  
 ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۶، ۱۹۷،  
 ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۴۴، ۲۴۷،  
 ۲۴۸، ۳۲۰، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۲، ۴۸۹، ۵۰۰،  
 ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۴۵، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۰،  
 ۵۶۵، ۵۷۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۲،  
 ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۴۰، ۶۴۸، ۷۱۶،  
 ۸۱۴، ۸۲۲  
 امنیتی، ۷، ۲۷، ۳۷، ۳۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۲،  
 ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۹۶، ۳۰۰، ۴۷۸، ۴۹۲،  
 ۵۷۱، ۵۸۲، ۵۸۶، ۸۷۰  
 انجمن اسلامی، ۱۶، ۵۱، ۵۲، ۷۶، ۸۶، ۴۸۱،  
 ۵۷۵، ۶۳۶، ۶۴۵، ۶۹۰، ۶۹۵، ۷۲۹، ۷۳۰،  
 ۷۳۲، ۸۵۳  
 انقلاب اسلامی، ۹، ۳۵، ۸۱، ۹۴، ۱۰۰، ۱۴۴،  
 ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۷،  
 ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۳

۸۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳،  
۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰

بلوچان، ۷۹

بلوچها، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۵۶،  
۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۸، ۷۲، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۱۱۳،  
۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹،  
۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۸، ۱۷۱،  
۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶،  
۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۲،  
۲۱۴، ۲۲۰، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۷،  
۴۹۴، ۴۹۵، ۵۰۰، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۲،  
۵۱۴، ۵۱۶، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۲،  
۵۳۳، ۵۴۳، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸،  
۵۶۷، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۹

بلوچی، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۴۶، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۱، ۱۶۵،  
۱۷۹، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۴، ۲۳۴، ۲۴۶، ۴۷۹،  
۵۳۲، ۵۲۹

بمپور، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۵۶، ۶۸، ۷۴، ۸۲، ۱۸۱

بندر ترکمن، ۶۳۷

بندر دیلم، ۱۴، ۶۴۱

بندر لنگه، ۱۳، ۲۰، ۲۲، ۳۵، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹،  
۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶،  
۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴،  
۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱،  
۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۸، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴،  
۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۳

پاکستان، ۷، ۹، ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۶۳،  
۹۰، ۱۰۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰،  
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹،  
۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹،  
۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۸۲

آیت، دکتر حسن آیت، ۷۴۶، ۷۵۹، ۸۰۲،  
۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۷

بازرگان، مهدی، مهندس مهدی بازرگان، ۸،  
۱۴، ۸۶، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۹۵،  
۲۴۸، ۲۴۶، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹،  
۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۶،  
۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۸۱، ۳۹۳، ۷۲۰، ۷۳۲،  
۷۳۶، ۷۶۶، ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶،  
۸۲۹، ۸۴۲، ۸۵۸، ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۶۷، ۸۶۹

بامی استار، ۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۳۷۶

بیرمان، ۳۹، ۴۶، ۱۵۸، ۲۰۱

بلوچ، ۶، ۸، ۱۰، ۳۸، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹،  
۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۵، ۶۷،  
۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸،  
۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰،  
۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹،  
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷،  
۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷،  
۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۹،  
۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷،  
۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹،  
۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷،  
۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،  
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۲۰، ۲۲۴،  
۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۴۶،  
۳۷۹، ۳۸۵، ۴۸۰، ۴۷۹، ۴۷۵، ۴۸۶،  
۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۴،  
۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۲،  
۵۱۴، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹،  
۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۵۰،  
۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۴



## ۸۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

چپ‌ها، ۱۱، ۵۲۹، ۵۸۶، ۸۴۳، ۸۵۷	حزب نشنال عوامی، ۱۲۷
چریک‌های فدایی خلق، ۴۹۸، ۵۳۲، ۶۳۹	حزب نیشنال دموکرات پاکستان، ۷، ۱۴۳
۷۳۲، ۷۴۴، ۸۰۳، ۸۴۲، ۸۵۸	۳۲۲
حزب اتحاد المسلمین، ۸۲، ۱۷۰، ۱۷۵، ۲۳۰	حزب‌الله، ۵۳۴
۲۳۳، ۲۴۸، ۵۰۳، ۵۱۱، ۵۵۴	حزب‌اللهی، ۵۳۴
حزب اسلامی افغانستان، ۵۷۷	حنفی، ۴۳، ۴۶، ۵۴، ۱۷۹، ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۴
حزب الفرقان ایران، ۱۲۱	۲۰۱، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۵، ۴۹۹
حزب ایران نوین، ۱۶۷	خاتمی، سیدمحمد خاتمی، ۱۷، ۸۲۸، ۸۲۹
حزب بعث عراق، ۷۵۸	۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۲، ۸۵۸، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۷۱
حزب پیراهن سرخان، ۱۲۶	خاش، ۱۱، ۴۴، ۴۷، ۵۶، ۶۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴
حزب تحریک استقلال پاکستان، ۷، ۱۴۲	۱۰۲، ۱۱۹، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۸۱، ۱۸۷
۳۲۱	۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۳۱، ۲۴۲، ۲۴۶
حزب توده، ۱۱۶، ۲۳۲، ۶۹۰، ۶۹۲، ۷۲۹	۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۲، ۴۹۶، ۵۰۹، ۵۱۳
۸۴۲، ۸۵۷، ۸۵۸	۵۱۸، ۵۲۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۶
حزب جمهوری، ۹، ۱۶، ۵۳، ۸۶، ۱۰۰، ۱۵۴	۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۶۰
۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۰	خاقانی، آیت الله شیخ محمدطاهر آل شبیر
۲۱۴، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۱۰، ۵۷۵، ۶۳۴، ۶۳۹	خاقانی، ۱۴، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰
۶۴۰، ۶۴۴، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۵۸، ۷۶۰	۶۸۱
۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۶۹، ۷۷۴، ۸۰۲، ۸۶۵	خامنه‌ای، ۲۱، ۳۰، ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۹۶، ۲۱۴
حزب خلق مسلمان، ۶۴۳، ۶۴۴	۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۳
حزب دمکرات خلق بلوچستان، ۱۰۲	خان، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۳
حزب دمکراتیک بلوچستان، ۱۱۶	۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۵۴، ۱۶۱
حزب دموکرات، ۵۵۱، ۷۴۴	۱۷۱، ۱۸۶، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۴۱، ۲۴۶
حزب رستاخیز، ۱۰۸، ۱۶۸، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۳۰	۴۸۲، ۴۸۹
حزب زحمتکشان، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۹، ۷۹۸	خان‌ها، ۶، ۸، ۶۳، ۶۴، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۷
۸۰۱	۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۵۹
حزب عوامی ملی پاکستان، ۱۴۰، ۱۴۸	۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۰۱
حزب کمونیست، ۸۳۹، ۸۶۵	۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۱۸، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۵
حزب کمونیست شوروی، ۸۴۰، ۸۶۵	۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۲۰، ۵۲۳
حزب مسلم‌لیگ، ۱۲۶	۵۲۴، ۵۲۸، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۷
حزب ملت ایران، ۷۹۴	

نمایه □ ۸۹۵

رفراندوم، ۱۰، ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۶،  
 ۱۷۸، ۲۱۹، ۲۳۵، ۴۶۳، ۴۹۸، ۶۵۱  
 روحانی، ۹، ۲۰، ۴۹، ۱۳۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۲،  
 ۴۱۸، ۴۹۰، ۶۱۰، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۳۴، ۶۹۰،  
 ۷۲۴، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۳۷، ۷۵۶، ۷۶۱، ۸۲۸،  
 ۸۶۵، ۸۷۱  
 روحانیان، ۲۱، ۴۷۹، ۴۹۱، ۵۰۴، ۵۱۵، ۵۱۸،  
 ۵۲۸، ۵۶۲، ۵۶۷، ۶۳۵، ۶۳۷، ۶۵۱، ۶۸۷  
 روحانیت، ۶، ۴۹، ۵۶، ۵۷، ۶۴، ۶۵، ۷۴، ۱۷۵،  
 ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۵، ۲۴۸، ۴۸۹،  
 ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۶۴، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۹، ۶۲۰،  
 ۶۲۱، ۶۲۹، ۷۳۳، ۸۸۴  
 روحانیون، ۵۳، ۵۸، ۷۷، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۶۰،  
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۹۶،  
 ۲۰۶، ۲۳۸، ۵۳۴، ۵۶۸، ۶۱۶، ۶۲۱، ۷۳۳،  
 ۷۶۶، ۷۷۳  
 روزنامهٔ کیهان، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۲۴۶، ۲۴۹، ۵۶۵،  
 ۶۰۴، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۶،  
 ۶۹۸، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵،  
 ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۰،  
 ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۴۲،  
 ۷۵۵، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۲، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۵،  
 ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۰، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸،  
 ۸۲۴، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۴، ۸۳۸، ۸۵۸، ۸۶۴،  
 ۸۶۶، ۸۷۵، ۸۷۷، ۸۸۲  
 زایل، ۶، ۱۱، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۵۶، ۵۷،  
 ۶۰، ۷۱، ۷۵، ۷۶، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۲، ۹۴،  
 ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۴۶، ۱۵۸، ۱۸۱، ۱۹۸،  
 ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۴۸، ۴۹۶،  
 ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۳۳، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸،  
 ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۸۹، ۵۹۰

خمینی، آیت الله خمینی، ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۱۱۹،  
 ۱۴۳، ۵۲۰، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۷۷، ۶۰۷، ۶۱۰،  
 ۶۲۹، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴،  
 ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۸۷، ۶۹۱، ۶۹۳، ۷۲۹،  
 ۷۳۲، ۷۶۶، ۷۷۲، ۸۰۷، ۸۱۲، ۸۱۹، ۸۲۸،  
 ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۸  
 خوانین، ۵۴، ۸۷، ۹۰، ۹۴، ۹۵، ۹۹، ۱۰۵،  
 ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲،  
 ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۸۵،  
 ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۲۱،  
 ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۵۹، ۵۸۳، ۶۵۱،  
 خوزستان، ۱۴، ۱۹، ۴۸، ۱۹۷، ۶۴۱، ۶۴۵،  
 ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۷۱۵، ۷۵۶  
 دادگاه انقلاب، ۱۱، ۱۰۰، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱،  
 ۲۰۴، ۵۱۳، ۵۲۳، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۲، ۶۵۰،  
 ۶۹۶، ۷۶۱، ۷۸۵  
 درگیری، ۱۳، ۲۰، ۲۷، ۶۰، ۶۱، ۷۲، ۱۹۶،  
 ۲۰۵، ۲۳۳، ۴۸۴، ۴۹۳، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴،  
 ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲،  
 ۵۲۹، ۵۳۳، ۵۳۷، ۵۸۲، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹،  
 ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۸، ۶۳۷، ۶۴۳، ۶۵۱،  
 ۷۴۳، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۵۷  
 درگیری‌ها، ۱۳، ۲۰، ۲۱، ۲۸، ۲۳۴، ۲۴۷،  
 ۵۱۵، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۹۷، ۶۰۹، ۶۱۲، ۶۳۵،  
 ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۸۷، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۶۰،  
 راجه زرمبش، یک گروهک چپی بلوچ، ۵۳۲  
 رادیو - تلویزیون، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۵  
 راهپیمایی، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۳۵، ۲۱۹، ۲۳۰،  
 ۲۳۱، ۲۴۸، ۴۵۴، ۵۰۵، ۵۳۵، ۶۰۸، ۶۱۴،  
 ۶۱۵، ۶۲۵، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۴۷، ۷۳۱،  
 ۷۶۲، ۷۶۳، ۸۱۶

۸۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

سازمان، ۸، ۱۰، ۵۰، ۶۰، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳	زاهدان، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴
۸۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۰	۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۶۴
۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۰	۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۶، ۱۰۴
۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۹۳، ۲۰۶، ۲۲۷، ۲۲۸	۱۰۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷
۲۴۰، ۲۴۱، ۳۷۵، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۷۶، ۴۸۴	۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴
۴۸۹، ۴۹۸، ۵۱۷، ۵۲۴، ۵۵۰، ۶۳۶، ۶۴۵	۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶
۶۴۶، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۳، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۱۳	۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۰
۷۱۴، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۵	۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹
۷۶۵، ۷۹۴، ۷۹۶، ۸۰۳، ۸۲۲، ۸۲۶، ۸۲۹	۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲
۸۳۱، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۸، ۸۵۵، ۸۵۸، ۸۶۴	۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳
۸۶۵، ۸۷۵	۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱
سازمان خلق عرب ایران، ۶۴۶	۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۰، ۲۴۱
سازمان دانشجویان بلوچ، ۸۱، ۱۳۱، ۱۳۹	۴۲۶، ۴۴۴، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۵، ۴۸۰، ۴۸۳
۱۴۰، ۱۴۷، ۱۴۸	۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۸، ۵۰۲
سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان، ۸، ۱۰	۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸
۱۵۹، ۱۶۰، ۲۲۷، ۲۲۸، ۳۷۵، ۴۴۸	۵۲۰، ۵۲۴، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳
سازمان مجاهدین خلق، ۸۶، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۳	۵۳۵، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۸
۷۳۸، ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۴۵، ۸۰۳، ۸۶۴، ۸۵۸	۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۷
سازمان مجاهدین اهل سنت، ۱۲۱، ۱۲۲	۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۸۶، ۵۹۶، ۵۹۷
سازمان‌ها، ۱۵۹، ۱۹۱، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۶، ۴۳۶، ۵۶۰	ژاندارمری، ۷، ۸، ۱۳، ۴۲، ۴۸، ۶۲، ۷۳، ۸۸
۷۳۶، ۷۴۳، ۸۳۰	۹۵، ۹۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰
سیاه پاسداران، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸	۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۳
۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۴۸، ۵۰۰	۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۹۰
۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۵	۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۰
۵۳۷، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۴۷، ۵۵۲، ۵۵۵، ۶۱۰، ۶۱۱	۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۳۵
۶۱۳، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲	۲۴۷، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۳۹، ۲۳۷، ۲۴۸، ۲۵۰۳
۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۵۸	۵۳۵، ۵۳۷، ۵۵۲، ۵۶۰، ۵۸۸، ۶۰۸، ۶۰۹
۶۹۷، ۷۴۴، ۸۸۳	۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷
سراوان، ۸، ۹، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۶، ۶۰، ۷۲	۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷
۷۴، ۸۰، ۸۱، ۱۵۶، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۶	۶۲۸، ۶۵۳، ۶۵۸



## نمایه □ ۸۹۷

۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۱،  
 ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵  
 شعار، ۱۳۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۱، ۵۱۲، ۵۳۳،  
 ۵۳۵، ۵۵۹، ۶۴۷، ۷۴۴، ۸۱۹، ۸۵۸، ۸۶۹  
 شعارنویسی، ۸، ۱۵۶  
 شورای انقلاب، ۵، ۱۲، ۲۰، ۲۱، ۲۹، ۳۰، ۳۱،  
 ۳۳، ۳۴، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷،  
 ۲۰۹، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۱، ۴۸۷، ۵۰۲، ۵۵۶،  
 ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۲، ۶۱۸، ۶۳۸، ۶۸۷، ۷۰۳،  
 ۷۲۰، ۸۱۷، ۸۲۸، ۸۳۴  
 شوروی، اتحاد جماهیر شوروی، ۷، ۱۵، ۱۰۲،  
 ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،  
 ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۴،  
 ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۴۷۶،  
 ۴۷۸، ۵۳۲، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۸۱، ۷۱۴، ۷۱۵،  
 ۷۱۸، ۸۲۷، ۸۳۲، ۸۳۹  
 شهربانی، ۸، ۷۲، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۹۰،  
 ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۳۵، ۲۴۷، ۳۳۸،  
 ۴۷۷، ۵۰۳، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۵۵، ۶۱۲،  
 ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۷،  
 ۶۲۸، ۶۳۶، ۸۰۷  
 شیعه، ۹، ۲۰، ۲۱، ۴۱، ۴۹، ۵۴، ۵۶، ۶۱،  
 ۶۴، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۹۷، ۱۰۲، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۸،  
 ۱۵۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۴، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۳،  
 ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۴۸، ۴۱۸، ۴۷۸، ۴۸۰،  
 ۴۸۲، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۶، ۴۹۹،  
 ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۵، ۵۲۸، ۵۳۳، ۵۵۶،  
 ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۹۷، ۶۱۲،  
 ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۱، ۸۶۰  
 شیعیان، ۹، ۱۳، ۱۵، ۲۱۲، ۴۱۸، ۴۷۹، ۴۹۱،  
 ۵۷۰، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۲۸، ۷۱۳

۲۰۱، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۴۶، ۴۱۸، ۴۸۳، ۵۱۳،  
 ۵۶۷، ۶۱۰  
 سردار، ۴۲، ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۰۳،  
 ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۴،  
 ۴۸۲، ۴۸۹، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲  
 سرداران، ۴۲، ۴۹، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۸،  
 ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۹۹، ۴۷۵، ۴۸۶، ۴۸۹، ۵۰۰  
 سرمایه‌دار، ۷۴، ۱۶۶، ۷۳۳، ۷۷۳  
 سرمایه‌داران، ۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵،  
 ۲۳۷، ۲۴۵، ۷۳۳، ۸۲۷، ۸۴۲  
 سرمچار، ۵۳۲  
 سرمچاران، ۱۴۳  
 سلاح، ۵۹، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱،  
 ۱۴۷، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۸۴، ۱۹۵، ۲۱۲، ۲۳۴،  
 ۵۱۸، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۷۷، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۲۷، ۶۴۸،  
 ۶، ۲۰، ۴۳، ۴۶، ۵۴، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۷۴،  
 ۹۷، ۱۰۲، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۹۴،  
 ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۸، ۴۷۵، ۴۷۸،  
 ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۹،  
 ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۵۶، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰،  
 ۵۸۲، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵،  
 ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۳۰، ۷۰۵، ۸۰۱  
 سنیان، ۱۳، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۱۲  
 سیستانی، ۶، ۹، ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۵۱، ۵۴، ۵۵،  
 ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۸۱، ۸۲، ۱۰۸، ۱۵۴، ۱۷۸،  
 ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۴،  
 ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۲۰، ۴۳۵، ۴۹۶، ۵۰۰،  
 ۵۰۵، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۲۰، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۵۶  
 سیستانی‌ها، ۱۲، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۴،  
 ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۲۰،  
 ۲۴۸، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۵، ۴۹۶

## ۸۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

قانون اساسی، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۵۸، ۱۷۵،	طایفه، ۱۰، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳،
۱۷۶، ۱۷۷، ۲۱۹، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۸، ۴۹۸،	۲۴۴، ۴۸۲، ۴۸۹، ۴۹۵
۴۹۹، ۵۰۰، ۵۲۸، ۵۳۷، ۵۵۲، ۵۶۲، ۵۶۳،	عشایر، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸،
۵۶۴، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۳۹،	۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۷،
۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۲،	۱۴۸، ۱۶۳، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۸، ۴۸۹، ۵۶۹،
۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۴۳،	۶۴۹، ۷۱۵
۸۴۷، ۸۶۰، ۸۶۵، ۸۶۷، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۸۵،	عیدگاه، ۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۵۰۷، ۵۲۱، ۵۲۷
قبیله‌گی، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۸۶،	فداییان، ۸، ۹۴، ۱۴۳، ۱۶۰، ۱۶۵، ۳۷۶، ۵۳۳
قبیله، ۴۶، ۲۰۹، ۴۸۹،	فداییان خلق، ۵۳۳
قبیله‌ای، ۴۴، ۴۶، ۵۷، ۱۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۵،	فداییان سیستان و بلوچستان، ۸، ۱۶۰، ۱۶۵،
۴۹۶	۳۷۶
قزوین، ۱۳، ۲۲، ۳۵، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۵۱،	فرهنگ استبدادی، ۱۹، ۲۰، ۵۴۷، ۸۳۷، ۸۴۶
۷۷۰	فقر، ۱۲، ۳۹، ۴۵، ۶۶، ۷۲، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۷،
قشم، ۱۳، ۶۰۸، ۶۱۳، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۹،	۹۸، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۲۶، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۴،
قطنامه، ۱۱، ۱۳، ۱۲۶، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۲۰،	۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۲۱،
۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۷، ۶۰۸، ۶۱۳، ۶۱۶، ۶۲۳،	۲۲۵، ۲۵۷، ۵۰۸، ۴۹۵، ۴۸۶، ۴۸۳، ۴۷۹،
۶۲۴، ۶۲۶، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۴۷،	۵۶۹، ۵۶۷
قوم، ۶، ۵۴، ۵۵، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸،	فئودال، ۶۵۰، ۷۲۵
۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۹، ۱۹۳،	فئودال‌ها، ۵۸، ۵۹، ۱۰۸، ۱۶۱، ۱۸۳، ۱۸۴،
۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۹، ۲۴۲، ۴۸۲، ۴۹۴، ۵۲۶،	۲۱۶، ۲۱۷، ۲۴۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۵۱، ۷۲۳،
قومی، ۱۹، ۲۱، ۳۷، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹،	۷۲۶، ۷۲۵
۱۰۱، ۱۰۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲،	فئودالیزم، ۵۷، ۱۸۱، ۱۸۴،
۱۸۴، ۱۸۹، ۲۲۳، ۵۰۹، ۶۳۴، ۶۴۸، ۷۴۴،	قاچاق، ۷، ۹، ۳۷، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۶، ۵۸، ۵۹،
کپرنشین، ۸۸، ۲۲۴، ۴۸۹، ۵۳۲،	۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۹۵،
گُرد، ۳۲، ۵۹، ۱۳۵، ۱۶۴، ۲۲۰، ۵۳۳،	۱۰۵، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۵۹،
کردستان، ۸، ۱۹، ۳۱، ۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۰،	۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۳،
۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۹۷، ۲۰۱،	۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳،
۲۰۴، ۲۳۱، ۳۷۵، ۴۹۹، ۵۳۱، ۵۵۰، ۵۸۲،	۲۰۹، ۲۱۲، ۳۲۵، ۴۰۶، ۴۷۸، ۴۸۶، ۴۸۷،
۶۳۷، ۶۳۹، ۶۵۱، ۶۹۰، ۷۴۴،	۵۰۰، ۵۲۴، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۷،
کشتار، ۳۸، ۷۱، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۸۹، ۲۰۸،	۵۷۰، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۶۱۷، ۶۲۲، ۷۳۳،
۴۷۶، ۵۳۰، ۵۵۴، ۶۳۱، ۷۴۴،	

نمایه □ ۸۹۹

۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۵، ۷۴۵، ۷۵۵، ۷۵۷،  
 ۷۷۱، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۸، ۷۹۷، ۷۹۹،  
 ۸۰۴، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۵، ۸۱۸، ۸۴۸، ۸۶۴،  
 ۸۶۸، ۸۷۸، ۸۸۴، ۸۸۸  
 گزارش به موکلین، ۱۶، ۷۴۵، ۷۵۵، ۷۵۷،  
 ۷۷۱، ۷۷۵، ۸۰۴، ۸۸۴، ۸۸۸  
 گزارش‌ها، ۳۷، ۳۸، ۱۷۸، ۱۹۲، ۲۲۳  
 گنبد، ۱۴، ۴۰، ۴۸، ۱۵۸، ۱۷۶، ۱۹۷، ۲۱۵،  
 ۴۵۱، ۴۷۵، ۴۷۹، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۷۳  
 گنبد کاوس، ۱۵۸  
 مارکسیستی، ۸۱، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۵۷  
 مارکسیسم، ۸۴۰  
 مأموریت، ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۱، ۲۵، ۲۷،  
 ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۱۲۴،  
 ۱۴۲، ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲، ۴۷۵،  
 ۵۰۱، ۵۲۹، ۵۵۲، ۵۶۳، ۵۷۲، ۵۸۴، ۵۹۲،  
 ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۸، ۶۴۲، ۶۴۳،  
 ۶۶۰، ۶۷۸، ۶۹۶، ۷۰۳، ۷۳۴، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۴۲،  
 مأموریتی، ۳۵، ۳۷، ۶۴۸  
 مجاهدین خلق، ۶۹۳، ۷۳۱، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۲،  
 ۷۴۳، ۸۵۸  
 مجلس اعلای اهل سنت، ۱۲۱، ۱۲۲  
 محروم، ۳۸، ۸۳، ۸۷، ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۱۷۳، ۱۹۰،  
 ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۰، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۶۰،  
 ۷۸۱، ۸۲۲  
 محرومان، ۲۰۵، ۶۳۷  
 محلی، ۲۰، ۲۹، ۳۴، ۵۴، ۷۵، ۸۵، ۹۲، ۹۵،  
 ۹۷، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۹۴، ۲۰۵، ۲۰۷،  
 ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۵،  
 ۲۴۸، ۲۴۹، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۶

کفعمی، آیت الله کفعمی خراسانی، ۲۱، ۴۹،  
 ۶۴، ۱۵۸، ۱۵۵، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۲۶، ۵۵۳، ۵۵۹،  
 ۵۶۲  
 کمیته، ۵۳، ۸۷، ۸۸، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۶۱۲،  
 ۶۱۵، ۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۴۸  
 کنارک، ۷، ۱۰، ۴۴، ۴۸، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۴۰،  
 ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۱،  
 ۱۷۲، ۱۹۷، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۳۱۶،  
 ۴۴۸، ۵۵۸  
 گروه‌ها، ۳۷، ۳۸، ۵۱، ۵۲، ۷۰، ۱۱۸، ۲۲۳،  
 ۴۸۰، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۲۵،  
 ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۵۰، ۵۵۶، ۵۷۳، ۶۰۹، ۶۴۰،  
 ۷۷۳، ۷۷۴، ۸۲۳، ۸۴۳  
 گزارش، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵،  
 ۱۶، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۴۵، ۴۹، ۵۰،  
 ۵۴، ۶۰، ۶۳، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۹۳، ۹۷،  
 ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰،  
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸،  
 ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۱،  
 ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸،  
 ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳،  
 ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۴۸،  
 ۲۵۴، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۲۱، ۳۲۳،  
 ۳۳۹، ۳۷۰، ۳۹۳، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۱۸، ۴۲۲،  
 ۴۲۷، ۴۳۶، ۴۴۴، ۴۸۵، ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۱۲،  
 ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۹،  
 ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۷، ۵۴۴، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۵۷،  
 ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۶،  
 ۵۹۱، ۵۹۲، ۶۰۹، ۶۱۵، ۶۲۰، ۶۲۳، ۶۲۵،  
 ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۶، ۶۴۳، ۶۴۴،  
 ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۹۲، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۰

۹۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ملاها، ۱۶۷	۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۵، ۵۳۹، ۵۴۶، ۵۶۰، ۵۶۲
مولوی، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۴۶، ۴۹، ۶۴، ۸۲، ۱۰۸	۵۷۰، ۶۱۶، ۶۳۷، ۶۴۷، ۸۰۷، ۸۱۳
۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۶	مذهب، ۴۳، ۵۴، ۶۱، ۶۴، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۳
۱۷۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۵	۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۵۹، ۱۷۷
۲۳۱، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸	۱۷۹، ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۶
۳۵۰، ۳۷۰، ۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱	۲۳۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴
۴۹۸، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲	۴۹۱، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۹، ۵۵۸، ۵۶۴، ۵۶۸، ۶۳۷
۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۴، ۵۳۸	مذهبی، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۸، ۴۹
۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۵	۵۰، ۵۳، ۶۴، ۶۸، ۸۱، ۸۵، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۶
۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۳۱	۱۵۰، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۹
مولوی عبدالعزیز، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۴۹، ۶۴، ۸۲	۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۷، ۴۷۵
۱۰۸، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۷۶، ۱۷۸	۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۰، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۰۳
۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۴۱	۵۰۸، ۵۱۱، ۵۳۱، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۹
۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۳۵۰، ۳۷۰، ۴۷۵، ۴۹۰	۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۹۶، ۶۱۱
۴۹۱، ۴۹۸، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۱	۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۳
۵۱۲، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۴، ۵۵۰	۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۴
۵۵۳، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۹۴، ۵۹۵	۶۴۱، ۷۰۹، ۷۱۸، ۷۴۱، ۸۰۶
مولویها، ۱۲، ۴۶، ۸۲، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۱۳	مستضعف، ۳۲، ۹۶، ۹۹، ۱۷۳، ۲۰۳، ۲۰۵
۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۴۸، ۴۹۸، ۵۰۵	۲۰۸، ۲۱۰، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۵۸، ۷۷۳، ۷۹۷، ۷۹۸
۵۰۶، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۷، ۷۱۵	مستضعفان، ۳۲، ۳۳، ۱۷۴، ۲۰۶، ۲۰۹، ۶۹۱، ۷۰۰
مؤسسه کیهان، ۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۵۶۴	۷۰۲، ۷۰۳، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۳۲، ۷۵۶، ۸۱۵
۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۵، ۶۹۷، ۶۹۸	۸۱۶، ۸۳۱، ۸۳۵، ۸۳۸، ۸۵۶، ۸۷۵
۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶	مسلح، ۶۴، ۷۲، ۸۱، ۱۰۶، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۴۰
۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۳۵	۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۹۱
۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۸۲۸، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۶۱	۱۹۳، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۴۷، ۲۴۸
۸۱۷، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۸۱	۴۸۹، ۵۰۷، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۲
ناامنی، ۷، ۸، ۲۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰	۵۳۳، ۵۳۴، ۵۵۳، ۵۷۵، ۵۸۱، ۶۰۹، ۶۱۳
۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۸۶، ۱۹۶، ۵۷۱	۶۱۸، ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۳، ۷۸۹
ناآرامی، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۹، ۵۶۹، ۸۷۰	مسلحانه، ۷، ۲۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۶، ۱۴۱، ۲۰۲
ناآرامیها، ۱۹، ۲۰، ۲۷، ۱۶۷، ۳۱۶، ۴۹۳	۵۰۵، ۵۳۷، ۶۱۷، ۶۲۲، ۶۳۹، ۶۴۸، ۸۲۶
۶۱۳، ۶۴۵	ملا، ۱۱۳، ۵۹۵

## نمایه □ ۹۰۱

۶۳۲، ۶۹۷، ۷۲۰، ۸۲۲، ۸۲۵، ۸۴۰، ۸۴۳، ۸۵۶  
 ۸۸۴، ۸۷۰  
 نمایندهٔ امام، ۶، ۲۱، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۹، ۱۳۷،  
 ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۴۸، ۲۹۰، ۵۰۳، ۵۱۱، ۵۳۰،  
 ۵۵۲، ۵۶۲، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۴،  
 ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۷، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸،  
 ۷۶۲، ۷۷۲، ۸۴۹  
 نهاد، ۱۶۷، ۴۹۰، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۹۵، ۵۹۶، ۶۹۱،  
 ۶۹۶، ۸۴۲، ۸۷۵  
 نهادها، ۳۸، ۴۳۶، ۴۸۲، ۵۴۵، ۸۳۰، ۸۳۴، ۸۴۶  
 نهضت آزادی، ۱۲۶، ۵۳۱، ۵۷۲، ۷۱۹، ۷۲۷،  
 ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۷، ۷۵۶، ۸۱۴،  
 ۸۲۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۴، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۷۲  
 نهضت آزادی ایران، ۵۷۲، ۷۲۹، ۸۲۹، ۸۶۴،  
 ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۹، ۸۷۲  
 نهضت آزادی پشتونستان، ۱۲۶  
 نهضت مقاومت ملی، ۲۷  
 نیروهای انتظامی، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۹۴،  
 ۲۴۷، ۵۲۰، ۵۵۳، ۶۱۶  
 نیروهای سیاسی، ۷۹، ۵۶۴، ۸۵۹  
 نیروهای نظامی، ۱۰۹، ۱۴۶، ۴۷۸، ۴۹۲، ۶۲۴،  
 ۶۲۷  
 نیروی انتظامی، ۶۳۷  
 نیروی نظامی، ۷۳  
 وزارت کشور، ۷، ۱۱، ۴۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۴،  
 ۱۵۶، ۱۹۲، ۲۳۴، ۲۳۹، ۵۳۰، ۵۸۷، ۶۰۹،  
 ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۳،  
 ۷۳۹، ۷۴۲  
 وقایع، ۷، ۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۶۹، ۱۹۷،  
 ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۳۲۹، ۵۳۱،  
 ۶۱۸، ۶۲۹، ۶۳۹، ۷۱۰، ۷۱۲، ۸۲۶، ۸۴۹، ۸۶۸

نامه، ۱۷، ۳۰، ۸۳، ۹۹، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۹،  
 ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۰،  
 ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۹، ۵۳۰، ۵۷۸، ۵۹۶، ۶۱۰،  
 ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۵۱، ۶۹۷، ۷۰۸، ۷۱۰،  
 ۷۱۲، ۷۱۷، ۷۲۷، ۷۳۰، ۷۳۴، ۷۳۷، ۷۳۹،  
 ۷۷۱، ۷۷۷، ۷۸۲، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۹۱، ۷۹۲،  
 ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۲، ۸۱۳، ۸۶۱، ۸۶۲،  
 ۸۷۱، ۸۷۷  
 نخست‌وزیر، ۷، ۸، ۱۰، ۳۷، ۸۳، ۸۶، ۹۵، ۹۶،  
 ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳،  
 ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۴۹،  
 ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۹۲،  
 ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۸،  
 ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۳۸، ۳۸۰،  
 ۴۴۴، ۴۷۶، ۴۸۰، ۴۸۱، ۵۳۰، ۵۷۴، ۵۷۷،  
 ۵۷۹، ۶۰۹، ۶۳۷، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۱، ۶۸۷،  
 ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۷۲، ۷۷۴، ۷۷۹، ۸۰۴، ۸۰۵،  
 ۸۴۷، ۸۵۰، ۸۶۳  
 نخست‌وزیری، ۷، ۳۷، ۸۳، ۸۶، ۹۵، ۹۶، ۹۷،  
 ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹،  
 ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۹۲، ۱۹۸،  
 ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۳۰۷، ۳۱۳، ۴۷۶، ۵۳۰،  
 ۶۰۹، ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۷۴، ۷۷۹  
 نظامی، ۱۰، ۱۹، ۲۷، ۳۸، ۴۱، ۴۴، ۵۵، ۵۸،  
 ۵۹، ۶۲، ۷۰، ۷۳، ۷۹، ۸۷، ۹۵، ۱۰۴، ۱۰۵،  
 ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳،  
 ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۷۸،  
 ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۱۸، ۲۲۷،  
 ۲۲۸، ۲۳۵، ۴۴۸، ۴۷۶، ۴۸۰، ۴۸۶، ۴۸۹،  
 ۵۰۵، ۵۱۸، ۵۳۱، ۵۴۶، ۵۶۰، ۵۶۸، ۶۲۰

## ۹۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۲۰،  
 ۵۲۶، ۵۳۴، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵،  
 ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۴، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳،  
 ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱،  
 ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹،  
 ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۵،  
 ۶۹۸، ۷۱۱، ۷۱۳، ۸۰۸، ۸۵۰، ۸۵۶، ۸۶۴، ۸۷۵

هرمزگان، ۱۳، ۴۰، ۵۸۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۰،  
 ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۳،  
 ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹،  
 هیئت، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰،  
 ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۹۲، ۱۱۹،  
 ۱۶۴، ۱۶۵، ۲۰۰، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۹،  
 ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۴۷۵، ۵۰۰، ۵۰۱